۳

علم مفاهیم شناسی در قرآن



نویسنده: رسول ملکیان اصفهانی

بسم الله الرحمن الرحیم

علم مفاهیم شناسی در قرآن

نویسنده:

رسول ملکیان اصفهانی

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

علم مفاهیم شناسی در قرآن جلد سوم – حرف پ

مشخصات کتاب

سرشناسه:رسول ملکیان اصفهانی،۱۳۴۴

عنوان و نام پدیدآور:علم مفاهیم شناسی در قرآن جلد سوم – حرف پ/ رسول ملکیان اصفهانی

مشخصات نشر دیجیتالی:اصفهان:مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری:نرم افزار تلفن همراه و رایانه

تلفن همراه مولف : ۰۹۱۳۱۱۴۰۱۴۰

موضوع: علم – مفاهیم قرآنی

رده بندی کنگره : BP۶۵/۴/آ۵

رده بندی دیویی : ۳۷۲/۲۱ د۵۷۷آ ۱۳۹۰

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحیم

علم مفاهیم شناسی قرآن

۱–قرآن کتاب خداست که برای هدایت ناس وبشروانسان و مسلمان و مومنین و متقین نازل شده است ؛ و ازمعجزات جاویدان محسوب می شود ؛ چه انسانهای مومن و خدا جوئی که با معرفت و عمل به این کتاب آسمانی به سعادت رسیدند و چه دانشمندان بزرگی که درطول بیش از چهارده قرآن برای فهم و نشر معارف این کتاب کریم عمرخود را گذاشته اند. هرزمانی که ازاین کتاب می گذرد تازه هائی ازمعارف این کتاب الهی کشف می گردد و این جریان همچنان ادامه دارد. درپرتو این تلاشهای شایسته علومی زیادی ازمعارف و علوم قرآنی برای ما به یادگارباقی مانده است . که ازمهمترین آن می توان از تفسیرقرآن نام برد. این علم براساس مقدماتی ازعلوم است مثل مفردات قرآن.

شاید بتوان گفت علم مفاهیم شناسی قرآن حد واسط بین معنی کلمه (علم مفردات) و (علم تفسیر قرآن) است. علم مفاهیم شناسی قرآن یک علم جدیدی است که نه می توان علم مفردات قرآن آن را دانست زیرا فراترازآن است و نه می توان آن را علم تفسیرنامید زیرا اساسا با آن متفاوت است.

تفسیر به معنای «دانش تفسیر»، یعنی علمی که دارای ارکان مشهور علم (موضوع، مسائل، مبادی تصوری و تصدیقی) است و

تفسیر دارای موضوع، تعریف،هدف، فایده،

پیش انگاره ها (مبانی و مبادی) و ... است. ازاین رو، تفسیر از علوم مرتبط با قرآن به شمار می آید که بیش از هزار سال عمر دارد.

علم تفسیر به دانشی گفته می شود که انسان را با معانی و مقاصد آیات قرآن و منابع، مبانی، روش ها، معیارها و قواعد آن آشنا می سازد.

به عبارت دیگر، دانش تفسیر از چند بخش اساسی تشکیل می شود: ۱) مبانی تفسیر؛ ۲) قواعد تفسیر؛ ۳) منابع تفسیر؛ ۴) شرایط مفسر؛ ۵) سنجه های فهم تفسیر و معیارهای تفسیر معتبر؛ ۶) روش های تفسیری؛ ۷) گرایش ها (مکاتب) تفسیری.

موضوع علم تفسیر: آیات قرآن (سخنان الهی که در قالب وحی قرآنی بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم نازل شده است).

هدف دانش تفسیر: کسب توان استنباط صحیح از آیات قرآن.

فایده علم تفسیر: فهم مراد استعمالی (معانی آیات) و مراد جدّی خدا (مقاصد آیات).

۲–اگرمفاهیم قرآن خوب تبیین و توصیف شودمقدمه تفسیرخواهد شد و تفسیر قرآن از غنای بیشتری برخوردار خواهد شد. این دانش که مربوط به مجموعه دانشهای نوین زبانشناسی است می باشد . زبانشناسی بیشتر ناظر به کلام انسانی است که دردورهای مختلف شامل کلام های مقدس(کتابهای آسمانی) نیز شده است . زبان شناسی شامل: زبان شناسی نظری؛ آواشناسی ؛ واج شناسی ؛ واژه شناسی ؛ ساخت واژه ؛ نحو ؛ معناشناسی ؛ معناشناسی واژگانی ؛ معناشناسی آماری ؛ معناشناسی ساختاری ؛ سبک شناسی ؛ تجویز و توصیف ؛ کاربردشناسی ؛ زبانشناسی کاربردی ؛ اکتساب زبان ؛ زبان شناسی روان شناختی ؛ زبان شناسی جامعه شناختی ؛ زبان شناسی شناختی ؛ جامعه شناسی زبان ؛ زبان شناسی محاسباتی؛ زبان شناسی توصیفی ؛ زبان شناسی تاریخی ؛ زبان شناسی تطبیقی ؛ رده شناسی زبان ؛ دستور گشتاری ؛ریشه شناسی. و همچنین توجه به نظریات هرمنوتیک ومتودولوژی

می تواند تاثیرات خوبی درمباحث شناخت قرآن داشته باشد وفضاهای جدید تحقیقات قرآنی ایجاد نماید.

۳-اگر تفسیرما از پیشرفت مناسبی برخوردار نیست دلیل عمده آن این است که روی مقدمات تفسیر کارهای اصلی صورت نگرفته است . این مسئله برای هرکس که باتفسیرقرآن آشنا باشد بدیهی است. برای روشن شدن زوایای پنهان و آشکارقرآن بیش از ده هزارکتاب نوشته شده است ولی می توان به جرات گفت مسلمانان و بشرهنوزبه صورت کامل ازاین ذخیره الهی بهره لازم را نبرده است و استخراجات لازم راازاین گنج الهی نکرده است.

۴-بعضی آیات قرآن قرنها از نظر تفسیری هیچ پیشرفتی نداشته است .و مثل آن است که تفاسیر از روی هم بازنویسی کرده اند و اگر حرف تازه ای هم زده شده است بیشتر جنبه فرقه ای و گرایشی داشته که اکثرا به تاویل آیات و یا بهتر بگوئیم تفسیر به رای شده است.چگونه می توان یک آیه و یا یک سوره را خوب تفسیرکرد در صورتی که زوایای آشکار و پنهان کلمات خوب کالبد شکافی نشده باشد. برای آشکارشدن این مدعی تفاسیرقرآن را براساس قرون طبقه بندی کرده و سیرپیشرفت معانی و مفاهیم و تفاسیرآیات را درآن براساس استاندارهای علمی و روش های نوین بررسی کنید.

۵-متاسفانه در زمان معاصر که به این مسئله مهم یعنی مفاهیم آیات کمی توجه شده است بعضی آن را با شرح لغت اشتباه گرفته اند وکتابهائی به همین نام تالیف شده است واسم کتاب خود را مفا هیم قرآن گذاشته اند و حال آنکه اصلا به مفاهیم نپرداخته اند و یک مقداربیشتر از حد معمول از ترجمه لغت فرارفته اند و دراین زمینه مراکز

قرآنی وعلمی را نیز به اشتباه انداخته اند.

۶-علم مفردات یا واژه شناسی در قرآن دانشی است که در باره تک واژ ه های قرآنی از نظر ریشه اشتقاق لغوی و دلالت آن بر معنای مطلوب مناسب و نوع کاربرد آن در قران بحث می کند بدین منظور که هرگاه شخصی معنای واژه های قرآنی را نمی داند با مراجعه به کتابهای لغوی مانند مفردات راغب می تواند معنا و ریشه موارد اشتقاقی و نوع کاربرد آن را بشناسد . و حال آنکه علم مفاهیم شناسی قرآن درباره یک واژه و معنای آن درتمام حالات علمی و ادبی درقرآن بحث می کند با این توضیح تفاوت عمده و عمیق علم مفردات با علم مفاهیم تا حدودی روشن شد.

علم مفردات شاخه های فراوانی دارد که به بعضی از آنها اشاره می شود:

الف- دانش غریب القرآن

ب-معرب القرآن که در آن در مورد واژه هائی که از زبانهای دیگر به زبان قرآن وارد شده و به صورت عربی در آمده بحث می کند.

ج- اعراب القرآن در خصوص چگونکی اعراب الفاظ قرآن بحث می کند

د-مجازات قرآن انواع مجازهای به کار رفته در قرآن در این شاخه بحث می شود.

ه- وجوه و نظائر در قرآن

و بعضی دیگر از موضوعات علوم قرآن که بنوعی با مفردات قرآن سرو کار دارد.

دانشمندا ن بزرگی به تبیین واژه های قرآنی پرداخته اند و برخی از آنها کتابهائی را نیز تدوین نموده اند که تفصیل آنها در کتابهای رجال مانند : معجم الادباء ، تاریخ بغداد، فهرست ابن ندیم، اعلام زرکلی و .....آمده است.

برای آگاهی از این کتابها می توانید به مجله بینات

شماره هفت و نه مراجعه کنید که بیش از سیصد جلد کتاب معرفی شده است.

۷- مفاهیم قرآن به معنای تحقیق کامل و جامع در باره بنیان آشکارو نهان یک لغت است؛ وبررسی سابقه و شرح آن در کل مجموعه آیات قرآن است. و همچنین تمام کاربردهای علمی و ادبی آن را بررسی کردن است. واین تقریبا یک علم کاملا جدید درباره قرآن است. زیرا باید نقش یک مفهوم را در تمام قرآن درقالب یک کلمه و ارتباطات آن مشخص کرد.تحقیق درباره مفاهیم شناسی قرآن کارساده ای نیست وافراد باید صاحب تخصص های گوناگونی باشند. و بصورت گروهی کارکنند . مفهوم شناسی قرآن بعد ازآشنائی علوم ادبی و منطقی وفلسفی و عرفانی و تاریخی وفقهی و غیره برای محققین حاصل می شود. تازه این بررسی نقش یک کلمه و مفهوم درقرآن است ؛ حال آنکه اگرما خواستیم نقش مفهوم یک جمله و یا چند جمله و یا یک آیه و یا یک سوره را نسبت به یک جمله و یا چند جمله و یا یک آیه ویا یک سوره دیگربررسی کنیم ؛ ببینید چه نیروی انسانی دانشمند و چه سرمایه مالی هنگفت و چه تکنولوژی(ابررایانه) و امکانات نرم افزاری و علمی و سخت افزاری نیاز است. ولی به هرحال کاری است که باید درآینده نزدیک انشاء الله بشود.

۸-قران را می توان مثل قطعات متنوع هندسی (Magnets game) فرض کرد که به بی نهایت اشکال قابل تصوراست اگرشما به یک آجردریک ساختمان بسیاربزرگ و چند هکتاری توجه کنید و نقش این آجردرکل مجموعه را بررسی کنید یک تصورمفهومی بدست آورده اید که جایگاه ومعنای آن را درمنظومه

این ساختمان به شما نشان می دهد و تصور بود ونبود آن دراین منظومه به کل آن می تواند کمک کند و یا آسیب برساند. پس باید درنظرداشت هریک ازکلمات قرآن مفهومی دربردارد که باتمام کلمات و جملات قرآن ارتباط دارد ارتباطی که درطول تاریخ تفسیرقرآن کشف نشده است . و ازاین مبنا استنتاجات بسیاری می توان استخراج کرد که درلابلای بعضی از تفاسیرآمده است.

۹-البته شاید بتوان گفت مفاهیم قرآن یک رشته جدید در علوم و معارف قرآن است و مربوط به دوران معاصر است زیراکه بسیاری از علوم در حدود نیم قرن جدید تحولات جدی بخود گرفته اند. با استفاده ازابزارو امکانات جدید بویژه رایانه وبرنامه ریزی برای آن می توان به این علم دسترسی پیدا کرد. این علم بصورت رسمی هنوزوارد حوزه و دانشگاه نشده است و مطالب آن بصورت گسیخته درضمن مطالب دیگربیان می شود. هراستادی با توجه به شناخت نسبی خود از آن بحث می کند وبسیاری آن را بعنوان یک علم قرآنی نه می شناسند و نه قبول دارند. اینجانب بعد ازحدود سی سال آشنائی با علوم دینی و اسلامی وقرآنی و بعد تمرکزبرروی این موضوع (علم مفاهیم شناسی قرآن) وکشف آن در تفسیرشریف راهنما به این امرخطیرنائل شدم و خداوند رحیم افق نوردیدن آن را بمن نشان داد. و این چیزی بود که بصورت متفاوت در بعضی مکتوبات قرآنی با آن برخورد می کردم که خود داستانهای زیبا و دلنشینی دارد. خیلی دوست داشتم با قرآن مانوس باشم و روزانه چندین نوبت تلاوت داشته باشم ولی بعضی از مواقع یک کلمه و یا یک جمله قرآن و نقش آن

درکل قرآن فکرودل من را بخودش مشغول می کرد و ساعتها و روزها وقت مرا می گرفت و رهایم نمی کرد ؛ نمی توانستم از آن مفهوم کلمه و جمله و آیه دلم را جدا بکنم ؛ هرلحظه و زمانی که می گذشت رخ جدیدی از آن برایم کشف می شد ولی همیشه دوست داشتم یک راهی پیدا کنم که آن را به صورت علمی درمعرض دیگران قراردهم ؛ ولی عظمت کاروناداشتن ابزار و امکانات لازم من را از آن باز می داشت تا اینکه این توفیق نسبی برایم حاصل شد. و برای همین همیشه درحیرتم که قلب مقدس اشرف و اکرم واعظم انبیاء یعنی حضرت محمد مصطفی (ص) چگونه این حجم با عظمت معنوی را درسینه مبارکشان داشتند و آن را حمل می کردند. آری این کلمات و آیات الهی است که بی نهایت بارقابل استناد و استدلال و فیض جاری است و هنرنمائی می کند.کاری که ازعهده هیچ مجموعه و دستگاه علمی برنمی آید. کاریکه من انجام داده ام کاری است که اصل زحمت آن را دانشمندان اسلامی درتفسیرقیم راهنما انجام داد ه اند و من فقط آن را دیده و استخراج و تالیف کرد ه ام ؛ هرچند که قبل ازمن به این صورت کسی انجام نداده است.

۱۰–ازخوبیهای علم دردوران جدید این است که آنچه را درتصورذهن و یا کشف دل و یا توهم و یا خیال بود امروز می توان بصورت علم درآورد و به معرض نمایش و عموم گذاشت . شما نگاه کنید در زمان ما مسائلی حتی مثل طی الارض و روی آب راه رفتن ونامرئی شدن و صدها

نمونه از این دست به صورت علمی دسته بندی و طبقه بندی شده است. چه برسد به علومی که ازقواعد و ضوابط مثل تفسیرقرآن برخورداراست.

۱۱- بسیاری ازتفاسیر که دردوران قدیم نوشته شده است درمحدوده علم آموزی ودانش یک فرد و بسته به نوع کتابهای تفسیری و امکاناتی که دراختیارداشته و گرایش و هدفی که داشته است.درصورتیکه درزمان معاصرباید ازنوشتن تکراری و بیهوده این تفاسیرخودداری کرد و زیرنظرمجموعه ای ازاساتید ، تفسیرهمه جانبه نوشت.وحوزهای پژوهشی عظیمی به این امرمهم اختصاص یابد. امید است درآینده حوزه های علمی بزرگ و دانشگاههای بزرگ قرآنی درراستای آموزش و پژوهش های قرآنی بیش ازآن چیزی که امروزوجود دارد تاسیس شود.

۱۲- داشتن روش هدفمند و اصولی و رعایت آن درطول نگارش تفاسیرازنکات مهمی است که مفسرین باید رعایت کنند. زیرا مفسرین بزرگ قرآن بعضی ازموارد یک مفهوم را دریک جای قرآن به یک معنا گرفته اند و درجاهای دیگرقرآن از آن عدول کرده اند مثل آن است که یک جا در قرآن ما کلمه(صلوةَ) را به این شکل و درجاهای دیگرقرآن بصورت (صلاةَ) بنویسیم. اگرما توانستیم به معنای واقعی و مفهوم (روح) یا (امر) یا (امام) و ....درقرآن برسیم باید بااین ملاک واحد درکل قرآن به تحقیق بپردازیم.

۱۳-اگرخواستیم عظمت قرآن را درنظربگیریم باید اینطورتصورکرد که تمام عالم هستی دو بارتکرار شده است یکباربصورت عینی درعالم خارج و یکباربصورت مکتوب به صورت قرآن و اگرگفته عرفاء را به آن اضافه کنیم به این صورت استکه وجود انسان قرآنی (کامل) دو چهره دارد یکی به صورت عینی یعنی جهان خارج و دیگری بصورت مکتوب یعنی قرآن.

۱۴-قرآن کریم در آیه ی بیست و یکم

سوره ی حجر به سرچشمه و منبع موجودات و نزول معیّن آنها اشاره کرده، می فرماید:

(وَ إِن مِّن شَیْ ءٍ إِلَّا عِندَنَا خَزَآئِنُهُ وَمَا نُنَزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَّعْلُومٍ)

و هیچ چیزی نیست جز آن که منابعش نزد ماست؛ و [لی] جز به اندازه معیّن آن را فرو نمی فرستیم.

«خزائن» در اصل به معنای حفظ و نگه داری چیزی است و در اصطلاح به معنای محلی است که افراد، اموالشان را در آن گردآوری و حفظ می کنند.

این مفهوم در مورد انسان ها صادق است که قدرت محدود دارند و نمی توانند در هر عصری همه چیز را فراهم کنند، اما در مورد خدا تصور نمی شود.

پس خزاین الهی، یا به معنای «مقدورات الهی» است؛ یعنی همه چیز در منبع قدرت الهی جمع است و هر وقت بخواهد هر مقدار که لازم باشد ایجاد می کند و یا به معنای مجموعه ی اموری است که در عالم هستی و جهانِ ماده وجود دارند؛ مثل عناصر و اسباب، که در این مجموعه همه چیز فراوان است، اما هر موجود خاص آن به صورت محدود ایجاد می شود.

قرآن خداوند نیز ازهمین سنخ است که متصل به دریای بی کرانه وجود خداوند است و هروقت خداوند بخواهد مقداری از معنای آن را برای ما ایجاد می کند . و چهره کامل آن درزمان حکومت حضرت ولی عصر(عج) ظهور می کند. انشاء الله.

۱۵- قرآن کریم در آیه ی چهل و یکم سوره ی بقره با اشاره به رابطه ی قرآن با کتب آسمانی پیشین، چهار فرمان در مورد پاس داشت قرآن می دهد و می فرماید:

(وَآمِنُوْا بِمَا أَنْزَلْتُ مُصَدِّقاً لِمَا مَعَكُمْ وَلَا تَكُونُوا أَوَّلَ كَافِرٍ بِهِ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِی ثَمَناً قَلِيلًا وَإِيَّایَ فَاتَّقُونِ)

و به آنچه فرو

فرستادم (/ قرآن) ایمان آورید، در حالی که مؤید چیزی است که با شماست. و نخستین انکار کننده آن نباشید؛ و بهای اندک را با آیات من مبادله نکنید؛ و تنها (از عذاب) من (خودتان) را حفظ کنید.

خداوند می فرماید قرآن را ارزان نفروشید قدروقیمت وعظمت آن را دریابید و برای رسیدن به آن بهای لازم را بپردازید. هرآیه قرآن مثل عروسی بلند مرتبه ای است که تا بهای آن پرداخته نشود رخ نمی نماید بعضی ازموارد این بهاء به قیمت جان و حقیقت انسان است . کسانیکه خادم قرآن هستند باید همیشه این را مد نظرداشته باشند.

عروس حضرت قرآن نقاب آن گه براندازدکه دارالملک ایمان را مجرد یابد از غوغا

(سنائی)

-

۱۶- دراین قسمت برای اینکه وظیفه ما نسبت به قرآن مشخص شود سخن رهبرعظیم الشان انقلاب اسلامی دردنیای معاصرحضرت امام خمینی(ره) را می آورم: (جلد بیستم صحیفه امام خمینی(ره)- صفحه ۹۱ تا ۹۳- پیام به مردم زائران بیت الله الحرام به مناسبت ایام حج "مهجوریت حج ابراهیمی "):

(از انس با قرآن کریم ، این صحیفه الهی و کتاب هدایت ، غفلت نورزند که مسلمانان هر چه دارند و خواهند داشت در طول تاریخ گذشته و آینده ازبرکات سرشار این کتاب مقدس است . و از همین فرصت از تمامی علمای اعلام و فرزندان قرآن و دانشمندان ارجمند تقاضا دارم که از کتاب مقدسی که تبیان کل شی ءاست و صادر از مقام جمع الهی به قلب نور اول و ظهور جمع الجمع تابیده است ، غفلت نفرمایند. این کتاب آسمانی - الهی که صورت عینی و کتبی جمیع اسما و صفات و آیات وبینات است

و از مقامات غیبی آن دست ما کوتاه است و جز وجود اقدس جامع من خوطب به از اسرار آن کسی آگاه نیست و به برکت آن ذات مقدس و به تعلیم او خلص اولیای عظام دریافت آن نموده اند و به برکت مجاهدات و ریاضتهای قلبیه ، خلص اهل معرفت به پرتوی از آن به قدر استعداد و مراتب سیر بهره مند شده اند و اکنون صورت کتبی آن ،که به لسان وحی بعد از نزول از مراحل و مراتب ، بی کم و کاست و بدون یک حرف کم وزیاد به دست ما افتاده است ، خدای نخواسته مباد که مهجور شود و گر چه ابعاد مختلفه آن و در هر بعد مراحل و مراتب آن از دسترس بشر عادی دور است لکن به اندازه علم ومعرفت و استعدادهای اهل معرفت و تحقیق در رشته های مختلف ، به بیانها و زبانهای متفاوت نزدیک به فهم از این خزینه لایتناهای عرفان الهی و بحر مواج کشف محمدی -صلی الله علیه و آله و سلم - بهره هایی بردارند و به دیگران بدهند و اهل فلسفه و برهان بابررسی رموزی که خاص این کتاب الهی است و با اشارات از آن مسائل عمیق گذشته ،براهین فلسفه الهی را کشف و حل کرده ، در دسترس اهلش قرار دهند. و وارستگان صاحب آداب قلبی و مراقبات باطنی رشحه و جرعه ای از آنچه قلب عوالم از "ادبنی ربی " دریافت فرموده ، برای تشنگان این کوثر به هدیه آورند و آنان را مودب به آداب الله تا حد میسور نمایند. و متقیان تشنه هدایت بارقه

ای از آنچه به نور تقوا از این سرچشـمه جوشـان هـدی للمتقین هـدایت یـافته انـد، برای عاشـقان سوخته هـدایت الله به ارمغـان آورنـد. و بالاخره هر طایفه ای از علمای اعلام و دانشـمندان معظم به بعـدی از ابعاد الهی این کتاب مقدس دامن به کمر زده و قلم به دست گرفته و آرزوی عاشـقان قرآن رابرآورنـد و در ابعـاد سیاسـی ، اجتمـاعی ، اقتصادی ، نظامی ، فرهنگی و جنگ و صلـح قرآن وقت صـرف فرماینـد تـا معلوم شود این کتـاب سرچشـمه همه چیز است ؛ از عرفـان و فلسـفه تاادب و سـیاست ، تا بیخبران نگویند عرفان و فلسـفه بافته ها و تخیلاتی بیش نیست وریاضت و سـیر و سلوک کار درویشان قلندر است ، یا اسلام به سیـاست و حکومت و اداره کشور چه کـار دارد که این کار سـلاطین و روسای جمهور و اهل دنیاست . یا اسـلام دین صـلح و سـازش است و حتی از جنـگ و جـدال با سـتمکاران بری است . و به سـر قرآن آن آورنـد که کلیسای جاهل و سیاسـتمداران بازیگر به سر دین مسیح عظیم الشان آوردند.

هان ای حوزه های علمیه و دانشـگاههای اهل تحقیق ! بپاخیزیـد و قرآن کریم را ازشـرجاهلان متنسک و عالمان متهتک که از روی علم و عمد به قرآن و اسـلام تاخته ومی تازند، نجات دهید. و اینجانب از روی جد، نه تعارف معمولی ، می گویم از عمر به بـادرفته خود در راه اشـتباه و جهـالت تـاسف دارم . و شـما ای فرزنـدان برومنـد اسـلام ! حوزه ها ودانشـگاهها را از توجه به شئونات قرآن و ابعاد بسیار مختلف آن

بیدار کنید. تدریس قرآن در هر رشته ای از آن را محط نظر و مقصد اعلای خود قرار دهید. مبادا خدای ناخواسته در آخر عمر که ضعف پیری بر شما هجوم کرد از کرده ها پشیمان و تاسف برایام جوانی بخورید همچون نویسنده .

باید بدانیم حکمت آنکه این کتاب جاوید ابدی که برای راهنمایی بشر به هر رنگ و ملیت و در هر قطب و قطر، تا قیام ساعت نازل گردیده است ، آن است که مسائل مهم حیاتی را چه در معنویات و چه در نظام ملکی زنده نگه دارد و بفهماند که مسائل این کتاب برای یک عصر و یک ناحیه نیست .)

۱۷- منطق شیوه ی تفکر صحیح را می آموزد حال اگر کسی بخواهد اندیشه ها و تفکرات خود را به دیگری منتقل کند. یعنی بخواهد از آنچه در ذهن خودش می گذرد دیگری را آگاه سازد ناچار از سخن استفاده می کند، یعنی الفاظ را برای افاده ی مقصود خود به کار می برد.

مردم عادی چنین می پندارند که انسان نخست می اندیشند سپس اندیشه های خود را در قالب الفاظ بر زبان می آورد. اما با کمی دقت نظر معلوم می شود که اساساً تفکر بدون استعمال الفاظ امکان پذیر نیست. حتی وقتی که آدمی لب را از سخن فروبسته و به اندیشه فرورفته باشد، باز در واقع با یک سلسله الفاظ مخیّل به تفکر می پردازد و به قول حکما، گویی با خود «حدیث نفس» یا نجوا می کند، به همین جهت است که تفکر و تعقل را نطق باطن می نامند (در مقابل نطق ظاهر

که با الفاظ مسموع انجام می یابد) پرورش ذهنی و فکری آدمی و از قوه به فعل درآوردن استعدادهای معرفتی او جز به کار بردن لفظ امکان پذیر نیست. پس زبان اولاً توأم و همراه با اندیشه های درونی آدمی است. ثانیاً موجب انتقال دانش و فرهنگ و تمدن به دیگران است و آموزش و پرورش بدون استعانت از آن امکانپذیر نیست. همین نیاز مبرم آدمی به زبان موجب شده است که به وضع الفاظ بپردازد و در برابر هر معنایی لفظی را که نمایانگر آن معنی باشد قرار دهد.

چنانکه معلوم است هر لفظ مسموع صوتی است که در هوا پخش می شود و به سرعت محو می گردد. یعنی علامتی است فرار و ناپایدار که عمرآن لحظه ای بیش نیست و فقط هنگام رویارویی با دیگران بکار می رود. اما آدمی مایل است افکار و اندیشه ها و خواسته های خود را به مکانهای دور دست و به آیندگان و کسانی که با او رویاروی نیستند نیز برساند. به همین جهت به وضع الفاظ بسنده نکرده و یک سلسله علایم دیگر نیز وضع کرده که همان خط یا علایم مکتوب یا الفباست. علایمی به مراتب پایدارتر و ثابت تر از الفاظ، این علائم مکتوب را نشان و دال بر الفاظ قرار داده است.

بنابراین علایم مکتوب یا خط یا وجود کتبی دلالت بر حفظ، یعنی اصوات معین ، دارد. به عبارت مختصرتر وجود کتبی دال بر وجود لفظی است ، همانطور که وجود لفظی دال بر معنای ذهنی است و معنای ذهنی دال بر شیء خارجی.

وجود کتبی (علایم کتبی یا خطی) ـــ وجود لفظی

(علایم ملفوظ یعنی اصواتی که با اتکاء به مخارج حروف از دهان خارج می شود) – وجود ذهنی (معنی ذهنی یا صورت ذهنی) – وجود عینی (وجود خارجی یا شی خارجی)

به عبارت موجزتر شیء دارای چهار نحوه وجود است. وجود عینی و وجود ذهنی و وجود لفظی و وجود کتبی . از آنجا که نقش الفاظ در تفکرات آدمی تا این درجه است. منطق دانان در آغاز منطق مبحثی را نیز به الفاظ اختصاص می دهند و البته بحث آنها از الفاظ بحثی است بسیار کلی به نحوی که کم و بیش شامل همه زبانها می شود. بر خلاف بحث علمای دستورزبان که اختصاص بزبانی معین دارد.(علم منطق – رشته های نظری و علوم انسانی و معارف اسلامی)

براین اساس وجود لفظی و کتبی را اعتباری و وجود ذهنی و عینی را حقیقی می دانند.

اگربراین مبنا به قرآن رانگاه کنیم؛ فعالیتهای علمی و قرآنی ما ازچهارحالت خارج نیست:

الف-وجود لفظی قرآن که شامل روخوانی ؛ روان خوانی ؛ تندخوانی؛ صوت ولحن؛ علم تجوید ؛ انواع قرائات قرآنی؛ حفظ ظاهری قرآن؛و تمام فعالیتهائی که دراین حوزه لفظی قرآن می شود.

ب-وجود کتبی قرآن که شامل انواع رسم الخط ونوشتن قرآن ؛ چاپ قرآن؛ تمام کارهای هنری مربوط به قرآن.

ج-وجود ذهنی قرآن یعنی آنچه درذهن مردم مسلمان یا جامعه بشری یا مفسرومحقق قرآن وجود داردو بر روی آن تدبرو تفکرمی کند و آن را نشر وارائه می دهد.و شامل تمام تفاسیر و معارف و علوم قرآنی می شود.

د-وجود عینی قرآن که به دوصورت جلوه می کند یا بصورت فردی که دریک انسان قرآنی درخارج مصداق پیدا می کند و

حقیقی ترین آن امـام معصوم است که واقعیت قرآن و مظهرعینی کامـل قرآن درعالم خارج است و قرآن ناطق است و درزمان ما حضـرت امام ولی عصر(عج) می باشد ویا بصورت جمعی تجلی و ظهورپیدا می کند که جامعه اسلامی و قرآنی و حکومت اسلامی مهدویت است که انشاء الله درآینده ما شاهد و عامل آن خواهیم بود.

به هرحال هرکس که عالم وخادم قرآن باشد بصورت حصرعقلی ازیکی ازاین چهارقسم خارج نیست ؛ و کسیکه درحوزه علم مفـاهیم شناســی قرآن فعـالیت و تحقیـق و مطـالعه می کنــد دربخش سـوم (وجـود ذهنی) جایگـاه می یابـد ووقـتی درعرصــه نشرمکتوب می پردازد درجایگاه دوم (وجود کتبی) فعال است.

اگربخواهیم توضـیح مفصل دهیم که علم مفاهیم قرآن شناسی چیست ؟ باید کتابهای مستقلی تالیف گردد ؛ که امیدواریم این مهم درآینده نزدیک انجام گیرد.

۱۷-ما در اینجا براساس امکانات و ابزار و نرم افزارهای علمی بیش ازهزارتا از کلمات قرآن را مفهوم شناسی وبراساس حروف الفبـا اســتخراج کرده ایـم ؛ باشــد کـه انشـا ء الله در آینـده ایـن علـم(مفهـوم شناســی قرآنی) توسـعه لازم را بنمایـد. از بین تفاسیرتفسیرراهنما را ملاک قرارداده ایم که نسبت به تمام تفسیرهای قرآن بعضـی ازاسـتاندارهای لازم را دارد که می توانید ویژگیهـای آن را درمقـدمه آن تفسیرشایسـته و مهم بخوانیـد. بایـد توجه داشت که بعضـی ازکلمـات مشـترک لفظی و بعضـی ازآنها مشترک معنوی می باشـند ؛ وتعدادی ازکلمات نیز عربی وفارسی می باشد ؛ برای همین کسی که می خواهد مفهومی را بررسـی کند لازم است یکدورفهرست کلمات را بررسـی کند. . این مجموعه کتاب مفاهیم شناسـی قرآن بیشتربرای محققین و پژوهشگران قرآنی و کسانیکه

می خواهند پایان نامه حوزوی و دانشگاهی تالیف کنند ویا علاقه به مباحث عمیق قرآنی هستند می باشد.

حوزه علمیه اصفهان

رسول ملکیان اصفهانی

پا از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

پا

آثار گواهی اخروی پا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۲۵ – ۴

۴ – کیفر و پاداش اشخاص در قیامت و داوری درباره آنان ، بر پایه شهادت و گواهی اعضا و جوارح (زبان ، دست و پای) خود آنها خواهد بود .

یوم تشهد علیهم ألسنتهم . .. یومئذ یوفّیهم اللّه دینهم الحقّ

جمله <یومئذ یوفّیهم اللّه> استئناف بیانی است و پاسخ به این سؤال است که گواهی زبان، دست و پا بر اعمال انسان ها، برای چه منظوری است؟ پاسخ آیه شریفه این است که این گواهی، به منظور اعطای جزای کامل و عادلانه می باشد و این جزا بر پایه همین گواهی استوار است.

پا زدن ایوب(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۴۲ – ۱،۲

۱ – توصیه خداوند به ایوب (ع) ، مبنی بر کوبیدن پای خود بر زمین برای جوشیدن آب از آن

ارکض برجلك هذا مغتسل بارد و شراب

<رکض> در اصل به معنای زدن با پا است و هرگاه به راکب نسبت داده شود، به معنای راندن مرکوب و هرگاه به رونده نسبت داده شود، به معنای گام نهادن بر زمین خواهد بود (مفردات راغب). در آیه شریفه به قرینه <هذا مغتسل...>، به دست می آید که مقصود پای کوبیدن بر زمین برای جوشیدن چشمه و آب سرد از آن است.

۲ – جوشیدن آب سرد برای شستوشوی و نوشیدن

، بلافاصله پس از این بود که ایوب (ع) پای خود را بر زمین کوبید .

ارکض برجلک هذا مغتسل بارد و شراب

پوشش پا در حجاب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۳۱ – ۲۹

۲۹ – بر زنان مؤمن ، پوشاندن پا تا مچ و زینت های آن (مانند خلخال) واجب است .

و لایضربن بأرجلهنّ لیعلم ما یخفین من زینتهنّ

تهدید به قطع پا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۴۹ – ۹

۹ – ساحران مؤمن به موسی (ع) ، مورد تهدید فرعون به قطع دست و پا و کشیده شدن بر صلیب

لأُقطّعنّ أیدیکم و أرجلکم من خلف و لأُصلّبنّکم أجمعین

جانداران دو پا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۴۵ – ۶

۶ – بعضی از جانداران ، بر روی دو پا راه می روند .

و منهم من یمشی علی رجلین

قطع پا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۳۳ – ۱،۲،۳،۵،۲۴،۲۷

۱ محاربین و ستیزه جویان با خدا و رسول یا باید کشته شوند و یا به دار آویخته گردند و یا دست و پایشان از جهت مخالف بریده شود و یا تبعید گردند .

انما جزؤا الذین یحاربون اللّه و رسوله . .. او ینفوا فی الارض

۲ محاربین در صورت فسادانگیزی در جامعه ایمانی ، محکوم به یکی از حدود چهارگانه (قتل ، به دار آویختن ، قطع دست و پا و تبعید)

انما

جزؤا الذین یحاربون اللّه و رسوله . .. او ینفوا فی الارض

برداشت فوق بر این مبناست که واو عاطفه در <و یسعون> واو جمع باشد. یعنی حد ذکر شده از آن محاربی است که فسادگر باشد. تکرار نشدن <الذین> در <یسعون> مؤید این معناست.

۳ حدود چهارگانه (قتل ، به دار آویختن ، قطع دست و پا و تبعید) ، کیفری مناسب برای محاربان فسادگر

انما جزؤا الذین یحاربون اللّه و رسوله و یسعون فی الارض فساداً

<جزاء> در لغت به معنای کیفر و پاداشی است که کافی باشد.

۵ تبهکاران و فسادانگیزان جامعه ایمانی ، محکوم به یکی از حدود چهارگانه (قتل ، به دار آویختن ، قطع دست و پا و تبعید) *

انما جزؤا الذین یحاربون اللّه و رسوله و یسعون فی . .. او ینفوا من الارض

کلمه <فی الارض> بیانگر این است که مراد از <فساد>، فساد در جامعه است، نه فسادهای فردی. گفتنی است که در برداشت فوق <فسادگری> عنوانی مستقل از محارب گرفته شده است.

۲۴ قطع یک دست و یک پا از جهت مخالف ، مجازات محارب فسادگر در زمین ، در صورت غارت نمودن اموال بدون ارتکاب قتل

انما جزؤا الذین یحاربون اللّه . .. او تقطع ایدیهم و ارجلهم من خلف

از امام رضا(ع) درباره آیه فوق روایت شده: اذا حارب اللّه و رسوله و سعی فی الارض فساداً . .. و ان اخذ المال و لم یقتل قطعت یده و رجله من خلاف ... .

کافی، ج ۷، ص ۲۴۷، ح ۸; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۲۳، ح ۱۶۵.

۲۷ بریدن یک دست و یک پا از

جهت مخالف و سپس به دار آویختن ، کیفر ایجاد ناامنی در راه ها به همراه قتل و غارت اموال

انما جزؤا الذین یحاربون اللّه و رسوله . .. و ارجلهم من خلف

از امام جواد(ع) روایت شده که در پاسخ سؤال از حکم فسادگرانی که راه بر مردم بسته اند فرمود: . .. و ان کانوا اخافوا السبیل و قتلوا النفس و اخذوا المال امر بقطع ایدیهم و ارجلهم من خلاف و صلبهم بعد ذلک ... .

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۱۵، ح ۹۱; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۶۷، ح ۱۶.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۴ - ۲

۲ قطع یک دست و یک پا در جهت خلاف یکدیگر ، از کیفر های تعیین شده از سوی فرعون برای ساحران مؤمن به موسی (ع)

لأقطعن أیدیکم و أرجلکم من خلف

قطع پا در حکومت فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۹ - ۱۰

۱۰ - قطع یک دست و یک پا بر عکس یکدیگر ، از شکنجه های سخت نظام فرعونی برای مخالفان

لأُقطّعنّ أیدیکم و أرجلکم من خلف

گواهی اخروی پا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۴ - ۱،۲

۱ - شهادت و گواهی زبان ، دست و پای گنه کاران علیه آنان در قیامت

یوم تشهد علیهم ألسنتهم و أیدیهم و أرجلهم

۲ - اعضا و جوارح (زبان ، دست و پای) گنه کاران ، تمامی گفته ها و کرده های آنان را بازگفته و از هیچ

عمل خلافی ، فروگذار نخواهند کرد .

یوم تشهد علیهم ألسنتهم . .. بما کانوا یعملون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۶۵ – ۳

۳ – دست ها و پا های کافران ، در قیامت علیه آنان به سخن آمده و بر دستاوردهایشان ، گواهی خواهند داد .

تکلّمنا أیدیهم و تشهد أرجلهم بما کانوا یکسبون

محدوده مسح پا در وضو

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۶ – ۴۰،۴۱

۴۰ کفایت مسح قسمتی از پا و سر در وضو

و امسحوا برءوسکم و ارجلکم

امـام بـاقر(ع) در توضیـح آیه فوق فرمود: . .. ان المسـح ببعض الرأس لمکـان البـاء ثم وصل الرجلین بالرأس کما وصل الیـدین بالوجه ... فعرفنا حین وصلها بالرأس ان المسح علی بعضها ... .

کافی، ج ۳، ص ۳۰، ح ۴; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۹۶، ح ۷۰.

۴۱ حد مسح پا در وضو ، مفصل آن است .

إلی الکعبین

امام باقر(ع) در بیان معنای <کعبین> در آیه فوق فرمود: . .. ههنا یعنی المفصل دون عظم الساق ... .

کافی، ج ۳، ص ۲۶، ح ۵; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۹۸، ح ۷۳.

مسح پا در وضو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶ - ۱،۴،۵،۶

۱ وجوب شستن صورت و دست ها و مسح سر و پا ها (وضو) ، برای نماز

إذا قمتم إلی الصّلوه فاغسلوا وجوهکم و ایدیکم . .. و امسحوا برءوسکم و ارجلکم

۴ مسح پا تا برآمدگی روی آن ، از واجبات وضو

و امسحوا برءوسکم

و ارجلکم إلی الکعبین

۵ مسح پا تا قوزک های دو طرف آن ، از واجبات وضو

و امسحوا برءوسکم و ارجلکم إلی الکعبین

در برداشت فوق <کعب> به معنای قوزک پا گرفته شده است و تثنیه آمدن <کعبین> مؤید این معناست. زیرا هر پا دو قوزک دارد.

۶ در مسح پا باید همه آن مسح شود . *

و امسحوا برءوسکم و ارجلکم إلی الکعبین

منصوب بودن <ارجلکم> حکایت از آن دارد که باء تبعیض بر آن داخل نشده است، بلکه <ارجلکم> عطفِ بر محل <برءوسکم> شده و در حقیقت مفعول بدون واسطه برای <امسحوا> است.

پاداش از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

پاداش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۱ - ۱۳،۱۴،۱۶

۱۳ پاداش و جزایِ کردار آدمی در قیامت بر اساس عدل

ثمّ توفّی کلّ نفس ما کسبت و هم لا یظلمون

۱۴ ضرورت برپایی قیامت و معاد برای دریافت تمامی جزا ها و پاداش های اعمال *

و من یغلل یأت بما غلّ یوم القیمه ثمّ توفّی کلّ نفس ما کسبت و هم لا یظلمون

جمله <و هم لاـ یظلمون> (عدالت الهی)، پس از جمله <توفّی کلّ نفس ما کسبت>، بیانگر این است که ستم نشدن بر انسانها در گرو دریافت کامل جزا و پاداش اعمال آنان می باشد ; و این معنا تنها در قیامت تحقق می یابد.

۱۶ به مجازات رسیدن خیانتکاران در اموال امام در قیامت

و من یغلل یأت بما غلّ

امام صادق (ع): الغلول كلّ شیء غلّ عن الامام.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۰۵، ح ۱۴۸ ; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۲۴، ح ۲.

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۷۱ – ۴،۵،۷

۴ تضمین پاداش عملکرد مؤمنان ، از سوی خداوند

انّ اللّه لا یضیع اجر المؤمنین

۵ ایمان ، شرط ضایع نشدن پاداش عمل

انّ اللّه لا یضیع اجر المؤمنین

آوردن اسم ظاهر <المؤمنین> به جای ضمیر، بیانگر این است که پاداش عملکرد مجاهدان مشروط به ایمان آنان است.

۷ شادمانی شهیدان از اینکه خداوند اجر مؤمنان را تباه نمی سازد .

یستبشرون بنعمه . .. انّ اللّه لا یضیع اجر المؤمنین

جمله <ان اللّه>، عطف بر کلمه <نعمه> است ; یعنی <یستبشرون بان اللّه لا یضیع>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۷۲ – ۹،۱۰،۲۱

۹ تفاوت مؤمنان مجاهد ، از نظر عملکرد و پاداش

لا یضیع اجر المؤمنین. الّذین استجابوا للّه ... للّذین احسنوا منهم و اتّقوا اجر ع

اگر <الّذین> صفت برای <المؤمنین> باشد، مؤمنان به دو گروه تقسیم شده اند: آنان که دعوت پیامبر (ص) را برای جهاد پذیرفتند، ولی از تقوا و احسان لازم برخوردار نبودند; و آنان که دعوت را پذیرفتند و دارای احسان و تقوا نیز بوده اند. <اجر عظیم>، مخصوص گروه دوّم است و به دلیل <انّ اللّه لا ـ یضیع اجر المؤمنین>، گروه اول نیز دارای پاداش هستند; امّا نه پاداش عظیم.

۱۰ تقوا و نیکوکاری ، مایه ازدیاد پاداش مجاهدان مؤمن

للّذین احسنوا منهم و اتّقوا اجر عظیم

۲۱ پاداش بزرگ امیرالمؤمنین (ع) به خاطر احسان و تقوا و اجابت خدا و پیامبر (ص) پس از مجروح شدن در جنگ احد

الّذین استجابوا للّه و الرّسول . .. اجر عظیم

امام صادق

(ع): انّ رسول اللّه بعث عليّاً فی عشره <استجابوا للّه و الرّسول من بعد ما اصابهم القرح> الی <اجر عظيم>. انّما نزلت فی اميرالمؤمنين (ع).

تفسير عياشی، ج ۱، ص ۲۰۶، ح ۱۵۳ ; تفسير برهان، ج ۱، ص ۳۲۶، ح ۴.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۹ - ۲۶

۲۶ استحقاق اجر عظيم الهی ، در گرو ايمان به خدا و رسول و پرهيز از مخالفت با آنان

و ان تؤمنوا و تتّقوا فلكم اجر عظيم

چون كلمه <اجر>، ظهور در پاداش استحقاقی دارد، در برداشت فوق، كلمه استحقاق آورده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۵ - ۳،۴،۵،۷،۲۱

۳ دريافت سزای كامل اعمال ، تنها در روز قيامت است .

و انّما توفّون اجوركم يوم القيمه

۴ محاسبه دقيق اعمال انسان و جزای عادلانه آن در قيامت

و انّما توفّون اجوركم يوم القيمه

<توفّون> (اعطای پاداش كامل و تمام در مقابل عمل)، حكايت از محاسبه دقيق اعمال دارد و نيز حاكی از عدالت در پرداخت پاداش است.

۵ دريافت برخی از پاداش ها و جزای اعمال در غير قيامت (دنيا و برزخ) *

و انّما توفّون اجوركم يوم القيمه

كلمه <انّما>، دريافت كامل پاداش و جزا را منحصر به روز قيامت می كند، لذا مفهوم آن، دريافت برخی از جزا و پاداش در غير روز قيامت است و مراد از غير قيامت، می تواند دنيا و يا برزخ و يا هر دو باشد.

۷ برخورداری از بهره های اخروی ، نتیجه اعمال دنیوی انسان

و انّما توفّون اجورکم یوم

القیمه

۲۱ بهره های دنیا در برابر پاداش های کامل اخروی اعمال ، فریبی بیش نیست .

و انّما توفّون اجورکم یوم القیمٰه . .. و ما الحیوه الدّنیآ الّا متاع الغرور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۴ - ۲،۳،۵،۱۰

۲ خداوند ، نویددهنده پاداش به خردمندان مؤمن

ربّنا و اتنا ما وعدتنا علی رسلک

۳ پیامبران ، واسطه خداوند در نوید پاداش به خردمندان

اتنا ما وعدتنا علی رسلک

۵ نوید پاداش به خردمندان مؤمن از سوی خداوند ، پرتوی از ربوبیّت او

ربّنا و اتنا ما وعدتنا علی رسلک

۱۰ ترغیب مؤمنان از سوی خداوند به دعا و درخواست پاداش های موعود وی

ربّنا و اتنا ما وعدتنا علی رسلک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۵ - ۷،۸،۱۴،۱۸،۱۹،۲۰،۲۱،۳۴،۳۵

۷ خداوند ، هرگز عمل مؤمن را ضایع نکرده و وی را از پاداش اعمالش بهره مند خواهد کرد .

انّی لا اضیع عمل عامل منکم

خطاب <منکم> می رساند که اگر انجام دهنده اعمال نیک مؤمن باشد، عمل او ضایع نخواهد شد و در دنیا و آخرت به ثمر خواهد نشست.

۸ برقراری نظام پاداش عمل و تباه نشدن اعمال خیر ، پرتوی از ربوبیّت خداوند

فاستجاب لهم ربّهم انّی لا اضیع عمل عامل منکم

۱۴ در پیشگاه خداوند ، بین زن و مرد در برخورداری از نتایج اعمال ، تفاوتی نیست .

انّی لا اضیع عمل عامل منکم من ذکر او انثی

۱۸ یکسانی زن و مرد در ماهیّت و حقیقت انسانی ، فلسفه تساوی آنان در برخورداری از اجر و پاداش

اعمال نیک

انّی لا اضیع عمل عامل منکم من ذکر او انثی بعضکم من بعض

۱۹ بخشش گناهان و دخول در بهشت ، پاداش بزرگ الهی ، برای هجرت ، آوارگی ، آزار دیدن در راه خدا و جهاد و شهادت

فالّذین هاجروا و اخرجوا من دیارهم و اوذوا فی سبیلی و قاتلوا و قتلوا لاکفّرنّ عنه

۲۰ آمرزش گناهان و بهشت ، پاداش خداوند به هجرت کنندگان از شرک و کفر *

فالّذین هاجروا و اخرجوا من دیارهم . .. لاکفّرنّ عنهم سیّاتهم و لادخلنّهم جنّات

می توان گفت مراد از هجرت به قرینه ادامه آیه (اخرجوا من دیارهم)، هجرتی است که رانده شدن از خانه و کاشانه را در پی داشته باشد. و این هجرت همان ترک شرک و کفر است.

۲۱ پاداش مهاجران ، آوارگان ، آزاردیدگان در راه خدا ، مجاهدان و شهیدان ، تضمین شده از سوی خداوند

انّی لا اضیع عمل عامل منکم . .. فالّذین هاجروا و اخرجوا من دیارهم و اوذوا فی سبی

لام قسم و نون تأکید در <لاکفّرنّ> و در <لادخلنّ> دلالت بر تأکید و تضمین پاداش دارد.

۳۴ ضایع نشدن اعمال مؤمنان و ثمردهی آن ، به بهره مندی از پاداش های الهی (مغفرت و بهشت) است .

انّی لا اضیع عمل عامل . .. ثواباً من عند اللّه

۳۵ بهشت و آمرزش گناهان ، پاداش نیک خداوند

لاکفّرنّ . .. و لادخلنّهم ... ثواباً من عند اللّه و اللّه عنده حسن الثّواب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۹۸ – ۱۴،۱۵،۱۶

۱۴ بهترین پاداش الهی ، از آنِ ابرار و

نیکان است .

و ما عند اللّه خیر للابرار

برداشت فوق بر این مبناست که <للابرار>، خبر دوّم برای <ما>ی موصوله باشد، نه متعلّق به <خیر>.

۱۵ پاداش ابرار ، پاداشی عظیم ، توصیف ناپذیر و برتر از بهشت و مواهب آن می باشد .

و ما عند اللّه خیر للابرار

مراد از <ما عند اللّه>، می تواند پاداشی غیر از بهشت و مواهب آن باشد و بیان آن به صورت مبهم، حاکی از عظمت و وصف ناپذیری آن است.

۱۶ پاداش اصلی و برتر نیکان و ابرار ، در پیشگاه خداوند است .

و نزلا من عند اللّه و ما عند اللّه خیر للابرار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۹ - ۲۰،۲۵،۲۷

۲۰ آن گروه از اهل کتاب که به خدا ، قرآن و کتب آسمانی خویش ایمان آورند ; از پاداشی ویژه و والا بهره مند خواهند شد .

اولئك لهم اجرهم عند ربّهم

کلمه <عند ربّهم>، توصیف <اجرهم> است و می رساند که آن پاداش، پاداشی ویژه و ارزشمند است.

۲۵ خداوند پاداش مؤمنان را بدون تأخیر ، به آنان عطا خواهد کرد .

لهم اجرهم عند ربّهم انّ اللّه سریع الحساب

یادآوری سرعت حسابرسی پس از بیان پاداش دهی، بیانگر آن است که اعطای اجر از سوی خداوند، با تأخیر در حسابرسی مواجه نخواهد شد.

۲۷ پاداش مؤمنان از سوی خداوند ، بر اساس درجه ایمان و عملکرد آنان است .

اولئك لهم اجرهم . .. انّ اللّه سریع الحساب

اگر پاداش بر اساس عملکردها نبود، حسابرسی معنا نداشت ; و با توجّه به مشاراليه <اولئك> معلوم می شود که هم ايمان

و هم عملکرد مؤمنان، موجب استحقاق پاداش برای آنان شده است.

آثار ایمان به پاداش اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۵ - ۸

۸ - ایمان به قیامت و پاداش و کیفر آن روز ، عامل رهایی انسان از دلبستگی به متاع های مادی و دنیوی و سبب رویکرد او به آرمان های بلند معنوی و اخروی

إنّما أمولکم و أولدکم فتنه و اللّه عنده أجر عظیم

آثار پاداش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۵ - ۶

۶ - کیفر و پاداش و تشویق و تهدید ، دو عامل بهم پیوسته و ضروری ، برای هدایت و تربیت انسان

ذوقوا فتنتکم . .. إنّ المتقین فی جنّت

خداوند، در کنار تهدید و کیفر کافران، به تشویق و پاداش مؤمنان تقواپیشه پرداخته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳۴ - ۶

۶ - مقرر کردن < کیفر و پاداش > و < تنبیه و تشویق > ، دو روش هدایتی و تربیتی قرآن

کذلک العذاب و لعذاب الأخره أکبر . .. إنّ للمتّقین عند ربّهم جنّت النعیم

آثار پاداش اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۸ - ۱۸

۱۸ - < قال أبوعبـدالله (ع) اللّه راض عن المؤمن فى الـدنيا و الآخره و المؤمن و إن كان راضـياً عن اللّه فإنّ فى قلبه ما فيه لما يرى فى هذه الدنيا من التمحيص فإذا عاين الثواب يوم القيامه رضى عن اللّه الحقّ حقّ الرضا و هو

قوله < و رضوا عنه > و قوله < ذلک لمن خشی ربّه > أی أطاع ربّه ;

امام صادق(ع) فرمود: خداوند از مؤمن در دنیا و آخرت راضی است و مؤمن، گرچه از خدا راضی است; ولی در قلب او چیزهایی است به جهت آنچه به عنوان تمحیص (به سختی ها گرفتار ساختن برای امتحان و پاکی از گناه) در دنیا می بیند. پس چون پاداش اخروی را در قیامت مشاهده کند، از خداوند که حق است به طور کامل خشنود خواهد شد و این [معنای] سخن خداوند است <و رضوا عنه> و [اما این] گفته خداوند <ذلک لمن خشی ربّه>; یعنی، [این برای کسی است که] پروردگارش را اطاعت کند>.

آثار پاداش انفاقگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۲۰ - ۱۲

۱۲ - پاداش انفاق گرانِ باتقوا ، مایه رشد و کمال آنان و برخاسته از ربوبیت و مقام والای خداوند است .

ربّه الأعلی

آثار پاداش متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۲۰ - ۱۲

۱۲ - پاداش انفاق گرانِ باتقوا ، مایه رشد و کمال آنان و برخاسته از ربوبیت و مقام والای خداوند است .

ربّه الأعلی

آثار توقع پاداش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۹ - ۴

۴ - چشمداشت مادی و معنوی از مردم در برابر انفاق و ایثار ، ناسازگار با اخلاص

إنّما نطعمکم لوجه اللّه لانرید منکم جزاءً و لا شکورًا

آثار ذکر پاداش اخروی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸

- رحمن - ۵۵ - ۴۷ - ۴

۴ - توجه به پاداش های مهم اخروی خداوند ، برای بیم دارندگان مقام پروردگار ، زمینه پرهیز از کفر و تکذیب است .

و لمن خاف مقام ربّه جنّتان . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۹ - ۹

۹ - اعتقاد به قیامت و توجه داشتن به کیفر و پاداش الهی در آن ، موجب تقویت روح تقواپیشگی در انسان

و اتّقوا اللّه الذی إلیه تحشرون

یادآوری حشر انسان ها در قیامت پس از توصیه به تقوا می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

آثار ذکر تضمین پاداش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۵ - ۱۱

۱۱- توجه مؤمنان به ضایع نشدن مجاهدت ها و اعمالشان نزد خداوند ، مایه استواری آنان بر طریق جهاد

فلاتهنوا . .. و اللّه معکم و لن یترکم أعملکم

از تذکر خداوند، به مؤمنان (لن یترکم أعمالکم) پس از نهی <لاتهنوا و . ..>، دانسته می شود که توجه به ضایع نشدن اعمال، پشتوانه جهاد و استقامت در راه خدا است.

آثار غفلت از پاداش اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۳ - ۵

۵ - غفلت از نظام ثبت و حسابرسی دقیق اعمال و کیفر و پاداش اخروی ، عامل بیگانگی کافران با اعمال نیک و آلودگی آنان به کردار های بد و ناشایست

بل قلوبهم فی غمره من هذا . .. هم لها عملون

آثار یأس از پاداش اخروی

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۱۸ – ممتحنه – ۶۰ – ۱۳ – ۹

۹ – معتقدان به آخرت اما مأیوس از ثواب اخروی مانند کافران ، بی اعتقاد به رستاخیزاند .

قد يئسوا من الأخره كما يئس الكفّار من أصحب القبور

در صورتی که مقدر آیه چنین باشد: <قد يئسوا من ثواب الآخره. ..>; استفاده می شود که معتقدان به معاد ولی ناامید از ثواب اخروی همچون کافرانی اند که اصولاً از زنده شدن دوباره مأیوس اند.

آخرت محل پاداش

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۲۳ – ۱۲

۱۲ دنیا ، سرای تلاش است و جهان پس از مرگ ، برای کیفر و پاداش می باشد .

إذا هم يبغون . .. متع الحيوه الدنيا ثم إلينا مرجعكم فننبئكم بما كنتم تعملون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۲۷ – ۱

۱ دنیا سرای تلاش و آخرت سرای کیفر و پاداش است .

للذين أحسنوا الحسنى . .. و الذين كسبوا السيئات جزاء سيئه بمثلها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱۱۱ – ۱۰

۱۰– دنیا ، میدان عمل و آخرت صحنه دریافت پاداش و کیفر است .

يوم تأتى . .. و توفّى كلّ نفس ما عملت

آرزوی پاداش عمل صالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۹ - ۴

۴ - کافران ، در آرزو و انتظار نتیجه اعمال نیک خویش اند .

و الذین کفروا أعملهم کسراب بقیعه یحسبه الظمأن ماء حتّی إذا جاءه لم یجده

شیئًا

این برداشت، از تشبیه سراب به دست می آیـد; زیرا همان گونه که فرد تشـنه در انتظار آب به سـر می برد و هر چه تلاش می کنـد، جز شـبه آب (سـراب) چیزی نمی بینـد; کافران نیز در انتظار نتیجه اعمال خود به سـر می برنـد; هر چنـد به آن نخواهند رسید.

آگاهی از پاداش اخروی هجرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۱ - ۱۴،۱۵

۱۴- آگاه شدن از فواید دنیوی هجرت در راه خدا و پاداش اخروی آن ، مورد تمنی خداوند

و الذین هاجروا . .. لو کانوا یعلمون

از جمله معناها و استعمالهای <لو> تمنی است و برداشت فوق بر این اساس است.

۱۵- آگاهی از ثمرات دنیوی هجرت در راه خدا و پاداش اخروی آن ، امری در حد ناممکن است .

و الذین هاجروا فی الله . .. و لأجر الأخره أکبر لو کانوا یعلمون

برداشت فوق، بنابر امتناعی بودن <لو> و یا تمنی بودن آن است و <لو تمنی> در جایی استعمال می شود که مورد، محال و یا در حکم محال باشد.

اجتناب از پاداش عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۰ - ۶

۶ - ندادن جزای کامل عمل ، ظلم است .

و هم لایظلمون . و وفّیت کلّ نفس

اختصاصی بودن پاداش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۴ - ۳،۴،۵

۳ - پاداش اخروی اعمال نیک ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق و یعقوب (ع) اختصاص به خود ایشان دارد و دیگران از آن بهره ای

نخواهند برد .

تلک أمه قد خلت لها ما کسبت

تقدیم <لها> بر <ما کسبت> گویای حصر است. بنابراین <لها ما کسبت>; یعنی، دستاورد آنان تنها از آن ایشان و به سود خودشان است.

۴ - بهره مند شدن یهود از پاداش فضیلت ها و اعمال شایسته پیامبرانی چون ابراهیم ، اسحاق و . . . از باور های ناصواب یهود

تلک أمه قد خلت لها ما کسبت و لکم ما کسبتم

از اینکه خداوند در خطاب به یهودیان این حقیقت را یادآور می شود که دستاوردهای پیامبران نصیب دیگران نخواهد شد، می توان به برداشت فوق دست یافت.

۵ - هر فرد و امتی از پاداش اعمال نیک خویش بهره مند خواهند شد .

لها ما کسبت و لکم ما کسبتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۱ - ۳،۵،۶

۳ - پاداش اخروی اعمال نیک ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق و یعقوب (ع) اختصاص به خود ایشان دارد و دیگران از آن بهره ای نخواهند برد .

تلک أمه قد خلت لها ما کسبت

تقدیم <لها> بر <کسبت> گویای حصر است. بنابراین <لها ما کسبت>; یعنی، دستاورد آنان تنها از آنِ ایشان و به سود خودشان است.

۵ - هر فرد و امتی از پاداش اعمال نیک خویش بهره مند خواهد شد .

لها ما کسبت و لکم ما کسبتم

۶ - نتیجه عمل هر کس و هر جامعه ای از آنِ خود اوست و باید به او بازگردانده شود .

لها ما کسبت و لکم ما کسبتم

اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۱ - ۱

۱- خداوند

، به مسلمانهایی که مورد ستم واقع شده و به خاطر او هجرت کردند ، جایگاه و مکانی شایسته در دنیا و پاداشی بس بزرگ تر در آخرت عطا می کند .

و الذین هاجروا فی الله من بعد ما ظلموا لنبوّئنّهم فی الدنیا حسنه و لأجر الأخره أ

<فی> در <فی الله> به معنـای <لام> و برای تعلیـل است. بنـابراین معنای عبارت <هجرت برای کسب رضای خداونـد> است.

ارزش پاداش اخروی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۴۸ – ۶

۶ ارزش والای پاداش های خداوند در آخرت نسبت به ارزش های او در دنیا

فاتیهم اللّه ثواب الدّنیا و حسن ثواب الاخره

در مورد ثواب آخرت، کلمه <حسن> اضافه شده است تا بیان کند که پاداش اخروی نسبت به پاداش دنیوی، دارای مزیّت و برتری خاصّی است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۶۹ – ۱۵

۱۵ ناچیزی بهرهوری ها و لذایذ زندگی دنیوی ، در مقایسه با ثواب ها و ارزش های اخروی

فاستمعتوا بخلقهم . .. أولئک حبطت أعملهم ... و أولئک هم الخسرون

بـا اینکه کـافران و منافقـان در دنیـا بهره منـد بوده انـد، خداونـد ایشان را زیانکار واقعی معرفی می کنـد; زیرا لذایـذ دنیویشان محدود بوده و از ثوابهای اخروی بی بهره اند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۵۷ – ۱،۵

۱ پاداش های اخروی ، برتر و بهتر از پاداش های دنیوی است .

لانضیع أجر المحسنین. و لأجر الأخره خیر

۵ دستیابی به اقتدار و سلطنت در زمین ، در

قیاس با پاداش های اخروی ناچیز است .

كذلك مكّنّا ليوسف فی الأرض . .. و لأجر الأخره خير

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۳۰ – ۱۲

۱۲– پاداش های اخروی ، بهتر از پاداش های دنیوی است .

للذين أحسنوا فی هذه الدنيا حسنه و لدار الأخره خير

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۶۱ – ۶

۶ – متاع دنیوی ، متاعی ناچیز در قیاس با پاداش های اخروی

أفمن وعدنه وعدًا حسنًا . .. كمن متّعنه متع الحيوه الدنيا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۸۰ – ۵

۵ – ارزش برتر پاداش های اخروی نسبت به امکانات دنیوی

ثواب اللّه خير

ارزش پاداش اخروی محسنان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۳۰ – ۱۱

۱۱– پاداش اخروی محسنان ، بسی بهتر از پاداش دنیوی آنان است .

للذين أحسنوا فی هذه الدنيا حسنه و لدار الأخره خير

اگر چه در آیه سخنی از پاداش اخروی به میان نیامده است، اما جمله <و لدار الأخره خير> که برتری سرای اخروی را می

رسانـد به قرینه <فی هـذه الدنیا حسـنه> (برای محسـنان در دنیا حسـنه ای است) می تواند مشـعر به این نکته باشد که: پاداش حیات اخروی برتر است.

ارزش پاداش دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۸ - ۶

۶ ارزش والای پاداش های خداوند در آخرت نسبت به ارزش های او در دنیا

فاتیهم اللّه ثواب

الدّنیا و حسن ثواب الاخره

در مورد ثواب آخرت، کلمه <حسن> اضافه شده است تا بیان کند که پاداش اخروی نسبت به پاداش دنیوی، دارای مزیّت و برتری خاصّی است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۵۷ – ۱

۱ پاداش های اخروی ، برتر و بهتر از پاداش های دنیوی است .

لانضیع أجر المحسنین. و لأجر الأخره خیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۳۰ – ۱۲

۱۲– پاداش های اخروی ، بهتر از پاداش های دنیوی است .

للذین أحسنوا فی هذه الدنیا حسنه و لدار الأخره خیر

ارزش پاداش دنیوی محسنان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۳۰ – ۱۱

۱۱– پاداش اخروی محسنان ، بسی بهتر از پاداش دنیوی آنان است .

للذین أحسنوا فی هذه الدنیا حسنه و لدار الأخره خیر

اگر چه در آیه سخنی از پاداش اخروی به میان نیامده است، اما جمله <و لدار الأخره خیر> که برتری سرای اخروی را می رساند به قرینه <فی هذه الدنیا حسنه> (برای محسنان در دنیا حسنه ای است) می تواند مشعر به این نکته باشد که: پاداش حیات اخروی برتر است.

ارزش پاداش مضاعف

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۶ - ۴

۴ پرداخت پاداش افزون بر استحقاق ، کاری است شایسته و ارزشمند .

للذین أحسنوا الحسنی و زیاده

ازدیاد پاداش صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳ - ۱۱

۱۱ هر کس

دارای اعمال صالح بیشتری باشد ، از ناحیه خداوند پاداش افزون تری دریافت خواهد کرد .

و یؤت کل ذی فضل فضله

مقصود از <فضل> عمل خیر افزون بر دیگران است و ضمیر در <فضله> به <کل> باز می گردد.

ازدیاد پاداش عمل صالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۰ - ۸

۸- زیبا و بهینه انجام دادن عمل صالح ، ملاکی برای کسب و دریافت پاداش بیشتر از جانب خداوند است .

إنّا لانضیع أجر من أحسن عملاً

ممکن است که <أحسن عملاً> وصفی زاید بر عمل صالح باشد، بدان معنا که ممکن است کسی، عمل صالح انجام دهد، ولی نه بر وجه شایسته و بهینه، و در مقابل، ممکن است علاوه بر شایستگیِ عمل، آن را بر وجه بهینه انجام دهد خداوند، در این آیه، علاوه بر تضمین اجر اَعمال صالح، مرتبه برتر آن را نیز متذکر شده و اجر آن را تضمین کرده است. در صورتی که جمله <إنّا لانضیع> معترضه باشد و خبر <إنّ الذین...>، جمله <أُولئك...> در آیه بعد باشد، این معنا، روشن تر به نظر می آید.

ازدیاد پاداش محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳ - ۲

۲ - پاداش پیامبر (ص) در پیشگاه خداوند ، بی پایان و روزافزون

و إنّ لك لأجرًا غیر ممنون

<غیر ممنون>، اگر از <منّ> (قطع) مشتق باشد، به معنای بی انقطاع و روز افزون و اگر از <منّت> گرفته شده باشد، به معنای بی منت و بدون به رخ کشیدن خواهد بود. گفتنی است که برداشت بالا

مبتنی بر معنای نخست است.

استفاده از پاداش

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۹۷ – ۲

۲– تساوی زن و مرد در برخورداری از پاداش های الهی و بهره مندی از حیات پاکیزه و دلپذیر

من عمل صلحًا من ذكر أو أُنثى و هو مؤمن فلنحيينّه حيوة طيّبه

استمرار پاداش صالحان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۸ – ۱

۱ – مؤمنان نیک کردار ، برخوردار از پاداش بی حساب و همیشگی خداوند

إنّ الذين ءامنوا و عملوا الصلحت لهم أجر غير ممنون

برداشت یاد شده بر این اساس است که <غیر ممنون> به معنای غیر منقطع و یا غیر قابل محاسبه باشد.

استمرار پاداش مؤمنان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۸ – ۱

۱ – مؤمنان نیک کردار ، برخوردار از پاداش بی حساب و همیشگی خداوند

إنّ الذين ءامنوا و عملوا الصلحت لهم أجر غير ممنون

برداشت یاد شده بر این اساس است که <غیر ممنون> به معنای غیر منقطع و یا غیر قابل محاسبه باشد.

امیدواری به پاداش

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۵ - ۱۶

۱۶ مؤمنان ، باید همواره نسبت به ثمردهی ایمان و عمل خویش در مرز بیم و امید باشند .

یأیها الذین ءامنوا اتقوا اللّه . .. جهدوا فی سبیله لعلکم تفلحون

کلمه <لعل> رسای به این حقیقت است که مؤمنان، هر چند مراحل تقوا و تقرب به خدا و جهاد را گذرانده باشند، نباید رستگاری و فلاح را برای خویش

حتمی بشمارند و در نتیجه به عمل خویش مغرور شوند.

امیدواری به پاداش اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - حمد - ۱ - ۵ - ۱۰

۱۰ - ترس از عذاب های اخروی و امید به پاداش های جهان آخرت ، از انگیزه های آدمی برای عبادت خدا

ملک یوم الدین. اءیّاک نعبد

انتفاع از پاداش دیگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۴ - ۳،۴

۳ - پاداش اخروی اعمال نیک ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق و یعقوب (ع) اختصاص به خود ایشان دارد و دیگران از آن بهره ای نخواهند برد .

تلک أمه قد خلت لها ما کسبت

تقدیم <لها> بر <ما کسبت> گویای حصر است. بنابراین <لها ما کسبت>; یعنی، دستاورد آنان تنها از آن ایشان و به سود خودشان است.

۴ - بهره مند شدن یهود از پاداش فضیلت ها و اعمال شایسته پیامبرانی چون ابراهیم ، اسحاق و . . . از باور های ناصواب یهود

تلک أمه قد خلت لها ما کسبت و لکم ما کسبتم

از اینکه خداوند در خطاب به یهودیان این حقیقت را یادآور می شود که دستاوردهای پیامبران نصیب دیگران نخواهد شد، می توان به برداشت فوق دست یافت.

انفاق برای پاداش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۷ - ۱۱

۱۱ - انفاق نمودن به منظور دستیابی به پاداش الهی ، امری جایز و قابل جمع با نیت خالص و انگیزه الهی است .

أنفقوا . .. إن تقرضوا اللّه ... يضعفه لكم و يغفر لكم

توصیه به انفاق، همراه با

مقرر داشتن پاداش مضاعف که موجب ایجاد انگیزه در انسان برای انفاق می شود بیانگر مطلب یاد شده است.

اهمیت پاداش احسان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۶۰ – ۲

۲ – بی تفاوت بودن در برابر احسان دیگران ، امری نکوهیده در پیشگاه خداوند و عقل

هل جزاء الإحسن إلّاالإحسن

پرسش در آیه شریفه در حقیقت به داوری کشاندن عقل است و نیز مهر تأییدی از جانب خداوند بر داوری های عقل سلیم می باشد.

اهمیت پاداش اخروی اصحاب یمین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۹۱ – ۱

۱ – پاداش الهی به اصحاب الیمین در جهان آخرت ، چنان چشمگیر است که هر شنونده ای را سخت شادمان می کند .

فسلم لک من أصحب الیمین

در عبارت <سلام لک> چند احتمال وجود دارد: یکی از آنها این است که <سلام> معادل سلامت و تنکیر آن برای تفخیم باشد. <لام> در <لک> نیز برای اختصاص و خطاب <لک> به فرد معینی نباشد.

اهمیت پاداش اخروی هجرت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۴۱ – ۱۰،۱۱

۱۰– پاداش اخروی هجرت در راه خدا ، بسی برتر از پاداش دنیوی آن است .

و الذین هاجروا فی الله من بعد ما ظلموا لنبوّئنّهم فی الدنیا حسنه و لأجر الأخره أ

۱۱– پاداش اخروی هجرت در راه خدا ، قابل توصیف نیست .

و الذين هاجروا فى الله . ..لنبوّئنّهم فى الدنيا حسنه و لأجر الأخره أكبر

مفضل عليه افعل تفضيل (أكبر) حذف شده است و حذف آن به

منظور عمومیت دادن است. بنابراین معنای عبارت چنین می شود: پاداش اخروی هجرت بزرگ تر از آن است که کسی بتواند آن را درک کند.

اهمیت عقیده به پاداش عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۳ - ۲

۲ - اصل اعتقاد به قیامت و جزای عمل دارای اهمیت است ; نه شناخت زمان آن .

یسئلون أیّان یوم الدّین . یوم هم علی النار یفتنون

کافران از زمان وقوع قیامت سؤال کرده اند; ولی خداوند پاسخ آنان را با یادآوری اصل وقوع قیامت داده و زمانی را معین نکرده است.

ایمان به پاداش اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۲ - ۱۰

۱۰ توجه به قضاوت و داوری خداوند در قیامت و باور به پاداش و مجازات در آن سرا ، آدمی را به استقامت در راه دین وامی دارد .

لقضی بینهم . .. إنّ کلاًّ لما لیوفینّهم أعملهم ... فاستقم کما أُمرت

ایمان به پاداش خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۸ - ۸

۸ باور به پاداش های عظیم الهی ، زمینه پایبندی به ارزش ها و گذشت از منافع مادی برای دین و دینداری

لاتخونوا اللّه . .. و اعلموا ... و أن اللّه عنده أجر عظیم

هدف از بیان پاداش دهی خداوند پس از تکالیف یاد شده، ایجاد زمینه پایبندی به آن تکالیف است.

بشارت به پاداش

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۹ – ۶

۶ نوید به پاداش نیک

، از روش های قرآن برای تربیت انسان ها و ترغیب آنان به اعمال صالح

وعد اللّه . .. اجر عظیم

بشارت پاداش

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۷ – ۸

۸- نوید اعطای پاداش برای عمل پسندیده و تهدید به کیفر برای اعمال ناپسند ، از شیوه های تربیتی قرآن

لئن شکرتم لأزیدنّکم و لئن کفرتم إن عذابی لشدید

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۲ – ۵

۵- قرآن ، بشارت دهنده مؤمنانِ نیک کردار ، به پاداشی شایسته و عظیم

و یبشّر المؤمنین الذین یعملون الصلحت أنّ لهم أجرًا حسنًا

نکره آوردن <أجراً> برای بیان عظمت آن است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۱۱ – ۱۱

۱۱ – پیامبر (ص) مأمور بشارت دادن پیروان قرآن و خداترسان به مغفرت و اجر ارزشمند و پرب های الهی

من اتّبع الذکر و خشی الرحمن بالغیب فبشّره بمغفره و أجر کریم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حدید – ۵۷ – ۴ – ۱۷

۱۷ – تشویق انسان ها ، به انجام کار های شایسته و نوید پاداش به آنان از سوی خداوند

و اللّه بما تعملون بصیر

بشارت پاداش نیکو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۶ - ۱۰

۱۰ - نوید الهی به اعطای پاداشی نیک به اعراب متخلّف از حدیبیه ، در صورت نبرد صادقانه با دشمنان نیرومند اسلام

فإن تطیعوا یؤتکم اللّه أجرًا حسنًا

بهترین پاداش

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۴ - ۶،۷

۶- خداوند ، عطاکننده بهترین پاداش ها و برترین فرجام ها است .

هو خیر ثوابًا و خیر عقبًا

<ثواب> به معنای <اجر و پاداش> است و <عقب> به معنای <عاقبت و فرجام>.

۷- ولایت خداوند و حقّانیّت او ، ضامن اعطای بهترین پاداش ها و فرجام ها است .

هنالك الولیه للّه الحقّ هو خیر ثوابًا و خیر عقبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۳ - ۱۱

۱۱ - پاداش های خداوند ، بهترین و پاینده ترین پاداش ها است .

واللّه خیر و أبقی

خیربودن خداوند برای انسان بنابراین که <خیر> اسم تفضیل باشد ناظر به بهتر بودن پاداش های او نیز می باشد و اطلاق <أبقی> شامل هر چیزی است که به خداوند ارتباط یابد; یعنی، او و پاداش ها و عذابش، باقی تر و پاینده تر است. این سخن پاسخی است از ساحران به فرعون که گفته بود: <أیّنا أشدّ عذاباً و أبقی>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۸ - ۲،۱۰

۲ - مردمانی که همواره به یاد خدا هستند ، از بهترین و بالاترین پاداش های الهی برخوردار خواهند بود .

رجال لاتلهیهم تجره و لابیع عن ذکر اللّه . .. لیجزیهم اللّه أحسن ما عملوا

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که کلمه <جزاء> پیش از <أحسن>، در تقدیر و مفعول دوم برای <لیجزی> باشد.

۱۰ - مردمانی که همواره به یاد خدا هستند ، به بهترین پاداش و فضل او امیدواراند .

رجال لاتلهیهم تجره و لابیع عن ذکر

اللّه . .. لیجزیهم اللّه أحسن ما عملوا و یزید

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۷ – ۶،۷

۶ – خداوند ، در قبال هر یک از اعمال مؤمنان ، بهترین پاداش را می دهد .

و الذین ءامنوا . .. و لنجزینّهم أحسن الذی کانوایعملون

<أحسن> جانشین <مفعول مطلق محذوف> است. تقدیر آیه، چنین است: <و لنجزینّهم جزاءاً أحسن الذی...> (ما، پاداش آنان را، بهترین جزایشان، قرار خواهیم داد).

۷ – وعده خداوند درباره اعطای پاداش بهترین عمل به اعمال مؤمنان ، وعده ای قطعی و تخلف ناپذیر است .

و الذین ءامنوا . .. و لنجزینّهم أحسن الذی کانوا یعملون

<لام> و <نون تأکید> در <لنجزینّهم> دلالت بر حتمیّت دارند.

بهترین پاداش انفاقگران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – لیل – ۹۲ – ۲۰ – ۱۱

۱۱ – برخورداری از لطف و توجّه خداوند ، شایسته ترین پاداش برای انفاق گرانِ باتقوا است .

الأتقی . الذی یؤتی ماله ... إلّا ابتغاء وجه ربّه الأعلی

بهترین پاداش متقین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – لیل – ۹۲ – ۲۰ – ۱۱

۱۱ – برخورداری از لطف و توجّه خداوند ، شایسته ترین پاداش برای انفاق گرانِ باتقوا است .

الأتقی . الذی یؤتی ماله ... إلّا ابتغاء وجه ربّه الأعلی

پاداش آخرت طلبان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۱۹ – ۱

۱- آخرت طلبان مؤمنی که تلاشی جدی در راه اهداف اخروی خویش بکنند به نتایج ارزشمند تلاشهایشان دست خواهند یافت .

و من أراد الأخره . .. کان

سعیهم مشکورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۰ - ۱

۱ - آخرت جویان ، بهره مند از ثواب و پاداشی افزون تر از عملکرد خویش

من کان یرید حرث الأخره نزد له فی حرثه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۸ - ۳

۳ - تقرّب افزون تر به خداوند ، پاداش کسانی است که برای آخرت خود پیشاپیش زاد و توشه ذخیره کرده اند .

یلیتنی قدّمت لحیاتی . .. ارجعی إلی ربّک

پاداش آمادگی در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۱ - ۹

۹ آمادگی رزمی و انجام کار های مقدماتی جهاد ، دارای اجر و پاداش الهی

و لاینفقون . .. و لایقطعون وادیاً إلا کتب لهم

بـا توجه به اینکه آیـات در زمینه جنگ تبوک است و در <تبوک> جنگی صورت نگرفت و نیز چون انفاق و پیمودن دره ها از مقدمات جنگ است، برداشت فوق استفاده می شود.

پاداش آمادگی نظامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۱ - ۹

۹ آمادگی رزمی و انجام کار های مقدماتی جهاد ، دارای اجر و پاداش الهی

و لاینفقون . .. و لایقطعون وادیاً إلا کتب لهم

بـا توجه به اینکه آیـات در زمینه جنگ تبوک است و در <تبوک> جنگی صورت نگرفت و نیز چون انفاق و پیمودن دره ها از مقدمات جنگ است، برداشت فوق استفاده می شود.

پاداش ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام -

۱۰ - ۸۴ - ۶

۱۰ کثرت پیامبران و هدایت یافتگان در ذریه ابراهیم(ع)، پاداش نیکوکار بودن آن حضرت است.

و من ذریته . .. و کذلک نجزی المحسنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۹ - ۳

۳- اعطای اسحاق و یعقوب به حضرت ابراهیم (ع) ، موهبتی الهی و پاداش هجرت او بود .

فلمّا أعتزلهم و مایعبدون من دون اللّه وهبنا له إسحق و یعقوب

حرف <لمّا> بیانگر ترتب جزا(وهبنا . ..) بر شرط (اعتزلهم ...) می باشد و دلالت می کند که وجود جزا، به خاطر وجود شرط بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰۵ - ۵

۵ - توفیق انجام مأموریت ذبح فرزند با زنده ماندن وی ، پاداش خداوند به ابراهیم (ع)

قد صدّقت الرءیا إنّا کذلک نجزی المحسنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰۶ - ۴

۴ - برخورداری ابراهیم (ع) از پاداش محسنان ، پس از سربلند بیرون آمدن آن حضرت از آزمایش قربانی فرزندش

قد صدّقت الرءیا إنّا کذلک نجزی المحسنین . إنّ هذا لهو البلؤا المبین

برداشت یاد شده از آن جا است که جمله <إنّ هذا لهو البلاء المبین> در مقام تعلیل برای جمله پیشین (إنّا کذلک نجزی المحسنین) است; یعنی، ابراهیم(ع) از پاداش محسنان برخوردار شد; زیرا به آزمایش الهی گرفتار شد و پیروز گردید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۰ - ۳

۳ – فرزنددار شدن ابراهیم (ع)

و برجای ماندن نام و آوازه نیک آن حضرت ، از پاداش های خداوند به ایشان

فبشّرنه بغلم حلیم . .. سلم علی إبرهیم . کذلک نجزی المحسنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۸ - ۱،۵

۱ - بقای آیین توحید در نسل ابراهیم (ع) ، ره آورد تلاش آن حضرت برای استمرار بخشیدن به آن

و جعلها کلمه باقیه فی عقبه

آیات قبل، می تواند قرینه باشد که فاعل <جعل> ابراهیم(ع) است.

۵ - استمرار دین توحیدی در نسل ابراهیم (ع) ، پاداش الهی به آن حضرت در قبال تلاش های او در مسیر اعتلای کلمه توحید

و إذ قال إبرهیم . .. و جعلها کلمه باقیه فی عقبه

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که <جعلها> در مقام بیان لطف خداوند در برابر مجاهدت ها و تلاش های حضرت ابراهیم(ع) باشد.

پاداش اجتناب از اسراف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۶ - ۲

۲ فروتنی ، شب زنده داری ، حلم ، ترس از قیامت ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق ، دعا ، دوری از اسراف ، تنگ گیری ، شرک ، زنا ، آدم کشی و سخن باطل ، موجب ورود به بهشت جاودان و برخورداری از قرارگاه و اقامت نیکوی آن

الذین یمشون علی الأرض هونًا. .. و الذین لایشهدون الزور ... أُولئک یجزون الغرفه

پاداش اجتناب از خیانت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۸ - ۶

۶ پایبندی به ارزش های الهی

و پرهیز از خیانت به دین ، دارای پاداشی عظیم نزد خداوند

لاتخونوا اللّه . .. أنما أمولکم و أولدکم فتنه و أن اللّه عنده أجر عظیم

پاداش اجتناب از زنا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۷۶ – ۲

۲ فروتنی ، شب زنـده داری ، حلم ، ترس از قیامت ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق ، دعا ، دوری از اسـراف ، تنگ گیری ، شرک ، زنا ، آدم کشی و سخن باطل ، موجب ورود به بهشت جاودان و برخورداری از قرارگاه و اقامت نیکوی آن

الذین یمشون علی الأرض هونًا. .. و الذین لایشهدون الزور ... أُولئك یجزون الغرفه

پاداش اجتناب از سختگیری

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۷۶ – ۲

۲ فروتنی ، شب زنـده داری ، حلم ، ترس از قیامت ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق ، دعا ، دوری از اسـراف ، تنگ گیری ، شرک ، زنا ، آدم کشی و سخن باطل ، موجب ورود به بهشت جاودان و برخورداری از قرارگاه و اقامت نیکوی آن

الذین یمشون علی الأرض هونًا. .. و الذین لایشهدون الزور ... أُولئك یجزون الغرفه

پاداش اجتناب از سخن باطل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۷۶ – ۲

۲ فروتنی ، شب زنـده داری ، حلم ، ترس از قیامت ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق ، دعا ، دوری از اسـراف ، تنگ گیری ، شرک ، زنا

، آدم کشی و سخن باطل ، موجب ورود به بهشت جاودان و برخورداری از قرارگاه و اقامت نیکوی آن

الذین یمشون علی الأرض هونًا. .. و الذین لایشهدون الزور ... أُولئک یجزون الغرفه

پاداش اجتناب از شرک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۷۶ – ۶

۶ – خلود در بهشت های عدن ، پاداش پاکی و دوری جستن از کفر و شرک و گناه است .

جنّت عدن . .. خلدین فیها و ذلک جزاء من تزکّی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۷۶ – ۲

۲ فروتنی ، شب زنده داری ، حلم ، ترس از قیامت ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق ، دعا ، دوری از اسراف ، تنگ گیری ، شرک ، زنا ، آدم کشی و سخن باطل ، موجب ورود به بهشت جاودان و برخورداری از قرارگاه و اقامت نیکوی آن

الذین یمشون علی الأرض هونًا. .. و الذین لایشهدون الزور ... أُولئک یجزون الغرفه

پاداش اجتناب از قتل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۷۶ – ۲

۲ فروتنی ، شب زنده داری ، حلم ، ترس از قیامت ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق ، دعا ، دوری از اسراف ، تنگ گیری ، شرک ، زنا ، آدم کشی و سخن باطل ، موجب ورود به بهشت جاودان و برخورداری از قرارگاه و اقامت نیکوی آن

الذین یمشون علی الأرض هونًا. .. و الذین لایشهدون الزور ... أُولئک یجزون الغرفه

پاداش

اجتناب از کفر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۷۶ – ۶

۶ – خلود در بهشت های عدن ، پاداش پاکی و دوری جستن از کفر و شرک و گناه است .

جنّت عدن . .. خلدین فیها و ذلک جزاء من تزکّی

پاداش اجتناب از گناه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۳۱ – ۱۱،۱۴

۱۱ سرای اخروی پرهیزکنندگان از گناهان کبیره ، جایگاهی گرانمایه و با شرافت

و ندخلکم مدخلا کریماً

۱۴ بهشت ، پیامد پاکی و پیراستگی از گناهان صغیره و کبیره

ان تجتنبوا . .. و ندخلکم مدخلا کریماً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۷۶ – ۶

۶ – خلود در بهشت های عدن ، پاداش پاکی و دوری جستن از کفر و شرک و گناه است .

جنّت عدن . .. خلدین فیها و ذلک جزاء من تزکّی

پاداش احترام محمد(ص)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – حجرات – ۴۹ – ۳ – ۶

۶ غفران الهی و پاداش عظیم او ، در انتظار رعایت کنندگان ادب و احترام محضر پیامبر (ص)

لهم مغفره و أجر عظيم

پاداش احسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۶ - ۹

۹ آمرزش الهی و بهشت جاودان ، پاداش احسان و نیکوکاری

و اللّه یحب المحسنین . .. اولئک جزآؤهم مغفره من ربّهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۱ - ۱۴

۱۴

خداونـد محسـنان بنی اسـرائیل را در صـورت رعـایت آداب تعییـن شـده برای ورود بـه بیـت المقـدس ، بـه پاداشـی افزونـتر از احسانشان نوید داد .

سنزید المحسنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۰ - ۸

۸ نیل یوسف (ع) به عزیزی و اقتدار و حاکمیت وی در دیار مصر ، پاداشی بر تقواپیشگی ، صبر و نیکوکاری او بود .

قد منّ الله علینا إنه من یتّق و یصبر فإن الله لایضیع أجر المحسنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۰ - ۱۹

۱۹- تقوا و احسان ، دو امر ارزشمند و دارای پاداش

للذین أحسنوا فی هذه الدنیا حسنه . .. و لنعم دار المتّقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۴ - ۷

۷ - اعطای حکمت و علم به محسنان از سوی خداوند ، پاداشی در برابر نیکوکاری آنان است .

ءاتینه حکمًا و علمًا و کذلک نجزی المحسنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۵ - ۱،۶

۱ - خداوند ، بدترین عمل محسنان را ، به پاس احسان آنان ، نادیده گرفته و می پوشاند .

ذلک جزاء المحسنین . لیکفّر اللّه عنهم أسوأ الذی عملوا

<تکفیر> (مصـدر <لیکفّر>) به معنـای سـتر و پوشانـدن است و مقصود از آن چشم پوشـی از گنـاه و زدودن آن از پرونـده اعمال است.

۶ – خداوند به محسنان به پاس احسان آنان مطابق با بهترین عملشان ، پاداش خواهد داد .

و یجزیهم أجرهم بأحسن الذی کانوا

یعملون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۶۰ – ۱،۶

۱ – نعمت های شگرف بهشت ، پاداش و احسان خداوند به اعمال نیک و شایسته خلق

کأنّهنّ الیاقوت . .. هل جزاء الإحسن إلّاالإحسن

واژه <إحسان> در لغت عرب بر دو معنا اطلاق می شود: الف) کار نیک، ب) نیکی به غیر. در آیه شریفه <احسان> اول به معنای اول و احسان دوم به معنای دوم به کار رفته است.

۶ – لزوم پاداش دادن به احسان و نیکی دیگران ، با احسان و نیکی به ایشان

هل جزاء الإحسن إلّاالإحسن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ – ۴۴ – ۴

۴ – احسان و رفتار خوب انسان ، دارای جزا و پاداش در پیشگاه خداوند

إنّا کذلک نجزی المحسنین

پاداش احسان موسی(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۱۴ – ۵

۵ – بهره مند شدن موسی (ع) از حکمت و دانش ، پاداش الهی در برابر احسان و نیکوکاری وی

ءاتینه حکمًا و علمًا و کذلک نجزی المحسنین

پاداش احسان یوسف(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۲ - ۹

۹ بهره مندی یوسف (ع) از حکمت و علم ، پاداشی الهی بر نیکوکاری او بود .

ءاتینه حکمًا و علمًا و کذلک نجزی المحسنین

<جزاء>(مصدر نجزی) به معنای سزا و پاداش است.

پاداش اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۱ - ۵

۵ قیامت ، روز دریافت کامل نتیجه

اعمال (کیفر و پاداش)

ثمّ توفّی کلّ نفس ما کسبت

<توفّی> به معنای دریافت کامل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۷۷ - ۹

۹ پایبندی به عهد الهی و پیمان های خود ، عامل بهره مندی از مواهب اُخروی

انّ الّذین یشترون بعهد اللّه و ایمانهم . .. لا خلاق لهم فی الاخره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۵ - ۱۲،۱۱،۸

۸ تلاشگران برای پاداش های اخروی ، از مواهب آخرت بهره مند خواهند شد .

و من یرد ثواب الاخره نؤته منها

۱۱ خداوند ، پاداش دهنده اعمال در دنیا و آخرت

و من یرد ثواب الدّنیا نؤته منها و من یرد ثواب الاخره نؤته منها

مراد از اراده پاداش، انجام عمل خیر، برای نیل به پاداش است.

۱۲ جهاد و مقاومت در جنگ ، موجب برخورداری از پاداش دنیوی و اخروی

و لمّا یعلم اللّه الّذین جاهدوا منکم و یعلم الصّابرین . .. و من یرد ثواب الدّنیا

با توجّه به آیات قبل، از مصادیق مورد نظر برای اعمال خیر، جهاد و مبارزه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۸ - ۷

۷ پاداش های اخروی خداوند ، نیکو و عاری از هر گونه نقصان است و پاداش های دنیوی ، همراه با مشکلات

فاتیهم اللّه ثواب الدّنیا و حسن ثواب الاخره

از اینکه پاداشـهای اخروی را نیکو شـمرده (حسن ثواب الآـخره)، معلوم می شود پاداشـهای اخروی به تمام جهات، نیکوست و در مقابل، ثواب دنیوی را به نیکو بودن

توصیف نکرده تا به این نکته اشاره کند که پاداشهای خداوند در دنیا، همواره ملازم با مشکلات و نقصانهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۱ - ۱۰

۱۰ رستاخیز برای انسان ، عرصه دریافت کامل سزای کردار خویش

ثمّ توفّی کلّ نفس ما کسبت

۱ <توفّی> از مصدر <توفیه> به معنای پرداخت و دریافت کامل است. ۲ در برداشت بالا، بنابر گفته برخی از مفسران، کلمه <جزاء> قبل از <ما کسبت> مقدّر گرفته شده است ; یعنی <توفّی جزاء ما کسبت>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۶ - ۹،۱۰،۱۵

۹ اراده الهی مبنی بر محرومیّت حتمی شتابگران در کفر از بهره های اخروی

یرید اللّه الّا یجعل لهم حظّا فی الاخره

۱۰ محرومیّت و یا برخورداری از بهره های اخروی ، نتیجه عملکرد انسا

و لا یحزنک الّذین یسارعون الکفر . .. یرید اللّه الّا یجعل لهم حظّا فی الاخره

گر چه خداوند محروم کردن کفرپیشگان را از بهره اخروی به خود نسبت داده است: یرید اللّه . .. ولی این محرومیّت به دلیل <یسارعون ... >، نتیجه عملکرد خود آنان بوده است.

۱۵ مهلت دادن خداوند به شتابگران در کفر ، برای محروم ساختن آنان از بهره های اخروی است (سنّت استدراج) .

یرید اللّه الّا یجعل لهم حظّا فی الاخره و لهم عذاب عظیم

جمله <یرید اللّه . .. >، می تواند جواب این سؤال باشد که چرا با تلاش برخی از مردم در گسترش کفر، خداوند به آنان مهلت می دهد.

جلد - نام سوره -

سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۸۵ – ۲،۹،۱۶

۲ وعده خداوند به دریافت کامل سزای اعمال در روز قیامت

و انّما توفّون اجورکم یوم القیمه

<توفّون>، از مصدر <توفیه>، به معنای دریافت کامل و تمام است.

۹ < یوم القیمه > ، از اسامی روز جزای اعمال

و انّما توفّون اجورکم یوم القیمه

۱۶ توجّه دادن به مرگ و کیفر و پاداش اعمال در قیامت و فریبنده بودن دنیا از روش های قرآن برای هدایت انسانها

کلّ نفس ذائقه الموت . .. و ما الحیوه الدّنیا الّا متاع الغرور

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۸۶ – ۷

۷ توجّه به مرگ و اجر اخروی و نیز فریبندگی دنیا ، زمینه ساز پیروزی انسان در آزمایش الهی

کلّ نفس ذائقه الموت . .. لتبلونّ فی اموالکم و انفسکم

ظاهراً آیه قبل (کلّ نفس . ..) رهنمودی برای پیروز شدن مؤمنان درامتحانهای جانی و مالی است. چون بهترین راه برای از جان گذشتگی و جهاد این است که آدمی بداند چه جهاد کند و یا سستی نماید، طعم مرگ را خواهد چشید. و راه معقول برای صرفنظر کردن از اموال این است که آدمی بداند دنیا و آنچه در آن است، فریبنده و پوچ است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۹۱ – ۲۹

۲۹ اعتقاد به قیامت و کیفر و پاداش در آن ، پیامد اعتقاد به باطل نبودن و هدفدار بودن آفرینش

ربّنا ما خلقت هذا باطلًا سبحانک فقنا عذاب النّار

کلمه <فا> در <فقنا . ..

>، بیـانگر این معنـاست که خردمنـدان با نفی بطلان در آفرینش و اعتقاد به هدفـداری جهان به این نتیجه رسـیده انـد که باید قیامت و روز جزا و پاداشی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۴ - ۸

۸ دستیابی به مواهب آخرت ، پیامد جهاد و مبارزه در راه خدا

فلیقاتل فی سبیل اللّه الّذین یشرون الحیوه الدّنیا بالاخره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱ - ۱۱

۱۱ دستیابی به پاداش بزرگ الهی (بهشت) در گرو بخشوده شدن گناهان است .

أُولئک لهم مغفره و أجر کبیر

تقـدیم ذکری <مغفرت> بر <أجر کبیر> می توانـد اشاره به این باشد که: رسـیدن به پاداش بزرگ الهی و ورود به بهشت ، در گرو آمرزش گناهان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۷ - ۴

۴ پاداش های اخروی ، نمودی از رحمت الهی است .

نصیب برحمتنا من نشاء . .. و لأجر الأخره خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۰ - ۷

۷ - جهان آخرت ، جهان کیفر و پاداش

أنّهم إلی ربّهم رجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۵ - ۷

۷ - جهان آخرت ، جهان کیفر و پاداش است .

یومئذ یوفّیهم اللّه دینهم الحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۴ - ۱

۱ - جهان آخرت ، سرای کیفر و پاداش است .

من جاء

بالحسنه فله خير منها و من جاء بالسّيِّئه فلايجزى . .. إلاّ ما كانوا يعملون

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۷۸ – ۵

۵ – قيامت ، روز جزا و كيفر و پاداش الهى است .

يوم الدين

<دين> در آيه بالا به معناى حساب و جزا است.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۸ – حديد – ۵۷ – ۲۰ – ۱۵

۱۵ – جهان آخرت ، جهان كيفر و پاداش الهى

و فى الأخره عذاب شديد و مغفره من اللّه و رضون

پاداش اخروى ابرار

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۱۲ – ۱

۱ – بوستانى بزرگ و پرنعمت و لباسى فاخر از حرير ، پاداش ابرار در قيامت

إنّ الأبرار . .. و جزيهم بما صبروا جنّه و حريرًا

<جنّه> به معناى بوستان است و تنكير آن بر تعظيم و تفخيم دلالت مى كند.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۲۲ – ۱

۱ – نعمت هاى الهى در بهشت ، پاداش فراهم آمده براى ابرار

إنّ هذا كان لكم جزاء

<هذا> به مجموع نعمت هایی اشاره دارد که در آیات گذشته یاد شده است.

پاداش اخروی ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۴ - ۳،۴

۳ - پاداش اخروی اعمال نیک ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق و یعقوب (ع) اختصاص به خود ایشان دارد و دیگران از آن بهره ای نخواهند برد .

تلک أمه قد خلت لها ما کسبت

تقدیم <لها> بر <ما کسبت> گویای

حصر است. بنابراین <لها ما کسبت>; یعنی، دستاورد آنان تنها از آن ایشان و به سود خودشان است.

۴ - بهره مند شدن یهود از پاداش فضیلت ها و اعمال شایسته پیامبرانی چون ابراهیم ، اسحاق و . . . از باور های ناصواب یهود

تلک أمه قد خلت لها ما کسبت و لکم ما کسبتم

از اینکه خداوند در خطاب به یهودیان این حقیقت را یادآور می شود که دستاوردهای پیامبران نصیب دیگران نخواهد شد، می توان به برداشت فوق دست یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۱ - ۳

۳ - پاداش اخروی اعمال نیک ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق و یعقوب (ع) اختصاص به خود ایشان دارد و دیگران از آن بهره ای نخواهند برد .

تلک أمه قد خلت لها ما کسبت

تقدیم <لها> بر <کسبت> گویای حصر است. بنابراین <لها ما کسبت>; یعنی، دستاورد آنان تنها از آنِ ایشان و به سود خودشان است.

پاداش اخروی احسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۰ - ۹

۹ - احسان در دنیا ، درپی دارنده پاداش نیک و بزرگ الهی در جهان آخرت

للذین أحسنوا فی هذه الدنیا حسنه

برداشت بالا بر این اساس مبتنی است که <فی هذه الدنیا> متعلق به <أحسنوا> و ظرف برای آن باشد.

پاداش اخروی اسحاق(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۴ - ۳،۴

۳ – پاداش اخروی اعمال نیک ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق و یعقوب (ع) اختصاص به خود ایشان دارد و دیگران از

آن بهره ای نخواهند برد .

تلك أمه قد خلت لها ما كسبت

تقدیم <لها> بر <ما کسبت> گویای حصر است. بنابراین <لها ما کسبت>; یعنی، دستاورد آنان تنها از آن ایشان و به سود خودشان است.

۴ - بهره مند شدن یهود از پاداش فضیلت ها و اعمال شایسته پیامبرانی چون ابراهیم ، اسحاق و . . . از باور های ناصواب یهود

تلك أمه قد خلت لها ما كسبت و لكم ما كسبتم

از اینکه خداوند در خطاب به یهودیان این حقیقت را یادآور می شود که دستاوردهای پیامبران نصیب دیگران نخواهد شد، می توان به برداشت فوق دست یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۱ - ۳

۳ - پاداش اخروی اعمال نیك ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق و یعقوب (ع) اختصاص به خود ایشان دارد و دیگران از آن بهره ای نخواهند برد .

تلك أمه قد خلت لها ما كسبت

تقدیم <لها> بر <کسبت> گویای حصر است. بنابراین <لها ما کسبت>; یعنی، دستاورد آنان تنها از آنِ ایشان و به سود خودشان است.

پاداش اخروی اسماعیل(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۴ - ۳

۳ - پاداش اخروی اعمال نیك ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق و یعقوب (ع) اختصاص به خود ایشان دارد و دیگران از آن بهره ای نخواهند برد .

تلك أمه قد خلت لها ما كسبت

تقدیم <لها> بر <ما کسبت> گویای حصر است. بنابراین <لها ما کسبت>; یعنی، دستاورد آنان تنها از آن ایشان و به

سود خودشان است.

جلد – نام سوره – سوره –

آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۴۱ – ۳

۳ – پاداش اخروی اعمال نیک ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق و یعقوب (ع) اختصاص به خود ایشان دارد و دیگران از آن بهره ای نخواهند برد .

تلک أمه قد خلت لها ما کسبت

تقدیم <لها> بر <کسبت> گویای حصر است. بنابراین <لها ما کسبت>; یعنی، دستاورد آنان تنها از آنِ ایشان و به سود خودشان است.

پاداش اخروی امام حسن(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۲۲ – ۸

۸ – نعمت های سرشار بهشت ، پاداش الهی اهل بیت (علی ، فاطمه ، حسن و حسین (ع))

إنّ الأبرار یشربون من کأس . .. و سقیهم ربّهم شرابًا طهورًا . إنّ هذا کان لکم جز

برداشت یاد شده، با توجه به شأن نزولی است که از طریق شیعه و سنی نقل شده است و آن این که از آیه ۵ تا آیه مورد بحث (آیه ۲۲)، درباره آن بزرگواران نازل شده است. (مجمع البیان، ج ۱۰; الکشاف، ج ۴، ذیل آیه)

پاداش اخروی امام حسین(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۲۲ – ۸

۸ – نعمت های سرشار بهشت ، پاداش الهی اهل بیت (علی ، فاطمه ، حسن و حسین (ع))

إنّ الأبرار یشربون من کأس . .. و سقیهم ربّهم شرابًا طهورًا . إنّ هذا کان لکم جز

برداشت یاد شده، با توجه به شأن نزولی است که از طریق شیعه و سنی نقل شده است و آن این که از

آیه ۵ تا آیه مورد بحث (آیه ۲۲)، درباره آن بزرگواران نازل شده است. (مجمع البیان، ج ۱۰; الکشاف، ج ۴، ذیل آیه)

پاداش اخروی امام علی(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۲۲ – ۸

۸ – نعمت های سرشار بهشت ، پاداش الهی اهل بیت (علی ، فاطمه ، حسن و حسین (ع))

إنّ الأبرار یشربون من کأس . .. و سقیهم ربّهم شرابًا طهورًا . إنّ هذا کان لکم جز

برداشت یاد شده، با توجه به شأن نزولی است که از طریق شیعه و سنی نقل شده است و آن این که از آیه ۵ تا آیه مورد بحث (آیه ۲۲)، درباره آن بزرگواران نازل شده است. (مجمع البیان، ج ۱۰; الکشاف، ج ۴، ذیل آیه)

پاداش اخروی انسان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – ملک – ۶۷ – ۲ – ۱۰

۱۰ – تکامل و تعالی و داشتن دستاوردی بهتر ، فلسفه و هدف آغازین خلقت بشر و برخوردار شدن از جزا و پاداش اخروی (بهشت برین) ، فلسفه و هدف نهایی آفرینش او است .

لیبلوکم أیّکم أحسن عملاً

به مقتضای جمله <لیبلوکم أیّکم أحسن عملاًـ>، هدف از خلقت انسان و تقدیر مرگ و حیات برای وی، تکامل و داشتن دستاوردی بهتر در دنیا است; ولی چون پاداش و جایزه اصلی آن را در جهان آخرت دریافت می کند، بنابراین می توان گفت: تکامل، هدف مرحله اولی خلقت بشر و بهشت برین، هدف مرحله نهایی آفرینش او است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ –

جن - ۷۲ - ۷ - ۵

۵ - جن ، همچون انسان ، دارای تکلیف و مورد بازخواست خدا و کیفر و پاداش در قیامت

و أنّهم ظنّوا کما ظننتم أن لن یبعث اللّه أحدًا

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که مبعوث شدن انسان ها در قیامت، بیانگر کیفر و پاداش و حسابرسی آن است.

پاداش اخروی انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵۱ - ۱

۱- تغییر و تبدیل نظام کنونی آسمان ها و زمین به نظام دیگر در آستانه برپایی قیامت ، به منظور کیفر و پاداش انسانهاست .

یوم تبدّل الأرض غیر الأرض . .. و برزوا لله ... لیجزی الله کلّ نفس ما کسبت

برداشت فوق مبتنی بر این است که <لیجزی> متعلق به <برزوا> در آیه ۴۸ باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۵ - ۱۳،۱۰

۱۰ - دنیا ، محل تلاش و آخرت جای کیفر و پاداش و مواجه شدن با نتیجه تلاش است .

إنّ الساعه ءاتیه . .. لتجزی کلّ نفس بما تسعی

۱۳ - حضور در صحنه قیامت و برخورد با سزای اعمال دنیایی خود ، فرجام همه انسان ها است .

إنّ الساعه . .. لتجزی کلّ نفس بما تسعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۸ - ۱

۱ - هدفمند بودن آفرینش جهان ، مقتضی برپایی قیامت به منظور کیفر بندگان و یا پاداش به آنان

و ما خلقنا السماء . .. بطلًا... أم نجعل الذین ءامنوا و عملوا الصلحت

یادآوری برابر نبودن سرنوشت

مؤمنان با مفسدان، پس از طرح مسأله بی هدف نبودن آفرینش جهان، می رساند که اگر مؤمنان و مفسدان یکسان باشند، لازم می آید که جهان آفرینش بی هدف باشد و چون جهان آفرینش هدفمند است، پس باید سرنوشت این دو گروه یکسان نباشد. و از آن جایی که در دنیا یکسان زندگی می کنند، پس باید جهان دیگری (رستاخیز) باشد که با آنان برخورد متفاوت و متناسب شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۲ - ۴

۴ - جن ، همانند انسان دارای مسؤولیت و کیفر و پاداش در آخرت

سنفرغ لکم أیّه الثقلان . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

پاداش اخروی انفاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۵ - ۱۶

۱۶ پاداش الهی به انفاق کنندگان در دنیا و آخرت

فیضاعفه له اضعافاً . .. و الیه ترجعون

<الیه ترجعون>، اشاره به پاداش الهی است در آخرت; بنابراین <فیضاعفه> بیانگر پاداش الهی در دنیاست.

پاداش اخروی انفاقگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۲ - ۱

۱ - قیامت ، روز پاداش دهی خداوند به وام دهندگان خود (کسانی که با انفاق در راه خدا به او قرض الحسنه دادند) .

من ذا الذی یقرض اللّه . .. و له أجر کریم . یوم تری المؤمنین

<یوم> در <یوم تری>، مربوط به <له أجر کریم> در آیه پیش است; یعنی، خداوند، پاداش نفیس خود را به وام دهندگان خویش در روزی می دهد که. .. . گفتنی است که مراد از <یوم تری>

روز قیامت است.

پاداش اخروی اهل بیت(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۲۲ – ۸

۸ – نعمت های سرشار بهشت ، پاداش الهی اهل بیت (علی ، فاطمه ، حسن و حسین (ع))

إنّ الأبرار یشربون من کأس . .. و سقیهم ربّهم شرابًا طهورًا . إنّ هذا کان لکم جز

برداشت یاد شده، با توجه به شأن نزولی است که از طریق شیعه و سنی نقل شده است و آن این که از آیه ۵ تا آیه مورد بحث (آیه ۲۲)، درباره آن بزرگواران نازل شده است. (مجمع البیان، ج ۱۰; الکشاف، ج ۴، ذیل آیه)

پاداش اخروی ایمان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۷۳ – ۳

۳ ایمان و عمل صالح ، موجب استحقاق پاداش اخروی

فاما الذین ءامنوا و عملوا الصلحت فیوفیهم أجورهم و یزیدهم من فضله

واژه اجر (مزد و پاداش) دلالت می کند که مؤمنان نسبت به پاداش استحقاق دارند.

پاداش اخروی برّ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۴۵ – ۹

۹ قصد و نیّت عمل کننده کردار های نیک ، تعیین کننده برخورداری وی از نعمت های دنیا یا مواهب آخرت

و من یرد ثواب الدّنیا نؤته منها و من یرد ثواب الاخره نؤته منها

پاداش اخروی بندگان خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۷۵ – ۱

۱ بنا های برافراشته و درجات عالی در بهشت ، پاداش بندگان خدا (عباد الرحمان

) است .

و عباد الرحمن . .. أُولئک يجزون الغرفه

برداشت فوق با توجه به دو نکته است: ۱ <أُولئک> اشاره به <عبادالرحمان> است. ۲ <غرفه> به معنای بنای مرتفع و برافراشته است. در آیه شریفه نیز می تواند هم در معنای لغوی خود به کار رفته باشد و هم می تواند منزلت و مقام رفیع مقصود باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۷۶ – ۱

۱ بهشت جاودان و برخورداری از قرارگاه و اقامت گاه نیکوی آن ، پاداش بندگان خالص خدا

و عبادالرحمن . .. أُولئک يجزون الغرفه ... خلدين فيها حسنت مستقرًّا و مقامًا

<مستقرّاً> تمیز برای ضمیر در <حسنت> و به معنای محل استقرار است و <مقام> اسم مکان و به معنای اقامت گاه می باشد.

پاداش اخروی پیشگامان در ایمان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۰۰ – ۱۴

۱۴ پیشگامان در ایمان و تابعان نیک کردار ، برخوردار از الطاف مادی و معنوی خداوند در آخرت

رضی اللّه عنهم . .. لهم جنت تجری

رضایت الهی، لطفی معنوی و بهشت جاودان، نعمتی مادی است.

پاداش اخروی تابعین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۰۰ – ۱۴

۱۴ پیشگامان در ایمان و تابعان نیک کردار ، برخوردار از الطاف مادی و معنوی خداوند در آخرت

رضی اللّه عنهم . .. لهم جنت تجری

رضایت الهی، لطفی معنوی و بهشت جاودان، نعمتی مادی است.

پاداش اخروی تائبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۰ -

۹- توبه کنندگانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام دهند ، در قیامت پاداشی بدون کمترین نقص دریافت خواهند کرد .

من تاب و ءامن و عمل صلحًا فأُولئک یدخلون الجنّه و لایظلمون شیئًا

<ظلم> ; یعنی، مقرر ساختن چیزی در غیر جایگاه و درجه مخصوص آن; چه به گونه ای کمتر و چه به شکلی برتر (مفردات راغب). <لایظلمون>نیز به معنای <لاینقصون> می باشد و مراد این است که: از اجر و مزد عمل آنان به واسطه گذشته بد آنها، چیزی کاسته نشده و به آنان ظلمی روا نمی شود.

پاداش اخروی توحید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۹ - ۵

۵ - توحید و شرک (خدا پرستی و بت پرستی) ، مبنای داوری خدا و تعیین کیفر و پاداش در روز رستاخیز

اللّه یحکم . .. فیما کنتم فیه تختلفون

با توجه به عبارت پیشین <ما> در <فیما کنتم> به معنای <الذی> است که به مسأله توحید و شرک که محور اختلاف میان موحدان و مشرکان تاریخ بوده است اشاره دارد.

پاداش اخروی جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۲ - ۴

۴ - جن ، همانند انسان دارای مسؤولیت و کیفر و پاداش در آخرت

سنفرغ لکم أیّه الثقلان . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۹ - ۳

۳ - حضور جن همچون آدمیان ، در صحنه قیامت برای حسابرسی و کیفر و پاداش

فيومئذ لايسل عن ذنبه إنس و لاجانّ

جلد - نام سوره -

سوره – آیه – فیش

۱۹ – جن – ۷۲ – ۷ – ۵

۵ – جن ، همچون انسان ، دارای تکلیف و مورد بازخواست خدا و کیفر و پاداش در قیامت

و أنّهم ظنّوا کما ظننتم أن لن یبعث اللّه أحدًا

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که مبعوث شدن انسان ها در قیامت، بیانگر کیفر و پاداش و حسابرسی آن است.

پاداش اخروی جهاد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۴۸ – ۳

۳ مجاهدت در راه خدا به همراهی پیامبران الهی و دعا به درگاه او ، موجب بهره مندی از پاداش های دنیوی و اخروی

و کایّن من نبیّ . .. فاتیهم اللّه ثواب الدّنیا و حسن ثواب الاخره

پاداش اخروی حیوانات

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۳۸ – ۹

۹ حیوانات دارای نوعی اراده، اختیار، شعور و تکلیف و جزا و پاداش در قیامت

أمم أمثالکم . .. ثم إلی ربهم یحشرون

پاداش اخروی خداترسان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نازعات – ۷۹ – ۴۰ – ۲

۲ – خداترسان دور از هواپرستی با حضور در صحنه قیامت ، کردار خویش را به یاد آورده و جزای آن را خواهند دید .

یوم یتذکّر . .. و أمّا من خاف مقام ربّه و نهی النفس عن الهوی

پاداش اخروی راستگویان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – انفطار – ۸۲ – ۱۳ – ۱

۱ – انسان های درست کار ، راست گفتار و مطیع خداوند ، به پاداش

کردار خویش ، در میان انبوه نعمت های آخرت جای خواهند گرفت .

إنّ الأبرار لفی نعیم

از جمله معانی ذکر شده برای <برّ>، صلاح و درست کاری، اطاعت و صداقت است(لسان العرب). <نعیم>; یعنی، نعمت فراوان (مفردات راغب) نکره بودن <نعیم>، گویای عظمت آن است.

پاداش اخروی زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۲ - ۳

۳ تساوی زن و مرد در پاداش های اخروی

وعد اللّه المؤمنین و المؤمنت جنت تجری من تحتها الأنهر

پاداش اخروی زنان صالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۰ - ۵

۵ - پاداش ها و نعمت های زنان و مردان مؤمن نیک کردار در بهشت ، بیشتر از استحقاق و افزون تر از اقتضای رفتار آنان است .

و من عمل صلحًا . .. یرزقون فیها بغیر حساب

بدون حساب و بی اندازه بودن پاداش مؤمنان، در مقابل گناه کاران که تنها به میزان گناهشان مجازات خواهند شد گویای حقیقت یاد شده است.

پاداش اخروی زنان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۰ - ۸

۸ - برابری زن و مرد ، در بهره مند شدن از پاداش های اخروی و نعمت های بهشتی

و من عمل صلحًا من ذكر أو أَنثى و هو مؤمن فأَولئك يدخلون الجنّه يرزقون فيها بغى

پاداش اخروى سعادتمندان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۱ - ۱۴

۱۴- كمترين ظلم و بى عدالتى در محاسبه اعمال و نيز در پاداش اخروى سعادتمندان وجود

ندارد .

فمن أوتی كتبه بيمينه . .. و لايظلمون فتيلًا

پاداش اخروی صابران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱ - ۱۰

۱۰ صابران دارای اعمال صالح ، از پاداش بزرگ الهی (بهشت) برخوردار خواهند شد .

أُولئک لهم مغفره و أجر كبير

بنا به گفته گروهی از مفسران ، مراد از <أجركبير> بهشت و موهبتهای اخروی است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۱ - ۱

۱ - مؤمنان شكيبا ، برخوردار از پاداش حتمی خداوند در قيامت

إنّی جزيتهم اليوم بما صبروا

<جزاء> (مصدر <جزيت>) به معنای پاداش دادن است. <باء> در <بما صبروا> سببيه و <ما> موصول حرفی است; يعنی، <بسبب صبرهم>. <فوز> (مصدر <فائزون>) دستيابی به مقصود را می گويند. فعل <جزيت> دو مفعول بر می دارد. بنابراين <هم>، مفعول اول آن و <أنّهم هم الفائزون> به تأويل <فوزهم> مفعول دوم آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۶ - ۵

۵ بهشت جاودان و برخورداری از قرارگاه و اقامت گاه نيكوی آن ، پاداش صابران است .

يجزون الغرفه بما صبروا . .. خلدين فيها حسنت مستقرًّا و مقامًا

پاداش اخروی صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۷۲ - ۶

۶ وجود خانه های عالی و پاکیزه برای مؤمنان نیک کردار در < جنات عدن >

و مسکن طیبه فی جنت عدن

<جنات عدن> می تواند نامی خاص باشد و غیر از <جنات تجری . .. > به شمار آید. برداشت

فوق بر گرفته از این احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱ - ۱۰

۱۰ صابران دارای اعمال صالح ، از پاداش بزرگ الهی (بهشت) برخوردار خواهند شد .

أُولئک لهم مغفره و أجر کبیر

بنا به گفته گروهی از مفسران ، مراد از <أجر کبیر> بهشت و موهبتهای اخروی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۱ - ۱

۱- استقرار در باغ های بهشت ، از جمله پاداش های مؤمنان نیک کردار است .

إنّ الذین ءامنوا و عملوا الصلحت . .. أُولئک لهم جنّت عدن

جمله <أُولئک. ..> یا خبر یکم برای <إنّ> در صدر آیه قبل است و یا خبر دوم و احتمال سوم آن است که جمله مستأنفه باشد در هر صورت، مشارِالیه <أُولئک> <الذین امنوا...> در آیه قبل است. <عَدنْ> به معنای اقامت گزیدن و مستقر شدن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۰ - ۱

۱ - مغفرت الهی و رزق گوارا ، پاداش مؤمنان نیک کردار در جهان آخرت

فالذین ءامنوا و عملوا . .. و رزق کریم

<رزق کریم> یعنی روزی طیب و گوارا.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۰ - ۸

۸ - پاداش های اخروی خداوند ، ویژه مؤمنان شایسته کردار

ثواب اللّه خیر لمن ءامن و عمل صلحًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – جاثیه – ۴۵ – ۳۰ – ۲

۲ – اعطای پاداش به مؤمنان و نیک کرداران در قیامت ، قبل از

حسابرسی بدکرداران *

فأمّاالذین ءامنوا . .. و أمّا الذین کفروا

برداشت یاد شده بدان احتمال است که تقدم در بیان، بیانگر تقدم خارجی نیز باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۱ - ۱

۱ - مؤمنان دارای عمل صالح ، برخوردار از بوستان هایی متعدد ، در آخرت

إنّ الذین ءامنوا و عملوا الصلحت لهم جنّت

پاداش اخروی صداقت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۹ - ۴

۴ قیامت ، عرصه بهره برداری آدمی ، از نتایج گفتار و کردار خویش

قال اللّه هذا یوم ینفع الصدقین صدقهم

پاداش اخروی صدقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۸ - ۷

۷ - خداوند ، در قبال وامی که مؤمنان به او می دهند (در راه او صدقه می دهند) ، دو پاداش (پاداشی در دنیا و پاداشی در آخرت) عطا می کند .

و أقرضوا اللّه قرضًا حسنًا یضعف لهم و لهم أجر کریم

برداشت یاد شده بدان احتمال است که جمله <فیضاعف لهم>، ناظر به پاداش دنیوی و جمله <و لهم أجر کریم> ناظر به پاداش اخروی باشد.

پاداش اخروی صدیقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۹ - ۹

۹ - صدیقان و شهدا (گواهان) ، در جهان آخرت برخوردار از پاداشی ویژه و مخصوص به خود

لهم أجرهم

تقدیم <لهم> بر <أجرهم> افاده حصر می کند; یعنی، پاداش آنان (صدیقان و شهدا)، تنها از آنِ ایشان است و به کسی دیگر داده

نمی شود.

پاداش اخروی عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۸ - ۱۱

۱۱ - قیامت زمان برداشت و پاداش اعمال نیک است .

فاستبقوا الخیرت أین ما تکونوا یأت بکم اللّه جمیعاً

جمله <أین ما تکونوا . ..> تعلیل جمله قبل است; یعنی، چون قیامتی بر شما هست باید در دنیا به انجام کارهای نیک بپردازید. این تعلیل بیانگر آن است که: سعادت انسان در آخرت، به اعمال نیک او در دنیا بستگی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۵ - ۳،۷،۲۱

۳ دریافت سزای کامل اعمال ، تنها در روز قیامت است .

و انّما توفّون اجورکم یوم القیمه

۷ برخورداری از بهره های اخروی ، نتیجه اعمال دنیوی انسان

و انّما توفّون اجورکم یوم القیمه

۲۱ بهره های دنیا در برابر پاداش های کامل اخروی اعمال ، فریبی بیش نیست .

و انّما توفّون اجورکم یوم القیمُه . .. و ما الحیوه الدّنیآ الّا متاع الغرور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۰ - ۹

۹ اعمال نیک آدمی در پی دارنده پاداشی الهی در دنیا و آخرت *

و ان تک حسنه یضاعفها و یؤت من لدنه اجراً عظیماً

بدان احتمال که مراد از <یضاعفها> پاداش دنیوی و <یؤت من لدنه . .. > ناظر به پاداش اخروی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۸ - ۲۰

۲۰ قیامت روز پاداش و کیفر اعمال است.

و کذلك زینا لکل أمه عملهم . .. فینبئهم

بما كانوا يعملون

مطلع ساختن آدميان بر اعمالشان در قيامت، كنايه از مجازات و يا پاداش آنان مى تواند باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۷ - ۴

۴ حضور در صحنه قيامت و برخورد با سزاى اعمال دنيوى ، فرجام همه انسانهاست .

لقاء الأخره

كلمه <لقاء> (رسيدن و برخورد كردن) مصدرى است كه به مفعولش اضافه شده و فاعل آن محذوف است ; يعنى: <و لقائهم الأخره>.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - ابراهيم - ۱۴ - ۵۱ - ۴

۴- كيفر و پاداش الهى به انسان ها در قيامت ، كاملاً مطابق و متناسب با كم و كيف رفتار آدمى است .

ليجزى الله كلّ نفس ما كسبت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۱ - ۷،۱۰

۷- همه انسان ها ، سزاى اعمال خويش را در قيامت ، به طور كامل دريافت خواهند كرد .

يوم . .. و توفّى كلّ نفس ما عملت

<توفّى> (از ماده توفيه) به معناى پرداخت و دريافت كامل است.

۱۰- دنيا ، ميدان عمل و آخرت صحنه دريافت پاداش و كيفر است .

يوم تأتى . .. و توفّى كلّ نفس ما عملت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۱۲ – ۵

۵ – پاداش اعمال در قیامت ، عادلانه و به دور از هرگونه نقص و کاستی است .

و من یعمل . .. فلایخاف ظلمًا و لاهضمًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۲۶ – ۹

۹ – کیفیت

برانگیختن انسان و جزای اعمال او در قیامت ، متناسب با عملکرد دنیایی او است .

فنسیتها . .. تنسی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۸۲ – ۲

۲ – قیامت ، روز محاسبه کردار آدمیان و مجازات و پاداش در تعلیمات ابراهیم

و الذی أطمع أن یغفرلی خطیئتی یوم الدین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۵۴ – ۵

۵ – تجسم اعمال آدمیان ، به صورت کیفر و پاداش در آخرت

فالیوم لاتظلم نفس شیًا و لاتجزون إلاّ ما کنتم تعملون

آمدن تعبیر <لاـتجزون إلاّـ ما> به جای <لاـتجزون إلاّـ بما کنتم تعملون> (با ذکر <باء> مقابله)، می تواند بیانگر این حقیقت باشد که خودِ اعمال آدمی در روز رستاخیز، به صورت کیفر و پاداش به او برگردانده خواهد شد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۵۵ – ۳

۳ – بهشت و نعمت ها و خوشی های آن ، نتیجه و پاداش کردار انسان ها در دنیا است .

و لاتجزون إلاّ ما کنتم تعملون . إنّ أصحب الجنّه الیوم فی شغل فکهون

از ارتباط میان این آیه که سخن از بهشت و نعمت های آن است و آیه پیش که درباره پاداش مطابق رفتار و کردار بود برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۵۳ – ۴

۴ – قیامت ، روز حسابرسی اعمال و پاداش و جزا

هذا ما توعدون ليوم الحساب

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۴۰ – ۱۶

۱۶ – علم گسترده الهی به عملکرد انسان ها ، پشتوانه کیفر و پاداش اخروی آنان

اعملوا ما شئتم إنّه بما تعملون بصیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۸۳ – ۱۰

۱۰ – قیامت ، روز انسان و محصول تلاش و عملکرد او است .

حتّی یلقوا یومهم الذی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – جاثیه – ۴۵ – ۱۵ – ۷

۷ – اعمال نیک و بد آدمی ، دارای بازتاب در دنیا و درپی دارنده کیفر و پاداش در حیات اخروی

من عمل صلحًا . .. ثمّ إلی ربّکم ترجعون

تعبیر <ثمّ إلی ربّکم> در پی <من عمل صالحاً. ..> می رساند که آنچه در صدر آیه شریفه نسبت به بازتاب عمل گفته شده، مربوط به دنیا است و اعمال آدمی پس از آن نیز کیفر و پاداشی در نزد پروردگار خواهد داشت.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – جاثیه – ۴۵ – ۲۲ – ۹

۹ – بازگشت نتیجه کردار و اندوخته های انسان ، به خود وی در دنیا و آخرت

محیاهم و مماتهم . .. و لتجزی کلّ نفس بما کسبت

آیه شریفه پاسخ و ردی است بر کسانی که صالح و ناصالح را در زندگی و مرگ مساوی می پنداشتند از این مطلب، استفاده می شود که دنیا و آخرت هر دو میدان جزا و پاداش است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۱۹ – ۱۱

۱۱– زندگی دنیا ، صحنه عمل

و آخرت میدان دریافت اعمال و نتایج آن *

و لکلّ درجت ممّا عملوا و لیوفّیهم أعملهم

بنابراین که <حقّ علیهم القول> در آیه قبل، عـذاب اخروی باشد; از این آیه اسـتفاده می شود که مراد از <درجات> درجه های اخروی است و در آن جایگاه، نتایج اعمال استیفا می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۲ - ۳

۳ - قیامت ، روز حاکمیت قانون و جزای اعمال

أیّان یوم الدّین

<دین> به معنای جزا و <یوم الدّین> به معنای روز جزا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۱ - ۱،۳

۱ - جزای کامل اعمال ، نصیب انسان در آخرت ، در پی دیدن و مشاهده عمل

و أنّ سعیه سوف یری . ثمّ یجزیه الجزاء الأوفی

۳ - تجسم اعمال انسان ، مجازات و پاداش الهی در آخرت برای او

و أنّ سعیه سوف یری . ثمّ یجزیه الجزاء الأوفی

برداشت یاد شده با توجه به تعبیر <یجزاه> به جای <یجزی به> استفاده می شود; زیرا مفاد آن چنین است: <خداوند انسان را به همان عملش جزا می دهد [و نه در برابر عملش]>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۹ - ۲،۳

۲ - نعمت های آخرت ، پاداش کار و تلاش در دنیا است .

ناعمه . لسعیها راضیه

۳ - افرادی که در قیامت ، در رفاه و خوش گذرانی به سر می برند ، دستیابی به آن را مرهون تلاش های دنیایی خود می بینند .

ناعمه . لسعیها راضیه

جلد - نام سوره -

سوره – آیه – فیش

۲۰ – زلزله – ۹۹ – ۶ – ۵،۷

۵ – مشاهده کردار و مواجه شدن با پاداش و کیفر آن ، از اهداف حشر انسان ها در قیامت

یصدر الناس أشتاتًا لیروا أعملهم

حرف <لام> در <لیروا>، بیانگر برداشت یاد شده است. مشاهده اعمال، یا به معنای مشاهده پاداش و کیفر آنها است و یا ناظر به تجّسم اعمال و مشهود بودن آن در قیامت است.

۷ – مواجه شدن انسان ها با کردار خود و پاداش یا کیفر آن ، پس از بازگشت آنان از حسابرسی است .

یصدر الناس أشتاتًا لیروا أعملهم

پاداش اخروی عمل خیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – زلزله – ۹۹ – ۷ – ۱

۱ – انجام دهندگان کار خیر ، در قیامت پاداش دیده ، با کردار خویش مواجه خواهند شد .

فمن یعمل مثقال ذرّه خیرًا یره

پاداش اخروی عمل صالح

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۶۰ – ۷

۷ انجام عمل نیک به شرط حبط نشدن تا حضور در صحنه قیامت دارای پاداشی ده چندان است.

من جاء بالحسنه فله عشر أمثالها

حرف <باء> در <بالحسنه> هم می تواند برای تعدیه باشد، که در این صورت <مجیء> به معنای انجام دادن است، و هم می تواند برای مصاحبت باشد، که در این صورت <مجیء> به معنای حاضر شدن است. برداشت فوق بر اساس احتمال دوم است. بر این مبنا جمله <من جاء بالحسنه> (کسی که با عمل نیکی در قیامت حاضر شود)، اشاره به این معنا دارد که پاداش

از آن کسی است که عمل نیکش

تا قیامت باقی باشد و با گناه حبط نشده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۴ - ۵

۵ - هر عمل نیک در جهان آخرت ، دارای پاداش افزون و هر عمل بد دارای کیفر متناسب با آن خواهد بود .

من جاء بالحسنه . .. و من جاء بالسیّئه

<ال> در <الحسنه> و <السیّئه> برای جنس و مفید استغراق است. بنابراین <من جاء بالحسنه>; یعنی، <هر کس هر عمل نیک بیاورد> و <من جاء بالسیّئه>; یعنی، هر کس هر عمل بد بیاورد.

پاداش اخروی فاطمه(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۲ - ۸

۸ - نعمت های سرشار بهشت ، پاداش الهی اهل بیت (علی ، فاطمه ، حسن و حسین (ع))

إنّ الأبرار یشربون من کأس . .. و سقیهم ربّهم شرابًا طهورًا . إنّ هذا کان لکم جز

برداشت یاد شده، با توجه به شأن نزولی است که از طریق شیعه و سنی نقل شده است و آن این که از آیه ۵ تا آیه مورد بحث (آیه ۲۲)، درباره آن بزرگواران نازل شده است. (مجمع البیان، ج ۱۰; الکشاف، ج ۴، ذیل آیه)

پاداش اخروی قرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۵ - ۱۶

۱۶ پاداش الهی به انفاق کنندگان در دنیا و آخرت

فیضاعفه له اضعافاً . .. و الیه ترجعون

<الیه ترجعون>، اشاره به پاداش الهی است در آخرت; بنابراین <فیضاعفه> بیانگر پاداش الهی در دنیاست.

پاداش اخروی قرض به خدا

سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۱ - ۵،۱۰

۵ - خداونـد ، در قبال وامی که مؤمنان به او می دهنـد (انفاق در راه او) ، دو پاداش می دهـد : پاداشـی در دنیا و پاداشـی در آخرت .

من ذا الذی یقرض اللّه . .. فیضعفه له و له أجر کریم

برداشت یاد شده بدان احتمال است که جمله <فیضاعفه له>، ناظر به پاداش دنیوی و جمله <و له أجر کریم> ناظر به پاداش اخروی باشد.

۱۰ - خداونـد ، در برابر قرض الحسـنه ای که مؤمنـان به او می دهنـد ، علاوه بر بـازپس دادن چنـد برابر آن در دنیا ، پاداشـی نفیس و گران سنگی نیز در آخرت به ایشان خواهد داد .

من ذا الذی یقرض اللّه . .. فیضعفه له و له أجر کریم

واژه <کریم> در هر مقامی، معنایی متناسب با همان مقام دارد. در این جا به معنای عظیم، نفیس و گران سنگ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۲ - ۱

۱ - قیامت ، روز پاداش دهی خداوند به وام دهندگان خود (کسانی که با انفاق در راه خدا به او قرض الحسنه دادند) .

من ذا الذی یقرض اللّه . .. و له أجر کریم . یوم تری المؤمنین

<یـوم> در <یـوم تری>، مربـوط بـه <لـه أجر کریـم> در آیـه پیش اسـت; یعنی، خداونـد، پـاداش نفیس خـود را بـه وام دهندگان خویش در روزی می دهد که. .. . گفتنی است که مراد از <یوم تری> روز قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۸ - ۷،۱۱

۷ - خداوند ، در قبال وامی که مؤمنان به او می دهند (در راه او صدقه می دهند) ، دو پاداش (پاداشی در دنیا و پاداشی در آخرت) عطا می کند .

و أقرضوا اللّه قرضًا حسنًا یضعف لهم و لهم أجر کریم

برداشت یاد شده بدان احتمال است که جمله <فیضاعف لهم>، ناظر به پاداش دنیوی و جمله <و لهم أجر کریم> ناظر به پاداش اخروی باشد.

۱۱ - خداوند ، در برابر قرض الحسنه که مؤمنان به او می دهند علاوه بر باز پس دادن چند برابر آن در دنیا پاداش نفیس و گران سنگی نیز در آخرت به ایشان عطا خواهد کرد .

إنّ المصّدّقین . .. و أقرضوا اللّه ... و لهم أجر کریم

واژه <کریم>، در هر مورد معنایی متناسب با همان جا دارد و در این جا به معنای عظیم، نفیس و گران سنگ است.

پاداش اخروی گواهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۹ - ۹

۹ - صدیقان و شهدا (گواهان) ، در جهان آخرت برخوردار از پاداشی ویژه و مخصوص به خود

لهم أجرهم

تقدیم <لهم> بر <أجرهم> افاده حصر می کند; یعنی، پاداش آنان (صدیقان و شهدا)، تنها از آنِ ایشان است و به کسی دیگر داده نمی شود.

پاداش اخروی متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۱ - ۷،۹

۷- ورود به بهشت جاودان و رسیدن به تمامی خواسته ها در آن ، پاداش خداوند به تقواپیشگان است .

دار المتّقین

. جنّت عدن ... لهم فيها ما يشاءون

۹- نيل به سعادت اخروى ، جاى گرفتن در بهشت و برآورده شدن تمامى خواسته ها در آن ، پاداش خداوند به تقواپيشگان

و لنعم دار المتّقين . جنّت عدن ... لهم فيها ما يشاءون كذلك يجزى الله المتّقين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۳ - ۲

۲ - بهشت و نعمت هاى آن ، پاداش تقواپيشگان است .

جنّت . .. هذا ما توعدون ليوم الحساب

<ليوم الحساب> به تقدير <لأجل جزاء يوم الحساب> است; يعنى، اين نعمت ها همان چيزى است كه به خاطر روز حساب به شما وعده داده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۰ - ۲،۴،۸

۲ - بناهاى مرتفع و چند طبقه (كاخ ها) در بهشت، پاداش اختصاصى تقواپيشگان

لكن الذين اتّقوا ربّهم لهم غرف من فوقها غرف مبنيّه

"غرفه" (مفرد "غرف") به معناى بناهاى مرتفع و خانه اى بالاى خانه اى ديگر (چند طبقه چون كاخ) است. گفتنى است لام در "لهم" براى اختصاص است.

۴ - تقواپيشگان ، از منظره هاى چشم نواز و لذت بخش بهشت بهره مند خواهند شد .

لهم غرف من فوقها غرف مبنيّه

مرتفع و چند طبقه بودن بناهاى بهشت به همراه جريان نهرها در پايين آنها، مى تواند اشاره به مطلب ياد شده باشد.

۸ - كاخ ها و بنا هاى تقواپيشگان در بهشت ، داراى نهرهايى است جارى در پايين آنها .

غرف مبنيّه تجرى من تحتها الأنهر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

٢٠ - نبأ - ٧٨ - ٣٦ - ٢،٤

٢ -

خداوند ، به اقتضای ربوبیت خویش ، تقواپیشگان را از پاداش های اخروی بهره مند می سازد .

جزاء من ربّک

۴ - بهره مند ساختن تقواپیشگان از پاداش های آخرت ، جلوه تدبیر خداوند در ترفیع بخشیدن به مقام پیامبر (ص) است .

ربّک

<ربّ> مصدر و به معنای تربیت است و مجازاً در معنای <تربیت کننده> استعمال می شود (مفردات راغب). تأکید بر واژه <ربّک>، گویای آن است که اعطای پاداش به متقین، در راستای تربیت پیامبر(ص) و افزودن رشد آن حضرت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۷ - ۶۸

۶ - پاداش رسانی به اهل تقوا در قیامت ، اقتضای تدبیر نظام هستی و لازمه ربوبیت خداوند بر جهان است .

جزاء من ربّک . .. ربّ السموت و الأرض و ما بینهما

۸ - نعمت های بهشت و پاداش تقواپیشگان در آن ، جلوه رحمت گسترده خداوند است .

جزاء من ربّک . .. الرحمن

پاداش اخروی مجاهدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۸ - ۱۵

۱۵ حوران بهشتی ، از آنِ مؤمنان مجاهد و ایثارگر است .

و أولئک لهم الخیرت

منظور از <الخیرات> به قرینه آیه ۷۰ سوره الرحمن (فیهن خیرات حسان) می تواند حوران بهشت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۷ - ۴

۴ – باغ های بهشت ، با نهر های همیشه جاری ، پاداش الهی به شرکت کنندگان در جهاد و نبرد با دشمنان دین

و من یطع اللّه و رسوله یدخله جنّت تجری

با توجه به این

که سیاق آیات، در رابطه با جنگ و جهاد می باشد; مراد از <من یطع. ..> کسی است که فرمان جهاد را اطاعت کرده است.

پاداش اخروی محسنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۶ - ۱،۲،۳

۱ پاداش های اخروی ، تنها از آن نیکوکاران است .

للذین أحسنوا الحسنی

تقدیم خبر (للذین . ..) بر مبتدا (الحسنی) مفید حصر است.

۲ پاداش نیکوکاران در سرای آخرت از نوع بهترین پاداشهاست .

للذین أحسنوا الحسنی

۳ نیکوکاران در سرای آخرت ، افزون بر بهترین پاداش ها ، از نعمتهایی بی شمار و غیر قابل توصیف برخوردار خواهند بود .

للذین أحسنوا الحسنی و زیاده

تنکیردر <زیاده> که برای تفخیم است بیانگر برداشت فوق می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۷ - ۲

۲ نیکوکاران علاوه بر بهره مند شدن از پاداش در حیات دنیا ، از پاداش های برتر اخروی نیز برخوردار خواهند شد .

لانضیع أجر المحسنین. و لأجر الأخره خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۴ - ۷،۱۳

۷ - پاداش احسان کنندگان در قیامت ، پاداشی بزرگ و با عظمت است .

ذلک جزاء المحسنین

برداشت یاد شده از کاربرد <ذلک> (برای اشاره به شیء بعید)، استفاده شده است.

۱۳ - بهشت و تأمین تمامی خواسته ها ، پاداش استحقاقی و حق محسنان است .

ذلک جزاء المحسنین

تعبیر <جزاء> می رساند که محسنان در برابر احسان های خود، حقی بر خدا پیدامی کنند; هر چند این حق را خود او مقرر فرموده است.

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۵ - ۱۰

۱۰ - فراهم شدن تمامی خواسته های محسنان در قیامت ، پاداشی است بر مبنای بهترین عمل آنان .

لهم ما یشاءون عند ربّهم . .. و یجزیهم أجرهم بأحسن الذی کانوا یعملون

برداشت یاد شده از آن جا است که جمله <یجزیهم. ..> می تواند توضیح و بیان برای جمله <لهم ما یشاءون...> باشد; یعنی، برآورده شدن خواسته های محسنان در قیامت، همان پاداش مطابق با بهترین عمل ها است که خداوند برای آنان مقرر داشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۴ - ۲

۲ - بهره مندی از موهبت های بهشت ، جزا و پاداش الهی به نیکوکاران

فی ظلل و عیون . .. إنّا کذلک نجزی المحسنین

پاداش اخروی محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۵ - ۶

۶ وعده پاداش کامل اخروی به پیامبر (ص) ، در برابر ابلاغ رسالت و تحمّل رنج های آن

فان کذّبوک . .. و انّما توفّون اجورکم یوم القیمه

از مصادیق مورد نظر برای <و انّما توفّون اجورکم>، به قرینه آیه قبل، که در مقام تسلی و دلداری پیامبر (ص) بود، پاداش کامل پیامبر (ص) در برابر ابلاغ رسالت است.

پاداش اخروی مرد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۲ - ۳

۳ تساوی زن و مرد در پاداش های اخروی

وعد اللّه المؤمنین و المؤمنت جنت تجری من تحتها الأنهر

پاداش اخروی مردان صالح

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۰ - ۵

۵ - پاداش ها و نعمت های زنان و مردان مؤمن نیک کردار در بهشت ، بیشتر از استحقاق و افزون تر از اقتضای رفتار آنان است .

و من عمل صلحًا . .. یرزقون فیها بغیر حساب

بدون حساب و بی اندازه بودن پاداش مؤمنان، در مقابل گناه کاران که تنها به میزان گناهشان مجازات خواهند شد گویای حقیقت یاد شده است.

پاداش اخروی مردان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۰ - ۸

۸ - برابری زن و مرد ، در بهره مند شدن از پاداش های اخروی و نعمت های بهشتی

و من عمل صلحًا من ذکر أو أُنثی و هو مؤمن فأُولئک یدخلون الجنّه یرزقون فیها بغی

پاداش اخروی مطیعان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۳ - ۱

۱ - انسان های درست کار ، راست گفتار و مطیع خداوند ، به پاداش کردار خویش ، در میان انبوه نعمت های آخرت جای خواهند گرفت .

إنّ الأبرار لفی نعیم

از جمله معانی ذکر شده برای <برّ>، صلاح و درست کاری، اطاعت و صداقت است(لسان العرب). <نعیم>; یعنی، نعمت فراوان (مفردات راغب) نکره بودن <نعیم>، گویای عظمت آن است.

پاداش اخروی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۳ - ۵

۵ پاداش اخروی مؤمنان صالح بیش از استحقاق آنان است .

فاما الذین ءامنوا و عملوا الصلحت . .. و یزیدهم من فضله

جلد - نام

سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۷۲ - ۶

۶ وجود خانه هاى عالى و پاكيزه براى مؤمنان نيك كردار در < جنات عدن >

و مسكن طيبه فى جنت عدن

<جنات عـدن> مى تواند نامى خاص باشد و غير از <جنات تجرى . .. > به شـمار آيد. برداشت فوق بر گرفته از اين احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۸۸ - ۱۵

۱۵ حوران بهشتى ، از آنِ مؤمنان مجاهد و ايثارگر است .

و أولئك لهم الخيرت

منظور از <الخيرات> به قرينه آيه ۷۰ سوره الرحمن (فيهن خيرات حسان) مى تواند حوران بهشت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - يونس - ۱۰ - ۴ - ۱۱

۱۱ عمل صالح ، شرط بهره مندى اهل ايمان از پاداش هاى اخروى

ليجزى الذين ءامنوا و عملوا الصلحت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۱ - ۲

۲ مؤمنان به كتاب هاى آسمانى ، در قيامت به پاداش كامل كردار خويش دست خواهند يافت .

و إنّ كلاًّ لما ليوفينّهم ربك أعملهم

مراد از <أعمـالهم> كيفر و پـاداش اعمـال مى باشـد. بنابراين <إنّ كلاًّ ...>; يعنى ، همانا پروردگارت پاداش و كيفر اعمال همگان را به طور كامل پرداخت خواهد كرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۱ - ۱،۹

۱- استقرار در باغ های بهشت ، از جمله پاداش های مؤمنان نیک کردار است .

إنّ الذین ءامنوا و عملوا الصلحت . .. أُولئک لهم جنّت عدن

جمله <أُولئک.

..> یا خبر یکم برای <إنّ> در صدر آیه قبل است و یا خبر دوم و احتمال سوم آن است که جمله مستأنفه باشد در هر صورت، مشارِالیه <أُولئک> <الذین امنوا...> در آیه قبل است. <عَدنْ> به معنای اقامت گزیدن و مستقر شدن است.

۹- بهشت ، مکانی بس آسایش آفرین ، و نعمت های آن ، پاداشی بس نیک برای مؤمنان است .

نعم الثّواب و حسنت مرتفقًا

<مرتفق> اسم مکان به معنای <متکا> (تکیگاه) است و چون هنگام استراحت، نوعاً، مرفق خود را روی زمین می گذارند، به محل استراحت و لمیدن <مرتفق> گفته شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۶۱ – ۱۲

۱۲– ورود مؤمنان به بهشت عدن ، به خاطر ایمان آنان به غیب و تصدیق آن است .

جنّت عدن التی وعد الرحمن عباده بالغیب

<باء> در <بالغیب> می تواند سببیه و متعلق به <وعد> باشد؛ یعنی، وعده خداوند به مؤمنان، به جهت ایمان آنان به غیب بوده است. روشن است که بنابراین وجه، تقدیر کلام <بتصدیق الغیب> خواهد بود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۵۰ – ۱

۱ – مغفرت الهی و رزق گوارا ، پاداش مؤمنان نیک کردار در جهان آخرت

فالذین ءامنوا و عملوا . .. و رزق کریم

<رزق کریم> یعنی روزی طیب و گوارا.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۱۱۱ – ۱

۱ – مؤمنان شکیبا ، برخوردار از پاداش حتمی خداوند در قیامت

إنّی جزیتهم الیوم بما صبروا

<جزاء> (مصدر <جزیت>) به معنای پاداش دادن است. <باء> در

<بما صبروا> سببیه و <ما> موصول حرفی است; یعنی، <بسبب صبرهم>. <فوز> (مصدر <فائزون>) دستیابی به مقصود را می گویند. فعل <جزیت> دو مفعول بر می دارد. بنابراین <هم>، مفعول اول آن و <أنّهم هم الفائزون> به تأویل <فوزهم> مفعول دوم آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۰ - ۸

۸ - پاداش های اخروی خداوند ، ویژه مؤمنان شایسته کردار

ثواب اللّه خیر لمن ءامن و عمل صلحًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۵ - ۵

۵ - پاداش های اخروی خداوند به مؤمنان (بهشت و نعمت های آن) ، تفضل او است .

لیجزی الذین . .. من فضله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴ - ۱

۱ - فلسفه برپایی قیامت ، پاداش دادن به مؤمنان دارای عمل صالح است .

لتأتینّکم . .. لیجزی الذین ءامنوا و عملوا الصلحت

<ل> در <لیجزی>، تعلیل برای فعل <تأتی> در آیه قبل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۰ - ۱۰

۱۰ - خداوند با کافران بدکردار در قیامت ، بر مبنای عدل و با مؤمنان نیک کردار براساس فضل و لطف خویش برخورد خواهد کرد .

من عمل سیّئه فلایجزی إلاّ مثلها و من عمل صلحًا . .. و هو مؤمن ... یرزقون فیها ب

برداشت یـاد شـده از آن جـا است که مجـازات گنـاه کاران، تنها به میزان گناه آنان است; ولی پاداش مؤمنان نیک کردار، بی شمار و افزون بر

استحقاق آنان می باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – جاثیه – ۴۵ – ۳۰ – ۲

۲ – اعطای پاداش به مؤمنان و نیک کرداران در قیامت ، قبل از حسابرسی بدکرداران *

فأمّاالذین ءامنوا . .. و أمّا الذین کفروا

برداشت یاد شده بدان احتمال است که تقدم در بیان، بیانگر تقدم خارجی نیز باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حدید – ۵۷ – ۱۰ – ۲۶،۲۷

۲۶ – احاطه علمی خداوند ، به تمامی اعمال مؤمنان ، تضمین کننده پاداش های اخروی آنها

و کلاًّ وعد اللّه الحسنی و اللّه بما تعملون خبیر

یادآوری احاطه علمی خداوند به همه اعمال پس از وعده پاداش برتر به همه مؤمنان می تواند برای ایجاد و اطمینان در مؤمنان باشد و نیز آنان به این یقین داشته باشند که خداوند به هر عمل نیک آنان، آگاه است. همچنین اعمال نیک آنان هر چند کوچک باشد ضایع نخواهد شد.

۲۷ – دستیابی مؤمنان به پاداش های موعود الهی در آخرت ، در گرو پایدار ماندن آنان بر ایمان و انجام اعمال نیک است .

و کلاًّ وعد اللّه الحسنی و اللّه بما تعملون خبیر

جمله <و اللّه بماتعملون خبیر> می تواند دربردارنده هشدار باشد. بر این اساس، هشدار الهی به مؤمنان مجاهد و انفاق گر پس از این که به آنان وعده پاداش برتر اخروی داده است می تواند بیانگر این حقیقت باشد که مؤمنان مواظب باشند و بدانند که دستیابی آنان به آن وعده های الهی، در صورتی قطعی است که آنها همچنان بر ایمان و صراط مستقیمی که

در آن قرار دارند، باقی بمانند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – مجادله – ۵۸ – ۱۱ – ۵

۵ – خداوند ، در قبال عمل کردن مؤمنان به توصیه او (جا باز کردن برای دیگران در مجالس) جایگاه اخروی آنان را وسیع خواهد کرد .

فافسحوا یفسح اللّه لکم

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <یفسح اللّه لکم> ناظر به پاداش اخروی باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – جن – ۷۲ – ۱۳ – ۵

۵ – پاداش مؤمنان ، عادلانه و بی کم و کاست داده می شود .

فمن یؤمن بربّه فلایخاف بخسًا و لا رهقًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قیامه – ۷۵ – ۲۳ – ۲

۲ – مؤمنان در روز قیامت ، تنها به لطف و ثواب الهی چشم دوخته اند .

إلی ربّها ناظره

برداشت یاده شده، مبتنی بر حذف مضاف است و تقدیر آن چنین می باشد: <إلی ثواب ربّها ناظره>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – انشقاق – ۸۴ – ۲۵ – ۸

۸ – خداوند در قیامت ، مؤمنان را با یادآوری مکرر پاداش های خویش ، آزار نداده و بر آنان منت نخواهد گذاشت .

لهم أجر غیر ممنون

در معانی <مَنّ> آورده انـد که: منت گذاشـتن بر کسـی، به این است که احسان به او را بزرگ شـمرده و به آن فخر کننـد و درباره اش سخن را آغاز و تکرار کنند تا آن جا که شخص را متنفر سازند. (لسان العرب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج

- ۸۵ - ۱۱ - ۱

۱ - مؤمنان دارای عمل صالح ، برخوردار از بوستان هایی متعدد ، در آخرت

إنّ الذین ءامنوا و عملوا الصلحت لهم جنّت

پاداش اخروی مهاجران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۱ - ۱،۱۲

۱- خداوند ، به مسلمانهایی که مورد ستم واقع شده و به خاطر او هجرت کردند ، جایگاه و مکانی شایسته در دنیا و پاداشی بس بزرگ تر در آخرت عطا می کند .

و الذین هاجروا فی الله من بعد ما ظلموا لنبوّئنّهم فی الدنیا حسنه و لأجر الأخره أ

<فی> در <فی الله> به معنای <لام> و برای تعلیل است. بنابراین معنای عبارت <هجرت برای کسب رضای خداوند> است.

۱۲- مهاجران ، از فواید دنیوی و پاداش اخروی هجرت در راه خدا بی خبرند .

و الذین هاجروا . .. لأجر الأخره أکبر لو کانوا یعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۸ - ۵

۵ - رزق نیکو ، پاداش اخروی خدا به مؤمنان مهاجر

و الذین هاجروا . .. لیرزقنّهم اللّه رزقًا حسنًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۹ - ۱

۱ - خدا ، عهده دار پاداش مؤمنان مهاجر در جهان آخرت

و الذین هاجروا . .. لیدخلنّهم مدخلاً یرضونه

پاداش اخروی مهتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۱ - ۳

۳ - پاداش های اخروی ، وعده نیکوی خداوند به هدایت یافتگان

أفمن وعدنه وعدًا حسنًا

پاداش اخروی یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۴ - ۳

۳ - پاداش اخروی اعمال نیک ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق و یعقوب (ع) اختصاص به خود ایشان دارد و دیگران از آن بهره ای نخواهند برد .

تلک أمه قد خلت لها ما کسبت

تقدیم <لها> بر <ما کسبت> گویای حصر است. بنابراین <لها ما کسبت>; یعنی، دستاورد آنان تنها از آن ایشان و به سود خودشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۱ - ۳

۳ - پاداش اخروی اعمال نیک ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق و یعقوب (ع) اختصاص به خود ایشان دارد و دیگران از آن بهره ای نخواهند برد .

تلک أمه قد خلت لها ما کسبت

تقدیم <لها> بر <کسبت> گویای حصر است. بنابراین <لها ما کسبت>; یعنی، دستاورد آنان تنها از آنِ ایشان و به سود خودشان است.

پاداش اخروی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۷ - ۱۰،۱۱

۱۰ یوسف (ع) در آخرت از پاداشی برتر و بهتر از آنچه در دنیا بدان دست یافت ، بهره مند خواهد شد .

و کذلک مکّنّا لیوسف فی الأرض . .. و لانضیع أجر المحسنین. و لأجر الأخره خیر ... و

۱۱ پاداش های دنیوی و اخروی یوسف (ع) ، دستاورد ایمان و ملازمت او بر تقوا و پرهیزگاری بود .

و کذلک مکّنّا لیوسف . .. و لأجر الأخره خیر للذین ءامنوا و کانوا یتقون

پاداش اذیت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۹۵

۱۹،۲۱ –

۱۹ بخشش گناهان و دخول در بهشت ، پاداش بزرگ الهی ، برای هجرت ، آوارگی ، آزار دیدن در راه خدا و جهاد و شهادت

فالّذین هاجروا و اخرجوا من دیارهم و اوذوا فی سبیلی و قاتلوا و قتلوا لاکفّرنّ عنه

۲۱ پاداش مهاجران ، آوارگان ، آزاردیدگان در راه خدا ، مجاهدان و شهیدان ، تضمین شده از سوی خداوند

انّی لا اضیع عمل عامل منکم . .. فالّذین هاجروا و اخرجوا من دیارهم و اوذوا فی سبی

لام قسم و نون تأکید در <لاکفّرنّ> و در <لادخلنّ> دلالت بر تأکید و تضمین پاداش دارد.

پاداش ارزشمند

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۷۲ – ۹

۹ – پاداش خدا ، بهترین و ارزشمندترین پاداش ها برای مبلغان الهی

فخراج ربّک خیر

پاداش استقامت ابراهیم(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۵۰ – ۴

۴– خداوند ، خوش نامی و بلندآوازگی را ، به پاس پایداری ابراهیم (ع) در توحید ، به او و فرزندانش عنایت کرد .

فلمّا أعتزلهم . .. و جعلنا لهم لسان صدق علیًّا

پاداش استقامت بر توحید

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۱۲ – ۱۵

۱۵ استقامت در دین و پایداری بر توحید ، درپی دارنده پاداش الهی است .

فاستقم . .. إنه بما تعملون بصیر

یادآوری علم و آگاهی خداوند به اعمال بندگان پس از امرها و نهی ها ، اشاره به پاداش دهی و کیفر رساندن است.

پاداش استقامت در تکلیف

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۳ - ۳

۳ بهشت عدن ، پاداش صبر و استقامت بر فرمان های الهی ، برپا داشتن نماز و انفاق کردن

والذین صبروا . .. أُولئک لهم عقبی الدار. جنّت عدن

پاداش استقامت در دینداری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۲ - ۱۵

۱۵ استقامت در دین و پایداری بر توحید ، درپی دارنده پاداش الهی است .

فاستقم . .. إنه بما تعملون بصیر

یادآوری علم و آگاهی خداوند به اعمال بندگان پس از امرها و نهی ها ، اشاره به پاداش دهی و کیفر رساندن است.

پاداش اسکان به واردین به مجلس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۱ - ۴،۵،۸،۱۰

۴ - پاداش مؤمنان عمل کننده به توصیه الهی (توصیه به جا باز کردن برای دیگران در مجالس) ، حل مشکلات و گشایش در امور زندگی آنان از سوی خداوند است .

فافسحوا یفسح اللّه لکم

در صورتی که مراد از <یفسح اللّه>، پاداش دنیوی باشد برداشت بالا استفاده می شود.

۵ - خداوند ، در قبال عمل کردن مؤمنان به توصیه او (جا باز کردن برای دیگران در مجالس) جایگاه اخروی آنان را وسیع خواهد کرد .

فافسحوا یفسح اللّه لکم

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <یفسح اللّه لکم> ناظر به پاداش اخروی باشد.

۸ - برخاستن از جای خود و قرار دادن آن در اختیار دیگران ، دارای پاداشی متناسب در پیشگاه خداوند

و إذا قیل انشزوا فانشزوا یرفع اللّه الذین ءامنوا منکم

برداشت یاد شده بدان سبب است که خداوند،

برخاستن از جای خود را مایه بالا رفتن درجه و منزلت فرد قرار داده است.

۱۰ – خداونـد ، درجـات اخروی مؤمنـان ، به خصوص اهـل علم را ، که در مجـالس در صورت ازدحـام جمعیت از جای خود برمی خیزند و آن را در اختیار دیگران قرار می دهند ، بالا خواهد برد .

فانشزوا یرفع اللّه الذین ءامنوا منکم و الذین أُوتوا العلم درجت

پاداش اصحاب یمین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۳۸ – ۲

۲ – حوریان بهشت ، پاداش الهی به اصحاب الیمین

إنّا أنشأنهنّ . .. لأصحب الیمین

پاداش اصلاح

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۴۰ – ۶

۶ – عفو و اغماض از خطای دیگران و اصلاح بدی آنان با نیکی و گذشت ، موجب اجر و پاداش ویژه خداوند است .

و جزؤا سیّئه سیّئه مثلها فمن عفا و أصلح فأجره علی اللّه

پاداش اطاعت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۷۹ – ۲۶

۲۶ استحقاق اجر عظیم الهی ، در گرو ایمان به خدا و رسول و پرهیز از مخالفت با آنان

و ان تؤمنوا و تتّقوا فلکم اجر عظیم

چون کلمه <اجر>، ظهور در پاداش استحقاقی دارد، در برداشت فوق، کلمه استحقاق آورده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۹ - ۲۹

۲۹ سعادت دنیا و آخرت ، در گرو اطاعت از خدا و رسول و مراجعه به آنها در حل کشمکشها *

اطیعوا اللّه .

.. ذلک خیر و احسن تاویلا

بدان احتمال که جمله <ذلک خیر> مربوط به دنیا و جمله <احسن تاویلا> مربوط به آخرت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۹ - ۱

۱ مصاحبت با پیامبران ، صدّیقان ، شاهدان و گواهان اعمال و صالحان ، پاداش اطاعت از خدا و رسول (ص)

و من یطع اللّه و الرّسول . .. و الصّالحین

<صدّیق>، یعنی بسیار راستگو و شاید مبالغه بودن آن اشاره به صداقت آنان در گفتار و عمل باشد. برخی برآنند که مقصود از صدیقین، اولین کسانی هستند که پیامبران را تصدیق کردند و شاهدان، یا به معنای کشته شدگان در راه خدا و یا گواهان بر اعمال انسانها و یا عالمان واقعی دین است.

پاداش اطاعت از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۲ - ۱۵

۱۵ بهشت جاودان ، بوستان های پوشیده از درخت ، خانه های دلپذیر و خشنودی خدا ، پاداش الهی به مؤمنان در برابر امر به معروف و نهی از منکر ، اقامه نماز ، پرداخت زکات و اطاعت از خدا و رسول (ص)

و المؤمنون و المؤمنت . .. یأمرون بالمعروف ... و یطیعون اللّه و رسوله ... وعد الل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۲ - ۲۸

۲۸ عمل کنندگان به میثاق و فرمان های الهی ; هر یک بهره مند از بهشتی خاص هستند .

لقد اخذ اللّه میثق . .. لئن اقمتم الصلوه ... لادخلنکم جنت

بهره گیری عمل

کننـدگان به فرمانهای الهی از بهشـتهای متعدد (جنت)، می تواند به این صورت باشد که هر کس به بهشت مخصوص خویش راه می یابد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۱ - ۱۷

۱۷ اطاعت کنندگان از دستور های خدا در صورت نیکوکار بودن از پاداشی بیش از دیگر مطیعان بهره مند خواهند شد .

سنزید المحسنین

پاداش اطاعت از محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۲ - ۱۵

۱۵ بهشت جاودان ، بوستان های پوشیده از درخت ، خانه های دلپذیر و خشنودی خدا ، پاداش الهی به مؤمنان در برابر امر به معروف و نهی از منکر ، اقامه نماز ، پرداخت زکات و اطاعت از خدا و رسول (ص)

و المؤمنون و المؤمنت . .. یأمرون بالمعروف ... و یطیعون اللّه و رسوله ... وعد الل

پاداش اطعام به مساکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۴ - ۱۶

۱۶ - روزه گرفتن و فدیه دادن به مسکین ، چنانچه با میل و رغبت باشد ، ثوابی افزونتر دارد .

کتب علیکم الصیام . .. و علی الذین یطیقونه فدیه ... فمن تطوع خیراً فهو خیر له

مصداق مورد نظر برای <خیراً> به دلیل فرازهای قبل، روزه گرفتن و در صورت مشقت بار بودن روزه، فدیه دادن است.

پاداش اعتصام به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۵ - ۳

۳ نیل به مقام قرب الهی ، بهره مندی کامل از

بهشت و نعمت های آن و برخورداری از فضل الهی ، پاداش مؤمنان متمسک به خداوند

فاما الذین ءامنوا . .. فسیدخلهم فی رحمه منه و فضل و یهدیهم إلیه

پاداش اعراض از شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۹ - ۳

۳- اعطای اسحاق و یعقوب به حضرت ابراهیم (ع) ، موهبتی الهی و پاداش هجرت او بود .

فلمّا أعتزلهم و مایعبدون من دون اللّه وهبنا له إسحق و یعقوب

حرف <لمّا> بیانگر ترتب جزا(وهبنا . ..) بر شرط (اعتزلهم ...) می باشد و دلالت می کند که وجود جزا، به خاطر وجود شرط بوده است.

پاداش الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۵ - ۱۱،۱۶

۱۱ خداوند ، پاداش دهنده اعمال در دنیا و آخرت

و من یرد ثواب الدّنیا نؤته منها و من یرد ثواب الاخره نؤته منها

مراد از اراده پاداش، انجام عمل خیر، برای نیل به پاداش است.

۱۶ سپاسگزاران نعمت های خداوند ، بهره مند از پاداش های مخصوص او

و من یرد ثواب الدّنیا . .. و من یرد ثواب الاخره ... و سنجزی الشّاکرین

پاداش الیاس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۳۱ - ۳

۳ – باقی ماندن نام و آوازه نیک الیاس پیامبر (ع) ، از پاداش های خداوند به ایشان

و ترکنا علیه فی الأخرین . .. إنّا کذلک نجزی المحسنین

پاداش امت ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۳۴ – ۵

– هر فرد و امتی از پاداش اعمال نیک خویش بهره مند خواهند شد .

لها ما کسبت و لکم ما کسبتم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۴۱ – ۵

۵ – هر فرد و امتی از پاداش اعمال نیک خویش بهره مند خواهد شد .

لها ما کسبت و لکم ما کسبتم

پاداش امر به معروف

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۷۲ – ۱۵

۱۵ بهشت جاودان ، بوستان های پوشیده از درخت ، خانه های دلپذیر و خشنودی خدا ، پاداش الهی به مؤمنان در برابر امر به معروف و نهی از منکر ، اقامه نماز ، پرداخت زکات و اطاعت از خدا و رسول (ص)

و المؤمنون و المؤمنت . .. یأمرون بالمعروف ... و یطیعون اللّه و رسوله ... وعد الل

پاداش انس با قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۳۰ – ۲

۲ – تلاوت قرآن و انس با آن ، برپایی نماز و انفاق در نهان و آشکار ، دارای اجر و پاداش الهی

یتلون کتب اللّه . .. لیوفّیهم أجورهم

پاداش انسان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۷۷ – ۱۲

۱۲ – همه انسان ها ، برای کیفر و پاداش به سوی خدا بازمی گردند .

فإلینا یرجعون

پاداش انسان ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۳۸ – ۱۸

۱۸ – پاداش برتر و مازاد بر استحقاق بندگان ، پرتوی

از مشیت خدا بر اعطای روزی بی شمار او

لیجزیهم اللّه أحسن ما عملوا و یزیدهم من فضله و اللّه یرزق من یشاء بغیر حساب

جمله <و اللّه یرزق من یشاء بغیر حساب> در مقام تعلیل برای جمله <لیجزیهم اللّه. ..> و <یزیدهم...> است; چون خداوند به هر کس که بخواهد روزی بی حساب و فراوان می دهد. از این رو به مردان الهی پاداش افزون بر استحقاقشان، عنایت می فرماید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۵ - ۴

۴ - رسیدگی نهایی به کار مردمان و تعیین کیفر و پاداش برای آنان ، از شؤون خداوند

و إلی اللّه ترجع الأُمور

در صورتی که مراد از<الأمور> کارهای مربوط به انسان ها باشد; آیه شریفه به فلسفه قیامت و حضور مردم در پیشگاه خداوند، جهت محاسبه اعمال و مشخص شدن فرجام نهایی شان اشاره دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۲۶ - ۳

۳ - حساب رسی و کیفر و پاداش بندگان ، مهم ترین خصوصیت معاد و فلسفه برپایی قیامت

و الذین یصدّقون بیوم الدین

مطلب یاد شده، از تعبیر <یوم الدین> درباره قیامت، به دست می آید.

پاداش انفاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۵ - ۱۳،۱۸

۱۳ بقای آنچه به خداوند قرض داده می شود و بازگشت چندین برابر آن به آدمی

من ذا الّذی یقرض اللّه . .. فیضاعفه له اضعافاً کثیرةً

مُراد از ضمیر مفعولی در <یضاعفه> قرض است; یعنی آن مالی که قرض داده شود، چندین برابر شده و به او باز

پس داده می شود; بنابراین باید آن مال باقی باشد.

۱۸ پاداش انفاق در راه خداوند ، غیر قابل شمارش است .

فیضاعفه له اضعافاً کثیرهً

امام صادق (ع): . .. ان الکثیر من اللّه عزّ و جل لا یحصی و لیس له منتهی

معانی الاخبار، ص ۳۹۷، ح ۵۴ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۴۳، ح ۹۶۵.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۱ - ۱۳،۱۲،۱۱،۹،۸،۶،۱

۱ مالی که در راه خدا انفاق می شود ، همچون بذری است که هفت خوشه برویاند و در هر خوشه صد دانه باشد .

مثل الّذین ینفقون . .. مائه حبّه

از مُشبّه به (دانه) به دست می آید که مُشبّه، مالی است که شخص در راه خدا انفاق می کند; نه اینکه مشبّه، خودِ انفاق کننده باشد; چنانچه ظاهر تشبیه افاده می کند.

۶ پاداش الهی به انفاق کنندگانِ در راه خدا ، دست کم به هفتصد برابر

مثل الّذین ینفقون . .. مائه حبّه

۸ خداوند بر اساس مشیّت خود ، به هر کس که بخواهد ثمره انفاق را که هفتصد برابر است به چند برابر افزایش می دهد .

و اللّه یضاعف لمن یشاء

۹ پاداش های فراوان الهی به انفاق کننده ، منوط به انفاق مستمر

مثل الّذین ینفقون اموالهم

فعل مضارع <ینفقون> حکایت از استمرار انفاق دارد; یعنی پاداشهای مذکور در آیه در صورتی است که شخص به صورت مستمر انفاق کند; نه مثلا یکی دو مرتبه.

۱۱ پاداش وسیع (نامحدود) خداوند به انفاق کننده *

مثل الّذین ینفقون . .. و اللّه واسع علیم

۱۲ پاداش خداوند به

انفاق کنندگان به چندین برابر ، برخاسته از سِعه وجودی و گستردگی رحمت اوست .

و اللّه یضاعف لمن یشاء و اللّه واسع علیم

۱۳ خداوند ، به انفاق کنندگان در راه او و مستحقّین پاداش های چند برابر ، داناست .

و اللّه یضاعف لمن یشاء و اللّه واسع علیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۶۲ – ۲،۵،۶

۲ عاری بودن انفاق از هر گونه منّت و آزار چه هنگام پرداخت و چه پس از آن ، از شرایط ارزشمندی ، قبولی و پاداش در مقابل آن

الّذین ینفقون . .. ثمّ لا یتبعون ما انفقوا منّاً و لا اذیً

۵ انفاق کنندگانِ بدون منّت و آزار ، بهره مند از پاداش های والا و ویژه الهی

لهم اجرهم عند ربّهم

کلمه <عند ربّهم>، دلالت بر ویژگی پاداش دارد.

۶ توجّه به پاداش های الهی برای انفاق در راه خدا ، برانگیزنده آدمی به انفاق

لهم اجرهم عند ربّهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۶۳ – ۱۱

۱۱ بهره و آثار ارزشمند انفاق ، برای شخص انفاقگر است ; نه خداوند .

و اللّه غنیّ حلیم

بکارگیری صفت <غنیّ> پس از مسأله <انفاق>، برای نفی تصور بهره جستن خداوند از انفاق است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۵ - ۱،۶،۹،۱۳

۱ مثل انفاق کنندگان اموال برای خشنودی خدا و ثبات نفس خویش ، همچون بوستانی است بر تپّه ای بلند که یا رگباری تُند بر آن بارد و دو چندان میوه دهد و

یا باران ملایمی بر آن بارد و آن را به ثمر بنشاند .

و مثل الّذین ینفقون اموالهم ابتغاء مرضات اللّه . .. کمثل جنّه ... اُکُلَها ضِعفِ

۶ وعده الهی به پاداش انفاق کنندگان برای کسب رضایت خداوند

مثل الّذین ینفقون . .. فاتت اُکُلها

۹ انفاق کنندگان ، دارای زمینه و قابلیّت والای بهره مندی از فیوضات الهی

اصابها وابل . .. فان لم یصبها وابل فطلّ

۱۳ پاداش انفاق کنندگان ، یکسان نیست .

و مثل الّذین . .. کمثل جنّه بربوه ... فان لم یصبها وابل فطلّ

از تشبیه انفاق به بوستانی که بر اثر باران به ثمر نشسته باشد و در صورت بارش بارانی تند، ثمر آن دو چندان شود، یکسان نبودن پاداش استفاده گردیده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۶۶ – ۴

۴ انفاق برای جلب رضایت الهی و ثبات نفس و به دور از منّت و آزار و ریا ، دارای نتایج و بهره های فراوان

ایودّ احدکم ان تکون له جنّه . .. فیها من کلّ الثّمرات

انفاق، تشبیه به بوستان شده که هر گاه ریا و آزاری در پی داشته باشد، بسوزد و چنانچه برای رضای الهی و خالی از ریا و آزار باشد، دربردارنده نتایج و بهره های فراوان خواهد بود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۶۸ – ۷،۸،۱۰،۱۱،۱۳

۷ خداوند ترغیب کننده آدمی به انفاق ، با وعده آمرزش گناهان و فزونی رزق

و اللّه یعدکم مغفره منه و فضلا

کلمه <فضلا> به قرینه مقابله آن با وسوسه شیطان بر تهیدستی، به معنای فزونی

در رزق است.

۸ انفاق ، موجب توسعه رزق و آمرزش گناهان

یا ایّها الّذین امنوا انفقوا . .. و اللّه یعدکم مغفره منه و فضلا

۱۰ آمرزش گناهان و افزونی مال از جانب خداوند ، پاداشی برای انفاق کنندگان

یا ایّها الّذین امنوا انفقوا . .. و اللّه یعدکم مغفره منه و فضلا

۱۱ افزونی پاداشِ الهی ، نسبت به مالِ انفاق شده

و اللّه یعدکم مغفره منه و فضلا

<فضل> (به معنای افزونی)، پاداشی از سوی خداوند به انفاق کننده است. این افزونی در پاداش می تواند در مقایسه با مال انفاق شده مطرح باشد; یعنی خداوند بیش از آنچه انفاق می کنید به شما پاداش می دهد.

۱۳ خداوند ، آگاه به انفاق کنندگان در راه او و گشایش دهنده روزی آنان است .

و اللّه واسع علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۰ - ۲،۷

۲ پاداش الهی به انفاق ها و نذر های بندگان ، هر چند اندک باشد .

و ما انفقتم من نفقه . .. فانّ اللّه یعلمه

توجه دادن به علم خداوند بر اعمال بندگان کنایه از پاداش الهی در برابر آن اعمال است.

۷ خداوند ، مددکار و یاور اهل انفاق و وفاکنندگان به نذر است .

و ما للظّالمین من انصار

از مفهوم <و ما للظالمین من انصار> که تنها ترک کنندگان انفاق محروم از حمایت خداوند می باشند، برداشت فوق استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۱ - ۷

۷ صدقه پنهانی به فقرا ، کفاره برخی گناهان

و ان تخفوها و تؤتوها الفقراء

. .. و يكفّر عنكم من سيّئاتكم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۲ - ۶،۱۴،۱۶،۱۷

۶ انفاق از هر چيز خير ، به سودِ خود انفاق كننده

و ما تنفقوا من خير فلانفسكم

<من> در برداشت فوق، ابتدائيه معنى شده است.

۱۴ مقبوليّت انفاق در پيشگاه خداوند و ثمردهى آن ، در گرو نيّت و قصد قربت انفاق كننده

و ما تنفقوا من خير فلانفسكم و ما تنفقون الاّ ابتغاء وجه اللّه

بنابراينكه جمله <و ما تنفقون> حال براى <و ما تنفقوا فلانفسكم> باشد; يعنى آنگاه انفاق به سود شماست كه براى <ابتغاء وجه اللّه> باشد.

۱۶ انفاق كننده در راه خدا ، بهره مند از پاداش كامل انفاق ، بى هيچ ستمى در حقّ وى

و ما تنفقوا من خير يوفّ اليكم و انتم لا تظلمون

۱۷ كم و كاست نشدن پاداش انفاق براى رضاى خدا ، هر چند به بينوايان غير مسلمان باشد .

و ما تنفقوا من خير يوفّ اليكم و انتم لا تظلمون

با توجّه به شأن نزول كه در مورد انفاق به غير مسلمانان است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۴ - ۱،۳،۴

۱ انفاق كنندگان پنهان و آشكار در شب و روز (همه حال و همه وقت) بهره مندان از پاداش هاى ويژه الهى

الّذين ينفقون اموالهم . .. فلهم اجرهم عند ربّهم

۳ پاداش الهى اهل انفاق ، نتيجه عمل خير آنها

فلهم اجرهم عند ربّهم

۴ وعده الهی بر پاداش اهل انفاق، بر انگیزنده آدمی به آن

فلهم اجرهم عند ربّهم

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۶ - ۸

۸ آمرزش الهی و بهشت جاودان ، پاداش انفاق در توانگری و تنگدستی و فرو خوردن خشم و گذشت از خطای دیگران

الّذین ینفقون فی السّرّاء و الضّرّاء . .. اولئک جزآؤهم مغفره من ربّهم و جنّات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۹ - ۹

۹ خداوند ، کیفردهنده بخیلان و ریاکاران و پاداش دهنده انفاق کنندگان مخلص

الّذین یبخلون . .. و انفقوا ... و کان اللّه بهم علیماً

هدف از بیان علم و آگاهی خداوند پس از بیان ایمان و بخل، تهدید بخیلان و ریاکاران به کیفر، و پاداش دهی به مؤمنان انفاق کننده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۰ - ۱۰،۱۲،۱۳

۱۰ ایمان و انفاق ، حسنه ای است که ، هر چند اندک باشد ، پاداش عظیم الهی را در پی خواهد داشت .

ماذا علیهم لو امنوا باللّه و الیوم الاخر و انفقوا . .. و ان تک حسنه یضاعفها و یؤ

از مصادیق مورد نظر برای حسنه، به دلیل آیه قبل، ایمان و انفاق است.

۱۲ توجه به آگاهی خداوند بر کوچکترین انفاق ، و پاداش عظیم خداوند به انفاقگران ، درمان بخل و ترک احسان

و انفقوا . .. و کان اللّه بهم علیماً. انّ اللّه لا یظلم مثقال ذرّه و ان تک حسنه

۱۳ پاداش عظیم خداوند ، جبران کننده خسارت های انفاق کنندگان

و ماذا علیهم لو . .. انفقوا ... و ان تک حسنه یضاعفها و یؤت من لدنه اجراً

عظیماً

جمله <یضاعفها و یؤت من لدنه اجراً عظیماً> می تواند پاسخی باشد به این توهم که انفاق، موجب خسارت مالی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۰ - ۱۳،۱۸

۱۳ انفاق در راه خدا ، دارای پاداشی کامل و تضمین شده از جانب خدا

و ما تنفقوا من شیء . .. یوف إلیکم

۱۸ کاستی در پاداش انفاق ها و نادیده گرفتن انفاق های ناچیز ، ستمکاری است .

و ما تنفقوا من شیء فی سبیل اللّه یوف إلیکم و أنتم لاتظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۱ - ۱

۱ ثبت همه انفاق های کوچک و بزرگ مؤمنان ، به منظور اعطای پاداش به آنان

و لاینفقون نفقه صغیره و کبیره . .. إلا کتب لهم لیجزیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۳ - ۳

۳ بهشت عدن ، پاداش صبر و استقامت بر فرمان های الهی ، برپا داشتن نماز و انفاق کردن

والذین صبروا . .. أُولئک لهم عقبی الدار. جنّت عدن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۷ - ۵

۵ - پاداش سجده و تسبیح همراه با حمد خداوند و عبادت های شبانه و انفاق های مؤمنان ، فوق حد شمارش است .

إنّما یؤمن . .. سجّدًا و سبّحوا بحمد ربّهم ... تتجافی جنوبهم ... و ممّا رزقنهم

<فاء> در <فلاـتعلم نفس> تفریع بر آیات پیش است که در آنها صـفات نیکوی مؤمنان شـمرده شـده است. بنابراین، معنا، چنین می شود: <مؤمنانی

که دارای صـفات یاد شده اند، پاداشی مخفی دارند>. با توجه به تفریع احتمال دارد که اختفای پاداش، کنایه از فوق شمارش بودن باشد.

پاداش انفاق آشکار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۳۰ – ۲

۲ – تلاوت قرآن و انس با آن ، برپایی نماز و انفاق در نهان و آشکار ، دارای اجر و پاداش الهی

یتلون کتب اللّه . .. لیوفّیهم أجورهم

پاداش انفاق پنهانی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۳۰ – ۲

۲ – تلاوت قرآن و انس با آن ، برپایی نماز و انفاق در نهان و آشکار ، دارای اجر و پاداش الهی

یتلون کتب اللّه . .. لیوفّیهم أجورهم

پاداش انفاقگران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۲۱ – ۷

۷ جلوه فضل الهی ، در پاداش به مؤمنان مجاهد و انفاقگر

لیجزیهم اللّه أحسن ما کانوا یعملون

<جزای أحسن> که به معنـای پـاداش دادن به بیش از حـد اسـتحقاق است بیـانگر تجلی فضل خـدا در پاداش دهی به مؤمنان است. قابل ذکر است در برداشت فوق مفروض این است که <أحسن> مفعول دوم برای <یجزی> باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حدید – ۵۷ – ۷ – ۱۳

۱۳ - وعده پاداش بزرگ از سوی خداوند به مؤمنان انفاقگر

فالذین ءامنوا منکم و أنفقوا لهم أجر کبیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۰ - ۲۳

۲۳ - پاداش الهی به مجاهدان و انفاق گران

در راه خدا ، بهترین و نیکوترین پاداش است .

و کلاًّ وعد اللّه الحسنی

<حسنی> (مؤنث <أحسن>)، به معنای نیکوتر است. گفتنی است که <الحسنی>، صفت برای موصوف محذوف است; یعنی، <و کلاًّ وعد اللّه المثوبه الحسنی>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۴ - ۷

۷ - ثمره و منفعت انفاق به خود انفاقگران برمی گردد .

و من یتولّ فإنّ اللّه هو الغنیّ الحمید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۷ - ۹،۱۲

۹ - پاداش مضاعف به انفاق گران و آمرزش آنان ، جلوه قدرشناسی ، سپاسداری و حلم خداوند است .

إن تقرضوا اللّه . .. یضعفه لکم و یغفر لکم و اللّه شکور حلیم

۱۲ - پاداش مضاعف به انفاق گران و آمرزش آنان ، جلوه تفضل و لطف ویژه خداوند به آنان است .

إن تقرضوا اللّه . .. یضعفه ... و اللّه شکور حلیم

سپاس و تقدیر خداوند از انفاق گران با آن که سود انفاق به خود آنان باز می گردد نشانه تفضل و لطف ویژه الهی به انفاق گران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۲۱ - ۴

۴ - خداوند ، بر وعده خود درباره رساندن انفاق گرانِ باتقوا به فرجامی رضایت بخش ، سوگند یاد کرده است . *

و لسوف یرضی

<لام> در <لسوف>، لام قسم و یا لام ابتدا است; برداشت یاد شده، براساس احتمال اول است.

پاداش اهل خشیت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۱۱ –

۱۲ - آمرزش و اجر ارزشمند و پرب ها ، پاداش پیروان قرآن و خداترسان

من اتّبع الذکر و خشی الرحمن بالغیب فبشّره بمغفره و أجر کریم

پاداش ایثار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۰۷ - ۶

۶ جان آدمی ، وسیله ای برای کسب رضایت الهی

و من الناس من یشری نفسه ابتغاء مرضات اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۷ - ۳

۳ جانبازی و هجرت (تحمل مشکلات و فداکاری در راه خدا) ، موجب اجر بزرگ الهی *

و لو انّهم فعلوا ما یوعظون به . .. و اذاً لأَتیناهم من لدنّا اجراً عظیماً

بنابر اینکه مراد از <ما یوعظون>، همان جهاد و هجرت باشد که در آیه قبل مطرح شد.

پاداش ایثار با جان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۱ - ۲۴

۲۴ ایثار جان و مال در راه خدا و دریافت پاداش بهشت ، شایسته سرور و شادمانی ، در بینش الهی

إن اللّه اشتری من المؤمنین . .. فاستبشروا ببیعکم الذی بایعتم به

پاداش ایثار با مال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۱ - ۲۴

۲۴ ایثار جان و مال در راه خدا و دریافت پاداش بهشت ، شایسته سرور و شادمانی ، در بینش الهی

إن اللّه اشترى من المؤمنين . .. فاستبشروا ببيعكم الذى بايعتم به

پاداش ایمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۷ - ۲

۲

ضرورت همراهی ایمان با عمل صالح در بهرهوری از پاداش های ویژه الهی

انّ الذین امنوا و عملوا الصالحات . .. لهم اجرهم عند ربّهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۷ - ۱،۵

۱ مؤمنانِ دارای اعمال صالح ، بهره مند از پاداش کامل خداوند

و اما الذین امنوا و عملوا الصالحات فیوفیهم اجورهم

۵ مؤمنانِ دارای اعمال صالح از پیروان عیسی (ع) ، مشمول پاداش کامل الهی هستند .

جاعل الذین اتبعوک . .. و اما الذین امنوا و عملوا الصالحات فیوفّیهم اجورهم

مصداق مورد نظر از جمله <فاما الذین امنوا>، به قرینه آیات قبل، مؤمنان به حضرت مسیح (ع) هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۹ - ۲۶

۲۶ استحقاق اجر عظیم الهی ، در گرو ایمان به خدا و رسول و پرهیز از مخالفت با آنان

و ان تؤمنوا و تتّقوا فلکم اجر عظیم

چون کلمه <اجر>، ظهور در پاداش استحقاقی دارد، در برداشت فوق، کلمه استحقاق آورده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۹ - ۲۰

۲۰ آن گروه از اهل کتاب که به خدا ، قرآن و کتب آسمانی خویش ایمان آورند ; از پاداشی ویژه و والا بهره مند خواهند شد .

اولئک لهم اجرهم عند ربّهم

کلمه <عند ربّهم>، توصیف <اجرهم> است و می رساند که آن پاداش، پاداشی ویژه و ارزشمند است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۴۰ – ۱۰

۱۰ ایمان

و انفاق ، حسنه ای است که ، هر چند اندک باشد ، پاداش عظیم الهی را در پی خواهد داشت .

ماذا علیهم لو امنوا باللّه و الیوم الاخر و انفقوا . .. و ان تک حسنه یضاعفها و یؤ

از مصادیق مورد نظر برای حسنه، به دلیل آیه قبل، ایمان و انفاق است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۹۵ – ۱۰

۱۰ پاداش نیکوی الهی ، ثمره ایمان

لایستوی القاعدون من المؤمنین . .. کلّا وعد اللّه الحسنی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۲۴ – ۳

۳ زنان و مردان ، همسان در بهره مندی از پاداش ایمان و عمل صالح خویش

و من یعمل من الصلحت من ذکر او انثی و هو مؤمن فأولئک یدخلون الجنه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۶۲ – ۱۵

۱۵ بهره مندی عالمان از پاداش های بزرگ الهی در گرو ایمان و انجام اعمال صالح

لکن الرسخون . .. و المؤمنون باللّه و الیوم الاخر أولئک سنؤتیهم أجراً عظیماً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۲۱ – ۵

۵ برخورداری از باغ ها و بوستان های متعدد بهشت ، از ثمرات ایمان ، هجرت و جهاد در راه خدا

الذین ءامنوا و هاجروا و جهدوا فی سبیل اللّه . .. یبشرهم ربهم ... و جنت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۱۱ – ۵

۵ خداوند ، کفر و ایمان و

اعمال نیک و بد انسان ها را به صورت پاداش و کیفر متبلور خواهد ساخت .

و إنّ کلاًّ لما لیوفینّهم ربک أعملهم

گفتن <اعمال> و اراده کردن پاداش و کیفر آنها ، گویای این نکته است که: پاداش و کیفر ، بازتاب اعمال و تبلور یافته آن است; به گونه ای که گویا پاداش و کیفر اعمال ، همان اعمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۵ - ۳

۳ - همراهی ایمان و عمل صالح ، شرط برخورداری از پاداش و فضل الهی ، در آخرت است .

لیجزی الذین ءامنوا و عملوا الصلحت من فضله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۹ - ۲

۲ - توأم بودن ایمان با اعمال صالح ، دارای ارزش و پاداش است .

ءامنوا و عملوا الصلحت فلهم جنّت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۴۷ - ۲

۲ - پاداش ایمان مؤمنان ، از فضل خداوندی است .

و بشّر المؤمنین بأنّ لهم من اللّه فضلاً کبیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۸ - ۱۳

۱۳ - رضایت خداوند ، از مؤمنانِ صالح و رضایت آنان از او ، پاداش ایمان و عمل نیک ایشان است .

جزاؤهم . .. رضی اللّه عنهم و رضوا عنه

پاداش ایمان به توحید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۰ - ۸

۸ - < عن علی بن أبیطالب (ع) فی قول اللّه عزّوجلّ <

هل جزاء الإحسان إلاّ الإحسان > فقال رسول اللّه (ص) هل جزاء من أنعمت عليه بالتوحيد إلاّ الجنّه ؟

از امام علی بن ابی طالب(ع) درباره سخن خداوند <هل جزاء الإحسان إلاّ الإحسان> روایت شده که رسول خدا(ص) فرمود: [خداوند می فرماید] آیا پاداش کسی که به او نعمت توحید داده ام، غیر از بهشت است؟>

پاداش ایمان به قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۵ - ۳

۳ - بهشت و نعمت های آن ، پاداش کسانی است که به قرآن و پیامبر (ص) ایمان آورده و اعمال صالح انجام دهند .

و بشر الذین ءامنوا . .. أن لهم جنت تجری من تحت الأنهر

متعلق <آمنوا> به دلیل آیات قبل، قرآن و پیامبر(ص) است.

پاداش ایمان به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۵ - ۳

۳ - بهشت و نعمت های آن ، پاداش کسانی است که به قرآن و پیامبر (ص) ایمان آورده و اعمال صالح انجام دهند .

و بشر الذین ءامنوا . .. أن لهم جنت تجری من تحت الأنهر

متعلق <آمنوا> به دلیل آیات قبل، قرآن و پیامبر(ص) است.

پاداش برپایی نماز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۰ - ۲

۲ خداوند پاداش یهودیان تمسک کننده به تورات و برپا دارنده نماز را تباه نخواهد کرد .

و الذین یمسکون بالکتب . .. إنا لانضیع أجر المصلحین

چون آیه مورد بحث در سیاق آیات مربوط به یهود واقع شده، می توان گفت مراد از

<الذین . .. > یهودیان متعهد هستند، و یا اینکه آنان از مصادیق مورد نظر برای <الذین ... > می باشند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۷۲ – ۱۵

۱۵ بهشت جاودان ، بوستان های پوشیده از درخت ، خانه های دلپذیر و خشنودی خدا ، پاداش الهی به مؤمنان در برابر امر به معروف و نهی از منکر ، اقامه نماز ، پرداخت زکات و اطاعت از خدا و رسول (ص)

و المؤمنون و المؤمنت . .. یأمرون بالمعروف ... و یطیعون اللّه و رسوله ... وعد الل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۲۳ – ۳

۳ بهشت عدن ، پاداش صبر و استقامت بر فرمان های الهی ، برپا داشتن نماز و انفاق کردن

والذین صبروا . .. أُولئک لهم عقبی الدار. جنّت عدن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۳۰ – ۲

۲ – تلاوت قرآن و انس با آن ، برپایی نماز و انفاق در نهان و آشکار ، دارای اجر و پاداش الهی

یتلون کتب اللّه . .. لیوفّیهم أجورهم

پاداش بزرگ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۲۲ – ۴،۵،۶

۴ پاداش خداوند به مؤمنان مهاجر و مجاهد ، پاداشی بزرگ است .

الذین ءامنوا و هاجروا و جهدوا . .. إن اللّه عنده أجر عظیم

۵ اجر و پاداش بزرگ ، تنها در نزد خداست .

إن اللّه عنده أجر عظيم

تقدیم <عنده> بر <أجر عظیم> می تواند برای افاده

حصر باشد.

۶ مؤمنـان مهـاجر و مجاهـد ، علاوه بر بهره منـدی از رحمـت و رضـوان الهی و بهشـت ، از پاداشـی ویژه و بزرگ در پیشـگاه خداوند برخوردارند .

الذین ءامنوا و هاجروا و جهدوا . .. و جنت ... إن اللّه عنده أجر عظیم

قرار گرفتن جمله <إن اللّه عنده أجر عظیم> که دارای معنانی عام و کلی است پس از ذکر پاداشهای گوناگون مؤمنانِ مهاجر و مجاهد، می تواند گویای برداشت فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۵ - ۱۵

۱۵ - مردان و زنان شکیبا ، از پاداشی با عظمت برخوردارند .

و الصبرین و الصبرت . .. أعدّ اللّه لهم ... أجرًا عظیمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۰ - ۱۲

۱۲ - صلح حدیبیه و فتح مکه ، پاداش بزرگ الهی به ثابت قدمان بر پیمان با پیامبر (ص) *

و من أوفی . .. فسیؤتیه أجرًا عظیمًا

با توجّه به این که پیمان یاد شده، قبل از انعقاد صـلح حدیبیه صورت گرفته است; احتمال می رود که نوید <فسـیؤتیه. ..> بر صلـح حـدیبیه و فتـح مکه منطبق شود که پس از این پیمـان رخ داده است; زیرا اگر آن بیعت و پایـداری نبود، نوبت به چنـان پیروزی هایی نمی رسید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۴۳،۴۴

۴۳- وعده الهی به بهره مندی مؤمنانِ نیک کردار ، از مغفرت و پاداشی عظیم

وعد اللّه الذین ءامنوا و عملوا الصلحت منهم مغفره و أجرًا عظیمًا

آمیختگی ایمان و عمل صالح ، شرط برخورداری مؤمنان از مغفرت و پاداش عظیم الهی

الذین ءامنوا و عملوا الصلحت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – تغابن – ۶۴ – ۱۵ – ۵،۶،۷

۵ – اجر بزرگ ، در پیشگاه خداوند است .

و اللّه عنده أجر عظیم

۶ – رهایی از دلبستگی به اموال و اولاد و ترجیح دین داری بر وابستگی به آنها ، دارای پاداش بزرگ الهی است .

و اللّه عنده أجر عظیم

یادآوری پاداش بزرگ الهی، پس از هشدار درباره وابستگی به اموال و اولاد خویش، بیانگر مطلب یاد شده است.

۷ – توجه و ایمان به پاداش بزرگ الهی برای مؤمنان ، بازدارنده انسان از وابستگی به اموال و اولاد و گناه به خاطر آنها

و اللّه عنده أجر عظیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – طلاق – ۶۵ – ۵ – ۸

۸ – کسانی که تقوا پیشه کنند ، از اجر بزرگ الهی بهره مند خواهند شد .

و من یتّق اللّه . .. یعظم له أجرًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – ملک – ۶۷ – ۱۲ – ۱،۲،۳

۱ – خداترسان ، مشمول غفران عظیم خداوند و بهره مند از پاداش بزرگ او

إنّ الذین یخشون ربّهم بالغیب لهم مغفره و أجر کبیر

تنکیر <مغفره>; دلالت بر تعظیم دارد.

۲ – ترس از خدا در عین پنهان بودن او از انظار عامل جلب غفران و پاداش بزرگ الهی

إنّ الذین یخشون ربّهم بالغیب لهم مغفره و أجر کبیر

<با> در <بالغیب> یا به معنای ملابست است و یا به معنای <فی>. در صورت اول <بالغیب> حال برای

<ربّهم> و در صورت دوم متعلق به <یخشون> خواهد بود. گفتنی است برداشت یاد شده، مبتنی بر احتمال نخست می باشد.

۳ - ترس از خدا به دور از انظار مردمان و پیراسته از ریا ، موجب جلب غفران و پاداش بزرگ او است .

إنّ الذین یخشون ربّهم بالغیب لهم مغفره و أجر کبیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳ - ۵

۵ - هدایت و تبلیغ دین و تحمّل سختی ها و ناگواری های برخاسته از آن ، دارای پاداشی بزرگ ، روز افزون و بی منت

و إنّ لک لأجرًا غیر ممنون

برداشت یاد شده، به سبب این نکته تردیدناپذیر است که اجر بزرگ پیامبر(ص)، به جهت رسالت او و تحمل سختی های آن (از جمله تحمل تهمت های ناروا همچون تهمت جنون و. ..) می باشد.

پاداش بزرگ صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۵ - ۶

۶ - خداوند ، برای مؤمنانی که عمل صالح دارند ، پاداش بزرگی قرار داده است .

لهم أجر

نکره آوردن <أجر>، بیانگر عظمت آن است.

پاداش بزرگ مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۵ - ۶

۶ - خداوند ، برای مؤمنانی که عمل صالح دارند ، پاداش بزرگی قرار داده است .

لهم أجر

نکره آوردن <أجر>، بیانگر عظمت آن است.

پاداش بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۴۰ - ۲

۲ - بندگان مخلَص خدا ، برخوردار از پاداشی فراتر از مقدار اعمال و رفتار خویش

و

ما تجزون إلّا ما کنتم تعملون . إلّا عباد اللّه المخلصین

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که <إلا. ..> استثنای منقطع از ضمیر <تجزون> باشد. بر این اساس، پیام آیه شریفه چنین می شود: همگان مطابق کردار خود، جزا و پاداش دارنـد; جز بنـدگان خالص خدا که فراتر و برتر از اعمال خود، پاداش دریافت خواهند داشت.

پاداش بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۲۱ - ۳

۳ - نجات موسی و هارون (علیهماالسلام) و قوم شان از انـدوهی بزرگ ، اعطای کتاب آسمانی و باقی مانـدن نام و آوازه نیک آنان ، از پاداش های خداوند به ایشان

و نجّینهما و قومهما من الکرب العظیم . .. إنّا کذلک نجزی المحسنین

پاداش به جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۱۴ - ۲

۲ فرعون به ساحران بشارت داد که در صورت پیروزی علاوه بر دریافت پاداشی گران ، از مقرّبان درگاهش خواهند شد .

قال نعم و إنکم لمن المقربین

پاداش به صدقه دهندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۸ - ۱۷

۱۷ خداوند ، به اعطا کنندگان صدقه پاداش خواهد داد .

إن الله یجزی المتصدقین

پاداش بهترین عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۵ - ۷،۸،۹

۷ - احسان ، موجب بهره مندی از پاداش بهترین عمل ها

ذلک جزاء المحسنین . .. و یجزیهم أجرهم بأحسن الذی کانوا یعملون

۸ - برخوردار شدن از پاداش بهترین عمل

ها ، انگیزه محسنان از احسانشان

ذلك جزاء المحسنین . .. و یجزیهم أجرهم بأحسن الذی كانوا یعملون

۹ – برآورده شدن تمامی خواسته های محسنان از سوی خداوند ، به خاطر اعطای پاداش بهترین عمل ها به آنان

لهم ما یشاءون عند ربّهم . .. و یجزیهم أجرهم بأحسن الذی كانوا یعملون

پاداش بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۹۵ – ۳۴،۳۵

۳۴ ضایع نشدن اعمال مؤمنان و ثمردهی آن ، به بهره مندی از پاداش های الهی (مغفرت و بهشت) است .

انّی لا اضیع عمل عامل . .. ثواباً من عند اللّه

۳۵ بهشت و آمرزش گناهان ، پاداش نیك خداوند

لاكفّرنّ . .. و لادخلنّهم ... ثواباً من عند اللّه و اللّه عنده حسن الثّواب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۱۹ – ۵

۵ بهشت پاداش راستگویان و راست كرداران است .

هذا یوم ینفع الصدقین صدقهم لهم جنت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۱۱ – ۱،۲۴

۱ خداوند ، خریدار جان و مال مؤمنان به بهای بهشت

إن اللّه اشتری من المؤمنین أنفسهم و أمولهم بأن لهم الجنه

۲۴ ایثار جان و مال در راه خدا و دریافت پاداش بهشت ، شایسته سرور و شادمانی ، در بینش الهی

إن اللّه اشترى من المؤمنين . .. فاستبشروا ببيعكم الذى بايعتم به

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

٨ – هود – ١١ – ١١ – ١٠

١٠ صابران داراى اعمال صالح ، از پاداش بزرگ الهى (

بهشت) برخوردار خواهند شد .

أُولئک لهم مغفره و أجر کبیر

بنا به گفته گروهی از مفسران ، مراد از <أجرکبیر> بهشت و موهبتهای اخروی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۰ - ۱۰

۱۰- بهشت ، پاداش کامل مؤمنانی که کردار نیک داشته و از کار های بد توبه کنند .

فأُولئک یدخلون الجنّه و لایظلمون شیئًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۳ - ۴

۴- بهشت ، پاداشی فراتر از اجر کردار متقیان ، است ; نه هم پایه آن .

نورث من عبادنا من کان تقیًّا

به مالی که بدون رنج و سختی به کسی برسد <ارث> اطلاق می گردد (مفردات راغب). این تعبیر برای بهشت در کنار تخصیص آن به <من کان تقیّاً> اشاره به این دارد که تا تقوا نباشد، ورود به بهشت ممکن نیست. از طرفی بهشت را سرمایه ای که بدون تلاش به دست آمده معرفی کرده است تا بفهماند که این پاداش، با آن کردار، قابل قیاس نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۴ - ۱

۱ - بهشت ، پاداش خدا به مؤمنان نیک کردار

إنّ اللّه یدخل الذین ءامنوا و عملوا الصلحت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۳ - ۲

۲ - بهشت ، پاداش خداوند به مؤمنان نیک کردار

إنّ اللّه يدخل الذين ءامنوا و عملوا الصلحت جنّت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۶ - ۴

۴ - بهشت ،

پاداشت مؤمنان نیک کردار

فالذین ءامنوا و عملوا الصلحت فی جنّت النعیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲۶ - ۳،۶

۳ - بهشت ، پاداش و جایگاه مؤمن انطاکیه

قیل ادخل الجنّه

در این که مقصود از <الجنّه> چیست؟ میان مفسران دو نظریه وجود دارد: ۱ برخی آن را بهشت اخروی دانسته اند; ۲ برخی دیگر آن را بهشت برزخی گرفته اند. برداشت یاد شده مبتنی بر دیدگاه نخست است.

۶ - بهشتِ برزخی پاداش و جایگاه مؤمن انطاکیه

قیل ادخل الجنّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۳ - ۲

۲ - بهشت و نعمت های آن ، پاداش تقواپیشگان است .

جنّت . .. هذا ما توعدون لیوم الحساب

<لیوم الحساب> به تقدیر <لأجل جزاء یوم الحساب> است; یعنی، این نعمت ها همان چیزی است که به خاطر روز حساب به شما وعده داده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۰ - ۲

۲ - بناهای مرتفع و چند طبقه (کاخ ها) در بهشت، پاداش اختصاصی تقواپیشگان

لکن الذین اتّقوا ربّهم لهم غرف من فوقها غرف مبنیّه

"غرفه" (مفرد "غرف") به معنای بناهای مرتفع و خانه ای بالای خانه ای دیگر (چند طبقه چون کاخ) است. گفتنی است لام

در "لهم" برای اختصاص است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۴ - ۱۲

۱۲ - بهشت ، پاداش و بهای عمل و تلاش تقواپیشگان است که آن را به بهانه نمی دهند .

نتبوّأ من الجنّه حیث نشاء فنعم أجر العملین

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۷۲ – ۱

۱ – بهشت با نعمت های فراوان و پایان ناپذیر آن ، پاداش عملکرد پرهیزگاران

و تلک الجنّه الّتی أُورثتموها بما کنتم تعملون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۱۴ – ۴

۴- بهشت جاودان ، پاداش اعمال نیک و مستمر موحدان

أُولئک أصحب الجنّه . .. جزاء بما کانوا یعملون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۱۷ – ۴

۴ – باغ های بهشت ، با نهر های همیشه جاری ، پاداش الهی به شرکت کنندگان در جهاد و نبرد با دشمنان دین

و من یطع اللّه و رسوله یدخله جنّت تجری

با توجه به این که سیاق آیات، در رابطه با جنگ و جهاد می باشد; مراد از <من یطع. ..> کسی است که فرمان جهاد را اطاعت کرده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – ملک – ۶۷ – ۲ – ۱۰

۱۰ – تکامل و تعالی و داشتن دستاوردی بهتر ، فلسفه و هدف آغازین خلقت بشر و برخوردار شدن از جزا و پاداش اخروی (بهشت برین) ، فلسفه و هدف نهایی آفرینش او است .

لیبلوکم أیّکم أحسن عملاً

به مقتضای جمله <لیبلوکم أیّکم أحسن عملاًـ>، هدف از خلقت انسان و تقدیر مرگ و حیات برای وی، تکامل و داشتن دستاوردی بهتر در دنیا است; ولی چون پاداش و جایزه اصلی آن را در جهان آخرت دریافت می کند، بنابراین می توان

گفت: تکامل، هدف مرحله اولی خلقت بشر و بهشت برین،

هدف مرحله نهایی آفرینش او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۲ - ۸

۸ - نعمت های سرشار بهشت ، پاداش الهی اهل بیت (علی ، فاطمه ، حسن و حسین (ع))

إنّ الأبرار يشربون من كأس . .. و سقيهم ربّهم شرابًا طهورًا . إنّ هذا كان لكم جز

برداشت یاد شده، با توجه به شأن نزولی است که از طریق شیعه و سنی نقل شده است و آن این که از آیه ۵ تا آیه مورد بحث (آیه ۲۲)، درباره آن بزرگواران نازل شده است. (مجمع البیان، ج ۱۰; الکشاف، ج ۴، ذیل آیه)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۶ - ۱

۱ - بهشت و نعمت های آن ، پاداش و مزد تقواپیشگی است .

إنّ للمتّقين . .. جزاء

<جزاء> مفعول مطلق و تأکید کننده مفاد <إنّ للمتّقين مفازاً> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۸ - ۱۰

۱۰ - < قال الرضا (ع) و لقد حدثنى أبى عن أبيه أبى عبداللّه الصادق (ع) . . . قال : إنّ اللّه عزّوجلّ لايسئل عباده عمّا تفضّل عليهم و لايمنّ بذلك عليهم و الإمتنان بالإنعام مستقبح من المخلوقين فكيف يضاف إلى الخالق عزّوجلّ ما لايرضى المخلوق به و لكنّ النعيم حبّنا أهل البيت و موالاتنا يسئل اللّه عباده عنه بعد التوحيد و النّبوه لأنّ العبد إذا وفى بذلك ادّاه إلى نعيم الجنّه الذى لايزول ;

امام رضا(ع) فرمود: پدرم از پدر خویش از امام

صادق(ع) برای من روایت کرده است که فرمود: خدای عزّوجلّ درباره آنچه به بندگانش تفضل کرده است، از آنها بازخواست نمی کند و با این کار بر آنان منّت نمی گذارد. منّت نهادن به جهت نعمت بخشیدن، از جانب مخلوق ها کار زشتی است; پس چگونه به خالق عزّوجلّ چیزی نسبت داده می شود که مخلوق از نسبت دادن آن ناخشنود است؟! ولی نعیم [در آیه <ثمّ لتسئلنّ یومئذ عن النعیم>] محبت ما اهل بیت و [پذیرش]ولایت ما است که خداوند همه بندگان را بعد از توحید و نبّوت، از آن بازخواست خواهد کرد; زیرا بنده اگر به آن نعمت وفادار باشد، او را به نعمت های بهشت که هرگز زایل نمی شود خواهد رساند>.

پاداش بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۸ - ۳

۳ - شادمانی و عیشِ بهشتیان ، فضل الهی در قبال تعهد و تقوای ایشان

إنّ المتّقین . .. فکهین بما ءاتیهم ربّهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۴ - ۴

۴ - خوردنی ها و نوشیدنی های گوارای بهشت ، پاداش اعمال گذشته اهل بهشت است .

بما أسلفتم فی الأیّام الخالیه

پاداش بی حسابرسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۸ - ۱،۲،۴

۱ - مؤمنان نیک کردار ، برخوردار از پاداش بی حساب و همیشگی خداوند

إنّ الذین ءامنوا و عملوا الصلحت لهم أجر غیر ممنون

برداشت یاد شده بر این اساس است که <غیر ممنون> به معنای غیر منقطع و یا غیر قابل محاسبه باشد.

۲ -

خداوند در پاداش دادن به مؤمنان نیک کردار ، هیچ گونه منّتی بر آنان نخواهد گذاشت .

إنّ الذین ءامنوا و عملوا الصلحت لهم أجر غیر ممنون

برداشت بالا مبتنی بر این نکته است که <ممنون> از ماده <منت> اشتقاق یافته باشد.

۴ - همراه بودن ایمان و عمل صالح ، شرط بهرهوری از اجر بی حساب و بی منت الهی

إنّ الذین ءامنوا و عملوا الصلحت لهم أجر غیر ممنون

پاداش بی شمار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۰ - ۱۶

۱۶ - صابران ، برخوردار از اجر و پاداش کامل و بی شمار

إنّما یوفّی الصبرون أجرهم بغیر حساب

<توفیه> (مصدر <یوفّی>) به معنای پرداخت کامل است.

پاداش بی شمار صابران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۰ - ۱۷

۱۷ - دریافت اجر و پاداش بی شمار الهی ، تنها از آنِ صابران است .

إنّما یوفّی الصبرون أجرهم بغیر حساب

برداشت بالا از کلمه <إنّما> که دلالت بر حصر می کند قابل استفاده است.

پاداش بی منت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۸ - ۲،۴

۲ - خداوند در پاداش دادن به مؤمنان نیک کردار ، هیچ گونه منّتی بر آنان نخواهد گذاشت .

إنّ الذین ءامنوا و عملوا الصلحت لهم أجر غیر ممنون

برداشت بالا مبتنی بر این نکته است که <ممنون> از ماده <منت> اشتقاق یافته باشد.

۴ - همراه بودن ایمان و عمل صالح ، شرط بهرهوری از اجر بی حساب و بی منت الهی

إنّ الذین ءامنوا و عملوا الصلحت لهم أجر غیر ممنون

جلد

– نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قلم – ۶۸ – ۳ – ۳،۵

۳ – پاداش خداوند به پیامبر (ص) پاداشی است بی منت .

و إنّ لک لأجرًا غیر ممنون

۵ – هدایت و تبلیغ دین و تحمّل سختی ها و ناگواری های برخاسته از آن ، دارای پاداشی بزرگ ، روز افزون و بی منت

و إنّ لک لأجرًا غیر ممنون

برداشت یاد شده، به سبب این نکته تردیدناپذیر است که اجر بزرگ پیامبر(ص)، به جهت رسالت او و تحمل سختی های آن (از جمله تحمل تهمت های ناروا همچون تهمت جنون و. ..) می باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – انشقاق – ۸۴ – ۲۵ – ۸

۸ – خداوند در قیامت ، مؤمنان را با یادآوری مکرر پاداش های خویش ، آزار نداده و بر آنان منت نخواهد گذاشت .

لهم أجر غیر ممنون

در معانی <مَنّ> آورده اند که: منت گذاشتن بر کسی، به این است که احسان به او را بزرگ شمرده و به آن فخر کنند و درباره اش سخن را آغاز و تکرار کنند تا آن جا که شخص را متنفر سازند. (لسان العرب)

پاداش بی منت مؤمنان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – تین – ۹۵ – ۶ – ۸

۸ – پاداش مؤمنانِ دارای عمل صالح ، پاداشی بی منت و به دور از محاسبه و محدودیت

فلهم أجر غیر ممنون

در <قاموس> آمده است که <غیر ممنون>; یعنی، بدون محاسبه و صاحب <مصباح> می گوید: <مننتَ علیه منّاً>; یعنی، آنچه از نیکی ها برای کسی انجام داده ای، بر او

شماره کردی. <راغب> در <مفردات>، این کار را منّت زبانی و امری نکوهیده خوانده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۷ - ۵

۵ - دستیابی مؤمنان دارای عمل صالح به پاداش بی منّت و پایان ناپذیر ، حقیقتی انکارناپذیر و غیر قابل تکذیب است .

فما یکذّبک بعد بالدین

چنانچه <دین> به معنای جزا باشد (مفردات)، از مصادیق بارز آن اجری خواهد بود که در آیه قبل، به مؤمنان بشارت داده شد.

پاداش بیعت کنندگان با محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۸ - ۱۳

۱۳ - صلح حدیبیه و پیروزی های پس از آن ، پاداش الهی به مؤمنان حاضر در بیعت رضوان

لقد رضی اللّه عن المؤمنین إذ یبایعونک . .. و أثبهم فتحًا قریبًا

بنابراین که مراد از <فتحاً قریباً> به قرینه سیاق آیات صلح حدیبیه باشد، برداشت یاد شده به دست می آید.

پاداش پاکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۶ - ۶

۶ - خلود در بهشت های عدن ، پاداش پاکی و دوری جستن از کفر و شرک و گناه است .

جنّت عدن . .. خلدین فیها و ذلک جزاء من تزکّی

پاداش پیروان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۸ - ۴

۴ دنیا و آخرت ، عرصه بهره مندی دست پروردگان انبیا از پادش های الهی

و کایّن من نبیّ قاتل معه ربّیّون . .. فاتیهم اللّه ثواب الدّنیا و حسن ثواب الاخر

پاداش پیروان

قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۷۵ – ۸

۸ ورود به بهشت و برخورداری از فضل خدا و رسیدن به مقام قرب الهی ، پاداش مؤمنان به خدا و پیروان پیامبر (ص) و قرآن

فاما الذین ءامنوا باللّه و اعتصموا . .. یهدیهم إلیه صرطاً مستقیماً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۱۱ – ۱۲

۱۲ – آمرزش و اجر ارزشمند و پرب ها ، پاداش پیروان قرآن و خداترسان

من اتّبع الذکر و خشی الرحمن بالغیب فبشّره بمغفره و أجر کریم

پاداش پیروان محمّد(ص)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۷۵ – ۸

۸ ورود به بهشت و برخورداری از فضل خدا و رسیدن به مقام قرب الهی ، پاداش مؤمنان به خدا و پیروان پیامبر (ص) و قرآن

فاما الذین ءامنوا باللّه و اعتصموا . .. یهدیهم إلیه صرطاً مستقیماً

پاداش پیروزی در راه خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۲۰ – ۲۴

۲۴ کسب پیروزی در راه خدا ، همانند تحمل مشکلات ، عمل صالح و دارای اجر است .

ذلک بأنهم لا یصیبهم . .. و لا ینالون من عدو نیلا إلا کتب لهم به عمل صلح إن اللّه

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از جمله <لا ینالون من عدو نیلا> می تواند دستیابی به پیروزی بر دشمن باشد.

پاداش پیشگامان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ –

۲ – ۲۴

۲ – برخورداری پیشتازان (سابقون) ، از مقام قرب الهی در جهان آخرت و دستیابی آنان به بهشت سرشار از نعمت ، پاداش الهی به آنان در قبال اعمال صالح شان

و السبقون السبقون . أُولئک المقرّبون . فی جنّت النعیم ... جزاء بما کانوا یعم

پاداش پیشگامان عمل خیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۳۳ – ۳

۳ – پیشگامان در انجام کار های خیر و وارثان قرآن کریم ، بهره مند از بهشت پاینده

جنّت عدن یدخلونها

پاداش تأمین نیازهای جهاد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۶۰ – ۱۴

۱۴ تأمین کمترین هزینه جهاد ، در پی دارنده پاداش عادلانه الهی

و ما تنفقوا من شیء فی سبیل اللّه یوف إلیکم و أنتم لاتظلمون

پاداش تائبان صالح

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۶۰ – ۱۰

۱۰– بهشت ، پاداش کامل مؤمنانی که کردار نیک داشته و از کار های بد توبه کنند .

فأُولئک یدخلون الجنّه و لایظلمون شیئًا

پاداش تبعید

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۹۵ – ۱۹،۲۱

۱۹ بخشش گناهان و دخول در بهشت ، پاداش بزرگ الهی ، برای هجرت ، آوارگی ، آزار دیدن در راه خدا و جهاد و شهادت

فالّذین هاجروا و اخرجوا من دیارهم و اوذوا فی سبیلی و قاتلوا و قتلوا لاکفّرنّ عنه

۲۱ پاداش مهاجران ، آوارگان ، آزاردیدگان در راه خدا ، مجاهدان و شهیدان ، تضمین شده از

سوی خداوند

انّی لا اضیع عمل عامل منکم . .. فالّذین هاجروا و اخرجوا من دیارهم و اوذوا فی سبی

لام قسم و نون تأکید در <لاکفّرنّ> و در <لادخلنّ> دلالت بر تأکید و تضمین پاداش دارد.

پاداش تبلیغ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳ - ۵

۵ - هدایت و تبلیغ دین و تحمّل سختی ها و ناگواری های برخاسته از آن ، دارای پاداشی بزرگ ، روز افزون و بی منت

و إنّ لک لأجرًا غیر ممنون

برداشت یاد شده، به سبب این نکته تردیدناپذیر است که اجر بزرگ پیامبر(ص)، به جهت رسالت او و تحمل سختی های آن (از جمله تحمل تهمت های ناروا همچون تهمت جنون و. ..) می باشد.

پاداش تبلیغ دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۷۲ - ۴

۴ مزد و پاداش دعوت به حق و تبلیغ دین ، بر عهده خداست .

إن أجری إلا علی اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۱ - ۷

۷ ابلاغ پیام های الهی به مردم و تبلیغ معارف دین ، درپی دارنده پاداش از ناحیه خداوند

إن أجری إلاّ علی الذی فطرنی

پاداش تحمل سختی در راه خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۲۰ – ۲۴،۲۰،۱۱،۱۰

۱۰ تحمل هر سختی (تشنگی ، رنج ، گرسنگی و تعرض و ضربه زدن به دشمن) در راه خدا ، عمل صالح و دارای اجر است .

ذلک بأنهم لا یصیبهم . .. فی سبیل

اللّه ... إلا کتب لهم به عمل صلح

۱۱ تحمل کمترین دشواری در راه خدا ، دارای پاداشی نزد او

ذلک بأنهم لا یصیبهم ظمأ و . .. فی سبیل اللّه ... إلا کتب لهم به عمل صلح

از تنکیر <ظمأ>، <نصب> و . .. تقلیل استفاده می شود.

۲۰ جهاد و تحمل رنج و سختی در راه خدا ، احسان و دارای پاداش از سوی خداست .

لا یصیبهم ظمأ و لا نصب و لا مخمصه فی سبیل اللّه . .. إن اللّه لا یضیع أجر المحسن

۲۴ کسب پیروزی در راه خدا ، همانند تحمل مشکلات ، عمل صالح و دارای اجر است .

ذلک بأنهم لا یصیبهم . .. و لا ینالون من عدو نیلا إلا کتب لهم به عمل صلح إن اللّه

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از جمله <لا ینالون من عدو نیلا> می تواند دستیابی به پیروزی بر دشمن باشد.

پاداش تحمل سختی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۵ - ۱۰

۱۰- رنج های تکوینی نیز همانند تحمل سختی در راه دین ، زمینه برخورداری از اجر و پاداش الهی است .

إنّ الذین قالوا ربّنا اللّه ثمّ استقموا . .. أُولئک أصحب الجنّه ... و وصّینا

از ارتباط و پیوستگی این آیه با آیات پیشین، می توان استفاده کرد که خداوند هیچ نوعی از سختی ها را نادیده نگرفته و در قبال هر رنجی، پاداشی در خور توجه قرار داده است; پاداش موحدانی را که در طریق ایمان استقامت کنند و دشواری ها را پشت سر بگذارند، بهشت قرار داده و مادران را

نیز که به حکم تکوین، ناگزیرند رنج بارداری و زایمان را تحمل کنند با توصیه به فرزندان، از خدمت های آنان بهره مند ساخته است.

پاداش تحمل مشکلات دینداری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۵ - ۱۰

۱۰- رنج های تکوینی نیز همانند تحمل سختی در راه دین ، زمینه برخورداری از اجر و پاداش الهی است .

إنّ الذین قالوا ربّنا اللّه ثمّ استقموا . .. أُولئک أصحب الجنّه ... و وصّینا

از ارتباط و پیوستگی این آیه با آیات پیشین، می توان استفاده کرد که خداوند هیچ نوعی از سختی ها را نادیده نگرفته و در قبال هر رنجی، پاداشی در خور توجه قرار داده است; پاداش موحدانی را که در طریق ایمان استقامت کنند و دشواری ها را پشت سر بگذارند، بهشت قرار داده و مادران را نیز که به حکم تکوین، ناگزیرند رنج بارداری و زایمان را تحمل کنند با توصیه به فرزندان، از خدمت های آنان بهره مند ساخته است.

پاداش تداوم عمل صالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۷ - ۶

۶ - مداومت بر اعمال شایسته در دنیا ، دارای ارج و پاداشی چشمگیر در پیشگاه الهی است .

قرّه أعین جزاء بما کانوا یعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۹ - ۷

۷ - عمل صالح و مداومت بر آن ، دارای پاداشی چشمگیر در بهشت است .

ءامنوا و عملوا الصلحت فلهم . .. بما کانوا یعملون

پاداش ترس از قیامت

- آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۶ - ۲

۲ فروتنی ، شب زنـده داری ، حلم ، ترس از قیامت ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق ، دعا ، دوری از اسـراف ، تنگ گیری ، شرک ، زنا ، آدم کشی و سخن باطل ، موجب ورود به بهشت جاودان و برخورداری از قرارگاه و اقامت نیکوی آن

الذین یمشون علی الأرض هونًا. .. و الذین لایشهدون الزور ... أُولئک یجزون الغرفه

پاداش ترک مال دوستی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۵ - ۶

۶ - رهایی از دلبستگی به اموال و اولاد و ترجیح دین داری بر وابستگی به آنها ، دارای پاداش بزرگ الهی است .

و اللّه عنده أجر عظیم

یادآوری پاداش بزرگ الهی، پس از هشدار درباره وابستگی به اموال و اولاد خویش، بیانگر مطلب یاد شده است.

پاداش تسبیح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۷ - ۵

۵ - پاداش سجده و تسبیح همراه با حمد خداوند و عبادت های شبانه و انفاق های مؤمنان ، فوق حد شمارش است .

إنّما یؤمن . .. سجّدًا و سبّحوا بحمد ربّهم ... تتجافی جنوبهم ... و ممّا رزقنهم

<فـاء> در <فلاـتعلم نفس> تفریع بر آیات پیش است که در آنها صـفات نیکوی مؤمنان شـمرده شـده است. بنابراین، معنا، چنین می شود: <مؤمنـانی که دارای صـفات یاد شـده انـد، پاداشـی مخفی دارنـد>. با توجه به تفریع احتمال دارد که اختفای پاداش، کنایه از فوق شمارش بودن باشد.

پاداش تسلیم

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۷ - ۲

۲ پاداش بزرگ الهی ، پیامد تسلیم همه جانبه در برابر احکام خداوند و عمل به مواعظ او

و یسلموا تسلیما . .. و لو انّهم فعلوا ما یوعظون به ... و اذاً لَأتیناهم من لدنّا

پاداش تقوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۲ - ۱۹

۱۹ بهره مندی مؤمنان باتقوا از رزق بی پایان خداوند در قیامت

و الذین اتقوا . .. و اللّه یرزق من یشاء بغیر حساب

کلمه <بغیر حساب>، می تواند کنایه از فراوانی و بی پایانی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۵ - ۸

۸ تقواپیشگان بهره مند از پاداش الهی ، در برابر اعمال نیکی که انجام می دهند .

و ما یفعلوا من خیر فلن یکفروه و اللّه علیم بالمتّقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۲ - ۲۱

۲۱ پاداش بزرگ امیرالمؤمنین (ع) به خاطر احسان و تقوا و اجابت خدا و پیامبر (ص) پس از مجروح شدن در جنگ احد

الّذین استجابوا للّه و الرّسول . .. اجر عظیم

امام صادق (ع): انّ رسول اللّه بعث علیّاً فی عشره <استجابوا للّه و الرّسول من بعد ما اصابهم القرح> الی <اجر عظیم>. انّما نزلت فی امیرالمؤمنین (ع).

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۰۶، ح ۱۵۳ ; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۲۶، ح ۴.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ -

۲۶ استحقاق اجر عظیم الهی ، در گرو ایمان به خدا و رسول و پرهیز از مخالفت با آنان

و ان تؤمنوا و تتّقوا فلکم اجر عظیم

چون کلمه <اجر>، ظهور در پاداش استحقاقی دارد، در برداشت فوق، کلمه استحقاق آورده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۷ - ۱۱

۱۱ پاداش های دنیوی و اخروی یوسف (ع) ، دستاورد ایمان و ملازمت او بر تقوا و پرهیزگاری بود .

و کذلک مکّنّا لیوسف . .. و لأجر الأخره خیر للذین ءامنوا و کانوا یتقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۰ - ۸

۸ نیل یوسف (ع) به عزیزی و اقتدار و حاکمیت وی در دیار مصر ، پاداشی بر تقواپیشگی ، صبر و نیکوکاری او بود .

قد منّ الله علینا إنه من یتّق و یصبر فإن الله لایضیع أجر المحسنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۰ - ۱۹

۱۹- تقوا و احسان ، دو امر ارزشمند و دارای پاداش

للذین أحسنوا فی هذه الدنیا حسنه . .. و لنعم دار المتّقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۸ - ۳

۳ - شادمانی و عیشِ بهشتیان ، فضل الهی در قبال تعهد و تقوای ایشان

إنّ المتّقین . .. فکهین بما ءاتیهم ربّهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نبأ – ۷۸ – ۳۶ – ۱

۱ – بهشت و نعمت های آن ، پاداش و مزد

تقواپيشگى است .

إنّ للمتّقين . .. جزاء

<جزاء> مفعول مطلق و تأكيد كننده مفاد <إنّ للمتّقين مفازاً> است.

پاداش تلاش

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۹ - ۳

۳- ثمربخشى تلاش براى آخرت ، در گرو ايمان است .

و من أراد الأخره و سعى لها سعيها و هو مؤمن فأُولئك كان سعيهم مشكورًا

جمله <و هو مؤمن> حال براى ضمير <و سعى> است و در واقع بيانگر شرط براى آخرت خواهى و سعى و تلاش است.

پاداش تلاوت قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۰ - ۲

۲ - تلاوت قرآن و انس با آن ، برپايى نماز و انفاق در نهان و آشكار ، داراى اجر و پاداش الهى

يتلون كتب اللّه . .. ليوفّيهم أجورهم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - علق - ۹۶ - ۳ - ۶

۶ - قرائت قرآن ، داراى منافعى بسيار و تضمين شده از سوى خداوند

اقرأ و ربّك الأكرم

توصيف خداوند به <كريم ترين> پس از امر به قرائت بيانگر تأثير آن در فراهم آمدن زمينه كرامت و احسان خداوند است.

پاداش توابين

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۴۶ – ۱۰

۱۰ منافقان تائب ، بهره مند از پاداش بزرگ خدا خواهند بود .

فأولئك مع المؤمنين و سوف يؤت اللّه المؤمنين أجراً عظيماً

پاداش تواضع

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۷۶ – ۲

۲ فروتنی ، شب زنده داری ، حلم ،

ترس از قیامت ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق ، دعا ، دوری از اسراف ، تنگ گیری ، شرک ، زنا ، آدم کشی و سخن باطل ، موجب ورود به بهشت جاودان و برخورداری از قرارگاه و اقامت نیکوی آن

الذین یمشون علی الأرض هونًا. .. و الذین لایشهدون الزور ... أُولئک یجزون الغرفه

پاداش توبه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۶ - ۲

۲ فروتنی ، شب زنده داری ، حلم ، ترس از قیامت ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق ، دعا ، دوری از اسراف ، تنگ گیری ، شرک ، زنا ، آدم کشی و سخن باطل ، موجب ورود به بهشت جاودان و برخورداری از قرارگاه و اقامت نیکوی آن

الذین یمشون علی الأرض هونًا. .. و الذین لایشهدون الزور ... أُولئک یجزون الغرفه

پاداش توحید ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۰ - ۴

۴- خداوند ، خوش نامی و بلندآوازگی را ، به پاس پایداری ابراهیم (ع) در توحید ، به او و فرزندانش عنایت کرد .

فلمّا أعتزلهم . .. و جعلنا لهم لسان صدق علیًّا

پاداش تهجد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۶ - ۲

۲ فروتنی ، شب زنده داری ، حلم ، ترس از قیامت ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق ، دعا ، دوری از اسراف ، تنگ گیری ، شرک ، زنا ، آدم کشی و سخن باطل ،

موجب ورود به بهشت جاودان و برخورداری از قرارگاه و اقامت نیکوی آن

الذین یمشون علی الأرض هونًا. .. و الذین لایشهدون الزور ... أُولئک یجزون الغرفه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – سجده – ۳۲ – ۱۷ – ۳،۵

۳ – عبادات نهانی و در دل شب مؤمنان ، دارای پاداش عظیم و نهفته است .

تتجافی جنوبهم عن المضاجع یدعون ربّهم . .. فلاتعلم نفس ما أُخفی لهم

۵ – پاداش سجده و تسبیح همراه با حمد خداوند و عبادت های شبانه و انفاق های مؤمنان ، فوق حد شمارش است .

إنّما یؤمن . .. سجّدًا و سبّحوا بحمد ربّهم ... تتجافی جنوبهم ... و ممّا رزقنهم

<فاء> در <فلاـتعلم نفس> تفریع بر آیات پیش است که در آنها صفات نیکوی مؤمنان شمرده شده است. بنابراین، معنا، چنین می شود: <مؤمنانی که دارای صفات یاد شده اند، پاداشی مخفی دارند>. با توجه به تفریع احتمال دارد که اختفای پاداش، کنایه از فوق شمارش بودن باشد.

پاداش جادوگران فرعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۱۴ – ۱

۱ فرعون به خواسته ساحران (اعطای پاداش در صورت پیروزی) ، پاسخ مثبت داد .

ان لنا لأجراً . .. قال نعم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۴۱ – ۱،۳

۱ – پرسش ساحران ، از فرعون نسبت به پاداش خود در صورت غلبه بر موسی (ع)

قالوا لفرعون أئنّ لنا لأجرًا إن کنّا نحن الغلبین

۳ – اهتمام ساحران به دریافت پاداش و نه پیروزی فکری و عقیدتی

أئنّ لنا

لأجرًا إن كنّا نحن الغلبين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۲ - ۱،۳

۱ - پاسخ مثبت فرعون ، به امتيازطلبى ساحران براى غلبه بر موسى (ع)

قالوا لفرعون أئنّ لنا لأجرًا . .. قال نعم

۳ - فرعون ، براى جلب حمايت ساحران ، بيش از انتظارشان به آنان وعده مزد و پاداش داد .

قالوا لفرعون أئنّ لنا لأجرًا . .. و إنّكم إذًا لمن المقرّبين

برداشت ياد شده به خاطر اين نكته است كه ساحران تنها درخواست مزد داشته اند; ولى فرعون علاوه بر پاسخ مثبت به آن، وعده تقرّب به درگاه خود را نيز به آنان داد.

پاداش جاودان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۳ - ۵

۵- پاداش جاودانه ، اجرى نيكو است .

أجرًا حسنًا . مكثين فيه أبدًا

پاداش جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۵ - ۱۹

۱۹ بخشش گناهان و دخول در بهشت ، پاداش بزرگ الهى ، براى هجرت ، آوارگى ، آزار ديدن در راه خدا و جهاد و شهادت

فالّذين هاجروا و اخرجوا من ديارهم و اوذوا فى سبيلى و قاتلوا و قتلوا لاكفّرنّ عنه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - نساء - ۴ - ۷۴ - ۸

۸ دستیابی به مواهب آخرت ، پیامد جهاد و مبارزه در راه خدا

فلیقاتل فی سبیل اللّه الّذین یشرون الحیوه الدّنیا بالاخره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۱ - ۵

۵

برخورداری از باغ ها و بوستان های متعدد بهشت ، از ثمرات ایمان ، هجرت و جهاد در راه خدا

الذین ءامنوا و هاجروا و جهدوا فی سبیل اللّه . .. یبشرهم ربهم ... و جنت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۸۹ – ۲

۲ بهشت و زندگی جاودان در آن ، پاداش جهاد با مال و جان

أعد اللّه لهم جنت تجری من تحتها الأنهر خلدین فیها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۱۱ – ۲،۲۵

۲ نقش و کاربرد جهاد مالی همانند جهاد با جان ، در دستیابی به بهشت

إن اللّه اشتری من المؤمنین أنفسهم و أمولهم بأن لهم الجنه

۲۵ دستیابی به بهشت در پرتو جهاد و شهادت ، تنها رستگاری و پیروزی بزرگ

إن اللّه اشتری . .. بأن لهم الجنه ... ذلک هو الفوز العظیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۲۰ – ۲۰

۲۰ جهاد و تحمل رنج و سختی در راه خدا ، احسان و دارای پاداش از سوی خداست .

لا یصیبهم ظمأ و لا نصب و لا مخمصه فی سبیل اللّه . .. إن اللّه لا یضیع أجر المحسن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۲۱ – ۵

۵ جهاد و تحمل هزینه های جنگ ، دارای بهترین پاداش در پیشگاه خداوند

لیجزیهم اللّه أحسن ما کانوا یعملون

برداشت فوق بر این اساس است که <أحسن> مفعول دوم برای <یجزی> باشـد; یعنی، خداونـد نیکوترین پاداش عمل را به مجاهدان

خواهد داد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۲۶ – ۴

۴ – بهشت ، پاداش جهاد و دفاع از دین تا مرز شهادت

قال یقوم اتّبعوا المرسلین . .. إنّی ءامنت بربّکم فاسمعون . قیل ادخل الجنّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۱۶ – ۱۲،۱۰

۱۰ – نوید الهی به اعطای پاداشی نیک به اعراب متخلّف از حدیبیه ، در صورت نبرد صادقانه با دشمنان نیرومند اسلام

فإن تطیعوا یؤتکم اللّه أجرًا حسنًا

۱۲ – جهاد در راه خدا ، دارای اجری بزرگ و ارجمند

ستدعون إلی قوم أولی بأس شدید . .. فإن تطیعوا یؤتکم اللّه أجرًا حسنًا

پاداش جهاد مالی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۸۹ – ۲

۲ بهشت و زندگی جاودان در آن ، پاداش جهاد با مال و جان

أعد اللّه لهم جنت تجری من تحتها الأنهر خلدین فیها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۱۱ – ۲

۲ نقش و کاربرد جهاد مالی همانند جهاد با جان ، در دستیابی به بهشت

إن اللّه اشتری من المؤمنین أنفسهم و أمولهم بأن لهم الجنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۱ - ۵

۵ جهاد و تحمل هزینه های جنگ ، دارای بهترین پاداش در پیشگاه خداوند

لیجزیهم اللّه أحسن ما کانوا یعملون

برداشت فوق بر این اساس است که <أحسن> مفعول دوم برای <یجزی> باشد; یعنی، خداوند نیکوترین پاداش عمل را به مجاهدان خواهد داد.

پاداش

حبیب نجار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۲۶ – ۳،۶

۳ – بهشت ، پاداش و جایگاه مؤمن انطاکیه

قیل ادخل الجنّه

در این که مقصود از <الجنّه> چیست؟ میان مفسـران دو نظریه وجود دارد: ۱ برخی آن را بهشت اخروی دانسته اند؛ ۲ برخی دیگر آن را بهشت برزخی گرفته اند. برداشت یاد شده مبتنی بر دیدگاه نخست است.

۶ – بهشتِ برزخی پاداش و جایگاه مؤمن انطاکیه

قیل ادخل الجنّه

پاداش حق پذیران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۳۶ – ۱۰

۱۰ قیامت روز رسیدگی به کار حق پذیران و حق ناپذیران و پاداش و مجازات آنهاست.

إنما یستجیب الذین یسمعون و الموتی یبعثهم اللّه ثم إلیه یرجعون

جمله <ثمّ إلیه یرجعون> ظـاهراً تـذلیلی برای تمـامی آیه است. یعنی هم پاسـخ دهنـدگان و هم مرده دلان جملگی در قیامت مبعوث شده و به نتایج اعمال خود می رسند.

پاداش حق پذیری

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۷۶ – ۲

۲ فروتنی ، شب زنـده داری ، حلم ، ترس از قیامت ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق ، دعا ، دوری از اسـراف ، تنگ گیری ، شرک ، زنا ، آدم کشی و سخن باطل ، موجب ورود به بهشت جاودان و برخورداری از قرارگاه و اقامت نیکوی آن

الذین یمشون علی الأرض هونًا. .. و الذین لایشهدون الزور ... أَولئک یجزون الغرفه

پاداش حکمت به موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ -

۱۴ - ۵

۵ - بهره مند شدن موسی (ع) از حکمت و دانش ، پاداش الهی در برابر احسان و نیکوکاری وی

ءاتینه حکمًا و علمًا و کذلک نجزی المحسنین

پاداش حلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۶ - ۲

۲ فروتنی ، شب زنـده داری ، حلم ، ترس از قیامت ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق ، دعا ، دوری از اسـراف ، تنگ گیری ، شرک ، زنا ، آدم کشی و سخن باطل ، موجب ورود به بهشت جاودان و برخورداری از قرارگاه و اقامت نیکوی آن

الذین یمشون علی الأرض هونًا. .. و الذین لایشهدون الزور ... أُولئک یجزون الغرفه

پاداش حمایت از دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۲۶ - ۴

۴ - بهشت ، پاداش جهاد و دفاع از دین تا مرز شهادت

قال یقوم اتّبعوا المرسلین . .. إنّی ءامنت بربّکم فاسمعون . قیل ادخل الجنّه

پاداش حمد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۷ - ۵

۵ - پاداش سجده و تسبیح همراه با حمد خداوند و عبادت های شبانه و انفاق های مؤمنان ، فوق حد شمارش است .

إنّما یؤمن . .. سجّدًا و سبّحوا بحمد ربّهم ... تتجافی جنوبهم ... و ممّا رزقنهم

<فـاء> در <فلاـتعلم نفس> تفریع بر آیات پیش است که در آنها صـفات نیکوی مؤمنان شـمرده شـده است. بنابراین، معنا، چنین می شود: <مؤمنانی که دارای صفات یاد شده اند، پاداشی مخفی دارند>. با توجه به تفریع

احتمال دارد که اختفای پاداش، کنایه از فوق شمارش بودن باشد.

پاداش خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۰ - ۱۴

۱۴ تشویق اصلاحگران امور ایتام و تضمین اجر آنان ، از جانب خداوند

قل اصلاح لهم خیر . .. و اللّه یعلم المفسد من المصلح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۱ - ۶،۸،۹،۱۱

۶ پاداش الهی به انفاق کنندگانِ در راه خدا ، دست کم به هفتصد برابر

مثل الّذین ینفقون . .. مائه حبّه

۸ خداوند بر اساس مشیّت خود ، به هر کس که بخواهد ثمره انفاق را که هفتصد برابر است به چند برابر افزایش می دهد .

و اللّه یضاعف لمن یشاء

۹ پاداش های فراوان الهی به انفاق کننده ، منوط به انفاق مستمر

مثل الّذین ینفقون اموالهم

فعل مضارع <ینفقون> حکایت از استمرار انفاق دارد; یعنی پاداشهای مذکور در آیه در صورتی است که شخص به صورت مستمر انفاق کند; نه مثلا یکی دو مرتبه.

۱۱ پاداش وسیع (نامحدود) خداوند به انفاق کننده *

مثل الّذین ینفقون . .. و اللّه واسع علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۲ - ۵،۶

۵ انفاق کنندگانِ بدون منّت و آزار ، بهره مند از پاداش های والا و ویژه الهی

لهم اجرهم عند ربّهم

کلمه <عند ربّهم>، دلالت بر ویژگی پاداش دارد.

۶ توجّه به پاداش های الهی برای انفاق در راه خدا ، برانگیزنده آدمی به انفاق

لهم اجرهم عند ربّهم

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۰ - ۲

۲ پاداش الهی به انفاق ها و نذر های بندگان ، هر چند اندک باشد .

و ما انفقتم من نفقه . .. فانّ اللّه یعلمه

توجه دادن به علم خداوند بر اعمال بندگان کنایه از پاداش الهی در برابر آن اعمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۴ - ۱،۳

۱ انفاق کنندگان پنهان و آشکار در شب و روز (همه حال و همه وقت) بهره مندان از پاداش های ویژه الهی

الّذین ینفقون اموالهم . .. فلهم اجرهم عند ربّهم

۳ پاداش الهی اهل انفاق ، نتیجه عمل خیر آنها

فلهم اجرهم عند ربّهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۵ - ۴

۴ بهشت جاودان و همسران پاکیزه و رضایت الهی ، پاداش تضمین شده از جانب خداوند ، برای تقواپیشگان

للّذین اتقوا . .. جنات ... خالدین فیها و ازواج مطهره و رضوان من اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۲ - ۱۴

۱۴ رسیدن به پاداش نیک خدا در گرو انفاق از مال با وجود علاقه به آن و ترس از فقر

لن تنالوا البر حتی تنفقوا ممّا تحبون

از رسول اللّه (ص) درباره آیه فوق سؤال شد آن حضرت فرمود: هو ان ینفق العبد المال و هو شحیح یأمل الدّنیا و یخاف الفقر.

مجمع البیان، ج ۲، ص ۷۹۳ ; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۲۹۸، ح ۷.

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۸ - ۲

۲ خداوند ، مرجع و فرجام انسان ها ، برای جزا و پاداش

و لئن مُتّم او قُتلتم لالی اللّه تحشرون

<لالی اللّه تحشرون>، می تواند کنایه از جزا و پاداش الهی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۲ - ۱،۱۴

۱ پاداش بزرگ الهی برای آنان که علی رغم تحمّل جراحت های نبرد پیشین ، دعوت خدا و رسولش را برای نبردی دیگر اجابت کردند .

الّذین استجابوا لِلّه و الرسول من بعد ما اصابهم القرح . .. اجر عظیم

چون آیات پیشین و نیز آیات بعد درباره نبرد و جهاد است، معلوم می شود که فرمان اجابت شده (استجابوا)، فرمان جنگ و مبارزه بوده است.

۱۴ خوب عمل کردن در جنگ (احسان) و تخلف نکردن از مقررات جنگی (تقوا) ، شرط پاداش بزرگ خداوند برای مجاهدان

الّذین استجابوا للّه . .. للّذین احسنوا منهم و اتّقوا اجر عظیم

در برداشت فوق، متعلق <احسان>، جنگ گرفته شده است ; یعنی در جنگ خوب عمل کنند. همچنین متعلق <اتّقوا>، مقررات جنگی (مانند پیروی از فرماندهی) گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۰ - ۹،۱۰،۱۲،۱۳

۹ اعمال نیک آدمی در پی دارنده پاداشی الهی در دنیا و آخرت *

و ان تک حسنه یضاعفها و یؤت من لدنه اجراً عظیماً

بدان احتمال که مراد از <یضاعفها> پاداش دنیوی و <یؤت من لدنه . .. > ناظر به پاداش اخروی باشد.

۱۰ ایمان و انفاق ، حسنه ای است

که ، هر چند اندک باشد ، پاداش عظیم الهی را در پی خواهد داشت .

ماذا علیهم لو امنوا باللّه و الیوم الاخر و انفقوا . .. و ان تک حسنه یضاعفها و یؤ

از مصادیق مورد نظر برای حسنه، به دلیل آیه قبل، ایمان و انفاق است.

۱۲ توجه به آگاهی خداوند بر کوچکترین انفاق ، و پاداش عظیم خداوند به انفاقگران ، درمان بخل و ترک احسان

و انفقوا . .. و کان اللّه بهم علیماً. انّ اللّه لا یظلم مثقال ذرّه و ان تک حسنه

۱۳ پاداش عظیم خداوند ، جبران کننده خسارت های انفاق کنندگان

و ماذا علیهم لو . .. انفقوا ... و ان تک حسنه یضاعفها و یؤت من لدنه اجراً عظیماً

جمله <یضاعفها و یؤت من لدنه اجراً عظیماً> می تواند پاسخی باشد به این توهم که انفاق، موجب خسارت مالی است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۵۷ – ۳

۳ سبقت پاداش های الهی بر کیفر او

انّ الّذین کفروا بایاتنا سوف نصلیهم . .. و الّذین امنوا و عملوا الصّالحات سندخله

زیرا نسبت به وعید و کیفر، حرف <سوف> و در مورد پاداش، حرف <س> به کار رفته است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۶۷ – ۱،۳،۴

۱ ارجاع داوری به پیامبر (ص) و دلتنگ نشدن از حکم و قضاوت وی ، در پی دارنده پاداش بزرگ خداوند

فلا و ربّک . .. اذاً لأَتیناهم من لدنّا اجراً عظیماً

برداشت فوق بر این مبناست که مراد از <ما یوعظون> همان مسائلی باشد که در

آیه ۶۵ مطرح شده است.

۳ جانبازی و هجرت (تحمل مشکلات و فداکاری در راه خدا) ، موجب اجر بزرگ الهی *

و لو انّهم فعلوا ما یوعظون به . .. و اذاً لأَتیناهم من لدنّا اجراً عظیماً

بنابر اینکه مراد از <ما یوعظون>، همان جهاد و هجرت باشد که در آیه قبل مطرح شد.

۴ ثابت قدمان در ایمان ، بهره مند از پاداش بزرگ و ویژه خداوند

اشدّ تثبیتاً. و اذاً لأَتیناهم من لدنّا اجراً عظیماً

در برداشت فوق، <اذاً لأَتیناهم . .. >، نتیجه <اشدّ تثبیتاً> گرفته شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۷۴ – ۱۰

۱۰ مجاهدان در راه خدا ، بهره مند از پاداش بزرگ الهی ، چه کشته شوند و چه پیروز .

و من یقاتل فی سبیل اللّه فیقتل او یغلب فسوف نؤتیه اجراً عظیماً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۷۷ – ۳۵

۳۵ نظام جزا و پاداش الهی ، به دور از هر گونه ستم

فلمّا کتب علیهم القتال . .. و لا تظلمون فتیلا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۹۴ – ۱۶

۱۶ برتری و فزونی غنائم و اجر و پاداش الهی ، بر بهر های دنیوی و غنائم جنگی

تبتغون عرض الحیوه الدّنیا فعند اللّه مغانم کثیره

کلمه <عند اللّه> اشاره به برتری پاداشهای الهی دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۹۵ – ۱۱،۱۰،۷

۷ اعطای درجه و اجر و پاداش از سوی خداوند

بر اساس نظامی عادلانه

فضّل اللّه المجاهدون باموالهم و انفسهم علی القاعدین درجه وکلاّ . .. اجراً عظیماً

۱۰ پاداش نیکوی الهی ، ثمره ایمان

لایستوی القاعدون من المؤمنین . .. کلاّ وعد اللّه الحسنی

۱۱ بازنشستگان از جهاد ، هنگامی از پاداش الهی برخوردارند که از روی بی ایمانی ، ترک جهاد نکرده باشند .

لایستوی القاعدون من المؤمنین . .. کلاّ وعد اللّه الحسنی

چون <من المؤمنین> حال برای <القاعدون> است، می رساند که بازنشستگان از جنگ در صورتی قابل مقایسه با مجاهدان هستد که ایمانشان محفوظ باشد. یعنی بازماندنشان از جنگ در شرایطی نباشد که موجب سلب ایمان آنان گردد و یا ترک جهاد از روی بی ایمانی به فرامین خدا و رسول نباشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۹۶ – ۱

۱ پاداش های الهی ، دارای مراتب و درجات

فضّل اللّه . .. اجراً عظیماً. درجات منه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۱۰۰ – ۱۰،۱۲،۱۴،۱۹

۱۰ خداوند ، تضمین کننده پاداش کسانی که در مسیر هجرت با مرگ مواجه شوند .

و من یخرج من بیته مهاجراً الی اللّه و رسوله ثم یدرکه الموت فقد وقع اجره علی اللّ

۱۲ هجرت به سوی خدا و رسول (ص) ، موجب برخورداری از اجر و پاداش الهی

و من یخرج من بیته مهاجراً الی اللّه و رسوله . .. فقد وقع اجره علی اللّه

۱۴ اقدام به عمل نیک ، هر چند به انجام نرسد ، موجب برخورداری از پاداش های الهی است . *

و من یخرج من بیته

مهاجراً الی اللّه و رسوله ثم یدرکه الموت فقد وقع اجره علی اللّ

۱۹ سفر برای شناخت رهبر ، هجرت در راه خدا و مرگ در آن سفر ، در پی دارنده پاداش الهی است .

و من یخرج من بیته مهاجراً الی اللّه و رسوله ثم یدرکه الموت فقد وقع اجره علی اللّ

امام صادق (ع) درباره کسی که در سفر برای شناخت رهبر از دنیا برود فرمود: انّ اللّه عزّ و جل یقول: و من یخرج من بیته مهاجراً الی اللّه و رسوله ثم یدرکه الموت فقد وقع اجره علی اللّه. .. .

اصول کافی، ج ۱، ص ۳۷۸، ح ۲ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۴۰، ح ۵۲۲.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۴ - ۸،۱۰

۸ امید مجاهدان به پاداش و نصرت الهی ، زمینه تقویت روحیه و سستی نکردن آنان در رویارویی با دشمنان دین

و لاتهنوا . .. و ترجون من اللّه ما لایرجون

۱۰ امید به پاداش و نصرت الهی ، پشتوانه و امتیازی برای مجاهدان ، در برابر دشمنان

و ترجون من اللّه ما لایرجون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۴ - ۵،۸،۹،۱۰

۵ بهره مندی از پاداش بزرگ الهی در گرو انجام اعمال نیک به انگیزه جلب رضایت خداست .

و من یفعل ذلک ابتغاء مرضات اللّه فسوف نؤتیه أجراً عظیماً

۸ دعوت کنندگان مردم به دستگیری از مستمندان ، بهره مند از پاداش عظیم الهی

الا من امر بصدقه . .. فسوف نؤتیه أجراً عظیماً

۹ فراخوانی مردم به همزیستی مسالمت آمیز ، دارای

پاداشی عظیم الهی

الا من امر بصدقه او معروف او اصلح بین الناس . .. نؤتیه أجراً عظیماً

۱۰ پاداش های الهی دارای درجات متفاوت و متناسب با انگیزه ها و رفتار آدمیان

و من یفعل ذلک ابتغاء مرضات اللّه فسوف نؤتیه أجراً عظیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۳ - ۲،۵،۶

۲ آرزو های پوچ انسان ها چه مسلمان و چه اهل کتاب نقشی در پاداش و کیفر های الهی نخواهد داشت .

لیس بامانیکم و لا امانی أهل الکتب من یعمل سوءاً یجز به

<امانی>، جمع <امنیه>، به معنای آرزو و خیالهای موهوم است.

۵ عملکرد مردم ، تعیین کننده کیفر و جزای الهی است ، نه صرف انتساب به مکتب و یا دینی خاص !

لیس بامانیکم و لا امانی أهل الکتب من یعمل سوءاً یجز به

۶ نظام کیفر و جزای الهی ، دور از هرگونه تبعیض و بی عدالتی است .

من یعمل سوءاً یجز به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۴ - ۵،۸

۵ بهره مندی مردم از پاداش های الهی و ورودشان به بهشت ، در گرو ایمان و عمل صالح است ، نه جنسیت و انتساب به مذهب یا فرقه ای خاص .

و من یعمل من الصلحت من ذکر او انثی و هو مؤمن فأولئک یدخلون الجنه

۸ در نظام جزا و پاداش الهی کمترین ستمی راه ندارد .

من یعمل سوءاً یجز به . .. فأولئک یدخلون الجنه و لایظلمون نقیراً

<نقیر> به فرو رفته گی در هسته خرما گفته می شود و کنایه

از چیز اندک و حقیر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۸ - ۱۸

۱۸ رعایت کنندگان تقوا و احسان در محیط خانواده ، از پاداش الهی برخوردار خواهند شد .

و إن تحسنوا و تتقوا فإنّ اللّه کان بما تعملون خبیراً

جمله <فان اللّه . ..> در مقام تشویق به احسان و تقواست. و چون علم خدا به احسان و تقوا، معمولا تأثیری برای انجام آن ندارد ; بنابراین باید کنایه از پاداش دهی الهی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۴ - ۱۱

۱۱ نظام پاداش دهی خداوند ، بر اساس علم و آگاهی اوست .

فعند اللّه ثواب الدنیا و الأخره . .. و کان اللّه سمیعاً بصیراً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۶ - ۱۰،۱۱

۱۰ منافقان تائب ، بهره مند از پاداش بزرگ خدا خواهند بود .

فأولئک مع المؤمنین و سوف یؤت اللّه المؤمنین أجراً عظیماً

۱۱ پاداش الهی ، دارای مراتبی مختلف است .

و سوف یؤت اللّه المؤمنین أجراً عظیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۷ - ۱۰

۱۰ پاداش الهی ، دارای تناسب و همگونی با اعمال انسانهاست .

إن شكرتم و ءامنتم و كان اللّه شاكراً عليماً

توصيف خداوند به <شاكرا> كه حكايت از پاداش دهی او در مقابل شكرگزاری بندگان است، می رساند كه پاداشهای الهی مناسب با رفتار و كردار نيک انسانهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - نساء -

۴ - ۱۴۹ - ۱۲

۱۲ تناسب و همگونی پاداش الهی با عمل انسان

أو تعفوا عن سوء فإنّ اللّه کان عفواً قدیراً

خداوند، گذشت و بخشش خویش را پاداش کسانی قرار داده که اهل عفو و گذشت هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۲ - ۵،۸

۵ ایمان دارندگان به خدا و تمامی انبیا ، مورد وعده الهی به برخورداری از پاداش های فراوان

و الذین ءامنوا باللّه و رسله . .. أولئک سوف یؤتیهم أجورهم

۸ پاداش دهی خداوند به بندگان خویش ، پرتویی از غفران و رحمت اوست .

أولئک سوف یؤتیهم أجورهم و کان اللّه غفوراً رحیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۲ - ۱۲،۱۴،۱۵،۱۸

۱۲ مؤمنان به خدا ، قیامت و قرآن ، بر پا دارندگان نماز و پرداخت کنندگان زکات ، از پاداش بزرگ الهی ، برخوردار خواهند شد .

أولئک سنؤتیهم أجراً عظیماً

۱۴ ایمان ، آنگاه در بهره مندی از پاداش بزرگ الهی کارساز است که توأم با عمل باشد .

و المقیمین الصلوه . .. و المؤمنون باللّه و الیوم الاخر أولئک سنؤتیهم أجراً عظیما

۱۵ بهره مندی عالمان از پاداش های بزرگ الهی در گرو ایمان و انجام اعمال صالح

لکن الرسخون . .. و المؤمنون باللّه و الیوم الاخر أولئک سنؤتیهم أجراً عظیماً

۱۸ پاداش های الهی دارای درجات و مراتب

أولئك سنؤتيهم أجراً عظيماً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۷۳ – ۲،۴

۲ خداوند خود پاداش دهنده به مؤمنان دارای عمل صالح

فیوفیهم أجورهم

۴

همراهی ایمان با عمل صالح ، موجب برخورداری از پاداش و فضل الهی

فاما الذین ءامنوا و عملوا الصلحت فیوفیهم أجورهم و یزیدهم من فضله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۵ - ۱

۱ خداوند ، مؤمنان متمسک به وی را از رحمت ویژه و فضل و هدایت خاص خویش ، بهره مند خواهد کرد .

فاما الذین ءامنوا باللّه و اعتصموا به . .. و یهدیهم إلیه صرطاً مستقیماً

هدایت، فضل و رحمت خداوند، شامل همه بندگان می شود. بنابراین ذکر آنها به عنوان پاداش بیانگر رحمت، فضل و هدایت خاص است ; گفتنی است در برداشت فوق ضمیر <به> به <اللّه> برگردانده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹ - ۱،۲،۵

۱ وعده الهی به مؤمنان دارای عمل صالح ، به آمرزش و پاداش بزرگ

وعد اللّه الذین ءامنوا و عملوا الصلحت لهم مغفره و اجر عظیم

۲ همراهی ایمان و عمل صالح ، زمینه جلب مغفرت و دستیابی به پاداش بزرگ الهی

وعد اللّه الذین ءامنوا و عملوا الصلحت لهم مغفره و اجر عظیم

۵ پاداش های الهی ، دارای مراتب است . *

و اجر عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۷ - ۱۰

۱۰ هابیل سزاوار و شایسته بهره مندی از پاداش های الهی با پذیرفته شدن قربانی وی

فتقبل من احدهما

<تقبل> به پذیرفته شدنی اطلاق می گردد که مقتضی پاداش باشد. (مفردات راغب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۵

۳ -

۳ خداوند ، پاداش بخش مؤمنان و محسنان

فاثبهم اللّه بما قالوا . .. ذلک جزاء المحسنین

پاداش خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۶ - ۵

۵ - بیمناکان از مقام پروردگار ، برخوردار از بهشتی در قبال عمل و بهشتی دیگر از فضل الهی *

و لمن خاف مقام ربّه جنّتان

طبق نظر برخی از مفسران، تثنیه آمدن <جنّتان> نظر به مطلب بالا دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۷ - ۱

۱ - پاداش بهشت به بیمناکان مقام پروردگار ، نعمتی انکارناپذیر و غیر قابل تکذیب

و لمن . .. جنّتان . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۲ - ۱

۱ - خداترسان ، مشمول غفران عظیم خداوند و بهره مند از پاداش بزرگ او

إنّ الذین یخشون ربّهم بالغیب لهم مغفره و أجر کبیر

تنکیر <مغفره>; دلالت بر تعظیم دارد.

پاداش خشیت پنهانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۳ - ۴

۴ - بهشت پاداش آنان که با وجود محسوس نبودن خداوند ، همه جا وی را در نظر داشته و از او بیم دارند .

من خشی الرحمن بالغیب

بنابر این که <بالغیب> وصف برای <رحمان> باشد، برداشت بالا قابل استفاده است.

پاداش در آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۰ - ۱۰

۱۰ - دنیا ، عرصه تلاش و کوشش و جهان آخرت ، عرصه اجر و پاداش

للذین أحسنوا فی هذه

الدنیا حسنه

پاداش در تربیت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۱ - ۸

۸ لزوم بهره گیری از ابزار های تشویق (پاداش و . . .) در گرایش دادن انسان ها به اطاعت خدا و هر کار نیک

إن اللّه اشتری . .. بأن لهم الجنه

اینکه خداوند مؤمنان را با نوید بهشت، به جهاد تشویق کرده است، برداشت فوق به دست می آید.

پاداش در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - حمد - ۱ - ۴ - ۵

۵ - روز قیامت ، روز کیفر و پاداش است .

ملک یوم الدین

<دین> در اینجا به معنای جزا (کیفر و پاداش) و یا حساب است، و هر دو بازگشت به یک معنا دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۵ - ۹،۱۲

۹ دنیا ، محل اندوختن و کسب سرمایه ; و آخرت روز دریافت اندوخته هاست .

و وفّیت کل نفس ما کسبت

۱۲ پندار غلط برخی از اهل کتاب ، نسبت به محو اعمال ناشایست آنان در قیامت

لن تمسّنا النار . .. و وفّیت کل نفس ما کسبت

به نظر می رسد جمله <وفّیت کل . .. >، اشاره به علّت پنداری است که اهل کتاب داشتند: لن تمسّنا النار.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۳۵ – ۵

۵- قیامت ، روز کیفر و جزا و < یوم الدین > از نام های آن است .

یوم الدین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱

- طه - ۲۰ - ۱۵ - ۷

۷ - جزا دیدن یکایک آدمیان ، فلسفه برپایی قیامت

ءاتیه . .. لتجزی کلّ نفس

<لتجزی>یا تعلیل است برای <آتیه> و جمله <أکاد أخفیها> معترضه است و یا تعلیل است برای هر دو موضوع مطرح شده در آیه که آمدن قیامت و وجود زمینه برای مخفی ماندن اخبار آن از سوی خداوند است و یا تنها بیانگر علت <أخفیها> است، برداشت مذکور، مبتنی بر دو احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۰ - ۴

۴ - قیامت ، روز ظهور اعمال دنیوی انسان است .

من أعرض عنه فإنّه یحمل یوم القیمه وزرًا

<وزر>،به معنای بارسنگین است و به گناه از آن جهت که بار سنگینی بر دوش گنه کار است، <وزر> اطلاق می گردد (مفردات راغب). <حمل وزر> حاکی از آن است که در قیامت، گناه به صورت باری بر دوش گناهکار ظهور خواهد یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۶ - ۸

۸ - جهان آخرت ، جهان کیفر و پاداش

الملک یومئذ للّه یحکم بینهم . .. فی جنّت النعیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۹ - ۴

۴ - جهان آخرت ، جهان کیفر و پاداش

اللّه یحکم بینکم یوم القیمه

جمله <اللّه یحکم بینکم یوم القیامه>، متضمن نوید پاداش به مؤمنان و وعده مجازات و کیفر به مشرکان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۲ - ۲

۲ - قیامت ، روز محاسبه کردار آدمیان

و مجازات و پاداش در تعلیمات ابراهیم

و الذی أطمع أن یغفرلی خطیئتی یوم الدین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۹۰ – ۱۲

۱۲ – قیامت ، صحنه پاداش و کیفر

من جاء بالحسنه فله خیر منها. .. و من جاء بالسّیّئه فکبّت وجوههم فی النّار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۴۵ – ۱،۲

۱ – خداوند پاداش دهنده مؤمنانِ دارای عمل صالح در قیامت

لیجزی الذین ءامنوا و عملوا الصلحت

۲ – اعمالِ صالحِ مؤمنان فراهم آورنده زمینه ، برای دریافت پاداش از خداوند ، در قیامت است .

فلأنفسهم یمهدون . لیجزی الذین ءامنوا و عملوا الصلحت

<لام> در <لیجزی> تعلیل برای <یمهدون> است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۴۵ – ۸

۸ – قیامت ، عرصه مجازات و کیفر و پاداش

و لو یؤاخذ اللّه الناس . .. و لکن یؤخّرهم إلی أجل مسمًّی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۲۰ – ۳

۳ – قیامت ، روز مجازات و کیفر و پاداش

هذا یوم الدین

<دین> در آیه شریفه، به معنای <جزا> و <حساب> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۳ - ۴

۴ - جزا و کیفر و پاداش ، فلسفه برپا شدن قیامت و رستاخیز انسان ها است .

أءنّا لمدینون

آمدن عبارت <مدینون> (جزا داده شدگان) به جای <مبعثون> (مبعوث شدگان) و <محیون> (زنده شدگان)، می تواند بیانگر این حقیقت باشد که اساس رستاخیز انسان ها، مسأله جزا است; نه

صرف زنده شدن دوباره انسان ها.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۵ - ۱۳

۱۳ - قیامت ، روز روبه رو شدن بندگان با کیفر و پاداش الهی

یوم التلاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۷ - ۱،۵

۱ - نظام پاداش و کیفر الهی در قیامت ، فراگیر همه انسان ها و شامل تمامی حرکات انسان ها است .

الیوم تجزی کلّ نفس بما کسبت

<ما> در <بما کسبت> موصول بوده و افاده کننده معنای جنس است. بنابراین <ما کسبت>; یعنی، هر آنچه که بشر انجام داده و هر حرکتی که از خود نشان دهد.

۵ - در نظام کیفر و پاداش الهی در قیامت ، به کسی کمترین ستمی نخواهد شد .

لا ظلم الیوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۵۶ - ۲

۲ - < قیامت > روز کیفر و پاداش

یوم الدین

<دین> به معنای جزا است و <جزا> معادل سزا می باشد که هم شامل کیفر می شود و هم پاداش.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۶ - ۱

۱ – قیامت ، روز برانگیخته شدن انسان ها برای محاکمه و کیفر و پاداش

یوم یبعثهم اللّه جمیعًا فینبّئهم بما عملوا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – انفطار – ۸۲ – ۱۲ – ۳

۳ – پاداش و کیفر اعمال در قیامت ، براساس نامه عمل و کردار انسان در دنیا است .

یعلمون ما تفعلون

پاداش دعا

جلد – نام سوره – سوره –

آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۷۶ – ۲

۲ فروتنی ، شب زنـده داری ، حلم ، ترس از قیامت ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق ، دعا ، دوری از اسـراف ، تنگ گیری ، شرک ، زنا ، آدم کشی و سخن باطل ، موجب ورود به بهشت جاودان و برخورداری از قرارگاه و اقامت نیکوی آن

الذین یمشون علی الأرض هونًا. .. و الذین لایشهدون الزور ... أُولئک یجزون الغرفه

پاداش دعا برای مؤمنان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۲۶ – ۱۰

۱۰ – < عن أبی جعفر (ع) فی قوله تبارک و تعالی < و یستحیب الذین آمنوا و عملوا الصالحات و یزیدهم من فضله > قال : هو المؤمن یـدعوا لأـخیه بظهر الغیب فیقول له الملـک : آمین . و یقول اللّه العزیز الجبّار و لـک مِثلاـ ما سألت و قـد أعطیت ما سألت بحبّک إیّاه ;

از امام باقر(ع) درباره سـخن خداوند تعالی: <و یستحیب الذین آمنوا و عملوا الصالحات و یزیدهم من فضله> روایت شده که فرمود: مراد مؤمنی است که پشت سـر برادر دینی خود دعـا می کنـد و فرشـته برای او آمین می گویـد و خـدای عزیز جبار می فرمایـد (ای مـؤمن) و برای تو است دو برابر آنچه برای برادرت خواسـتی و به خـاطر این که برادرت را دوست داشـتی آنچه را درخواست کردی به تو عطا کردم>.

پاداش دعوت به حق

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۷۲ – ۴

۴ مزد و

پاداش دعوت به حق و تبلیغ دین ، بر عهده خداست .

إن أجری إلا علی اللّه

پاداش دعوت به خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۴ - ۸،۹

۸ دعوت کنندگان مردم به دستگیری از مستمندان ، بهره مند از پاداش عظیم الهی

الا من امر بصدقه . .. فسوف نؤتیه أجراً عظیماً

۹ فراخوانی مردم به همزیستی مسالمت آمیز ، دارای پاداشی عظیم الهی

الا من امر بصدقه او معروف او اصلح بین الناس . .. نؤتیه أجراً عظیماً

پاداش دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۵ - ۷،۱۱،۱۲

۷ تلاشگران برای پاداش های دنیوی ، از نعمت دنیا بهره مند خواهند شد .

و من یرد ثواب الدّنیا نؤته منها

۱۱ خداوند ، پاداش دهنده اعمال در دنیا و آخرت

و من یرد ثواب الدّنیا نؤته منها و من یرد ثواب الاخره نؤته منها

مراد از اراده پاداش، انجام عمل خیر، برای نیل به پاداش است.

۱۲ جهاد و مقاومت در جنگ ، موجب برخورداری از پاداش دنیوی و اخروی

و لمّا یعلم اللّه الّذین جاهدوا منکم و یعلم الصّابرین . .. و من یرد ثواب الدّنیا

با توجّه به آیات قبل، از مصادیق مورد نظر برای اعمال خیر، جهاد و مبارزه است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۴۸ – ۷

۷ پاداش های اخروی خداوند ، نیکو و عاری از هر گونه نقصان است و پاداش های دنیوی ، همراه با مشکلات

فاتیهم اللّه ثواب الدّنیا و حسن ثواب الاخره

از اینکه

پاداشهای اخروی را نیکو شمرده (حسن ثواب الآخره)، معلوم می شود پاداشهای اخروی به تمام جهات، نیکوست و در مقابل، ثواب دنیوی را به نیکو بودن توصیف نکرده تا به این نکته اشاره کند که پاداشهای خداوند در دنیا، همواره ملازم با مشکلات و نقصانهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۶ - ۱۴

۱۴ اراده الهی بر محروم سازی کفرپیشگان از بهره های دنیوی نیست . *

یرید اللّه الّا یجعل لهم حظّا فی الاخره

مفهوم کلمه <فی الآخره>، گویای آن است که اراده الهی بر محروم ساختن کافران از مواهب آخرت است، نه بهره های دنیوی.

پاداش دنیوی ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۷ - ۴،۵،۶

۴ - خداوند ، پاداش ابراهیم (ع) را در همین دنیا ، به او عطا کرد .

و ءاتینه أجره فی الدنیا

۵ - ابراهیم (ع) ، مستحق و سزاوار دریافت پاداش دنیوی بوده است .

و ءاتینه أجره فی الدنیا

اضافه شدن <أجر> به ضمیری که مرجع آن، ابراهیم(ع) است گویای این نکته است که او، پاداشی داشته و سزاوار آن بوده است. گفتنی است که <فی الدنیا> احتمال دارد که متعلق به <آتیناه> باشد و احتمال دارد که متعلق به <أجره> باشد. برداشت بالا بنابر احتمال دوم است.

۶ - اعطای اسحاق و یعقوب (ع) به ابراهیم (ع) و نیز قرار دادن مقام نبوت در نسل آن حضرت ، پاداش دنیوی ابراهیم (ع) از سوی خداوند بود .

و وهبنا له إسحق . ..

و جعلنا فی ذرّیّته النبوّه... و ءاتینه أجره فی الدنیا

پاداش دنیوی انفاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۵ - ۱۶

۱۶ پاداش الهی به انفاق کنندگان در دنیا و آخرت

فیضاعفه له اضعافاً . .. و الیه ترجعون

<الیه ترجعون>، اشاره به پاداش الهی است در آخرت; بنابراین <فیضاعفه> بیانگر پاداش الهی در دنیاست.

پاداش دنیوی انفاقگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۱ - ۷

۷ - خداوند ، در دنیا حداقل دو برابر مقدار وامی را که مؤمنان به او می دهند (در راه او انفاق می کنند) ، به آنان بازمی گرداند .

من ذا الذی یقرض اللّه . .. فیضعفه له

<مضاعفه> (مصدر <یضاعف>) به دو چندان کردن و بالاتر از آن گفته می شود (مفردات راغب).

پاداش دنیوی برّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۵ - ۹

۹ قصد و نیّت عمل کننده کردار های نیک ، تعیین کننده برخورداری وی از نعمت های دنیا یا مواهب آخرت

و من یرد ثواب الدّنیا نؤته منها و من یرد ثواب الاخره نؤته منها

پاداش دنیوی جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۸ - ۳

۳ مجاهدت در راه خدا به همراهی پیامبران الهی و دعا به درگاه او ، موجب بهره مندی از پاداش های دنیوی و اخروی

و کایّن من نبیّ . .. فاتیهم اللّه ثواب الدّنیا و حسن ثواب الاخره

پاداش دنیوی صدقه

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حدید – ۵۷ – ۱۸ – ۷،۹

۷ – خداوند ، در قبال وامی که مؤمنان به او می دهند (در راه او صدقه می دهند) ، دو پاداش (پاداشی در دنیا و پاداشی در آخرت) عطا می کند .

و أقرضوا اللّه قرضًا حسنًا یضعف لهم و لهم أجر کریم

برداشت یاد شده بدان احتمال است که جمله <فیضاعف لهم>، ناظر به پاداش دنیوی و جمله <و لهم أجر کریم> ناظر به پاداش اخروی باشد.

۹ – خداوند ، در دنیا حداقل دو برابر مقدار وامی که مؤمنان به او می دهند (در راه او صدقه می پردازند) ، به آنان بازمی گرداند .

و أقرضوا اللّه قرضًا حسنًا یضعف لهم

<مضاعفه> (مصدر <یضاعف>) به دو چندان کردن و بالاتر از آن (چند و چندین برابر نمودن) اطلاق می شود (مفردات راغب).

پاداش دنیوی عمل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۸۵ – ۵

۵ دریافت برخی از پاداش ها و جزای اعمال در غیر قیامت (دنیا و برزخ) *

و انّما توفّون اجورکم یوم القیمه

کلمه <انّما>، دریافت کامل پاداش و جزا را منحصر به روز قیامت می کند، لذا مفهوم آن، دریافت برخی از جزا و پاداش در غیر روز قیامت است و مراد از غیر قیامت، می تواند دنیا و یا برزخ و یا هر دو باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۴۰ – ۹

۹ اعمال نیک آدمی در پی دارنده

پاداشی الهی در دنیا و آخرت *

و ان تک حسنه یضاعفها و یؤت من لدنه اجراً عظیماً

بدان احتمال که مراد از <یضاعفها> پاداش دنیوی و <یؤت من لدنه . .. > ناظر به پاداش اخروی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۸ - ۱۰

۱۰- < عن إبن عباس أن النبی (ص) قال : معنی الأیه من کان یرید ثواب الدنیا بعمله الذی افترضه الله علیه لایرید به وجه الله و الدار الأخره عجّل له فیها ما یشاء الله من عرض الدنیا و لیس له ثواب فی الأخره و ذلک ان الله سبحانه و تعالی یؤتیه ذلک لیستعین به علی الطاعه فیستعمله فی معصیه الله فیعاقبه الله علیه ;

از ابن عباس روایت شده است که رسول خدا(ص) فرمود: معنای آیه <من کان یرید العاجله عجّلنا له فیها مان یشاء> این است که با انجام اعمالی که خداوند بر او واجب گردانیده، تقرب به سوی خدا و روز آخرت را اراده نمی کند; بلکه پاداش دنیوی را اراده می کند، در دنیا آنچه را که خداوند بخواهد از نعمتهای دنیوی به او داده می شود و برای او در آخرت پاداشی نیست; چون خداوند سبحانه و تعالی آن را به او داده است تا در طریق طاعت کمکش کند; ولی او در معصیت خداوند آن را به کار می بندد. پس خداوند او را به خاطر این کار عذاب می کند>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۲ - ۹

۹ - بازگشت نتیجه کردار و اندوخته

های انسان ، به خود وی در دنیا و آخرت

محیاهم و مماتهم . .. و لتجزی کلّ نفس بما کسبت

آیه شریفه پاسخ و ردی است بر کسانی که صالح و ناصالح را در زندگی و مرگ مساوی می پنداشتند از این مطلب، استفاده می شود که دنیا و آخرت هر دو میدان جزا و پاداش است.

پاداش دنیوی عمل پسندیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۵ - ۱۲

۱۲ اعمال نیک ، اگر به قصد دستیابی به بهره های دنیوی انجام گیرد ، نتایج آن تنها در دنیا عاید انسان می شود .

من کان یرید الحیوه الدنیا و زینتها نوفّ إلیهم أعملهم فیها

پاداش دنیوی قرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۵ - ۱۶

۱۶ پاداش الهی به انفاق کنندگان در دنیا و آخرت

فیضاعفه له اضعافاً . .. و الیه ترجعون

<الیه ترجعون>، اشاره به پاداش الهی است در آخرت; بنابراین <فیضاعفه> بیانگر پاداش الهی در دنیاست.

پاداش دنیوی قرض به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۱ - ۵،۱۰

۵ - خداوند ، در قبال وامی که مؤمنان به او می دهند (انفاق در راه او) ، دو پاداش می دهد : پاداشی در دنیا و پاداشی در آخرت .

من ذا الذی یقرض اللّه . .. فیضعفه له و له أجر کریم

برداشت یاد شده بدان احتمال است که جمله <فیضاعفه له>، ناظر به پاداش دنیوی و جمله <و له أجر کریم> ناظر به پاداش اخروی باشد.

۱۰ - خداوند

، در برابر قرض الحسنه ای که مؤمنان به او می دهند ، علاوه بر بازپس دادن چند برابر آن در دنیا ، پاداشی نفیس و گران سنگی نیز در آخرت به ایشان خواهد داد .

من ذا الذی یقرض اللّه . .. فیضعفه له و له أجر کریم

واژه <کریم> در هر مقامی، معنایی متناسب با همان مقام دارد. در این جا به معنای عظیم، نفیس و گران سنگ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۸ - ۷،۹،۱۱

۷ - خداوند ، در قبال وامی که مؤمنان به او می دهند (در راه او صدقه می دهند) ، دو پاداش (پاداشی در دنیا و پاداشی در آخرت) عطا می کند .

و أقرضوا اللّه قرضًا حسنًا یضعف لهم و لهم أجر کریم

برداشت یاد شده بدان احتمال است که جمله <فیضاعف لهم>، ناظر به پاداش دنیوی و جمله <و لهم أجر کریم> ناظر به پاداش اخروی باشد.

۹ - خداوند ، در دنیا حداقل دو برابر مقدار وامی که مؤمنان به او می دهند (در راه او صدقه می پردازند) ، به آنان بازمی گرداند .

و أقرضوا اللّه قرضًا حسنًا یضعف لهم

<مضاعفه> (مصدر <یضاعف>) به دو چندان کردن و بالاتر از آن (چند و چندین برابر نمودن) اطلاق می شود (مفردات راغب).

۱۱ - خداوند ، در برابر قرض الحسنه که مؤمنان به او می دهند علاوه بر باز پس دادن چند برابر آن در دنیا پاداش نفیس و گران سنگی نیز در آخرت به ایشان عطا خواهد کرد .

إنّ المصّدّقین . .. و

أقرضوا اللّه ... و لهم أجر كريم

واژه <كريم>، در هر مورد معنايى متناسب با همان جا دارد و در اين جا به معناى عظيم، نفيس و گران سنگ است.

پاداش دنيوى مجاهدان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۸ - ۲

۲ ثبات قدم (پايمردى) و پيروزى بر دشمنان ، پاداش دنيوى خداوند به مجاهدان صابر و نيايشگر

ربّنا . .. و ثبّت اقدامنا و انصرنا على القوم الكافرين. فاتيهم اللّه ثواب الدّنيا

پاداش دنيوى محسنان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۲۲ - ۱۳

۱۳ برخوردارى نيكوكاران از پاداش هاى الهى در دنيا

ءاتينه حكمًا و علمًا و كذلك نجزى المحسنين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۵۶ - ۱۴

۱۴ خداوند ، نيكوكاران را در دنيا از پاداش هاى خويش بهره مند مى سازد .

و لانضيع أجر المحسنين

به قرينه آيه بعد ، مراد از <أجر> پاداشهاى دنيوى است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۵۷ - ۲

۲ نيكوكاران علاوه بر بهره مند شدن از پاداش در حيات دنيا ، از پاداش هاى برتر اخروى نيز برخوردار خواهند شد .

لانضیع أجر المحسنین. و لأجر الأخره خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۰ - ۸

۸- احسان کنندگان ، در همین دنیا بهره خوبی خواهند داشت .

للذین أحسنوا فی هذه الدنیا حسنه

برداشت فوق بر این اساس است که <فی هذه> متعلق به <حسنه> باشد.

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۰ - ۶،۷

۶ - اعطای پاداش نیک در دنیا ، وعده خداوند به احسان کنندگان

للذین أحسنوا فی هذه الدنیا حسنه

برداشت بالا مبتنی بر این دیدگاه است که <فی هذه الدنیا> ظرف برای <حسنه> باشد، نه برای <أحسنوا>; چنان که در جای دیگر قرآن، به این حقیقت تصریح شده است: <للذین أحسنوا فی هذه الدنیا حسنه و لدار الأخره خیر. ..>، (سوره نحل (۱۶) آیه ۳۰).

۷ - پاداش احسان کنندگان در دنیا ، بسیار بزرگ و توصیف ناپذیر است .

للذین أحسنوا فی هذه الدنیا حسنه

برداشت بالا از تنوین <حسنه> که برای تعظیم و تفخیم است استفاده می شود.

پاداش دنیوی مهاجران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۱ - ۱،۱۲

۱- خداوند ، به مسلمانهایی که مورد ستم واقع شده و به خاطر او هجرت کردند ، جایگاه و مکانی شایسته در دنیا و پاداشی بس بزرگ تر در آخرت عطا می کند .

و الذین هاجروا فی الله من بعد ما ظلموا لنبوّئنّهم فی الدنیا حسنه و لأجر الأخره أ

<فی> در <فی الله> به معنای <لام> و برای تعلیل است. بنابراین معنای عبارت <هجرت برای کسب رضای خداوند> است.

۱۲- مهاجران ، از فواید دنیوی و پاداش اخروی هجرت در راه خدا بی خبرند .

و الذین هاجروا . .. لأجر الأخره أکبر لو کانوا یعلمون

پاداش دنیوی هجرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۱ - ۱۰

۱۰- پاداش اخروی هجرت در راه خدا ، بسی برتر از پاداش

دنیوی آن است .

و الذین هاجروا فی الله من بعد ما ظلموا لنبوّئنّهم فی الدنیا حسنه و لأجر الأخره أ

پاداش دنیوی یوسف(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۵۷ – ۱۰،۱۱

۱۰ یوسف (ع) در آخرت از پاداشی برتر و بهتر از آنچه در دنیا بدان دست یافت ، بهره مند خواهد شد .

و کذلک مکّنّا لیوسف فی الأرض . .. و لانضیع أجر المحسنین. و لأجر الأخره خیر ... و

۱۱ پاداش های دنیوی و اخروی یوسف (ع) ، دستاورد ایمان و ملازمت او بر تقوا و پرهیزگاری بود .

و کذلک مکّنّا لیوسف . .. و لأجر الأخره خیر للذین ءامنوا و کانوا یتقون

پاداش دینداری متقین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – طور – ۵۲ – ۱۸ – ۱۰

۱۰ – تقواپیشگان ، مورد حفاظت خداوند از گرفتاری به جهنم ، در قبال تلاش آنان برای حفظ ارزش های الهی در دنیا

إنّ المتّقین . .. و وقیهم ربّهم عذاب الجحیم

با توجه به این که ریشه <متقین> و <وقاهم> از یک ماده می باشد، ممکن است تعبیر <وقاهم> اشاره به مطلب بالا داشته باشد.

پاداش ذاکران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۳۸ – ۱،۲،۴،۵،۸

۱ – اعمال خوب مردمانی که همواره به یاد خدا هستند ، در پی دارنده پاداشی از نوع پاداش بهترین عمل ها از سوی خداوند

رجال . .. ليجزيهم اللّه أحسن ما عملوا

۲ - مردمانی که همواره به یاد خدا هستند ، از بهترین و بالاترین پاداش های الهی

برخوردار خواهند بود .

رجال لاتلهیهم تجره و لابیع عن ذکر اللّه . .. لیجزیهم اللّه أحسن ما عملوا

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که کلمه <جزاء> پیش از <أحسن>، در تقدیر و مفعول دوم برای <لیجزی> باشد.

۴ - چشم پوشی خداوند در مقام پاداش دهی ، از کم و کاستی های اعمال نیک مردمانی که دایم به یاد خدا هستند .

رجال لاتلهیهم تجره و لابیع عن ذکر اللّه . .. لیجزیهم اللّه أحسن ما عملوا

اعطای پاداش بهترین و کامل ترین اعمال به مردمان الهی، ممکن است به این معنا باشد که خداوند، کم و کاستی های اعمال آنان را نادیده می گیرد و پاداش عمل کامل را به آنان عنایت می کند.

۵ - جلوه فضل الهی ، در پاداش دادن به مردمانی که پیوسته به یاد خدا هستند .

رجال لاتلهیهم تجره و لابیع عن ذکر اللّه . .. لیجزیهم اللّه أحسن ما عملوا

<جزای أحسن> که به معنای پاداش دادن به بیش از حد استحقاق است بیانگر تجلی فضل خدا، در پاداش دهی به مردمان الهی است.

۸ - مردانی که همواره در یاد خدا هستند ، علاوه بر دریافت بهترین پاداش اعمال خود ، از فضل مخصوص الهی نیز برخورداراند .

رجال لاتلهیهم تجره و لابیع عن ذکر اللّه . .. و یزیدهم من فضله

پاداش راهبان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۷ - ۲۱

۲۱ - راهبان حقیقی در پیشگاه خدا مأجوراند .

فاتینا الذین ءامنوا منهم أجرهم

پاداش رسالت انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱

- ۵۱ - ۶

۶ خداوند ، اعطا کننده پاداش رسالت به پیامبران خویش

إن أجری إلاّ علی الذی فطرنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۹ - ۹

۹ - خداوند ، به پیامبران ، در مقابل تبلیغ رسالت های الهی ، پاداش می دهد .

الذین یبلّغون رسلت اللّه . .. و کفی باللّه حسیبًا

پاداش رسالت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۵ - ۷

۷ - جایگاه رفیع پیامبر (ص) در سرای آخرت ، پاداش رسالت او از جانب خداوند

إنّ الذی فرض علیك القرءان لرادّك إلی معاد

برداشت یاد شده بدان احتمال است که مراد از <معاد> جایگاه اخروی پیامبر(ص) باشد. بنابراین مفاد آیه چنین می شود: آن کسی که این بار سنگین رسالت را بر دوش تو نهاد، قطعاً پاداشی به تو در قبال آن خواهد داد که در وصف نگنجد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۶ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، هیچ اجر و پاداشی از کافران در قبال رسالت خویش درخواست نکرد .

أم تسئلهم أجرًا

پاداش رفع کینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۰ - ۸

۸ - تلاش در راه رفع کدورت های پیشین ، به دنبال عفو و گذشت از خطای دیگران ، دارای ارزشی والا و پاداش فراوان الهی است .

فمن عفا و أصلح فأجره علی اللّه

ذکر <أصلح> پس از عفو، نشان می دهد که صرف عفو و اغماض در دستیابی به

پاداش والای الهی کفایت نمی کند، بلکه می بایست پس از گذشت، در راه رفع اختلافات گام برداشت و طرح صمیمیت و آشتی افکند.

پاداش روابط واجب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۲۳ - ۲

۲ بهشت عدن ، پاداش وفا کردن به پیمان های الهی ، نشکستن عهد ها و برقرار کردن پیوندهایی که خدا به برقراری آن امر کرده است .

الذین یوفون بعهد الله . .. أُولئك لهم عقبی الدار. جنّت عدن

پاداش روزه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۴ - ۱۶

۱۶ - روزه گرفتن و فدیه دادن به مسکین ، چنانچه با میل و رغبت باشد ، ثوابی افزونتر دارد .

کتب علیکم الصیام . .. و علی الذین یطیقونه فدیه ... فمن تطوع خیراً فهو خیر له

مصداق مورد نظر برای <خیراً> به دلیل فرازهای قبل، روزه گرفتن و در صورت مشقت بار بودن روزه، فدیه دادن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۲۴ - ۷

۷ - < عن الصّادق (ع) قال : < الأیّام الخالیه > أیّام الصوم فی الدنیا ;

از امام صادق(ع) درباره <الأیّام الخالیه> روایت شده که فرمود: [مراد] روزهای روزه داری در دنیا است>.

پاداش زحمات مادر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۵ - ۷،۸،۱۲

۷- مادر ، دارای حقی فزون تر از پدر ، در برخورداری از احسان و خدمات فرزند

و وصّینا الإنسن بولدیه إحسنًا حملته أُمّه کرهًا و وضعته کرهًا و

حمله و فصله

خداوند، در آغاز احسان به پدر و مادر را توصیه کرده است; ولی در بیان فلسفه آن صرفاً از زحمات مادر یاد نموده است. این در حقیقت تأکید بر حق مادر و توصیه فزون تر در مورد او است.

۸- دشواری های دوران بارداری و زایمان ، دلیل لزوم احسان فرزند به مادر

و وصّینا الإنسن بولدیه إحسنًا حملته أُمّه کرهًا و وضعته کرهًا

برداشت بالاـ با توجه به دو نکته زیر است: الف) <کره> به معنای مشقت و دشواری است. ب) تعبیر <حملته اُمّه> در واقع، بیانگر فلسفه <وصّینا الإنسان...> است.

۱۲- احسان به مادر ، پاسخی بایسته به سی ماه رنج و تلاش وی در رشد و تربیت فرزند

و وصّینا الإنسن بولدیه إحسنًا . .. و حمله و فصله ثلثون شهرًا

تذکر خداوند، به سی ماه رنج مادر به پای فرزند، از مراحل نخستین تکوّن و شکل گیری و رشد او در پی سفارش به احسان نسبت به والدین مطلب بالا را می رساند.

پاداش زکات

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۷۲ – ۱۵

۱۵ بهشت جاودان ، بوستان های پوشیده از درخت ، خانه های دلپذیر و خشنودی خدا ، پاداش الهی به مؤمنان در برابر امر به معروف و نهی از منکر ، اقامه نماز ، پرداخت زکات و اطاعت از خدا و رسول (ص)

و المؤمنون و المؤمنت . .. یأمرون بالمعروف ... و یطیعون اللّه و رسوله ... وعد الل

پاداش زنان انفاقگر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۳۵ – ۲۰

– مردان و زنان صدقه پرداز ، از پاداش عظیم الهی برخوردارند .

و المتصدّقین و المتصدّقت . .. أعدّ اللّه لهم ... أجرًا عظیمًا

پاداش زنان اهل تسلیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۳۵ – ۲

۲ – مردان و زنانی که در برابر فرمان خدا تسلیم اند ، از پاداش عظیم خداوند برخوردارند .

إنّ المسلمین و المسلمت . .. أعدّ اللّه لهم مغفره و أجرًا عظیمًا

پاداش زنان خاشع

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۳۵ – ۱۷

۱۷ – مردان و زنان فروتن ، از پاداشی عظیم برخوردارند .

و الخشعین و الخشعت . .. أعدّ اللّه لهم ... أجرًا عظیمًا

پاداش زنان خاضع

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۳۵ – ۱۰

۱۰ – مردان و زنان مطیع و خاضع ، از پاداش بزرگ خداوند برخوردارند .

و القنتین و القنتت . .. أعدّ اللّه لهم ... أجرًا عظیمًا

پاداش زنان ذاکر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۳۵ – ۲۸

۲۸ – مردان و زنانی که زیاد از خداوند یاد می کنند ، از پاداش بزرگ او برخوردارند .

و الذکرین اللّه کثیرًا و الذکرت أعدّ اللّه لهم . .. أجرًا عظیمًا

پاداش زنان روزه دار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۳۵ – ۲۲

۲۲ – مردان و زنان روزه گیر ، از پاداش عظیم خداوند برخوردارند .

و الصئمین و الصئمت . .. أعدّ اللّه لهم ...

أجرًا عظيمًا

پاداش زنان صابر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۳۵ – ۱۵

۱۵ – مردان و زنان شکیبا ، از پاداشی با عظمت برخوردارند .

و الصبرين و الصبرت . .. أعدّ اللّه لهم ... أجرًا عظيمًا

پاداش زنان صادق

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۳۵ – ۱۲

۱۲ – مردان و زنان صداقت پیشه ، از پاداش عظیم خداوند برخوردارند .

و الصدقين و الصدقت . .. أعدّ اللّه لهم ... أجرًا عظيمًا

پاداش زنان صالح

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۴۰ – ۳

۳ – زنان و مردان مؤمن نیک کردار ، اهل بهشت اند .

من عمل صلحًا من ذكر أو أُنثى و هو مؤمن فأُولئك يدخلون الجنّه

پاداش زنان عفیف

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۳۵ – ۲۵

۲۵ – مردان و زنان عفیف ، از پاداش عظیم خداوند برخوردارند .

و الحفظین فروجهم و الحفظت . .. أعدّ اللّه لهم... أجرًا عظیمًا

پاداش زنان متذکر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۳۵ – ۳۰

۳۰ – مردان و زنانی که یاد خداوند را در دل ها زنده می کنند ، از پاداش بزرگ او برخوردارند .

و الذکرین اللّه کثیرًا و الذکرت أعدّ اللّه لهم . .. أجرًا عظیمًا

پاداش زنان مسلمان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۳۵ – ۴

۴ – مردان و زنان مسلمان ،

از پاداش بزرگ الهی برخوردارند .

إنّ المسلمين و المسلمت . .. أعدّ اللّه لهم ... أجرًا عظيمًا

پاداش زنان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۵ - ۶

۶ - مردان و زنان با ايمان ، از پاداش بزرگ خداوند برخوردارند .

إنّ . .. و المؤمنين و المؤمنت ... أعدّ اللّه لهم ... أجرًا عظيمًا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۰ - ۳

۳ - زنان و مردان مؤمن نيک کردار ، اهل بهشت اند .

من عمل صلحًا من ذکر أو أُنثی و هو مؤمن فأُولئک يدخلون الجنّه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۵ - ۵

۵ - همسانی زنان و مردان مؤمن ، در بهرهوری از ثمرات ايمان خود و پاداش های الهی

ليدخل المؤمنين و المؤمنت جنّت

قرار گرفتن وصف <المؤمنات> در کنار <المؤمنين>، می رساند که زنان و مردان در ره يابی به بهشت جاودان همسان اند.

پاداش سبقت در عمل خير

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۸۴ - ۱۰

۱۰ - ربوبيت خداوند ، مقتضی پاداش به دارندگان نيت خير و سبقت گيرندگان در کار نيک

و عجلت إليك ربّ لترضى

پاداش سجده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۷ - ۵

۵ - پاداش سجده و تسبیح همراه با حمد خداوند و عبادت های شبانه و انفاق های مؤمنان ، فوق حد شمارش است .

إنّما يؤمن . .. سجّدًا و سبّحوا بحمد ربّهم ...

تتجافی جنوبهم ... و ممّا رزقنهم

<فاء> در <فلاـتعلم نفس> تفریع بر آیات پیش است که در آنها صفات نیکوی مؤمنان شمرده شده است. بنابراین، معنا، چنین می شود: <مؤمنانی که دارای صفات یاد شده اند، پاداشی مخفی دارند>. با توجه به تفریع احتمال دارد که اختفای پاداش، کنایه از فوق شمارش بودن باشد.

پاداش سخاوتمندان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – لیل – ۹۲ – ۶ – ۴

۴ – وجود زمینه بهره مندی از پاداش های نیکوی الهی ، برای سخاوتمندان و تقواپیشگان

من أعطی و اتّقی . و صدّق بالحسنی

پاداش سلام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۸۶ – ۹

۹ تحیّت ها و درود های اهل ایمان به یکدیگر ، مورد محاسبه خداوند و در پی دارنده اجر و پاداش الهی

و اذا حیّیتم . .. انّ اللّه کان علی کل شیء حسیبا

محاسبه اعمال نیک کنایه از پاداش دهی خداوند بر آن اعمال می باشد.

پاداش شاکران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۴۴ – ۱۸

۱۸ وعده خداوند به اعطای پاداش به سپاسگزاران نعمت های الهی

و سیجزی اللّه الشّاکرین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۴۷ – ۱۲

۱۲ علم و آگاهی گسترده خداوند ، تضمین کننده پاداش دهی او به بندگان مؤمن و شاکر خویش

إن شکرتم و ءامنتم و کان اللّه شاکراً علیماً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – قمر – ۵۴ – ۳۵ – ۴

۴ – سنت الهی

بر اعطای پاداش عالی ، به شکرگزاران و نجات ایشان از عذاب های فراگیر

کذلک نجزی من شکر

پاداش شکرگزاری نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳ - ۹

۹- نجات نوح (ع) و همراهان او ، پاداش عبودیت و شکرگزاری مداوم وی بود .

ذرّیه من حملنا مع نوح إنه کان عبدًا شکورًا

<ذرّیه . ..> اشاره به نجات همراهان نوح(ع) از غرق شدن دارد و جمله <إنه کان عبداً شکوراً> می تواند تعلیل برای آن نجات باشد; یعنی، چون حضرت نوح(ع) عبدی شاکر بود، او و همراهانش را نجات بخشیدیم.

پاداش شهادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۵ - ۱۹

۱۹ بخشش گناهان و دخول در بهشت ، پاداش بزرگ الهی ، برای هجرت ، آوارگی ، آزار دیدن در راه خدا و جهاد و شهادت

فالّذین هاجروا و اخرجوا من دیارهم و اوذوا فی سبیلی و قاتلوا و قتلوا لاکفّرنّ عنه

پاداش شهیدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۵ - ۲۱

۲۱ پاداش مهاجران ، آوارگان ، آزاردیدگان در راه خدا ، مجاهدان و شهیدان ، تضمین شده از سوی خداوند

انّی لا اضیع عمل عامل منکم . .. فالّذین هاجروا و اخرجوا من دیارهم و اوذوا فی سبی

لام قسم و نون تأکید در <لاکفّرنّ> و در <لادخلنّ> دلالت بر تأکید و تضمین پاداش دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۷۴ – ۱۱

۱۱ یکسانی پاداش رزمندگان شهید

و مجاهدان پیروز

فیقتل او یغلب فسوف نؤتیه اجراً عظیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۱ - ۱۶

۱۶ تضمین قطعی بهشت از سوی خداوند ، برای مجاهدان رزمنده ای که سرانجام به شهادت می رسند . *

فیقتلون و یقتلون

برداشت فوق بدین احتمال است که <و یقتلون> قید باشد ; یعنی، صرفاً کشتن دشمنان خدا تضمین کننده بهشت نیست و به حساب معامله با خدا گذاشته نمی شود ; بلکه کشتن و نهایتا کشته شدن، معامله با خداست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۶ - ۱

۱- بهشت موعود ، پاداش شهیدان راه خدا

و یدخلهم الجنّه عرّفها لهم

پاداش صابران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۶ - ۱۳

۱۳ محبّت خدا ، پاداش پایمردی شکیبایان در رویارویی و نبرد با دشمنان دین خدا

فما وهنوا لما اصابهم . .. و اللّه یحبّ الصّابرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۸ - ۲

۲ ثبات قدم (پایمردی) و پیروزی بر دشمنان ، پاداش دنیوی خداوند به مجاهدان صابر و نیایشگر

ربّنا . .. و ثبّت اقدامنا و انصرنا على القوم الكافرين. فاتيهم اللّه ثواب الدّنيا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - نساء - ۴ - ۶۷ - ۴

۴ ثابت قدمان در ايمان ، بهره مند از پاداش بزرگ و ويژه خداوند

اشدّ تثبيتاً. و اذاً لأَتيناهم من لدنّا اجراً عظيماً

در برداشت فوق، <اذاً لأَتيناهم . .. >،

نتیجه <اشدّ تثبیتاً> گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۶ - ۳

۳- خداوند ، به هر یک از اعمال نیک صابران ، مطابق بهترین نوع آنها پاداش می دهد .

و لنجزینّ الذین صبروا أجرهم بأحسن ما کانوا یعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۵۹ - ۱

۱ - پاداش صبرپیشگان متوکل بر خدا ، بسی ستوده و نیکو است .

نعم أجر العملین . الذین صبروا و علی ربّهم یتوکّلون

<الذین> بدل برای <العاملین> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۰ - ۱۶،۲۲،۲۳

۱۶ - صابران ، برخوردار از اجر و پاداش کامل و بی شمار

إنّما یوفّی الصبرون أجرهم بغیر حساب

<توفیه> (مصدر <یوفّی>) به معنای پرداخت کامل است.

۲۲ - < عن أبی عبداللّه (ع) قال : قال رسول اللّه (ص) إذا نشرت الدواوین و نصبت الموازین لم ینصب لأهل البلاء میزان و لم ینشر لهم دیوان ثمّ تلا هذه الأیه < إنّما یوفّی الصابرون أجرهم بغیرحساب > ;

از امام صادق(ع) روایت شده که رسول خدا(ص) فرمود: هنگامی که نامه های اعمال گشوده می شود و میزان ها [برای سنجش اعمال] برپا می گردد، برای اهل مصیبت و بلا [که صابر بوده اند] میزانی برپا نشده و نامه عملی گشوده نخواهد شد. آن گاه این آیه را تلاوت فرمود: إنّما یوفّی الصابرون أجرهم بغیر حساب>.

۲۳ - < عن أمیرالمؤمنین (ع) : . . . قال اللّه عزّوجلّ . . . إنّما یوفّی الصابرون أجرهم بغیرحساب

، فما أعطاهم اللّه فی الدنیا لم یحاسبهم به فی الأخره . . . ;

از امام علی(ع) روایت شده: . ..خدای عزّوجلّ فرمود: <إنّما یوفّی الصابرون أجرهم بغیر حساب> آنچه را خدا در دنیا به صابران داده است، در قیامت حساب آن را از آنان نمی خواهد>.

پاداش صابئان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۲ - ۱۱

۱۱ - مؤمنان به خدا و قیامت و دارندگان عمل صالح ، در قیامت هیچ ترس و اندوهی نخواهند داشت .

من ءامن باللّه و الیوم الأخر و عمل صلحاً . .. و لا خوف علیهم و لاهم یحزنون

به قرینه <فلهم أجرهم عند ربهم> می توان گفت: ظرف <لاخوف علیهم . ..> قیامت است.

پاداش صادقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۹ - ۵

۵ بهشت پاداش راستگویان و راست کرداران است .

هذا یوم ینفع الصدقین صدقهم لهم جنت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۴ - ۱،۱۳

۱ - خداوند ، به راستگویان ، به خاطر صداقت شان ، پاداش می دهد .

لیجزی اللّه الصدقین بصدقهم

لام در <لیجزی> لام عاقبت است.

۱۳ - اعطای پاداش از ناحیه خداوند به راستگویان ، از آمرزگاری و رحمت او است .

ليجزى اللّه الصدقين . .. إنّ اللّه كان غفورًا رحيمًا

پاداش صادقانه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۸ - ۱۱

۱۱ - < قال الصادق (ع) : إذا سأل عن صدقه على أىّ وجه قاله ، فيجازى

بحسبه فکیف یکون حال الکاذب . . . ;

امام صادق(ع) فرمود: در صورتی که راستگو، از راستگویی اش سؤال شود که به چه انگیزه ای بوده است؟ و بر حسب آن جزا داده شود، حال دروغگو چگونه خواهد بود. ..؟>.

پاداش صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۵ - ۱،۲،۳

۱ قطعی بودن پاداش اعمال خیر صالحان ، از سوی خداوند

و اولئک من الصالحین. و ما یفعلوا من خیر فلن یکفروه

۲ قطعی بودن پاداش اعمال خیر صالحانِ اهل کتاب ، از سوی خداوند

من اهل الکتب . .. و اولئک من الصالحین. و ما یفعلوا من خیر فلن یکفروه

۳ اعمال خیر صالحان هرگز از جانب خداوند ، کفران نخواهد شد و مورد ناسپاسی قرار نخواهد گرفت .

و اولئک من الصالحین. و ما یفعلوا من خیر فلن یکفروه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۹ - ۵

۵ بهشت پاداش راستگویان و راست کرداران است .

هذا یوم ینفع الصدقین صدقهم لهم جنت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۵ - ۶

۶ هدایت ویژه، پاداش خداوند به صالحان است.

کلا هدینا . .. کل من الصلحین

در آیه پیشین سخن از هدایت ویژه برای پیامبران بود و این آیه آنان را از زمره صالحان می شمارد. بنابراین وصف مذکور باید در حصول هدایت ویژه دارای نقش باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۸ - ۱

۱- ذوالقرنین ، به اعطای پاداش نیک ،

به مؤمنان نیک کردار ، وعده داد .

و أمّا من ءامن و عمل صلحًا فله جزاءً الحسنی

<جزاء> حال است و بیانِ این که رفتار نیکو (الحسنی) پاداش ایمان و عمل صالح شخص است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۶ - ۴

۴- عمل صالح باقی می ماند و نیکوکاران ، از پاداش آن در پیشگاه خداوند برخوردار می گردند .

والبقیت الصلحت خیر عند ربّک ثوابًا

<خیر> گرچه اسم تفضیل است; ولی همواره این مفهوم را ندارد که نقطه مقابل هم، اصل وصف را داراست; بلکه در نظایر این آیه تفضیل به معنای حقیقی آن وجود ندارد و گفتن <خیر ثواباً> در مقابل پندار دنیامداران است که به نتیجه کارهایشان دل بسته اند و مراد این است که تنها به ثواب عمل صالح می توان دل بست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۶ - ۲

۲- محبوبیت در دل های مردم ، از جمله پاداش های خداوند به مؤمنان دارای کردار نیک .

إنّ الذین ءامنوا . .. سیجعل لهم الرحمن ودًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۴ - ۱

۱ - بهشت ، پاداش خدا به مؤمنان نیک کردار

إنّ اللّه یدخل الذین ءامنوا و عملوا الصلحت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۶ - ۴

۴ - بهشت ، پاداشت مؤمنان نیک کردار

فالذين ءامنوا و عملوا الصلحت فی جنّت النعیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۵۸ -

۱ - خداوند ، بهشت را ، برای مؤمنان دارای عمل صالح ، تضمین کرده است .

و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت لنبوّئنّهم من الجنّه غرفًا

لام تأکید و نون ثقیله در <لنبوّئنّ> دلالت بر ضمانت می کند.

۱۰ - بهشت جاودان ، برای مؤمنان دارای عمل صالح ، پاداشی نیکو است .

و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت لنبوّئنّهم من الجنّه . .. خلدین فیها نعم أجر ال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۱۵ - ۱

۱ - بوستان عظیم بهشتی ، پاداش مؤمنان نیک کردار است .

فأمّا الذین ءامنوا و عملوا الصلحت فهم فی روضه

نکره آورده شدن <روضه> دلالت بر عظمت آن می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۵ - ۱،۴

۱ - خداوند پاداش دهنده مؤمنانِ دارای عمل صالح در قیامت

لیجزی الذین ءامنوا و عملوا الصلحت

۴ - پاداش دهی خداوند به مؤمنانِ دارای عمل صالح ، فراتر از استحقاق عمل آنها است .

لیجزی الذین ءامنوا . .. من فضله

ذکر <من فضله> برای بیان این نکته است که پاداش در نظر گرفته شده برای مؤمنان، براساس استحقاق نیست، بلکه فزون تر از آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۸ – ۱،۲

۱ – بهشت های سرشار از نعمت ، پاداش مؤمنانِ دارای اعمال صالح است .

إنّ الذین ءامنوا . .. لهم جنّت النعیم

۲ – مؤمنان به آیات خدا و انجام دهندگان عمل صالح ، جایگاه شان بهشت است .

إنّ الذین ءامنوا و عملوا الصلحت لهم جنّت النعیم

به قرینه مقابله با

آیه قبل، متعلق <آمنوا> در این آیه کسانی اند که به آیات الهی ایمان آورده اند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۹ – ۱

۱ – جاودانگی در بهشت سراسر نعمت ، پاداش مؤمنان دارای عمل صالح است .

إنّ الذین ءامنوا . .. جنّت النعیم خلدین فیها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – سجده – ۳۲ – ۱۹ – ۱

۱ – باغ های بهشتی مهیّا برای پذیرایی ، پاداش مؤمنان نیک کردار است .

أمّا الذین ءامنوا و عملوا الصلحت فلهم جنّت المأوی نزلاً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۷ – ۲

۲ – مؤمنانِ دارای عمل صالح ، شایسته غفران و پاداش الهی اند .

و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت لهم مغفره و أجر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۸ – ۲

۲ – خداوند در پاداش دادن به مؤمنان نیک کردار ، هیچ گونه منّتی بر آنان نخواهد گذاشت .

إنّ الذین ءامنوا و عملوا الصلحت لهم أجر غیر ممنون

برداشت بالا مبتنی بر این نکته است که <ممنون> از ماده <منت> اشتقاق یافته باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۲ – ۱۳

۱۳- آمرزش گناهان و سامان یافتن شؤون حیات ، پاداش الهی به مؤمنان صالح پیرو قرآن

و الذین ءامنوا . .. کفّر عنهم سیّئاتهم و أصلح بالهم

<أصلح بالهم> یا به معنای اصلاح مطلق شؤون زندگی و یا اصلاح قلب و دل مؤمنان است، برداشت یاد شده براساس معنای

اول است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – بینه – ۹۸ – ۸ – ۱،۲

۱ – استقرار در باغ های بهشت و جاودانگی در آن ، پاداش تضمین شده خداوند برای مؤمنان نیکوکردار

الذین ءامنوا و عملوا الصلحت . .. جزاؤهم عند ربّهم جنّت عدن تجری من تحتها الأن

۲ – پاداشِ مؤمنان شایسته کردار ، جلوه ربوبیت خداوند بر آنان است .

عند ربّهم

پاداش صبر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۱۴ – ۱،۲

۱ بهشت ، از آنِ کسانی است که در مقابل آزمایش های الهی شکیبا باشند .

ام حسبتم ان تدخلوا الجنّه

۲ ورود به بهشت ، بدون تحمّل سختی ها و مصائب ، پنداری بیش نیست .

ام حسبتم ان تدخلوا الجنّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۹۰ – ۸

۸ نیل یوسف (ع) به عزیزی و اقتدار و حاکمیت وی در دیار مصر ، پاداشی بر تقواپیشگی ، صبر و نیکوکاری او بود .

قد منّ الله علینا إنه من یتّق و یصبر فإن الله لایضیع أجر المحسنین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۲۳ – ۳

۳ بهشت عدن ، پاداش صبر و استقامت بر فرمان های الهی ، برپا داشتن نماز و انفاق کردن

والذین صبروا . .. أُولئک لهم عقبی الدار. جنّت عدن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۱۲ – ۷

۷ - < عن أبی جعفر (ع) فی قوله : < و

جزاهم بما صبروا جنّه و حريراً > قال : بما صبروا على الفقر و مصائب الدنيا ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند <و جزاهم بما صبروا جنّه و حريرًا> روايت شده كه فرمود: [اين پاداش] براى اين است كه بر فقر و مصيبت هاى دنيا صبر كرده اند>.

پاداش صبر بر ايمان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۷ - ۳

۳ استوار ماندن بر حق و پايدارى بر ايمان ، در تنگنا ها و شرايط دشوار ، داراى ارزشى والا و پاداشى ويژه

لقد تاب اللّه على النبى و . .. الذين اتبعوه فى ساعه العسره

پاداش صبر بر حق

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۷ - ۳

۳ استوار ماندن بر حق و پايدارى بر ايمان ، در تنگنا ها و شرايط دشوار ، داراى ارزشى والا و پاداشى ويژه

لقد تاب اللّه على النبى و . .. الذين اتبعوه فى ساعه العسره

پاداش صبر در سختى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۵ - ۱۵

۱۵ - از امام صادق (ع) روايت شده است : < . . . من صبر كرهاً . . . نصيبه ما قال اللّه عز و جل : < و بشر الصابرين > اى بالجنه و المغفره . . . ;

. .. كسى كه در مشكلات صبر كند پاداش وى همان بهشت و مغفرت الهى است كه در سخن خداى عز و جل <و بشر الصابرين> به آن بشارت داده شده است ...

>.

پاداش صداقت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۴ - ۴

۴ - صداقت و راستی ، پاداش الهی را به دنبال دارد .

لیجزی اللّه . .. بصدقهم

<باء> در <بصدقهم> سببی است.

پاداش صدقه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۲ - ۵

۵ - صدقه دادن ، بهترین عمل است و نفع آن به خود صدقه دهنده بازمی گردد .

ذلک خیر لکم

کلمه <ذلک> اشاره به اعطای صدقه دارد. واژه <خیر> می تواند به معنای خوب (در مقابل) بد و یا اسم تفضیل و به معنای بهتر باشد. برداشت یاد شده بر پایه احتمال دوم است.

پاداش عاقلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۴ - ۲،۳

۲ خداوند ، نویددهنده پاداش به خردمندان مؤمن

ربّنا و اتنا ما وعدتنا علی رسلک

۳ پیامبران ، واسطه خداوند در نوید پاداش به خردمندان

اتنا ما وعدتنا علی رسلك

پاداش عبادت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۰ - ۳

۳ - عبادت و انجام اعمال صالح به منظور دریافت اجر و پاداش از خداوند ، صحیح و مقبول درگاه الهی بوده و با الهی بودن آنها منافات ندارد .

یتلون کتب اللّه و أقاموا الصلوه و أنفقوا . .. لیوفّیهم أجورهم

پاداش عبادت پنهانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۷ - ۳

۳ - عبادات نهانی و در دل شب مؤمنان ، دارای پاداش عظیم و نهفته است .

تتجافی جنوبهم

عن المضاجع یدعون ربّهم . .. فلاتعلم نفس ما أَخفی لهم

پاداش عبادت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۲۳ - ۱۲

۱۲ خداوند ، پرستشگران و بندگان خویش را از پاداش ها بهره مند می سازد .

فاعبده . .. و ما ربک بغفل عما تعملون

از هدفهای بیان آگاهی خدا به اعمال انسانها ، پس از فرمان به عبادت و پرستش (اعبده) ، تضمین پاداش است.

پاداش عبودیت نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳ - ۹

۹- نجات نوح (ع) و همراهان او ، پاداش عبودیت و شکرگزاری مداوم وی بود .

ذرّیه من حملنا مع نوح إنه کان عبدًا شکورًا

<ذرّیه . ..> اشاره به نجات همراهان نوح(ع) از غرق شدن دارد و جمله <إنه کان عبداً شکوراً> می تواند تعلیل برای آن نجات باشد; یعنی، چون حضرت نوح(ع) عبدی شاکر بود، او و همراهانش را نجات بخشیدیم.

پاداش عتق برده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بلد - ۹۰ - ۱۳ - ۸

۸ - < إنّ أعرابیّاً قال لرسول اللّه (ص) علّمنی عملاً یدخلنی الجنّه ؟ قال : أعتق النَسَمَه و فُکّ الرقبه . قال : أوَ لیستا بواحده ؟ قال له : إنّ عتق الرقبه أن تفرّد بعتقها و فکّ الرقبه أن تُعین فی عتقها . . . ;

مردی بادیه نشین به رسول خدا(ص) عرض کرد: عملی را به من تعلیم ده که مرا به بهشت ببرد. رسول خدا(ص) فرمود: <أعَتِقِ النَّسمهَ و فُکَّ الرقبهَ> آن مرد گفت: آیا

<عتق نسمه و فکّ رقبه> هر دو، به یک معنا (آزاد کردن برده) نیست؟ فرمود: نه; <عتق رقبه> آن است که به تنهایی برده را آزاد کنی و <فکّ رقبه> آن است که در آزادیِ برده ای کمک کنی>.

پاداش عفو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۶ - ۲

۲ فروتنی ، شب زنـده داری ، حلم ، ترس از قیامت ، توبه ، عفو کریمانه ، پذیرش حق ، دعا ، دوری از اسـراف ، تنگ گیری ، شرک ، زنا ، آدم کشی و سخن باطل ، موجب ورود به بهشت جاودان و برخورداری از قرارگاه و اقامت نیکوی آن

الذین یمشون علی الأرض هونًا. .. و الذین لایشهدون الزور ... أُولئک یجزون الغرفه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۰ - ۶۸

۶ - عفو و اغماض از خطای دیگران و اصلاح بدی آنان با نیکی و گذشت ، موجب اجر و پاداش ویژه خداوند است .

و جزؤا سیّئه سیّئه مثلها فمن عفا و أصلح فأجره علی اللّه

۸ - تلاش در راه رفع کدورت های پیشین ، به دنبال عفو و گذشت از خطای دیگران ، دارای ارزشی والا و پاداش فراوان الهی است .

فمن عفا و أصلح فأجره علی اللّه

ذکر <أصـلح> پس از عفو، نشان می دهد که صرف عفو و اغماض در دستیابی به پاداش والای الهی کفایت نمی کند، بلکه می بایست پس از گذشت، در راه رفع اختلافات گام برداشت و طرح صمیمیت و آشتی افکند.

پاداش عقیده

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۶ - ۹

۹ - اعتقاد شیطان به جزا و کیفر خلق ، در برابر اعتقاد و عمل *

کمثل الشیطن إذ قال . .. إنّی أخاف اللّه ربّ العلمین

در صورتی که <إنّی أخاف . ..> سخنی از روی واقعیت باشد و نه توجیه و استهزا تعبیر <أخاف ...> نشانگر بیم شیطان از بازتاب کفر و اعتقاد او به کیفر و مجازات است.

پاداش علما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۲ - ۱۵

۱۵ بهره مندی عالمان از پاداش های بزرگ الهی در گرو ایمان و انجام اعمال صالح

لکن الرسخون . .. و المؤمنون باللّه و الیوم الاخر أولئک سنؤتیهم أجراً عظیماً

پاداش عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۴ - ۵

۵ - هر فرد و امتی از پاداش اعمال نیک خویش بهره مند خواهند شد .

لها ما کسبت و لکم ما کسبتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۱ - ۶

۶ - نتیجه عمل هر کس و هر جامعه ای از آنِ خود اوست و باید به او بازگردانده شود .

لها ما کسبت و لکم ما کسبتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۱۹۷ - ۷

۷ ضمانت پاداش نیکوکاران از سوی خداوند

و ما تفعلوا من خیر یعلمه اللّه

جمله <یعلمه اللّه>، علاوه بر بیان احاطه علمی خداوند به کارهای نیک بندگان، کنایه از ضمانت پاداش در قبال نیکوکاری آنان است.

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۰۲ – ۱،۵

۱ آنان که خواهان حَسَنه دنیوی و اُخرویند ، از آنچه انجام داده اند ، بهره خواهند برد .

و منهم من یقول ربّنا اتنا . .. اولئک لهم نصیب مما کسبوا

۵ تنها آنان که پس از انجام حج ، خواهان حسنه دنیوی و اُخروی هستند ، از حج خود بهره خواهند برد .

فاذا قضیتم مناسککم . .. اولئک لهم نصیب مما کسبوا

بنابراینکه مراد از <ممّا کسبوا> انجام فریضه حج باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۲۱ – ۲۳

۲۳ عمل به تکالیف الهی ، وسیله رسیدن به بهشت و آمرزش است .

و لا تنکحوا المشرکات . .. و اللّه یدعوا الی الجنّه و المغفره باذنه

بنابراینکه مراد از دعوت الهی به بهشت و مغفرت، بیان احکام شرعی باشد (مانند حرمت ازدواج با مشرکان و . ..) که عمل به آن احکام، موجب آمرزش و درآمدن به بهشت است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۲۳ – ۱۴

۱۴ خداوند ، محاسبه کننده و جزادهنده اعمال

و اعلموا انکم ملاقوه

با توجّه به هشدار در آیه، ملاقات خداوند، کنایه از محاسبه و جزا می باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۲۵ – ۶

۶ نیّت ، ملاک ثواب و عقاب عمل

لا یؤاخذکم اللّه باللغو فی ایمانکم و لکن یؤاخذکم بما کسبت قلوبکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ –

۱۳ - ۲۴۵

۱۳ بقای آنچه به خداوند قرض داده می شود و بازگشت چندین برابر آن به آدمی

من ذا الّذی یقرض اللّه . .. فیضاعفه له اضعافاً کثیرهً

مُراد از ضمیر مفعولی در <یضاعفه> قرض است; یعنی آن مالی که قرض داده شود، چندین برابر شده و به او باز پس داده می شود; بنابراین باید آن مال باقی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۱ - ۱۳

۱۳ خداوند ، به انفاق کنندگان در راه او و مستحقّین پاداش های چند برابر ، داناست .

و اللّه یضاعف لمن یشاء و اللّه واسع علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۲ - ۱۵،۱۹

۱۵ دستیابی به < وجه اللّه > (خشنودی خدا) ، در گرو تلاش و اجتهاد جوینده آن

و ما تنفقون الاّ ابتغاء وجه اللّه

با توجّه به واژه <ابتغاء> که در آن اجتهاد و تلاش ملحوظ است.

۱۹ بازگشت نتایج اعمال خیر ، به خودِ عمل کننده

و ما تنفقوا من خیر فلانفسکم . .. یوفّ الیکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۶ - ۱

۱ خداوند ، سوق دهنده دائمی سرمایه های ربوی ، به نقصان و نابودی

یمحق اللّهُ الرّبوا

رو به کاستی رفتن را <مَحق> گویند. (مجمع البیان).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۷ - ۱،۳

۱ مؤمنان دارای عمل صالح ، برپادارندگان نماز و پرداخت کنندگان زکات ، بهره مندان از پاداش ویژه الهی

ان الذین امنوا

و عملوا الصالحات و اقاموا الصلوه و اتوا الزکوه لهم اجرهم عند ربّه

کلمه <عند ربّهم> اشاره به پاداشی ویژه دارد.

۳ پاداش الهی برای مؤمنان دارای عمل صالح ، برپادارندگان نماز و پرداخت کنندگان زکات ، نتیجه عمل خیر آنها

لهم اجرهم عند ربّهم

<اجر> به معنای مزد، در برابر عملکرد شخص به کار برده می شود; بنابراین پاداش آنان مزد و اجر عملشان خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۱ - ۵،۷

۵ قیامت ، روز دریافت کامل نتیجه اعمال (کیفر و پاداش)

ثمّ توفّی کلّ نفس ما کسبت

<توفّی> به معنای دریافت کامل است.

۷ پاداش و کیفر کامل اعمال انسان ها ، پس از بازگشت به سوی خداوند در قیامت

و اتّقوا یوماً ترجعون فیه الی اللّه ثمّ توفّی کلّ نفس ما کسبت

برخی مفسّرین برآنند که مضاف از کلمه <ما کسبت> حذف شده است; یعنی پاداش و کیفر اعمال خویش را دریافت می کنند، نه خود اعمال و کردار را.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۲ - ۳

۳ ایمان ، ملاکی برای ارزش اعمال نیک ، و شرط پاداش خداوند بر انجام آن

انّ الذین یکفرون . .. اولئک الّذین حبطت اعمالهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۵ - ۹،۱۲

۹ دنیا ، محل اندوختن و کسب سرمایه ; و آخرت روز دریافت اندوخته هاست .

و وفّیت کل نفس ما کسبت

۱۲ پندار غلط برخی از اهل کتاب ، نسبت به محو اعمال ناشایست آنان

در قیامت

لن تمسّنا النار . .. و وفّیت کل نفس ما کسبت

به نظر می رسد جمله <وفّیت کل . .. >، اشاره به علّت پنداری است که اهل کتاب داشتند: لن تمسّنا النار.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۰ - ۶

۶ قیامت ، روز دریافتِ کیفر و پاداشِ اعمال نیک و بد *

یوم تجد کل نفس ما عملت من خیر . .. من سوء

بنابراینکه <ما عملت>، به معنای <جزاء ما عملت> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۷ - ۴

۴ پاداش ها در قیامت نیتجه عمل خود انسان است . *

فیوفّیهم اجورهم

استعمال اجر و اجرت، معمولاً در قبال عمل انسان به کار می رود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۵ - ۱،۲

۱ قطعی بودن پاداش اعمال خیر صالحان ، از سوی خداوند

و اولئک من الصالحین. و ما یفعلوا من خیر فلن یکفروه

۲ قطعی بودن پاداش اعمال خیر صالحانِ اهل کتاب ، از سوی خداوند

من اهل الکتب . .. و اولئک من الصالحین. و ما یفعلوا من خیر فلن یکفروه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۳۶ – ۱۱،۱۲

۱۱ آمرزش الهی و بهشت را به بهای عمل به اوامر خداوند دهند ، نه به صرف شعار و ادّعا

اولئك جزآؤهم مغفره من ربّهم و جنّات . .. و نعم اجر العاملین

۱۲ آمرزش گناهان و بهشت های دارای نهر های جاری ، پاداش

خوبی برای عمل کنندگان به دستورات الهی

اولئك جزآؤهم مغفره من ربّهم و جنّات تجری من تحتها الانهار خالدين فيها و نعم اجر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۴۵ – ۹،۱۱

۹ قصد و نیّت عمل کننده کردار های نیک ، تعیین کننده برخورداری وی از نعمت های دنیا یا مواهب آخرت

و من يرد ثواب الدّنيا نؤته منها و من يرد ثواب الاخره نؤته منها

۱۱ خداوند ، پاداش دهنده اعمال در دنیا و آخرت

و من يرد ثواب الدّنيا نؤته منها و من يرد ثواب الاخره نؤته منها

مراد از اراده پاداش، انجام عمل خیر، برای نیل به پاداش است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۶۱ – ۱۳،۱۴،۱۶

۱۳ پاداش و جزاىِ کردار آدمی در قیامت بر اساس عدل

ثمّ توفّى كلّ نفس ما كسبت و هم لا يظلمون

۱۴ ضرورت برپایی قیامت و معاد برای دریافت تمامی جزا ها و پاداش های اعمال *

و من يغلل يأت بما غلّ يوم القيمه ثمّ توفّى كلّ نفس ما كسبت و هم لا يظلمون

جمله <و هم لا يظلمون> (عدالت الهی)، پس از جمله <توفّى كلّ نفس ما كسبت>، بیانگر این است که ستم نشدن بر انسانها در گرو دریافت کامل جزا و پاداش اعمال آنان می باشد ; و این معنا تنها در قیامت تحقق می یابد.

۱۶ به مجازات رسیدن خیانتکاران در اموال امام در قیامت

و من يغلل يأت بما غلّ

امام صادق (ع): الغلول كلّ شىء غلّ عن الامام.

تفسير عياشى، ج ١، ص ٢٠٥، ح ١۴٨ ; تفسير برهان،

ج ۱، ص ۳۲۴، ح ۲.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۲ - ۱۴

۱۴ تفاوت فرجام آدمیان بر مبنای عملکرد آنان ، نمودی از عدل خداوند

توفّی کلّ نفس ما کسبت و هم لا یظلمون. افمن اتّبع رضوان اللّه کمن بآء بسخط من الل

در برداشت فوق جمله <افمن اتّبع . .. > دلیل و تعلیل عدل الهی در پاداش و جزا گرفته شده است ; یعنی باید هر نفسی پاداش و جزای کامل خویش را ببیند ; چرا که هیچ وجدانی نمی تواند بپذیرد که انسانهای نیکوکار همسنگ بزهکاران باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۱ - ۴،۵

۴ تضمین پاداش عملکرد مؤمنان ، از سوی خداوند

انّ اللّه لا یضیع اجر المؤمنین

۵ ایمان ، شرط ضایع نشدن پاداش عمل

انّ اللّه لا یضیع اجر المؤمنین

آوردن اسم ظاهر <المؤمنین> به جای ضمیر، بیانگر این است که پاداش عملکرد مجاهدان مشروط به ایمان آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۲ - ۲۰

۲۰ دشواری عمل ، موجب ازدیاد ارزش و پاداش آن در پیشگاه خداوند

الّذین استجابوا للّه و الرسول من بعد ما اصابهم القرح

چنانچه <الذین استجابوا> مبتدا باشد، جمله <من بعد ما اصابهم القرح>، که مستلزم دشواری حرکت برای جهاد است ، از شرایط وعده به اجر عظیم خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۶ - ۱۰

۱۰ محرومیّت و یا برخورداری از

بهره های اخروی ، نتیجه عملکرد انسان

و لا یحزنک الّذین یسارعون الکفر . .. یرید اللّه الّا یجعل لهم حظّا فی الاخره

گر چه خداوند محروم کردن کفرپیشگان را از بهره اخروی به خود نسبت داده است: یرید اللّه . .. ولی این محرومیّت به دلیل <یسارعون ... >، نتیجه عملکرد خود آنان بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۵ - ۲،۴

۲ وعده خداوند به دریافت کامل سزای اعمال در روز قیامت

و انّما توفّون اجورکم یوم القیمه

<توفّون>، از مصدر <توفیه>، به معنای دریافت کامل و تمام است.

۴ محاسبه دقیق اعمال انسان و جزای عادلانه آن در قیامت

و انّما توفّون اجورکم یوم القیمه

<توفّون> (اعطای پاداش کامل و تمام در مقابل عمل)، حکایت از محاسبه دقیق اعمال دارد و نیز حاکی از عدالت در پرداخت پاداش است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۵ - ۷،۸،۱۴،۱۸،۳۴

۷ خداوند ، هرگز عمل مؤمن را ضایع نکرده و وی را از پاداش اعمالش بهره مند خواهد کرد .

انّی لا اضیع عمل عامل منکم

خطاب <منکم> می رساند که اگر انجام دهنده اعمال نیک مؤمن باشد، عمل او ضایع نخواهد شد و در دنیا و آخرت به ثمر خواهد نشست.

۸ برقراری نظام پاداش عمل و تباه نشدن اعمال خیر ، پرتوی از ربوبیّت خداوند

فاستجاب لهم ربّهم انّی لا اضیع عمل عامل منکم

۱۴ در پیشگاه خداوند ، بین زن و مرد در برخورداری از نتایج اعمال ، تفاوتی نیست .

انّی لا اضیع عمل عامل منکم من ذکر او انثی

یکسانی زن و مرد در ماهیّت و حقیقت انسانی ، فلسفه تساوی آنان در برخورداری از اجر و پاداش اعمال نیک

انّی لا اضیع عمل عامل منکم من ذکر او انثی بعضکم من بعض

۳۴ ضایع نشدن اعمال مؤمنان و ثمردهی آن ، به بهره مندی از پاداش های الهی (مغفرت و بهشت) است .

انّی لا اضیع عمل عامل . .. ثواباً من عند اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۲ - ۱۰

۱۰ هر زن و مردی به پاداش اعمال خویش خواهد رسید .

للرّجال نصیب مما اکتسبوا و للنساء نصیب مما اکتسبن

جمله <للرجال نصیب . .. >، می تواند به این معنی باشد که هر انسانی، چه زن و چه مرد، بر اساس تکالیفی که خدا بر عهده او گذاشته، بهره مند از ثواب و پاداش خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۰ - ۳

۳ آگاهی کامل خداوند به ناچیزترین اعمال ، تضمین کننده عدالت در مجازات ها و پاداش های الهی

کان اللّه بهم علیماً. انّ اللّه لا یظلم مثقال ذرّه

ظاهراً جمله <ان اللّه . .. >، نتیجه ای است مترتب بر آگاهی خداوند. یعنی چون خداوند آگاه به تمامی جهات است، ظلم نمی کند. زیرا از ریشه های ظلم، جهل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۵ - ۳

۳ ارزشمندی تشویق مردم به جهاد در راه خدا

و حرّض المؤمنین . .. من یشفع شفاعه حسنه یکن له نصیب منها

چون تحریک مردم

به جهاد، <شفاعه حسنه> نامیده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۶ - ۴

۴ مالکیت و احاطه خداوند بر هستی ، ضامن کیفر و پاداش دهی عادلانه و دقیق وی به اعمال مردم

من یعمل سوءاً یجز به . .. و للّه ما فی السموت و ما فی الأرض ... محیطاً

برخی بر آنند که جمله <و لله ما فی السموت>، به منزله تعلیل برای جمله های <من یعمل سوءا یجز به> و <فأولئک . ..> است; یعنی چون خداوند مالک تمام هستی است، قادر بر کیفر و پاداش بدون کم و کاست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۷ - ۱۰

۱۰ پاداش الهی ، دارای تناسب و همگونی با اعمال انسانهاست .

إن شکرتم و ءامنتم و کان اللّه شاکراً علیماً

توصیف خداوند به <شاکرا> که حکایت از پاداش دهی او در مقابل شکرگزاری بندگان است، می رساند که پاداشهای الهی مناسب با رفتار و کردار نیک انسانهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۹ - ۱۲

۱۲ تناسب و همگونی پاداش الهی با عمل انسان

أو تعفوا عن سوء فإنّ اللّه کان عفواً قدیراً

خداوند، گذشت و بخشش خویش را پاداش کسانی قرار داده که اهل عفو و گذشت هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۲ - ۲۴

۲۴ توجه به پاداش عمل ، محرک آدمی بر انجام آن

لئن اقمتم الصلوه . .. لاكفرن عنكم سياتكم و لادخلنكم جنت

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۹ - ۱۰

۱۰ هابیل ، معتقد به معاد و معارف دین و دارای یقین به بهشت و دوزخ و آگاه به کیفر و پاداش اعمال

انی اخاف اللّه رب العلمین . .. تبوأ باثمی و اثمک فتکون من اصحب النار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۹ - ۴

۴ اعمال و نیات پنهان و آشکار آدمی مورد محاسبه و جزاء و پاداش الهی

و اللّه یعلم ما تبدون و ما تکتمون

بیان آگاهی خداوند بر آشکار و نهان انسان هشداری است به بندگان که اعمال و رفتار و نیز نیات و حالات آنان محاسبه خواهد شد. و به مقتضای آن به پاداش و یا سزای لازم خواهند رسید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۲ - ۳

۳ نعمت های جاودان اخروی ، اجرت و مزدی است در برابر عملکرد مؤمنان مهاجر و مجاهد .

الذین ءامنوا و هاجروا و جهدوا . .. جنت لهم ... خلدین فیها أبداً إن اللّه عنده أج

<أجر> اجرت و مزد در برابر عمل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴ - ۱۰

۱۰ دستیابی مؤمنان به پاداش و ایمان و اعمال شایسته خویش و گرفتاری کافران به کیفر کفر و بزهکاری خود ، فلسفه اساسی معاد و برپایی رستاخیز است .

ثم یعیده لیجزی الذین ءامنوا . .. و الذین کفروا لهم شراب من حمیم و عذاب ألیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۷۴ – ۶

۶ – جزای اعمال ، پرتویی از ربوبیت خداوند است .

إنّه من یأت ربّه مجرمًا فإنّ له جهنّم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۴۷ – ۱۰

۱۰– تمامی اعمال آدمیان حتی خردترین و سبک ترین آنها مورد حسابرسی ، بازخواست و جزای الهی قرار خواهد گرفت .

و إن کان مثقال حبّه من خردل أتینا بها و کفی بنا حسبین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۲۵ – ۱۳

۱۳ – گواهی اعضا و جوارح بر گفتار و رفتار انسان ها و جزای کامل و عادلانه خدا به آنان ، موجب آگاهی آنان به حقانیت خداوند است .

یوم تشهد علیهم ألسنتهم . .. یومئذ یوفّیهم اللّه دینهم الحقّ و یعلمون أنّ اللّه ه

جمله <و یعلمون. ..> عطف بر <یوفّیهم> است و مقصود از <یومئذ> به قرینه آیه قبل (یوم تشهد ...) – همان روزی است که اعضای بدن علیه انسان گواهی می دهند. بنابراین معنای آیه چنین می شود: روزی که اعضای بدن انسان، بر رفتار وی گواهی می دهند و مردم به جزای کامل و عادلانه خود می رسند، در چنین روزی است که مردم خواهند فهمید که خدا حق است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۷ – ۹

۹ – عمل انسان ها ، مبنای پاداش دهی خدا است .

و لنجزینّهم أحسن الذی کانوا یعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ -

۱۱ - ۵۸

۱۱ - عمل ، اساس دستیابی به پاداش نیکو است .

نعم أجر العملین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۷ - ۴

۴ - نعمت های عظیم اخروی ، پاداش عمل مستمر خود مؤمنان است که در دنیا انجام می دهند .

فلاتعلم نفس ما أُخفی لهم من قرّه أعین جزاء بما کانوا یعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۹ - ۱۰

۱۰ - موقعیت انسان ها ، در کیفیت پاداش عمل خیرشان ، نقش دارد .

إن کنتنّ تردن اللّه و رسوله . .. فإنّ اللّه أعدّ للمحسنت منکنّ أجرًاعظیمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۲ - ۱۰

۱۰ - انسان در برابر رفتار و آثار برجای مانده از خود ، مسؤول بوده و با کیفر و پاداش دقیق آن ، رو به رو خواهد شد .

و نکتب ما قدّموا . .. أحصینه فی إمام مبین

برداشت یاد شده به سبب این حقیقت است که ذکر إحیای مردگان و شمارش و ثبت تمامی اعمال و آثار انسان، از مسؤولیت او در برابر رفتار و کردارش حکایت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۰ - ۴

۴ - تمامی رفتار و کردار انسان ، دارای کیفر و پاداش بوده و او در برابر آن مسؤول است .

و وفّیت کلّ نفس ما عملت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۴ - ۹

۹ - بهشت ، اجری نیکو

و پسندیده برای اهل عمل و تلاش

نتبوّأ من الجنّه حیث نشاء فنعم أجر العملین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۳ - ۱۵

۱۵ - تمامی اعمال نیک آدمی حتی کوچک ترین آنها ، برخوردار از پاداش افزون الهی

و من یقترف حسنه نزد له فیها حسنًا

تنکیر <حسنه> برای تنویع است و شامل تمامی اعمال مؤمنان از کوچک ترین تا بزرگ ترین آنها می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۳۱ - ۱۰

۱۰ - < عن زیدبن وهب إنّ علیّاً (ع) قال : . . .و لکنّه جعل الدنیا دار الأعمال و جعل الأخره دار الجزاء و القرار < لیجزی الذین أساؤا بما عملوا و یجزی الذین أحسنوا بالحسنی > . . . ;

زیدبنوهب گوید: امام علی(ع) فرمود: . ..خداوند دنیا را خانه عمل و آخرت را منزل جزا و آرامش قرار داده است تا بدکاران را به کیفر بدی هایشان برساند و نیکوکاران را پاداش نیک دهد>... .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۶ - ۹

۹ - اعتقاد شیطان به جزا و کیفر خلق ، در برابر اعتقاد و عمل *

کمثل الشیطن إذ قال . .. إنّی أخاف اللّه ربّ العلمین

در صورتی که <إنّی أخاف . ..> سخنی از روی واقعیت باشد و نه توجیه و استهزا تعبیر <أخاف ...> نشانگر بیم شیطان از بازتاب کفر و اعتقاد او به کیفر و مجازات است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ -

حاقه - ۶۹ - ۲۴ - ۴

۴ - خوردنی ها و نوشیدنی های گوارای بهشت ، پاداش اعمال گذشته اهل بهشت است .

بما أسلفتم فی الأیّام الخالیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۶ - ۶

۶ - پاداش اعمال بندگان ، بر خداوند الزامی نیست .

جزاء . .. عطاء

توصیف نعمت های اخروی به دو وصف <جزاء> که در مقابل عمل است و <عطاء> که بدون توجّه به عمل داده می شود حاکی از آن است که خداوند آنچه را در آخرت، برابر اعمال انسان به او می دهد، از روی تفضّل و احسان است; نه این که انسان استحقاق آن را داشته باشد.

پاداش عمل اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۹ - ۴

۴ قیامت ، عرصه بهره برداری آدمی ، از نتایج گفتار و کردار خویش

قال اللّه هذا یوم ینفع الصدقین صدقهم

پاداش عمل به تکلیف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۷ - ۲

۲ پاداش بزرگ الهی ، پیامد تسلیم همه جانبه در برابر احکام خداوند و عمل به مواعظ او

و یسلموا تسلیما . .. و لو انّهم فعلوا ما یوعظون به ... و اذاً لَأتیناهم من لدنّا

پاداش عمل به تورات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۰ - ۲

۲ خداوند پاداش یهودیان تمسک کننده به تورات و برپا دارنده نماز را تباه نخواهد کرد .

و الذین یمسکون بالکتب . .. إنا

لانضیع أجر المصلحین

چون آیه مورد بحث در سیاق آیات مربوط به یهود واقع شده، می توان گفت مراد از <الذین . .. > یهودیان متعهد هستند، و یا اینکه آنان از مصادیق مورد نظر برای <الذین ... > می باشند.

پاداش عمل به توصیه های خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۱ - ۴،۵

۴ - پاداش مؤمنان عمل کننده به توصیه الهی (توصیه به جا باز کردن برای دیگران در مجالس) ، حل مشکلات و گشایش در امور زندگی آنان از سوی خداوند است .

فافسحوا یفسح اللّه لکم

در صورتی که مراد از <یفسح اللّه>، پاداش دنیوی باشد برداشت بالا استفاده می شود.

۵ - خداوند ، در قبال عمل کردن مؤمنان به توصیه او (جا باز کردن برای دیگران در مجالس) جایگاه اخروی آنان را وسیع خواهد کرد .

فافسحوا یفسح اللّه لکم

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <یفسح اللّه لکم> ناظر به پاداش اخروی باشد.

پاداش عمل به کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۰ - ۳

۳ چنگ زدن به کتاب های آسمانی و برپا داشتن نماز ، دارای پاداشی تضمین شده از جانب خداوند

و الذین یمسکون بالکتب . .. إنا لانضیع أجر المصلحین

پاداش عمل پسندیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۸ - ۱۱

۱۱ - قيامت زمان برداشت و پاداش اعمال نيك است .

فاستبقوا الخيرت أين ما تكونوا يأت بكم اللّه جميعاً

جمله <أين ما تكونوا . ..> تعليل جمله قبل است;

یعنی، چون قیامتی بر شما هست باید در دنیا به انجام کارهای نیک بپردازید. این تعلیل بیانگر آن است که: سعادت انسان در آخرت، به اعمال نیک او در دنیا بستگی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۸ - ۸،۹

۸ - کسانی که اعمال نیک (سعی میان صفا و مروه) انجام دهند ، از پاداش های الهی برخوردار خواهند شد .

و من تطوع خیراً فإن اللّه شاکر علیم

سپاسگزاری خداوند از بندگان، کنایه از پاداش دهی به آنان می باشد.

۹ - علم و آگاهی خداوند به اعمال خیر بندگان ، ضامن ضایع نشدن پاداش آنهاست .

و من تطوع خیراً فإن اللّه شاکر علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۱ - ۵

۵ خداوند ، کفر و ایمان و اعمال نیک و بد انسان ها را به صورت پاداش و کیفر متبلور خواهد ساخت .

و إنّ کلاًّ لما لیوفینّهم ربک أعملهم

گفتن <اعمال> و اراده کردن پاداش و کیفر آنها ، گویای این نکته است که: پاداش و کیفر ، بازتاب اعمال و تبلور یافته آن است; به گونه ای که گویا پاداش و کیفر اعمال ، همان اعمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۷ - ۸

۸- نوید اعطای پاداش برای عمل پسندیده و تهدید به کیفر برای اعمال ناپسند ، از شیوه های تربیتی قرآن

لئن شکرتم لأزیدنّکم و لئن کفرتم إن عذابی لشدید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۶

۴- هر عمل نیک ، دارای مراتب مختلف در نیکی و پاداش های گوناگون و متناسب است .

و لنجزینّ الذین صبروا أجرهم بأحسن ما کانوا یعملون

اینکه خداونـد اعمـال صـابران را به بهترین نوع عمل پاداش می دهـد، نشانگر آن است که هر عمل نیک دارای انواع و مراتب مختلفی است که خداوند در مقام جزا، بهترین نوع آنها را ملاک قرار داده و به صابران عطا می فرماید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۴ - ۱۷

۱۷ - تشویق انسان ها ، به انجام کار های شایسته و نوید پاداش به آنان از سوی خداوند

و اللّه بما تعملون بصیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۴ - ۴

۴ - احسان و رفتار خوب انسان ، دارای جزا و پاداش در پیشگاه خداوند

إنّا کذلک نجزی المحسنین

پاداش عمل خیر وارث

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۲۰ - ۳۴

۳۴ - انجام هر کار خیری در حیات خویش ، دارای برتری و پاداشی افزون تر از انجام آن پس از مرگ به وسیله وارثان و یا از طریق وصیت است .

و ما تقدّموا لأنفسکم من خیر تجدوه عند اللّه هو خیرًا و أعظم أجرًا

برخی از مفسـران بر آنند که به قرینه <ما تقدّموا. ..>، جمله ای مانند <من الذی تأخّرونه إلی الوصیه عند الموت> در تقدیر است.

پاداش عمل زنان مؤمن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۷۱ – ۲۲

۲۲ ارزش و پاداش

اعمال زنان و مردان مؤمن در پیشگاه خداوند ، همسان است .

و المؤمنون و المؤمنت . .. أولئک سیرحمهم اللّه

پاداش عمل صالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۷ - ۶

۶ وعده پاداش به اهل ایمان دارای عمل صالح از روش های قرآن برای ایجاد انگیزه به ایمان و عمل صالح

لهم اجرهم عند ربّهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۷ - ۱،۵

۱ مؤمنانِ دارای اعمال صالح ، بهره مند از پاداش کامل خداوند

و اما الذین امنوا و عملوا الصالحات فیوفیهم اجورهم

۵ مؤمنانِ دارای اعمال صالح از پیروان عیسی (ع) ، مشمول پاداش کامل الهی هستند .

جاعل الذین اتبعوک . .. و اما الذین امنوا و عملوا الصالحات فیوفّیهم اجورهم

مصداق مورد نظر از جمله <فاما الذین امنوا>، به قرینه آیات قبل، مؤمنان به حضرت مسیح (ع) هستند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۵ - ۱۱

۱۱ بهشت ، پاداش کامل برای اعمال نیک انسانها

و انّما توفّون اجورکم یوم القیمه فمن زحزح عن النّار و ادخل الجنّه فقد فاز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۰ - ۶،۷،۸،۹

۶ خداوند ، اعمال نیک را هر چند اندک باشد به چندین برابر پاداش می دهد .

و ان تک حسنه یضاعفها

ضمیر <هی> در <تَکُ> به <مثقال> برمی گردد و چون خبر <تک>، یعنی <حسنهً>، مؤنث است، فعل آن به صورت مؤنّث آورده شده است.

۷

نادیده گرفتن اعمال نیک دیگران هر چند اندک باشد سزاوار نیست .

و ان تک حسنه یضاعفها

۸ خداوند با لطف و تفضل خویش ، هر عمل نیکی را پاداشی عظیم عطا خواهد کرد .

و ان تک حسنه یضاعفها و یؤت من لدنه اجراً عظیماً

لطف و تفضل از کلمه <من لدنه> استفاده شده است.

۹ اعمال نیک آدمی در پی دارنده پاداشی الهی در دنیا و آخرت *

و ان تک حسنه یضاعفها و یؤت من لدنه اجراً عظیماً

بدان احتمال که مراد از <یضاعفها> پاداش دنیوی و <یؤت من لدنه . .. > ناظر به پاداش اخروی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۷ - ۱

۱ بهشت ، پاداش مؤمنان دارای عمل صالح

و الّذین امنوا و عملوا الصّالحات سندخلهم جنّات تجری من تحتها الانهار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۰۰ - ۱۴

۱۴ اقدام به عمل نیک ، هر چند به انجام نرسد ، موجب برخورداری از پاداش های الهی است . *

و من یخرج من بیته مهاجراً الی اللّه و رسوله ثم یدرکه الموت فقد وقع اجره علی اللّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۲ - ۱،۵

۱ بهشت ، پاداش مؤمنان دارای اعمالِ صالح

و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت سندخلهم جنت

۵ مؤمنان دارای اعمال صالح ، در بهشت ، جاودان و پاینده اند .

و الذین ءامنوا . .. سندخلهم جنت تجری من تحتها الأنهر خلدین فیها ابداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه

– فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۲۴ – ۲،۳

۲ راهیابی مؤمنان به بهشت ، منوط به انجام بخشی از اعمال صالح ; و نه مشروط به انجام تمامی کار های نیک

و من یعمل من الصلحت . .. و هو مؤمن

بنابر اینکه <من> برای تبعیض باشد.

۳ زنان و مردان ، همسان در بهره مندی از پاداش ایمان و عمل صالح خویش

و من یعمل من الصلحت من ذکر او انثی و هو مؤمن فأولئک یدخلون الجنه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۶۲ – ۱۵

۱۵ بهره مندی عالمان از پاداش های بزرگ الهی در گرو ایمان و انجام اعمال صالح

لکن الرسخون . .. و المؤمنون باللّه و الیوم الاخر أولئک سنؤتیهم أجراً عظیماً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۷۳ – ۳

۳ ایمان و عمل صالح ، موجب استحقاق پاداش اخروی

فاما الذین ءامنوا و عملوا الصلحت فیوفیهم أجورهم و یزیدهم من فضله

واژه اجر (مزد و پاداش) دلالت می کند که مؤمنان نسبت به پاداش استحقاق دارند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۲۵ – ۳

۳ – بهشت و نعمت های آن ، پاداش کسانی است که به قرآن و پیامبر (ص) ایمان آورده و اعمال صالح انجام دهند .

و بشر الذین ءامنوا . .. أن لهم جنت تجری من تحت الأنهر

متعلق <آمنوا> به دلیل آیات قبل، قرآن و پیامبر(ص) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۰ -

۱۲ - پاداش کار های نیک ، تضمین شده از سوی خداوند ، بدون کمترین کاستی

و ما تقدموا لأنفسکم من خیر تجدوه عنداللّه

در برداشت فوق <تجدوه> - چنانچه بسیاری از مفسران گفته اند - به یافتن پاداش عمل تفسیر شده است. تعبیر کردن از <یافتن پاداش عمل> به <یافتن خود عمل> حاوی این نکته است که: پاداش اعمال نیک بدون کمترین کاستی، به انسانها اعطا می شود; به گونه ای که گویا همان عمل را می یابند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۱ - ۳،۵

۳ - پاداش اخروی اعمال نیک ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق و یعقوب (ع) اختصاص به خود ایشان دارد و دیگران از آن بهره ای نخواهند برد .

تلک أمه قد خلت لها ما کسبت

تقدیم <لها> بر <کسبت> گویای حصر است. بنابراین <لها ما کسبت>; یعنی، دستاورد آنان تنها از آنِ ایشان و به سود خودشان است.

۵ - هر فرد و امتی از پاداش اعمال نیک خویش بهره مند خواهد شد .

لها ما کسبت و لکم ما کسبتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۵ - ۱۵

۱۵ تضمین پاداشِ اعمال نیک انسان از سوی خداوند

و ما تفعلوا من خیر فانّ اللّه به علیم

علم خداوند به اعمال خیر (فانّ اللّه به علیم)، کنایه از پاداش الهی به نیکوکاران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۵ - ۸

۸ تقواپیشگان بهره مند از پاداش الهی ، در برابر اعمال نیکی که انجام می دهند

.

و ما یفعلوا من خیر فلن یکفروه و اللّه علیم بالمتّقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۶۰ - ۱

۱ هر کار نیک دارای پاداش ده چندان است.

من جاء بالحسنه فله عشر أمثالها

<فلا یجزی . .. > دلیل بر این است که مراد از <عشر أمثالها> پاداش کار نیک است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۳ - ۱۸

۱۸ برخورداری مؤمنان از نعمت های الهی در بهشت ، نتیجه کردار نیک و مستمر آنان است .

و نودوا أن . .. بما کنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۷۰ - ۷

۷ انجام دهندگان اعمال صالح از پاداش های الهی بهره مند خواهند شد .

إنا لانضیع أجر المصلحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۰ - ۱۰،۱۳،۲۴

۱۰ تحمل هر سختی (تشنگی ، رنج ، گرسنگی و تعرض و ضربه زدن به دشمن) در راه خدا ، عمل صالح و دارای اجر است .

ذلک بأنهم لا یصیبهم . .. فی سبیل اللّه ... إلا کتب لهم به عمل صلح

۱۳ گام نهادن مؤمنان در هر میدان و زمینه ای که خشم کافران را به دنبال داشته باشد ، عمل صالح و دارای اجر است .

و لا يطئون موطئاً يغيظ الكفار . .. إلا كتب لهم به عمل صلح

۲۴ کسب پیروزی در راه خدا ، همانند تحمل مشکلات ، عمل صالح و دارای اجر است .

ذلک بأنهم لا

يصيبهم . .. و لا ينالون من عدو نيلا إلا كتب لهم به عمل صلح إن اللّه

برداشت فوق بر اين اساس است كه مراد از جمله <لا ينالون من عدو نيلا> مى تواند دستيابى به پيروزى بر دشمن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۴۶ - ۶۸

۶- پاداش عمل صالح ، از طرف خداوند ، تضمين شده است .

و البقيت الصلحت خير عند ربّك

۸- پاداش خداوند به كردار نيك ، جلوه اى از ربوبيّت او است .

و البقيت الصلحت خير عند ربّك ثوابًا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - مريم - ۱۹ - ۶۰ - ۹

۹- توبه كنندگانى كه ايمان آورده و عمل صالح انجام دهند ، در قيامت پاداشى بدون كمترين نقص دريافت خواهند كرد .

من تاب و ءامن و عمل صلحًا فأُولئك يدخلون الجنّه و لايظلمون شيًا

<ظلم> ; يعنى، مقرر ساختن چيزى در غير جايگاه و درجه مخصوص آن; چه به گونه اى كمتر و چه به شكلى برتر (مفردات راغب). <لايظلمون>نيز به معناى <لاينقصون> مى باشد و مراد اين است كه: از اجر و مزد عمل آنان به واسطه گذشته بد آنها، چيزى كاسته نشده و به آنان ظلمى روا نمى شود.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - مريم - ۱۹ - ۷۶ - ۱۱

۱۱- ربوبيت خداوند ، مقتضى اعطاى پاداش به اعمال صالح

والبقيت الصلحت خير عند ربّك ثوابًا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۲ - ۶

۶ - ایمان ، شرط ثمربخشی اعمال صالح و بهره

بردن از جزای کامل آن در قیامت

و من یعمل . .. و هو مؤمن فلایخاف ظلمًا و لاهضمًا

نفی نقصان از پاداش عمل مؤمن در آخرت، اشاره به آن دارد که در صورت نبود ایمان، عمل صالـح انجام شده، دچار کاستی و اضمحلال خواهد شد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۳۸ – ۱

۱ – اعمال خوب مردمانی که همواره به یاد خدا هستند ، در پی دارنده پاداشی از نوع پاداش بهترین عمل ها از سوی خداوند

رجال . .. لیجزیهم اللّه أحسن ما عملوا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۸۹ – ۲

۲ – نگه داشتن اعمال نیک تا صحنه قیامت و از دست ندادن آنها در نتیجه گناه ، شرط بهرهوری انسان از ثمرات آن

من جاء بالحسنه فله خیر منها

واژه <جاء> می تواند اشاره به این داشته باشد که اعمال نیک، در صورتی ثمربخش است که انسان بتواند تا پایان عمر آن را حفظ کرده و با گناهان خود موجبات حبط آن را فراهم نکرد باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۵۸ – ۹

۹ – پاداش انجام دهندگان عمل صالح ، بس ستایش برانگیز و نیکو است .

نعم أجر العملین

<ال> در <العاملین> می تواند عهد بوده و اشاره به <الذین آمنوا و عملوا الصالحات> داشته باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۴۵ – ۲،۳

۲ - اعمالِ صالحِ مؤمنان فراهم آورنده زمینه ، برای دریافت پاداش از خداوند ، در قیامت

است .

فلأنفسهم يمهدون . ليجزى الذين ءامنوا و عملوا الصلحت

<لام> در <ليجزى> تعليل براى <يمهدون> است.

۳ - همراهى ايمان و عمل صالح ، شرط برخوردارى از پاداش و فضل الهى ، در آخرت است .

ليجزى الذين ءامنوا و عملوا الصلحت من فضله

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۹ - ۲

۲ - توأم بودن ايمان با اعمال صالح ، داراى ارزش و پاداش است .

ءامنوا و عملوا الصلحت فلهم جنّت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۱ - ۴،۷

۴ - موقعيت افراد در برخوردارى شان از پاداش مضاعف خداوند در مقابل عمل صالح شان نقش دارد .

و من يقنت منكنّ للّه و رسوله و تعمل صلحًا نؤتها أجرها مرّتين

۷ - اعطاى پاداش مضاعف به همسران پيامبر در قبال عمل صالح شان ، نمودى از رحمت خداوند است .

و من يقنت منكنّ . .. نؤتها ... و أعتدنا لها رزقًا كريمًا

اين كه خداوند، به هنگام هشدار به همسران پيامبر در آيه پيش، براى عذاب، عذاب كننده اى را نياورده و تنها فرمود: <بر خداوند، چنين امرى آسان است> و در اين آيه، با فعل هاى <نؤتها> و <أعتدنا> دخالت مستقيم خود را بيان كرده، مى توان نكته بالا-را به دست آورد لازم به ذكر است كه التفات از غيبت (يضاعف لها العذاب و كان ذلك على اللّه يسيراً) به خطاب (<نؤتها> و <أعتدنا>) مى تواند مؤيد نكته ياد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۱ - ۹

۹ – بشارت

خداوند به داوود (ع) و قومش ، مبنی بر اعطای پاداش عمل صالح به آنان

اعملوا صلحًا إنّی بما تعملون بصیر

یادآوری آگاه بودن خدا از عمل داوود(ع) و قومش، پس از سفارش آنان به انجام عمل صالح، می تواند به منظور این حقیقت باشد که عمل صالح آنان نادیده گرفته نشده و پاداش خواهد داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۰ - ۳

۳ - عبادت و انجام اعمال صالح به منظور دریافت اجر و پاداش از خداوند ، صحیح و مقبول درگاه الهی بوده و با الهی بودن آنها منافات ندارد .

یتلون کتب اللّه و أقاموا الصلوه و أنفقوا . .. لیوفّیهم أجورهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۲ - ۱

۱ - بهشت با نعمت های فراوان و پایان ناپذیر آن ، پاداش عملکرد پرهیزگاران

و تلک الجنّه الّتی أُورثتموها بما کنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۴ - ۴

۴- بهشت جاودان ، پاداش اعمال نیک و مستمر موحدان

أُولئک أصحب الجنّه . .. جزاء بما کانوا یعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۲۸ - ۹

۹- ثمربخشی اعمال نیک ، منوط به حفظ آن تا پایان عمر و نابود نکردن آن باگناه و نفاق

ذلک بأنّهم اتّبعوا ما أسخط اللّه و کرهوا رضونه فأحبط أعملهم

<فأحبط أعمالهم>، در حقیقت پاسخ به این سؤال مقدر است که: مرتدان و اهل نفاق، گرچه سرانجام به انحراف گراییدند; اما در آغاز، اعمال نیک نیز

داشته انـد و با وجود آن اعمال، چرا عـذاب شوند؟ آیه شـریفه پاسخ می دهد که نفس انجام نیکی ها، کافی نیست؛ بلکه باید آن را از حبط و سقوط مصون داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۹ - ۵

۵ - بهرهوری متقین از نعمت های گوارای بهشت ، پاداش عملکرد نیک و مداوم خود آنان

کلوا و اشربوا هنیًا بما کنتم تعملون

تعبیر <کنتم تعلون>، ماضی استمراری و دلالت بر مداومت پارسایان بر اعمال نیک دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲۴ - ۲

۲ - برخورداری پیشـتازان (سـابقون) ، از مقام قرب الهی در جهان آخرت و دستیابی آنان به بهشت سـرشار از نعمت ، پاداش الهی به آنان در قبال اعمال صالح شان

و السبقون السبقون . أُولئک المقرّبون . فی جنّت النعیم ... جزاء بما کانوا یعم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۵ - ۶

۶ - خداوند ، برای مؤمنانی که عمل صالح دارند ، پاداش بزرگی قرار داده است .

لهم أجر

نکره آوردن <أجر>، بیانگر عظمت آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۸ - ۱۳

۱۳ - رضایت خداوند ، از مؤمنانِ صالح و رضایت آنان از او ، پاداش ایمان و عمل نیک ایشان است .

جزاؤهم . .. رضی اللّه عنهم و رضوا عنه

پاداش عمل مؤمنان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۷ – ۶

۶ – خداوند

، در قبال هر یک از اعمال مؤمنان ، بهترین پاداش را می دهد .

و الذین ءامنوا . .. و لنجزینّهم أحسن الذی کانوایعملون

<أحسن> جانشین <مفعول مطلق محذوف> است. تقدیر آیه، چنین است: <و لنجزینّهم جزاءاً أحسن الذی...> (ما، پاداش آنان را، بهترین جزایشان، قرار خواهیم داد).

پاداش غیر مسلمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۲ - ۱

۱ - مسلمانان ، یهودیان ، نصرانی ها و صابئان ، در صورت داشتن ایمان راستین به خدا و باور به قیامت و انجام عمل صالح ، از پاداشی گران قدر برخوردار خواهند شد .

إن الذین ءامنوا . .. فلهم أجرهم عند ربهم

مراد از <الذین ءامنوا> مسلمانان هستند. درباره آیین صابئی نظرات مختلفی ایراد شده است. علامه طباطبایی پس از بیان اقوال گوناگون، تأیید می کنند که آیین صابئی، آیینی ممزوج از دین یهود، مجوس و حرانیّه بوده است.

پاداش قرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۵ - ۵

۵ قرض دهندگان به خداوند با جان و مال ، از پاداش مُضاعف الهی بهره مندند .

من ذا الذی یقرض اللّه . .. فیضاعفه له اضعافاً کثیرهً

پاداش قرض به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۱ - ۵،۷

۵ - خداوند ، در قبال وامی که مؤمنان به او می دهند (انفاق در راه او) ، دو پاداش می دهد : پاداشی در دنیا و پاداشی در

آخرت .

من ذا الذى يقرض اللّه . .. فيضعفه له و له أجر

کریم

برداشت یاد شده بدان احتمال است که جمله <فیضاعفه له>، ناظر به پاداش دنیوی و جمله <و له أجر کریم> ناظر به پاداش اخروی باشد.

۷ - خداونـد ، در دنیـا حـداقل دو برابر مقـدار وامی را که مؤمنان به او می دهنـد (در راه او انفاق می کننـد) ، به آنان بازمی گرداند .

من ذا الذی یقرض اللّه . .. فیضعفه له

<مضاعفه> (مصدر <یضاعف>) به دو چندان کردن و بالاتر از آن گفته می شود (مفردات راغب).

پاداش کامل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۰ - ۱۶

۱۶ - صابران ، برخوردار از اجر و پاداش کامل و بی شمار

إنّما یوفّی الصبرون أجرهم بغیر حساب

<توفیه> (مصدر <یوفّی>) به معنای پرداخت کامل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۴ - ۱۹

۱۹ - پاداش کامل اعمال مؤمنان ، جلوه رحمت خاص الهی به اهل ایمان

لایلتکم من أعملکم شیئًا إنّ اللّه . .. رحیم

پاداش کامل صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۵ - ۷

۷ - پاداش مؤمنانی که عمل صالح دارند ، هرگز کاسته یا قطع نخواهد شد .

لهم أجر غير ممنون

از معانی <منّ> قطع است و معنای <نقص> نیز برای آن گفته شده است. (لسان العرب)

پاداش کامل مجاهدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۵ - ۹،۱۰

۹- نظارت دقیق خداوند بر تلاش مجاهدان ، تضمین کننده پاداش کامل آنان

و اللّه معکم و لن یترکم أعملکم

از ارتباط <واللّه

معکم> بـا <لن یترکم> استفاده می شود: چون خداونـد همه جـا بـا شـما است و تلاش مجـدانه شـما را می بینـد، هرگز در پاداشتان کاستی رخ نخواهد داد.

۱۰- اعطای پاداش کامل به مؤمنان جهادگر ، نمودی از امداد و عدل الهی درباره ایشان

و لن یترکم أعملکم

پاداش کامل محسنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۰ - ۱۴

۱۴ خداوند ، پاداش نیکوکاران را به طور کامل عطا می کند و چیزی از آن نمی کاهد .

فإن الله لایضیع أجر المحسنین

پاداش کامل مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۵ - ۷

۷ - پاداش مؤمنانی که عمل صالح دارند ، هرگز کاسته یا قطع نخواهد شد .

لهم أجر غیر ممنون

از معانی <منّ> قطع است و معنای <نقص> نیز برای آن گفته شده است. (لسان العرب)

پاداش کریمانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۴۴ - ۵،۶

۵ - خداوند ، برای مؤمنان ، پیشاپیش ، پاداشی بزرگوارانه تدارک دیده است .

و أعدّ لهم أجرًا کریمًا

۶ – تدارک پاداش کریمانه برای مؤمنان از سوی خداوند ، ناشی از رحمت او به آنها است .

و کان بالمؤمنین رحیمًا . .. و أعدّ لهم أجرًا کریمًا

پاداش گناهکاران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۰۶ – ۳

۳ تعلق مشیت خداوند به کیفر و یا بخشودن خطاکاران ، بر اساس علم و حکمت گسترده او و دارای فلسفه ای عالمانه و حکیمانه است .

إما یعذبهم و إما

يتوب عليهم و اللّه عليم حكيم

پاداش مبارزه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - نساء - ۴ - ۷۴ - ۸

۸ دستيابى به مواهب آخرت ، پيامد جهاد و مبارزه در راه خدا

فليقاتل فى سبيل اللّه الّذين يشرون الحيوه الدّنيا بالاخره

پاداش مبلغان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۹ - ۷

۷ مبلغان معارف دين ، مستحق پاداشند و پاداش دهنده ايشان ، خداوند است .

إن أجرى إلّا على الله

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۹ - ۳

۳ - خداوند ، ضامن پاداش تبليغ كنندگان مخلص دين

إن أجرى إلّا على ربّ العلمين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۷ - ۳

۳ - خدا ، ضامن پاداش هدايت گران و مبلغان مخلص دين

و ما أسئلكم . .. إن أجرى إلّا على ربّ العلمين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۴۵ – ۳

۳ – خدا ، ضامن پاداش هدایتگران و مبلغان مخلص دین

إن أجری إلاّ علی ربّ العلمین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۶۴ – ۳

۳ – خداوند ، ضامن پاداش هدایت گران و مبلغان مخلص دین

إن أجری إلاّ علی ربّ العلمین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۸۰ – ۳

۳ – خدا ، ضامن پاداش هدایت گران و مبلغان مخلص دین است .

إن أجری إلاّ علی ربّ العلمین

جلد – نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸۰ - ۴

۴ - رسالت مداران و مبلغان دینی ، از زمره محسنان و برخورداران از پاداش های الهی

و لقد نادینا نوح فلنعم المجیبون . .. إنّا كذلك نجزی المحسنین

از این که خداوند نوح(ع) را از محسنان برشمرده و برای او پاداش مقرر فرموده است، می توان استفاده کرد که هر کس همچون آن حضرت در پی رسالت الهی باشد و به تبلیغ دین بپردازد; از محسنان شمرده شده و از پاداش های الهی بهره مند خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۰ - ۴

۴ - رسالت مداران و مبلغان دینی ، از زمره محسنان و برخورداران از پاداش های الهی

سلم علی إبرهیم . كذلك نجزی المحسنین

از این که خداوند، ابراهیم(ع) را از محسنان برشمرده و برای آن حضرت پاداش مقرر فرموده است، می توان استفاده کرد که هر کس چونان ابراهیم(ع) در پی رسالت الهی باشد و به تبلیغ دین بپردازد، از محسنان شمرده شده و از پاداش های الهی بهره مند خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۲۱ - ۴

۴ - رسالت مداران و مبلغان دینی ، از زمره محسنان و برخورداران از پاداش های الهی

و لقد مننّا علی موسی و هرون . .. إنّا كذلك نجزی المحسنین

از این که خداوند موسی و هارون(علیهماالسلام) را از محسنان بر شمرده و برای آنان پاداش مقرر فرموده است، می توان استفاده کرد که هر کس چونان موسی و هارون(علیهماالسلام) در پی رسالت الهی باشد

و تبلیغ دین بپردازد، از محسنان شمرده شده و از پاداش های الهی بهره مند خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۳۱ - ۴

۴ - رسالت مداران و مبلغان دینی ، از زمره محسنان و برخورداران از پاداش های الهی اند .

سلم علی إل یاسین . إنّا کذلک نجزی المحسنین

از این که خداوند، الیاس پیامبر را از محسـنان برشـمرده و برای او پاداش مقرر فرموده است، می توان استفاده کرد که هر کس مانند الیاس(ع) در پی رسالت الهی باشد و به تبلیغ دین بپردازد، از محسـنان شمرده شده و از پاداش های الهی بهره مند خواهد شد.

پاداش متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۵ - ۱۹،۱۱،۶،۵،۴

۴ بهشت جاودان و همسران پاکیزه و رضایت الهی ، پاداش تضمین شده از جانب خداوند ، برای تقواپیشگان

للّذین اتقوا . .. جنات ... خالدین فیها و ازواج مطهره و رضوان من اللّه

۵ پاداش متّقین ، در پرتو ربوبیّت حق

للّذین اتقوا عند ربّهم

۶ نعمت های ویژه اخروی ، مخصوص متّقین است .

الّذین اتقوا عند ربّهم . .. و رضوان من اللّه

اختصاص به متّقین، مستفاد از تقدیم خبر بر مبتدأ; و ویژگی نعمتها از <عند ربّهم> استفاده شده است.

۱۱ وجود باغ های متعدّد در آخرت ، برای متّقین

للّذین اتّقوا عند ربّهم جنّات تجری من تحتها الانهار

۱۹ بصیرت خداوند به بندگان ، تضمین کننده پاداش متّقین و کیفر کافران

قل للّذین کفروا . .. للّذین اتقوا عند ربّهم ... و اللّه بصیر بالعباد

اگر آگاهی همه جانبه

خداونـد نباشـد، کیفرها و پاداشـها، تضـمین نمی شود. از این رو خداونـد پس از بیان کیفر و پاداش، آگاهی خود را به احوال بندگان، متذکّر می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۱۵ – ۸

۸ تقواپیشگان بهره مند از پاداش الهی ، در برابر اعمال نیکی که انجام می دهند .

و ما یفعلوا من خیر فلن یکفروه و اللّه علیم بالمتّقین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۳۶ – ۹

۹ آمرزش الهی و بهشت جاودان ، پاداش احسان و نیکوکاری

و اللّه یحب المحسنین . .. اولئک جزآؤهم مغفره من ربّهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۷۹ – ۲۴

۲۴ پاداش بزرگ از آن مؤمنان تقواپیشه

و ان تؤمنوا و تتّقوا فلکم اجر عظیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۳۱ – ۱۱

۱۱ سرای اخروی پرهیزکنندگان از گناهان کبیره ، جایگاهی گرانمایه و با شرافت

و ندخلکم مدخلا کریماً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۲۸ – ۱۸

۱۸ رعایت کنندگان تقوا و احسان در محیط خانواده ، از پاداش الهی برخوردار خواهند شد .

و إن تحسنوا و تتقوا فإنّ اللّه کان بما تعملون خبیراً

جمله <فان اللّه . ..> در مقام تشویق به احسان و تقواست. و چون علم خدا به احسان و تقوا، معمولا تأثیری برای انجام آن ندارد ; بنابراین باید کنایه از پاداش دهی الهی باشد.

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۹ - ۱۰،۱۱

۱۰ اعطای بصیرت ویژه به تقواپیشگان و بخشش گناه آنان ، تفضلی از جانب خداست ، نه پاداش استحقاقی آنان .

یجعل لکم فرقانا . .. و اللّه ذوالفضل العظیم

۱۱ خداوند ، مؤمنان تقواپیشه را علاوه بر اعطای بصیرت و بخشش گناهان ، از موهبت های دیگر نیز بهره مند خواهد کرد .

یجعل لکم فرقانا . .. و اللّه ذوالفضل العظیم

برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است که جمله <و اللّه . .. > مستانفه باشد نه بیانگر تعلیل.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۲ - ۱۶

۱۶- بهشت ، پاداش کردار و اعمال متقین

ادخلوا الجنّه بما کنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۳ - ۴

۴- بهشت ، پاداشی فراتر از اجر کردار متقیان ، است ; نه هم پایه آن .

نورث من عبادنا من کان تقیًّا

به مالی که بدون رنج و سختی به کسی برسد <ارث> اطلاق می گردد (مفردات راغب). این تعبیر برای بهشت در کنار تخصیص آن به <من کان تقیّاً> اشاره به این دارد که تا تقوا نباشد، ورود به بهشت ممکن نیست. از طرفی بهشت را سرمایه ای که بدون تلاش به دست آمده معرفی کرده است تا بفهماند که این پاداش، با آن کردار، قابل قیاس نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۵ - ۵

۵ بهشت جاودان ، پاداش و سر انجام تقواپیشگان

جنّه الخلد التی

وعد المتّقون كانت لهم جزاء و مصيرًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۲۰ – ۶

۶ – اعطای پاداش به تقواپیشگان ، جلوه ای از ربوبیت الهی

لکن الذین اتّقوا ربّهم لهم غرف من فوقها غرف

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۷۴ – ۱۲،۱۰

۱۰ – بهشت ، پاداشی نیکو و شایسته برای تقواپیشگان

و سیق الذین اتّقوا ربّهم إلی الجنّه زمرًا . .. فنعم أجر العملین

۱۲ – بهشت ، پاداش و بهای عمل و تلاش تقواپیشگان است که آن را به بهانه نمی دهند .

نتبوّأ من الجنّه حیث نشاء فنعم أجر العملین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۷۰ – ۴

۴ – همراهی اهل تقوا در بهشت با همسران دنیوی خویش ، پاداش الهی برای آنان

ادخلوا الجنّه أنتم و أزوجکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۷۲ – ۱

۱ – بهشت با نعمت های فراوان و پایان ناپذیر آن ، پاداش عملکرد پرهیزگاران

و تلک الجنّه الّتی أُورثتموها بما کنتم تعملون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱۵ - ۱

۱- بهشت و نعمت های آن ، پاداش موعود الهی برای تقواپیشگان

الجنّه الّتی وعد المتّقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۶ - ۱۰

۱۰- پاداش الهی به مؤمنان متقی ، به گونه ای رایگان و نه در قبال درخواست مال از ایشان

یؤتکم أجورکم و لایسئلکم أمولکم

<لایسئلکم أموالکم> در رابطه با

جمله <یؤتکم أجورکم> است و دفع دخل مقدّر می کند؛ یعنی، خداوند در قبال پاداش های خود، چیزی جز ایمان و تقوا از شما انتظار ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۱۹ - ۵

۵ - بهرهوری متقین از نعمت های گوارای بهشت ، پاداش عملکرد نیک و مداوم خود آنان

کلوا و اشربوا هنیًا بما کنتم تعملون

تعبیر <کنتم تعلون>، ماضی استمراری و دلالت بر مداومت پارسایان بر اعمال نیک دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۵۴ - ۳

۳ - باغ ها و نهر های بهشتی ، پاداش عملکرد خود متقین

و کلّ شیء فعلوه . .. إنّ المتّقین فی جنّت و نهر

از ارتباط این آیه با آیات پیشین که در زمینه نقش مؤثر عمل در پاداش و کیفر انسان بود، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۵ - ۸

۸ - کسانی که تقوا پیشه کنند ، از اجر بزرگ الهی بهره مند خواهند شد .

و من یتّق اللّه . .. یعظم له أجرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۶ - ۸

۸ - پاداش و عطا های خداوند به بهشتیان ، دارای نظم و حسابی خاص و مناسب با درجات تقوای آنان است .

إنّ للمتّقین . .. عطاء حسابًا

چنانچه <حساب> به معنای اسم مفعول (محاسبه شده) باشد، مراد از جزاء حساب شده، جزائی است که با میزان اعمال تقواپیشگان مناسب باشد.

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۲۰ – لیل – ۹۲ – ۶ – ۴

۴ – وجود زمینه بهره مندی از پاداش های نیکوی الهی ، برای سخاوتمندان و تقواپیشگان

من أعطی و اتّقی . و صدّق بالحسنی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – لیل – ۹۲ – ۲۱ – ۴

۴ – خداوند ، بر وعده خود درباره رساندن انفاق گرانِ باتقوا به فرجامی رضایت بخش ، سوگند یاد کرده است . *

و لسوف یرضی

<لام> در <لسوف>، لام قسم و یا لام ابتدا است; برداشت یاد شده، براساس احتمال اول است.

پاداش متوکلان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۵۹ – ۱

۱ – پاداش صبرپیشگان متوکل بر خدا ، بسی ستوده و نیکو است .

نعم أجر العملین . الذین صبروا و علی ربّهم یتوکّلون

<الذین> بدل برای <العاملین> است.

پاداش مجاهدان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۱۳ – ۳

۳ نبرد مجاهدان بدر در راه خدا و مورد ستایش او

فئه . .. تقاتل فی سبیل اللّه

از تأیید خداوند به اینکه جنگشان فی سبیل اللّه بوده، ستایش خداوند استفاده گردیده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۴۸ – ۵

۵ بخشایش گناهان و گذشت از اسراف ها و زیاده روی ها و ثبات قدم ، پاداش الهی به مجاهدان صابر و نیایشگر

ربّنا اغفر . .. فاتیهم اللّه ثواب الدّنیا و حسن ثواب الاخره

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۷۲ –

۱۴،۱۰،۹،۴

۴ پاداش بزرگ الهی برای اجابت کنندگان دعوت خدا و رسول (ص) به نبردی دیگر در عین تحمّل جراحات نبرد احد ، مشروط به احسان و تقوای آنان است .

الّذین استجابوا . .. للّذین احسنوا منهم و اتّقوا اجر عظیم

مفسران برآنند که نبرد پیشین که مسلمانان در آن جراحتها دیدند، همان نبرد احد است. به دلیل وقوع این آیه پس از بیان نبرد احد و اینکه سخن از قرح به میان آورده است ; چنانچه درباره نبرد احد نیز فرموده بود: <ان یمسسکم قرح>.

۹ تفاوت مؤمنان مجاهد ، از نظر عملکرد و پاداش

لا یضیع اجر المؤمنین. الّذین استجابوا للّه ... للّذین احسنوا منهم و اتّقوا اجر ع

اگر <الّذین> صفت برای <المؤمنین> باشد، مؤمنان به دو گروه تقسیم شده اند: آنان که دعوت پیامبر (ص) را برای جهاد پذیرفتند، ولی از تقوا و احسان لازم برخوردار نبودند; و آنان که دعوت را پذیرفتند و دارای احسان و تقوا نیز بوده اند. <اجر عظیم>، مخصوص گروه دوّم است و به دلیل <انّ اللّه لا یضیع اجر المؤمنین>، گروه اول نیز دارای پاداش هستند; امّا نه پاداش عظیم.

۱۰ تقوا و نیکوکاری ، مایه ازدیاد پاداش مجاهدان مؤمن

للّذین احسنوا منهم و اتّقوا اجر عظیم

۱۴ خوب عمل کردن در جنگ (احسان) و تخلف نکردن از مقررات جنگی (تقوا) ، شرط پاداش بزرگ خداوند برای مجاهدان

الّذین استجابوا للّه . .. للّذین احسنوا منهم و اتّقوا اجر عظیم

در برداشت فوق، متعلق <احسان>، جنگ گرفته شده است ; یعنی در جنگ خوب عمل کنند. همچنین متعلق <اتّقوا>، مقررات جنگی (مانند پیروی از فرماندهی)

گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۵ - ۲۱

۲۱ پاداش مهاجران ، آوارگان ، آزارديدگان در راه خدا ، مجاهدان و شهيدان ، تضمين شده از سوى خداوند

انّى لا اضيع عمل عامل منكم . .. فالّذين هاجروا و اخرجوا من ديارهم و اوذوا فى سبى

لام قسم و نون تأكيد در <لاكفّرنّ> و در <لادخلنّ> دلالت بر تأكيد و تضمين پاداش دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - نساء - ۴ - ۷۴ - ۱۰،۱۱

۱۰ مجاهدان در راه خدا ، بهره مند از پاداش بزرگ الهى ، چه كشته شوند و چه پيروز .

و من يقاتل فى سبيل اللّه فيقتل او يغلب فسوف نؤتيه اجراً عظيماً

۱۱ يكسانى پاداش رزمندگان شهيد و مجاهدان پيروز

فيقتل او يغلب فسوف نؤتيه اجراً عظيماً

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - نساء - ۴ - ۷۷ - ۳۴

۳۴ خداوند ، پاداش مجاهدان را به طور كامل و بدون هيچ كاستى عطا مى كند .

فلمّا كتب عليهم القتال . .. و لا تظلمون فتيلا

جمله <لاـ تظلمون فتيلاـ> به اين معناست كه در اعطاى پاداش به آنان، ظلمى نمى شود. يعنى پاداش خود را به طور كامل دريافت مى كنند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - نساء - ۴ - ۸۵ - ۲

۲ بهره مندی تشویق کنندگان به جهاد ، از نتایج اعمال مجاهدان

و حرّض المؤمنين . .. من يشفع شفاعه حسنه يكن له نصيب منها

به مقتضای ارتباط بین این آیه و آیه قبل، تشویق

مسلمانان به جهاد، می تواند مصداق مورد نظر از وساطت و شفاعت حسنه باشد. چون تحریض و تشویق برای جهاد در راه خدا، نوعی وساطت و سببیّت برای انجام آن است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۹۵ – ۹،۱۵

۹ نوید الهی به پاداش نیک برای مجاهدان و نیز مؤمنان بازنشسته از جنگ

فضّل اللّه . .. علی القاعدین درجه وكلاّ وعد الله الحسنی

۱۵ خداوند ، مجاهدان را با اعطای مقامی بلند و پاداش بزرگ ، بر بازنشستگان از جهاد برتری داده است .

فضّل اللّه المجاهدین باموالهم و انفسهم علی القاعدین درجه . .. و فضّل اللّه المجا

<اجراً عظیماً>، مفعولٌ به برای <فضّل> است و در <فضّل>، معنای عطا کردن تضمین شده ست.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۹۶ – ۲،۳

۲ درجه ها و منزلت های اعطایی خداوند ، اجر بزرگ مجاهدان در راه او

فضّل اللّه المجاهدین علی القاعدین اجراً عظیماً. درجات منه

۳ آمرزش و رحمت خاص خداوند نسبت به مجاهدان ، اجر بزرگ آنان

فضّل اللّه المجاهدین علی القاعدین اجراً عظیماً. درجات منه و مغفره و رحمه

<مغفره> و <رحمه>، عطف بیان برای <اجراً عظیماً> است. و نکره آوردن کلمه <مغفره> و <رحمه> دلالت بر مغفرت و رحمتی خاص دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۰۴ – ۱۰

۱۰ امید به پاداش و نصرت الهی ، پشتوانه و امتیازی برای مجاهدان ، در برابر دشمنان

و ترجون من اللّه ما لایرجون

- فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۷ - ۱۰

۱۰ دستیابی مجاهدان به مواهب اخروی و منافع معنوی ، هدفی اساسی در تشریع جهاد

و اللّه یرید الأخره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۲ - ۳،۴،۶

۳ نعمت های جاودان اخروی ، اجرت و مزدی است در برابر عملکرد مؤمنان مهاجر و مجاهد .

الذین ءامنوا و هاجروا و جهدوا . .. جنت لهم ... خلدین فیها أبداً إن اللّه عنده أج

<أجر> اجرت و مزد در برابر عمل است.

۴ پاداش خداوند به مؤمنان مهاجر و مجاهد ، پاداشی بزرگ است .

الذین ءامنوا و هاجروا و جهدوا . .. إن اللّه عنده أجر عظیم

۶ مؤمنان مهاجر و مجاهد ، علاوه بر بهره مندی از رحمت و رضوان الهی و بهشت ، از پاداشی ویژه و بزرگ در پیشگاه خداوند برخوردارند .

الذین ءامنوا و هاجروا و جهدوا . .. و جنت ... إن اللّه عنده أجر عظیم

قرار گرفتن جمله <إن اللّه عنده أجر عظیم> که دارای معنانی عام و کلی است پس از ذکر پاداشهای گوناگون مؤمنانِ مهاجر و مجاهد، می تواند گویای برداشت فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۱ - ۱،۱۸

۱ خداوند ، خریدار جان و مال مؤمنان به بهای بهشت

إن اللّه اشتری من المؤمنین أنفسهم و أمولهم بأن لهم الجنه

۱۸ پاداش بهشت برای مجاهدان و شهیدان ، وعده حتمی خداوند در تورات ، انجیل و قرآن

وعداً علیه حقاً فی التوریه و الإنجیل و القرءان

جلد – نام سوره – سوره –

آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۲۱ – ۷

۷ جلوه فضل الهی ، در پاداش به مؤمنان مجاهد و انفاقگر

لیجزیهم اللّه أحسن ما کانوا یعملون

<جزای أحسن> که به معنای پاداش دادن به بیش از حد استحقاق است بیانگر تجلی فضل خدا در پاداش دهی به مؤمنان است. قابل ذکر است در برداشت فوق مفروض این است که <أحسن> مفعول دوم برای <یجزی> باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۳۶ – ۲

۲– شرافت ایمانی و پاداش الهی به مجاهدان ، شایان دلبستگی و نه سرگرمی های بی فرجام دنیا

أنتم الأعلون و اللّه معکم و لن یترکم أعملکم . إنّما الحیوه الدنیالعب و لهو

از ارتباط این آیه با آیه قبل که درباره تشویق مؤمنان به جهاد و از یاد نبردن ارجمندی خویش و پاداش الهی بود مطلب بالا استفاده می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حدید – ۵۷ – ۱۰ – ۲۳

۲۳ – پاداش الهی به مجاهدان و انفاق گران در راه خدا ، بهترین و نیکوترین پاداش است .

و کلاًّ وعد اللّه الحسنی

<حسنی> (مؤنث <أحسن>)، به معنای نیکوتر است. گفتنی است که <الحسنی>، صفت برای موصوف محذوف است; یعنی، <و کلاًّ وعد اللّه المثوبه الحسنی>.

پاداش محبت اهل بیت(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – تکاثر – ۱۰۲ – ۸ – ۱۰

۱۰ - < قال الرضا (ع) و لقد حدثنى أبى عن أبيه أبى عبداللّه الصادق (ع) . . . قال : إنّ اللّه عزّوجلّ لايسئل

عباده عمّا تفضّل عليهم و لايمنّ بذلك عليهم و الإمتنان بالإنعام مستقبح من المخلوقين فكيف يضاف إلى الخالق عزّوجلّ ما لايرضى المخلوق به و لكنّ النعيم حبّنا أهل البيت و موالاتنا يسئل اللّه عباده عنه بعد التوحيد و النبّوه لأنّ العبد إذا وفى بذلك ادّاه إلى نعيم الجنّه الذى لايزول ;

امام رضا(ع) فرمود: پدرم از پدر خويش از امام صادق(ع) براى من روايت كرده است كه فرمود: خداى عزّوجلّ درباره آنچه به بندگانش تفضل كرده است، از آنها بازخواست نمى كند و با اين كار بر آنان منّت نمى گذارد. منّت نهادن به جهت نعمت بخشيدن، از جانب مخلوق ها كار زشتى است; پس چگونه به خالق عزّوجلّ چيزى نسبت داده مى شود كه مخلوق از نسبت دادن آن ناخشنود است؟! ولى نعيم [در آيه <ثمّ لتسئلنّ يومئذ عن النعيم>] محبت ما اهل بيت و [پذيرش]ولايت ما است كه خداوند همه بندگان را بعد از توحيد و نبّوت، از آن بازخواست خواهد كرد; زيرا بنده اگر به آن نعمت وفادار باشد، او را به نعمت هاى بهشت كه هرگز زايل نمى شود خواهد رساند>.

پاداش محبت به اهل بيت(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۷ - ۹

۹ - < عن أبى جعفر (ع) فى قوله < قل ما سألتكم من أجر فهو لكم > و ذلك أنّ رسول اللّه سأل قومه أن يؤدّوا أقاربه و لايؤذوهم و أمّا قوله < فهو لكم > يقول ثوابه لكم ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند <قل ما سألتكم من أجر فهو لكم> روايت شده كه: رسول

خدا(ص) از قومش خواست [به جای پاداش او]، خویشاوندان وی را دوست داشته باشند و آنان را اذیت نکنند و اما معنای <فهولکم> این است که ثواب آن برای خودتان می باشد>.

پاداش محسنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۸ - ۱۶

۱۶ - خداوند ، محسنان و پاکدامنان بنی اسرائیل را - در صورت رعایت آداب تعیین شده برای ورود به بیت المقدس - به پاداشی افزونتر از دیگران نوید داد .

قولوا حطه نغفر لکم خطیکم و سنزید المحسنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۶ - ۹

۹ آمرزش الهی و بهشت جاودان ، پاداش احسان و نیکوکاری

و اللّه یحب المحسنین . .. اولئک جزآؤهم مغفره من ربّهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۸ - ۱۳

۱۳ محبّت الهی به بندگان نیکوکار خویش ، پاداشی والا به ایشان

و اللّه یحبّ المحسنین

چون محبوبیّت مجاهدان در نزد خداوند، خارج از ثواب دنیا و آخرت نیست، تخصیص به ذکر آن، حاکی از ارزش برتر آن خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۸ - ۱۸

۱۸ رعایت کنندگان تقوا و احسان در محیط خانواده ، از پاداش الهی برخوردار خواهند شد .

و إن تحسنوا و تتقوا فإنّ اللّه كان بما تعملون خبيراً

جمله <فـان اللّه . ..> در مقـام تشويق به احسـان و تقواست. و چون علم خـدا به احسـان و تقوا، معمولا تأثيرى براى انجام آن ندارد ; بنابراين بايد

کنایه از پاداش دهی الهی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۵ - ۳،۹

۳ خداوند ، پاداش بخش مؤمنان و محسنان

فاثبهم اللّه بما قالوا . .. ذلک جزاء المحسنین

۹ بهشت جاودانه ، پاداش محسنان

جنت تجری من تحتها الانهر خلدین فیها و ذلک جزاء المحسنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۴ - ۱۲،۱۱،۱۰،۹

۹ خداوند به نیکوکاران با کثرت ذریه صالح و هدایت یافته پاداش می دهد.

و وهبنا له إسحق و یعقوب . .. و من ذریته داود و سلیمن ... و کذلک نجزی المحسنین

۱۰ کثرت پیامبران و هدایت یافتگان در ذریه ابراهیم(ع)، پاداش نیکوکار بودن آن حضرت است.

و من ذریته . .. و کذلک نجزی المحسنین

۱۱ کثرت انبیا(ع) از نسل نوح، پاداش نیل او به مقام نیکوکاران است.

و نوحا هدینا من قبل و من ذریته . .. و کذلک نجزی المحسنین

۱۲ هدایت ویژه، پاداش خداوند به نیکوکاران است.

کلا هدینا . .. و من ذریته ... و کذلک نجزی المحسنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۵ - ۷

۷ ذریه صالح پاداش خداوند به نیکوکاران است.

و کذلک نجزی المحسنین . .. کل من الصلحین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۶۱ – ۱۷

۱۷ اطاعت کنندگان از دستور های خدا در صورت نیکوکار بودن از پاداشی بیش از دیگر مطیعان بهره مند خواهند شد .

سنزید المحسنین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ –

یونس - ۱۰ - ۲۶ - ۹

۹ < عن ابی جعفر (ع) فی قوله < للذین احسنوا الحسنی و زیاده > فاما الحسنی ، الجنه و اما الزیاده فالدنیا ، ما اعطاهم اللّه فی الدنیا لم یحاسبهم به فی الأخره . . . ;

از امام باقر (ع) روایت شده که درباره سخن خدا که می فرماید: <برای کسانی که نیکی کرده اند، پاداشی نیکوتر و خیری زیاده بر آن هست> فرمود: اما پاداش نیکوتر، بهشت است و اما زیاده بر آن، عطای خدا در دنیاست. آنچه خدا در دنیا به آنان داده، در آخرت حساب آن را از ایشان نمی خواهد ... >.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۲ - ۹،۱۲

۹ بهره مندی یوسف (ع) از حکمت و علم ، پاداشی الهی بر نیکوکاری او بود .

ءاتینه حکمًا و علمًا و کذلک نجزی المحسنین

<جزاء>(مصدر نجزی) به معنای سزا و پاداش است.

۱۲ اعطای پاداش به نیکوکاران و بهره مند ساختن آنان از علم و حکمت ، سنت الهی است .

و کذلک نجزی المحسنین

فعل مضارع <نجزی> در عبارت <کذلک نجزی المحسنین> حاکی از استمرار است ، و در برداشت از آن به سنت تعبیر شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۶ - ۱۵

۱۵ خداوند در اعطای پاداش به نیکوکاران ، ذره ای از پاداش آنان نمی کاهد .

و لانضیع أجر المحسنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۷ - ۳

۳ تنگنای حیات دنیا و گنجایش محدود

آن ، نمی تواند ظرفی مناسب برای تأمین پاداش نیکوکاران باشد .

و لانضیع أجر المحسنین. و لأجر الأخره خیر للذین ... و کانوا یتقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸۰ - ۱

۱ - پاداش به احسان گران و نیکوکاران ، سنت خداوند است .

إنّا کذلک نجزی المحسنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸۱ - ۳

۳ - عبودیت و ایمان نوح (ع) ، موجب دستیابی او به پاداش هایی همانند پاداش های محسنان از سوی خداوند

إنّا کذلک نجزی المحسنین . إنّه من عبادنا المؤمنین

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که جمله <إنه من عبادنا. ..> تعلیل برای جمله <إنا کذلک نجزی المحسنین> است؛ یعنی، چون نوح(ع) از مؤمنان و بندگان خالص خدا بود، به او همانند پاداش محسنان، پاداش دادیم. گفتنی است که مقصود از آن، اجابتِ دعا، نجاتِ از مشکلات اندوه بار و باقی ماندن نسل و نام نیک آن حضرت در تاریخ می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰۵ - ۶

۶ - توفیق انجام وظیفه با کمترین صدمه و زیان ، از پاداش های الهی به محسنان

قد صدّقت الرءیا إنّا کذلک نجزی المحسنین

کلمه <کذلک> متشکل از دو کلمه حرف تشبیه (کاف) و اسم اشاره (ذلک) است و مشارالیه مصدری است که از <صدّقت> گرفته شده است؛ یعنی، <کما جزیناه بالعفو عن ذبح إبنه نجزی المحسنین؛ همان گونه که به ابراهیم با گذشت کردن از قربانی کردن فرزندش، پاداش دادیم، به محسنان نیز

چنین پاداش خواهیم داد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰۶ - ۴

۴ - برخورداری ابراهیم (ع) از پاداش محسنان ، پس از سربلند بیرون آمدن آن حضرت از آزمایش قربانی فرزندش

قد صدّقت الرءیا إنّا کذلک نجزی المحسنین . إنّ هذا لهو البلؤا المبین

برداشت یاد شده از آن جا است که جمله <إنّ هذا لهو البلاء المبین> در مقام تعلیل برای جمله پیشین (إنّا کذلک نجزی المحسنین) است; یعنی، ابراهیم(ع) از پاداش محسنان برخوردار شد; زیرا به آزمایش الهی گرفتار شد و پیروز گردید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۰ - ۱

۱ - پاداش به احسان گران و نیکوکاران ، سنت خداوند است .

کذلک نجزی المحسنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۱ - ۳

۳ - عبودیت و ایمان ابراهیم (ع) ، موجب دستیابی آن حضرت به پاداش هایی چونان پاداش های محسنان از سوی خداوند

کذلک نجزی المحسنین . إنّه من عبادنا المؤمنین

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که جمله <إنّه من عبادنا المؤمنین> تعلیل برای جمله <کذلک نجزی المحسنین> است; یعنی، چون ابراهیم(ع) از مؤمنان و بندگان خالص خدا بود، به او چونان پاداش محسنان، پاداش دادیم (مقصود فرزنددار شدن و برجا ماندن نام نیک آن حضرت می باشد.)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۲۱ - ۱

۱ - پاداش به احسان کنندگان و نیکوکاران ، سنت خداوند است .

إنّا كذلك نجزى المحسنين

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۲۲ – ۳

۳ – عبودیت و ایمان موسی و هارون (علیهماالسلام) موجب دستیابی آنان به پاداش هایی همچون پاداش های محسنان از سوی خداوند

إنّا کذلک نجزی المحسنین . إنّهما من عبادنا المؤمنین

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که جمله <إنّهما من عبادنا. ..> تعلیل برای جمله <إنّا کذلک نجزی المحسنین> است; یعنی، چون موسی و هارون (علیهماالسلام) از مؤمنان و بندگان خالص خدا بودند، به آنان چونان پاداش محسنان، پاداش دادیم. مقصود نجات از اندوه بزرگ و باقی ماندن نام و آوازه نیک آنان در تاریخ می باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۳۱ – ۱

۱ – پاداش به احسان کنندگان و نیکوکاران ، سنت خدا است .

إنّا کذلک نجزی المحسنین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۳۲ – ۳

۳ – عبودیت و ایمان الیاس پیامبر (ع) ، موجب دستیابی او به پاداش هایی همچون پاداش های محسنان از سوی خداوند

إنّا کذلک نجزی المحسنین . إنّه من عبادنا المؤمنین

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که جمله <إنّه من عبادنا المؤمنین> تعلیل برای <إنّا کذلک نجزی المحسنین> است; یعنی، چون الیاس پیامبر از مؤمنان و بندگان خالص خدا بود، به او همانند پاداش محسنان، پاداش دادیم . مقصود از آن باقی ماندن نام و آوازه نیک او می باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۳۵ – ۶،۹،۱۱

۶ – خداوند

به محسنان به پاس احسان آنان مطابق با بهترین عملشان ، پاداش خواهد داد .

و یجزیهم أجرهم بأحسن الذی کانوا یعملون

۹ - برآورده شدن تمامی خواسته های محسنان از سوی خداوند ، به خاطر اعطای پاداش بهترین عمل ها به آنان

لهم ما یشاءون عند ربّهم . .. و یجزیهم أجرهم بأحسن الذی کانوا یعملون

۱۱ - جلوه فضل و لطف الهی در پاداش دادن به محسنان

لیکفّر اللّه عنهم أسوأ الذی عملوا و یجزیهم أجرهم بأحسن الذی کانوا یعملون

ملاک قرار گرفتن پاداش بهترین اعمال در وقت جزا و پاداش، و بـدترین اعمال در وقت عفو و چشم پوشـی، می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۳۱ - ۷،۹

۷ - تفضل الهی ، نمایان و متبلور در پاداش به نیک کرداران

و یجزی الذین أحسنوا بالحسنی

صیغه تفضیلی <الحسـنی>، نشـانگر آن است که نیک کرداران، بیشتر از شایسـتگی و اسـتحقاق خویش، از پاداش های الهی بهره مند خواهند شد.

۹ - جزای عادلانه به بدکرداران و پاداش برتر و افزون بر استحقاق به نیکوکاران ، عملی ارزشمند و خداپسندانه

لیجزی الذین أسوا بما عملوا و یجزی الذین أحسنوا بالحسنی

پاداش محسنان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۱ - ۱۶

۱۶ خداونـد نیکوکـاران بنی اسـرائیل را در صورت اطـاعت از فرمـان های الهی ، علاوه بر بخشایش گناهان ، به پاداش افزونتر نوید داد .

سنزید المحسنین

در برداشت فوق محسنان مقابل گناهکاران قرار داده نشده، بلکه به معنای لغوی آن (نیکوکاران) گرفته شده است. بر این مبنا

آیه شریفه ناظر به تقسیم بنی اسرائیل به دو گروه گنهکار و پاکدامن نیست، بلکه آنان را به دو گروه محسنان و غیر محسنان تقسیم کرده است. جمله <نغفر لکم ... > می رساند که خدا گناه همگان چه محسن و چه غیر محسن را خواهد بخشید، ولی به نیکوکاران پاداشی افزونتر عنایت خواهد کرد.

پاداش محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۳ - ۱۰

۱۰ - محبت مؤمنان نسبت به اهل بیت ، پاداشی تعیین شده از جانب خداوند برای پیامبر (ص)

قل لا أسئلکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، برخوردار از پاداش الهی

و إنّ لک لأجرًا

پاداش مخلصان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۳۹ - ۹

۹ خداوند ، کیفردهنده بخیلان و ریاکاران و پاداش دهنده انفاق کنندگان مخلص

الذین یبخلون . .. و انفقوا ... و کان اللّه بهم علیماً

هدف از بیان علم و آگاهی خداوند پس از بیان ایمان و بخل، تهدید بخیلان و ریاکاران به کیفر، و پاداش دهی به مؤمنان انفاق کننده است.

پاداش مخلصین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۴۰ - ۲

۲ - بندگان مخلَص خدا ، برخوردار از پاداشی فراتر از مقدار اعمال و رفتار خویش

و ما تجزون إلاّ ما کنتم تعملون . إلاّ عباد اللّه المخلصین

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که <إلا. ..> استثنای منقطع از ضمیر

<تجزون> باشد. بر این اساس، پیام آیه شریفه چنین می شود: همگان مطابق کردار خود، جزا و پاداش دارند; جز بندگان خالص خدا که فراتر و برتر از اعمال خود، پاداش دریافت خواهند داشت.

پاداش مردان انفاقگر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۵ - ۲۰

۲۰ - مردان و زنان صدقه پرداز ، از پاداش عظیم الهی برخوردارند .

و المتصدّقین و المتصدّقت . .. أعدّ اللّه لهم ... أجرًا عظیمًا

پاداش مردان اهل تسلیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۵ - ۲

۲ - مردان و زنانی که در برابر فرمان خدا تسلیم اند ، از پاداش عظیم خداوند برخوردارند .

إنّ المسلمین و المسلمت . .. أعدّ اللّه لهم مغفره و أجرًا عظیمًا

پاداش مردان خاشع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۵ - ۱۷

۱۷ - مردان و زنان فروتن ، از پاداشی عظیم برخوردارند .

و الخشعین و الخشعت . .. أعدّ اللّه لهم ... أجرًا عظیمًا

پاداش مردان خاضع

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۵ - ۱۰

۱۰ – مردان و زنان مطیع و خاضع ، از پاداش بزرگ خداوند برخوردارند .

و القنتین و القنتت . .. أعدّ اللّه لهم ... أجرًا عظیمًا

پاداش مردان ذاکر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۳۵ – ۲۸

۲۸ – مردان و زنانی که زیاد از خداوند یاد می کنند ، از پاداش بزرگ او برخوردارند .

و الذکرین

اللّه کثیرًا و الذکرت أعدّ اللّه لهم . .. أجرًا عظیمًا

پاداش مردان روزه دار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۳۵ – ۲۲

۲۲ – مردان و زنان روزه گیر ، از پاداش عظیم خداوند برخوردارند .

و الصئمین و الصئمت . .. أعدّ اللّه لهم ... أجرًا عظیمًا

پاداش مردان صابر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۳۵ – ۱۵

۱۵ – مردان و زنان شکیبا ، از پاداشی با عظمت برخوردارند .

و الصبرین و الصبرت . .. أعدّ اللّه لهم ... أجرًا عظیمًا

پاداش مردان صادق

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۳۵ – ۱۲

۱۲ – مردان و زنان صداقت پیشه ، از پاداش عظیم خداوند برخوردارند .

و الصدقین و الصدقت . .. أعدّ اللّه لهم ... أجرًا عظیمًا

پاداش مردان صالح

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۴۰ – ۳

۳ – زنان و مردان مؤمن نیک کردار ، اهل بهشت اند .

من عمل صلحًا من ذکر أو أَنثی و هو مؤمن فأَولئک یدخلون الجنّه

پاداش مردان عفیف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۵ - ۲۵

۲۵ - مردان و زنان عفیف ، از پاداش عظیم خداوند برخوردارند .

و الحفظین فروجهم و الحفظت . .. أعدّ اللّه لهم... أجرًا عظیمًا

پاداش مردان متذکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۵ - ۳۰

۳۰ - مردان و زنانی که

یاد خداوند را در دل ها زنده می کنند ، از پاداش بزرگ او برخوردارند .

و الذکرین اللّه کثیرًا و الذکرت أعدّ اللّه لهم . .. أجرًا عظیمًا

پاداش مردان مسلمان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۳۵ – ۴

۴ – مردان و زنان مسلمان ، از پاداش بزرگ الهی برخوردارند .

إنّ المسلمین و المسلمت . .. أعدّ اللّه لهم ... أجرًا عظیمًا

پاداش مردان مؤمن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۳۵ – ۶

۶ – مردان و زنان با ایمان ، از پاداش بزرگ خداوند برخوردارند .

إنّ . .. و المؤمنین و المؤمنت ... أعدّ اللّه لهم ... أجرًا عظیمًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۴۰ – ۳

۳ – زنان و مردان مؤمن نیک کردار ، اهل بهشت اند .

من عمل صلحًا من ذکر أو أُنثی و هو مؤمن فأُولئک یدخلون الجنّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۵ – ۵

۵ – همسانی زنان و مردان مؤمن ، در بهرهوری از ثمرات ایمان خود و پاداش های الهی

لیدخل المؤمنین و المؤمنت جنّت

قرار گرفتن وصف <المؤمنات> در کنار <المؤمنین>، می رساند که زنان و مردان در ره یابی به بهشت جاودان همسان اند.

پاداش مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۵ - ۴

۴ - غنایم خیبر ، ارمغان الهی به مسلمانان ، در پی اقدام به سفر پر خطر حدیبیه *

سیقول

المخلّفون إذا انطلقتم إلى مغانم لتأخذوها

سفر حديبیه، در آغاز چنین می نمود که فرجامی بس مبهم و آمیخته با خطر دارد و مؤمنان واقعی با این همه بدان اقدام کردند و در پی آن خداوند نوید غنایم خیبر را به ایشان داد. با توجه به این مطالب، احتمال می رود که میان تن دادن به آن مشکلات و دست یابی به این غنایم ارتباطی باشد.

پاداش مسلمانان مظلوم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۱ - ۱

۱- خداوند ، به مسلمانهایی که مورد ستم واقع شده و به خاطر او هجرت کردند ، جایگاه و مکانی شایسته در دنیا و پاداشی بس بزرگ تر در آخرت عطا می کند .

و الذین هاجروا فی الله من بعد ما ظلموا لنبوّئنّهم فی الدنیا حسنه و لأجر الأخره أ

<فی> در <فی الله> به معنای <لام> و برای تعلیل است. بنابراین معنای عبارت <هجرت برای کسب رضای خداوند> است.

پاداش مسیحیان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۲ - ۱

۱ - مسلمانان ، یهودیان ، نصرانی ها و صابئان ، در صورت داشتن ایمان راستین به خدا و باور به قیامت و انجام عمل صالح ، از پاداشی گران قدر برخوردار خواهند شد .

إن الذین ءامنوا . .. فلهم أجرهم عند ربهم

مراد از <الذین ءامنوا> مسلمانان هستند. درباره آیین صابئی نظرات مختلفی ایراد شده است. علامه طباطبایی پس از بیان اقوال گوناگون، تأیید می کنند که آیین صابئی، آیینی ممزوج از دین یهود، مجوس و حرانیّه بوده است.

پاداش مصلحان

جلد - نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۷۰ – ۶،۷

۶ اصلاحگران جوامع ، دارای پاداشی تضمین شده از جانب خداوند

إنا لانضیع أجر المصلحین

کلمه <مصلح> هم به کسی که عمل صالح انجام می دهد، یعنی در صدد اصلاح خویش است، گفته می شود، و هم به شخصی که در تلاش برای اصلاح دیگران است، اطلاق می گردد. برداشت فوق بر اساس معنای دوم است.

۷ انجام دهندگان اعمال صالح از پاداش های الهی بهره مند خواهند شد .

إنا لانضیع أجر المصلحین

پاداش مضاعف

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۸۴ – ۱۶

۱۶ – روزه گرفتن و فدیه دادن به مسکین ، چنانچه با میل و رغبت باشد ، ثوابی افزونتر دارد .

کتب علیکم الصیام . .. و علی الذین یطیقونه فدیه ... فمن تطوع خیراً فهو خیر له

مصداق مورد نظر برای <خیراً> به دلیل فرازهای قبل، روزه گرفتن و در صورت مشقت بار بودن روزه، فدیه دادن است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۴۵ – ۵،۱۳

۵ قرض دهندگان به خداوند با جان و مال ، از پاداش مُضاعف الهی بهره مندند .

من ذا الذی یقرض اللّه . .. فیضاعفه له اضعافاً کثیرهً

۱۳ بقای آنچه به خداوند قرض داده می شود و بازگشت چندین برابر آن به آدمی

من ذا الّذی یقرض اللّه . .. فیضاعفه له اضعافاً کثیرهً

مُراد از ضـمیر مفعولی در <یضاعفه> قرض است; یعنی آن مالی که قرض داده شود، چنـدین برابر شـده و به او باز پس داده می

شود؛ بنابراین باید آن مال باقی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۰ - ۶

۶ خداوند ، اعمال نیک را هر چند اندک باشد به چندین برابر پاداش می دهد .

و ان تک حسنه یضاعفها

ضمیر <هی> در <تَکُ> به <مثقال> برمی گردد و چون خبر <تک>، یعنی <حسنهً>، مؤنث است، فعل آن به صورت مؤنّث آورده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۶۰ - ۱،۷

۱ هر کار نیک دارای پاداش ده چندان است.

من جاء بالحسنه فله عشر أمثالها

<فلا یجزی . .. > دلیل بر این است که مراد از <عشر أمثالها> پاداش کار نیک است.

۷ انجام عمل نیک به شرط حبط نشدن تا حضور در صحنه قیامت دارای پاداشی ده چندان است.

من جاء بالحسنه فله عشر أمثالها

حرف <باء> در <بالحسنه> هم می تواند برای تعدیه باشد، که در این صورت <مجیء> به معنای انجام دادن است، و هم می تواند برای مصاحبت باشد، که در این صورت <مجیء> به معنای حاضر شدن است. برداشت فوق بر اساس احتمال دوم است. بر این مبنا جمله <من جاء بالحسنه> (کسی که با عمل نیکی در قیامت حاضر شود)، اشاره به این معنا دارد که پاداش از آن کسی است که عمل نیکش تا قیامت باقی باشد و با گناه حبط نشده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۶ - ۳

۳ نیکوکاران در سرای آخرت ، افزون بر بهترین پاداش ها ، از نعمتهایی

بی شمار و غیر قابل توصیف برخوردار خواهند بود .

للذین أحسنوا الحسنی و زیاده

تنکیردر <زیاده> که برای تفخیم است بیانگر برداشت فوق می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۴ - ۱،۲

۱ - وعده دوبار اجر (اجر مضاعف) از سوی خداوند ، به ایمان آوردگان از اهل کتاب

الذین ءاتینهم الکتب . .. أُولئک یؤتون أجرهم مرّتین

مفسران، تعبیر <مرّتین> را کنایه از اجر مضاعف دانسته اند.

۲ - صبر و بردباری ایمان آوردگان از اهل کتاب ، در برابر فشار های هم کیشان سابق خود و نیز تحمل آزار های مشرکان ، عامل برخوردار شدن آنان از اجر دو برابر الهی

أُولئک یؤتون أجرهم مرّتین بما صبروا

<باء> در <بما صبروا> سببیه و <ما> مصدریه است; یعنی، <بسبب صبرهم>. گفتنی است در این که اشخاص مورد بحث در برابر چه چیزی از خود صبر و تحمل نشان دادند، چند نظر اظهار شده است; از جمله آنها صبر آنان در برابر فشار اهل کتاب و مشرکان می باشد. برداشت یاد شده بر پایه همین احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۰ - ۷

۷ - < عن أبی جعفر (ع) قال : أجرها مرّتین و العذاب ضعفین کلّ هذا فی الأخره حیث یکون الأجر یکون العذاب . . . ;

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: پاداش دو برابر برای زنان پیغمبر، و عذاب دو برابر، هر دو در آخرت است. عذاب، در همان جا است که پاداش هست>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۱ - ۴،۶،۷

۴ - موقعیت افراد در برخورداری شان از پاداش مضاعف خداوند در مقابل عمل صالح شان نقش دارد .

و من يقنت منكنّ للّه و رسوله و تعمل صلحًا نؤتها أجرها مرّتين

۶ - برخورداری همسران پیامبر از پاداش مضاعف الهی ، منوط به تداوم اطاعت و انجام دادن عمل صالح از سوی آنها است .

و من يقنت منكنّ . .. و تعمل صلحًا نؤتها أجرها مرّتين

فعل مضارع <يقنت> و <تعمل> استمرار را می رساند.

۷ - اعطای پاداش مضاعف به همسران پیامبر در قبال عمل صالح شان ، نمودی از رحمت خداوند است .

و من يقنت منكنّ . .. نؤتها ... و أعتدنا لها رزقًا كريمًا

این که خداوند، به هنگام هشدار به همسران پیامبر در آیه پیش، برای عذاب، عذاب کننده ای را نیاورده و تنها فرمود: <بر خداوند، چنین امری آسان است> و در این آیه، با فعل های <نؤتها> و <أعتدنا> دخالت مستقیم خود را بیان کرده، می توان نکته بالا- را به دست آورد لازم به ذکر است که التفات از غیبت (يضاعف لها العذاب و كان ذلك على اللّه يسيراً) به خطاب (<نؤتها> و <أعتدنا>) می تواند مؤید نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۴۰ - ۲

۲ - بندگان مخلَص خدا ، برخوردار از پاداشی فراتر از مقدار اعمال و رفتار خویش

و ما تجزون إلّا ما كنتم تعملون . إلّا عباد اللّه المخلصين

برداشت یاد شده مبتنی بر این نکته است که <إلا. ..> استثنای منقطع از ضمیر <تجزون> باشد. بر این اساس،

پیام آیه شریفه چنین می شود: همگـان مطـابق کردار خود، جزا و پـاداش دارنـد; جز بنـدگان خـالص خـدا که فراتر و برتر از اعمال خود، پاداش دریافت خواهند داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۱ - ۵

۵ - خداونـد ، در قبال وامی که مؤمنان به او می دهنـد (انفاق در راه او) ، دو پاداش می دهـد : پاداشـی در دنیا و پاداشـی در آخرت .

من ذا الذی یقرض اللّه . .. فیضعفه له و له أجر کریم

برداشت یاد شده بدان احتمال است که جمله <فیضاعفه له>، ناظر به پاداش دنیوی و جمله <و له أجر کریم> ناظر به پاداش اخروی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۸ - ۷،۹

۷ - خداوند ، در قبال وامی که مؤمنان به او می دهند (در راه او صدقه می دهند) ، دو پاداش (پاداشـی در دنیا و پاداشـی در آخرت) عطا می کند .

و أقرضوا اللّه قرضًا حسنًا یضعف لهم و لهم أجر کریم

برداشت یـاد شـده بـدان احتمـال است که جمله <فیضاعف لهم>، ناظر به پاداش دنیوی و جمله <و لهم أجر کریم> ناظر به پاداش اخروی باشد.

۹ - خداونـد ، در دنیا حـداقل دو برابر مقـدار وامی که مؤمنان به او می دهنـد (در راه او صـدقه می پردازند) ، به آنان بازمی گرداند .

و أقرضوا اللّه قرضًا حسنًا یضعف لهم

<مضاعفه> (مصدر <یضاعف>) به دو چندان کردن و بالاتر از آن (چند و چندین برابر نمودن) اطلاق

می شود (مفردات راغب).

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – تغابن – ۶۴ – ۱۷ – ۹،۱۲

۹ – پاداش مضاعف به انفاق گران و آمرزش آنان ، جلوه قدرشناسی ، سپاسداری و حلم خداوند است .

إن تقرضوا اللّه . .. یضعفه لکم و یغفر لکم و اللّه شکور حلیم

۱۲ – پاداش مضاعف به انفاق گران و آمرزش آنان ، جلوه تفضل و لطف ویژه خداوند به آنان است .

إن تقرضوا اللّه . .. یضعفه ... و اللّه شکور حلیم

سپاس و تقدیر خداوند از انفاق گران با آن که سود انفاق به خود آنان باز می گردد نشانه تفضل و لطف ویژه الهی به انفاق گران است.

پاداش مضاعف انفاق

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۳۹ – ۸

۸ – کسانی که به خاطر جلب رضای خدا ، صدقه می دهند ، قطعاً پاداش مضاعف خواهند داشت .

و ما ءاتیتم من زکوه تریدون وجه اللّه . .. فأُولئک هم المضعفون

مراد از<زکات> به قرینه مکی بودن سوره و نیز آیه قبل (فآت ذا القربی. ..) هر نوع صدقه و انفاق است. و <مضعفون> به معنای <ذوالضِعف> بوده و مراد، پاداش مضاعف است.

پاداش مضاعف انفاقگران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۳۷ – ۱۲

۱۲ – < عن أبی بصیر قال : ذکرنا عند أبی جعفر (ع) من الأغنیاء من الشیعه فکأنّه کره ما سمع فیهم قال : یا أبامحمد إذا کان المؤمن غنیًّا و صولاً له معروف إلی أصحابه أعطاه اللّه أجر ما

ينفق فى البرّ ، أجره مرّتين ضعفين لأنّ اللّه تعالى يقول فى كتابه < و ما أموالكم و لا أولادكم بالّتى تقرّبكم عندنا زلفى إلاّ من آمن و عمل صالحاً فأُولئک لهم جزاء الضعف بما عملوا و هم فى الغرفات آمنون > ;

از ابی بصیر روایت شده که نزد امام باقر(ع) صحبت از [بدگویی] اغنیای شیعه شد و گویا امام(ع) از شنیدن سخنان ما ناخشنود گردید و فرمود: ای ابامحمد! (کنیه ابوبصیر) آن گاه که مؤمن ثروتمند و اهل صله رحم باشد و نیکی به یاران کند، خداوند پاداش آنچه را که در نیکی انفاق نموده است، دو برابر عطا نماید; چون خداوند تبارک و تعالی در قرآنش می فرماید: (و ما أموالكم و لا أولادكم بالتی. ..)>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۱ - ۷

۷ - خداوند ، در دنیا حداقل دو برابر مقدار وامی را که مؤمنان به او می دهند (در راه او انفاق می کنند) ، به آنان بازمی گرداند .

من ذا الذی یقرض اللّه . .. فیضعفه له

<مضاعفه> (مصدر <یضاعف>) به دو چندان کردن و بالاتر از آن گفته می شود (مفردات راغب).

پاداش مضاعف صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۷ - ۵

۵ - پاداش مؤمنان دارای عمل صالح ، دوچندان است .

إلاّ من ءامن و عمل صلحًا فأُولئک لهم جزاء الضعف

پاداش مضاعف عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۲۰ - ۳۳،۳۴،۳۶

۳۳ - انسان

ها ، تمامی کار های خیر خود را در پیشگاه خداوند ، بهتر از آنچه انجام داده اند ، می بینند و بیشتر از پاداشی که انتظارش را داشته و شایسته آن بوده اند ، دریافت می کنند .

و ما تقدّموا لأنفسکم من خیر تجدوه عند اللّه هو خیرًا و أعظم أجرًا

۳۴ - انجام هر کار خیری در حیات خویش ، دارای برتری و پاداشی افزون تر از انجام آن پس از مرگ به وسیله وارثان و یا از طریق وصیت است .

و ما تقدّموا لأنفسکم من خیر تجدوه عند اللّه هو خیرًا و أعظم أجرًا

برخی از مفسران بر آنند که به قرینه <ما تقدّموا. ..>، جمله ای مانند <من الذی تأخّرونه إلی الوصیه عند الموت> در تقدیر است.

۳۶ - پاداش کار های خیر از سوی خداوند ، افزون تر از استحقاق و بر پایه تفضل و لطف او است .

تجدوه عند اللّه هو خیرًا و أعظم أجرًا

مطلب یاد شده، از مقرر شدن پاداش بهتر و افزون تر، استفاده می شود.

پاداش مضاعف عمل صالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۴ - ۵

۵ - هر عمل نیک در جهان آخرت ، دارای پاداش افزون و هر عمل بد دارای کیفر متناسب با آن خواهد بود .

من جاء بالحسنه . .. و من جاء بالسیّئه

<ال> در <الحسنه> و <السیّئه> برای جنس و مفید استغراق است. بنابراین <من جاء بالحسنه>; یعنی، <هر کس هر عمل نیک بیاورد> و <من جاء بالسیّئه>; یعنی، هر کس هر عمل بد بیاورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ -

شوری - ۴۲ - ۲۳ - ۲۳

۲۳ - پاداش مضاعف خداوند به اعمال نیک مؤمنان ، جلوه ای از غفران و سپاسگزاری او است .

و من یقترف . .. إنّ اللّه غفور شکور

پاداش مضاعف مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۷ - ۵،۱۳

۵ - پاداش مؤمنان دارای عمل صالح ، دوچندان است .

إلاّ من ءامن و عمل صلحًا فأُولئک لهم جزاء الضعف

۱۳ - < عن أمیرالمؤمنین (ع) : إنّ المؤمن یعمل لثلاث من الثواب إمّا لخیر [الدنیا] . . . [و إمّا لخیر الآخره] فإن اللّه عزّوجلّ . . . إذا کان یوم القیامه حسبت لهم حسناتهم ثمّ أعطاهم بکلّ واحده عشر أمثالها إلی سبعمأه ضعف قال اللّه عزّوجلّ : . . . < أُولئک لهم جزاء الضعف بما عملوا . . . > . . . ;

از امیرالمؤمنین(ع) روایت شده که مؤمن برای رسیدن به یکی از سه ثواب کار خیر انجام می دهد: یا برای رسیدن به خیر دنیا. .. و یا برای رسیدن به خیر آخرت. پس خدای عزّوجلّ... هرگاه قیامت برپا شود، برای مؤمنان حسناتشان را حساب می کند و برای هر یک حسنه، ده برابر تا هفتصد برابر پاداش می دهد. خدا می فرماید: ...(أُولئک لهم جزاء الضعف بما عملوا...)...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۳ - ۱۸،۲۳

۱۸ - دوستی عترت پیامبر (ص) ، موجب بهره مندی مؤمنان از پاداش مضاعف الهی

إلاّ الموده فی القربی و من یقترف حسنه نزد له فیها حسنًا

مراد

از <من> در <من يقترف حسنه> به قرينه ذكر آن پس از <إلاّ الموده فى القربى> مؤمنان دوستدار عترت هستند. گفتنى است كه در برداشت ياد شده مراد از <نزد له فيها حسناً> طبق نظر عده اى از مفسران افزايش پاداش الهى در نظر گرفته شده است.

۲۳ - پاداش مضاعف خداوند به اعمال نيک مؤمنان ، جلوه اى از غفران و سپاسگزارى او است .

و من يقترف . .. إنّ اللّه غفور شكور

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - شورى - ۴۲ - ۲۶ - ۴

۴ - پاداش افزون و اعطاى نعمت ها بيش از انتظار مؤمنان به ايشان ، نمودى از فضل الهى است .

و يزيدهم من فضله

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - حديد - ۵۷ - ۱۱ - ۷

۷ - خداوند ، در دنيا حداقل دو برابر مقدار وامى را كه مؤمنان به او مى دهند (در راه او انفاق مى كنند) ، به آنان بازمى گرداند .

من ذا الذى يقرض اللّه . .. فيضعفه له

<مضاعفه> (مصدر <يضاعف>) به دو چندان كردن و بالاتر از آن گفته مى شود (مفردات راغب).

پاداش مطيعان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۵۸ - ۱۷

۱۷ - اطاعت كنندگان دستورات خدا - در صورت نيكوكار بودن - از پاداشى افزونتر از ديگران ، بهره مند خواهند شد .

و سنزيد المحسنين

پاداش معامله با خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۰ - ۵

۵ - سوداگری با

خداوند ، دارای سود و برکتی بسیار و بالاتر از انتظار

یرجون تجره لن تبور . لیوفّیهم أُجورهم و یزیدهم من فضله

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که آیه شریفه می تواند ناظر به تجارت پرسودی باشد که مورد انتظار تلاوت کنندگان کتاب الهی و. .. است و در آیه قبل از آن بحث به میان آمد.

پاداش معنویات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۶ - ۷

۷- ارزش های معنوی ماندگار و در پی دارنده پاداش الهی ، شایسته دل بستگی و امید انسان است .

خیر عند ربّک ثوابًا و خیر أملًا

پاداش مقربان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۸ - ۴

۴ - میهمانان قرب خداوند در آخرت ، به همه خواسته های خود دست یافته ، از پاداش خویش خشنود خواهند بود .

راضیه

پاداش موحدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۴ - ۴

۴- بهشت جاودان ، پاداش اعمال نیک و مستمر موحدان

أُولئک أصحب الجنّه . .. جزاء بما کانوا یعملون

پاداش موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۲۱ - ۳

۳ - نجات موسی و هارون (علیهماالسلام) و قوم شان از اندوهی بزرگ ، اعطای کتاب آسمانی و باقی ماندن نام و آوازه نیک آنان ، از پاداش های خداوند به ایشان

و نجّینهما و قومهما من الکرب العظیم . .. إنّا کذلک نجزی المحسنین

پاداش مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱

- بقره - ۲ - ۲۵ - ۳

۳ - بهشت و نعمت های آن ، پاداش کسانی است که به قرآن و پیامبر (ص) ایمان آورده و اعمال صالح انجام دهند .

و بشر الذین ءامنوا . .. أن لهم جنت تجری من تحت الأنهر

متعلق <آمنوا> به دلیل آیات قبل، قرآن و پیامبر(ص) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۲ - ۱

۱ - مسلمانان ، یهودیان ، نصرانی ها و صابئان ، در صورت داشتن ایمان راستین به خدا و باور به قیامت و انجام عمل صالح ، از پاداشی گران قدر برخوردار خواهند شد .

إن الذین ءامنوا . .. فلهم أجرهم عند ربهم

مراد از <الذین ءامنوا> مسلمانان هستند. درباره آیین صابئی نظرات مختلفی ایراد شده است. علامه طباطبایی پس از بیان اقوال گوناگون، تأیید می کنند که آیین صابئی، آیینی ممزوج از دین یهود، مجوس و حرانیّه بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۲ - ۱

۱ - مؤمنان به پیامبر (ص) ، که دارای اعمال صالح باشند ، اهل بهشت بوده و در آن جاودان خواهند بود .

و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت أولئک أصحب الجنه هم فیها خلدون

مراد از ایمان در آیه مورد بحث - به قرینه آیه ۷۵ (أفتطمعون أن یؤمنوا لکم) - ایمان به پیامبر(ص) و اسلام است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۷ - ۱،۳،۶

۱ مؤمنان دارای عمل صالح ، برپادارندگان نماز و پرداخت کنندگان زکات ، بهره

مندان از پاداش ویژه الهی

ان الذین امنوا و عملوا الصالحات و اقاموا الصلوه و اتوا الزکوه لهم اجرهم عند ربّه

کلمه <عند ربّهم> اشاره به پاداشی ویژه دارد.

۳ پاداش الهی برای مؤمنان دارای عمل صالح ، برپادارندگان نماز و پرداخت کنندگان زکات ، نتیجه عمل خیر آنها

لهم اجرهم عند ربّهم

<اجر> به معنای مزد، در برابر عملکرد شخص به کار برده می شود; بنابراین پاداش آنان مزد و اجر عملشان خواهد بود.

۶ وعده پاداش به اهل ایمان دارای عمل صالح از روش های قرآن برای ایجاد انگیزه به ایمان و عمل صالح

لهم اجرهم عند ربّهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۷ - ۱،۸

۱ مؤمنانِ دارای اعمال صالح ، بهره مند از پاداش کامل خداوند

و اما الذین امنوا و عملوا الصالحات فیوفیهم اجورهم

۸ اجر کامل خداوند ، از آنِ مؤمنانی است که عامل به تمامی اعمال صالح باشند .

و اما الذین امنوا و عملوا الصالحات فیوفّیهم اجورهم

کلمه <الصالحات>، جمع و دارای الف و لام است که دلالت بر عموم می کند; یعنی تمام اعمال صالح را انجام دهند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۱ - ۴،۷

۴ تضمین پاداش عملکرد مؤمنان ، از سوی خداوند

انّ اللّه لا یضیع اجر المؤمنین

۷ شادمانی شهیدان از اینکه خداوند اجر مؤمنان را تباه نمی سازد .

يستبشرون بنعمه . .. انّ اللّه لا يضيع اجر المؤمنين

جمله <ان اللّه>، عطف بر كلمه <نعمه> است ; يعنى <يستبشرون بان اللّه لا يضيع>.

جلد - نام سوره - سوره - آيه -

فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۹ - ۲۴

۲۴ پاداش بزرگ از آن مؤمنان تقواپیشه

و ان تؤمنوا و تتّقوا فلکم اجر عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۴ - ۱۰

۱۰ ترغیب مؤمنان از سوی خداوند به دعا و درخواست پاداش های موعود وی

ربّنا و اتنا ما وعدتنا علی رسلك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۵ - ۷،۱۱

۷ خداوند ، هرگز عمل مؤمن را ضایع نکرده و وی را از پاداش اعمالش بهره مند خواهد کرد .

انّی لا اضیع عمل عامل منکم

خطاب <منکم> می رساند که اگر انجام دهنده اعمال نیك مؤمن باشد، عمل او ضایع نخواهد شد و در دنیا و آخرت به ثمر خواهد نشست.

۱۱ عمل ، شرط برخورداری مؤمن از پاداش های الهی است .

فامنّا ربّنا و اتنا ما وعدتنا . .. فاستجاب لهم ربّهم انّی لا اضیع عمل عامل منکم

جمله <انّی لا اضیع عمل عامل>، در حقیقت بیان شرطی است برای ثمردهی ایمان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۹ - ۲۰،۲۲،۲۵،۲۷

۲۰ آن گروه از اهل کتاب که به خدا ، قرآن و کتب آسمانی خویش ایمان آورند ; از پاداشی ویژه و والا بهره مند خواهند شد .

اولئك لهم اجرهم عند ربّهم

کلمه <عند ربّهم>، توصیف <اجرهم> است و می رساند که آن پاداش، پاداشی ویژه و ارزشمند است.

۲۲ نوید پاداش و تضمین آن ، پرتوی از ربوبیّت الهی نسبت به مؤمنان

لهم اجرهم عند ربّهم

۲۵

خداوند پاداش مؤمنان را بدون تأخیر ، به آنان عطا خواهد کرد .

لهم اجرهم عند ربّهم انّ اللّه سریع الحساب

یادآوری سرعت حسابرسی پس از بیان پاداش دهی، بیانگر آن است که اعطای اجر از سوی خداوند، با تأخیر در حسابرسی مواجه نخواهد شد.

۲۷ پاداش مؤمنان از سوی خداوند ، بر اساس درجه ایمان و عملکرد آنان است .

اولئک لهم اجرهم . .. انّ اللّه سریع الحساب

اگر پاداش بر اساس عملکردها نبود، حسابرسی معنا نداشت ; و با توجّه به مشارالیه <اولئک> معلوم می شود که هم ایمان و هم عملکرد مؤمنان، موجب استحقاق پاداش برای آنان شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۵۷ - ۱

۱ بهشت ، پاداش مؤمنان دارای عمل صالح

و الّذین امنوا و عملوا الصّالحات سندخلهم جنّات تجری من تحتها الانهار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۵ - ۹

۹ نوید الهی به پاداش نیک برای مجاهدان و نیز مؤمنان بازنشسته از جنگ

فضّل اللّه . .. علی القاعدین درجه وکلّا وعد الله الحسنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۲ - ۱

۱ بهشت ، پاداش مؤمنان دارای اعمالِ صالح

و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت سندخلهم جنت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۴۶ – ۹

۹ وعده خداوند به برخورداری مؤمنان ، از پاداشی بس بزرگ

و سوف یؤت اللّه المؤمنین أجراً عظیماً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴

۹،۱۲ - ۱۴۷ -

۹ مؤمنانِ سپاسگزار در برابر نعمت های خداوند ، بهره مند از پاداش های اویند .

إن شکرتم و ءامنتم و کان اللّه شاکراً علیماً

شکر خداوند در حقیقت پاداش و ثواب اوست به بندگان. و این پاداش در مقابل همان سپاسگزاری و ایمان بندگان است.

۱۲ علم و آگاهی گسترده خداوند ، تضمین کننده پاداش دهی او به بندگان مؤمن و شاکر خویش

إن شکرتم و ءامنتم و کان اللّه شاکراً علیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۲ - ۵

۵ ایمان دارندگان به خدا و تمامی انبیا ، مورد وعده الهی به برخورداری از پاداش های فراوان

و الذین ءامنوا باللّه و رسله . .. أولئک سوف یؤتیهم أجورهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۲ - ۱۲

۱۲ مؤمنان به خدا ، قیامت و قرآن ، بر پا دارندگان نماز و پرداخت کنندگان زکات ، از پاداش بزرگ الهی ، برخوردار خواهند شد .

أولئک سنؤتیهم أجراً عظیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۳ - ۱،۲،۶

۱ مؤمنان دارای عمل صالح ، برخوردار از اجر کامل و فضل خداوند در قیامت

فاما الذین ءامنوا و عملوا الصلحت فیوفیهم أجورهم و یزیدهم من فضله

۲ خداوند خود پاداش دهنده به مؤمنان دارای عمل صالح

فيوفيهم أجورهم

۶ فضل الهی ، منشأ افزایش پاداش اهل ایمان

فاما الذين ءامنوا . .. و يزيدهم من فضله

<من> در <من فضله> نشویه است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - نساء -

۴ - ۱۷۵ - ۲،۳،۸

۲ ایمان به خداوند و تمسک به قرآن و پیامبر (ص) موجب برخورداری از رحمت و فضل الهی

فاما الذین ءامنوا باللّه و اعتصموا به فسیدخلهم فی رحمه منه و فضل

بدان احتمال که ضمیر در <به> به <برهن> (پیامبر(ص)) و <نور> (قرآن)در آیه قبل برگردد.

۳ نیل به مقام قرب الهی ، بهره منـدی کامل از بهشت و نعمت های آن و برخورداری از فضل الهی ، پاداش مؤمنان متمسک به خداوند

فاما الذین ءامنوا . .. فسیدخلهم فی رحمه منه و فضل و یهدیهم إلیه

۸ ورود به بهشت و برخورداری از فضل خدا و رسیدن به مقام قرب الهی ، پاداش مؤمنان به خدا و پیروان پیامبر (ص) و قرآن

فاما الذین ءامنوا باللّه و اعتصموا . .. یهدیهم إلیه صرطاً مستقیماً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۹ – ۱

۱ وعده الهی به مؤمنان دارای عمل صالح ، به آمرزش و پاداش بزرگ

وعد اللّه الذین ءامنوا و عملوا الصلحت لهم مغفره و اجر عظیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۸۵ – ۳

۳ خداوند ، پاداش بخش مؤمنان و محسنان

فاثبهم اللّه بما قالوا . .. ذلک جزاء المحسنین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۴۳ – ۸،۱۶

۸ نهر های جاری بهشت ، پاداش مؤمنان نیک کردار

تجری من تحتهم الأنهر

۱۶ بهشت تفضلی است از جانب خداوند به مؤمنان نیک کردار ، نه پاداشی همپایه عملکرد آنان

تلکم الجنه اورثتموها بما

كنتم تعملون

خداونـد از يـك سو بهشت را پـاداش عملكرد اهـل ايمان دانسـته (بما كنتم تعملون) و از سوى ديگر آن را ميراث (دستيابى به چيزى بدون عوض) خوانده است تا به اين حقيقت اشاره كند كه اعطاى بهشت همپايه اعمال مؤمنان نيست، بلكه تفضلى است از جانب خداوند به ايشان.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - انفال - ۸ - ۴ - ۶

۶ برخوردارى از آمرزش خداوند و بهره مندى از روزى هاى نيكو ، پاداش مؤمنان حقيقى

لهم . .. مغفره و رزق كريم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - انفال - ۸ - ۲۸ - ۷

۷ پيروزى و موفقيت مؤمنان در آزمونشان به وسيله مال و اولاد ، موجب بهره مندى آنان از پاداش بزرگ الهى است .

و اعلموا أنما أمولكم و أولدكم فتنه و أن اللّه عنده أجر عظيم

بيـان پـاداش عظيم الهى پس از تأكيـد بر اينكه ثروتها و فرزنـدان وسـيله آزمون هسـتند، مى توانـد بيانگر نكته اى باشـد كه در برداشت فوق بدان اشاره شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۲۲ - ۳،۴،۶

۳ نعمت هاى جاودان اخروى ، اجرت و مزدى است در برابر عملكرد مؤمنان مهاجر و مجاهد .

الذين ءامنوا و هاجروا و جهدوا . .. جنت لهم ... خلدين فيها أبداً إن اللّه عنده أج

<أجر> اجرت و مزد در برابر عمل است.

۴ پاداش خداوند به مؤمنان مهاجر و مجاهد ، پاداشى بزرگ است .

الذين ءامنوا و هاجروا و جهدوا . .. إن اللّه عنده أجر عظيم

۶ مؤمنان

مهاجر و مجاهد ، علاوه بر بهره مندی از رحمت و رضوان الهی و بهشت ، از پاداشی ویژه و بزرگ در پیشگاه خداوند برخوردارند .

الذین ءامنوا و هاجروا و جهدوا . .. و جنت ... إن اللّه عنده أجر عظیم

قرار گرفتن جمله <إن اللّه عنده أجر عظیم> که دارای معنانی عام و کلی است پس از ذکر پاداشهای گوناگون مؤمنانِ مهاجر و مجاهد، می تواند گویای برداشت فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۱ - ۲۲

۲۲ ارزش و پاداش اعمال زنان و مردان مؤمن در پیشگاه خداوند ، همسان است .

و المؤمنون و المؤمنت . .. أولئك سیرحمهم اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۲ - ۱۵

۱۵ بهشت جاودان ، بوستان های پوشیده از درخت ، خانه های دلپذیر و خشنودی خدا ، پاداش الهی به مؤمنان در برابر امر به معروف و نهی از منکر ، اقامه نماز ، پرداخت زکات و اطاعت از خدا و رسول (ص)

و المؤمنون و المؤمنت . .. یأمرون بالمعروف ... و یطیعون اللّه و رسوله ... وعد الل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۱ - ۱

۱ خداوند ، خریدار جان و مال مؤمنان به بهای بهشت

إن اللّه اشتری من المؤمنین أنفسهم و أمولهم بأن لهم الجنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۱ - ۳،۷

۳ ثبت هر گام مؤمنان در پیمودن مسیر الهی

، به منظور اعطای پاداش به آنان

و لايقطعون وادياً إلا كتب لهم ليجزيهم

۷ جلوه فضل الهی ، در پاداش به مؤمنان مجاهد و انفاقگر

ليجزيهم اللّه أحسن ما كانوا يعملون

<جزای أحسن> که به معنای پاداش دادن به بیش از حد استحقاق است بیانگر تجلی فضل خدا در پاداش دهی به مؤمنان است. قابل ذکر است در برداشت فوق مفروض این است که <أحسن> مفعول دوم برای <یجزی> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴ - ۱۰

۱۰ دستیابی مؤمنان به پاداش و ایمان و اعمال شایسته خویش و گرفتاری کافران به کیفر کفر و بزهکاری خود ، فلسفه اساسی معاد و برپایی رستاخیز است .

ثم يعيده ليجزى الذين ءامنوا . .. و الذين كفروا لهم شراب من حميم و عذاب أليم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۹ - ۱

۱- آخرت طلبان مؤمنی که تلاشی جدی در راه اهداف اخروی خویش بکنند به نتایج ارزشمند تلاشهایشان دست خواهند یافت .

و من أراد الأخره . .. كان سعيهم مشكورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۸ - ۱

۱- ذوالقرنین ، به اعطای پاداش نیک ، به مؤمنان نیک کردار ، وعده داد .

و أمّا من ءامن و عمل صلحًا فله جزاءً الحسنى

<جزاء> حال است و بیانِ این که رفتار نیکو (الحسنی) پاداش ایمان و عمل صالح شخص است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۹۶ – ۲

۲- محبوبیت در دل های

مردم ، از جمله پاداش های خداوند به مؤمنان دارای کردار نیک .

إنّ الذین ءامنوا . .. سیجعل لهم الرحمن ودًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۶ - ۱

۱- سنت الهی بر ثبت اعمال مؤمنان برای پاداش و محرومیت هلاک شدگان از بازگشت به دنیا ، تا خروج یأجوج و مأجوج (انقراض دنیا) ادامه خواهد داشت .

فمن یعمل . .. و حرم علی ... حتّی إذا فتحت یأجوج و مأجوج

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <حتی> معنای غایت را افاده کند. البته میان اهل ادب در افاده آن برای غایت، اختلاف نظر وجود دارد; ولی از سیاق و آهنگ آیه، غایت قابل استفاده است. براین اساس <حتّی إذا فتحت...> غایت برای <فمن یعمل من الصالحات... و حرام قریه...> خواهد بود. گفتنی است که نوع مفسران بر آنند که مقصود از یأجوج و مأجوج، دوگروه از مردمی هستند که در آخر الزمان ظاهر می شوند و به تاختوتاز و فتوحات دست می زنند و پس از مرگ آنان، عمر دنیا به پایان می رسد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۴ - ۱

۱ - بهشت ، پاداش خدا به مؤمنان نیک کردار

إنّ اللّه یدخل الذین ءامنوا و عملوا الصلحت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۶ - ۴

۴ - بهشت ، پاداشت مؤمنان نیک کردار

فالذین ءامنوا و عملوا الصلحت فی جنّت النعیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۴

۳ - صبر مضاعف اهل ایمان در برابر فشار های زیاد ایمان سوزان ، در پی دارنده پاداش مضاعف از سوی خدای سبحان است .

أُولئک یؤتون أجرهم مرّتین بما صبروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۳ - ۱۰

۱۰ - فلسفه آزمودن مؤمنان ، مشخص شدن مؤمنان راستین ، جهت پاداش دهی خداوند به آنان است .

و لقد فتنّا . .. فلیعلمنّ اللّه الذین صدقوا

برداشت بالا، بنابر این احتمال است که تحقق عینی علم خداوند در آزمودن مؤمنان، به منظور اعطای پاداش به آنان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۷ - ۸

۸ - اعطای پاداش به مؤمنان ، پس از چشم پوشی از لغزش ها و گناهان آنان است .

و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت لنکفّرنّ عنهم . .. و لنجزینّهم

ذکر جزا پس از ذکر پوشاندن گناهان (تکفیر)، می تواند به جهت نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۱ - ۶

۶ - وعده خداوند ، به برخورداری مؤمنان از پاداش ; و کیفر شدن منافقان

و لیعلمنّ اللّه الذین ءامنوا و لیعلمنّ المنفقین

مراد از علم خداوند به مؤمنان و منافقان، پاداش و کیفر دادن به آنها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۵۸ - ۱،۱۰

۱ - خداوند ، بهشت را ، برای مؤمنان دارای عمل صالح ، تضمین کرده است .

و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت لنبوّئنّهم من الجنّه غرفًا

لام تأکید و نون ثقیله در <لنبوّئنّ>

دلالت بر ضمانت می کند.

۱۰ – بهشت جاودان ، برای مؤمنانِ دارای عمل صالح ، پاداشی نیکو است .

و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت لنبوّئنّهم من الجنّه . .. خلدین فیها نعم أجر ال

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۱۵ – ۱

۱ – بوستان عظیم بهشتی ، پاداش مؤمنان نیک کردار است .

فأمّا الذین ءامنوا و عملوا الصلحت فهم فی روضه

نکره آورده شدن <روضه> دلالت بر عظمت آن می کند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۴۵ – ۱،۴

۱ – خداوند پاداش دهنده مؤمنانِ دارای عمل صالح در قیامت

لیجزی الذین ءامنوا و عملوا الصلحت

۴ – پاداش دهی خداوند به مؤمنانِ دارای عمل صالح ، فراتر از استحقاق عمل آنها است .

لیجزی الذین ءامنوا . .. من فضله

ذکر <من فضـله> برای بیان این نکته است که پاداش در نظر گرفته شده برای مؤمنان، براساس استحقاق نیست، بلکه فزون تر از آن است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۸ – ۱،۲

۱ – بهشت های سرشار از نعمت ، پاداش مؤمنانِ دارای اعمال صالح است .

إنّ الذین ءامنوا . .. لهم جنّت النعیم

۲ - مؤمنان به آیات خدا و انجام دهندگان عمل صالح ، جایگاه شان بهشت است .

إنّ الذین ءامنوا و عملوا الصلحت لهم جنّت النعیم

به قرینه مقابله با آیه قبل، متعلق <آمنوا> در این آیه کسانی اند که به آیات الهی ایمان آورده اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۹ -

۱ – جاودانگی در بهشت سراسر نعمت ، پاداش مؤمنان دارای عمل صالح است .

إنّ الذین ءامنوا . .. جنّت النعیم خلدین فیها

۳ – وعده خداوند به پاداش مؤمنان و کیفر معرضان از آیات خدا ، وعده ای حق و تخلّف ناپذیر است .

فبشّره بعذاب ألیم . .. لهم جنّت النعیم ... وعد اللّه حقًّا

<وعد> مفعول مطلق و <حقّاً> تأکید آن است و دلالت بر حقانیت و تخلّف ناپذیری آن می کند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – سجده – ۳۲ – ۱۷ – ۱،۴

۱ – هیچ کس ، توان ندارد ارزش و اهمیت پاداش های الهی را برای مؤمنان راستین ، درک کند .

فلاتعلم نفس ما أُخفی لهم من قرّه أعین

<نَفْس> شامل هر صاحب حیاتی از جمله انسان ها و ملائکه می شود. سیاق نفی مفید عموم است.

۴ – نعمت های عظیم اخروی ، پاداش عمل مستمر خود مؤمنان است که در دنیا انجام می دهند .

فلاتعلم نفس ما أُخفی لهم من قرّه أعین جزاء بما کانوا یعملون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – سجده – ۳۲ – ۱۸ – ۱

۱ – برابر نبودن مؤمن و فاسق ، در نظام پاداش الهی ، امری بدیهی و خدشه ناپذیر است .

أفمن کان مؤمنًا کمن کان فاسقًا لایستوون

همزه <أفمن. ..> استفهام انکاری است و <لایستوون> نیز بر آن تأکید بیشتری می کند. گفتنی است: <کاف> در <کمن> تشبیه در جزا است و به قرینه آیات سابق و آیات بعدی (۱۹ و ۲۰)، مراد از نفی تساوی، می تواند عدم تساوی در پاداش و جزا باشد.

جلد – نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۹ - ۱،۴،۵

۱ - باغ های بهشتی مهیّا برای پذیرایی ، پاداش مؤمنان نیک کردار است .

أمّا الذین ءامنوا و عملوا الصلحت فلهم جنّت المأوی نزلاً

۴ - باغ های بهشت ، تنها به عنوان پیش پذیرایی از مؤمنان نیک کردار است و نه پاداش کامل آنان .

فلهم جنّت المأوی نزلاً

<نزل> در لغت به چیزی گفته می شود که برای مهمان تهیه و آماده می شود (مفردات راغب). لازم به ذکر است که <نزلاً> حال برای <جنّات> و مفید معنای یاد شده است.

۵ - پیشکش باغ های بهشت به مؤمنان نیک کردار ، پاداشی فوق تصور و روشنی بخش دیده آنان است .

فلاتعلم نفس ما أُخفی لهم من قرّه أعین . .. فلهم جنّت المأوی نزلاً

جمله <فلهم جنّات المأوی. ..> می تواند تأکیدی بر <ما أُخفی لهم...> و نیز نمادی از آنچه در خفا، برای مؤمنان در نظر گرفته شده، باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۸ - ۱

۱ - فلسفه پیمان گرفتن خداوند از پیامبران ، پاداش دادن به مؤمنان و کیفر دادن به کافران است .

و إذا أخذنا من النبیّن میثقهم . .. لیسئل الصدقین عن صدقهم ... و أعدّ للکفرین

<لام> در <لیسئل. ..> لام تعلیل یا لام غایت است. مراد از <الصادقین> به قرینه مقابله با <الکافرین> مؤمنان اند. لازم به ذکر است که برداشت بالا، علاوه بر نکته یاد شده مبتنی بر این است که مرجع ضمیر در <صدقهم> واژه <الصادقین> باشد و علت پرسش از صداقت مؤمنان، پاداش دادن

به آنها است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۴۴ - ۵،۶

۵ - خداوند ، برای مؤمنان ، پیشاپیش ، پاداشی بزرگوارانه تدارک دیده است .

و أعدّ لهم أجرًا کریمًا

۶ - تدارک پاداش کریمانه برای مؤمنان از سوی خداوند ، ناشی از رحمت او به آنها است .

و کان بالمؤمنین رحیمًا . .. و أعدّ لهم أجرًا کریمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۴۷ - ۲

۲ - پاداش ایمان مؤمنان ، از فضل خداوندی است .

و بشّر المؤمنین بأنّ لهم من اللّه فضلاً کبیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۷ - ۲

۲ - مؤمنانِ دارای عمل صالح ، شایسته غفران و پاداش الهی اند .

و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت لهم مغفره و أجر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۸ - ۲

۲ - خداوند در پاداش دادن به مؤمنان نیک کردار ، هیچ گونه منّتی بر آنان نخواهد گذاشت .

إنّ الذین ءامنوا و عملوا الصلحت لهم أجر غیر ممنون

برداشت بالا مبتنی بر این نکته است که <ممنون> از ماده <منت> اشتقاق یافته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۳۱ - ۶

۶ - توحید و استقامت در راه ایمان ، در پی دارنده بهشت و نعمت های گسترده برای مؤمنان

إنّ الذین قالوا ربّنا اللّه ثمّ استقموا . .. و لکم فیها ما تشتهی أنفسکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۲ – ۱۳

۱۳– آمرزش گناهان و سامان یافتن شؤون حیات ، پاداش الهی به مؤمنان صالح پیرو قرآن

و الذین ءامنوا . .. کفّر عنهم سیّئاتهم و أصلح بالهم

<أصلح بالهم> یا به معنای اصلاح مطلق شؤون زندگی و یا اصلاح قلب و دل مؤمنان است، برداشت یاد شده براساس معنای اول است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۳۶ – ۱۰

۱۰– پاداش الهی به مؤمنان متقی ، به گونه ای رایگان و نه در قبال درخواست مال از ایشان

یؤتکم أجورکم و لایسئلکم أمولکم

<لایسئلکم أموالکم> در رابطه با جمله <یؤتکم أجورکم> است و دفع دخل مقدّر می کند; یعنی، خداوند در قبال پاداش های خود، چیزی جز ایمان و تقوا از شما انتظار ندارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۵ – ۳،۴

۳ – علم و حکمت الهی ، پشتوانه پاداش او به اهل ایمان *

و کان اللّه علیمًا حکیمًا . لیدخل المؤمنین و المؤمنت جنّت

در صورتی که میان ذیل آیه قبل (کان اللّه. ..) با <لیدخل...> ارتباطی لحاظ شود، مطلب بالا را می توان نتیجه گرفت.

۴ – ایمان ، معیار داوری خداوند درباره انسان و پاداش به مردان و زنان

لیدخل المؤمنین و المؤمنت جنّت

وصف <المؤمنین و المؤمنات>، مُشعر به علیّت است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۱۹ – ۳

۳ – پاداش های مادی و معنوی خداوند ، به مؤمنان وفادار و مورد رضایت خویش

لقد رضی اللّه . .. فأنزل السکینه علیهم ... و مغانم کثیره

يأخذونها

<أنزل السكينه> اشاره به پاداش معنوى و <مغانم. ..> نظر به پاداش هاى مادى دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۴ - ۱۰

۱۰ - امداد هاى الهى در حق مؤمنان ، پاداشى به عملكرد شايسته آنان در جريان حديبيه *

و كان اللّه بما تعملون بصيرًا

ارتباط <كان اللّه. ..> با صدر آيه، نتيجه مى دهد كه الطاف الهى در حق اهل ايمان، از آن جهت صورت گرفته است كه خداوند بر اعمال گذشته آنان، نظارت عميق داشته و ايشان را شايسته آن موهبت ها دانسته است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۴۴

۴۴- آميختگى ايمان و عمل صالح ، شرط برخوردارى مؤمنان از مغفرت و پاداش عظيم الهى

الذين ءامنوا و عملوا الصلحت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۳ - ۱۰

۱۰ پاداش هاى الهى به مؤمنان ، داراى مراتب

أجر عظيم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۴ - ۱۹

۱۹ - پاداش كامل اعمال مؤمنان ، جلوه رحمت خاص الهى به اهل ايمان

لايلتكم من أعملكم شيئًا إنّ اللّه . .. رحيم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۲ - ۳

۳ - مؤمنان به تناسب عملکرد خویش ، برخوردار از بهشت های متفاوت *

و لمن خاف مقام ربّه جنّتان . .. و من دونهما جنّتان

در صورتی که <دونهما> به معنای مرتبه پایین تر باشد، احتمال می رود که دو بهشت قبل مخصوص خائفان و

این دو بهشت فروتر، از آنِ کسانی باشد که در مرتبه پایین تر قرار دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۷ - ۱۳

۱۳ - وعده پاداش بزرگ از سوی خداوند به مؤمنان انفاقگر

فالذین ءامنوا منکم و أنفقوا لهم أجر کبیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۱ - ۵

۵ - خداوند ، در قبال وامی که مؤمنان به او می دهند (انفاق در راه او) ، دو پاداش می دهد : پاداشی در دنیا و پاداشی در آخرت .

من ذا الذی یقرض اللّه . .. فیضعفه له و له أجر کریم

برداشت یاد شده بدان احتمال است که جمله <فیضاعفه له>، ناظر به پاداش دنیوی و جمله <و له أجر کریم> ناظر به پاداش اخروی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۹ - ۱۵

۱۵ - < فی المجمع بعد ذکر هذه الأیه < لهم أجرهم و نورهم > أی لهم ثواب طاعاتهم و نور إیمانهم الذی یهتدون به إلی طریق الجنّه . . . رواه البراء بن عازب عن النبی (ص) ؛

در مجمع البیان بعد از ذکر آیه <لهم أجرهم و نورهم> آمده است: مقصود این است که برای آنان است پاداش طاعت و نور ایمانشان که به وسیله آن به راه بهشت هدایت می شوند و این معنا را براءبن عازب از نبی اکرم(ص) روایت نموده است>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۱ - ۴

۴ -

پاداش مؤمنان عمل کننده به توصیه الهی (توصیه به جا باز کردن برای دیگران در مجالس) ، حل مشکلات و گشایش در امور زندگی آنان از سوی خداوند است .

فافسحوا یفسح اللّه لکم

در صورتی که مراد از <یفسح اللّه>، پاداش دنیوی باشد برداشت بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۵ - ۷

۷ - توجه و ایمان به پاداش بزرگ الهی برای مؤمنان ، بازدارنده انسان از وابستگی به اموال و اولاد و گناه به خاطر آنها

و اللّه عنده أجر عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۳ - ۴

۴ - در دیدگاه مؤمنان جن ، ایمان آورندگان به ربوبیت خدای یکتا ، از نقصان حق خویش و یا ستم شدن در مجازات ، بیم نداشته و در امان اند .

فمن یؤمن بربّه فلایخاف بخسًا و لا رهقًا

<رَهَق> در معانی <سفاهت>، <گناه>، <کذب>و <ظلم> به کار می رود; ولی در این آیه معنای اخیر مراد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۱ - ۴

۴ - مؤمنانی که زیر شکنجه کافران جان دادند و در آتش آنان سوختند ، مالک بوستان های بهشت خواهند شد .

إنّ الذین ءامنوا و عملوا الصلحت لهم جنّت

ارتباط این آیه با آیه قبل، بیانگر برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۶ - ۶

۶ – مؤمنان داراىِ عمل صالح ، از پاداشى بزرگ برخوردار خواهند شد .

إلّا الذين ءامنوا و

عملوا الصلحت فلهم أجر غير ممنون

نکره بودن <أجر>، بر عظمت آن دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۸ - ۱،۲

۱ - استقرار در باغ های بهشت و جاودانگی در آن ، پاداش تضمین شده خداوند برای مؤمنان نیکوکردار

الذین ءامنوا و عملوا الصلحت . .. جزاؤهم عند ربّهم جنّت عدن تجری من تحتها الأن

۲ - پاداشِ مؤمنان شایسته کردار ، جلوه ربوبیت خداوند بر آنان است .

عند ربّهم

پاداش مؤمنان اهل کتاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۵۴ - ۱،۲

۱ - وعده دوبار اجر (اجر مضاعف) از سوی خداوند ، به ایمان آوردگان از اهل کتاب

الذین ءاتینهم الکتب . .. أُولئک یؤتون أجرهم مرّتین

مفسران، تعبیر <مرّتین> را کنایه از اجر مضاعف دانسته اند.

۲ - صبر و بردباری ایمان آوردگان از اهل کتاب ، در برابر فشار های هم کیشان سابق خود و نیز تحمل آزار های مشرکان ، عامل برخوردار شدن آنان از اجر دو برابر الهی

أُولئک یؤتون أجرهم مرّتین بما صبروا

<باء> در <بما صبروا> سببیه و <ما> مصدریه است; یعنی، <بسبب صبرهم>. گفتنی است در این که اشخاص مورد بحث در برابر چه چیزی از خود صبر و تحمل نشان دادند، چند نظر اظهار شده است; از جمله آنها صبر آنان در برابر فشار اهل کتاب و مشرکان می باشد. برداشت یاد شده بر پایه همین احتمال است.

پاداش مؤمنان صابر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۵۵ – ۱۲

۱۲ – مؤمنانی که بر دشواری ها

و سختی های راه ایمان صبر کنند ، از پاداشی گرانقدر برخوردار خواهند شد .

و بشر الصبرین

نیاوردن متعلق بشارت و مشخص نکردن مژدگانی صابران، به فخامت و ارجمندی آن اشاره دارد. (اقتباس از المیزان).

پاداش مؤمنان صالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۷ - ۷

۷- خداوند ، پاداش دهنده مؤمنان نیک کردار بر اساس بهترین عمل آنان

من عمل صلحًا . .. و هو مؤمن ... و لنجزینّهم أجرهم بأحسن ما کانوا یعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹ - ۵

۵- مؤمنانی که همواره به کردار نیک مشغولند ، از پاداشی بزرگ برخوردارند .

و یبشّر المؤمنین الذین یعملون الصلحت أن لهم أجرًا کبیرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲ - ۵،۱۰

۵- قرآن ، بشارت دهنده مؤمنانِ نیک کردار ، به پاداشی شایسته و عظیم

و یبشّر المؤمنین الذین یعملون الصلحت أنّ لهم أجرًا حسنًا

نکره آوردن <أجراً> برای بیان عظمت آن است.

۱۰- مؤمنانِ دارای اَعمال صالح ، از پاداشی نیک برخوردار خواهند شد .

و یبشّر المؤمنین الذین یعملون الصلحت أنّ لهم أجرًا حسنًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۶۰ – ۱۰

۱۰– بهشت ، پاداش کامل مؤمنانی که کردار نیک داشته و از کار های بد توبه کنند .

فأُولئک یدخلون الجنّه و لایظلمون شیئًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۲۳ – ۲

۲ – بهشت ، پاداش خداوند به مؤمنان نیک کردار

إنّ اللّه یدخل الذین

ءامنوا و عملوا الصلحت جنّت

پاداش مؤمنان مهاجر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۵۷ – ۶

۶ – وعده خداوند ، به مؤمنان مهاجری که درصدد حفظ ارزش های دین خود بودند ، مبنی بر برخوردار کردنشان از پاداش

إنّ أرضی وسعه . .. کلّ نفس ذائقه الموت ثمّ إلینا ترجعون

برداشت بالاـ بنـابراین است که <ثم إلینـا ترجعون> کنایه از اعطای پاداش به مؤمنان و مؤاخـذه کافران باشـد. در این آیه، به قرینه مقام، پاداش دهی، به مؤمنان مهاجر است.

پاداش مهاجران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۹۵ – ۲۱

۲۱ پاداش مهاجران ، آوارگان ، آزاردیدگان در راه خدا ، مجاهدان و شهیدان ، تضمین شده از سوی خداوند

انّی لا اضیع عمل عامل منکم . .. فالّذین هاجروا و اخرجوا من دیارهم و اوذوا فی سبی

لام قسم و نون تأکید در <لاکفّرنّ> و در <لادخلنّ> دلالت بر تأکید و تضمین پاداش دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۲۲ – ۳،۴،۶

۳ نعمت های جاودان اخروی ، اجرت و مزدی است در برابر عملکرد مؤمنان مهاجر و مجاهد .

الذین ءامنوا و هاجروا و جهدوا . .. جنت لهم ... خلدین فیها أبداً إن اللّه عنده أج

<أجر> اجرت و مزد در برابر عمل است.

۴ پاداش خداوند به مؤمنان مهاجر و مجاهد ، پاداشی بزرگ است .

الذين ءامنوا و هاجروا و جهدوا . .. إن اللّه عنده أجر عظيم

۶ مؤمنان مهاجر و مجاهد ، علاوه بر بهره مندی از

رحمت و رضوان الهی و بهشت ، از پاداشی ویژه و بزرگ در پیشگاه خداوند برخوردارند .

الذین ءامنوا و هاجروا و جهدوا . .. و جنت ... إن اللّه عنده أجر عظیم

قرار گرفتن جمله <إن اللّه عنده أجر عظیم> که دارای معنانی عام و کلی است پس از ذکر پاداشهای گوناگون مؤمنانِ مهاجر و مجاهد، می تواند گویای برداشت فوق باشد.

پاداش مهتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۷ - ۶،۷،۸

۶ پاداش هدایت یافتگان در نزد پروردگارشان تضمین شده است.

و من یرد الله . .. لهم دارالسلم عند ربهم

۷ پاداش دادن به هدایت یافتگان هشیار و متذکر، از شؤون ربوبیت خداوند است.

لهم دارالسلم عند ربهم

۸ دارالسلام (بهشت و جایگاه امن الهی) پاداش کردار مستمر هدایت یافتگان است.

لهم دارالسلم . .. بما کانوا یعملون

پاداش نذر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۷۰ - ۲

۲ پاداش الهی به انفاق ها و نذر های بندگان ، هر چند اندک باشد .

و ما انفقتم من نفقه . .. فانّ اللّه یعلمه

توجه دادن به علم خداوند بر اعمال بندگان کنایه از پاداش الهی در برابر آن اعمال است.

پاداش نماز

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۷۰ – ۳

۳ چنگ زدن به کتاب های آسمانی و برپا داشتن نماز ، دارای پاداشی تضمین شده از جانب خداوند

و الذین یمسکون بالکتب . .. إنا لانضیع أجر المصلحین

پاداش نماز به بیت المقدس

جلد – نام سوره – سوره –

آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۴۳ – ۲۵

۲۵ – نمازهایی که پیش از تغییر قبله به سمت بیت المقدس خوانده شده بود ، مورد پذیرش خدا بوده و اجرش ضایع نخواهد شد .

و ما کان اللّه لیضیع إیمنکم

تغییر قبله یا نوید به تغییر آن، این پرسش را برای مسلمانان در پی داشت که: نمازها و عبادتهای انجام شده به سوی بیت المقدس آیا محکوم به بطلان است. جمله <و ما کان ...> پاسخ به این پرسش می باشد.

پاداش نماز جمعه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – جمعه – ۶۲ – ۱۱ – ۸

۸ – ثواب نماز جمعه ، بسی برتر و بالاتر از درآمد های مادی و لذت های دنیوی است .

قل ما عند اللّه خیر من اللهو و من التجره

پاداش نمازگزاران جمعه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – جمعه – ۶۲ – ۱۱ – ۹

۹ – ثواب نماز جمعه ، برای برپادارندگان آن ، در نزد خداوند محفوظ است .

قل ما عند اللّه خیر

پاداش نوح(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۸۴ – ۱۱

۱۱ کثرت انبیا(ع) از نسل نوح، پاداش نیل او به مقام نیکوکاران است.

و نوحا هدينا من قبل و من ذريته . .. و كذلك نجزى المحسنين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸۰ - ۳

۳ - اجابت دعا ، نجات از مشكلاتِ اندوه بار ، باقى ماندن نسل و نام نيك و تحيت الهى ، از پاداش هاى خداوند به

حضرت نوح (ع)

و لقد نادینا نوح فلنعم المجیبون . .. سلم علی نوح فی العلمین . إنّا کذلک نجزی ا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – قمر – ۵۴ – ۱۴ – ۳

۳ – نجات نوح (ع) و حمایت خداوند از ایشان ، پاداش صبر آن حضرت در قبال ناسپاسی های قومش

تجری بأعیننا جزاء لمن کان کفر

مراد از <لمن کان کفر> نوح است که مورد کفران مستمر قومش قرار گرفته بود و الطاف الهی در حق ایشان پاداش شکیبایی های آن حضرت می باشد.

پاداش نهی از منکر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۷۲ – ۱۵

۱۵ بهشت جاودان ، بوستان های پوشیده از درخت ، خانه های دلپذیر و خشنودی خدا ، پاداش الهی به مؤمنان در برابر امر به معروف و نهی از منکر ، اقامه نماز ، پرداخت زکات و اطاعت از خدا و رسول (ص)

و المؤمنون و المؤمنت . .. یأمرون بالمعروف ... و یطیعون اللّه و رسوله ... وعد الل

پاداش نیت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۹۹ – ۴

۴ اعمال و نیات پنهان و آشکار آدمی مورد محاسبه و جزاء و پاداش الهی

و اللّه یعلم ما تبدون و ما تکتمون

بیان آگاهی خداوند بر آشکار و نهان انسان هشداری است به بندگان که اعمال و رفتار و نیز نیات و حالات آنان محاسبه خواهد شد. و به مقتضای آن به پاداش و یا سزای لازم خواهند رسید.

پاداش نیکان

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۱۹۷ - ۷

۷ ضمانت پاداش نیکوکاران از سوی خداوند

و ما تفعلوا من خیر یعلمه اللّه

جمله <یعلمه اللّه>، علاوه بر بیان احاطه علمی خداوند به کارهای نیک بندگان، کنایه از ضمانت پاداش در قبال نیکوکاری آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۸ - ۱۴،۱۵،۱۶

۱۴ بهترین پاداش الهی ، از آنِ ابرار و نیکان است .

و ما عند اللّه خیر للابرار

برداشت فوق بر این مبناست که <للابرار>، خبر دوّم برای <ما>ی موصوله باشد، نه متعلّق به <خیر>.

۱۵ پاداش ابرار ، پاداشی عظیم ، توصیف ناپذیر و برتر از بهشت و مواهب آن می باشد .

و ما عند اللّه خیر للابرار

مراد از <ما عند اللّه>، می تواند پاداشی غیر از بهشت و مواهب آن باشد و بیان آن به صورت مبهم، حاکی از عظمت و وصف ناپذیری آن است.

۱۶ پاداش اصلی و برتر نیکان و ابرار ، در پیشگاه خداوند است .

و نزلا من عند اللّه و ما عند اللّه خیر للابرار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۷ - ۲۶

۲۶ بشارت خداوند به برخورداری نیکوکاران از پاداش

و ما تفعلوا من خیر فإنّ اللّه کان به علیماً

بیان آگاهی خداوند به اعمال نیک، کنایه از پاداش دهی در برابر آنهاست.

پاداش نیکو

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۲ – ۱۰

۱۰– مؤمنانِ دارای اَعمال صالح ، از پاداشی نیک برخوردار خواهند شد .

و یبشّر المؤمنین

الذین یعملون الصلحت أنّ لهم أجرًا حسنًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۳ – ۵

۵- پاداش جاودانه ، اجری نیکو است .

أجرًا حسنًا . مکثین فیه أبدًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۱۰ – ۹،۸

۸ – احسان ، مقتضی پاداش نیک است .

للذین أحسنوا فی هذه الدنیا حسنه

۹ – احسان در دنیا ، درپی دارنده پاداش نیک و بزرگ الهی در جهان آخرت

للذین أحسنوا فی هذه الدنیا حسنه

برداشت بالا بر این اساس مبتنی است که <فی هذه الدنیا> متعلق به <أحسنوا> و ظرف برای آن باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حدید – ۵۷ – ۱۰ – ۲۳

۲۳ – پاداش الهی به مجاهدان و انفاق گران در راه خدا ، بهترین و نیکوترین پاداش است .

و کلاًّ وعد اللّه الحسنی

<حسنی> (مؤنث <أحسن>)، به معنای نیکوتر است. گفتنی است که <الحسنی>، صفت برای موصوف محذوف است; یعنی، <و کلاًّ وعد اللّه المثوبه الحسنی>.

پاداش نیکوکاران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۴۳ – ۸

۸ نهر های جاری بهشت ، پاداش مؤمنان نیک کردار

تجری من تحتهم الأنهر

پاداش نیکی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۳۶ – ۸

۸ آمرزش الهی و بهشت جاودان ، پاداش انفاق در توانگری و تنگدستی و فرو خوردن خشم و گذشت از خطای دیگران

الّذین ینفقون فی السّرّاء و الضّرّاء . .. اولئک جزآؤهم مغفره من ربّهم و جنّات

جلد – نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۴۰ – ۶

۶ – عفو و اغماض از خطای دیگران و اصلاح بدی آنان با نیکی و گذشت ، موجب اجر و پاداش ویژه خداوند است .

و جزؤا سیّئه سیّئه مثلها فمن عفا و أصلح فأجره علی اللّه

پاداش وارثان قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۳۳ – ۳

۳ – پیشگامان در انجام کار های خیر و وارثان قرآن کریم ، بهره مند از بهشت پاینده

جنّت عدن یدخلونها

پاداش وصیت به عمل صالح

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مزمل – ۷۳ – ۲۰ – ۳۴

۳۴ – انجام هر کار خیری در حیات خویش ، دارای برتری و پاداشی افزون تر از انجام آن پس از مرگ به وسیله وارثان و یا از طریق وصیت است .

و ما تقدّموا لأنفسکم من خیر تجدوه عند اللّه هو خیرًا و أعظم أجرًا

برخی از مفسران بر آنند که به قرینه <ما تقدّموا. ..>، جمله ای مانند <من الذی تأخّرونه إلی الوصیه عند الموت> در تقدیر است.

پاداش وفاداران به عهد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۹۵ – ۸

۸– وفا کنندگان به عهد الهی ، دارای پاداشی محفوظ نزد خداوند

و لاتشتروا بعهد الله . .. إنما عند الله هو خير لكم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۲۴ – ۲

۲ – خداوند ، مؤمنان وفادار به عهد خود را پاداش خواهد داد .

رجال صدقوا ما عهدوا اللّه

علیه . .. لیجزی اللّه الصدقین بصدقهم

پاداش وفای به عهد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۲ – ۲۸

۲۸ عمل کنندگان به میثاق و فرمان های الهی ; هر یک بهره مند از بهشتی خاص هستند .

لقد اخذ اللّه میثق . .. لئن اقمتم الصلوه ... لادخلنکم جنت

بهره گیری عمل کنندگان به فرمانهای الهی از بهشتهای متعدد (جنت)، می تواند به این صورت باشد که هر کس به بهشت مخصوص خویش راه می یابد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۲۳ – ۲

۲ بهشت عدن ، پاداش وفا کردن به پیمان های الهی ، نشکستن عهد ها و برقرار کردن پیوندهایی که خدا به برقراری آن امر کرده است .

الذین یوفون بعهد الله . .. أُولئک لهم عقبی الدار. جنّت عدن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۱۰ – ۱۰

۱۰ – پاداش عظیم الهی ، به وفاکنندگان به پیمان خویش با خداوند و پیامبر (ص)

و من أوفی . .. فسیؤتیه أجرًا عظیمًا

پاداش ولایت اهل بیت(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – تکاثر – ۱۰۲ – ۸ – ۱۰

۱۰ – < قال الرضا (ع) و لقد حدثنی أبی عن أبیه أبی عبداللّه الصادق (ع) . . . قال : إنّ اللّه عزّوجلّ لایسئل عباده عمّا

تفضّل عليهم و لا يمنّ بذلك عليهم و الإمتنان بالإنعام مستقبح من المخلوقين فكيف يضاف إلى الخالق عزّوجلّ ما لايرضى المخلوق به و لكنّ النعيم

حبّنا أهل البيت و موالاتنا يسئل اللّه عباده عنه بعد التوحيد و النبّوه لأنّ العبد إذا وفى بذلك ادّاه إلى نعيم الجنّه الذى لايزول ;

امام رضا(ع) فرمود: پـدرم از پـدر خويش از امام صادق(ع) براى من روايت كرده است كه فرمود: خداى عزّوجلّ درباره آنچه به بنـدگانش تفضل كرده است، از آنها بازخواست نمى كند و با اين كار بر آنان منّت نمى گذارد. منّت نهادن به جهت نعمت بخشـيدن، از جـانب مخلوق ها كار زشتى است; پس چگونه به خالق عزّوجلّ چيزى نسـبت داده مى شود كه مخلوق از نسـبت دادن آن ناخشـنود است؟! ولى نعيم [در آيه <ثمّ لتسئلنّ يومئذ عن النعيم>] محبت ما اهل بيت و [پذيرش]ولايت ما است كه خداونـد همه بنـدگان را بعد از توحيد و نبّوت، از آن بازخواست خواهد كرد; زيرا بنده اگر به آن نعمت وفادار باشد، او را به نعمت هاى بهشت كه هرگز زايل نمى شود خواهد رساند>.

پاداش هابيل

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۲۷ - ۱۰

۱۰ هابيل سزاوار و شايسته بهره مندى از پاداش هاى الهى با پذيرفته شدن قربانى وى

فتقبل من احدهما

<تقبل> به پذيرفته شدنى اطلاق مى گردد كه مقتضى پاداش باشد. (مفردات راغب)

پاداش هارون(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۲۱ - ۳

۳ - نجـات موسـى و هارون (عليهماالسـلام) و قوم شان از انـدوهى بزرگ ، اعطاى كتاب آسـمانى و باقى مانـدن نام و آوازه نيك آنان ، از پاداش هاى خداوند به ايشان

و نجّينهما و قومهما من الكرب

العظیم . .. إنّا کذلک نجزی المحسنین

پاداش هجرت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۹۵ – ۱۹،۲۰

۱۹ بخشش گناهان و دخول در بهشت ، پاداش بزرگ الهی ، برای هجرت ، آوارگی ، آزار دیدن در راه خدا و جهاد و شهادت

فالّذین هاجروا و اخرجوا من دیارهم و اوذوا فی سبیلی و قاتلوا و قتلوا لاکفّرنّ عنه

۲۰ آمرزش گناهان و بهشت ، پاداش خداوند به هجرت کنندگان از شرک و کفر *

فالّذین هاجروا و اخرجوا من دیارهم . .. لاکفّرنّ عنهم سیّاتهم و لادخلنّهم جنّات

می توان گفت مراد از هجرت به قرینه ادامه آیه (اخرجوا من دیارهم)، هجرتی است که رانده شدن از خانه و کاشانه را در پی داشته باشد. و این هجرت همان ترک شرک و کفر است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۶۷ – ۳

۳ جانبازی و هجرت (تحمل مشکلات و فداکاری در راه خدا) ، موجب اجر بزرگ الهی *

و لو انّهم فعلوا ما یوعظون به . .. و اذاً لأَتیناهم من لدنّا اجراً عظیماً

بنابر اینکه مراد از <ما یوعظون>، همان جهاد و هجرت باشد که در آیه قبل مطرح شد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۱۰۰ – ۱۰،۱۲،۱۸،۱۹

۱۰ خداوند ، تضمین کننده پاداش کسانی که در مسیر هجرت با مرگ مواجه شوند .

و من یخرج من بیته مهاجراً الی اللّه و رسوله ثم یدرکه الموت فقد وقع اجره علی اللّ

۱۲ هجرت به سوی خدا و

رسول (ص) ، موجب برخورداری از اجر و پاداش الهی

و من یخرج من بیته مهاجراً الی اللّه و رسوله . .. فقد وقع اجره علی اللّه

۱۸ مهاجران به سوی خدا و رسول (ص) ، مشمول غفران و رحمت خاصّ الهی هستند .

و من یهاجر . .. فقد وقع اجره علی اللّه و کان اللّه غفوراً رحیماً

۱۹ سفر برای شناخت رهبر ، هجرت در راه خدا و مرگ در آن سفر ، در پی دارنده پاداش الهی است .

و من یخرج من بیته مهاجراً الی اللّه و رسوله ثم یدرکه الموت فقد وقع اجره علی اللّ

امام صادق (ع) درباره کسی که در سفر برای شناخت رهبر از دنیا برود فرمود: انّ اللّه عزّ و جل یقول: و من یخرج من بیته مهاجراً الی اللّه و رسوله ثم یدرکه الموت فقد وقع اجره علی اللّه. .. .

اصول کافی، ج ۱، ص ۳۷۸، ح ۲ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۴۰، ح ۵۲۲.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۱ - ۵

۵ برخورداری از باغ ها و بوستان های متعدد بهشت ، از ثمرات ایمان ، هجرت و جهاد در راه خدا

الذین ءامنوا و هاجروا و جهدوا فی سبیل اللّه . .. یبشرهم ربهم ... و جنت

پاداش هدایتگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۷ - ۳

۳ - خدا ، ضامن پاداش هدایت گران و مبلغان مخلص دین

و ما أسئلکم . .. إن أجری إلاّ علی ربّ العلمین

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۴۵ – ۳

۳ – خدا ، ضامن پاداش هدایتگران و مبلغان مخلص دین

إن أجری إلّا علی ربّ العلمین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۶۴ – ۳

۳ – خداوند ، ضامن پاداش هدایت گران و مبلغان مخلص دین

إن أجری إلّا علی ربّ العلمین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۸۰ – ۳

۳ – خدا ، ضامن پاداش هدایت گران و مبلغان مخلص دین است .

إن أجری إلّا علی ربّ العلمین

پاداش همسر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۵۰ – ۵

۵ – مهریه زنان ، به منزله پاداشی برای آنان است .

ءاتیت أجورهنّ

مراد از <اُجور> طبق گفته مفسران، مهریه های زنان است. تعبیر از <صداق> به <اُجور> نکته یاد شده را می رساند.

پاداش همسران محمد(ص)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۹ - ۱،۲،۸

۱ - پیامبر (ص) ، مأمور بود که به همسران خود بگوید در صورتی که آنان ، خداخواهی و آخرت طلبی را پیشه کنند ، خداوند آنان را پاداشی عظیم خواهد داد .

قل لأزوجك . .. و إن کنتنّ تردن اللّه و رسوله و الدار الأخره فإنّ اللّه أعدّ للمح

۲ - برخورداری همسران پیامبر از پاداش عظیم خداوند ، مشروط به خداخواهی و در پی پیامبر (ص) بودن و آخرت طلبی و نیکوکار بودنشان

و إن کنتنّ تردن اللّه و رسوله و الدار الأخره فإنّ اللّه أعدّ للمحسنت

منكنّ أجرًا

۸ - خداوند ، خود برای همسران نیکوکار پیامبر (ص) که آن حضرت را بر دنیا ترجیح بدهند ، پیشاپیش پاداشی عظیم فراهم کرده است .

فإنّ اللّه أعدّ للمحسنت منكنّ أجرًا عظيمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۰ - ۷

۷ - < عن أبی جعفر (ع) قال : أجرها مرّتين و العذاب ضعفين كلّ هذا فی الأخره حيث يكون الأجر يكون العذاب . . . ;

از امام باقر(ع) روایت شده که فرمود: پاداش دو برابر برای زنان پیغمبر، و عذاب دو برابر، هر دو در آخرت است. عذاب، در همان جا است که پاداش هست>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۱ - ۱،۶،۷

۱ - خداوند ، به همسران پیامبر ، در صورت اطاعت خاضعانه آنان از خدا و پیامبر (ص) و انجام عمل صالح ، وعده پاداش دوچندان داده است .

و من يقنت منكنّ للّه و رسوله و تعمل صلحًا نؤتها أجرها مرّتين

<قنوت> (مصدر <یقنت>) به معنای <اطاعت خاضعانه> است (مفردات راغب).

۶ - برخورداری همسران پیامبر از پاداش مضاعف الهی ، منوط به تداوم اطاعت و انجام دادن عمل صالح از سوی آنها است .

و من يقنت منكنّ . .. و تعمل صلحًا نؤتها أجرها مرّتين

فعل مضارع <یقنت> و <تعمل> استمرار را می رساند.

۷ - اعطای پاداش مضاعف به همسران پیامبر در قبال عمل صالح شان ، نمودی از رحمت خداوند است .

و من يقنت منكنّ . .. نؤتها ... و أعتدنا لها رزقًا كريمًا

این که خداوند، به هنگام هشدار

به همسران پیامبر در آیه پیش، برای عذاب، عذاب کننده ای را نیاورده و تنها فرمود: <بر خداوند، چنین امری آسان است> و در این آیه، با فعل های <نؤتها> و <أعتدنا> دخالت مستقیم خود را بیان کرده، می توان نکته بالا را به دست آورد لازم به ذکر است که التفات از غیبت (یضاعف لها العذاب و کان ذلک علی اللّه یسیراً) به خطاب (<نؤتها> و <أعتدنا>) می تواند مؤید نکته یاد شده باشد.

پاداش هود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۱ - ۵

۵ هود (ع) ، به قومش اعلام کرد که پاداش رسالتش ، تنها برعهده خداوند است .

قال یقوم . .. إن أجری إلّا علی الذی فطرنی

پاداش یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۶ - ۱۷

۱۷ دستیابی یوسف (ع) به قدرت در سرزمین مصر و بهره مندی او از رحمت خاص الهی ، پاداش کار های نیک او بود .

کذلک مکّنّا . .. نصیب برحمتنا ... و لانضیع أجر المحسنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۰ - ۸

۸ نیل یوسف (ع) به عزیزی و اقتدار و حاکمیت وی در دیار مصر ، پاداشی بر تقواپیشگی ، صبر و نیکوکاری او بود .

قد منّ الله علینا إنه من یتّق و یصبر فإن الله لایضیع أجر المحسنین

پاداش یهود مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۲ - ۱

۱ – مسلمانان ،

یهودیان ، نصرانی ها و صابئان ، در صورت داشتن ایمان راستین به خدا و باور به قیامت و انجام عمل صالح ، از پاداشی گران قدر برخوردار خواهند شد .

إن الذین ءامنوا . .. فلهم أجرهم عند ربهم

مراد از <الذین ءامنوا> مسلمانان هستند. درباره آیین صابئی نظرات مختلفی ایراد شده است. علامه طباطبایی پس از بیان اقوال گوناگون، تأیید می کنند که آیین صابئی، آیینی ممزوج از دین یهود، مجوس و حرانیّه بوده است.

تأخیر در پاداش

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۱۷ – ۸

۸ – تأخیر در داوری و کیفر و پاداش ، کاری ظالمانه و به دور از عدالت است .

لا ظلم الیوم إنّ اللّه سریع الحساب

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که جمله <إنّ اللّه سریع الحساب> در مقام تعلیل برای <لاظلم الیوم> می باشد; یعنی، در محکمه عدل الهی به کسی ستم نمی شود; چون خداوند با سرعت به حساب بندگانش رسیدگی خواهد کرد.

تبدیل کیفر به پاداش

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۷۰ – ۵،۶

۵ کسانی که مرتکب گناه شرک ، آدم کشی و زنا شده اند ، در صورتی که به توبه ، ایمان و عمل صالح روی آورند ، خداوند آثار بدی های آنان (عقاب) را محو و به جای آنها ، آثار خوبی ها (ثواب) قرار می دهد .

و من یفعل ذلک . .. یضعف له العذاب ... إلاّ من تاب ... فأُولئک یبدّل اللّه سیّئ

۶ توبه ، ایمان و

عمل صالح ، موجب محو شدن گناهان و آثار آنها (عقاب) و جایگزین شدن نیکی ها و آثار آنها (ثواب) به جای آن گناهان

إلّا من تاب و ءامن و عمل عملًاصلحًا فأُولئك یبدّل اللّه سیّئاتهم حسنت

تساوی در پاداش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۱ - ۲۲

۲۲ ارزش و پاداش اعمال زنان و مردان مؤمن در پیشگاه خداوند ، همسان است .

و المؤمنون و المؤمنت . .. أولئك سیرحمهم اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۲ - ۳

۳ تساوی زن و مرد در پاداش های اخروی

وعد اللّه المؤمنین و المؤمنت جنت تجری من تحتها الأنهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۵ - ۴

۴ - تساوی انسان ها ، در برابر قانون کیفر و پاداش الهی

من عمل صلحًا . .. و من أساء

از عموم و شمول واژه <من>، مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۲ - ۷

۷ - نبود هیچ گونه استثنا و تبعیض ، در نظام کیفری و پاداش دهی خداوند به خلق

و لتجزی کلّ نفس بما کسبت و هم لایظلمون

تسریع در پاداش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۱ - ۴

۴ سنت خدا در رساندن خیر به مردم < تسریع > و در مجازات کردن آنان < امهال > است .

و لو یعجل اللّه للناس الشر استعجالهم بالخیر

برداشت

فوق بر این اساس است که <هم> مفعول استعجال و فاعلش ضمیر عاید به <اللّه> و به تقدیر <مثل استعجاله لهم بالخیر> باشد.

تشویق به پاداش های اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۲۶ - ۴

۴ - خداوند ، انسان ها را به تلاش برای ربودن پاداش های آخرت از یکدیگر ، دعوت و ترغیب کرده است .

و فی ذلک فلیتنافس المتنفسون

تضمین پاداش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۰ - ۱۲

۱۲ - پاداش کار های نیک ، تضمین شده از سوی خداوند ، بدون کمترین کاستی

و ما تقدموا لأنفسکم من خیر تجدوه عنداللّه

در برداشت فوق <تجدوه> - چنانچه بسیاری از مفسران گفته اند - به یافتن پاداش عمل تفسیر شده است. تعبیر کردن از <یافتن پاداش عمل> به <یافتن خود عمل> حاوی این نکته است که: پاداش اعمال نیک بدون کمترین کاستی، به انسانها اعطا می شود; به گونه ای که گویا همان عمل را می یابند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۸ - ۹

۹ - علم و آگاهی خداوند به اعمال خیر بندگان ، ضامن ضایع نشدن پاداش آنهاست .

و من تطوع خیراً فإن اللّه شاکر علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۵ - ۱۵

۱۵ تضمین پاداشِ اعمال نیک انسان از سوی خداوند

و ما تفعلوا من خیر فانّ اللّه به علیم

علم خداوند به اعمال خیر (فانّ اللّه به علیم)، کنایه از پاداش الهی به نیکوکاران است.

جلد

- نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۹۹ – ۲۲،۲۳

۲۲ نوید پاداش و تضمین آن ، پرتوی از ربوبیّت الهی نسبت به مؤمنان

لهم اجرهم عند ربّهم

۲۳ وعده و تضمین اجر و پاداش ، از روش های قرآن برای دعوت مردم به اسلام و ایمان به قرآن

اولئک لهم اجرهم عند ربّهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۴۰ – ۳

۳ آگاهی کامل خداوند به ناچیزترین اعمال ، تضمین کننده عدالت در مجازات ها و پاداش های الهی

کان اللّه بهم علیماً. انّ اللّه لا یظلم مثقال ذرّه

ظاهراً جمله <ان اللّه . .. >، نتیجه ای است مترتب بر آگاهی خداوند. یعنی چون خداوند آگاه به تمامی جهات است، ظلم نمی کند. زیرا از ریشه های ظلم، جهل است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۱۰۰ – ۱۰

۱۰ خداوند ، تضمین کننده پاداش کسانی که در مسیر هجرت با مرگ مواجه شوند .

و من یخرج من بیته مهاجراً الی اللّه و رسوله ثم یدرکه الموت فقد وقع اجره علی اللّ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۳۲ – ۱۳

۱۳ تضمین پاداش عظیم در برابر حفظ جان هر انسان ، نویدی از جانب خداوند بر بنی اسرائیل

کتبنا علی بنی اسرءیل . .. من احیاها فکانما احیا الناس جمیعاً

همسنگی حفظ حیات یک انسان با تمامی انسانها، می تواند کنایه از پاداش عظیم باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ -

انعام - ۶ - ۱۲۷ - ۶

۶ پاداش هدایت یافتگان در نزد پروردگارشان تضمین شده است.

و من یرد الله . .. لهم دارالسلم عند ربهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۰ - ۱۳

۱۳ انفاق در راه خدا ، دارای پاداشی کامل و تضمین شده از جانب خدا

و ما تنفقوا من شیء . .. یوف إلیکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۴ - ۷

۷- ولایت خداوند و حقّانیّت او ، ضامن اعطای بهترین پاداش ها و فرجام ها است .

هنالک الولیه للّه الحقّ هو خیر ثوابًا و خیر عقبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۶ - ۶

۶- پاداش عمل صالح ، از طرف خداوند ، تضمین شده است .

و البقیت الصلحت خیر عند ربّک

تضمین پاداش انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۴ - ۷

۷- تنظیم نامه عمل برای هر یک از انسان ها از سوی خدا ، پشتوانه تضمین پاداش کامل آنان است .

فمن یعمل . .. إنّا له کتبون

جمله <إنّا له کاتبون> عطف بر جمله <فلاکفران لسعیه> و تأکید کننده مضمون آن است و در حقیقت، بیانگر این نکته است که چون اعمال همه انسان ها را می نویسیم، پس بدون کم و کاست، پاداش آنان را خواهیم داد.

تضمین پاداش انفاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مزمل - ۷۳ - ۲۰ - ۳۱

۳۱ - اموال انفاق شده در راه

خدا و پاداش آن ، تضمین شده از سوی او

و أقرضوا اللّه قرضًا حسنًا

مطلب یـاد شـده، از تشبیه انفـاق به قرض دادن اسـتفاده می شود; زیرا در قرض، اصل مال محفوظ می مانـد. پاداش آن نیز که خداوند وعده داده تضمین شده است.

تضمین پاداش صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۴ - ۱

۱- پاداش تلاش های مؤمنان نیک کردار ، از سوی خداوند تضمین شده و بی کم وکاست به آنان داده می شود .

فمن یعمل من الصلحت و هو مؤمن فلاکفران لسعیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۴ - ۹

۹ - قدرت مطلق و نامحدود الهی ، پشتوانه و تضمین کننده پاداش مؤمنان نیک کردار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۹ - ۳

۳ - آگاهی عمیق خداوند به اعمال بندگان ، پشتوانه پاداش او به نیک کرداران

إنّه خبیر بما تفعلون . من جاء بالحسنه فله خیر منها

از ارتباط <من جاء. ..> با بخش پایانی آیه قبل (إنّه خبیر بما تفعلون) می توان مطلب یاد شده را استفاده کرد.

تضمین پاداش عمل صالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷۶ - ۶

۶- تضمین پاداش عمل صالح ، از جانب خداوند

والبقیت الصلحت خیر عند ربّک ثوابًا

تضمین پاداش متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۶ - ۶

۶- پاداش مؤمنان تقواپیشه ، تضمین شده از سوی خداوند

و إن تؤمنوا و

تتّقوا يؤتكم أجوركم

تضمین پاداش مجاهدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۵ - ۹

۹- نظارت دقیق خداوند بر تلاش مجاهدان ، تضمین کننده پاداش کامل آنان

و اللّه معکم و لن یترکم أعملکم

از ارتباط <واللّه معکم> با <لن یترکم> استفاده می شود: چون خداوند همه جا با شما است و تلاش مجدانه شما را می بیند، هرگز در پاداشتان کاستی رخ نخواهد داد.

تضمین پاداش محسنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰۵ - ۴

۴ - تضمین پاداش محسنان و نیکوکاران ، از سنت های خداوند است .

إنّا كذلك نجزی المحسنین

تضمین پاداش مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۴ - ۱

۱- پاداش تلاش های مؤمنان نیک کردار ، از سوی خداوند تضمین شده و بی کم وکاست به آنان داده می شود .

فمن یعمل من الصلحت و هو مؤمن فلاكفران لسعیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۱۴ - ۹

۹ - قدرت مطلق و نامحدود الهی ، پشتوانه و تضمین کننده پاداش مؤمنان نیک کردار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۳ - ۱

۱ - تضمین بهشت برای اهل ایمان از سوی خداوند

إنّ اللّه یدخل الذین ءامنوا و عملوا الصلحت جنّت

تأکید جمله <اللّه یدخل. ..> به <إنّ> بیانگر مطلب فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۶ - ۶

۶- پاداش مؤمنان تقواپیشه ، تضمین

شده از سوی خداوند

و إن تؤمنوا و تتّقوا يؤتكم أجوركم

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۸ – حديد – ۵۷ – ۱۰ – ۲۶

۲۶ – احاطه علمى خداوند ، به تمامى اعمال مؤمنان ، تضمين كننده پاداش هاى اخروى آنها

و كلاًّ وعد اللّه الحسنى و اللّه بما تعملون خبير

يادآورى احاطه علمى خداوند به همه اعمال پس از وعده پاداش برتر به همه مؤمنان مى تواند براى ايجاد و اطمينان در مؤمنان باشد و نيز آنان به اين يقين داشته باشند كه خداوند به هر عمل نيك آنان، آگاه است. همچنين اعمال نيك آنان هر چند كوچك باشد ضايع نخواهد شد.

تفضل در پاداش

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۸ – نجم – ۵۳ – ۳۱ – ۹

۹ – جزاى عادلانه به بدكرداران و پاداش برتر و افزون بر استحقاق به نيكوكاران ، عملى ارزشمند و خداپسندانه

ليجزى الذين أسوا بما عملوا و يجزى الذين أحسنوا بالحسنى

تكذيب پاداش اخروى

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۸۷ – ۳

۳ – ادعاى در كار نبودن پاداش و كيفر پس از مرگ ، ادعايى دروغين و بى اساس است .

فلولا إن كنتم غير مدينين . ترجعونها إن كنتم صدقين

خطاب در <إن كنتم صادقين>، متوجه كسانى است كه منكر پاداش و كيفر در سراى ديگر بودند.

تلاش براى پاداش هاى اخروى

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – مطففین – ۸۳ – ۲۶ – ۴

۴ – خداوند ، انسان ها را به تلاش برای ربودن پاداش های آخرت از

یکدیگر ، دعوت و ترغیب کرده است .

و فی ذلک فلیتنافس المتنفسون

تناسب پاداش با عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۱ - ۴۸

۴ پاداش ها و کیفر های خداوند ، با اعمال و رفتار آدمیان مطابقت داشته و کاستی ندارد .

لیوفینّهم ربک أعملهم

<توفیه> (مصدر یوفی) به معنای به طور کامل و تمام پرداختن است.

۸ رساندن انسان ها به سزایی کامل و مطابق با اعمال و رفتار آنان ، تنها درخور کسی است که به تمام اعمال و جزئیات رفتار ایشان آگاه باشد .

لیوفینّهم ربک أعملهم إنه بما یعملون خبیر

بیان آگاهی خداوند به تمامی اعمال و جزئیات آن ، پس از مطرح ساختن ادای کامل پاداش و کیفر اعمال ، گویای برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵۱ - ۴

۴- کیفر و پاداش الهی به انسان ها در قیامت ، کاملاً مطابق و متناسب با کم و کیف رفتار آدمی است .

لیجزی الله کلّ نفس ما کسبت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۶ - ۹

۹ - کیفیت برانگیختن انسان و جزای اعمال او در قیامت ، متناسب با عملکرد دنیایی او است .

فنسیتها . .. تنسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۸ - ۶

۶ - هر عمل نیکی ، دارای مراتب مختلف در نیکی و پاداش های گوناگون متناسب با آن عمل نیک است .

رجال لاتلهیهم تجره و لابیع عن ذکر اللّه . .. لیجزیهم اللّه أحسن

ما عملوا

این که خداونـد، اعمال مردمان الهی را به بهترین نوع عمل پاداش می دهد، نشانگر آن است که هر عمل نیکی، دارای انواع و مراتب گوناگون است که خداوند در مقام جزا، بهترین نوع آن را ملاک قرار می دهد و به مردمان الهی عطا می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۵ - ۱۲

۱۲ - هر عمل نیکی ، دارای مراتب مختلف در نیکی و پاداش های متناسب با آن است .

و یجزیهم أجرهم بأحسن الذی کانوا یعملون

این که خداونـد به محسـنان مطـابق بهترین نوع عملشـان پـاداش می دهـد، نشـانگر آن است که هر عمـل نیکی، دارای انواع و مراتب گوناگون است که خداوند در مقام جزا، بهترین نوع آن را ملاک قرار داده و به آنان عطا می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۰ - ۲،۳

۲ - تناسب و مطابقت کامل کیفر و پاداش الهی ، با رفتار و کردار بندگان

و وفّیت کلّ نفس ما عملت

حـذف مضاف در <ماعملت> که در اصل <جزاء ماعملت> است می تواند گویای این نکته باشد که جزای الهی، آن چنان با رفتار بندگان تناسب و مطابقت دارد که گویا، آنچه داده می شود خود عمل است نه جزای آن.

۳ - پاداش و کیفر مطابق و متناسب با رفتار ، پاداش و کیفری است عادلانه و به حق .

و هم لایظلمون . و وفّیت کلّ نفس ما عملت

برداشت یاد شده از آن جا است که آیه شریفه، به منزله بیان برای جمله <و هم لایظلمون> می

باشد; یعنی، ظلم نشدن در حق بندگان به این خاطر است که هر کسی مطابق آنچه انجام داده، جزا خواهد دید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۱ - ۳۸

۳ - عمل به توصیه های الهی ، دارای پاداش متناسب در پیشگاه خداوند

فافسحوا یفسح اللّه لکم

۸ - برخاستن از جای خود و قرار دادن آن در اختیار دیگران ، دارای پاداشی متناسب در پیشگاه خداوند

و إذا قیل انشزوا فانشزوا یرفع اللّه الذین ءامنوا منکم

برداشت یاد شده بدان سبب است که خداوند، برخاستن از جای خود را مایه بالا رفتن درجه و منزلت فرد قرار داده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۶ - ۸

۸ - پاداش و عطا های خداوند به بهشتیان ، دارای نظم و حسابی خاص و مناسب با درجات تقوای آنان است .

إنّ للمتّقین . .. عطاء حسابًا

چنانچه <حساب> به معنای اسم مفعول (محاسبه شده) باشد، مراد از جزاء حساب شده، جزائی است که با میزان اعمال تقواپیشگان مناسب باشد.

تناسب عمل و پاداش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۲ - ۳

۳ - مؤمنان به تناسب عملکرد خویش ، برخوردار از بهشت های متفاوت *

و لمن خاف مقام ربّه جنّتان . .. و من دونهما جنّتان

در صورتی که <دونهما> به معنای مرتبه پایین تر باشد، احتمال می رود که دو بهشت قبل مخصوص خائفان و این دو بهشت فروتر، از آنِ کسانی باشد که در مرتبه پایین تر قرار دارند.

جاودانگی پاداش مؤمنان

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۶ - ۷

۷ - پاداش مؤمنان نیک کردار ، هرگز کاهش نیافته و پایان نمی پزیرد .

فلهم أجر غیر ممنون

<مَنّ> (مصدر <ممنون>)، به معنای <قطع کردن> است و معنای <کاهش دادن> نیز برای آن گفته شده است. (صحاح اللغه)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۷ - ۵

۵ - دستیابی مؤمنان دارای عمل صالح به پاداش بی منّت و پایان ناپذیر ، حقیقتی انکارناپذیر و غیر قابل تکذیب است .

فما یکذّبک بعد بالدین

چنانچه <دین> به معنای جزا باشد (مفردات)، از مصادیق بارز آن اجری خواهد بود که در آیه قبل، به مؤمنان بشارت داده شد.

جبران پاداش مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۵ - ۸

۸- خداوند ، همراه با مؤمنان و تدارک کننده پاداش اعمال آنان ، بی کموکاست

و اللّه معکم و لن یترکم أعملکم

<وتر> (مصدر <یتر>) به معنای کاستن و کم کردن است.

حتمیت پاداش آخرت طلبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۹ - ۵

۵- منافع اخروی آخرت طلبان ، برخلاف امکان شکست و ناکامی دنیاطلبان در رسیدن به اهدافشان ، قطعی و تضمین شده است .

و من یرید العاجله . .. ما نشاء لمن نرید ... و من أراد الأخره ... کان سعیهم مشکور

حتمیت پاداش اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۹ - ۷

۷ - باز گشت به خداوند و دریافت کیفر یا پاداش او در

سرای آخرت ، فرجام قطعی انسان ها است .

و ظنّوا أنّهم إلينا لايرجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۸۶ - ۳

۳ - کیفر و پاداش اخروی ، امری قطعی و وعده ای تخلف ناپذیر است .

إن كنتم غير مدينين

با این که مسأله کیفر و پاداش اخروی، امری است که در آینده باید تحقق یابد; به کار گیری قالب ماضی (کنتم) برای بیان مطلب یاد شده است.

حتمیت پاداش شهیدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۴ - ۲۹

۲۹- تضمین قطعی پاداش شهیدان ، از سوی خداوند

و الذين قتلوا فى سبيل اللّه فلن يضلّ أعملهم

<فلن يضلّ. ..> می تواند ناظر به آخرت باشد.

حتمیت پاداش صابران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۰ - ۹،۱۰

۹ حفظ عزت بنیامین و درمانده و خوار نگشتن او به مانند دیگر برادرانش ، نشانه ضایع نشدن پاداش تقواپیشگان صبور و نیکوکار است .

قد منّ الله علينا إنه من يتّق و يصبر فإن الله لايضيع أجر المحسنين

۱۰ اقتدار و عزت یوسف (ع) نشانه ای روشن بر ضایع نشدن پاداش تقواپیشگان صبور و نیکوکار است .

قد منّ الله علینا إنه من یتّق و یصبر فإن الله لایضیع أجر المحسنین

حتمیت پاداش صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۰ - ۱

۱- پاداش مؤمنانِ دارای عمل صالح ، حتمی بوده و از جانب خداوند ، تضمین شده است .

إنّ الذین ءامنوا و عملوا الصلحت إنّا لانضیع أجر من

أحسن عملاً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – انشقاق – ۸۴ – ۲۵ – ۷

۷ – پاداش مؤمنانی که عمل صالح دارند ، هرگز کاسته یا قطع نخواهد شد .

لهم أجر غیر ممنون

از معانی <منّ> قطع است و معنای <نقص> نیز برای آن گفته شده است. (لسان العرب)

حتمیت پاداش عمل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – جاثیه – ۴۵ – ۲۲ – ۴

۴ – تمامی آدمیان ، بی کمترین ظلم و کاستی به نتایج اعمال خویش خواهند رسید .

و خلق اللّه . .. و لتجزی کلّ نفس بما کسبت و هم لایظلمون

مجهول آمدن فعل <تجزی> می نمایاند که هر چند آدمیان رغبت به دریافت جزای اعمال خود نداشته باشند، به ایشان جزا داده خواهد شد.

حتمیت پاداش عمل پسندیده

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۳۰ – ۶

۶– خداوند ، هیچ یک از اَعمال نیک را بدون اجر و مزد نخواهد گذاشت .

إنّا لانضیع أجر من أحسن عملاً

نکره بودن <عملاً> در این جمله، دال بر اطلاق است، لذا شامل هرگونه عمل کوچک یا بزرگ، کم یا زیاد می شود.

حتمیت پاداش عمل صالح

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۲۰ – ۱۹

۱۹ اجر و پاداش عمل نیک مؤمنان ، در پیشگاه الهی محفوظ بوده و ضایع نخواهد شد .

إن اللّه لا یضیع أجر المحسنین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۴۶ – ۶

۶ – کوچک ترین عملکرد شایسته و نیک آدمی

، بدون پاداش نخواهد بود .

من عمل صلحًا . .. و ما ربّک بظلّم للعبید

از تنکیر <صالحاً> که می تواند برای تقلیل باشد برداشت یاد شده به دست می آید.

حتمیت پاداش متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۰ - ۹،۱۰

۹ حفظ عزت بنیامین و درمانده و خوار نگشتن او به مانند دیگر برادرانش ، نشانه ضایع نشدن پاداش تقواپیشگان صبور و نیکوکار است .

قد منّ الله علینا إنه من یتّق و یصبر فإن الله لایضیع أجر المحسنین

۱۰ اقتدار و عزت یوسف (ع) نشانه ای روشن بر ضایع نشدن پاداش تقواپیشگان صبور و نیکوکار است .

قد منّ الله علینا إنه من یتّق و یصبر فإن الله لایضیع أجر المحسنین

حتمیت پاداش محسنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۵ - ۵

۵ خداوند ، از اجر و پاداش نیکوکاران نمی کاهد و آنان را از پاداش کردارشان محروم نمی سازد .

فإن الله لایضیع أجر المحسنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۰ - ۹،۱۰

۹ حفظ عزت بنیامین و درمانده و خوار نگشتن او به مانند دیگر برادرانش ، نشانه ضایع نشدن پاداش تقواپیشگان صبور و نیکوکار است .

قد منّ الله علینا إنه من یتّق و یصبر فإن الله لایضیع أجر المحسنین

۱۰ اقتدار و عزت یوسف (ع) نشانه ای روشن بر ضایع نشدن پاداش تقواپیشگان صبور و نیکوکار است .

قد منّ الله علینا إنه من یتّق و یصبر فإن الله لایضیع أجر المحسنین

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۰ - ۵

۵- خداوند ، پاداش نیکوکاران را ضایع نخواهد کرد .

إنّا لانضیع أجر من أحسن عملاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۸ - ۶

۶ - پاداش نیکوکاران ، حکم تقدیر شده و تغییرناپذیر خداوند و در مکان هایی ارجمند است . *

إنّ کتب الأبرار لفی علّیین

مراد از <کتاب>، ممکن است <مکتوب> (از ماده <کتابت> به معنای قضاء) باشد. در این صورت <کتاب الأبرار>; یعنی، پاداشی که خداوند برای <ابرار> مکتوب و محتوم ساخته است.

حتمیت پاداش مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۰ - ۱۹

۱۹ اجر و پاداش عمل نیک مؤمنان ، در پیشگاه الهی محفوظ بوده و ضایع نخواهد شد .

إن اللّه لا یضیع أجر المحسنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۰ - ۱

۱- پاداش مؤمنانِ دارای عمل صالح ، حتمی بوده و از جانب خداوند ، تضمین شده است .

إنّ الذین ءامنوا و عملوا الصلحت إنّا لانضیع أجر من أحسن عملاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۷ – ۷

۷ – وعده خداوند درباره اعطای پاداش بهترین عمل به اعمال مؤمنان ، وعده ای قطعی و تخلف ناپذیر است .

و الذین ءامنوا . .. و لنجزینّهم أحسن الذی کانوا یعملون

<لام> و <نون تأکید> در <لنجزینّهم> دلالت بر حتمیّت دارند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۷ –

۳ - حاکمیت خداوند بر قوای هستی ، نشانگر قدرت او بر پاداش مؤمنان و کیفر منافقان و مشرکان

لیدخل المؤمنین و المؤمنت جنّت . .. و یعذّب المنفقین ... و المشرکین ... و للّه

از ارتباط این آیه با آیات پیشین که درباره پاداش مؤمنان و کیفر منافقان و مشرکان بود مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۴ - ۱۲

۱۲ - ضایع نشدن کمترین تلاش انسان مؤمن ، در پرتو اطاعت از خدا و رسول

و إن تطیعوا اللّه و رسوله لایلتکم من أعملکم شیئًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۲۵ - ۷

۷ - پاداش مؤمنانی که عمل صالح دارند ، هرگز کاسته یا قطع نخواهد شد .

لهم أجر غیر ممنون

از معانی <منّ> قطع است و معنای <نقص> نیز برای آن گفته شده است. (لسان العرب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۷ - ۵

۵ - دستیابی مؤمنان دارای عمل صالح به پاداش بی منّت و پایان ناپذیر ، حقیقتی انکارناپذیر و غیر قابل تکذیب است .

فما یکذّبک بعد بالدین

چنانچه <دین> به معنای جزا باشد (مفردات)، از مصادیق بارز آن اجری خواهد بود که در آیه قبل، به مؤمنان بشارت داده شد.

خدا و تضییع پاداش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۳ - ۲۵

۲۵ - نمازهایی که پیش از تغییر قبله به سمت بیت المقدس خوانده شده بود ، مورد پذیرش خدا بوده و اجرش ضایع

نخواهد شد .

و ما كان اللّه ليضيع إيمنكم

تغيير قبله يا نويد به تغيير آن، اين پرسش را براى مسلمانان در پى داشت كه: نمازها و عبادتهاى انجام شده به سوى بيت المقدس آيا محكوم به بطلان است. جمله <و ما كان ...> پاسخ به اين پرسش مى باشد.

دوستى با مأيوسان از پاداش اخروى

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۸ – ممتحنه – ۶۰ – ۱۳ – ۶

۶ – مأيوسان از رحمت حق و ثواب اخروى ، غيرقابل اعتماد و ناشايست براى دوستى و مودّت

يأيّها الذين ءامنوا لاتتولّوا قومًا . .. قد يئسوا من الأخره

جمله <قد يئسوا> به منزله تعليل براى <لاتتولّوا> مى باشد.

زمينه پاداش

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۹ – ابراهيم – ۱۴ – ۵۱ – ۱۴

۱۴– الوهيت خداوند مقتضى كيفر و پاداش به بندگان است .

ليجزى الله . .. إن الله سريع الحساب

از آمدن لفظ جلاله <الله> و تكرار آن در يك آيه، بدون اينكه نيازى به تصريح آن باشد، برداشت فوق به دست مى آيد.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۹ – حجر – ۱۵ – ۹۳ – ۴

۴– ربوبيت الهى ، مقتضى بازپرسى و كيفر و پاداش دادن در برابر اعمال و رفتار آدمى است .

فوربّك لنسئلنّهم أجمعين . عمّا كانوا يعملون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۵۴ – ۷

۷- ربوبیت الهی ، مقتضی دادن پاداش و یا کیفر به انسانهاست .

ربّکم . .. إن یشأ یرحمکم أو إن یشأ یعذّبکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ –

مریم - ۱۹ - ۹۷ - ۸

۸- تقوا ، زمینه ساز برخورداری انسان از بشارت های قرآن و دستیابی به پاداش های الهی

لتبشّر به المتّقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۵ - ۸

۸ - آگاه نبودن انسان ها به زمان برپایی قیامت ، زمینه ساز مداومت آنان برکار های خویش و به وجود آمدن استحقاق پاداش و کیفر است .

أکاد أُخفیها لتجزی کلّ نفس بما تسعی

لام در <لتجزی> در برداشت فوق تعلیل برای <أکاد أخفیها> گرفته شده است؛ دراین معنا، ترکیب جمله در اصل <لتسعی کلّ نفس فتجزی بما تسعی> خواهد بود و حاصل معنی این که اراده کردم قیامت را مخفی بدارم تا همه به تلاش خود ادامه دهند و نتایج کردار خود را ببینند؛ این سخن ناظر به حالت روانی انسان ها است که اگر زمان مرگ خود و نابودی جهان را بدانند، بسیاری از تلاش های خود را رها خواهند کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۸۹ - ۲

۲ - نگه داشتن اعمال نیک تا صحنه قیامت و از دست ندادن آنها در نتیجه گناه ، شرط بهرهوری انسان از ثمرات آن

من جاء بالحسنه فله خیر منها

واژه <جاء> می تواند اشاره به این داشته باشد که اعمال نیک، در صورتی ثمربخش است که انسان بتواند تا پایان عمر آن را حفظ کرده و با گناهان خود موجبات حبط آن را فراهم نکرد باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۰ - ۱۸

۱۸ - نقش

ممتاز صبر و شکیبایی ، در سعادت و بهره مندی انسان از پاداش های الهی و مقامات معنوی

إنّما یوفّی الصبرون أجرهم بغیر حساب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۵ - ۷۸

۷ - احسان ، موجب بهره مندی از پاداش بهترین عمل ها

ذلک جزاء المحسنین . .. و یجزیهم أجرهم بأحسن الذی کانوا یعملون

۸ - برخوردار شدن از پاداش بهترین عمل ها ، انگیزه محسنان از احسانشان

ذلک جزاء المحسنین . .. و یجزیهم أجرهم بأحسن الذی کانوا یعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۳ - ۶،۹

۶ غفران الهی و پاداش عظیم او ، در انتظار رعایت کنندگان ادب و احترام محضر پیامبر (ص)

لهم مغفره و أجر عظیم

۹ برخورداری از تقوای الهی ، زمینه ساز غفران و پاداش عظیم خداوند

امتحن اللّه قلوبهم للتقوی لهم مغفره و أجر عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۶ - ۳

۳ - توجه به نظارت ربوبی و مداوم خداوند بر خلق ، زمینه ساز مراقبت جدی بر عمل و برخورداری از پاداش عظیم الهی

و لمن خاف مقام ربّه جنّتان

برداشت یاد شده بر این اساس است که مراد از <مقام ربّه> جایگاه ربوبیت خداوند باشد که همواره بر خلق اشراف دارد و هرگز از آن غفلت نمی کند و سزا است که خلق، از چنین نظارتی بیم داشته باشند.

زمینه پاداش ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۱ - ۳

۳ - عبودیت و

ایمان ابراهیم (ع) ، موجب دستیابی آن حضرت به پاداش هایی چونان پاداش های محسنان از سوی خداوند

کذلک نجزی المحسنین . إنّه من عبادنا المؤمنین

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که جمله <إنّه من عبادنا المؤمنین> تعلیل برای جمله <کذلک نجزی المحسنین> است؛ یعنی، چون ابراهیم(ع) از مؤمنان و بندگان خالص خدا بود، به او چونان پاداش محسنان، پاداش دادیم (مقصود فرزنددار شدن و برجا ماندن نام نیک آن حضرت می باشد.)

زمینه پاداش اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴ - ۱۱

۱۱ عمل صالح ، شرط بهره مندی اهل ایمان از پاداش های اخروی

لیجزی الذین ءامنوا و عملوا الصلحت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹ - ۲،۵

۲ عمل صالح ، شرط بهره مندی اهل ایمان از پاداش های اخروی است .

إن الذین ءامنوا و عملوا الصلحت . .. فی جنت النعیم

۵ ایمان توأم با عمل ، شرط بهره مندی از حمایت و هدایت مستمر و دایم الهی و برخوردار شدن از پاداش های اخروی است .

إن الذین ءامنوا و عملوا الصلحت . .. فی جنت النعیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۰ - ۱۴

۱۴ - دستیابی به سعادت و پاداش های اخروی ، در گرو صبر و شکیبایی است .

ویلکم ثواب اللّه خیر . .. و لایلقّیها إلّاالصبرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۸۴ – ۳

۳ – دستیابی به پاداش

برتر الهی در جهان آخرت ، در گرو داشتن اعمال نیک است .

من جاء بالحسنه فله خیر منها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۸۶ - ۱

۱ - تقدیر مرگ از سوی خداوند ، به منظور کیفر و پاداش دادن به آدمیان در سرای دیگر (جهان آخرت)

نحن قدّرنا بینکم الموت . .. فلولا إن کنتم غیر مدینین

برداشت یاد شده با توجه به تفریع <فلولا إن کنتم> بر <نحن قدّرنا بینکم الموت> است. کلمه <مدینین> می تواند مشتق از <دین> (جزا) باشد; یعنی، <إن کنتم غیر مجزیین>. و نیز می تواند مشتق از <دان السلطان الرعیه إذا ساسهم و تعبدهم> باشد; چنان که برخی از مفسران این را گفته اند. برداشت بالا با توجه به معنای اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۹۶ - ۲

۲ - برپا ساختن قیامت برای کیفر و پاداش ، نمودی از کمال خداوند و مبرّا بودن ساحت او از هر نقص و کاستی

فسبّح باسم ربّک العظیم

تفریع <فسبّح باسم ربّک> بر مطالب پیشین (فأمّا إن کان من المقرّبین. ..) حاکی از مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۰ - ۲۷

۲۷ - دستیابی مؤمنان به پاداش های موعود الهی در آخرت ، در گرو پایدار ماندن آنان بر ایمان و انجام اعمال نیک است .

و کلاًّ وعد اللّه الحسنی و اللّه بما تعملون خبیر

جمله <و اللّه بماتعملون خبیر> می تواند دربردارنده هشدار باشد. بر این اساس، هشدار الهی به مؤمنان مجاهد

و انفـاق گر پس از این که به آنـان وعـده پاداش برتر اخروی داده است می توانـد بیانگر این حقیقت باشـد که مؤمنان مواظب باشـند و بداننـد که دستیابی آنان به آن وعده های الهی، در صورتی قطعی است که آنها همچنان بر ایمان و صـراط مسـتقیمی که در آن قرار دارند، باقی بمانند.

زمینه پاداش اخروی متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۶ - ۳

۳ - پیامبر (ص) ، فراهم آورنده زمینه دستیابی تقواپیشگان به پاداش های آخرت

ربّک

خطـاب بـه پیـامبر(ص) در <ربّـِک>، گویـای آن اسـت که آن حضـرت در رسـیدن متقین به بهشت و نعمت هـای آن، نقش اساسی داشته است.

زمینه پاداش الیاس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۳۲ - ۳

۳ - عبودیت و ایمان الیاس پیامبر (ع) ، موجب دستیابی او به پاداش هایی همچون پاداش های محسنان از سوی خداوند

إنّا کذلک نجزی المحسنین . إنّه من عبادنا المؤمنین

برداشت یـاد شـده به خـاطر این نکته است که جمله <إنّه من عبادنـا المؤمنین> تعلیل برای <إنّا کـذلک نجزی المحسـنین> است; یعنی، چون الیاس پیامبر از مؤمنان و بندگان خالص خدا بود، به او همانند پاداش محسـنان، پاداش دادیم . مقصود از آن باقی ماندن نام و آوازه نیک او می باشد.

زمینه پاداش انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۳ - ۱۱

۱۱ - معاد و بازگشت انسان ها ، به پیشگاه عدل الهی برای کیفر و پاداش ، مقتضای

آفرینش به حق و هدفمند جهان است .

خلق السموت و الأرض . .. و إليه المصير

ذکر معاد انسان ها پس از بیان آفرینش جهان بر پایه حق و هدفمندی می تواند گویای نکته یاد شده باشد.

زمینه پاداش عمل خیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۸۴ – ۱۰

۱۰ – ربوبیت خداوند ، مقتضی پاداش به دارندگان نیت خیر و سبقت گیرندگان در کار نیک

و عجلت إليک ربّ لترضى

زمینه پاداش مضاعف

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۴۰ – ۴

۴ – عبودیت خالص برای خدا ، موجب جلب فضل او و بهره مندی از پاداش برتر در برابر اعمال و رفتار خویش

و ما تجزون إلاّ ما کنتم تعملون . إلاّ عباد اللّه المخلصين

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۲۶ – ۵

۵ – ایمان و عمل نیک ، زمینه بهرهوری از فضل و عنایات فزون تر خداوند

الذين ءامنوا و عملوا الصلحت و يزيدهم من فضله

زمینه پاداش موسی(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۲۲ – ۳

۳ - عبودیت و ایمان موسی و هارون (علیهماالسلام) موجب دستیابی آنان به پاداش هایی همچون پاداش های محسنان از سوی خداوند

إنّا کذلک نجزی المحسنین . إنّهما من عبادنا المؤمنین

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که جمله <إنّهما من عبادنا. ..> تعلیل برای جمله <إنّا کذلک نجزی المحسنین> است; یعنی، چون موسی و هارون (علیهماالسلام) از مؤمنان و بندگان خالص

خدا بودند، به آنان چونان پاداش محسنان، پاداش دادیم. مقصود نجات از اندوه بزرگ و باقی ماندن نام و آوازه نیک آنان در تاریخ می باشد.

زمینه پاداش مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۷۳ - ۸

۸ - غرض از عرضه امانت الهی بر انسان ها ، اعطای پاداش به مؤمنان است .

إنّا عرضنا الأمانه . .. لیعذّب ... و یتوب اللّه علی المؤمنین و المؤمنت

زمینه پاداش نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸۱ - ۳

۳ - عبودیت و ایمان نوح (ع) ، موجب دستیابی او به پاداش هایی همانند پاداش های محسنان از سوی خداوند

إنّا کذلک نجزی المحسنین . إنّه من عبادنا المؤمنین

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که جمله <إنه من عبادنا. ..> تعلیل برای جمله <إنا کذلک نجزی المحسنین> است; یعنی، چون نوح(ع) از مؤمنان و بندگان خالص خدا بود، به او همانند پاداش محسنان، پاداش دادیم. گفتنی است که مقصود از آن، اجابتِ دعا، نجاتِ از مشکلات اندوه بار و باقی ماندن نسل و نام نیک آن حضرت در تاریخ می باشد.

زمینه پاداش نیک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۶ - ۴

۴ - وجود زمینه بهره مندی از پاداش های نیکوی الهی ، برای سخاوتمندان و تقواپیشگان

من أعطی و اتّقی . و صدّق بالحسنی

زمینه پاداش هارون(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۲۲ – ۳

۳ – عبودیت و ایمان

موسی و هارون (علیهماالسلام) موجب دستیابی آنان به پاداش هایی همچون پاداش های محسنان از سوی خداوند

إنّا کذلک نجزی المحسنین . إنّهما من عبادنا المؤمنین

برداشت یاد شده به خاطر این نکته است که جمله <إنّهما من عبادنا. ..> تعلیل برای جمله <إنّا کذلک نجزی المحسنین> است; یعنی، چون موسی و هارون (علیهماالسلام) از مؤمنان و بندگان خالص خدا بودند، به آنان چونان پاداش محسنان، پاداش دادیم. مقصود نجات از اندوه بزرگ و باقی ماندن نام و آوازه نیک آنان در تاریخ می باشد.

زمینه عدالت در پاداش

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – جاثیه – ۴۵ – ۲۲ – ۵

۵ – هدفمندی و حقانیت نظام جهان ، مستلزم برپایی نظام عادلانه کیفر و پاداش

خلق . .. بالحقّ و لتجزی ... و هم لایظلمون

در آیه شریفه پس از طرح حقانیت نظام هستی، به عدل الهی در نظام کیفر و پاداش اشاره شده است. از این نکته استفاده می شود که عدل در مجازات، لازمه حقانیت آفرینش است.

سرزنش تضییع پاداش محسنان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۳۰ – ۹

۹- ضایع ساختن اجر و مزد نیکوکاران ، امری نکوهیده و ناپسند است .

إنّا لانضیع أجر من أحسن عملاً

سنت پاداش

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۲۲ – ۱۲

۱۲ اعطای پاداش به نیکوکاران و بهره مند ساختن آنان از علم و حکمت ، سنت الهی است .

و کذلک نجزی المحسنین

فعل مضارع <نجزی> در عبارت <کذلک نجزی المحسنین> حاکی از استمرار است ، و در

برداشت از آن به سنت تعبیر شد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۸۰ – ۱

۱ – پاداش به احسان گران و نیکوکاران ، سنت خداوند است .

إنّا کذلک نجزی المحسنین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۰۵ – ۴

۴ – تضمین پاداش محسنان و نیکوکاران ، از سنت های خداوند است .

إنّا کذلک نجزی المحسنین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۱۰ – ۱

۱ – پاداش به احسان گران و نیکوکاران ، سنت خداوند است .

کذلک نجزی المحسنین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۲۱ – ۱

۱ – پاداش به احسان کنندگان و نیکوکاران ، سنت خداوند است .

إنّا کذلک نجزی المحسنین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۳۱ – ۱

۱ – پاداش به احسان کنندگان و نیکوکاران ، سنت خدا است .

إنّا كذلك نجزی المحسنين

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۸ – قمر – ۵۴ – ۳۵ – ۴

۴ – سنت الهی بر اعطای پاداش عالی ، به شکرگزاران و نجات ايشان از عذاب های فراگير

كذلك نجزی من شكر

شخصی بودن پاداش

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۱۹ – ۵

۵– هر فرد ، دريافت کننده تمامی اعمال خويش و پاداش و کيفر آن به شکلی کامل ، در جهان آخرت

و ليوفّيهم أعملهم و هم لايظلمون

شرايط ازدياد پاداش

جلد – نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۵۸ - ۱۶،۱۷

۱۶ - خداوند ، محسنان و پاکدامنان بنی اسرائیل را - در صورت رعایت آداب تعیین شده برای ورود به بیت المقدس - به پاداشی افزونتر از دیگران نوید داد .

قولوا حطه نغفر لکم خطیکم و سنزید المحسنین

۱۷ - اطاعت کنندگان دستورات خدا - در صورت نیکوکار بودن - از پاداشی افزونتر از دیگران ، بهره مند خواهند شد .

و سنزید المحسنین

شرایط پاداش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲ - ۱۱

۱۱- قرین بودن ایمان با عمل نیک ، شرط ثمربخشی آن است .

المؤمنین الذین یعملون الصلحت أنّ لهم أجرًا حسنًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۸ - ۵

۵- همراهی ایمان و عمل صالح ، شرط برخورداری از پاداش نیک است .

من ءامن و عمل صلحًا فله جزاءً الحسنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۶ - ۸

۸- آمیختگی عقیده و عمل (ایمان و تقوا) ، شرط برخورداری از پاداش الهی

و إن تؤمنوا و تتّقوا یؤتکم أجورکم

خداونـد، ایمـان و تقوا را در کنار هم زمینه دریافت پاداش قرار داده است; از آن جا که <ایمان>، بیشتر بر عقیـده اطلاق می شود و <تقوا> در عمل تجلی می یابد، می توان به مطلب یاد شده پی برد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۴۴

۴۴- آمیختگی ایمان و عمل صالح ، شرط برخورداری مؤمنان از مغفرت

و پاداش عظیم الهی

الذین ءامنوا و عملوا الصلحت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۳۲ - ۲

۲ - نیک کرداری به همراه اجتناب از گناهان کبیره ، شرط برخورداری از پاداش الهی

و یجزی الذین أحسنوا بالحسنی . الذین یجتنبون کبئر الإثم و الفوحش

ذکر <الذین یجتنبون. ..> به دنبال <الذین أحسنوا> می تواند بیانگر شرط دوم برای بهره مندی انسان، از پاداش الهی باشد.

شرایط پاداش اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳ - ۱۲

۱۲ برخوردار شدن از پاداش های الهی در آخرت ، منوط به یکتاپرستی ، پرهیز از شرک ، پذیرش رسالت پیامبر (ص) و استغفار از گناهان است .

ألّا تعبدوا إلّا الله . .. یؤت کل ذی فضل فضله

استفاده برداشت فوق از آیه ، بر اساس این احتمال است که: جمله <یؤت . ..> بیانگر پاداش اخروی باشد. وجود <إلی أجل> در جمله قبل و نبود آن در این جمله ، می تواند مؤید این احتمال باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۷ - ۶

۶ ایمان و ملازمت بر تقوا شرط بهره مندی از پاداش های اخروی است .

و لأجر الأخره خیر للذین ءامنوا و کانوا یتقون

<کان> و مانند آن همراه مضارع حکایت از استمرار در زمان گذشته دارد. ملازمت به تقوا در برداشت فوق ، از نکته یاد شده استفاده گردیده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۰ - ۹

۹ - همراهی ایمان

و عمل صالح ، از شرایط بهرهوری از ثواب اخروی است .

ثواب اللّه خیر لمن ءامن و عمل صلحًا

شرایط پاداش انفاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۹ - ۱۰

۱۰ - اخلاص و انگیزه خدایی داشتن ، شرط انفاق مقبول و دارای پاداش

و أنفقوا ممّا رزقنهم سرًّا و علانیه

از این که عالمان خداترس، در همه حال (نهان و آشکار) انفاق می کنند، نشانگر اخلاص آنان است و خداوند از چنین انفاقی ستایش کرده و برای آن پاداش مقرر فرموده است.

شرایط پاداش ایمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۱ - ۲

۲ - توأم بودن ایمان و عمل صالح ، شرط پاداش آفرینی آن دو است .

إنّ الذین ءامنوا و عملوا الصلحت لهم جنّت

شرایط پاداش عمل صالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۹ - ۷

۷- ثمربخشی اعمال نیک ، در پرتو پذیرش پیام وحی و گردن نهادن به آن از روی رغبت و میل

کرهوا ما أنزل اللّه فأحبط أعملهم

از مفهوم آیه شریفه، مطلب بالاـ استفاده می شود; یعنی، اگر عمل همراه با کراهت و ناخشنودی نباشد; بلکه از روی طوع و رغبت و برای خداوند صورت گیرد، باقی مانده و ثمر خواهد داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۱ - ۲

۲ - توأم بودن ایمان و عمل صالح ، شرط پاداش آفرینی آن دو است .

إنّ الذین ءامنوا و عملوا الصلحت لهم جنّت

شرایط پاداش مؤمنان

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹ - ۶

۶- داشتن عمل صالح ، شرط بهره مندی مؤمنان از پاداش بزرگ الهی

و يبشّر المؤمنين الذين يعملون الصلحت أن لهم أجرًا كبيرًا

ضامن پاداش مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۸ - ۸

۸ - داوری بی نظیر خداوند ، پشتوانه اجر بی پایان مؤمنان شایسته کردار

فلهم أجر غير ممنون . .. أليس اللّه بأحكم الحكمين

ظلم امتناع از پاداش اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۰ - ۱۳

۱۳- منع از پاداش اخروی ، هرچند اندکی از آن ، ظلم است .

و لايظلمون شيًا

عجله در پاداش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۸ - ۱۲

۱۲- تسریع در پاداش و تأخیر در مجازات ، امری لازم است . *

من ظلم فسوف نعذّبه . .. من ءامن ... فله جزاءً الحسنى

ذکر <سوف نعذّبه> با أدات استقبال، در قبال <فله جزاءًالحسنی> به صورت قطعی و بدون أدات استقبال، می تواند اشاره

به برداشت فوق باشد.

عدالت در پاداش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۴ - ۱۱

۱۱ - عدل الهی ، در رسیدگی به اعمال انسان ها و پاداش دهی به ایشان

لها ما کسبت و لکم ما کسبتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۱ - ۱۱

۱۱ - عدل الهی در رسیدگی به اعمال انسان ها و پاداش دهی به آنان

لها ما کسبت

و لكم ما كسبتم

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۳ – نساء – ۴ – ۴۰ – ۳

۳ آگاهى كامل خداوند به ناچيزترين اعمال ، تضمين كننده عدالت در مجازات ها و پاداش هاى الهى

كان اللّه بهم عليماً. انّ اللّه لا يظلم مثقال ذرّه

ظاهراً جمله <ان اللّه . .. >، نتيجه اى است مترتب بر آگاهى خداوند. يعنى چون خداوند آگاه به تمامى جهات است، ظلم نمى كند. زيرا از ريشه هاى ظلم، جهل است.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۴ – نساء – ۴ – ۱۲۴ – ۳۸

۳ زنان و مردان ، همسان در بهره مندى از پاداش ايمان و عمل صالح خويش

و من يعمل من الصلحت من ذكر او انثى و هو مؤمن فأولئك يدخلون الجنه

۸ در نظام جزا و پاداش الهى كمترين ستمى راه ندارد .

من يعمل سوءاً يجز به . .. فأولئك يدخلون الجنه و لايظلمون نقيراً

<نقير> به فرو رفته گى در هسته خرما گفته مى شود و كنايه از چيز اندك و حقير است.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۶ – انفال – ۸ – ۶۰ – ۱۴

۱۴ تأمين كمترين هزينه جهاد ، در پى دارنده پاداش عادلانه الهى

و ما تنفقوا من شىء فى سبيل اللّه يوف إليكم و أنتم لاتظلمون

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۸ – هود – ۱۱ – ۳ – ۱۳

۱۳ عدالت خداوند در پاداش دهی

و یؤت کل ذی فضل فضله

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۷۱ – ۱۴،۱۵

۱۴- کمترین ظلم

و بی عدالتی در محاسبه اعمال و نیز در پاداش اخروی سعادتمندان وجود ندارد .

فمن أوتی کتبه بیمینه . .. و لایظلمون فتیلاً

۱۵- توجه به حاکمیت عدل بر نظام کیفر و پاداش اخروی ، گرایش دهنده انسان ها به انجام اعمال و رفتار خوب و دارای پاداش

فمن أوتی کتبه بیمینه . .. و لایظلمون فتیلاً

از اینکه خداوند، نظام پاداش دهی خود را در قیامت، برای مردم تشریح می کند، می تواند به منظور تشویق انسانها به انجام اعمالی باشد که پاداش الهی را در پی دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۱۲ – ۵

۵ – پاداش اعمال در قیامت ، عادلانه و به دور از هرگونه نقص و کاستی است .

و من یعمل . .. فلایخاف ظلمًا و لاهضمًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۷۰ – ۲،۳

۲ – تناسب و مطابقت کامل کیفر و پاداش الهی ، با رفتار و کردار بندگان

و وفّیت کلّ نفس ما عملت

حذف مضاف در <ماعملت> که در اصل <جزاء ماعملت> است می تواند گویای این نکته باشد که جزای الهی، آن چنان با رفتار بندگان تناسب و مطابقت دارد که گویا، آنچه داده می شود خود عمل است نه جزای آن.

۳ – پاداش و کیفر مطابق و متناسب با رفتار ، پاداش و کیفری است عادلانه و به حق .

و هم لایظلمون . و وفّیت کلّ نفس ما عملت

برداشت یاد شده از آن جا است که آیه شریفه، به منزله بیان برای جمله <و هم لایظلمون> می باشد; یعنی، ظلم

نشدن در حق بندگان به این خاطر است که هر کسی مطابق آنچه انجام داده، جزا خواهد دید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۶ - ۵

۵ - عدالت در نظام مجازات و پاداش ، از شؤون ربوبیت الهی است .

و ما ربّک بظلّم للعبید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۱۳ - ۴،۵

۴ - در دیدگاه مؤمنان جن ، ایمان آورندگان به ربوبیت خدای یکتا ، از نقصان حق خویش و یا ستم شدن در مجازات ، بیم نداشته و در امان اند .

فمن یؤمن بربّه فلایخاف بخسًا و لا رهقًا

<رَهَق> در معانی <سفاهت>، <گناه>، <کذب>و <ظلم> به کار می رود; ولی در این آیه معنای اخیر مراد است.

۵ - پاداش مؤمنان ، عادلانه و بی کم و کاست داده می شود .

فمن یؤمن بربّه فلایخاف بخسًا و لا رهقًا

عدالت در پاداش اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴ - ۱۲

۱۲ کیفر و پاداش الهی در قیامت ، بر پایه قسط و عدل است

ثم یعیده لیجزی . .. بالقسط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۰ - ۱

۱ - هرکس جزای اعمال خویش را در قیامت به طور کامل و بی کم و کاست ، دریافت خواهد کرد .

و وفّیت کلّ نفس ما عملت

<توفیه> (مصدر <وفّیت>) به معنای دادن کامل و بی کم و کاست چیزی است.

عظمت پاداش مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵

- فاطر - ۳۵ - ۷ - ۳

۳ - پاداش الهی به مؤمنان ، بسی بزرگ است .

و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت لهم مغفره و أجر کبیر

عمومیت پاداش احسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۰ - ۷

۷ - > علی بن سالم ، قال سمعت أباعبداللّه (ع) یقول : . . .قول اللّه تعالی > هل جزاء الإحسان إلاّ الإحسان < جرت فی الکافر و المؤمن و البرّ و الفاجر و من صنع إلیه معروف فعلیه أن یکافیء به . . . ;

علی بن سالم گوید: از امام صادق(ع) شنیدم که می فرمود: . ..قول خدای تعالی <هل جزاء الإحسان إلاّ الإحسان> درباره کافر و مؤمن، نیکوکار و بدکار جاری است. هر کس برای او کار نیکی انجام شود، بر او [لازم] است با نیکی آن را جبران کند>.

عمومیت پاداش اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۷ - ۱

۱ - نظام پاداش و کیفر الهی در قیامت ، فراگیر همه انسان ها و شامل تمامی حرکات انسان ها است .

الیوم تجزی کلّ نفس بما کسبت

<ما> در <بما کسبت> موصول بوده و افاده کننده معنای جنس است. بنابراین <ما کسبت>; یعنی، هر آنچه که بشر انجام داده و هر حرکتی که از خود نشان دهد.

عوامل ازدیاد پاداش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۷ - ۴

۴ سختی و دشواری عمل نیک ، معیاری در ارزش گذاری آن بوده و موجب افزونی ثواب و

پاداش است .

لقد تاب اللّه علی النبی . .. اتبعوه فی ساعه العسره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۱ - ۶

۶ استمرار و مداومت بر انجام عمل نیک ، افزون کننده پاداش آن عمل است .

لیجزیهم اللّه أحسن ما کانوا یعملون

به کارگیری فعل مضارع همراه با <کان> (کانوا یعملون) بیانگر برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳ - ۱۱

۱۱ هر کس دارای اعمال صالح بیشتری باشد ، از ناحیه خداوند پاداش افزون تری دریافت خواهد کرد .

و یؤت کل ذی فضل فضله

مقصود از <فضل> عمل خیر افزون بر دیگران است و ضمیر در <فضله> به <کل> باز می گردد.

عوامل ازدیاد پاداش عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۰ - ۲

۲ - آخرت گرایی ، موجب افزایش آثار و برکات عمل انسان است .

من کان یرید حرث الأخره نزد له فی حرثه

عوامل پاداش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵۱ - ۱۰

۱۰- کیفر و پاداش الهی تنها در برابر مکتسبات و اعمال ارادی انسان است ، نه در مقابل امور ذاتی و فطری

لیجزی الله کلّ نفس ما کسبت

تصریح به اینکه کیفر و پاداش الهی در برابر کسب و تلاش خود انسان است (ما کسبت)، می تواند بیانگر مطلب فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۶ - ۶

۶- پایبندی به تعهدات و پیمان ها ، موجب برخورداری

از پاداش های برتر الهی است .

و لاتشتروا بعهد الله ثمنًا قلیلاً . .. و لنجزینّ الذین صبروا أجرهم بأحسن ما کانو

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۹۷ – ۷

۷– خداوند ، پاداش دهنده مؤمنان نیک کردار بر اساس بهترین عمل آنان

من عمل صلحًا . .. و هو مؤمن ... و لنجزینّهم أجرهم بأحسن ما کانوا یعملون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۵ – ۱۲

۱۲ – پاداش دیدن و به کیفر رسیدن انسان ها ، محصول کردار و تلاش خود آنها است .

لتجزی کلّ نفس بما تسعی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۷۳ – ۹

۹ – حفظ و نکوداشت امانت الهی پاداش دارد و تضییع آن عذاب آور است .

إنّا عرضنا الأمانه . .. لیعذّب اللّه المنفقین ... و یتوب اللّه علی المؤمنین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۳۵ – ۵

۵ – انتساب به خوبان (چونان پیامبران) ، هیچ تأثیری در سرنوشت اخروی و کیفر و پاداش الهی ندارد .

إذ نجّینه و أهله أجمعین . إلاّ عجوزًا فی الغبرین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – نجم – ۵۳ – ۳۹ – ۱

۱ – تلاش و سعی انسان ، تنها ضامن دسترسی او به پاداش الهی

و أن لیس للإنسن إلّا ما سعی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – نجم – ۵۳ – ۴۱ – ۷

۷ – مبتنی بودن جزای الهی

بر عملکرد خود انسان ، پیام مشترک تمامی پیامبران

أم لم ینبّأ بما فی صحف موسی . و إبرهیم ... و أن لیس للإنسن إلّا ما سعی ... ثمّ

از ارتباط آیات شریفه، مطلب بالا استفاده می شود.

عوامل پاداش اخروی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۵۱ – ۶

۶- رفتار انسان و استحقاق وی برای کیفر و پاداش ، اساس و مبنای جزای الهی در آخرت است .

لیجزی الله کلّ نفس ما کسبت

از اینکه خداوند در پاداش و کیفر مسأله کسب و تلاش انسان را مطرح ساخت (ما کسبت)، استفاده می شود که همین اساس پاداش و کیفر آدمیان است نه چیز دیگر.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۹۷ – ۸

۸- نقش اساسی و محوری عمل صالح ، در دستیابی به سعادت و پاداش اخروی

من عمل صلحًا . .. و هو مؤمن ... و لنجزینّهم أجرهم بأحسن ما کانوا یعملون

برداشت فوق، به خاطر این است که در آغاز آیه اثربخشی عمل، مشروط به ایمان شده است (من عمل صالحاً . .. و هو مؤمن) در عین حال در پایان آیه پاداش اخروی تنها منوط به عمل دانسته شده و از ایمان سخن به میان نیامده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۵ – ۱۴

۱۴ – سعی و تلاش آدمی در عبادت و نماز ، درپی دارنده پاداش حتمی درقیامت است .

فاعبدنی و أقم الصلوه . .. لتجزی کلّ نفس بما تسعی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

- طه - ۲۰ - ۱۲۶ - ۱۰

۱۰ - پاداش و کیفر انسان در قیامت ، برخاسته از کردار دنیوی او است .

فنسیتها . .. الیوم تنسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۷ - ۲،۳

۲ - کیفر و پاداش الهی در قیامت ، معلول چگونگی رفتار خوب و بد انسان ها است .

الیوم تجزی کلّ نفس بما کسبت

<باء> در <بما کسبت> برای سببیت است؛ یعنی، <تجزی بسبب ما کسبت و جزاء مناسباً لما کسبت>.

۳ - رفتار انسان و استحقاق وی برای کیفر و پاداش ، اساس و مبنای جزای الهی در آخرت

الیوم تجزی کلّ نفس بما کسبت

از این که خداوند در پاداش و کیفر، مسأله کسب و تلاش انسان را مطرح ساخته است (بما کسبت) استفاده می شود که همین اساس پاداش و کیفر آدمیان است؛ نه چیز دیگر.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۶ - ۶

۶ - پاداش ها و کیفر های آخرت ، چیزی جز کردار انسان نیست .

یصدر الناس أشتاتًا لیروا أعملهم

عوامل پاداش مضاعف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۳ - ۱۸

۱۸ - دوستی عترت پیامبر (ص) ، موجب بهره مندی مؤمنان از پاداش مضاعف الهی

إلاّ الموده فی القربی و من یقترف حسنه نزد له فیها حسنًا

مراد از <من> در <من یقترف حسنه> به قرینه ذکر آن پس از <إلاّـ الموده فی القربی> مؤمنان دوستدار عترت هستند. گفتنی است که در برداشت یاد شده مراد از <نزد له فیها حسناً> طبق

نظر عده ای از مفسران افزایش پاداش الهی در نظر گرفته شده است.

عوامل محرومیت از پاداش

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۷۰ – ۱۳،۱۶

۱۳ آدمی با اعمال، خویش خود را محروم از خیر و ثواب می سازد و به ورطه هلاکت و تباهی می اندازد.

أن تبسل نفس بما کسبت

<بسل> به معنی منع و حبس است و نتیجه آن هلاکت و تباهی است. در لسان العرب آمده است: <أبسلت فلانا إذا أسلمته للهلکه>.

۱۶ بازیچه قرار دادن دین موجب تباهی و محرومیت از خیر و ثواب می شود.

و ذر الذین اتخذوا دینهم لعبا و لهوا . .. و ذکر به أن تبسل نفس

در آیه قبل سخن از بازیگری با دین بود و جمله <ذکر به . .. > در مقام هشدار و بیان نتیجه کار آنان است.

غفلت از پاداش اخروی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۳۲ – ۱

۱ – سرزنش شدن تکذیب گران و کافران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر بی توجهی آنان به موضوع حسابرسی اعمال خلق در قیامت و کیفر و پاداش الهی در آن

سنفرغ لکم أیّه الثقلان . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

استفهام در <فبأیّ ءالآء> توبیخی است و تثنیه آمدن <کما> و <تکذّبان> به خاطر توجه خطاب به جن و انس است.

فرجام غفلت از پاداش عمل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۶ – ۹

۹ - تباهی و هلاکت ، فرجام بی توجهی به آخرت و بی اعتنایی

به جزای اعمال است .

فلایصدّنک عنها . .. فتردی

<تردی> از <ردی> به معنای هلاکت مشتق است و پی آمد شبهه افکنی های منکران معاد را بیان می کند.

فلسفه پاداش اخروی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۰۳ – ۶

۶ گذر از موقف های قیامت (حسابرسی ، کیفر ، پاداش و . . .) غرض از گردآوری همگان در صحنه قیامت است .

ذلک یوم مجموع له الناس

برداشت فوق ، مبتنی براین نکته است که <لام> در <له> برای بیان غایت و غرض باشد. بر این اساس مفاد جمله <ذلک یوم ...> چنین می شود: روز قیامت روزی است که خداوند ، همگان را برای گذر از موقفهای آن روز گردآوری می کند.

فلسفه پاداش خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۳۲ – ۱۶

۱۶ جلوگیری از تکرار رخدادی همچون کشته شدن هابیل ، فلسفه تعلق پاداش های عظیم خداوند بر پاسداری از جان انسانها

من اجل ذلک کتبنا . .. و من احیاها فکانما احیا الناس جمیعاً

قانونمندی پاداش عمل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۲۰ – ۱۰

۱۰ – بهره مندی انسان از نتیجه اعمال و تلاش های خویش ، قانون و مشیتی الهی است .

من کان . .. نزد له فی حرثه و من کان ... نؤته منها

لحن آیه و انتساب فعل های <نزد> و <نؤته> به خداوند، حکایت از تدبیر، برنامه ریزی و مشیت او دارد که در آیه قبل تحت عنوان <یرزق من یشاء> آمده

است.

مبانی پاداش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۷ - ۹

۹ - عمل انسان ها ، مبنای پاداش دهی خدا است .

و لنجزینّهم أحسن الذی کانوا یعملون

مجریان پاداش اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۸ - ۳

۳ - روح و فرشتگان ، کارگزاران رسیدگی به کیفر و پاداش بندگان در قیامت

یوم یقوم الروح و الملئکه صفًّا

صفّ بستن <روح> و <ملائکه>، حاکی از آمادگی آنان برای اجرای دستورات است. به قرینه آیات پیشین که سخن از کیفر و پاداش بندگان بود محدوده مأموریت آنان، رسیدگی به امور بهشتیان و دوزخیان است.

محدودیت پاداش در دنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۵ - ۱۱

۱۱ - دنیا ، فاقد گنجایش و امکانات لازم برای جزای اعمال آدمیان است .

الساعه ءاتیه . .. لتجزی کلّ نفس بما تسعی

ضرورت برپایی قیامت برای تحقق جزا، اشاره به این نکته دارد که ظرف دنیا گنجایش جزا دادن به تلاش های خوب و بد را ندارد، لذا روز دیگر و شرایط دیگری باید فراهم گردد تا <جزا> بتواند تحقق یابد.

محرومان از پاداش خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۵ - ۱۴

۱۴ مؤمنانی که بازماندنشان از جهاد موجب خسارتی به جبهه مؤمنان شود ، مشمول پاداش الهی نیستند .

لایستوی القاعدون من المؤمنین غیر اولی الضّرر . .. کلاّ وعد اللّه الحسنی

برداشت فوق بر این اساس است که <ضرر> به معنای زیان رسانی باشد;

چنانچه در لسان العرب در معنای <لا ـ ضرر> آمده است: ای لا ـ یضر الرجل اخاه. و با توجه به اینکه <غیر> صفت <القاعدون> است، معنای جمله چنین می شود: بازماندگان از جنگ در صورتی که عدم حضورشان موجب ضرر به جبهه مسلمانان نگردد، از اجر و پاداش الهی بهره مند خواهند بود.

محرومیت از پاداش اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۸ - ۱۰

۱۰- < عن إبن عباس أن النبی (ص) قال : معنی الأیه من کان یرید ثواب الدنیا بعمله الذی افترضه الله علیه لایرید به وجه الله و الدار الأخره عجّل له فیها ما یشاء الله من عرض الدنیا و لیس له ثواب فی الأخره و ذلک ان الله سبحانه و تعالی یؤتیه ذلک لیستعین به علی الطاعه فیستعمله فی معصیه الله فیعاقبه الله علیه ;

از ابن عباس روایت شده است که رسول خدا(ص) فرمود: معنای آیه <من کان یرید العاجله عجّلنا له فیها مان یشاء> این است که با انجام اعمالی که خداوند بر او واجب گردانیده، تقرب به سوی خدا و روز آخرت را اراده نمی کند; بلکه پاداش دنیوی را اراده می کند، در دنیا آنچه را که خداوند بخواهد از نعمتهای دنیوی به او داده می شود و برای او در آخرت پاداشی نیست; چون خداوند سبحانه و تعالی آن را به او داده است تا در طریق طاعت کمکش کند; ولی او در معصیت خداوند آن را به کار می بندد. پس خداوند او را به خاطر این کار عذاب می کند>.

محسنان و پاداش

دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۷ - ۳

۳ تنگنای حیات دنیا و گنجایش محدود آن ، نمی تواند ظرفی مناسب برای تأمین پاداش نیکوکاران باشد .

و لانضیع أجر المحسنین. و لأجر الأخره خیر للذین ... و کانوا یتقون

محل پاداش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲ - ۷

۷ - دنیا ، عرصه آزمایش انسان ها و آخرت ، جایگاه پاداش و جایزه است .

لیبلوکم أیّکم أحسن عملاً

روشن است که برای هر آزمایش و مسابقه ای، پاداش و جایزه ای مقرر شده است و چون آزمایش و مسابقه بشر در تمام دوران حیات دنیوی است؛ بنابراین پاداش و جایزه او نیز باید در ظرف حیات دیگری مقرر شده باشد و این حقیقت در بینش الهی، در آخرت محقق خواهد شد. گفتنی است اگر مقصود از <حیات> در این آیه حیات اخروی باشد؛ مؤید دیگری برای اثبات مطلب یاد شده است.

مراتب پاداش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۵ - ۱۲

۱۲ - مؤمنانی که بر دشواری ها و سختی های راه ایمان صبر کنند ، از پاداشی گرانقدر برخوردار خواهند شد .

و بشر الصبرین

نیاوردن متعلق بشارت و مشخص نکردن مژدگانی صابران، به فخامت و ارجمندی آن اشاره دارد. (اقتباس از المیزان).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۷۲ – ۴

۴ پاداش بزرگ الهی برای اجابت کنندگان دعوت خدا و رسول (ص) به نبردی دیگر در عین تحمّل

جراحات نبرد احد ، مشروط به احسان و تقوای آنان است .

الّذين استجابوا . .. للّذين احسنوا منهم و اتّقوا اجر عظيم

مفسران برآنند که نبرد پيشين که مسلمانان در آن جراحتها ديدند، همان نبرد احد است. به دليل وقوع اين آيه پس از بيان نبرد احد و اينکه سخن از قرح به ميان آورده است ; چنانچه درباره نبرد احد نيز فرموده بود: <ان يمسسکم قرح>.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۹ - ۲۴

۲۴ پاداش بزرگ از آن مؤمنان تقواپيشه

و ان تؤمنوا و تتّقوا فلکم اجر عظيم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - نساء - ۴ - ۴۰ - ۸،۱۰،۱۲،۱۳

۸ خداوند با لطف و تفضل خويش ، هر عمل نيکی را پاداشی عظيم عطا خواهد کرد .

و ان تک حسنه يضاعفها و يؤت من لدنه اجراً عظيماً

لطف و تفضل از کلمه <من لدنه> استفاده شده است.

۱۰ ايمان و انفاق ، حسنه ای است که ، هر چند اندک باشد ، پاداش عظيم الهی را در پی خواهد داشت .

ماذا عليهم لو امنوا باللّه و اليوم الاخر و انفقوا . .. و ان تک حسنه يضاعفها و يؤ

از مصاديق مورد نظر برای حسنه، به دليل آيه قبل، ايمان و انفاق است.

۱۲ توجه به آگاهی خداوند بر کوچکترين انفاق ، و پاداش عظيم خداوند به انفاقگران ، درمان بخل و ترک احسان

و انفقوا . .. و کان اللّه بهم عليماً. انّ اللّه لا يظلم مثقال ذرّه و ان تک حسنه

۱۳ پاداش عظيم خداوند ، جبران کننده خسارت های

انفاق کنندگان

و ماذا علیهم لو . .. انفقوا ... و ان تک حسنه یضاعفها و یؤت من لدنه اجراً عظیماً

جمله <یضاعفها و یؤت من لدنه اجراً عظیماً> می تواند پاسخی باشد به این توهم که انفاق، موجب خسارت مالی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۷ - ۱،۲،۳،۴

۱ ارجاع داوری به پیامبر (ص) و دلتنگ نشدن از حکم و قضاوت وی ، در پی دارنده پاداش بزرگ خداوند

فلا و ربّک . .. اذاً لأَتیناهم من لدنّا اجراً عظیماً

برداشت فوق بر این مبناست که مراد از <ما یوعظون> همان مسائلی باشد که در آیه ۶۵ مطرح شده است.

۲ پاداش بزرگ الهی ، پیامد تسلیم همه جانبه در برابر احکام خداوند و عمل به مواعظ او

و یسلموا تسلیما . .. و لو انّهم فعلوا ما یوعظون به ... و اذاً لأَتیناهم من لدنّا

۳ جانبازی و هجرت (تحمل مشکلات و فداکاری در راه خدا) ، موجب اجر بزرگ الهی *

و لو انّهم فعلوا ما یوعظون به . .. و اذاً لأَتیناهم من لدنّا اجراً عظیماً

بنابر اینکه مراد از <ما یوعظون>، همان جهاد و هجرت باشد که در آیه قبل مطرح شد.

۴ ثابت قدمان در ایمان ، بهره مند از پاداش بزرگ و ویژه خداوند

اشدّ تثبیتاً. و اذاً لأَتیناهم من لدنّا اجراً عظیماً

در برداشت فوق، <اذاً لأَتیناهم . .. >، نتیجه <اشدّ تثبیتاً> گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۴ - ۱۰

۱۰ مجاهدان در راه خدا ، بهره مند از

پاداش بزرگ الهی ، چه کشته شوند و چه پیروز .

و من یقاتل فی سبیل اللّه فیقتل او یغلب فسوف نؤتیه اجراً عظیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۵ - ۱۵

۱۵ خداوند ، مجاهدان را با اعطای مقامی بلند و پاداش بزرگ ، بر بازنشستگان از جهاد برتری داده است .

فضّل اللّه المجاهدین باموالهم و انفسهم علی القاعدین درجه . .. و فضّل اللّه المجا

<اجراً عظیماً>، مفعولٌ به برای <فضّل> است و در <فضّل>، معنای عطا کردن تضمین شده ست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۶ - ۱،۲،۳

۱ پاداش های الهی ، دارای مراتب و درجات

فضّل اللّه . .. اجراً عظیماً. درجات منه

۲ درجه ها و منزلت های اعطایی خداوند ، اجر بزرگ مجاهدان در راه او

فضّل اللّه المجاهدین علی القاعدین اجراً عظیماً. درجات منه

۳ آمرزش و رحمت خاص خداوند نسبت به مجاهدان ، اجر بزرگ آنان

فضّل اللّه المجاهدین علی القاعدین اجراً عظیماً. درجات منه و مغفره و رحمه

<مغفره> و <رحمه>، عطف بیان برای <اجراً عظیماً> است. و نکره آوردن کلمه <مغفره> و <رحمه> دلالت بر مغفرت و رحمتی خاص دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۴ - ۵،۷،۸،۹،۱۰

۵ بهره مندی از پاداش بزرگ الهی در گرو انجام اعمال نیک به انگیزه جلب رضایت خداست .

و من يفعل ذلك ابتغاء مرضات اللّه فسوف نؤتيه أجراً عظيماً

۷ نجوا ها و مذاكرات محرمانه براى دعوت مردم به كار هاى نيك ، موجب پاداش بزرگ

الهی

من نجویهم . .. و من یفعل ذلک ابتغاء مرضات اللّه فسوف نؤتیه أجراً عظیماً

۸ دعوت کنندگان مردم به دستگیری از مستمندان ، بهره مند از پاداش عظیم الهی

الا من امر بصدقه . .. فسوف نؤتیه أجراً عظیماً

۹ فراخوانی مردم به همزیستی مسالمت آمیز ، دارای پاداشی عظیم الهی

الا من امر بصدقه او معروف او اصلح بین الناس . .. نؤتیه أجراً عظیماً

۱۰ پاداش های الهی دارای درجات متفاوت و متناسب با انگیزه ها و رفتار آدمیان

و من یفعل ذلک ابتغاء مرضات اللّه فسوف نؤتیه أجراً عظیماً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۴۶ – ۹،۱۰،۱۱،۱۲

۹ وعده خداوند به برخورداری مؤمنان ، از پاداشی بس بزرگ

و سوف یؤت اللّه المؤمنین أجراً عظیماً

۱۰ منافقان تائب ، بهره مند از پاداش بزرگ خدا خواهند بود .

فأولئک مع المؤمنین و سوف یؤت اللّه المؤمنین أجراً عظیماً

۱۱ پاداش الهی ، دارای مراتبی مختلف است .

و سوف یؤت اللّه المؤمنین أجراً عظیماً

۱۲ وعده پاداش بزرگ ، و تهدید به دوزخ ، از روش های قرآن برای ترغیب مردم به ایمان و دوری از کفر و نفاق

إنّ المنفقین فی الدرک . .. و سوف یؤت اللّه المؤمنین أجراً عظیماً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۶۲ – ۱۲،۱۴،۱۵،۱۸

۱۲ مؤمنان به خدا ، قیامت و قرآن ، بر پا دارندگان نماز و پرداخت کنندگان زکات ، از پاداش بزرگ الهی ، برخوردار خواهند شد .

أولئك سنؤتيهم أجراً عظيماً

۱۴ ایمان ، آنگاه در بهره مندی از پاداش بزرگ

الهی کارساز است که توأم با عمل باشد .

و المقیمین الصلوه . .. و المؤمنون باللّه و الیوم الاخر أولئک سنؤتیهم أجراً عظیما

۱۵ بهره مندی عالمان از پاداش های بزرگ الهی در گرو ایمان و انجام اعمال صالح

لکن الرسخون . .. و المؤمنون باللّه و الیوم الاخر أولئک سنؤتیهم أجراً عظیماً

۱۸ پاداش های الهی دارای درجات و مراتب

أولئک سنؤتیهم أجراً عظیماً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۷۳ – ۱

۱ مؤمنان دارای عمل صالح ، برخوردار از اجر کامل و فضل خداوند در قیامت

فاما الذین ءامنوا و عملوا الصلحت فیوفیهم أجورهم و یزیدهم من فضله

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۹ – ۲،۵

۲ همراهی ایمان و عمل صالح ، زمینه جلب مغفرت و دستیابی به پاداش بزرگ الهی

وعد اللّه الذین ءامنوا و عملوا الصلحت لهم مغفره و اجر عظیم

۵ پاداش های الهی ، دارای مراتب است . *

و اجر عظیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۳۲ – ۱۳،۱۶

۱۳ تضمین پاداش عظیم در برابر حفظ جان هر انسان ، نویدی از جانب خداوند بر بنی اسرائیل

کتبنا علی بنی اسرءیل . .. من احیاها فکانما احیا الناس جمیعاً

همسنگی حفظ حیات یک انسان با تمامی انسانها، می تواند کنایه از پاداش عظیم باشد.

۱۶ جلوگیری از تکرار رخدادی همچون کشته شدن هابیل ، فلسفه تعلق پاداش های عظیم خداوند بر پاسداری از جان انسانها

من اجل ذلک کتبنا . .. و من احیاها فکانما احیا الناس جمیعاً

جلد

- نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۶۱ – ۱۴،۱۶،۱۷

۱۴ خداونـد محسـنان بنی اسـرائیل را در صورت رعـایت آداب تعیین شـده برای ورود به بیت المقـدس ، به پاداشـی افزونـتر از احسانشان نوید داد .

سنزید المحسنین

۱۶ خداونـد نیکوکـاران بنی اسـرائیل را در صورت اطاعت از فرمـان های الهی ، علاوه بر بخشایش گناهان ، به پاداش افزونتر نوید داد .

سنزید المحسنین

در برداشت فوق محسـنان مقابل گناهکاران قرار داده نشـده، بلکه به معنای لغوی آن (نیکوکاران) گرفته شده است. بر این مبنا آیه شـریفه ناظر به تقسـیم بنی اسـرائیل به دو گروه گنهکار و پاکدامن نیست، بلکه آنان را به دو گروه محسـنان و غیر محسنان تقسـیم کرده است. جمله <نغفر لکم ... > می رساند که خدا گناه همگان چه محسن و چه غیر محسن را خواهد بخشید، ولی به نیکوکاران پاداشی افزونتر عنایت خواهد کرد.

۱۷ اطاعت کنندگان از دستور های خدا در صورت نیکوکار بودن از پاداشی بیش از دیگر مطیعان بهره مند خواهند شد .

سنزید المحسنین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۲۲ – ۴،۵،۶

۴ پاداش خداوند به مؤمنان مهاجر و مجاهد ، پاداشی بزرگ است .

الذین ءامنوا و هاجروا و جهدوا . .. إن اللّه عنده أجر عظیم

۵ اجر و پاداش بزرگ ، تنها در نزد خداست .

إن اللّه عنده أجر عظیم

تقدیم <عنده> بر <أجر عظیم> می تواند برای افاده حصر باشد.

۶ مؤمنان مهاجر و مجاهد ، علاوه بر بهره مندی از رحمت و رضوان الهی و بهشت ،

از پاداشی ویژه و بزرگ در پیشگاه خداوند برخوردارند .

الذین ءامنوا و هاجروا و جهدوا . .. و جنت ... إن اللّه عنده أجر عظیم

قرار گرفتن جمله <إن اللّه عنده أجر عظیم> که دارای معنانی عام و کلی است پس از ذکر پاداشهای گوناگون مؤمنانِ مهاجر و مجاهد، می تواند گویای برداشت فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۷ - ۳

۳ استوار ماندن بر حق و پایداری بر ایمان ، در تنگنا ها و شرایط دشوار ، دارای ارزشی والا و پاداشی ویژه

لقد تاب اللّه علی النبی و . .. الذین اتبعوه فی ساعه العسره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۱ - ۵

۵ جهاد و تحمل هزینه های جنگ ، دارای بهترین پاداش در پیشگاه خداوند

لیجزیهم اللّه أحسن ما کانوا یعملون

برداشت فوق بر این اساس است که <أحسن> مفعول دوم برای <یجزی> باشد; یعنی، خداوند نیکوترین پاداش عمل را به مجاهدان خواهد داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱ - ۱۰،۱۱

۱۰ صابران دارای اعمال صالح ، از پاداش بزرگ الهی (بهشت) برخوردار خواهند شد .

أُولئک لهم مغفره و أجر کبیر

بنا به گفته گروهی از مفسران ، مراد از <أجرکبیر> بهشت و موهبتهای اخروی است.

۱۱ دستیابی به پاداش بزرگ الهی (بهشت) در گرو بخشوده شدن گناهان است .

أُولئک لهم مغفره و أجر کبیر

تقدیم ذکری <مغفرت> بر <أجر کبیر> می تواند اشاره به این باشد که: رسیدن به پاداش بزرگ الهی

و ورود به بهشت ، در گرو آمرزش گناهان است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۴۱ – ۱،۱۰

۱- خداوند ، به مسلمانهایی که مورد ستم واقع شده و به خاطر او هجرت کردند ، جایگاه و مکانی شایسته در دنیا و پاداشی بس بزرگ تر در آخرت عطا می کند .

و الذین هاجروا فی الله من بعد ما ظلموا لنبوّئنّهم فی الدنیا حسنه و لأجر الأخره أ

<فی> در <فی الله> به معنای <لام> و برای تعلیل است. بنابراین معنای عبارت <هجرت برای کسب رضای خداوند> است.

۱۰- پاداش اخروی هجرت در راه خدا ، بسی برتر از پاداش دنیوی آن است .

و الذین هاجروا فی الله من بعد ما ظلموا لنبوّئنّهم فی الدنیا حسنه و لأجر الأخره أ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۹۶ – ۴

۴- هر عمل نیک ، دارای مراتب مختلف در نیکی و پاداش های گوناگون و متناسب است .

و لنجزینّ الذین صبروا أجرهم بأحسن ما کانوا یعملون

اینکه خداوند اعمال صابران را به بهترین نوع عمل پاداش می دهد، نشانگر آن است که هر عمل نیک دارای انواع و مراتب مختلفی است که خداوند در مقام جزا، بهترین نوع آنها را ملاک قرار داده و به صابران عطا می فرماید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۹ – ۵،۶

۵- مؤمنانی که همواره به کردار نیک مشغولند ، از پاداشی بزرگ برخوردارند .

و یبشّر المؤمنین الذین یعملون الصلحت أن لهم أجرًا کبیرًا

۶- داشتن عمل صالح ، شرط بهره

مندی مؤمنان از پاداش بزرگ الهی

و يبشّر المؤمنين الذين يعملون الصلحت أن لهم أجرًا كبيرًا

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۳۸ – ۱،۲،۱۰

۱ – اعمال خوب مردمانی که همواره به ياد خدا هستند ، در پی دارنده پاداشی از نوع پاداش بهترين عمل ها از سوی خداوند

رجال . .. ليجزيهم اللّه أحسن ما عملوا

۲ – مردمانی که همواره به ياد خدا هستند ، از بهترين و بالاترين پاداش های الهی برخوردار خواهند بود .

رجال لاتلهيهم تجره و لابيع عن ذكر اللّه . .. ليجزيهم اللّه أحسن ما عملوا

برداشت ياد شده، مبتنی بر اين نكته است كه كلمه <جزاء> پيش از <أحسن>، در تقدير و مفعول دوم برای <ليجزی> باشد.

۱۰ – مردمانی که همواره به ياد خدا هستند ، به بهترين پاداش و فضل او اميدواراند .

رجال لاتلهيهم تجره و لابيع عن ذكر اللّه . .. ليجزيهم اللّه أحسن ما عملوا و يزيد

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۷ – ۳،۴،۶

۳ – پاداش الهی به مؤمنان ، بسی بزرگ است .

و الذين ءامنوا و عملوا الصلحت لهم مغفره و أجر كبير

۴ – سعادت و برخورداری از غفران و اجر بزرگ الهی ، در گرو توأم بودن ايمان و عمل صالح است .

و الذين ءامنوا و عملوا الصلحت لهم مغفره و أجر كبير

۶ – ايمان همراه با عمل صالح ، از موجبات آمرزش الهی و بهره مند شدن از اجر بزرگ خداوند

و الذين ءامنوا و عملوا الصلحت لهم مغفره و أجر كبير

– فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۱۱ – ۱۱

۱۱ – پیامبر (ص) مأمور بشارت دادن پیروان قرآن و خداترسان به مغفرت و اجر ارزشمند و پرب های الهی

من اتّبع الذکر و خشی الرحمن بالغیب فبشّره بمغفره و أجر کریم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۳۵ – ۷،۱۲،۱۳

۷ – احسان ، موجب بهره مندی از پاداش بهترین عمل ها

ذلک جزاء المحسنین . .. و یجزیهم أجرهم بأحسن الذی کانوا یعملون

۱۲ – هر عمل نیکی ، دارای مراتب مختلف در نیکی و پاداش های متناسب با آن است .

و یجزیهم أجرهم بأحسن الذی کانوا یعملون

این که خداوند به محسنان مطابق بهترین نوع عملشان پاداش می دهد، نشانگر آن است که هر عمل نیکی، دارای انواع و مراتب گوناگون است که خداوند در مقام جزا، بهترین نوع آن را ملاک قرار داده و به آنان عطا می کند.

۱۳ – گذشت و چشم پوشی خداوند از گناهان بزرگ ، بسی با اهمیت تر از پاداش های بزرگ او است .

لیکفّر اللّه عنهم أسوأ الذی عملوا و یجزیهم أجرهم بأحسن الذی کانوا یعملون

از تقدم ذکری <لیکفّر اللّه. ..> بر <یجزیهم...> می توان برداشت بالا را به دست آورد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۸ – ۱

۱ – مؤمنان نیک کردار ، برخوردار از پاداش بی حساب و همیشگی خداوند

إنّ الذین ءامنوا و عملوا الصلحت لهم أجر غیر ممنون

برداشت یاد شده بر این اساس است که <غیر ممنون> به معنای غیر منقطع و یا غیر قابل محاسبه باشد.

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۰ - ۱۲

۱۲ - صلح حدیبیه و فتح مکه ، پاداش بزرگ الهی به ثابت قدمان بر پیمان با پیامبر (ص) *

و من أوفی . .. فسیؤتیه أجرًا عظیمًا

با توجّه به این که پیمان یاد شده، قبل از انعقاد صلح حدیبیه صورت گرفته است; احتمال می رود که نوید <فسیؤتیه. ..> بر صلح حدیبیه و فتح مکه منطبق شود که پس از این پیمان رخ داده است; زیرا اگر آن بیعت و پایداری نبود، نوبت به چنان پیروزی هایی نمی رسید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۶ - ۱۲

۱۲ - جهاد در راه خدا ، دارای اجری بزرگ و ارجمند

ستدعون إلی قوم أولی بأس شدید . .. فإن تطیعوا یؤتکم اللّه أجرًا حسنًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۴۳،۴۴

۴۳- وعده الهی به بهره مندی مؤمنانِ نیک کردار ، از مغفرت و پاداشی عظیم

وعد اللّه الذین ءامنوا و عملوا الصلحت منهم مغفره و أجرًا عظیمًا

۴۴- آمیختگی ایمان و عمل صالح ، شرط برخورداری مؤمنان از مغفرت و پاداش عظیم الهی

الذین ءامنوا و عملوا الصلحت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۳ - ۱۰

۱۰ پاداش های الهی به مؤمنان ، دارای مراتب

أجر عظیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – حجرات – ۴۹ – ۱۴ – ۱۹

۱۹ – پاداش کامل اعمال مؤمنان ، جلوه رحمت خاص الهی به اهل ایمان

لایلتکم من

أعملكم شيئًا إنّ اللّه . .. رحيم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۲ - ۳

۳ - مؤمنان به تناسب عملكرد خويش ، برخوردار از بهشت هاى متفاوت *

و لمن خاف مقام ربّه جنّتان . .. و من دونهما جنّتان

در صورتى كه <دونهما> به معناى مرتبه پايين تر باشد، احتمال مى رود كه دو بهشت قبل مخصوص خائفان و اين دو بهشت فروتر، از آنِ كسانى باشد كه در مرتبه پايين تر قرار دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - حديد - ۵۷ - ۷ - ۱۳

۱۳ - وعده پاداش بزرگ از سوى خداوند به مؤمنان انفاقگر

فالذين ءامنوا منكم و أنفقوا لهم أجر كبير

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - حديد - ۵۷ - ۱۰ - ۲۳

۲۳ - پاداش الهى به مجاهدان و انفاق گران در راه خدا ، بهترين و نيكوترين پاداش است .

و كلاًّ وعد اللّه الحسنى

<حسنى> (مؤنث <أحسن>)، به معناى نيكوتر است. گفتنى است كه <الحسنى>، صفت براى موصوف محذوف است; يعنى، <و كلاًّ وعد اللّه المثوبه الحسنى>.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - حديد - ۵۷ - ۱۸ - ۱۱

۱۱ - خداوند ، در برابر قرض الحسنه كه مؤمنان به او مى دهند علاوه بر باز پس دادن چند برابر آن در دنيا پاداش نفيس و گران سنگى نيز در آخرت به ايشان عطا خواهد كرد .

إنّ المصّدّقين . .. و أقرضوا اللّه ... و لهم أجر كريم

واژه <كريم>، در هر مورد معنايى متناسب با همان جا دارد و در اين

جا به معنای عظیم، نفیس و گران سنگ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۵ - ۵،۶،۷

۵ - اجر بزرگ ، در پیشگاه خداوند است .

و اللّه عنده أجر عظیم

۶ - رهایی از دلبستگی به اموال و اولاد و ترجیح دین داری بر وابستگی به آنها ، دارای پاداش بزرگ الهی است .

و اللّه عنده أجر عظیم

یادآوری پاداش بزرگ الهی، پس از هشدار درباره وابستگی به اموال و اولاد خویش، بیانگر مطلب یاد شده است.

۷ - توجه و ایمان به پاداش بزرگ الهی برای مؤمنان ، بازدارنده انسان از وابستگی به اموال و اولاد و گناه به خاطر آنها

و اللّه عنده أجر عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۷ - ۴،۱۲

۴ - قرض به خدا (انفاق) ، موجب بهره مندی از سود و پاداش مضاعف الهی است .

إن تقرضوا اللّه قرضًا حسنًا یضعفه لکم

۱۲ - پاداش مضاعف به انفاق گران و آمرزش آنان ، جلوه تفضل و لطف ویژه خداوند به آنان است .

إن تقرضوا اللّه . .. یضعفه ... و اللّه شکور حلیم

سپاس و تقدیر خداوند از انفاق گران با آن که سود انفاق به خود آنان باز می گردد نشانه تفضل و لطف ویژه الهی به انفاق گران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۵ - ۸،۹،۱۰

۸ - کسانی که تقوا پیشه کنند ، از اجر بزرگ الهی بهره مند خواهند شد .

و من يتّق اللّه . .. يعظم له أجرًا

۹ -

خداترسی و تقواپیشگی ، عامل دریافت اجری بزرگ از جانب خداوند

و من یتّق اللّه . .. یعظم له أجرًا

۱۰ - رعایت تقوا از سوی مردان و زنان مطلّقه ، موجب بهره مند شدن آنان از اجر بزرگ الهی

فطلّقوهنّ لعدّتهنّ . .. و من یتّق اللّه ... یعظم له أجرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۲ - ۱،۲،۳

۱ - خداترسان ، مشمول غفران عظیم خداوند و بهره مند از پاداش بزرگ او

إنّ الذین یخشون ربّهم بالغیب لهم مغفره و أجر کبیر

تنکیر <مغفره>; دلالت بر تعظیم دارد.

۲ - ترس از خدا در عین پنهان بودن او و از انظار عامل جلب غفران و پاداش بزرگ الهی

إنّ الذین یخشون ربّهم بالغیب لهم مغفره و أجر کبیر

<با> در <بالغیب> یا به معنای ملابست است و یا به معنای <فی>. در صورت اول <بالغیب> حال برای <ربّهم> و در صورت دوم متعلق به <یخشون> خواهد بود. گفتنی است برداشت یاد شده، مبتنی بر احتمال نخست می باشد.

۳ - ترس از خدا به دور از انظار مردمان و پیراسته از ریا ، موجب جلب غفران و پاداش بزرگ او است .

إنّ الذین یخشون ربّهم بالغیب لهم مغفره و أجر کبیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳ - ۵

۵ - هدایت و تبلیغ دین و تحمّل سختی ها و ناگواری های برخاسته از آن ، دارای پاداشی بزرگ ، روز افزون و بی منت

و إنّ لک لأجرًا غیر ممنون

برداشت یاد شده، به سبب این نکته تردیدناپذیر است که اجر بزرگ پیامبر(ص)، به جهت

رسالت او و تحمل سختی های آن (از جمله تحمل تهمت های ناروا همچون تهمت جنون و. ..) می باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – انشقاق – ۸۴ – ۲۵ – ۶

۶ – خداوند ، برای مؤمنانی که عمل صالح دارند ، پاداش بزرگی قرار داده است .

لهم أجر

نکره آوردن <أجر>، بیانگر عظمت آن است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – لیل – ۹۲ – ۲۰ – ۱۱

۱۱ – برخورداری از لطف و توجّه خداوند ، شایسته ترین پاداش برای انفاق گرانِ باتقوا است .

الأتقی . الذی یؤتی ماله ... إلّا ابتغاء وجه ربّه الأعلی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – تین – ۹۵ – ۶ – ۶

۶ – مؤمنان دارایِ عمل صالح ، از پاداشی بزرگ برخوردار خواهند شد .

إلّا الذین ءامنوا و عملوا الصلحت فلهم أجر غیر ممنون

نکره بودن <أجر>، بر عظمت آن دلالت دارد.

مراتب پاداش اخروی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۲۶ – ۲

۲ پاداش نیکوکاران در سرای آخرت از نوعِ بهترین پاداشهاست .

للذین أحسنوا الحسنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۰ - ۹

۹ - احسان در دنیا ، درپی دارنده پاداش نیک و بزرگ الهی در جهان آخرت

للذین أحسنوا فی هذه الدنیا حسنه

برداشت بالا بر این اساس مبتنی است که <فی هذه الدنیا> متعلق به <أحسنوا> و ظرف برای آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۴ - ۷

۷

- پاداش احسان کنندگان در قیامت ، پاداشی بزرگ و با عظمت است .

ذلک جزاء المحسنین

برداشت یاد شده از کاربرد <ذلک> (برای اشاره به شیء بعید)، استفاده شده است.

مراتب پاداش دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۰ - ۷

۷ - پاداش احسان کنندگان در دنیا ، بسیار بزرگ و توصیف ناپذیر است .

للذین أحسنوا فی هذه الدنیا حسنه

برداشت بالا از تنوین <حسنه> که برای تعظیم و تفخیم است استفاده می شود.

مراتب پاداش های اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۲ - ۷

۷ بهشت دارای مراتب ، و پاداش های اخروی ، دارای گونه های متکامل

جنت تجری . .. جنت عدن و رضون من اللّه أکبر

در برداشت فوق، از تمایز <جنات تجری> و <جنات عدن> از یکدیگر مراتب بهشت، و از <رضوان من اللّه أکبر> تفاوت کمالی نعمتهای آن استفاده شده است.

مراد از پاداش مضاعف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۶ - ۹،۱۰،۱۱

۹ < عن ابی جعفر (ع) فی قوله < للذین احسنوا الحسنی و زیاده > فاما الحسنی ، الجنه و اما الزیاده فالدنیا ، ما اعطاهم اللّه فی الدنیا لم یحاسبهم به فی الأخره . . . ;

از امام باقر (ع) روایت شده که درباره سخن خدا که می فرماید: <برای کسانی که نیکی کرده اند، پاداشی نیکوتر و خیری زیاده بر آن هست> فرمود: اما پاداش نیکوتر، بهشت است و اما زیاده بر آن، عطای خدا در

دنیاست. آنچه خدا در دنیا به آنان داده، در آخرت حساب آن را از ایشان نمی خواهد ... >.

۱۰ از علی (ع) روایت شده است : < الزیاده غرفه من لؤلؤه واحده ل ها أربعه أبواب ;

مراد از زیاده در آیه شریفه، غرفه ای است از لؤلؤ یکپارچه که چهار در دارد>.

۱۱ از رسول خدا (ص) روایت شده است : < الذین احسنوا > أهل التوحید و < الحسنی > الجنه و < الزیاده > النظر إلی وجه اللّه ;

مراد از <کسانی که نیکی کرده اند، اهل توحید می باشد و <حسنی> بهشت و <زیاده> نظر به وجه اللّه است>.

مستحقان پاداش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۹ - ۷

۷ مبلغان معارف دین ، مستحق پاداشند و پاداش دهنده ایشان ، خداوند است .

إن أجری إلاّ علی الله

مشمولان پاداش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۴۵

۴۵- از میان اصحاب پیامبر (ص) ، تنها پایداران بر طریق ایمان و عمل نیک ، برخوردار از مغفرت و پاداش عظیم الهی اند .

وعد اللّه الذین ءامنوا و عملوا الصلحت منهم مغفره و أجرًا عظیمًا

در صورتی که <من> در <منهم> برای تبعیض باشد; از آیه شریفه استفاده می شود که از میان کسانی که همراه پیامبرند، تنها بخشی از آنان که اهل ایمان و عمل صالح بوده و بر این وصف پایدار می باشند از مغفرت و اجر الهی برخورداراند.

مکان پاداش

جلد - نام سوره - سوره - آیه

– فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۵ – ۱۰

۱۰ – دنیا ، محل تلاش و آخرت جای کیفر و پاداش و مواجه شدن با نتیجه تلاش است .

إنّ الساعه ءاتیه . .. لتجزی کلّ نفس بما تسعی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۲۵ – ۷

۷ – جهان آخرت ، جهان کیفر و پاداش است .

یومئذ یوفّیهم اللّه دینهم الحقّ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – نجم – ۵۳ – ۳۱ – ۱۰

۱۰ – < عن زیدبن وهب إنّ علیّاً (ع) قال : . . .و لکنّه جعل الدنیا دار الأعمال و جعل الأخره دار الجزاء و القرار < لیجزی الذین أساؤا بما عملوا و یجزی الذین أحسنوا بالحسنی > . . . ;

زیدبنوهب گوید: امام علی(ع) فرمود: . ..خداوند دنیا را خانه عمل و آخرت را منزل جزا و آرامش قرار داده است تا بدکاران را به کیفر بدی هایشان برساند و نیکوکاران را پاداش نیک دهد>... .

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حدید – ۵۷ – ۲۰ – ۱۵

۱۵ – جهان آخرت ، جهان کیفر و پاداش الهی

و فی الأخره عذاب شدید و مغفره من اللّه و رضون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نازعات – ۷۹ – ۳۵ – ۳

۳ – دنیا ، محل تلاش و آخرت ، جای بهره مندی از تلاش ها است .

فإذا جاءت الطامّه الکبری . یوم یتذکّر الإنسن ما سعی

بیان <یادآوری اعمال در قیامت>، صرفاً به منظور خبر از آینده نیست; بلکه بشارت

دادن و انذار انسان ها نسبت به فرجام اعمالشان است.

مکان پاداش عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۱ - ۱۰

۱۰- دنیا ، میدان عمل و آخرت صحنه دریافت پاداش و کیفر است .

یوم تأتی . .. و توفّی کلّ نفس ما عملت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۰ - ۱۰

۱۰ - دنیا ، عرصه تلاش و کوشش و جهان آخرت ، عرصه اجر و پاداش

للذین أحسنوا فی هذه الدنیا حسنه

مکذبان پاداش اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۰ - ۷

۷ مشرکان ، هیچ اعتقادی به روز رستاخیز و انتظار کیفر و پاداش الهی در آن روز را نداشته اند .

بل کانوا لایرجون نشورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۸۶ - ۲

۲ - شرک پیشگان صدراسلام ، منکر هر گونه کیفر و پاداش پس از مرگ

فلولا إن کنتم غیر مدینین

خطاب در آیه شریفه متوجه کسانی است که مرگ را پایان زندگی دانسته و درباره کیفر و پاداش پس از مرگ، موضع

انکارآمیز داشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۱ - ۱

۱ - گروهی از مدعیان اسلام در عصر بعثت ، جزای اخروی را دروغ دانسته ، آن را تکذیب می کردند .

الذی یکذّب بالدین

<دین>، به معنای جزا است و در معانی <عادت>، <عبادت>، <حساب>، <طاعت>، <سیرت> و <ملّت> نیز به کار می رود (قاموس). آیات بعد که

درباره نمازگزاران و ریاکاران سخن می گوید قرینه بر اراده معنای <جزا> و <حساب> است. از کلمات <مصلّین> و نظایر آن که جمع آمده است استفاده می شود که مراد از <الذی> در این آیه، جنس است; هرچند در شأن نزول ها بر افرادی نظیر ولید و ابوسفیان، تطبیق داده شده است.

ملاک پاداش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۵ - ۶

۶ نیّت ، ملاک ثواب و عقاب عمل

لا یؤاخذکم اللّه باللغو فی ایمانکم و لکن یؤاخذکم بما کسبت قلوبکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۳ - ۵

۵ عملکرد مردم ، تعیین کننده کیفر و جزای الهی است ، نه صرف انتساب به مکتب و یا دینی خاص !

لیس بامانیکم و لا امانی أهل الکتب من یعمل سوءاً یجز به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۸ - ۳

۳ - ایمان و فسق دنیوی ، ملاک پاداش و کیفر اخروی است .

أفمن کان مؤمنًا کمن کان فاسقًا لایستوون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷ - ۲۰

۲۰ - تأثیر انگیزه ها و نیت های انسان ها در اعمالشان و نیز در چگونگی و میزان کیفر و پاداش آنان

فینبّئکم بما کنتم تعملون إنّه علیم بذات الصدور

خداوند به جای آن که بفرماید: من به اعمال پنهانی آنان آگاهم، فرمود: به باطن و ضمیر آنان آگاه هستم. این تعبیر می تواند

اشاره به حقیقت یاد شده باشد.

جلد – نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۳۱ - ۴

۴ - پاداش و کیفر الهی ، بر محور عملکرد نیک و بد آدمی قرار دارد .

لیجزی الذین أسوا بما عملوا و یجزی الذین أحسنوا بالحسنی

ملاک پاداش اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۵ - ۴

۴ - کیفر و پاداش اشخاص در قیامت و داوری درباره آنان ، بر پایه شهادت و گواهی اعضا و جوارح (زبان ، دست و پای) خود آنها خواهد بود .

یوم تشهد علیهم ألسنتهم . .. یومئذ یوفّیهم اللّه دینهم الحقّ

جمله <یومئذ یوفّیهم اللّه> استئناف بیانی است و پاسخ به این سؤال است که گواهی زبان، دست و پا بر اعمال انسان ها، برای چه منظوری است؟ پاسخ آیه شریفه این است که این گواهی، به منظور اعطای جزای کامل و عادلانه می باشد و این جزا بر پایه همین گواهی استوار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۰ - ۵

۵ - عمل و رفتار انسان ، مبنای داوری خداوند و ملاک جزای او در قیامت است .

و وفّیت کلّ نفس ما عملت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۰ - ۲

۲ - عمل و نوع رفتار آدمی ، معیار کیفر و جزای اخروی او است .

من عمل سیّئه فلایجزی إلّا مثلها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۵۱ – ۱۱

۱۱ – کیفر و پاداش انسان ها در قیامت

، مستند به گواهی شاهدان است .

یوم یقوم الأشهد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – جاثیه – ۴۵ – ۲۸ – ۱۳

۱۳ – جزای انسان ها در قیامت ، براساس عملکرد دنیوی آنان است .

الیوم تجزون ما کنتم تعملون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – نجم – ۵۳ – ۴۱ – ۲

۲ – مجازات و پاداش اخروی ، بر محور عملکرد خود انسان است .

و أنّ سعیه سوف یری . ثمّ یجزیه الجزاء الأوفی

ضمیر <ه> در <یجزاه> به <سعی> بازمی گردد.

ملاک پاداش عمل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – انفطار – ۸۲ – ۱۲ – ۳

۳ – پاداش و کیفر اعمال در قیامت ، براساس نامه عمل و کردار انسان در دنیا است .

یعلمون ما تفعلون

منشأ پاداش

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۷۳ – ۶

۶ فضل الهی ، منشأ افزایش پاداش اهل ایمان

فاما الذین ءامنوا . .. و یزیدهم من فضله

<من> در <من فضله> نشویه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۲۹ - ۷

۷ مبلغان معارف دین ، مستحق پاداشند و پاداش دهنده ایشان ، خداوند است .

إن أجری إلّا علی الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۲ - ۷،۱۰

۷- جزا دادن به بندگان (کیفر و پاداش) ، حق اختصاصی و دائمی خداوند است .

و له الدین واصبًا

<دین> دارای چند معناست و از جمله آنها جزاست. برداشت فوق بر اساس این

معنا می باشد.

۱۰- در انحصار خداوند بودن جزا (کیفر و پاداش) ، مقتضی اختصاص دادن ترس ، به ترس از او

و له الدین واصبًا أفغیر الله تتّقون

به تناسب موضوع (توبیخ ترس از غیر خدا)، احتمال دارد مراد از <الدین> جزا باشد. اینکه ترس از غیر خدا مورد سرزنش قرار گرفته ممکن است به خاطر این باشد که جزا منحصراً در اختیار خداوند است و در این صورت، جایی برای ترس از غیر خدا نمی ماند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۴ - ۶

۶- خداوند ، عطاکننده بهترین پاداش ها و برترین فرجام ها است .

هو خیر ثوابًا و خیر عقبًا

<ثواب> به معنای <اجر و پاداش> است و <عقب> به معنای <عاقبت و فرجام>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۹ - ۵

۵ - تنها خداوند ، شایسته پاداش خواهی از او است ; نه خلق سراپا نیاز و ضعف .

و ما أسئلکم . .. إن أجری إلاّ علی ربّ العلمین

آوردن <ربّ العالمین> به جای <اللّه> می تواند اشاره به مطلب یاد شده داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۷ - ۵

۵ - تنها خداوند ، شایسته پاداش خواهی از او است ; نه خلق سرا پا نیاز و ضعیف .

و ما أسئلکم . .. إن أجری إلاّ علی ربّ العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۵ - ۵

۵ - تنها خداوند ، شایسته پاداش خواهی از او

است ; نه خلق سراپا نیاز و ضعف .

و ما أسئلکم علیه من أجر إن أجری إلاّ علی ربّ العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۴ - ۵

۵ - تنها خداوند ، شایسته پاداش خواهی از او است نه خلق سراپا نیاز و ضعف .

و ما أسئلکم علیه من أجر إن أجری إلاّ علی ربّ العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸۰ - ۵

۵ - تنها خداوند ، شایسته پاداش خواهی از او است ; نه خلق سراپا نیاز و ضعف .

إن أجری إلاّ علی ربّ العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۶ - ۶

۶ - پاداش اعمال بندگان ، بر خداوند الزامی نیست .

جزاء . .. عطاء

توصیف نعمت های اخروی به دو وصف <جزاء> که در مقابل عمل است و <عطاء> که بدون توجّه به عمل داده می شود حاکی از آن است که خداوند آنچه را در آخرت، برابر اعمال انسان به او می دهد، از روی تفضّل و احسان است; نه این که انسان استحقاق آن را داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۷ - ۱۰

۱۰ - خداوند ، تنها تصمیم گیرنده صحنه های آخرت و کیفر و پاداش مردم

لایملکون منه خطابًا

منشأ پاداش اخروی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۲۵ – ۸

۸ – کیفر و پاداش در سرای آخرت در اختیار

خداوند است .

یومئذ یوفّیهم اللّه دینهم الحقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۴ - ۲

۲ - پاداش الهی در جهان آخرت ، براساس فضل و احسان و کیفر او ، برپایه عدل و انصاف خواهد بود .

من جاء بالحسنه فله خیر منها و من جاء بالسیّئه فلایجزی . .. إلاّ ما کانوا یعملون

منشأ پاداش انفاقگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۲۰ - ۱۲

۱۲ - پاداش انفاق گرانِ باتقوا ، مایه رشد و کمال آنان و برخاسته از ربوبیت و مقام والای خداوند است .

ربّه الأعلی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۲۱ - ۳

۳ - خداوند ، تضمین کننده پاداش انفاق گرانِ باتقوا و برآورنده آرزوی آنان در رسیدن به مقام قرب الهی است .

إلاّ ابتغاء وجه ربّه الأعلی . و لسوف یرضی

منشأ پاداش بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۶ - ۵

۵ - پاداش های بهشتیان ، عطا و تفضّل خداوند است .

عطاء

<عطاء> اسم مصدر و به معنای پرداختن و نیز به معنای چیزی است که به دیگری پرداخته می شود. راغب در <مفردات> می گوید: <این کلمه به جایزه و بخشش اختصاص یافته است>.

منشأ پاداش عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۰ - ۱۲

۱۲ - مشیت خداوند ، برخورداری انسان ها از دستاورد تلاش و انگیزه خود آنان است .

یرزق من یشاء . .. من کان

یرید ... و من کان یرید

منشأ پاداش مبلغان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۲ - ۷،۹،۱۰

۷ - خداوند ، ضامن پاداش تلاشگران در راه دین و هدایت مردم

فخراج ربّک خیر

۹ - پاداش خدا ، بهترین و ارزشمندترین پاداش ها برای مبلغان الهی

فخراج ربّک خیر

۱۰ - ربوبیت الهی ، مقتضی پاداش به مبلغان دینی

فخراج ربّک خیر

منشأ پاداش متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۷ - ۶،۸

۶ - پاداش رسانی به اهل تقوا در قیامت ، اقتضای تدبیر نظام هستی و لازمه ربوبیت خداوند بر جهان است .

جزاء من ربّک . .. ربّ السموت و الأرض و ما بینهما

۸ - نعمت های بهشت و پاداش تقواپیشگان در آن ، جلوه رحمت گسترده خداوند است .

جزاء من ربّک . .. الرحمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۲۱ - ۳

۳ - خداوند ، تضمین کننده پاداش انفاق گرانِ باتقوا و برآورنده آرزوی آنان در رسیدن به مقام قرب الهی است .

إلّا ابتغاء وجه ربّه الأعلى . و لسوف يرضى

منشأ پاداش محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۲ - ۸

۸ - خدا ، عهده دار پاداش پیامبر (ص) در برابر ادای رسالت

فخراج ربّك خیر

منشأ پاداش مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۸ - ۲

۲ - خدا ، عهده دار پاداش مؤمنان مهاجر

و الذین هاجروا فی سبیل اللّه . ..

ليرزقنّهم اللّه رزقًا حسنًا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۹ - ۱۸

۱۸ - خداوند ، پاداش عمل مؤمنان را بر اساس تفضل خويش و كيفر كافران را بر پايه عدل می دهد .

رجال . .. ليجزيهم اللّه أحسن ما عملوا و يزيدهم من فضله ... و الذين كفروا ... فوف

برداشت ياد شده، از مقايسه ميان دو گونه برخورد خداوند با مؤمنان و كافران به دست می آيد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۹ - ۷

۷ - عزت و حكمت الهی ، مقتضی كيفر كافران و پاداش مؤمنان است .

فبشّره بعذاب أليم . .. لهم جنّت النعيم ... و هو العزيز الحكيم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴ - ۳

۳ - خداوند ، پاداش مؤمنان دارای عمل صالح را خواهد داد .

ليجزی الذين ءامنوا

ضمير فاعلی <ليجزی> به <عالم الغيب> بازمی گردد.

منشأ پاداش مهاجران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۸ - ۲

۲ - خدا ، عهده دار پاداش مؤمنان مهاجر

و الذين هاجروا فی سبيل اللّه . .. ليرزقنّهم اللّه رزقًا حسنًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۹ - ۱

۱ - خدا ، عهده دار پاداش مؤمنان مهاجر در جهان آخرت

و الذین هاجروا . .. لیدخلنّهم مدخلاً یرضونه

منشأ پاداش های اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۱ - ۲

۲ - بهشت و

پاداش های اخروی ، برخاسته از مقام ربوبیت خداوند است .

من خاف مقام ربّه . .. فإنّ الجنّه هی المأوی

موانع پاداش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۳ - ۴

۴ رفتار و کردار بازدارنده از خیر و ثواب، از محرمات الهی است.

إنما حرم ربی . .. الإثم

کلمه <الإثم> به معنای افعالی است که مایه تأخیر در رسیدن به ثواب می شود. (مفردات راغب).

موجبات ازدیاد پاداش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۰ - ۳

۳ - موقعیت افراد ، در برخورداری شان از پاداش و کیفر الهی ، نقش دارد .

و إن کنتنّ تردن اللّه. .. فإنّ اللّه أعدّ... أجرًا عظیمًا... من یأت منکنّ بفحشه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۱ - ۱،۴،۶

۱ - خداوند ، به همسران پیامبر ، در صورت اطاعت خاضعانه آنان از خدا و پیامبر (ص) و انجام عمل صالح ، وعده پاداش دوچندان داده است .

و من یقنت منکنّ للّه و رسوله و تعمل صلحًا نؤتها أجرها مرّتین

<قنوت> (مصدر <یقنت>) به معنای <اطاعت خاضعانه> است (مفردات راغب).

۴ - موقعیت افراد در برخورداری شان از پاداش مضاعف خداوند در مقابل عمل صالح شان نقش دارد .

و من يقنت منكنّ للّه و رسوله و تعمل صلحًا نؤتها أجرها مرّتين

۶ - برخورداری همسران پیامبر از پاداش مضاعف الهی ، منوط به تداوم اطاعت و انجام دادن عمل صالح از سوی آنها است .

و من يقنت منكنّ . .. و تعمل صلحًا نؤتها أجرها مرّتين

فعل

مضارع <یقنت> و <تعمل> استمرار را می رساند.

موجبات پاداش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۲ - ۱،۹

۱ - مسلمانان ، یهودیان ، نصرانی ها و صابئان ، در صورت داشتن ایمان راستین به خدا و باور به قیامت و انجام عمل صالح ، از پاداشی گران قدر برخوردار خواهند شد .

إن الذین ءامنوا . .. فلهم أجرهم عند ربهم

مراد از <الذین ءامنوا> مسلمانان هستند. درباره آیین صابئی نظرات مختلفی ایراد شده است. علامه طباطبایی پس از بیان اقوال گوناگون، تأیید می کنند که آیین صابئی، آیینی ممزوج از دین یهود، مجوس و حرانیّه بوده است.

۹ - رسیدن به پاداش های گران قدر الهی در گرو ایمان به خدا ، باور به قیامت و انجام اعمال صالح است .

من ءامن باللّه . .. فلهم أجرهم عند ربهم

مقید کردن اجر و پاداش به اینکه نزد خداوند است، اشاره به گران سنگی پاداش دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۳ - ۲،۳،۴،۷

۲ - پاداش های الهی در گرو ایمان و رعایت تقوا (پرهیز از گناهان) است .

و لو أنهم ءامنوا و اتقوا لمثوبه من عنداللّه خیر

۳ - ایمان بدون پرهیز از گناهان و پرهیز از گناه بدون ایمان ، موجب بهره مندی از پاداش های الهی نخواهد شد .

و لو أنهم ءامنوا و اتقوا لمثوبه

۴ - یهودیان در صورت ایمان به پیامبر (ص) و قرآن و پرهیز از گناهان (سحر ، بی اعتنایی به کتاب های آسمانی و . . .) از پاداش

های الهی بهره مند می شدند .

و لو أنهم ءامنوا و اتقوا لمثوبه من عنداللّه خیر

مراد از ضمیر در <أنهم> به قرینه آیه ۹۹ و ۱۰۱ یهودیـان کافر به پیامبر و قرآن است. قابل ذکر است که جمله <لمثوبه ...> جانشین جواب شرط است و آن جواب جمله ای همانند <لأثیبوا> (همانا پاداش داده می شدند) است.

۷ - خداوند ، خواهان آگاهی یافتن مردم به وابستگی پاداش های الهی به ایمان و تقوا

و لو أنهم ءامنوا و اتقوا لمثوبه . .. لو کانوا یعلمون

در برداشت فـوق مفعـول <یعلمـون> حقیقـتی گرفته شـده که جمله شـرطیه <لو أنهم . ..> آن را بیـان می دارد; یعنی: لیت یعلمون أن مثوبه اللّه مشروط بالایمان و التقوی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۲ - ۲،۹

۲ - پـاداش هـای الهی (بهشت) از آن کسانی است که با تمام وجود تسـلیم خـدا شـده و از سـر اخلاص کار های نیک انجام دهند .

من أسلم وجهه للّه و هو محسن فله أجره عند ربه

از مصادیق <أجر> - به دلیل آیه قبل - <بهشت> است. <وجه> به معنای صورت است و مراد از آن در آیه شریفه، وجود و ذات آدمی است. <محسن> به کسی گفته می شود که کار نیک انجام دهد.

۹ - تسـلیم خدا بودن بدون انجام اعمال نیک و انجام نیکی ها بدون تسـلیم خدا بودن ، تضمین کننده پاداش الهی نبوده و مانع از روی آوردن ترس و اندوه نخواهد شد .

من أسلم . .. ولا خوف علیهم و لا هم یحزنون

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۵۸ - ۸

۸ - کسانی که اعمال نیک (سعی میان صفا و مروه) انجام دهند ، از پاداش های الهی برخوردار خواهند شد .

و من تطوع خیراً فإن اللّه شاکر علیم

سپاسگزاری خداوند از بندگان، کنایه از پاداش دهی به آنان می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۴ - ۱۶

۱۶ - روزه گرفتن و فدیه دادن به مسکین ، چنانچه با میل و رغبت باشد ، ثوابی افزونتر دارد .

کتب علیکم الصیام . .. و علی الذین یطیقونه فدیه ... فمن تطوع خیراً فهو خیر له

مصداق مورد نظر برای <خیراً> به دلیل فرازهای قبل، روزه گرفتن و در صورت مشقت بار بودن روزه، فدیه دادن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۲ - ۱۳

۱۳ انفاق به پدر و مادر پیش از درخواست ایشان ، راه دستیابی به پاداش نیک خداوند

لن تنالوا البر حتی تنفقوا ممّا تحبون

امام صادق (ع) در پاسخ سؤال از معنای احسان در آیه <و بالوالدین احسانا> فرمود: و ان لا تکلّفهما ان یسئلاک شیئا ممّا یحتاجان الیه و ان کانا مستغنیین الیس یقول اللّه عزّ و جل <لن تنالوا البر حتی تنفقوا ممّا تحبون . .. >.

کافی، ج ۲، ص ۱۵۷، ح ۱ ; بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۷۹، ح ۷۸.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۱۵ - ۵۸

۵ پاداش الهی به اعمال نیک در گرو انجام آن از سوی

افراد صالح است .

و اولئک من الصّالحین. و ما یفعلوا من خیر فلن یکفروه

فاعل در <ما یفعلوا>، ضمیری است که به <الصالحین> برمی گردد; یعنی اگر صالحان عمل خیر انجام دهند پاداش می گیرند.

۸ تقواپیشگان بهره مند از پاداش الهی ، در برابر اعمال نیکی که انجام می دهند .

و ما یفعلوا من خیر فلن یکفروه و اللّه علیم بالمتّقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۲ - ۱،۴،۱۴،۲۰

۱ پاداش بزرگ الهی برای آنان که علی رغم تحمّل جراحت های نبرد پیشین ، دعوت خدا و رسولش را برای نبردی دیگر اجابت کردند .

الّذین استجابوا لِلّه و الرسول من بعد ما اصابهم القرح . .. اجر عظیم

چون آیات پیشین و نیز آیات بعد درباره نبرد و جهاد است، معلوم می شود که فرمان اجابت شده (استجابوا)، فرمان جنگ و مبارزه بوده است.

۴ پاداش بزرگ الهی برای اجابت کنندگان دعوت خدا و رسول (ص) به نبردی دیگر در عین تحمّل جراحات نبرد احد ، مشروط به احسان و تقوای آنان است .

الّذین استجابوا . .. للّذین احسنوا منهم و اتّقوا اجر عظیم

مفسران برآنند که نبرد پیشین که مسلمانان در آن جراحتها دیدند، همان نبرد احد است. به دلیل وقوع این آیه پس از بیان نبرد احد و اینکه سخن از قرح به میان آورده است ; چنانچه درباره نبرد احد نیز فرموده بود: <ان یمسسکم قرح>.

۱۴ خوب عمل کردن در جنگ (احسان) و تخلف نکردن از مقررات جنگی (تقوا) ، شرط پاداش بزرگ خداوند برای مجاهدان

الّذین استجابوا

للّه . .. للّذين احسنوا منهم و اتّقوا اجر عظيم

در برداشت فوق، متعلق <احسان>، جنگ گرفته شده است ; یعنی در جنگ خوب عمل کنند. همچنین متعلق <اتّقوا>، مقررات جنگی (مانند پیروی از فرماندهی) گرفته شده است.

۲۰ دشواری عمل ، موجب ازدیاد ارزش و پاداش آن در پیشگاه خداوند

الّذین استجابوا للّه و الرسول من بعد ما اصابهم القرح

چنانچه <الذین استجابوا> مبتدا باشد، جمله <من بعد ما اصابهم القرح>، که مستلزم دشواری حرکت برای جهاد است ، از شرایط وعده به اجر عظیم خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۵ - ۶،۱۱

۶ وعده پاداش کامل اخروی به پیامبر (ص) ، در برابر ابلاغ رسالت و تحمّل رنج های آن

فان کذّبوک . .. و انّما توفّون اجورکم یوم القیمه

از مصادیق مورد نظر برای <و انّما توفّون اجورکم>، به قرینه آیه قبل، که در مقام تسلی و دلداری پیامبر (ص) بود، پاداش کامل پیامبر (ص) در برابر ابلاغ رسالت است.

۱۱ بهشت ، پاداش کامل برای اعمال نیک انسانها

و انّما توفّون اجورکم یوم القیمه فمن زحزح عن النّار و ادخل الجنّه فقد فاز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۵ - ۱۱

۱۱ عمل ، شرط برخورداری مؤمن از پاداش های الهی است .

فامنّا ربّنا و اتنا ما وعدتنا . .. فاستجاب لهم ربّهم انّی لا اضیع عمل عامل منکم

جمله <انّی لا اضیع عمل عامل>، در حقیقت بیان شرطی است برای ثمردهی ایمان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- نساء - ۴ - ۶۷ - ۱،۳،۴

۱ ارجاع داوری به پیامبر (ص) و دلتنگ نشدن از حکم و قضاوت وی ، در پی دارنده پاداش بزرگ خداوند

فلا و ربّک . .. اذاً لأَتیناهم من لدنّا اجراً عظیماً

برداشت فوق بر این مبناست که مراد از <ما یوعظون> همان مسائلی باشد که در آیه ۶۵ مطرح شده است.

۳ جانبازی و هجرت (تحمل مشکلات و فداکاری در راه خدا) ، موجب اجر بزرگ الهی *

و لو انّهم فعلوا ما یوعظون به . .. و اذاً لأَتیناهم من لدنّا اجراً عظیماً

بنابر اینکه مراد از <ما یوعظون>، همان جهاد و هجرت باشد که در آیه قبل مطرح شد.

۴ ثابت قدمان در ایمان ، بهره مند از پاداش بزرگ و ویژه خداوند

اشدّ تثبیتاً. و اذاً لأَتیناهم من لدنّا اجراً عظیماً

در برداشت فوق، <اذاً لأَتیناهم . .. >، نتیجه <اشدّ تثبیتاً> گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۵ - ۱

۱ وساطت در انجام کار خیر ، موجب سهیم شدن در نتیجه و پاداش آن

من یشفع شفاعه حسنه یکن له نصیب منها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۵ - ۱۱

۱۱ بازنشستگان از جهاد ، هنگامی از پاداش الهی برخوردارند که از روی بی ایمانی ، ترک جهاد نکرده باشند .

لایستوی القاعدون من المؤمنین . .. کلاّ وعد اللّه الحسنی

چون <من المؤمنین> حال برای <القاعدون> است، می رساند که بازنشستگان از جنگ در صورتی قابل مقایسه با مجاهدان هستد که ایمانشان محفوظ باشد. یعنی

بازماندنشان از جنگ در شرایطی نباشد که موجب سلب ایمان آنان گردد و یا ترک جهاد از روی بی ایمانی به فرامین خدا و رسول نباشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۰۰ - ۱۲،۱۴،۱۹

۱۲ هجرت به سوی خدا و رسول (ص) ، موجب برخورداری از اجر و پاداش الهی

و من یخرج من بیته مهاجراً الی اللّه و رسوله . .. فقد وقع اجره علی اللّه

۱۴ اقدام به عمل نیک ، هر چند به انجام نرسد ، موجب برخورداری از پاداش های الهی است . *

و من یخرج من بیته مهاجراً الی اللّه و رسوله ثم یدرکه الموت فقد وقع اجره علی اللّ

۱۹ سفر برای شناخت رهبر ، هجرت در راه خدا و مرگ در آن سفر ، در پی دارنده پاداش الهی است .

و من یخرج من بیته مهاجراً الی اللّه و رسوله ثم یدرکه الموت فقد وقع اجره علی اللّ

امام صادق (ع) درباره کسی که در سفر برای شناخت رهبر از دنیا برود فرمود: انّ اللّه عزّ و جل یقول: و من یخرج من بیته مهاجراً الی اللّه و رسوله ثم یدرکه الموت فقد وقع اجره علی اللّه. .. .

اصول کافی، ج ۱، ص ۳۷۸، ح ۲ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۴۰، ح ۵۲۲.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۴ - ۷،۸

۷ نجوا ها و مذاکرات محرمانه برای دعوت مردم به کار های نیک ، موجب پاداش بزرگ الهی

من نجویهم . .. و من یفعل ذلک ابتغاء مرضات اللّه

فسوف نؤتیه أجراً عظیماً

۸ دعوت کنندگان مردم به دستگیری از مستمندان ، بهره مند از پاداش عظیم الهی

الا من امر بصدقه . .. فسوف نؤتیه أجراً عظیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۴ - ۵،۶

۵ بهره منـدی مردم از پـاداش هـای الهی و ورودشـان به بهشت ، در گرو ایمـان و عمـل صالـح است ، نه جنسـیت و انتساب به مذهب یا فرقه ای خاص .

و من یعمل من الصلحت من ذکر او انثی و هو مؤمن فأولئک یدخلون الجنه

۶ ایمان ، شرط باروری اعمال صالح آدمی و ورود وی به بهشت

و من یعمل من الصلحت . .. و هو مؤمن فأولئک یدخلون الجنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۶۲ - ۱۵

۱۵ بهره مندی عالمان از پاداش های بزرگ الهی در گرو ایمان و انجام اعمال صالح

لکن الرسخون . .. و المؤمنون باللّه و الیوم الاخر أولئک سنؤتیهم أجراً عظیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۳ - ۳،۴

۳ ایمان و عمل صالح ، موجب استحقاق پاداش اخروی

فاما الذین ءامنوا و عملوا الصلحت فیوفیهم أجورهم و یزیدهم من فضله

واژه اجر (مزد و پاداش) دلالت می کند که مؤمنان نسبت به پاداش استحقاق دارند.

۴ همراهی ایمان با عمل صالح ، موجب برخورداری از پاداش و فضل الهی

فاما الذين ءامنوا و عملوا الصلحت فيوفيهم أجورهم و يزيدهم من فضله

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۹ -

۲ همراهی ایمان و عمل صالح ، زمینه جلب مغفرت و دستیابی به پاداش بزرگ الهی

وعد اللّه الذین ءامنوا و عملوا الصلحت لهم مغفره و اجر عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴ - ۵

۵ ایمان و عمل در رساندن آدمی به پاداش های والای الهی مکمل یکدیگرند .

لهم درجت عند ربهم و مغفره و رزق کریم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱ - ۱۱

۱۱ دستیابی به پاداش بزرگ الهی (بهشت) در گرو بخشوده شدن گناهان است .

أُولئک لهم مغفره و أجر کبیر

تقدیم ذکری <مغفرت> بر <أجر کبیر> می توانـد اشاره به این باشد که: رسیدن به پاداش بزرگ الهی و ورود به بهشت ، در گرو آمرزش گناهان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۱ - ۷

۷ ابلاغ پیام های الهی به مردم و تبلیغ معارف دین ، درپی دارنده پاداش از ناحیه خداوند

إن أجری إلّا علی الذی فطرنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۲ - ۱۵

۱۵ استقامت در دین و پایداری بر توحید ، درپی دارنده پاداش الهی است .

فاستقم . .. إنه بما تعملون بصیر

یادآوری علم و آگاهی خداوند به اعمال بندگان پس از امرها و نهی ها ، اشاره به پاداش دهی و کیفر رساندن است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۱۵ – ۷

۷ پایداری بر دین ، پرهیز از طغیان گری

، تکیه نکردن بر ستمگران و اقامه نماز ، نیکوکاری و درپی دارنده اجر و پاداش الهی است .

فاستقم . .. و لاترکنوا ... أقم الصلوه ... فإن الله لایضیع أجر المحسنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۰ - ۱۳

۱۳ تقواپیشگی و صبوری موجب بهره مند شدن از پاداش های الهی است .

إنه من یتق و یصبر فإن الله لایضیع أجر المحسنین

جواب شرط (من یتّق . ..) محذوف است و جمله <فإن الله ...> جانشین و گویای آن محذوف است ; یعنی: من یتق و یصبر فهو من المحسنین و لایضیع الله أجره لأن الله لایضیع أجر المحسنین.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۱ - ۱

۱- خداوند ، به مسلمانهایی که مورد ستم واقع شده و به خاطر او هجرت کردند ، جایگاه و مکانی شایسته در دنیا و پاداشی بس بزرگ تر در آخرت عطا می کند .

و الذین هاجروا فی الله من بعد ما ظلموا لنبوّئنّهم فی الدنیا حسنه و لأجر الأخره أ

<فی> در <فی الله> به معنای <لام> و برای تعلیل است. بنابراین معنای عبارت <هجرت برای کسب رضای خداوند> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۶ - ۷

۷- ارزش های معنوی ماندگار و در پی دارنده پاداش الهی ، شایسته دل بستگی و امید انسان است .

خیر عند ربّک ثوابًا و خیر أملاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۱۰ - ۱۲

۱۲- تنها راه رسیدن به

رضایت خداوند و پاداش های او ، انجام دادن اَعمال صالح و پرستش خالصانه او است .

فمن کان یرجوا لقاء ربّه فلیعمل عملاً صلحًا و لایشرک بعباده ربّه أحدًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۷۶ – ۱۱

۱۱– ربوبیت خداوند ، مقتضی اعطای پاداش به اعمال صالح

والبقیت الصلحت خیر عند ربّک ثوابًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۷۶ – ۶

۶ – خلود در بهشت های عدن ، پاداش پاکی و دوری جستن از کفر و شرک و گناه است .

جنّت عدن . .. خلدین فیها و ذلک جزاء من تزکّی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۱۱۱ – ۲

۲ – صبر و شکیبایی در راه دین ، در پی دارنده پاداش حتمی خداوند

إنّی جزیتهم الیوم بما صبروا أنّهم هم الفائزون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۵۸ – ۱۱

۱۱ – عمل ، اساس دستیابی به پاداش نیکو است .

نعم أجر العملین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۱۰ – ۸،۹

۸ - احسان ، مقتضی پاداش نیک است .

للذین أحسنوا فی هذه الدنیا حسنه

۹ - احسان در دنیا ، درپی دارنده پاداش نیک و بزرگ الهی در جهان آخرت

للذین أحسنوا فی هذه الدنیا حسنه

برداشت بالا بر این اساس مبتنی است که <فی هذه الدنیا> متعلق به <أحسنوا> و ظرف برای آن باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱

۳ - ایمان و عمل صالح ، موجب استحقاق ثواب الهی

إنّ الذین ءامنوا و عملوا الصلحت لهم أجر غیر ممنون

واژه <أجر> به معنای مزدعمل و مفید برداشت یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۰ - ۶۸

۶ - عفو و اغماض از خطای دیگران و اصلاح بدی آنان با نیکی و گذشت ، موجب اجر و پاداش ویژه خداوند است .

و جزؤا سیّئه سیّئه مثلها فمن عفا و أصلح فأجره علی اللّه

۸ - تلاش در راه رفع کدورت های پیشین ، به دنبال عفو و گذشت از خطای دیگران ، دارای ارزشی والا و پاداش فراوان الهی است .

فمن عفا و أصلح فأجره علی اللّه

ذکر <أصلح> پس از عفو، نشان می دهد که صرف عفو و اغماض در دستیابی به پاداش والای الهی کفایت نمی کند، بلکه می بایست پس از گذشت، در راه رفع اختلافات گام برداشت و طرح صمیمیت و آشتی افکند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۱۴ - ۱۱

۱۱ - تضمین قطعی پاداش اعمال ، در صورت سر نهادن به اطاعت خدا و رسول

و إن تطیعوا اللّه و رسوله لایلتکم من أعملکم شیئًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳ - ۵

۵ - هدایت و تبلیغ دین و تحمّل سختی ها و ناگواری های برخاسته از آن ، دارای پاداشی بزرگ ، روز افزون و بی منت

و إنّ لک لأجرًا غیر ممنون

برداشت یاد شده، به سبب این نکته تردیدناپذیر است که اجر

بزرگ پیامبر(ص)، به جهت رسالت او و تحمل سختی های آن (از جمله تحمل تهمت های ناروا همچون تهمت جنون و. ..) می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳۴ - ۳

۳ - تقواپیشگی ، موجب استحقاق پاداش الهی و برخورداری از نعمت های سرشار بهشتی

إنّ للمتّقین عند ربّهم جنّت النعیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۴ - ۴

۴ - احسان و رفتار خوب انسان ، دارای جزا و پاداش در پیشگاه خداوند

إنّا کذلک نجزی المحسنین

موجبات پاداش اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۵ - ۳

۳ - همراهی ایمان و عمل صالح ، شرط برخورداری از پاداش و فضل الهی ، در آخرت است .

لیجزی الذین ءامنوا و عملوا الصلحت من فضله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴ - ۲

۲ - توأم بودن ایمان و عمل صالح ، درپی دارنده پاداش در قیامت

لیجزی الذین ءامنوا و عملوا الصلحت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۲۲ – ۳،۷

۳ – اعمال نیک انسان ، در پی دارنده پاداش الهی در قیامت

إنّ هذا کان لکم جزاء

۷ – وفای به نذر ، خوف از قیامت و دستگیری خالصانه از بینوایان ، یتیمان و اسیران ، موجب بهره مندی از پاداش های بهشتی و مورد ستایش و قدردانی خداوند

یوفون بالنذر و یخافون یومًا . .. إنّ هذا کان لکم جزاء و کان سعیکم مشکورًا

جلد –

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – غاشیه – ۸۸ – ۹ – ۴

۴ – اهتمام ورزیدن به کارهایی که پاداش اخروی دارد ، مطلوب و مایه خرسندی در قیامت است .

لسعیها راضیه

<سعی> به معنای راه رفتن سریع است که در مورد <جدیت در هر کار> نیز استعمال می شود. (مفردات راغب)

موجبات پاداش بزرگ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – طلاق – ۶۵ – ۵ – ۹،۱۰

۹ – خداترسی و تقواپیشگی ، عامل دریافت اجری بزرگ از جانب خداوند

و من یتّق اللّه . .. یعظم له أجرًا

۱۰ – رعایت تقوا از سوی مردان و زنان مطلّقه ، موجب بهره مند شدن آنان از اجر بزرگ الهی

فطلّقوهنّ لعدّتهنّ . .. و من یتّق اللّه ... یعظم له أجرًا

موجبات پاداش خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۴۷ – ۱۲

۱۲ علم و آگاهی گسترده خداوند ، تضمین کننده پاداش دهی او به بندگان مؤمن و شاکر خویش

إن شکرتم و ءامنتم و کان اللّه شاکراً علیماً

موجبات پاداش مضاعف

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۵۴ – ۳

۳ – صبر مضاعف اهل ایمان در برابر فشار های زیاد ایمان سوزان ، در پی دارنده پاداش مضاعف از سوی خدای سبحان است .

أُولئك يؤتون أجرهم مرّتين بما صبروا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – تغابن – ۶۴ – ۱۷ – ۴

۴ – قرض به خدا (انفاق) ، موجب بهره مندی از سود و پاداش مضاعف الهی است .

إن

تقرضوا اللّه قرضًا حسنًا يضعفه لكم

مهمترين پاداش صالحان

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۸۹ – ۶

۶ – ايمنى از وحشت روز جزا ، مهم ترين پاداش الهى به نيک کرداران

من جاء بالحسنه فله خير منها و هم من فزع يومئذ ءامنون

اختصاص به ذکر يافتن <و هم من فزع يومئذ آمنون> با اين که <له خير منها> دربرگيرنده آن نيز هست نشان مى دهد که ايمنى از وحشت روز رستاخيز، مهم ترين لطف و عنايت الهى در حق نيک کرداران است.

نظام آفرينش و پاداش

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۹ – ابراهيم – ۱۴ – ۵۱ – ۲

۲– جهان (آسمان و زمين) با نظم کنونيش ، براى کيفر و پاداش کامل انسان ، ممکن و مناسب نيست .

يوم تبدّل الأرض غير الأرض . .. و برزوا لله ... ليجزى الله کلّ نفس ما کسبت

از اينکه خداوند پيش از طرح مسأله کيفر و پاداش انسانها در قيامت موضوع دگرگونى نظام کنونى جهان (دنيا) را مطرح فرمود، برداشت فوق به دست مى آيد.

وعده پاداش

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۲ – بقره – ۲ – ۲۷۴ – ۵

۵ نقش وعده به پاداش و تضمين آن ، در ترغيب به عمل خير

فلهم اجرهم عند ربّهم

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۱ - ۶

۶ وعده پاداش و تضمین آن ، از روش های قرآن برای ترغیب مردم به ایمان و عمل

انّ اللّه لا یضیع اجر المؤمنین

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۹ - ۲۷

۲۷ وعده و تضمین پاداش ، از روش های قرآن برای تشویق به ایمان و تقوا

و ان تؤمنوا و تتّقوا فلکم اجر عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۹ - ۲۲،۲۳

۲۲ نوید پاداش و تضمین آن ، پرتوی از ربوبیّت الهی نسبت به مؤمنان

لهم اجرهم عند ربّهم

۲۳ وعده و تضمین اجر و پاداش ، از روش های قرآن برای دعوت مردم به اسلام و ایمان به قرآن

اولئک لهم اجرهم عند ربّهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۰ - ۱۱

۱۱ وعده پاداش ، از روش های قرآن برای برانگیختن مردم به نیکوکاری

و ان تک حسنه یضاعفها و یؤت من لدنه اجراً عظیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۶ - ۱۲

۱۲ وعده پاداش بزرگ ، و تهدید به دوزخ ، از روش های قرآن برای ترغیب مردم به ایمان و دوری از کفر و نفاق

إنّ المنفقین فی الدرک . .. و سوف یؤت اللّه المؤمنین أجراً عظیماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۸ - ۱

۱- ذوالقرنین ، به اعطای پاداش نیک ، به مؤمنان نیک کردار ، وعده داد .

و أمّا من ءامن و عمل صلحًا فله جزاءً الحسنی

<جزاء> حال است و بیانِ این که رفتار نیکو (الحسنی) پاداش ایمان و عمل صالح شخص است.

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۴۳

۴۳- وعده الهی به بهره مندی مؤمنانِ نیک کردار ، از مغفرت و پاداشی عظیم

وعد اللّه الذین ءامنوا و عملوا الصلحت منهم مغفره و أجرًا عظیمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۷ - ۱۳

۱۳ - وعده پاداش بزرگ از سوی خداوند به مؤمنان انفاقگر

فالذین ءامنوا منکم و أنفقوا لهم أجر کبیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۰ - ۲۲

۲۲ - وعده پاداش از سوی خداوند ، به همه مجاهدان و انفاق گران صدراسلام

و کلاًّ وعد اللّه الحسنی

وعده پاداش اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴۲ - ۶

۶ - برپایی قیامت و کیفر و پاداش آن روز ، وعده الهی به همگان

حتّی یلقوا یومهم الذی یوعدون

وعده پاداش عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۸ - ۶

۶ – ترغیب به کار خیر و وعده پاداش به آن ، مقدّم بر تهدید در امر تربیت

فمن یعمل مثقال ذرّه خیرًا یره . و من یعمل مثقال ذرّه شرًّا یره

وعده پاداش مادی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۱۰ – ۱۶

۱۶– تشویق مردم با وعده به پاداش مادی و معنوی ، از روش های انبیا در هدایت

یدعوکم لیغفر لکم . .. و یؤخّرکم إلی أجل مسمًّی

پاداش مادی از طول عمر و پاداش معنوی از آمرزش، قابل استفاده است.

وعده

پاداش معنوی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۱۰ – ۱۶

۱۶– تشویق مردم با وعده به پاداش مادی و معنوی ، از روش های انبیا در هدایت

یدعوکم لیغفر لکم . .. و یؤخّرکم إلی أجل مسمًّی

پاداش مادی از طول عمر و پاداش معنوی از آمرزش، قابل استفاده است.

وعده پاداش نیک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – لیل – ۹۲ – ۶ – ۲

۲ – پاداش های موعود خداوند ، نیکو و تصدیق آن بر همگان لازم است .

و صدّق بالحسنی

کلمه <حسنی> یا مصدر است (مانند <رجعی>) و یا مؤنث <أحسن> است. در صورت اول معنای تفضیلی نخواهد داشت; بلکه با تأویل به مشتق، معنای <حَسَن> دارد. وصف <الحسنی> خود نشانگر مطلوب بودن تصدیق آن است و وعده به فرجام راحت (در آیه بعد) نیز بر سزاوار بودن تصدیق، تأکید کرده است.

وعده پاداش نیکو

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۱۰ – ۶

۶ – اعطای پاداش نیک در دنیا ، وعده خداوند به احسان کنندگان

للذین أحسنوا فی هذه الدنیا حسنه

برداشت بالا مبتنی بر این دیدگاه است که <فی هذه الدنیا> ظرف برای <حسنه> باشد، نه برای <أحسنوا>; چنان که در جای دیگر قرآن، به این حقیقت تصریح شده است: <للذین أحسنوا فی هذه الدنیا حسنه و لدار الأخره خیر. ..>، (سوره نحل

(۱۶) آیه ۳۰).

وفور پاداش بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۲ - ۱۷

۱۷ - پاداش الهی به بهشتیان ، فراوان و توصیف

ناپذیر است .

و الذین ءامنوا . .. ذلک هو الفضل الکبیر

بنابراین که <ذلک> اشاره به مجموعه های نعمت های بهشتیان داشته باشد، برداشت یاد شده به دست می آید.

وقت پاداش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷۸ - ۵

۵ - قیامت ، روز جزا و کیفر و پاداش الهی است .

یوم الدین

<دین> در آیه بالا به معنای حساب و جزا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۱ - ۵

۵ - آخرت ، تنها زمان کیفر کامل و مجازات مناسب

ثمّ یجزیه الجزاء الأوفی

به کار رفتن عبارت <الجزاء الأوفی> برای جزای اخروی، نشانگر آن است که گرچه در دنیا امکان مجازات وجود دارد; اما جزای کامل تنها در آخرت تحقق خواهد یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۹ - ۸

۸ - قیامت ، روز فراهم آمدن انسان ها برای محاکمه و کیفر و پاداش

و اتّقوا اللّه الذی إلیه تحشرون

<حشر> (مصدر <تحشرون>) به معنای جمع کردن و فراهم آوردن است. فراهم آمدن مردم در قیامت، برای محاکمه و تعیین کیفر و پاداش برای آنان است.

وقت پاداش صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۰ - ۲

۲ - اعطای پاداش به مؤمنان و نیک کرداران در قیامت ، قبل از حسابرسی بدکرداران *

فأمّاالذین ءامنوا . .. و أمّا الذین کفروا

برداشت یاد شده بدان احتمال است که تقدم در بیان، بیانگر تقدم خارجی نیز باشد.

وقت پاداش عمل

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۱۹ – ۹

۹- برخورداری هر فرد ، از نتایج اعمال خویش و برقراری عدالت کامل ، از اهداف معاد و برپایی قیامت

و لکلّ درجت ممّا عملوا و لیوفّیهم أعملهم و هم لایظلمون

لام در <لیوفّیهم>، بیانگر غایت و هدف است و این که با <واو> آمده است (و لیوفّیهم) نشان می دهد که اهداف چندی برای وجود معاد در کار است که به ذکر یکی از آنها اکتفا شده است و آن نفی ظلم در نظام پاداش و کیفر و برخورداری انسان ها از نتایج اعمال است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۴۸ – ۱۱

۱۱ – قیامت زمان برداشت و پاداش اعمال نیک است .

فاستبقوا الخیرت أین ما تکونوا یأت بکم اللّه جمیعاً

جمله <أین ما تکونوا . ..> تعلیل جمله قبل است; یعنی، چون قیامتی بر شما هست باید در دنیا به انجام کارهای نیک بپردازید. این تعلیل بیانگر آن است که: سعادت انسان در آخرت، به اعمال نیک او در دنیا بستگی دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – مجادله – ۵۸ – ۶ – ۱

۱ – قیامت ، روز برانگیخته شدن انسان ها برای محاکمه و کیفر و پاداش

یوم یبعثهم اللّه جمیعًا فینبّئهم بما عملوا

وقت پاداش مؤمنان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – جاثیه – ۴۵ – ۳۰ – ۲

۲ – اعطای پاداش به مؤمنان و نیک کرداران در قیامت ، قبل از حسابرسی بدکرداران *

فأمّاالذين ءامنوا . .. و أمّا الذين كفروا

برداشت ياد شده بدان احتمال است

که تقدم در بیان، بیانگر تقدم خارجی نیز باشد.

ویژگیهای پاداش محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳ - ۲،۳

۲ - پاداش پیامبر (ص) در پیشگاه خداوند ، بی پایان و روزافزون

و إنّ لک لأجرًا غیر ممنون

<غیر ممنون>، اگر از <منّ> (قطع) مشتق باشد، به معنای بی انقطاع و روز افزون و اگر از <منّت> گرفته شده باشد، به معنای بی منت و بدون به رخ کشیدن خواهد بود. گفتنی است که برداشت بالا مبتنی بر معنای نخست است.

۳ - پاداش خداوند به پیامبر (ص) پاداشی است بی منت .

و إنّ لک لأجرًا غیر ممنون

ویژگیهای پاداش مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۶ - ۷،۸

۷ - پاداش مؤمنان نیک کردار ، هرگز کاهش نیافته و پایان نمی پزیرد .

فلهم أجر غیر ممنون

<مَنّ> (مصدر <ممنون>)، به معنای <قطع کردن> است و معنای <کاهش دادن> نیز برای آن گفته شده است. (صحاح اللغه)

۸ - پاداش مؤمنانِ دارای عمل صالح ، پاداشی بی منت و به دور از محاسبه و محدودیت

فلهم أجر غیر ممنون

در <قاموس> آمده است که <غیر ممنون>; یعنی، بدون محاسبه و صاحب <مصباح> می گوید: <مننتَ علیه منّاً>; یعنی، آنچه از نیکی ها برای کسی انجام داده ای، بر او شماره کردی. <راغب> در <مفردات>، این کار را منّت زبانی و

امری نکوهیده خوانده است.

هماهنگی پاداش با عمل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – جاثیه – ۴۵ – ۱۴ – ۹

۹ – خداوند ، پاداش دهنده و

مجازات کننده ملت ها ، براساس عملکرد خود آنان

لیجزی قومًا بما کانوا یکسبون

<قوماً> ممکن است به تمامی ملت ها (اعم از مؤمن و کافر) نظر داشته باشد.

یأس از پاداش اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۳ - ۵،۷

۵ - یأس از رحمت الهی و ثواب اخروی ، نشانه انسان های مورد غضب خداوند (یهودیان)

قومًا غضب اللّه علیهم قد یئسوا من الأخره

شاید منظور از <یأس از آخرت> ایمان نداشتن به قیامت نباشد; بلکه مقصود یأس از رحمت الهی در آخرت است. چه این که یهود به عنوان مصداق <مغضوب علیهم> اصل قیامت را قبول داشتند; ولی در ویژگی های آن مردد بودند.

۷ - یأس از رحمت خدا و ثواب اخروی ، گناهی است بزرگ .

قومًا غضب اللّه علیهم قد یئسوا من الأخره

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که <قد یئسوا. ..>، به عنوان بارزترین ویژگی مغضوبین یاد شده است.

پاداش اخروی

آثار ایمان به پاداش اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۵ - ۸

۸ - ایمان به قیامت و پاداش و کیفر آن روز ، عامل رهایی انسان از دلبستگی به متاع های مادی و دنیوی و سبب رویکرد او به آرمان های بلند معنوی و اخروی

إنّما أمولکم و أولدکم فتنه و اللّه عنده أجر عظیم

آثار پاداش اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بینه - ۹۸ - ۸ - ۱۸

۱۸ - < قال أبوعبدالله (ع) الله راض عن المؤمن فی الدنیا و الآخره و المؤمن

و إن كان راضياً عن اللّه فإنّ فی قلبه ما فیه لما یری فی هذه الدنیا من التمحیص فإذا عاین الثواب یوم القیامه رضی عن اللّه الحقّ حقّ الرضا و هو قوله < و رضوا عنه > و قوله < ذلک لمن خشی ربّه > أی أطاع ربّه ;

امام صادق(ع) فرمود: خداوند از مؤمن در دنیا و آخرت راضی است و مؤمن، گرچه از خدا راضی است; ولی در قلب او چیزهایی است به جهت آنچه به عنوان تمحیص (به سختی ها گرفتار ساختن برای امتحان و پاکی از گناه) در دنیا می بیند. پس چون پاداش اخروی را در قیامت مشاهده کند، از خداوند که حق است به طور کامل خشنود خواهد شد و این [معنای] سخن خداوند است <و رضوا عنه> و [اما این] گفته خداوند <ذلک لمن خشی ربّه>; یعنی، [این برای کسی است که] پروردگارش را اطاعت کند>.

آثار ذکر پاداش اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۴۷ - ۴

۴ - توجه به پاداش های مهم اخروی خداوند ، برای بیم دارندگان مقام پروردگار ، زمینه پرهیز از کفر و تکذیب است .

و لمن خاف مقام ربّه جنّتان . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۹ - ۹

۹ - اعتقاد به قیامت و توجه داشتن به کیفر و پاداش الهی در آن ، موجب تقویت روح تقواپیشگی در انسان

و اتّقوا اللّه الذی إلیه تحشرون

یادآوری حشر انسان ها در قیامت پس از توصیه به تقوا می تواند

بیانگر مطلب یاد شده باشد.

آثار غفلت از پاداش اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۳ - ۵

۵ - غفلت از نظام ثبت و حسابرسی دقیق اعمال و کیفر و پاداش اخروی ، عامل بیگانگی کافران با اعمال نیک و آلودگی آنان به کردار های بد و ناشایست

بل قلوبهم فی غمره من هذا . .. هم لها عملون

آثار یأس از پاداش اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۳ - ۹

۹ - معتقدان به آخرت اما مأیوس از ثواب اخروی مانند کافران ، بی اعتقاد به رستاخیزاند .

قد یئسوا من الأخره کما یئس الکفّار من أصحب القبور

در صورتی که مقدر آیه چنین باشد: <قد یئسوا من ثواب الآخره. ..>; استفاده می شود که معتقدان به معاد ولی ناامید از ثواب اخروی همچون کافرانی اند که اصولاً از زنده شدن دوباره مأیوس اند.

آگاهی از پاداش اخروی هجرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۱ - ۱۴،۱۵

۱۴- آگاه شدن از فواید دنیوی هجرت در راه خدا و پاداش اخروی آن ، مورد تمنی خداوند

و الذین هاجروا . .. لو کانوا یعلمون

از جمله معناها و استعمالهای <لو> تمنی است و برداشت فوق بر این اساس است.

۱۵- آگاهی از ثمرات دنیوی هجرت در راه خدا و پاداش اخروی آن ، امری در حد ناممکن است .

و الذين هاجروا فی الله . .. و لأجر الأخره أكبر لو كانوا يعلمون

برداشت فوق، بنابر امتناعی بودن <لو> و یا تمنی بودن

آن است و <لو تمنی> در جایی استعمال می شود که مورد، محال و یا در حکم محال باشد.

ارزش پاداش اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۸ - ۶

۶ ارزش والای پاداش های خداوند در آخرت نسبت به ارزش های او در دنیا

فاتیهم اللّه ثواب الدّنیا و حسن ثواب الاخره

در مورد ثواب آخرت، کلمه <حسن> اضافه شده است تا بیان کند که پاداش اخروی نسبت به پاداش دنیوی، دارای مزیّت و برتری خاصّی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶۹ - ۱۵

۱۵ ناچیزی بهرهوری ها و لذایذ زندگی دنیوی ، در مقایسه با ثواب ها و ارزش های اخروی

فاستمعتوا بخلقهم . .. أولئک حبطت أعملهم ... و أولئک هم الخسرون

با اینکه کافران و منافقان در دنیا بهره مند بوده اند، خداوند ایشان را زیانکار واقعی معرفی می کند; زیرا لذایذ دنیویشان محدود بوده و از ثوابهای اخروی بی بهره اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۷ - ۱،۵

۱ پاداش های اخروی ، برتر و بهتر از پاداش های دنیوی است .

لانضیع أجر المحسنین. و لأجر الأخره خیر

۵ دستیابی به اقتدار و سلطنت در زمین ، در قیاس با پاداش های اخروی ناچیز است .

کذلک مکّنّا لیوسف فی الأرض . .. و لأجر الأخره خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۳۰ – ۱۲

۱۲– پاداش های اخروی ، بهتر از پاداش های دنیوی است .

للذین أحسنوا فی

هذه الدنیا حسنه و لدار الأخره خیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۶۱ – ۶

۶ – متاع دنیوی ، متاعی ناچیز در قیاس با پاداش های اخروی

أفمن وعدنه وعدًا حسنًا . .. کمن متّعنه متع الحیوه الدنیا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۸۰ – ۵

۵ – ارزش برتر پاداش های اخروی نسبت به امکانات دنیوی

ثواب اللّه خیر

ارزش پاداش اخروی محسنان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۳۰ – ۱۱

۱۱– پاداش اخروی محسنان ، بسی بهتر از پاداش دنیوی آنان است .

للذین أحسنوا فی هذه الدنیا حسنه و لدار الأخره خیر

اگر چه در آیه سخنی از پاداش اخروی به میان نیامده است، اما جمله <و لدار الأخره خیر> که برتری سرای اخروی را می رساند به قرینه <فی هذه الدنیا حسنه> (برای محسنان در دنیا حسنه ای است) می تواند مشعر به این نکته باشد که: پاداش حیات اخروی برتر است.

امیدواری به پاداش اخروی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – حمد – ۱ – ۵ – ۱۰

۱۰ – ترس از عذاب های اخروی و امید به پاداش های جهان آخرت ، از انگیزه های آدمی برای عبادت خدا

ملک یوم الدین. اءیّاک نعبد

اهمیت پاداش اخروی اصحاب یمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۹۱ - ۱

۱ - پاداش الهی به اصحاب الیمین در جهان آخرت ، چنان چشمگیر است که هر شنونده ای را

سخت شادمان می کند .

فسلم لک من أصحب الیمین

در عبارت <سلام لک> چند احتمال وجود دارد: یکی از آنها این است که <سلام> معادل سلامت و تنکیر آن برای تفخیم باشد. <لام> در <لک> نیز برای اختصاص و خطاب <لک> به فرد معینی نباشد.

اهمیت پاداش اخروی هجرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۱ - ۱۰،۱۱

۱۰- پاداش اخروی هجرت در راه خدا ، بسی برتر از پاداش دنیوی آن است .

و الذین هاجروا فی الله من بعد ما ظلموا لنبوّئنّهم فی الدنیا حسنه و لأجر الأخره أ

۱۱- پاداش اخروی هجرت در راه خدا ، قابل توصیف نیست .

و الذین هاجروا فی الله . ..لنبوّئنّهم فی الدنیا حسنه و لأجر الأخره أکبر

مفضل علیه افعل تفضیل (أکبر) حذف شده است و حذف آن به منظور عمومیت دادن است. بنابراین معنای عبارت چنین می شود: پاداش اخروی هجرت بزرگ تر از آن است که کسی بتواند آن را درک کند.

ایمان به پاداش اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۲ - ۱۰

۱۰ توجه به قضاوت و داوری خداوند در قیامت و باور به پاداش و مجازات در آن سرا ، آدمی را به استقامت در راه دین وامی دارد .

لقضی بینهم . .. إنّ کلاً لما لیوفینّهم أعملهم ... فاستقم کما أُمرت

پاداش اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۸۱ - ۵

۵ قیامت ، روز دریافت کامل نتیجه اعمال (کیفر و پاداش)

ثمّ توفّی کلّ نفس ما کسبت

<توفّی> به

معنای دریافت کامل است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۷۷ – ۹

۹ پایبندی به عهد الهی و پیمان های خود ، عامل بهره مندی از مواهب اُخروی

انّ الّذین یشترون بعهد اللّه و ایمانهم . .. لا خلاق لهم فی الاخره

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۴۵ – ۸،۱۱،۱۲

۸ تلاشگران برای پاداش های اخروی ، از مواهب آخرت بهره مند خواهند شد .

و من یرد ثواب الاخره نؤته منها

۱۱ خداوند ، پاداش دهنده اعمال در دنیا و آخرت

و من یرد ثواب الدّنیا نؤته منها و من یرد ثواب الاخره نؤته منها

مراد از اراده پاداش، انجام عمل خیر، برای نیل به پاداش است.

۱۲ جهاد و مقاومت در جنگ ، موجب برخورداری از پاداش دنیوی و اخروی

و لمّا یعلم اللّه الّذین جاهدوا منکم و یعلم الصّابرین . .. و من یرد ثواب الدّنیا

با توجّه به آیات قبل، از مصادیق مورد نظر برای اعمال خیر، جهاد و مبارزه است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۴۸ – ۷

۷ پاداش های اخروی خداوند ، نیکو و عاری از هر گونه نقصان است و پاداش های دنیوی ، همراه با مشکلات

فاتیهم اللّه ثواب الدّنیا و حسن ثواب الاخره

از اینکه پاداشهای اخروی را نیکو شمرده (حسن ثواب الآخره)، معلوم می شود پاداشهای اخروی به تمام جهات، نیکوست و

در مقابل، ثواب دنیوی را به نیکو بودن توصیف نکرده تا به این نکته اشاره کند که پاداشهای خداوند در

دنیا، همواره ملازم با مشکلات و نقصانهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۱ - ۱۰

۱۰ رستاخیز برای انسان ، عرصه دریافت کامل سزای کردار خویش

ثمّ توفّی کلّ نفس ما کسبت

۱ <توفّی> از مصدر <توفیه> به معنای پرداخت و دریافت کامل است. ۲ در برداشت بالا، بنابر گفته برخی از مفسران، کلمه <جزاء> قبل از <ما کسبت> مقدّر گرفته شده است ; یعنی <توفّی جزاء ما کسبت>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۶ - ۹،۱۰،۱۵

۹ اراده الهی مبنی بر محرومیّت حتمی شتابگران در کفر از بهره های اخروی

یرید اللّه الّا یجعل لهم حظّا فی الاخره

۱۰ محرومیّت و یا برخورداری از بهره های اخروی ، نتیجه عملکرد انسان

و لا یحزنک الّذین یسارعون الکفر . .. یرید اللّه الّا یجعل لهم حظّا فی الاخره

گر چه خداوند محروم کردن کفرپیشگان را از بهره اخروی به خود نسبت داده است: یرید اللّه . .. ولی این محرومیّت به دلیل <یسارعون ... >، نتیجه عملکرد خود آنان بوده است.

۱۵ مهلت دادن خداوند به شتابگران در کفر ، برای محروم ساختن آنان از بهره های اخروی است (سنّت استدراج) .

یرید اللّه الّا یجعل لهم حظّا فی الاخره و لهم عذاب عظیم

جمله <یرید اللّه . .. >، می تواند جواب این سؤال باشد که چرا با تلاش برخی از مردم در گسترش کفر، خداوند به آنان مهلت می دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۵

- ۲،۹،۱۶

۲ وعده خداوند به دریافت کامل سزای اعمال در روز قیامت

و انّما توفّون اجورکم یوم القیمه

<توفّون>، از مصدر <توفیه>، به معنای دریافت کامل و تمام است.

۹ < یوم القیمه > ، از اسامی روز جزای اعمال

و انّما توفّون اجورکم یوم القیمه

۱۶ توجّه دادن به مرگ و کیفر و پاداش اعمال در قیامت و فریبنده بودن دنیا از روش های قرآن برای هدایت انسانها

کلّ نفس ذائقه الموت . .. و ما الحیوه الدّنیا الّا متاع الغرور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۶ - ۷

۷ توجّه به مرگ و اجر اخروی و نیز فریبندگی دنیا ، زمینه ساز پیروزی انسان در آزمایش الهی

کلّ نفس ذائقه الموت . .. لتبلونّ فی اموالکم و انفسکم

ظاهراً آیه قبل (کلّ نفس . ..) رهنمودی برای پیروز شدن مؤمنان درامتحانهای جانی و مالی است. چون بهترین راه برای از جان گذشتگی و جهاد این است که آدمی بداند چه جهاد کند و یا سستی نماید، طعم مرگ را خواهد چشید. و راه معقول برای صرفنظر کردن از اموال این است که آدمی بداند دنیا و آنچه در آن است، فریبنده و پوچ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۱ - ۲۹

۲۹ اعتقاد به قیامت و کیفر و پاداش در آن ، پیامد اعتقاد به باطل نبودن و هدفدار بودن آفرینش

ربّنا ما خلقت هذا باطلًا سبحانک فقنا عذاب النّار

کلمه <فا> در <فقنا . .. >، بیانگر این معناست که خردمندان با نفی بطلان در آفرینش و

اعتقاد به هدفداری جهان به این نتیجه رسیده اند که باید قیامت و روز جزا و پاداشی باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۷۴ – ۸

۸ دستیابی به مواهب آخرت ، پیامد جهاد و مبارزه در راه خدا

فلیقاتل فی سبیل اللّه الّذین یشرون الحیوه الدّنیا بالاخره

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۱ – ۱۱

۱۱ دستیابی به پاداش بزرگ الهی (بهشت) در گرو بخشوده شدن گناهان است .

أُولئک لهم مغفره و أجر کبیر

تقدیم ذکری <مغفرت> بر <أجر کبیر> می تواند اشاره به این باشد که: رسیدن به پاداش بزرگ الهی و ورود به بهشت ، در گرو آمرزش گناهان است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۵۷ – ۴

۴ پاداش های اخروی ، نمودی از رحمت الهی است .

نصیب برحمتنا من نشاء . .. و لأجر الأخره خیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۶۰ – ۷

۷ – جهان آخرت ، جهان کیفر و پاداش

أنّهم إلی ربّهم رجعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۲۵ – ۷

۷ – جهان آخرت ، جهان کیفر و پاداش است .

یومئذ یوفّیهم اللّه دینهم الحقّ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۸۴ – ۱

۱ – جهان آخرت ، سرای کیفر و پاداش است .

من جاء بالحسنه فله خیر منها و من جاء بالسیّئه فلایجزی . .. إلاّ

ما كانوا يعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۷۸ - ۵

۵ - قیامت ، روز جزا و کیفر و پاداش الهی است .

یوم الدین

<دین> در آیه بالا به معنای حساب و جزا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۰ - ۱۵

۱۵ - جهان آخرت ، جهان کیفر و پاداش الهی

و فی الأخره عذاب شدید و مغفره من اللّه و رضون

پاداش اخروی ابرار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۱۲ - ۱

۱ - بوستانی بزرگ و پرنعمت و لباسی فاخر از حریر ، پاداش ابرار در قیامت

إنّ الأبرار . .. و جزیهم بما صبروا جنّه و حریرًا

<جنّه> به معنای بوستان است و تنکیر آن بر تعظیم و تفخیم دلالت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۲ - ۱

۱ - نعمت های الهی در بهشت ، پاداش فراهم آمده برای ابرار

إنّ هذا کان لکم جزاء

<هذا> به مجموع نعمت هایی اشاره دارد که در آیات گذشته یاد شده است.

پاداش اخروی ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۴ - ۳،۴

۳ - پاداش اخروی اعمال نیک ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق و یعقوب (ع) اختصاص به خود ایشان دارد و دیگران از آن بهره ای نخواهند برد .

تلک أمه قد خلت لها ما کسبت

تقدیم <لها> بر <ما کسبت> گویای حصر است. بنابراین <لها ما کسبت>; یعنی، دستاورد آنان تنها از آن

ایشان و به سود خودشان است.

۴ - بهره مند شدن یهود از پاداش فضیلت ها و اعمال شایسته پیامبرانی چون ابراهیم ، اسحاق و . . . از باور های ناصواب یهود

تلک أمه قد خلت لها ما کسبت و لکم ما کسبتم

از اینکه خداونـد در خطاب به یهودیان این حقیقت را یادآور می شود که دسـتاوردهای پیامبران نصـیب دیگران نخواهـد شد، می توان به برداشت فوق دست یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۱ - ۳

۳ - پاداش اخروی اعمال نیک ابراهیم ، اسـماعیل ، اسـحاق و یعقوب (ع) اختصاص به خود ایشان دارد و دیگران از آن بهره ای نخواهند برد .

تلک أمه قد خلت لها ما کسبت

تقدیم <لها> بر <کسبت> گویای حصـر است. بنابراین <لها ما کسـبت>; یعنی، دستاورد آنان تنها از آنِ ایشان و به سود خودشان است.

پاداش اخروی احسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۰ - ۹

۹ - احسان در دنیا ، درپی دارنده پاداش نیک و بزرگ الهی در جهان آخرت

للذین أحسنوا فی هذه الدنیا حسنه

برداشت بالا بر این اساس مبتنی است که <فی هذه الدنیا> متعلق به <أحسنوا> و ظرف برای آن باشد.

پاداش اخروی اسحاق(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۴ - ۳،۴

۳ - پاداش اخروی اعمال نیک ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق و یعقوب (ع) اختصاص به خود ایشان دارد و دیگران از آن بهره ای نخواهند برد .

تلك أمه قد خلت لها ما كسبت

تقديم

<لها> بر <ما کسبت> گویای حصر است. بنابراین <لها ما کسبت>; یعنی، دستاورد آنان تنها از آن ایشان و به سود خودشان است.

۴ - بهره مند شدن یهود از پاداش فضیلت ها و اعمال شایسته پیامبرانی چون ابراهیم ، اسحاق و . . . از باور های ناصواب یهود

تلک أمه قد خلت لها ما کسبت و لکم ما کسبتم

از اینکه خداوند در خطاب به یهودیان این حقیقت را یادآور می شود که دستاوردهای پیامبران نصیب دیگران نخواهد شد، می توان به برداشت فوق دست یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۱ - ۳

۳ - پاداش اخروی اعمال نیک ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق و یعقوب (ع) اختصاص به خود ایشان دارد و دیگران از آن بهره ای نخواهند برد .

تلک أمه قد خلت لها ما کسبت

تقدیم <لها> بر <کسبت> گویای حصر است. بنابراین <لها ما کسبت>; یعنی، دستاورد آنان تنها از آنِ ایشان و به سود خودشان است.

پاداش اخروی اسماعیل(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۴ - ۳

۳ - پاداش اخروی اعمال نیک ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق و یعقوب (ع) اختصاص به خود ایشان دارد و دیگران از آن بهره ای نخواهند برد .

تلک أمه قد خلت لها ما کسبت

تقدیم <لها> بر <ما کسبت> گویای حصر است. بنابراین <لها ما کسبت>; یعنی، دستاورد آنان تنها از آن ایشان و به سود خودشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۴۱ – ۳

– ۳

پاداش اخروی اعمال نیک ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق و یعقوب (ع) اختصاص به خود ایشان دارد و دیگران از آن بهره ای نخواهند برد .

تلک أمه قد خلت لها ما کسبت

تقدیم <لها> بر <کسبت> گویای حصر است. بنابراین <لها ما کسبت>; یعنی، دستاورد آنان تنها از آنِ ایشان و به سود خودشان است.

پاداش اخروی امام حسن(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۲ - ۸

۸ - نعمت های سرشار بهشت ، پاداش الهی اهل بیت (علی ، فاطمه ، حسن و حسین (ع))

إنّ الأبرار یشربون من کأس . .. و سقیهم ربّهم شرابًا طهورًا . إنّ هذا کان لکم جز

برداشت یاد شده، با توجه به شأن نزولی است که از طریق شیعه و سنی نقل شده است و آن این که از آیه ۵ تا آیه مورد بحث (آیه ۲۲)، درباره آن بزرگواران نازل شده است. (مجمع البیان، ج ۱۰; الکشاف، ج ۴، ذیل آیه)

پاداش اخروی امام حسین(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۲ - ۸

۸ - نعمت های سرشار بهشت ، پاداش الهی اهل بیت (علی ، فاطمه ، حسن و حسین (ع))

إنّ الأبرار یشربون من کأس . .. و سقیهم ربّهم شرابًا طهورًا . إنّ هذا کان لکم جز

برداشت یاد شده، با توجه به شأن نزولی است که از طریق شیعه و سنی نقل شده است و آن این که از آیه ۵ تا آیه مورد بحث (آیه ۲۲)، درباره آن بزرگواران نازل

شده است. (مجمع البیان، ج ۱۰; الکشاف، ج ۴، ذیل آیه)

پاداش اخروی امام علی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۲ - ۸

۸ - نعمت های سرشار بهشت ، پاداش الهی اهل بیت (علی ، فاطمه ، حسن و حسین (ع))

إنّ الأبرار یشربون من کأس . .. و سقیهم ربّهم شرابًا طهورًا . إنّ هذا کان لکم جز

برداشت یاد شده، با توجه به شأن نزولی است که از طریق شیعه و سنی نقل شده است و آن این که از آیه ۵ تا آیه مورد بحث (آیه ۲۲)، درباره آن بزرگواران نازل شده است. (مجمع البیان، ج ۱۰; الکشاف، ج ۴، ذیل آیه)

پاداش اخروی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲ - ۱۰

۱۰ - تکامل و تعالی و داشتن دستاوردی بهتر ، فلسفه و هدف آغازین خلقت بشر و برخوردار شدن از جزا و پاداش اخروی (بهشت برین) ، فلسفه و هدف نهایی آفرینش او است .

لیبلوکم أیّکم أحسن عملاً

به مقتضای جمله <لیبلوکم أیّکم أحسن عملاًـ>، هدف از خلقت انسان و تقدیر مرگ و حیات برای وی، تکامل و داشتن دستاوردی بهتر در دنیا است; ولی چون پاداش و جایزه اصلی آن را در جهان آخرت دریافت می کند، بنابراین می توان گفت: تکامل، هدف مرحله اولی خلقت بشر و بهشت برین، هدف مرحله نهایی آفرینش او است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۷ - ۵

۵ - جن ، همچون انسان

، دارای تکلیف و مورد بازخواست خدا و کیفر و پاداش در قیامت

و أنّهم ظنّوا کما ظننتم أن لن یبعث اللّه أحدًا

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که مبعوث شدن انسان ها در قیامت، بیانگر کیفر و پاداش و حسابرسی آن است.

پاداش اخروی انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵۱ - ۱

۱- تغییر و تبدیل نظام کنونی آسمان ها و زمین به نظام دیگر در آستانه برپایی قیامت ، به منظور کیفر و پاداش انسانهاست .

یوم تبدّل الأرض غیر الأرض . .. و برزوا لله ... لیجزی الله کلّ نفس ما کسبت

برداشت فوق مبتنی بر این است که <لیجزی> متعلق به <برزوا> در آیه ۴۸ باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۵ - ۱۰،۱۳

۱۰ - دنیا ، محل تلاش و آخرت جای کیفر و پاداش و مواجه شدن با نتیجه تلاش است .

إنّ الساعه ءاتیه . .. لتجزی کلّ نفس بما تسعی

۱۳ - حضور در صحنه قیامت و برخورد با سزای اعمال دنیایی خود ، فرجام همه انسان ها است .

إنّ الساعه . .. لتجزی کلّ نفس بما تسعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۲۸ - ۱

۱ - هدفمند بودن آفرینش جهان ، مقتضی برپایی قیامت به منظور کیفر بندگان و یا پاداش به آنان

و ما خلقنا السماء . .. بطلًا... أم نجعل الذین ءامنوا و عملوا الصلحت

یادآوری برابر نبودن سرنوشت مؤمنان با مفسدان، پس از طرح مسأله بی هدف نبودن آفرینش جهان،

می رساند که اگر مؤمنان و مفسدان یکسان باشند، لازم می آید که جهان آفرینش بی هدف باشد و چون جهان آفرینش هدفمند است، پس باید سرنوشت این دو گروه یکسان نباشد. و از آن جایی که در دنیا یکسان زندگی می کنند، پس باید جهان دیگری (رستاخیز) باشد که با آنان برخورد متفاوت و متناسب شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۲ - ۴

۴ - جن ، همانند انسان دارای مسؤولیت و کیفر و پاداش در آخرت

سنفرغ لکم أیّه الثقلان . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

پاداش اخروی انفاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۵ - ۱۶

۱۶ پاداش الهی به انفاق کنندگان در دنیا و آخرت

فیضاعفه له اضعافاً . .. و الیه ترجعون

<الیه ترجعون>، اشاره به پاداش الهی است در آخرت; بنابراین <فیضاعفه> بیانگر پاداش الهی در دنیاست.

پاداش اخروی انفاقگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۲ - ۱

۱ - قیامت ، روز پاداش دهی خداوند به وام دهندگان خود (کسانی که با انفاق در راه خدا به او قرض الحسنه دادند) .

من ذا الذی یقرض اللّه . .. و له أجر کریم . یوم تری المؤمنین

<یوم> در <یوم تری>، مربوط به <له أجر کریم> در آیه پیش است; یعنی، خداوند، پاداش نفیس خود را به وام دهندگان خویش در روزی می دهد که. .. . گفتنی است که مراد از <یوم تری> روز قیامت است.

پاداش اخروی اهل بیت(ع)

- آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۲ - ۸

۸ - نعمت های سرشار بهشت ، پاداش الهی اهل بیت (علی ، فاطمه ، حسن و حسین (ع))

إنّ الأبرار يشربون من كأس . .. و سقيهم ربّهم شرابًا طهورًا . إنّ هذا كان لكم جز

برداشت یاد شده، با توجه به شأن نزولی است که از طریق شیعه و سنی نقل شده است و آن این که از آیه ۵ تا آیه مورد بحث (آیه ۲۲)، درباره آن بزرگواران نازل شده است. (مجمع البیان، ج ۱۰; الکشاف، ج ۴، ذیل آیه)

پاداش اخروی ایمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۳ - ۳

۳ ایمان و عمل صالح ، موجب استحقاق پاداش اخروی

فاما الذين ءامنوا و عملوا الصلحت فيوفيهم أجورهم و يزيدهم من فضله

واژه اجر (مزد و پاداش) دلالت می کند که مؤمنان نسبت به پاداش استحقاق دارند.

پاداش اخروی برّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۵ - ۹

۹ قصد و نیّت عمل کننده کردار های نیک ، تعیین کننده برخورداری وی از نعمت های دنیا یا مواهب آخرت

و من يرد ثواب الدّنيا نؤته منها و من يرد ثواب الاخره نؤته منها

پاداش اخروی بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۵ - ۱

۱ بنا های برافراشته و درجات عالی در بهشت ، پاداش بندگان خدا (عباد الرحمان) است .

و عباد الرحمن . .. أُولئك يجزون الغرفه

برداشت فوق با

توجه به دو نکته است: ۱ <أولئک> اشاره به <عبادالرحمان> است. ۲ <غرفه> به معنای بنای مرتفع و برافراشته است. در آیه شریفه نیز می تواند هم در معنای لغوی خود به کار رفته باشد و هم می تواند منزلت و مقام رفیع مقصود باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۷۶ – ۱

۱ بهشت جاودان و برخورداری از قرارگاه و اقامت گاه نیکوی آن ، پاداش بندگان خالص خدا

و عبادالرحمن . .. أُولئک یجزون الغرفه ... خلدین فیها حسنت مستقرًّا و مقامًا

<مستقرّاً> تمیز برای ضمیر در <حسنت> و به معنای محل استقرار است و <مقام> اسم مکان و به معنای اقامت گاه می باشد.

پاداش اخروی پیشگامان در ایمان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۰۰ – ۱۴

۱۴ پیشگامان در ایمان و تابعان نیک کردار ، برخوردار از الطاف مادی و معنوی خداوند در آخرت

رضی اللّه عنهم . .. لهم جنت تجری

رضایت الهی، لطفی معنوی و بهشت جاودان، نعمتی مادی است.

پاداش اخروی تابعین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۰۰ – ۱۴

۱۴ پیشگامان در ایمان و تابعان نیک کردار ، برخوردار از الطاف مادی و معنوی خداوند در آخرت

رضی اللّه عنهم . .. لهم جنت تجری

رضایت الهی، لطفی معنوی و بهشت جاودان، نعمتی مادی است.

پاداش اخروی تائبان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۶۰ – ۹

۹- توبه کنندگانی که ایمان آورده و عمل صالح انجام دهند ،

در قیامت پاداشی بدون کمترین نقص دریافت خواهند کرد .

من تاب و ءامن و عمل صلحًا فأُولئک یدخلون الجنّه و لایظلمون شیئًا

<ظلم> ; یعنی، مقرر ساختن چیزی در غیر جایگاه و درجه مخصوص آن; چه به گونه ای کمتر و چه به شکلی برتر (مفردات راغب). <لایظلمون>نیز به معنای <لاینقصون> می باشد و مراد این است که: از اجر و مزد عمل آنان به واسطه گذشته بد آنها، چیزی کاسته نشده و به آنان ظلمی روا نمی شود.

پاداش اخروی توحید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶۹ - ۵

۵ - توحید و شرک (خدا پرستی و بت پرستی) ، مبنای داوری خدا و تعیین کیفر و پاداش در روز رستاخیز

اللّه یحکم . .. فیما کنتم فیه تختلفون

با توجه به عبارت پیشین <ما> در <فیما کنتم> به معنای <الذی> است که به مسأله توحید و شرک که محور اختلاف میان موحدان و مشرکان تاریخ بوده است اشاره دارد.

پاداش اخروی جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۲ - ۴

۴ - جن ، همانند انسان دارای مسؤولیت و کیفر و پاداش در آخرت

سنفرغ لکم أیّه الثقلان . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۹ - ۳

۳ - حضور جن همچون آدمیان ، در صحنه قیامت برای حسابرسی و کیفر و پاداش

فیومئذ لایسل عن ذنبه إنس و لاجانّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جن - ۷۲ - ۷ -

۵ – جن ، همچون انسان ، دارای تکلیف و مورد بازخواست خدا و کیفر و پاداش در قیامت

و أنّهم ظنّوا کما ظننتم أن لن یبعث اللّه أحدًا

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که مبعوث شدن انسان ها در قیامت، بیانگر کیفر و پاداش و حسابرسی آن است.

پاداش اخروی جهاد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۴۸ – ۳

۳ مجاهدت در راه خدا به همراهی پیامبران الهی و دعا به درگاه او ، موجب بهره مندی از پاداش های دنیوی و اخروی

و کایّن من نبیّ . .. فاتیهم اللّه ثواب الدّنیا و حسن ثواب الاخره

پاداش اخروی حیوانات

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۳۸ – ۹

۹ حیوانات دارای نوعی اراده، اختیار، شعور و تکلیف و جزا و پاداش در قیامت

أمم أمثالکم . .. ثم إلی ربهم یحشرون

پاداش اخروی خداترسان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نازعات – ۷۹ – ۴۰ – ۲

۲ – خداترسان دور از هواپرستی با حضور در صحنه قیامت ، کردار خویش را به یاد آورده و جزای آن را خواهند دید .

یوم یتذکّر . .. و أمّا من خاف مقام ربّه و نهی النفس عن الهوی

پاداش اخروی راستگویان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۳ - ۱

۱ - انسان های درست کار ، راست گفتار و مطیع خداوند ، به پاداش کردار خویش ، در میان انبوه نعمت های آخرت جای خواهند گرفت

.

إنّ الأبرار لفی نعیم

از جمله معانی ذکر شـده برای <برّ>، صـلاح و درست کاری، اطاعت و صـداقت است(لسان العرب). <نعیم>; یعنی، نعمت فراوان (مفردات راغب) نکره بودن <نعیم>، گویای عظمت آن است.

پاداش اخروی زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۲ - ۳

۳ تساوی زن و مرد در پاداش های اخروی

وعد اللّه المؤمنین و المؤمنت جنت تجری من تحتها الأنهر

پاداش اخروی زنان صالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۰ - ۵

۵ - پـاداش هـا و نعمت هـای زنـان و مردان مؤمن نیـک کردار در بهشت ، بیشتر از اسـتحقاق و افزون تر از اقتضای رفتار آنان است .

و من عمل صلحًا . .. یرزقون فیها بغیر حساب

بـدون حسـاب و بی انـدازه بودن پاداش مؤمنان، در مقابل گناه کاران که تنها به میزان گناهشان مجازات خواهنـد شـد گویای حقیقت یاد شده است.

پاداش اخروی زنان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۰ - ۸

۸ - برابری زن و مرد ، در بهره مند شدن از پاداش های اخروی و نعمت های بهشتی

و من عمل صلحًا من ذكر أو أَنثى و هو مؤمن فأَولئك يدخلون الجنّه يرزقون فيها بغى

پاداش اخروى سعادتمندان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۱ - ۱۴

۱۴- كمترين ظلم و بى عدالتى در محاسبه اعمال و نيز در پاداش اخروى سعادتمندان وجود ندارد .

فمن أوتى كتبه بيمينه . .. و لايظلمون فتيلاً

پاداش اخروى

صابران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱ - ۱۰

۱۰ صابران دارای اعمال صالح ، از پاداش بزرگ الهی (بهشت) برخوردار خواهند شد .

أُولئک لهم مغفره و أجر کبیر

بنا به گفته گروهی از مفسران ، مراد از <أجرکبیر> بهشت و موهبتهای اخروی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۱ - ۱

۱ - مؤمنان شکیبا ، برخوردار از پاداش حتمی خداوند در قیامت

إنّی جزیتهم الیوم بما صبروا

<جزاء> (مصدر <جزیت>) به معنای پاداش دادن است. <باء> در <بما صبروا> سببیه و <ما> موصول حرفی است; یعنی، <بسبب صبرهم>. <فوز> (مصدر <فائرون>) دستیابی به مقصود را می گویند. فعل <جزیت> دو مفعول بر می دارد. بنابراین <هم>، مفعول اول آن و <أنّهم هم الفائزون> به تأویل <فوزهم> مفعول دوم آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۷۶ - ۵

۵ بهشت جاودان و برخورداری از قرارگاه و اقامت گاه نیکوی آن ، پاداش صابران است .

یجزون الغرفه بما صبروا . .. خلدین فیها حسنت مستقرًّا و مقامًا

پاداش اخروی صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۲ - ۶

۶ وجود خانه های عالی و پاکیزه برای مؤمنان نیک کردار در < جنات عدن >

و مسکن طیبه فی جنت عدن

<جنات عـدن> می تواند نامی خاص باشد و غیر از <جنات تجری . .. > به شـمار آید. برداشت فوق برگرفته از این احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۱ – ۱۰

۱۰ صابران دارای اعمال صالح ، از پاداش بزرگ الهی (بهشت) برخوردار خواهند شد .

أُولئک لهم مغفره و أجر کبیر

بنا به گفته گروهی از مفسران ، مراد از <أجرکبیر> بهشت و موهبتهای اخروی است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۳۱ – ۱

۱– استقرار در باغ های بهشت ، از جمله پاداش های مؤمنان نیک کردار است .

إنّ الذین ءامنوا و عملوا الصلحت . .. أُولئک لهم جنّت عدن

جمله <أُولئک. ..> یا خبر یکم برای <إنّ> در صدر آیه قبل است و یا خبر دوم و احتمال سوم آن است که جمله مستأنفه باشد در هر صورت، مشارٌالیه <أُولئک> <الذین امنوا...> در آیه قبل است. <عَدنْ> به معنای اقامت گزیدن و مستقر شدن است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۵۰ – ۱

۱ – مغفرت الهی و رزق گوارا ، پاداش مؤمنان نیک کردار در جهان آخرت

فالذین ءامنوا و عملوا . .. و رزق کریم

<رزق کریم> یعنی روزی طیب و گوارا.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۸۰ – ۸

۸ – پاداش های اخروی خداوند ، ویژه مؤمنان شایسته کردار

ثواب اللّه خیر لمن ءامن و عمل صلحًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۳۰ - ۲

۲ - اعطای پاداش به مؤمنان و نیک کرداران در قیامت ، قبل از حسابرسی بدکرداران *

فأمّاالذین ءامنوا . .. و أمّا الذین کفروا

برداشت یاد شده

بدان احتمال است که تقدم در بیان، بیانگر تقدم خارجی نیز باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – بروج – ۸۵ – ۱۱ – ۱

۱ – مؤمنان دارای عمل صالح ، برخوردار از بوستان هایی متعدد ، در آخرت

إنّ الذین ءامنوا و عملوا الصلحت لهم جنّت

پاداش اخروی صداقت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۱۹ – ۴

۴ قیامت ، عرصه بهره برداری آدمی ، از نتایج گفتار و کردار خویش

قال اللّه هذا یوم ینفع الصدقین صدقهم

پاداش اخروی صدقه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حدید – ۵۷ – ۱۸ – ۷

۷ – خداوند ، در قبال وامی که مؤمنان به او می دهند (در راه او صدقه می دهند) ، دو پاداش (پاداشی در دنیا و پاداشی در آخرت) عطا می کند .

و أقرضوا اللّه قرضًا حسنًا یضعف لهم و لهم أجر کریم

برداشت یاد شده بدان احتمال است که جمله <فیضاعف لهم>، ناظر به پاداش دنیوی و جمله <و لهم أجر کریم> ناظر به پاداش اخروی باشد.

پاداش اخروی صدیقان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حدید – ۵۷ – ۱۹ – ۹

۹ - صدیقان و شهدا (گواهان) ، در جهان آخرت برخوردار از پاداشی ویژه و مخصوص به خود

لهم أجرهم

تقدیم <لهم> بر <أجرهم> افاده حصر می کند; یعنی، پاداش آنان (صدیقان و شهدا)، تنها از آنِ ایشان است و به کسی دیگر داده نمی شود.

پاداش اخروی عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۸ - ۱۱

۱۱ - قیامت زمان برداشت و پاداش اعمال نیک است .

فاستبقوا الخیرت أین ما تکونوا یأت بکم اللّه جمیعاً

جمله <أین ما تکونوا . ..> تعلیل جمله قبل است; یعنی، چون قیامتی بر شما هست باید در دنیا به انجام کارهای نیک بپردازید. این تعلیل بیانگر آن است که: سعادت انسان در آخرت، به اعمال نیک او در دنیا بستگی دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۵ - ۳،۷،۲۱

۳ دریافت سزای کامل اعمال ، تنها در روز قیامت است .

و انّما توفّون اجورکم یوم القیمه

۷ برخورداری از بهره های اخروی ، نتیجه اعمال دنیوی انسان

و انّما توفّون اجورکم یوم القیمه

۲۱ بهره های دنیا در برابر پاداش های کامل اخروی اعمال ، فریبی بیش نیست .

و انّما توفّون اجورکم یوم القیمُه . .. و ما الحیوه الدّنیآ الّا متاع الغرور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۰ - ۹

۹ اعمال نیک آدمی در پی دارنده پاداشی الهی در دنیا و آخرت *

و ان تک حسنه یضاعفها و یؤت من لدنه اجراً عظیماً

بدان احتمال که مراد از <یضاعفها> پاداش دنیوی و <یؤت من لدنه . .. > ناظر به پاداش اخروی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۸ - ۲۰

۲۰ قیامت روز پاداش و کیفر اعمال است.

و كذلك زينا لكل أمه عملهم . .. فينبئهم بما كانوا يعملون

مطلع ساختن آدمیان بر اعمالشان در قیامت، کنایه از مجازات

و یا پاداش آنان می تواند باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۷ - ۴

۴ حضور در صحنه قیامت و برخورد با سزای اعمال دنیوی ، فرجام همه انسانهاست .

لقاء الأخره

کلمه <لقاء> (رسیدن و برخورد کردن) مصدری است که به مفعولش اضافه شده و فاعل آن محذوف است ; یعنی: <و لقائهم الأخره>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۵۱ - ۴

۴- کیفر و پاداش الهی به انسان ها در قیامت ، کاملاً مطابق و متناسب با کم و کیف رفتار آدمی است .

لیجزی الله کلّ نفس ما کسبت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۱ - ۷،۱۰

۷- همه انسان ها ، سزای اعمال خویش را در قیامت ، به طور کامل دریافت خواهند کرد .

یوم . .. و توفّی کلّ نفس ما عملت

<توفّی> (از ماده توفیه) به معنای پرداخت و دریافت کامل است.

۱۰- دنیا ، میدان عمل و آخرت صحنه دریافت پاداش و کیفر است .

یوم تأتی . .. و توفّی کلّ نفس ما عملت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۲ - ۵

۵ – پاداش اعمال در قیامت ، عادلانه و به دور از هرگونه نقص و کاستی است .

و من یعمل . .. فلایخاف ظلمًا و لاهضمًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۲۶ – ۹

۹ – کیفیت برانگیختن انسان و جزای اعمال او در قیامت ، متناسب با عملکرد

دنیایی او است .

فنسیتها . .. تنسی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۸۲ – ۲

۲ – قیامت ، روز محاسبه کردار آدمیان و مجازات و پاداش در تعلیمات ابراهیم

و الذی أطمع أن یغفرلی خطیئتی یوم الدین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۵۴ – ۵

۵ – تجسم اعمال آدمیان ، به صورت کیفر و پاداش در آخرت

فالیوم لاتظلم نفس شیئًا و لاتجزون إلاّ ما کنتم تعملون

آمدن تعبیر <لاـتجزون إلاّـ ما> به جای <لاـتجزون إلاّـ بما کنتم تعملون> (با ذکر <باء> مقابله)، می تواند بیانگر این حقیقت باشد که خودِ اعمال آدمی در روز رستاخیز، به صورت کیفر و پاداش به او برگردانده خواهد شد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۵۵ – ۳

۳ – بهشت و نعمت ها و خوشی های آن ، نتیجه و پاداش کردار انسان ها در دنیا است .

و لاتجزون إلاّ ما کنتم تعملون . إنّ أصحب الجنّه الیوم فی شغل فکهون

از ارتباط میان این آیه که سخن از بهشت و نعمت های آن است و آیه پیش که درباره پاداش مطابق رفتار و کردار بود برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۵۳ – ۴

۴ – قیامت ، روز حسابرسی اعمال و پاداش و جزا

هذا ما توعدون لیوم الحساب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۰ - ۱۶

- ۱۶

علم گسترده الهی به عملکرد انسان ها ، پشتوانه کیفر و پاداش اخروی آنان

اعملوا ما شئتم إنّه بما تعملون بصیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۸۳ – ۱۰

۱۰ – قیامت ، روز انسان و محصول تلاش و عملکرد او است .

حتّی یلقوا یومهم الذی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – جاثیه – ۴۵ – ۱۵ – ۷

۷ – اعمال نیک و بد آدمی ، دارای بازتاب در دنیا و درپی دارنده کیفر و پاداش در حیات اخروی

من عمل صلحًا . .. ثمّ إلی ربّکم ترجعون

تعبیر <ثمّ إلی ربّکم> در پی <من عمل صالحاً. ..> می رساند که آنچه در صدر آیه شریفه نسبت به بازتاب عمل گفته شده، مربوط به دنیا است و اعمال آدمی پس از آن نیز کیفر و پاداشی در نزد پروردگار خواهد داشت.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – جاثیه – ۴۵ – ۲۲ – ۹

۹ – بازگشت نتیجه کردار و اندوخته های انسان ، به خود وی در دنیا و آخرت

محیاهم و مماتهم . .. و لتجزی کلّ نفس بما کسبت

آیه شریفه پاسخ و ردی است بر کسانی که صالح و ناصالح را در زندگی و مرگ مساوی می پنداشتند از این مطلب، استفاده می شود که دنیا و آخرت هر دو میدان جزا و پاداش است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۱۹ – ۱۱

۱۱– زندگی دنیا ، صحنه عمل و آخرت میدان دریافت اعمال و نتایج آن *

و لكلّ درجت ممّا

عملوا و لیوفّیهم أعملهم

بنابراین که <حقّ علیهم القول> در آیه قبل، عـذاب اخروی باشد؛ از این آیه اسـتفاده می شود که مراد از <درجات> درجه های اخروی است و در آن جایگاه، نتایج اعمال استیفا می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۲ - ۳

۳ - قیامت ، روز حاکمیت قانون و جزای اعمال

أیّان یوم الدّین

<دین> به معنای جزا و <یوم الدّین> به معنای روز جزا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۱ - ۱،۳

۱ - جزای کامل اعمال ، نصیب انسان در آخرت ، در پی دیدن و مشاهده عمل

و أنّ سعیه سوف یری . ثمّ یجزیه الجزاء الأوفی

۳ - تجسم اعمال انسان ، مجازات و پاداش الهی در آخرت برای او

و أنّ سعیه سوف یری . ثمّ یجزیه الجزاء الأوفی

برداشت یاد شده با توجه به تعبیر <یجزاه> به جای <یجزی به> استفاده می شود؛ زیرا مفاد آن چنین است: <خداوند انسان را به همان عملش جزا می دهد [و نه در برابر عملش]>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۹ - ۲،۳

۲ - نعمت های آخرت ، پاداش کار و تلاش در دنیا است .

ناعمه . لسعیها راضیه

۳ - افرادی که در قیامت ، در رفاه و خوش گذرانی به سر می برند ، دستیابی به آن را مرهون تلاش های دنیایی خود می بینند

.

ناعمه . لسعيها راضيه

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۲۰ – زلزله – ۹۹ – ۶ –

۵ - مشاهده کردار و مواجه شدن با پاداش و کیفر آن ، از اهداف حشر انسان ها در قیامت

یصدر الناس أشتاتًا لیروا أعملهم

حرف <لام> در <لیروا>، بیانگر برداشت یاد شده است. مشاهده اعمال، یا به معنای مشاهده پاداش و کیفر آنها است و یا ناظر به تجّسم اعمال و مشهود بودن آن در قیامت است.

۷ - مواجه شدن انسان ها با کردار خود و پاداش یا کیفر آن ، پس از بازگشت آنان از حسابرسی است .

یصدر الناس أشتاتًا لیروا أعملهم

پاداش اخروی عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۷ - ۱

۱ - انجام دهندگان کار خیر ، در قیامت پاداش دیده ، با کردار خویش مواجه خواهند شد .

فمن یعمل مثقال ذرّه خیرًا یره

پاداش اخروی عمل صالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۶۰ - ۷

۷ انجام عمل نیک به شرط حبط نشدن تا حضور در صحنه قیامت دارای پاداشی ده چندان است.

من جاء بالحسنه فله عشر أمثالها

حرف <باء> در <بالحسنه> هم می تواند برای تعدیه باشد، که در این صورت <مجیء> به معنای انجام دادن است، و هم می توانـد برای مصاحبت باشد، که در این صورت <مجیء> به معنای حاضر شدن است. برداشت فوق بر اساس احتمال دوم است. بر این مبنا جمله <من جاء بالحسنه> (کسی که با عمل نیکی در قیامت حاضر شود)، اشاره به این معنا دارد که پاداش از آن کسی است که عمل نیکش تا قیامت باقی باشد و با گناه حبط نشده باشد.

سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۸۴ – ۵

۵ – هر عمل نیک در جهان آخرت ، دارای پاداش افزون و هر عمل بد دارای کیفر متناسب با آن خواهد بود .

من جاء بالحسنه . .. و من جاء بالسّیئه

<ال> در <الحسنه> و <السیّئه> برای جنس و مفید استغراق است. بنابراین <من جاء بالحسنه>; یعنی، <هر کس هر عمل نیک بیاورد> و <من جاء بالسّیّئه>; یعنی، هر کس هر عمل بد بیاورد.

پاداش اخروی فاطمه(س)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۲۲ – ۸

۸ – نعمت های سرشار بهشت ، پاداش الهی اهل بیت (علی ، فاطمه ، حسن و حسین (ع))

إنّ الأبرار یشربون من کأس . .. و سقیهم ربّهم شرابًا طهورًا . إنّ هذا کان لکم جز

برداشت یاد شده، با توجه به شأن نزولی است که از طریق شیعه و سنی نقل شده است و آن این که از آیه ۵ تا آیه مورد بحث (آیه ۲۲)، درباره آن بزرگواران نازل شده است. (مجمع البیان، ج ۱۰; الکشاف، ج ۴، ذیل آیه)

پاداش اخروی قرض

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۴۵ – ۱۶

۱۶ پاداش الهی به انفاق کنندگان در دنیا و آخرت

فیضاعفه له اضعافاً . .. و الیه ترجعون

<الیه ترجعون>، اشاره به پاداش الهی است در آخرت; بنابراین <فیضاعفه> بیانگر پاداش الهی در دنیاست.

پاداش اخروی قرض به خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حدید – ۵۷ – ۱۱ –

۵،۱۰

۵ - خداوند ، در قبال وامی که مؤمنان به او می دهند (انفاق در راه او) ، دو پاداش می دهد : پاداشی در دنیا و پاداشی در آخرت .

من ذا الذی یقرض اللّه . .. فیضعفه له و له أجر کریم

برداشت یاد شده بدان احتمال است که جمله <فیضاعفه له>، ناظر به پاداش دنیوی و جمله <و له أجر کریم> ناظر به پاداش اخروی باشد.

۱۰ - خداوند ، در برابر قرض الحسنه ای که مؤمنان به او می دهند ، علاوه بر بازپس دادن چند برابر آن در دنیا ، پاداشی نفیس و گران سنگی نیز در آخرت به ایشان خواهد داد .

من ذا الذی یقرض اللّه . .. فیضعفه له و له أجر کریم

واژه <کریم> در هر مقامی، معنایی متناسب با همان مقام دارد. در این جا به معنای عظیم، نفیس و گران سنگ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۲ - ۱

۱ - قیامت ، روز پاداش دهی خداوند به وام دهندگان خود (کسانی که با انفاق در راه خدا به او قرض الحسنه دادند) .

من ذا الذی یقرض اللّه . .. و له أجر کریم . یوم تری المؤمنین

<یوم> در <یوم تری>، مربوط به <له أجر کریم> در آیه پیش است; یعنی، خداوند، پاداش نفیس خود را به وام دهندگان خویش در روزی می دهد که. .. . گفتنی است که مراد از <یوم تری> روز قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۸ - ۷،۱۱

۷ - خداوند

، در قبال وامی که مؤمنان به او می دهند (در راه او صدقه می دهند) ، دو پاداش (پاداشی در دنیا و پاداشی در آخرت) عطا می کند .

و أقرضوا اللّه قرضًا حسنًا یضعف لهم و لهم أجر کریم

برداشت یاد شده بدان احتمال است که جمله <فیضاعف لهم>، ناظر به پاداش دنیوی و جمله <و لهم أجر کریم> ناظر به پاداش اخروی باشد.

۱۱ - خداوند ، در برابر قرض الحسنه که مؤمنان به او می دهند علاوه بر باز پس دادن چند برابر آن در دنیا پاداش نفیس و گران سنگی نیز در آخرت به ایشان عطا خواهد کرد .

إنّ المصّدّقین . .. و أقرضوا اللّه ... و لهم أجر کریم

واژه <کریم>، در هر مورد معنایی متناسب با همان جا دارد و در این جا به معنای عظیم، نفیس و گران سنگ است.

پاداش اخروی گواهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۹ - ۹

۹ - صدیقان و شهدا (گواهان) ، در جهان آخرت برخوردار از پاداشی ویژه و مخصوص به خود

لهم أجرهم

تقدیم <لهم> بر <أجرهم> افاده حصر می کند; یعنی، پاداش آنان (صدیقان و شهدا)، تنها از آنِ ایشان است و به کسی دیگر داده نمی شود.

پاداش اخروی متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۱ - ۷،۹

۷- ورود به بهشت جاودان و رسیدن به تمامی خواسته ها در آن ، پاداش خداوند به تقواپیشگان است .

دار المتّقین . جنّت عدن ... لهم فیها ما یشاءون

۹- نیل به سعادت اخروی

، جای گرفتن در بهشت و برآورده شدن تمامی خواسته ها در آن ، پاداش خداوند به تقواپیشگان

و لنعم دار المتّقین . جنّت عدن ... لهم فیها ما یشاءون کذلک یجزی الله المتّقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۵۳ - ۲

۲ - بهشت و نعمت های آن ، پاداش تقواپیشگان است .

جنّت . .. هذا ما توعدون لیوم الحساب

<لیوم الحساب> به تقدیر <لأجل جزاء یوم الحساب> است; یعنی، این نعمت ها همان چیزی است که به خاطر روز حساب به شما وعده داده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۲۰ - ۲،۴،۸

۲ - بناهای مرتفع و چند طبقه (کاخ ها) در بهشت، پاداش اختصاصی تقواپیشگان

لکن الذین اتّقوا ربّهم لهم غرف من فوقها غرف مبنیّه

"غرفه" (مفرد "غرف") به معنای بناهای مرتفع و خانه ای بالای خانه ای دیگر (چند طبقه چون کاخ) است. گفتنی است لام در "لهم" برای اختصاص است.

۴ - تقواپیشگان ، از منظره های چشم نواز و لذت بخش بهشت بهره مند خواهند شد .

لهم غرف من فوقها غرف مبنیّه

مرتفع و چند طبقه بودن بناهای بهشت به همراه جریان نهرها در پایین آنها، می تواند اشاره به مطلب یاد شده باشد.

۸ - کاخ ها و بنا های تقواپیشگان در بهشت ، دارای نهرهایی است جاری در پایین آنها .

غرف مبنیّه تجری من تحتها الأنهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۶ - ۲،۴

۲ – خداوند ، به اقتضای ربوبیت خویش ، تقواپیشگان را از پاداش های

اخروی بهره مند می سازد .

جزاء من ربّک

۴ - بهره مند ساختن تقواپیشگان از پاداش های آخرت ، جلوه تدبیر خداوند در ترفیع بخشیدن به مقام پیامبر (ص) است .

ربّک

<ربّ> مصدر و به معنای تربیت است و مجازاً در معنای <تربیت کننده> استعمال می شود (مفردات راغب). تأکید بر واژه <ربّک>، گویای آن است که اعطای پاداش به متقین، در راستای تربیت پیامبر(ص) و افزودن رشد آن حضرت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۷ - ۶۸

۶ - پاداش رسانی به اهل تقوا در قیامت ، اقتضای تدبیر نظام هستی و لازمه ربوبیت خداوند بر جهان است .

جزاء من ربّک . .. ربّ السموت و الأرض و ما بینهما

۸ - نعمت های بهشت و پاداش تقواپیشگان در آن ، جلوه رحمت گسترده خداوند است .

جزاء من ربّک . .. الرحمن

پاداش اخروی مجاهدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۸ - ۱۵

۱۵ حوران بهشتی ، از آنِ مؤمنان مجاهد و ایثارگر است .

و أولئک لهم الخیرت

منظور از <الخیرات> به قرینه آیه ۷۰ سوره الرحمن (فیهن خیرات حسان) می تواند حوران بهشت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۷ - ۴

۴ - باغ های بهشت ، با نهر های همیشه جاری ، پاداش الهی به شرکت کنندگان در جهاد و نبرد با دشمنان دین

و من یطع اللّه و رسوله یدخله جنّت تجری

با توجه به این که سیاق آیات، در رابطه با جنگ و جهاد می باشد; مراد

از <من یطع. ..> کسی است که فرمان جهاد را اطاعت کرده است.

پاداش اخروی محسنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۶ - ۱،۲،۳

۱ پاداش های اخروی ، تنها از آن نیکوکاران است .

للذین أحسنوا الحسنی

تقدیم خبر (للذین . ..) بر مبتدا (الحسنی) مفید حصر است.

۲ پاداش نیکوکاران در سرای آخرت از نوع بهترین پاداشهاست .

للذین أحسنوا الحسنی

۳ نیکوکاران در سرای آخرت ، افزون بر بهترین پاداش ها ، از نعمتهایی بی شمار و غیر قابل توصیف برخوردار خواهند بود .

للذین أحسنوا الحسنی و زیاده

تنکیردر <زیاده> که برای تفخیم است بیانگر برداشت فوق می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۷ - ۲

۲ نیکوکاران علاوه بر بهره مند شدن از پاداش در حیات دنیا ، از پاداش های برتر اخروی نیز برخوردار خواهند شد .

لانضیع أجر المحسنین. و لأجر الأخره خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۴ - ۷،۱۳

۷ - پاداش احسان کنندگان در قیامت ، پاداشی بزرگ و با عظمت است .

ذلک جزاء المحسنین

برداشت یاد شده از کاربرد <ذلک> (برای اشاره به شیء بعید)، استفاده شده است.

۱۳ - بهشت و تأمین تمامی خواسته ها ، پاداش استحقاقی و حق محسنان است .

ذلک جزاء المحسنین

تعبیر <جزاء> می رساند که محسنان در برابر احسان های خود، حقی بر خدا پیدامی کنند; هر چند این حق را خود او مقرر فرموده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر -

۱۰ - ۳۵ - ۳۹

۱۰ - فراهم شدن تمامی خواسته های محسنان در قیامت ، پاداشی است بر مبنای بهترین عمل آنان .

لهم ما يشاءون عند ربّهم . .. و يجزيهم أجرهم بأحسن الذى كانوا يعملون

برداشت یاد شده از آن جا است که جمله <یجزیهم. ..> می تواند توضیح و بیان برای جمله <لهم ما یشاءون...> باشد; یعنی، برآورده شدن خواسته های محسنان در قیامت، همان پاداش مطابق با بهترین عمل ها است که خداوند برای آنان مقرر داشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مرسلات - ۷۷ - ۴۴ - ۲

۲ - بهره مندی از موهبت های بهشت ، جزا و پاداش الهی به نیکوکاران

فی ظلل و عیون . .. إنّا كذلك نجزى المحسنين

پاداش اخروی محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۵ - ۶

۶ وعده پاداش کامل اخروی به پیامبر (ص) ، در برابر ابلاغ رسالت و تحمّل رنج های آن

فان كذّبوك . .. و انّما توفّون اجوركم يوم القيمه

از مصادیق مورد نظر برای <و انّما توفّون اجورکم>، به قرینه آیه قبل، که در مقام تسلی و دلداری پیامبر (ص) بود، پاداش کامل پیامبر (ص) در برابر ابلاغ رسالت است.

پاداش اخروی مرد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۲ - ۳

۳ تساوی زن و مرد در پاداش های اخروی

وعد اللّه المؤمنين و المؤمنت جنت تجری من تحتها الأنهر

پاداش اخروی مردان صالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰

- ۴۰ - ۵

۵ - پاداش ها و نعمت های زنان و مردان مؤمن نیک کردار در بهشت ، بیشتر از استحقاق و افزون تر از اقتضای رفتار آنان است .

و من عمل صلحًا . .. یرزقون فیها بغیر حساب

بدون حساب و بی اندازه بودن پاداش مؤمنان، در مقابل گناه کاران که تنها به میزان گناهشان مجازات خواهند شد گویای حقیقت یاد شده است.

پاداش اخروی مردان مؤمن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۰ - ۸

۸ - برابری زن و مرد ، در بهره مند شدن از پاداش های اخروی و نعمت های بهشتی

و من عمل صلحًا من ذکر أو أُنثی و هو مؤمن فأُولئك یدخلون الجنّه یرزقون فیها بغی

پاداش اخروی مطیعان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انفطار - ۸۲ - ۱۳ - ۱

۱ - انسان های درست کار ، راست گفتار و مطیع خداوند ، به پاداش کردار خویش ، در میان انبوه نعمت های آخرت جای خواهند گرفت .

إنّ الأبرار لفی نعیم

از جمله معانی ذکر شده برای <برّ>، صلاح و درست کاری، اطاعت و صداقت است(لسان العرب). <نعیم>; یعنی، نعمت فراوان (مفردات راغب) نکره بودن <نعیم>، گویای عظمت آن است.

پاداش اخروی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۳ - ۵

۵ پاداش اخروی مؤمنان صالح بیش از استحقاق آنان است .

فاما الذین ءامنوا و عملوا الصلحت . .. و یزیدهم من فضله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ -

۶ - ۷۲

۶ وجود خانه های عالی و پاکیزه برای مؤمنان نیک کردار در < جنات عدن >

و مسکن طیبه فی جنت عدن

<جنات عـدن> می تواند نامی خاص باشد و غیر از <جنات تجری . .. > به شـمار آید. برداشت فوق برگرفته از این احتمال است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۸۸ - ۱۵

۱۵ حوران بهشتی ، از آنِ مؤمنان مجاهد و ایثارگر است .

و أولئک لهم الخیرت

منظور از <الخیرات> به قرینه آیه ۷۰ سوره الرحمن (فیهن خیرات حسان) می تواند حوران بهشت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴ - ۱۱

۱۱ عمل صالح ، شرط بهره مندی اهل ایمان از پاداش های اخروی

لیجزی الذین ءامنوا و عملوا الصلحت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۱ - ۲

۲ مؤمنان به کتاب های آسمانی ، در قیامت به پاداش کامل کردار خویش دست خواهند یافت .

و إنّ کلاًّ لما لیوفینّهم ربک أعملهم

مراد از <أعمـالهم> کیفر و پـاداش اعمـال می باشـد. بنابراین <إنّ کلاًّ ...>; یعنی ، همانا پروردگارت پاداش و کیفر اعمال همگان را به طور کامل پرداخت خواهد کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۱ - ۱،۹

۱- استقرار در باغ های بهشت ، از جمله پاداش های مؤمنان نیک کردار است .

إنّ الذین ءامنوا و عملوا الصلحت . .. أُولئک لهم جنّت عدن

جمله <أُولئک. ..> یا خبر یکم برای <إنّ> در صدر آیه قبل است و

یا خبر دوم و احتمال سوم آن است که جمله مستأنفه باشد در هر صورت، مشارالیه <أولئک> <الذین امنوا...> در آیه قبل است. <عَدنْ> به معنای اقامت گزیدن و مستقر شدن است.

۹- بهشت ، مکانی بس آسایش آفرین ، و نعمت های آن ، پاداشی بس نیک برای مؤمنان است .

نعم الثّواب و حسنت مرتفقًا

<مرتفق> اسم مکان به معنای <متکا> (تکیگاه) است و چون هنگام استراحت، نوعاً، مرفق خود را روی زمین می گذارند، به محل استراحت و لمیدن <مرتفق> گفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۱ - ۱۲

۱۲- ورود مؤمنان به بهشت عدن ، به خاطر ایمان آنان به غیب و تصدیق آن است .

جنّت عدن التی وعد الرحمن عباده بالغیب

<باء> در <بالغیب> می تواند سببیه و متعلق به <وعد> باشد; یعنی، وعده خداوند به مؤمنان، به جهت ایمان آنان به غیب بوده است. روشن است که بنابراین وجه، تقدیر کلام <بتصدیق الغیب> خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۰ - ۱

۱ - مغفرت الهی و رزق گوارا ، پاداش مؤمنان نیک کردار در جهان آخرت

فالذین ءامنوا و عملوا . .. و رزق کریم

<رزق کریم> یعنی روزی طیب و گوارا.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۱ - ۱

۱ - مؤمنان شکیبا ، برخوردار از پاداش حتمی خداوند در قیامت

إنّی جزیتهم الیوم بما صبروا

<جزاء> (مصدر <جزیت>) به معنای پاداش دادن است. <باء> در <بما صبروا> سببیه و <ما> موصول حرفی است; یعنی، <بسبب صبرهم>. <فوز>

(مصدر <فائزون>) دستیابی به مقصود را می گویند. فعل <جزیت> دو مفعول بر می دارد. بنابراین <هم>، مفعول اول آن و <أنّهم هم الفائزون> به تأویل <فوزهم> مفعول دوم آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۰ - ۸

۸ - پاداش های اخروی خداوند ، ویژه مؤمنان شایسته کردار

ثواب اللّه خیر لمن ءامن و عمل صلحًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۵ - ۵

۵ - پاداش های اخروی خداوند به مؤمنان (بهشت و نعمت های آن) ، تفضل او است .

لیجزی الذین . .. من فضله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴ - ۱

۱ - فلسفه برپایی قیامت ، پاداش دادن به مؤمنان دارای عمل صالح است .

لتأتینّکم . .. لیجزی الذین ءامنوا و عملوا الصلحت

<ل> در <لیجزی>، تعلیل برای فعل <تأتی> در آیه قبل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۰ - ۱۰

۱۰ - خداوند با کافران بدکردار در قیامت ، بر مبنای عدل و با مؤمنان نیک کردار براساس فضل و لطف خویش برخورد خواهد کرد .

من عمل سیّئه فلایجزی إلاّ مثلها و من عمل صلحًا . .. و هو مؤمن ... یرزقون فیها ب

برداشت یاد شده از آن جا است که مجازات گناه کاران، تنها به میزان گناه آنان است; ولی پاداش مؤمنان نیک کردار، بی

شمار و افزون بر استحقاق آنان می باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه –

فیش

۱۷ – جاثیه – ۴۵ – ۳۰ – ۲

۲ – اعطای پاداش به مؤمنان و نیک کرداران در قیامت ، قبل از حسابرسی بدکرداران *

فأمّاالذین ءامنوا . .. و أمّا الذین کفروا

برداشت یاد شده بدان احتمال است که تقدم در بیان، بیانگر تقدم خارجی نیز باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حدید – ۵۷ – ۱۰ – ۲۶،۲۷

۲۶ – احاطه علمی خداوند ، به تمامی اعمال مؤمنان ، تضمین کننده پاداش های اخروی آنها

و کلاًّ وعد اللّه الحسنی و اللّه بما تعملون خبیر

یادآوری احاطه علمی خداوند به همه اعمال پس از وعده پاداش برتر به همه مؤمنان می تواند برای ایجاد و اطمینان در مؤمنان باشد و نیز آنان به این یقین داشته باشند که خداوند به هر عمل نیک آنان، آگاه است. همچنین اعمال نیک آنان هر چند کوچک باشد ضایع نخواهد شد.

۲۷ – دستیابی مؤمنان به پاداش های موعود الهی در آخرت ، در گرو پایدار ماندن آنان بر ایمان و انجام اعمال نیک است .

و کلاًّ وعد اللّه الحسنی و اللّه بما تعملون خبیر

جمله <و اللّه بماتعملون خبیر> می تواند دربردارنده هشدار باشد. بر این اساس، هشدار الهی به مؤمنان مجاهد و انفاق گر پس از این که به آنان وعده پاداش برتر اخروی داده است می تواند بیانگر این حقیقت باشد که مؤمنان مواظب باشند و بدانند که دستیابی آنان به آن وعده های الهی، در صورتی قطعی است که آنها همچنان بر ایمان و صراط مستقیمی که در آن قرار دارند، باقی بمانند.

جلد – نام سوره – سوره –

آیه – فیش

۱۸ – مجادله – ۵۸ – ۱۱ – ۵

۵ – خداوند ، در قبال عمل کردن مؤمنان به توصیه او (جا باز کردن برای دیگران در مجالس) جایگاه اخروی آنان را وسیع خواهد کرد .

فافسحوا یفسح اللّه لکم

برداشت یاد شده بدان احتمال است که <یفسح اللّه لکم> ناظر به پاداش اخروی باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – جن – ۷۲ – ۱۳ – ۵

۵ – پاداش مؤمنان ، عادلانه و بی کم و کاست داده می شود .

فمن یؤمن بربّه فلایخاف بخسًا و لا رهقًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قیامه – ۷۵ – ۲۳ – ۲

۲ – مؤمنان در روز قیامت ، تنها به لطف و ثواب الهی چشم دوخته اند .

إلی ربّها ناظره

برداشت یاده شده، مبتنی بر حذف مضاف است و تقدیر آن چنین می باشد: <إلی ثواب ربّها ناظره>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – انشقاق – ۸۴ – ۲۵ – ۸

۸ – خداوند در قیامت ، مؤمنان را با یادآوری مکرر پاداش های خویش ، آزار نداده و بر آنان منت نخواهد گذاشت .

لهم أجر غیر ممنون

در معانی <مَنّ> آورده اند که: منت گذاشتن بر کسی، به این است که احسان به او را بزرگ شمرده و به آن فخر کنند و درباره اش سخن را آغاز و تکرار کنند تا آن جا که شخص را متنفر سازند. (لسان العرب)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - بروج - ۸۵ - ۱۱ - ۱

۱ - مؤمنان دارای عمل صالح ،

برخوردار از بوستان هایی متعدد ، در آخرت

إنّ الذین ءامنوا و عملوا الصلحت لهم جنّت

پاداش اخروی مهاجران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۱ - ۱،۱۲

۱- خداوند ، به مسلمانهایی که مورد ستم واقع شده و به خاطر او هجرت کردند ، جایگاه و مکانی شایسته در دنیا و پاداشی بس بزرگ تر در آخرت عطا می کند .

و الذین هاجروا فی الله من بعد ما ظلموا لنبوّئنّهم فی الدنیا حسنه و لأجر الأخره أ

<فی> در <فی الله> به معنای <لام> و برای تعلیل است. بنابراین معنای عبارت <هجرت برای کسب رضای خداوند> است.

۱۲- مهاجران ، از فواید دنیوی و پاداش اخروی هجرت در راه خدا بی خبرند .

و الذین هاجروا . .. لأجر الأخره أکبر لو کانوا یعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۸ - ۵

۵ - رزق نیکو ، پاداش اخروی خدا به مؤمنان مهاجر

و الذین هاجروا . .. لیرزقنّهم اللّه رزقًا حسنًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۹ - ۱

۱ - خدا ، عهده دار پاداش مؤمنان مهاجر در جهان آخرت

و الذین هاجروا . .. لیدخلنّهم مدخلًا یرضونه

پاداش اخروی مهتدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۱ - ۳

۳ - پاداش های اخروی ، وعده نیکوی خداوند به هدایت یافتگان

أفمن وعدنه وعدًا حسنًا

پاداش اخروی یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۴ - ۳

۳ - پاداش اخروی

اعمال نیک ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق و یعقوب (ع) اختصاص به خود ایشان دارد و دیگران از آن بهره ای نخواهند برد .

تلک أمه قد خلت لها ما کسبت

تقدیم <لها> بر <ما کسبت> گویای حصر است. بنابراین <لها ما کسبت>; یعنی، دستاورد آنان تنها از آن ایشان و به سود خودشان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۴۱ - ۳

۳ - پاداش اخروی اعمال نیک ابراهیم ، اسماعیل ، اسحاق و یعقوب (ع) اختصاص به خود ایشان دارد و دیگران از آن بهره ای نخواهند برد .

تلک أمه قد خلت لها ما کسبت

تقدیم <لها> بر <کسبت> گویای حصر است. بنابراین <لها ما کسبت>; یعنی، دستاورد آنان تنها از آنِ ایشان و به سود خودشان است.

پاداش اخروی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۷ - ۱۰،۱۱

۱۰ یوسف (ع) در آخرت از پاداشی برتر و بهتر از آنچه در دنیا بدان دست یافت ، بهره مند خواهد شد .

و کذلک مکّنّا لیوسف فی الأرض . .. و لانضیع أجر المحسنین. و لأجر الأخره خیر ... و

۱۱ پاداش های دنیوی و اخروی یوسف (ع) ، دستاورد ایمان و ملازمت او بر تقوا و پرهیزگاری بود .

و کذلک مکّنّا لیوسف . .. و لأجر الأخره خیر للذین ءامنوا و کانوا یتقون

تکذیب پاداش اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۸۷ - ۳

۳ – ادعای در کار نبودن پاداش و کیفر پس از

مرگ ، ادعایی دروغین و بی اساس است .

فلولا إن كنتم غير مدينين . ترجعونها إن كنتم صدقين

خطاب در <إن كنتم صادقين>، متوجه کسانی است که منکر پاداش و کیفر در سرای دیگر بودند.

حتمیت پاداش اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۹ - ۷

۷ - بازگشت به خداوند و دریافت کیفر یا پاداش او در سرای آخرت ، فرجام قطعی انسان ها است .

و ظنّوا أنّهم إلينا لايرجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۸۶ - ۳

۳ - کیفر و پاداش اخروی ، امری قطعی و وعده ای تخلف ناپذیر است .

إن كنتم غير مدينين

با این که مسأله کیفر و پاداش اخروی، امری است که در آینده باید تحقق یابد; به کار گیری قالب ماضی (کنتم) برای بیان مطلب یاد شده است.

دوستی با مأیوسان از پاداش اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۳ - ۶

۶ - مأیوسان از رحمت حق و ثواب اخروی ، غیرقابل اعتماد و ناشایست برای دوستی و مودّت

يأيّها الذين ءامنوا لاتتولّوا قومًا . .. قد يئسوا من الأخره

جمله <قد يئسوا> به منزله تعلیل برای <لاتتولّوا> می باشد.

زمینه پاداش اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴ - ۱۱

۱۱ عمل صالح ، شرط بهره مندی اهل ایمان از پاداش های اخروی

لیجزی الذین ءامنوا و عملوا الصلحت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۹ - ۲،۵

۲

عمل صالح ، شرط بهره مندی اهل ایمان از پاداش های اخروی است .

إن الذین ءامنوا و عملوا الصلحت . .. فی جنت النعیم

۵ ایمان توأم با عمل ، شرط بهره مندی از حمایت و هدایت مستمر و دایم الهی و برخوردار شدن از پاداش های اخروی است .

إن الذین ءامنوا و عملوا الصلحت . .. فی جنت النعیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۰ - ۱۴

۱۴ - دستیابی به سعادت و پاداش های اخروی ، در گرو صبر و شکیبایی است .

ویلکم ثواب اللّه خیر . .. و لایلقّیها إلّاالصبرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۴ - ۳

۳ - دستیابی به پاداش برتر الهی در جهان آخرت ، در گرو داشتن اعمال نیک است .

من جاء بالحسنه فله خیر منها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۸۶ - ۱

۱ - تقدیر مرگ از سوی خداوند ، به منظور کیفر و پاداش دادن به آدمیان در سرای دیگر (جهان آخرت)

نحن قدّرنا بینکم الموت . .. فلولا إن کنتم غیر مدینین

برداشت یاد شده با توجه به تفریع <فلولا إن کنتم> بر <نحن قدّرنا بینکم الموت> است. کلمه <مدینین> می تواند مشتق از <دین> (جزا) باشد؛ یعنی، <إن کنتم غیر مجزیین>. و نیز می تواند مشتق از <دان السلطان الرعیه إذا ساسهم و تعبدهم> باشد؛ چنان که برخی از مفسران این را گفته اند. برداشت بالا با توجه به معنای اول است.

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۹۶ – ۲

۲ – برپا ساختن قیامت برای کیفر و پاداش ، نمودی از کمال خداوند و مبرّا بودن ساحت او از هر نقص و کاستی

فسبّح باسم ربّک العظیم

تفریع <فسبّح باسم ربّک> بر مطالب پیشین (فأمّا إن کان من المقرّبین. ..) حاکی از مطلب یاد شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حدید – ۵۷ – ۱۰ – ۲۷

۲۷ – دستیابی مؤمنان به پاداش های موعود الهی در آخرت ، در گرو پایدار ماندن آنان بر ایمان و انجام اعمال نیک است .

و کلاًّ وعد اللّه الحسنی و اللّه بما تعملون خبیر

جمله <و اللّه بماتعملون خبیر> می تواند دربردارنده هشدار باشد. بر این اساس، هشدار الهی به مؤمنان مجاهد و انفاق گر پس از این که به آنان وعده پاداش برتر اخروی داده است می تواند بیانگر این حقیقت باشد که مؤمنان مواظب باشند و بدانند که دستیابی آنان به آن وعده های الهی، در صورتی قطعی است که آنها همچنان بر ایمان و صراط مستقیمی که در آن قرار دارند، باقی بمانند.

زمینه پاداش اخروی متقین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نبأ – ۷۸ – ۳۶ – ۳

۳ – پیامبر (ص) ، فراهم آورنده زمینه دستیابی تقواپیشگان به پاداش های آخرت

ربّک

خطاب به پیامبر(ص) در <ربّک>، گویای آن است که آن حضرت در رسیدن متقین به بهشت و نعمت های آن، نقش اساسی داشته است.

شرایط پاداش اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳

۱۲ برخوردار شـدن از پـاداش هـای الهی در آخرت ، منوط به یکتـاپرستی ، پرهیز از شـرک ، پـذیرش رسالت پیامبر (ص) و استغفار از گناهان است .

ألّا تعبدوا إلّا الله . .. یؤت کل ذی فضل فضله

اسـتفاده برداشت فـوق از آیه ، بر اسـاس این احتمـال است که: جمله <یـؤت . ..> بیـانگر پـاداش اخروی باشـد. وجود <إلی أجل> در جمله قبل و نبود آن در این جمله ، می تواند مؤید این احتمال باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۷ - ۶

۶ ایمان و ملازمت بر تقوا شرط بهره مندی از پاداش های اخروی است .

و لأجر الأخره خیر للذین ءامنوا و کانوا یتقون

<کـان> وماننـد آن همراه مضـارع حکایت از اسـتمرار در زمان گذشـته دارد. ملازمت به تقوا در برداشت فوق ، از نکته یاد شده استفاده گردیده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۰ - ۹

۹ - همراهی ایمان و عمل صالح ، از شرایط بهرهوری از ثواب اخروی است .

ثواب اللّه خیر لمن ءامن و عمل صلحًا

ظلم امتناع از پاداش اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۶۰ - ۱۳

۱۳- منع از پاداش اخروی ، هرچند اندکی از آن ، ظلم است .

و لایظلمون شیًا

عدالت در پاداش اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۴ - ۱۲

۱۲ کیفر و پاداش الهی در قیامت ، بر پایه قسط و عدل است

ثم

یعیده لیجزی . .. بالقسط

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۷۰ – ۱

۱ – هرکس جزای اعمال خویش را در قیامت به طور کامل و بی کم و کاست ، دریافت خواهد کرد .

و وفّیت کلّ نفس ما عملت

<توفیه> (مصدر <وفّیت>) به معنای دادن کامل و بی کم و کاست چیزی است.

عمومیت پاداش اخروی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۱۷ – ۱

۱ – نظام پاداش و کیفر الهی در قیامت ، فراگیر همه انسان ها و شامل تمامی حرکات انسان ها است .

الیوم تجزی کلّ نفس بما کسبت

<ما> در <بما کسبت> موصول بوده و افاده کننده معنای جنس است. بنابراین <ما کسبت>; یعنی، هر آنچه که بشر انجام داده و هر حرکتی که از خود نشان دهد.

عوامل پاداش اخروی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۵۱ – ۶

۶– رفتار انسان و استحقاق وی برای کیفر و پاداش ، اساس و مبنای جزای الهی در آخرت است .

لیجزی الله کلّ نفس ما کسبت

از اینکه خداوند در پاداش و کیفر مسأله کسب و تلاش انسان را مطرح ساخت (ما کسبت)، استفاده می شود که همین اساس پاداش و کیفر آدمیان است نه چیز دیگر.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۹۷ – ۸

۸- نقش اساسی و محوری عمل صالح ، در دستیابی به سعادت و پاداش اخروی

من عمل صلحًا . .. و هو مؤمن ... و لنجزينّهم أجرهم بأحسن ما كانوا

يعملون

برداشت فوق، به خاطر اين است كه در آغاز آيه اثربخشى عمل، مشروط به ايمان شده است (من عمل صالحاً . .. و هو مؤمن) در عين حال در پايان آيه پاداش اخروى تنها منوط به عمل دانسته شده و از ايمان سخن به ميان نيامده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۵ - ۱۴

۱۴ - سعى و تلاش آدمى در عبادت و نماز ، درپى دارنده پاداش حتمى درقيامت است .

فاعبدنى و أقم الصلوه . .. لتجزى كلّ نفس بما تسعى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۶ - ۱۰

۱۰ - پاداش و كيفر انسان در قيامت ، برخاسته از كردار دنيوى او است .

فنسيتها . .. اليوم تنسى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۷ - ۲،۳

۲ - كيفر و پاداش الهى در قيامت ، معلول چگونگى رفتار خوب و بد انسان ها است .

اليوم تجزى كلّ نفس بما كسبت

<باء> در <بما كسبت> براى سببيت است؛ يعنى، <تجزى بسبب ما كسبت و جزاء مناسباً لما كسبت>.

۳ - رفتار انسان و استحقاق وى براى كيفر و پاداش ، اساس و مبناى جزاى الهى در آخرت

اليوم تجزى كلّ نفس بما كسبت

از اين كه خداوند در پاداش و كيفر، مسأله كسب و تلاش انسان را مطرح ساخته است (بما كسبت) استفاده مى شود كه همين اساس پاداش و كيفر آدميان است؛ نه چيز ديگر.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ – زلزله – ۹۹ – ۶ – ۶

۶

- پاداش ها و کیفر های آخرت ، چیزی جز کردار انسان نیست .

یصدر الناس أشتاتًا لیروا أعملهم

غفلت از پاداش اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۳۲ - ۱

۱ - سرزنش شدن تکذیب گران و کافران جن و انس از سوی خداوند ، به خاطر بی توجهی آنان به موضوع حسابرسی اعمال خلق در قیامت و کیفر و پاداش الهی در آن

سنفرغ لکم أیّه الثقلان . فبأیّ ءالآء ربّکما تکذّبان

استفهام در <فبأیّ ءالآء> توبیخی است و تثنیه آمدن <کما> و <تکذّبان> به خاطر توجه خطاب به جن و انس است.

فلسفه پاداش اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۰۳ - ۶

۶ گذر از موقف های قیامت (حسابرسی ، کیفر ، پاداش و . . .) غرض از گردآوری همگان در صحنه قیامت است .

ذلک یوم مجموع له الناس

برداشت فوق ، مبتنی براین نکته است که <لام> در <له> برای بیان غایت و غرض باشد. بر این اساس مفاد جمله <ذلک یوم ...> چنین می شود: روز قیامت روزی است که خداوند ، همگان را برای گذر از موقفهای آن روز گردآوری می کند.

مجریان پاداش اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۸ - ۳

۳ - روح و فرشتگان ، کارگزاران رسیدگی به کیفر و پاداش بندگان در قیامت

یوم یقوم الروح و الملئکه صفًّا

صفّ بستن <روح> و <ملائکه>، حاکی از آمادگی آنان برای اجرای دستورات است. به قرینه آیات پیشین که سخن از کیفر و

پاداش بندگان بود محدوده مأموریت آنان، رسیدگی به امور بهشتیان و دوزخیان است.

محرومیت از پاداش اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۸ - ۱۰

۱۰- < عن إبن عباس أن النبی (ص) قال : معنی الأیه من کان یرید ثواب الدنیا بعمله الذی افترضه الله علیه لایرید به وجه الله و الدار الأخره عجّل له فیها ما یشاء الله من عرض الدنیا و لیس له ثواب فی الأخره و ذلک ان الله سبحانه و تعالی یؤتیه ذلک لیستعین به علی الطاعه فیستعمله فی معصیه الله فیعاقبه الله علیه ;

از ابن عباس روایت شده است که رسول خدا(ص) فرمود: معنای آیه <من کان یرید العاجله عجّلنا له فیها مان یشاء> این است که با انجام اعمالی که خداوند بر او واجب گردانیده، تقرب به سوی خدا و روز آخرت را اراده نمی کند; بلکه پاداش دنیوی را اراده می کند، در دنیا آنچه را که خداوند بخواهد از نعمتهای دنیوی به او داده می شود و برای او در آخرت پاداشی نیست; چون خداوند سبحانه و تعالی آن را به او داده است تا در طریق طاعت کمکش کند; ولی او در معصیت خداوند آن را به کار می بندد. پس خداوند او را به خاطر این کار عذاب می کند>.

مراتب پاداش اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۶ - ۲

۲ پاداش نیکوکاران در سرای آخرت از نوع بهترین پاداشهاست .

للذین أحسنوا الحسنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۱۰ – ۹

۹ – احسان در دنیا ، درپی دارنده پاداش نیک و بزرگ الهی در جهان آخرت

للذین أحسنوا فی هذه الدنیا حسنه

برداشت بالا بر این اساس مبتنی است که <فی هذه الدنیا> متعلق به <أحسنوا> و ظرف برای آن باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۳۴ – ۷

۷ – پاداش احسان کنندگان در قیامت ، پاداشی بزرگ و با عظمت است .

ذلک جزاء المحسنین

برداشت یاد شده از کاربرد <ذلک> (برای اشاره به شیء بعید)، استفاده شده است.

مکذبان پاداش اخروی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – فرقان – ۲۵ – ۴۰ – ۷

۷ مشرکان ، هیچ اعتقادی به روز رستاخیز و انتظار کیفر و پاداش الهی در آن روز را نداشته اند .

بل کانوا لایرجون نشورًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۸۶ – ۲

۲ – شرک پیشگان صدراسلام ، منکر هر گونه کیفر و پاداش پس از مرگ

فلولا إن کنتم غیر مدینین

خطاب در آیه شریفه متوجه کسانی است که مرگ را پایان زندگی دانسته و درباره کیفر و پاداش پس از مرگ، موضع

انکارآمیز داشتند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۱ - ۱

۱ - گروهی از مدعیان اسلام در عصر بعثت ، جزای اخروی را دروغ دانسته ، آن را تکذیب می کردند .

الذی یکذّب بالدین

<دین>، به معنای جزا است و در معانی <عادت>، <عبادت>، <حساب>، <طاعت>، <سیرت> و <ملّت> نیز به کار می رود (قاموس).

آیات بعد که درباره نمازگزاران و ریاکاران سخن می گوید قرینه بر اراده معنای <جزا> و <حساب> است. از کلمات <مصلّین> و نظایر آن که جمع آمده است استفاده می شود که مراد از <الذی> در این آیه، جنس است; هرچند در شأن نزول ها بر افرادی نظیر ولید و ابوسفیان، تطبیق داده شده است.

ملاک پاداش اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۵ - ۴

۴ - کیفر و پاداش اشخاص در قیامت و داوری درباره آنان ، بر پایه شهادت و گواهی اعضا و جوارح (زبان ، دست و پای) خود آنها خواهد بود .

یوم تشهد علیهم ألسنتهم . .. یومئذ یوفّیهم اللّه دینهم الحقّ

جمله <یومئذ یوفّیهم اللّه> استئناف بیانی است و پاسخ به این سؤال است که گواهی زبان، دست و پا بر اعمال انسان ها، برای چه منظوری است؟ پاسخ آیه شریفه این است که این گواهی، به منظور اعطای جزای کامل و عادلانه می باشد و این جزا بر پایه همین گواهی استوار است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۰ - ۵

۵ - عمل و رفتار انسان ، مبنای داوری خداوند و ملاک جزای او در قیامت است .

و وفّیت کلّ نفس ما عملت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۰ - ۲

۲ - عمل و نوع رفتار آدمی ، معیار کیفر و جزای اخروی او است .

من عمل سیّئه فلایجزی إلاّ مثلها

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۵۱ – ۱۱

۱۱ – کیفر و پاداش انسان ها در قیامت ، مستند به گواهی شاهدان است .

یوم یقوم الأشهد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – جاثیه – ۴۵ – ۲۸ – ۱۳

۱۳ – جزای انسان ها در قیامت ، براساس عملکرد دنیوی آنان است .

الیوم تجزون ما کنتم تعملون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – نجم – ۵۳ – ۴۱ – ۲

۲ – مجازات و پاداش اخروی ، بر محور عملکرد خود انسان است .

و أنّ سعیه سوف یری . ثمّ یجزیه الجزاء الأوفی

ضمیر <ه> در <یجزاه> به <سعی> بازمی گردد.

منشأ پاداش اخروی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۲۵ – ۸

۸ – کیفر و پاداش در سرای آخرت در اختیار خداوند است .

یومئذ یوفّیهم اللّه دینهم الحقّ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۸۴ – ۲

۲ - پاداش الهی در جهان آخرت ، براساس فضل و احسان و کیفر او ، برپایه عدل و انصاف خواهد بود .

من جاء بالحسنه فله خیر منها و من جاء بالسّیّئه فلایجزی . .. إلاّ ما کانوا یعملون

موجبات پاداش اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۵ - ۳

۳ - همراهی ایمان و عمل صالح ، شرط برخورداری از پاداش و فضل الهی ، در آخرت است .

لیجزی الذین ءامنوا و عملوا الصلحت من فضله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ -

سبأ - ۳۴ - ۴ - ۲

۲ - توأم بودن ایمان و عمل صالح ، درپی دارنده پاداش در قیامت

لیجزی الذین ءامنوا و عملوا الصلحت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۲ - ۳،۷

۳ - اعمال نیک انسان ، در پی دارنده پاداش الهی در قیامت

إنّ هذا کان لکم جزاء

۷ - وفای به نذر ، خوف از قیامت و دستگیری خالصانه از بینوایان ، یتیمان و اسیران ، موجب بهره مندی از پاداش های بهشتی و مورد ستایش و قدردانی خداوند

یوفون بالنذر و یخافون یومًا . .. إنّ هذا کان لکم جزاء و کان سعیکم مشکورًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - غاشیه - ۸۸ - ۹ - ۴

۴ - اهتمام ورزیدن به کارهایی که پاداش اخروی دارد ، مطلوب و مایه خرسندی در قیامت است .

لسعیها راضیه

<سعی> به معنای راه رفتن سریع است که در مورد <جدیت در هر کار> نیز استعمال می شود. (مفردات راغب)

وعده پاداش اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۴۲ - ۶

۶ - برپایی قیامت و کیفر و پاداش آن روز ، وعده الهی به همگان

حتّی یلقوا یومهم الذی یوعدون

یأس از پاداش اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۳ - ۵،۷

۵ - یأس از رحمت الهی و ثواب اخروی ، نشانه انسان های مورد غضب خداوند (یهودیان)

قومًا غضب اللّه علیهم قد یئسوا من الأخره

شاید منظور از <یأس از آخرت> ایمان نداشتن به قیامت نباشد; بلکه مقصود

یأس از رحمت الهی در آخرت است. چه این که یهود به عنوان مصداق <مغضوب علیهم> اصل قیامت را قبول داشتند; ولی در ویژگی های آن مردد بودند.

۷ - یأس از رحمت خدا و ثواب اخروی ، گناهی است بزرگ .

قومًا غضب اللّه علیهم قد یئسوا من الأخره

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که <قد یئسوا. ..>، به عنوان بارزترین ویژگی مغضوبین یاد شده است.

پاداش دنیوی

ارزش پاداش دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۸ - ۶

۶ ارزش والای پاداش های خداوند در آخرت نسبت به ارزش های او در دنیا

فاتیهم اللّه ثواب الدّنیا و حسن ثواب الاخره

در مورد ثواب آخرت، کلمه <حسن> اضافه شده است تا بیان کند که پاداش اخروی نسبت به پاداش دنیوی، دارای مزیّت و برتری خاصّی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۷ - ۱

۱ پاداش های اخروی ، برتر و بهتر از پاداش های دنیوی است .

لانضیع أجر المحسنین. و لأجر الأخره خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۰ - ۱۲

۱۲- پاداش های اخروی ، بهتر از پاداش های دنیوی است .

للذین أحسنوا فی هذه الدنیا حسنه و لدار الأخره خیر

ارزش پاداش دنیوی محسنان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۳۰ – ۱۱

۱۱- پاداش اخروی محسنان ، بسی بهتر از پاداش دنیوی آنان است .

للذین أحسنوا فی هذه الدنیا حسنه و لدار الأخره خیر

اگر چه در آیه سخنی

از پاداش اخروی به میان نیامده است، اما جمله <و لدار الأخره خیر> که برتری سرای اخروی را می رساند به قرینه <فی هذه الدنیا حسنه> (برای محسنان در دنیا حسنه ای است) می تواند مشعر به این نکته باشد که: پاداش حیات اخروی برتر است.

پاداش دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۵ - ۷،۱۱،۱۲

۷ تلاشگران برای پاداش های دنیوی ، از نعمت دنیا بهره مند خواهند شد .

و من یرد ثواب الدّنیا نؤته منها

۱۱ خداوند ، پاداش دهنده اعمال در دنیا و آخرت

و من یرد ثواب الدّنیا نؤته منها و من یرد ثواب الاخره نؤته منها

مراد از اراده پاداش، انجام عمل خیر، برای نیل به پاداش است.

۱۲ جهاد و مقاومت در جنگ ، موجب برخورداری از پاداش دنیوی و اخروی

و لمّا یعلم اللّه الّذین جاهدوا منکم و یعلم الصّابرین . .. و من یرد ثواب الدّنیا

با توجّه به آیات قبل، از مصادیق مورد نظر برای اعمال خیر، جهاد و مبارزه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۸ - ۷

۷ پاداش های اخروی خداوند ، نیکو و عاری از هر گونه نقصان است و پاداش های دنیوی ، همراه با مشکلات

فاتیهم اللّه ثواب الدّنیا و حسن ثواب الاخره

از اینکه پاداشـهای اخروی را نیکو شـمرده (حسن ثواب الآـخره)، معلوم می شود پاداشـهای اخروی به تمام جهات، نیکوست و در مقابل، ثواب دنیوی را به نیکو بودن توصیف نکرده تا به این نکته اشاره کند که پاداشهای خداوند در دنیا،

همواره ملازم با مشکلات و نقصانهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۶ - ۱۴

۱۴ اراده الهی بر محروم سازی کفرپیشگان از بهره های دنیوی نیست . *

یرید اللّه الّا یجعل لهم حظّا فی الاخره

مفهوم کلمه <فی الآخره>، گویای آن است که اراده الهی بر محروم ساختن کافران از مواهب آخرت است، نه بهره های دنیوی.

پاداش دنیوی ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۷ - ۴،۵،۶

۴ - خداوند ، پاداش ابراهیم (ع) را در همین دنیا ، به او عطا کرد .

و ءاتینه أجره فی الدنیا

۵ - ابراهیم (ع) ، مستحق و سزاوار دریافت پاداش دنیوی بوده است .

و ءاتینه أجره فی الدنیا

اضافه شدن <أجر> به ضمیری که مرجع آن، ابراهیم(ع) است گویای این نکته است که او، پاداشی داشته و سزاوار آن بوده است. گفتنی است که <فی الدنیا> احتمال دارد که متعلق به <آتیناه> باشد و احتمال دارد که متعلق به <أجره> باشد. برداشت بالا بنابر احتمال دوم است.

۶ - اعطای اسحاق و یعقوب (ع) به ابراهیم (ع) و نیز قرار دادن مقام نبوت در نسل آن حضرت ، پاداش دنیوی ابراهیم (ع) از سوی خداوند بود .

و وهبنا له إسحق . .. و جعلنا فی ذرّیّته النبوّه... و ءاتینه أجره فی الدنیا

پاداش دنیوی انفاق

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۴۵ – ۱۶

۱۶ پاداش الهی به انفاق کنندگان در دنیا و

آخرت

فیضاعفه له اضعافاً . .. و الیه ترجعون

<الیه ترجعون>، اشاره به پاداش الهی است در آخرت; بنابراین <فیضاعفه> بیانگر پاداش الهی در دنیاست.

پاداش دنیوی انفاقگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۱ - ۷

۷ - خداوند ، در دنیا حداقل دو برابر مقدار وامی را که مؤمنان به او می دهند (در راه او انفاق می کنند) ، به آنان بازمی گرداند .

من ذا الذی یقرض اللّه . .. فیضعفه له

<مضاعفه> (مصدر <یضاعف>) به دو چندان کردن و بالاتر از آن گفته می شود (مفردات راغب).

پاداش دنیوی برّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۵ - ۹

۹ قصد و نیّت عمل کننده کردار های نیک ، تعیین کننده برخورداری وی از نعمت های دنیا یا مواهب آخرت

و من یرد ثواب الدّنیا نؤته منها و من یرد ثواب الاخره نؤته منها

پاداش دنیوی جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۸ - ۳

۳ مجاهدت در راه خدا به همراهی پیامبران الهی و دعا به درگاه او ، موجب بهره مندی از پاداش های دنیوی و اخروی

و کایّن من نبیّ . .. فاتیهم اللّه ثواب الدّنیا و حسن ثواب الاخره

پاداش دنیوی صدقه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حدید – ۵۷ – ۱۸ – ۷،۹

۷ – خداوند ، در قبال وامی که مؤمنان به او می دهند (در راه او صدقه می دهند) ، دو پاداش

(پاداشی در دنیا و پاداشی در آخرت) عطا می کند .

و أقرضوا اللّه قرضًا حسنًا یضعف لهم و لهم أجر کریم

برداشت یاد شده بدان احتمال است که جمله <فیضاعف لهم>، ناظر به پاداش دنیوی و جمله <و لهم أجر کریم> ناظر به پاداش اخروی باشد.

۹ - خداوند ، در دنیا حداقل دو برابر مقدار وامی که مؤمنان به او می دهند (در راه او صدقه می پردازند) ، به آنان بازمی گرداند .

و أقرضوا اللّه قرضًا حسنًا یضعف لهم

<مضاعفه> (مصدر <یضاعف>) به دو چندان کردن و بالاتر از آن (چند و چندین برابر نمودن) اطلاق می شود (مفردات راغب).

پاداش دنیوی عمل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۵ - ۵

۵ دریافت برخی از پاداش ها و جزای اعمال در غیر قیامت (دنیا و برزخ) *

و انّما توفّون اجورکم یوم القیمه

کلمه <انّما>، دریافت کامل پاداش و جزا را منحصر به روز قیامت می کند، لذا مفهوم آن، دریافت برخی از جزا و پاداش در غیر روز قیامت است و مراد از غیر قیامت، می تواند دنیا و یا برزخ و یا هر دو باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۰ - ۹

۹ اعمال نیک آدمی در پی دارنده پاداشی الهی در دنیا و آخرت *

و ان تک حسنه یضاعفها و یؤت من لدنه اجراً عظیماً

بدان احتمال که مراد از <یضاعفها> پاداش دنیوی و <یؤت من لدنه . .. > ناظر به پاداش اخروی باشد.

- سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۸ - ۱۰

۱۰- < عن إبن عباس أن النبی (ص) قال : معنی الأیه من کان یریـد ثواب الدنیا بعمله الذی افترضه الله علیه لایرید به وجه الله و الـدار الأـخره عجّل له فیها ما یشاء الله من عرض الـدنیا و لیس له ثواب فی الأخره و ذلک ان الله سـبحانه و تعالی یؤتیه ذلک لیستعین به علی الطاعه فیستعمله فی معصیه الله فیعاقبه الله علیه ;

از ابن عبـاس روایت شـده است که رسول خـدا(ص) فرمود: معنـای آیه <من کـان یریـد العـاجله عجّلنا له فیها مان یشاء> این است که با انجام اعمالی که خداونـد بر او واجب گردانیـده، تقرب به سوی خـدا و روز آخرت را اراده نمی کند; بلکه پاداش دنیوی را اراده می کند، در دنیا آنچه را که خداوند بخواهد از نعمتهای دنیوی به او داده می شود و برای او در آخرت پاداشـی نیست; چون خداوند سبحانه و تعالی آن را به او داده است تا در طریق طاعت کمکش کند; ولی او در معصیت خداوند آن را به کار می بندد. پس خداوند او را به خاطر این کار عذاب می کند>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۲ - ۹

۹ - بازگشت نتیجه کردار و اندوخته های انسان ، به خود وی در دنیا و آخرت

محیاهم و مماتهم . .. و لتجزی کلّ نفس بما کسبت

آیه شریفه پاسخ و ردی است بر کسانی که صالح و ناصالح را در زندگی و مرگ مساوی می پنداشتند

از این مطلب، استفاده می شود که دنیا و آخرت هر دو میدان جزا و پاداش است.

پاداش دنیوی عمل پسندیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۵ - ۱۲

۱۲ اعمال نیک ، اگر به قصد دستیابی به بهره های دنیوی انجام گیرد ، نتایج آن تنها در دنیا عاید انسان می شود .

من کان یرید الحیوه الدنیا و زینتها نوفّ إلیهم أعملهم فیها

پاداش دنیوی قرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۵ - ۱۶

۱۶ پاداش الهی به انفاق کنندگان در دنیا و آخرت

فیضاعفه له اضعافاً . .. و الیه ترجعون

<الیه ترجعون>، اشاره به پاداش الهی است در آخرت؛ بنابراین <فیضاعفه> بیانگر پاداش الهی در دنیاست.

پاداش دنیوی قرض به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۱۱ - ۵،۱۰

۵ - خداوند ، در قبال وامی که مؤمنان به او می دهند (انفاق در راه او) ، دو پاداش می دهد : پاداشی در دنیا و پاداشی در آخرت .

من ذا الذی یقرض اللّه . .. فیضعفه له و له أجر کریم

برداشت یاد شده بدان احتمال است که جمله <فیضاعفه له>، ناظر به پاداش دنیوی و جمله <و له أجر کریم> ناظر به پاداش اخروی باشد.

۱۰ - خداوند ، در برابر قرض الحسنه ای که مؤمنان به او می دهند ، علاوه بر بازپس دادن چند برابر آن در دنیا ، پاداشی

نفیس و گران سنگی نیز در آخرت به ایشان خواهد داد .

من ذا الذی یقرض

اللّه . .. فيضعفه له و له أجر كريم

واژه <كريم> در هر مقامى، معنايى متناسب با همان مقام دارد. در اين جا به معناى عظيم، نفيس و گران سنگ است.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۸ – حديد – ۵۷ – ۱۸ – ۷،۹،۱۱

۷ – خداوند ، در قبال وامى كه مؤمنان به او مى دهند (در راه او صدقه مى دهند) ، دو پاداش (پاداشى در دنيا و پاداشى در آخرت) عطا مى كند .

و أقرضوا اللّه قرضًا حسنًا يضعف لهم و لهم أجر كريم

برداشت ياد شده بدان احتمال است كه جمله <فيضاعف لهم>، ناظر به پاداش دنيوى و جمله <و لهم أجر كريم> ناظر به پاداش اخروى باشد.

۹ – خداوند ، در دنيا حداقل دو برابر مقدار وامى كه مؤمنان به او مى دهند (در راه او صدقه مى پردازند) ، به آنان بازمى گرداند .

و أقرضوا اللّه قرضًا حسنًا يضعف لهم

<مضاعفه> (مصدر <يضاعف>) به دو چندان كردن و بالاتر از آن (چند و چندين برابر نمودن) اطلاق مى شود (مفردات راغب).

۱۱ – خداوند ، در برابر قرض الحسنه كه مؤمنان به او مى دهند علاوه بر باز پس دادن چند برابر آن در دنيا پاداش نفيس و گران سنگى نيز در آخرت به ايشان عطا خواهد كرد .

إنّ المصّدّقين . .. و أقرضوا اللّه ... و لهم أجر كريم

واژه <كريم>، در هر مورد معنايى متناسب با همان جا دارد و در اين جا به معناى عظيم، نفيس و گران سنگ است.

پاداش دنيوى مجاهدان

جلد – نام سوره – سوره – آيه

– فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۴۸ – ۲

۲ ثبات قدم (پایمردی) و پیروزی بر دشمنان ، پاداش دنیوی خداوند به مجاهدان صابر و نیایشگر

ربّنا . .. و ثبّت اقدامنا و انصرنا علی القوم الکافرین. فاتیهم اللّه ثواب الدّنیا

پاداش دنیوی محسنان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۲۲ – ۱۳

۱۳ برخورداری نیکوکاران از پاداش های الهی در دنیا

ءاتینه حکمًا و علمًا و کذلک نجزی المحسنین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۵۶ – ۱۴

۱۴ خداوند ، نیکوکاران را در دنیا از پاداش های خویش بهره مند می سازد .

و لانضیع أجر المحسنین

به قرینه آیه بعد ، مراد از <أجر> پاداشهای دنیوی است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۵۷ – ۲

۲ نیکوکاران علاوه بر بهره مند شدن از پاداش در حیات دنیا ، از پاداش های برتر اخروی نیز برخوردار خواهند شد .

لانضیع أجر المحسنین. و لأجر الأخره خیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۳۰ – ۸

۸- احسان کنندگان ، در همین دنیا بهره خوبی خواهند داشت .

للذین أحسنوا فی هذه الدنیا حسنه

برداشت فوق بر این اساس است که <فی هذه> متعلق به <حسنه> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۰ - ۶،۷

۶ - اعطای پاداش نیک در دنیا ، وعده خداوند به احسان کنندگان

للذین أحسنوا فی هذه الدنیا حسنه

برداشت بالا مبتنی بر این دیدگاه است که

<فی هـذه الـدنیا> ظرف برای <حسـنه> باشد، نه برای <أحسـنوا>; چنان که در جای دیگر قرآن، به این حقیقت تصـریح شده است: <للذین أحسنوا فی هذه الدنیا حسنه و لدار الأخره خیر. ..>، (سوره نحل (۱۶) آیه ۳۰).

۷ - پاداش احسان کنندگان در دنیا ، بسیار بزرگ و توصیف ناپذیر است .

للذین أحسنوا فی هذه الدنیا حسنه

برداشت بالا از تنوین <حسنه> که برای تعظیم و تفخیم است استفاده می شود.

پاداش دنیوی مهاجران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۱ - ۱،۱۲

۱- خداوند ، به مسـلمانهایی که مورد سـتم واقع شده و به خاطر او هجرت کردند ، جایگاه و مکانی شایسـته در دنیا و پاداشـی بس بزرگ تر در آخرت عطا می کند .

و الذین هاجروا فی الله من بعد ما ظلموا لنبوّئنّهم فی الدنیا حسنه و لأجر الأخره أ

<فی> در <فی الله> به معنـای <لام> و برای تعلیـل است. بنـابراین معنای عبارت <هجرت برای کسب رضای خداونـد> است.

۱۲- مهاجران ، از فواید دنیوی و پاداش اخروی هجرت در راه خدا بی خبرند .

و الذین هاجروا . .. لأجر الأخره أکبر لو کانوا یعلمون

پاداش دنیوی هجرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۱ - ۱۰

۱۰- پاداش اخروی هجرت در راه خدا ، بسی برتر از پاداش دنیوی آن است .

و الذین هاجروا فی الله من بعد ما ظلموا لنبوّئنّهم فی الدنیا حسنه و لأجر الأخره أ

پاداش دنیوی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۷ -

۱۰،۱۱

۱۰ یوسف (ع) در آخرت از پاداشی برتر و بهتر از آنچه در دنیا بدان دست یافت ، بهره مند خواهد شد .

و کذلک مکّنّا لیوسف فی الأرض . .. و لانضیع أجر المحسنین. و لأجر الأخره خیر ... و

۱۱ پاداش های دنیوی و اخروی یوسف (ع) ، دستاورد ایمان و ملازمت او بر تقوا و پرهیزگاری بود .

و کذلک مکّنّا لیوسف . .. و لأجر الأخره خیر للذین ءامنوا و کانوا یتقون

محسنان و پاداش دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۷ - ۳

۳ تنگنای حیات دنیا و گنجایش محدود آن ، نمی تواند ظرفی مناسب برای تأمین پاداش نیکوکاران باشد .

و لانضیع أجر المحسنین. و لأجر الأخره خیر للذین ... و کانوا یتقون

مراتب پاداش دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۰ - ۷

۷ - پاداش احسان کنندگان در دنیا ، بسیار بزرگ و توصیف ناپذیر است .

للذین أحسنوا فی هذه الدنیا حسنه

برداشت بالا از تنوین <حسنه> که برای تعظیم و تفخیم است استفاده می شود.

پاداشهای خدا

آثار بی نیازی از پاداشهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۸ - ۴

۴ – احساس بی نیازی از پاداش های موعود خداوند ، زمینه بخل ورزی و ترک انفاق

فأمّا من أعطی . .. و أمّا من بخل و استغنی

در برداشت یاد شده، عطف <استغنی> بر <بخل>، عطف سبب بر مسبب دانسته شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰

- لیل - ۹۲ - ۹ - ۳

۳ - بخلورزی ، ترک انفاق و احساس بی نیازی از پاداش های الهی ، نشانه بی اعتمادی به وعده های خداوند است .

و أمّا من بخل و استغنی و کذّب بالحسنی

از عطف این آیه بر آیه قبل چه عطف سبب بر مسبب باشد و چه عکس آن برداشت یاد شده استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۰ - ۶

۶ - بخلورزی و احساس بی نیازی از پاداش های الهی و تکذیب آن ، مایه محرومیت از امداد های خداوند در دنیا و گرفتاری به فرجامی سخت در آخرت است .

و أمّا من بخل و استغنی . و کذّب بالحسنی . فسنیسّره للعسری

مراد از <عسری> به قرینه آیه بعد زمان سقوط و هلاکت است و بر دنیا و آخرت تطبیق می کند. آیه <و إنّ لنا للآخره و الأُولی> نیز مؤید تعمیم به آن دو است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۱ - ۴

۴ - سقوط و هلاکت ثروتمندان بخیل در دنیا و آخرت ، گواه بی ثمر بودن ثروت و واهی بودن احساس بی نیازی آنان از پاداش های الهی است .

استغنی . .. و ما یغنی عنه ماله إذا تردّی

آثار تکذیب پاداشهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۱ - ۲

۲ - تکذیب قیامت و کیفر و پاداش الهی ، مایه گرفتاری به عذاب جهنم است .

ویل یومئذ للمکذّبین . الذین یکذّبون

بیوم الدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۰ - ۶،۹

۶ - بخلورزی و احساس بی نیازی از پاداش های الهی و تکـذیب آن ، مایه محرومیت از امداد های خداوند در دنیا و گرفتاری به فرجامی سخت در آخرت است .

و أمّا من بخل و استغنی . و کذّب بالحسنی . فسنیسّره للعسری

مراد از <عسـری> به قرینه آیه بعـد زمـان سـقوط و هلاـکت است و بر دنیا و آخرت تطبیق می کنـد. آیه <و إنّ لنا للآخره و الأُولی> نیز مؤید تعمیم به آن دو است.

۹ - < عن أبی جعفر (ع) فی قول اللّه عزّوجلّ < . . .فسنیسّره للعسری > قال : لایرید شیئاً من الشرّ إلّا یسّره له ;

از امام باقر(ع) درباره سـخن خـدای عزّوجلّ <فسنیسّـره للعسـری>، روایت شده که فرمود: [هرکه بخل ورزد و خود را از خدا بی نیاز بیند و نیکوترین پاداش الهی را تکذیب کند]، درباره انجام دادن هیچ شـرّی تصـمیم نمی گیرد; جز آن که خداوند آن را برای او آسان می سازد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۱۶ - ۳

۳ - بخل و ثروت اندوزی حاصل از آن و تکذیب پاداش های الهی ، زمینه ساز تکذیب حکم انفاق و خودداری از صرف مال در راه تزکیه نفس

و أمّا من بخل . .. الذی کذّب و تولّی

ارتباط این آیه با آیات پیشـین، بیانگر اتحاد <من بخل. ..> با <الذی کذّب...> است و ارتباط آن با آیات بعد که از اعطای مال به قصد

تزکیه سخن گفته است قرینه بر این است که علاوه بر تکذیبِ هدایت و انذار; تکذیب حکم انفاق نیز مراد است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ماعون - ۱۰۷ - ۷ - ۲

۲ - بی اعتقادی به معاد و پاداش و کیفر الهی ، مایه بی تفاوتی انسان در برابر ضروریات زندگی مردم

أرءیت الذی یکذّب بالدین . .. و یمنعون الماعون

آثار ذکر پاداشهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۵ - ۹

۹- توجه به پاداش برتر الهی ، مانع روی گردانی انسان از تعهدات خویش با خداوند است .

و لاتشتروا بعهد الله . .. إنما عند الله هو خیر لکم إن کنتم تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۳۱ - ۸

۸ - توجه به نظام مجازات و پاداش الهی در آخرت ، گرایش دهنده انسان به نیکی ها و بازدارنده وی از زشتی ها

لیجزی الذین أسوا بما عملوا و یجزی الذین أحسنوا بالحسنی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۴۱ - ۸

۸ - توجه انسان به نظام عادلانه مجازات الهی ، تشویق کننده او در جدیت و تلاش

و أن لیس للإنسن إلّا ما سعی . و أنّ سعیه سوف یری . ثمّ یجزیه الجزاء الأوفی

یادکرد مجازات الهی پس از تأکید بر اصل مسؤولیت فردی انسان در برابر عمل خویش، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ – تغابن – ۶۴ – ۱۵ – ۷

– ۷

توجه و ایمان به پاداش بزرگ الهی برای مؤمنان ، بازدارنده انسان از وابستگی به اموال و اولاد و گناه به خاطر آنها

و اللّه عنده أجر عظیم

آثار عقیده به پاداشهای خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۳۰ – ۶

۶ – اعتقاد به تضمین پاداش کامل و بیش از استحقاق از سوی خداوند ، موجب برانگیخته شدن انسان به انجام خالصانه اعمال نیک (همچون انفاق)

الذین یتلون کتب اللّه . .. و أنفقوا ممّا رزقنهم سرًّا و علانیه ... لیوفّیهم أُ

ارزش پاداشهای خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۰۳ – ۶،۸،۹

۶ – خداوند ، خواهان آگاهی یافتن مردم به ارزش برتر پاداش های الهی بر منافع دنیوی

لمثوبه من عنداللّه خیر لو کانوا یعلمون

<لو> در <لو کانوا یعلمون> به معنای تمنی است و تمنی درباره خداوند به معنای اراده تشریعی است. مفعول <یعلمون> همه حقایقی است که در جمله های قبل بیان شده است. از آنهاست برتری پاداش دنیا بر دیگر منافع; یعنی: لیت هم یعلمون ان مثوبه اللّه خیر.

۸ – تنها دانایان ، وابستگی پاداش های الهی را به ایمان و تقوا و برتری آن را بر هر منفعتی دیگر ، در می یابند .

لمثوبه من عنداللّه خیر لو کانوا یعلمون

فعل <یعلمون> در جمله فوق می تواند فعل لازم بوده و نیازی به مفعول نداشته باشد. بر این مبنا <لو کانوا یعلمون>; یعنی، ای کاش! اهل علم و دانش بودند تا حقایق مطرح شده را می فهمیدند.

۹ – جهل انسان ها به ارزش برتر پاداش

های الهی ، آنان را به منافع دنیوی دلبسته کرده و از ایمان و تقوا باز داشته است .

و لو أنهم ءامنوا و اتقوا . .. لو کانوا یعلمون

برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است که <لو> در جمله فوق شرطیه باشد. بر این اساس احتمالا-تی قابل تصور است و از آنهاست اینکه مفعول <یعلمون> برتری پاداش الهی گرفته شود و جواب شرط از جمله <و لو أنهم ءامنوا> استفاده گردد; یعنی: <لو کانوا یعلمون ان ثواب اللّه خیر لأمنوا و اتقوا; اگر می دانستند که پاداش الهی از منافع دنیوی برتر است، همانا ایمان می آوردند و تقوا پیشه می شدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۰ - ۶

۶ - قدرت و ثروت (هر چند بسیار و افسانه ای باشد) در نگاه اهل معرفت و مؤمنان دین شناس ، بسی کم ارزش تر از پاداش های الهی است .

و قال الذین أُوتوا العلم ویلکم ثواب اللّه خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۷ - ۱

۱ - هیچ کس ، توان ندارد ارزش و اهمیت پاداش های الهی را برای مؤمنان راستین ، درک کند .

فلاتعلم نفس ما أُخفی لهم من قرّه أعین

<نَفْس> شامل هر صاحب حیاتی از جمله انسان ها و ملائکه می شود. سیاق نفی مفید عموم است.

ازدیاد پاداشهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۸ - ۹

۹ - اعطای پاداشی افزون بر استحقاق شخص ، نمودی از فضل خداوند است .

لیجزیهم اللّه

أحسن ما عملوا و يزيدهم من فضله

استفاده از پاداشهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۸ - ۱

۱ - مؤمنان نیک کردار ، برخوردار از پاداش بی حساب و همیشگی خداوند

إنّ الذين ءامنوا و عملوا الصلحت لهم أجر غير ممنون

برداشت یاد شده بر این اساس است که <غیر ممنون> به معنای غیر منقطع و یا غیر قابل محاسبه باشد.

امیدواران به پاداشهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۸ - ۱۰

۱۰ - مردمانی که همواره به یاد خدا هستند ، به بهترین پاداش و فضل او امیدواراند .

رجال لاتلهيهم تجره و لابيع عن ذكر اللّه . .. ليجزيهم اللّه أحسن ما عملوا و يزيد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۹ - ۴

۴ - امید پیامبران و مبلغان مخلص دین ، تنها به لطف و پاداش الهی

و ما أسئلكم . .. إن أجرى إلّا على ربّ العلمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۷ - ۴

۴ - امید پیامبران و تبلیغ کنندگان مخلص دین ، تنها به لطف و پاداش الهی

و ما أسئلكم . .. إن أجرى إلّا على ربّ العلمين

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۴۵ – ۴

۴ – امید پیامبران و مبلغان مخلص دین ، تنها به لطف و پاداش الهی

و ما أسئلکم علیه من أجر إن أجری إلاّ علی ربِّ العلمین

جلد – نام سوره – سوره – آیه

- فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۴ - ۴

۴ - امید پیامبران و مبلغان مخلص دین ، تنها به لطف و پاداش الهی

إن أجری إلّا علی ربّ العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸۰ - ۴

۴ - امید پیامبران و مبلغان مخلص دین ، تنها به لطف و پاداش الهی

و ما أسئلکم علیه من أجر إن أجری إلّا علی ربّ العلمین

امیدواری به پاداشهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۸۵ - ۲

۲ - چشمداشت به پاداش الهی ، آرزوی بهشت و درخواست نعمت های آن از خداوند ، امری شایسته و بایسته برای اهل ایمان

و اجعلنی من ورثه جنّه النعیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۲۹ - ۱۳

۱۳ - امید داشتن به رحمت و پاداش الهی نه خود را مستحق آن شمردن از ویژگی های عالمان خداترس ، تلاوتگر قرآن ، برپادارنده نماز و انفاق کننده در نهان و آشکار

إنّما یخشی اللّه من عباده العلمؤا . .. إنّ الذین یتلون کتب اللّه و أقاموا الصل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۲۳ - ۵

۵ - < قال علی بن موسی الرضا (ع) فی قول اللّه عزّوجلّ : < وجوه یومئذ ناضره . إلی ربّها ناظره > یعنی مشرقه تنتظر ثوابَ ربّها ;

امام رضا(ع) درباره سخن خدای عزّوجلّ: <وجوه یومئذ ناضره . إلی ربّها ناظره> فرمود: یعنی (صورت هایی درآن روز) درخشیده است و در

انتظار ثواب پروردگارشان اند>.

اهمیت پاداشهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۵ - ۱۳

۱۳ - گذشت و چشم پوشی خداوند از گناهان بزرگ ، بسی با اهمیت تر از پاداش های بزرگ او است .

لیکفّر اللّه عنهم أسوأ الذی عملوا و یجزیهم أجرهم بأحسن الذی کانوا یعملون

از تقدم ذکری <لیکفّر اللّه. ..> بر <یجزیهم...> می توان برداشت بالا را به دست آورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۶ - ۲

۲- شرافت ایمانی و پاداش الهی به مجاهدان ، شایان دلبستگی و نه سرگرمی های بی فرجام دنیا

أنتم الأعلون و اللّه معکم و لن یترکم أعملکم . إنّما الحیوه الدنیالعب و لهو

از ارتباط این آیه با آیه قبل که درباره تشویق مؤمنان به جهاد و از یاد نبردن ارجمندی خویش و پاداش الهی بود مطلب بالا استفاده می شود.

ایمان به پاداشهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۰ - ۲۳

۲۳ ایمان و آگاهی به پاداش الهی ، زمینه عدم تخلف از وظایف دشوار دینی

ذلک بأنهم لا یصیبهم ظمأ و . .. إن اللّه لا یضیع أجر المحسنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۵ - ۷

۷ - توجه و ایمان به پاداش بزرگ الهی برای مؤمنان ، بازدارنده انسان از وابستگی به اموال و اولاد و گناه به خاطر آنها

و اللّه عنده أجر عظیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل -

۹۲ - ۶ - ۲،۳

۲ - پاداش های موعود خداوند ، نیکو و تصدیق آن بر همگان لازم است .

و صدّق بالحسنی

کلمه <حسنی> یا مصدر است (مانند <رجعی>) و یا مؤنث <أحسن> است. در صورت اول معنای تفضیلی نخواهد داشت; بلکه با تأویل به مشتق، معنای <حَسَن> دارد. وصف <الحسنی> خود نشانگر مطلوب بودن تصدیق آن است و وعده به فرجام راحت (در آیه بعد) نیز بر سزاوار بودن تصدیق، تأکید کرده است.

۳ - سخاوت مندی ، انفاق و تقواپیشگی ، نشانه پذیرش وعده های خداوند و باور داشتن پاداش های الهی است .

فأمّا من أعطی و اتّقی . و صدّق بالحسنی

عطف این آیه بر آیه قبل، عطف سبب بر مسبب و یا عکس آن است و در هر صورت، برداشت بالا استفاده می شود.

برتری پاداشهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۶ - ۲

۲- جاودانگی ارزش های معنوی و پاداش های الهی ، راز برتری مطلق آنها بر دستاورد های مادی انسان

إنما عند الله هو خیر لکم . .. ما عندکم ینفد و ما عند الله باق

پاداشهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۲ - ۹

۹ - رسیدن به پاداش های گران قدر الهی در گرو ایمان به خدا ، باور به قیامت و انجام اعمال صالح است .

من ءامن باللّه . .. فلهم أجرهم عند ربهم

مقید کردن اجر و پاداش به اینکه نزد خداوند است، اشاره به گران سنگی پاداش دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره -

۱ - ۱۰۳ - ۲

۱ - کمترین پاداش الهی ، برتر و با ارزشتر از هر منفعتی دیگر است .

لمثوبه من عنداللّه خیر

<مثوبه> به معنای پاداش است. وصف <کمترین> در برداشت فوق، از نکره آوردن کلمه <مثوبه> استفاده شده است. مفضل علیه <خیر> نیز ذکر نشده تا شامل هر چیز بشود. بنابراین <خیر>; یعنی، بهتر است از هر منفعتی که تصور شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۰ - ۱۲

۱۲ - پاداش کار های نیک ، تضمین شده از سوی خداوند ، بدون کمترین کاستی

و ما تقدموا لأنفسکم من خیر تجدوه عنداللّه

در برداشت فوق <تجدوه> - چنانچه بسیاری از مفسران گفته اند - به یافتن پاداش عمل تفسیر شده است. تعبیر کردن از <یافتن پاداش عمل> به <یافتن خود عمل> حاوی این نکته است که: پاداش اعمال نیک بدون کمترین کاستی، به انسانها اعطا می شود; به گونه ای که گویا همان عمل را می یابند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۲ - ۲،۳

۲ - پاداش های الهی (بهشت) از آن کسانی است که با تمام وجود تسلیم خدا شده و از سر اخلاص کار های نیک انجام دهند .

من أسلم وجهه للّه و هو محسن فله أجره عند ربه

از مصادیق <أجر> - به دلیل آیه قبل - <بهشت> است. <وجه> به معنای صورت است و مراد از آن در آیه شریفه، وجود و ذات آدمی است. <محسن> به کسی گفته می شود که کار نیک انجام دهد.

۳ - پاداش دهی خداوند پرتوی از ربوبیت

اوست .

فله أجره عند ربه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۳۴ – ۱۱

۱۱ – عدل الهی ، در رسیدگی به اعمال انسان ها و پاداش دهی به ایشان

لها ما کسبت و لکم ما کسبتم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۴۱ – ۱۱

۱۱ – عدل الهی در رسیدگی به اعمال انسان ها و پاداش دهی به آنان

لها ما کسبت و لکم ما کسبتم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۵۸ – ۸

۸ – کسانی که اعمال نیک (سعی میان صفا و مروه) انجام دهند ، از پاداش های الهی برخوردار خواهند شد .

و من تطوع خیراً فإن اللّه شاکر علیم

سپاسگزاری خداوند از بندگان، کنایه از پاداش دهی به آنان می باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۹۴ – ۱،۲،۳

۱ بهره مندی از پاداش های موعود الهی ، خواسته خردمندان از پروردگار خویش

لاولی الالباب . .. ربّنا و اتنا ما وعدتنا علی رسلک

۲ خداوند ، نویددهنده پاداش به خردمندان مؤمن

ربّنا و اتنا ما وعدتنا على رسلك

۳ پیامبران ، واسطه خداوند در نوید پاداش به خردمندان

اتنا ما وعدتنا على رسلك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۵ - ۳۳

۳۳ پاداش نیکو ، تنها در نزد خداوند است .

و اللّه عنده حسن الثّواب

تقديم ظرف <عنده>، دلالت بر حصر دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳

- آل عمران - ۳ - ۱۹۸ - ۱۴

۱۴ بهترین پاداش الهی ، از آنِ ابرار و نیکان است .

و ما عند اللّه خیر للابرار

برداشت فوق بر این مبناست که <للابرار>، خبر دوّم برای <ما>ی موصوله باشد، نه متعلّق به <خیر>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۴ - ۹

۹ خداوند به نیکوکاران با کثرت ذریه صالح و هدایت یافته پاداش می دهد.

و وهبنا له إسحق و یعقوب . .. و من ذریته داود و سلیمن ... و کذلک نجزی المحسنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۸۵ - ۶،۷

۶ هدایت ویژه، پاداش خداوند به صالحان است.

کلا هدینا . .. کل من الصلحین

در آیه پیشین سخن از هدایت ویژه برای پیامبران بود و این آیه آنان را از زمره صالحان می شمارد. بنابراین وصف مذکور باید در حصول هدایت ویژه دارای نقش باشد.

۷ ذریه صالح پاداش خداوند به نیکوکاران است.

و کذلک نجزی المحسنین . .. کل من الصلحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲۷ - ۶

۶ پاداش هدایت یافتگان در نزد پروردگارشان تضمین شده است.

و من یرد الله . .. لهم دارالسلم عند ربهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۶۰ - ۳

۳ عقوبتهای خدا عادلانه و پاداشهای وی جلوه ای از فضل اوست.

من جاء بالحسنه فله عشر أمثالها و من جاء بالسیئه فلا یجزی إلا مثلها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶

- اعراف - ۷ - ۱۷۰ - ۲،۳،۶،۷

۲ خداوند پاداش یهودیان تمسک کننده به تورات و برپا دارنده نماز را تباه نخواهد کرد .

و الذین یمسکون بالکتب . .. إنا لانضیع أجر المصلحین

چون آیه مورد بحث در سیاق آیات مربوط به یهود واقع شده، می توان گفت مراد از <الذین . .. > یهودیان متعهد هستند، و یا اینکه آنان از مصادیق مورد نظر برای <الذین ... > می باشند.

۳ چنگ زدن به کتاب های آسمانی و برپا داشتن نماز ، دارای پاداشی تضمین شده از جانب خداوند

و الذین یمسکون بالکتب . .. إنا لانضیع أجر المصلحین

۶ اصلاحگران جوامع ، دارای پاداشی تضمین شده از جانب خداوند

إنا لانضیع أجر المصلحین

کلمه <مصلح> هم به کسی که عمل صالح انجام می دهد، یعنی در صدد اصلاح خویش است، گفته می شود، و هم به شخصی که در تلاش برای اصلاح دیگران است، اطلاق می گردد. برداشت فوق بر اساس معنای دوم است.

۷ انجام دهندگان اعمال صالح از پاداش های الهی بهره مند خواهند شد .

إنا لانضیع أجر المصلحین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴ - ۵

۵ ایمان و عمل در رساندن آدمی به پاداش های والای الهی مکمل یکدیگرند .

لهم درجت عند ربهم و مغفره و رزق کریم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۸ - ۶،۷،۹

۶ پایبندی به ارزش های الهی و پرهیز از خیانت به دین ، دارای پاداشی عظیم نزد خداوند

لاتخونوا اللّه . .. أنما أمولکم و أولدکم فتنه و أن

اللّه عنده أجر عظيم

۷ پیروزی و موفقیت مؤمنان در آزمونشان به وسیله مال و اولاد ، موجب بهره مندی آنان از پاداش بزرگ الهی است .

و اعلموا أنما أمولكم و أولدكم فتنه و أن اللّه عنده أجر عظيم

بیان پاداش عظیم الهی پس از تأکید بر اینکه ثروتها و فرزندان وسیله آزمون هستند، می تواند بیانگر نکته ای باشد که در برداشت فوق بدان اشاره شده است.

۹ امکانات و جلوه های مادی در قبال پاداش الهی ، بسیار ناچیز و بی مقدار است .

و اعلموا أنما أمولكم و أولدكم فتنه و أن اللّه عنده أجر عظيم

برداشت فوق اشاره به وجه ارتباطی است برای دو جمله <انما امولکم . .. > و <أن اللّه عنده ... .>

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۰ - ۱۳،۱۴،۱۷

۱۳ انفاق در راه خدا ، دارای پاداشی کامل و تضمین شده از جانب خدا

و ما تنفقوا من شیء . .. یوف إلیكم

۱۴ تأمین کمترین هزینه جهاد ، در پی دارنده پاداش عادلانه الهی

و ما تنفقوا من شیء فی سبیل اللّه یوف إلیكم و أنتم لاتظلمون

۱۷ خداوند هرگز در پاداش دادن به بندگان خویش ستم روانمی دارد .

و أنتم لاتظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۲ - ۴،۵،۶

۴ پاداش خداوند به مؤمنان مهاجر و مجاهد ، پاداشی بزرگ است .

الذین ءامنوا و هاجروا و جهدوا . .. إن اللّه عنده أجر عظيم

۵ اجر و پاداش بزرگ ، تنها در نزد خداست .

إن اللّه عنده أجر عظيم

تقديم <عنده> بر

<أجر عظیم> می تواند برای افاده حصر باشد.

۶ مؤمنـان مهـاجر و مجاهـد ، علاوه بر بهره منـدی از رحمـت و رضـوان الهی و بهشـت ، از پاداشـی ویژه و بزرگ در پیشـگاه خداوند برخوردارند .

الذین ءامنوا و هاجروا و جهدوا . .. و جنت ... إن اللّه عنده أجر عظیم

قرار گرفتن جمله <إن اللّه عنده أجر عظیم> که دارای معنانی عام و کلی است پس از ذکر پاداشهای گوناگون مؤمنانِ مهاجر و مجاهد، می تواند گویای برداشت فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۱ - ۲۲

۲۲ ارزش و پاداش اعمال زنان و مردان مؤمن در پیشگاه خداوند ، همسان است .

و المؤمنون و المؤمنت . .. أولئک سیرحمهم اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۷۲ - ۱۵

۱۵ بهشت جاودان ، بوسـتان های پوشـیده از درخت ، خانه های دلپذیر و خشنودی خدا ، پاداش الهی به مؤمنان در برابر امر به معروف و نهی از منکر ، اقامه نماز ، پرداخت زکات و اطاعت از خدا و رسول (ص)

و المؤمنون و المؤمنت . .. یأمرون بالمعروف ... و یطیعون اللّه و رسوله ... وعد الل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۰ - ۲۰

۲۰ جهاد و تحمل رنج و سختی در راه خدا ، احسان و دارای پاداش از سوی خداست .

لا یصیبهم ظمأ و لا نصب و لا مخمصه فی سبیل اللّه . .. إن اللّه لا یضیع أجر

المحسن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۲۱ – ۹

۹ آمادگی رزمی و انجام کار های مقدماتی جهاد ، دارای اجر و پاداش الهی

و لاینفقون . .. و لایقطعون وادیاً إلا کتب لهم

با توجه به اینکه آیات در زمینه جنگ تبوک است و در <تبوک> جنگی صورت نگرفت و نیز چون انفاق و پیمودن دره ها از مقدمات جنگ است، برداشت فوق استفاده می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۱۱ – ۱۰،۱۱

۱۰ صابران دارای اعمال صالح ، از پاداش بزرگ الهی (بهشت) برخوردار خواهند شد .

أُولئک لهم مغفره و أجر کبیر

بنا به گفته گروهی از مفسران ، مراد از <أجرکبیر> بهشت و موهبتهای اخروی است.

۱۱ دستیابی به پاداش بزرگ الهی (بهشت) در گرو بخشوده شدن گناهان است .

أُولئک لهم مغفره و أجر کبیر

تقدیم ذکری <مغفرت> بر <أجر کبیر> می تواند اشاره به این باشد که: رسیدن به پاداش بزرگ الهی و ورود به بهشت ، در گرو آمرزش گناهان است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۲۹ – ۷

۷ مبلغان معارف دین ، مستحق پاداشند و پاداش دهنده ایشان ، خداوند است .

إن أجری إلّا علی الله

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۵۱ – ۶،۷

۶ خداوند ، اعطا کننده پاداش رسالت به پیامبران خویش

إن أجری إلّا علی الذی فطرنی

۷ ابلاغ پیام های الهی به مردم و تبلیغ معارف دین ، درپی دارنده پاداش از ناحیه

خداوند

إن أجرى إلّا على الذى فطرنى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۱ - ۶

۶ كيفررسانى و پاداش دهى خداوند ، پرتوى از ربوبيت اوست .

ليوفينّهم ربك أعملهم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۵ - ۵

۵ خداوند ، از اجر و پاداش نيكوكاران نمى كاهد و آنان را از پاداش كردارشان محروم نمى سازد .

فإن الله لايضيع أجر المحسنين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۲۳ - ۱۲

۱۲ خداوند ، پرستشگران و بندگان خويش را از پاداش ها بهره مند مى سازد .

فاعبده . .. و ما ربك بغفل عما تعملون

از هدفهاى بيان آگاهى خدا به اعمال انسانها ، پس از فرمان به عبادت و پرستش (اعبده) ، تضمين پاداش است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۲۲ - ۹،۱۳

۹ بهره مندى يوسف (ع) از حكمت و علم ، پاداشى الهى بر نيكوكارى او بود .

ءاتينه حكمًا و علمًا و كذلك نجزى المحسنين

<جزاء>(مصدر نجزى) به معناى سزا و پاداش است.

۱۳ برخورداری نیکوکاران از پاداش های الهی در دنیا

ءاتینه حکمًا و علمًا و کذلک نجزی المحسنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۶ - ۱۵،۱۸

۱۵ خداوند در اعطای پاداش به نیکوکاران ، ذره ای از پاداش آنان نمی کاهد .

و لانضیع أجر المحسنین

۱۸ به قدرت رسیدن یوسف (ع) در سرزمین مصر ، دلیلی روشن بر ضایع نشدن اجر نیکوکاران از ناحیه

خداوند است .

و كذلك مكّنّا ليوسف فى الأرض . .. و لانضيع أجر المحسنين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۸۸ - ۱۷

۱۷ خداوند ، به اعطا كنندگان صدقه پاداش خواهد داد .

إن الله يجزى المتصدقين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۹۰ - ۱۳،۱۴

۱۳ تقواپيشگى و صبورى موجب بهره مند شدن از پاداش هاى الهى است .

إنه من يتق و يصبر فإن الله لايضيع أجر المحسنين

جواب شرط (من يتّق . ..) محذوف است و جمله <فإن الله ...> جانشين و گوياى آن محذوف است ; يعنى: من يتق و يصبر فهو من المحسنين و لايضيع الله أجره لأن الله لايضيع أجر المحسنين.

۱۴ خداوند ، پاداش نيكوكاران را به طور كامل عطا مى كند و چيزى از آن نمى كاهد .

فإن الله لايضيع أجر المحسنين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۱ - ۷،۹

۷- ورود به بهشت جاودان و رسيدن به تمامى خواسته ها در آن ، پاداش خداوند به تقواپيشگان است .

دار المتّقين . جنّت عدن ... لهم فيها ما يشاءون

۹- نيل به سعادت اخروى ، جاى گرفتن در بهشت و برآورده شدن تمامى خواسته ها در آن ، پاداش خداوند به تقواپيشگان

و لنعم دار المتّقين . جنّت عدن ... لهم فيها ما يشاءون كذلك يجزى الله المتّقين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۱ - ۱

۱- خداوند ، به مسلمانهایی که مورد ستم واقع شده و به خاطر او هجرت کردند

، جایگاه و مکانی شایسته در دنیا و پاداشی بس بزرگ تر در آخرت عطا می کند .

و الذین هاجروا فی الله من بعد ما ظلموا لنبوّئنّهم فی الدنیا حسنه و لأجر الأخره أ

<فی> در <فی الله> به معنای <لام> و برای تعلیل است. بنابراین معنای عبارت <هجرت برای کسب رضای خداوند> است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۹۵ – ۸

۸– وفا کنندگان به عهد الهی ، دارای پاداشی محفوظ نزد خداوند

و لاتشتروا بعهد الله . .. إنما عند الله هو خیر لکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۹۷ – ۷

۷– خداوند ، پاداش دهنده مؤمنان نیک کردار بر اساس بهترین عمل آنان

من عمل صلحًا . .. و هو مؤمن ... و لنجزینّهم أجرهم بأحسن ما کانوا یعملون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۱۵ – ۷

۷– عدل الهی ، بر نظام جزای اعمال حاکم است .

و لاتزر وازره وزر أخری

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۲۲ – ۲

۲– یگانگی خداوند در آفرینش و در پاداش و کیفر دادن به انسان ها و نیز اعطای نعمت ها ، مقتضی پرهیز از هرگونه شرک در عقیده و عمل

و جعلنا الّیل و النهار . .. و کلّ إنسن ألزمنه طئره ... لاتجعل مع الله إلهًا

برداشت یـاد شـده با عنایت به دو نکته است: ۱- جمله <لاتجعـل مع الله إلهـا . ..> به منزله نتیجه برای آیات پیشـین است و با پیام های

اصلی آن آیات که در سه محور یاد شده در برداشت فوق خلاصه می شود مرتبط است. ۲- اطلاق واژه <لاتجعل> که شامل نهی از هرگونه شرک می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۴ - ۷

۷- ربوبیت الهی ، مقتضی دادن پاداش و یا کیفر به انسانهاست .

ربّکم . .. إن یشأ یرحمکم أو إن یشأ یعذّبکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۰ - ۱،۵،۶

۱- پاداش مؤمنانِ دارای عمل صالح ، حتمی بوده و از جانب خداوند ، تضمین شده است .

إنّ الذین ءامنوا و عملوا الصلحت إنّا لانضیع أجر من أحسن عملاً

۵- خداوند ، پاداش نیکوکاران را ضایع نخواهد کرد .

إنّا لانضیع أجر من أحسن عملاً

۶- خداوند ، هیچ یک از اَعمال نیک را بدون اجر و مزد نخواهد گذاشت .

إنّا لانضیع أجر من أحسن عملاً

نکره بودن <عملاً> در این جمله، دال بر اطلاق است، لذا شامل هرگونه عمل کوچک یا بزرگ، کم یا زیاد می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۴۴ - ۶

۶- خداوند ، عطاکننده بهترین پاداش ها و برترین فرجام ها است .

هو خیر ثوابًا و خیر عقبًا

<ثواب> به معنای <اجر و پاداش> است و <عقب> به معنای <عاقبت و فرجام>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۴۶ – ۶۸

۶- پاداش عمل صالح ، از طرف خداوند ، تضمین شده است .

و البقیت الصلحت خیر عند ربّک

۸- پاداش خداوند به کردار نیک

، جلوه ای از ربوبیّت او است .

و البقیت الصلحت خیر عند ربّک ثوابًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۹۶ - ۲

۲- محبوبیت در دل های مردم ، از جمله پاداش های خداوند به مؤمنان دارای کردار نیک .

إنّ الذین ءامنوا . .. سیجعل لهم الرحمن ودًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۸ - ۲

۲ - خدا ، عهده دار پاداش مؤمنان مهاجر

و الذین هاجروا فی سبیل اللّه . .. لیرزقنّهم اللّه رزقًا حسنًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۹ - ۱

۱ - خدا ، عهده دار پاداش مؤمنان مهاجر در جهان آخرت

و الذین هاجروا . .. لیدخلنّهم مدخلًا یرضونه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۰ - ۶

۶ - نظام ربوبی خداوند ، نظامی بر اساس کیفر و پاداش

إلی ربّهم رجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۷۲ - ۷،۸،۹

۷ - خداوند ، ضامن پاداش تلاشگران در راه دین و هدایت مردم

فخراج ربّک خیر

۸ - خدا ، عهده دار پاداش پیامبر (ص) در برابر ادای رسالت

فخراج ربّک خیر

۹ - پاداش خدا ، بهترین و ارزشمندترین پاداش ها برای مبلغان الهی

فخراج ربّک خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۵ - ۸

۸ - کیفر و پاداش در سرای آخرت در اختیار خداوند است .

یومئذ یوفّیهم اللّه دینهم الحقّ

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۸ - ۲،۴

۲ - مردمانی که همواره به یاد خدا هستند ، از بهترین و بالاترین پاداش های الهی برخوردار خواهند بود .

رجال لاتلهیهم تجره و لابیع عن ذکر اللّه . .. لیجزیهم اللّه أحسن ما عملوا

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که کلمه <جزاء> پیش از <أحسن>، در تقدیر و مفعول دوم برای <لیجزی> باشد.

۴ - چشم پوشی خداوند در مقام پاداش دهی ، از کم و کاستی های اعمال نیک مردمانی که دایم به یاد خدا هستند .

رجال لاتلهیهم تجره و لابیع عن ذکر اللّه . .. لیجزیهم اللّه أحسن ما عملوا

اعطای پاداش بهترین و کامل ترین اعمال به مردمان الهی، ممکن است به این معنا باشد که خداوند، کم و کاستی های اعمال آنان را نادیده می گیرد و پاداش عمل کامل را به آنان عنایت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۰۹ - ۳،۵

۳ - خداوند ، ضامن پاداش تبلیغ کنندگان مخلص دین

إن أجری إلّا علی ربّ العلمین

۵ - تنها خداوند ، شایسته پاداش خواهی از او است ; نه خلق سراپا نیاز و ضعف .

و ما أسئلکم . .. إن أجری إلّا علی ربّ العلمین

آوردن <ربّ العالمین> به جای <اللّه> می تواند اشاره به مطلب یاد شده داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۲۷ - ۳،۵

۳ - خدا ، ضامن پاداش هدایت گران و مبلغان مخلص دین

و ما أسئلکم . .. إن أجری إلّا علی ربّ العلمین

تنها خداوند ، شایسته پاداش خواهی از او است ; نه خلق سرا پا نیاز و ضعیف .

و ما أسئلکم . .. إن أجری إلاّ علی ربّ العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۴۵ - ۳،۵

۳ - خدا ، ضامن پاداش هدایتگران و مبلغان مخلص دین

إن أجری إلاّ علی ربّ العلمین

۵ - تنها خداوند ، شایسته پاداش خواهی از او است ; نه خلق سراپا نیاز و ضعف .

و ما أسئلکم علیه من أجر إن أجری إلاّ علی ربّ العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۶۴ - ۳،۵

۳ - خداوند ، ضامن پاداش هدایت گران و مبلغان مخلص دین

إن أجری إلاّ علی ربّ العلمین

۵ - تنها خداوند ، شایسته پاداش خواهی از او است نه خلق سراپا نیاز و ضعف .

و ما أسئلکم علیه من أجر إن أجری إلاّ علی ربّ العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۸۰ - ۳،۵

۳ - خدا ، ضامن پاداش هدایت گران و مبلغان مخلص دین است .

إن أجری إلاّ علی ربّ العلمین

۵ - تنها خداوند ، شایسته پاداش خواهی از او است ; نه خلق سراپا نیاز و ضعف .

إن أجری إلاّ علی ربّ العلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۴ - ۵

۵ - بهره مند شدن موسی (ع) از حکمت و دانش ، پاداش الهی در برابر احسان و نیکوکاری وی

ءاتینه حکمًا و علمًا و کذلک نجزی المحسنین

جلد - نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۸۰ – ۸

۸ – پاداش های اخروی خداوند ، ویژه مؤمنان شایسته کردار

ثواب اللّه خیر لمن ءامن و عمل صلحًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۸۴ – ۲،۳

۲ – پاداش الهی در جهان آخرت ، براساس فضل و احسان و کیفر او ، برپایه عدل و انصاف خواهد بود .

من جاء بالحسنه فله خیر منها و من جاء بالسیّئه فلایجزی . .. إلّا ما کانوا یعملون

۳ – دستیابی به پاداش برتر الهی در جهان آخرت ، در گرو داشتن اعمال نیک است .

من جاء بالحسنه فله خیر منها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۳ – ۱۰

۱۰ – فلسفه آزمودن مؤمنان ، مشخص شدن مؤمنان راستین ، جهت پاداش دهی خداوند به آنان است .

و لقد فتنّا . .. فلیعلمنّ اللّه الذین صدقوا

برداشت بالا، بنابر این احتمال است که تحقق عینی علم خداوند در آزمودن مؤمنان، به منظور اعطای پاداش به آنان باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۷ – ۶،۹

۶ – خداوند ، در قبال هر یک از اعمال مؤمنان ، بهترین پاداش را می دهد .

و الذین ءامنوا . .. و لنجزینّهم أحسن الذی کانوایعملون

<أحسن> جانشین <مفعول مطلق محذوف> است. تقدیر آیه، چنین است: <و لنجزینّهم جزاءاً أحسن الذی...> (ما، پاداش

آنان را، بهترین جزایشان، قرار خواهیم داد).

۹ - عمل انسان ها ، مبنای پاداش دهی خدا است .

و لنجزینّهم أحسن الذی کانوا یعملون

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲۷ - ۴

۴ - خداوند ، پاداش ابراهیم (ع) را در همین دنیا ، به او عطا کرد .

و ءاتینه أجره فی الدنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴۵ - ۱،۲،۴،۵

۱ - خداوند پاداش دهنده مؤمنانِ دارای عمل صالح در قیامت

لیجزی الذین ءامنوا و عملوا الصلحت

۲ - اعمالِ صالحِ مؤمنان فراهم آورنده زمینه ، برای دریافت پاداش از خداوند ، در قیامت است .

فلأنفسهم یمهدون . لیجزی الذین ءامنوا و عملوا الصلحت

<لام> در <لیجزی> تعلیل برای <یمهدون> است.

۴ - پاداش دهی خداوند به مؤمنانِ دارای عمل صالح ، فراتر از استحقاق عمل آنها است .

لیجزی الذین ءامنوا . .. من فضله

ذکر <من فضله> برای بیان این نکته است که پاداش در نظر گرفته شده برای مؤمنان، براساس استحقاق نیست، بلکه فزون تر از آن است.

۵ - پاداش های اخروی خداوند به مؤمنان (بهشت و نعمت های آن) ، تفضل او است .

لیجزی الذین . .. من فضله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۸ - ۸

۸ - شنوایی و بینایی خداوند ، پشتوانه کیفر و پاداش آدمیان پس از رستاخیز است .

ما خلقکم و لابعثکم إلاّ کنفس وحده إنّ اللّه سمیع بصیر

احتمال دارد ذکر <إنّ اللّه سمیع بصیر> پس از بیان قدرت خداوند بر بازآفرینی انسان ها پس از مرگ، به این جهت باشد که بازآفرینی، برای حساب رسی اَعمال است و پشتوانه آن هم، آگاهی خداوند از اَعمال انسان ها

است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – سجده – ۳۲ – ۱۷ – ۲

۲ – چشم شب زنده داران و انفاق کنندگان در راه خدا ، به پاداش های وصف ناپذیر الهی ، روشن است .

تتجافی جنوبهم عن المضاجع . .. فلاتعلم نفس ما أُخفی لهم من قرّه أعین

<قرّه> احتمال دارد از <قَرّ> به معنای <قرار گرفتن> باشد که کنایه از رضایت و چشم ندوختن به چیزی دیگر است و احتمال دارد از <قرّ> به معنای <سردی> باشد که کنایه از خوشحالی و چشم روشنی است. برداشت بالا براساس احتمال دوم است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۲۴ – ۱،۲،۱۳

۱ – خداوند ، به راستگویان ، به خاطر صداقت شان ، پاداش می دهد .

لیجزی اللّه الصدقین بصدقهم

لام در <لیجزی> لام عاقبت است.

۲ – خداوند ، مؤمنان وفادار به عهد خود را پاداش خواهد داد .

رجال صدقوا ما عهدوا اللّه علیه . .. لیجزی اللّه الصدقین بصدقهم

۱۳ – اعطای پاداش از ناحیه خداوند به راستگویان ، از آمرزگاری و رحمت او است .

لیجزی اللّه الصدقین . .. إنّ اللّه کان غفورًا رحیمًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۲۹ – ۱،۲،۸

۱ – پیامبر (ص) ، مأمور بود که به همسران خود بگوید در صورتی که آنان ، خداخواهی و آخرت طلبی را پیشه کنند ، خداوند آنان را پاداشی عظیم خواهد داد .

قل لأزوجک . .. و إن کنتنّ تردن اللّه و رسوله و الدار الأخره فإنّ اللّه أعدّ للمح

۲ - برخورداری

همسران پیامبر از پاداش عظیم خداوند ، مشروط به خداخواهی و در پی پیامبر (ص) بودن و آخرت طلبی و نیکوکار بودنشان

و إن کنتنّ تردن اللّه و رسوله و الدار الأخره فإنّ اللّه أعدّ للمحسنت منکنّ أجرً

۸ - خداوند ، خود برای همسران نیکوکار پیامبر (ص) که آن حضرت را بر دنیا ترجیح بدهند ، پیشاپیش پاداشی عظیم فراهم کرده است .

فإنّ اللّه أعدّ للمحسنت منکنّ أجرًا عظیمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۱ - ۴،۶

۴ - موقعیت افراد در برخورداری شان از پاداش مضاعف خداوند در مقابل عمل صالح شان نقش دارد .

و من یقنت منکنّ للّه و رسوله و تعمل صلحًا نؤتها أجرها مرّتین

۶ - برخورداری همسران پیامبر از پاداش مضاعف الهی ، منوط به تداوم اطاعت و انجام دادن عمل صالح از سوی آنها است .

و من یقنت منکنّ . .. و تعمل صلحًا نؤتها أجرها مرّتین

فعل مضارع <یقنت> و <تعمل> استمرار را می رساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۳۵ - ۲،۳،۴،۵،۶،۷،۱۰،۱۲،۱۵،۱۷،۲۰،۲۲،۲۵،۲۸،۳۰

۲ - مردان و زنانی که در برابر فرمان خدا تسلیم اند ، از پاداش عظیم خداوند برخوردارند .

إنّ المسلمین و المسلمت . .. أعدّ اللّه لهم مغفره و أجرًا عظیمًا

۳ - مردان و زنان مسلمان ، مشمول آمرزش و غفران الهی اند .

إنّ المسلمین و المسلمت . .. أعدّ اللّه لهم مغفره

بنابراین احتمال که مراد از <المسلمین> معنای اصطلاحی آن؛یعنی، گرویدگان به دین اسلام باشد، نکته یاد شده، استفاده می شود.

۴ - مردان و زنان مسلمان ،

از پاداش بزرگ الهی برخوردارند .

إنّ المسلمین و المسلمت . .. أعدّ اللّه لهم ... أجرًا عظیمًا

۵ – مردان و زنان مؤمن ، مشمول آمرزش خداوندند .

إنّ . .. و المؤمنین و المؤمنت ... أعدّ اللّه لهم مغفره

۶ – مردان و زنان با ایمان ، از پاداش بزرگ خداوند برخوردارند .

إنّ . .. و المؤمنین و المؤمنت ... أعدّ اللّه لهم ... أجرًا عظیمًا

۷ – جنسیت زن و مرد ، در برخورداری از آمرزش و پاداش الهی ، دخالتی ندارد .

إنّ المسلمین و المسلمت و المؤمنین و المؤمنت . .. أعدّ اللّه لهم مغفره و أجرًا

۱۰ – مردان و زنان مطیع و خاضع ، از پاداش بزرگ خداوند برخوردارند .

و القنتین و القنتت . .. أعدّ اللّه لهم ... أجرًا عظیمًا

۱۲ – مردان و زنان صداقت پیشه ، از پاداش عظیم خداوند برخوردارند .

و الصدقین و الصدقت . .. أعدّ اللّه لهم ... أجرًا عظیمًا

۱۵ – مردان و زنان شکیبا ، از پاداشی با عظمت برخوردارند .

و الصبرین و الصبرت . .. أعدّ اللّه لهم ... أجرًا عظیمًا

۱۷ – مردان و زنان فروتن ، از پاداشی عظیم برخوردارند .

و الخشعین و الخشعت . .. أعدّ اللّه لهم ... أجرًا عظیمًا

۲۰ – مردان و زنان صدقه پرداز ، از پاداش عظیم الهی برخوردارند .

و المتصدّقین و المتصدّقت . .. أعدّ اللّه لهم ... أجرًا عظیمًا

۲۲ – مردان و زنان روزه گیر ، از پاداش عظیم خداوند برخوردارند .

و الصئمین و الصئمت . .. أعدّ اللّه لهم ... أجرًا عظیمًا

۲۵ – مردان و زنان عفیف ، از پاداش عظیم خداوند برخوردارند .

و الحفظین فروجهم و الحفظت .

.. أعدّ اللّه لهم... أجرًا عظيمًا

۲۸ – مردان و زنانی که زیاد از خداوند یاد می کنند ، از پاداش بزرگ او برخوردارند .

و الذکرین اللّه کثیرًا و الذکرت أعدّ اللّه لهم . .. أجرًا عظیمًا

۳۰ – مردان و زنانی که یاد خداوند را در دل ها زنده می کنند ، از پاداش بزرگ او برخوردارند .

و الذکرین اللّه کثیرًا و الذکرت أعدّ اللّه لهم . .. أجرًا عظیمًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۳۹ – ۹

۹ – خداوند ، به پیامبران ، در مقابل تبلیغ رسالت های الهی ، پاداش می دهد .

الذین یبلّغون رسلت اللّه . .. و کفی باللّه حسیبًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۴۴ – ۵،۶

۵ – خداوند ، برای مؤمنان ، پیشاپیش ، پاداشی بزرگوارانه تدارک دیده است .

و أعدّ لهم أجرًا کریمًا

۶ – تدارک پاداش کریمانه برای مؤمنان از سوی خداوند ، ناشی از رحمت او به آنها است .

و کان بالمؤمنین رحیمًا . .. و أعدّ لهم أجرًا کریمًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۴ – ۳

۳ – خداوند ، پاداش مؤمنان دارای عمل صالح را خواهد داد .

لیجزی الذین ءامنوا

ضمیر فاعلی <لیجزی> به <عالم الغیب> بازمی گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۷ - ۴

۴ - پیامبر (ص) ، پاداش دهنده رسالت خویش را تنها خداوند می دانست .

إن أجری إلّا علی اللّه

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۷ - ۳،۴

۳ - پاداش الهی به مؤمنان ، بسی بزرگ است .

و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت لهم مغفره و أجر کبیر

۴ - سعادت و برخورداری از غفران و اجر بزرگ الهی ، در گرو توأم بودن ایمان و عمل صالح است .

و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت لهم مغفره و أجر کبیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸۰ - ۳،۴

۳ - اجابت دعا ، نجات از مشکلاتِ انـدوه بار ، باقی ماندن نسل و نام نیک و تحیت الهی ، از پاداش های خداوند به حضـرت نوح (ع)

و لقد نادینا نوح فلنعم المجیبون . .. سلم علی نوح فی العلمین . إنّا کذلک نجزی ا

۴ - رسالت مداران و مبلغان دینی ، از زمره محسنان و برخورداران از پاداش های الهی

و لقد نادینا نوح فلنعم المجیبون . .. إنّا کذلک نجزی المحسنین

از ایـن که خداونـد نـوح(ع) را از محسـنان برشـمرده و برای او پـاداش مقرر فرمـوده است، می تـوان اسـتفاده کرد که هر کس همچون آن حضـرت در پی رسالت الهی باشـد و به تبلیغ دین بپردازد; از محسـنان شـمرده شده و از پاداش های الهی بهره مند خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰۵ - ۵،۶

۵ - توفیق انجام مأموریت ذبح فرزند با زنده ماندن وی ، پاداش خداوند به ابراهیم (ع)

قد صدّقت الرءیا إنّا کذلک نجزی المحسنین

۶ - توفیق انجام وظیفه با کمترین صدمه و زیان ، از پاداش

های الهی به محسنان

قد صدّقت الرءیا إنّا کذلک نجزی المحسنین

کلمه <کذلک> متشکل از دو کلمه حرف تشبیه (کاف) و اسم اشاره (ذلک) است و مشارالیه مصدری است که از <صدّقت> گرفته شده است; یعنی، <کما جزیناه بالعفو عن ذبح إبنه نجزی المحسنین; همان گونه که به ابراهیم با گذشت کردن از قربانی کردن فرزندش، پاداش دادیم، به محسنان نیز چنین پاداش خواهیم داد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۰ - ۳،۴

۳ - فرزنددار شدن ابراهیم (ع) و برجای ماندن نام و آوازه نیک آن حضرت ، از پاداش های خداوند به ایشان

فبشّرنه بغلم حلیم . .. سلم علی إبرهیم . کذلک نجزی المحسنین

۴ - رسالت مداران و مبلغان دینی ، از زمره محسنان و برخورداران از پاداش های الهی

سلم علی إبرهیم . کذلک نجزی المحسنین

از این که خداوند، ابراهیم(ع) را از محسنان برشمرده و برای آن حضرت پاداش مقرر فرموده است، می توان استفاده کرد که هر کس چونان ابراهیم(ع) در پی رسالت الهی باشد و به تبلیغ دین بپردازد، از محسنان شمرده شده و از پاداش های الهی بهره مند خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۲۱ - ۳

۳ - نجات موسی و هارون (علیهماالسلام) و قوم شان از اندوهی بزرگ ، اعطای کتاب آسمانی و باقی ماندن نام و آوازه نیک آنان ، از پاداش های خداوند به ایشان

و نجّینهما و قومهما من الکرب العظیم . .. إنّا کذلک نجزی المحسنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵

- صافات - ۳۷ - ۱۳۱ - ۳

۳ - باقی ماندن نام و آوازه نیک الیاس پیامبر (ع) ، از پاداش های خداوند به ایشان

و ترکنا علیه فی الأخرین . .. إنّا کذلک نجزی المحسنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۳۵ - ۵

۵ - انتساب به خوبان (چونان پیامبران) ، هیچ تأثیری در سرنوشت اخروی و کیفر و پاداش الهی ندارد .

إذ نجّینه و أهله أجمعین . إلاّ عجوزًا فی الغبرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۲ - ۱۷

۱۷ - پاداش الهی به بهشتیان ، فراوان و توصیف ناپذیر است .

و الذین ءامنوا . .. ذلک هو الفضل الکبیر

بنابراین که <ذلک> اشاره به مجموعه های نعمت های بهشتیان داشته باشد، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۲۳ - ۱۵

۱۵ - تمامی اعمال نیک آدمی حتی کوچک ترین آنها ، برخوردار از پاداش افزون الهی

و من یقترف حسنه نزد له فیها حسنًا

تنکیر <حسنه> برای تنویع است و شامل تمامی اعمال مؤمنان از کوچک ترین تا بزرگ ترین آنها می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۸ - ۵

۵ - استمرار دین توحیدی در نسل ابراهیم (ع) ، پاداش الهی به آن حضرت در قبال تلاش های او در مسیر اعتلای کلمه

توحید

و إذ قال إبرهیم . .. و جعلها کلمه باقیه فی عقبه

برداشت یاد شده، مبتنی

بر این احتمال است که <جعلها> در مقام بیان لطف خداوند در برابر مجاهدت ها و تلاش های حضرت ابراهیم(ع) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۷۰ - ۴

۴ - همراهی اهل تقوا در بهشت با همسران دنیوی خویش ، پاداش الهی برای آنان

ادخلوا الجنّه أنتم و أزوجکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۱۴ - ۹

۹ - خداوند ، پاداش دهنده و مجازات کننده ملت ها ، براساس عملکرد خود آنان

لیجزی قومًا بما کانوا یکسبون

<قوماً> ممکن است به تمامی ملت ها (اعم از مؤمن و کافر) نظر داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۲ - ۸

۸ - عدل الهی ، متجلی در نظام کیفر و پاداش

و لتجزی کلّ نفس بما کسبت و هم لایظلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۴ - ۲۹

۲۹- تضمین قطعی پاداش شهیدان ، از سوی خداوند

و الذین قتلوا فی سبیل اللّه فلن یضلّ أعملهم

<فلن یضلّ. ..> می تواند ناظر به آخرت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۶ - ۹،۶

۶- پاداش مؤمنان تقواپیشه ، تضمین شده از سوی خداوند

و إن تؤمنوا و تتّقوا یؤتکم أجورکم

۹- خداوند ، اعطا کننده پاداش و نه نیازمند به اموال و دارایی خلق

یؤتکم أجورکم و لا یسئلکم أمولکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۰ - ۱۰

۱۰ - پاداش عظیم الهی ،

به وفاکنندگان به پیمان خویش با خداوند و پیامبر (ص)

و من أوفی . .. فسیؤتیه أجرًا عظیمًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۵ - ۴

۴ - غنایم خیبر ، ارمغان الهی به مسلمانان ، در پی اقدام به سفر پر خطر حدیبیه *

سیقول المخلّفون إذا انطلقتم إلی مغانم لتأخذوها

سفر حدیبیه، در آغاز چنین می نمود که فرجامی بس مبهم و آمیخته با خطر دارد و مؤمنان واقعی با این همه بدان اقدام کردند و در پی آن خداوند نوید غنایم خیبر را به ایشان داد. با توجه به این مطالب، احتمال می رود که میان تن دادن به آن مشکلات و دست یابی به این غنایم ارتباطی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۷ - ۴

۴ - باغ های بهشت ، با نهر های همیشه جاری ، پاداش الهی به شرکت کنندگان در جهاد و نبرد با دشمنان دین

و من یطع اللّه و رسوله یدخله جنّت تجری

با توجه به این که سیاق آیات، در رابطه با جنگ و جهاد می باشد; مراد از <من یطع. ..> کسی است که فرمان جهاد را اطاعت کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۸ - ۱۳

۱۳ - صلح حدیبیه و پیروزی های پس از آن ، پاداش الهی به مؤمنان حاضر در بیعت رضوان

لقد رضی اللّه عن المؤمنین إذ یبایعونک . .. و أثبهم فتحًا قریبًا

بنابراین که مراد از <فتحاً قریباً> به قرینه سیاق آیات صلح حدیبیه

باشد، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۱۹ – ۳

۳ – پاداش های مادی و معنوی خداوند ، به مؤمنان وفادار و مورد رضایت خویش

لقد رضی اللّه . .. فأنزل السکینه علیهم ... و مغانم کثیره یأخذونها

<أنزل السکینه> اشاره به پاداش معنوی و <مغانم. ..> نظر به پاداش های مادی دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۲۴ – ۱۰

۱۰ – امداد های الهی در حق مؤمنان ، پاداشی به عملکرد شایسته آنان در جریان حدیبیه *

و کان اللّه بما تعملون بصیرًا

ارتباط <کان اللّه. ..> با صدر آیه، نتیجه می دهد که الطاف الهی در حق اهل ایمان، از آن جهت صورت گرفته است که خداوند بر اعمال گذشته آنان، نظارت عمیق داشته و ایشان را شایسته آن موهبت ها دانسته است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۲۹ – ۴۴

۴۴– آمیختگی ایمان و عمل صالح ، شرط برخورداری مؤمنان از مغفرت و پاداش عظیم الهی

الذین ءامنوا و عملوا الصلحت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – نجم – ۵۳ – ۳۱ – ۶

۶ – رعایت عدالت ، در نظام کیفر و جزای الهی

لیجزی الذین أسوا بما عملوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۳۲ - ۲

۲ - نیکٔ کرداری به همراه اجتناب از گناهان کبیره ، شرط برخورداری از پاداش الهی

و یجزی الذین أحسنوا بالحسنی . الذین یجتنبون کبئر الإثم و الفوحش

ذکر

<الذين يجتنبون. ..> به دنبال <الذين أحسنوا> می تواند بيانگر شرط دوم برای بهره مندی انسان، از پاداش الهی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۵۵ - ۱

۱ - امتنان خداوند بر خلق ، به خاطر قرار دادن پاداش هايی چون نعمت های بهشت برای ايشان

متّكين على فرش . .. فبأىّ ءالآء ربّكما تكذّبان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۶۰ - ۱

۱ - نعمت های شگرف بهشت ، پاداش و احسان خداوند به اعمال نيک و شايسته خلق

كأنّهنّ الياقوت . .. هل جزاء الإحسن إلّاالإحسن

واژه <إحسان> در لغت عرب بر دو معنا اطلاق می شود: الف) كار نيك، ب) نيكی به غير. در آيه شريفه <احسان> اول به معنای اول و احسان دوم به معنای دوم به كار رفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲۴ - ۲

۲ - برخورداری پيشتازان (سابقون) ، از مقام قرب الهی در جهان آخرت و دستيابی آنان به بهشت سرشار از نعمت ، پاداش الهی به آنان در قبال اعمال صالح شان

و السبقون السبقون . أُولئك المقرّبون . فى جنّت النعيم ... جزاء بما كانوا يعم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۳۸ - ۲

۲ - حوريان بهشت ، پاداش الهی به اصحاب اليمين

إنّا أنشأنهنّ . .. لأصحب اليمين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ – حدید – ۵۷ – ۱۰ – ۲۳

۲۳ – پاداش الهی به

مجاهدان و انفاق گران در راه خدا ، بهترین و نیکوترین پاداش است .

و کلاًّ وعد اللّه الحسنی

<حسنی> (مؤنث <أحسن>)، به معنای نیکوتر است. گفتنی است که <الحسنی>، صفت برای موصوف محذوف است; یعنی، <و کلاًّ وعد اللّه المثوبه الحسنی>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۷ - ۲۱

۲۱ - راهبان حقیقی در پیشگاه خدا مأجوراند .

فاتینا الذین ءامنوا منهم أجرهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - جمعه - ۶۲ - ۱۱ - ۹

۹ - ثواب نماز جمعه ، برای برپادارندگان آن ، در نزد خداوند محفوظ است .

قل ما عند اللّه خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۵ - ۵،۶

۵ - اجر بزرگ ، در پیشگاه خداوند است .

و اللّه عنده أجر عظیم

۶ - رهایی از دلبستگی به اموال و اولاد و ترجیح دین داری بر وابستگی به آنها ، دارای پاداش بزرگ الهی است .

و اللّه عنده أجر عظیم

یادآوری پاداش بزرگ الهی، پس از هشدار درباره وابستگی به اموال و اولاد خویش، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ – تغابن – ۶۴ – ۱۷ – ۴،۱۱

۴ – قرض به خدا (انفاق) ، موجب بهره مندی از سود و پاداش مضاعف الهی است .

إن تقرضوا اللّه قرضًا حسنًا يضعفه لكم

۱۱ – انفاق نمودن به منظور دستیابی به پاداش الهی ، امری جایز و قابل جمع با نیت خالص و انگیزه الهی است .

أنفقوا . .. إن تقرضوا اللّه ... يضعفه لكم و يغفر

لکم

توصیه به انفاق، همراه با مقرر داشتن پاداش مضاعف که موجب ایجاد انگیزه در انسان برای انفاق می شود بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - طلاق - ۶۵ - ۵ - ۸،۹،۱۰

۸ - کسانی که تقوا پیشه کنند ، از اجر بزرگ الهی بهره مند خواهند شد .

و من یتّق اللّه . .. یعظم له أجرًا

۹ - خداترسی و تقواپیشگی ، عامل دریافت اجری بزرگ از جانب خداوند

و من یتّق اللّه . .. یعظم له أجرًا

۱۰ - رعایت تقوا از سوی مردان و زنان مطلّقه ، موجب بهره مند شدن آنان از اجر بزرگ الهی

فطلّقوهنّ لعدّتهنّ . .. و من یتّق اللّه ... یعظم له أجرًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۱۲ - ۱

۱ - خداترسان ، مشمول غفران عظیم خداوند و بهره مند از پاداش بزرگ او

إنّ الذین یخشون ربّهم بالغیب لهم مغفره و أجر کبیر

تنکیر <مغفره>; دلالت بر تعظیم دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳ - ۱،۲

۱ - پیامبر (ص) ، برخوردار از پاداش الهی

و إنّ لک لأجرًا

۲ – پاداش پیامبر (ص) در پیشگاه خداوند ، بی پایان و روزافزون

و إنّ لک لأجرًا غیر ممنون

<غیر ممنون>، اگر از <منّ> (قطع) مشتق باشد، به معنای بی انقطاع و روز افزون و اگر از <منّت> گرفته شده باشد، به معنای بی منت و بدون به رخ کشیدن خواهد بود. گفتنی است که برداشت بالا مبتنی بر معنای نخست است.

جلد – نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مرسلات – ۷۷ – ۴۴ – ۴

۴ – احسان و رفتار خوب انسان ، دارای جزا و پاداش در پیشگاه خداوند

إنّا کذلک نجزی المحسنین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – لیل – ۹۲ – ۲۰ – ۱۲

۱۲ – پاداش انفاق گرانِ باتقوا ، مایه رشد و کمال آنان و برخاسته از ربوبیت و مقام والای خداوند است .

ربّه الأعلی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – لیل – ۹۲ – ۲۱ – ۳

۳ – خداوند ، تضمین کننده پاداش انفاق گرانِ باتقوا و برآورنده آرزوی آنان در رسیدن به مقام قرب الهی است .

إلّا ابتغاء وجه ربّه الأعلی . و لسوف یرضی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – علق – ۹۶ – ۳ – ۶

۶ – قرائت قرآن ، دارای منافعی بسیار و تضمین شده از سوی خداوند

اقرأ و ربّک الأکرم

توصیف خداوند به <کریم ترین> پس از امر به قرائت بیانگر تأثیر آن در فراهم آمدن زمینه کرامت و احسان خداوند است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – بینه – ۹۸ – ۸ – ۱،۱۳

۱ – استقرار در باغ های بهشت و جاودانگی در آن ، پاداش تضمین شده خداوند برای مؤمنان نیکوکردار

الذین ءامنوا و عملوا الصلحت . .. جزاؤهم عند ربّهم جنّت عدن تجری من تحتها الأن

۱۳ - رضایت خداوند ، از مؤمنانِ صالح و رضایت آنان از او ، پاداش ایمان و عمل نیک ایشان است .

جزاؤهم . .. رضی اللّه عنهم و رضوا عنه

تداوم پاداشهای خدا

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۳ - ۱۱

۱۱ - پاداش های خداوند ، بهترین و پاینده ترین پاداش ها است .

واللّه خیر و أبقی

خیربودن خداوند برای انسان بنابراین که <خیر> اسم تفضیل باشد ناظر به بهتر بودن پاداش های او نیز می باشد و اطلاق <أبقی> شامل هر چیزی است که به خداوند ارتباط یابد; یعنی، او و پاداش ها و عذابش، باقی تر و پاینده تر است. این سخن پاسخی است از ساحران به فرعون که گفته بود: <أیّنا أشدّ عذاباً و أبقی>.

تضمین پاداشهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۸ - ۱۵

۱۵ - آگاهی ژرف خداوند به اعمال خلق ، پشتوانه نظام کیفر و پاداش

و لتنظر نفس ما قدّمت لغد . .. إنّ اللّه خبیر بما تعملون

توجه به پیوند مفهومی صدر آیه (مسؤولیت اخروی انسان در قبال کرده های خویش) و ختام آیه (علم و آگاهی ژرف الهی) مطلب بالا را نتیجه می دهد.

تفضل در پاداشهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۷ - ۲

۲ خداوند در قیامت ، در کیفر دادن بدکاران به عدل و در پاداش دادن به نیکوکاران به فضل ، رفتار خواهد کرد .

للذین أحسنوا الحسنی و زیاده . .. و الذین کسبوا السیئات جزاء سیئه بمثلها

تعبیر <الحسنی> و <زیاده> در مورد پاداش نیکوکاران بیانگر فضل و عبارت <جزاء سیئه بمثلها> در مورد کیفر بدکاران بیانگر عدالت و نفی ظلم است.

خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۹۶ – ۱،۲

۱– دستاورد های مادی انسان ، فناپذیر و ارزش های معنوی و پاداش های الهی ، باقی و جاودانه است .

ما عندکم ینفد و ما عند الله باق

۲– جاودانگی ارزش های معنوی و پاداش های الهی ، راز برتری مطلق آنها بر دستاورد های مادی انسان

إنما عند الله هو خیر لکم . .. ما عندکم ینفد و ما عند الله باق

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۳ – ۲

۲– نعمت ها و پاداش های الهی ، در آخرت زوال ناپذیر است .

أنّ لهم أجرًا حسنًا . مکثین فیه أبدًا

حتمیت پاداشهای خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۵ – ۳

۳ – علم و حکمت الهی ، پشتوانه پاداش او به اهل ایمان *

و کان اللّه علیمًا حکیمًا . لیدخل المؤمنین و المؤمنت جنّت

در صورتی که میان ذیل آیه قبل (کان اللّه. ..) با <لیدخل...> ارتباطی لحاظ شود، مطلب بالا را می توان نتیجه گرفت.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – نجم – ۵۳ – ۳۱ – ۳

۳ – علم گسترده و قدرت مطلقه خداوند ، پشتوانه حتمی بودن نظام جزا و پاداش او

هو أعلم . .. و للّه ما فى السموت و ... ليجزى

حقيقت پاداشهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - جاثیه - ۴۵ - ۲۸ - ۱۵

۱۵ - کیفر و پاداش خداوند در قیامت ، چیزی جز حقیقت اعمال

انسان در دنیا نیست . *

الیوم تجزون ما کنتم تعملون

از تعبیر <تجزون ما کنتم تعملون> می توان استفاده کرد که جزای خداوند در قیامت، همان اعمال خود انسان است.

زمینه پاداشهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۰ - ۵

۵ اختلاف انسان ها در پذیرش و عدم پذیرش کتاب های آسمانی ، مقتضی داوری خداوند میان آنان و زمینه ساز پیامد های آن داوری (پاداش و کیفر) است .

فاختلف فیه و لولا کلمه سبقت من ربک لقضی بینهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۱ - ۹

۹ خداوند ، اعمال و رفتار آدمیان را محاسبه می کند و بر اساس آن ، ایشان را سزا می دهد .

و هو سریع الحساب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۹۶ - ۷

۷- گذشتن از مادیات به امید رسیدن به پاداش های جاودان الهی ، نیازمند صبر و شکیبایی است .

ما عندکم ینفد و ما عند الله باق و لنجزینّ الذین صبروا أجرهم بأحسن ما کانوا یعملو

تذکر به فناپذیری مادیات و جاودانگی معنویات و سپس مطرح ساختن صبر و شکیبایی، می رساند که گذشتن از مادیات و دل بستن به نعمتهای اخروی، نیازمند صبر است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۰ - ۴

۴- برخورداری مؤمنان از پاداش الهی ، از نتایج عمل نیک آنها است .

إِنَّ الذین ءامنوا و عملوا الصلحت إنّا لانضیع أجر من أحسن عملاً

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۴ - ۵

۵- نقش سعی و تلاش خود انسان در دستیابی به پاداش الهی و سرنوشت خویش

فمن یعمل . .. فلاکفران لسعیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۷ - ۴،۶

۴ - سعادت و برخورداری از غفران و اجر بزرگ الهی ، در گرو توأم بودن ایمان و عمل صالح است .

و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت لهم مغفره و أجر کبیر

۶ - ایمان همراه با عمل صالح ، از موجبات آمرزش الهی و بهره مند شدن از اجر بزرگ خداوند

و الذین ءامنوا و عملوا الصلحت لهم مغفره و أجر کبیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۰ - ۱

۱ - عالمان خداترس ، به منظور دریافت اجر الهی ، به تلاوت قرآن ، اقامه نماز و انفاق می پردازند .

إنّما یخشی اللّه من عباده العلمؤا . .. إنّ الذین یتلون کتب اللّه ... لیوفّیهم

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که لام در <لیوفّیهم> برای تعلیل بوده و این جمله متعلق به <یتلون> باشد; یعنی، قرآن را تلاوت می کنند و . .. به خاطر آن که خداوند به آنان پاداش کامل عنایت کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۱ - ۳

۳ - عمل به توصیه های الهی ، دارای پاداش متناسب در پیشگاه خداوند

فافسحوا یفسح اللّه لکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – ملک – ۶۷ – ۱۲ – ۲،۳

۲ – ترس از خدا

در عین پنهان بودن او از انظار عامل جلب غفران و پاداش بزرگ الهی

إنّ الذین یخشون ربّهم بالغیب لهم مغفره و أجر کبیر

<با> در <بالغیب> یا به معنای ملابست است و یا به معنای <فی>. در صورت اول <بالغیب> حال برای <ربّهم> و در صورت دوم متعلق به <یخشون> خواهد بود. گفتنی است برداشت یاد شده، مبتنی بر احتمال نخست می باشد.

۳ - ترس از خدا به دور از انظار مردمان و پیراسته از ریا ، موجب جلب غفران و پاداش بزرگ او است .

إنّ الذین یخشون ربّهم بالغیب لهم مغفره و أجر کبیر

زیبایی پاداشهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۹ - ۲

۲ - پاداش های موعود الهی ، نیکو و تکذیب آن ناروا است .

و کذّب بالحسنی

معنای کلمه <الحسنی> (زیباتر)، در خود تمجید و مطلوبیت را گنجانده است. بنابراین وصفی است که خود بیانگر نامطلوب بودن تکذیب آن است و تهدید به فرجام دشوار (در آیه بعد) نیز بر ناروا بودن آن تأکید کرده است.

سرزنش بی نیازی از پاداشهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۸ - ۳

۳ - اعتماد به اموال خویش و احساس بی نیازی در برابر پاداش های موعودِ خداوند ، خصلتی نکوهیده است .

و صدّق بالحسنی . .. فأمّا من ... استغنی

مراد از <استغنی> به قرینه جمله <صدّق بالحسنی> در آیات پیشین ممکن است استغنای از <حسنی> (پاداش های نیک خداوند) باشد. بیان فرجام دشوار (العسری) برای صاحبان این خصلت ها (در آیات بعد) بیانگر نکوهش

آن خصلت ها است.

سرزنش تکذیب پاداشهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - لیل - ۹۲ - ۹ - ۲

۲ - پاداش های موعود الهی ، نیکو و تکذیب آن ناروا است .

و كذّب بالحسنى

معنای کلمه <الحسنی> (زیباتر)، در خود تمجید و مطلوبیت را گنجانده است. بنابراین وصفی است که خود بیانگر نامطلوب بودن تکذیب آن است و تهدید به فرجام دشوار (در آیه بعد) نیز بر ناروا بودن آن تأکید کرده است.

شرایط پاداشهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۳ - ۲،۳،۴،۷،۸

۲ - پاداش های الهی در گرو ایمان و رعایت تقوا (پرهیز از گناهان) است .

و لو أنهم ءامنوا و اتقوا لمثوبه من عنداللّه خیر

۳ - ایمان بدون پرهیز از گناهان و پرهیز از گناه بدون ایمان ، موجب بهره مندی از پاداش های الهی نخواهد شد .

و لو أنهم ءامنوا و اتقوا لمثوبه

۴ - یهودیان در صورت ایمان به پیامبر (ص) و قرآن و پرهیز از گناهان (سحر ، بی اعتنایی به کتاب های آسمانی و . . .) از پاداش های الهی بهره مند می شدند .

و لو أنهم ءامنوا و اتقوا لمثوبه من عنداللّه خیر

مراد از ضمیر در <أنهم> به قرینه آیه ۹۹ و ۱۰۱ یهودیان کافر به پیامبر و قرآن است. قابل ذکر است که جمله <لمثوبه ...> جانشین جواب شرط است و آن جواب جمله ای همانند <لأثیبوا> (همانا پاداش داده می شدند) است.

۷ - خداوند ، خواهان آگاهی یافتن مردم به وابستگی پاداش های الهی به

ایمان و تقوا

و لو أنهم ءامنوا و اتقوا لمثوبه . .. لو کانوا یعلمون

در برداشت فوق مفعول <یعلمون> حقیقتی گرفته شده که جمله شرطیه <لو أنهم . ..> آن را بیان می دارد; یعنی: لیت یعلمون أن مثوبه اللّه مشروط بالایمان و التقوی.

۸ - تنها دانایان ، وابستگی پاداش های الهی را به ایمان و تقوا و برتری آن را بر هر منفعتی دیگر ، در می یابند .

لمثوبه من عنداللّه خیر لو کانوا یعلمون

فعل <یعلمون> در جمله فوق می تواند فعل لازم بوده و نیازی به مفعول نداشته باشد. بر این مبنا <لو کانوا یعلمون>; یعنی، ای کاش! اهل علم و دانش بودند تا حقایق مطرح شده را می فهمیدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵۰ - ۲

۲ - همراهی ایمان با عمل صالح ، شرط بهره مندی از پاداش های الهی

فالذین ءامنوا و عملوا الصلحت . .. و رزق کریم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۸ - ۴

۴ - همراه بودن ایمان و عمل صالح ، شرط بهرهوری از اجر بی حساب و بی منت الهی

إنّ الذین ءامنوا و عملوا الصلحت لهم أجر غیر ممنون

عدالت در پاداشهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۰ - ۹

۹ - علم برتر و همه جانبه خداوند ، پشتوانه داوری و جزای عادلانه او است .

و قضی بینهم بالحقّ و هم لایظلمون . .. و هو أعلم بما یفعلون

عمومیت پاداشهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه

– فیش

۱۷ – جاثیه – ۴۵ – ۲۲ – ۷

۷ – نبود هیچ گونه استثنا و تبعیض ، در نظام کیفری و پاداش دهی خداوند به خلق

و لتجزی کلّ نفس بما کسبت و هم لایظلمون

عوامل امیدواری به پاداشهای خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۲۹ – ۱۴

۱۴ – خداترسی ، تلاوت قرآن کریم ، برپاداشتن نماز و انفاق در نهان و آشکار ، از عوامل امیدواری به لطف و پاداش الهی

إنّما یخشی اللّه من عباده العلمؤا . .. إنّ الذین یتلون کتب اللّه و أقاموا الصل

عوامل تضمین پاداشهای خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۰۵ – ۱۲

۱۲ علم خدا به آشکار و نهان ، تضمینی بر پاداش دادن و کیفر کردن دقیق انسان ها در قیامت

ستردون إلی علم الغیب و الشهده فینبئکم بما کنتم تعملون

غافلان از پاداشهای خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۹۵ – ۱۱

۱۱– روی گردانان از تکالیف و تعهدات الهی ، مردمی ناآگاه و بی توجه به پاداش های برتر خداوندی اند .

و لاتشتروا بعهد الله . .. إنما عند الله هو خیر لکم إن کنتم تعلمون

فرجام سخت مکذبان پاداشهای خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – لیل – ۹۲ – ۱۰ – ۱

۱ – خداوند ، بخیلان و زراندوزانی را که تکذیب گر پاداش های الهی اند ، به آینده ای سخت دچار و راه گرفتاری به آن را برایشان هموار می سازد .

فسنیسّره للعسری

تعبیر

<آسان ساختن> در این آیه، لزوماً تعبیری استهزاآمیز نیست; زیرا می توان گفت: مراد مهیّا ساختن زمینه درافتادن به فرجام سخت است.

قانونمندی پاداشهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۰ - ۱۸

۱۸ پاداش دهی خداوند نظام دار و قانونمند است .

من یتّق و یصبر فإن الله لایضیع أجر المحسنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۱ - ۱۰

۱۰ مجازات های الهی قانونمند و دارای نظامی خاص

و هو سریع الحساب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۳۹ - ۳

۳ - قانونمند بودن نظام پاداش و مجازات الهی

ألاّتزر وازره وزر أُخری . و أن لیس للإنسن إلاّ ما سعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۶ - ۸

۸ - پاداش و عطا های خداوند به بهشتیان ، دارای نظم و حسابی خاص و مناسب با درجات تقوای آنان است .

إنّ للمتّقین . .. عطاء حسابًا

چنانچه <حساب> به معنای اسم مفعول (محاسبه شده) باشد، مراد از جزاء حساب شده، جزائی است که با میزان اعمال تقواپیشگان مناسب باشد.

محرومان از پاداشهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۱۵ - ۹

۹ - < عن علی بن الحسن بن علی بن الفضّال عن أبیه قال : سألت الرضا علی بن موسی (ع) عن قول اللّه عزّوجلّ : < کلاّ إنّهم عن ربّهم یومئذ لمحجوبون > فقال : إنّ اللّه تبارک و تعالی لایوصف بمکان یحلّ

فيه فيُحجب عنه فيه عباده و لكنّه يعني : أنّهم عن ثواب ربّهم لمحجوبون ;

علي بن حسن بن علي بن فضّال از پدرش (حسن) روايت كرده كه از امام رضا(ع) درباره قول خداي عزّوجلّ: <كلاّ إنّهم عن ربّهم يومئذ لمحجوبون> سؤال كردم، فرمود: خداي تبارك و تعالي توصيف نمي شود به داشتن مكاني كه در آن جا گيرد و بندگانش از ديدن او در آن جا مانع داشته باشند; بلكه معناي آيه اين است كه آنان از ثواب پروردگارشان محجوب و محروم اند>.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - ليل - ۹۲ - ۹ - ۴

۴ - وجود زمينه محروميت از پاداش هاي نيكوي الهي ، براي بخيلان و زراندوزان

و أمّا من بخل و استغني . و كذّب بالحسني

جمله <كذّب بالحسني>، بخل و ثروت اندوزي را <تكذيب حسني> ناميده است; يعني، كسي كه <حسني> (فرجام نيك) را باور دارد، اين دو راه را انتخاب نمي كند; زيرا در اين صورت، خود را در معرض محروميت از آن قرار داده است.

مراتب پاداشهاي خدا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۹ - ۴

۴ - پاداش هاي خداوند ، متفاوت بوده و برخي از آنها ، درجه اي برتر دارند .

فإنّ اللّه أعدّ . .. أجرًا عظيمًا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۳۶ - ۸

۸ - پاداش و عطا هاي خداوند به بهشتيان ، داراي نظم و حسابي خاص و مناسب با درجات تقواي آنان است .

إنّ للمتّقين . .. عطاء حسابًا

چنانچه <حساب> به معناي اسم

مفعول (محاسبه شده) باشد، مراد از جزاء حساب شده، جزائی است که با میزان اعمال تقواپیشگان مناسب باشد.

مشمولان پاداشهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۶ - ۱۴

۱۴ خداوند ، نیکوکاران را در دنیا از پاداش های خویش بهره مند می سازد .

و لانضیع أجر المحسنین

به قرینه آیه بعد ، مراد از <أجر> پاداشهای دنیوی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۷ - ۲

۲ نیکوکاران علاوه بر بهره مند شدن از پاداش در حیات دنیا ، از پاداش های برتر اخروی نیز برخوردار خواهند شد .

لانضیع أجر المحسنین. و لأجر الأخره خیر

ملاک پاداشهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۹۰ - ۷

۷ - پاداش دهی خداوند براساس فضل و بخشش و مجازات او بر پایه عدل و داد

من جاء بالحسنه فله خیر منها. .. و من جاء بالسّیئه... هل تجزون إلاّ ما کنتم تعملو

خداوند در مورد حسنه می فرماید: <فله خیر منها> و این بیانگر تفضل است; ولی درباره سیئه می فرماید <هل تجزون إلاّ ما کنتم تعملون> و این بیانگر عدل و تطابق و تناسب کیفر با عمل است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۸ - ۱۶

۱۶ - نظام کیفر و پاداش خداوند ، بر اساس علم همه جانبه او به احوال و کردار بندگان است .

الذین کفروا لهم عذاب شدید . .. إنّ اللّه علیم بما یصنعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۴۰ – ۱۵

۱۵ – عملکرد انسان ، مبنای کیفر و پاداش الهی است .

اعملوا ما شئتم إنّه بما تعملون بصیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۱۶ – ۲

۲– بهترین و ارزشمندترین عمل نیک مؤمن ، معیار و ملاک سنجش و پاداش الهی به دیگر اعمال نیک وی *

أُولئک الذین نتقبّل عنهم أحسن ما عملوا

برداشت یاد شده بدان احتمال است که در آیه شریفه چیزی در تقدیری باشد; به این صورت: <نتقبّل عنهم حسناتهم بأحسن ما عملوا>; زیرا مسلّماً تعبیر <أحسن> بدان معنا نیست که خداوند بهترین اعمال را قبول می کند و اعمال دیگر را نادیده می گیرد; هر چند نیک باشد! از طرفی آیه شریفه در مقام امتنان است.

مؤمنان به پاداشهای خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – لیل – ۹۲ – ۶ – ۱

۱ – دسته ای از مردم ، پاداش های موعود الهی را تصدیق کرده ، برای رسیدن به آن تلاش می کنند .

و صدّق بالحسنی

مراد از <الحسنی> به قرینه فعل های <صدّق> و <کذّب> پاداش های نیکو و وعده به آنها است; بنابراین مراد از آن، <المثوبه الحسنی> یا <العِدَه الحسنی> و نظایر آن است. جمله <صدّق بالحسنی> بیان یکی از مصداق های <سعی> در آیات پیشین است; از این رو شامل تصدیق عملی نیز می شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – لیل – ۹۲ – ۷ – ۱

۱ – خداوند ، اهل سخاوت و تقوا و تصدیق کنندگان پاداش های موعود را

، برای انجام دادن کار های خیر ، آماده و توانا می سازد .

فسنیسّره للیسری

فعل <یسّر>; یعنی، آسان ساخت (قاموس) و توفیق داد (صحاح). <یسری> وصف برای موصوف محذوفی از قبیل <الطریقه>، <الشریعه> و یا نظایر آن و به معنای سهل تر و آسان تر است. تغییر عبارت از <سنیسّر له الیسری> به <سنیسّره للیسری> بیانگر آن است که خداوند، وعده ایجاد تحولاتی را در درون شخص می دهد تا با سهولت، پذیرای آسان ترین شریعت ها گردد.

ویژگی پاداشهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۹۰ - ۱۰

۱۰ - محاسبه و جزای اعمال انسان ، براساس علم دقیق و همه جانبه الهی

إنّه خبیر بما تفعلون . .. فکبّت وجوههم فی النّار هل تجزون إلاّ ما کنتم تعملون

مطلب یاد شده با توجه به ارتباط این آیه با ذیل آیه ۸۸ (إنّه خبیر بما تفعلون) استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۸ - ۲

۲ - خداوند در پاداش دادن به مؤمنان نیک کردار ، هیچ گونه منّتی بر آنان نخواهد گذاشت .

إنّ الذین ءامنوا و عملوا الصلحت لهم أجر غیر ممنون

برداشت بالا مبتنی بر این نکته است که <ممنون> از ماده <منت> اشتقاق یافته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۶ - ۱۰

۱۰- پاداش الهی به مؤمنان متقی ، به گونه ای رایگان و نه در قبال درخواست مال از ایشان

یؤتکم أجورکم و لایسئلکم أمولکم

<لایسئلکم أموالکم> در رابطه با جمله <یؤتکم أجورکم> است و دفع دخل مقدّر

می کند; یعنی، خداوند در قبال پاداش های خود، چیزی جز ایمان و تقوا از شما انتظار ندارد.

ویژگیهای پاداشهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۳ - ۱۱

۱۱ - پاداش های خداوند ، بهترین و پاینده ترین پاداش ها است .

واللّه خیر و أبقی

خیربودن خداوند برای انسان بنابراین که <خیر> اسم تفضیل باشد ناظر به بهتر بودن پاداش های او نیز می باشد و اطلاق <أبقی> شامل هر چیزی است که به خداوند ارتباط یابد; یعنی، او و پاداش ها و عذابش، باقی تر و پاینده تر است. این سخن پاسخی است از ساحران به فرعون که گفته بود: <أیّنا أشدّ عذاباً و أبقی>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳ - ۳

۳ - پاداش خداوند به پیامبر (ص) پاداشی است بی منت .

و إنّ لک لأجرًا غیر ممنون

پادشاه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

پادشاه

آبخوری پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۰ - ۳

۳ یوسف (ع) به هنگام آماده کردن محموله برادرانش ، آبخوری مخصوص را در محموله بنیامین قرار داد .

فلما جهّزهم بجهازهم جعل السقایه فی رحل أخیه

<سقایه> به ظرفی گفته می شود که برای آب خوردن از آن استفاده می شود. <ال> تعریف در آن می رساند که ظرف

ویژه ای بوده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۷۶ – ۵

۵ گذاشتن جام شاهی در اثاثیه بنیامین ، جویا$ شدن از مجازات سارق در

آیین فرزندان یعقوب و تفتیش بار بنیامین پس از سایر برادران ، از الهامات خدا به یوسف (ع) برای نگه داشتن بنیامین نزد خود بود .

کذلک کدنا لیوسف

<کذلک> اشاره به مجموعه طرح و نقشه ای دارد که آیات ۷۰ تا ۷۵ بیانگر آن بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۷ - ۱

۱ برادران یوسف با مشاهده جام شاهی در اثاثیه بنیامین ، وی را سارق آن جام شناختند و به آن اعتراف کردند .

قالوا إن یسرق فقد سرق أخ له من قبل

آگاهی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۴

۴ پادشاه مصر پیش از بازجویی از زنان اشراف ، به تقاضای آنان (درخواست کام روایی) از یوسف (ع) و بی گناهی او آگاه شده بود .

قال ما خطبکنّ إذ رودتنّ یوسف عن نفسه

<إذ> بدل اشتمال برای <خطبکنّ> است و بیانگر مقصود پادشاه از ماجرایی است که درباره آن بازجویی می کرد. بنابراین <ما خطبکنّ ...> ; یعنی، داستان شما چیست؟ منظورم آن داستانی است که تقاضای کام روایی از یوسف می کردید. تصریح شاه به اینکه شما زنان از یوسف(ع) تقاضا کردید، می رساند که وی به مراوده آنان و بی گناهی یوسف(ع) آگاهی یافته بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۲ - ۲

۲ آگاه شدن عزیز مصر به پرهیز یوسف (ع) از رابطه نامشروع با همسر وی ، از اهداف یوسف (ع) در تقاضای دادرسی

و بازجویی از زنان اشراف

ذلک لیعلم أنی لم أخنه بالغیب

چنان چه <ذلک لیعلم . ..> کلام یوسف(ع) باشد، مشارالیه <ذلک> خارج نشدن از زندان و تقاضای دادرسی و محاکمه زنان اشراف است. ضمیر در <یعلم> و <لم أخنه> می تواند به <عزیز> باز گردد و می تواند مراد از آن <ملک> باشد. برداشت فوق بر اساس احتمال نخست است. بنابراین <ذلک لیعلم ...> ; یعنی، بیرون نرفتن من از زندان و تقاضای دادرسی بدان خاطر بود که عزیز مصر بداند من در نهان به او خیانتی نکردم.

ابلاغ تعبیر رؤیای پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۶ - ۶

۶ رساندن تعبیر خواب پادشاه به مردم ، از انگیزه های مراجعه ساقی به یوسف (ع) جهت تعبیر خواب

أفتنا فی سبع بقرت . .. لعلّی أرجع إلی الناس

ارزش آبخوری پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۰ - ۸

۸ جام پنهان شده در محموله بنیامین ، ظرفی قیمتی و با ارزش بود .

جعل السقایه . .. أذّن مؤذّن أیّتها العیر إنکم لسرقون

از این که بر فرزندان یعقوب اطلاق شده که سارقید نه سرقت کردید و اینکه مؤذّن مسأله را علنی اعلام می نماید و آن را تکرار می کند، همچنین از اینکه یوسف(ع) می توانست سارق جام را برده خویش سازد، معلوم می شود که آن جام، ظرفی با ارزش و قیمتی بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۲ - ۶

۶ پیمانه مفقود شده در

بارگاه یوسف ، دارای ارزشی فراوان

نفقد صواع الملک و لمن جاء به حمل بعیر

از این که برای یابنده پیمانه دربار یک بار شتر غله تعیین شد که طبعاً در زمان قحطی و جیره بندی ارزش فراوانی داشت ، معلوم می شود پیمانه مذکور ظرفی قیمتی و ارزشمند بوده است.

استیذان ساقی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۶ - ۱

۱ ساقی دربار با اجازه پادشاه ، به طرف زندان شتافت و با یوسف (ع) ملاقات کرد .

فأرسلون. یوسف أیّها الصدیق أفتنا

اطمینان پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۲

۲ پادشاه مصر به راستی و درستی تعبیر و تفسیر یوسف (ع) ار رؤیای شگفتش ، اطمینان یافت .

و قال الملک ائتونی به

از اینکه پادشاه مصر پس از شنیدن تعبیر و تأویل خواب خویش ، یوسف(ع) را احضار می کند ، معلوم می شود وی دریافته بود که تعبیر یوسف(ع) عالمانه و شایسته اعتنا کردن است.

اطمینان ساقی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۵ - ۵

۵ ساقی پادشاه ، به توانمندی یوسف (ع) در تعبیر رؤیای شگفت پادشاه ، اطمینان داشت .

أنا أُنبّئکم بتأویله فأرسلون

ترکیب <أنا أَنبّئکم> دلالت بر تأکیـد مضـمون جمله دارد و این ، حاکی از اطمینان ساقی دربار به آگاهی ویژه یوسف(ع) از تعبیر رؤیاهاست.

اعتماد پادشاه مصر به یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴

۵ گفت و گوی یوسف (ع) با پادشاه در نخستین ملاقات ، موجب توجه بیشتر و اعتماد افزون تر پادشاه به او شد .

فلما کلّمه قال إنک الیوم لدینا مکین أمین

ظاهر این است که ضمیر فاعلی در <کلّمه> به یوسف(ع) و ضمیر مفعولی آن به پادشاه بر گردد. ترتب جمله <قال إنک...> مؤید این نظر است و چون پادشاه پس از گفت و گوی یوسف(ع) با وی اظهار داشت: <إنک الیوم ...>، معلوم می شود سخنان یوسف(ع) باعث توجه افزون تر پادشاه به او شد.

اقرار معبران پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۴ - ۲،۳

۲ خواب گزاران دربار ، تعبیر رؤیای مختلط و آشفته را خارج از قلمرو دانش خویش دانستند .

و ما نحن بتأویل الأحلم بعلمین

<ال> در <الأحلام> عهد ذکری است و اشاره به <أضغاث أحلام> دارد. بنابراین <ما نحن ...> ; یعنی: تأویل آن گونه از رؤیاها را که همانند بافه های چند رشته است ، نمی دانیم.

۳ معبّران دربار ، علی رغم اظهار ناتوانی خویش از تعبیر رؤیای پادشاه ، آن را دارای تعبیر و تأویل می دانستند .

قالوا . .. ما نحن بتأویل الأحلم بعلمین

مفاد جمله <و ما نحن . ..> این است که این گونه رؤیاها ، تعبیر و تأویل دارد و لکن ما بدان واقف نیستیم.

اوامر پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۴

۴ پادشاه مصر پس از دریافت تعبیر رؤیایش ، به آزادی یوسف (ع) از زندان و بار یافتن او به

دربار فرمان داد .

و قال الملك ائتونی به . .. قال ارجع

از اینکه یوسف(ع) با فرستاده پادشاه از زندان خارج نمی شود و به دربار نمی آید ، معلوم می شود فرمان پادشاه مبنی بر احضار او (ائتونی به) احضار اجباری نبوده است ; بلکه دستور به آزادی آن حضرت از زندان و بار یافتن به دربار بوده است.

اهداف ساقی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۶ - ۶،۷

۶ رساندن تعبیر خواب پادشاه به مردم ، از انگیزه های مراجعه ساقی به یوسف (ع) جهت تعبیر خواب

أفتنا فی سبع بقرت . .. لعلّی أرجع إلی الناس

۷ شناساندن ارزش و مقام یوسف (ع) به مردم ، از انگیزه های ساقی برای مراجعه به یوسف (ع) جهت تعبیر خواب

لعلّی أرجع إلی الناس

بازجویی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۱،۲،۳

۱ پادشاه مصر به منظور بازجویی از زنان اشراف درباره ماجرایشان با یوسف (ع) آنان را احضار کرد .

قال ما خطبکنّ

۲ پادشاه مصر داستان یوسف و زنان اشراف را ، ماجرایی بزرگ ارزیابی کرد و خود عهده دار بازجویی از زنان اشراف شد .

قال ما خطبکنّ إذ رودتنّ یوسف عن نفسه

<خطب> به معنای کار و امر بزرگ است. و مراد از آن در این جا داستان و ماجراست.

۳ بازجویی پادشاه از زنان اشراف ، پاسخی به پیام و تقاضای یوسف (ع) بود .

فسئله ما بال النسوه . .. قال ما خطبکنّ

بینش پادشاه مصر

جلد –

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۵۱ – ۲

۲ پادشاه مصر داستان یوسف و زنان اشراف را ، ماجرایی بزرگ ارزیابی کرد و خود عهده دار بازجویی از زنان اشراف شد .

قال ما خطبکنّ إذ رودتنّ یوسف عن نفسه

<خطب> به معنای کار و امر بزرگ است. و مراد از آن در این جا داستان و ماجراست.

بینش ساقی پادشاه مصر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۴۶ – ۸

۸ ساقی ، احتمال می داد دربار مانع رساندن تعبیر خواب پادشاه به مردم شود .

لعلّی أرجع إلی الناس لعلّهم یعلمون

پادشاه ظالم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۶۵ – ۱۴

۱۴ روی عن أبی عبدالله(ع) إنه قال: معنی <عذابا من فوقکم> السلطان الجائر <و من تحت أرجلکم> السفله و من لاخیر فیه . .. <و یذیق بعضکم بأس بعض> قال: سوء الجوار.

امام صادق(ع) فرمود: معنای <عذابا من فوقکم>، سلطان ستمگر و معنای <و من تحت ارجلکم>، زیردستان و افراد بی خیرو معنای <و یذیق بعضکم بأس بعض>، بدرفتاری همسایگان است.

پادشاه مصر و اشراف مصر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۴۳ – ۶

۶ پادشاه مصر ، از معبّران و بزرگان دربار خواست تا رؤیای شگفتش را تعبیر کنند .

و قال الملك إنى أرى . .. يأيها الملأ أفتونى

<ملأ> به معناى بزرگان است ، كه به مناسبت مورد مى توان گفت: مراد از آن در آيه شريفه ، خواب گزاران دربار است كه از

موقعیتی خاص برخوردار بودند و از بزرگان و دانشمندان محسوب می شدند.

پادشاه مصر و امینان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۱۰

۱۰ پادشاه مصر در عصر یوسف ، دوستدار پاکدامنان ، دانشمندان و درستکاران امین بود .

فلما کلّمه قال إنک الیوم لدینا مکین أمین

پادشاه مصر و بردگی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۱۲

۱۲ الغای حکم بردگی یوسف (ع) به دست پادشاه مصر *

ائتونی به أستخلصه . .. قال إنک الیوم لدینا مکین أمین

جمله <أستخلصه لنفسی> و نیز متروک شدن قصه بردگی یوسف(ع) در ادامه داستان او ، می تواند گویای برداشت فوق باشد.

پادشاه مصر و بی گناهی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۲ - ۱۴

۱۴ پادشاه مصر در صورت آگاهی از وضعیت یوسف (ع) ، او را از زندان آزاد می کرد .

فأنسیه الشیطن ذکر ربه فلبث فی السجن بضع سنین

<لبث> به معنای اقامت کردن (ماندگار شدن) است. برداشت فوق ، از تفریع جمله <لبث ...> بر جمله قبل معلوم می شود ; یعنی ، شیطان ساقی پادشاه را به فراموشی انداخت و در نتیجه ، یوسف(ع) چند سال دیگر در زندان ماندگار شد.

پادشاه مصر و خواسته های یوسف(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۵۶ – ۱

۱ پادشاه مصر ، پیشنهاد یوسف (ع) را پذیرفت و مدیریت کشت و برداشت محصولات و ذخیره سازی

و توزیع آنها را به او سپرد .

اجعلنی علی خزائن الأرض . .. و کذلک مکّنّا لیوسف فی الأرض

پادشاه مصر و زنان اشراف مصر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۵۱ – ۱،۲،۴

۱ پادشاه مصر به منظور بازجویی از زنان اشراف درباره ماجرایشان با یوسف (ع) آنان را احضار کرد .

قال ما خطبکنّ

۲ پادشاه مصر داستان یوسف و زنان اشراف را ، ماجرایی بزرگ ارزیابی کرد و خود عهده دار بازجویی از زنان اشراف شد .

قال ما خطبکنّ إذ رودتنّ یوسف عن نفسه

<خطب> به معنای کار و امر بزرگ است. و مراد از آن در این جا داستان و ماجراست.

۴ پادشاه مصر پیش از بازجویی از زنان اشراف ، به تقاضای آنان (درخواست کام روایی) از یوسف (ع) و بی گناهی او آگاه شده بود .

قال ما خطبکنّ إذ رودتنّ یوسف عن نفسه

<إذ> بدل اشتمال برای <خطبکنّ> است و بیانگر مقصود پادشاه از ماجرایی است که درباره آن بازجویی می کرد. بنابراین <ما خطبکنّ ...> ; یعنی، داستان شما چیست؟ منظورم آن داستانی است که تقاضای کام روایی از یوسف می کردید. تصریح شاه به اینکه شما زنان از یوسف(ع) تقاضا کردید، می رساندکه وی به مراوده آنان و بی گناهی یوسف(ع) آگاهی یافته بود.

پادشاه مصر و عفیفان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۵۴ – ۱۰

۱۰ پادشاه مصر در عصر یوسف ، دوستدار پاکدامنان ، دانشمندان و درستکاران امین بود .

فلما كلّمه قال إنك اليوم لدينا مكين أمين

پادشاه مصر

و علما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۱۰

۱۰ پادشاه مصر در عصر یوسف ، دوستدار پاکدامنان ، دانشمندان و درستکاران امین بود .

فلما کلّمه قال إنک الیوم لدینا مکین أمین

پادشاه مصر و قصه یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۲

۲ پادشاه مصر داستان یوسف و زنان اشراف را ، ماجرایی بزرگ ارزیابی کرد و خود عهده دار بازجویی از زنان اشراف شد .

قال ما خطبکنّ إذ رودتنّ یوسف عن نفسه

<خطب> به معنای کار و امر بزرگ است. و مراد از آن در این جا داستان و ماجراست.

پادشاه مصر و معبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۳ - ۶،۷

۶ پادشاه مصر ، از معبّران و بزرگان دربار خواست تا رؤیای شگفتش را تعبیر کنند .

و قال الملک إنی أری . .. یأیها الملأ أفتونی

<ملأ> به معنای بزرگان است ، که به مناسبت مورد می توان گفت: مراد از آن در آیه شریفه ، خواب گزاران دربار است که از موقعیتی خاص برخوردار بودند و از بزرگان و دانشمندان محسوب می شدند.

۷ پادشاه مصر درباره توان خواب گزاران دربار بر تعبیر رؤیایش ، تردید داشت .

أفتونی فی رءیی إن کنتم للرءیا تعبرون

برداشت فوق ، از <إن> شرطیه در جمله <إن کنتم . ..> استفاده می شود.

پادشاه مصر و یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۳

۳ پادشاه مصر پس از دریافت تعبیر رؤیایش

، خواهان حضور یوسف (ع) در نزد خویش شد .

و قال الملک ائتونی به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۳،۴

۳ بازجویی پادشاه از زنان اشراف ، پاسخی به پیام و تقاضای یوسف (ع) بود .

فسئله ما بال النسوه . .. قال ما خطبکنّ

۴ پادشاه مصر پیش از بازجویی از زنان اشراف ، به تقاضای آنان (درخواست کام روایی) از یوسف (ع) و بی گناهی او آگاه شده بود .

قال ما خطبکنّ إذ رودتنّ یوسف عن نفسه

<إذ> بدل اشتمال برای <خطبکنّ> است و بیانگر مقصود پادشاه از ماجرایی است که درباره آن بازجویی می کرد. بنابراین <ما خطبکنّ ...> ; یعنی، داستان شما چیست؟ منظورم آن داستانی است که تقاضای کام روایی از یوسف می کردید. تصریح شاه به اینکه شما زنان از یوسف(ع) تقاضا کردید، می رساندکه وی به مراوده آنان و بی گناهی یوسف(ع) آگاهی یافته بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۱،۲

۱ پادشاه مصر پس از آشکار شدن بی گناهی و کمال عفت و پاکدامنی یوسف (ع) ، به دیدار او دل بست و با فرمانی مجدد او را به دربار خویش فراخواند .

ذلک لیعلم أنی لم أخنه . .. و قال الملک ائتونی به أستخلصه لنفسی

۲ پادشاه مصر در فراخوانی یوسف (ع) به دربار ، یادآور شد که وی را مشاور ویژه خویش خواهد ساخت .

قال الملک ائتونی به أستخلصه لنفسی

آن گاه که آدمی کسی را محرم اسرار

خود قرار دهـد و در امور خویش وی را مـداخله دهـد، گفته می شود: <أسـتخلصه> (بر گرفته شـده از لسـان العرب). بنابراین <أسـتخلصه لنفسی> ; یعنی، تا یوسف(ع) را محرم اسرار خویش سازم و در اداره امور مملکتی او را مداخله دهم. از این معنا می توان به مشاور مخصوص تعبیر کرد.

تعبیر رؤیای پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۷ - ۱،۴

۱ هفت گاو چاق در رؤیای پادشاه ، نمودی از هفت سال آبادانی مصر و فراوانی محصول بود .

قال تزرعون سبع سنین دأبًا

<هفت سـال بـا جـدیت زراعت کنیـد> گویای هفت سال آبادانی است و ظاهر این است که یوسف(ع) این معنا را از <سبع بقرات سمان> استفاده کرده بود.

۴ خوشه های سبز و خشک در رؤیای ملک ، پیامدار لزوم زراعت محصولات خوشه دار در طی هفت سال آبادانی

فما حصدتم فذروه فی سنبله

جملـه <تزرعـون . ..> هر چنـد جملـه ای خـبری اسـت، ولی بـه قرینه <فـذروه ...> در مقـام انشـا بـوده و مراد از آن معنـای دسـتوری است. بنابراین <تزرعون ...> ; یعنی، هفت سال با جـدیت تمام به زراعت بپردازیـد. مراد یوسف(ع) از زراعت - به قرینه <فـذروه فی سـنبله> کشت حبوبـات خوشه دار است و یوسف(ع) کشت آن را از <سـبع سـنبلات خضـر ...> اسـتفاده کرده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۸ - ۱،۶

۱ وقوع هفت سال قحطی و سختی پس از هفت سال آبادانی ، تعبیر یوسف (ع) از هفت گاو لاغر در رؤیای پادشاه مصر

ثم یأتی من

بعد ذلک سبع شداد

<شداد> (جمع شدید) از مصدر <شده> (سختی و دشواری) گرفته شده است و مراد از <سبع شداد> هفت سال قحطی و خشکسالی است و مشارالیه <ذلک> هفت سال آبادانی می باشد.

۶ گاو های لاغر در رؤیا ، نشانه پیشامد سختی ها و دشواریهاست و تعداد آنها حاکی از تعداد سالهاست .

یأکلهنّ سبع عجاف . .. ثم یأتی من بعد ذلک سبع شداد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۹ - ۱

۱ یوسف (ع) فرا رسیدن سالی پر باران و سرشار از نعمت را در پی سپری شدن هفت سال قحطی ، به مردم و حکومت مصر بشارت داد .

ثم یأتی من بعد ذلک عام فیه یغاث الناس

فعل <یغاث> ممکن است از غیث (باران) مشتق شده و محتمل است از غوث (یاری کردن) گرفته شده باشد. در صورت اول <یغاث الناس> ; یعنی، بر مردم باران نازل می شود و در صورت دوم ; یعنی، مردم یاری می شوند. بر هر مبنا بشارت به پایان قحطی و شروع آبادانی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۱

۱ پادشاه مصر از طریق ساقی و فرستاده دربار به نزد یوسف (ع) از تعبیر رؤیای شگفت خویش آگاه شد .

و قال الملک ائتونی به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۸ - ۱

۱ پیشگویی یوسف (ع) بر مبنای رؤیای پادشاه ، به حقیقت پیوست و قحطی و خشکسالی ، مصر و اطراف آن (

کنعانو . . .) را فرا گرفت .

و جاء إخوه يوسف فدخلوا عليه

آمـدن برادران يوسف از كنعـان به مصـر براى دريـافت آذوقه و نبود آذوقه در غير آن ديـار كه <منع منـا الكيـل> در آيه ۶۳ حاكى از آن است دلالت مى كند كه قحطى علاوه بر مصر ، اطراف و نواحى آن را نيز فرا گرفته بود.

جايزه يابنده آبخورى پادشاه مصر

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۸ – يوسف – ۱۲ – ۷۲ – ۵،۷

۵ يک بار شتر غلّه ، جايزه تعيين شده از جانب يوسف (ع) براى آورنده جام شاهى

و لمن جاء به حمل بعير

۷ يوسف (ع) خود متعهد به پرداخت جايزه و اجرت به آورنده جام مفقودشده *

و لمن جاء به حمل بعير و أنا به زعيم

مقصود از <أنـا> در <و أنا به زعيم> يوسف(ع) و يا رئيس و مسؤول كارگزاران او مى باشـد. برداشت فوق ناظر به احتمال نخست است.

جنس آبخورى پادشاه مصر

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۸ – يوسف – ۱۲ – ۷۲ – ۲۰

۲۰ < عن أبى عبـدالله (ع) فى قوله : < صواع الملك > قال : كان قدحاً من ذهب و قال : كان صواع يوسف إذ كيل به قال : لعن الله الخوّان لاتخونوا به بصوت حسن ;

امـام صـادق(ع) دربـاره سـخن خداونـد <صواع الملک> فرمود: جـامى از طلا بوده است و فرمود: جام يوسف چنين بود كه هرگاه با آن پيمانه مى شد، با صداى خوش مى گفت: خدا لعنت كند خيانت كنندگان را، در پيمانه خيانت نكنيد>.

حكمت

پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۹

۹ پادشاه مصر در عصر يوسف ، فردی با فراست و از حكمت و تدبير برخوردار بود .

و قال الملك ائتونی به أستخلصه لنفسی فلما كلّمه قال إنك اليوم لدينا مكين أمين

خواسته های پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۴۳ - ۶

۶ پادشاه مصر ، از معبّران و بزرگان دربار خواست تا رؤيای شگفتش را تعبير كنند .

و قال الملك إنی أری . .. يأيها الملأ أفتونی

<ملأ> به معنای بزرگان است ، كه به مناسبت مورد می توان گفت: مراد از آن در آيه شريفه ، خواب گزاران دربار است كه از موقعيتی خاص برخوردار بودند و از بزرگان و دانشمندان محسوب می شدند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۳

۳ پادشاه مصر پس از دريافت تعبير رؤيايش ، خواهان حضور يوسف (ع) در نزد خويش شد .

و قال الملك ائتونی به

خواسته های ساقی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۴۵ - ۷

۷ ساقی دربار ، از پادشاه و بزرگان دربار خواست وی را به زندان نزد يوسف (ع) بفرستند تا تعبير خواب را از او جويا شود .

أنا أَنبّئكم بتأويله فأرسلون

حرف <ن> در <فأرسلون> نون وقایه و کسره آن، حاکی از <یاء> متکلم محذوف است. متعلق آن (إلی یوسف فی السجن) نیز به خاطر وضوحش، در کلام آورده نشده است.

بنابر این <فأرسلون> ; یعنی: پس مرا به سوی یوسف(ع) - که در زندان است - بفرستید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۶ - ۵

۵ ساقی دربار ، از یوسف (ع) خواست تا رؤیایی را که در آن هفت گاو لاغر دیـده شـده که هفت گاو چاق را می خورند و هفت خوشه سبز و خوشه هایی خشک دیده شده ، تعبیر کند .

أفتنا فی سبع بقرت سمان یأکلهنّ سبع عجاف و سبع سنبلت خضر و أُخر یابست

درخواست تعبیر رؤیای پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۶ - ۵

۵ ساقی دربار ، از یوسف (ع) خواست تا رؤیایی را که در آن هفت گاو لاغر دیـده شـده که هفت گاو چاق را می خورند و هفت خوشه سبز و خوشه هایی خشک دیده شده ، تعبیر کند .

أفتنا فی سبع بقرت سمان یأکلهنّ سبع عجاف و سبع سنبلت خضر و أُخر یابست

رؤیای پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۳ - ۲،۳،۵،۸

۲ هفت گاو چاق که هفت گاو لاغر به خوردن آنها پرداخته بودنـد و هفت خوشه سبز و خوشه هایی خشک ، رؤیای شـگفت پادشاه مصر بود .

إنی أری سبع بقرت سمان . .. و أُخر یابست

<سـمین> و <سـمینه> (مفرد سِـمان) به معنای چاق است. <اعجف> و <عجفاء> (مفرد عجاف) به معنای بسیار نحیف و لاغر است. تمییز <سبع> به قرینه جمله قبل ، <بقرات> است ; یعنی: یأکلهنّ سبع

بقرات عجاف.

۳ ملک مصر ، رؤیای شگفت خویش را به طور مکرر دیده بود .

إنی أری سبع بقرت سمان

ظاهر آن بود که ملک در بیان رؤیای خویش، فعل ماضی <رأیت> (در خواب دیدم) به کار می برد. آوردن فعل مضارع <أری> (در خواب می بینم) می تواند اشاره به استمرار آن رؤیا باشد ; یعنی، چندین شب چنین دیده ام، به گونه ای که گمان دارم دوباره نیز خواهم دید.

۵ گاو های چاق و لاغر و خوشه های سبز و خشک ، در یک رؤیای پادشاه بودند نه هر کدام در رؤیایی جداگانه .

إنی أری سبع بقرت . .. و سبع سنبلت خضر

برداشت فوق، از تکرار نشدن <أری> در بیان دیدن خوشه های سبز و خشک استفاده می شود ; زیرا اگر پادشاه خوشه ها را در غیر رؤیایی که در آن گاوها را مشاهده کرده بود می دید، ظاهر آن بود که فعل <أری> در <سبع سنبلات. ..> تکرار می شد. مفرد آوردن <رؤیای> در جمله <أفتونی فی رؤیای> نیز حکایت از این معنا دارد.

۸ پادشاه مصر ، از رؤیای خویش دریافت که آن رؤیا علاوه بر حکایت از حادثه ای غیر منتظره گویای توصیه و دستورالعملی نیز هست .

أفتونی فی رءیی إن کنتم للرءیا تعبرون

<افتاء> (مصدر أفتونی) به معنای بیان کردن حکم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۶ - ۴

۴ ساقی دربار ، رؤیای پادشاه را به طور کامل و دقیق برای یوسف (ع) بازگو کرد .

إنی أری سبع بقرت . .. أفتنا فی سبع بقرت ... و أُخر

یابست

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۴۷ – ۲،۳،۵،۶،۷

۲ رؤیای پادشاه مصر دربردارنده رمزهایی گویای پیشامدهایی شیرین و تلخ طی یک دوره پانزده ساله

قال تزرعون سبع سنین دأبًا

جمله <تزرعون سبع سنین دأباً> (هفت سال با جدیت زراعت کنید) گویای هفت سال آبادانی و جمله <ثم یأتی من بعد ذلک سبع شداد> در آیه بعد گویای هفت سال قحطی و خشکسالی است و جمله <ثم یأتی من بعد ذلک عام . ..> گویای سالی پر باران پس از هفت سال قحطی می باشد. بنابراین رؤیای پادشاه، بیانگر حوادثی از یک دوره پانزده ساله بود.

۳ رؤیای پادشاه مصر گویای برنامه و دستورالعملی برای مصون ماندن از مشکلات و حوادث تلخ و دشوار آینده

قال تزرعون سبع سنین دأبًا فما حصدتم فذروه فی سنبله

ظاهر این است که یوسف(ع) حقایق و دستورالعملهایی را که در بیان رؤیای پادشاه یادآور شده بود ، از آن رؤیا استفاده کرده باشد. بنابراین آن رؤیا در ضمن حکایت از دوره پانزده ساله ، گویای دستورالعمل نیز بوده است.

۵ لزوم جدیت و تلاش بسیار برای زراعت در هفت سال نخست ، پیامی نهفته در رؤیای پادشاه مصر

سبع بقرت سمان . .. قال تزرعون سبع سنین دأبًا

<دأب> مصدر و به معنای تلاش کردن است و <دأباً> در آیه شریفه در موضع اسم فاعل (دائبین) قرار گرفته و حال برای فاعل <تزرعون> می باشد ; از این رو دلالت بر تلاش فراوان دارد. به نظر می رسد یوسف(ع) از چاق بودن گاوها چنین استنباط کرد که: باید با تلاش فراوان و به دست آوردن محصولات، انبارها را از

مواد غذایی و غلات پر کنند.

۶ خوشه های خشک در رؤیای پادشاه ، پیامدار لزوم ذخیره سازی محصولات کشت و درو شده به همراه خوشه های آن و اُخر یابست . .. فما حصدتم فذروه فی سنبله

از آن جا که دستور فوق (فذروه فی سنبله) با این قسمت از رؤیای پادشاه که خوشه های خشک را دیده بود ، تناسب دارد ; زیرا خوشه هـای خشک آماده برای ذخیره شـدن است ، می توان گفت: یوسف(ع) از عبارت <اُخر یابسات> دستور فوق را استنباط کرده بود.

۷ لزوم صرفه جویی در مصرف محصولات هفت ساله ، پیامی نهفته در رؤیای ملک

فما حصدتم فذروه فی سنبله إلاّ قلیلاً مما تأکلون

<حصاد> (مصـدر حصـدتم) به معنای درو کردن است و <ذروا> فعل امر و به معنای <رها سازید> می باشد. <من> در <مما> بیانیه و <إلاّ قلیلاً> استثنا از <ما> در <ما حصـدتم ...> است، بنابراین مفاد جمله <فما حصـدتم ...> چنین می شود: آنچه را درو می کنیـد در خوشه ها رها کنید (آنها را نکوبید و دانه ها را از خوشه ها جدا نسازید) مگر مقدار اندکی که به مصرف خوراکی می رسانید. تنها این مقدار از برداشت را بکوبید و از خوشه ها جدا سازید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۸ - ۲،۳،۵

۲ رؤیای پادشاه ، گویای تأخّر سال های قحطی از هفت سال آبادانی بود .

ثم یأتی من بعد ذلک سبع شداد

به نظر می رسـد یوسف(ع) از اینکه در رؤیـای پادشاه گاوهای لاغر به خوردن گاوهای چاق پرداخته انـد، دریافت که سالهای قحطی پس از سالهای آبادانی

رخ خواهـد داد. تقـدم ذکری گاوهـای چـاق بر گاوهـای لاغر در بیان رؤیا نیز می توانـد دلیل دیگری برای یوسف(ع) در این تعبیر باشد.

۳ استفاده از ارزاق ذخیره شده در سال های آبادانی طی هفت سال خشکسالی ، از پیام های نهفته در رؤیای پادشاه مصر

ثم یأتی من بعد ذلک سبع شداد یأکلن ماقدمتم لهنّ

ضمیر در <یـأکلن> و <لهـنّ> بـه <سـبع شـداد> بـاز می گردد و مراد از <مـا قـدّمتم لهـنّ> (آنچه برای آن سالهـا پیش فرسـتاده ایـد) ارزاق ذخیره شـده در سالهـای آبـادانی است. بنـابراین <یـأکلن ...> ; یعنی، سالهـای قحطی ذخایری را که در سالهای آبادانی تهیه دیده اید، می خورند.

۵ لزوم مصرف نکردن همه ذخایر غذایی در سالیان قحطی ، پیامی نهفته در رؤیای پادشاه مصر

یأکلن ما قدمتم لهنّ إلاّ قلیلاً مما تحصنون

فعـل مضـارع <یـأکلهنّ> در نقـل رؤیای پادشاه (آیه ۴۶) گویـای این نکته بود که گاوهای لاـغر به خوردن گاوهـای چـاق پرداختند، ولی آنها را به تمامی نخوردند و گرنه فعل ماضـی <اَکَلهنّ> به کار می برد. به نظر می رسد یوسف(ع) از نکته یاد شده دریافته بود که باید مقداری از غلات باقی بماند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۴۹ – ۲

۲ خواب پادشاه ، گویای آمدن سالی پر برکت پس از سال های قحطی

أفتنا . .. ثم یأتی من بعد ذلک عام فیه یغاث الناس

یوسف(ع) از آن جایی که گاوهای لاغر در رؤیای پادشاه هفت رأس بودنـد ، دریافت که پس از گـذشت هفت سال ، قحطی پایان می پذیرد و پایان پذیرفتن قحطی به این است که باران فرو

ریزد ، گیاهان رشد کند و میوه جات فراوان گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۴

۴ یوسف (ع) و پادشاه در نخستین ملاقاتشان با یکدیگر ، درباره رؤیای پادشاه ، تعبیر یوسف (ع) و گزینش او به سمت مشاور ، به گفت و گو پرداختند .

و قال الملک ائتونی به أستخلصه لنفسی فلما کلّمه

اگرچه در آیه شریفه تصریح نشده که پادشاه و یوسف(ع) درباره چه موضوعی گفت و گو کردند ; ولی قراین حالیه و مقالیه حاکی است که موضوع سخن درباره رؤیای پادشاه و تعبیر یوسف(ع) و نیز دعوت از یوسف(ع) به همکاری و مشاوره و. .. بوده است.

زلیخا و پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۱۸

۱۸ زلیخا در حضور پادشاه مصر ، بر صداقت و راستگویی یوسف (ع) تأکید کرد .

و إنه لمن الصدقین

ساقی پادشاه مصر و عجز معبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۵ - ۳

۳ ساقی پادشاه (هم بند یوسف در زندان) با مشاهده درماندگی خواب گزاران از تعبیر رؤیای پادشاه ، یوسف (ع) و دانش او از تعبیر رؤیا را به یاد آورد .

و قال الذی نجا منهما وادّکر بعد أُمّه

<ادّکر> (به یاد آورد) از ماده <ذکر> و در اصل <اذتکر> بوده که بر اساس قواعد صرفی ، <ادّکر> شده است. <أُمّه> در آیه شریفه ، به معنای مدت و زمان است.

ساقی پادشاه مصر و

یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۵ - ۲،۳،۴،۶،۷

۲ ساقی پادشاه (هم بند یوسف در زندان) ، مدتی مدید یوسف (ع) را از یاد برده و از گرفتاری او در زندان غافل شده بود .

و قال الذی نجا منهما وادّکر بعد أُمّه

نکره آوردن <اُمّه> می تواند حاکی از طولانی بودن آن باشد. جمله <فلبث فی السجن بضع سنین> در آیه ۴۲ ، مؤید این معناست.

۳ ساقی پادشاه (هم بند یوسف در زندان) با مشاهده درماندگی خواب گزاران از تعبیر رؤیای پادشاه ، یوسف (ع) و دانش او از تعبیر رؤیا را به یاد آورد .

و قال الذی نجا منهما وادّکر بعد أُمّه

<ادّکر> (به یاد آورد) از ماده <ذکر> و در اصل <اذتکر> بوده که بر اساس قواعد صرفی ، <ادّکر> شده است. <اُمّه> در آیه شریفه ، به معنای مدت و زمان است.

۴ ساقی دربار ، یوسف (ع) را برای تعبیر رؤیای پادشاه معرفی کرد .

أنا أُنبّئکم بتأویله فأرسلون

۶ ساقی پادشاه مصر ، با بیان دانش یوسف (ع) ، خاطر نشان ساخت که او در زندان به سر می برد .

أنا أُنبئکم بتأویله فأرسلون

تفریع جمله <أرسلون> به وسیله حرف <فاء> بر جمله <أنا أُنبّئکم بتأویله> می رساند که: ساقی دربار ، ماجرای یوسف(ع) و زندانی بودن او را در حد ضرورت بیان کرده بود.

۷ ساقی دربار ، از پادشاه و بزرگان دربار خواست وی را به زندان نزد یوسف (ع) بفرستند تا تعبیر خواب را از او جویا شود .

أنا أُنبّئکم بتأویله

فأرسلون

حرف <ن> در <فأرسلون> نون وقایه و کسره آن، حاکی از <یاء> متکلم محذوف است. متعلق آن (إلی یوسف فی السجن) نیز به خاطر وضوحش، در کلام آورده نشده است. بنابر این <فأرسلون> ; یعنی: پس مرا به سوی یوسف(ع) - که در زندان است - بفرستید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۶ - ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۷

۱ ساقی دربار با اجازه پادشاه ، به طرف زندان شتافت و با یوسف (ع) ملاقات کرد .

فأرسلون. یوسف أیّها الصدیق أفتنا

۲ ساقی دربار ، یوسف (ع) را انسانی بسیار راستگو نامید و با لقب < صدّیق > او را مخاطب قرار داد .

یوسف أیّها الصدیق

۳ ساقی پادشاه در ملاقاتش با یوسف (ع) ، راستی و درستی تعبیر او را از رؤیای خویش بازگو کرد .

یوسف أیّها الصدیق

۴ ساقی دربار ، رؤیای پادشاه را به طور کامل و دقیق برای یوسف (ع) بازگو کرد .

إنی أری سبع بقرت . .. أفتنا فی سبع بقرت ... و أُخر یابست

۵ ساقی دربار ، از یوسف (ع) خواست تا رؤیایی را که در آن هفت گاو لاغر دیده شده که هفت گاو چاق را می خورند و هفت خوشه سبز و خوشه هایی خشک دیده شده ، تعبیر کند .

أفتنا فی سبع بقرت سمان یأکلهنّ سبع عجاف و سبع سنبلت خضر و أُخر یابست

۶ رساندن تعبیر خواب پادشاه به مردم ، از انگیزه های مراجعه ساقی به یوسف (ع) جهت تعبیر خواب

أفتنا فی سبع بقرت . .. لعلّی أرجع إلی الناس

۷ شناساندن ارزش

و مقام یوسف (ع) به مردم ، از انگیزه های ساقی برای مراجعه به یوسف (ع) جهت تعبیر خواب

لعلّی أرجع إلی الناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۵

۵ ساقی پادشاه از طرف دربار برای آزادسازی یوسف (ع) و حاضر کردن او نزد پادشاه ، به سوی زندان روانه شد .

فلما جاءه الرسول

<ال> در <الرسول> عهد ذکری است و به قرینه (فأرسلون) در آیه ۴۵ معلوم می شود که این فرستاده ، همان ساقی پادشاه بود که برای دریافت تعبیر خواب به سوی یوسف(ع) فرستاده شده بود.

شگفتی رؤیای پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۳ - ۱،۲،۴

۱ پادشاه مصر ، پس از گذشت سالیانی از زندانی شدن یوسف (ع) ، رؤیایی شگفت دید .

و قال الملک إنی أری سبع بقرت سمان . .. إن کنتم للرءیا تعبرون

۲ هفت گاو چاق که هفت گاو لاغر به خوردن آنها پرداخته بودند و هفت خوشه سبز و خوشه هایی خشک ، رؤیای شگفت پادشاه مصر بود .

إنی أری سبع بقرت سمان . .. و أُخر یابست

<سمین> و <سمینه> (مفرد سِمان) به معنای چاق است. <اعجف> و <عجفاء> (مفرد عجاف) به معنای بسیار نحیف و لاغر است. تمییز <سبع> به قرینه جمله قبل ، <بقرات> است ; یعنی: یأکلهنّ سبع بقرات عجاف.

۴ پادشاه مصر ، رؤیای خویش (گاو های چاق و لاغر و خوشه های سبز و خشک) را رؤیایی شگفت ارزیابی کرد .

یأیها الملأ أفتونی فی رءیی

إن كنتم للرءيا تعبرون

مطرح كردن رؤيا براى گروهى از معبّران و اظهار ترديد در توانايى آنان براى تعبير آن رؤيا ، گوياى اين مطلب است كه ملك خواب خويش را امرى شگفت تلقى كرده بود.

شيطان و ساقى پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۴۲ - ۹

۹ شيطان ، عامل فراموشى ساقى از يادآور شدن يوسف (ع) نزد پادشاه

فأنسيه الشيطن ذكر ربه

ظلم پادشاه قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۷۹ - ۷،۸

۷- در زمان وقوع داستان موسى و خضر (ع) ، حكومتى ستم گر و غاصب وجود داشته است .

و كان وراءهم ملك يأخذ كلّ سفينه غصبًا

<وراء> به هر مكان مستور و پوشيده اى گر چه روبه رو باشد، اطلاق مى گردد. (قاموس) بنابراين، سلطان غاصب، يا پشت سر مساكين و در تعقيب كشتى داران بوده است و يا در پيش روى آنان بوده آن ها در مسير خود با او برخورد مى كردند.

۸- مقارن با وقوع داستان موسى و خضر (ع) ، پادشاهى ، كلّيه كشتى هاى سالم را در آن منطقه ، مصادره مى كرد .

و كان وراءهم ملك يأخذ كلّ سفينه غصبًا

مراد از <كلّ سفينه> به قرينه <أن أعيبها> <كلّ سفينه صالحه> بوده است.

عجز معبران پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۴۴ - ۲،۳

۲ خواب گزاران دربار ، تعبیر رؤیای مختلط و آشفته را خارج از قلمرو دانش خویش دانستند .

و ما نحن

بتأويل الأحلم بعلمين

<ال> در <الأحلام> عهد ذكرى است و اشاره به <أضغاث أحلام> دارد. بنابراين <ما نحن ...> ; يعنى: تأويل آن گونه از رؤياها را كه همانند بافه هاى چند رشته است ، نمى دانيم.

۳ معبّران دربار ، على رغم اظهار ناتوانى خويش از تعبير رؤياى پادشاه ، آن را داراى تعبير و تأويل مى دانستند .

قالوا . .. ما نحن بتأويل الأحلم بعلمين

مفاد جمله <و ما نحن . ..> اين است كه اين گونه رؤياها ، تعبير و تأويل دارد و لكن ما بدان واقف نيستيم.

عدالت پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۴۲ - ۲

۲ پادشاه مصر در ديدگاه يوسف (ع) ، انسان ستمگرى نبود كه نتوان به عدل و انصاف او اميد داشت .

اذكرنى عند ربك

از اينكه يوسف(ع) از ساقى پادشاه مى خواهد كه داستان مظلوميت او را نزد پادشاه بيان كند ، معلوم مى شود يوسف(ع) به دادخواهى وى اميد داشته است.

عقيده پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۹

۹ پادشاه مصر و درباريان او در مصر باستان و عصر يوسف (ع) ، به وجود خداوند و منزّه بودنش اعتقاد داشتند .

قلن حش لله

غارتگرى پادشاه قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۷۹ - ۱

۱- هدف خضر (ع) از اقدام به معیوب ساختن کشتی ، نجات دادن آن از غارت و مصادره سلطان غاصب بود .

أمّا السفینه . .. فأردت أن أعیبها

... يأخذ كلّ سفينه غصبًا

فراموشی ساقی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۲ - ۸

۸ ساقی پادشاه پس از رهایی از زندان ، درخواست یوسف (ع) (یادآوری وضعیت او) را فراموش کرد .

فأنسیه الشیطن ذکر ربه

<انساء> (مصدر أنساه) یعنی به فراموشی انداختن. ضمیر در <أنساه> و <ربه> به <الذی> - که مراد از آن ساقی پادشاه است - برمی گردد. بر این اساس، جمله <فأنساه ...> چنین معنا می شود: شیطان از خاطر ساقی زدود که داستان یوسف(ع) را نزد پادشاه یادآور شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۵ - ۲

۲ ساقی پادشاه (هم بند یوسف در زندان) ، مدتی مدید یوسف (ع) را از یاد برده و از گرفتاری او در زندان غافل شده بود .

و قال الذی نجا منهما وادّکر بعد أُمّه

نکره آوردن <اُمّه> می تواند حاکی از طولانی بودن آن باشد. جمله <فلبث فی السجن بضع سنین> در آیه ۴۲ ، مؤید این معناست.

فضایل پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۹،۱۰

۹ پادشاه مصر در عصر یوسف ، فردی با فراست و از حکمت و تدبیر برخوردار بود .

و قال الملک ائتونی به أستخلصه لنفسی فلما کلّمه قال إنک الیوم لدینا مکین أمین

۱۰ پادشاه مصر در عصر یوسف ، دوستدار پاکدامنان ، دانشمندان و درستکاران امین بود .

فلما كلّمه قال إنك اليوم لدينا مكين أمين

فواید آبخوری پادشاه مصر

جلد – نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۲ - ۳

۳ جام شاهی ، وسیله پیمانه کردن غلات برای تعیین سهمیه افراد در دوران قحطی هفت ساله مصر

جعل السقایه فی رحل أخیه . .. نفقد صواع الملک

تعبیر کردن از جام گمشده به <سقایه> (جام) و <صواع> (پیمانه) گویای این است که پیمانه مورد استفاده برای تعیین سهمیه افراد، همان ظرفی بود که پیش از سپردن آن به یوسف(ع) برای نوشیدن آب و مانند آن مورد استفاده پادشاه قرار می گرفته بود.

کیفر دزد آبخوری پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۴ - ۱،۲

۱ کارگزاران یوسف به فرزندان یعقوب اعلام کردند که در صورت شناسایی سارق ، وی را مجازات خواهند کرد .

قالوا فما جزؤه إن کنتم کذبین

۲ کارگزاران یوسف از متهمان (فرزندان یعقوب) خواستند ، تا خودشان کیفر سارق جام پادشاه را تعیین کنند .

قالوا فما جزؤه إن کنتم کذبین

ضمیر در <جزاؤه> به سارق جامی شاهی ، که از جمله های قبل استفاده می شود ، برمی گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۵ - ۱،۶

۱ فرزندان یعقوب ، برده شدن را کیفر و مجازات سرقت کننده جام پادشاه دانستند .

قالوا فما جزؤه . .. قالوا جزؤه من وجد فی رحله فهو جزؤه

مفاد جمله <فهو جزؤه> این است که سارق ملک کسی می شود که از اموال او دزدی شده است. در <مجمع البیان> آمده است که: مدت این استرقاق و ملکیت یک سال بوده است.

۶ < عن علی بن موسی

الرضا (ع) : کانت الحکومه فی بنی اسرائیل إذا سرق أحد شیئاً استرق به ، . . . فقال لهم یوسف : ما جزاء من وجد فی رحله ؟ قالوا : هو جزاؤه . . . ;

از امام رضا(ع) روایت شده است: [قانون] در حکومت بنی اسرائیل چنین بود که اگر کسی چیزی را می دزدید، در مقابل آن به بردگی گرفته می شد . .. پس یوسف به کاروانیان گفت: جزای کسی که [آن جام] در بار او یافت شود چیست؟ گفتند: خود او جزای آن است ... [که باید به بردگی گرفته شود]>.

گفتگوی یوسف(ع) با پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۴،۵

۴ یوسف (ع) و پادشاه در نخستین ملاقاتشان با یکدیگر ، درباره رؤیای پادشاه ، تعبیر یوسف (ع) و گزینش او به سمت مشاور ، به گفت و گو پرداختند .

و قال الملک ائتونی به أستخلصه لنفسی فلما کلّمه

اگرچه در آیه شریفه تصریح نشده که پادشاه و یوسف(ع) درباره چه موضوعی گفت و گو کردند ; ولی قراین حالیه و مقالیه حاکی است که موضوع سخن درباره رؤیای پادشاه و تعبیر یوسف(ع) و نیز دعوت از یوسف(ع) به همکاری و مشاوره و. .. بوده است.

۵ گفت و گوی یوسف (ع) با پادشاه در نخستین ملاقات ، موجب توجه بیشتر و اعتماد افزون تر پادشاه به او شد .

فلما کلّمه قال إنک الیوم لدینا مکین أمین

ظاهر این است که ضمیر فاعلی در <کلّمه> به یوسف(ع) و ضمیر مفعولی آن به پادشاه برگردد.

ترتب جمله <قال إنک...> مؤید این نظر است و چون پادشاه پس از گفت وگوی یوسف(ع) با وی اظهار داشت: <إنک الیوم ...>، معلوم می شود سخنان یوسف(ع) باعث توجه افزون تر پادشاه به او شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۵ - ۱،۳،۱۶،۱۸

۱ یوسف (ع) از پادشاه خواست وی را به وزارت کشاورزی مصر و تصدی انبار های غله ، منصوب کند .

قال اجعلنی علی خزائن الأرض

از آن جا که یوسف(ع) در تعبیر رؤیای پادشاه بیان داشت که باید هفت سال با جدیّت به امر کاشت و برداشت و ذخیره سازی ارزاق بپردازند، چنین برمی آید که مقصود وی از <مرا بر گنجینه های زمین بگمار> این است که امور یاد شده را به من بسپار ; یعنی، امر کشت و برداشت (وزارت کشاورزی) و نیز انبارهای غلّه در اختیار من باشد.

۳ یوسف (ع) دلیل صلاحیت خویش برای تصدی امور غذایی مردم مصر را برای پادشاه بیان کرد .

اجعلنی علی خزائن الأرض إنی حفیظ علیم

جمله <إنی حفیظ علیم>تعلیل برای <اجعلنی. ..>است.

۱۶ < عن علی بن موسی الرضا (ع) : . . . ان یوسف (ع) . . . لما دفعته الضروره إلی تولی خزائن العزیز قال : اجعلنی علی خزائن الأرض . . . ;

از امام رضا(ع) روایت شده است: . .. هنگامی که ضرورت ایجاب کرد ، یوسف سرپرستی خزاین عزیز مصر را بپذیرد گفت: <اجعلنی علی خزائن الأرض ...>.

۱۸ < عن أبی عبدالله (ع) أنه قال لقوم ممّن یظهرون الزّهد و یدعون الناس

أن یکونوا معهم علی مثل الـذی هم علیه من التقشّف . . . أخبرونی أین أنتم عن . . .یوسف النبی (ع) حیث قال لملک مصـر : < اجعلنی علی خزائن الأ‌رض . . . > فکـان من أمره الـذی کـان أن اختـار مملکه الملک و ما حول ها إلی الیمن . . . فلم نجد أحداً عاب ذلک علیه . . . ;

از امـام صـادق(ع) روایت شـده خطـاب به گروهی که اظهـار زهـد می کردنـد و مردم را دعوت می نمودنـد که هماننـد آنـان زنـدگی را بر خود سـخت گیرنـد . .. فرمود: مرا خبر دهیـد شـما دربـاره یوسف پیغمبر(ع) چگونه می اندیشـید که او به پادشاه مصـر گفت: <اجعلنی علی خزائن الأرض ...>؟ پس کار یوسف به آن جا رسید که همه کشور پادشاه و اطراف آن تا یمن را در اختیار گرفت ... در عین حال نیافتیم کسی را که این را بر او عیب گرفته باشد ...>.

گم شدن آبخوری پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۰ - ۹

۹ < عن أبی عبـدالله علیه السـلام . . . قـال : إنهم سـرقوا یوسف من أبیه ألاـ تری أنه قـال لهم حین قالوا : ماذا تفقـدون ؟ قالوا : نفقد صواع الملک ، و لم یقولوا : سرقتم صواع الملک ، إنما عنی أنکم سرقتم یوسف من أبیه ;

از امام صادق(ع) روایت شـده است [که در پاسخ سؤال مردی که از <إنکم لسارقون> پرسـیده بود]فرمود: آنان یوسف را از پدرش سرقت کرده بودند. آیا توجه نمی کنی که هنگامی

که برادران یوسف گفتند: چه چیزی گم کرده اید؟ او و کارگزارانش به آنان گفتند: <پیمانه پادشاه را گم کرده ایم> و نگفتند: پیمانه پادشاه را دزدیدید. جز این نیست که نظر یوسف بر این بود که شما یوسف را از پدرش سرقت کردید>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۲ - ۱

۱ گم شدن جام آبخوری پادشاه ، دلیل ارائه شده به فرزندان یعقوب برای متوقف ساختن و بازجویی از آنان

ماذا تفقدون. قالوا نفقد صواع الملک

<صواع> به معنای پیمانه است.

محدوده اختیارات پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۶ - ۱۲

۱۲ وضع قوانین و مقررات حکومت مصر در زمان وزارت یوسف (ع) ، در اختیار پادشاه بود .

ما کان لیأخذ أخاه فی دین الملک

مدیریت پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۹

۹ پادشاه مصر در عصر یوسف ، فردی با فراست و از حکمت و تدبیر برخوردار بود .

و قال الملک ائتونی به أستخلصه لنفسی فلما کلّمه قال إنک الیوم لدینا مکین أمین

مشاور مخصوص پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۲،۴

۲ پادشاه مصر در فراخوانی یوسف (ع) به دربار ، یادآور شد که وی را مشاور ویژه خویش خواهد ساخت .

قال الملك ائتونی به أستخلصه لنفسی

آن گاه که آدمی کسی را محرم اسرار خود قرار دهد و در امور خویش وی را مداخله دهد، گفته می شود:

<أستخلصه> (برگرفته شده از لسان العرب). بنابراين <أستخلصه لنفسى> ; يعنى، تا يوسف(ع) را محرم اسرار خويش سازم و در اداره امور مملكتى او را مداخله دهم. از اين معنا مى توان به مشاور مخصوص تعبير كرد.

۴ يوسف (ع) و پادشاه در نخستين ملاقاتشان با يكديگر ، درباره رؤياى پادشاه ، تعبير يوسف (ع) و گزينش او به سمت مشاور ، به گفت و گو پرداختند .

و قال الملك ائتونى به أستخلصه لنفسى فلما كلّمه

اگرچه در آيه شريفه تصريح نشده كه پادشاه و يوسف(ع) درباره چه موضوعى گفت و گو كردند ; ولى قراين حاليه و مقاليه حاكى است كه موضوع سخن درباره رؤياى پادشاه و تعبير يوسف(ع) و نيز دعوت از يوسف(ع) به همكارى و مشاوره و. .. بوده است.

معبران پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۴۴ - ۱

۱ خواب گزاران دربار ، رؤياى شگفت پادشاه مصر را رؤيايى آشفته و داراى رشته هاى گوناگون و نامشخص ، قلمداد كردند .

قالوا أضغث أحلم

<ضغث> (مفرد أضغاث) به دسته و بافه اى از گياه گفته مى شود. خواب گزاران با تشبيه رؤياى پادشاه به دسته ها و بافه هاى متعدد، به اين معنا اشاره دارند كه: رؤياى وى داراى رشته ها و اجزايى چند است، به گونه اى كه كشف ارتباط آنها با يكديگر و تفسير مجموعه آن، دشوار و يا ناممكن است.

مكان كشف آبخورى پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۷۶ - ۳

۳ يوسف (ع) در بازرسى

بار بنیامین ، جام شاهی را از بار وی بیرون آورد .

ثم استخرجها من وعاء أخیه

ضمیر مفعولی در <استخرجها> به <صواع> و یا <سقایه> باز می گردد. قابل ذکر است که آوردن فعل <استخرج> (بیرون آورد) به جای <وجد> (یافت) به خاطر این است که یوسف(ع) می دانست جام شاهی در اثاثیه بنیامین است.

ملاقات پادشاه مصر با یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۸

۸ پادشاه مصر در پی ملاقاتش با یوسف (ع) و احراز شخصیت و دانش او ، به وی اعلام کرد که در دستگاه حکومتی ، رأیی نافذ و فرمانی مطاع خواهد داشت .

فلما كلّمه قال إنك اليوم لدينا مكين أمين

به کسی که دارای منزلتی والا و شأنی رفیع باشد <مکین> گفته می شود. <أمین> نیز به کسی گفته می شود که از خیانت بپرهیزد و به صداقت گفتارش و درستی رفتارش اطمینان باشد. سخن پادشاه (تو نزد ما منزلتی والا داری) کنایه از این است که: دستوراتت نافذ است و آنچه در امر حکومت پیشنهاد کنی مورد قبول است.

منشأ فراموشی ساقی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۲ - ۹

۹ شیطان ، عامل فراموشی ساقی از یادآور شدن یوسف (ع) نزد پادشاه

فأنسیه الشیطن ذکر ربه

نجات ساقی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۵ - ۱

۱ یکی از دو هم بند زندانی یوسف (ع) ، از مرگ و زندان نجات پیدا کرد و

به دربار راه یافت و دیگری به اعدام محکوم شد .

و قال الذی نجا منهما

نقش ساقی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۱

۱ پادشاه مصر از طریق ساقی و فرستاده دربار به نزد یوسف (ع) از تعبیر رؤیای شگفت خویش آگاه شد .

و قال الملک ائتونی به

ویژگیهای آبخوری پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۲ - ۲۰

۲۰ < عن أبی عبدالله (ع) فی قوله : < صواع الملک > قال : کان قدحاً من ذهب و قال : کان صواع یوسف إذ کیل به قال : لعن الله الخوّان لاتخونوا به بصوت حسن ;

امام صادق(ع) درباره سخن خداوند <صواع الملک> فرمود: جامی از طلا بوده است و فرمود: جام یوسف چنین بود که هرگاه با آن پیمانه می شد، با صدای خوش می گفت: خدا لعنت کند خیانت کنندگان را، در پیمانه خیانت نکنید>.

همسر پادشاه مصر در مجلس زلیخا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۲ - ۴

۴ همسر پادشاه مصر از زنان حاضر در مجلس مهمانی زلیخا و دلباخته یوسف (ع) بود .

ذلک لیعلم أنی لم أخنه بالغیب

بر این مبنا که ضمیر در <یعلم> و <لم أخنه> به <ملک> باز گردد ، از جمله <ذلک لیعلم . ..> معلوم می شود که همسر ملک نیز در زمره زنانی بود که دستهای خویش را بریدند.

همسر پادشاه مصر و یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۵۲ – ۴

۴ همسر پادشاه مصر از زنان حاضر در مجلس مهمانی زلیخا و دلباخته یوسف (ع) بود .

ذلک لیعلم أنی لم أخنه بالغیب

بر این مبنا که ضمیر در <یعلم> و <لم أخنه> به <ملک> باز گردد ، از جمله <ذلک لیعلم . ..> معلوم می شود که همسر ملک نیز در زمره زنانی بود که دستهای خویش را بریدند.

یوسف(ع) و پادشاه مصر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۴۲ – ۲

۲ پادشاه مصر در دیدگاه یوسف (ع) ، انسان ستمگری نبود که نتوان به عدل و انصاف او امید داشت .

اذکرنی عند ربک

از اینکه یوسف(ع) از ساقی پادشاه می خواهد که داستان مظلومیت او را نزد پادشاه بیان کند ، معلوم می شود یوسف(ع) به دادخواهی وی امید داشته است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۵۰ – ۱،۷،۱۴،۱۶،۱۷،۱۸

۱ پادشاه مصر از طریق ساقی و فرستاده دربار به نزد یوسف (ع) از تعبیر رؤیای شگفت خویش آگاه شد .

و قال الملک ائتونی به

۷ بازجویی از زنانی که در ماجرای میهمانی زلیخا دست های خویش را بریدند ، شرط یوسف (ع) برای بیرون آمدن از زندان و حاضر شدن در نزد پادشاه

قال ارجع إلی ربک فسئله ما بال النسوه الّتی قطعن أیدیهنّ

۱۴ یوسف (ع) با ابلاغ بی گناهی خویش به پادشاه ، بر این نکته تأکید کرد که زندانی شدنش نتیجه مکر و کید زنان اشراف

بوده است .

إن ربی

بکیدهنّ علیم

۱۶ یوسف (ع) در پیامش به پادشاه ، خداوند را حقیقتی آگاه به امور انسان ها معرفی کرد .

إن ربی بکیدهنّ علیم

۱۷ یوسف (ع) در پیامش به پادشاه مصر ، خداوند را رب و مدبر خویش معرفی کرد .

فسئله ما بال النسوه . .. إن ربی بکیدهنّ علیم

۱۸ یوسف (ع) در پیامش به پادشاه ، به او گوشزد کرد که وی را رب و مالک خویش نخواهد دانست و خود را بنده او نخواهد شمرد .

إن ربی بکیدهنّ علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۲ - ۳،۱۲،۱۳

۳ یوسف (ع) با تقاضای دادرسی و درخواست بازجویی از زنان ، درصدد بود تا به پادشاه اثبات کند که هرگز با همسر وی رابطه نامشروع نداشته و به او خیانت نکرده است .

ذلک لیعلم أنی لم أخنه بالغیب

برداشت فوق ، بر این اساس است که ضمیر در <یعلم> و <لم أخنه> به <ملک> باز گردد.

۱۲ یوسف (ع) با تقاضای دادرسی درصدد بود به پادشاه مصر ثابت کند که خیانتکاران هرگز به پیروزی نمی رسند و مکرشان فرجامی ندارد .

ذلک لیعلم . .. أن الله لایهدی کید الخائنین

چنان چه گذشت عبارت <أن الله لایهدی . ..> عطف بر <أنی ...> است ; یعنی: <ذلک لیعلم أن الله ...>. این بدان خاطر بود که عزیز و یا پادشاه بداند که خداوند مکر خیانتکاران را به ثمر نمی نشاند.

۱۳ تلاش یوسف (ع) برای متوجه ساختن پادشاه مصر به نقش تعیین کننده سنن و اراده الهی در شکل گیری حوادث

و رخدادها

ذلک لیعلم . .. أن الله لایهدی کید الخائنین

یوسف(ع) و رد دعوت پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۲ - ۱

۱ یوسف (ع) در زندان مصر ، علت های نپذیرفتن دعوت پادشاه و حاضر نشدن در نزد او و تقاضای دادرسی را بیان کرد .

قال ارجع إلی ربک . .. ذلک لیعلم

در اینکه جمله <ذلک لیعلم . ..> تا آخر آیه بعد کلام یوسف(ع) است یا سخن زلیخا، دو نظر ابراز شده است. دلایل متعددی مؤید نظر نخست است که به برخی از آنها اشاره می شود: ۱- ظاهر این است که <أن الله ...> عطف بر <أنی لم أخنه ...> باشد ; یعنی: <ذلک لیعلم... أن الله لایهدی ...>. این معنا محتمل نیست که سخن زلیخا باشد. ۲- آنچه در آیه بعد آمده، حقایق و معارفی بلند است که اعتقاد و باور به آنها از زنی چون زلیخا که در سلک مشرکان است برنمی آید.

یوسف(ع) و ساقی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۲ - ۱

۱ یوسف (ع) از هم بند خویش ، ساقی پادشاه ، خواست تا پس از رهایی ، داستان او را برای پادشاه بیان کند .

وقال للذی ظنّ أنه ناج منهما اذکرنی عند ربک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۶

۶ یوسف (ع) پیک دربار را باز گرداند تا از پادشاه بخواهد درباره ماجرای مهمانان زلیخا تحقیق کند .

قال

ارجع إلی ربک فسئله ما بال النسوه

<بال> به معنای شأن و کار مهم است و مراد از آن در آیه شریفه ، ماجرا و داستان می باشد.

یوسف(ع) و همسر پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۲ - ۳

۳ یوسف (ع) با تقاضای دادرسی و درخواست بازجویی از زنان ، درصدد بود تا به پادشاه اثبات کند که هرگز با همسر وی رابطه نامشروع نداشته و به او خیانت نکرده است .

ذلک لیعلم أنی لم أخنه بالغیب

برداشت فوق ، بر این اساس است که ضمیر در <یعلم> و <لم أخنه> به <ملک> باز گردد.

پادشاه مصر

{پادشاه مصر}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۶ - ۱۳

۱۳ یوسف (ع) در زمان قحطی مصر ، پادشاه آن دیار نبود .

ما کان لیأخذ أخاه فی دین الملک

آبخوری پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۰ - ۳

۳ یوسف (ع) به هنگام آماده کردن محموله برادرانش ، آبخوری مخصوص را در محموله بنیامین قرار داد .

فلما جهّزهم بجهازهم جعل السقایه فی رحل أخیه

<سقایه> به ظرفی گفته می شود که برای آب خوردن از آن استفاده می شود. <ال> تعریف در آن می رساند که ظرف ویژه ای بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۶ - ۵

۵ گذاشتن جام شاهی در اثاثیه بنیامین ، جویا$ شدن از مجازات سارق در آیین فرزندان یعقوب و تفتیش

بار بنیامین پس از سایر برادران ، از الهامات خدا به یوسف (ع) برای نگه داشتن بنیامین نزد خود بود .

کذلک کدنا لیوسف

<کذلک> اشاره به مجموعه طرح و نقشه ای دارد که آیات ۷۰ تا ۷۵ بیانگر آن بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۷ - ۱

۱ برادران یوسف با مشاهده جام شاهی در اثاثیه بنیامین ، وی را سارق آن جام شناختند و به آن اعتراف کردند .

قالوا إن یسرق فقد سرق أخ له من قبل

آگاهی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۴

۴ پادشاه مصر پیش از بازجویی از زنان اشراف ، به تقاضای آنان (درخواست کام روایی) از یوسف (ع) و بی گناهی او آگاه شده بود .

قال ما خطبکنّ إذ رودتنّ یوسف عن نفسه

<إذ> بدل اشتمال برای <خطبکنّ> است و بیانگر مقصود پادشاه از ماجرایی است که درباره آن بازجویی می کرد. بنابراین <ما خطبکنّ ...> ; یعنی، داستان شما چیست؟ منظورم آن داستانی است که تقاضای کام روایی از یوسف می کردید. تصریح شاه به اینکه شما زنان از یوسف(ع) تقاضا کردید، می رساندکه وی به مراوده آنان و بی گناهی یوسف(ع) آگاهی یافته بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۲ - ۲

۲ آگاه شدن عزیز مصر به پرهیز یوسف (ع) از رابطه نامشروع با همسر وی ، از اهداف یوسف (ع) در تقاضای دادرسی و بازجویی از زنان اشراف

ذلک

لیعلم أنی لم أخنه بالغیب

چنان چه <ذلک لیعلم . ..> کلام یوسف(ع) باشـد، مشارالیه <ذلك> خارج نشدن از زندان و تقاضای دادرسـی و محاکمه زنان اشـراف است. ضمیر در <یعلم> و <لم أخنه> می تواند به <عزیز> باز گردد و می تواند مراد از آن <ملك> باشد. برداشت فوق بر اساس احتمال نخست است. بنابراین <ذلك لیعلم ...> ; یعنی، بیرون نرفتن من از زنـدان و تقاضای دادرسـی بدان خاطر بود که عزیز مصر بداند من در نهان به او خیانتی نکردم.

ابلاغ تعبیر رؤیای پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۶ - ۶

۶ رساندن تعبیر خواب پادشاه به مردم ، از انگیزه های مراجعه ساقی به یوسف (ع) جهت تعبیر خواب

أفتنا فی سبع بقرت . .. لعلّی أرجع إلی الناس

ارزش آبخوری پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۰ - ۸

۸ جام پنهان شده در محموله بنیامین ، ظرفی قیمتی و با ارزش بود .

جعل السقایه . .. أذّن مؤذّن أیّتها العیر إنکم لسرقون

از این که بر فرزنـدان یعقوب اطلاـق شـده که سارقیـد نه سـرقت کردیـد و اینکه مؤذّن مسأله را علنی اعلام می نمایـد و آن را تکرار می کنـد، همچنین از اینکه یوسف(ع) می توانست سارق جام را برده خویش سازد، معلوم می شود که آن جام، ظرفی با ارزش و قیمتی بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۲ - ۶

۶ پیمانه مفقود شده در بارگاه یوسف ، دارای ارزشی

فراوان

نفقد صواع الملک و لمن جاء به حمل بعیر

از این که برای یابنـده پیمـانه دربـار یـک بـار شتر غله تعیین شـد که طبعاً در زمان قحطی و جیره بنـدی ارزش فراوانی داشت ، معلوم می شود پیمانه مذکور ظرفی قیمتی و ارزشمند بوده است.

استیذان ساقی پادشاه مصر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۴۶ – ۱

۱ ساقی دربار با اجازه پادشاه ، به طرف زندان شتافت و با یوسف (ع) ملاقات کرد .

فأرسلون. یوسف أیّها الصدیق أفتنا

اطمینان پادشاه مصر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۵۰ – ۲

۲ پادشاه مصر به راستی و درستی تعبیر و تفسیر یوسف (ع) ار رؤیای شگفتش ، اطمینان یافت .

و قال الملک ائتونی به

از اینکه پادشـاه مصـر پس از شـنیدن تعبیر و تأویل خواب خویش ، یوسف(ع) را احضار می کنـد ، معلوم می شود وی دریافته بود که تعبیر یوسف(ع) عالمانه و شایسته اعتنا کردن است.

اطمینان ساقی پادشاه مصر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۴۵ – ۵

۵ ساقی پادشاه ، به توانمندی یوسف (ع) در تعبیر رؤیای شگفت پادشاه ، اطمینان داشت .

أنا أُنَبِّئکم بتأویله فأرسلون

ترکیب <أنا أَنبِّئکم> دلالت بر تأکیـد مضـمون جمله دارد و این ، حاکی از اطمینان ساقی دربار به آگاهی ویژه یوسف(ع) از تعبیر رؤیاهاست.

اعتماد پادشاه مصر به یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۵

۵ گفت و گوی

یوسف (ع) با پادشاه در نخستین ملاقات ، موجب توجه بیشتر و اعتماد افزون تر پادشاه به او شد .

فلما کلّمه قال إنک الیوم لدینا مکین أمین

ظاهر این است که ضمیر فاعلی در <کلّمه> به یوسف(ع) و ضمیر مفعولی آن به پادشاه برگردد. ترتب جمله <قال إنک...> مؤید این نظر است و چون پادشاه پس از گفت وگوی یوسف(ع) با وی اظهار داشت: <إنک الیوم ...>، معلوم می شود سخنان یوسف(ع) باعث توجه افزون تر پادشاه به او شد.

اقرار معبران پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۴ - ۲،۳

۲ خواب گزاران دربار ، تعبیر رؤیای مختلط و آشفته را خارج از قلمرو دانش خویش دانستند .

و ما نحن بتأویل الأحلم بعلمین

<ال> در <الأحلام> عهد ذکری است و اشاره به <أضغاث أحلام> دارد. بنابراین <ما نحن ...> ; یعنی: تأویل آن گونه از رؤیاها را که همانند بافه های چند رشته است ، نمی دانیم.

۳ معبّران دربار ، علی رغم اظهار ناتوانی خویش از تعبیر رؤیای پادشاه ، آن را دارای تعبیر و تأویل می دانستند .

قالوا . .. ما نحن بتأویل الأحلم بعلمین

مفاد جمله <و ما نحن . ..> این است که این گونه رؤیاها ، تعبیر و تأویل دارد و لکن ما بدان واقف نیستیم.

اوامر پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۴

۴ پادشاه مصر پس از دریافت تعبیر رؤیایش ، به آزادی یوسف (ع) از زندان و بار یافتن او به دربار فرمان داد .

و قال

الملك ائتونی به . .. قال ارجع

از اینکه یوسف(ع) با فرستاده پادشاه از زندان خارج نمی شود و به دربار نمی آید ، معلوم می شود فرمان پادشاه مبنی بر احضار او (ائتونی به) احضار اجباری نبوده است ; بلکه دستور به آزادی آن حضرت از زندان و بار یافتن به دربار بوده است.

اهداف ساقی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۶ - ۶،۷

۶ رساندن تعبیر خواب پادشاه به مردم ، از انگیزه های مراجعه ساقی به یوسف (ع) جهت تعبیر خواب

أفتنا فی سبع بقرت . .. لعلّی أرجع إلی الناس

۷ شناساندن ارزش و مقام یوسف (ع) به مردم ، از انگیزه های ساقی برای مراجعه به یوسف (ع) جهت تعبیر خواب

لعلّی أرجع إلی الناس

بازجویی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۱،۲،۳

۱ پادشاه مصر به منظور بازجویی از زنان اشراف درباره ماجرایشان با یوسف (ع) آنان را احضار کرد .

قال ما خطبکنّ

۲ پادشاه مصر داستان یوسف و زنان اشراف را ، ماجرایی بزرگ ارزیابی کرد و خود عهده دار بازجویی از زنان اشراف شد .

قال ما خطبکنّ إذ رودتنّ یوسف عن نفسه

<خطب> به معنای کار و امر بزرگ است. و مراد از آن در این جا داستان و ماجراست.

۳ بازجویی پادشاه از زنان اشراف ، پاسخی به پیام و تقاضای یوسف (ع) بود .

فسئله ما بال النسوه . .. قال ما خطبکنّ

بینش پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۵۱ – ۲

۲ پادشاه مصر داستان یوسف و زنان اشراف را ، ماجرایی بزرگ ارزیابی کرد و خود عهده دار بازجویی از زنان اشراف شد .

قال ما خطبکنّ إذ رودتنّ یوسف عن نفسه

<خطب> به معنای کار و امر بزرگ است. و مراد از آن در این جا داستان و ماجراست.

بینش ساقی پادشاه مصر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۴۶ – ۸

۸ ساقی ، احتمال می داد دربار مانع رساندن تعبیر خواب پادشاه به مردم شود .

لعلّی أرجع إلی الناس لعلّهم یعلمون

پادشاه مصر و اشراف مصر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۴۳ – ۶

۶ پادشاه مصر ، از معبّران و بزرگان دربار خواست تا رؤیای شگفتش را تعبیر کنند .

و قال الملک إنی أری . .. یأیها الملأ أفتونی

<ملأ> به معنای بزرگان است ، که به مناسبت مورد می توان گفت: مراد از آن در آیه شریفه ، خواب گزاران دربار است که از موقعیتی خاص برخوردار بودند و از بزرگان و دانشمندان محسوب می شدند.

پادشاه مصر و امینان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۵۴ – ۱۰

۱۰ پادشاه مصر در عصر یوسف ، دوستدار پاکدامنان ، دانشمندان و درستکاران امین بود .

فلما کلّمه قال إنک الیوم لدینا مکین أمین

پادشاه مصر و بردگی یوسف(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۵۴ – ۱۲

۱۲ الغای حکم بردگی یوسف (ع)

به دست پادشاه مصر *

ائتونی به أستخلصه . .. قال إنک الیوم لدینا مکین أمین

جمله <أستخلصه لنفسی> و نیز متروک شدن قصه بردگی یوسف(ع) در ادامه داستان او ، می تواند گویای برداشت فوق باشد.

پادشاه مصر و بی گناهی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۲ - ۱۴

۱۴ پادشاه مصر در صورت آگاهی از وضعیت یوسف (ع) ، او را از زندان آزاد می کرد .

فأنسیه الشیطن ذکر ربه فلبث فی السجن بضع سنین

<لبث> به معنای اقامت کردن (ماندگار شدن) است. برداشت فوق ، از تفریع جمله <لبث ...> بر جمله قبل معلوم می شود ; یعنی ، شیطان ساقی پادشاه را به فراموشی انداخت و در نتیجه ، یوسف(ع) چند سال دیگر در زندان ماندگار شد.

پادشاه مصر و خواسته های یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۶ - ۱

۱ پادشاه مصر ، پیشنهاد یوسف (ع) را پذیرفت و مدیریت کشت و برداشت محصولات و ذخیره سازی و توزیع آنها را به او سپرد .

اجعلنی علی خزائن الأرض . .. و کذلک مکّنّا لیوسف فی الأرض

پادشاه مصر و زنان اشراف مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۱،۲،۴

۱ پادشاه مصر به منظور بازجویی از زنان اشراف درباره ماجرایشان با یوسف (ع) آنان را احضار کرد .

قال ما خطبكنّ

۲ پادشاه مصر داستان یوسف و زنان اشراف را ، ماجرایی بزرگ ارزیابی کرد و خود عهده دار بازجویی از زنان

اشراف شد .

قال ما خطبکنّ إذ رودتنّ یوسف عن نفسه

<خطب> به معنای کار و امر بزرگ است. و مراد از آن در این جا داستان و ماجراست.

۴ پادشاه مصر پیش از بازجویی از زنان اشراف ، به تقاضای آنان (درخواست کام روایی) از یوسف (ع) و بی گناهی او آگاه شده بود .

قال ما خطبکنّ إذ رودتنّ یوسف عن نفسه

<إذ> بدل اشتمال برای <خطبکنّ> است و بیانگر مقصود پادشاه از ماجرایی است که درباره آن بازجویی می کرد. بنابراین <ما خطبکنّ ...> ; یعنی، داستان شما چیست؟ منظورم آن داستانی است که تقاضای کام روایی از یوسف می کردید. تصریح شاه به اینکه شما زنان از یوسف(ع) تقاضا کردید، می رساند که وی به مراوده آنان و بی گناهی یوسف(ع) آگاهی یافته بود.

پادشاه مصر و عفیفان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۵۴ – ۱۰

۱۰ پادشاه مصر در عصر یوسف ، دوستدار پاکدامنان ، دانشمندان و درستکاران امین بود .

فلما کلّمه قال إنک الیوم لدینا مکین أمین

پادشاه مصر و علما

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۵۴ – ۱۰

۱۰ پادشاه مصر در عصر یوسف ، دوستدار پاکدامنان ، دانشمندان و درستکاران امین بود .

فلما کلّمه قال إنک الیوم لدینا مکین أمین

پادشاه مصر و قصه یوسف(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۵۱ – ۲

۲ پادشاه مصر داستان یوسف و زنان اشراف را ، ماجرایی بزرگ ارزیابی کرد و خود عهده دار بازجویی از زنان اشراف

شد .

قال ما خطبكنّ إذ رودتنّ يوسف عن نفسه

<خطب> به معنای کار و امر بزرگ است. و مراد از آن در این جا داستان و ماجراست.

پادشاه مصر و معبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۳ - ۶،۷

۶ پادشاه مصر ، از معبّران و بزرگان دربار خواست تا رؤیای شگفتش را تعبیر کنند .

و قال الملک إنی أری . .. یأیها الملأ أفتونی

<ملأ> به معنای بزرگان است ، که به مناسبت مورد می توان گفت: مراد از آن در آیه شریفه ، خواب گزاران دربار است که از موقعیتی خاص برخوردار بودند و از بزرگان و دانشمندان محسوب می شدند.

۷ پادشاه مصر درباره توان خواب گزاران دربار بر تعبیر رؤیایش ، تردید داشت .

أفتونی فی رءیی إن کنتم للرءیا تعبرون

برداشت فوق ، از <إن> شرطیه در جمله <إن کنتم . ..> استفاده می شود.

پادشاه مصر و یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۳

۳ پادشاه مصر پس از دریافت تعبیر رؤیایش ، خواهان حضور یوسف (ع) در نزد خویش شد .

و قال الملک ائتونی به

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۳،۴

۳ بازجویی پادشاه از زنان اشراف ، پاسخی به پیام و تقاضای یوسف (ع) بود .

فسئله ما بال النسوه . .. قال ما خطبکنّ

۴ پادشاه مصر پیش از بازجویی از زنان اشراف ، به تقاضای آنان (درخواست کام روایی) از یوسف (ع) و بی گناهی او

آگاه شده بود .

قال ما خطبکنّ إذ رودتنّ یوسف عن نفسه

<إذ> بدل اشتمال برای <خطبکنّ> است و بیانگر مقصود پادشاه از ماجرایی است که درباره آن بازجویی می کرد. بنابراین <ما خطبکنّ ...> ; یعنی، داستان شما چیست؟ منظورم آن داستانی است که تقاضای کام روایی از یوسف می کردید. تصریح شاه به اینکه شما زنان از یوسف(ع) تقاضا کردید، می رساندکه وی به مراوده آنان و بی گناهی یوسف(ع) آگاهی یافته بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۱،۲

۱ پادشاه مصر پس از آشکار شدن بی گناهی و کمال عفت و پاکدامنی یوسف (ع) ، به دیدار او دل بست و با فرمانی مجدد او را به دربار خویش فراخواند .

ذلک لیعلم أنی لم أخنه . .. و قال الملک ائتونی به أستخلصه لنفسی

۲ پادشاه مصر در فراخوانی یوسف (ع) به دربار ، یادآور شد که وی را مشاور ویژه خویش خواهد ساخت .

قال الملک ائتونی به أستخلصه لنفسی

آن گاه که آدمی کسی را محرم اسرار خود قرار دهد و در امور خویش وی را مداخله دهد، گفته می شود: <أستخلصه> (برگرفته شده از لسان العرب). بنابراین <أستخلصه لنفسی> ; یعنی، تا یوسف(ع) را محرم اسرار خویش سازم و در اداره امور مملکتی او را مداخله دهم. از این معنا می توان به مشاور مخصوص تعبیر کرد.

تعبیر رؤیای پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۷ - ۱،۴

۱ هفت گاو چاق در رؤیای پادشاه ، نمودی از هفت سال آبادانی

مصر و فراوانی محصول بود .

قال تزرعون سبع سنین دأبًا

<هفت سال با جدیت زراعت کنید> گویای هفت سال آبادانی است و ظاهر این است که یوسف(ع) این معنا را از <سبع بقرات سمان> استفاده کرده بود.

۴ خوشه های سبز و خشک در رؤیای ملک ، پیامدار لزوم زراعت محصولات خوشه دار در طی هفت سال آبادانی

فما حصدتم فذروه فی سنبله

جمله <تزرعون . ..> هر چند جمله ای خبری است، ولی به قرینه <فذروه ...> در مقام انشا بوده و مراد از آن معنای دستوری است. بنابراین <تزرعون ...> ; یعنی، هفت سال با جدیت تمام به زراعت بپردازید. مراد یوسف(ع) از زراعت - به قرینه <فذروه فی سنبله> کشت حبوبات خوشه دار است و یوسف(ع) کشت آن را از <سبع سنبلات خضر ...> استفاده کرده بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۸ - ۱،۶

۱ وقوع هفت سال قحطی و سختی پس از هفت سال آبادانی ، تعبیر یوسف (ع) از هفت گاو لاغر در رؤیای پادشاه مصر

ثم یأتی من بعد ذلک سبع شداد

<شداد> (جمع شدید) از مصدر <شده> (سختی و دشواری) گرفته شده است و مراد از <سبع شداد> هفت سال قحطی و خشکسالی است و مشارالیه <ذلک> هفت سال آبادانی می باشد.

۶ گاو های لاغر در رؤیا ، نشانه پیشامد سختی ها و دشواریهاست و تعداد آنها حاکی از تعداد سالهاست .

یأکلهنّ سبع عجاف . .. ثم یأتی من بعد ذلک سبع شداد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۹ - ۱

۱ یوسف (

ع) فرا رسیدن سالی پر باران و سرشار از نعمت را در پی سپری شدن هفت سال قحطی ، به مردم و حکومت مصر بشارت داد .

ثم یأتی من بعد ذلک عام فیه یغاث الناس

فعل <یغاث> ممکن است از غیث (باران) مشتق شده و محتمل است از غوث (یاری کردن) گرفته شده باشد. در صورت اول <یغاث الناس> ; یعنی، بر مردم باران نازل می شود و در صورت دوم ; یعنی، مردم یاری می شوند. بر هر مبنا بشارت به پایان قحطی و شروع آبادانی است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۵۰ – ۱

۱ پادشاه مصر از طریق ساقی و فرستاده دربار به نزد یوسف (ع) از تعبیر رؤیای شگفت خویش آگاه شد .

و قال الملک ائتونی به

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۵۸ – ۱

۱ پیشگویی یوسف (ع) بر مبنای رؤیای پادشاه ، به حقیقت پیوست و قحطی و خشکسالی ، مصر و اطراف آن (کنعانو . . .) را فرا گرفت .

و جاء إخوه یوسف فدخلوا علیه

آمدن برادران یوسف از کنعان به مصر برای دریافت آذوقه و نبود آذوقه در غیر آن دیار که <منع منا الکیل> در آیه ۶۳ حاکی از آن است دلالت می کند که قحطی علاوه بر مصر ، اطراف و نواحی آن را نیز فرا گرفته بود.

جایزه یابنده آبخوری پادشاه مصر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۷۲ – ۵،۷

۵ یک بار

شتر غلّه ، جایزه تعیین شده از جانب یوسف (ع) برای آورنده جام شاهی

و لمن جاء به حمل بعیر

۷ یوسف (ع) خود متعهد به پرداخت جایزه و اجرت به آورنده جام مفقودشده *

و لمن جاء به حمل بعیر و أنا به زعیم

مقصود از <أنا> در <و أنا به زعیم> یوسف(ع) و یا رئیس و مسؤول کارگزاران او می باشد. برداشت فوق ناظر به احتمال نخست است.

جنس آبخوری پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۲ - ۲۰

۲۰ < عن أبی عبدالله (ع) فی قوله : < صواع الملک > قال : کان قدحاً من ذهب و قال : کان صواع یوسف إذ کیل به قال : لعن الله الخوّان لاتخونوا به بصوت حسن ;

امام صادق(ع) درباره سخن خداوند <صواع الملک> فرمود: جامی از طلا بوده است و فرمود: جام یوسف چنین بود که هرگاه با آن پیمانه می شد، با صدای خوش می گفت: خدا لعنت کند خیانت کنندگان را، در پیمانه خیانت نکنید>.

حکمت پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۹

۹ پادشاه مصر در عصر یوسف ، فردی با فراست و از حکمت و تدبیر برخوردار بود .

و قال الملک ائتونی به أستخلصه لنفسی فلما کلّمه قال إنک الیوم لدینا مکین أمین

خواسته های پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۳ - ۶

۶ پادشاه مصر ، از معبّران و بزرگان دربار خواست تا رؤیای شگفتش را

تعبیر کنند .

و قال الملک إنی أری . .. یأیها الملأ أفتونی

<ملأ> به معنای بزرگان است ، که به مناسبت مورد می توان گفت: مراد از آن در آیه شریفه ، خواب گزاران دربار است که از موقعیتی خاص برخوردار بودند و از بزرگان و دانشمندان محسوب می شدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۳

۳ پادشاه مصر پس از دریافت تعبیر رؤیایش ، خواهان حضور یوسف (ع) در نزد خویش شد .

و قال الملک ائتونی به

خواسته های ساقی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۵ - ۷

۷ ساقی دربار ، از پادشاه و بزرگان دربار خواست وی را به زندان نزد یوسف (ع) بفرستند تا تعبیر خواب را از او جویا شود .

أنا أُنَبِّئکم بتأویله فأرسلون

حرف <ن> در <فأرسلون> نون وقایه و کسره آن، حاکی از <یاء> متکلم محذوف است. متعلق آن (إلی یوسف فی السجن) نیز به خاطر وضوحش، در کلام آورده نشده است. بنابر این <فأرسلون> ; یعنی: پس مرا به سوی یوسف(ع) - که در زندان است - بفرستید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۶ - ۵

۵ ساقی دربار ، از یوسف (ع) خواست تا رؤیایی را که در آن هفت گاو لاغر دیده شده که هفت گاو چاق را می خورند و هفت خوشه سبز و خوشه هایی خشک دیده شده ، تعبیر کند .

أفتنا فی سبع بقرت سمان یأکلهنّ سبع عجاف و سبع

سنبلت خضر و أَخر یابست

درخواست تعبیر رؤیای پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۶ - ۵

۵ ساقی دربار ، از یوسف (ع) خواست تا رؤیایی را که در آن هفت گاو لاغر دیده شده که هفت گاو چاق را می خورند و هفت خوشه سبز و خوشه هایی خشک دیده شده ، تعبیر کند .

أفتنا فی سبع بقرت سمان یأکلهنّ سبع عجاف و سبع سنبلت خضر و أُخر یابست

رؤیای پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۳ - ۲،۳،۵،۸

۲ هفت گاو چاق که هفت گاو لاغر به خوردن آنها پرداخته بودند و هفت خوشه سبز و خوشه هایی خشک ، رؤیای شگفت پادشاه مصر بود .

إنی أری سبع بقرت سمان . .. و أُخر یابست

<سمین> و <سمینه> (مفرد سِمان) به معنای چاق است. <اعجف> و <عجفاء> (مفرد عجاف) به معنای بسیار نحیف و لاغر است. تمییز <سبع> به قرینه جمله قبل ، <بقرات> است ; یعنی: یأکلهنّ سبع بقرات عجاف.

۳ ملک مصر ، رؤیای شگفت خویش را به طور مکرر دیده بود .

إنی أری سبع بقرت سمان

ظاهر آن بود که ملک در بیان رؤیای خویش، فعل ماضی <رأیت> (در خواب دیدم) به کار می برد. آوردن فعل مضارع <أری> (در خواب می بینم) می تواند اشاره به استمرار آن رؤیا باشد ; یعنی، چندین شب چنین دیده ام، به گونه ای که گمان دارم دوباره نیز خواهم دید.

۵ گاو های چاق و لاغر و خوشه های سبز و خشک ، در یک

رؤیای پادشاه بودند نه هر کدام در رؤیایی جداگانه .

إنی أری سبع بقرت . .. و سبع سنبلت خضر

برداشت فوق، از تکرار نشدن <أری> در بیان دیدن خوشه های سبز و خشک استفاده می شود ; زیرا اگر پادشاه خوشه ها را در غیر رؤیایی که در آن گاوها را مشاهده کرده بود می دید، ظاهر آن بود که فعل <أری> در <سبع سنبلات. ..> تکرار می شد. مفرد آوردن <رؤیای> در جمله <أفتونی فی رؤیای> نیز حکایت از این معنا دارد.

۸ پادشاه مصر ، از رؤیای خویش دریافت که آن رؤیا علاوه بر حکایت از حادثه ای غیر منتظره گویای توصیه و دستورالعملی نیز هست .

أفتونی فی رءیی إن کنتم للرءیا تعبرون

<افتاء> (مصدر أفتونی) به معنای بیان کردن حکم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۶ - ۴

۴ ساقی دربار ، رؤیای پادشاه را به طور کامل و دقیق برای یوسف (ع) بازگو کرد .

إنی أری سبع بقرت . .. أفتنا فی سبع بقرت ... و أُخر یابست

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۷ - ۲،۳،۵،۶،۷

۲ رؤیای پادشاه مصر دربردارنده رمزهایی گویای پیشامدهایی شیرین و تلخ طی یک دوره پانزده ساله

قال تزرعون سبع سنین دأبًا

جمله <تزرعون سبع سنین دأباً> (هفت سال با جدیت زراعت کنید) گویای هفت سال آبادانی و جمله <ثم یأتی من بعد ذلک سبع شداد> در آیه بعد گویای هفت سال قحطی و خشکسالی است و جمله <ثم یأتی من بعد ذلک عام . ..> گویای سالی پر باران

پس از هفت سال قحطی می باشد. بنابراین رؤیای پادشاه، بیانگر حوادثی از یک دوره پانزده ساله بود.

۳ رؤیای پادشاه مصر گویای برنامه و دستورالعملی برای مصون ماندن از مشکلات و حوادث تلخ و دشوار آینده

قال تزرعون سبع سنین دأبًا فما حصدتم فذروه فی سنبله

ظاهر این است که یوسف(ع) حقایق و دستورالعملهایی را که در بیان رؤیای پادشاه یادآور شده بود ، از آن رؤیا استفاده کرده باشد. بنابراین آن رؤیا در ضمن حکایت از دوره پانزده ساله ، گویای دستورالعمل نیز بوده است.

۵ لزوم جدیت و تلاش بسیار برای زراعت در هفت سال نخست ، پیامی نهفته در رؤیای پادشاه مصر

سبع بقرت سمان . .. قال تزرعون سبع سنین دأبًا

<دأب> مصدر و به معنای تلاش کردن است و <دأباً> در آیه شریفه در موضع اسم فاعل (دائبین) قرار گرفته و حال برای فاعل <تزرعون> می باشد ; از این رو دلالت بر تلاش فراوان دارد. به نظر می رسد یوسف(ع) از چاق بودن گاوها چنین استنباط کرد که: باید با تلاش فراوان و به دست آوردن محصولات، انبارها را از مواد غذایی و غلات پر کنند.

۶ خوشه های خشک در رؤیای پادشاه ، پیامدار لزوم ذخیره سازی محصولات کشت و درو شده به همراه خوشه های آن

و أُخر یابست . .. فما حصدتم فذروه فی سنبله

از آن جا که دستور فوق (فذروه فی سنبله) با این قسمت از رؤیای پادشاه که خوشه های خشک را دیده بود ، تناسب دارد ; زیرا خوشه های خشک آماده برای ذخیره شدن است ، می توان گفت: یوسف(ع) از عبارت <اُخر یابسات> دستور فوق را استنباط کرده

بود.

۷ لزوم صرفه جویی در مصرف محصولات هفت ساله ، پیامی نهفته در رؤیای ملک

فما حصدتم فذروه فی سنبله إلاّ قلیلاً مما تأکلون

<حصاد> (مصدر حصدتم) به معنای درو کردن است و <ذروا> فعل امر و به معنای <رها سازید> می باشد. <من> در <مما> بیانیه و <إلاّ قلیلاً> استثنا از <ما> در <ما حصدتم ...> است، بنابراین مفاد جمله <فما حصدتم ...> چنین می شود: آنچه را درو می کنید در خوشه ها رها کنید (آنها را نکوبید و دانه ها را از خوشه ها جدا نسازید) مگر مقدار اندکی که به مصرف خوراکی می رسانید. تنها این مقدار از برداشت را بکوبید و از خوشه ها جدا سازید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۸ - ۲،۳،۵

۲ رؤیای پادشاه ، گویای تأخّر سال های قحطی از هفت سال آبادانی بود .

ثم یأتی من بعد ذلک سبع شداد

به نظر می رسد یوسف(ع) از اینکه در رؤیای پادشاه گاوهای لاغر به خوردن گاوهای چاق پرداخته اند، دریافت که سالهای قحطی پس از سالهای آبادانی رخ خواهد داد. تقدم ذکری گاوهای چاق بر گاوهای لاغر در بیان رؤیا نیز می تواند دلیل دیگری برای یوسف(ع) در این تعبیر باشد.

۳ استفاده از ارزاق ذخیره شده در سال های آبادانی طی هفت سال خشکسالی ، از پیام های نهفته در رؤیای پادشاه مصر

ثم یأتی من بعد ذلک سبع شداد یأکلن ماقدمتم لهنّ

ضمیر در <یأکلن> و <لهنّ> به <سبع شداد> باز می گردد و مراد از <ما قدّمتم لهنّ> (آنچه برای آن سالها پیش فرستاده اید) ارزاق ذخیره شده در سالهای آبادانی

است. بنابراین <یأکلن ...> ; یعنی، سالهای قحطی ذخایری را که در سالهای آبادانی تهیه دیده اید، می خورند.

۵ لزوم مصرف نکردن همه ذخایر غذایی در سالیان قحطی ، پیامی نهفته در رؤیای پادشاه مصر

یأکلن ما قدمتم لهنّ إلاّ قلیلاً مما تحصنون

فعل مضارع <یأکلهنّ> در نقل رؤیای پادشاه (آیه ۴۶) گویای این نکته بود که گاوهای لاغر به خوردن گاوهای چاق پرداختند، ولی آنها را به تمامی نخوردند و گرنه فعل ماضی <اَکَلهنّ> به کار می برد. به نظر می رسد یوسف(ع) از نکته یاد شده دریافته بود که باید مقداری از غلات باقی بماند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۹ - ۲

۲ خواب پادشاه ، گویای آمدن سالی پر برکت پس از سال های قحطی

أفتنا . .. ثم یأتی من بعد ذلک عام فیه یغاث الناس

یوسف(ع) از آن جایی که گاوهای لاغر در رؤیای پادشاه هفت رأس بودند ، دریافت که پس از گذشت هفت سال ، قحطی پایان می پذیرد و پایان پذیرفتن قحطی به این است که باران فرو ریزد ، گیاهان رشد کند و میوه جات فراوان گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۴

۴ یوسف (ع) و پادشاه در نخستین ملاقاتشان با یکدیگر ، درباره رؤیای پادشاه ، تعبیر یوسف (ع) و گزینش او به سمت مشاور ، به گفت و گو پرداختند .

و قال الملک ائتونی به أستخلصه لنفسی فلما کلّمه

اگرچه در آیه شریفه تصریح نشده که پادشاه و یوسف(ع) درباره چه موضوعی گفت و گو

کردند ; ولی قراین حالیه و مقالیه حاکی است که موضوع سخن درباره رؤیای پادشاه و تعبیر یوسف(ع) و نیز دعوت از یوسف(ع) به همکاری و مشاوره و. .. بوده است.

زلیخا و پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۱۸

۱۸ زلیخا در حضور پادشاه مصر ، بر صداقت و راستگویی یوسف (ع) تأکید کرد .

و إنه لمن الصدقین

ساقی پادشاه مصر و عجز معبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۵ - ۳

۳ ساقی پادشاه (هم بند یوسف در زندان) با مشاهده درماندگی خواب گزاران از تعبیر رؤیای پادشاه ، یوسف (ع) و دانش او از تعبیر رؤیا را به یاد آورد .

و قال الذی نجا منهما وادّکر بعد أُمّه

<ادّکر> (به یاد آورد) از ماده <ذکر> و در اصل <اذتکر> بوده که بر اساس قواعد صرفی ، <ادّکر> شده است. <اُمّه> در آیه شریفه ، به معنای مدت و زمان است.

ساقی پادشاه مصر و یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۵ - ۲،۳،۴،۶،۷

۲ ساقی پادشاه (هم بند یوسف در زندان) ، مدتی مدید یوسف (ع) را از یاد برده و از گرفتاری او در زندان غافل شده بود .

و قال الذی نجا منهما وادّکر بعد أُمّه

نکره آوردن <اُمّه> می تواند حاکی از طولانی بودن آن باشد. جمله <فلبث فی السجن بضع سنین> در آیه ۴۲ ، مؤید این

معناست.

۳ ساقی پادشاه (هم بند یوسف

در زندان) با مشاهده درماندگی خواب گزاران از تعبیر رؤیای پادشاه ، یوسف (ع) و دانش او از تعبیر رؤیا را به یاد آورد .

و قال الذی نجا منهما وادّکر بعد أُمّه

<ادّکر> (به یاد آورد) از ماده <ذکر> و در اصل <اذتکر> بوده که بر اساس قواعد صرفی ، <ادّکر> شده است. <أُمّه> در آیه شریفه ، به معنای مدت و زمان است.

۴ ساقی دربار ، یوسف (ع) را برای تعبیر رؤیای پادشاه معرفی کرد .

أنا أُنبّئکم بتأویله فأرسلون

۶ ساقی پادشاه مصر ، با بیان دانش یوسف (ع) ، خاطر نشان ساخت که او در زندان به سر می برد .

أنا أُنبئکم بتأویله فأرسلون

تفریع جمله <أرسلون> به وسیله حرف <فاء> بر جمله <أنا أُنبّئکم بتأویله> می رساند که: ساقی دربار ، ماجرای یوسف(ع) و زندانی بودن او را در حد ضرورت بیان کرده بود.

۷ ساقی دربار ، از پادشاه و بزرگان دربار خواست وی را به زندان نزد یوسف (ع) بفرستند تا تعبیر خواب را از او جویا شود .

أنا أُنبّئکم بتأویله فأرسلون

حرف <ن> در <فأرسلون> نون وقایه و کسره آن، حاکی از <یاء> متکلم محذوف است. متعلق آن (إلی یوسف فی السجن) نیز به خاطر وضوحش، در کلام آورده نشده است. بنابر این <فأرسلون> ; یعنی: پس مرا به سوی یوسف(ع) - که در زندان است - بفرستید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۶ - ۱،۲،۳،۴،۵،۶،۷

۱ ساقی دربار با اجازه پادشاه ، به طرف زندان شتافت و با یوسف (ع) ملاقات کرد .

فأرسلون. یوسف

أیّها الصدیق أفتنا

۲ ساقی دربار ، یوسف (ع) را انسانی بسیار راستگو نامید و با لقب < صدّیق > او را مخاطب قرار داد .

یوسف أیّها الصدیق

۳ ساقی پادشاه در ملاقاتش با یوسف (ع) ، راستی و درستی تعبیر او را از رؤیای خویش بازگو کرد .

یوسف أیّها الصدیق

۴ ساقی دربار ، رؤیای پادشاه را به طور کامل و دقیق برای یوسف (ع) بازگو کرد .

إنی أری سبع بقرت . .. أفتنا فی سبع بقرت ... و أُخر یابست

۵ ساقی دربار ، از یوسف (ع) خواست تا رؤیایی را که در آن هفت گاو لاغر دیده شده که هفت گاو چاق را می خورند و هفت خوشه سبز و خوشه هایی خشک دیده شده ، تعبیر کند .

أفتنا فی سبع بقرت سمان یأکلهنّ سبع عجاف و سبع سنبلت خضر و أُخر یابست

۶ رساندن تعبیر خواب پادشاه به مردم ، از انگیزه های مراجعه ساقی به یوسف (ع) جهت تعبیر خواب

أفتنا فی سبع بقرت . .. لعلّی أرجع إلی الناس

۷ شناساندن ارزش و مقام یوسف (ع) به مردم ، از انگیزه های ساقی برای مراجعه به یوسف (ع) جهت تعبیر خواب

لعلّی أرجع إلی الناس

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۵۰ – ۵

۵ ساقی پادشاه از طرف دربار برای آزادسازی یوسف (ع) و حاضر کردن او نزد پادشاه ، به سوی زندان روانه شد .

فلما جاءه الرسول

<ال> در <الرسول> عهد ذکری است و به قرینه (فأرسلون) در آیه ۴۵ معلوم می شود

که این فرستاده ، همان ساقی پادشاه بود که برای دریافت تعبیر خواب به سوی یوسف(ع) فرستاده شده بود.

شگفتی رؤیای پادشاه مصر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۴۳ – ۱،۲،۴

۱ پادشاه مصر ، پس از گذشت سالیانی از زندانی شدن یوسف (ع) ، رؤیایی شگفت دید .

و قال الملک إنی أری سبع بقرت سمان . .. إن کنتم للرءیا تعبرون

۲ هفت گاو چاق که هفت گاو لاغر به خوردن آنها پرداخته بودند و هفت خوشه سبز و خوشه هایی خشک ، رؤیای شگفت پادشاه مصر بود .

إنی أری سبع بقرت سمان . .. و أُخر یابست

<سمین> و <سمینه> (مفرد سِمان) به معنای چاق است. <اعجف> و <عجفاء> (مفرد عجاف) به معنای بسیار نحیف و لاغر است. تمییز <سبع> به قرینه جمله قبل ، <بقرات> است ; یعنی: یأکلهنّ سبع بقرات عجاف.

۴ پادشاه مصر ، رؤیای خویش (گاو های چاق و لاغر و خوشه های سبز و خشک) را رؤیایی شگفت ارزیابی کرد .

یأیها الملأ أفتونی فی رءیی إن کنتم للرءیا تعبرون

مطرح کردن رؤیا برای گروهی از معبّران و اظهار تردید در توانایی آنان برای تعبیر آن رؤیا ، گویای این مطلب است که ملک خواب خویش را امری شگفت تلقی کرده بود.

شیطان و ساقی پادشاه مصر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۴۲ – ۹

۹ شیطان ، عامل فراموشی ساقی از یادآور شدن یوسف (ع) نزد پادشاه

فأنسیه الشیطن ذکر ربه

عجز معبران پادشاه مصر

آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۴ - ۲،۳

۲ خواب گزاران دربار ، تعبیر رؤیای مختلط و آشفته را خارج از قلمرو دانش خویش دانستند .

و ما نحن بتأویل الأحلم بعلمین

<ال> در <الأحلام> عهد ذکری است و اشاره به <أضغاث أحلام> دارد. بنابراین <ما نحن ...> ; یعنی: تأویل آن گونه از رؤیاها را که همانند بافه های چند رشته است ، نمی دانیم.

۳ معبّران دربار ، علی رغم اظهار ناتوانی خویش از تعبیر رؤیای پادشاه ، آن را دارای تعبیر و تأویل می دانستند .

قالوا . .. ما نحن بتأویل الأحلم بعلمین

مفاد جمله <و ما نحن . ..> این است که این گونه رؤیاها ، تعبیر و تأویل دارد و لکن ما بدان واقف نیستیم.

عدالت پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۲ - ۲

۲ پادشاه مصر در دیدگاه یوسف (ع) ، انسان ستمگری نبود که نتوان به عدل و انصاف او امید داشت .

اذکرنی عند ربک

از اینکه یوسف(ع) از ساقی پادشاه می خواهد که داستان مظلومیت او را نزد پادشاه بیان کند ، معلوم می شود یوسف(ع) به دادخواهی وی امید داشته است.

عقیده پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۱ - ۹

۹ پادشاه مصر و درباریان او در مصر باستان و عصر یوسف (ع) ، به وجود خداوند و منزّه بودنش اعتقاد داشتند .

قلن حش لله

فراموشی ساقی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۲ -

۸ ساقی پادشاه پس از رهایی از زندان ، درخواست یوسف (ع) (یادآوری وضعیت او) را فراموش کرد .

فأنسیه الشیطن ذکر ربه

<انساء> (مصدر أنساه) یعنی به فراموشی انداختن. ضمیر در <أنساه> و <ربه> به <الذی> - که مراد از آن ساقی پادشاه است - برمی گردد. بر این اساس، جمله <فأنساه ...> چنین معنا می شود: شیطان از خاطر ساقی زدود که داستان یوسف(ع) را نزد پادشاه یادآور شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۵ - ۲

۲ ساقی پادشاه (هم بند یوسف در زندان) ، مدتی مدید یوسف (ع) را از یاد برده و از گرفتاری او در زندان غافل شده بود .

و قال الذی نجا منهما وادّکر بعد أُمّه

نکره آوردن <اُمّه> می تواند حاکی از طولانی بودن آن باشد. جمله <فلبث فی السجن بضع سنین> در آیه ۴۲ ، مؤید این معناست.

فضایل پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۹،۱۰

۹ پادشاه مصر در عصر یوسف ، فردی با فراست و از حکمت و تدبیر برخوردار بود .

و قال الملک ائتونی به أستخلصه لنفسی فلما کلّمه قال إنک الیوم لدینا مکین أمین

۱۰ پادشاه مصر در عصر یوسف ، دوستدار پاکدامنان ، دانشمندان و درستکاران امین بود .

فلما کلّمه قال إنک الیوم لدینا مکین أمین

فواید آبخوری پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۷۲ – ۳

۳ جام شاهی ، وسیله پیمانه کردن غلات برای تعیین سهمیه افراد

در دوران قحطی هفت ساله مصر

جعل السقایه فی رحل أخیه . .. نفقد صواع الملک

تعبیر کردن از جام گمشده به <سقایه> (جام) و <صواع> (پیمانه) گویای این است که پیمانه مورد استفاده برای تعیین سهمیه افراد، همان ظرفی بود که پیش از سپردن آن به یوسف(ع) برای نوشیدن آب و مانند آن مورد استفاده پادشاه قرار می گرفته بود.

کیفر دزد آبخوری پادشاه مصر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۷۴ – ۱،۲

۱ کارگزاران یوسف به فرزندان یعقوب اعلام کردند که در صورت شناسایی سارق ، وی را مجازات خواهند کرد .

قالوا فما جزؤه إن کنتم کذبین

۲ کارگزاران یوسف از متهمان (فرزندان یعقوب) خواستند ، تا خودشان کیفر سارق جام پادشاه را تعیین کنند .

قالوا فما جزؤه إن کنتم کذبین

ضمیر در <جزاؤه> به سارق جامی شاهی ، که از جمله های قبل استفاده می شود ، برمی گردد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۷۵ – ۱،۶

۱ فرزندان یعقوب ، برده شدن را کیفر و مجازات سرقت کننده جام پادشاه دانستند .

قالوا فما جزؤه . .. قالوا جزؤه من وجد فی رحله فهو جزؤه

مفاد جمله <فهو جزؤه> این است که سارق ملک کسی می شود که از اموال او دزدی شده است. در <مجمع البیان> آمده است که: مدت این استرقاق و ملکیت یک سال بوده است.

۶ < عن علی بن موسی الرضا (ع) : کانت الحکومه فی بنی اسرائیل إذا سرق أحد شیئاً استرق به ، . . . فقال لهم یوسف : ما

جزاء من وجد فی رحله ؟ قالوا : هو جزاؤه . . . ;

از امام رضا(ع) روایت شده است: [قانون] در حکومت بنی اسرائیل چنین بود که اگر کسی چیزی را می دزدید، در مقابل آن به بردگی گرفته می شد . .. پس یوسف به کاروانیان گفت: جزای کسی که [آن جام] در بار او یافت شود چیست؟ گفتند: خود او جزای آن است ... [که باید به بردگی گرفته شود]>.

گفتگوی یوسف(ع) با پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۴،۵

۴ یوسف (ع) و پادشاه در نخستین ملاقاتشان با یکدیگر ، درباره رؤیای پادشاه ، تعبیر یوسف (ع) و گزینش او به سمت مشاور ، به گفت و گو پرداختند .

و قال الملك ائتونی به أستخلصه لنفسی فلما كلّمه

اگرچه در آیه شریفه تصریح نشده که پادشاه و یوسف(ع) درباره چه موضوعی گفت و گو کردند ; ولی قراین حالیه و مقالیه حاکی است که موضوع سخن درباره رؤیای پادشاه و تعبیر یوسف(ع) و نیز دعوت از یوسف(ع) به همکاری و مشاوره و. .. بوده است.

۵ گفت و گوی یوسف (ع) با پادشاه در نخستین ملاقات ، موجب توجه بیشتر و اعتماد افزون تر پادشاه به او شد .

فلما كلّمه قال إنك اليوم لدينا مكين أمين

ظاهر این است که ضمیر فاعلی در <کلّمه> به یوسف(ع) و ضمیر مفعولی آن به پادشاه برگردد. ترتب جمله <قال إنك...> مؤید این نظر است و چون پادشاه پس از گفت وگوی یوسف(ع) با وی اظهار داشت: <إنك اليوم ...>، معلوم می

شود سخنان یوسف(ع) باعث توجه افزون تر پادشاه به او شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۵ - ۱،۳،۱۶،۱۸

۱ یوسف (ع) از پادشاه خواست وی را به وزارت کشاورزی مصر و تصدی انبار های غله ، منصوب کند .

قال اجعلنی علی خزائن الأرض

از آن جا که یوسف(ع) در تعبیر رؤیای پادشاه بیان داشت که باید هفت سال با جدیّت به امر کاشت و برداشت و ذخیره سازی ارزاق بپردازند، چنین برمی آید که مقصود وی از <مرا بر گنجینه های زمین بگمار> این است که امور یاد شده را به من بسپار ; یعنی، امر کشت و برداشت (وزارت کشاورزی) و نیز انبارهای غلّه در اختیار من باشد.

۳ یوسف (ع) دلیل صلاحیت خویش برای تصدی امور غذایی مردم مصر را برای پادشاه بیان کرد .

اجعلنی علی خزائن الأرض إنی حفیظ علیم

جمله <إنی حفیظ علیم>تعلیل برای <اجعلنی. ..>است.

۱۶ < عن علی بن موسی الرضا (ع) : . . . ان یوسف (ع) . . . لما دفعته الضروره إلی تولی خزائن العزیز قال : اجعلنی علی خزائن الأرض . . . ;

از امام رضا(ع) روایت شده است: . .. هنگامی که ضرورت ایجاب کرد ، یوسف سرپرستی خزاین عزیز مصر را بپذیرد گفت: <اجعلنی علی خزائن الأرض ...>.

۱۸ < عن أبی عبدالله (ع) أنه قال لقوم ممّن یظهرون الزّهد و یدعون الناس أن یکونوا معهم علی مثل الذی هم علیه من التقشّف . . . أخبرونی أین أنتم عن . . .یوسف النبی (ع) حیث

قـال لملـك مصـر : < اجعلنی علی خزائن الأـرض . . . > فکـان من أمره الـذی کـان أن اختار مملکه الملک و ما حول ها إلی الیمن . . . فلم نجد أحداً عاب ذلک علیه . . . ;

از امـام صـادق(ع) روایت شـده خطـاب به گروهی که اظهـار زهـد می کردنـد و مردم را دعوت می نمودنـد که هماننـد آنـان زنـدگی را بر خود سـخت گیرنـد . .. فرمود: مرا خبر دهیـد شـما دربـاره یوسف پیغمبر(ع) چگونه می اندیشـید که او به پادشاه مصـر گفت: <اجعلنی علی خزائن الأرض ...>؟ پس کار یوسف به آن جا رسید که همه کشور پادشاه و اطراف آن تا یمن را در اختیار گرفت ... در عین حال نیافتیم کسی را که این را بر او عیب گرفته باشد ...>.

گم شدن آبخوری پادشاه مصر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۷۰ – ۹

۹ < عن أبی عبـدالله علیه السـلام . . . قـال : إنهم سـرقوا یوسف من أبیه ألاـ تری أنه قـال لهم حین قالوا : ماذا تفقـدون ؟ قالوا : نفقد صواع الملک ، و لم یقولوا : سرقتم صواع الملک ، إنما عنی أنکم سرقتم یوسف من أبیه ;

از امام صادق(ع) روایت شـده است [که در پاسخ سؤال مردی که از <إنکم لسارقون> پرسـیده بود]فرمود: آنان یوسف را از پـدرش سـرقت کرده بودنـد. آیـا تـوجه نمی کنی کـه هنگـامی کـه برادران یوسـف گفتنـد: چـه چیزی گـم کرده ایـد؟ او و کارگزارانش به آنان گفتند: <پیمانه پادشاه را گم کرده ایم> و نگفتند: پیمانه پادشاه

را دزدیدید. جز این نیست که نظر یوسف بر این بود که شما یوسف را از پدرش سرقت کردید>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۲ - ۱

۱ گم شدن جام آبخوری پادشاه ، دلیل ارائه شده به فرزندان یعقوب برای متوقف ساختن و بازجویی از آنان

ماذا تفقدون. قالوا نفقد صواع الملک

<صواع> به معنای پیمانه است.

محدوده اختیارات پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۶ - ۱۲

۱۲ وضع قوانین و مقررات حکومت مصر در زمان وزارت یوسف (ع) ، در اختیار پادشاه بود .

ما کان لیأخذ أخاه فی دین الملک

مدیریت پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۹

۹ پادشاه مصر در عصر یوسف ، فردی با فراست و از حکمت و تدبیر برخوردار بود .

و قال الملک ائتونی به أستخلصه لنفسی فلما کلّمه قال إنک الیوم لدینا مکین أمین

مشاور مخصوص پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۲،۴

۲ پادشاه مصر در فراخوانی یوسف (ع) به دربار ، یادآور شد که وی را مشاور ویژه خویش خواهد ساخت .

قال الملك ائتونی به أستخلصه لنفسی

آن گاه که آدمی کسی را محرم اسرار خود قرار دهد و در امور خویش وی را مداخله دهد، گفته می شود: <أستخلصه> (برگرفته شده از لسان العرب). بنابراین <أستخلصه لنفسی> ; یعنی، تا یوسف(ع) را محرم اسرار خویش سازم و در اداره امور مملکتی او را

مداخله دهم. از این معنا می توان به مشاور مخصوص تعبیر کرد.

۴ یوسف (ع) و پادشاه در نخستین ملاقاتشان با یکدیگر ، درباره رؤیای پادشاه ، تعبیر یوسف (ع) و گزینش او به سمت مشاور ، به گفت و گو پرداختند .

و قال الملک ائتونی به أستخلصه لنفسی فلما کلّمه

اگرچه در آیه شریفه تصریح نشده که پادشاه و یوسف(ع) درباره چه موضوعی گفت و گو کردند ; ولی قراین حالیه و مقالیه حاکی است که موضوع سخن درباره رؤیای پادشاه و تعبیر یوسف(ع) و نیز دعوت از یوسف(ع) به همکاری و مشاوره و. .. بوده است.

معبران پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۴ - ۱

۱ خواب گزاران دربار ، رؤیای شگفت پادشاه مصر را رؤیایی آشفته و دارای رشته های گوناگون و نامشخص ، قلمداد کردند .

قالوا أضغث أحلم

<ضغث> (مفرد أضغاث) به دسته و بافه ای از گیاه گفته می شود. خواب گزاران با تشبیه رؤیای پادشاه به دسته ها و بافه های متعدد، به این معنا اشاره دارند که: رؤیای وی دارای رشته ها و اجزایی چند است، به گونه ای که کشف ارتباط آنها با یکدیگر و تفسیر مجموعه آن، دشوار و یا ناممکن است.

مکان کشف آبخوری پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۶ - ۳

۳ یوسف (ع) در بازرسی بار بنیامین ، جام شاهی را از بار وی بیرون آورد .

ثم استخرجها من وعاء أخیه

ضمیر مفعولی در <استخرجها> به <صواع> و یا <سقایه> باز

می گردد. قابل ذکر است که آوردن فعل <استخرج> (بیرون آورد) به جای <وجد> (یافت) به خاطر این است که یوسف(ع) می دانست جام شاهی در اثاثیه بنیامین است.

ملاقات پادشاه مصر با یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۴ - ۸

۸ پادشاه مصر در پی ملاقاتش با یوسف (ع) و احراز شخصیت و دانش او ، به وی اعلام کرد که در دستگاه حکومتی ، رأیی نافذ و فرمانی مطاع خواهد داشت .

فلما كلّمه قال إنك اليوم لدينا مكين أمين

به کسی که دارای منزلتی والا و شأنی رفیع باشد <مکین> گفته می شود. <أمین> نیز به کسی گفته می شود که از خیانت بپرهیزد و به صداقت گفتارش و درستی رفتارش اطمینان باشد. سخن پادشاه (تو نزد ما منزلتی والا داری) کنایه از این است که: دستوراتت نافذ است و آنچه در امر حکومت پیشنهاد کنی مورد قبول است.

منشأ فراموشی ساقی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۲ - ۹

۹ شیطان ، عامل فراموشی ساقی از یادآور شدن یوسف (ع) نزد پادشاه

فأنسيه الشيطن ذكر ربه

نجات ساقی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۵ - ۱

۱ یکی از دو هم بند زندانی یوسف (ع) ، از مرگ و زندان نجات پیدا کرد و به دربار راه یافت و دیگری به اعدام محکوم شد .

و قال الذی نجا منهما

نقش ساقی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۵۰ – ۱

۱ پادشاه مصر از طریق ساقی و فرستاده دربار به نزد یوسف (ع) از تعبیر رؤیای شگفت خویش آگاه شد .

و قال الملک ائتونی به

ویژگیهای آبخوری پادشاه مصر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۷۲ – ۲۰

۲۰ < عن أبی عبدالله (ع) فی قوله : < صواع الملک > قال : کان قدحاً من ذهب و قال : کان صواع یوسف إذ کیل به قال : لعن الله الخوّان لاتخونوا به بصوت حسن ;

امام صادق(ع) درباره سخن خداوند <صواع الملک> فرمود: جامی از طلا بوده است و فرمود: جام یوسف چنین بود که هرگاه با آن پیمانه می شد، با صدای خوش می گفت: خدا لعنت کند خیانت کنندگان را، در پیمانه خیانت نکنید>.

همسر پادشاه مصر در مجلس زلیخا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۵۲ – ۴

۴ همسر پادشاه مصر از زنان حاضر در مجلس مهمانی زلیخا و دلباخته یوسف (ع) بود .

ذلک لیعلم أنی لم أخنه بالغیب

بر این مبنا که ضمیر در <یعلم> و <لم أخنه> به <ملک> باز گردد ، از جمله <ذلک لیعلم . ..> معلوم می شود که همسر ملک نیز در زمره زنانی بود که دستهای خویش را بریدند.

همسر پادشاه مصر و یوسف(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۵۲ – ۴

۴ همسر پادشاه مصر از زنان حاضر در مجلس مهمانی زلیخا و دلباخته یوسف (

ع) بود .

ذلک لیعلم أنی لم أخنه بالغیب

بر ایـن مبنـا که ضـمیر در <یعلم> و <لم أخنه> به <ملـك> بـاز گردد ، از جمله <ذلـك لیعلم . ..> معلـوم می شـود که همسر ملك نیز در زمره زنانی بود که دستهای خویش را بریدند.

یوسف(ع) و پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۲ - ۲

۲ پادشاه مصر در دیدگاه یوسف (ع) ، انسان ستمگری نبود که نتوان به عدل و انصاف او امید داشت .

اذکرنی عند ربک

از اینکه یوسف(ع) از سـاقی پادشاه می خواهـد که داسـتان مظلومیت او را نزد پادشاه بیان کنـد ، معلوم می شود یوسف(ع) به دادخواهی وی امید داشته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۱،۷،۱۴،۱۶،۱۷،۱۸

۱ پادشاه مصر از طریق ساقی و فرستاده دربار به نزد یوسف (ع) از تعبیر رؤیای شگفت خویش آگاه شد .

و قال الملك ائتونی به

۷ بـازجویی از زنـانی که در مـاجرای میهمـانی زلیخـا دست های خویش را بریدنـد ، شـرط یوسف (ع) برای بیرون آمـدن از زندان و حاضر شدن در نزد پادشاه

قال ارجع إلی ربک فسئله ما بال النسوه الّتی قطعن أیدیهنّ

۱۴ یوسف (ع) با ابلاغ بی گناهی خویش به پادشاه ، بر این نکته تأکید کرد که زندانی شدنش نتیجه مکر و کید زنان اشراف بوده است .

إن ربی بکیدهنّ علیم

۱۶ یوسف (ع) در پیامش به پادشاه ، خداوند را حقیقتی آگاه به امور انسان ها معرفی کرد .

إن ربی بکیدهنّ علیم

۱۷

یوسف (ع) در پیامش به پادشاه مصر ، خداوند را رب و مدبر خویش معرفی کرد .

فسئله ما بال النسوه . .. إن ربی بکیدهنّ علیم

۱۸ یوسف (ع) در پیامش به پادشاه ، به او گوشزد کرد که وی را رب و مالک خویش نخواهد دانست و خود را بنده او نخواهد شمرد .

إن ربی بکیدهنّ علیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۲ - ۳،۱۲،۱۳

۳ یوسف (ع) با تقاضای دادرسی و درخواست بازجویی از زنان ، درصدد بود تا به پادشاه اثبات کند که هرگز با همسر وی رابطه نامشروع نداشته و به او خیانت نکرده است .

ذلک لیعلم أنی لم أخنه بالغیب

برداشت فوق ، بر این اساس است که ضمیر در <یعلم> و <لم أخنه> به <ملک> باز گردد.

۱۲ یوسف (ع) با تقاضای دادرسی درصدد بود به پادشاه مصر ثابت کند که خیانتکاران هرگز به پیروزی نمی رسند و مکرشان فرجامی ندارد .

ذلک لیعلم . .. أن الله لایهدی کید الخائنین

چنان چه گذشت عبارت <أن الله لایهدی . ..> عطف بر <أنی ...> است ; یعنی: <ذلک لیعلم أن الله ...>. این بدان خاطر بود که عزیز و یا پادشاه بداند که خداوند مکر خیانتکاران را به ثمر نمی نشاند.

۱۳ تلاش یوسف (ع) برای متوجه ساختن پادشاه مصر به نقش تعیین کننده سنن و اراده الهی در شکل گیری حوادث و رخدادها

ذلک لیعلم . .. أن الله لایهدی کید الخائنین

یوسف(ع) و رد دعوت پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- یوسف - ۱۲ - ۵۲ - ۱

۱ یوسف (ع) در زندان مصر ، علت های نپذیرفتن دعوت پادشاه و حاضر نشدن در نزد او و تقاضای دادرسی را بیان کرد .

قال ارجع إلی ربک . .. ذلک لیعلم

در اینکه جمله <ذلک لیعلم . ..> تا آخر آیه بعد کلام یوسف(ع) است یا سخن زلیخا، دو نظر ابراز شده است. دلایل متعددی مؤید نظر نخست است که به برخی از آنها اشاره می شود: ۱- ظاهر این است که <أن الله ...> عطف بر <أنی لم أخنه ...> باشد ; یعنی: <ذلک لیعلم... أن الله لایهدی ...>. این معنا محتمل نیست که سخن زلیخا باشد. ۲- آنچه در آیه بعد آمده، حقایق و معارفی بلند است که اعتقاد و باور به آنها از زنی چون زلیخا که در سلک مشرکان است برنمی آید.

یوسف(ع) و ساقی پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۲ - ۱

۱ یوسف (ع) از هم بند خویش ، ساقی پادشاه ، خواست تا پس از رهایی ، داستان او را برای پادشاه بیان کند .

وقال للذی ظنّ أنه ناج منهما اذکرنی عند ربک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۰ - ۶

۶ یوسف (ع) پیک دربار را باز گرداند تا از پادشاه بخواهد درباره ماجرای مهمانان زلیخا تحقیق کند .

قال ارجع إلی ربک فسئله ما بال النسوه

<بال> به معنای شأن و کار مهم است و مراد از آن در آیه شریفه ، ماجرا و داستان

می باشد.

یوسف(ع) و همسر پادشاه مصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۲ - ۳

۳ یوسف (ع) با تقاضای دادرسی و درخواست بازجویی از زنان ، درصدد بود تا به پادشاه اثبات کند که هرگز با همسر وی رابطه نامشروع نداشته و به او خیانت نکرده است .

ذلک لیعلم أنی لم أخنه بالغیب

برداشت فوق ، بر این اساس است که ضمیر در <یعلم> و <لم أخنه> به <ملک> باز گردد.

پادشاهان

آثار سلطه پادشاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۴ - ۳،۴

۳ - ویرانی شهر ها ، تباهی جامعه و ذلّت عزّتمندان ، نتیجه همیشگی سلطه شاهان بر کشور بیگانه

إنّ الملوک إذا دخلوا قریه أفسدوها و جعلوا أعزّه أهلها أذلّه

۴ - تأکید بلقیس بر استمرار شیوه شاهان در تباه ساختن ممالک تحت سلطه خویش

قالت إنّ الملوک . .. و کذلک یفعلون

افساد پادشاهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۴ - ۳،۴

۳ - ویرانی شهر ها ، تباهی جامعه و ذلّت عزّتمندان ، نتیجه همیشگی سلطه شاهان بر کشور بیگانه

إنّ الملوک إذا دخلوا قريه أفسدوها و جعلوا أعزّه أهلها أذلّه

۴ - تأکيد بلقيس بر استمرار شيوه شاهان در تباه ساختن ممالک تحت سلطه خويش

قالت إنّ الملوک . .. و کذلک يفعلون

دنياطلبى پادشاهان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۶ - ۱۱

۱۱ - تنها پادشاهان و دنيامداران ، فريفته مال و مکنت دنيايند ، نه مردان الهى و خداجوى .

بل

أنتم بهديّتكم تفرحون

ملکه سبأ و پادشاهان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۵ - ۳

۳ - اطلاع ملکه سبا از خصلت شاهان و فريفتگی آنان در برابر هدايا

و إنّی مرسله إليهم بهديّه فناظره بِمَ يرجع المرسلون

نقش پادشاهان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۷ - ۹

۹ - سلاطين و اشراف ، تشکيل دهنده جبهه اصلی مخالفت با پيامبران الهی

إلی فرعون و ملإيه . .. إذا هم منها يضحکون

ويژگيهای پادشاهان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۵ - ۳

۳ - اطلاع ملکه سبا از خصلت شاهان و فريفتگی آنان در برابر هدايا

و إنّی مرسله إليهم بهديّه فناظره بِمَ يرجع المرسلون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۶ - ۱۱

۱۱ - تنها پادشاهان و دنيامداران ، فريفته مال و مکنت دنيايند ، نه مردان الهی و خداجوی .

بل أنتم بهديّتکم تفرحون

پادشاهی

پادشاهی بزرگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶ - ۲۰ - ۳

۳ - بهشت ، نعمت چشم گیر و سلطنت بزرگ و گسترده است .

نعیمًا و ملکًا کبیرًا

حکومت پادشاهی مصرباستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۶ - ۱۱

۱۱ مصر در زمان وزارت یوسف (ع) دارای حکومت پادشاهی بود .

ما کان لیأخذ أخاه فی دین الملك

ویژگیهای پادشاهی در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - انسان - ۷۶

- ۲۰ - ۵،۶

۵ - < عن الصادق (ع) : < و ملکاً کبیراً > لایزول و لایفنی ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که [مراد از] <ملکاً کبیراً> ملکی است که از بین نمی رود و فانی نمی شود>.

۶ - < عباس بن یزید قال : قلت لأبی عبداللّه (ع) . . . أخبرنی عن قول اللّه عزّوجلّ < و إذا رأیت ثَمّ رأیت نعیماً و ملکاً کبیراً > ما هذا الملک الذی کبّره اللّه حتّی سمّاه کبیراً ؟ قال : فقال لی : إذا أدخل اللّه أهل الجنّه ، الجنّه أرسل رسولاً إلی ولیّ من أولیائه فیجد الحجبه علی بابه ، فیقول له : قف حتّی نستأذن لک فما یصل إلیه رسول ربّه إلاّ بإذن ، فهو قوله عزّوجلّ < و إذا رأیت ثَمّ رأیت نعیماً و ملکاً کبیراً > ;

عباس بن یزید گوید: به امام صادق(ع) عرض کردم: . .. مراد از سخن خداوند عزّوجلّ <و إذا رأیت ثَمّ رأیت نعیماً و ملکاً کبیراً> آگاه کن که این کدام ملک است که خداوند آن را بزرگ قرار داده است تا جائی که خود آن را <ملک کبیر> (بزرگ) نامیده است؟ حضرت به من فرمود: زمانی که خداوند اهل بهشت را وارد بهشت می کند پیکی را به سوی دوستی از اولیاء خود می فرستد، آن پیک نگهبانانی را بر در خانه او (ولی خدا) مشاهده می کند; نگهبان به پیک خدا می گوید: بایست تا برای تو اذن ورود بخواهم. پیک پروردگار آن بهشتی به وی دسترسی پیدا نمی کند مگر با اجازه و اذن [او] و این

سخن خدای عزّوجلّ است <و إذا رأیت ثَمّ رأیت نعمیاً و ملکاً کبیراً>.

پاسخ از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

پاسخ

آثار پاسخ ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۶۳ - ۲

۲- نسبت شکستن بت ها به بت بزرگ از سوی ابراهیم (ع) ، زمینه تنبّه بت پرستان به بطلان عقیده بت پرستی بود ; نه نسبتی دروغ از جانب آن حضرت .

قال بل فعله کبیرهم

ابراهیم(ع) با نسبت دادن شکستن بت ها به بت بزرگ، نه تنها دروغ نگفت; بلکه با اشاره ای بلیغ، حقیقت ماجرا را بیان کرد; زیرا ابراهیم(ع) با جمله <فسئلوهم. ..> خواست به بت پرستان بفهماند که بت ها از سخن گفتن عاجزند، تا چه رسد به شکستن. پس باید پذیرفت که معبود عاجز، شایسته پرستش نیست. گفتنی است که آیه بعد (این که بت پرستان با شنیدن پاسخ ابراهیم(ع) به خود آمدند و متنبه شدند) مؤید برداشت یاد شده است.

آداب پاسخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۸۶ - ۶

۶ لزوم پاسخگویی بهتر یا برابر به نیکی دیگران

و اذا حیّیتم بتحیّه فحیّوا باحسن منها او ردّوها

انبیا و پاسخ منطقی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۱ - ۱۶

۱۶- عنایت انبیا به دادن پاسخ منطقی و بی ابهام به شبهات و اشکالات کافران و مخالفان خویش

قالوا إنا كفرنا . .. إنا لفى شكّ ممّا تدعوننا ... قالت رسلهم أفى الله شكّ ... قا

اهميت پاسخ به شبهات

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره

- ۲ - ۱۳۹ - ۹

۹ - لزوم پاسخگویی به شبهات القا شده از سوی مخالفان دین

قل أتحاجوننا فی اللّه و هو ربنا و ربکم

اهمیت پاسخ به شبهات دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۱ - ۱۷

۱۷- لزوم پاسخ گویی منطقی به شبهات دینی

قالت لهم رسلهم . .. و علی الله فلیتوکّل المؤمنون

از اینکه خداوند سیر برخورد منطقی انبیا را با مخالفان در این آیات بیان می کند، می تواند به خاطر ارائه الگویی باشد برای برخورد با شبهات دینی.

اهمیت پاسخ شبهات دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۰ - ۳

۳- پاسخ گویی به شبهات منکران تعالیم دینی ، امری لازم و ضروری است .

قالوا أءذا کنّا عظمًا و رفتًا . .. قل کونوا حجاره أو حدیدًا

دستور خداوند به پیامبر(ص) برای پاسخ گویی به شبهات منکران معاد به عنوان یکی از ارکان عقیده دینی و نیز آموزش شیوه پاسخ گویی به آن حضرت، دلالت می کند بر اهمیت جواب گویی به شبهات یاد شده.

اهمیت پاسخ شبهات معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۰ - ۲

۲- پیامبر (ص) ، موظف به پاسخ گویی به استبعاد منکران معاد

قالوا أءذا كنّا عظمًا . .. قل كونوا حجاره أو حديدًا

اهمیت پاسخ محققان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – ضحی – ۹۳ – ۱۰ – ۵

۵ – از خود راندن اهل تحقیق و بی پاسخ گذاشتن سؤالات آنان ، نکوهیده و ناروا است

.

و أمّا السائل فلاتنهر

<سائل>، کلمه ای است مطلق و بر پرسشگران و اهل تحقیق نیز قابل تطبیق است.

اهمیت پرسش و پاسخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲ - ۶

۶ طرح و بیان حقایق به شکل پرسش و پاسخ، از روشهای قرآن

قل لمن ما فی السموت و الأرض قل للّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴ - ۱۹

۱۹ طرح و بیان حقایق به صورت پرسش و پاسخ، از روشهای هدایتی قرآن

قل أغیر اللّه . .. قل إنی أمرت أن أکون أول من أسلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۹ - ۶۸

۶ پیامبر(ص)، مأمور به احتجاج و بحث با مشرکان با طرح سؤال و پاسخ

قل أی شیء أکبر شهده قل اللّه

۸ طرح و بیان حقایق به شکل پرسش و پاسخ، از روشهای قرآن در تبلیغ و هدایت

قل أی شیء أکبر شهده قل اللّه شهید

پاسخ ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۶۳ – ۱

۱– ابراهیم (ع) در پاسخ سؤال از شکننده بت ها ، ابتدا شکستن بت ها را به بت بزرگ نسبت داد .

قال بل فعله کبیرهم

پاسخ ابلیس

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۷۶ – ۱

۱ – ابلیس در پاسخ خداوند ، مهتری و برتری خود بر آدم را ، دلیل تمردش از فرمان سجده بر آدم (ع) بیان کرد .

قال

یإبلیس ما منعک أن تسجد . .. أستکبرت أم کنت من العالین . قال أنا خیر منه

پاسخ اخروی انسان ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۵۲ – ۳

۳- پاسخ سریع و بی چون و چرای انسان ها ، به پرسش های خداوند در قیامت

یوم یدعوکم فتستجیبون بحمده

پاسخ اخروی گناهکاران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۲۶ – ۴

۴ – پرسش مجرمان از خداوند و دریافت پاسخ از او ، از رخداد های صحنه قیامت

ربّ لم حشرتنی . .. قال کذلک أتتک ءایتنا

از ظاهر <قال کذلک> چنین برمی آید که پاسخ سؤال <لم حشرتنی> با لفظ بیان می گردد نه این که صرفاً حالتی در نفس باشد گرچه این پاسخ ممکن است به صورت مستقیم نباشد، بلکه با وساطت ملائکه یا غیر آن، صورت گیرد.

پاسخ اخروی ملائکه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۴۱ – ۱

۱ – جواب روشن ملائکه به خداوند ، درباره عدم رضایت آنان از پرستیده شدن از سوی مشرکان

و یوم یحشرهم . .. ثمّ یقول للملئکه أهؤلاء إیّاکم... یعبدون . قالوا سبحنک أنت

پاسخ استغاثه جهنمیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۹ - ۱۷

۱۷- آب های غلیظ و گداخته ، بسان گدازه مس ، پاسخی برای استغاثه و آب طلبی کافران در دوزخ است .

و إن يستغيثوا يغاثوا بماء كالمهل

<مهل> به معنای <درده روغن> و نیز <مس گداخته> است (مقاییس اللغه) و نیز

به <خونابه ای که از لاشه مردار بیرون آید> گفته می شود. (قاموس) وصف آنان با عبارت <یشوی الوجوه> با معنای <مس گداخته> سازگارتر است.

پاسخ به اهل مدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۲ - ۱۰

۱۰ سیطره خداوند بر رفتارها ، عزت و شکوه برتر او و ضرورت احساس حضور در پیشگاه او ، پاسخ شعیب (ع) به سخنان نا به جا و ناروای مردم مدین

و إنا لنریک فینا ضعیفًا . .. قال یقوم أرهطی أعزّ علیکم من الله... إن ربی بما ت

پاسخ به پرسشهای دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷ - ۱۴

۱۴- لزوم پاسخ عالم ، به پرسش های جاهل در مورد مسائل دینی

فسلوا أهل الذکر

گفتنی است که اگر سؤال واجب باشد، جواب نیز الزامی خواهد بود وگرنه وجوب سؤال لغو می شود; زیرا ممکن است براثر واجب نبودن پاسخ، سؤال ها بی جواب بماند. در این صورت، موجب نقض غرض خواهد شد و این از خداوند حکیم به دور است.

پاسخ به تبلیغات دشمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۵ - ۱۴

۱۴ - لزوم پاسخگویی به تبلیغات سوء دشمنان دین

قالوا کونوا هوداً أو نصری تهتدوا قل بل مله إبرهیم حنیفاً

هدف از آوردن کلمه <قل> در آیه، بیان ضرورت پاسخگویی به تبلیغات دشمنان دین است.

پاسخ به سخنان نادرست

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۶ - ۸

۸ - صاحبان علم و ایمان ،

در قیامت ، به پاسخگویی سخنان نادرست و خلاف واقع اقدام می کنند .

یقسم المجرمون ما لبثوا غیر ساعه . .. قال الذین أوتوا العلم و الإیمن لقد لبثتم .

پاسخ به شبهات

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۴۲ – ۷،۸

۷ – خداوند ، پاسخ معترضان تغییر قبله را – پیش از عنوان کردن آن – به پیامبر (ص) تعلیم داد .

سیقول . .. قل للّه المشرق و المغرب

۸ – مبلغان دین باید از شبهات و اشکالات مخالفان مطلع بوده و پاسخ آنها را به شایستگی بدانند .

سیقول . .. ما ولیهم عن قبلتهم ... قل للّه المشرق و المغرب

از اینکه خداوند پیامبر را از شبهات مخالفان – پیش از القای آنها – آگاه می سازد و پاسخ آنان را به وی می آموزد، می توان به برداشت فوق دست یافت.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۹۱ – ۲۸

۲۸ لزوم پاسخگویی به شبهات الغا شده علیه دین، در عین پرهیز از بحث و مجادله بی ثمر

إذ قالوا ما أنزل الله . .. قل الله ثم ذرهم فی خوضهم یلعبون

پاسخ به شبهات دینی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – سجده – ۳۲ – ۱۱ – ۳

۳ – پیامبر (ص) ، موظف به ابلاغ پیام الهی به مردم و پاسخگویی به شبهه های مطرح شده است .

قل یتوفّیکم ملک الموت

پاسخ به شبهات کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۴۹

۱ - پیامبر (ص) ، مأمور بیان حقایق مربوط به قیامت و پاسخ گویی به شبهات القا شده از سوی منکران آن

أءنّا لمبعوثون . .. قل إنّ الأوّلین و الأخرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۶ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، مأمور پاسخ گویی به پرسش ها و شبهه انگیزی های کافران و منکران معاد ، در باور های دینی مردم و آگاهی دادن به آنان

و یقولون متی هذا الوعد . .. قل إنّما العلم عند اللّه

پاسخ به شبهات مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۵ - ۷

۷- پیامبر (ص) ، موظف به پاسخ گویی سؤالات مردم بر اساس آنچه بر او وحی شده بود .

یسئلونک عن الروح قل الروح من أمر ربّی

پاسخ به شبهات مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۱ - ۷،۲۰

۷- پیامبر (ص) ، موظف به پاسخ گویی به مشرکان ، درباره پدید آورنده رستاخیز است .

فسیقولون من یعیدنا قل الذی فطرکم أوّل مرّه

۲۰- پیامبر (ص) ، موظف به پاسخ دادن سؤال مشرکان درباره زمان وقوع قیامت به اینکه امید است به زودی تحقق یابد .

متی هو قل عسی أن یکون قریبًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۱۱۰ – ۲

۲- پیامبر (ص) ، مأمور ابلاغ پیام الهی در دفع شبهات مطرح شده از سوی مشرکان درباره اسما و صفات حضرت

باری

قل ادعوا الله أو ادعوا الرحمن

پاسخ به شبهات معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۸ - ۷

۷ - پاسخگویی خداوند به شبهه ایجاد شده در ذهن افراد درباره معاد و تجدید حیات انسان ها پس از مرگ ، بر اساس آگاهی او است .

ما خلقکم و لابعثکم إلاّ کنفس وحده إنّ اللّه سمیع بصیر

ذکر <إنّ اللّه سمیع. ..> در پایان آیه، به جای اعلام قدرت مندی خداوند، می تواند این نکته را برساند که چون خداوند، از شبهه ایجاد شده در ذهن ها خبر داشته، اقدام به پاسخگویی کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۴۹ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، مأمور بیان حقایق مربوط به قیامت و پاسخ گویی به شبهات القا شده از سوی منکران آن

أءنّا لمبعوثون . .. قل إنّ الأوّلین و الأخرین

پاسخ به شبهات مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۶ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، مأمور پاسخ گویی به پرسش ها و شبهه انگیزی های کافران و منکران معاد ، در باور های دینی مردم و آگاهی دادن به آنان

و یقولون متی هذا الوعد . .. قل إنّما العلم عند اللّه

پاسخ به شبهه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۱۷ – ۳۴

۳۴ لزوم پاسخگویی به تبلیغات و شُبهات دشمن و مقابله مناسب در برابر آنان

یسئلونک عن الشهر الحرام قتال فیه قل قتال فیه کبیر

وقوع

قتـل از سوی مسـلمانان در ماه حرام، موجب اعتراض و تبلیغات دشـمنان دین گردیـد. قرآن در عین تحریم قتل در ماه حرام، با بیان اعمال خلاف مشرکان، تبلیغات دشمن را خنثی کرد.

پاسخ به کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۷۵ – ۸

۸ مستضـعفان مؤمن قوم ثمود با پاسخی قاطع به کفرپیشگان ، ایمان و باور خویش را به صالح و تمامی رسالت های وی اعلان کردند .

أتعلمون . .. قالوا إنا بما ارسل به مؤمنون

پاسخ پرسشهای دینی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۶۴ – ۱،۲

۱ خداوند تنها نجاتبخش آدمیان از مهلکه ها و از هرگونه اندوه و سختی است.

قل من ینجیکم . .. قل الله ینجیکم

۲ پیامبر(ص) وظیفه دار بیان برخی از معارف به صورت طرح پرسش و ارائه پاسخ است.

قل من ینجیکم . .. قل الله ینجیکم

پاسخ تهمتهای مشرکان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱۰۲ – ۱

۱– پیامبر (ص) ، وظیفه دار پاسخ گویی به اتهامات مشرکان مبنی بر ساختگی بودن قرآن با روشن کردن حقیقت وحی

إنما أنت مفتر . .. قل نزّله روح القدس من ربّک

پاسخ جاهلانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۱ - ۱۰

۱۰ - پاسخ منفی دادن به فراخوان عمل به تعالیم دین آسمانی ، به بهانه پیروی از آیین نیاکان ، جاهلانه و مجادله ای بدون دلیل است .

و من الناس من یجدل فی اللّه

بغیر علم و لا هدًی و لا کتب منیر . و إذا قیل لهم ا

پاسخ دختران شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۳ - ۹

۹ - دختران شعیب به پرسش موسی پاسخ دادند .

قالتا لانسقی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۴ - ۱،۳

۱ - برانگیخته شدن عواطف موسی (ع) با شنیدن پاسخ دختران شعیب

قالتا لانسقی . .. فسقی لهما

۳ - اقدام بی درنگ موسی (ع) به آب دادن گوسفندان دختران شعیب پس از شنیدن اظهارات آنان

قالتا . .. و أبونا شیخ کبیر . فسقی لهما

تعبیر <فسقی لهما> با <فا>ی عاطفه که برای عدم تراخی است بیانگر مطلب یاد شده است.

پاسخ شبهات اسما و صفات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۱۱۰ - ۲

۲- پیامبر (ص) ، مأمور ابلاغ پیام الهی در دفع شبهات مطرح شده از سوی مشرکان درباره اسما و صفات حضرت باری

قل ادعوا الله أو ادعوا الرحمن

پاسخ شبهات قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۰ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، مأمور پاسخ گویی به پرسش مشرکان درباره زمان وقوع قیامت

و یقولون متی هذا الوعد . .. قل لکم میعاد یوم لاتستأخرون عنه ساعه

پاسخ شبهات کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳ - ۵

۵ - پیامبر (ص) ، مأمور پاسخ گویی به کافران

درباره وقوع حتمی قیامت

و قال الذین کفروا لاتأتینا الساعه قل بلی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۷۹ – ۲

۲ – پیامبراسلام (ص) ، مأمور پاسخ گویی به شبهات کافران و منکران معاد با استدلال و برهان

قال من یحیِ العظم و هی رمیم . قل یحییها الذی أنشأها أوّل مرّه

پاسخ شبهات معاد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۵۰ – ۱،۲

۱– خداوند ، شیوه پاسخ گویی به شبهات منکران معاد را ، به پیامبر (ص) آموخت .

قل کونوا حجاره أو حدیدًا

۲– پیامبر (ص) ، موظف به پاسخ گویی به استبعاد منکران معاد

قالوا أءذا کنّا عظمًا . .. قل کونوا حجاره أو حدیدًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۵۱ – ۱۳

۱۳– پاسخ قرآن به پرسش های انسان در زمینه معاد ، متکی بر استدلال است .

فسیقولون من یعیدنا قل الذی فطرکم أوّل مرّه

از اینکه خداوند در پاسخ شبهات منکران معاد، به جای بسنده کردن به تعبد، توجه آنان را به مبدأ آفرینش معطوف می کند و آن را دلیل امکان تحقق معاد برمی شمارد، نکته یاد شده به دست می آید.

پاسخ شبهات مکذبان قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳ - ۵

۵ - پیامبر (ص) ، مأمور پاسخ گویی به کافران درباره وقوع حتمی قیامت

و قال الذین کفروا لاتأتینا الساعه قل بلی

پاسخ شبهات مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۱ - ۵،۱۵،۱۸

۵- خداوند ، پیشاپیش به پیامبر (ص) اعلام کرد که منکران معاد ، پس از دریافت جواب شبهه استبعاد معاد ، از پدیدآورنده آن سؤال خواهند کرد .

فسیقولون من یعیدنا

۱۵- منکران معاد ، پس از دریافت جواب شبهات خود درباره معاد ، با شگفتی از زمان وقوع آن می پرسیدند .

فسینغضون إلیک رءوسهم و یقولون متی هو

بنابر اینکه حرکت دادن سر، همانگونه که در استعمال لغوی آن آمده است، برای اظهار تعجب و شگفتی باشد (لسان العرب)، برداشت فوق به دست می آید.

۱۸- منکران معاد پس از دریافت دلیل های قاطع و غیر قابل انکار قرآن بر حقانیت معاد به طرح مسائلی بی ثمر و بی تأثیر در اصل مسأله معاد ، روی آوردند .

و یقولون متی هو

منکران معاد علی رغم پرسشهای به ظاهر استدلالی نخستین، به پرسشهایی روی آوردند که نه ثمری برای آنان داشت و نه حقانیت معاد بر دانستن آنها متکی بود چه اینکه قیامت واقعیتی است حتمی الوقوع و دانستن و ندانستن زمان آن، در آن واقعیت تأثیری ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۷۹ - ۲

۲ - پیامبراسلام (ص) ، مأمور پاسخ گویی به شبهات کافران و منکران معاد با استدلال و برهان

قال من یحیِ العظم و هی رمیم . قل یحییها الذی أنشأها أوّل مرّه

پاسخ شفیعان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۳ - ۱۰،۱۲

۱۰ - جواب شفاعت کنندگان به سؤال یکدیگر درباره فرمان خداوند ، این

است که هر آنچه خداوند فرموده ، حق است .

قالوا ماذا قال ربّکم قالوا الحقّ

برداشت یاد شده بر این اساس است که مرجع ضمیر فاعلی <قالوا>ی دوم، شفیعان باشد.

۱۲ - پاسخ شفیعان به سؤال منتظران شفاعت درباره فرمان خداوند نسبت به آن ، این است که خدا حق گفته است .

قالوا ماذا قال ربّکم قالوا الحقّ

بنابراین که مرجع ضمیر فاعلی <قالوا>ی اول، منتظران شفاعت و مرجع ضمیر فاعلی <قالوا>ی دوم، شفاعت کنندگان باشد، نکته یاد شده به دست می آید.

پاسخ گویی به کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۹ - ۲

۲ - پیامبر (ص) ، موظف به پاسخگویی به کافران و تبیین نادرستی انتظارات نابه جای آنان بود .

و یقولون متی هذا الفتح . .. قل یوم الفتح لاینفع الذین کفروا إیمنهم

پاسخ مکذبان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۲ - ۱

۱- پیامبر (ص) ، وظیفه دار پاسخ گویی به اتهامات مشرکان مبنی بر ساختگی بودن قرآن با روشن کردن حقیقت وحی

إنما أنت مفتر . .. قل نزّله روح القدس من ربّک

پاسخ مکر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۶ - ۷

۷ – خداوند در مکر و کیفر ، آغازگر نبوده و خدعه های او ، پاسخ کردار ناروای کافران است .

إنّهم یکیدون کیدًا . و أکید کیدًا

پرسش و پاسخ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۲۷ – ۵

۵ وعده خداوند

به مردم ، مبنی بر پاسخ استفتای آنها درباره حقوق زنان

قل اللّه یفتیکم فیهنّ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۰۱ – ۷

۷ خداوند پاسخ گوی پرسش های مردم ، به هنگام نزول قرآن ، گرچه موجب ناخشنودی آنان گردد .

لاتسئلوا عن اشیاء . .. و إن تسئلوا عنها حین ینزل القرءان تبدلکم

به مقتضای اینکه ضمیر در <عنها>به اشیاء توصیف شده به <ان تبدلکم تسؤکم> بر می گردد می توان گفت آن اشیاء و احکام هر چند به خاطر دشواری آنها بر مکلفان بیان نشده است لکن اگر به هنگام نزول قرآن مورد سؤال قرار گیرد، بیان خواهد شد.

پرسش و پاسخ در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۲۶ – ۴

۴ – پرسش مجرمان از خداوند و دریافت پاسخ از او ، از رخداد های صحنه قیامت

ربّ لم حشرتنی . .. قال کذلک أتتک ءایتنا

از ظاهر <قال کذلک> چنین برمی آید که پاسخ سؤال <لم حشرتنی> با لفظ بیان می گردد نه این که صرفاً حالتی در نفس باشد گرچه این پاسخ ممکن است به صورت مستقیم نباشد، بلکه با وساطت ملائکه یا غیر آن، صورت گیرد.

تعلیم روش پاسخ به محمد(ص)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۸۳ – ۳

۳– خداوند ، شیوه پاسخ گویی به پرسش های مردم را به پیامبر (ص) تعلیم داده است .

و یسئلونک . .. قل سأتلوا علیکم

آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۸۰ – ۱۱

۱۱ – خداوند ، تعلیم دهنده پیامبر (ص) در چگونه استدلال کردن و پاسخ گفتن به ادعا های واهی

قل أتخذتم عند اللّه عهداً . .. أم تقولون علی اللّه ما لاتعلمون

برداشت فوق از کلمه <قل> استفاده شده است.

روش پاسخ به مکذبان معاد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – جاثیه – ۴۵ – ۲۶ – ۱

۱ – خداوند ، شیوه پاسخ گویی به منکران معاد را به پیامبر (ص) آموخت .

قالوا . .. قل

زمینه پاسخ به شبهات معاد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۵۱ – ۱۱

۱۱– شناخت معاد و حل شبهات آن ، متکی بر شناخت صحیح مبدأ آفرینش است .

فسیقولون من یعیدنا قل الذی فطرکم أوّل مرّه

خداوند، برای پاسخ گویی به شبهات انسان در زمینه معاد، مسأله مبدأ آفرینش انسان را مطرح کرد و این بیانگر آن است که شناخت مبدأ آفرینش، موجب شناخت معاد و حل شبهات آن می شود.

سرزنش رد پاسخ محققان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – ضحی – ۹۳ – ۱۰ – ۵

۵ - از خود راندن اهل تحقیق و بی پاسخ گذاشتن سؤالات آنان ، نکوهیده و ناروا است .

و أمّا السائل فلاتنهر

<سائل>، کلمه ای است مطلق و بر پرسشگران و اهل تحقیق نیز قابل تطبیق است.

منشأ پاسخ به شبهات مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۹۵ - ۱

۱- پیامبر (ص) ، در پاسخ

گویی به شبهه های مشرکان ، متکی به رهنمود های خدا بود .

قل لو کان فی الأرض

پاکان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

پاکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۲ - ۵،۶،۷،۹

۵ برگزیدگی و پاکیزه گشتن مریم (س) از سوی خدا

یا مریم انّ اللّه اصطفیک و طهّرک

۶ پاکی و برگزیده شدن مریم ، زمینه برگزیده شدن خاندان عمران نزد خداوند

یا مریم انّ اللّه اصطفیک

<و اذ قالت . .. > عطف است به <اذ قالت ... > در آیه سی و پنجم و ظرف است برای <اصطفی ... ال عمران> ; یعنی آنگاه آل عمران برگزیده شدند که مریم را خداوند برگزید و پاک گردانید.

۷ مریم ، دارای مقام عصمت از گناه

انّ اللّه اصطفیک و طهّرک

متعلق تطهیر حذف شده است و حذف متعلق، دلالت بر عموم دارد; یعنی تطهیر از هر پلیدی. و چون هر گناهی، پلیدی است، بنابراین مریم (س) از ارتکاب هر گناهی مبرّا و معصوم است.

۹ پاک گشتن مریم ، در پرتو خالص گردانیدن او

انّ اللّه اصطفیک و طهّرک و اصطفیک علی نساء العالمین

از اینکه جمله <و طهرک . .. > پس از <اصطفیک > آمده، به نظر می رسد خالص گرداندن مریم، دخیل در تطهیر وی بوده است. گفتنی است که معنای <اصطفاء> خالص گرداندن از پلیدیهایی است که دیگران به آن مبتلا هستند (مفردات راغب).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۵ - ۱،۴

۱ توفّی (نجات) ، عروج ، تطهیر حضرت عیسی (ع) و غلبه پیروان

آن حضرت بر دشمنان ، مکر خداوند در برابر مکر کافران

و مکروا و مکر اللّه . .. اذ قال اللّه یا عیسی انّی متوفّیک ... فوق الذین کفروا

بنابراینکه <اذ>، متعلّق به <مکر اللّه> باشد، یعنی مکر خداوند هنگام بوده که عیسی را بسوی خویش عروج داد و . .. .

۴ نجات و تطهیر حضرت عیسی (ع) ، توسّط خداوند

انّی متوفّیک . .. و مطهّرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۹ - ۱۰،۱۴

۱۰ جریان مداوم آمیختگی پاکان و ناپاکان و جدا شدن آنان از یکدیگر

ما کان اللّه لیذر المؤمنین علی ما انتم علیه حتّی یمیز الخبیث من الطّیّب

۱۴ سنّت الهی ، بر تفکیک صفوف پاکان از ناپاکان به وسیله آگاه ساختن مردم به غیب و اسرار دل ها ، نیست .

ما کان اللّه لیذر المؤمنین علی ما انتم علیه حتّی یمیز الخبیث من الطّیّب و ما کان

<و ما کان اللّه لیطلعکم . .. >، در صدد بیان این است که گر چه خداوند، ناپاکان را از پاکان مشخص خواهد کرد، ولی این تفکیک از طریق مشکلات و جنگها و مسائل دیگر از این قبیل است، نه از راه آشنا ساختن مردم به غیب و نهان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۸۶ - ۵

۵ آزمایش و ابتلای مؤمنان ، راه تمایز صفوف پاکان از ناپاکان *

حتّی یمیز الخبیث من الطیّب . .. لتبلونّ فی اموالکم و انفسکم

خداوند در آیه ۱۷۹ (حتّی یمیز الخبیث . ..)، وعده مشخّص کردن ناپاکان را

از پاکان داد و گویا در این آیه، طریقه آن را (که امتحان مالی و جانی است)، بیان می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۸ - ۱۰

۱۰ عاشقان خدا و شیفتگان به او ، وارسته از آلودگی به گناه

نحن ابنؤا اللّه و احبؤه قل فلم یعذبکم بذنوبکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۴۰

۴۰ پیامبر (ص) ، پاکدلان را تنها با توفیق و یاری خداوند هدایت می کند .

و من یرد الله فتنته فلن تملک له . .. أولئک الذین لم یرد اللّه ان یطهر قلوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۹ - ۱۰

۱۰ - < عن النبی (ص) < لایمسّه إلاّ المطهّرون > قال : المقرّبون ;

از رسول خدا(ص) درباره <مطهّرون> در آیه >لایمسّه إلاّ المطهّرون> روایت شده که مراد مقربان هستند>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تغابن - ۶۴ - ۱۶ - ۱۳

۱۳ - کسانی که روح و جانشان از آلودگی به بخل و حرص پاک است ، قطعاً رستگاراند .

و من یوق شحّ نفسه فأُولئک هم المفلحون

<شحّ> به معنای بخل و حرص و یا بخل همراه حرص است (برگرفته از قاموس المحیط و مفردات راغب).

آثار خویشاوندی با پاکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۶۰ – ۹

۹- صرف داشتن رابطه خویشاوندی با پاکان ، دلیل پاکی و خوبی نیست .

إلّا ءال لوط إنا

لمنجّوهم . .. إلاّ امرأته قدّرنا إنها لمن الغبرين

ارزش همنشینی با پاکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۸ - ۱۶

۱۶ ارزش همنشین شدن با صالحان و جویندگان طهارت ، و تأثیر آن در رشد و کمال معنوی انسان

فیه رجال یحبون أن یتطهروا

<فیه رجال . .. > به منزله دلیلی است برای سزاواری اقامه نماز در مسجد قبا ; یعنی، چون در این مسجد مردم صالح و جویندگان پاکی وجود دارند، شایسته است که دیگران با اینان همنشین شوند، زیرا همنشینی با صالحان و پاکان دارای تأثیر مثبت است.

استقبال از پاکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۲ - ۷

۷- آنانی که در حال پاکی قبض روح می شوند ، مورد استقبال ملائکه قرار می گیرند .

الذین تتوفّهم الملئکه طیّبین یقولون سلم علیکم

استهزای پاکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۶ - ۷

۷ - پاکی و پارسایی ، جرم و مایه استهزا در جامعه فاسد

قالوا أخرجوا ءال لوط من قریتکم إنّهم أُناس یتطهّرون

در جامعه فاسدی چون جامعه قوم لوط، وی و خاندانش به جرم پاکی و پارسایی مورد ریشخند قرار گرفتند و محکوم به تبعید و اخراج شدند.

امتحان پاکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۹ - ۵

۵ آزمایش الهی ، مشخص کننده صفوف ناپاکان جامعه ایمانی از پاکان آن

ما کان اللّه لیذر المؤمنین علی ما انتم علیه حتّی یمیز الخبیث من الطّیّب

مشخص کردن پاکان از

ناپاکـان و خالصـها از ناخالصـها دو وجه متعـارف دارد: آزمایش و ابتلاء ; و خبر دادن خداونـد از واقعیت افراد. چون راه دوّم سنّت الهی نیست، بنـابراین تنهـا راه متعـارف آزمایش است. پس در جمله <حتّی یمیز ... >، کلمه <بابتلاءهم و امتحانهم>، مقدّر است.

امکان حق ناپذیری خانواده پاکان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۶۰ – ۷

۷– امکان نفوذ کفر و فساد و حق ناپذیری در افراد خانواده پاکان

إلّا امرأته قدّرنا إنها لمن الغبرین

امکان فساد خانواده پاکان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۶۰ – ۷

۷– امکان نفوذ کفر و فساد و حق ناپذیری در افراد خانواده پاکان

إلّا امرأته قدّرنا إنها لمن الغبرین

امکان کفر خانواده پاکان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۶۰ – ۷

۷– امکان نفوذ کفر و فساد و حق ناپذیری در افراد خانواده پاکان

إلّا امرأته قدّرنا إنها لمن الغبرین

پاکان در بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۳۱ – ۱۵

۱۵ خداوند ، آمرزنده گناهان و جای دهنده پاکان در بهشت

نکفر عنکم . .. و ندخلکم مدخلا کریماً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۵ - ۱۴

۱۴ - بهشت ، سرای پاکان و طهارت یافتگان از بدی ها

جنّت . .. و یکفّر عنهم سیّئاتهم

تعبیر <یکفّر> می رساند که بهشت، جایی نیست که انسان ها با آلودگی گناه و تیرگی لغزش ها بدان گام نهند; بلکه باید پس

از تطهیر در آن استقرار یابند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – صف – ۶۱ – ۱۲ – ۲

۲ – بهشت ، جایگاه انسان های پاک و تطهیرشدگان از گناه

یغفر لکم ذنوبکم و یدخلکم جنّت

ذکر جمله <یغفر لکم. ..> پیش از <یدخلکم جنّات>، بیانگر مطالب بالا است.

پاکان در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۳۷ – ۱،۳

۱ خداوند در پرتو گسیل کافران به سوی دوزخ ، ناپاکان را از پاکان جدا خواهد کرد .

إلی جهنم یحشرون. لیمیز اللّه الخبیث من الطیب

برداشت فوق مبتنی بر این است که <لیمیز اللّه> متعلق به <یحشرون> باشد.

۳ قیامت ، زمینه ای مناسب برای متمایز شدن ناپاکان از پاکان

إلی جهنم یحشرون. لیمیز اللّه الخبیث من الطیب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – عبس – ۸۰ – ۳۸ – ۲

۲ – انسان های پاک ، تذکّرپذیر ، هدایت جو و خداترس ، در قیامت چهره ای نورانی خواهند داشت .

لعلّه یزّکّی . أو یذّکّر ... جاءک یسعی . و هو یخشی ... وجوه یومئذ مسفره

تشخیص پاکان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۷ - ۳،۵

۳ قیامت ، زمینه ای مناسب برای متمایز شدن ناپاکان از پاکان

إلی جهنم یحشرون. لیمیز اللّه الخبیث من الطیب

۵ هدف از اعطای آزادی به انسان ها برای اختیار کفر و ایمان و تلاش در راه آن ، جداسازی ناپاکان از پاکان است . *

فسینفقونها . .. و الذین کفروا إلی جهنم یحشرون. لیمیز اللّه الخبیث من الطیب

برداشت

فوق بر اساس این احتمال است که <لیمیز اللّه> متعلق به معنای ضمنی آیه قبل (اعطای آزادی برای اختیار کفر و ایمان و مهلت دادن به انسانها در دنیا) باشد. قابل ذکر است که گرایش به این معنا بدان جهت است که تعلق <لیمیز> به <إلی جهنم یحشرون>، با توجه به جمله <فیجعله فی جهنم>، خالی از ابهام نیست.

جاودانگی پاکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۴ - ۱

۱ - انسان های پاک ، درست کار و تلاش کننده در مسیر رشد و کمال ، اهل نجات اند و به هدف اصلی دست یافته ، همواره در خوبی خواهند ماند .

قد أفلح من تزکّی

<فلاح>; یعنی، ظفر یافتن و دستیابی به مقصود (مفردات راغب) و نیز به معنای <فوز>، <نجات> و <باقی ماندن در خیرات> است (قاموس). فعل <تزکّی> از باب تفعل است و بر تکلّف (تلاش برای تزکیه) دلالت دارد. این فعل از مشتقات <زکاء> یا <زکاه> است. <زکاه>; یعنی، درستی و درستکاری (مصباح) و به دست آوردن چیزی که مایه پاکی شود (مفردات) و <زکاه>; یعنی، پاکی، رشد و نموّ، برکت و ممدوح بودن. (نهایه ابن اثیر)

سعادت پاکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۴ - ۱

۱ - انسان های پاک ، درست کار و تلاش کننده در مسیر رشد و کمال ، اهل نجات اند و به هدف اصلی دست یافته ، همواره در خوبی خواهند ماند .

قد أفلح من تزکّی

<فلاح>; یعنی، ظفر یافتن و دستیابی به مقصود (مفردات راغب) و نیز به معنای <فوز>،

<نجات> و <باقی ماندن در خیرات> است (قاموس). فعل <تزکّی> از باب تفعل است و بر تکلّف (تلاش برای تزکیه) دلالت دارد. این فعل از مشتقات <زکاء> یا <زکاه> است. <زکاه>; یعنی، درستی و درستکاری (مصباح) و به دست آوردن چیزی که مایه پاکی شود (مفردات) و <زکاه>; یعنی، پاکی، رشد و نموّ، برکت و ممدوح بودن. (نهایه ابن اثیر)

صورت اخروی پاکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۸ - ۲

۲ - انسان های پاک ، تذکّرپذیر ، هدایت جو و خداترس ، در قیامت چهره ای نورانی خواهند داشت .

لعلّه یزّکّی . أو یذّکّر ... جاءك یسعی . و هو یخشی ... وجوه یومئذ مسفره

فضایل پاکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۸ - ۱۴

۱۴ خداوند ، دوستدار جویندگان پاکی و طهارت است .

رجال یحبون أن یتطهروا و اللّه یحب المطهرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۴ - ۱

۱ - انسان های پاک ، درست کار و تلاش کننده در مسیر رشد و کمال ، اهل نجات اند و به هدف اصلی دست یافته ، همواره در خوبی خواهند ماند .

قد أفلح من تزکّی

<فلاح>; یعنی، ظفر یافتن و دستیابی به مقصود (مفردات راغب) و نیز به معنای <فوز>، <نجات> و <باقی ماندن در خیرات> است (قاموس). فعل <تزکّی> از باب تفعل است و بر تکلّف (تلاش برای تزکیه) دلالت دارد. این فعل از مشتقات <زکاء> یا <زکاه> است. <زکاه>; یعنی، درستی و درستکاری (مصباح) و به

دست آوردن چیزی که مایه پاکی شود (مفردات) و <زکاه>; یعنی، پاکی، رشد و نموّ، برکت و ممدوح بودن. (نهایه ابن اثیر)

فهم پاکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷۹ - ۷

۷ - هیچ کس جز افراد پاک حقایق قرآن را به خوبی درک نخواهند کرد .

لایمسّه إلّا المطهّرون

محبّت به پاکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۲ - ۱۹

۱۹ لزوم ابراز محبّت به توبه کنندگان و پاکان

ان اللّه یحب التوابین و یحب المتطهرین

مرگ پاکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۳۲ - ۷

۷- آنانی که در حال پاکی قبض روح می شوند ، مورد استقبال ملائکه قرار می گیرند .

الذین تتوفّهم الملئکه طیّبین یقولون سلم علیکم

مقام پاکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۳ - ۹

۹ بهشتِ تقواپیشگان ، منزلگاه پاکان

و سارعوا الی مغفره من ربّکم و جنّه عرضها السّموات و الارض اعدّت للمتّقین

چون درآمـدن به بهشتِ مهیّا شـده برای تقواپیشـگان در گرو آمرزش گناهـان است، آن بهشت، جایگاه پاکان از گناه خواهد بود.

نجات پاکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۴ - ۱

۱ - انسان های پاک ، درست کار و تلاش کننده در مسیر رشد و کمال ، اهل نجات اند و به هدف اصلی دست یافته ، همواره در خوبی خواهند ماند .

قد أفلح من تزکّی

<فلاح>; یعنی، ظفر یافتن و دستیابی

به مقصود (مفردات راغب) و نیز به معنای <فوز>، <نجات> و <باقی ماندن در خیرات> است (قاموس). فعل <تزکّی> از باب تفعل است و بر تکلّف (تلاش برای تزکیه) دلالت دارد. این فعل از مشتقات <زکاء> یا <زکاه> است. <زکاه>; یعنی، درستی و درستکاری (مصباح) و به دست آوردن چیزی که مایه پاکی شود (مفردات) و <زکاه>; یعنی، پاکی، رشد و نموّ، برکت و ممدوح بودن. (نهایه ابن اثیر)

نقش خویشاوندی با پاکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۶۰ - ۳

۳- صرف رابطه خویشاوندی با پاکان ، سبب رهایی از عذاب الهی و پیامدکار زشت نخواهد شد .

إلاّ امرأته قدّرنا إنها لمن الغبرین

نورانیت اخروی پاکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۸ - ۲

۲ - انسان های پاک ، تذکّرپذیر ، هدایت جو و خداترس ، در قیامت چهره ای نورانی خواهند داشت .

لعلّه یزّکّی . أو یذّکّر ... جاءك یسعی . و هو یخشی ... وجوه یومئذ مسفره

ویژگیهای پاکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۷ - ۱۳

۱۳ کتمان دانش به ویژه در هنگام نیاز جامعه به آن ، امری به دور از شأن انسان های پاك و نیکوکار

قال تزرعون . .. إلاّ قلیلاً مما تأکلون

پاکی

{پاکی}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۴ - ۹

۹ طهارت و پاکی نفس ، زمینه فراگیری دانشِ کتاب الهی و حکمت

یتلوا علیهم ءایته و یزکّیهم و یعلّمهم الکتب و

الحکمه

تقدّم ذکری <تزکیه> بر <تعلیم کتاب>، بیانگر این نکته است که بدون تزکیه، فراگیری دانش کتاب الهی، به گونه ای که مقصود انبیاست، ممکن نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۹ - ۳،۱۳،۱۹

۳ مؤمنان ، پاک هستند و غیر آنان (منافقان) ، پلید و خبیث .

ما کان اللّه لیذر المؤمنین علی ما انتم علیه حتّی یمیز الخبیث من الطّیّب

۱۳ ایمان و کفر (پاکی و ناپاکی) انسان ها از امور غیبی

و ما کان اللّه لیطلعکم علی الغیب

چنانچه مراد از <الغیب>، جنس باشد، کفر و ایمان از مصادیق مورد نظر است. البتّه این احتمال نیز به نظر می رسد که الف و لام <الغیب>، عهد باشد؛ یعنی خصوص کفر و ایمان.

۱۹ پیامبر (ص) ، آگاه به پاکان و ناپاکان (مؤمن و منافق) امّت خویش ، از طریق علم به غیب

و ما کان اللّه . .. و لکنّ اللّه یجتبی من رسله من یشاء

مراد از <من رسله> چه برخی از رسولان باشند و چه تمامی آنان قطعاً پیامبر اسلام (ص) از جمله آنان خواهد بود.

آثار اخروی پاکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۹ - ۳

۳ - پاکی ، تذکّرپذیری ، هدایت جویی و خداترسی ، چهره انسان را در قیامت خندان و شادمان خواهد ساخت .

لعلّه یزّکّی . أو یذّکّر ... جاءک یسعی . و هو یخشی ... ضاحکه مستبشره

آثار پاکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ توبه و طهارت ، زمینه جلب محبّت الهی

ان اللّه یحب التوابین و یحب المتطهرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۲ - ۱۱

۱۱ خلوص و پاکی مریم و برگزیدگی او ، زمینه سرآمد شدن او بر زنان جهان

انّ اللّه اصطفیک و طهّرک و اصطفیک علی نساء العالمین

به نظر می رسد تقدیم جمله <اصطفیک و طهّرک> بر <اصطفیک علی نساء العالمین>، دلالت داشته باشد بر دخالت برگزیدگی و طهارت مریم برای سرآمد شدن او.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۵ - ۸

۸ اثر نداشتن وسوسه های شیطان ، در انسان های بی گناه

انّما استزلّهم الشّیطان ببعض ما کسبوا

خداوند، گناه آدمی را وسیله به لغزش کشاندن او از سوی شیطان معرّفی می کند ; بنابراین قلبی که گناه در او نیست، وسوسه شیطان در آن کارگر نخواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۸ - ۵

۵ پاکیزگی و خلوص از پلیدی ها ، زمینه بهره گیری وافر از فیض الهی و خبائث و ناخالصی ها ، مانع آن

و البلد الطیب . .. و الذی خبث لایخرج إلا نکداً

با توجه به ذیل آیه (لقوم یشکرون) و آیات پس از آن که برخورد انسانها را با رسالت انبیا تشریح می کند، معلوم می شود بیان زمین مستعد و برکتهای آن و زمین نامستعد و بی ثمری آن، در حقیقت ترسیم حالت انسانها و استعداد دریافت معارف

الهی است. یعنی تشبیه انواع انسانهاست از

نظر دریافت معارف به انواع زمینها و دریافت باران رحمت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۳ - ۹

۹ تطهیر نفس و پاک کردن آن از آلودگی ها و موانع روحی ، زمینه رشد و تکامل معنوی انسان است .

خذ . .. تطهرهم و تزکیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۵ - ۴

۴ سلامت دل و پاکی باطن ، از زمینه های لازم در تأثیرپذیری از تعالیم قرآن

فأما الذین ءامنوا فزادتهم إیمناً . .. و أما الذین فی قلوبهم مرض فزادتهم رجساً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۰ - ۱۰

۱۰ - رشد و طهارت ، ملاک های گزینش نحوه زندگی انسان ها و اساس تنظیم روابط صحیح میان مردان و زنان است .

و قل للمؤمنین یغضّوا من أبصرهم . .. ذلک أزکی لهم

جمله <ذلک أزکی لهم> هر چند برای تعلیل احکام نگاه کردن زن و مرد نامحرم و حفظ عفت است; ولی این تعلیل از نوع تعلیلی است که موجب تعمیم حکم می شود. بنابراین هر رفتاری که موجب رشد و پاکی انسان گردد، امری پسندیده و بایسته است که باید ملاک گزینش نوع رفتارها و نیز کیفیت روابط میان زنان و مردان در جامعه، قرار گیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۷ - ۳

۳ - طهارت و پاکدامنی و تلاش در راه اصلاح جامعه ، مایه نجات از امواج بلا و کیفر الهی

أخرجوا ءال لوط . ..

إنّهم أَناس يتطهّرون . فأنجينه و أهله إلّاامرأته

قوم لوط، وی و خانـدانش را به جرم پاکی و پارسایی محکوم به تبعیـد و اخراج کردنـد; اما خداونـد ایشان را به همین دلیل از کیفر دامنگیر آن قوم نجات داد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۷۹ – ۸

۸ – پاکی و منزه بودن از گناه و آلودگی ، از زمینه های لازم برای درک حقایق قرآنی

لایمسّه إلّا المطهّرون

آثار پاکی از فساد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۵۹ – ۵

۵- پاکی و دوری از جرم و تبه کاری ، موجب نجات از عذاب الهی در دنیا (عذاب استیصال)

إنا أُرسلنا إلی قوم مجرمین . إلّا ءال لوط إنا لمنجّوهم أجمعین

آثار پاکی از گناه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۷۴ – ۱۶

۱۶ – رهایی از عذاب دردناک قیامت در گرو لطف خدا و پاک شدن از گناهان و آلودگیهاست .

و لایکلمهم اللّه یوم القیمه و لایزکیهم و لهم عذاب الیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۵۹ – ۵

۵- پاکی و دوری از جرم و تبه کاری ، موجب نجات از عذاب الهی در دنیا (عذاب استیصال)

إنا أَرسلنا إلى قوم مجرمين . إلاّ ءال لوط إنا لمنجّوهم أجمعين

آثار پاکی خانواده لوط(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۵۶ – ۶

۶ – گرایش به پاکی و ارزش ها ، تنها جرم

لوط (ع) و خاندانش در نظر آن جامعه فسادزده

قالوا أخرجوا ءال لوط من قريتكم إنّهم أُناس يتطهّرون

عبارت <إنّهم أُناس> تعليل براى حكم اخراج است.

آثار پاكى قلب

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۳۹

۳۹ پاكى دل ها و جان ها ، زمينه پذيرش هدايت الهى

و من يرد اللّه فتنته . .. أولئك الذين لم يرد اللّه ان يطهر قلوبهم

چنانچه <فتنه> به معناى ضلالت باشد، مفهوم جمله <من يرد اللّه فتنته> باضميمه جمله <أولئك . ..> اين خواهد بود كه خداوند تنها پاكدلان را هدايت مى كند.

آثار پاكى لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۷۵ - ۵

۵- پاكى و نجات حضرت لوط (ع) از آلودگى هاى قومش ، زمينه ساز برخوردارى او از رحمت خاص الهى

و لوطًا . .. نجّينه ... و أدخلنه فى رحمتنا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۵۶ - ۶

۶ - گرايش به پاكى و ارزش ها ، تنها جرم لوط (ع) و خاندانش در نظر آن جامعه فسادزده

قالوا أخرجوا ءال لوط من قريتكم إنّهم أُناس يتطهّرون

عبارت <إنّهم أُناس> تعليل براى حكم اخراج است.

آثار پاکی محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۲ - ۴

۴ - پاکی حریم پیامبراکرم (ص) از هر انحرافی ، گواه تأثیرناپذیری او از شیاطین

و ما تنزّلت به الشیطین . .. تنزّل علی کلّ أفّاك أثیم

آثار پاکی مسلمانان

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۴ - ۱

۱ - صلاح و پاکی پیروان پیامبر ، نشانگر مبرا بودن آن حضرت از شاعری و خیال پردازی

و الشعراء یتّبعهم الغاون

با توجه به این که این بخش از آیات آخر سوره، در مقام دفع اتهامات کافران به ساحت پیامبر(ص) و قرآن می باشد; از این آیه استفاده می شود که مشرکان، آن حضرت را متهم به شاعری و خیال پردازی می کردند و قرآن را ساخته وهم و خیال وی می دانستند. خداوند در ردّ این اتهام فرموده است: شاعران دارای پیروان و هوادارانی گمراه و فاسدند و از آن جا که گمراهی و غوایت در پیروان و هواداران پیامبر(ص) وجود ندارد; پس نه پیامبر(ص) شاعر است و نه پیام های او از مقوله شعر.

آثار پاکی موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵۱ - ۹

۹- پاکی و برگزیدگی موسی و مقام رسالت و نبوت او ، موجب شرافت و بزرگداشت یاد او در قرآن

واذکر فی الکتب موسی إنّه کان مخلصًا و کان رسولاً نبیًّا

جمله <إنّه کان . ..> تعلیل برای <اذکر> است.

آرزوی پاکی قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۰ - ۱۱

۱۱ - مؤمنان ، آرزومند پاک بودن قلب هایشان از کینه و عداوت نسبت به اهل ایمان

یقولون ربّنا . .. و لاتجعل فی قلوبنا غلاّ للذین ءامنوا

ادعای پاکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ – نساء – ۴ – ۴۹ – ۷

۷ پاك و پيراسته دانستن

خویش و یا دیگران ، بدون دلیلی مستند به خداوند ، ناروا و دخالت در شؤون خداوند است .

الم تر الی الذین یزکّون انفسهم بل اللّه یزکّی من یشاء

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۵۰ – ۶

۶ ادعای یهود مبنی بر پاک و پیراستگی خویش در پیشگاه خداوند ، افترا بر اوست .

الم تر الی الذین یزکون . .. انظر کیف یفترون علی اللّه الکذب

ادعای پاکی و رشدیافتگی یهود می توانـد از مصادیق مورد نظر از افترا بر خـدا باشد. چون مدعی بودند که این پیراسـتگی را خداوند به آنها داده است.

ارزش پاکی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۴۲ – ۱۳،۱۴

۱۳ طهارت از هر آلودگی ، ارزشی برای برگزیدگان الهی

طهرک و اصطفیک

۱۴ طهارت و پاکدامنی ، ملاکی برای ارزیابی مقام زن

طهرک و اصطفیک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۱۱ – ۱۱

۱۱ طهارت جسمی و روحی از ارزش های الهی

لیطهّرکم به و یذهب عنکم رجز الشیطن

اهمیت پاکی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۰۸ – ۱۷

۱۷ لزوم تقویت مساجد و مراکزی که بر اساس تقوا بنا شده و پایگاه جویندگان طهارت است .

لمسجد أسّس علی التقوی . .. فیه رجال یحبون أن یتطهروا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۲۱ – ۸

۸ – پاك زیستن و آلوده نشدن به زشتی ها و ناپسندی ها (

فحشا و منکرات) ، حکمت نهی الهی از پیروی کردن از شیطان است .

لاتتّبعوا خطوت الشیطن . .. فإنّه یأمر بالفحشاء و المنکر

جمله <فإنّه یأمر بالفحشاء و المنکر> تعلیل برای نهی از پیروی شیطان است (لاتتّبعوا خطوات الشیطان).

اهمیت پاکی جامعه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۰۳ – ۱۰

۱۰ تطهیر و تکامل روحی و معنوی جامعه ، هدف اصلی برنامه های اجتماعی و اقتصادی اسلام است .

خذ من أمولهم صدقه تطهرهم و تزکیهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۱۹ – ۴

۴ – سلامت و پاکی مردم در جامعه از فحشا و انحرافات جنسی ، مورد اهتمام دین اسلام است .

إنّ الذین یحبّون أن تشیع الفحشه . .. لهم عذاب ألیم

تعیین کیفر سخت دنیوی و اخروی برای اشاعه دهندگان فحشا در جامعه حاکی از آن است که اسلام برای سلامت و پاکی جامعه اسلامی، بسیار اهمیت قائل است.

اهمیت پاکی قلب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۸۹ – ۶

۶ – تبلور تمامی ارزش های وجودی انسان ، در پاکی و سلامت قلب و روح او از شرک

إلاّ من أتی اللّه بقلب سلیم

از این که تنها راه نجات و سعادت اخروی، مسأله تقدیم قلب سلیم (قلب مبرّا از شرک) به پیشگاه خداوند مطرح شده است، برداشت بالا به دست می آید.

پاداش پاکی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۷۶ – ۶

۶ – خلود در بهشت های عدن ، پاداش

پاکی و دوری جستن از کفر و شرک و گناه است .

جنّت عدن . .. خلدین فیها و ذلک جزاء من تزکّی

پاکی از گناه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۷۴ – ۱۴

۱۴ – خداوند ، کتمان کنندگان حقایق کتاب های آسمانی را از گناهان و آلودگی ها پاک نخواهد کرد .

إن الذین یکتمون ما أنزل اللّه . .. لایزکیهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۲ – ۲۵

۲۵ ورود به بهشت در گرو پاک بودن از گناهان است .

لاکفرن عنکم سیاتکم و لادخلنکم جنت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۸ – ۱۰

۱۰ عاشقان خدا و شیفتگان به او ، وارسته از آلودگی به گناه

نحن ابنؤا اللّه و احبؤه قل فلم یعذبکم بذنوبکم

پاکی انبیا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۷۹ – ۵

۵ – پیامبران و اولیای الهی ، انسان هایی پاک و مطهّر از هرگونه زشتی و آلودگی

لایمسّه إلّا المطهّرون

بنابه گفته برخی از مفسران واژه <المطهّرون>، اختصاص به فرشتگان ندارد; بلکه شامل پیامبران و اولیا نیز می شود.

پاکی انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶ - ۳۶

۳۶ طهارت انسان و اتمام نعمت الهی بر او ، زمینه ساز سپاسگزاری از خداوند

و لکن یرید لیطهرکم ولیتم نعمته علیکم لعلکم تشکرون

در برداشت فوق <لعلکم>، غایت و تعلیل برای <لیطهرکم> و <لیتم> گرفته شده است.

پاکی اولیاء الله

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۷۹ – ۵

۵ – پیامبران و اولیای الهی ، انسان هایی پاک و مطهّر از هرگونه زشتی و آلودگی

لایمسّه إلّا المطهّرون

بنابه گفته برخی از مفسران واژه <المطهّرون>، اختصاص به فرشتگان ندارد; بلکه شامل پیامبران و اولیا نیز می شود.

پاکی اهل بیت(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱ – ۲

۲- < عن جعفربن محمدالصادق (ع) : قوله عزّوجلّ : < طه > أی طهاره أهل بیت محمد (صلوات اللّه علیهم) من الرجس ;

از امام صادق(ع) روایت شده <طه> در سخن خداوند اشاره به طهارت اهل بیت محمد(ص) از رجس و پلیدی است>.

پاکی برگزیدگان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۴۲ – ۱۳

۱۳ طهارت از هر آلودگی ، ارزشی برای برگزیدگان الهی

طهرک و اصطفیک

پاکی پیروان لوط

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۸۲ – ۳،۷،۸

۳ پاک زیستی لوط و همراهانش ، موجب رنجش قوم وی و عاملی برای پیشنهاد اخراج ایشان از دیارشان شد .

أخرجوهم من قريتكم إنهم اناس يتطهرون

۷ لوط و همراهانش ، حتی در دیدگاه مخالفان ، انسانهایی پاک و منزه از اعمال ناروا و پلید

إنهم أناس يتطهرون

۸ قوم لوط ناامید از گرایش وی و همگامانش به منجلاب فساد ها و ارتکاب رفتار های پلید و ناروا

إنهم أناس يتطهرون

به کارگیری فعل مضارع <يتطهرون> بیانگر آن است که قوم لوط بر این باور بودند که پاک

زیستی وی و همراهانش امری مستمر و مداوم است.

پاکی خانواده لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۹ - ۳

۳- پاکی خاندان لوط (ع) و دوری از هرگونه جرم و تبه کاری ، عامل نجات همه آنان از عذاب الهی

إنا أُرسلنا إلی قوم مجرمین . إلاّ ءال لوط إنا لمنجّوهم أجمعین

پاکی خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۴ - ۲

۲ - مردمان تذکّرپذیر و اهل خشیت ، انسان هایی پاک ، و رستگارند .

سیذّکّر من یخشی . .. قد أفلح من تزکّی

مصداق مورد نظر از <من تزکی> به قرینه آیات پیشین همان مصادیق <من یخشی> است.

پاکی در روابط اجتماعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۸ - ۹

۹ - رشد و طهارت ، ملاک های گزینش نحوه زندگی و اساس تنظیم آداب و روابط اجتماعی است .

و إن قیل لکم ارجعوا فارجعوا هو أزکی لکم

جمله <هو أزکی لکم> برای تعلیل احکام مربوط به آداب ورود به خانه های دیگران است; ولی این تعلیل از نوع تعلیلی است که موجب تعمیم حکم می شود. بنابراین هر رفتاری که موجب رشد و پاکی انسان شود، امری پسندیده و بایسته است که باید ملاک گزینش هر نوع رفتاری قرار گیرد.

پاکی دوستداران خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۸ - ۱۰

۱۰ عاشقان خدا و شیفتگان به او ، وارسته از آلودگی به گناه

نحن ابنؤا اللّه و

احبؤه قل فلم یعذبکم بذنوبکم

پاکی سرزمین طوی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۲ – ۸

۸ – وادی طوی در کناره کوه طور ، سرزمینی پاك و منزه و شایسته احترام است .

إنّک بالواد المقدّس طوًی

<سرزمین مقدس>، یعنی سرزمینی که طهارت معنوی دارد (مفردات راغب).

پاکی عبرت پذیران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – اعلی – ۸۷ – ۱۴ – ۲

۲ – مردمان تذکّرپذیر و اهل خشیت ، انسان هایی پاك ، و رستگارند .

سیذّکّر من یخشی . .. قد أفلح من تزکّی

مصداق مورد نظر از <من تزکی> به قرینه آیات پیشین همان مصادیق <من یخشی> است.

پاکی فرزند صالح

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۸۱ – ۶

۶- پاك و صالح بودن و نیز مهرورزی فزون تر نسبت به والدین ، از ویژگی های فرزند شایسته است .

یبدلهما ربّهما خیرًا منه زکوه و أقرب رحمًا

پاکی قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۲۴ – ۳

۳ – قرآن ، گفتاری است پاک و پسندیده .

الطّیّب من القول

پاکی قلب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۶۴ – ۹

۹ طهارت و پاکی نفس ، زمینه فراگیری دانشِ کتاب الهی و حکمت

یتلوا علیهم ءایته و یزکّیهم و یعلّمهم الکتب و الحکمه

تقـدّم ذکری <تزکیه> بر <تعلیم کتاب>، بیانگر این نکته است که بدون تزکیه، فراگیری دانش کتاب الهی، به گونه ای که مقصود انبیاست، ممکن نیست.

پاکی قلب بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۳ - ۱،۵

۱ خداوند دل ها و سینه های اهل بهشت را از هر کینه و دشمنی پاک خواهد کرد .

و نزعنا ما فی صدورهم من غل

<غل> به معنای کینه است.

۵ وجود برخی از کینه ها در سینه مؤمنان قبل از ورود به بهشت و زدودن آن با ورود به بهشت *

و نزعنا ما فی صدورهم من غل

پاکی قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - حمد - ۱ - ۴ - ۱،۶

۱ - خداوند ، مالک و فرمانروای روز قیامت است .

ملک یوم الدین

<مِلْک> در <مالک یوم الدین> ملک حقیقی است ; یعنی، وابستگی وجودی که لازمه آن تسلط کامل و همه جانبه مالک بر مملوک است. قابل ذکر است که <یوم الدین> هم می تواند مفعول برای <مالک> باشد و هم می تواند ظرف برای آن گرفته شود و در صورت دوم مفعول، کلمه ای همانند <الامور> خواهد بود; یعنی: مالک الامور فی یوم الدین. به هر تقدیر برداشت فوق از آن استفاده می شود.

۶ - مالکیت خدا بر روز جزا و فرمانروایی او در آن روز ، دلیل اختصاص ستایش ها به اوست .

الحمد للّه . .. ملک یوم الدین

<مالک یوم الدین> نیز مانند اوصاف گذشته به منزله دلیل برای <الحمد للّه> است.

پاکی کتب آسمانی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – بینه – ۹۸ – ۴ – ۶

۶ – رسولان الهی در طول تاریخ ، کتاب هایی پاک و استوار بر مردم تلاوت نموده

، معارف آن را به همگان ابلاغ کرده اند .

البيّنه . رسول من اللّه يتلوا صحفًا مطهّره . فيها كتب قيّمه ... إلاّ من بعد ما ج

مراد از <البيّنه> (در این آیه) جنس آن است; نه مصداقی که در آیات پیشین مراد بود; ولی بیان وضع گذشتگان به عنوان نمونه بارز، بیانگر تشابه کامل بین دو <بیّنه> است. بنابراین بیّنه گذشتگان نیز مانند بیّنه درخواستی کافران، رسولی همراه با تلاوت کتاب های مطهر و قیم بوده است.

پاکی کلمه توحید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۴ - ۴

۴ - کلمه توحید (لا اله الا اللّه) ، سخنی پاک و پسندیده است .

و هدوا إلى الطّيّب من القول

با توجه به عبارت پیشین که سخن از اهل توحید و اهل شرک و فرجام کار موحدان و مشرکان بود می توان گفت که مراد از <الطیب من القول> کلمه توحید (لا اله الا اللّه) و مراد از <صراط الحمید> عبادت خدای یگانه است.

پاکی لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۲ - ۳،۴،۷،۸

۳ پاک زیستی لوط و همراهانش ، موجب رنجش قوم وی و عاملی برای پیشنهاد اخراج ایشان از دیارشان شد .

أخرجوهم من قريتكم إنهم اناس يتطهرون

۴ لوط در پاک زیستی و تنزه از اعمال زشت و مبارزه با کردار های ناپسند ، دارای همگامان و یارانی متعدد بود .

و ما كان جواب قومه إلا أن قالوا أخرجوهم من قريتكم إنهم أناس يتطهرون

ضمایر جمع در جمله <اخرجوهم . .. > و نیز آوردن

کلمه <اناس>، حکایت از آن دارد که گروهی از مردم به لوط گرویده بودند و چون تصمیم بر اخراج لوط و یارانش در پی اعتراضـهایی که در آیه قبل مطرح شـد، گرفته شـده، معلوم می شود مؤمنان به لوط وی را در مبارزه با فسادها و مفسدان یاری می کردند.

۷ لوط و همراهانش ، حتی در دیدگاه مخالفان ، انسانهایی پاک و منزه از اعمال ناروا و پلید

إنهم أناس یتطهرون

۸ قوم لوط ناامید از گرایش وی و همگامانش به منجلاب فساد ها و ارتکاب رفتار های پلید و ناروا

إنهم أناس یتطهرون

به کـار گیری فعل مضارع <یتطهرون> بیانگر آن است که قوم لوط بر این باور بودنـد که پاک زیستی وی و همراهانش امری مستمر و مداوم است.

پاکی متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۳ - ۱۱،۱۲

۱۱ - تمجید دربانان بهشت از خوبی ها و پاکدامنی تقواپیشگان ، در آستانه ورودآنان به بهشت

و قال لهم خزنتها. .. طبتم

۱۲ - پاکدامنی و طهارت از گناه ، از اوصاف برجسته تقواپیشگان

طبتم

از این که دربانان بهشت در آستانه ورود تقواپیشگان تنها از پاکی و پاکدامنی آنان سخن می گویند، می تواند بیانگر برداشت یاد شده باشد.

پاکی مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۲ - ۵،۹

۵ برگزیدگی و پاکیزه گشتن مریم (س) از سوی خدا

یا مریم انّ اللّه اصطفیک و طهّرک

۹ پاک گشتن مریم ، در پرتو خالص گردانیدن او

انّ اللّه اصطفیک و طهّرک و اصطفیک علی نساء العالمین

از اینکه جمله <و طهرک .

.. > پس از <اصطفیک > آمده، به نظر می رسد خالص گرداندن مریم، دخیل در تطهیر وی بوده است. گفتنی است که معنای <اصطفاء> خالص گرداندن از پلیدیهایی است که دیگران به آن مبتلا هستند (مفردات راغب).

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۷۱ – ۱۸

۱۸ پاک بودن دامن حضرت مریم (ع) از تهمت های ناروای یهودیان

انما المسیح عیسی ابن مریم رسول اللّه و کلمته القها إلی مریم و روح منه

جملات <انما المسیح . .. روح منه> علاوه بر اینکه رد عقیده غلوآمیز مسیحیان درباره حضرت عیسی(ع) است، می تواند اشاره به ناروایی اتهام یهودیان نسبت به مریم(ع) نیز باشد.

پاکی مقربان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۷۹ – ۱۰

۱۰ – < عن النبی (ص) < لایمسّه إلاّ المطهّرون > قال : المقرّبون ;

از رسول خدا(ص) درباره <مطهّرون> در آیه >لایمسّه إلاّ المطهّرون> روایت شده که مراد مقربان هستند>.

پاکی مکان گفتگوی خدا با انبیا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۲ – ۱۰

۱۰ – مکان های تکلم خداوند با پیامبران و بندگان خویش ، مکان هایی مقدس و طاهر و شایسته احترامند .

یموسی . إنّی أنا ربّک ... إنّک بالواد المقدّس طوًی

گرچه دلیل تقدس وادی طوی در آیه نیامده است، ولی مجموع آیه حکایت از ارتباط تکلم خداوند با تقدس آن سرزمین دارد، چه تقدس سابق، سبب انتخاب آن برای تکلم شده باشد و چه تکلم خداوند به آن قداست بخشیده باشد.

جلد –

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نازعات – ۷۹ – ۱۶ – ۶

۶ – جایگاه سخن گفتن خداوند با پیامبران ، جایگاهی مقدس و پاک و شایسته احترام است .

إذ ناديه ربّه بالواد المقدّس طوًى

ارتباط <ناداه> با <المقـدس>، بیانگر این است که یا خداونـد برای تکلّم با بندگان، جایی مقدس را برمی گزیند و یا تکلّم او، مایه تقدس آن سرزمین می گردد. در هر دو صورت، برداشت یاد شده قابل استفاده است.

پاکی ملائکه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۷۹ – ۳

۳ – فرشتگان الهی ، موجوداتی پاک و مطهر

لايمسّه إلّا المطهّرون

پاکی موجودات

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۵۸ – ۱۰

۱۰ پاکی طینت موجودات ، امری اصیل و خباثت آنها ، امری عرضی است . *

و البلد الطيب . .. و الذی خبث

توصـیف زمین مستعد با وصف <الطیب> در مقابل توصیف زمین نامستعد با فعل <خبث>، می تواند اشاره به برداشت فوق داشته باشد. زیرا وصف دلالت بر ثبوت دارد و فعل حاکی از حدوث است.

پاکی مؤمنان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۷۹ – ۳،۱۹

۳ مؤمنان ، پاک هستند و غیر آنان (منافقان) ، پلید و خبیث .

ما کان اللّه لیذر المؤمنین علی ما انتم علیه حتّی یمیز الخبیث من الطّیّب

۱۹ پیامبر (ص) ، آگاه به پاکان و ناپاکان (مؤمن و منافق) امّت خویش ، از طریق علم به غیب

و ما کان

اللّه . .. و لكنّ اللّه يجتبى من رسله من يشاء

مراد از <من رسله> چه برخی از رسولان باشند و چه تمامی آنان قطعاً پیامبر اسلام (ص) از جمله آنان خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۷ - ۲

۲ کافران ستیزه گر با دین ، پلید هستند و اهل ایمان ، پاک .

لیمیز اللّه الخبیث من الطیب

پاکی همسران بهشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۵ - ۱۳

۱۳ - بهشتیان در بهشت ، همسرانی پاک و مطهر خواهند داشت .

و لهم فیها ازوج مطهره

تضمین پاکی عیسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۹ - ۵

۵- پاکی و رشد معنوی حضرت عیسی (ع) ، قبل از تولد وی ، از سوی خداوند تضمین شده بود .

إنّما أنا رسول ربّک لأهب لک غلمًا زکیًا

دعوت به پاکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۱۸ - ۴

۴ - دعوت به پاکی و درست کاری ، سرلوحه برنامه پیامبران

فقل هل لك إلى أن تزكّى

زمینه پاکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۳ - ۸

۸ رابطه سجده با طهارت از آلودگی ها *

و طهّرك . .. و اسجدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۳ - ۸

۸ پرداخت صدقه و زکات ، مایه تطهیر (پاکی روح از آلودگی

) و تزکیه (رشد معنوی) انسان است .

خذ من أمولهم صدقه تطهرهم و تزکیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۸ - ۱۵

۱۵ مکان و محیط مناسب ، از زمینه های لازم برای طهارت و خودسازی و کمال معنوی

لمسجد أسّس علی التقوی . .. فیه رجال یحبون أن یتطهروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۰ - ۹،۱۱

۹ - پرهیز از نظر دوختن به نامحرمان و اجتناب از آلودگی به فحشا و فساد جنسی ، زمینه ساز طهارت ، پاکی ، رشد و بالندگی است .

قل للمؤمنین یغضّوا من أبصرهم و یحفظوا فروجهم ذلک أزکی لهم

<زکاه> (مصدر <أزکی>) هم به معنای <نمو و رشد> و هم به معنای <طهارت و پاکی> است.

۱۱ - احکام و تعالیم دین ، در جهت رشد ، بالندگی ، طهارت و پاکی انسان است .

قل للمؤمنین یغضّوا من أبصرهم . .. ذلک أزکی لهم

زمینه پاکی جامعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۳ - ۱۱

۱۱ پرداخت صدقه (زکات) ، تضمین کننده پاکی جامعه و شکوفایی اقتصاد آن *

خذ من أمولهم صدقه تطهرهم و تزکیهم

برداشت فوق بر این اساس است که تطهیر و رشد، صرفاً فردی نباشد و نظر به حیثیت اجتماعی آن نیز داشته باشد. به تعبیر دیگر، صدقه و زکات، از آن جهت که تعدیل ثروت را به دنبال دارد، عدالت اجتماعی را تضمین می کند.

شرایط پاکی قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴

- مائده - ۵ - ۴۱ - ۳۷

۳۷ پاکی جان ها و دل ها از آلودگی در گرو توفیق الهی

أولئک الذین لم یرد اللّه ان یطهر قلوبهم

عوامل پاکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۳۲ - ۱۲،۱۳،۲۰

۱۲ پذیرش احکام الهی و عمل به آن ، باعث رشد و طهارت انسان

و اذا طلّقتم النّساء . .. ذلکم ازکی لکم و اطهر

۱۳ قوانین الهی برای رشد و طهارت جامعه ، مفیدتر از قوانین و رسوم مردم است .

و اذا طلّقتم النّساء . .. فلا تعضلوهنّ ... ذلکم ازکی لکم و اطهر

۲۰ قوانین الهی ، برای اصلاح و پاکسازی خانواده و جامعه

فلا تعضلوهنّ ان ینکحن . .. ذلکم ازکی لکم و اطهر و اللّه یعلم و انتم لا تعلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۹ - ۴،۲۲

۴ ایمان ، موجب طهارت و پاکی و نفاق ، موجب پلیدی است .

ما کان اللّه لیذر المؤمنین علی ما انتم علیه حتّی یمیز الخبیث من الطّیّب

۲۲ ایمان به خداوند و پیامبران ، موجب قرار گرفتن آدمی در زمره پاکان

حتّی یمیز الخبیث من الطّیّب . .. فامنوا باللّه و رسله

بنابر اینکه جمله <فامنوا . .. >، متفرع بر جمله <حتّی یمیز ... > باشد ; یعنی حال که سنّت الهی بر جداسازی ناپاکان از پاکان امّت است، برای اینکه در زمره پاکان قرار گیرید، راهی جز ایمان واقعی به خدا و رسول نیست.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ –

۴۹ - ۲،۳

۲ تزکیه و پیراسته نمودن جان ها از آلودگی ، از شؤون خداوند است .

بل اللّه یزکّی من یشاء

بنابر اینکه <یزکّی> از <تزکیه> به معنای برطرف کردن و زایل نمودن ناپاکیها باشد، نه از <تزکیه> به معنای توصیف به پاکی و طهارت.

۳ خداوند بر اساس مشیّتش انسان را از آلودگی پاک می سازد و رشد می دهد .

بل اللّه یزکّی من یشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۱ - ۱۶

۱۶ - رشد و طهارت انسان در گرو مخالفت با شیطان و اجتناب از فحشا و منکرات است .

لاتتّبعوا خطوت الشیطن . .. فإنّه یأمر بالفحشاء و المنکر و لولا فضل اللّه علیکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۸ - ۱۰

۱۰ - احکام و تعالیم دین در جهت رشد ، بالندگی ، طهارت و پاکی انسان ها است .

و إن قیل لکم ارجعوا فارجعوا هو أزکی لکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۷ - ۵

۵ - معارف و تعالیم دین ، مایه پاکی انسان از پلیدی ها است .

و ما علیک ألاّ یزّکّی

براساس شأن نزول آیه شریفه، حضور کافران سرشناس در مجلس پند و اندرز، مایه برخورد ناهنجار فرد مسلمان با ابن ام مکتوم بوده است. این که آیه از اسلام نیاوردن آنان، با تعبیر <تزکیه نخواستن> یادکرده است، گویای ثمربخشی تعالیم دین

در تزکیه است.

عوامل پاکی مؤمنان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۱۰۰ –

۸ ایمان ، مایه طهارت مؤمنان و پاکیزه کننده آنان از هرگونه رجس و پلیدی است .

و ما کان لنفس أن تؤمن . .. و یجعل الرجس علی الذین لایعقلون

فطریت پاکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۸ - ۷

۷ - رشد و طهارت ، اموری فطری و مطلوب همه انسان ها است .

و إن قیل لکم ارجعوا فارجعوا هو أزکی لکم

جمله <هو أزکی لکم> به منزله تعلیل است و تعلیل آن گاه صحیح است که شیء تعلیل شده (رشد یافته تر و پاکیزه تر بودن) مورد پذیرش مخاطبان باشد. بنابراین می توان گفت: رشد، بالندگی، طهارت و پاکی، امری مورد پذیرش و مطلوب همگان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۰ - ۱۲

۱۲ - رشد و طهارت ، مطلوب و فطری همه انسان ها است .

ذلک أزکی لهم

جمله <ذلک أزکی لهم> به منزله تعلیل است و تعلیل آن گاه صحیح است که شیء تعلیل شده (رشد و پاکی) مورد پذیرش مخاطبان باشد. بنابراین می توان گفت که پاکی و رشد، مورد پذیرش و مطلوب همگان است و این به سبب امری فطری خواهد بود.

فواید پاکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۱۸ - ۱۴

۱۴ – پاکی و دوری از گناه و آلودگی ها ، به سود بشر

و من تزّکی فإنّما یتزّکی لنفسه

گواهی بر پاکی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۴۹ – ۹،۱۳

۹ شهادت بر پاکی

و پیراستگی انسان از ناپاکی ها ، از شؤون خداوند است .

بل اللّه یزکّی من یشاء

بنابر اینکه <یزکّی> از <تزکیه> به معنای پاک دانستن و نسبت طهارت دادن باشد.

۱۳ شهادت خدا بر پاکی و طهارت انسان و نیز ملاک های تعیین شده از سوی او برای پیراستگی ، گزاف و بدون دلیل نیست .

بل اللّه یزکّی من یشاء و لا یظلمون فتیلا

محرومان از پاکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۱۸ - ۷

$۷ - فرعون ، طغیان گری محروم از هرگونه پاکی و صلاح

هل لک إلی أن تزکّی

سؤال موسی(ع) نشان می دهد که وی در وجود فرعون، به دنبال یافتن تمایلی هر چند اندک به سوی خیر و صلاح بود.

ملاک پاکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۹ - ۶

۶ تعیین ملاک و میزان پیراستگی و رشد یافتگی ، کار خداوند است .

بل اللّه یزکّی من یشاء

اگر مراد از <تزکیه> پاک دانستن و شهادت به منزه بودن باشد، تزکیه خداوند به تعیین ملاک خواهد بود ; چون خداوند غالباً شهادت به پاکی فرد و یا گروهی خاص نمی دهد، بلکه ملاکها را مشخص می کند.

منشأ پاکی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۲۱ – ۱۴

۱۴ – طهارت ، پاکی ، رشد و بالندگی اهل ایمان ، جلوه ای از فضل و رحمت الهی بر آنان

و لولا فضل اللّه علیکم و رحمته ما زکی منکم من أحد أبدًا

<زکاء> در لغت به دو معنا آمده

است: ۱ نمو و رشد، ۲ صلاح و پاکی.

موانع پاکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۲ - ۲۰

۲۰ آمیزش جنسی در ایّام حیض ، خلاف پاکیزگی است .

و یسئلونک عن المحیض . .. فاعتزلوا النساء فی المحیض ... ان اللّه یحب التوابین و ی

نهی از آمیزش در ایام حیض و سپس اظهار محبّت به پاکیزگان، می تواند اشاره به برداشت فوق باشد.

موانع پاکی قلب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۳۸

۳۸ پافشاری در کفر ، مانع تعلق اراده الهی به پاک نمودن قلب کافران از آلودگی و ناپاکی

الذین یسرعون فی الکفر . .. أولئک الذین لم یرد اللّه ان یطهر قلوبهم

موجبات پاکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۷۶ - ۶

۶ - خلود در بهشت های عدن ، پاداش پاکی و دوری جستن از کفر و شرک و گناه است .

جنّت عدن . .. خلدین فیها و ذلک جزاء من تزکّی

نشانه های پاکی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۸ - ۷

۷ ثمربخشی فراوان ، نشانه طیب بودن و کم ثمری ، نشانه خباثت

و البلد الطیب یخرج نباته بإذن ربه و الذی خبث لایخرج إلا نکداً

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۶۰ – ۹

۹- صرف داشتن رابطه خویشاوندی با پاکان ، دلیل پاکی و خوبی نیست .

إلاّ ءال لوط إنا لمنجّوهم . .. إلاّ

امرأته قدّرنا إنها لمن الغبرين

پاکیزگان

فضایل پاکیزگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۲ - ۱۶

۱۶ خداوند ، توبه کنندگان و پاکیزگان را دوست دارد .

ان اللّه یحب التوابین و یحب المتطهرین

پاکیزگی

آثار پاکیزگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴ - ۴

۴ - طهارت و پاکیزگی جسم و جان ، از شرایط بایسته برای رهبران و مبلغان جامعه اسلامی و تأثیرگذار در موفقیت آنان

و ثیابک فطهّر

ارزش پاکیزگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۵ - ۱۵

۱۵ ارزش و اهمیّت پاکیزگی و پاکدامنی ، در زندگی و روابط خانوادگی

و ازواج مطهره

اهمیت پاکیزگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵ - ۲

۲ ملاک حلیت اشیا ، پاکیزگی و سازگاری آنها با طبع است .

الیوم احل لکم الطیبت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴ - ۳

۳ - طهارت و پاکیزگی جسم و جان ، برخوردار از اهمیت ویژه در سلسله تعالیم قرآن

و ثیابک فطهّر

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که توصیه به طهارت، در ردیف توصیه های بزرگی (همچون تکبیر خداوند) قرار گرفته است که در مرحله نخست رسالت به پیامبر(ص) ابلاغ شده بود.

اهمیت پاکیزگی طعام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۹ - ۲۹

۲۹- پای بندی به ارتزاق از پاکیزه ترین غذا ها ، اصلی پسندیده و

مرغوب در زندگی یکتاپرستان است .

فلینظر أیّها أزکی طعامًا

پاکیزگی باران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۸ - ۴

۴ آب باران ، پاکیزه ترین و زلال ترین آب ها

و أنزلنا من السماء ماء طهورًا

پاکیزگی حلال ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۷ - ۷

۷ آنچه خداوند حلال کرده پاکیزه و گواراست .

لاتحرموا طیبت ما احل اللّه لکم

طیب به معنای چیزی است که خوشایند آدمی باشد و اضافه طیبات به <ما احل اللّه>، اضافه بیانیه است یعنی <ما احل . .> تفسیری برای طیبات می باشد. گویا سؤال می شود طیبات چیست؟ در پاسخ گفته می شود، آنچه خداوند حلال کرده است.

پاکیزگی خوردنیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴ - ۴

۴ پاکیزگی و سازگاری خوردنی ها با طبع ، ملاکی در حلیت آنها

احل لکم الطیبت

پاکیزگی در خانواده

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۱۵ – ۱۵

۱۵ ارزش و اهمیّت پاکیزگی و پاکدامنی ، در زندگی و روابط خانوادگی

و ازواج مطهره

پاکیزگی در مسجد الحرام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۲۹ – ۲

۲ – ورود به مسجدالحرام برای انجام طواف ، با سر و تن آلوده و نیاراسته ، ممنوع است .

ثمّ لیقضوا تفثهم

پاکیزگی شراب بهشت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – انسان – ۷۶ – ۲۱ – ۶،۷

– ۶

ابرار در بهشت ، برخوردار از شراب بسیار پاکیزه و به دور از هرگونه آثار ناگوار (بیهوشی ، غفلت و عقل زدایی)

و سقیهم ربّهم شرابًا طهورًا

<طهور>، صیعه مبالغه و صفت برای <شراباً> است; یعنی، شراب ابرار در نهایت پاگیزگی و خالص از هر گونه آثار ناگوار شراب های دنیا (همچون بیهوشی، غفلت و کم شدن عقل) است.

۷ - بهشتیان ، از شراب بسیار پاکیزه و به دور از هر گونه آثار ناگوار ، خواهند نوشید .

و سقیهم ربّهم شرابًا طهورًا

پاکیزگی لباس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴ - ۱

۱ - پاکیزگی لباس و نظافت شخصی ، از نخستین توصیه های خداوند به پیامبر (ص)

و ثیابک فطهّر

پاکیزگی همسران بهشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۴۹ - ۳

۳ - تمیزی و دوشیزگی ، از اوصاف زنان بهشتی

کأنّهنّ بیض مکنون

تشبیه به پوشیده بودن تخم ها زیر پر شترمرغ، کنایه از تمیز بودن زنان بهشتی است و مصون بودن آنان که مفاد عبارت <مکنون> می باشد کنایه از محفوظ ماندن آنان از دستبرد دیگران و دوشیزگی ایشان است.

تشویق به پاکیزگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۲ - ۱۸

۱۸ ترغیب و تشویق الهی ، به توبه و پاکیزگی

ان اللّه یحب التوابین و یحب المتطهرین

از اهداف اشاره به محبّت الهی نسبت به پاکیزگان و توبه کنندگان، تشویق انسانها به توبه و پاکیزگی است.

توصیه به پاکیزگی

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۹ – مدثر – ۷۴ – ۴ – ۱

۱ – پاکیزگی لباس و نظافت شخصی ، از نخستین توصیه های خداوند به پیامبر (ص)

و ثیابک فطهّر

توصیه به پاکیزگی قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – بینه – ۹۸ – ۲ – ۱۲

۱۲ – پاکیزه نگه داشتن صفحات قرآن ، توصیه خداوند

صحفًا مطهّره

توصیف ورق های قرآن به <مطهّره> علاوه بر بیان طهارت معنوی آنها از انحراف آنها را سزاوار تطهیر دانسته و به لزوم دور داشتن آنها از آلودگی های ظاهری نیز اشاره دارد.

عبادت و پاکیزگی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۲۵ – ۲۴

۲۴ – ارتباط تنگاتنگ عبادت با طهارت و نظافت

أن طهرا بیتی للطائفین و العکفین و الرکع السجود

عوامل پاکیزگی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۴۲ – ۶

۶ پاکی و برگزیده شدن مریم ، زمینه برگزیده شدن خاندان عمران نزد خداوند

یا مریم انّ اللّه اصطفیک

<و اذ قالت . .. > عطف است به <اذ قالت ... > در آیه سی و پنجم و ظرف است برای <اصطفی ... ال عمران> ; یعنی آنگاه آل عمران برگزیده شدند که مریم را خداوند برگزید و پاک گردانید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۴۸ - ۵

۵ آب باران ، وسیله ای برای نظافت و پاکیزکی

و أنزلنا من السماء ماء طهورًا

<طهور> صیغه مبالغه از مصدر <طهارت> است و آمدن این واژه به صیغیه، مبالغه نه بر وزن فاعل

(طاهر)، می تواند حاکی از این حقیقت باشد که آب ضمن آن که خود پاک و پاکیزه است، عنصری پاک کننده نیز می باشد.

پدر از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

پدر

آثار تزکیه پدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۰ - ۸

۸- لزوم تصفیه درونی و اعتلای روحی پدر ، هنگام انعقاد نطفه فرزند

قال ربّ اجعل لی ءایه قال ءایتک ألاّ تکلّم الناس ثلث لیال سویًّا

نشانه ای که زکریا درخواست کرد، اگر برای تشخیص زمان انعقاد نطفه بوده، چنین درخواستی می تواند نشانه حساسیت خاص مسأله باشد و آن حضرت برای مراعات مسائلی خاص و نیز آدابی لازم، زمان آن را خواهان گردید تا با تهیه و تدارک مقدمات روحی لازم، اقدام به انجام مرحله انعقاد نطفه نماید.

آثار صلاحیت پدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۲ - ۹

۹- صلاح و شایستگی پدر ، دارای نقش مؤثّر در سعادت و نیک بختی فرزندان است .

کان أبوهما صلحًا فأراد ربّک أن یبلغا أشدّهما و یستخرجا کنزهما

آثار علاقه به پدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۴ - ۱

۱ عواطف خویشاوندی (علاقه به پدر ، فرزند ، برادر ، همسر و خویشاوندان) و امکانات مادی (مال ، شغل و مسکن) زمینه های انحراف انسان و روی گردانی وی از فرمان خدا و رسول و ر ها کردن جهاد

قل إن كان ءاباؤكم . .. و أموال اقترفتموها ... أحب إليكم من اللّه و رسوله و جهاد

آثار گرایشهای پدر

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۳۳ - ۱۱

۱۱ - باور های دینی پدران ، دارای تأثیری بسزا در گرایش فرزندان به آن باورها

نعبد إلهک و إله ءابائک إبرهیم و إسمعیل و إسحق إلهاً وحداً

فرزندان یعقوب با جمله ای همانند <نعبد اللّه إلهاً واحداً> می توانستند اعتقاد توحیدی و توحید عبادی خویش را اظهار دارند. بیان آن معنا در ضمن نام بردن از ابراهیم و ... اشاره به نکاتی دارد که تأثیر پذیری فرزندان از باورهای پدران، از جمله آنهاست.

احترام پدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۳ - ۹

۹ بنیامین بدون رخصت پدرش یعقوب (ع) به مسافرت اقدام نمی کرد .

ا$ز اینکه برادران یوسف برای بردن بنیامین به مصر با یعقوب سخن گفتند و از او خواست

ز اینکه برادران یوسف برای بردن بنیامین به مصر با یعقوب سخن گفتند و از او خواستند که وی را به همراه ایشان بفرستد (فأرسل معنا أخانا) معلوم می شود که بنیامین بدون اجازه پدرش به مسافرت نمی رفت.

احسان به پدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۵ - ۷

۷- مادر ، دارای حقی فزون تر از پدر ، در برخورداری از احسان و خدمات فرزند

و وصّینا الإنسن بولدیه إحسنًا حملته أُمّه کرهًا و وضعته کرهًا و حمله و فصله

خداوند، در آغاز احسان به پدر و مادر را توصیه کرده است; ولی در بیان فلسفه آن صرفاً از زحمات مادر یاد نموده است. این در حقیقت تأکید بر حق مادر و توصیه فزون

تر در مورد او است.

ادب در گفتگو با پدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۵ - ۱۰

۱۰- لزوم رعایت ادب و ملاطفت در گفتار با پدر ، اگر چه مشرک باشد . *

یأبت . .. یأبت إنّی أخاف أن یمسّک

ارث پدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۱ - ۱۸

۱۸ برادران میت با وجود پدر و مادر و یا فرزندان او ، ارث نمی برند .

و ورثه ابواه فلامّه الثلث فان کان له اخوه فلامّهِ السّدس

زیرا با فرض وجود برادرانی برای میت (فان کان له اخوه)، تنها پدر و مادر او را وارث شمرده است (و ورثه ابواه).

استغفار برای پدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۱ - ۱

۱- حضرت ابراهیم (ع) از خداوند خواستار آمرزش خود ، پدر و مادرش و مؤمنان در روز برپایی قیامت شد .

ربّنا اغفرلی و لولدیّ و للمؤمنین یوم یقوم الحساب

استقبال از پدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۹ - ۳

۳ به استقبال پدر ، مادر و بستگان رفتن و در خارج شهر به انتظار قدوم آنان ماندن ، رسمی نیکو و از آداب معاشرت است .

فلما دخلوا علی یوسف . .. قال ادخلوا مصر

اطاعت از پدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۳ - ۱۱،۱۲

۱۱ پدران دارای حق امر و نهی به فرزندان خویش

فأرسل معنا أخانا

۱۲ گوش سپاری

به فرمان ها و خواسته های پدران از وظایف فرزندان و از آداب معاشرت با ایشان

فأرسل معنا أخانا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۸ - ۴

۴ گوش سپاری به فرمان های پدران از وظایف فرزندان و از آداب معاشرت با ایشان

و لما دخلوا من حیث أمرهم أبوهم

انتساب فرزند به پدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۵ - ۱،۲،۳

۱ - هر فرزندی ، باید به پدر خود نسبت داده شود و نه کس دیگر .

ادعوهم لأباءهم

۲ - تبیین لزوم اسناد فرزند حقیقی به پدر ، از جمله هدایت های خداوند به حقیقت و درستی است .

و اللّه یقول الحقّ و هو یهدی السبیل . ادعوهم لأباءهم

۳ - نسبت دادن فرزند به پدرش ونه مرد دیگر ، عادلانه ترین کلام در پیش گاه خداوند است .

ادعوهم لأباءهم هو أقسط عند اللّه

اهمیت احترام پدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۹ - ۹

۹ لزوم احترام به خویشاوندان خصوصاً به پدران و مادران

فلما دخلوا علی یوسف ءاوی إلیه أبویه و قال ادخلوا مصر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۱۰۰ – ۵

۵ لزوم احترام به پدر و مادر

و رفع أبویه علی العرش

اهمیت دعای پدر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۹۸ – ۷

۷ دعای پدران در حق فرزندان ، به اجابت نزدیک تر است .

یأبانا استغفر لنا . .. قال سوف أستغفر لکم ربی

درخواست

فرزنـدان یعقوب از او برای طلب آمرزش می رسانـد که آنـان دعـای وی را به اجـابت نزدیـک تر می دانسـتند ; حال یا به این لحاظ که او پدر ایشان است یا به این سبب که وی پیامبر خداست و یا هر دو لحاظ در نظر آنان بوده است.

اهمیت نقش پدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۸ - ۷

۷- خانواده به ویژه پدر ، در رشد یا انحطاط اخلاقی فرزندان نقشی مؤثر دارد .

ما کان أبوک امرأ سوء و ما کانت أُمّک بغيًّا

تعبیری که قوم مریم در باره پـدر او به کار بردنـد، نفی همه پلیـدی ها بود، حاکی از این که بـدی های پـدر هرچه باشـد زمینه مناسبی برای فساد فرزندان خواهد شد و تأثیر رفتار مادر به آن گستردگی نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۶ - ۳

۳ - وجود پدر ، مأمن و مأوایی مناسب برای مراقبت از فرزند

ألم یجدک یتیمًا فاوی

به کسی <یتیم> گفته نمی شود; مگر در صورت نبود پدر. (العین)

ایمان پدر ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۱ - ۵

۵- پدر و مادر حضرت ابراهیم (ع) مؤمن و موحد بودند .

ربّنا اغفرلی و لولدیّ

از اینکه حضرت ابراهیم(ع) برای پدر و مادرش طلب آمرزش کرد، استفاده می شود که آنان مؤمن و موحد بودند.

بارداری بدون پدر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۲۱ – ۳

۳- اعطای فرزند بدون

پدر ، امری آسان برای خداوند

هو علیَّ هیّن

<هیّنٌ> صفت مشبهه از <هون> می باشد، یعنی آسان و راحت.

بی نیازی از پدر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – اخلاص – ۱۱۲ – ۳ – ۵،۶

۵ – خداوند ، نیاز به فرزند و پدر و مادر ندارد .

اللّه الصمد . لم یلد و لم یولد

این آیه و آیه بعد، چنانچه تفسیر آیه قبل باشد; نداشتن فرزند و مبدأ پیدایش را، مصداق معنای <صمد> (بی نیازی) قرار داده است.

۶ – نیاز همه موجودات به خداوند ، دلیل بی نیازی او از فرزند و پدر و مادر است .

الصمد . لم یلد و لم یولد

این آیه، می تواند بیانگر لوازم <صمد> بودن خداوند باشد.

پدر ابراهیم(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۷۴ – ۱،۳،۱۳

۱ پدر ابراهیم، آزر و قوم او مردمی بت پرست و گمراه بودند.

و إذ قال إبرهیم لأبیه ءازر أتتخذ أصناما

۳ آزر، پدر صلبی ابراهیم(ع) نبوده است.

إذ قال إبرهیم لأبیه ءازر

روش قرآن در آیات مختلف مشابه این آیه ذکر نام و نشان افراد نیست. لذا تصریح به اسم آزر به صورت عطف بیان بدان جهت می تواند باشد که مراد از <اب> را روشن نماید که پدر حقیقی ابراهیم(ع) نبوده، بلکه عمو و یا پدر خوانده وی بوده است.

۱۳ عن أبی عبدالله(ع): إن آزر أبا ابراهیم کان منجما لنمرود . .. و وقع آزر بأهله فعلقت بإبراهیم ... .

از امام صادق(ع) روایت شده است: <آزر> پدر ابراهیم منجم نمرود بود . .. و آزر با همسر خویش همبستر شد و

نطفه ابراهیم منعقد گشت ... .

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۴۱ – ۱

۱- حضرت ابراهیم (ع) از خداوند خواستار آمرزش خود ، پدر و مادرش و مؤمنان در روز برپایی قیامت شد .

ربّنا اغفرلی و لولدیّ و للمؤمنین یوم یقوم الحساب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۴۲ – ۲

۲- آزر (پدر یا عموی حضرت ابراهیم (ع)) ، مشرک و بت پرست بوده است .

إذ قال لأبیه یأبت لِمَ تعبد ما لایسمع

<آزر> یا پدر حضرت ابراهیم بوده است، چنانچه ظاهر برخی آیات چنین اقتضا دارد و برخی روایات نیز مؤید آن است و یا این که مطابق برخی روایات دیگر عموی او بوده است. واژه <أب> در زبان عرب بر <عمو> نیز اطلاق می گردد. در قرآن نیز در سوره بقره آیه صد و سی و سوم به همین معنا استعمال شده است (نعبد إلهک و إله آبائک إبراهیم و إسماعیل). دراین آیه لفظ <أب> در مورد <عمو> نیز به کار رفته، زیرا اسماعیل عموی یعقوب بوده است. گفتنی است که برخی مفسران، آزر را جد مادری ابراهیم دانسته اند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۲۶ – ۳

۳ – قوم ابراهیم (ع) و فردی که آن حضرت وی را پدر خطاب می کرد ، پیرو آیین شرک و بت پرستی بودند .

و إذ قال إبرهیم لأبیه و قومه إنّنی براء ممّا تعبدون

پدر انسان ها

جلد – نام سوره – سوره

- آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۹ - ۲

۲ شخص واحد (آدم (ع)) منشأ و مبدأ همه انسانهاست .

خلقکم من نفس وحده

برداشت فوق و نظایر آن مبتنی بر این نظر است که مراد از نفس واحده و زوجش آدم(ع) و حوا(س) باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۶ - ۱

۱ - خداوند ، انسان ها را از یک تن (آدم (ع)) آفرید .

خلقکم من نفس وحده

مفسران بر این دیدگاه اند که مقصود از <نفس واحده> آدم ابوالبشر است.

پدر جن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۵ - ۴

۴ - < عن الحسین بن علی (ع) کان علی بن أبی طالب (ع) بالکوفه فی الجامع إذ قام إلیه رجل . . . و سأله عن اسم أبی الجنّ فقال : شومان و هو الذی خلق من مارج من نار . . . ;

از امام حسین(ع) روایت شده که حضرت علی(ع) در جامع کوفه بود که مردی برخاست [و در ضمن چند سؤال از آن حضرت] از پدر جن سؤال کرد; حضرت فرمود: پدر جن <شومان> نام داشت [و فرمود:] هو الذی خلق من مارج من نار. ..>.

پدر دینی مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۷۸ - ۱۲

۱۲ - ابراهیم (ع) ، پدر دینی امت اسلامی

و ما جعل علیکم فی الدین من حرج ملّه أبیکم إبرهیم

پدر سلیمان(ع)

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۳۰ - ۲

۲ - سلیمان (ع) ، فرزند حضرت داوود (ع)

و وهبنا لداود سلیمن

پدر مالک دیوار قصه خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۲ - ۵،۶

۵- خضر (ع) پدر مالکان دیوار را می شناخت و از نیکی و صلاح او در دوران زندگی اش با خبر بود .

و کان أبوهما صلحًا

۶- صالح بودن پدر ، عامل حمایت خضر (ع) از منافع فرزندان یتیم او بود .

و أمّا الجدار فکان لغلمین یتیمین . .. و کان أبوهما صلحًا

جمله <و کان أبوهما صالحاً> نشانِ علّت تعمیر دیوار است.

پدر مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۶ - ۱۰

۱۰ مریم ، دختر عمران

امرات عمران . .. و انّی سمّیتها مریم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۱۲ - ۲

۲ - حضرت مریم (ع) ، دختر عمران بود .

و مریم ابنت عمرن

پدر یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۸ - ۱

۱ ابراهیم ، اسحاق و یعقوب (ع) ، پدران و اجداد یوسف (ع) بودند .

واتبعت ملّه ءاباءِی إبرهیم و إسحق و یعقوب

توحید پدر ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۱ - ۵

۵- پدر و مادر حضرت ابراهیم (ع) مؤمن و موحد بودند .

ربّنا

اغفرلی و لولدیّ

از اینکه حضرت ابراهیم(ع) برای پدر و مادرش طلب آمرزش کرد، استفاده می شود که آنان مؤمن و موحد بودند.

حقوق پدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۳ - ۱۱،۱۲

۱۱ پدران دارای حق امر و نهی به فرزندان خویش

فأرسل معنا أخانا

۱۲ گوش سپاری به فرمان ها و خواسته های پدران از وظایف فرزندان و از آداب معاشرت با ایشان

فأرسل معنا أخانا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۴ - ۱۱

۱۱ - مادران ، دارای حقی فزون تر از پدران ، بر گردن فرزند هستند . *

و وصّینا الإنسن بولدیه حملته أُمّه وهنًا علی وهن و فصله فی عامین أن اشکر . ..

تعلیل آوردن حکم تشکر از والدین، به این که مادر، سختی های بارداری را متحمل شده و فرزند را تا مدت دو سال شیر می دهد، می تواند به فزونی حق مادر اشاره داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۵ - ۷

۷- مادر ، دارای حقی فزون تر از پدر ، در برخورداری از احسان و خدمات فرزند

و وصّینا الإنسن بولدیه إحسنًا حملته أُمّه کرهًا و وضعته کرهًا و حمله و فصله

خداوند، در آغاز احسان به پدر و مادر را توصیه کرده است; ولی در بیان فلسفه آن صرفاً از زحمات مادر یاد نموده است. این در حقیقت تأکید بر حق مادر و توصیه فزون تر در مورد او است.

حکومت بر پدر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف –

۱۲ - ۱۰۰ - ۶

۶ حاکمان صالح بر پدر و مادر خویش حکومت و فرمانروایی نمی کنند .

و رفع أبويه على العرش

يوسف(ع) با نشاندن پدر و مادرش بر تخت خويش ، علاوه بر احترام ويژه اش به آنان ، درصدد بيان اين نكته بود كه هرگز بر پدر و مادرش حكمرانى و فرمانروايى نخواهد كرد ; بلكه مطيع و فرمانبردار ايشان خواهد بود.

خدا و پدر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - اخلاص - ۱۱۲ - ۲ - ۱۵،۱۶

۱۵ - < سأل رجل عليّاً (ع) عن تفسير هذه السوره فقال : . . . الصمد بلاتبعيض بَدَد ;

مردى از امام على(ع) درباره تفسير اين سوره (اخلاص) سؤال نمود، حضرت فرمود: . .. صمديت خداوند، بدون تجزيه شدن به اجزاى جدا از يكديگر است>.

۱۶ - < قال وَهْب بن وَهْب القرشى و حدّثنى الصادق جعفربن محمد عن أبيه الباقر عن أبيه (ع) أنّ أهل البصره كتبوا إلى الحسين بن على (ع) يسألونه عن الصمد فكتب إليهم . . . ان اللّه سبحانه قد فسّر الصمد فقال : < اللّه أحد . اللّه الصمد > ثمّ فسّره فقال < لم يلد و لم يولد . و لم يكن له كفواً أحد > . . . هو اللّه الصمد الذى لا من شىء و لا فى شىء و لا على شىء ;

وهب ۱۵۲بن وهب قرشى گويد: كه امام صادق(ع) از طريق پدرش امام باقر(ع) از امام سجاد(ع) برايم روايت كرده كه: اهل بصره به امام حسين(ع) نامه نوشتند و از ايشان معناى صمد را پرسيدند; امام به آنان

نوشت: . .. به درستی که خداوند سبحان خود صمد را تفسیر نموده و فرموده <اللّه أحد . اللّه صمد>، آن گاه آن را تفسیر کرده و فرموده است: <لم یلد و لم یولد . و لم یکن له کفواً أحد> ... او است خدای صمد که نه از چیزی به وجود آمده و نه در چیزی جای گرفته و نه بر چیزی مستقر است>.

خوردن از خانه پدر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۶۱ – ۳،۱۰

۳ – نابینایان ، لنگ ها و مریضان ، در استفاده از خوراکی های منازل پدر ، مادر ، برادر ، خواهر ، عمو ، عمه ، دایی و خاله خود ، بدون هیچ اذنی ، مجازاند .

لیس علی الأعمی حرج . .. أن تأکلوا من ... بیوت ءابائکم ... أو بیوت أخوتکم

۱۰ – استفاده از خوراکی های منازل پدر ، مادر ، برادر ، خواهر ، عمو ، عمه ، دایی و خاله خود ، بدون اذن خواستن ، جایز است .

لیس علی الأعمی حرج . .. أن تأکلوا من بیوتکم أو بیوت ءابائکم ... أو بیوت أخوتکم .

دوستی با پدر کافر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۲۳ – ۳

۳ ایجاد پیوند موالات و دوستی با خویشاوندان کافر هر چند پدر یا برادر باشند حرام است .

یأیها الذین ءامنوا لا تتخذوا ءاباءکم و إخونکم أولیاء إن استحبوا الکفر علی الإیمن

رعایت حقوق پدر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱

۹ - فرزند ، به صورت عادی و طبیعی ، حال و حقوق پدر را بیش تر رعایت می کند . *

و وصّینا الإنسن بولدیه حملته أُمّه وهنًا علی وهن. .. أن اشکر ... لولدیک

توصیه به رعایت حال والدین با یادآوری مشقاتی که مادر می کشد، ممکن است از این جهت باشد که فرزند ، حیات و معاش خود را مرهون پـدر می داند و طبیعتاً، در مقابل او احساس وظیفه می کند و درباره مادر چنین احساسـی ندارد، لذا این توصـیه برای ایجاد انگیزه در فرزند جهت رعایت حقوق هر دوی آنها است.

روش برخورد با پدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۳ - ۱۲

۱۲ گوش سپاری به فرمان ها و خواسته های پدران از وظایف فرزندان و از آداب معاشرت با ایشان

فأرسل معنا أخانا

روش گفتگو با پدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۵ - ۱۰

۱۰- لزوم رعایت ادب و ملاطفت در گفتار با پدر ، اگر چه مشرک باشد . *

یأبت . .. یأبت إنّی أخاف أن یمسّک

سرزنش پدر ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸۶ - ۱

۱ - ابراهیم (ع) ، پدر و قومش را به سبب گرایش به معبودهایی جز اللّه ، مورد سرزنش قرار داد .

أئفکًا ءالهه دون اللّه تریدون

استفهام در <أئفکا> متضمن معنای توبیخ است و <إله> مفرد <ءالهه> به معنای معبود می باشد.

سهم ارث پدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۱ - ۱۱،۱۲،۱۵،۱۷

۱۱ سهم ارث هر یكٔ از پدر و مادر ، در صورتی كه میّت دارای فرزند باشد ، سدس (یكٔ ششم) است .

و لابویه لکل واحد منهما السّدس ممّا ترک ان کان له ولد

۱۲ سهم ارث مادر در صورت انحصار ورثه به والدین ، ثلث (یكٔ سوم) است و بقیّه (دو سوّم) از آن پدر میّت است .

فان لم یکن له ولد و ورثه ابواه فلامّه الثلث

جمله <ورثه ابواه> ظهور در انحصار ورثه به والدین دارد. بنابراین چون سهم مادر ثلث است، بقیه (دو ثلث)، از آن پدر خواهد شد.

۱۵ زنده بودن پدر میّت و ممنوع نبودن وی از ارث ، شرط حاجب شدن برادران میّت از سهم ثلث مادر

و ورثه ابواه فلامّه الثلث فان کان له اخوه فلامّهِ السّدس

۱۷ سهم ارث مادر در صورت انحصار ورثه به والدین و وجود برادرانی برای میّت ، یكٔ ششم و بقیه از آن پدر است .

فان لم یکن له ولد و ورثه ابواه فلامّه الثلث فان کان له اخوه فلامّهِ السّدس

جمله <فان کان له اخوه> فرع بر جمله ای مقدّر است. یعنی ارث مادر در صورتی یک سوم است که میت، برادرانی متعدد نداشته باشد، ولی با وجود برادرانی برای میت، سهم او یک ششم است. و چون فرض بر این است که وارث تنها پدر و مادر هستند، بقیه از آن پدر می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۲ - ۲۰

۲۰ در صورت نبودن فرزند برای میّت

، نوه های وی به جای فرزند ارث می برند و موجب تنزل سهم زن ، شوهر ، پدر و مادر می شوند .

فان کان لکم ولد

امام باقر و صادق (ع): . .. فان لم یکن له ولـد و کان ولد الولد ذکوراً او اناثاً فانّهم بمنزله الولد ... و یحجبون الابوین و الزوج و الزوجه عن سهامهم الاکثر ... .

تهذیب شیخ طوسی، ج ۹، ص ۲۸۹، ح ۳، ب ۲۷، مسلسل ۱۰۴۳ ; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۵۱، ح ۸.

شرک پدر ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸۵ - ۱

۱ - ابراهیم (ع) ، آیین شرک و بت پرستی پدر و قومش را زیر سؤال برد و آن را محکوم کرد .

إذ قال لأبیه و قومه ماذا تعبدون

علاقه به پدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۴ - ۲،۴

۲ محبت پدر ، فرزند ، برادر ، همسر و خویشاوندان نباید محبت خدا و رسول و جهاد در راه خدا را تحت الشعاع قرار دهد .

قل إن کان ءاباؤکم و أبناؤکم . .. أحب إلیکم من اللّه و رسوله و جهاد فی سبیله

۴ روی گردانان از جهاد ، به خاطر علقه های عاطفی (محبت پدر ، فرزند ، برادر ، همسر و خویشاوندان) و دلبستگی مادی (مال ، شغل و مسکن) مورد تهدید خداوند

قل إن کان ءاباؤکم . .. و أموال اقترفتموها و ... أحب إلیکم ... و جهاد فی سبیله فتر

فرار از پدر در قیامت

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۵ - ۱

۱ - قیامت ، صحنه گریزان بودن انسان ; حتی از پدر و مادر خویش

و أمّه و أبیه

فرار پدر در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۶ - ۲

۲ - پدران در قیامت ، با فرار از پسران خویش ، خود را از آنها دور ساخته ، آنان را تنها خواهند گذاشت .

و بنیه

کیفر پدر به جای فرزند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۳۳ - ۱۰،۱۲

۱۰ - هیچ پدر و فرزندی ، در قیامت به جای هم حتی اندک کیفری نمی شوند .

لایجزی والد عن ولده و لامولود هو جاز عن والده شیئًا

۱۲ - در قیامت ، برعهده گرفتن بخشی از کیفر پدر از ناحیه فرزند ، به خاطر سنگین بودن حق وی بر فرزند ، امری متوقع است * .

و لامولود هو جاز عن والده

درباره مجازات نشدن پدر به جای فرزند، از فعل <یجزی> استفاده شده است و درباره نفی مجازات فرزند به جای پدر از <جاز> که حالت صفتی و تأکید بیشتری دارد. چنین تأکیدی، می تواند به خاطر توقعی باشد که از ناحیه پدران هست. و نیز می تواند به خاطر این باشد که او، از حیث عاطفه و مهر، به مراتب کم تر از پدر است. برداشت بالا بر اساس احتمال نخست است.

کیفر فرزند به جای پدر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۳۳ – ۱۲،۱۰

- هیچ پدر و فرزندی ، در قیامت به جای هم حتی اندک کیفری نمی شوند .

لایجزی والد عن ولده و لامولود هو جاز عن والده شیئًا

۱۲ - در قیامت ، برعهده گرفتن بخشی از کیفر پدر از ناحیه فرزند ، به خاطر سنگین بودن حق وی بر فرزند ، امری متوقع است . *

و لامولود هو جاز عن والده

درباره مجازات نشدن پدر به جای فرزند، از فعل <یجزی> استفاده شده است و درباره نفی مجازات فرزند به جای پدر از <جاز> که حالت صفتی و تأکید بیشتری دارد. چنین تأکیدی، می تواند به خاطر توقعی باشد که از ناحیه پدران هست. و نیز می تواند به خاطر این باشد که او، از حیث عاطفه و مهر، به مراتب کم تر از پدر است. برداشت بالا بر اساس احتمال نخست است.

محدوده اطاعت از پدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۸ - ۳

۳- اطاعت از پدر در صورت مخالفت فرمان او با توحید و یکتاپرستی جایز نیست . *

لئن لم تنته لأرجمنّك . .. و أعتزلكم و ما تدعون

آزر در جمله <لئن لم تنته> صریحاً ابراهیم(ع) را از یکتاپرستی و مبارزه با شرک برحذر داشته و نهی کرده است، ولی ابراهیم(ع) در عین نهی او راه خود را ادامه داده و از تبعیت پدر در شرک سرباز زده است. لازم به ذکر است این برداشت مبتنی برآن است که آزر پدر ابراهیم(ع) باشد.

محرمیت پدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۱ - ۱۸

۱۸ - زنان مؤمن ،

مجاز به آشکار ساختن زینت های خویش (گوشواره ، النگو گردنبند و . . .) و مواضع آنها (بدن) بر شوهر ، پدر ، پدر شوهر و پسران خود هستند .

و لایبدین زینتهنّ إلاّ لبعولتهنّ أو ءابائهنّ أو ءاباءِ بعولتهنّ أو أبنائهنّ

محرمیت پدر شوهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۱ - ۱۸،۲۵

۱۸ - زنان مؤمن ، مجاز به آشکار ساختن زینت های خویش (گوشواره ، النگو گردنبند و . . .) و مواضع آنها (بدن) بر شوهر ، پدر ، پدر شوهر و پسران خود هستند .

و لایبدین زینتهنّ إلاّ لبعولتهنّ أو ءابائهنّ أو ءاباءِ بعولتهنّ أو أبنائهنّ

۲۵ - پدر شوهر ، پسرهمسر ، پسر برادر ، پسر خواهر ، زنان مؤمن ، بردگان ، خدمت کاران بی میل به زن و زناشویی و کودکان بی خبر از مسائل جنسی ، از محارم زنان اند .

و لایبدین زینتهنّ إلاّ لبعولتهنّ . .. أو الطفل الذین لم یظهروا علی عورت النساء

مسؤولیت پدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۸ - ۱۱

۱۱ تلاش برای تأمین سلامت فرزندان از وظایف پدران

إلاّ حاجه فی نفس یعقوب قضیها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۶ - ۱۰

۱۰ - احترام گذاشتن و ترتیب اثر دادن به نظرات و پیشنهاد های دختران ، رفتاری پسندیده برای پدر

قالت إحدیهما یأبت استئجره . .. القویّ الأمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱

- ۱۳ - ۸

۸ - گرایش دادن فرزند به بینش توحیدی ، از وظایف پدر است .

قال لقمن لإبنه . .. یبنیّ لاتشرک باللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۹ - ۹

۹ - آموزش اخلاق و آداب معاشرت ، از وظایف پدر درباره فرزند خویش است .

یبنیّ . .. و لاتصعّر خدّک للناس ... و اغضض من صوتک

موارد اطاعت از پدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۱ - ۸

۸ - تبعیت در ایمان ، محوری بایسته پیروی از پدران

و اتّبعتهم ذرّیّتهم بإیمن

در قرآن، معمولاً- پیروی از پدران منفی شمرده شده است; ولی در این آیه یکی از محورهایی که پیروی از پدران ارزش به شمار آمده، محور ایمان است.

مهربانی با پدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۵ - ۱۰

۱۰- لزوم رعایت ادب و ملاطفت در گفتار با پدر ، اگر چه مشرک باشد . *

یأبت . .. یأبت إنّی أخاف أن یمسّک

نعمت همنشینی با پدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸ - ۹

۹ - هم جواری و هم زیستی با پدران ، همسران و فرزندان ، از نعمت های الهی و از خواسته های بشر

و أدخلهم جنّت عدن الّتی وعدتّهم و من صلح من ءابائهم و أزوجهم و ذرّیّتهم

یادآوری ورود پدران، همسران و فرزندان به بهشت در جوار مؤمنان تائب، می تواند گویای مطلب یاد شده باشد.

نقش پدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۹ - ۹

۹- صلاحیت های پدر ، دارای نقشی بسزا ، در صلاحیت و کمال فرزند است .

فلمّاأعتزلهم . .. وهبنا له إسحق و یعقوب و کلاًّ جعلنا نبیًّا

نقش پدر صالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۲ - ۶،۷،۸

۶- صالح بودن پدر ، عامل حمایت خضر (ع) از منافع فرزندان یتیم او بود .

و أمّا الجدار فکان لغلمین یتیمین . .. و کان أبوهما صلحًا

جمله <و کان أبوهما صالحاً> نشانِ علّت تعمیر دیوار است.

۷- صلاح و نیکی پدر یتیمان ، مایه اراده خداوند بر دستیابی آنان به گنج نهفته خویش ، هنگام توان مندی بر بهره گیری از آن شد .

و کان أبوهما صلحًا فأراد ربّک أن یبلغا أشدّهما و یستخرجا کنزهما

اهل لغت، در این که کلمه <أشدّ> مفردی است که وزنی مانند وزن جمع دارد، یا جمعی است که از لفظ خود مفردی ندارد، اختلاف نظر دارند. برخی، آن را جمع <شده> دانسته اند (لسان العرب). در هر صورت، مراد، حدّ توان مندی جسمی و عقلی است.

۸- برخورد شایسته با فرزندانِ افرادِ صالح ، به پاس نیکی پدران آنان ، لازم است .

و کان أبوهما صلحًا فأراد ربّک

ولایت پدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۹ - ۷

۷- مردان ، در دوران جاهلیت بر فرزندان خود ولایت و اختیار تام داشتند .

أیمسکه علی هون أم یدسّه فی التراب

اینکه خداوند از تصمیم مشرکان درباره زنده نگه داشتن نوزادان دختر خود و یا در گور کردنشان سخن می

گوید و کس دیگری را دخیل و معترض نمی داند، می تواند حاکی از نکته یاد شده باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۲۷ – ۱۲

۱۲ – ولایت داشتن پدر بر دختر در ازدواج ، در شریعت مورد قبول شعیب (ع)

قال إنّی أُرید أن أُنکحک . .. علی أن تأجرنی ثمنی حجج

پدر شوهر

محرمیت پدر شوهر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۳۱ – ۱۸،۲۵

۱۸ – زنـان مؤمن ، مجاز به آشکار ساختن زینت هـای خویش (گوشواره ، النگو گردنبنـد و . . .) و مواضع آنها (بـدن) بر شوهر ، پدر ، پدر شوهر و پسران خود هستند .

و لایبدین زینتهنّ إلاّ لبعولتهنّ أو ءابائهنّ أو ءاباءِ بعولتهنّ أو أبنائهنّ

۲۵ – پـدر شوهر ، پسرهمسر ، پسـر برادر ، پسـر خواهر ، زنـان مؤمن ، بردگـان ، خـدمت کـاران بی میـل به زن و زنـاشویی و کودکان بی خبر از مسائل جنسی ، از محارم زنان اند .

و لایبدین زینتهنّ إلاّ لبعولتهنّ . .. أو الطفل الذین لم یظهروا علی عورت النساء

پرسش از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

پرسش

آثار پرسش

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۷۱ – ۷

۷ – پرسش و جستجو از حقیقت ، راهی برای درک آن است .

بکم . .. فهم لایعقلون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۰۲ – ۳

۳ پرسش امت های پیشین از احکام مسکوت مانده در دین ، موجب جعل و

تشریع آن احکام برای آنان

قد سألها قوم من قبلکم ثم اصبحوا بها کفرین

آثار پرسش بیجا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۸ - ۱۰

۱۰ - درخواست ها و پرسش های نابه جای قوم موسی از وی ، آنان را به کفر ورزی کشانید و از ایمان به دور ساخت .

و من یتبدل الکفر بالأیمن

آثار پرسش مردم صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۵ - ۶

۶ - پرسش های مردم از پیامبر (ص) ، زمینه ساز نزول برخی آیات و تبیین مطالبی برای آنان

و یسَلونک عن الجبال فقل

آثار ذکر پرسش از عهد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۴ - ۱۸

۱۸- توجه به مورد سؤال قرار گرفتن انسان در قبال تعهدات خویش ، زمینه ساز پایبندی بیشتر به آن است .

و أوفوا بالعهد إن العهد کان مسئولاً

از اینکه خداوند، پس از دستور به رعایت عهدها و معاهدات، فرموده است: <انسانها، در قبال آنها بازخواست خواهند شد> به دست می آید که توجه دادن به این نکته، خود نوعی ایجاد انگیزش برای رعایت آنهاست.

اجتناب از پرسش بیجا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۲ - ۱۴

۱۴- پرهیز از تحقیقات بی ثمر و احاله علم آن به خداوند ، لازم است .

قل ربّی أعلم بعدتهم

استهزا با پرسش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۳ - ۱۳

۱۳ - استهزاگران پیامبر

(ص) ، از طریق طرح پرسش هایی از امور غیبی ، از سوی خداوند تهدید شدند .

یسئلک الناس عن الساعه . .. و ما یدریک لعلّ الساعه تکون قریبًا

برداشت بالاـ بنـابراین احتمال است که طرح پرسـش، به منظور اسـتهزا و مسـخره کردن پیامبر(ص) بوده است. بنابراین، <لعلّ الساعه...> با توجه به تکرار اسم ظاهر به جای ضمیر، می تواند برای تهدید مسخره کنندگان باشد.

اهمیت پرسش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷ - ۸

۸ طرح پرسش و آن گاه مراجعه به قرآن برای پاسخ یابی ، توصیه خداوند به انسانها

لقد کان فی یوسف و إخوته ءایت للسائلین

اهمیت پرسش و پاسخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲ - ۶

۶ طرح و بیان حقایق به شکل پرسش و پاسخ، از روشهای قرآن

قل لمن ما فی السموت و الأرض قل للّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴ - ۱۹

۱۹ طرح و بیان حقایق به صورت پرسش و پاسخ، از روشهای هدایتی قرآن

قل أغیر اللّه . .. قل إنی أمرت أن أکون أول من أسلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۹ - ۶۸

۶ پیامبر(ص)، مأمور به احتجاج و بحث با مشرکان با طرح سؤال و پاسخ

قل أی شیء أکبر شهده قل اللّه

۸ طرح و بیان حقایق به شکل پرسش و پاسخ، از روشهای قرآن در تبلیغ و هدایت

قل أی شیء أکبر شهده قل اللّه شهید

اهمیت

طرح پرسش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۰ - ۳

۳- طرح سؤال از روش های قرآن در تعلیم و آموزش

أفی الله شکّ فاطر السموت و الأرض

پرسش ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۰ - ۳،۲۸

۳ پرسش ابراهیم (ع) از خداوند ، درباره نشان دادن کیفیّت احیای مردگان برای آرامش خاطر خویش

و اذ قال ابرهیم ربّ ارنی کیف تحیی الموتی . .. لطمئنّ قلبی

۲۸ پرسش ابراهیم (ع) از خداوند درباره کیفیّت زنده شدن مردگان ، به انگیزه اطمینان قلب خود به خلیل اللّه بودنش

قال إبرهیم ربّ ارنی . .. لیطمئنّ قلبی

امام رضا (ع) درباره <لیطمئنّ قلبی> در آیه فوق فرمود: . .. و لکن لیطمئن قلبی علی الخلّه

عیون اخبارالرضا (ع)، ج ۱، ص ۱۹۸، ح ۱ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۷۶، ح ۱۰۸۸.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۴ - ۴

۴- ابراهیم (ع) پس از دریافت خبر فرزنددار شدنش از فرشتگان ، خواستار توضیح و اطلاعات بیشتری از آنان شد .

فبم تبشّرون

برداشت فوق بر این اساس است که <با> در <فبم> برای ملابست باشد و استفهام در جمله <فبم تبشّرون> سؤال از

چگونگی تحقق چنین بشارتی (فرزنددار شدن) باشد و نه تردید و سؤال از اصل فرزنددار شدن.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۵۷ – ۱

۱– ابراهیم (ع) پس از شناخت مهمانانش (فرشتگان) از مأموریت اصلی

و مهم آنان جويا شد .

قال فما خطبكم أيّها المرسلون

<خطب> به معناى امر مهم است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۸ - ۱

۱- در پى جويا شدن ابراهيم (ع) از مأموريت اصلى مأموران الهى (فرشتگان) آنان هلاكت قوم تبهكار (قوم لوط) را مأموريت اصلى خويش معرفى كردند .

قال فما خطبكم أيّها المرسلون . قالوا إنا أُرسلنا إلى قوم مجرمين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۵۲ - ۳

۳- ابراهيم (ع) ، از پدر و قومش در باره علت تقديس و عبادتشان در برابر مجسمه هاى بى جان ، توضيح خواست .

إذ قال لأبيه و قومه ما هذه التماثيل التى أنتم لها عكفون

از پاسخ قوم ابراهيم، كه كارشان را به خاطر پيروى از اجداد خود معرفى كردند (قالوا وجدنا آبائنا لها عابدين)، به دست مى آيد كه سؤال ابراهيم(ع) مربوط به علت و چرايى تقديس و عبادتشان در برابر بت ها بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۷۰ - ۱

۱ - پرسش ابراهيم (ع) از پدر خود و قومش ، درباره آنچه مورد پرستش قرار داده بودند .

إذ قال لأبيه و قومه ما تعبدون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۷۲ - ۱،۴

۱ - پرسش بيدارگر ابراهيم از قوم بت پرست خويش درباره شنوايى بت ها

قال هل يسمعونكم إذ تدعون

۴ – ایجاد سؤال در مردم نسبت به باور های آنان ،

روش ابراهیم (ع) در تذکر دادن و باطل کردن عقاید ایشان

قال هل یسمعونکم إذ تدعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳۱ - ۱

۱ - پرسش حضرت ابراهیم (ع) ، درباره رسالت و مأموریت میهمانان خویش (فرشتگان)

قال فما خطبکم أیّها المرسلون

<خطب> به شأن و امری گفته می شود که شخص در پی آن است. سؤال ابراهیم(ع) از مأموریتی بود که فرشتگان، می خواستند آن را به اجرا درآورند.

پرسش اخروی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۲ - ۳

۳- پاسخ سریع و بی چون و چرای انسان ها ، به پرسش های خداوند در قیامت

یوم یدعوکم فتستجیبون بحمده

پرسش اخروی غافلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۵ - ۲

۲ - غافلان از یاد خدا ، در قیامت شگفت زده و با پرسشی شِکوه آمیز از خداوند ، جویای علت کوری خود خواهند شد .

قال ربّ لم حشرتنی أعمی

پرسش اخروی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۲۶ – ۴

۴ – پرسش مجرمان از خداوند و دریافت پاسخ از او ، از رخداد های صحنه قیامت

ربّ لم حشرتنی . .. قال کذلک أتتک ءایتنا

از ظاهر <قال کذلک> چنین برمی آید که پاسخ سؤال <لم حشرتنی> با لفظ بیان می گردد نه این که صرفاً حالتی در نفس باشد گرچه این پاسخ ممکن است به صورت مستقیم نباشد، بلکه با وساطت ملائکه یا غیر

آن، صورت گیرد.

پرسش از آزر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۵۲ – ۳

۳- ابراهیم (ع) ، از پدر و قومش در باره علت تقدیس و عبادتشان در برابر مجسمه های بی جان ، توضیح خواست .

إذ قال لأبیه و قومه ما هذه التماثیل التی أنتم لها عکفون

از پاسخ قوم ابراهیم، که کارشان را به خاطر پیروی از اجداد خود معرفی کردند (قالوا وجدنا آبائنا لها عابدین)، به دست می آید که سؤال ابراهیم(ع) مربوط به علت و چرایی تقدیس و عبادتشان در برابر بت ها بوده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۷۰ – ۱

۱ – پرسش ابراهیم (ع) از پدر خود و قومش ، درباره آنچه مورد پرستش قرار داده بودند .

إذ قال لأبیه و قومه ما تعبدون

پرسش از ابلیس

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۷۵ – ۸

۸ – پرس و جوی خداوند از ابلیس ، درباره تأثیر دو عامل خودبرتربینی و عالی رتبگی وی در تمردش از سجده بر آدم (ع)

قال یإبلیس ما منعک أن تسجد . .. أستکبرت أم کنت من العالین

پرسش از ارث

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۲۷ – ۳۰

۳۰ نظر خواهی و استفتای مردم از پیامبر (ص) درباره مقدار ارث زنان

و یستفتونک فی النساء

امام باقر(ع) در مورد <و یستفتونک فی النساء> در آیه فوق فرمود: فان نبی اللّه(ص) سئل عن النساء

ما لهن من المیراث؟. .. .

تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۵۴; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۵۶، ح ۵۹۴.

پرسش از استقامت محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۴ - ۸

۸ - پایبندی و استقامت پیامبر (ص) و مسلمانان در مسیر وحی ، از مسائل مهم مورد سؤال در قیامت

فاستمسک بالذی أُوحی إلیک . .. و سوف تسئلون

پرسش از استقامت مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۴ - ۸

۸ - پایبندی و استقامت پیامبر (ص) و مسلمانان در مسیر وحی ، از مسائل مهم مورد سؤال در قیامت

فاستمسک بالذی أُوحی إلیک . .. و سوف تسئلون

پرسش از افعال خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸ - ۵

۵- پرسش از افعال خداوند و شگفتی از آن ، با مقامات بلند برگزیدگان الهی منافاتی ندارد .

قال ربّ أنّی یکون لی غلم

پرسش از اقتصاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ – انفال – ۸ – ۱ – ۵

۵ بیان احکام و پاسخگویی به پرسش های اقتصادی اجتماعی از شؤون پیامبر (ص)

یسئلونک عن الأنفال قل الأنفال للّه و الرسول

پرسش از انبیا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۱۶ – ۲

۲ خدا در قیامت پیامبران خویش را از چگونگی شکل گیری گرایش های باطل امت ها مورد پرسش قرار می دهد .

و اذ قال اللّه یعیسی ابن مریم ءانت قلت

للناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۶ - ۴

۴ چگونگی رفتار امتها و برخورد آنان با رسالت انبیا، پرسش خداوند از رسولان خویش در قیامت *

فلنسئلن الذین أرسل إلیهم و لنسئلن المرسلین

بدان احتمال که مورد سؤال از پیامبران، رفتار امتهایشان باشد; چه اینکه محور آیات پیشین فرمان به پذیرش آیات الهی و تهدید مخالفان انبیا بوده است.

پرسش از انفاق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۵ - ۱

۱ پرسش مردم از پیامبر (ص) درباره انفاق

یسئلونک ماذا ینفقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۹ - ۱۴

۱۴ سؤال مردم از پیامبر (ص) درباره انفاق و مقدار آن

یسئلونک ماذا ینفقون قل العفو

پرسش از انفال

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱ - ۱

۱ تعیین مالک انفال و بیان چگونگی تقسیم آن ، پرسش مکرر مسلمانان از پیامبر (ص)

یسئلونک عن الأنفال

از جمله <قل الأنفال للّه و الرسول> که تعیین کننده مالک انفال است و در پاسخ مسلمانان ایراد شده، معلوم می شود که پرسش آنان درباره مالک انفال و طبعاً از چگونگی تقسیم آن بوده است.

پرسش از انگیزه عصیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳۲ - ۴

۴- جویا شدن از انگیزه و علل عصیان و قانون شکنی ، امری شایسته است .

قال یإبلیس ما لک ألّا تکون مع السجدین

از اینکه خداوند، از ابلیس

جویای انگیزه وی برای تمردش شد با اینکه بدون آن هم می توانست او را کیفر بدهد می تواند مشعر به نکته فوق باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۷۵ – ۳

۳ – جویا شدن از انگیزه و علل عصیان و قانون شکنی ، امری شایسته و بایسته

قال یإبلیس ما منعک أن تسجد

از این که خداوند، از ابلیس جویای انگیزه و علت تمردش شد با آن که بدون آن هم می توانست او را کیفر دهد می تواند مشعر به نکته یاد شده باشد.

پرسش از انگیزه قانون شکنی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۷۵ – ۳

۳ – جویا شدن از انگیزه و علل عصیان و قانون شکنی ، امری شایسته و بایسته

قال یإبلیس ما منعک أن تسجد

از این که خداوند، از ابلیس جویای انگیزه و علت تمردش شد با آن که بدون آن هم می توانست او را کیفر دهد می تواند مشعر به نکته یاد شده باشد.

پرسش از ائمه(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۲۵ – ۱۰

۱۰– < محمد بن یزید قال : سألت أباعبدالله (ع) عن قول الله : . . . < تؤتی أکلها کلّ حین بإذن ربّها > ؟ قال : یعنی ما یخرج إلی الناس من علم الإمام فی کلّ حین یسأل عنه ;

محمد بن یزید گوید: از امام صادق(ع) درباره سخن خدا. .. <تؤتی أکلها کلّ حین بإذن ربّها> سؤال کردم آن

حضرت فرمود: یعنی، آن مقدار از علم امام(ع) که برای مردم در هر زمان که از ائمه سؤال گردد بیان می شود>.

پرسش از بت پرستی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۵۲ – ۱،۳

۱– ابراهیم (ع) در حضور پدر و قومش ، بت پرستی را زیر سؤال برد و آشکارا با آن به مخالفت برخاست .

إذ قال لأبیه و قومه ما هذه التماثیل

استفهام در <ما هذه التماثیل. ..> سؤال از حقیقت بت ها است، نه نام آنها. و از آن جایی که ابراهیم(ع) از حقیقت آنها آگاه بود و نیازی به سؤال نداشت، استفهام ایشان به منظور زیر سؤال بردن و محکوم کردن بت پرستی و نوعی اظهار مخالفت با آن بوده است.

۳– ابراهیم (ع) ، از پدر و قومش در باره علت تقدیس و عبادتشان در برابر مجسمه های بی جان ، توضیح خواست .

إذ قال لأبیه و قومه ما هذه التماثیل التی أنتم لها عکفون

از پاسخ قوم ابراهیم، که کارشان را به خاطر پیروی از اجداد خود معرفی کردند (قالوا وجدنا آبائنا لها عابدین)، به دست می آید که سؤال ابراهیم(ع) مربوط به علت و چرایی تقدیس و عبادتشان در برابر بت ها بوده است.

پرسش از بت ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۶۳ – ۳

۳– ابراهیم (ع) در یک شگرد عالمانه ، از بت پرستان خواست تا از خود بت ها در باره شکننده آنها پرسوجو کنند .

فسلوهم إن کانوا ینطقون

ابراهیم(ع) با نسبت دادن شکستن

بت ها به بت بزرگ و درخواست از بت پرستان به پرس و جو کردن از بت ها برای شناسایی بت شکن، شگردی عالمانه را در مبارزه با بت پرستی برگزید; زیرا بت پرستان از این طریق به آسانی به بطلان راه خویش پی بردند; چنان که آیه بعد (فرجعوا إلی أنفسهم. ..) گویای همین حقیقت است.

پرسش از برپایی قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۷ - ۱،۱۲

۱ پرسش از زمان فرارسیدن قیامت ، سؤال مکرر مردم از پیامبر (ص)

یسئلونک عن الساعه أیان مرسیها

<مرسی> مصدر میمی و یا اسم زمان از <ارساء> (مستقر کردن) است. <أیان> کلمه ای است برای پرسش از زمان و به معنای چه وقت. به کارگیری فعل مضارع (یسئلون) حکایت از تکرار سؤال دارد.

۱۲ مردم عصر بعثت به گمان آگاهی پیامبر (ص) از زمان تحقق قیامت ، با سؤال های مکرر خواهان افشای آن بودند .

یسئلونک کأنک حفی عنها

پرسش از برخورد خدا با مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۱ - ۳

۳ - چگونگی برخورد خداوند با اقوام غیر مؤمن گذشته ، پرسش فرعون از موسی (ع)

أنّ العذاب علی من كذّب . .. فما بال القرون الأُولی

چون در آیات گذشته، موسی(ع) سخن از امنیت پیروان هدایت و عذاب تکذیب کنندگان به میان آورد، سؤال فرعون به منظور اظهار نظر موسی(ع) در باره حال نسل های پیشین بوده است. انگیزه او از این پرسش می تواند تحریک نسل حاضر در برابر پاسخ موسی(ع) به

معذَّب بودن پدرانشان باشد. طفره رفتن موسی(ع) از جواب صریح، این احتمال را تقویت می کند.

پرسش از بهشتیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۱۱۲ – ۴

۴ – < قال رسول اللّه (ص) إنّ اللّه إذا أدخل أهل الجنّه الجنّه و أهل النار النار قال لأهل الجنه : < کم لبثتم فی الأرض عدد سنین ؟ قالوا : لبثنا یوماً أو بعض یوم قال لنعم ما اتجرتم فی یوم أو بعض یوم رحمتی و رضوانی و جنتی اُسکنوا فی ها خالدین مخلدین ثمّ یقول : یا أهل النار < کم لبثتم فی الأرض عدد سنین قالوا لبثنا یوماً أو بعض یوم > فیقول : بئس ما اتجرتم فی یوم أو بعض یوم ناری و سخطی اُمکثوا فیها خالدین ;

رسول خدا(ص) فرمود: همانا خدا وقتی که اهل بهشت را در بهشت و اهل آتش را در آتش داخل می کند، به بهشتیان می گوید <کم لبثتم فی الأرض عدد سنین؟> و آنان جواب می هند: <لبثنا یوماً أو بعض یوم>. خدا می فرماید: چه خوب تجارتی کردید در یک روز یا قسمتی از آن! اینک [این] رحمت، رضوان و بهشت من است، در آن ساکن شوید همیشه و جاویدان. سپس می فرماید: ای اهل آتش <کم لبثتم فی الأرض عدد سنین؟> و آنان جواب می هند: <لبثنا یوماً أو بعض یوم>. پس خدا می فرماید: چه بد تجارتی کردید در یک روز یا قسمتی از یک روز. اینک، [این] آتش و خشم من است، در آن همیشه بمانید>.

پرسش از تعداد نگهبانان جهنم

جلد – نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مدثر – ۷۴ – ۳۱ – ۱۱

۱۱ – ذکر تعداد فرشتگان نگهبان دوزخ در قرآن ، مورد پرسش انکارآمیز کافران و گروه بیماردل و مغرض قرار گرفت .

و لیقول الذین فی قلوبهم مرض و الکفرون ماذا أراد اللّه بهذا مثلاً

پرسش از توحید ربوبی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نبأ – ۷۸ – ۱ – ۶

۶ – یگانگی خداوند در تدبیر جهان ، محور پرسش های تردیدآمیز اهل مکّه در عصربعثت *

عمّ یتساءلون

گرچه بخش عظیمی از آیات این سوره درباره حوادث قیامت است; ولی آیات آغازین آن که درباره قدرت خدا و حاکمیت خواست او بر جهان است می تواند قرینه باشد که مورد سؤال در <یتسائلون> وابستگی همه کارها به خداوند و بی نقش بودن بت ها در کار تدبیر جهان است.

پرسش از جبرئیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۲۰ – ۳

۳– حضرت مریم (س) از جبرئیل خواست او را از چگونگی پیدایش فرزندی بدون پدر آگاه سازد .

قالت أنّی یکون لی غلم و لم یمسسنی بشر و لم أک بغیًّا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۲۱ – ۲

۲– جبرئیل در پاسخ به سؤال و نگرانی مریم بر حتمی بودن وعده الهی و حامله شدن او به عیسی (ع) تأکید کرد .

قال کذلک

چنان چه مشارالیه <ذلک> مضمون رسالت جبرئیل باشد، در این صورت تأکیدی بر تحقق حتمی بشارت است; یعنی <موضوع همان گونه است که گفتم>.

پرسش از جهنمیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۱۱۲ – ۱،۳،۴

۱ – پرسش خداوند از دوزخیان ، نسبت به مدت زندگی آنان در دنیا

قل کم لبثتم فی الأرض عدد سنین

ضمیر فاعل در <قال> با توجه به آیات قبل، به خداوند باز می گردد. <کم> برای استفهام از مقدار و <لبث> (مصدر <لبثم>) به معنای درنگ کردن است.

۳ – پرسش خداوند از دوزخیان ، پیرامون درنگ آنان در عالم برزخ

قل کم لبثتم فی الأرض عدد سنین

با توجه به پاسخ سؤال یاد شده در آیه بعد <لبثنا یومًا أو بعض یوم. ..، یک روز یا پاره ای از یک روز> می توان گفت که مراد، درنگ آنها در عالم برزخ است.

۴ – < قال رسول اللّه (ص) إنّ اللّه إذا أدخل أهل الجنّه الجنّه و أهل النار النار قال لأهل الجنه : < کم لبثتم فی الأرض عدد سنین ؟ قالوا : لبثنا یوماً أو بعض یوم قال لنعم ما اتجرتم فی یوم أو بعض یوم رحمتی و رضوانی و جنتی اُسکنوا فی ها خالدین مخلدین ثمّ یقول : یا أهل النار < کم لبثتم فی الأرض عدد سنین قالوا لبثنا یوماً أو بعض یوم > فیقول : بئس ما اتجرتم فی یوم أو بعض یوم ناری و سخطی اُمکثوا فیها خالدین ;

رسول خدا(ص) فرمود: همانا خدا وقتی که اهل بهشت را در بهشت و اهل آتش را در آتش داخل می کند، به بهشتیان می گوید <کم لبثتم فی الأرض عدد سنین؟> و آنان جواب می هند: <لبثنا یوماً أو بعض یوم>. خدا می فرماید:

چه خوب تجارتی کردید در یک روز یا قسمتی از آن! اینک [این] رحمت، رضوان و بهشت من است، در آن ساکن شوید همیشه و جاویدان. سپس می فرماید: ای اهل آتش <کم لبثتم فی الأرض عدد سنین؟> و آنان جواب می هند: <لبثنا یوماً أو بعض یوم>. پس خدا می فرماید: چه بد تجارتی کردید در یک روز یا قسمتی از یک روز. اینک، [این] آتش و خشم من است، در آن همیشه بمانید>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۵۰ – ۱

۱ – پرسش نگهبانان جهنم از دوزخیان ، درباره آمدن فرستادگان الهی همراه با دلایل و برهان های روشن برای ایشان

قالوا أَوَ لم تک تأتیکم رسلکم بالبیّنت

پرسش از چشم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۳۶ – ۹،۱۱

۹– چشم ، گوش و قلب در قیامت ، مورد بازخواست و سؤال قرار خواهند گرفت .

إن السمع و البصر و الفؤاد کلّ أُولئک کان عنه مسئولاً

برداشت فوق، مبتنی بر این است که: اولاً سؤال از موارد یاد شده حقیقی باشد و ثانیاً، طبق همین مبنا چون در دنیا از آنها سؤالی نخواهد شد مراد از آن، بازخواست و سؤال در قیامت باشد.

۱۱– < عن الحسن بن هارون قال : قال لی أبوعبدالله (ع) : < إن السمع و البصر و الفؤاد کلّ أُولئک کان عنه مسئولاً > قال : یسأل السمع عمّا سمع و البصر عمّا نظر إلیه و الفؤاد عمّا عقد علیه ;

حسن بن خارون گوید: امام صادق(ع) به من فرمود:[مراد از

آیه]<إن السمع و البصر و الفؤاد کلّ أولئک کان عنه مسئولًا> [این است که] گوش از آنچه شنیده و چشم از آنچه دیده و قلب از آنچه که اعتقاد پیدا کرده است، سؤال می شود>.

پرسش از حق ستیزان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۳ - ۳

۳ - پرسش عتاب آمیز خداوند از مشرکان حق ستیز و لجوج ، درباره معبود های ادعایی آنان

ثمّ قیل لهم أین ما کنتم تشرکون

پرسش از حکمت خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷ - ۴

۴ پیدایش سؤالهایی درباره علم و حکمت خداوند و امتیازات یوسف (ع) ، باعث طرح داستان یوسف (ع) در قرآن

إن ربک علیم حکیم. لقد کان فی یوسف و إخوته ءایت للسائلین

پرسش از خبرگان امت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۵ - ۲،۴

۲ - بیرون آوردن فرد مطلع و آگاه هر جامعه شرک پیشه در قیامت ، برای پاسخ گویی به پرسش خداوند

و نزعنا من کلّ أُمّه شهیدًا

<شهید> به معنای گواه است و گاهی به معنای شخص مطلع و خبره نیز به کار می رود؛ مانند: <و إن کنتم فی ریب ممّا نزّلنا علی عبدنا فأتوا بسوره من مثله و ادعوا شهدائکم. ..>. در آیه بالا نیز همین معنا اراده شده است.

۴ - اقدام خداوند به بستن راه هرگونه عذر و بهانه بر روی اهل شرک ، با برگزیدن افراد خبره آن جوامع جهت پاسخ گویی به سؤالات خود در قیامت

و نزعنا

من کلّ أمّه شهیدًا

برداشت یاد شده از آن جا است که خداوند به جای این که مستقیماً از مردم مطالبه دلیل کند، افراد خبره ای را از میان آنان بیرون می آورد و در حضور آن جوامع، از آن افراد می خواهد که برهان خود را برای شرک بیان کنند.

پرسش از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶۹ - ۱۳

۱۳- خداوند ، در برابر هیچ کس مسؤول نیست و کسی یارای چون و چرا کردن با او را ندارد .

فیغرقکم بما کفرتم ثمّ لاتجدوا لکم علینا به تبیعًا

از اینکه خداوند فرمود: <هیچ کس را نمی یابید که به نفع اعراض کنندگان از خدا و علیه او اقدامی انجام دهد> احتمال دارد کنایه از این باشد که کسی را یارای چون و چرا با خداوند نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۷۵ - ۱۱

۱۱- خداوند ، در برابر هیچ کس مسؤول نبوده و هیچ کس را یارای چون و چرا کردن با او نیست .

إذًا لأذقنک . .. ثمّ لاتجد لک علینا نصیرًا

از اینکه خداوند فرمود: <هیچ کس را نمی یابی که علیه ما و به نفع خود، تو را یاری کند> احتمالاً به این معنا باشد که: اصلاً کسی را یارای چنین کاری نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۵ - ۲،۴

۲ - غافلان از یاد خدا ، در قیامت شگفت زده و با پرسشی شِکوه آمیز از خداوند ، جویای علت کوری خود خواهند شد .

قال

ربّ لم حشرتنی أعمی

۴ - آدمی در قیامت ، مجاز به پرسش از پروردگار است .

قال ربّ لم حشرتنی أعمی

ظاهر <قال> چنین افاده می کند که این سؤال به لفظ در آمده و از سوی نابینایان در قیامت مطرح خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۶ - ۴

۴ - پرسش مجرمان از خداوند و دریافت پاسخ از او ، از رخداد های صحنه قیامت

ربّ لم حشرتنی . .. قال كذلك أتتك ءايتنا

از ظاهر <قال كذلك> چنین برمی آید که پاسخ سؤال <لم حشرتنی> با لفظ بیان می گردد نه این که صرفاً حالتی در نفس باشد گرچه این پاسخ ممکن است به صورت مستقیم نباشد، بلکه با وساطت ملائکه یا غیر آن، صورت گیرد.

پرسش از خلقت آسمان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۹ - ۱۲،۱۰

۱۰ انسان ها ، وظیفه دار سؤال کردن از افراد خبیر و آگاه در باره مبدأ و چگونگی آفرینش جهان هستی (آسمان ها ، زمین و . . .)

الذی خلق السموت . .. فسئل به خبیرًا

برداشت یاد شده، مبتنی بر این مطلب است که <فا> در <فسئل به خبیراً> جواب برای شرط مقدر و تقدیر آن چنین باشد: <إن شئت تحقیق ما ذکر فسئل به خبیراً>. گفتنی است در برداشت فوق، مرجع ضمیر <به> خلق و استوا و <خبیراً> مفعول برای <فسئل> دانسته شد.

۱۲ لزوم رجوع به افراد خبیر و آگاه در مسائل مربوط به معارف الهی ، همچون مبدأ و چگونگی آفرینش آسمان

ها و زمین

الحیّ الذی لایموت . .. الذی خلق السموت ... الرحمن فسئل به خبیرًا

پرسش از خلقت زمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۹ - ۱۲،۱۰

۱۰ انسان ها ، وظیفه دار سؤال کردن از افراد خبیر و آگاه در باره مبدأ و چگونگی آفرینش جهان هستی (آسمان ها ، زمین و . . .)

الذی خلق السموت . .. فسئل به خبیرًا

برداشت یاد شده، مبتنی بر این مطلب است که <فا> در <فسئل به خبیراً> جواب برای شرط مقدر و تقدیر آن چنین باشد: <إن شئت تحقیق ما ذکر فسئل به خبیراً>. گفتنی است در برداشت فوق، مرجع ضمیر <به> خلق و استوا و <خبیراً> مفعول برای <فسئل> دانسته شد.

۱۲ لزوم رجوع به افراد خبیر و آگاه در مسائل مربوط به معارف الهی ، همچون مبدأ و چگونگی آفرینش آسمان ها و زمین

الحیّ الذی لایموت . .. الذی خلق السموت ... الرحمن فسئل به خبیرًا

پرسش از خمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۹ - ۱

۱ پرسش مردم از پیامبر (ص) ، درباره شراب و قمار

یسئلونک عن الخمر و المیسر

پرسش از دختران شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۳ - ۷

۷ - پرسش موسی (ع) از دختران شعیب درباره انگیزه آنان از منع کردن گوسفندانشان از آب

قال ما خطبکما

<خطب> معادل <شأن> است; یعنی، <ما الذی حملکما علی الذود; چه چیزی شما را بر این کار وا می دارد؟>

پرسش از درباریان سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۸ - ۲

۲ - پرسش سلیمان از قدرت درباریانش برای آوردن تخت بلقیس

قال یأیّها الملؤا أیّکم یأتینی بعرشها

پرسش از رب العالمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۳ - ۱،۴

۱ - پرسش انکار آمیز فرعون از موسی (ع) در باره حقیقتی به نام < ربّ العالمین > (پروردگار جهانیان)

قال فرعون و ما ربّ العلمین

واژه <ما> اسم استفهام است و غالباً با آن، از حقیقت اسم مابعدش پرسش می شود. گفتنی است که استفهام یاد شده برای اظهار تعجب به منظور انکار حقیقت مورد پرسش می باشد.

۴ - < عن أبی عبداللّه (ع) قال لمّا بعث اللّه موسی إلی فرعون . . . فقال فرعون < و ما ربّ العالمین > و إنّما سأله عن کیفیه اللّه فقال موسی < ربّ السماوات و الأرض و ما بینهما إن کنتم موقنین > فقال فرعون متعجباً لأصحابه < ألاتستمعون > أسأله عن الکیفیه فیجیبنی عن الصفات . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: هنگامی که خداوند موسی را به سوی فرعون مبعوث کرد . .. فرعون به موسی(ع) گفت <و ما ربّ العالمین> و سؤال فرعون از موسی درباره کیفیت خداوند بود. موسی(ع) در جواب فرعون گفت: <ربّ السماوات و الأرض و ما بینهما...>. فرعون در حالی که تعجب کرده بود به اصحابش گفت: آیا نمی شنوید [چه میگوید؟] من از کیفیت خدا می پرسم و او در جواب من از صفات

می گوید...>.

پرسش از رسالت ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۸ - ۱

۱- در پی جویا شدن ابراهیم (ع) از مأموریت اصلی مأموران الهی (فرشتگان) آنان هلاکت قوم تبهکار (قوم لوط) را مأموریت اصلی خویش معرفی کردند .

قال فما خطبکم أیّها المرسلون . قالوا إنا أُرسلنا إلی قوم مجرمین

پرسش از زلزله قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - زلزله - ۹۹ - ۳ - ۲

۲ - عوامل زلزله شدید زمین در آستانه قیامت ، ناشناخته برای انسان ها و زمینه پرسش تحیّرآمیز آنان از اهداف و علل آن

و قال الإنسن ما لها

<ما> برای استفهام از انگیزه و اهداف است.

پرسش از شنوایی بت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۷۲ - ۱

۱ - پرسش بیدارگر ابراهیم از قوم بت پرست خویش درباره شنوایی بت ها

قال هل یسمعونکم إذ تدعون

پرسش از صفات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۶ - ۲

۲ - جواز پرسش و تحقیق درباره صفات خداوند و چگونگی آنها

و إذا سألك عبادی عنی فإنی قریب

پرسش از عذاب اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۱ - ۴

۴ - فرعون با ناباوری نسبت به عملی شدن وعده عذاب در باره پیشینیان ، نظر موسی (ع) را در مورد آنان جویا شد .

قال فما بال القرون الأُولی

سؤال فرعون از حال پیشینیان، پس از

گفته موسی(ع) (أنّ العذاب علی من کذّب) از ناباوری او حکایت دارد; زیرا وی آنان را نابود شده و بی نشان و اثر می دانست.

پرسش از عقیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۲ - ۹

۹- وادار ساختن مردم به تحقیق و تفکر با طرح پرسش ، در باره عقیده ها و عملکرد های شان ، روشی نیکو در تربیت و تبلیغ

لِمَ تعبد ما لایسمع و لایبصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۷۰ - ۳

۳ - ایجاد سؤال در مردم نسبت به باور های آنان ، روش ابراهیم (ع) در یاد کرد بطلان عقاید ایشان

إذ قال لأبیه و قومه ما تعبدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۲۴ - ۲

۲ - انسان ها ، در قبال عقاید و رفتار خود ، مسؤول بوده و در روز قیامت بازخواست خواهند شد .

وقفوهم إنّهم مسئولون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۵۷ - ۷

۷ - زیر سؤال بردن عقاید باطل و ضد منطق ، روش قرآن و پیامبر (ص) در مبارزه با آنها

فاستفتهم ألربّك البنات و لهم البنون . .. أم لکم سلطن مبین . فأتوا بکتبکم إن کن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۳ - ۵

۵ - انسان ها ، در برابر عقاید دینی خویش و انتخاب آن ، مسؤول بوده و در قیامت باید پاسخگو باشند .

ثمّ قیل

لهم أين ما كنتم تشركون

پرسش از عقيده باطل

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۲۱ - ۶

۶- بازخواستن و زير سؤال بردن انديشه و عقيده باطل ، روشى در هدايت و بيان عقيده و انديشه درست .

أم اتّخذوا ءالهه من الأرض هم ينشرون

برداشت ياد شده از جمله استفهاميه <هم ينشرون> استفاده مى گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۲۴ - ۳

۳- بازخواست و زير سؤال بردن عقيده و انديشه باطل ، روشى در هدايت و بيان عقيده و انديشه درست .

أم اتّخذوا من دونه ءالهه

برداشت ياد شده با توجه به اين نكته است كه <أم> منقطعه، بر استفهام توبيخى دلالت مى كند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۳ - ۷

۷ زير سؤال بردن انديشه ها و باور هاى باطل و بيان ضعف ها و نقص هاى آنها ، روش هدايتى و تبليغى قرآن

و اتّخذوا من دونه ءالهه لايخلقون شيئًا و هم يخلقون . .. و لايملكون موتًا و لاحيو

جمله <و اتّخذوا من دونه آلهه. ..> هرچند به صورت خبريه است، ولى مقصود از آن اخبار نيست; زيرا همگان به مضمون آن آگاه بودند; بلكه مقصود زير سؤال بردن عقايد مشركان و بيان ضعف هاى فكرى آنان و اظهار شگفتى از چنين باورهايى است.

پرسش از عقيده مشركان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۴۹ – ۱

۱ – پیامبر (ص) ، مأمور زیر سؤال بردن عقاید مشرکان

فاستفتهم ألربّک

البنات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۵۶ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، مأمور زیر سؤال بردن عقاید مشرکان

أم لکم سلطن مبین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۰ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، مأمور پرسش از مبانی دینی مشرکان و زیر سؤال بردن آنها

سلهم أیّهم بذلک زعیم

پرسش از علم خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷ - ۴

۴ پیدایش سؤالهایی درباره علم و حکمت خداوند و امتیازات یوسف (ع) ، باعث طرح داستان یوسف (ع) در قرآن

إن ربک علیم حکیم. لقد کان فی یوسف و إخوته ءایت للسائلین

پرسش از علما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۳ - ۱۰،۱۷،۱۹

۱۰- دعوت خداوند از مشرکان مکه برای تفحص و تحقیق از عالمان ، جهت به دست آوردن حقانیت وحی به انسان

و ما أرسلنا من قبلک إلاّ رجالاً . .. فسئلوا أهل الذکر إن کنتم لاتعلمون

مخاطب فعل <فسئلوا> به قرینه آیات قبل که درباره مشرکان بود می تواند مشرکان باشد.

۱۷- عالمانی می توانند مرجع سؤالات مردم قرار گیرند که علم با جانشان عجین شده باشد .

فسئلوا أهل الذکر إن کنتم لاتعلمون

<أهل ذکر> به کسانی گفته می شود که غفلت و نسیان در قلب آنها راه نیابد با توجه به این نکته، آوردن <أهل ذکر> به جای <أهل علم> می تواند مشعر به برداشت فوق باشد.

۱۹- < عن رسول الله (

ص) قال : لاينبغى للعالم أن يسكت على علمه ، و لاينبغى للجاهل أن يسكت على جهله و قد قال الله : < فسئلوا أهل الذكر . . . > ;

از رسول خدا(ص) روایت شده است که فرمود: سزاوار نیست که عالم بر علم خود سکوت کند و سزاوار نیست که جاهل بر جهل خود ساکت بماند، همانا خدا فرمود: فاسئلوا اهل الذکر. ..>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷ - ۸

۸- دعوت خداوند از مشرکان مکه ، مبنی بر پرسش از آگاهان در زمینه بشر بودن پیامبران پیشین

فسلوا أهل الذکر إن کنتم لاتعلمون

پرسش از علمای دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۵۹ - ۱۲،۱۰

۱۰ انسان ها ، وظیفه دار سؤال کردن از افراد خبیر و آگاه در باره مبدأ و چگونگی آفرینش جهان هستی (آسمان ها ، زمین و . . .)

الذی خلق السموت . .. فسئل به خبیرًا

برداشت یاد شده، مبتنی بر این مطلب است که <فا> در <فسئل به خبیراً> جواب برای شرط مقدر و تقدیر آن چنین باشد: <إن شئت تحقیق ما ذکر فسئل به خبیراً>. گفتنی است در برداشت فوق، مرجع ضمیر <به> خلق و استوا و <خبیراً> مفعول برای <فسئل> دانسته شد.

۱۲ لزوم رجوع به افراد خبیر و آگاه در مسائل مربوط به معارف الهی ، همچون مبدأ و چگونگی آفرینش آسمان ها و زمین

الحیّ الذی لایموت . .. الذی خلق السموت ... الرحمن فسئل به خبیرًا

پرسش از عمل

جلد - نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۴۲ – ۹

۹– وادار ساختن مردم به تحقیق و تفکر با طرح پرسش ، در باره عقیده ها و عملکرد های شان ، روشی نیکو در تربیت و تبلیغ

لِمَ تعبد ما لایسمع و لایبصر

پرسش از عیسی(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۱۶ – ۱

۱ خداوند در قیامت و در حضور پیامبران از مسیح (ع) خواهد پرسید که آیا وی مردمان را به پرستش خویش و مادرش مریم فراخوانده است ؟

و اذ قال اللّه یعیسی ابن مریم ءانت قلت للناس اتخذونی و امی الهین

با توجه به آیات بعد همانند <قال اللّه هذا یوم . ..> آیه ۱۱۹ و توجه به این حقیقت که در زمان حضور مسیح(ع) در میان امت خویش کسی معتقد به الوهیت وی و مریم(ع) نبوده است، معلوم می شود این پرسش و پاسخ در قیامت اتفاق خواهد افتاد. گفتنی است که تعبیر از آینده با فعل ماضی (قال) برای رساندن تحقق قطعی آن صحنه است.

پرسش از غیاب هدهد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۲۰ – ۳

۳ – پرسش سلیمان از علت ناپیدا بودن هدهد

فقال ما لی لاأری الهدهد أم کان من الغائبین

پرسش از فرجام کوه ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۰۵ – ۳

۳ – تعدادی از مردم صدراسلام در باره سرنوشت کوه ها در هنگامه رستاخیز ، از پیامبر (ص) توضیح می خواستند .

و

یسَلونک عن الجبال

پرسش از فرزنداری مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۰ - ۳

۳- حضرت مریم (س) از جبرئیل خواست او را از چگونگی پیدایش فرزندی بدون پدر آگاه سازد .

قالت أنّی یکون لی غلم و لم یمسسنی بشر و لم أک بغیًّا

پرسش از فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۱ - ۱

۱ - پرسش ساحران ، از فرعون نسبت به پاداش خود در صورت غلبه بر موسی (ع)

قالوا لفرعون أئنّ لنا لأجرًا إن کنّا نحن الغلبین

پرسش از فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۴۱ - ۱

۱ - پرسش مؤمن آل فرعون از قوم خود ، درباره انگیزه مخالفت آنان با دعوت و خیرخواهی های او

و یقوم مالی أدعوکم إلی النجوه و تدعوننی إلی النار

گفتنی است که به قرینه خطاب در جمله حالیّه <تدعوننی . ..>، عبارت <مالی> در اصل <مالکم> می باشد. این جمله در زبان عرب به جای <أخبرونی عنکم> (از حالتان به من خبر دهید) به کار می رود و مقصود از آن پرسش از انگیزه و دلیل وضعیت به وجود آمده از مخاطب است.

پرسش از فضایل یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷ - ۴

۴ پیدایش سؤالهایی درباره علم و حکمت خداوند و امتیازات یوسف (ع) ، باعث طرح داستان یوسف (ع) در قرآن

إن ربک علیم حکیم. لقد کان فی یوسف و إخوته

ءايت للسائلين

پرسش از قانون شكنى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - حجر - ۱۵ - ۳۲ - ۴

۴- جويا شدن از انگيزه و علل عصيان و قانون شكنى ، امرى شايسته است .

قال يإبليس ما لك ألّا تكون مع السجدين

از اينكه خداوند، از ابليس جوياى انگيزه وى براى تمردش شد با اينكه بدون آن هم مى توانست او را كيفر بدهد مى تواند مشعر به نكته فوق باشد.

پرسش از قصه يوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۷ - ۳

۳ پرسش مردم از پيامبر (ص) درباره سرگذشت يوسف (ع)

لقد كان فى يوسف و إخوته ءايت للسائلين

پرسش از قلب

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۶ - ۹،۱۱

۹- چشم ، گوش و قلب در قيامت ، مورد بازخواست و سؤال قرار خواهند گرفت .

إن السمع و البصر و الفؤاد كلّ أُولئك كان عنه مسئولاً

برداشت فوق، مبتنى بر اين است كه: اولاً سؤال از موارد ياد شده حقيقى باشد و ثانياً، طبق همين مبنا چون در دنيا از آنها سؤالى نخواهد شد مراد از آن، بازخواست و سؤال در قيامت باشد.

۱۱- < عن الحسن بن هارون قال : قال لى أبوعبدالله (ع) : < إن السمع و البصر و الفؤاد كلّ أُولئك كان عنه مسئولاً > قال :

یسأل السمع عمّا سمع و البصر عمّا نظر إلیه و الفؤاد عمّا عقد علیه ;

حسن بن خارون گوید: امام صادق(ع) به من فرمود:[مراد از آیه]<إن السمع

و البصر و الفؤاد كلّ أَولئك كان عنه مسئولاً> [این است که] گوش از آنچه شنیده و چشم از آنچه دیده و قلب از آنچه که اعتقاد پیدا کرده است، سؤال می شود>.

پرسش از قمار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۹ - ۱

۱ پرسش مردم از پیامبر (ص) ، درباره شراب و قمار

یسئلونک عن الخمر و المیسر

پرسش از قوم ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۲ - ۳

۳- ابراهیم (ع) ، از پدر و قومش در باره علت تقدیس و عبادتشان در برابر مجسمه های بی جان ، توضیح خواست .

إذ قال لأبیه و قومه ما هذه التماثیل التی أنتم لها عکفون

از پاسخ قوم ابراهیم، که کارشان را به خاطر پیروی از اجداد خود معرفی کردند (قالوا وجدنا آبائنا لها عابدین)، به دست می آید که سؤال ابراهیم(ع) مربوط به علت و چرایی تقدیس و عبادتشان در برابر بت ها بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۷۰ - ۱

۱ - پرسش ابراهیم (ع) از پدر خود و قومش ، درباره آنچه مورد پرستش قرار داده بودند .

إذ قال لأبیه و قومه ما تعبدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۷۲ - ۱

۱ - پرسش بیدارگر ابراهیم از قوم بت پرست خویش درباره شنوایی بت ها

قال هل يسمعونكم إذ تدعون

پرسش از قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۶۵ – ۷

۷ – پرسش کافران از پیامبر (ص) ، درباره لحظه برپایی قیامت

قل لایعلم . .. الغیب إلاّ اللّه و ما یشعرون أیّان یبعثون

برداشت یاد شده بدان احتمال است که عبارت <قل. ..> در جواب پرسش کسانی باشد که نسبت به وقوع قیامت شک داشته اند; زیرا ضمایر در آیه بعد به این دسته از کافران بازمی گردد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۷۱ – ۳

۳ – پرسش ناباورانه و تمسخرآمیز منکران معاد ، از زمان برپایی رستاخیز و مجازات کافران

لقد وعدنا هذا. .. و یقولون متی هذا الوعد

مراد از <الوعد> به قرینه آیات پیشین، می تواند وعده رستاخیز باشد. برداشت یاد شده بر پایه این احتمال است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۶۳ – ۱،۵،۹

۱ – سؤال های پی در پی مردم ، از پیامبر (ص) درباره وقت وقوع قیامت

یسئلک الناس عن الساعه . .. لعلّ الساعه تکون قریبًا

<قریباً> قرینه است بر این که پرسش مردم از قیامت، درباره زمان وقوع آن بوده است.

۵ – منافقان و بیماردلان مدینه ، با طرح پرسش هایی از امور غیبی ، مانند < زمان وقوع قیامت > ، در صدد استهزای پیامبر (ص) بودند .

لئن لم ینته المنفقون و الذین فی قلوبهم مرض . .. یسئلک الناس عن الساعه

بنابراین که <ال> در <الناس> عهد ذکری باشد و به منافقان و بیماردلان در آیه شصت برگردد، نکته بالا، قابل استفاده است.

۹ – پاسخ خداوند به پرسش مردم

درباره زمان قیامت ، این است که جز خدا ، کسی خبر ندارد .

یسئلك الناس عن الساعه قل إنّما علمها عند اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۹ - ۱

۱ - پرسش مداوم مشرکان از پیامبر (ص) و مؤمنان درباره زمان وقوع قیامت

و یقولون متی هذا الوعد إن کنتم صدقین

مضارع آورده شدن <یقولون> دلالت بر استمرار دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۸ - ۱

۱ - کافران صدراسلام ، از مسلمانان درباره برپایی قیامت سؤال می کردند .

قال الذین کفروا . .. و یقولون متی هذا الوعد

بیشتر مفسران برآنند که مقصود از <وعد>، برپایی قیامت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۷ - ۲

۲ - قیامت و زمان برپایی آن ، مورد پرسش مشرکان عصر بعثت

إلیه یردّ علم الساعه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۲ - ۱

۱ - سؤال تمسخرآمیز کافران درباره زمان برپایی روز جزا

یسئلون أیّان یوم الدّین

از آیات قبل و بعد، تمسخرآمیز بودن سؤال کافران استفاده می شود; زیرا آنان اصولاً در مقام فهم حق نبودند و با این پرسش، می خواستند راهی دیگر برای انکار معاد و وسیله ای برای تمسخر آن پیدا کنند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۵ - ۱،۷

۱ - پرسش ناباورانه و تمسخرآمیز کافران ، از زمان برپایی قیامت

و یقولون متی هذا الوعد

استفهام در <متی هذا الوعد> حقیقی نیست; بلکه از

باب تهکّم و استهزا است.

۷ - پرسش بهانه جویانه کافران ، درباره زمان برپایی قیامت ، ناشی از خوی لجاجت ، استکباری و حق گریزی آنان بوده است .

بل لجّوا فی عتوّ و نفور . .. و یقولون متی هذا الوعد إن کنتم صدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۶ - ۱

۱ - پرسش ناباورانه و تمسخرآمیز کافران ، از زمان برپایی قیامت

یسئل أیّان یوم القیمه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۲ - ۱،۳

۱ - پرسش از زمان فرا رسیدن قیامت ، سؤال مکرر مردم از پیامبر (ص)

یسئلونک عن الساعه أیّان مرسیها

کلمه <مرسی>، به صورت های مصدر میمی، اسم زمان، اسم مکان و اسم مفعول کاربرد دارد(مفردات راغب). این کلمه در آیه شریفه به قرینه <أیّان> که سؤال از زمان است مصدر میمی می باشد. در این صورت <مرسی> به معنای وقوع و استقرار خواهد بود. مکرر بودن سؤال، از فعل مضارع <یسئلونک> استفاده شده است.

۳ - طغیان گران دنیاطلب ، با پرسش مکرر از زمان قیامت به استهزای آن می پرداختند .

یسئلونک عن الساعه أیّان مرسیها

فاعل <یسئلونک>، در برداشت یاد شده <من طغی. ..> دانسته شده است. این برداشت، ناظر به احتمالی است که به قرینه <إنّما أنت منذر من یخشاها> در آیات بعد استفاده می شود; زیرا کسی که از انذار قیامت هراسی ندارد، پرسش او از زمان وقوع آن استهزایی خواهد بود.

پرسش از کارگزاران یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

٨ - يوسف - ١٢ -

۲ - ۷۱

۲ فرزندان یعقوب از کارگزاران یوسف پرسیدند : کالای مفقود شده تان چیست ؟

قالوا . .. ماذا تفقدون

پرسش از کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۱ - ۹

۹ - پرسش ملامت آمیز نگهبانان و دربانان دوزخ از کافران ، درباره آمدن پیامبران تلاوت کننده آیات الهی و انذارگران

و قال لهم خزنتها ألم یأتکم رسل منکم یتلون علیکم ءایت ربّکم و ینذرونکم لقاء یومک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۲ - ۱

۱ - کافران ، پس از توقّفی چند در آستانه در های دوزخ برای پاسخ به پرسش های دربانان ، به ورود در آن فرمان خواهند یافت .

قال لهم خزنتها ألم یأتکم رسل . .. قالوا بلی ... قیل ادخلوا أبوب جهنّم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۸ - ۲

۲ - طرح پرسش های تنبّه بخش و بیدارکننده ، شیوه ارائه شده از سوی خداوند به پیامبر (ص) در محاجّه با کافران و مشرکان

قل أرءیتم إن أهلکنی اللّه و من معی أو رحمنا

پرسش از کیفیت ورود به بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۲۵ - ۲

۲ – پرسش بهشتیان از یکدیگر ، درباره چگونگی راهیابی شان به بهشت

و أقبل بعضهم علی بعض یتساءلون

از آنچه در آیه بعد آمده است، محتوای سؤال به گونه ای که یاد شد استفاده می شود.

پرسش از گرایش امت ها

جلد – نام سوره – سوره –

آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۱۶ – ۲

۲ خدا در قیامت پیامبران خویش را از چگونگی شکل گیری گرایش های باطل امت ها مورد پرسش قرار می دهد .

و اذ قال اللّه یعیسی ابن مریم ءانت قلت للناس

پرسش از گناهکار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۹۷ – ۲

۲ چگونه سپری کردن زندگانی دنیا ، پرسش فرشتگان از گناهکاران مستضعف پس از مرگ (سؤال قبر)

انّ الّذین توفّیهم الملئکه ظالمی انفسهم قالوا فیم کنتم

پرسش از گناهکاران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مدثر – ۷۴ – ۴۲ – ۱

۱ – پرسوجوی اصحاب الیمین ، از عوامل دوزخی شدن مجرمان

یتساءلون . عن المجرمین . ما سلککم فی سقر

پرسش از گوش

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۳۶ – ۹،۱۱

۹– چشم ، گوش و قلب در قیامت ، مورد بازخواست و سؤال قرار خواهند گرفت .

إن السمع و البصر و الفؤاد کلّ أُولئک کان عنه مسئولاً

برداشت فوق، مبتنی بر این است که: اولاً سؤال از موارد یاد شده حقیقی باشد و ثانیاً، طبق همین مبنا چون در دنیا از آنها

سؤالی نخواهد شد مراد از آن، بازخواست و سؤال در قیامت باشد.

۱۱- < عن الحسن بن هارون قال : قال لی أبوعبدالله (ع) : < إن السمع و البصر و الفؤاد کلّ أُولئک کان عنه مسئولاً > قال : یسأل السمع عمّا سمع و البصر عمّا نظر إلیه و الفؤاد عمّا عقد علیه ;

حسن

بن خارون گوید: امام صادق(ع) به من فرمود:[مراد از آیه]<إن السمع و البصر و الفؤاد کلّ أَولئک کان عنه مسئولاً> [این است که] گوش از آنچه شنیده و چشم از آنچه دیده و قلب از آنچه که اعتقاد پیدا کرده است، سؤال می شود>.

پرسش از مجهولات دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۱ - ۲

۲ پرسش از معارف و احکام ناگفته از سوی خداوند ، مورد نهی الهی

لاتسئلوا عن اشیاء . .. عفا اللّه عنها

<عفو> در لغت به معنای مستور کردن است و مراد از مستور کردن اشیاء، بیان نکردن آنهاست. و مقصود از <اشیاء> به قرینه <و ان تسئلوا عنها حین ینزل القرآن> مسائلی است که در راستای هدف قرآن (هدایت بشر) قرار دارد که همان احکام و معارف الهی است. و آیه بعد که گروهی را به دلیل انکار آن اشیاء کافر نامیده مؤید این است که مراد از <اشیاء> معارف الهی باشد.

پرسش از محبت اهل بیت(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۸ - ۱۰

۱۰ - < قال الرضا (ع) و لقد حدثنی أبی عن أبیه أبی عبداللّه الصادق (ع) . . . قال : إنّ اللّه عزّوجلّ لایسئل عباده عمّا تفضّل علیهم و لایمنّ بذلک علیهم و الإمتنان بالإنعام مستقبح من المخلوقین فکیف یضاف إلی الخالق عزّوجلّ ما لایرضی المخلوق به و لکنّ النعیم حبّنا أهل البیت و موالاتنا یسئل اللّه عباده عنه بعد التوحید و النبّوه لأنّ العبد إذا وفی بذلک ادّاه إلی نعیم الجنّه الذی

لایزول ;

امام رضا(ع) فرمود: پـدرم از پـدر خویش از امام صادق(ع) برای من روایت کرده است که فرمود: خدای عزّوجلّ درباره آنچه به بنـدگانش تفضل کرده است، از آنها بازخواست نمی کند و با این کار بر آنان منّت نمی گذارد. منّت نهادن به جهت نعمت بخشـیدن، از جـانب مخلوق ها کار زشتی است; پس چگونه به خالق عزّوجلّ چیزی نسـبت داده می شود که مخلوق از نسـبت دادن آن ناخشـنود است؟! ولی نعیم [در آیه <ثمّ لتسئلنّ یومئذ عن النعیم>] محبت ما اهل بیت و [پذیرش]ولایت ما است که خداونـد همه بنـدگان را بعد از توحید و نبّوت، از آن بازخواست خواهد کرد; زیرا بنده اگر به آن نعمت وفادار باشد، او را به نعمت های بهشت که هرگز زایل نمی شود خواهد رساند>.

پرسش از محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۸ - ۳

۳ - نسخ ادیان و نیز نسخ برخی از آیات و احکام قرآن ، برانگیزنده مسلمانان به طرح پرسشهایی نا به جا از پیامبر (ص)

أم تریدون أن تسئلوا رسولکم

برداشت فوق بر این مبناست که <أن تسئلوا> به معنای پرسش کردن باشد. از آن جا که لحن آیه گویای مذمت است، از آن پرسشها به پرسشهای نا به جا تعبیر شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۹ - ۱۳

۱۳ - یهود و نصارا ترغیب کننده مسلمانان به پرسش ها و درخواست های نابه جا از پیامبر (ص)

أم تریدون أن تسئلوا . .. ودّ کثیر من أهل الکتب

لو يردونکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۶ - ۱

۱ - پرسش مسلمانان از پیامبر درباره نزدیک یا دور بودن خدا ، نسبت به بندگان

و إذا سألک عبادی عنی فإنی قریب

جمله <فإنی قریب> بیانگر این است که پرسش مطرح شده در آیه، درباره دوری و نزدیکی خداست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۹ - ۱

۱ - پرسش مکرر مردم از پیامبر (ص) درباره چگونگی شکل گیری هلال های متفاوت ماه

یسئلونک عن الأهله

به کارگیری فعل مضارع <یسئلون> حکایت از تکرار سؤال دارد و آوردن آن با صیغه جمع، دلالت بر تعدد سؤال کنندگان می کند. <أهله> جمع هلال است و مقصود از آن هلالهای ماه می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۵ - ۱،۲

۱ پرسش مردم از پیامبر (ص) درباره انفاق

یسئلونک ماذا ینفقون

۲ پرسش های مردم از پیامبر (ص) ، زمینه ای برای نزول آیات و بیان احکام

یسئلونک ماذا ینفقون قل ما انفقتم من خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۷ - ۱،۲

۱ پُرسش مردم از پیامبر (ص) ، درباره جنگ و خونریزی در ماه های حرام

یسئلونک عن الشهر الحرام قتال فیه

۲ پرسش های مردم از پیامبر (ص) ، زمینه ای برای نزول آیات و بیان احکام

یسئلونک عن الشهر الحرام قتال فیه قل قتال فیه کبیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲

- بقره - ۲ - ۲۱۹ - ۱،۲،۱۴

۱ پرسش مردم از پیامبر (ص) ، درباره شراب و قمار

یسئلونک عن الخمر و المیسر

۲ پرسش های مردم از پیامبر (ص) ، زمینه ای برای نزول آیات و بیان احکام

یسئلونک عن الخمر و المیسر قل فیهما . .. و یسئلونک ماذا ینفقون قل العفو

۱۴ سؤال مردم از پیامبر (ص) درباره انفاق و مقدار آن

یسئلونک ماذا ینفقون قل العفو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۰ - ۱،۲

۱ پرسش مردم از پیامبر (ص) درباره ایتام

و یسئلونک عن الیتامی

۲ سؤال های مردم از پیامبر (ص) ، زمینه ای برای نزول آیات و بیان احکام

و یسئلونک عن الیتامی قل اصلاح لهم خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۲ - ۱،۲

۱ پرسش مردم از پیامبر (ص) درباره حیض

و یسئلونک عن المحیض

۲ سؤال های مردم از پیامبر (ص) ، زمینه ای برای نزول آیات و بیان احکام

و یسئلونک عن المحیض قل هو اذیً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۷ - ۱،۳۰

۱ پرسش و استفتای مکرر مردم از پیامبر (ص) در مورد مسائلی مربوط به زنان

و یستفتونک فی النساء

فعل مضارع <یستفتونک>، دلالت بر استمرار پرسش دارد.

۳۰ نظر خواهی و استفتای مردم از پیامبر (ص) درباره مقدار ارث زنان

و یستفتونک فی النساء

امام باقر(ع) در مورد <و یستفتونک فی النساء> در آیه فوق

فرمود: فان نبی اللّه(ص) سئل عن النساء ما لهن من المیراث؟. .. .

تفسیر قمی، ج ۱، ص ۱۵۴; نورالثقلین، ج ۱، ص ۵۵۶، ح ۵۹۴.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۶ - ۱

۱ پرسش و استفتاء مکرر مردم از پیامبر (ص) درباره ارث کلاله

یستفتونک قل اللّه یفتیکم فی الکلله

<کلاله> یا به میتی گفته می شود که نه فرزند دارد و نه پدر و یا به وارثانی گفته می شود که پدر و مادر و فرزند میت نیستند. فعل مضارع یا صیغه جمع، دلالت بر تکرار سؤال و تعدد سؤال کنندگان دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴ - ۱،۹

۱ پرسش مکرر مردم از پیامبر (ص) ، درباره خوردنیهایی که بر آنان حلال است .

یسئلونک ماذا احل لهم قل احل لکم الطیبت

فرازهای بعدی آیه همانند <فکلوا>، نشان می دهد که سؤال درباره خوردنیهای حلال بوده است.

۹ سؤال مردم از پیامبر (ص) ، زمینه ای برای نزول و بیان احکام خداوند

یسئلونک ماذا احل لهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۷ - ۱،۱۲

۱ پرسش از زمان فرارسیدن قیامت ، سؤال مکرر مردم از پیامبر (ص)

یسئلونک عن الساعه أیان مرسیها

<مرسی> مصدر میمی و یا اسم زمان از <ارساء> (مستقر کردن) است. <أیان> کلمه ای است برای پرسش از زمان و به معنای چه وقت. به کارگیری فعل مضارع (یسئلون) حکایت از تکرار سؤال دارد.

۱۲ مردم عصر بعثت به گمان

آگاهی پیامبر (ص) از زمان تحقق قیامت ، با سؤال های مکرر خواهان افشای آن بودند .

یسئلونک کأنک حفی عنها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱ - ۱

۱ تعیین مالک انفال و بیان چگونگی تقسیم آن ، پرسش مکرر مسلمانان از پیامبر (ص)

یسئلونک عن الأنفال

از جمله <قل الأنفال للّه و الرسول> که تعیین کننده مالک انفال است و در پاسخ مسلمانان ایراد شده، معلوم می شود که پرسش آنان درباره مالک انفال و طبعاً از چگونگی تقسیم آن بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷ - ۳

۳ پرسش مردم از پیامبر (ص) درباره سرگذشت یوسف (ع)

لقد کان فی یوسف و إخوته ءایت للسائلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۵ - ۱

۱- پرسش مردم از پیامبر (ص) درباره حقیقت روح

و یسئلونک عن الروح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۳ - ۱،۴

۱- مردم زمان پیامبر (ص) از آن حضرت ، درباره ذوالقرنین ، پرسش هایی را مطرح ساخته بودند .

و یسئلونک عن ذی القرنین

<قرن> به معنای <شاخ> است. گفته اند وجه تسمیه <ذوالقرنین> آن بوده که وی، دو رشته گیسوان بافته، همانند دو شاخ داشته و یا این که بر کلاه او دو شاخ قرار داشته است. البته <قرن> به معنای مدّت زمانی متمادی که مردم در آن زیست می کنند نیز آمده و لذا برخی نیز

وجه تسمیه را دوران طولانی حاکمیت ذوالقرنین دانسته اند.

۴- پرسشش های مردم از پیامبر (ص) ، زمینه نزول برخی آیات و تبیین مطالبی برای مردم بود .

و یسئلونک عن ذی القرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۵ - ۳،۶

۳ - تعدادی از مردم صدراسلام در باره سرنوشت کوه ها در هنگامه رستاخیز ، از پیامبر (ص) توضیح می خواستند .

و یسَلونک عن الجبال

۶ - پرسش های مردم از پیامبر (ص) ، زمینه ساز نزول برخی آیات و تبیین مطالبی برای آنان

و یسَلونک عن الجبال فقل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۵ - ۷

۷ - پرسش کافران از پیامبر (ص) ، درباره لحظه برپایی قیامت

قل لایعلم . .. الغیب إلاّ اللّه و ما یشعرون أیّان یبعثون

برداشت یاد شده بدان احتمال است که عبارت <قل. ..> در جواب پرسش کسانی باشد که نسبت به وقوع قیامت شک داشته اند; زیرا ضمایر در آیه بعد به این دسته از کافران بازمی گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۳ - ۱،۳

۱ - سؤال های پی در پی مردم ، از پیامبر (ص) درباره وقت وقوع قیامت

یسئلک الناس عن الساعه . .. لعلّ الساعه تکون قریبًا

<قریباً> قرینه است بر این که پرسش مردم از قیامت، درباره زمان وقوع آن بوده است.

۳ – پیامبر (ص) ، مورد مراجعه مردم برای شنیدن پاسخ پرسش های عقیدتی شان بود .

یسئلك الناس عن الساعه

فعل مضارع

<یسألك> دلالت بر استمرار و تکرار مراجعه را می رساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۹ - ۱

۱ - پرسش مداوم مشرکان از پیامبر (ص) و مؤمنان درباره زمان وقوع قیامت

و یقولون متی هذا الوعد إن کنتم صدقین

مضارع آورده شدن <یقولون> دلالت بر استمرار دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - تحریم - ۶۶ - ۳ - ۷

۷ - پرسش همسر پیامبر (ص) (حفصه) ، از آن حضرت درباره منبع اطلاع ایشان از افشا شدن رازش

فلمّا نبّأها به قالت من أنباک هذا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۲ - ۱

۱ - پرسش از زمان فرا رسیدن قیامت ، سؤال مکرر مردم از پیامبر (ص)

یسئلونک عن الساعه أیّان مرسیها

کلمه <مرسی>، به صورت های مصدر میمی، اسم زمان، اسم مکان و اسم مفعول کاربرد دارد(مفردات راغب). این کلمه در آیه شریفه به قرینه <أیّان> که سؤال از زمان است مصدر میمی می باشد. در این صورت <مرسی> به معنای وقوع و استقرار خواهد بود. مکرر بودن سؤال، از فعل مضارع <یسئلونک> استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۸ - ۷

۷ - < عن خدامه بنت وَهْب قالت : سئل رسول اللّه (ص) عن العزل فقال : ذک الوأد الخفی و هو < الموءوده > ;

خدامه بنت وَهْب گوید: از رسول خدا(ص) درباره مسأله <عزل> (جلوگیری از ریختن منی در رحم) سؤال شد;

فرمود: این عمل یک نوع <وأد> خفی است و این منی که بیرون رحم ریخته شده، همان <موءوده> است [<وأد>; یعنی، زنده به گور کردن و <موءوده> به معنای زنده به گور شده است]>.

پرسش از مدت زندگی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۲ - ۱

۱ - پرسش خداوند از دوزخیان ، نسبت به مدت زندگی آنان در دنیا

قل کم لبثتم فی الأرض عدد سنین

ضمیر فاعل در <قال> با توجه به آیات قبل، به خداوند باز می گردد. <کم> برای استفهام از مقدار و <لبث> (مصدر <لبثم>) به معنای درنگ کردن است.

پرسش از مدت عالم برزخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۱۲ - ۳

۳ - پرسش خداوند از دوزخیان ، پیرامون درنگ آنان در عالم برزخ

قل کم لبثتم فی الأرض عدد سنین

با توجه به پاسخ سؤال یاد شده در آیه بعد <لبثنا یومًا أو بعض یوم. ..، یک روز یا پاره ای از یک روز> می توان گفت که مراد، درنگ آنها در عالم برزخ است.

پرسش از مسکوتات دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۲ - ۱،۲،۳

۱ پرسش و تحقیق درباره احکام ناگفته الهی ، مورد نهی خداوند در تمامی ادیان

لاتسئلوا عن اشیاء . .. قد سألها قوم من قبلکم

۲ گروهی از پیشینیان با بی اعتنایی به نهی خداوند در پی دست یافتن به احکام بیان نشده در دین برآمدند

قد سألها قوم

۳ پرسش امت های پیشین از احکام مسکوت مانده در دین

، موجب جعل و تشریع آن احکام برای آنان

قد سألها قوم من قبلکم ثم اصبحوا بها کفرین

پرسش از مسلمانان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۸ - ۱

۱ - کافران صدراسلام ، از مسلمانان درباره برپایی قیامت سؤال می کردند .

قال الذین کفروا . .. و یقولون متی هذا الوعد

بیشتر مفسران برآنند که مقصود از <وعد>، برپایی قیامت است.

پرسش از مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۹ - ۱،۶

۱ پیامبر(ص)، مأمور به سؤال از مشرکان درباره اینکه برترین گواهی که می تواند حقانیت او را تأیید کند کیست؟

قل أی شیء أکبر شهده قل اللّه

۶ پیامبر(ص)، مأمور به احتجاج و بحث با مشرکان با طرح سؤال و پاسخ

قل أی شیء أکبر شهده قل اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۲ - ۴

۴ - پرسش تحقیرآمیز خداوند از مشرکان ، درباره معبود های آنان در قیامت

فیقول أین شرکاءی

استفهام در <أین شرکاءی> برای تهکّم و استهزا است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۶۵ – ۴

۴ – پرسش خداوند از مشرکان در قیامت ، درباره چگونگی پاسخ آنان به دعوت پیامبران

فیقول ماذا أجبتم المرسلین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۶۶ – ۳،۵

۳ – درماندگی شرک پیشگان در پاسخ گویی به سؤال خداوند از آنان در قیامت

ماذا أجبتم المرسلین فعمیت علیهم الأنباء یومئذ

۵ – اقدام نکردن مشرکان به یافتن پاسخ

برای سؤال خداوند از طریق پرس و جو از یکدیگر ، نمود سرگردانی و درماندگی آنان در روز رستاخیز است .

فیقول ماذا أجبتم المرسلین . .. فهم لایتساءلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۴ - ۴

۴ - پرسش تحقیرآمیز خداوند در قیامت از مشرکان درباره معبودهایشان

و یوم ینادیهم فیقول أین شرکاءی

استفهام در <أین شرکائی> برای تهکّم و استهزا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۵ - ۲

۲ - بیرون آوردن فرد مطلع و آگاه هر جامعه شرک پیشه در قیامت ، برای پاسخ گویی به پرسش خداوند

و نزعنا من کلّ أُمّه شهیدًا

<شهید> به معنای گواه است و گاهی به معنای شخص مطلع و خبره نیز به کار می رود; مانند: <و إن کنتم فی ریب ممّا نزّلنا علی عبدنا فأتوا بسوره من مثله و ادعوا شهدائکم. ..>. در آیه بالا نیز همین معنا اراده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۴ - ۲

۲ - پیامبر (ص) ، مأمور پرسش از مشرکان درباره منشأ روزیشان جهت هدایت آنان به توحید ربوبی

قل من یرزقکم من السموت و الأرض

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۳ - ۳

۳ - پرسش عتاب آمیز خداوند از مشرکان حق ستیز و لجوج ، درباره معبود های ادعایی آنان

ثمّ قيل لهم أين ما كنتم تشركون

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

١٩ – ملك – ٦٧ – ٢٨ – ٢

٢ - طرح

پرسش های تنبّه بخش و بیدارکننده ، شیوه ارائه شده از سوی خداوند به پیامبر (ص) در محاجّه با کافران و مشرکان

قل أرءیتم إن أهلکنی اللّه و من معی أو رحمنا

پرسش از معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۱ - ۱۵،۱۸

۱۵- منکران معاد ، پس از دریافت جواب شبهات خود درباره معاد ، با شگفتی از زمان وقوع آن می پرسیدند .

فسینغضون إلیک رءوسهم و یقولون متی هو

بنابر اینکه حرکت دادن سر، همانگونه که در استعمال لغوی آن آمده است، برای اظهار تعجب و شگفتی باشد (لسان العرب)، برداشت فوق به دست می آید.

۱۸- منکران معاد پس از دریافت دلیل های قاطع و غیر قابل انکار قرآن بر حقانیت معاد به طرح مسائلی بی ثمر و بی تأثیر در اصل مسأله معاد ، روی آوردند .

و یقولون متی هو

منکران معاد علی رغم پرسشهای به ظاهر استدلالی نخستین، به پرسشهایی روی آوردند که نه ثمری برای آنان داشت و نه حقانیت معاد بر دانستن آنها متکی بود چه اینکه قیامت واقعیتی است حتمی الوقوع و دانستن و ندانستن زمان آن، در آن واقعیت تأثیری ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱ - ۱

۱ - منکران معاد در عصر بعثت ، با پرسش از یکدیگر ، در پی تصور زوایای آن بودند .

عمّ یتساءلون

<عمّ> در اصل <عن ما> بوده و <ما> برای استفهام است. <تساؤل> (مصدر <یتسائلون>)؛ یعنی، سؤال از یکدیگر. آیات بعد که درباره مظاهر قدرت خداوند و اوصاف قیامت است و نیز

وعـده حتمی به آگاه شدن در جمله <سیعلمون> جملگی گویای آن است که مورد پرسـش، مسائل مربوط به جهان آخرت است و نشـان می دهـد که پرسـش کننـدگان، معـاد را بـاور نداشـتند و بـا سؤالات خود چنانچه به انگیزه کشف حقیقت باشـد درصدد آگاهی به کیفیت معاد بوده اند.

پرسش از معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۲ - ۵

۵ پرسش از موقعیت و جایگاه معبودهای پنداری مشرکان، از صحنه های محاکمه آنان در قیامت

ثم نقول للذین أشرکواأین شرکاؤکم الذین کنتم تزعمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۷ - ۲،۳

۲ خداونـد به روز رسـتاخیز ، خواسـتار پاسـخ گویی معبود هـای مشـرکان در باره علت گمراهی مشـرکان و نقش آنان در این گمراهی

ویوم یحشرهم و ما یعبدون من دون اللّه فیقول ءأنتم أضللتم عبادی هولاء

۳ خداوند ، به روز رستاخیز ، خواهان توضیح و پاسخ گویی معبود های باطل در باره نقش خود مشرکان در گمراهی خویش

فیقول ءأنتم أضللتم عبادی هولاء أم هم ضلّوا السبیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۸ - ۶

۶ معبـود هـای مشـرکان در پاسـخ بـه سؤال خداونـد در قیـامت ، عامـل انحراف و گمراهی مشـرکان را ، برخـورداری آنـان و پدرانشان از رفاه بسیار و از یاد بردن خدا خواهند دانست .

و لکن متّعتهم و ءاباءهم حتّی نسوا الذکر

<لکن> که در استدراک به کار می رود در آیه شریفه برای رد این اتهام است

که معبودها در گمراهی مشرکان مؤثر بودند و نیز برای بیان علت های واقعی این انحراف است که در این آیه، به دو عامل اشاره شده است: ۱ رفاه (که موجب فراموشی خدا است) (متّعتهم. ..الذکر). ۲- رفتار هلاکت بار آنان (و کانوا قوماً بوراً).

پرسش از ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۹۷ - ۲

۲ چگونه سپری کردن زندگانی دنیا ، پرسش فرشتگان از گناهکاران مستضعف پس از مرگ (سؤال قبر)

انّ الّذین توفّیهم الملئکه ظالمی انفسهم قالوا فیم کنتم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۴ - ۴

۴- ابراهیم (ع) پس از دریافت خبر فرزنددار شدنش از فرشتگان ، خواستار توضیح و اطلاعات بیشتری از آنان شد .

فبم تبشّرون

برداشت فوق بر این اساس است که <با> در <فبم> برای ملابست باشد و استفهام در جمله <فبم تبشّرون> سؤال از چگونگی تحقق چنین بشارتی (فرزنددار شدن) باشد و نه تردید و سؤال از اصل فرزنددار شدن.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۰ - ۳،۵

۳ - خداوند در روز قیامت ، از ملائکه خواهد پرسید که آیا از عبادت مشرکان برای آنان ، رضایت داشته اند ؟

و یوم یحشرهم جمیعًا ثمّ یقول للملئکه أهؤلاء إیّاکم کانوا یعبدون

جوابی که در آیه بعد از قول ملائکه نقل شده، حکایت از این دارد که سؤال از اصل عبادت نبوده است؛ زیرا عبادت مشرکان در اختیار ملائکه نبوده تا آنان دستور به انجام آن داده باشند؛ بلکه سؤال

از رضایت ملائکه از این کار است.

۵ - پرسش خداوند از ملائکه درباره پرستیده شدنشان از سوی مشرکان ، با فاصله ای از بازآفرینی و گردآوری خواهد بود .

و یوم یحشرهم . .. ثمّ یقول للملئکه

<ثم> برای تراخی است و کاربرد آن در آیه، مفید نکته یاد شده است.

پرسش از موجودات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۶ - ۴

۴ - پرسش از خلایق در روز قیامت ، درباره فرمان روای حقیقی جهان در آن روز

لمن الملك الیوم

پرسش از موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۲۰ - ۴

۴ - پرسش خداوند از موسی (ع) در باره عصا ، جهت ایجاد زمینه لازم و آمادگی ذهنی برای نمایاندن آیت و معجزه به او بود .

و ما تلك بیمینك . .. فألقیها فإذا هی حیّة

تصریح موسی(ع) به خواص طبیعی عصا در پاسخ خداوند، ایجادکننده زمینه ای مناسب در ذهن او بود که با مقایسه دو حالت عصا، هیچ تردیدی در معجزه بودن حالت جدید به خود راه ندهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۱ - ۳،۴،۵

۳ - چگونگی برخورد خداوند با اقوام غیر مؤمن گذشته ، پرسش فرعون از موسی (ع)

أنّ العذاب علی من كذّب . .. فما بال القرون الأُولی

چون در آیات گذشته، موسی(ع) سخن از امنیت پیروان هدایت و عذاب تکذیب کنندگان به میان آورد، سؤال فرعون به منظور اظهار نظر موسی(ع) در باره حال نسل های پیشین بوده است. انگیزه او از

این پرسـش می توانـد تحریک نسل حاضـر در برابر پاسـخ موسـی(ع) به معذَّب بودن پدرانشان باشد. طفره رفتن موسـی(ع) از جواب صریح، این احتمال را تقویت می کند.

۴ - فرعون با ناباوری نسبت به عملی شدن وعده عذاب در باره پیشینیان ، نظر موسی (ع) را در مورد آنان جویا شد .

قال فما بال القرون الأُولی

سؤال فرعون از حال پیشینیان، پس از گفته موسی(ع) (أنّ العذاب علی من کذّب) از ناباوری او حکایت دارد; زیرا وی آنان را نابود شده و بی نشان و اثر می دانست.

۵ - فرعون بـا طرح پرسـش از موسـی (ع) در بـاره وضـعیت اقوام گذشـته ، سـعی در پنهـان ساختن درمانـد گی خود در برابر سخنان او داشت .

من ربّکما . .. الذی أعطی کلّ شیء خلقه ... فما بال القرون الأُولی

ممکن است طرح سؤال فرعون در بـاره اقوام گذشـته، صـرفاً به جهت منحرف سـاختن بحث و بردن آن به زاویه ای نامشـخص صورت گرفته باشد. وارد نشدن موسی(ع) در چنین بحثی، نقشه او را خنثی کرده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۳ - ۱،۴

۱ - پرسش انکار آمیز فرعون از موسی (ع) در باره حقیقتی به نام < ربّ العالمین > (پروردگار جهانیان)

قال فرعون و ما ربّ العلمین

واژه <ما> اسم اسـتفهام است و غالباً با آن، از حقیقت اسم مابعدش پرسـش می شود. گفتنی است که اسـتفهام یاد شده برای اظهار تعجب به منظور انکار حقیقت مورد پرسش می باشد.

۴ - < عن أبی عبداللّه (ع) قال لمّا بعث اللّه

موسی إلی فرعون . . . فقال فرعون < و ما ربّ العالمین > و إنّما سأله عن کیفیه اللّه فقال موسی < ربّ السماوات و الأرض و ما بینهما إن کنتم موقنین > فقال فرعون متعجباً لأصحابه < ألاتستمعون > أسأله عن الکیفیه فیجیبنی عن الصفات . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: هنگامی که خداوند موسی را به سوی فرعون مبعوث کرد . .. فرعون به موسی(ع) گفت <و ما ربّ العالمین> و سؤال فرعون از موسی درباره کیفیت خداوند بود. موسی(ع) در جواب فرعون گفت: <ربّ السماوات و الأرض و ما بینهما...>. فرعون در حالی که تعجب کرده بود به اصحابش گفت: آیا نمی شنوید [چه میگوید؟] من از کیفیت خدا می پرسم و او در جواب من از صفات می گوید...>.

پرسش از مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۹ - ۱

۱ - پرسش مداوم مشرکان از پیامبر (ص) و مؤمنان درباره زمان وقوع قیامت

و یقولون متی هذا الوعد إن کنتم صدقین

مضارع آورده شدن <یقولون> دلالت بر استمرار دارد.

پرسش از مهمانان ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳۱ - ۱

۱ - پرسش حضرت ابراهیم (ع) ، درباره رسالت و مأموریت میهمانان خویش (فرشتگان)

قال فما خطبکم أیّها المرسلون

<خطب> به شأن و امری گفته می شود که شخص در پی آن است. سؤال ابراهیم(ع) از مأموریتی بود که فرشتگان، می خواستند آن را به اجرا درآورند.

پرسش از نعمت در قیامت

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۷ - ۹

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۸ - ۹

۹ - < قال رسول اللّه (ص) . . . یابن مسعود ! دع نعیم الدنیا و أکلها و حلاوت ها و حارّها و باردها و لینها و طیّبها و ألزم نفسک الصبر عنها فإنّک مسؤول عن ذلک کلّه قال اللّه تعالی : < ثمّ لتسئلنّ یومئذ عن النعیم > ;

رسول خدا(ص) [به عبداللّه بن مسعود] فرمود: ای پسر مسعود! رها کن نعمت های دنیا و خوردنی های آن و شیرینی، گرم و سرد، نرم و گوارای آن را و نفس خود را وادار کن که در برابر آنها، صبر پیشه کند زیرا تو از تمامی آنها، سؤال خواهی شد. خدای تعالی فرموده: <ثمّ لتسئلنّ یومئذ عن النعیم>.

پرسش از وحی به انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۳ - ۱۰

۱۰- دعوت خداوند از مشرکان مکه برای تفحص و تحقیق از عالمان ، جهت به دست آوردن حقانیت وحی به انسان

و ما أرسلنا من قبلک إلاّ رجالاً . .. فسئلوا أهل الذکر إن کنتم لاتعلمون

مخاطب فعل <فسئلوا> به قرینه آیات قبل که درباره مشرکان بود می تواند مشرکان باشد.

پرسش از ولایت اهل بیت(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۸ - ۱۰

۱۰ - < قال الرضا (ع) و لقد حدثنی أبی عن أبیه أبی عبداللّه الصادق (ع) . . .

قال : إنّ اللّه عزّوجلّ لايسئل عباده عمّا تفضّل عليهم و لايمنّ بذلك عليهم و الإمتنان بالإنعام مستقبح من المخلوقين فكيف يضاف إلى الخالق عزّوجلّ ما لايرضى المخلوق به و لكنّ النعيم حبّنا أهل البيت و موالاتنا يسئل اللّه عباده عنه بعد التوحيد و النبّوه لأنّ العبد إذا وفى بذلك ادّاه إلى نعيم الجنّه الذى لايزول ;

امام رضا(ع) فرمود: پدرم از پدر خويش از امام صادق(ع) براى من روايت كرده است كه فرمود: خداى عزّوجلّ درباره آنچه به بندگانش تفضل كرده است، از آنها بازخواست نمى كند و با اين كار بر آنان منّت نمى گذارد. منّت نهادن به جهت نعمت بخشيدن، از جانب مخلوق ها كار زشتى است; پس چگونه به خالق عزّوجلّ چيزى نسبت داده مى شود كه مخلوق از نسبت دادن آن ناخشنود است؟! ولى نعيم [در آيه <ثمّ لتسئلنّ يومئذ عن النعيم>] محبت ما اهل بيت و [پذيرش]ولايت ما است كه خداوند همه بندگان را بعد از توحيد و نبّوت، از آن بازخواست خواهد كرد; زيرا بنده اگر به آن نعمت وفادار باشد، او را به نعمت هاى بهشت كه هرگز زايل نمى شود خواهد رساند>.

پرسش از هلال ماه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۹ - ۱

۱ - پرسش مكرر مردم از پيامبر (ص) درباره چگونگى شكل گيرى هلال هاى متفاوت ماه

يسئلونك عن الأهله

به كارگيرى فعل مضارع <يسئلون> حكايت از تكرار سؤال دارد و آوردن آن با صيغه جمع، دلالت بر تعدد سؤال كنندگان مى كند. <أهله> جمع هلال است و مقصود از آن هلالهاى ماه مى باشد.

پرسش اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۹ - ۳

۳- بیدارسازی اصحاب کهف ، فراهم آورنده فرصتی مناسب برای پرسوجوی آنان از همدیگر درباره خواب خویش بود .

بعثنهم لیتساءلوا

<ل> در <لیتساءلوا> بیانگر علّت بیدارسازی است. هدف از به خواب بردن و بیدار ساختن اصحاب کهف چنان چه از تفریع آیات یازدهم و دوازدهم بر آیه دهم به دست آمد اعطای رحمت و رشدی بود که اصحاب کهف درخواست کرده بودند. بنابراین، باید به خداوند، آنان را از خواب بیدار می کرد تا از راه پرسش و غیر آن، به حوادثی که بر آنان گذشته بود، پی ببرند و در مسیر خداشناسی رشد یابند.

پرسش اصحاب یمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۰ - ۲

۲ - اصحاب الیمین در بهشت ، به گفتوگو و پرسوجو از یک دیگر خواهند پرداخت .

یتساءلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۱ - ۱

۱ - پرسوجوی اصحاب الیمین در بهشت ، از وضعیت مجرمان در قیامت

عن المجرمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۲ - ۱

۱ - پرسوجوی اصحاب الیمین ، از عوامل دوزخی شدن مجرمان

یتساءلون . عن المجرمین . ما سلککم فی سقر

پرسش برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۱ - ۲

۲ فرزندان یعقوب از کارگزاران یوسف پرسیدند : کالای مفقود شده تان چیست ؟

قالوا . .. ماذا تفقدون

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۰ - ۳

۳ یوسف (ع) در پی پرسش برخاسته از شگفت زدگی و ناباوری برادرانش ، تصریح کرد که او همان یوسف است .

أءنک لأنت یوسف قال أنا یوسف

پرسش برگزیدگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸ - ۵

۵- پرسش از افعال خداوند و شگفتی از آن ، با مقامات بلند برگزیدگان الهی منافاتی ندارد .

قال ربّ أنّی یکون لی غلم

پرسش بهشتیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۴۴ - ۳

۳ بهشتیان برای ملامت و سرزنش دوزخیان ، از آنان جویای تحقق وعید های الهی برای منکران آیات خداوند خواهند شد .

و نادی . .. فهل وجدتم ما وعد ربکم حقاً

پرسش بیجا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۶۸ - ۷

۷ - موسی (ع) از مردم خواست تا با سؤال درباره گاوی که به ذبح آن مأمور شدند ، تکلیف را بر خود مشکل نسازند .

فافعلوا ما تؤمرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۷۱ - ۸

۸ - قوم موسی ، با سؤال و جستجوی بی مورد ، تکلیف (کشتن گاوی ماده برای حل معمای قتل) را بر خود دشوار کردند .

فذبحوها و ما کادوا یفعلون

جمله <ما کادوا یفعلون> (نزدیک بود انجام ندهند) می تواند اشاره به دشواری انجام تکلیف مذکور باشد، که به شهادت جمله <فافعلوا ما تؤمرون> (در

آیه ۶۸) و قرینه های دیگر، قوم موسی خود با سؤالهای بی مورد این مشکل را آفریدند و تکلیف را بر خویش دشوار ساختند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۸ - ۳،۶

۳ - نسخ ادیان و نیز نسخ برخی از آیات و احکام قرآن ، برانگیزنده مسلمانان به طرح پرسشهایی نا به جا از پیامبر (ص)

أم تریدون أن تسئلوا رسولکم

برداشت فوق بر این مبناست که <أن تسئلوا> به معنای پرسش کردن باشد. از آن جا که لحن آیه گویای مذمت است، از آن پرسشها به پرسشهای نا به جا تعبیر شده است.

۶ - بنی اسرائیل ، پرسش ها و درخواستهایی نابه جا از موسی (ع) داشتند .

کما سئل موسی من قبل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۹ - ۱۳

۱۳ - یهود و نصارا ترغیب کننده مسلمانان به پرسش ها و درخواست های نابه جا از پیامبر (ص)

أم تریدون أن تسئلوا . .. ودّ کثیر من أهل الکتب لو یردونکم

پرسش بیماردلان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۱ - ۱۱

۱۱ - ذکر تعداد فرشتگان نگهبان دوزخ در قرآن ، مورد پرسش انکارآمیز کافران و گروه بیماردل و مغرض قرار گرفت .

و لیقول الذین فی قلوبهم مرض و الکفرون ماذا أراد اللّه بهذا مثلاً

پرسش پسندیده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۷۵ – ۳

۳ – جویا شدن از انگیزه و علل عصیان و قانون شکنی

، امری شایسته و بایسته

قال یإبلیس ما منعک أن تسجد

از این که خداونـد، از ابلیس جویـای انگیزه و علت تمردش شـد با آن که بـدون آن هم می توانست او را کیفر دهـد می تواند مشعر به نکته یاد شده باشد.

پرسش جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۱ - ۱

۱ - پرسش ساحران ، از فرعون نسبت به پاداش خود در صورت غلبه بر موسی (ع)

قالوا لفرعون أئنّ لنا لأجرًا إن كنّا نحن الغلبين

پرسش جایز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۶ - ۲

۲ - جواز پرسش و تحقیق درباره صفات خداوند و چگونگی آنها

و إذا سألک عبادی عنی فإنی قریب

پرسش حرام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۱ - ۱۳

۱۳ خداوند آمرزنده گناه مترتب بر پرسش های بیجا تا پیش از تحریم آن *

لاتسئلوا عن اشیاء . .. و اللّه غفور حلیم

توصیف خداوند به <غفور> پس از بیان نهی از پرسشهای بیجا می تواند ناظر به آمرزش گناه کسانی باشد که تا پیش از بیان نهی، چنین سؤالاتی را مطرح کرده بودند.

پرسش حفصه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – تحریم – ۶۶ – ۳ – ۷

۷ – پرسش همسر پیامبر (ص) (حفصه) ، از آن حضرت درباره منبع اطلاع ایشان از افشا شدن رازش

فلمّا نبّأها به قالت من أنباك هذا

پرسش در احتجاج

جلد – نام سوره – سوره – آیه –

فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۷۱ – ۲

۲ – طرح پرسش های تنبه بخش و بیدار کننده ، شیوه ای ارائه شده از سوی خدا به پیامبر (ص) در محاجه با مشرکان

قل أرءیتم إن جعل اللّه . .. أفلاتسمعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۷۲ – ۲

۲ – طرح پرسش های تنبه آفرین و بیدارگر ، از شیوه های ارائه شده از سوی خدا به پیامبر در احتجاج با اهل شرک

قل أرءیتم إن جعل اللّه . .. أفلاتبصرون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۲۵ – ۸

۸ – طرح پرسش در احتجاج ، برای واداشتن طرف مقابل به اقرار به حق ، از روش های قرآن برای تبیین حقایق است .

و لئن سألتهم من خلق السموت و الأرض لیقولنّ اللّه

پرسش در تعلیم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۷۱ – ۷

۷ برانگیختن داوری وجدان از طریق طرح پرسش، از روشهای تبلیغی قرآن

قل أندعوا من دون الله ما لا ینفعنا

پرسش در قبر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۹۷ – ۲

۲ چگونه سپری کردن زندگانی دنیا ، پرسش فرشتگان از گناهکاران مستضعف پس از مرگ (سؤال قبر)

انّ الّذین توفّیهم الملئکه ظالمی انفسهم قالوا فیم کنتم

پرسش در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۰۹ – ۲،۴

۲ پرسش از برخورد امت ها با دعوت انبیا

هدف از گردآوری پیامبران در عرصه قیامت

یوم یجمع اللّه الرسل فیقول ماذا اجبتم

۴ قیامت ، عرصه پرسش از عملکرد آدمیان

یوم یجمع اللّه الرسل فیقول ماذا اجبتم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۱۶ – ۱،۲

۱ خداوند در قیامت و در حضور پیامبران از مسیح (ع) خواهد پرسید که آیا وی مردمان را به پرستش خویش و مادرش مریم فراخوانده است ؟

و اذ قال اللّه یعیسی ابن مریم ءانت قلت للناس اتخذونی و امی الهین

با توجه به آیات بعد همانند <قال اللّه هذا یوم . ..> آیه ۱۱۹ و توجه به این حقیقت که در زمان حضور مسیح(ع) در میان امت خویش کسی معتقد به الوهیت وی و مریم(ع) نبوده است، معلوم می شود این پرسش و پاسخ در قیامت اتفاق خواهد افتاد. گفتنی است که تعبیر از آینده با فعل ماضی (قال) برای رساندن تحقق قطعی آن صحنه است.

۲ خدا در قیامت پیامبران خویش را از چگونگی شکل گیری گرایش های باطل امت ها مورد پرسش قرار می دهد .

و اذ قال اللّه یعیسی ابن مریم ءانت قلت للناس

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – اعراف – ۷ – ۶ – ۲

۲ پذیرش و عدم پذیرش رسالتهای انبیا و نیز عمل به احکام دین، محور بازجویی خداوند از امتهاست.

فلنسئلن الذین أرسل إلیهم

توصیف مردم با عنوان <أرسل إلیهم> دلالت بر این دارد که بازجویی از امتها درباره چگونگی برخورد با رسالتهای الهی است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۴

۱۹ انسان ، در برابر تمامی رفتار و حرکات خویش مسؤول بوده و در قیامت باید پاسخگو باشد .

فینبئکم بما کنتم تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۳۶ - ۹

۹- چشم ، گوش و قلب در قیامت ، مورد بازخواست و سؤال قرار خواهند گرفت .

إن السمع و البصر و الفؤاد کلّ أُولئک کان عنه مسئولاً

برداشت فوق، مبتنی بر این است که: اولاً سؤال از موارد یاد شده حقیقی باشد و ثانیاً، طبق همین مبنا چون در دنیا از آنها سؤالی نخواهد شد مراد از آن، بازخواست و سؤال در قیامت باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۵ - ۴

۴ - آدمی در قیامت ، مجاز به پرسش از پروردگار است .

قال ربّ لم حشرتنی أعمی

ظاهر <قال> چنین افاده می کند که این سؤال به لفظ در آمده و از سوی نابینایان در قیامت مطرح خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۴۰ - ۳

۳ - خداوند در روز قیامت ، از ملائکه خواهد پرسید که آیا از عبادت مشرکان برای آنان ، رضایت داشته اند ؟

و یوم یحشرهم جمیعًا ثمّ یقول للملئکه أهؤلاء إیّاکم کانوا یعبدون

جوابی که در آیه بعد از قول ملائکه نقل شده، حکایت از این دارد که سؤال از اصل عبادت نبوده است; زیرا عبادت مشرکان در اختیار ملائکه نبوده تا آنان دستور به انجام آن داده باشند; بلکه سؤال از رضایت ملائکه از این کار است.

جلد - نام سوره

– سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۲۴ – ۲،۳

۲ – انسان ها ، در قبال عقاید و رفتار خود ، مسؤول بوده و در روز قیامت بازخواست خواهند شد .

وقفوهم إنّهم مسئولون

۳ – وجود < موقف > و جایگاه سؤال و بازخواست از انسان ها ، در عرصه قیامت

وقفوهم إنّهم مسئولون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۱۶ – ۴

۴ – پرسش از خلایق در روز قیامت ، درباره فرمان روای حقیقی جهان در آن روز

لمن الملک الیوم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۷۳ – ۵

۵ – انسان ها ، در برابر عقاید دینی خویش و انتخاب آن ، مسؤول بوده و در قیامت باید پاسخگو باشند .

ثمّ قیل لهم أین ما کنتم تشرکون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۴۴ – ۸

۸ – پایبندی و استقامت پیامبر (ص) و مسلمانان در مسیر وحی ، از مسائل مهم مورد سؤال در قیامت

فاستمسک بالذی أُوحی إلیک . .. و سوف تسئلون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – رحمن – ۵۵ – ۳۹ – ۱

۱ – گناهکاران جن و انس در صحنه قیامت ، دارای وضعیتی معلوم و بی نیاز از محاکمه و سؤال

فیومئذ لایسئل عن ذنبه إنس و لاجانّ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – تکویر – ۸۱ – ۸ – ۴

۴ – قیامت ، روز حسابرسی اعمال انسان ها و پرسش از رفتار آنان با

یکدیگر

و إذا الموءوده سئلت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکاثر - ۱۰۲ - ۸ - ۱۰

۱۰ - < قال الرضا (ع) و لقد حدثنی أبی عن أبیه أبی عبدالله الصادق (ع) . . . قال : إنّ الله عزّوجلّ لایسئل عباده عمّا تفضّل علیهم و لا یمنّ بذلک علیهم و الإمتنان بالإنعام مستقبح من المخلوقین فکیف یضاف إلی الخالق عزّوجلّ ما لایرضی المخلوق به و لکنّ النعیم حبّنا أهل البیت و موالاتنا یسئل الله عباده عنه بعد التوحید و النبّوه لأنّ العبد إذا وفی بذلک ادّاه إلی نعیم الجنّه الذی لایزول ;

امام رضا(ع) فرمود: پدرم از پدر خویش از امام صادق(ع) برای من روایت کرده است که فرمود: خدای عزّوجلّ درباره آنچه به بندگانش تفضل کرده است، از آنها بازخواست نمی کند و با این کار بر آنان منّت نمی گذارد. منّت نهادن به جهت نعمت بخشیدن، از جانب مخلوق ها کار زشتی است; پس چگونه به خالق عزّوجلّ چیزی نسبت داده می شود که مخلوق از نسبت دادن آن ناخشنود است؟! ولی نعیم [در آیه <ثمّ لتسئلنّ یومئذ عن النعیم>] محبت ما اهل بیت و [پذیرش]ولایت ما است که خداوند همه بندگان را بعد از توحید و نبّوت، از آن بازخواست خواهد کرد; زیرا بنده اگر به آن نعمت وفادار باشد، او را به نعمت های بهشت که هرگز زایل نمی شود خواهد رساند>.

پرسش درباره انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۷۱ - ۹

۹ - پرسش ملامت آمیز نگهبانان و دربانان دوزخ از کافران ،

درباره آمدن پیامبران تلاوت کننده آیات الهی و انذارگران

و قال لهم خزنتها ألم یأتکم رسل منکم یتلون علیکم ءایت ربّکم و ینذرونکم لقاء یومک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۸ - ۳

۳ - پرسش سرزنش آمیز نگهبانان دوزخ از کافران دوزخی ، درباره آمدن پیامبر و اخطار دهنده الهی برای آنان

سألهم خزنتها ألم یأتکم نذیر

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که استفهام در <ألم یأتکم. ..> توبیخی و تقریعی باشد.

پرسش درباره حاکم آفرینش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۶ - ۴

۴ - پرسش از خلایق در روز قیامت ، درباره فرمان روای حقیقی جهان در آن روز

لمن الملک الیوم

پرسش درباره ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۳ - ۱

۱- مردم زمان پیامبر (ص) از آن حضرت ، درباره ذوالقرنین ، پرسش هایی را مطرح ساخته بودند .

و یسئلونک عن ذی القرنین

<قرن> به معنای <شاخ> است. گفته اند وجه تسمیه <ذوالقرنین> آن بوده که وی، دو رشته گیسوان بافته، همانند دو شاخ داشته و یا این که بر کلاه او دو شاخ قرار داشته است. البته <قرن> به معنای مدّت زمانی متمادی که مردم در آن زیست می کنند نیز آمده و لذا برخی نیز وجه تسمیه را دوران طولانی حاکمیت ذوالقرنین دانسته اند.

پرسش درباره رسولان خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۵۰ – ۱

۱ – پرسش نگهبانان جهنم از دوزخیان ،

درباره آمدن فرستادگان الهی همراه با دلایل و برهان های روشن برای ایشان

قالوا أَوَ لم تک تأتیکم رسلکم بالبیّنت

پرسش درباره روح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۵ - ۱،۲،۳

۱- پرسش مردم از پیامبر (ص) درباره حقیقت روح

و یسئلونک عن الروح

۲- حقیقت روح ، امری مبهم و سؤال برانگیز برای مردم عصر پیامبر (ص)

و یسئلونک عن الروح

۳- حقیقت روح انسانی ، امری ناشناخته و سؤال انگیز

و یسئلونک عن الروح

بنابر اینکه مراد از <الروح> صرفاً روح انسانی باشد که متبادر به ذهن است برداشت فوق به دست می آید.

پرسش درباره شفاعت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۳ - ۱۲،۱۰،۹،۸

۸ - منتظران شفاعت ، پس از خبردار شدن از امر خدا درباره آن ، سؤال می کنند که پروردگار چه گفته است ؟

حتّی إذا فزّع عن قلوبهم قالوا ماذا قال ربّکم

بنابراین که فاعل <قالوا>، <من> در <لمن> باشد و مراد از آن شفاعت شوندگان باشند، نکته یاد شده قابل استفاده است. گفتنی است که متعلق <ماذا قال> ذکر نشده و به قرینه بحث شفاعت، احتمال دارد متعلق آن درباره شفاعت باشد.

۹ - شفیعان ، در پی آگاهی از امر خدا درباره شفاعت ، از همدیگر می پرسند خداوند چه فرموده است ؟

حتّی إذا فزّع عن قلوبهم قالوا ماذا قال ربّكم

۱۰ - جواب شفاعت کنندگان به سؤال یکدیگر درباره فرمان خداوند ، این است که هر آنچه خداوند فرموده ، حق است .

قالوا ماذا قال ربّكم قالوا الحقّ

برداشت یاد شده بر این اساس

است که مرجع ضمیر فاعلی <قالوا>ی دوم، شفیعان باشد.

۱۲ - پاسخ شفیعان به سؤال منتظران شفاعت درباره فرمان خداوند نسبت به آن ، این است که خدا حق گفته است .

قالوا ماذا قال ربّکم قالوا الحقّ

بنابراین که مرجع ضمیر فاعلی <قالوا>ی اول، منتظران شفاعت و مرجع ضمیر فاعلی <قالوا>ی دوم، شفاعت کنندگان باشد، نکته یاد شده به دست می آید.

پرسش درباره کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۵۴ - ۱

۱ - بهشتیان ، درباره سرنوشت هم نشینان کافر دنیایی خود ، از دیگر بهشتیان پرسش کرده و از وضعیت آنان کسب اطلاع خواهند کرد .

قال هل أنتم مطّلعون

استفهام <هل> برای عرض و یا امر است که مفاد آن تقاضا و درخواست می باشد.

پرسش درباره گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۴۱ - ۱

۱ - پرسوجوی اصحاب الیمین در بهشت ، از وضعیت مجرمان در قیامت

عن المجرمین

پرسش درباره معبودان باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۶۲ - ۴

۴ - پرسش تحقیرآمیز خداوند از مشرکان ، درباره معبود های آنان در قیامت

فیقول أین شرکاءی

استفهام در <أین شرکاءی> برای تهکّم و استهزا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۴ - ۴

۴ - پرسش تحقیرآمیز خداوند در قیامت از مشرکان درباره معبودهایشان

و یوم ینادیهم فیقول أین شرکاءی

استفهام در <أین شرکائی> برای تهکّم و استهزا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۳

۳ - پرسش عتاب آمیز خداوند از مشرکان حق ستیز و لجوج ، درباره معبود های ادعایی آنان

ثمّ قیل لهم أین ما کنتم تشرکون

پرسش درباره منذران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملك - ۶۷ - ۸ - ۳

۳ - پرسش سرزنش آمیز نگهبانان دوزخ از کافران دوزخی ، درباره آمدن پیامبر و اخطار دهنده الهی برای آنان

سألهم خزنتها ألم یأتکم نذیر

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که استفهام در <ألم یأتکم. ..> توبیخی و تقریعی باشد.

پرسش زکریا(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸ - ۱

۱- بشارت فرزند به زکریا (ع) در روزگار پیری و فرتوتی وی و نازایی همسر ، برای او نویدی شگفت آور بود .

أنّی یکون لی غلم و کانت امرأتی عاقرًا و قد بلغت من الکبر عتیًّا

<أنّی>، یعنی چگونه و از چه راهی؟ (مصباح). <عتیاً> جمع <عات> از ماده <عتوّ> (از حد گذشتن) است و مفاد جمله <قد بلغت...> این است که من از نظر پیری به افرادی رسیده ام که در کهن سالی از حدّ گذشته اند. برخی اهل لغت <عتیاً> را مصدر و به معنای خشك و انعطاف ناپذیر شدن مفاصل و استخوان ها دانسته اند (الکشاف). مفاد جمله دراین صورت این است که من از اثر پیری به خشکیده شدن اعضای بدنم رسیده ام.

پرسش سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۰ - ۳

۳ - پرسش سلیمان از علت ناپیدا بودن هدهد

فقال ما لی لاأری الهدهد أم کان

من الغائبين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۸ - ۲

۲ - پرسش سلیمان از قدرت درباریانش برای آوردن تخت بلقیس

قال یأیّها الملؤا أیّکم یأتینی بعرشها

پرسش شفیعان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۳ - ۹

۹ - شفیعان ، در پی آگاهی از امر خدا درباره شفاعت ، از همدیگر می پرسند خداوند چه فرموده است ؟

حتّی إذا فزّع عن قلوبهم قالوا ماذا قال ربّکم

پرسش طغیانگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۲ - ۳

۳ - طغیان گران دنیاطلب ، با پرسش مکرر از زمان قیامت به استهزای آن می پرداختند .

یسئلونک عن الساعه أیّان مرسیها

فاعل <یسئلونک>، در برداشت یاد شده <من طغی. ..> دانسته شده است. این برداشت، ناظر به احتمالی است که به قرینه <إنّما أنت منذر من یخشاها> در آیات بعد استفاده می شود; زیرا کسی که از انذار قیامت هراسی ندارد، پرسش او از زمان وقوع آن استهزایی خواهد بود.

پرسش عزیر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۹ - ۲،۴،۵،۱۷

۲ عبور فردی (عزیر) در ضـمن سـفر از قریه ویران شده ای که دیوار های آن روی سـقفهایش فروریخته و مشاهده مردگان و پرسش وی از خداوند درباره چگونگیِ زنده شدن آنان

او کالّذی مرّ علی قریه و هی خاویه علی عروشها

بسـیاری از مفسّـِران برآننـد که داسـتان ذکر شـده درباره عزیر پیامبر است; گر چه برخی آن را به ارمیا نسـبت داده اند. گفتنی است

که جمله <خاویه علی عروشها> را برخی به معنای خالی از سکنه و برخی مخروبه و فروپاشیده دانسته اند.

۴ آگاهی عزیر به اصل زنده شدن مردگان در رستاخیز و پرسش وی از چگونگیِ زنده شدن آنان

قال انّی یحیی هذه اللّه بعد موتها

<انّی یحیی> که استفهام است، دلالت دارد بر اینکه عزیر، اصل احیا را اذعان داشته و از کیفیّت آن پرسش کرده است.

۵ خداوند ، عزیر را میراند و پس از صد سال وی را زنده کرد تا پاسخی باشد به پرسش وی از چگونگی زنده شدن مردگان

قال انّی . .. فاماته اللّه مائه عام ثمّ بعثه

۱۷ زنده شدن الاغ عزیر پس از جمع آوری استخوان های آن و پوشاندن گوشت بر آنها ، پاسخی به پرسش وی از کیفیّت و امکان حیات مردگان

و انظر الی العظام کیف ننشزها ثمَّ نکسوها لحماً

مراد از <العظام> به قرینه <و انظر الی حمارك>، استخوانهای همان الاغ است ; چون صرف نگاه به حمار، نشانه ای برای احیای مردگان نیست.

پرسش فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۱ - ۳،۴

۳ - چگونگی برخورد خداوند با اقوام غیر مؤمن گذشته ، پرسش فرعون از موسی (ع)

أنّ العذاب علی من کذّب . .. فما بال القرون الأُولی

چون در آیات گذشته، موسی(ع) سخن از امنیت پیروان هدایت و عذاب تکذیب کنندگان به میان آورد، سؤال فرعون به منظور اظهار نظر موسی(ع) در باره حال نسل های پیشین بوده است. انگیزه او از این پرسش می تواند تحریک نسل حاضر در برابر پاسخ موسی(ع) به معذَّب بودن پدرانشان باشد.

طفره رفتن موسی(ع) از جواب صریح، این احتمال را تقویت می کند.

۴ - فرعون با ناباوری نسبت به عملی شدن وعده عذاب در باره پیشینیان ، نظر موسی (ع) را در مورد آنان جویا شد .

قال فما بال القرون الأُولی

سؤال فرعون از حال پیشینیان، پس از گفته موسی(ع) (أنّ العذاب علی من کذّب) از ناباوری او حکایت دارد; زیرا وی آنان را نابود شده و بی نشان و اثر می دانست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۳ - ۱،۴

۱ - پرسش انکار آمیز فرعون از موسی (ع) در باره حقیقتی به نام < ربّ العالمین > (پروردگار جهانیان)

قال فرعون و ما ربّ العلمین

واژه <ما> اسم استفهام است و غالباً با آن، از حقیقت اسم مابعدش پرسش می شود. گفتنی است که استفهام یاد شده برای اظهار تعجب به منظور انکار حقیقت مورد پرسش می باشد.

۴ - < عن أبی عبداللّه (ع) قال لمّا بعث اللّه موسی إلی فرعون . . . فقال فرعون < و ما ربّ العالمین > و إنّما سأله عن کیفیه اللّه فقال موسی < ربّ السماوات و الأرض و ما بینهما إن کنتم موقنین > فقال فرعون متعجباً لأصحابه < ألاتستمعون > أسأله عن الکیفیه فیجیبنی عن الصفات . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده که فرمود: هنگامی که خداوند موسی را به سوی فرعون مبعوث کرد . .. فرعون به موسی(ع) گفت <و ما ربّ العالمین> و سؤال فرعون از موسی درباره کیفیت خداوند بود. موسی(ع) در جواب فرعون گفت: <ربّ السماوات

و الأرض و ما بينهما...>. فرعون در حالی که تعجب کرده بود به اصحابش گفت: آیا نمی شنوید [چه میگوید؟] من از کیفیت خدا می پرسم و او در جواب من از صفات می گوید...>.

پرسش قوم ابراهیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۵۹ - ۱

۱- پس از در هم شکسته شدن بت ها به وسیله ابراهیم (ع) ، بت پرستان به پرسوجو از یکدیگر در مورد شکننده آنها پرداختند .

فجعلهم جذذًا . .. قالوا من فعل هذا بالهتنا

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <مَن> اسم استفهام باشد.

پرسش کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۶۵ - ۷

۷ - پرسش کافران از پیامبر (ص) ، درباره لحظه برپایی قیامت

قل لایعلم . .. الغیب إلاّ اللّه و ما یشعرون أیّان یبعثون

برداشت یاد شده بدان احتمال است که عبارت <قل. ..> در جواب پرسش کسانی باشد که نسبت به وقوع قیامت شک داشته اند; زیرا ضمایر در آیه بعد به این دسته از کافران بازمی گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۱۲ - ۱

۱ - سؤال تمسخرآمیز کافران درباره زمان برپایی روز جزا

یسئلون أیّان یوم الدّین

از آیات قبل و بعد، تمسخرآمیز بودن سؤال کافران استفاده می شود; زیرا آنان اصولاً در مقام فهم حق نبودند و با این پرسش،

می خواستند راهی دیگر برای انکار معاد و وسیله ای برای تمسخر آن پیدا کنند.

پرسش کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۴۸ - ۱

۱ - کافران صدراسلام ، از مسلمانان درباره برپایی قیامت سؤال می کردند .

قال الذین کفروا . .. و یقولون متی هذا الوعد

بیشتر مفسران برآنند که مقصود از <وعد>، برپایی قیامت است.

پرسش گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۳ - ۸

۸ - منتظران شفاعت ، پس از خبردار شدن از امر خدا درباره آن ، سؤال می کنند که پروردگار چه گفته است ؟

حتّی إذا فزّع عن قلوبهم قالوا ماذا قال ربّکم

بنابراین که فاعل <قالوا>، <من> در <لمن> باشد و مراد از آن شفاعت شوندگان باشند، نکته یاد شده قابل استفاده است. گفتنی است که متعلق <ماذا قال> ذکر نشده و به قرینه بحث شفاعت، احتمال دارد متعلق آن درباره شفاعت باشد.

پرسش محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۹ - ۱

۱ پیامبر(ص)، مأمور به سؤال از مشرکان درباره اینکه برترین گواهی که می تواند حقانیت او را تأیید کند کیست؟

قل أی شیء أکبر شهده قل اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۸ - ۲

۲ - طرح پرسش های تنبّه بخش و بیدارکننده ، شیوه ارائه شده از سوی خداوند به پیامبر (ص) در محاجّه با کافران و مشرکان

قل أرءيتم إن أهلكنى اللّه و من معى أو رحمنا

پرسش محمد(ص) از يهود

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۳ - ۵

۵ توجه دادن يهوديان به فرجام

شوم مخالفت با فرمان های الهی ، هدف از پرسش پیامبر (ص) از یهودیان درباره مردم ایله

و سئلهم عن القریه التی کانت حاضره البحر

پرسش مردم صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۸۷ - ۱۲

۱۲ مردم عصر بعثت به گمان آگاهی پیامبر (ص) از زمان تحقق قیامت ، با سؤال های مکرر خواهان افشای آن بودند .

یسئلونک کأنک حفی عنها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۰۵ - ۳

۳ - تعدادی از مردم صدراسلام در باره سرنوشت کوه ها در هنگامه رستاخیز ، از پیامبر (ص) توضیح می خواستند .

و یسَلونک عن الجبال

پرسش مردم مقارن بعثت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۵ - ۲

۲- حقیقت روح ، امری مبهم و سؤال برانگیز برای مردم عصر پیامبر (ص)

و یسئلونک عن الروح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۸۳ - ۱،۴

۱- مردم زمان پیامبر (ص) از آن حضرت ، درباره ذوالقرنین ، پرسش هایی را مطرح ساخته بودند .

و یسئلونک عن ذی القرنین

<قرن> به معنـای <شـاخ> است. گفته انـد وجه تسـمیه <ذوالقرنین> آن بوده که وی، دو رشـته گیسوان بـافته، هماننـد دو شاخ داشته و یا این که بر کلاه او دو شاخ قرار داشته است. البته <قرن> به معنای مدّت زمانی متمادی که مردم در آن زیست می کنند نیز آمده و لذا برخی نیز وجه تسمیه را دوران

طولانی حاکمیت ذوالقرنین دانسته اند.

۴- پرسشش های مردم از پیامبر (ص) ، زمینه نزول برخی آیات و تبیین مطالبی برای مردم بود .

و یسئلونک عن ذی القرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴۲ - ۱

۱ - پرسش از زمان فرا رسیدن قیامت ، سؤال مکرر مردم از پیامبر (ص)

یسئلونک عن الساعه أیّان مرسیها

کلمه <مرسی>، به صورت های مصدر میمی، اسم زمان، اسم مکان و اسم مفعول کاربرد دارد(مفردات راغب). این کلمه در آیه شریفه به قرینه <أیّان> که سؤال از زمان است مصدر میمی می باشد. در این صورت <مرسی> به معنای وقوع و استقرار خواهد بود. مکرر بودن سؤال، از فعل مضارع <یسئلونک> استفاده شده است.

پرسش مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۸۶ - ۱

۱ - پرسش مسلمانان از پیامبر درباره نزدیک یا دور بودن خدا ، نسبت به بندگان

و إذا سألک عبادی عنی فإنی قریب

جمله <فإنی قریب> بیانگر این است که پرسش مطرح شده در آیه، درباره دوری و نزدیکی خداست.

پرسش مشرکان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۰ - ۸

۸ پیامبر اکرم (ص) در پی بهانه جویی های مشرکان و پرسش های مکرر آنان از علت عدم نزول معجزه ، در انتظار پاسخ و رهنمودی از سوی خداوند بود .

و يقولون لو لا أنزل عليه ءايه من ربه . .. إنى معكم من المنتظرين

پرسش مكذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۵۱ – ۵،۱۵

۵– خداوند ، پیشاپیش به پیامبر (ص) اعلام کرد که منکران معاد ، پس از دریافت جواب شبهه استبعاد معاد ، از پدیدآورنده آن سؤال خواهند کرد .

فسیقولون من یعیدنا

۱۵– منکران معاد ، پس از دریافت جواب شبهات خود درباره معاد ، با شگفتی از زمان وقوع آن می پرسیدند .

فسینغضون إلیک رءوسهم و یقولون متی هو

بنابر اینکه حرکت دادن سر، همانگونه که در استعمال لغوی آن آمده است، برای اظهار تعجب و شگفتی باشد (لسان العرب)، برداشت فوق به دست می آید.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۷۱ – ۳

۳ – پرسش ناباورانه و تمسخرآمیز منکران معاد ، از زمان برپایی رستاخیز و مجازات کافران

لقد وعدنا هذا. .. و یقولون متی هذا الوعد

مراد از <الوعد> به قرینه آیات پیشین، می تواند وعده رستاخیز باشد. برداشت یاد شده بر پایه این احتمال است.

پرسش ملائکه قبر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۲۷ – ۱۶،۱۷

۱۶– < قال أمیرالمؤمنین (ع) صلوات الله علیه : إن ابن آدم . . . فإذا أدخل قبره أتاه ملکا القبر . . . فیقولان : من ربک و ما دینک و من نبیک ؟ فیقول : الله ربّی و دینی الإسلام و نبیی محمد (ص) فیقولان له : ثبّتک الله فیما تحبّ و ترضی و هو قول الله عزّوجلّ : < یثبّت الله الذین آمنوا بالقول الثابت فی الحیاه الدنیا و فی الأخره > . . .

;

از امیرالمؤمنین(ع) روایت شـده است که فرمود: همانا آدمی زاده را . .. آن گاه که وارد قبرش می کننـد، دو فرشـته نزدش می آیند ... و می گویند: پروردگارت کیست؟ و دینت چیست؟ و پیامبرت کیست؟ پس پاسخ می گوید: <خداوند> پروردگارم و <اسـلام> دین من و پیامبرم حضـرت محمـد(ص) است. پس به او می گویند: خداوند تو را در آنچه دوست می داری و به آن راضـی هستی ثابت قدم و اسـتوار کرده است و این همان سخن خداوند است که می فرماید: <یثبّت الله الذین آمنوا بالقول الثابت ...>...>.

۱۷- < عن أبی عبـدالله (ع) قال : إن المؤمن إذا أُخرج من بیته شـیّعته الملائکه إلی قبره . . . و إن کان کافراً خرجت الملائکه تشـیّعه إلی قبره تلعنونه . . . ثمّ یـدخل علیه ملکـا القبر . . . فیقولان له : من ربّک ؟ فیتلجلـج و یقول : قـد سـمعت الناس یقولون فیقولان له : لادریت و یقولان له : ما دینک ؟ فیتلجلـج فیقولان له : لادریت و یقولان له : من نبّیک ؟ فیقول : قد سـمعت الناس یقولون فیقولاـن له لادریت و یسأل عن إمام زمانه . . . و هو قول الله عزّوجلّ : < . . . و یضلّ الله الظالمین و یفعل الله ما یشاء >
;

از امـام صـادق(ع) روایت شـده است که فرمود: آن گـاه که [جنـازه] مؤمن را از منزلش بیرون می برنـد، ملائکه او را تا قبرش تشییع می کنند . .. و اگر کافر باشد فرشتگان او را تا قبرش تشییع و لعنت می کنند ... سپس دو

فرشته قبر، بر او وارد می شوند ... پس به او می گویند: پروردگارت کیست؟ پس او [در پاسخ] مردد می شود و می گوید: شنیده ام مردم [این گونه] می گویند. پس به او می گویند: [آیا] ندانستی؟ به او می گویند دینت چیست؟ باز مردد می شود و آنان به او می گویند: [آیا] ندانستی؟ پس به او می گویند: پیامبر تو کیست؟ پس پاسخ می دهد: شنیده ام که [این گونه] مردم می گویند. پس به او می گویند [آیا]ندانستی؟ و از او درباره امام زمانش سؤال می کنند: ... و این سخن خداوند عزّوجلّ است: ... یضلّ الله الظالمین و یفعل الله ما یشاء>.

پرسش موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۳ - ۹،۷

۷ - پرسش موسی (ع) از دختران شعیب درباره انگیزه آنان از منع کردن گوسفندانشان از آب

قال ما خطبکما

<خطب> معادل <شأن> است؛ یعنی، <ما الذی حملکما علی الذود؛ چه چیزی شما را بر این کار وا می دارد؟>

۹ - دختران شعیب به پرسش موسی پاسخ دادند .

قالتا لانسقی

پرسش موسی(ع) از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۵ - ۱۲

۱۲ موسی (ع) در پی هلاکت همراهانش در میقات ، با پرسشی شکوه آمیز ، توجیه و چرایی هلاکت همه حاضران را به خاطر گناه گروهی از آنان ، از خداوند تقاضا کرد .

أتهلکنا بما فعل السفهاء منا

پرسش نگهبانان جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ -

۱ - پرسش نگهبانان جهنم از دوزخیان ، درباره آمدن فرستادگان الهی همراه با دلایل و برهان های روشن برای ایشان

قالوا أَوَ لم تک تأتیکم رسلکم بالبیّنت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۸ - ۳

۳ - پرسش سرزنش آمیز نگهبانان دوزخ از کافران دوزخی ، درباره آمدن پیامبر و اخطار دهنده الهی برای آنان

سألهم خزنتها ألم یأتکم نذیر

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که استفهام در <ألم یأتکم. ..> توبیخی و تقریعی باشد.

پرسش و پاسخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۷ - ۵

۵ وعده خداوند به مردم ، مبنی بر پاسخ استفتای آنها درباره حقوق زنان

قل اللّه یفتیکم فیهنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۱ - ۷

۷ خداوند پاسخ گوی پرسش های مردم ، به هنگام نزول قرآن ، گرچه موجب ناخشنودی آنان گردد .

لاتسئلوا عن اشیاء . .. و إن تسئلوا عنها حین ینزل القرءان تبدلکم

به مقتضای اینکه ضمیر در <عنها>به اشیاء توصیف شده به <ان تبدلکم تسؤکم> بر می گردد می توان گفت آن اشیاء و احکام هر چند به خاطر دشواری آنها بر مکلفان بیان نشده است لکن اگر به هنگام نزول قرآن مورد سؤال قرار گیرد، بیان خواهد شد.

پرسش و پاسخ در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۲۶ – ۴

۴ – پرسش مجرمان از خداوند و دریافت پاسخ از او ، از رخداد های صحنه

قیامت

ربّ لم حشرتنی . .. قال کذلک أتتک ءایتنا

از ظاهر <قال کذلک> چنین برمی آید که پاسخ سؤال <لم حشرتنی> با لفظ بیان می گردد نه این که صرفاً حالتی در نفس باشد گرچه این پاسخ ممکن است به صورت مستقیم نباشد، بلکه با وساطت ملائکه یا غیر آن، صورت گیرد.

زمینه پرسش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۷ - ۳

۳ تشریع احکامی در مورد زنان ، زمینه مطرح شدن سؤالهایی از سوی مسلمانان صدر اسلام در مورد آنان *

و یستفتونک فی النساء . .. و ما یتلی علیکم فی الکتب فی یتمی النساء

زمینه پرسش از قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۶ - ۳

۳ - گرایش طبیعی انسان به فسق و فجور ، زمینه پرسش های انکارآمیز او درباره قیامت .

بل یرید الإنسن لیفجر أمامه . یسئل أیّان یوم القیمه

جمله <یسئل أیّان. ..> استیناف بیانی و در مقام تعلیل و تفسیر <بل یرید الإنسان لیفجر...> است; یعنی، پرسش انکارآمیز انسان، برخاسته از گرایش او به فسق و فجور است; چرا که اگر قیامت را بپذیرد، نمی تواند به فسق و فجور متمایل گردد. ازاین رو برای ادامه راه فسق و فجور خویش، قیامت را انکار کرده و به تمسخر می گیرد.

زمینه پرسش مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۸ - ۳

۳ - نسخ ادیان و نیز نسخ برخی از آیات و احکام قرآن ، برانگیزنده مسلمانان به طرح پرسشهایی نا به جا

از پیامبر (ص)

أم تریدون أن تسئلوا رسولکم

برداشت فوق بر این مبناست که <أن تسئلوا> به معنای پرسش کردن باشد. از آن جا که لحن آیه گویای مذمت است، از آن پرسشها به پرسشهای نا به جا تعبیر شده است.

شگفتی پرسش از معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۱ - ۳

۳ - پرسش های تردیدآمیز درباره معاد ، شگفت آور و دور از انتظار است .

عمّ یتساءلون

<ما> در <عمّ> برای استفهام تعجّبی است و دلالت بر غیر منتظره بودن سؤال از معاد دارد.

عجله در پرسش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۰ - ۶

۶- شتاب زدگی در پرسش ، پیش از فرا رسیدن زمینه آگاهی ، دور از ادب تعلّم است .

فلاتسئلنی عن شیء حتّی أُحدث لك

فلسفه پرسش ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۷۰ - ۴

۴ - رشد ابراهیم (ع) در محیط غیر شرك و مواجهه او با محیط شرك آلود ، امری سؤال انگیز برای وی

إذ قال لأبیه و قومه ما تعبدون

برداشت یاد شده بدان احتمال است که پرسش ابراهیم(ع)، پرسشی طبیعی و برخاسته از فطرت توحیدی وی بود و نه تدبیری در جهت طرح مسائل توحیدی با مردم. بر این اساس روشن می شود که آن حضرت در محیطی غیر شرک می زیسته است از این رو با مشاهده بت پرستی مردم، شگفت زده شد و از آن کار استفسار نمود.

فلسفه پرسش خدا

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۲۰ – ۴

۴ – پرسش خداوند از موسی (ع) در باره عصا ، جهت ایجاد زمینه لازم و آمادگی ذهنی برای نمایاندن آیت و معجزه به او بود .

و ما تلک بیمینک . .. فألقیها فإذا هی حیّة

تصریح موسی(ع) به خواص طبیعی عصا در پاسخ خداوند، ایجادکننده زمینه ای مناسب در ذهن او بود که با مقایسه دو حالت عصا، هیچ تردیدی در معجزه بودن حالت جدید به خود راه ندهد.

فلسفه پرسش سلیمان(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۲۰ – ۹

۹ – در مجمع البیان آمده است : < و اختلف فی سبب تفقده الهدهد فقیل إنّه احتاج إلیه فی سفره لیدله علی الماء قال أبوحنیفه لأبی عبدالله (ع) کیف تفقّد سلیمان الهدهد من بین الطیر ؟ قال : لأنّ الهدهد یری الماء فی بطن الأرض کمایری أحدکم الدهن فی القاروره ;

در انگیزه سؤال سلیمان از غیبت هدهد اختلاف شده است: بعضی گفته اند: سلیمان در سفرش نیاز به هدهد داشت تا وی را به وجود آب راهنمایی کند. [مجمع می افزاید]که ابوحنیفه از امام صادق(ع) سؤال کرد: چرا سلیمان از میان پرندگان سراغ هدهد را گرفت؟ فرمود: برای این که هدهد آب را در دل زمین می بیند، همان گونه که فردی از شما روغن را در ظرف بلورین می بیند...>.

فلسفه پرسش فرعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۵۱ – ۵

۵ – فرعون با طرح پرسش از موسی (ع)

در باره وضعیت اقوام گذشته ، سعی در پنهان ساختن درماندگی خود در برابر سخنان او داشت .

من ربّکما . .. الذی أعطی کلّ شیء خلقه ... فما بال القرون الأُولی

ممکن است طرح سؤال فرعون در باره اقوام گذشته، صرفاً به جهت منحرف ساختن بحث و بردن آن به زاویه ای نامشخص صورت گرفته باشد. وارد نشدن موسی(ع) در چنین بحثی، نقشه او را خنثی کرده است.

فواید پرسش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۳۹ - ۴

۴ یوسف (ع) ، با طرح سؤال و برانگیختن وجدان هم بندان خویش ، حقانیّت توحید و یکتاپرستی را برای آنان مطرح ساخت .

ءأرباب متفرقون خیر أم الله الوحد القهار

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۶ - ۵

۵ بیان حقایق و معارف در قالب پرسش و پاسخ از روش های قرآن برای توجه دادن مردم به آن حقایق

قل من رب السموت و الأرض قل الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۷ - ۷

۷- سؤال از وجدان و برانگیختن حس حق جویی ، وسیله ای برای هوشیاری و روشی در اثبات حقایق

أفمن یخلق کمن لایخلق أفلاتذکّرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۳ - ۱۴

۱۴- پرسش ، از ابزار شناخت است .

فسئلوا أهل الذكر إن كنتم لاتعلمون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۱۰۳ – ۶

۶- طرح کردن پرسش های برانگیزاننده و ایجاد زمینه برای

ارائه معارف ، از روش های مورد استفاده در قرآن است .

قل هل ننبّئكم بالأخسرين أعمالًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۲ - ۹

۹- وادار ساختن مردم به تحقیق و تفکر با طرح پرسش ، در باره عقیده ها و عملکرد های شان ، روشی نیکو در تربیت و تبلیغ

لِمَ تعبد ما لایسمع و لایبصر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۱ - ۶

۶- بازخواستن و زیر سؤال بردن اندیشه و عقیده باطل ، روشی در هدایت و بیان عقیده و اندیشه درست .

أم اتّخذوا ءالهه من الأرض هم ینشرون

برداشت یاد شده از جمله استفهامیه <هم ینشرون> استفاده می گردد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۴ - ۳

۳- بازخواست و زیر سؤال بردن عقیده و اندیشه باطل ، روشی در هدایت و بیان عقیده و اندیشه درست .

أم اتّخذوا من دونه ءالهه

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که <أم> منقطعه، بر استفهام توبیخی دلالت می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۱۵ - ۱۰

۱۰ طرح سؤال و پرسش ، روشی برای برانگیختن اندیشه و تفکر ، در شناخت بهتر حقایق الهی و گزینش بهترین عقیده ها و رفتارها

قل أذلک خیر أم جنّه الخلد التی وعد المتّقون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۷۰ – ۳

۳ – ایجاد سؤال در مردم نسبت به باور های آنان ، روش ابراهیم

(ع) در یاد کرد بطلان عقاید ایشان

إذ قال لأبيه و قومه ما تعبدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۷۲ - ۴

۴ - ایجاد سؤال در مردم نسبت به باور های آنان ، روش ابراهیم (ع) در تذکر دادن و باطل کردن عقاید ایشان

قال هل يسمعونكم إذ تدعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۱ - ۲

۲ - طرح پرسش های تنبه بخش و بیدار کننده ، شیوه ای ارائه شده از سوی خدا به پیامبر (ص) در محاجه با مشرکان

قل أرءيتم إن جعل اللّه . .. أفلاتسمعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۷۲ - ۲

۲ - طرح پرسش های تنبه آفرین و بیدارگر ، از شیوه های ارائه شده از سوی خدا به پیامبر در احتجاج با اهل شرک

قل أرءيتم إن جعل اللّه . .. أفلاتبصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۲۵ - ۸

۸ - طرح پرسش در احتجاج ، برای واداشتن طرف مقابل به اقرار به حق ، از روش های قرآن برای تبیین حقایق است .

و لئن سألتهم من خلق السموت و الأرض ليقولنّ اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۲۴ - ۷

۷ – استفاده از پرسش برای ایجاد ذهنیت مساعد جهت تفهیم حقیقت به مخاطب ، از روش های تربیتی قرآن کریم

قل من یرزقکم من السموت و الأرض قل اللّه

جلد – نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۴ – ۳

۳- پرسش از حقایق مورد غفلت و واداشتن اندیشه ها به تأمل درباره آن ، روشی قرآنی برای هدایت آدمیان

قل أرءیتم ما تدعون . .. أرونی ماذا خلقوا

طرح پرسش از سوی قرآن، برای وادار کردن مشرکان به تأمل، بیانگر مطلب یاد شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۷۲ – ۴

۴ – طرح سؤال و برانگیختن به اندیشه و خردورزی ، از روش های هدایتی تربیتی قرآن

أفرءیتم ما تمنون . ءأنتم تخلقونه أم نحن الخلقون... أفرءیتم النار ... ءأنتم أنشأ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – صف – ۶۱ – ۱۰ – ۲

۲ – ایجاد انگیزه در مخاطب ، با طرح پرسش و آن گاه بیان پاسخ آن ، از روش های هدایتی قرآن

هل أدلّکم علی تجره

جمله <هل أدلّکم . ..> طرح پرسش و <تؤمنون باللّه> در آیه بعد بیان پاسخ آن است.

گناه پرسش بیجا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۰۱ – ۱۳

۱۳ خداوند آمرزنده گناه مترتب بر پرسش های بیجا تا پیش از تحریم آن *

لاتسئلوا عن اشیاء . .. و اللّه غفور حلیم

توصیف خداوند به <غفور> پس از بیان نهی از پرسشهای بیجا می تواند ناظر به آمرزش گناه کسانی باشد که تا پیش از بیان

نهی، چنین سؤالاتی را مطرح کرده بودند.

محدوده پرسش در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – اعراف – ۷ – ۶ – ۴

۴

چگونگی رفتار امتها و برخورد آنان با رسالت انبیا، پرسش خداوند از رسولان خویش در قیامت *

فلنسئلن الذین أرسل إلیهم و لنسئلن المرسلین

بـدان احتمـال که مورد سؤال از پیـامبران، رفتـار امتهایشان باشـد; چه اینکه محور آیات پیشـین فرمان به پـذیرش آیات الهی و تهدید مخالفان انبیا بوده است.

ممنوع پرسش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۱ - ۲

۲ پرسش از معارف و احکام ناگفته از سوی خداوند ، مورد نهی الهی

لاتسئلوا عن اشیاء . .. عفا اللّه عنها

<عفو> در لغت به معنـای مسـتور کردن است و مراد از مسـتور کردن اشـیاء، بیان نکردن آنهاست. و مقصود از <اشـیاء> به قرینه <و ان تسـئلوا عنها حین ینزل القرآن> مسائلی است که در راسـتای هدف قرآن (هدایت بشر) قرار دارد که همان احکام و معارف الهی است. و آیه بعد که گروهی را به دلیل انکار آن اشـیاء کافر نامیده مؤید این است که مراد از <اشیاء> معارف الهی باشد.

موانع پرسش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۳ - ۴

۴- ناسازگاری مقام الوهیت با محاسبه و بازخواست شدن

فسبحن اللّه. .. لایسل عمّا یفعل و هم یسلون

ناپسندی پرسش از خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۲۳ - ۳

۳- ناشایست بودن چون و چراکردن و ایراد به افعال خداوند

لایسل عمّا یفعل

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که جمله <لایسئل عمّا یفعل> خبر در مقام انشا باشد; یعنی، نباید از چرایی افعال خداوند پرسید و خرده گرفت.

پرسش و

پاسخ

{پرسش و پاسخ}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۰ - ۱

۱ پرسش مردم از پیامبر (ص) درباره ایتام

و یسئلونک عن الیتامی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۲۲ - ۲

۲ سؤال های مردم از پیامبر (ص) ، زمینه ای برای نزول آیات و بیان احکام

و یسئلونک عن المحیض قل هو اذیً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۹ - ۲،۴،۵،۱۷

۲ عبور فردی (عزیر) در ضمن سفر از قریه ویران شده ای که دیوار های آن روی سقفهایش فروریخته و مشاهده مردگان و پرسش وی از خداوند درباره چگونگیِ زنده شدن آنان

او کالّذی مرّ علی قریه و هی خاویه علی عروشها

بسیاری از مفسّران برآنند که داستان ذکر شده درباره عزیر پیامبر است; گر چه برخی آن را به ارمیا نسبت داده اند. گفتنی است که جمله <خاویه علی عروشها> را برخی به معنای خالی از سکنه و برخی مخروبه و فروپاشیده دانسته اند.

۴ آگاهی عزیر به اصل زنده شدن مردگان در رستاخیز و پرسش وی از چگونگیِ زنده شدن آنان

قال انّی یحیی هذه اللّه بعد موتها

<انّی یحیی> که استفهام است، دلالت دارد بر اینکه عزیر، اصل احیا را اذعان داشته و از کیفیّت آن پرسش کرده است.

۵ خداوند ، عزیر را میراند و پس از صد سال وی را زنده کرد تا پاسخی باشد به پرسش وی از چگونگی زنده شدن مردگان

قال انّی . .. فاماته اللّه مائه عام

ثمّ بعثه

۱۷ زنده شدن الاغ عزیر پس از جمع آوری استخوان های آن و پوشاندن گوشت بر آنها ، پاسخی به پرسش وی از کیفیّت و امکان حیات مردگان

و انظر الی العظام کیف ننشزها ثمَّ نکسوها لحماً

مراد از <العظام> به قرینه <و انظر الی حمارک>، استخوانهای همان الاغ است ; چون صرف نگاه به حمار، نشانه ای برای احیای مردگان نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۷ - ۶

۶ عدم منافات مقام بلند برگزیدگان الهی با پرسش آنان از افعال خداوند و شگفتی از آن

یا مریم انّ اللّه اصطفیک . .. قالت ربّ انّی یکون لی ولد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۹۸ - ۱

۱ پیامبر (ص) ، مأمور پرسش از انگیزه های کفرِ اهل کتاب

قل یا اهل الکتب لم تکفرون بایات اللّه

اهمیت پرسش و پاسخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۲ - ۶

۶ طرح و بیان حقایق به شکل پرسش و پاسخ، از روشهای قرآن

قل لمن ما فی السموت و الأرض قل للّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴ - ۱۹

۱۹ طرح و بیان حقایق به صورت پرسش و پاسخ، از روشهای هدایتی قرآن

قل أغیر اللّه . .. قل إنی أمرت أن أکون أول من أسلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۹ - ۶۸

۶ پیامبر(ص)، مأمور به احتجاج

و بحث با مشرکان با طرح سؤال و پاسخ

قل أی شیء أکبر شهده قل اللّه

۸ طرح و بیان حقایق به شکل پرسش و پاسخ، از روشهای قرآن در تبلیغ و هدایت

قل أی شیء أکبر شهده قل اللّه شهید

پرسش و پاسخ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۲۷ - ۵

۵ وعده خداوند به مردم ، مبنی بر پاسخ استفتای آنها درباره حقوق زنان

قل اللّه یفتیکم فیهنّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۱ - ۷

۷ خداوند پاسخ گوی پرسش های مردم ، به هنگام نزول قرآن ، گرچه موجب ناخشنودی آنان گردد .

لاتسئلوا عن اشیاء . .. و إن تسئلوا عنها حین ینزل القرءان تبدلکم

به مقتضای اینکه ضمیر در <عنها>به اشیاء توصیف شده به <ان تبدلکم تسؤکم> بر می گردد می توان گفت آن اشیاء و احکام هر چند به خاطر دشواری آنها بر مکلفان بیان نشده است لکن اگر به هنگام نزول قرآن مورد سؤال قرار گیرد، بیان خواهد شد.

پرسش و پاسخ در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۶ - ۴

۴ - پرسش مجرمان از خداوند و دریافت پاسخ از او ، از رخداد های صحنه قیامت

ربّ لم حشرتنی . .. قال کذلک أتتک ءایتنا

از ظـاهر <قـال کـذلک> چنین برمی آیـد که پاسـخ سؤال <لم حشـرتنی> با لفظ بیان می گردد نه این که صـرفاً حالتی در نفس باشد گرچه این پاسخ ممکن است به صورت مستقیم نباشد، بلکه با وساطت ملائکه

یا غیر آن، صورت گیرد.

پرسشهای دینی

پاسخ به پرسشهای دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷ - ۱۴

۱۴- لزوم پاسخ عالم ، به پرسش های جاهل در مورد مسائل دینی

فسلوا أهل الذكر

گفتنی است که اگر سؤال واجب باشد، جواب نیز الزامی خواهد بود وگرنه وجوب سؤال لغو می شود; زیرا ممکن است براثر واجب نبودن پاسخ، سؤال ها بی جواب بمانـد. در این صورت، موجب نقض غرض خواهد شد و این از خداوند حکیم به دور است.

پاسخ پرسشهای دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۶۴ - ۱،۲

۱ خداوند تنها نجاتبخش آدمیان از مهلکه ها و از هرگونه اندوه و سختی است.

قل من ینجیکم . .. قل الله ینجیکم

۲ پیامبر(ص) وظیفه دار بیان برخی از معارف به صورت طرح پرسش و ارائه پاسخ است.

قل من ینجیکم . .. قل الله ینجیکم

پرندگان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

پرندگان

ابراهیم(ع) و پرندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۰ - ۱۶،۲۷،۲۹

۱۶ بازگشت پرندگان ذبح شده به جانب ابراهیم (ع) ، پس از فراخوانی آنها

ثمّ ادعهنّ یأتینک سعیاً

۲۷ طاووس ، خروس ، کبوتر و کلاغ ، چهار پرنده ای که ابراهیم (ع) برگزید .

فخذ اربعه من الطیر

امام صادق (ع): . .. فاخد ابراهیم الطاووس و الدیک و الحمام و الغراب ...

تفسیر قمی، ص ۹۱ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۸۰، ح ۱۰۹۸.

۲۹ حضرت ابراهیم (ع) ، اجزاءِ مرغان را بر ده کوه قرار داد .

ثمّ اجعل

علی کلّ جبل منهنّ جزءاً

امام صادق (ع): . .. و کانت الجبال عشره.

کافی، ج ۸، ص ۳۰۵، ح ۴۷۳ ; نورالثقلین، ج ۱، ص ۲۸۰، ح ۱۰۹۷ و ۱۰۹۸.

احیای پرندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۰ - ۱۶،۲۳

۱۶ بازگشت پرندگان ذبح شده به جانب ابراهیم (ع) ، پس از فراخوانی آنها

ثمّ ادعهنّ یأتینک سعیاً

۲۳ جمع میان اجزای پراکنده مردگان و احیای آنان ، بر اساس حکمت خداوندی

ثمّ اجعل . .. ثمّ ادعهنّ ... انّ اللّه عزیز حکیم

اقرار پرندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۱ - ۷

۷ - پرندگانی که بدون بال زدن پرواز می کنند ، تسبیح گوی خدا و معترف به مبرا بودن او و از هر گونه نقص و عیب اند .

أنّ اللّه له من . .. و الطیر صفّت

<صافّات> حال برای <الطیر> می باشد و <الطیر الصواف> به معنای پرندگان بال گشوده و بدون تحرک است (لسان العرب) و مقصود از آن، پرواز پرندگان در هوا بدون بال زدن است.

امّت پرندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ – انعام – ۶ – ۳۸ – ۱

۱ تمامی جنبدگان زمینی و پرندگان آسمان، مانند آدمیان، به صورت امت زندگی می کنند.

و ما من دابه فی الأرض و لا طئر یطیر بجناحیه إلا أمم أمثالکم

انسان شناسی پرندگان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۱۹ – ۶

۶ – پرندگان ، دارای نوعی شعور و شناخت نسبت به انسان و

خدا

و الطير محشوره كلّ له أوّاب

انقیاد پرندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فیل - ۱۰۵ - ۳ - ۲

۲ - پرندگان ، مطیع فرمان خداوند و در خدمت اهداف او هستند .

و أرسل عليهم طيرًا أبابيل

اهمیت فهم تکلم پرندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۶ - ۷

۷ - آگاهی داوود و سلیمان (ع) به زبان پرندگان ، دارای اهمیتی ویژه برای آنان در مقایسه با سایر امکانات

علّمنا منطق الطير و أوتينا من كلّ شيء

با این که <و أوتينا من كلّ شيء> شامل <منطق الطير> هم می شود، اختصاص به ذکر یافتن و مقدم آوردن آن، نشانگر اهمیت ویژه آن در مقایسه با سایر موهبت های الهی نسبت به داوود و سلیمان است.

بازدید از پرندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۲۰ - ۱

۱ - بازدید سلیمان (ع) از گروه پرندگان به منظور جویا شدن از احوال آنها

و تفقّد الطير

<تَفَقُّد> (مصدر <تفقّد>) معادل <تعهد> (وارسی کردن) است. بنابراین <تفقد الطير>; یعنی، از حال پرندگان جویا شد.

بال پرندگان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۳۸ – ۲

۲ پرواز پرندگان در فضا با دو بال

و لا طئر یطیر بجناحیه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – ملک – ۶۷ – ۱۹ – ۳

۳ – باز و بسته شدن بال های پرندگان بر فراز زمین ، از برجسته ترین جلوه های قدرت و رحمانیت خداوند

أولم یروا إلی

الطیر . .. ما یمسکهنّ إلاّ الرحمن

برداشت یاد شده، از اختصاص به ذکر یافتن <باز و بسته شدن بال های پرندگان در فضا> به دست می آید.

پرندگان سلیمان(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۱۷ – ۱

۱ – سلیمان (ع) ، دارای سپاهی متشکل از نیرو های جن ، انسان و پرندگان

و حشر لسلیمن جنوده من الجنّ و الإنس و الطیر

پرواز پرندگان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۳۸ – ۲

۲ پرواز پرندگان در فضا با دو بال

و لا طئر یطیر بجناحیه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۷۹ – ۴،۷

۴- پرواز پرندگان در جوّ آسمان بدون سقوط بر زمین ، از نشانه های قدرت خداوند است .

ألم یروا إلی الطیر مسخّرت فی جوّ السّماء ما یمسکهنّ إلاّ الله

۷- در پرواز پرندگان و حرکت اجرام آسمانی ، آیات بسیاری بر عظمت و قدرت خداوند وجود دارد .

ألم یروا إلی الطیر . .. ما یمسکهنّ إلاّ الله إن فی ذلک لأیت لقوم یؤمنون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – ملک – ۶۷ – ۱۹ – ۲،۳،۵،۷

۲ – پرواز طیور و پرندگان در فضا ، بدون سقوط بر زمین ، از آیات قدرت و جلوه های رحمانیت خداوند

أولم یروا إلی الطیر . .. ما یمسکهنّ إلاّ الرحمن

۳ – باز و بسته شدن بال های پرندگان بر فراز زمین ، از برجسته ترین جلوه های قدرت و رحمانیت خداوند

أولم یروا إلی الطیر . .. ما

يمسكهنّ إلاّ الرحمن

برداشت ياد شده، از اختصاص به ذكر يافتن <باز و بسته شدن بال هاى پرندگان در فضا> به دست مى آيد.

۵ - پرواز پرندگان بر فراز زمين ، دليل و نشانه توانايى خداوند بر عذاب و هلاكت كافران

فكيف كان نكير . أولم يروا إلى الطير ... ما يمسكهنّ إلاّ الرحمن

ذكر پرواز پرندگان به عنوان نشانه قدرت خداى رحمان پس از يادآورى كيفر و عذاب كافران پيشين مى تواند به منظور ارائه نمونه و جلوه اى از قدرت همه جانبه خداوند در جهان باشد.

۷ - پرواز پرندگان بر فراز انسان ها ، جلوه آگاهى و بينايى مطلق خداوند

أولم يروا إلى الطير . ..إنّه بكلّ شىء بصير

تسبيح پرندگان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۷۹ - ۶،۹

۶- كوه ها و پرندگان ، به تسخير الهى همراه با داوود (ع) به تسبيح خدا مى پرداختند .

و سخّرنا مع داود الجبال يسبّحن و الطير

۹- هم آوايى موجودات طبيعت (كوه ها ، پرندگان و . . .) با پيامبران در تسبيح خداوند

و سخّرنا مع داود الجبال يسبّحن والطير و كنّا فعلين

تعبير <كنّا فاعلين> (ما در گذشته اين كار را انجام مى داديم) براى بيان اين حقيقت است كه كوه ها و پرندگان تنها با داوود و سليمان هم آوا نشدند; بلكه پيش از اين نيز با پيامبران الهى هم آوا بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۰ - ۷،۸،۱۰

۷ - فرمان خداوند به پرندگان ، براى هم صدايى با داوود (ع) در

تسبیح گویی

و لقد ءاتینا داود منّا فضلاً . .. و الطیر

بنابراین احتمال که نصب <الطیر> به خاطر منادا بودن باشد، نکته یاد شده به دست می آید. لازم به ذکر است که با احتمال یاد شده، <الطیر> عطف به محل <جبال> خواهد بود.

۸ - هم صدایی پرندگان با داوود (ع) در تسبیح گویی خداوند ، فضیلتی اعطا شده از جانب خدا به او

و لقد ءاتینا داود منّا فضلاً . .. و الطیر

۱۰ - هم آوایی کوه ها به همراهی پرندگان با داوود (ع) در تسبیح گویی خداوند

و لقد ءاتینا داود منّا فضلاً یجبال أوّبی معه و الطیر

برداشت یاد شده بنابراین احتمال است که <الطیر> عطف به ضمیر مجرور <معه> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۹ - ۲،۴

۲ - تمامی پرندگان به خاطر تسبیح داوود (ع) ، پیوسته به او مراجعه می کردند و با ایشان به تسبیح می پرداختند .

و الطیر محشوره کلّ له أوّاب

برداشت یاد شده مبتنی بر این دیدگاه است که لام در <له> برای تعلیل و ضمیر آن به داوود بازگردد و نیز با توجه به این نکته است که آیه شریفه عطف بر آیه قبل بوده و در آن سخن از تسبیح کوه ها با داوود(ع) به میان آمده است. قهراً مقصود از رجوع بسیار پرندگان به آن حضرت (له أوّاب) رفت و آمد بسیار با ایشان، برای همراهی با او جهت تسبیح خواهد بود.

۴ - تمامی کوه ها و پرندگان به خاطر تسبیح داوود (ع) همراه او به تسبیح می پرداختند .

إنّا

سخّرنا الجبال معه يسبّحن . .. و الطير محشوره كلّ له أوّاب

برداشت ياد شده بر پايه اين احتمال است كه واژه <كلّ> شامل <جبال> (كوه ها) هم بشود.

تسخير پرندگان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۹ - ۱،۳

۱ - پرندگان با زندگى دسته جمعى خود ، مسخر و رام خدا هستند .

إنّا سخّرنا الجبال . .. و الطير محشوره

<و الطير> عطف بر <الجبال> و عامل آن فعل <سخّرنا> است. <محشوره> نيز به معناى <مجتمعه> (دسته جمعى) و حال براى <طير> است.

۳ - تمامى پرندگان در خدمت داوود (ع) و در رفت و آمد بسيار ، با ايشان بودند .

و الطير محشوره كلّ له أوّاب

برداشت ياد شده بر اين اساس استوار است كه اوّاب بودن پرندگان براى تسبيح با داوود(ع) نباشد; بلكه اين رجوع و بازگشت مكرر و پيوسته، صرفاً به خاطر در خدمت او بودن باشد.

تعبير رؤياى خوردن پرندگان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۴۱ - ۳

۳ يوسف (ع) ، رؤياى حمل نان و خوردن پرندگان از آن را ، به دار كشيده شدن صاحب رؤيا و خوردن پرندگان از سر او تفسير كرد .

و أما الأخر فيصلب فتأكل الطير من رأسه

<صلب> (مصدر يصلب) يعنى ، كشتن به طريق بستن به چوبه دار

تكلم پرندگان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – نمل – ۲۷ – ۱۶ – ۳،۵

۳ – آگاهی داوود و سلیمان (ع) به زبان پرندگان

و قال یأیّها الناس علّمنا منطق الطیر

۵ – آگاهی به

گفتار پرندگان ، موهبتی الهی به داوود و سلیمان

و لقد ءاتینا داود و سلیمن علمًا . .. و قال یأیّها الناس علّمنا منطق الطیر

حشر اخروی پرندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۸ - ۸

۸ تمامی جنبندگان زمین و پرندگان آسمان، مانند انسان، در قیامت برانگیخته می شوند.

ثم إلی ربهم یحشرون

خداشناسی پرندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۹ - ۶

۶ - پرندگان ، دارای نوعی شعور و شناخت نسبت به انسان و خدا

و الطیر محشوره کلّ له أوّاب

ذبح پرندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۶۰ - ۱۵،۱۶

۱۵ امر خداوند به ابراهیم (ع) ، درباره مأنوس ساختن پرندگانی که مأمور ذبح آنها گردیده بود با خویش *

فصرهنّ الیک

متعدی شدن کلمه <فصرهنّ> به <الی> نشانگر این است که آن کلمه، متضمن معنای <املهن> است ; یعنی آنها را به خود متمایل ساز که لازمه آن، انس گرفتن پرندگان با ابراهیم (ع) است. بر این اساس، کُشتن پرندگان و مخلوط کردن آنها از جمله <ثمّ اجعل علی کلّ جبل منهنّ جزءاً> معلوم می شود.

۱۶ بازگشت پرندگان ذبح شده به جانب ابراهیم (ع) ، پس از فراخوانی آنها

ثمّ ادعهنّ يأتينك سعياً

رؤيای خوردن پرندگان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۳۶ - ۵

۵ حمل نان بر بالای سر و خوردن پرندگان از آن ، رؤيای يكی ديگر از هم بندان يوسف (ع)

و قال

الأخر إنی أرینی أحمل فوق رأسی خبزًا تأکل الطیر منه

<طیر> جمع طائر و به معنای پرندگان است.

زندگی جمعی پرندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۸ - ۱

۱ تمامی جنبدگان زمینی و پرندگان آسمان، مانند آدمیان، به صورت امت زندگی می کنند.

و ما من دابه فی الأرض و لا طئر یطیر بجناحیه إلا أمم أمثالکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۹ - ۱

۱ - پرندگان با زندگی دسته جمعی خود ، مسخر و رام خدا هستند .

إنّا سخّرنا الجبال . .. و الطیر محشوره

<و الطیر> عطف بر <الجبال> و عامل آن فعل <سخّرنا> است. <محشوره> نیز به معنای <مجتمعه> (دسته جمعی) و حال برای <طیر> است.

شعور پرندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۹ - ۷

۷- طبیعت (کوه ها ، پرندگان و . . .) دارای نوعی شعور و آگاهی به خداوند

الجبال یسبّحن و الطیر

هم آوا شدن کوه ها و پرندگان با داوود(ع) در تسبیح خداوند، می تواند گویای حقیقت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۱۹ – ۶

۶ – پرندگان ، دارای نوعی شعور و شناخت نسبت به انسان و خدا

و الطیر محشوره کلّ له أوّاب

شگفتی پرواز پرندگان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۴۱ – ۸

۸ – پرواز پرندگان بال گشاده و بدون بال زدن ، از شگفتی های آفرینش است .

و الطیر

صفّت

برداشت یاد شده از تخصیص به ذکر یافتن پرندگانی که بدون بال زدن پرواز می کنند از دیگر موجودات زنده، استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملك - ۶۷ - ۱۹ - ۱

۱ - پرواز پرندگان در فضا و بر فراز انسان ها ، از شگفتی های آفرینش

أولم یروا إلی الطیر فوقهم صفّت و یقبضن

کیفیت تسبیح پرندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۴۱ - ۷

۷ - پرندگانی که بدون بال زدن پرواز می کنند ، تسبیح گوی خدا و معترف به مبرا بودن او و از هر گونه نقص و عیب اند .

أنّ اللّه له من . .. و الطیر صفّت

<صافّات> حال برای <الطیر> می باشد و <الطیر الصواف> به معنای پرندگان بال گشوده و بدون تحرك است (لسان العرب) و مقصود از آن، پرواز پرندگان در هوا بدون بال زدن است.

گوشت پرندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲۱ - ۱،۲

۱ - وجود گوشت انواع پرندگان در بهشت پیشتازان (سابقون)

و لحم طیر ممّا یشتهون

<طیر> (پرنده) جنس است و شامل انواع پرندگان می شود. <ممّایشتهون> (آنچه دلشان می خواهد) تأکید بر همین معنا است.

۲ - جوانان خدمت گذار ، پذیرایی کننده پیشتازان (سابقون) در بهشت باگوشت انواع پرندگان دلخواه

و لحم طیر ممّا یشتهون

<لحم طیر> عطف بر <أکواب> است; یعنی، <و یطوف علیهم ولدان مخلدون بلحم طیر>.

محافظ پرندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۹ - ۶

۶- حرکت

پرندگان ، همواره متکی به قدرت و حفاظت خداوند است .

ألم یروا إلی الطیر . .. ما یمسکهنّ إلاّ الله

مطالعه پرواز پرندگان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۷۹ – ۱،۲

۱- لزوم اندیشیدن انسان ها در کیفیت پرواز پرندگان در جو آسمان و قوانین حاکم بر آن

ألم یروا إلی الطیر مسخّرت فی جوّ السّماء

<رؤیت> که به معنای دیدن با چشم است، هر گاه با <إلی> متعدی شود، متضمن معنای نظر و دقت می شود.

۲- دقت و اندیشه در کیفیت پرواز پرندگان ، از راه های خداشناسی

ألم یروا إلی الطیر مسخّرت فی جوّ السّماء ما یمسکهنّ إلاّ الله

منشأ پرواز پرندگان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۷۹ – ۶

۶- حرکت پرندگان ، همواره متکی به قدرت و حفاظت خداوند است .

ألم یروا إلی الطیر . .. ما یمسکهنّ إلاّ الله

منشأ تسخیر پرندگان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۱۰ – ۶،۷،۹

۶ – خداوند ، تسخیرکننده پرندگان برای داوود (ع)

و لقد ءاتینا داود منّا فضلًا . .. و الطیر

بنـابراین که <الطیر> عطف به <فضـلًا> باشـد، <ایتـای طیر> به داوود(ع) به معنـای مسـخر بودن پرنـدگان برای داوود(ع) خواهد بود.

۷ - فرمان خداوند به پرندگان ، برای هم صدایی با داوود (ع) در تسبیح گویی

و لقد ءاتینا داود منّا فضلاً . .. و الطیر

بنابراین احتمال که نصب <الطیر> به خاطر منادا بودن باشـد، نکته یاد شـده به دست می آید. لازم به ذکر است که با احتمال یاد

شده، <الطیر> عطف به محل <جبال> خواهد بود.

۹ - مسخر بودن پرندگان برای داوود (ع) ، فضیلتی اعطایی از جانب خدا به آن حضرت

و لقد ءاتینا داود منّا فضلاً . .. و الطیر

نقش پرندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فیل - ۱۰۵ - ۳ - ۴

۴ - شکست دشمنان قوی پنجه و آشفته ساختن نقشه های آنان ، به وسیله پرندگانی کوچک و ضعیف ، نشانه قدرت خداوند و سزاوار تأمل و اندیشه

ألم تر کیف فعل ربّک . .. ألم یجعل کیدهم فی تضلیل . و أرسل علیهم طیرًا أبابیل

جمله <و أرسل علیهم. ..>، هجوم پرندگان را مصداق مطالبی قرار داده که در آیات قبل آمده بود.

ویژگیهای تکلم پرندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۱۶ - ۴

۴ - پرندگان ، دارای نطق و گفتاری خاص

علّمنا منطق الطیر

هجوم پرندگان بر اصحاب فیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فیل - ۱۰۵ - ۳ - ۱

۱ - خداوند ، پرندگانی فراوان و ناشناخته را بر اصحاب فیل ، حملهور ساخت و آنها گروه گروه و پیاپی بر آنان هجوم بردند .

و أرسل علیهم طیرًا أبابیل

نکره آمدن <طیراً> (اسم جمع <طائر>) بر ناشناخته بودن آنها دلالت دارد. توصیف آن به <أبابیل> که یا به معنای دسته دسته و یا پی درپی است (قاموس) بیانگر آن است که یورش پرندگان بر اصحاب فیل، تدریجی بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فیل - ۱۰۵ - ۵ - ۲

- ۲

تأثیر هجوم پرندگان به اصحاب فیل ، به دست خداوند و مستند به او است .

ترمیهم . .. فجعلهم کعصف مأکول

فاعل <ترمیهم>، پرندگان و فاعل <جعلهم>، خداوند است; یعنی، کار از آنها و اثر از خداوند بود.

هم آوایی پرندگان با داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۱۰ - ۷،۸،۱۰

۷ - فرمان خداوند به پرندگان ، برای هم صدایی با داوود (ع) در تسبیح گویی

و لقد ءاتینا داود منّا فضلاً . .. و الطیر

بنابراین احتمال که نصب <الطیر> به خاطر منادا بودن باشد، نکته یاد شده به دست می آید. لازم به ذکر است که با احتمال یاد شده، <الطیر> عطف به محل <جبال> خواهد بود.

۸ - هم صدایی پرندگان با داوود (ع) در تسبیح گویی خداوند ، فضیلتی اعطا شده از جانب خدا به او

و لقد ءاتینا داود منّا فضلاً . .. و الطیر

۱۰ - هم آوایی کوه ها به همراهی پرندگان با داوود (ع) در تسبیح گویی خداوند

و لقد ءاتینا داود منّا فضلاً یجبال أوّبی معه و الطیر

برداشت یاد شده بنابراین احتمال است که <الطیر> عطف به ضمیر مجرور <معه> باشد.

پسر از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

پسر

افساد پسر نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۶ - ۱،۳،۴،۵،۶

۱ فرزند ناخلف حضرت نوح ، انسانی ناصالح و فسادپیشه بود .

إنه عمل غیر صلح

۳ فسادپیشگی فرزند نوح ، موجب محسوب نشدن وی از خانواده نوح (ع) در پیشگاه خداوند

إنه لیس من أهلك إنه عمل غیر صلح

جمله <إنه عمل . ..> علت برای <إنه لیس

من أهلك> می باشد; یعنی ، چون فرزندت دارای عمل ناشایست است ، ما او را از خانواده تو به حساب نمی آوریم.

۴ فسادپیشگی فرزند نوح ، موجب هلاکت وی در حادثه طوفان

فکان من المغرقین . .. إنه لیس من أهلك إنه عمل غیر صلح

۵ نوح (ع) ، ناآگاه به تباهی و فساد بی حد فرزند ناخلف خویش

إنه عمل غیر صلح

۶ نوح (ع) ناآگاه به گسستن پیوند فرزندی کنعان با او بر اثر اعمال ناشایستش

إن ابنی من أهلی . .. إنه لیس من أهلك

امدادهای پسر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۲ - ۱۶

۱۶- < عن أبی عبدالله (ع) عن قول الله < و جعل لکم من أزواجکم بنین و حفده > قال : هم الحفده و هم العون منهم یعنی البنین ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که درباره قول خدا <و جعل لکم من أزواجکم بنین و حفده> فرمود: حفده پسرانی اند که کمک انسان می باشند>.

برتری پسر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۴۹ - ۳،۴

۳ - برتری پسر بر دختر در دیدگاه مشرکان صدراسلام

ألربّك البنات و لهم البنون

برداشت یاد شده با توجه به این نکته تاریخی است که مشرکان، فرزند پسر را بر دختر ترجیح می دادند; ولی در عین حال معتقد بودند که خداوند دختر را برگزیده است. از این رو خداوند چنین طرز تفکری را محکوم کرده است.

۴ – انتساب دختر به خدا ، در عین عقیده به برتر بودن پسر بر دختر ، عملی

نابخردانه و به دور از منطق

فاستفتهم ألربّكَ البنات و لهم البنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۹ - ۶

۶ - برتری پسران و مردان بر دختران و زنان ، اندیشه ای پوچ و فاقد دلیل و برهان قطعی و روشن

فلیأت مستمعهم بسلطن مبین . أم له البنت و لکم البنون

یادآوری برتر دانستن پسر بر دختر از سوی مشرکان، پس از بیان پوچی و بی پایگی عقاید آنان، می تواند گویای برداشت یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۲۱ - ۲

۲ - مزیت پسران بر دختران ، از عقاید عرب جاهلی

ألکم الذّکر و له الأُنثی

بشارت پسر عالم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۸ - ۷،۱۱

۷ - بشارت میهمانان ابراهیم (ع) ، به آن حضرت در مورد اعطای پسری دانا به ایشان

و بشّروه بغلم علیم

۱۱ - داشتن فرزند دانا و دانشمند ، از نعمت های الهی و شایسته بشارت و شادمانی

و بشّروه بغلم علیم

برداشت یاد شده، به خاطر این نکته است که واژه <بشارت> در جایی به کار می رود که خیر و نعمت باشد.

بی تأثیری پسر در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۶ - ۴

۴ - فرزندان ، حتی پسران ، در قیامت سودی به پدر و مادر نخواهند رساند .

و بنیه

<بنیه> گر چه تنها شامل پسران است; ولی یاد نکردن از دختران به دلیل وضوح یکسانی آنها با پسران یا کمتر بودن

انتظار یاری رسانی آنان است. فرار پدران از فرزندان، فرار مادر از آنان را نیز در مفهوم خود دارد. گفتنی است: در فرار پدر و مادر از فرزندان، سودمند نبودن هر یک برای دیگری، نهفته است.

بینش پسر نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۳ - ۲

۲ فرزند نوح ، مأوا گرفتن در کوه را مایه نجات از حادثه طوفان می پنداشت .

قال سأوی إلی جبل یعصمنی من الماء

<اُویّ> (مصدر آوی) به معنای رجوع کردن و منضم شدن و جای گرفتن است و <عصمه> (مصدر یعصم) به معنای منع کردن و بازداشتن است. بنابراین <سأوی ...>; یعنی ، به زودی به کوهی می روم که مرا از [خطر] این آب باز دارد.

پسر ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۱ - ۸

۸ خداوند ، فرزند ابراهیم و همسرش ساره را پیش از تولدش اسحاق نامید . *

فبشّرنها بإسحق

ظاهر جمله <فبشرناها بإسحاق . .. یعقوب> این است که فرشتگان، نام اسحاق و یعقوب را نیز در بشارت آورده باشند.

پسر رضاعی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۳ - ۷

۷ جواز ازدواج با همسرِ پسر خوانده و یا پسر رضاعی

حرّمت . .. و حلائل ابنائکم الّذین من اصلابکم

پسر زکریا(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۷ – ۲

۲– خداوند زکریا را بشارت داد که به او پسری عطا خواهد کرد .

یزکریا إنّا نبشّرک بغلم

جلد – نام سوره –

سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۱۴ – ۱۱

۱۱– حضرت یحیی (ع) ، فرزند دلخواه زکریا (ع) و دارای اخلاق و رفتاری رضایت بخش

و کان تقیًّا . و برًّا بولدیه و لم یکن جبّارًا عصیًّا

برشمردن ویژگی های یحیی پس از بیان دعاهای زکریا که در آن آمده بود: <واجعله ربّ رضیّاً>، می تواند گویای مطابقت اوصاف یحیی، با خواسته زکریا باشد.

پسر ساره

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۷۱ – ۷،۸

۷ خداوند ، همسر ابراهیم را به دارا شدن فرزند پسری بشارت داد .

فبشّرنها بإسحق

۸ خداوند ، فرزند ابراهیم و همسرش ساره را پیش از تولدش اسحاق نامید . *

فبشّرنها بإسحق

ظاهر جمله <فبشرناها بإسحاق . .. یعقوب> این است که فرشتگان، نام اسحاق و یعقوب را نیز در بشارت آورده باشند.

پسر لقمان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۱۳ – ۵

۵ – توصیه به اجتناب از شرک ، مهم ترین نصیحت لقمان به پسر خویش بود .

و إذ قال لقمن لإبنه و هو یعظه یبنیّ لاتشرک باللّه

از آن جایی که نهی <لاتشرک> نخستین توصیه از وصایای لقمان به فرزندش است، استفاده می شود که آن، مهم ترین است.

پسر نوح(ع) قبل از طوفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۲ - ۱۱

۱۱ فرزند نوح ، تا زمان حادثه طوفان نه در صف مؤمنان بود و نه در زمره کافران . *

نادی نوح ابنه و کان فی معزل یبنیّ ارکب

معنا و لاتکن مع الکفرین

برخی برآننـد که مراد از کنار بودن فرزند نوح (و کان فی معزل)، کنارگیری وی از صف مؤمنانو جبهه کافران است; یعنی، نه ایمان آورده بود ، و نه اظهار تکذیب می کرد.

پسر نوح(ع) و ایمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۲ - ۹

۹ نوح (ع) به ایمان آوردن فرزندش امیدوار بود و آن را محتمل می شمرد .

یبنیّ ارکب معنا و لاتکن مع الکفرین

پسر نوح(ع) و کشتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۲ - ۵،۶

۵ فرزند نوح ، به هنگام حرکت کشتی ، با فاصله ای نسبتاً دور از کشتی بسر می برد .

و نادی نوح ابنه و کان فی معزل

متعلق <معزل> أبیه و یـا الفلك می باشـد. بنابراین <و کان ...>; یعنی ، فرزنـد نوح در کناری و به دور از پـدرش یا کشتی بسر می برد.

۶ فرزند نوح ، علی رغم مشاهده دریایی از آب خروشان ، از همراهی با نوح (ع) و سوار شدن بر کشتی نجات ، کناره گرفت .

و هی تجری بهم فی موج کالجبال و نادی نوح ابنه و کان فی معزل

وقوع جمله <و نادی نوح> پس از <هی تجری بهم . ..> گویای این است که گفتوگوی حضـرت نوح(ع) با فرزنـدش، پس از بالا آمدن آب و حرکت کشتی بوده است جمله و <حال بینهما الموج> در آیه بعد مؤید این معنا می باشد. قابل ذکر است که برخی از مفسران، جمله <نادی نوح ...> را عطف

بر <قال ارکبوا ...> دانسته و گفته اند: گفتوگوی یاد شده، پیش از حادثه طوفان و بالا آمدن آب بوده است.

پسر نوح(ع) هنگام طوفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۲ - ۶

۶ فرزند نوح ، علی رغم مشاهده دریایی از آب خروشان ، از همراهی با نوح (ع) و سوار شدن بر کشتی نجات ، کناره گرفت .

و هی تجری بهم فی موج کالجبال و نادی نوح ابنه و کان فی معزل

وقوع جمله <و نادی نوح> پس از <هی تجری بهم . ..> گویای این است که گفتوگوی حضرت نوح(ع) با فرزندش، پس از بالا آمدن آب و حرکت کشتی بوده است جمله و <حال بینهما الموج> در آیه بعد مؤید این معنا می باشد. قابل ذکر است که برخی از مفسران، جمله <نادی نوح ...> را عطف بر <قال ارکبوا ...> دانسته و گفته اند: گفتوگوی یاد شده، پیش از حادثه طوفان و بالا آمدن آب بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۳ - ۱۱

۱۱ امواج سهمگین طوفان ، فرزند نوح را پیش از آنکه به کوهی پناه برد ، در خود فرو برد و هلاک کرد .

و حال بینهما الموج فکان من المغرقین

پناهگاه پسر نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۳ - ۱۳

۱۳ < صفوان بن مهران الجمّال عن الصادق جعفربن محمد علیه السلام قال : سار و أنا معه فی القادسیه حتی أشرف علی النجف فقال

: هو الجبل الذى اعتصم به إبن جدّى نوح علیه السلام فقال : < سآوى إلى جبل یعصمنى من الماء > . . . فغار فى الأرض . . . ;

صفوان بن مهران جمّال از امام صادق(ع) نقل می کند و می گوید: من با امام صادق(ع) در سرزمین قادسیه همراه بودم تا به نجف نزدیک شد; پس فرمود: نجف جای کوهی است که فرزند جدّم نوح به آن پناهنده شد و گفت: <سآوى إلى جبل یعصمنى من الماء> . .. پس آن کوه در زمین فرو رفت...>.

پناهندگی پسر نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۳ - ۲،۴

۲ فرزند نوح ، مأوا گرفتن در کوه را مایه نجات از حادثه طوفان می پنداشت .

قال سأوى إلى جبل یعصمنى من الماء

<اُوِىّ> (مصدر آوى) به معنای رجوع کردن و منضم شدن و جای گرفتن است و <عصمه> (مصدر یعصم) به معنای منع کردن و بازداشتن است. بنابراین <سأوى ...>; یعنی ، به زودی به کوهی می روم که مرا از [خطر] این آب باز دارد.

۴ نوح (ع) ، فرزندش را از بی ثمربودن صعود بر کوه و منحصر بودن راه نجات در بهره جستن از امداد الهی ، آگاه ساخت .

لاعاصم الیوم من أمر الله إلاّ من رحم

خدا و پسر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۰ - ۵

۵ برخی مشرکان خداوند را دارای پسران و دخترانی می پنداشتند.

و خرقوا له بنین و بنت بغیر علم

خواستگاری از پسر

جلد - نام سوره - سوره -

آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۷ - ۳

۳ - روا بودن خواستگاری ولیّ دختر (پدر ، جد و . . .) از پسر

قال إنّی أُرید أن أُنکحک إحدی ابنتیّ هتین

دعوت از پسر نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۲ - ۷،۸

۷ نوح (ع) با فریادی رسا و بلند ، فرزندش را برای سوار شدن به کشتی فرا خواند .

نادی نوح ابنه و کان فی معزل یبنیّ ارکب معنا

<نداء> بلند کردن صدا و ابراز کردن آن است (مفردات راغب).

۸ نوح (ع) در آستان غرق شدن فرزندش ، وی را به ایمان و یکتاپرستی دعوت کرد .

یبنیّ ارکب معنا و لاتکن مع الکفرین

مراداز <مَعَنا> همراهیو معیت عقیدتی است نه جسمانی; زیرا جمله <ارکب> در دلالت بر همراهی و معیت جسمانی کافی بود. بنابراین اگر مراد از <مَعَنا> مجرد همراهی با نوح و پیروان او باشد، آوردن کلمه <مَعَنا> ضرورتی نداشت. جمله <و لاتکن ...> مؤید این معناست.

سهم ارث پسر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۱۱ - ۲،۸،۹،۱۰

۲ سهم ارث پسر ، دو برابر سهم دختر است .

یوصیکم اللّه فی اولادکم للذّکر مثل حظّ الانثیین

۸ در صورتی که میّت تنها یک پسر داشته باشد ، سهم ارث وی تمام مال بجا مانده است .

للذّکر مثل حظّ الانثیین . .. و ان کانت واحده فلها النّصف

چون سهم یک دختر نصف مال است به مقتضای <للذکر . .. > سهم یک پسر دو برابر آن، یعنی تمام ماترک خواهد

بود.

۹ سهم ارث پسران متعدد به طور مساوی بین آنها تقسیم می شود .

للذّکر مثل حظّ الانثیین

لازمه اینکه سهم هر پسر دو برابر یک دختر باشد این است که پسران به طور مساوی سهم ببرند.

۱۰ سهم ارث یک پسر با چند پسر تفاوتی ندارد .

للذّکر مثل حظّ الانثیین فان کنّ نساء . .. فلهنّ ثلثا ما ترک و ان کانت واحده فلها

بیان تفاوت سهم ارث در فرض وجود یک دختر (فلهما النصف) با فرض وجود چند دختر (فان کنّ نساءً) و نپرداختن به چنین فروضی درباره سهم ارث پسران، اشاره به برداشت فوق دارد.

شفاعت از پسر نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۵ - ۱

۱ نوح (ع) در پی حایل شدن امواج آب میان او و فرزندش ، با شفاعت به درگاه خدا ، خواستار نجات وی شد .

و حال بینهما الموج . .. و نادی نوح ربه فقال رب إن ابنی من أهلی

جمله <فلاتسئلن> (در آیه چهل و ششم) حاکی است که: نوح(ع) خواستار نجات فرزندش از غرق شدن بود. براین اساس دعا و التجای آن حضرت پیش از غرق شدن فرزندش بود و لذا برخی از مفسران جمله <نادی نوح ربه ...> را بر <حال بینهما الموج> عطف گرفته اند.

عصیان پسر نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۳ - ۱

۱ پسر نوح ، دعوت او را (گرایش به توحید و . . .) نپذیرفت و از سوار$ شدن بر کشتی امتناع کرد .

یبنیّ ارکب معنا و لاتکن

مع الكفرين. قال سأوى إلى جبل يعصمنى من الماء

شدن بر کشتی امتناع کرد.

علاقه به پسر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۵۷ - ۸

۸- داشتن پسر ، مورد خوشایند مشرکان و دختر داشتن ، ناخوشایند آنان بود .

و يجعلون لله البنت . .. و لهم ما يشتهون

به قرینه مقابله، احتمال دارد مراد از <ما> فرزند پسر باشد. مشرکان با اسناد دادن دختر به خداوند، درصدد تنقیص او بودند و این، حاکی از نفرت آنان از دختر داشتن است.

عوامل محرومیت پسر نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۶ - ۳

۳ فسادپیشگی فرزند نوح ، موجب محسوب نشدن وی از خانواده نوح (ع) در پیشگاه خداوند

إنه ليس من أهلك إنه عمل غير صلح

جمله <إنه عمل . ..> علت برای <إنه ليس من أهلك> می باشد; یعنی ، چون فرزندت دارای عمل ناشایست است ، ما او را از خانواده تو به حساب نمی آوریم.

عوامل هلاکت پسر نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۶ - ۴

۴ فسادپیشگی فرزند نوح ، موجب هلاکت وی در حادثه طوفان

فكان من المغرقين . .. إنه ليس من أهلك إنه عمل غير صلح

غرق پسر نوح(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۴۰ – ۱۴

۱۴ تقدیر الهی بر غرق شدن و هلاک گشتن برخی از افراد خانواده نوح

و أهلك إلاّ من سبق علیه القول

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ –

هود - ۱۱ - ۴۳ - ۱۱

۱۱ امواج سهمگین طوفان ، فرزند نوح را پیش از آنکه به کوهی پناه برد ، در خود فرو برد و هلاک کرد .

و حال بینهما الموج فکان من المغرقین

فرار از پسر در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۳۶ - ۲

۲ - پدران در قیامت ، با فرار از پسران خویش ، خود را از آنها دور ساخته ، آنان را تنها خواهند گذاشت .

و بنیه

کفر پسر نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۰ - ۱۲

۱۲ برخی از افراد خانواده نوح (همسر و فرزندش) در زمره کافران و تکذیب کنندگان رسالت او بودند . *

و أهلك إلّا من سبق علیه القول

<ال> در <القول> عهد ذکری و یا ذهنی است و اشاره به جمله <لاتخاطبنی فی الذین ظلموا إنهم مغرقون/۳۷> دارد. بنابراین <إلّا من ...>; یعنی، مگر آن کس که از پیش به خاطر کفر و ظلمش، حکم غرق شدن را برای او مقدر ساخته ایم. مفسران برآنند که مراد از <من سبق> همسرنوح به نام <واعله> و فرزندش به نام <یام> و یا <کنعان> است.

کوه پسر نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۳ - ۱۳

۱۳ < صفوان بن مهران الجمّال عن الصادق جعفربن محمد علیه السلام قال : سار و أنا معه فی القادسیه حتی أشرف علی النجف فقال : هو الجبل الذی اعتصم به إبن جدّی نوح علیه السلام فقال : < سآوی

إلى جبل يعصمنى من الماء > . . . فغار فى الأرض . . . ;

صفوان بن مهران جمّال از امام صادق(ع) نقل مى كنـد و مى گويد: من با امام صادق(ع) در سـرزمين قادسـيه همراه بودم تا به نجف نزديـك شـد; پس فرمود: نجف جاى كوهى است كه فرزنـد جـدّم نوح به آن پناهنـده شـد و گفت: <سآوى إلى جبل يعصمنى من الماء> . .. پس آن كوه در زمين فرو رفت...>.

محرميت پسر شوهر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۱ - ۱۸،۲۵

۱۸ - زنـان مؤمن ، مجـاز به آشـكار سـاختن زينت هـاى خويش (گوشواره ، النگو گردنبنـد و . . .) و مواضع آنها (بـدن) بر شوهر ، پدر ، پدر شوهر و پسران خود هستند .

و لايبدين زينتهنّ إلاّ لبعولتهنّ أو ءابائهنّ أو ءاباءِ بعولتهنّ أو أبنائهنّ

۲۵ - پـدر شوهر ، پسرهمسـر ، پسـر برادر ، پسـر خواهر ، زنـان مؤمن ، بردگـان ، خـدمت كـاران بى ميـل به زن و زنـاشويى و كودكان بى خبر از مسائل جنسى ، از محارم زنان اند .

و لايبدين زينتهنّ إلاّ لبعولتهنّ . .. أو الطفل الذين لم يظهروا على عورت النساء

محروميت پسر نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۶ - ۲

۲ فرزند ناصالح نوح ، در پيشگاه خداوند از خانواده و اهل بيت او محسوب نمى شد .

إنه ليس من أهلك

مخالفت پسر نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۶ - ۲۰

> عن أبی عبدالله (ع) : ان الله عزوجل قال لنوح : یا نوح إنه لیس من أهلک . . . هو إبنه و لکن الله عزوجل نفاه عنه حین خالفه فی دینه ;

از امام صادق(ع) روایت شده است که: خدای عزوجل به حضرت نوح فرمود: <ای نوح آن [پسر] از اهل تو نیست> . .. او پسرش بود ولی خدای عزوجل او را از اهل نوح بودن نفی کرد; زیرا در دین پدرش با او مخالفت کرد>.

مقامات پسر ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۳ - ۳

۳- پسر بشارت داده شده به ابراهیم (ع) دارای عظمت و مقامی والا

نبشّرک بغلم علیم

تنوین تنکیر در <بغلام> برای تفخیم و تعظیم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۸ - ۱۰

۱۰ - پسر بشارت داده شده به ابراهیم (ع) ، دارای عظمت و مقامی والا

و بشّروه بغلم علیم

منشأ خلقت پسر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۹ - ۶

۶ - دختر و یا پسر شدن فرزندان ، متکی به مشیت خداوندی است .

یهب لمن یشاء إنثًا و یهب لمن یشاء الذکور

منشأ فرزند پسر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۵۰ – ۱،۴،۸

۱ – بهره مندی انسان از فرزندان دختر و پسر و یا محرومیت وی از آنان بنا به خواست و مشیت خداوند است .

أو یزوّجهم ذکرانًا و إنثًا و یجعل من یشاء عقیمًا

– ۴

خداوند ، براساس علم و آگاهی خویش ، به گروهی پسر و به گروهی دیگر دختر و یا به جمعی پسر و دختر می دهد و برخی را عقیم و نازا می گرداند .

یهب لمن یشاء . .. أو یزوّجهم ... إنّه علیم قدیر

<تزویج> در <أو یزوّجهم> به معنای توأم با یکدیگر قرار دادن است; یعنی، خداوند به برخی تنها دختر می دهد و به بعضی تنها پسر عطا می کند و برخی را هم پسر و هم دختر می بخشد و برخی دیگر را نازا کرده; نه پسر می دهد و نه دختر.

۸ - < عن أبی جعفر (ع) فی قوله . . . < أو یزوّجهم ذکراناً و إناثاً > جمیعاً یجمع له البنین و البنات یهبهم جمیعاً لواحد ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند. .. <أو یزوّجهم ذکراناً و إناثاً> روایت شده که فرمود (مراد از آیه این است) که خداوند فرزندان پسر و دختر را باهم به یک خانواده می بخشد>.

ناخشنودی از فرزند پسر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۹ - ۸

۸ - ناخرسندی از داشتن فرزند دختر یا پسر ، کفران نعمت الهی و ناخرسندی از مشیت و موهبت او است .

فإنّ الإنسن کفور . .. یهب لمن یشاء إنثًا و یهب لمن یشاء الذکور

نامگذاری پسر زکریا(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷ - ۴

۴ - < یحیی > ، نامی تعیین شده از سوی خدا برای فرزند زکریا

اسمه یحیی لم نجعل له من قبل سمیًّا

نجات پسر

نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۶ - ۷،۹،۱۰

۷ نوح (ع) به حکیمانه نبودن نجات فرزند فسادپیشه اش ، از حادثه طوفان آگاه نبود .

فلاتسئلن ما لیس لک به علم

۹ خداوند ، نوح (ع) را از درخواست نجات فرزندش ، برحذر داشت .

فلاتسئلن ما لیس لک به علم

چون مفعول دوم <فلاتسئلن> یعنی، <ما لیس . ..> بدون حرف <عن> آمده است، مقصود از سؤال، درخواست و مطالبه است نه پرسش و جستوجو. بنابراین <فلاتسئلن>; یعنی، از من مخواه و درخواست نکن .... مصداق مورد نظر برای <مالیس ...> نجات فرزند نوح می باشد.

۱۰ نجات فرزند فسادپیشه نوح از حادثه طوفان ، امری خلاف حکمت و مصلحت در نزد خداوند

فلاتسئلن ما لیس لک به علم

<به> متعلق به <علم> است و مراد از آن <بمصلحته و حکمته و صوابه> می باشد. بنابراین <فلاتسئلن ما لیس ...>; یعنی ، درخواستی را که نمی دانی درست است و یا مطابق مصلحت و حکمت است ، از من مخواه.

نعمت پسر عالم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۲۸ - ۱۱

۱۱ - داشتن فرزند دانا و دانشمند ، از نعمت های الهی و شایسته بشارت و شادمانی

و بشّروه بغلم علیم

برداشت یاد شده، به خاطر این نکته است که واژه <بشارت> در جایی به کار می رود که خیر و نعمت باشد.

نفی پسر برای محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۴۰ - ۱

۱ - پیامبراکرم (ص)

صاحب فرزند پسری که به دوران بزرگ سالی رسیده باشد ، نبوده است .

ما کان محمّد أبا أحد من رجالکم

بنابراین احتمال که فراز <ما کان محمّد أبا أحد من رجالکم> جمله احترازی باشد در مقابل دیدگاه کسانی که به دلیل پسر خواندگی زید برای پیامبر(ص) ازدواج آن حضرت را با مطلّقه زید ناروا می دانستند. آیه درصدد تبیین این نکته است که پیامر(ص) پدر هیچ مردی نیست تا چنین اشکالی مطرح شود و در نتیجه، زید پسر رسول اللّه نیست تا آن ازدواج ناروا باشد.

نقش پسر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۵۵ - ۳

۳ - ثروت و فرزندان ذکور ، دو ملاک برای ارزیابی موقعیت انسان در پیشگاه خدا در دیدگاه مشرکان عصر بعثت

أیحسبون أنّما نمدّهم به من مال و بنین

نوح(ع) و پسر نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۳ - ۴،۱۰

۴ نوح (ع) ، فرزندش را از بی ثمربودن صعود بر کوه و منحصر بودن راه نجات در بهره جستن از امداد الهی ، آگاه ساخت .

لاعاصم الیوم من أمر الله إلاّ من رحم

۱۰ موجهایی کوه پیکر ، میان نوح (ع) و فرزندش حایل شد و مانع ادامه گفتوگوی آنان با یکدیگر گردید .

قال لا عاصم الیوم من أمر الله . .. و حال بینهما الموج

<ال> در <الموج> عهد ذکری و اشاره به همان امواج کوه پیکر (موج کالجبال) است.

نوح(ع) و نجات پسر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۵ -

۱،۵،۷

۱ نوح (ع) در پی حایل شدن امواج آب میان او و فرزندش ، با شفاعت به درگاه خدا ، خواستار نجات وی شد .

و حال بینهما الموج . .. و نادی نوح ربه فقال رب إن ابنی من أهلی

جمله <فلاتسئلن> (در آیه چهل و ششم) حاکی است که: نوح(ع) خواستار نجات فرزندش از غرق شدن بود. براین اساس دعا و التجای آن حضرت پیش از غرق شدن فرزندش بود و لذا برخی از مفسران جمله <نادی نوح ربه ...> را بر <حال بینهما الموج> عطف گرفته اند.

۵ نوح (ع) ، براساس وعده خداوند به نجات افراد خانواده اش و التزام خداوند به وعده های خویش ، خواستار نجات فرزندش شد .

إن ابنی من أهلی و إن وعدک الحق

۷ نوح (ع) ، پس از طرح استدلال خویش برای لزوم نجات فرزندش ، حکم و قضاوت آن را به خداوند واگذار کرد .

إن ابنی من أهلی و إن وعدک الحق و أنت أحکم الحکمین

هلاکت پسر نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۰ - ۱۴

۱۴ تقدیر الهی بر غرق شدن و هلاک گشتن برخی از افراد خانواده نوح

و أهلک إلاّ من سبق علیه القول

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۳ - ۱۱

۱۱ امواج سهمگین طوفان ، فرزند نوح را پیش از آنکه به کوهی پناه برد ، در خود فرو برد و هلاک کرد .

و حال بینهما الموج فکان من المغرقین

پسر شوهر

محرمیت پسر شوهر

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۱ - ۱۸،۲۵

۱۸ - زنـان مؤمن ، مجـاز به آشـکار سـاختن زینت هـای خویش (گوشواره ، النگو گردنبنـد و . . .) و مواضع آنها (بـدن) بر شوهر ، پدر ، پدر شوهر و پسران خود هستند .

و لایبدین زینتهنّ إلّا لبعولتهنّ أو ءابائهنّ أو ءاباءِ بعولتهنّ أو أبنائهنّ

۲۵ - پـدر شوهر ، پسرهمسـر ، پسـر برادر ، پسـر خواهر ، زنـان مؤمن ، بردگـان ، خـدمت کـاران بی میـل به زن و زنـاشویی و کودکان بی خبر از مسائل جنسی ، از محارم زنان اند .

و لایبدین زینتهنّ إلّا لبعولتهنّ . .. أو الطفل الذین لم یظهروا علی عورت النساء

پشیمانی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

پشیمانی

آثار پشیمانی از گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۲ - ۵

۵ توجه گنهکار به زشتی عمل خویش و اعتراف به آن و نیز ندامت از آن ، به منزله توبه و زمینه بخشش گناه از سوی خدا

اعترفوا بذنوبهم . .. عسی اللّه أن یتوب علیهم

از اینکه خداونـد در مقابل <اعترفوا> وعده <عسـی اللّه أن یتوب> را داده است و بعد از اعتراف، مسأله دیگری را به عنوان توبه مطرح نکرده است، می توان مطلب فوق را استفاده کرد.

اظهار پشیمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۳ - ۸،۹

۸ پیامبر (ص) ، موظّف به چشمپوشی از خطای کسانی که از مراجعه به طاغوت ، اظهار ندامت کردند .

ثم جاؤك يحلفون بالّله ان اردنا الّا احساناً . .. فاعرض عنهم

كلمه <اعراض>،

به قرینه <عظهم> (آنان را نصیحت کن>، به معنای اعراض از عقوبت و خطای آنان است، نه به معنای دوری از آنان.

۹ پیامبر (ص) ، موظّف به موعظه منافقانی که از مراجعه به طاغوت اظهار ندامت کردند .

یریدون ان یتحاکموا الی الطّاغوت . .. فاعرض عنهم و عظهم

بی تأثیری پشیمانی اخروی گمراهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۹ - ۱

۱ - اظهار پشیمانی و چاره جویی گمراهان در قیامت ، دستاوردی برای آنان نخواهد داشت .

و لن ینفعکم الیوم إذ ظلمتم

برداشت یاد شده بر این پایه استوار است که فاعل <لن ینفع>، گفتار سابق کافران باشد. آنان در قیامت آرزو می کنند که میان آنها و شیاطین فاصله افتد; ولی این آرزو سودی نخواهد بخشید.

بی تأثیری پشیمانی در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۴ - ۱۰

۱۰- اعتراف و پشیمانی کافران در قیامت ، بی تأثیر به حال ایشان

ألیس هذا بالحقّ قالوا بلی و ربّنا قال فذوقوا

کافران با این که به حق اقرار می کنند; باز هم به ایشان حکم می شود که: <فذوقوا العذاب>. بنابراین اعتراف آنان سودی نمی بخشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۴ - ۲

۲ - در قیامت ، افسوس خوردن بر گذشته و اظهار پشیمانی از فراهم نکردن اندوخته های کارساز ، سودی نمی بخشد .

یلیتنی قدّمت

بی تأثیری پشیمانی دشمنان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۴ -

۲ - تحمل صبورانه عذاب و یا پشیمانی و عذرخواهی دشمنان خدا در قیامت ، بی تأثیر در رهایی آنان از دوزخ

فإن یصبروا فالنار مثوًی لهم و إن یستعتبوا فما هم من المعتبین

<إستعتاب> (مصدر <یستعتبوا>) به معنای درخواست رضایت است که لازمه عذرخواهی می باشد.

بی تأثیری پشیمانی قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۸ - ۲

۲ - نتیجه بخش نبودن پشیمانی ثمودیان ، پس از کشتن ناقه صالح

فعقروها فأصبحوا ندمین . فأخذهم العذاب

پشیمانی آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۷ - ۱

۱ - آدم (ع) ، از کرده خویش (نافرمانی خدا) پشیمان شد و در صدد توبه به درگاه خداوند برآمد .

فتلقی ءادم من ربّه کلمت

پشیمانی اخروی خطاکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۴ - ۱

۱ - خطاکاران در قیامت ، فرورفته در حسرت و پشیمان از ترک ذخیره سازی توشه آخرت

و جاْیء یومئذ بجهنّم . .. یقول یلیتنی قدّمت لحیاتی

پشیمانی اخروی صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۲ - ۶

۶ - < قال رسول اللّه (ص) . . . یابن مسعود أَکثِر من الصالحات و البرّ فإنّ المُحسنَ و المُسیء یندمان ، یقول المحسن : یا لیتنی ازْدَدْتُ من المحسنات و یقول المسیء : قصرتُ ، و تصدیق ذلک قوله تعالی : < و لاأُقسم بالنفس اللوّامه > ;

رسول خدا(ص) فرمود: . ..ای پسر مسعود! اعمال صالح

و کارهای نیک را افزون انجام بـده که در [قیامت]نیکوکار و بـدکار هر دو پشـیمان می شونـد. انسان نیکوکار می گویـد: ای کاش کارهای نیک را زیادتر کرده بودم و انسان بـدکار می گویـد: کوتاهی و تقصـیر کردم. و گواه این مطلب سـخن خداوند است که فرمود: <و لا أقسم بالنفس اللوّامه>.

پشیمانی اخروی ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۷ - ۱،۳،۴

۱ ستم گران در قیامت ، از عملکرد خویش به شدت پشیمان خواهند بود .

و یوم یعضّ الظالم علی یدیه

جمله <یعضّ الظـالم علی یـدیه; سـتم کـار دو دست خویش به دنـدان گزد> از کنایات است و به قرینه سـیاق آیه، این جمله کنایه از پشـیمانی و ندامت می باشد. گفتنی است تعدیه فعل <یعضّ> به وسیله <علی> با آن که خود از افعال متعدی است برای تأکید مضمون آن فعل است; یعنی، پشیمانی آنان بسیار شدید خواهد بود.

۳ ستم گران ، در روز رستاخیز ، از نپیمودن راه پیامبر (ص) و دوری از روش او ، به شدت پشیمان و متأسف خواهند بود .

الظالم . .. یقول یلیتنی اتّخذت مع الرسول سبیلاً

۴ نپیمودن راه پیامبر (ص) و دوری از روش او ، مایه تأسف و ندامت در قیامت

یقول یلیتنی اتّخذت مع الرسول سبیلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۸ - ۱

۱ اظهار تأسف و ناراحتی شدید ستم گران در قیامت ، از دوستی با افراد ناباب در دنیا

الظالم . .. یویلتی لیتنی لم أتّخذ

فلانًا خليلًا

<خليل> به معنای صديق و دوست است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۳ - ۱۰

۱۰ - ستمگران با ديدن عذاب الهی در قيامت ، از انتخاب عقيده كفرآلود ، پشيمان شده و آن را مخفی خواهند كرد .

و لو ترى إذ الظلمون موقوفون عند ربّهم . .. و أسرّوا الندامه لمّا رأوا العذاب

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۴ - ۱۱

۱۱ - عجز و پشيمانی ستمكاران در قيامت ، آشكار و نمايان است .

و ترى الظلمين . .. يقولون

از واژه های <ترى> و <يقولون>، استفاده می شود كه ظالمان ندامت و آرزوی بازگشت را پنهان نمی دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۵ - ۴

۴ - پشيمانی ستمكاران در صحنه قيامت و پس از مشاهده عذاب ، بی تأثير به حال آنان

يقولون هل إلى مردّ من سبيل . و تريهم يعرضون عليها

پشيمانی اخروی كافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۵ - انعام - ۶ - ۲۷ - ۲

۲ كافران به هنگام روبرو شدن با آتش دوزخ در آرزوی بازگشت به دنيا، تكذيب نكردن آيات پروردگار و قرار گرفتن در زمره مؤمنان هستند.

فقالوا یلیتنا نرد و لا نکذب بأیت ربنا و نکون من المؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۶۶ - ۸

۸ - سختی و سوزش آتش جهنم ، کافران را از عملکرد دنیوی شان پشیمان می کند .

یوم تقلّب وجوههم فی النار یقولون

یلیتنا أطعنا اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۳۴ - ۱۰

۱۰- اعتراف و پشیمانی کافران در قیامت ، بی تأثیر به حال ایشان

ألیس هذا بالحقّ قالوا بلی و ربّنا قال فذوقوا

کافران با این که به حق اقرار می کنند; باز هم به ایشان حکم می شود که: <فذوقوا العذاب>. بنابراین اعتراف آنان سودی نمی بخشد.

پشیمانی اخروی گمراهگران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۳ - ۱۲

۱۲ - مستکبران گمراهگر در قیامت ، با دیدن عذاب الهی ، از کار خود پشیمان شده و آن را پنهان خواهند کرد .

و قال الذین استضعفوا للذین استکبروا بل مکر الّیل و النهار إذ تأمروننا أن نکفر با

برداشت یاد شده بنابراین اساس است که مرجع ضمیر فاعلی <أسرّوا>، <استکبروا> باشد.

پشیمانی اخروی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۲ - ۱

۱ - ندامت و سرافکندگی مجرمان ، در صحنه قیامت ، منظره ای بس دیدنی و عبرت انگیز است .

و لو تری إذ المجرمون ناکسوا رءوسهم عند ربّهم

<نکس الرأس> به معنای <پایین انداختن سر از شرمندگی و خجالت> است. لازم به گفتن است که جواب <لو> محذوف بوده و آن، چیزی شبیه <لرأیتَ شیئاً عجیباً و هو...> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ – سجده – ۳۲ – ۱۵ – ۲

۲ – مجرمانِ نادم در روز قیامت ، فاقد روحیه حق پذیری ، حتی در صورت رجوع دوباره به دنیایند .

فارجعنا نعمل صلحًا . .. إنّما يؤمن بأيتنا

الذین إذا ذکّروا بهاخرّوا سجّدًا

احتمال دارد که آیه درصدد تبیین و تشریح جواب رد دادن به درخواست مجرمان باشد. خداوند در این آیه، تلویحاً می گوید: <آنان فاقد روحیه ایمان اند و بنابراین، درخواست شان اجابت نمی شود>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۲ - ۶

۶ - < قال رسول اللّه (ص) . . . یابن مسعود أَکثِر من الصالحات و البرّ فإنّ المُحسنَ و المُسیء یندمان ، یقول المحسن : یا لیتنی ازْدَدْتُ من المحسنات و یقول المسیء : قصرتُ ، و تصدیق ذلک قوله تعالی : < و لاأُقسم بالنفس اللوّامه > ;

رسول خدا(ص) فرمود: . ..ای پسر مسعود! اعمال صالح و کارهای نیک را افزون انجام بده که در [قیامت]نیکوکار و بدکار هر دو پشیمان می شوند. انسان نیکوکار می گوید: ای کاش کارهای نیک را زیادتر کرده بودم و انسان بدکار می گوید: کوتاهی و تقصیر کردم. و گواه این مطلب سخن خداوند است که فرمود: <و لا أقسم بالنفس اللوّامه>.

پشیمانی اخروی مستضعفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۳ - ۱۶،۱۷

۱۶ - مستضعفان گمراه شده از سوی مستکبران ، با مشاهده عذاب در قیامت ، از کرده خود پشیمان خواهند شد .

و قال الذین استضعفوا . .. و أسرّوا الندامه لمّا رأوا العذاب

بنابراین که ضمیر فاعلی <أسرّوا> به <استضعفوا>برگردد، نکته یاد شده قابل استفاده است.

۱۷ - اظهار پشیمانی مستکبران و مستضعفان کافر در قیامت ، با مشاهده عذاب

و أسرّوا الندامه لمّا رأوا العذاب

<أسرّ> از لغت هایی است که معنای

متضاد دارد (مفردات راغب) و به معنای آشکار کردن و پنهان کردن است که آنان پشیمانی خود را اظهار خواهند کرد.

پشیمانی اخروی مستکبران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۳ - ۱۲،۱۷

۱۲ - مستکبران گمراهگر در قیامت ، با دیدن عذاب الهی ، از کار خود پشیمان شده و آن را پنهان خواهند کرد .

و قال الذین استضعفوا للذین استکبروا بل مکر الّیل و النهار إذ تأمروننا أن نکفر با

برداشت یاد شده بنابراین اساس است که مرجع ضمیر فاعلی <أسرّوا>، <استکبروا> باشد.

۱۷ - اظهار پشیمانی مستکبران و مستضعفان کافر در قیامت ، با مشاهده عذاب

و أسرّوا الندامه لمّا رأوا العذاب

<أسرّ> از لغت هایی است که معنای متضاد دارد (مفردات راغب) و به معنای آشکار کردن و پنهان کردن است که آنان پشیمانی خود را اظهار خواهند کرد.

پشیمانی اخروی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۷ - ۲،۳

۲ - اظهار پشیمانی مشرکان پیرو در صحنه قیامت ، از دوستی با سران شرک و اطاعت از ایشان در دنیا

و قال الذین اتبعوا لو أن لنا کرّه فنتبرأ منهم

۳ - ندامت مشرکان پیرو در قیامت از شرکورزی و پشیمانی آنان از اطاعت سران ، ثمری نداشته و موجب نجات آنان نخواهد شد .

و قال الذین اتبعوا لو أن لنا کرّه فنتبرأ منهم

چنانچه ندامت از شرک و . .. در قیامت برای نجاتشان مؤثر می بود، مشرکان آرزوی بازگشت به دنیا را نمی کردند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

١٥ – سبأ – ٣٤ – ٣٣ –

١١ – مشركان ، به خاطر انتخاب عقيده شرك آلود ، در قيامت پشيمان شده و آن را پنهان خواهند كرد .

و لو ترى إذ الظلمون موقوفون عند ربّهم . .. و أسرّوا الندامه لمّا رأوا العذاب

پشيمانى از اتكا به غيرخدا

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

١٠ – كهف – ١٨ – ٤٢ – ١١

١١– اتّكا به غيرخدا ، شرك و داراى فرجامى ندامت بار است .

أكثر منك مالاً . .. يليتنى لم أُشرك بربّى أحدًا

پشيمانى از خدمت به فرعون

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

١٣ – شعراء – ٢٦ – ٥١ – ١٠

١٠ – اظهار ندامت ساحران ، از قرار دادن دانش خويش در خدمت فرعون ، براى مبارزه با موسى (ع)

إنّا نطمع أن يغفر لنا ربّنا خطينا

كلمه <خطايانا> مى تواند اشاره به اقدامى باشد كه ساحران در خدمت نظام فرعونى، براى مبارزه با حق انجام داده اند.

پشيمانى از خطا

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

٨ – يوسف – ١٢ – ٩١ – ٩

٩ برادران يوسف در حضور او به گناه و خطاى خويش اعتراف نموده و از رفتار گذشته خود اظهار ندامت كردند .

و إن كنّا لخطئين

پشيمانى از رفتار ناپسند

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۹۷ – ۳

۳ فرزندان یعقوب از رفتار های ناروایشان با یوسف (ع) ، بنیامین و یعقوب (ع) ، پشیمان شدند و اظهار ندامت کردند .

یأبانا استغفر لنا ذنوبنا

پشیمانی از شرک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳

- شعراء - ۲۶ - ۵۱ - ۲

۲ - ندامت ساحران از گذشته شرک آلود و غفلت بار خود در پیشگاه خدا

إنّا نطمع أن يغفر لنا ربّنا خطينا

پشیمانی از ظلم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۶ - ۱

۱- حسرت و ندامت کافران از ستم کاری خویش ، به هنگام احساس و لمس اندکی از عذاب الهی

ولئن مسّتهم نفحه من عذاب ربّک لیقولنّ یویلنا إنّا کنّا ظلمین

<نفحه> در لغت به معنای وزیدنی و یا یک وزیدن است که نوعاً در امور خیر به کار می رود و گاهی هم در امور شرّ استعمال می شود. از نظر مفسران این کلمه در آیه شریفه، به سه دلیل دلالت تقلیل را می رساند: ۱ ماده <نفحه> دال بر تقلیل است؛ ۲ بر وزن و بناء <مرّه> می باشد؛ ۳ به صورت نکره آمده است. گفتنی است کسی واژه <ویل> را می گوید که دچار بدبختی و هلاکت شده و از روی تأسف و تحسّر این لفظ را ادا کرده باشد.

پشیمانی از عقیده باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - سبأ - ۳۴ - ۳۳ - ۱۰،۱۱

۱۰ - ستمگران با دیدن عذاب الهی در قیامت ، از انتخاب عقیده کفرآلود ، پشیمان شده و آن را مخفی خواهند کرد .

و لو تری إذ الظلمون موقوفون عند ربّهم . .. و أسرّوا الندامه لمّا رأوا العذاب

۱۱ - مشرکان ، به خاطر انتخاب عقیده شرک آلود ، در قیامت پشیمان شده و آن را پنهان خواهند کرد .

و لو تری إذ الظلمون موقوفون عند ربّهم .

.. و أسرّوا الندامه لمّا رأوا العذاب

پشیمانی از کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۷ - ۲،۴

۲ کافران به هنگام روبرو شدن با آتش دوزخ در آرزوی بازگشت به دنیا، تکذیب نکردن آیات پروردگار و قرار گرفتن در زمره مؤمنان هستند.

فقالوا یلیتنا نرد و لا نکذب بأیت ربنا و نکون من المؤمنین

۴ تکذیب کنندگان پیامبر(ص) و قرآن در قیامت بر کفرورزیهای خویش در دنیا تأسف می خورند.

یلیتنا نرد و لا نکذب بأیت ربنا و نکون من المؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲ - ۶

۶- کفرپیشگی ، در پی دارنده پشیمانی و ندامت است .

ربما یودّ الذین کفروا لو کانوا مسلمین

پشیمانی از گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۱ - ۴

۴ - توبه و پشیمانی از گناه ، پس از مرگ پذیرفته نخواهد شد و اثری بر آن مترتب نخواهد بود .

إلا الذین تابوا . .. إن الذین کفروا و ماتوا و هم کفار أولئک علیهم لعنه اللّه

تقیید <کفروا> با جمله (و ماتوا و هم کفار) بیان پایان مهلت زمان پذیرش توبه است؛ یعنی، پس از مرگ پشیمانی سودبخش نیست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۶ - ۲

۲ آنان که پشیمان از کرده های ناشایست و ستم بر خویش هستند و اصراری بر گناهان ندارند ، بهره مند از آمرزش الهی و بهشت جاودانه خواهند بود .

و الّذین اذا فعلوا . .. اولئک

جزآؤهم مغفره من ربّهم و جنّات ... خالدين فيها

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۱ - ۱۴

۱۴ خداوند بردبار با بندگان ، و فرصت دهنده به ايشان براى بازگشت از خطا هاى خويش *

و اللّه غفور حليم

برداشت فوق از ارتباط بين <غفور> و <حليم> به دست مى آيد يعنى خداوند سريعاً گنهكاران را مؤاخذه نخواهد كرد بلكه به آنان فرصت خواهد داد تا زمينه هاى جلب مغفرت الهى را براى خويش فراهم كنند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۹۱ - ۹

۹ برادران يوسف در حضور او به گناه و خطاى خويش اعتراف نموده و از رفتار گذشته خود اظهار ندامت كردند .

و إن كنّا لخطئين

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۱۹ - ۶

۶-اصلاح خطا هاى گذشته و گرايش به صلاح عملى ، نشانگر توبه واقعى و شرط پذيرش آن است .

ثمّ تابوا من بعد ذلك و أصلحوا إن ربّك من بعدها لغفور رحيم

برداشت فوق به خاطر اين است كه متعلق و مفعول <أصلحوا> ذكر نشده است، ولى به قرينه جمله پيشين (للذين عملوا السوء . ..) كه سخن از خطا و زشت كارى به ميان آورده است مقصود از آن، اصلاح وضع گذشته و رويكرد به صلاح است.

پشيمانى از گوساله پرستى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۹ - ۱

۱ بنى اسرائيل پس از مدتى با پى بردن به عدم شايستگى مجسمه گوساله براى

پرستش ، به گمراهی خود آگاه و از کرده خویش پشیمان شدند .

و لما سقط فی أیدیهم و رأوا أنهم قد ضلوا

جمله <سقط فی أیدیهم> کنایه از پشیمانی است. زیرا انسان در هنگام پشیمانی چانه خویش را بر دستانش قرار می دهد ; به گونه ای که گویا در دست خود فرو افتاده است.

پشیمانی از مبارزه با موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۵۱ - ۱۰

۱۰ - اظهار ندامت ساحران ، از قرار دادن دانش خویش در خدمت فرعون ، برای مبارزه با موسی (ع)

إنّا نطمع أن یغفر لنا ربّنا خطینا

کلمه <خطایانا> می تواند اشاره به اقدامی باشد که ساحران در خدمت نظام فرعونی، برای مبارزه با حق انجام داده اند.

پشیمانی اصحاب الجنه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۲۶ - ۴

۴ - باغداران یمنی ، به هنگام مشاهده باغ ویران شده خویش ، بی درنگ به اشتباه خود پی برده و از کار محروم ساختن مستمندان پشیمان گشتند و خود را مردمی گمراه یافتند .

فلمّا رأوها قالوا إنّا لضالّون

برداشت یاد شده، مبتنی بر این نکته است که مقصود از <ضالّون> گمراهی اصطلاحی (گمراهی از راه حق و حقیقت) باشد. گفتنی است کلمه <لمّا> در اصطلاح بیانگر اقتران جواب به شرط و افاده کننده فور و بداهت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۲۹ - ۱

۱ - توبه و پشیمانی باغداران یمنی ، پس از مشاهده نابودی محصولات از بخلورزی و محروم ساختن بینوایان

قالوا سبحن

ربّنا إنّا كنّا ظلمين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳۲ - ۱،۲

۱ - امیدواری باغداران یمنی پس از توبه و پشیمانی به جایگزین شدن بوستانی بهتر از بوستان ویران شده خویش ، در پرتو لطف پروردگار

عسی ربّنا أن یبدلنا خیرًا منها

مفسران در توضیح آیه شریفه نوشته اند: آنان با خلوص نیت توبه کردند و خداوند چون این خلوص را دید، بوستانی به جای آن بوستان نابود شده به آنان عطا فرمود که نام آن <حیوان> بود. در این بوستان انگور فراوان و پرباری وجود داشت که هر خوشه از آن، بار یک قاطر می شد. (مجمع البیان و روح المعانی)

۲ - اشتیاق و امیدواری باغداران یمنی به پروردگار ، پس از مشاهده ویرانی باغ خویش و توبه و پشیمانی از کردار خود

إنّا إلی ربّنا رغبون

پشیمانی ایوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۴۴ - ۵

۵ - ایوب (ع) ، در ادای سوگند خود (تنبیه همسرش) دچار تردید و پشیمانی شده بود .

و خذ بیدک ضغثًا فاضرب به و لاتحنث

توصیه خداوند به ایوب(ع) به نشکستن سوگندش، بیانگر این حقیقت است که ایوب(ع) در ادای سوگندش دچار تردید شده و حالت پشیمانی به او دست داده بود; به گونه ای که در جست و جوی راهی برای حل این مشکل برآمده بود.

پشیمانی برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۱ - ۹

۹ برادران یوسف در حضور او به گناه و خطای خویش اعتراف

نموده و از رفتار گذشته خود اظهار ندامت کردند .

و إن کنّا لخطئین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۷ - ۳

۳ فرزندان یعقوب از رفتار های ناروایشان با یوسف (ع) ، بنیامین و یعقوب (ع) ، پشیمان شدند و اظهار ندامت کردند .

یأبانا استغفر لنا ذنوبنا

پشیمانی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۹ - ۱

۱ بنی اسرائیل پس از مدتی با پی بردن به عدم شایستگی مجسمه گوساله برای پرستش ، به گمراهی خود آگاه و از کرده خویش پشیمان شدند .

و لما سقط فی أیدیهم و رأوا أنهم قد ضلوا

جمله <سقط فی أیدیهم> کنایه از پشیمانی است. زیرا انسان در هنگام پشیمانی چانه خویش را بر دستانش قرار می دهد ; به گونه ای که گویا در دست خود فرو افتاده است.

پشیمانی بی اثر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۶۷ - ۳

۳ - ندامت مشرکان پیرو در قیامت از شرکورزی و پشیمانی آنان از اطاعت سران ، ثمری نداشته و موجب نجات آنان نخواهد شد .

و قال الذین اتبعوا لو أن لنا کرّه فنتبرأ منهم

چنانچه ندامت از شرک و . .. در قیامت برای نجاتشان مؤثر می بود، مشرکان آرزوی بازگشت به دنیا را نمی کردند.

پشیمانی بی ثمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۱ - ۸

۸ پشیمانی مردم ، به هنگام وقوع عذاب استیصال ، بی فایده بوده

و باعث دفع آن نخواهد شد .

أثم إذا ما وقع ءامنتم به ءالئن و قد كنتم به تستعجلون

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۳۳ – ۲۲،۲۶

۲۲ – پشيمانى در قيامت ، مانع كيفر نشده و از آن نمى كاهد .

و أسرّوا الندامه . .. و جعلنا الأغلل فى أعناق الذين كفروا

۲۶ – < عن أبى عبدالله (ع) قال : سئل عن قول الله تبارك و تعالى < و أسرّوا الندامه لمّا رأوا العذاب > قال : قيل له ما ينفعهم أسرار الندامه و هم فى العذاب ؟ قال كرهوا شماته الأعداء ;

از امام صادق(ع) درباره قول خداى تبارك و تعالى <و أسرّوا الندامه لمّا رأوا العذاب> سؤال گرديد و به ايشان گفته شد: پنهان كردن پشيمانى براى آنان در حالى كه گرفتار عذاب هستند چه سودى دارد؟ فرمود: آنان سرزنش دشمنان را ناخوش دارند>.

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۶ – شورى – ۴۲ – ۴۵ – ۴

۴ – پشيمانى ستمكاران در صحنه قيامت و پس از مشاهده عذاب ، بى تأثير به حال آنان

يقولون هل إلى مردّ من سبيل . و تريهم يعرضون عليها

پشيمانى جادوگران فرعون

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۷۳ – ۹

۹ – ساحران فرعون ، پس از ايمان به موسى (ع) از اقدام به سِحر به نفع فرعون ، اظهار پشيمانى كرده و خواستار بخشش الهى شدند .

ليغفر لنا . .. ما أكرهتنا عليه من السحر

- آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۵۱ – ۲،۱۰

۲ – ندامت ساحران از گذشته شرک آلود و غفلت بار خود در پیشگاه خدا

إنّا نطمع أن یغفر لنا ربّنا خطینا

۱۰ – اظهار ندامت ساحران ، از قرار دادن دانش خویش در خدمت فرعون ، برای مبارزه با موسی (ع)

إنّا نطمع أن یغفر لنا ربّنا خطینا

کلمه <خطایانا> می تواند اشاره به اقدامی باشد که ساحران در خدمت نظام فرعونی، برای مبارزه با حق انجام داده اند.

پشیمانی جهنمیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۳۷ – ۳

۳ – پشیمانی دوزخیان از کرده های ناشایست خویش و حسرت شدید آنان برای انجام اعمال صالح

ربّنا أخرجنا نعمل صلحًا غیر الذی کنّا نعمل

آهنگ سخن دوزخیان، به گونه ای است که نشانگر ندامت شدید آنان بر گذشته های خود و حسرتشان برای انجام اعمال نیک است.

پشیمانی در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۲۷ – ۴

۴ تکذیب کنندگان پیامبر(ص) و قرآن در قیامت بر کفرورزیهای خویش در دنیا تأسف می خورند.

یلیتنا نرد و لا نکذب بأیت ربنا و نکون من المؤمنین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۵۳ - ۱۲

۱۲ منکران قرآن ، در قیامت ، با پی بردن به زیانکاری خویش و واهی بودن افکار و عقاید خود ، از اعمال و رفتار گذشته خویش پشیمان خواهند شد .

نرد فنعمل غیر الذی کنا نعمل قد خسروا أنفسهم و ضل عنهم ما کانوا یفترون

جمله <قد خسروا . ..

> و <ضل عنهم ... > به منزله تعلیلی است برای <نرد فنعمل ... > یعنی آرزوی بازگشت به دنیا و تـدارک گذشـته ها بدان علت است که کفرپیشگان خود را زیانکار می بینند و باورهای خویش را بر باد رفته می یابند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۱۴

۱۴- پیروی از شیطان ، ملامت و پشیمانی اخروی در پی دارد .

دعوتکم فاستجبتم لی فلاتلومونی و لوموا أنفسکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۳ - ۱۳

۱۳ - توجه به حتمیت کیفر اخروی و بی ثمری ندامت در قیامت ، عامل پرهیز از کفر و گناه است .

و لو تری إذ المجرمون . .. لأملأنّ جهنّم من الجِنّه و الناس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فجر - ۸۹ - ۲۴ - ۱۰

۱۰ - تذکر و بیداری انسان در قیامت ، حاصلی جز پشیمانی و حسرت ندارد .

و أنّی له الذکری . یقول یلیتنی قدّمت لحیاتی

پشیمانی دنیاطلبان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۸۲ - ۵

۵ - پشیمان شدن دنیاطلبان غافل از سخنان نسنجیده روز پیش خویش با دیدن فرجام شوم قارون

و أصبح الذین تمنّوا مکانه بالأمس یقولون ویکأنّ اللّه یبسط الرزق لمن یشاء من عباد

برخی از مفسران واژه <وَیْ> را کلمه <تندم> گرفته و گفته اند: این واژه در مقام اظهار پشیمانی به کار می رود.

پشیمانی سلیمان(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸

- ۳۲ - ۱۰

۱۰ - اظهار پشیمانی کردن سلیمان (ع) و مورد سرزنش قرار دادن خود به خاطر غفلت کردن از یاد خدا ، در اثر سان دیدن طولانی از اسب ها

فقال إنّی أحببت حبّ الخیر عن ذکر ربّی حتّی توارت بالحجاب

در صورتی که معنای آیه شریفه، این باشد که سلیمان(ع) به خاطر علاقه به اسب ها از یاد خدا غفلت ورزید؛ قهراً سخن آن حضرت (فقال إنّی. ..) نوعی سرزنش خود و اظهار پشیمانی محسوب می شود.

پشیمانی ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۴ - ۱۴

۱۴ < عن حماد بن عیسی عمن رواه عن ابی عبداللّه (ع) قال : سئل عن قول اللّه : < و اسروا الندامه . . . > قال : قیل له : و ما ینفعهم اسرار الندامه و هم فی العذاب ؟ قال : کرهوا شماته الأعداء ;

حماد بن عیسی از شخصی روایت می کند که از امام صادق (ع) درباره سخن خدا که می فرماید: <پشیمانی خود را در دل نهان می کنند . ..> سؤال شد: پنهان کردن پشیمانی برای آنان چه سودی دارد، در حالی که در عذاب هستند؟ فرمود: سرزنش دشمنان را ناخوش دارند>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۵ - ۱

۱- مرفهانِ ستمگر در تأسف و پشیمانی ، از زمان احساس عذاب تا هنگامه هلاکت و نابودی

فما زالت تلك دعویهم حتّی جعلنهم حصیدًا خمدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۴ -

۶ – ستمکاران ، خواهان بازگشت به دنیا و جبران گناهان گذشته خود به هنگام مشاهده عذاب

و تری الظلمین لمّا رأوا العذاب یقولون هل إلی مردّ من سبیل

پشیمانی فرعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ذاریات – ۵۱ – ۴۰ – ۹

۹ – سرزنش فرعون نسبت به خویش ، در واپسین لحظات زندگی کفرآلود خود *

فنبذنهم فی الیمّ و هو ملیم

در صورتی که واژه <ملیم> به معنای ملامت کردن (متعدی) باشد، برداشت بالا ـ به دست می آید. یعنی: <و هو ملیم نفسه>.

پشیمانی قابیل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۳۱ – ۲۳،۲۴

۲۳ پشیمانی قابیل از تقصیر خویش در مورد خاکسپاری برادرش هابیل

اعجزت ان اکون . .. فاصبح من الندمین

ظاهر این است که جمله <فاصبح . ..> متفرع بر جمله <اعجزت> باشد. بنابراین پشیمانی قابیل برخاسته از دفن نکردن جثه برادر خواهد بود.

۲۴ قابیل ، پشیمان از قتل برادرش هابیل *

فاصبح من الندمین

بنابر اینکه <فاصبح . ..> متفرع باشد بر <فقتله> که در آیه قبل آمده است.

پشیمانی قاتل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۱ - ۲۷

۲۷ قتل نفس محترم ، در پی دارنده ندامت قاتل

فاصبح من الندمین

از امام سجاد(ع) روایت شده: . .. و الذنوب التی تورث الندم قتل النفس التی حرم اللّه ... قال عزوجل فی قصه قابیل حین قتل اخاه هابیل ... <فاصبح من النادمین> ... .

معانی الاخبار، ص ۲۷۰، ح ۲; بحارالانوار، ج ۷۳، ص ۳۷۵، ح ۱۲.

پشیمانی قوم ثمود

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۷ - ۲

۲ - ندامت و پشیمانی ثمودیان ، به دنبال پی کردن ناقه صالح و مشاهده نشانه های عذاب

فعقروها فأصبحوا ندمین

<فاء> در <فأصبحوا> فصیحه و بیانگر حذف جمله ای است که به خاطر معلوم بودنش حذف شده و تقدیر آن چنین است: <فعقروها فرأوا اشراط العذاب فأصبحوا نادمین; ناقه را پی کردند پس نشانه های عذاب را دیدند، پس پشیمان شدند>.

پشیمانی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۲ - ۸،۱۱

۸ پشیمانی و تأسف شدید کافران در قیامت از کتمان کردن حقایق در دنیا

یومئذ یودّ الذین کفروا و عصوا الرسول . .. و لا یکتمون اللّه حدیثاً

بنابر اینکه <لا یکتمون> عطف بر جمله <تسوّی> باشد.

۱۱ شرمساری و پشیمانی کافران در قیامت ، از کتمان حقانیت رسالت پیامبر (ص)

و عصوا الرسول . .. و لا یکتمون اللّه حدیثاً

مصداق مورد نظر از کتمان حدیث در آیه شریفه، به دلیل <کفروا و عصوا الرسول>، کتمان حقّانیّت پیامبر (ص) است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۶ - ۱

۱- حسرت و ندامت کافران از ستم کاری خویش ، به هنگام احساس و لمس اندکی از عذاب الهی

ولئن مسّتهم نفحه من عذاب ربّک لیقولنّ یویلنا إنّا کنّا ظلمین

<نفحه> در لغت به معنای وزیدنی و یا یک وزیدن است که نوعاً در امور خیر به کار می رود و گاهی هم در امور شرّ استعمال می شود. از نظر مفسران این کلمه در آیه شریفه، به سه دلیل دلالت تقلیل

را می رساند: ۱ ماده <نفحه> دال بر تقلیل است; ۲ بر وزن و بناء <مرّه> می باشد; ۳ به صورت نکره آمده است. گفتنی است کسی واژه <ویل> را می گوید که دچار بدبختی و هلاکت شده و از روی تأسف و تحسّر این لفظ را ادا کرده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۹۹ - ۶

۶ - ندامت کافران در هنگام مرگ و تمنای آنان از خدا ، برای بازگشت به دنیا

حتّی إذا جاء أحدهم الموت قال ربّ ارجعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۲ - ۷

۷ - ندامت و ذلت حتمی ، فرجام مجرمان کفرپیشه است .

بلقاء ربّهم کفرون . .. و لو تری إذ المجرمون ناکسوا رءوسهم عند ربّهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۱۰ - ۵

۵ - پشیمانی و بغض شدید کافران نسبت به خویشتن ، بر اثر رد دعوت به ایمان و کفرورزی آنان است .

مقتکم أنفسکم إذ تدعون إلی الإیمن فتکفرون

تردیدی نیست که بغض شدید کافران نسبت به خویشتن در قیامت، ناشی از رد ایمان و کفرشان است. این بغض نشانه پشیمانی شدید آنان از عمل خود می باشد.

پشیمانی کافران قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۶ - ۵

۵ حسرت و ندامت کافران قریش بر نابودی داراییهایشان ، تنها نتیجه پرداخت هزینه مبارزاتی آنان علیه اسلام

ثم تکون علیهم حسره ثم یغلبون

چون هدف کافران از سرمایه گذاری اموال جلوگیری از گسترش

اسلام بوده، معلوم می شود حسرت و ندامت آنان بدان جهت بوده است که اموالشان از دست رفته و به نتیجه مطلوب نرسیده اند. قابل ذکر است که جمله <ثم یغلبون> دلالت می کند که زمان ندامت آنان در دنیاست.

پشیمانی گناهکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۳۰ - ۸

۸ بیزاری شدید بدکاران ، از کردار خویش در قیامت

تودّ لو انّ بینها و بینه امداً بعیداً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۱۲ - ۷

۷ - ندامت و ذلت حتمی ، فرجام مجرمان کفرپیشه است .

بلقاء ربّهم کفرون . .. و لو تری إذ المجرمون ناکسوا رءوسهم عند ربّهم

پشیمانی متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۱ - ۲،۱۵

۲ - پیش بینی آیات وحی ، از عذرخواهی و اظهار پشیمانی بادیه نشینانی که از همراهی پیامبر (ص) تخلف کرده بودند .

سیقول لک المخلّفون من الأعراب

۱۵ - طلب استغفار و اظهار ندامت اعراب متخلف از سفر حدیبیه ، بی اساس و مخالف باور درونی آنان

سیقول . .. فاستغفر لنا یقولون بألسنتهم ما لیس فی قلوبهم

برداشت بالا- بنابراین نکته است که تعبیر <یقولون. ..> در رابطه با مفهوم <فاستغفر لنا> باشد; زیرا درخواست استغفار، مفهومش این است که اعراب متخلف، در باطن از تخلف خود پشیمان اند. اما خداوند می فرماید: اینان در اظهار ندامت دروغگویند; زیرا در باطن نادم نیستند.

پشیمانی محارب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ –

مائده - ۵ - ۳۴ - ۳

۳ توبه و اظهار پشیمانی تبهکاران محارب پس از به چنگ افتادن ، فاقد ارزش و اعتبار برای سقوط حد و رهایی از عذاب دوزخ

انما جزؤا الذین . .. الا الذین تابوا من قبل ان تقدروا علیهم

پشیمانی مرفهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۴ - ۲

۲- مرفهان ستمگر ، با مشاهده عذاب الهی در حسرت و ندامت فرو می روند .

فلمّا أحسّوا بأسنا . .. قالوا یویلنا إنّا کنّا ظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۵ - ۱

۱- مرفهانِ ستمگر در تأسف و پشیمانی ، از زمان احساس عذاب تا هنگامه هلاکت و نابودی

فما زالت تلک دعویهم حتّی جعلنهم حصیدًا خمدین

پشیمانی مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۳ - ۱۶،۱۸

۱۶ اندوه و پشیمانی مسلمانان به خاطر بی اعتنایی به دستورات پیامبر (ص) در کارزار احد

فاثابکم غمّا بغمّ

با توجه به توضیح برداشت شماره ۱۴.

۱۸ پشیمانی مسلمانان به جهت تخلف از دستورات پیامبر (ص) در کارزار احد ، نتیجه عفو الهی از گناه آنان

و لقد عفا عنكم . .. فاثابكم غمّا بغمّ

عطف <اثابكم> بر <عفا عنكم> به وسيله <فاء>، دلالت بر ترتب و رابطه عليّت بين آن دو جمله دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - مائده - ۵ - ۵۲ - ۲۱،۲۳،۲۵

۲۱ شكست دشمنان اسلام ، مايه پشيمانى مسلمانان سست ايمان از دلبستگى به يهود و نصارا

فعسى اللّه

ان يأتى بالفتح . .. فيصبحوا على ما اسروا فى انفسهم ندمين

در برداشت فوق جمله <ما اسروا> به قرينه <و من يتولهم منكم> در آيه قبل به دلبستگى مسلمانان به يهود و نصارا تفسير شده است.

۲۳ نزول عذاب الهى بر دشمنان دين ، مايه پشيمانى مسلمانان سست ايمان از دلبستگى به يهود و نصارا

او امر من عنده فيصبحوا على ما اسروا فى انفسهم ندمين

برداشت فوق بر اين احتمال است كه مراد از <امر>، عذاب دنيوى باشد.

۲۵ مسلمانان سست ايمان با مشاهده پيروزى اسلام ، شرمسار از برنامه ريزى هاى نهانى خويش جهت رهايى از پيامد هاى شكست مسلمانان

فيصبحوا على ما اسروا فى انفسهم ندمين

پشيمانى مشركان

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۷ – يونس – ۱۰ – ۵۴ – ۸،۱۰

۸ ستم پيشگان مشرك ، به هنگام مشاهده عذاب استيصال ، از فرط شرمسارى ، پشيمانى خويش را پنهان مى دارند .

و لو أن لكل نفس ظلمت . .. و أسروا الندامه لما رأوا العذاب

۱۰ ستم پيشگان مشرك ، به هنگام مشاهده عذاب ، از كرده هاى خويش اظهار پشيمانى خواهند كرد .

و لو أن لكل نفس ظلمت . .. و أسروا الندامه لما رأوا العذاب

<أسر> هم به معناى <كتم> و هم به معناى <أظهر> مى آيد (لسان العرب). برداشت فوق مبتنى بر معناى دوم است.

پشيمانى مكذبان صالح(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۴۰ – ۳

۳ – پشيمانى سخت تكذيب گران پيامبر جامعه پس از نوح ، به هنگام مشاهده عذاب استيصال

قال عمّا قليل ليصبحنّ ندمين

پشیمانی

مکذبان قرآن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۲۷ – ۴

۴ تکذیب کنندگان پیامبر(ص) و قرآن در قیامت بر کفرورزیهای خویش در دنیا تأسف می خورند.

یلیتنا نرد و لا نکذب بأیت ربنا و نکون من المؤمنین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۵۳ – ۱۲

۱۲ منکران قرآن ، در قیامت ، با پی بردن به زیانکاری خویش و واهی بودن افکار و عقاید خود ، از اعمال و رفتار گذشته خویش پشیمان خواهند شد .

نرد فنعمل غیر الذی کنا نعمل قد خسروا أنفسهم و ضل عنهم ما کانوا یفترون

جمله <قد خسروا . .. > و <ضل عنهم ... > به منزله تعلیلی است برای <نرد فنعمل ... > یعنی آرزوی بازگشت به دنیا و تدارک گذشته ها بدان علت است که کفرپیشگان خود را زیانکار می بینند و باورهای خویش را بر باد رفته می یابند.

پشیمانی مکذّبان محمد(ص)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۲۷ – ۴

۴ تکذیب کنندگان پیامبر(ص) و قرآن در قیامت بر کفرورزیهای خویش در دنیا تأسف می خورند.

یلیتنا نرد و لا نکذب بأیت ربنا و نکون من المؤمنین

پشیمانی مکذبان هود(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۴۰ – ۳

۳ – پشیمانی سخت تکذیب گران پیامبر جامعه پس از نوح ، به هنگام مشاهده عذاب استیصال

قال عمّا قليل ليصبحنّ ندمين

پشیمانی ملکه سبأ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل -

۲۷ - ۴۴ - ۱۲

۱۲ - التجای بلقیس به ربوبیت خدا برای جبران گذشته شرک آلود خویش

قالت ربّ إنّی ظلمت نفسی

پشیمانی منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۶۳ - ۹

۹ پیامبر (ص) ، موظّف به موعظه منافقانی که از مراجعه به طاغوت اظهار ندامت کردند .

یریدون ان یتحاکموا الی الطّاغوت . .. فاعرض عنهم و عظهم

پشیمانی موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۵۱ - ۴

۴ موسی (ع) خشم شدید خویش را بر هارون خطا تلقی کرد و به خاطر آن از خداوند آمرزش طلبید . *

قال رب اغفر لی

از اینکه موسی(ع) پس از شنیدن سخنان هارون برای خویش طلب مغفرت کرد، معلوم می شود از برخورد شدید خویش با هارون پشیمان شد و آن را خطا تلقی کرد.

پشیمانی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۷ - ۷

۷ نوح (ع) ، با پی بردن به نادرستی تقاضای خود (نجات فرزندش) خواهان آمرزش و رحمت الهی شد .

إلّا تغفر لی و ترحمنی أکن من الخسرین

پشیمانی هنگام عذاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۱ - ۸

۸ پشیمانی مردم ، به هنگام وقوع عذاب استیصال ، بی فایده بوده و باعث دفع آن نخواهد شد .

أثم إذا ما وقع ءامنتم به ءالئن و قد کنتم به تستعجلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس

- ۱۰ - ۵۴ - ۸،۱۰

۸ ستم پیشگان مشرک ، به هنگام مشاهده عذاب استیصال ، از فرط شرمساری ، پشیمانی خویش را پنهان می دارند .

و لو أن لکل نفس ظلمت . .. و أسروا الندامه لما رأوا العذاب

۱۰ ستم پیشگان مشرک ، به هنگام مشاهده عذاب ، از کرده های خویش اظهار پشیمانی خواهند کرد .

و لو أن لکل نفس ظلمت . .. و أسروا الندامه لما رأوا العذاب

<أسر> هم به معنای <کتم> و هم به معنای <أظهر> می آید (لسان العرب). برداشت فوق مبتنی بر معنای دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۴ - ۱

۱- رفاه زدگان جوامع ستم پیشه ، به ظلم و ستم خویش پس از احساس عذاب الهی اعتراف می کنند .

فلمّا أحسّوا بأسنا . .. قالوا یویلنا إنّا کنّا ظلمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۵ - ۱

۱- مرفهانِ ستمگر در تأسف و پشیمانی ، از زمان احساس عذاب تا هنگامه هلاکت و نابودی

فما زالت تلک دعویهم حتّی جعلنهم حصیدًا خمدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵۷ - ۲

۲ - ندامت و پشیمانی ثمودیان ، به دنبال پی کردن ناقه صالح و مشاهده نشانه های عذاب

فعقروها فأصبحوا ندمین

<فاء> در <فأصبحوا> فصیحه و بیانگر حذف جمله ای است که به خاطر معلوم بودنش حذف شده و تقدیر آن چنین است: <فعقروها فرأوا اشراط العذاب فأصبحوا نادمین؛ ناقه را پی کردند پس نشانه های عذاب را دیدند، پس پشیمان شدند>.

عوامل پشیمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۲ - ۲۱،۲۲،۲۳

۲۱ شکست دشمنان اسلام ، مایه پشیمانی مسلمانان سست ایمان از دلبستگی به یهود و نصارا

فعسی اللّه ان یأتی بالفتح . .. فیصبحوا علی ما اسروا فی انفسهم ندمین

در برداشت فوق جمله <ما اسروا> به قرینه <و من یتولهم منکم> در آیه قبل به دلبستگی مسلمانان به یهود و نصارا تفسیر شده است.

۲۲ پیروزی مسلمانان ، مایه پشیمانی بیماردلان سست ایمان عصر بعثت از شک و تردید نسبت به حقانیت اسلام

فعسی اللّه ان یأتی بالفتح او . .. فیصبحوا علی ما اسروا فی انفسهم ندمین

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از <ما اسروا فی انفسهم>، تردید مسلمانان سست ایمان نسبت به حقانیت اسلام باشد. <فی قلوبهم مرض>، این احتمال را تأیید می کند.

۲۳ نزول عذاب الهی بر دشمنان دین ، مایه پشیمانی مسلمانان سست ایمان از دلبستگی به یهود و نصارا

او امر من عنده فیصبحوا علی ما اسروا فی انفسهم ندمین

برداشت فوق بر این احتمال است که مراد از <امر>، عذاب دنیوی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۶ - ۴

۴ از دست دادن دارایی ها و بر جای ماندن حسرت و ندامت ، ثمره تلاش برای مبارزه با اسلام

ثم تکون علیهم حسره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۱۴

۱۴- پیروی از شیطان ، ملامت و پشیمانی اخروی در پی دارد .

دعوتكم فاستجبتم لی فلاتلومونی و لوموا أنفسكم

جلد - نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۲ – ۶

۶- کفرپیشگی ، در پی دارنده پشیمانی و ندامت است .

ربما یودّ الذین کفروا لو کانوا مسلمین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۳ – ۱۳

۱۳- سرانجام تداوم کفر و غوطهوری در لذت های دنیا ، پشیمانی است .

ربما یودّ الذین کفروا لو کانوا مسلمین. ذرهم یأکلوا ... فسوف یعلمون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۱۴ – ۳

۳- توجه انسان به حقایق و پشیمانی از عملکرد خویش ، به هنگام گرفتاری مهلک و مشاهده عذاب الهی

فلمّا أحسّوا بأسنا . .. قالوا یویلنا إنّا کنّا ظلمین

برداشت یاد شده مبتنی براین است که جمله <قالوا یا ویلنا. ..> استئنافیه و بیان برای جمله <فلمّا أحسّوا بأسنا...> باشد; یعنی، وقتی عذاب ما را احساس کنند، به گناه خویش اذعان و بر حقیقت امر اعتراف می کنند. بنابراین احساس عذاب و مشاهده گرفتاری مهلک، موجب توجه آدمی به حقایق و اعتراف به آن است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۲۰۴ – ۳

۳ – درخواست عذاب از روی ناباوری و کفر ، کاری جاهلانه و ندامت بار است .

فیقولوا هل نحن منظرون . أفبعذابنا یستعجلون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۶۶ – ۸

۸ - سختی و سوزش آتش جهنم ، کافران را از عملکرد دنیوی شان پشیمان می کند .

یوم تقلّب وجوههم فی النار یقولون یلیتنا أطعنا اللّه

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۶ - ۱

۱ - کوتاهی در حق خداوند ، موجب حسرت و پشیمانی شدید انسان

أن تقول نفس یحسرتی علی ما فرّطت فی جنب اللّه

<حسرت> به معنای پشیمانی شدید است و عبارت <یاحسرتی> در صورتی گفته می شود که انسان از انجام و ترک کاری به شدت پشیمان شده و بخواهد آن را اظهار کند. <تفریط> (مصدر <فرّطت>) به معنای تقصیر و کوتاهی و کلمه <جنب> به معنای جهت و ناحیه است که در این آیه کنایه از حق می باشد. پس <ما فرّطت فی جنب اللّه>; یعنی، آنچه در حق خدا کوتاهی کردم.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۶ - ۷

۷ - ترتیب اثر دادن به خبر فاسق ، بدون تحقیق و بررسی ، عملی جاهلانه و ندامت بار است .

أن تصیبوا قومًا بجهله فتصبحوا علی ما فعلتم ندمین

عوامل پشیمانی آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۲۲ - ۱

۱ - آدم (ع) درپی عصیان و تناول از درخت ممنوع ، از کرده خویش پشیمان شد و به درگاه خداوند توبه کرد .

ثمّ اجتبه ربّه فتاب علیه

<جبایه> (ریشه اصلی <إجتبی>); به معنای جمع آوری کردن و به دست آوردن است. و <إجتباء> به معنای اصطفاء (خالص چیزی را برگزیدن) و اختیار است (لسان العرب). بنابراین <إجتباه ربّه> یعنی، خداوند علاقه های آدم به این سو و آن سو را قطع کرد و همه را بای خود جمع کرد و وی را برای خود خالص

گردانید. این تعبیر حاکی از انقطاع کامل آدم(ع) از غیر خدا و توبه حقیقی او است.

عوامل پشیمانی اخروی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۱ - ۹

۹ پشیمانی، اندوه و حسرت در آخرت، پیامد تباه کردن فرصت دنیا و کوتاهی در انجام تکالیف

قد خسر الذین کذبوا بلقاء اللّه . .. قالوا یحسرتنا علی ما فرطنا فیها

ضمیر <ها> در <علی ما فرطنا فیها>، به <ما بر می گردد و معنا چنین می شود: <یا حسرتنا علی تفریطنا>. و چون متعلق تفریط محذوف است، بر اطلاق متعلق تفریط دلالت دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۷ - ۳،۴

۳ ستم گران ، در روز رستاخیز ، از نپیمودن راه پیامبر (ص) و دوری از روش او ، به شدت پشیمان و متأسف خواهند بود .

الظالم . .. یقول یلیتنی اتّخذت مع الرسول سبیلاً

۴ نپیمودن راه پیامبر (ص) و دوری از روش او ، مایه تأسف و ندامت در قیامت

یقول یلیتنی اتّخذت مع الرسول سبیلاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - فرقان - ۲۵ - ۲۸ - ۱،۴

۱ اظهار تأسف و ناراحتی شدید ستم گران در قیامت ، از دوستی با افراد ناباب در دنیا

الظالم . .. یویلتی لیتنی لم أتّخذ فلانًا خلیلاً

<خلیل> به معنای صدیق و دوست است.

۴ دوستی با افراد ناباب ، موجب تأسف و پشیمانی شدید در روز قیامت

يويلتى ليتنى لم أتّخذ فلانًا خليلًا

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۶ – زمر

- ۳۹ - ۵۶ - ۳،۶

۳ - عمل نکردن به تعالیم قرآن ، مایه حسرت و پشیمانی انسان در عرصه زندگی دنیایی و حیات اخروی

و اتّبعوا أحسن ما أنزل إلیکم . .. أن تقول نفس یحسرتی علی ما فرّطت فی جنب اللّه

۶ - تمسخر تعالیم الهی (قرآن) ، کوتاهی در حق خدا و موجب حسرت و پشیمانی انسان در دنیا و آخرت است .

أن تقول نفس یحسرتی . .. و إن کنت لمن السخرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۵۰ - ۲

۲ - کفرورزی به قرآن ، در پی دارنده پشیمانی و حسرت شدید در قیامت

و إنّه لحسره علی الکفرین

عوامل پشیمانی از گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۲۲ - ۱۷

۱۷ درماندگی ، اضطرار و احساس خطر مرگ ، عرصه به خاطر آمدن کرده های زشت ، اظهار ندامت و شرمساری در پیشگاه خدا و پوزش طلبی انسان از آن خطا ها و ناسپاسیها

و ظنوا أنهم أحیط بهم دعوا اللّه . .. لنکوننّ من الشکرین

عوامل پشیمانی دنیوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵۶ - ۳،۶

۳ - عمل نکردن به تعالیم قرآن ، مایه حسرت و پشیمانی انسان در عرصه زندگی دنیایی و حیات اخروی

و اتّبعوا أحسن ما أنزل إلیکم . .. أن تقول نفس یحسرتی علی ما فرّطت فی جنب اللّه

۶ - تمسخر تعالیم الهی (قرآن) ، کوتاهی در حق خدا و موجب حسرت و پشیمانی انسان در دنیا و آخرت

است .

أن تقول نفس یحسرتی . .. و إن کنت لمن السخرین

عوامل پشیمانی ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۴۴ - ۸

۸ - تنها مشاهده عذاب ، عامل اظهار پشیمانی ظالمان است .

و تری الظلمین لمّا رأوا العذاب

عوامل پشیمانی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - حاقه - ۶۹ - ۵۰ - ۱

۱ - کافران در روز قیامت ، پشیمان از مواضع انکارآمیز گذشته خویش در برابر قرآن

و إنّه لحسره علی الکفرین

کتمان پشیمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۵۴ - ۱۴

۱۴ < عن حماد بن عیسی عمن رواه عن ابی عبداللّه (ع) قال : سئل عن قول اللّه : < و اسروا الندامه . . . > قال : قیل له : و ما ینفعهم اسرار الندامه و هم فی العذاب ؟ قال : کرهوا شماته الأعداء ;

حماد بن عیسی از شخصی روایت می کند که از امام صادق (ع) درباره سخن خدا که می فرماید: <پشیمانی خود را در دل نهان می کنند . ..> سؤال شد: پنهان کردن پشیمانی برای آنان چه سودی دارد، در حالی که در عذاب هستند؟ فرمود: سرزنش دشمنان را ناخوش دارند>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ – سبأ – ۳۴ – ۳۳ – ۲۶

۲۶ – < عن أبی عبداللّه (ع) قال : سئل عن قول اللّه تبارک و تعالی < و أسرّوا الندامه لمّا رأوا العذاب > قال : قیل له ما ینفعهم أسرار

الندامه و هم فی العذاب ؟ قال کرهوا شماته الأعداء ;

از امام صادق(ع) درباره قول خـدای تبارک و تعالی <و أسرّوا النـدامه لمّا رأوا العـذاب> سؤال گردیـد و به ایشان گفته شد: پنهان کردن پشـیمانی برای آنان در حالی که گرفتار عذاب هسـتند چه سودی دارد؟ فرمود: آنان سـرزنش دشـمنان را ناخوش دارند>.

موارد پشیمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۶ - ۵

۵ اصلاح گذشته ، مشروط به توبه و پشیمانی از اعمال نارواست و اطاعت خالصانه از خداوند در گرو اعتصام به اوست .

الا الذین تابوا و أصلحوا و اعتصموا باللّه و أخلصوا دینهم

ظاهراً جمله <اصلحوا> و <اعتصموا> و <اخلصوا>، هر یک مترتب بر دیگری است. یعنی بدون بازگشت از نفاق، اصلاح ممکن نیست، و بدون اصلاح، اعتصام به خدا امکان ندارد، و بدون اعتصام به خدا، رهایی از ریا غیر ممکن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۲ - ۲۰

۲۰ پشیمانی ، فرجام ایجاد روابط دوستی با یهود و نصارا و پذیرش ولایت آنان

یسرعون فیهم . .. فیصبحوا علی ما اسروا فی انفسهم ندمین

موانع پشیمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - حجرات - ۴۹ - ۷ - ۶

۶ - خود سرانه عمل نکردن مردم در مسائل مهم اجتماعی و وانهادن آن به رهبری الهی ، مایه مصونیت از خطرات ندامت بار

فتصبحوا علی ما فعلتم ندمین . و اعلموا أنّ فیکم رسول اللّه

از ارتباط دو آیه ; استفاده می شود که خداوند از مؤمنان خواسته

است تا در زمینه مسائل اجتماعی و خطر آفرین، خودسرانه عمل نکنند و وجود رهبری الهی را نادیده نینگارند.

پلیدان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

پلیدان

{پلیدان}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۷ - ۴

۴ آنانکه دارایی های خویش را برای مبارزه علیه اسلام هزینه کنند ، از ناپاکان و زیانکاران هستند .

فسینفقونها . .. و الذین کفروا إلی جهنم یحشرون. لیمیز اللّه الخبیث من الطیب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۷ - ۵

۵ مشرکان ، مردمانی ناپاک و آلوده به کفر

شهدین علی أنفسهم بالکفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۸ - ۱

۱ شرک ، مایه پلیدی است و مشرکان مردمانی پلیدند .

یأیها الذین ءامنوا إنما المشرکون نجس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۰ - ۴

۴ کافران و تکذیب کنندگان آیات الهی ، مردمی پلید هستند .

و یجعل الرجس علی الذین لایعقلون

پلیدان در جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۷ - ۶

۶ خداوند در پی جداسازی ناپاکان از پاکان ، آنان را در قیامت انباشته می کند و یکجا در جهنم فرومی افکند .

و یجعل الخبیث بعضه علی بعض فیرکمه جمیعا فیجعله فی جهنم

رکم (مصدر یرکم) به معنای جمع کردن چیزی و انباشته ساختن آن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۵ - ۱۴

۱۴ دوزخ ، جایگاه و فرجام

نهایی آنان که مظهر پلیدی اند .

إنهم رجس و مأویهم جهنم

پلیدان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۷ - ۱،۳،۶

۱ خداوند در پرتو گسیل کافران به سوی دوزخ ، ناپاکان را از پاکان جدا خواهد کرد .

إلی جهنم یحشرون. لیمیز اللّه الخبیث من الطیب

برداشت فوق مبتنی بر این است که <لیمیز اللّه> متعلق به <یحشرون> باشد.

۳ قیامت ، زمینه ای مناسب برای متمایز شدن ناپاکان از پاکان

إلی جهنم یحشرون. لیمیز اللّه الخبیث من الطیب

۶ خداوند در پی جداسازی ناپاکان از پاکان ، آنان را در قیامت انباشته می کند و یکجا در جهنم فرومی افکند .

و یجعل الخبیث بعضه علی بعض فیرکمه جمیعا فیجعله فی جهنم

رکم (مصدر یرکم) به معنای جمع کردن چیزی و انباشته ساختن آن است.

تشخیص پلیدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۷ - ۳،۵

۳ قیامت ، زمینه ای مناسب برای متمایز شدن ناپاکان از پاکان

إلی جهنم یحشرون. لیمیز اللّه الخبیث من الطیب

۵ هدف از اعطای آزادی به انسان ها برای اختیار کفر و ایمان و تلاش در راه آن ، جداسازی ناپاکان از پاکان است . *

فسینفقونها . .. و الذین کفروا إلی جهنم یحشرون. لیمیز اللّه الخبیث من الطیب

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که <لیمیز اللّه> متعلق به معنای ضمنی آیه قبل (اعطای آزادی برای اختیار کفر و ایمان و مهلت دادن به انسانها در دنیا) باشد. قابل ذکر است که گرایش به این معنا بدان جهت است که تعلق <لیمیز> به <إلی جهنم

یحشرون>، با توجه به جمله <فیجعله فی جهنم>، خالی از ابهام نیست.

تهمتهای پلیدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۶ - ۱۱

۱۱ - زنان و مردان نیک سرشت و نیک کردار ، از نسبت های ناروای افراد خبیث و بدخواه در باره آنان ، منزه و پیراسته اند .

للخبیثین . .. للطیّبین ... أُولئک مبرّءون ممّا یقولون

مشارالیه <أُولئک> <طیّبین> (مردان و زنان نیک و پاکدامن) است و مرجع ضمیر <یقولون>، <خبیثین> (مردان و زنان خبیث) می باشد.

زمینه انحطاط پلیدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۵ - ۶

۶ - زمینه سقوط انسان های فرومایه ، از ارزش ها و افتادن آنان به اعماق پستی ها ، پس از گذشت برهه ای از آغاز خلقت آنها فراهم می شود .

ثمّ رددنه

حرف <ثمّ>، برای تراخی است.

فرجام پلیدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۵ - ۱۴

۱۴ دوزخ ، جایگاه و فرجام نهایی آنان که مظهر پلیدی اند .

إنهم رجس و مأویهم جهنم

منشأ انحطاط پلیدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۵ - ۳

۳ - سقوط انسان هایِ فرومایه ، در ورطه دنائت و پستی ، از جانب خداوند و مستند به او است .

ثمّ رددنه

پلیدی

آثار اجتناب از پلیدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۱۹ - ۵

$۵ - تزکیه و دوری از پلیدی و طغیان ، هموارسازنده راه هدایت و خشیت

الهی

إنّه طغی . .. أن تزکّی . و أهدیك إلی ربّك فتخشی

- تزکیه و دوری از پلیدی و طغیان، هموارسازنده راه هدایت و خشیت الهی

آثار پلیدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۱ - ۶،۷

۶ پلیدی و نکبت قوم عاد ، موجب غضب الهی بر آنان شد .

قال قد وقع علیکم من ربکم رجس و غضب

تقدیم ذکری <رجس> بر <غضب> می تواند حاکی از تقدم رتبی آن باشد.

۷ آلودگی قوم عاد به پلیدی و گرفتاری ایشان به خشم خدا ، مانع آنان از تصدیق رسالت هود و گرایش به توحید و یکتاپرستی

قال قد وقع علیکم من ربکم رجس و غضب

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که جمله <قد وقع . .. > به منزله دلیلی باشد بر کفرورزی قوم عاد، نه نتیجه ای برای انکار توحید و رسالت. یعنی هود با این جمله اشاره به ریشه عنادورزی آنان دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۵ - ۷

۷ بیماردلی و پلیدی باطن ، زمینه ساز مردن بر حال کفر است .

و أما الذین فی قلوبهم مرض . .. و ماتوا و هم کفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۱۸ - ۳

۳ - طغیان گری ، بازتاب نبود تزکیه و درست کاری در زندگی انسان

إنّه طغی . فقل هل لك إلی أن تزكّی

آثار درك پلیدی گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۴ - ۷

۷ مشاهده برهان

الهی (درک حقایقی نظیر ربوبیت خدا ، دریافت زشتیِ گناه ، باور به عدم رستگاری ظالمان و گنه کاران و . . .) عامل عصمت پیامبران است .

و همّ بها لولا أن رءا برهن ربه

آثار شناخت پلیدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۸ - ۵

۵ - شناخت پلیدی ها ، زمینه آشنایی با راه های گریز از آنها است .

فألهمها فجورها و تقویها

تقدیم <فجورها>، بیانگر نکته یاد شده است.

اجتناب از پلیدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۰ - ۷،۱۲

۷ اهل ایمان وظیفه دار دوری جستن از پلید ها و کردار های شیطانی

رجس من عمل الشیطن فاجتنبوه

۱۲ دوری جستن از پلیدی ها و کردار های شیطانی زمینه ساز رسیدن به فلاح و رستگاری

رجس من عمل الشیطن فاجتنبوه لعلکم تفلحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۲ - ۶

۶ دوری جستن از پلیدی ها (شراب ، قمار ، مظاهر شرک) نشانگر اطاعت از خدا و رسول (ص)

انما الخمر و المیسر و الانصاب و الازلم . .. و اطیعوا اللّه و اطیعوا الرسول

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۹۵ – ۹

۹ مؤمنان ، مکلف به اجتناب و دوری جستن از هر گونه پلیدی (پلیدی مادی و روحی) و مبارزه با آن

إنهم رجس

<رجس> (پلید) بودن، به عنوان علت وجوب اعراض از منافقان ذکر شده و این امر می نمایاند که

اصولا اجتناب از هر گونه رجس واجب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۵ - ۱،۲

۱ - پرهیز از هرگونه پلیدی و آلودگی ، توصیه خداوند به پیامبر (ص)

و الرجز فاهجر

<رجز> (مرادف <رجس>) به معنای پلیدی و آلودگی است.

۲ - پرهیز از پلیدی و آلودگی ، از شرایط بایسته برای رهبران و مبلغان جامعه اسلامی و تأثیرگذار در موفقیت آنان

و الرجز فاهجر

ازدیاد پلیدی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۰ - ۵

۵ خداوند ، پیوسته بر پلیدی کافران و تکذیب کنندگان پیامبران خود می افزاید .

و یجعل الرجس علی الذین لایعقلون

ازدیاد پلیدی مکذبان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۰ - ۵

۵ خداوند ، پیوسته بر پلیدی کافران و تکذیب کنندگان پیامبران خود می افزاید .

و یجعل الرجس علی الذین لایعقلون

ازدیاد پلیدی منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۵ - ۱

۱ افزایش پلیدی منافقان بیماردل ، پس از نزول آیه های قرآن و شنیدن آن

و إذا ما أنزلت سوره . .. و أما الذین فی قلوبهم مرض فزادتهم رجساً إلی رجسهم

اهمیت شناخت پلیدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۸ - ۴

۴ - شناخت پلیدی ها ، ضروری تر از آشنایی با راه های پرهیزگاری است .

فألهمها فجورها و تقویها

پلیدی آشامیدنیهای جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰

- کهف - ۱۸ - ۲۹ - ۲۰،۲۲

۲۰- آبِ مشروب دوزخیان ، مایعی ناگوار و پلید است .

یغاثوا بماء . .. بئس الشراب

۲۲- رفاه مندانِ هواپرست ، در قیامت ، گرفتار آتشی فراگیر و آشامیدنی هایی ناگوارند .

و لاتطع من أغفلنا قلبه . .. بئس الشراب و ساءت مرتفقًا

نکته یاد شده از ارتباط دو آیه استفاده شده است.

پلیدی ازلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۰ - ۱

۱ شراب ، قمار ، بت ها و چوب های مخصوص برد و باخت ، به تمامی پلید و ناپاک اند .

انما الخمر و المیسر و الانصاب و الازلم رجس

<انصاب> جمع کلمه نصب است، برخی آن را به معنای بت گرفته اند و برخی گفته اند <انصاب> سنگهایی بوده که بر آستان بتها نصب می شده و جایگاه ذبح قربانی برای بتها بوده است و بدان جهت مشرکان آنها را مایه تبرک می پنداشتند و محترم می شمردند. <ازلام> جمع زلم (تیر قمار) از انواع وسائل قمار و بردو باخت به شمار می رفته است.

پلیدی اضلال انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۱ - ۳

۳ منحرف ساختن مردم از راه خدا ، بارزترین و زشت ترین حرکت کفرآمیز

الذین کفروا و صدّوا عن سبیل اللّه

پس از طرح مسأله کفر، در آیه موضوع <صدّ عن سبیل اللّه> مطرح شده است، تا به اثری از آثار کفر اشاره شده باشد.

پلیدی اقوام پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۳ - ۲

۲

- مشرکان عصر پیامبر ، در پلیدی و استحقاق عذاب ، همچون کافران هلاک شده پیشین (قوم های عاد ، ثمود ، لوط و فرعونیان)

أکفّارکم خیر من أُولئکم

پلیدی بت پرستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۰ - ۱۵

۱۵ - بت پرستان ، مردمی پلیداند .

فاجتنبوا الرجس من الأوثن

پلیدی بت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۰ - ۱

۱ شراب ، قمار ، بت ها و چوب های مخصوص برد و باخت ، به تمامی پلید و ناپاک اند .

انما الخمر و المیسر و الانصاب و الازلم رجس

<انصاب> جمع کلمه نصب است، برخی آن را به معنای بت گرفته اند و برخی گفته اند <انصاب> سنگهایی بوده که بر آستان بتها نصب می شده و جایگاه ذبح قربانی برای بتها بوده است و بدان جهت مشرکان آنها را مایه تبرک می پنداشتند و محترم می شمردند. <ازلام> جمع زلم (تیر قمار) از انواع وسائل قمار و بردو باخت به شمار می رفته است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۰ - ۱۳

۱۳ - بت ، مظهر رجس و پلیدی است .

فاجتنبوا الرجس من الأوثن

پلیدی خمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۰ - ۱

۱ شراب ، قمار ، بت ها و چوب های مخصوص برد و باخت ، به تمامی پلید و ناپاك اند .

انما الخمر و المیسر و الانصاب و الازلم رجس

<انصاب> جمع کلمه

نصب است، برخی آن را به معنای بت گرفته اند و برخی گفته اند <انصاب> سنگهایی بوده که بر آستان بتها نصب می شده و جایگاه ذبح قربانی برای بتها بوده است و بدان جهت مشرکان آنها را مایه تبرک می پنداشتند و محترم می شمردند. <ازلام> جمع زلم (تیر قمار) از انواع وسائل قمار و بردو باخت به شمار می رفته است.

پلیدی خوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۵ - ۹،۱۰

۹ خوک، حیوانی آلوده و کثیف و نجس که باید از آن اجتناب کرد.

إلا أن یکون . .. فإنه رجس

بنابراین که ضمیر <انه> به خنزیر برگردد، نه به لحم خنزیر. در لسان العرب آمده است: <الرجس، القذر و القذار ضد النظافه ... و رجس، نجس>.

۱۰ آلودگی و پلیدی گوشت مردار و خوک و خون، فلسفه تحریم آنها از سوی خداوند است.

إلا أن یکون . .. فإنه رجس

مرجع ضمیر <إنه> می تواند مجموعه آنچه در آیه ذکر شده، باشد. برداشت فوق بنابر این اساس است.

پلیدی خون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۵ - ۱۰

۱۰ آلودگی و پلیدی گوشت مردار و خوک و خون، فلسفه تحریم آنها از سوی خداوند است.

إلا أن یکون . .. فإنه رجس

مرجع ضمیر <إنه> می تواند مجموعه آنچه در آیه ذکر شده، باشد. برداشت فوق بنابر این اساس است.

پلیدی در مجاهدان غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۱ - ۸

۸ برخی از مجاهدان بدر گرفتار پلیدی

و نگرانیهایی از سوی شیطان بودند .

و یذهب عنکم رجز الشیطن

پلیدی زنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۲۴ - ۹

۹ نزدیکی با زنان شوهردار و ارتکاب زنا ، از گناهان بسیار زشت و پلید است .

لنصرف عنه السوء و الفحشاء

پلیدی زنا در ادیان آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۰ - ۷

۷- زنا ، عملی نامشروع و منفور در تمام ادیان الهی است .

و لم أک بغیًّا

پلیدی شرک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۶ - ۱۲

۱۲ - شرک ورزی ، دور شدن از طهارت و پاکی و آلوده شدن به پلیدی و ناپاکی است .

أن لاتشرک بی شیئًا و طهّر بیتی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۲۶ - ۲

۲ شرک ، سرآمد پلیدی ها و بارزترین جرم دوزخیان *

ألقیا فی جهنّم . .. الذی جعل مع اللّه إلهًا ءاخر

تعبیر <الـذی جعـل. ..> در پی اوصاف متعـدد دوزخیان می نمایـد که همه آن اوصاف، در شـرک نهفته است و جـدا آمـدن <الذی جعل...>، می تواند اشاره به اهمیت آن داشته باشد.

پلیدی شیاطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۱۱ - ۳

۳ - شرارت و پلیدی نهفته در نهاد شیاطین ، دلیل بیگانگی عمیق آنان بامفاهیم هدایتگر قرآن

و ما ینبغی لهم

مقصود از برداشت یاد شده این است که با توجه به محتوای هدایتگر و تکامل بخش قرآن

عرصه ای بر این اتهام که عناصر پلیدی چون شیاطین در آن دخالت داشته باشند باقی نمی ماند.

پلیدی شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۰ - ۸

۸ شیطان ، موجودی با کردار های پلید و ناپاک

رجس من عمل الشیطن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۴ - ۷

۷ - شیطان ، فریب کاری که پس از القای فکر پلید در انسان ، خود را کنار کشیده و متواری می شود .

من شرّ الوسواس الخنّاس

برای فعل <خَنَسَ> چند معنا ذکر شده است؛ از جمله: عقب نشینی کرد؛ بازگشت، متواری و غایب شد (لسان العرب). براساس این معانی، آیه شریفه ترسیمی از وسوسه گری های شیطان دارد که پس از هر وسوسه، خود را عقب کشیده، مخفی می شود؛ تا آن وسوسه کار خود را کرده و زمینه را برای وسوسه بعدی فراهم سازد.

پلیدی فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۱۷ - ۱

۱ - فرعون زمان موسی (ع) ، مردی طغیان گر و فرو رفته در پلیدی ها و گستاخ در برابر خداوند

إلی فرعون إنّه طغی

<طغیان>؛ یعنی، از حد گذراندن (مصباح) و مراد از <طغیان فرعون> به قرینه <تزکّی> و <فتخشی> در آیات بعد ناپاکی فرعون و بی باکی او، در برابر خداوند است.

پلیدی قمار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۹۰ – ۱

۱ شراب ، قمار ، بت ها و چوب

های مخصوص برد و باخت ، به تمامی پلید و ناپاک اند .

انما الخمر و المیسر و الانصاب و الازلم رجس

<انصاب> جمع کلمه نصب است، برخی آن را به معنای بت گرفته اند و برخی گفته اند <انصاب> سنگهایی بوده که بر آستان بتها نصب می شده و جایگاه ذبح قربانی برای بتها بوده است و بدان جهت مشرکان آنها را مایه تبرک می پنداشتند و محترم می شمردند. <ازلام> جمع زلم (تیر قمار) از انواع وسائل قمار و بردو باخت به شمار می رفته است.

پلیدی قوم عاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۱ - ۱،۲،۶،۷

۱ خداوند ، قوم عاد را به سبب شرکورزی و انکار رسالت هود به پلیدی گرفتار ساخت و بر آنان غضب کرد .

قال قد وقع علیکم من ربکم رجس و غضب

۲ هود (ع) در پاسخ ناباوری قوم عاد به اخطار های عذاب ، فراهم آمدن زمینه های عذاب (پلید گشتن و گرفتاری به غضب خدا) را به آنان ابلاغ کرد .

فأتنا بما تعدنا . .. قال قد وقع علیکم من ربکم رجس و غضب

۶ پلیدی و نکبت قوم عاد ، موجب غضب الهی بر آنان شد .

قال قد وقع علیکم من ربکم رجس و غضب

تقدیم ذکری <رجس> بر <غضب> می تواند حاکی از تقدم رتبی آن باشد.

۷ آلودگی قوم عاد به پلیدی و گرفتاری ایشان به خشم خدا ، مانع آنان از تصدیق رسالت هود و گرایش به توحید و یکتاپرستی

قال قد وقع علیکم من ربکم رجس و غضب

برداشت فوق بر اساس

این احتمال است که جمله <قد وقع . .. > به منزله دلیلی باشد بر کفرورزی قوم عاد، نه نتیجه ای برای انکار توحید و رسالت. یعنی هود با این جمله اشاره به ریشه عنادورزی آنان دارد.

پلیدی قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۴ - ۴

۴-قوم لوط ، به انواع پلیدی ها و ناپاکی های گسترده و اعمال و خصال پست و ناپسند مبتلا بودند .

و نجّینه من القریه التی کانت تعمل الخبئث

<خبائث> (جمع <خبیثه>) و از ماده <خبث> به معنای انواع پلیدی ها، ناپاکی ها، اعمال و خصال پست و ناپسند است (لسان العرب).

پلیدی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۷ - ۲

۲ کافران ستیزه گر با دین ، پلید هستند و اهل ایمان ، پاک .

لیمیز اللّه الخبیث من الطیب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۰ - ۴

۴ کافران و تکذیب کنندگان آیات الهی ، مردمی پلید هستند .

و یجعل الرجس علی الذین لایعقلون

پلیدی کفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۱ - ۳۶

۳۶ خداوند هرگز جان ودل ناپاک منافقان و یهودیان جاسوس و دروغپرداز را از آلودگی کفر و نفاق پاک نخواهد ساخت .

أولئک الذین لم یرد اللّه ان یطهر قلوبهم

پلیدی گناه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۷ - ۸

۸ - گناهان ، دارای مراتب متفاوت از حیث زشتی

وناپسندی

و لنجزینّهم أسوأ الذی کانوا یعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۷ - ۷

۷ - گناه ، هر چند کوچک و حقیر باشد ، از دیدگاه وحی بزرگ و قبیح است . *

یجتنبون کبئر الإثم

با توجه به اضافه صفت (کبائر) به موصوف (الإثم)، برداشت یاد شده به دست می آید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۳۵ - ۴

۴ - اسلام و تسلیم خدا بودن ، از ملاک های برتری و ارزشمندی و جرم و تبه کاری از معیار های پستی و ضدارزشی برای انسان ها است .

أفنجعل المسلمین کالمجرمین

پلیدی لواط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۸ - ۹

۹ لواط و همجنس بازی ، روشی پلید و ناپاک در اطفای غریزه جنسی

هؤلاء بناتی هنّ أطهر لکم

پلیدی متخلفان از جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۵ - ۸،۱۰

۸ منافقان متخلف از جهاد ، مظهر آلودگی و پلیدی

إنهم رجس

تعبیر <إنهم رجس> به جای <إنهم ذو رجس> بیانگر مبالغه است.

۱۰ پلیدی شدید منافقان جهادگریز ، ملاک وجوب اعراض و روی گردانی از آنان

فأعرضوا عنهم إنهم رجس

<إنهم رجس> در مقام تعلیل حکم به اعراض است.

پلیدی محرمات

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۰ - ۹

۹ پلیدی و ناپاکی کردار ، ملاک تحریم آنها در ادیان الهی

رجس من عمل الشیطن فاجتنبوه

پلیدی مردار

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۵ - ۱۰

۱۰ آلودگی و پلیدی گوشت مردار و خوک و خون، فلسفه تحریم آنها از سوی خداوند است.

إلا أن یکون . .. فإنه رجس

مرجع ضمیر <إنه> می تواند مجموعه آنچه در آیه ذکر شده، باشد. برداشت فوق بنابر این اساس است.

پلیدی مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۷ - ۵

۵ مشرکان ، مردمانی ناپاک و آلوده به کفر

شهدین علی أنفسهم بالکفر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۸ - ۱

۱ شرک ، مایه پلیدی است و مشرکان مردمانی پلیدند .

یأیها الذین ءامنوا إنما المشرکون نجس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۰ - ۶

۶- مشرکان ، به خاطر عدم ایمان به عالم آخرت ، زشت خصلتند .

للذین لایؤمنون بالأخره مثل السوء

قرار دادن موصول <الذین> به جای اسم ظاهر، مشعر به این مطلب است که متصف شدن آنان به زشت صفتی، به خاطر کفرشان است.

پلیدی مشرکان صدراسلام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – قمر – ۵۴ – ۴۳ – ۲

۲ – مشرکان عصر پیامبر ، در پلیدی و استحقاق عذاب ، همچون کافران هلاک شده پیشین (قوم های عاد ، ثمود ، لوط و فرعونیان)

أکفّارکم خیر من أُولئکم

پلیدی مکذبان آخرت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۶۰ – ۲

۲– غیر مؤمنان به عالم آخرت ، زشت صفت و بد سیرتند .

للذین لایؤمنون بالأخره مثل

السوء

مراد از <مثل السوء> چنان كه نوع مفسّران گفته اند صفت سوء و زشت است.

پليدى مكذبان آيات خدا

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - يونس - ۱۰ - ۱۰۰ - ۴

۴ كافران و تكذيب كنندگان آيات الهى ، مردمى پليد هستند .

و يجعل الرجس على الذين لايعقلون

پليدى منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۵۵ - ۷

۷ تعجب پيامبر (ص) نسبت به برخوردارى منافقان از امكانات مادى

فلا تعجبك أمولهم و لا أولدهم

ممكن است نهى در آيه متوجه شخص پيامبر(ص) باشد و يا متوجه همه كسانى كه صلاحيت دارند مخاطب خداوند قرار گيرند، برداشت فوق مبتنى بر احتمال اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۵۶ - ۵

۵ افشاى چهره منافقان صدر اسلام و ماهيت پليدشان از سوى خداوند براى مؤمنان

و يحلفون باللّه إنهم لمنكم و ما هم منكم

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۹۵ - ۸،۱۰

۸ منافقان متخلف از جهاد ، مظهر آلودگی و پلیدی

إنهم رجس

تعبیر <إنهم رجس> به جای <إنهم ذو رجس> بیانگر مبالغه است.

۱۰ پلیدی شدید منافقان جهادگریز ، ملاک وجوب اعراض و روی گردانی از آنان

فأعرضوا عنهم إنهم رجس

<إنهم رجس> در مقام تعلیل حکم به اعراض است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۵ - ۲

۲ منافقان ، دارای پلیدی باطن و بیماری دل

و أما الذین فی قلوبهم مرض فزادتهم رجساً إلی

رجسهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۲۷ – ۵

۵ نگرانی شدید منافقان از افشای ماهیت پلید و برملا شدن ناخشنودی آنان از آیات الهی ، نزد دیگران

هل یریکم من أحد ثم انصرفوا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – منافقون – ۶۳ – ۲ – ۸

۸ – سراسر زندگی منافقان ، آکنده از زشتی و نابه کاری است .

إنّهم ساء ما کانوا یعملون

پلیدی نفاق

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۴۱ – ۳۶

۳۶ خداوند هرگز جان ودل ناپاک منافقان و یهودیان جاسوس و دروغپرداز را از آلودگی کفر و نفاق پاک نخواهد ساخت .

أولئک الذین لم یرد اللّه ان یطهر قلوبهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۲۲۶ – ۲

۲ – زشتی دوگانگی و تضاد گفتار انسان با رفتار وی

و أنّهم یقولون ما لایفعلون

پلیدی همجنس بازی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۸ - ۹

۹ لواط و همجنس بازی ، روشی پلید و ناپاک در اطفای غریزه جنسی

هؤلاء بناتی هنّ أطهر لکم

تشخیص پلیدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۷ - ۶

۶ خداوند در پی جداسازی ناپاکان از پاکان ، آنان را در قیامت انباشته می کند و یکجا در جهنم فرومی افکند .

و یجعل الخبیث بعضه علی بعض فیرکمه جمیعا فیجعله فی جهنم

رکم (مصدر یرکم) به معنای جمع کردن چیزی و انباشته ساختن آن

است.

حرمت پلیدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۹۰ - ۹

۹ پلیدی و ناپاکی کردار ، ملاک تحریم آنها در ادیان الهی

رجس من عمل الشیطن فاجتنبوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴۵ - ۱۱

۱۱ حرمت خوردن هر چیز آلوده کثیف و پلید

إلا أن یکون . .. فإنه رجس

با توجه به اینکه <رجس> به عنوان ملاک و تعلیل حرمت موارد مذکور در آیه آورده شده، قابل تعمیم به همه مواردی است که رجس بودن آن ثابت شود.

زمینه پلیدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۹ - ۵

۵ - احساس بی نیازی از تعالیم دین ، زمینه ساز غفلت از خداوند و بی باکی از آلودگی به پلیدی ها است .

أمّا من استغنی . .. ألاّ یزّکّی ... و هو یخشی

زمینه ترک پلیدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۳ - ۵

۵ ترک گناه و پرهیز از بدی ها و آلودگیها ، تنها با توفیق و امداد های خداوند میسر است .

إن النفس لأمّاره بالسوء إلاّ ما رحم ربی

شناخت پلیدی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – شمس – ۹۱ – ۸ – ۳

۳ – تعادل قوا در ساختار روح انسان ، آماده سازنده آن برای آگاهی فطری به پلیدی ها و شناخت راه گریز از آنها است .

و ما سوّیها. فألهمها فجورها و تقویها

حرف <فاء> در <فألهمها> آن را بر تسویه (در آیه قبل)

تفریع کرده است، تا بیانگر این باشد که خداوند، در ابتدا روح انسان را از قدرت های هماهنگ برخوردار کرده; آن گاه بدی ها و راه محفوظ ماندن از آنها را به او الهام می کند. <تقوی> اسم مصدر است. فعل <اتّقیت>; یعنی، برحذر ماندم و خود را دور نگه داشتم (قاموس). بنابراین <تقواها>; یعنی، دور ماندن روح از فجور.

شناخت راههای نجات از پلیدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - شمس - ۹۱ - ۸ - ۳

۳ - تعادل قوا در ساختار روح انسان ، آماده سازنده آن برای آگاهی فطری به پلیدی ها و شناخت راه گریز از آنها است .

و ما سوّیها. فألهمها فجورها و تقویها

حرف <فاء> در <فألهمها> آن را بر تسویه (در آیه قبل) تفریع کرده است، تا بیانگر این باشد که خداوند، در ابتدا روح انسان را از قدرت های هماهنگ برخوردار کرده; آن گاه بدی ها و راه محفوظ ماندن از آنها را به او الهام می کند. <تقوی> اسم مصدر است. فعل <اتّقیت>; یعنی، برحذر ماندم و خود را دور نگه داشتم (قاموس). بنابراین <تقواها>; یعنی، دور ماندن روح از فجور.

عوامل پلیدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۱ - ۳

۳ شرکورزی و انکار رسالت انبیا ، موجب پلیدی انسان و روایی غضب خداوند بر اوست .

قد وقع علیکم من ربکم رجس و غضب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۱ - ۱۲

۱۲ شیطان ، مایه پلیدی ها و ناپاکیها

لیطهّرکم به و یذهب عنکم

رجز الشیطن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۸ - ۱

۱ شرک ، مایه پلیدی است و مشرکان مردمانی پلیدند .

یأیها الذین ءامنوا إنما المشرکون نجس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۳ - ۱۲

۱۲ دلبستگی به مال و عدم تمایل به پرداخت صدقه (زکات) نشانه آلودگی روح و عدم تکامل معنوی انسان

خذ من أمولهم صدقه تطهرهم و تزکیهم

از مفهوم آیه برداشت می شود که: تطهیر و تزکیه مورد نظر تنها با پرداخت زکات حاصل خواهد شد. بنابراین آنان که در نتیجه دلبستگی، از پرداخت آن سرباز می زنند، آلوده اند و رشد نخواهند یافت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۰ - ۶

۶ به کار نبستن عقل و خرد ، عامل آلودگی انسان به پلیدیهاست .

و یجعل الرجس علی الذین لایعقلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۱ - ۱۵

۱۵ - پیروی از شیطان و ارتکاب فحشا و منکرات ، مانع از رشد و بالندگی و مایه ناپاکی و انحطاط انسان است .

لاتتّبعوا خطوت الشیطن . .. فإنّه یأمر بالفحشاء و المنکر و لولا فضل اللّه علیکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ – تین – ۹۵ – ۷ – ۳

۳ – تکذیب روز جزا ، انسان را از هر موجودِ پستی ، فرومایه تر می سازد .

ثمّ رددنه أسفل سفلین . .. فما یکذّبک بعد بالدین

عوامل پلیدی منافقان

جلد – نام سوره –

سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۵ - ۱۳

۱۳ پلیدی منافقان و دوزخی بودن آنان ، نتیجه اعمال ناشایست و مستمر خود آنان است .

إنهم رجس و مأویهم جهنم جزاء بما کانوا یکسبون

عوامل پلیدی ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - عبس - ۸۰ - ۷ - ۶

۶ - بی نیاز دیدن خویش از تعالیم دین ، مصداق بارز ناپاکی و محرومیت از تزکیه است .

أمّا من استغنی . .. و ما علیک ألاّ یزّکّی

مبارزه با پلیدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۵ - ۹

۹ مؤمنان ، مکلف به اجتناب و دوری جستن از هر گونه پلیدی (پلیدی مادی و روحی) و مبارزه با آن

إنهم رجس

<رجس> (پلید) بودن، به عنوان علت وجوب اعراض از منافقان ذکر شده و این امر می نمایاند که اصولا اجتناب از هر گونه رجس واجب است.

مراتب پلیدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تین - ۹۵ - ۵ - ۷

۷ - پستی و سقوط از ارزش های انسانی و مقام های اخروی ، دارای مراتب گوناگون است .

أسفل سفلين

<سافلين> نكره و به معناى گروهى است كه مرتبه پستى دارند. چنانچه آن افراد نيز از جنس انسان باشند كه جمع عاقل بودن <سـافلين> نشانگر آن است مفاد آيه شـريفه اين مى شود كه: پستى داراى مراتب گوناگون است و برخى انسان ها در مقامى فرومايه تر از برخى ديگر قرار خواهند گرفت.

معرضان از پليدى

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۲۰ – تین – ۹۵ – ۶ – ۱

۱ – مؤمنانی که کار های شایسته انجام می دهند ، کمال های برتر خویش را از دست نداده ، از پستی ها دور مانده اند .

أحسن تقویم . .. أسفل سفلین . إلاّ الذین ءامنوا و عملوا الصلحت

منشأ پلیدی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – ق – ۵۰ – ۲۶ – ۲

۲ شرک ، سرآمد پلیدی ها و بارزترین جرم دوزخیان *

ألقیا فی جهنّم . .. الذی جعل مع اللّه إلهًا ءاخر

تعبیر <الذی جعل. ..> در پی اوصاف متعدد دوزخیان می نماید که همه آن اوصاف، در شرک نهفته است و جدا آمدن <الذی جعل...>، می تواند اشاره به اهمیت آن داشته باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ذاریات – ۵۱ – ۱۰ – ۳

۳ – انکار روز جزا ، زاینده پلیدی ها و تهی کننده زندگی انسان از ارزش حیات

قتل الخرّصون

نفرین الهی در جایی صورت می گیرد که فرد حقیقتاً ارزش حیات را از دست داده و مستحق مرگ شده باشد از این که <خرّاصون> (یاوه سرایان منکر معاد) نفرین شده اند، مطلب بالا استفاده می شود.

موانع پلیدی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ذاریات – ۵۱ – ۱۵ – ۵

۵ – پایبندی به ارزش ها و پرهیز از زشتی ها و پلیدی ها ، تنها در گرو اعتقاد به قیامت

إنّ المتقین فی جنّت و عیون

از تقابل میان <متقین> و <منکران معاد> که در آیات پیشین مطرح شده است به دست می آید که

تقوا در صورتی حاصل می شود که فرد، منکر قیامت نباشد; زیرا با انکار قیامت پایبندی به ارزش ها میسر نخواهد شد.

نشانه های پلیدی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۵ - ۸،۱۱

۸ منافقان متخلف از جهاد ، مظهر آلودگی و پلیدی

إنهم رجس

تعبیر <إنهم رجس> به جای <إنهم ذو رجس> بیانگر مبالغه است.

۱۱ تخلف از جهاد و سوگند دروغ ، علامت نفاق و نشانه پلیدی است .

یعتذرون إلیکم . .. سیحلفون باللّه ...إنهم رجس

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۵ - ۳

۳ کفر و نفاق ، نشان بیماری دل و پلیدی باطن است .

الذین فی قلوبهم مرض . .. رجسهم ... و هم کفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۶ - ۳

۳ - آلودگی به فحشا و زنا ، نشان خباثت (بدسرشتی و بد کرداری) انسان است .

الخبیثت للخبیثین و الخبیثون للخبیثت

نشانه های پلیدی منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۸ - ۹

۹ روی گردانی منافقان از پیامبر خیرخواه ، دلسوز و مهربان ، نشانه پلیدی و بیماردلی آنان

الذین فی قلوبهم مرض . .. صرف اللّه قلوبهم ... لقد جاءکم رسول من أنفسکم ... بالمؤ

پلیدی ها

عوامل پلیدی ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – عبس – ۸۰ – ۷ – ۶

۶ – بی نیاز دیدن خویش از تعالیم دین ، مصداق بارز ناپاکی و محرومیت از تزکیه

است .

أمّا من استغنى . .. و ما عليك ألاّ يزّكّى

پناهندگان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

پناهندگان

اطمینان پناهندگان به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - فلق - ۱۱۳ - ۱ - ۱۱

۱۱ - توجّه به ربوبیت خداوند و حاکمیت تدبیر او بر نظام هستی ، برانگیزاننده انسان به پناه بردن به او و اطمینان بخش و دلگرم سازنده پناهندگان است .

قل أعوذ بربّ الفلق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ناس - ۱۱۴ - ۲ - ۶

۶ - توجّه به حاکمیت فرمان های الهی بر انسان ، برانگیزاننده او به پناه بردن به خداوند و اطمینان بخش و دلگرم کننده پناه آورندگان است .

قل أعوذ . .. ملك الناس

حفظ امنیت پناهندگان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶ - ۷

۷ تضمین امنیت کفار محاربی که به منظور آشنایی با اسلام و معارف آن ، پناهنده شوند و بازگرداندن آنان به مراکز امنشان پس از دریافت معارف لازم است .

و إن أحد من المشركين استجارك . .. ثم أبلغه مأمنه

پناهندگی

احکام پناهندگی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۹۰ – ۲

۲ ممنوعیّت تعقیب و کشتن منافقان پناهنده ، به همپیمانان مسلمین

الّا الّذین یصلون الی قوم بینکم و بینهم میثاق

مراد از <یصلون>، می تواند پناهنده شدن منافقان به همپیمانان مسلمین باشد. چون <یصلون> را به منافقان اسناد داده، نه به همپیمانان.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۶ – ۲،۷

۲ لزوم پذیرش

پناهندگی کفار محاربی که به منظور آشنایی با معارف اسلام ، درخواست پناهندگی می کنند .

و إن أحد من المشرکین استجارک فأجره حتی یسمع کلم اللّه

۷ تضمین امنیت کفار محاربی که به منظور آشنایی با اسلام و معارف آن ، پناهنده شوند و بازگرداندن آنان به مراکز امنشان پس از دریافت معارف لازم است .

و إن أحد من المشرکین استجارک . .. ثم أبلغه مأمنه

پناهندگی پسر نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۳ - ۲،۴

۲ فرزند نوح ، مأوا گرفتن در کوه را مایه نجات از حادثه طوفان می پنداشت .

قال سأوی إلی جبل یعصمنی من الماء

<اُویّ> (مصدر آوی) به معنای رجوع کردن و منضم شدن و جای گرفتن است و <عصمه> (مصدر یعصم) به معنای منع کردن و بازداشتن است. بنابراین <سأوی ...>; یعنی ، به زودی به کوهی می روم که مرا از [خطر] این آب باز دارد.

۴ نوح (ع) ، فرزندش را از بی ثمربودن صعود بر کوه و منحصر بودن راه نجات در بهره جستن از امداد الهی ، آگاه ساخت .

لاعاصم الیوم من أمر الله إلاّ من رحم

قبول پناهندگی کافران محارب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۶ - ۲

۲ لزوم پذیرش پناهندگی کفار محاربی که به منظور آشنایی با معارف اسلام ، درخواست پناهندگی می کنند .

و إن أحد من المشرکین استجارک فأجره حتی یسمع کلم اللّه

پندار از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

پندار

پندار استبعاد معاد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – انشقاق – ۸۴

- ۱۴ - ۳

۳ - جاودانه پنداشتن دنیا و استبعاد معاد از سوی ناباوران ، بر پایه گمان است ; نه برهان و یقین .

إنّه ظنّ

پندار باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷ - ۲

۲- منافات داشتن پیامبری با بشر بودن ، پندار باطل مشرکان

هل هذا إلّابشر مثلکم . .. ما أرسلنا قبلک إلّارجالاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸ - ۴

۴- بی نیازی پیامبران از تغذیه و جاودانگی آنان در دنیا ، پندار باطل مشرکان

و ما جعلنهم جسدًا لایأکلون الطعام و ما کانوا خلدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۲ - ۶

۶ - پندار مبتلا نشدن به سختی ، به صرف ایمان آوردن ، پنداری باطل است .

أحسب الناس أن یترکوا أن یقولوا ءامنّا و هم لایفتنون

<فتن> به دو معنای <اختبار و آزمون> و <گرفتاری در شدت و سختی> آمده است (مفردات راغب). برداشت بالا، بنابر احتمال دوم است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴ - ۱،۳،۴،۹

۱ - پندار بدکاران در گریز از مجازات الهی ، پنداری باطل است .

أم حسب الذین یعملون السیّئات أن یسبقونا

<أم> در <أم حسب> منقطعه و به معنـای <بل اضـراب> است و معنای انتقال را می هـد. انتقال، از <انکار پنـدار آزموده نشدن، به مجرد ایمان> به <انکار عدم مجازات>، است. مراد از <سـبقت از خدا> یا کنایه از <مغلوب ساختن دین خدا> است و یا <گریز از خدا>. به قرینه این

که در آیه، سخن از گناه است، <گریز از عذاب خدا> مراد است و برداشت بالا، مبتنی بر همین احتمال است.

۳ - پندار کافران در غلبه بر دین خدا ، پنداری خام و باطل است .

أم حسب الذین یعملون السیّئات أن یسبقونا

به قرینه آیات قبل که در آنها از مدعیان ایمان و پندارشان سخن گفته شده است، مراد از <یعملون السیّئات> می تواند <کافران> باشد.

۴ - پندار کافران برای رهایی از کیفر الهی ، پنداری خام و باطل است .

أم حسب الذین یعملون السیّئات أن یسبقونا

۹ - پندار امکان گریز از مجازات الهی ، پنداری ناشایست است .

أم حسب الذین یعملون السیّئات أن یسبقونا ساء ما یحکمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۳ - ۲

۲ - پندار عدم توانایی خداوند بر جمع آوری استخوان های مردگان و زنده کردن آنها ، باطل و بی اساس است .

أیحسب الإنسن ألّن نجمع عظامه

پندار بدکاران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۴ - ۱

۱ - پندار بدکاران در گریز از مجازات الهی ، پنداری باطل است .

أم حسب الذین یعملون السیّئات أن یسبقونا

<أم> در <أم حسب> منقطعه و به معنای <بل اضراب> است و معنای انتقال را می هد. انتقال، از <انکار پندار آزموده نشدن، به مجرد ایمان> به <انکار عدم مجازات>، است. مراد از <سبقت از خدا> یا کنایه از <مغلوب ساختن دین خدا> است و یا <گریز از خدا>. به قرینه این که در آیه، سخن از گناه است، <گریز از عذاب خدا> مراد است و برداشت بالا،

مبتنی بر همین احتمال است.

پندار جاودانگی دنیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۴ - ۳،۴

۳ - جاودانه پنداشتن دنیا و استبعاد معاد از سوی ناباوران ، بر پایه گمان است ; نه برهان و یقین .

إنّه ظنّ

۴ - جاودانه پنداشتن دنیا و بعید شمردن معاد ، ریشه دل خوشی های نابجا و دلبستگی به خانواده و خاندان است .

إنّه کان فی أهله مسرورًا . إنّه ظنّ أن لن یحور

حرف <إنّ> در <إنّه ظنّ>، برای بیان علت سُروری است که در <کان فی أهله مسروراً> بیان شده است.

پندار جاودانگی نعمت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۳۵ - ۷،۹

۷- ثروت مند مغرور ، باغ و بوستان و نعمت های خود را جاودانه و فناناپذیر می پنداشت .

قال ما أظنّ أن تبید هذه أبدًا

<تبید> از <بید> به معنای هلاک و نابود شدن است.

۹- ثروت مندان و قدرت مندان ، در خطر پندار جاودانگی نعمت ها در دنیایند .

أنا أکثر منک مالاً . .. قال ما أظنّ أن تبید هذه أبدًا

داستان مذکور در آیه، چه واقعی باشد و چه سمبلیک، بیان خصلت های آدمی و واکنش های او در شرایط مختلف است. از جمله این خصلت ها آن است که وقتی در اوج رفاه قرار گیرد و اموال خود را در اطراف خود مشاهده کند، چنین می پندارد که نعمت های اطراف او جاودانه هستند.

پندار سلطه بر خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۵۹ – ۶

۶ پندار غلبه

بر خدا با کفرورزی و تمرّد از دستورات او و شکستن پیمان های پیامبر (ص) ، پندار یهودیان کفرپیشه و اندیشه ای ناصواب

و لایحسبن الذین کفروا سبقوا

چنانچه در آیه ۵۶ گذشت، مشهور مفسران برآنند که مراد از نقض کنندگان پیمان در این بخش از آیات، یهودیان هستند. بنابراین یهودیان مصداق مورد نظر از <الذین کفروا> هستند.

پندار عجز خدا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – قیامه – ۷۵ – ۳ – ۱،۲

۱ – انکار قیامت ، برخاسته از پندار کافران به ناتوان بودن خداوند بر گردآوری استخوان های مردگان و احیای مجدد آنها

أیحسب الإنسن ألّن نجمع عظامه

مقصود از انسان در این آیه برابر نظر مفسران و به قرینه مقام انسان کافر است; نه همه انسان ها.

۲ – پندار عدم توانایی خداوند بر جمع آوری استخوان های مردگان و زنده کردن آنها ، باطل و بی اساس است .

أیحسب الإنسن ألّن نجمع عظامه

پندار کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۴ – ۳،۴

۳ – پندار کافران در غلبه بر دین خدا ، پنداری خام و باطل است .

أم حسب الذین یعملون السیّئات أن یسبقونا

به قرینه آیات قبل که در آنها از مدعیان ایمان و پندارشان سخن گفته شده است، مراد از <یعملون السیّئات> می تواند <کافران> باشد.

۴ – پندار کافران برای رهایی از کیفر الهی ، پنداری خام و باطل است .

أم حسب الذین یعملون السیّئات أن یسبقونا

پندار مشرکان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۷ – ۲

۲– منافات داشتن

پیامبری با بشر بودن ، پندار باطل مشرکان

هل هذا إلّابشر مثلکم . .. ما أرسلنا قبلک إلّارجالاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۸ - ۴

۴- بی نیازی پیامبران از تغذیه و جاودانگی آنان در دنیا ، پندار باطل مشرکان

و ما جعلنهم جسدًا لایأکلون الطعام و ما کانوا خلدین

پندار مکذبان معاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - انشقاق - ۸۴ - ۱۴ - ۳

۳ - جاودانه پنداشتن دنیا و استبعاد معاد از سوی ناباوران ، بر پایه گمان است ; نه برهان و یقین .

إنّه ظنّ

پندار منفعت رسانی به خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۲ - ۱۶،۱۷

۱۶ - خداوند ، در تکلیف بندگان به نماز ، برای خود سودی در نظر نداشته و به فکر تأمین رزق و آذوقه برای خود نبوده است .

وأمر أهلک بالصلوه . .. لانسَلک رزقًا

مفاد جمله <لانسئلک رزقاً> ممکن است این باشد که ما با فرمان نماز، نمی خواهیم از تو رزقی را طلب کنیم و نیاز خود را بر آورده سازیم.

۱۷ - توجه به نیاز همه بندگان به خداوند در تأمین معاش ، از میان برنده پندار بهره بردن خداوند از عبادت بندگان است .

لانسَلک رزقًا نحن نرزقک

در برداشت یـاد شـده جمله <نحن نرزقـک> به منزله تعلیـل برای جمله قبـل است; یعنی، چون رزق تو به دست مـا تأمین می شود، پس روشن است که ما در فرمان نماز، درپی کسب روزی از جانب تو نیستیم.

پندار یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۶ - ۱۹

۱۹ یهودیان تحریفگر به پندار خیر و صلاح خویش در صدد آزار رساندن به پیامبر (ص) و ضربه زدن به اسلام بودند .

من الذین هادوا . .. لکان خیراً لهم و اقوم

رد پندار عجز خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قیامه - ۷۵ - ۴ - ۱

۱ - رد پندار منکران معاد (پندار عدم توانایی خدا بر گردآوری استخوان های مردگان و احیای مجدد آنها) از سوی خداوند

أیحسب الإنسن . .. بلی قدرین

پوچ گرایان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

پوچ گرایان

بی ارزشی پوچ گرایان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۸۳ - ۶

۶ - انسانِ بیهوده گرای حق ستیز ، فاقد ارج و منزلت در پیشگاه پروردگار

فذرهم یخوضوا

تعبیر <فذرهم> دربردارنده معنای تحقیر است.

پوچ گرایی

آثار پوچ گرایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ – جاثیه – ۴۵ – ۲۷ – ۸

۸ – پوچ انگاری و باطل گرایی انسان ها ، دارای پیوند با شک و ناباوری آنان نسبت به قیامت

لاریب فیه و لکنّ . .. لایعلمون ... یومئذ یخسر المبطلون

در آیه قبل شک در معاد، معلول جهل دانسته شد و در این آیه تعبیر <مبطلون> منطبق بر همان جاهلانی است که در آن جا یاد شده اند.

روش درمان احساس پوچ گرایی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۳۶ – ۷

۷- ایمان و تقوا ، تنها درمان احساس پوچی و بیهودگی انسان در زندگی دنیوی

إنّما الحیوه الدنیا لعب و

لهو و إن تؤمنوا و تتّقوا يؤتكم أجوركم

با توجه به این که گاهی انسان ها خود به حقیقت کلام الهی پی برده و به پوچی زندگی دنیایی می رسند و در آن جااحساس بن بست می کنند; این پیام الهی (إن تؤمنوا و تتّقوا يؤتكم أجوركم) آنان را از بن بست رهانیده و فرجامی بایسته را در پیش چشمشان ترسیم می کند.

عوامل پوچ گرایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۸ - ۴

۴ - نگرش سطحی به حیات دنیا ، عامل بیهوده پنداری آن است .

يعلمون ظهرًا من الحيوه الدنيا . .. أَوَلم يتفكّروا ... ما خلق اللّه السموت و ا

در آیه قبل، سخن از سطحی نگری به میان آمده است و در این آیه، آنان توبیخ شده اند که <چرا در خلق عالم نمی اندیشند تا به حقانیّت آفرینش آن پی ببرند؟>، چنین توبیخی، اشعار به نکته یاد شده دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۶ - ۷

۷ - جهل و نادانی ، عامل کشیده شدن انسان به ورطه لهو و بیهودگی است .

يشترى لهو الحديث . .. بغير علم

منشأ پوچ گرایی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۹ - ۵

۵- ماندگار شدن در شک و تردید نسبت به حقایق دین ، سرچشمه نگاه بازیگرانه به هستی و انسان

إن كنتم موقنين . .. فى شكّ يلعبون

پوست از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

پوست

آگاهی پوست از عمل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۲۰ –

۴ - آگاهی گوش ، چشم و پوست آدمی ، از اعمال و رفتار او

شهد علیهم سمعهم و أبصرهم و جلودهم بما کانوا یعملون

گفتنی است که گواهی دادن فرع بر آن است که گواهی دهنده به آنچه گواهی می دهد آگاه باشد.

پوست جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۱۰۴ - ۲،۳

۲ - جمع شدن پوست لب ها و صورت دوزخیان ، با رسیدن حرارت آتش دوزخ

تلفح وجوههم النار و هم فیها کلحون

<کالح> (مفرد <کالحون>) به کسی گفته می شود که لب هایش از هم فاصله داشته و دندان هایش آشکار باشد.

۳ - بدمنظری دوزخیان ، در نتیجه جمع شدن پوست صورت و لب های آنها و آشکار ماندن دندان هایشان

تلفح وجوههم النار و هم فیها کلحون

<کالح> ظاهراً کنایه از زشت رویی و بدمنظری دوزخیان است.

پوست قربانی حج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۸ - ۲۳

۲۳ - < عن صفوان بن یحیی الأرزق قال : قلت لأبی إبراهیم (ع) : الرجل یعطی الاضحیه من یسلخها بجلد ها قال : لابأس به ، إنّما قال اللّه عزّوجلّ < فکلوا منها و أطعموا > و الجلد لایؤکل و لایطعم ;

صفوان بن یحیی می گوید: به امام کاظم(ع) گفتم: شخص، قربانی را می دهد به کسی که آن را سلاّخی کند، در مقابل پوست آن که پوست را مزد خود بردارد [حکمش چیست؟] فرمود: مانعی ندارد; زیرا خدای عزّوجلّ فرموده است: <فکلوا منها و أطعموا> و پوست نه خورده می شود و نه (به وسیله

آن) اطعام می شود>.

جدایی پوست سر جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - معارج - ۷۰ - ۱۶ - ۱،۲

۱ - آتش دوزخ ، به شدت اندام دوزخیان را جدا کرده و پوست سر آنان را برمی کند .

نزّاعه للشوی

<نزّاعه> به چیزی می گویند که پی درپی جدا و قطع می کند. <شوی> در معنای دست ها، پاها، اطراف و هر عضوی از بدن که قطع آن موجب مرگ نشود، استعمال می شود و ممکن است جمع <شواه> (پوست سر) باشد.

۲ - اندام مجرمان ، در آتش دوزخ به شدّت جدا و پوست سر آنان برکنده می شود .

نزّاعه للشوی

دگرگونی پوست جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۲۹ - ۱

۱ - آتش دوزخ ، پوست های بدن دوزخیان را به شدت دگرگون می سازد .

لوّاحه للبشر

<لوّاحه> صیغه مبالغه و از ماده <لوح> (تغییر و دگرگونی) است و <بشر>، جمع <بشره> به معنای ظاهر پوست بدن است.

ذوب پوست جهنمیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۲۰ - ۱

۱ - گداخته شدن پوست و امعا و احشای اهل دوزخ با آب داغ ، یکی دیگر از عذاب های مقرر برای آنان

یصهر به ما فی بطونهم و الجلود

<صَهر> (مصدر مجهول <یُصهر>) به معنای گداخته شدن است. ضمیر <به> به <حمیم> بازمی گردد و <ما> در عبارت <ما فی بطونهم> کنایه از امعا و احشا است; یعنی، با آن آب داغ که بر سرشان ریخته می شود پوست و آنچه در میان شکم

آنان است، گداخته خواهد شد.

شگفتی گواهی اخروی پوست

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۱ - ۳

۳ - گواهی پوست بدن گناه کاران علیه آنان در قیامت ، امری شگفت و دور از انتظار برای ایشان

و قالوا لجلودهم لِمَ شهدتم علینا

استفهام در <لِمَ شهدتم> می تواند در مقام تعجب و شگفتی باشد.

فواید پوست چهارپایان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۰ - ۵،۶

۵- آفرینش دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) ، به گونه ای که از پوست آنها خانه و سرپناه سبک و قابل انتقال (برای عشایر و صحرانشین) ساخته شود ، به قدرت خداست .

و الله . .. جعل لکم من جلود الأنعم بیوتًا تستخفّونها یوم ظعنکم و یوم إقامتکم

۶- بهرهوری انسان ، از پوست دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) برای ساختن سرپناه سبک و قابل انتقال ، از نعمت های الهی است .

و جعل لکم من جلود الأنعم بیوتًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۸۰ - ۱

۱ - دام ها ، غیر از سوار شدن و خوردن ، دارای منافع و فواید گوناگون دیگری (استفاده از شیر ، پشم ، پوست و . . .) می باشند .

جعل لکم الأنعم لترکبوا . .. و لکم فیها منفع

فواید پوست شتر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۸۰ – ۵،۶

۵- آفرینش دام ها (شتر ، گاو و

گوسفند) ، به گونه ای که از پوست آنها خانه و سرپناه سبک و قابل انتقال (برای عشایر و صحرانشین) ساخته شود ، به قدرت خداست .

و الله . .. جعل لکم من جلود الأنعم بیوتًا تستخفّونها یوم ظعنکم و یوم إقامتکم

۶- بهروری انسان ، از پوست دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) برای ساختن سرپناه سبک و قابل انتقال ، از نعمت های الهی است .

و جعل لکم من جلود الأنعم بیوتًا

فواید پوست گاو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۰ - ۵،۶

۵- آفرینش دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) ، به گونه ای که از پوست آنها خانه و سرپناه سبک و قابل انتقال (برای عشایر و صحرانشین) ساخته شود ، به قدرت خداست .

و الله . .. جعل لکم من جلود الأنعم بیوتًا تستخفّونها یوم ظعنکم و یوم إقامتکم

۶- بهروری انسان ، از پوست دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) برای ساختن سرپناه سبک و قابل انتقال ، از نعمت های الهی است .

و جعل لکم من جلود الأنعم بیوتًا

فواید پوست گوسفند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۰ - ۵،۶

۵- آفرینش دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) ، به گونه ای که از پوست آنها خانه و سرپناه سبک و قابل انتقال (برای عشایر و صحرانشین) ساخته شود ، به قدرت خداست .

و الله . .. جعل لکم من جلود الأنعم بیوتًا تستخفّونها یوم

ظعنکم و یوم إقامتکم

۶- بهرهوری انسـان ، از پوست دام ها (شتر ، گاو و گوسـفند) برای ساختن سـرپناه سـبک و قابل انتقال ، از نعمت های الهی است .

و جعل لکم من جلود الأنعم بیوتًا

کیفر با پوست

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۵۶ – ۹

۹ رویش مجدد پوست ، وسیله تداوم چشاندن عذاب به دوزخیان

کلّما نضجت جلودهم بدّلناهم جلوداً غیرها لیذقوا العذاب

گلایه اخروی از پوست

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۲۱ – ۲

۲ – گلایه دشمنان خدا ، در قیامت ، از پوست بدن خود به خاطر شهادت علیه ایشان

و قالوا لجلودهم لم شهدتم علینا

<لِمَ> مرکب از لام علت و مای استفهامیه است. استفهام در <لِمَ شهدتم> می تواند توبیخی باشد که در این صورت حاکی از اعتراض، گلایه و سرزنش است.

گواهی اخروی پوست

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۲۰ – ۳

۳ – گوش ، چشم و پوست دشمنان خدا ، در قیامت علیه آنان شهادت خواهند داد .

و یوم یحشر أعداء اللّه . .. شهد علیهم سمعهم و أبصرهم و جلودهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۱ - ۲

۲ - گلایه دشمنان خدا ، در قیامت ، از پوست بدن خود به خاطر شهادت علیه ایشان

و قالوا لجلودهم لم شهدتم علینا

<لِمَ> مرکب از لام علت و مای استفهامیه است. استفهام در <لِمَ شهدتم> می تواند توبیخی باشد که در این صورت

حاکی از اعتراض، گلایه و سرزنش است.

نعمت پوست شتر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۰ - ۶

۶- بهره‌وری انسان ، از پوست دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) برای ساختن سرپناه سبک و قابل انتقال ، از نعمت های الهی است .

و جعل لکم من جلود الأنعم بیوتًا

نعمت پوست گاو

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۰ - ۶

۶- بهره‌وری انسان ، از پوست دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) برای ساختن سرپناه سبک و قابل انتقال ، از نعمت های الهی است .

و جعل لکم من جلود الأنعم بیوتًا

نعمت پوست گوسفند

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸۰ - ۶

۶- بهره‌وری انسان ، از پوست دام ها (شتر ، گاو و گوسفند) برای ساختن سرپناه سبک و قابل انتقال ، از نعمت های الهی است .

و جعل لکم من جلود الأنعم بیوتًا

پوشاک از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

پوشاك

اهمیت پوشاک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۶ - ۳

۳ پوشاک، از نیازهای اساسی زندگی انسان

یبنی ءادم قد أنزلنا علیکم لباسا

خداوند پس از بیان خلقت انسان، نعمت پوشاک را یادآور شده تا به اهمیت خاص آن اشاره کرده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶ - ۴

۴- غذا و پوشاک ، نیازی مقدم بر زیبایی خواص و جمال طلبی است . *

لکم فیها دفءٌ و منفع

و منها تأكلون . و لكم فيها جمال حين تريحون و حين تسرحون

با توجه به اینکه حیوانات هم باعث جمال و هم تأمین کننده غذا و پوشاکند، تقدّم ذکری لباس و غذا در مقام امتنان، ممکن است اشاره به مطلب فوق داشته باشد.

پوشاک آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۸ - ۲

۲ - آدم (ع) و حوا در بهشت مسکونی خود نیازمند خوراک و پوشاک بودند .

إنّ لک ألّاتجوع فیها و لاتعری

اختصاص یافتن فعل ها به آدم(ع) شاید به این جهت باشد که اصل سخن خداوند متوجه آدم(ع) بوده است و تنها در مواردی افعال تثنیه آمده که چاره ای جز آن نبوده است. بنابراین، حوا نیز مانند آدم(ع) از نظر غذا و پوشاک تأمین بود.

پوشاک حوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۸ - ۲

۲ - آدم (ع) و حوا در بهشت مسکونی خود نیازمند خوراک و پوشاک بودند .

إنّ لک ألّاتجوع فیها و لاتعری

اختصاص یافتن فعل ها به آدم(ع) شاید به این جهت باشد که اصل سخن خداوند متوجه آدم(ع) بوده است و تنها در مواردی افعال تثنیه آمده که چاره ای جز آن نبوده است. بنابراین، حوا نیز مانند آدم(ع) از نظر غذا و پوشاک تأمین بود.

پوشاک در بهشت آدم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۱۸ - ۱

۱ - آدم (ع) در بهشت خویش از نظر غذا و پوشاک تأمین بود .

إنّ لك ألّاتجوع فيها و لاتعرى

تعبير

<إنّ لك. ..> وعده ای از جانب خداوند به آدم(ع) است و بیان خاصیت بهشت نمی باشد; زیرا خوردن از درخت ممنوع سبب شد که آدم(ع) در همین بهشت عریان شود و وعده <لاتعری> در حق او عملی نگردد.

پوشاك در کفّاره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۹ - ۷،۸،۱۰،۱۴،۳۰،۳۱،۳۲

۷ تغذیه ده مسکین و یا تهیه پوشاك برای آنان و یا آزاد کردن یك برده کفاره شکستن سوگند

فکفّرته اطعام عشره مسکین . .. اهلیکم او کسوتهم او تحریر رقبه

۸ شکننده قسم ، مخیّر در برگزیدن هر یک از انواع سه گانه کفاره قسم (تغذیه مساکین ، تهیه پوشاك برای آنان و آزاد کردن برده)

فکفّرته اطعام عشره مسکین . .. او کسوتهم او تحریر رقبه

تفریع جمله <فمن لم یجد> بر جملات پیشین تصریح به این دارد که مکلف در انتخاب هر یك از موارد سه گانه مخیّر است چنانچه فرموده بود <او صیام ثلثه ایام> احتمال لزوم مراعات ترتیب بین آن موارد وجود داشت.

۱۰ پوشاك متعارف در خانواده شکننده سوگند ، پوشاکی است که وی می تواند برای کفاره قسم خویش بپردازد .

من اوسط ما تطعمون اهلیکم او کسوتهم

بیان نوع خوراك در مورد اطعام می تواند قرینه ای برای نوع پوشاك نیز باشد.

۱۴ کفاره شکستن سوگند در صورت ناتوانی از اطعام ده مسکین و یا تهیه پوشاك برای آنان و یا آزاد کردن برده ، سه روز روزه گرفتن است .

فمن لم یجد فصیام ثلثه ایام

۳۰ لزوم رعایت تناسب کیفیت پوشاکی که در کفاره قسم داده می شود

با فصل سال (تابستان و زمستان) و مرد یا زن بودن فقیر

فکفّرته . .. او کسوتهم

از امام باقر یا امام صادق علیهما السلام در توضیح آیه فوق روایت شده: . .. و اما کسوتهم فان وافقت به التشاء فکسوته، و ان وافقت به الصیف فکسوته، لکل مسکین ازار و رداء و للمراه ما یواری ما یحرم منها ازار و خمار و درع ... .

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۳۷، ح ۱۶۷; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۹۶، ح ۱۲.

۳۱ بالا-پوش و پایین پوش برای مرد و مقدار پوشش لازم (پیراهن ، روسری و پایین پوش) برای زن ، پوشاکی که در کفاره قسم داده می شود .

فکفّرته . .. او کسوتهم

از امام باقر یا امام صادق علیهما السلام در توضیح آیه فوق روایت شده: . .. و اما کسوتهم ... لکل مسکین ازار و رداء و للمراه ما یواری ما یحرم منها ازار و خمار و درع ... .

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۳۷، ح ۱۶۷; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۹۶، ح ۱۲.

۳۲ یک نوبت غذای سیر یا یک تن پوش ، حداقل کفاره قسم که به هر یک از ده مسکین داده می شود .

فکفّرته اطعام عشره مسکین من اوسط ما تطعمون اهلیکم او کسوتهم

امام باقر(ع) در توضیح معنی <اوسط> در آیه فوق فرمود: . .. تشبعهم به مره واحده. قلت: کسوتهم؟ قال: ثوب واحد.

کافی، ج ۷، ص ۴۵۴، ح ۱۴; نورالثقلین، ج ۱، ص ۶۶۷، ح ۳۳۴.

پوشاک زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۹ - ۳۱

بالاپوش و پایین پوش برای مرد و مقدار پوشش لازم (پیراهن ، روسری و پایین پوش) برای زن ، پوشاکی که در کفاره قسم داده می شود .

فکفّرته . .. او کسوتهم

از امام باقر یا امام صادق علیهما السلام در توضیح آیه فوق روایت شده: . .. و اما کسوتهم ... لکل مسکین ازار و رداء و للمراه ما یواری ما یحرم منها ازار و خمار و درع ... .

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۳۷، ح ۱۶۷; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۹۶، ح ۱۲.

پوشاک زیبا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – اعراف – ۷ – ۲۶ – ۲،۵

۲ لباسهایی که زشتیهای آدمی را مستور می دارد و لباسهای زینتی، از نعمتهای خداوند است.

قد أنزلنا علیکم لباسا یوری سوءتکم و ریشا

<ریش> به معنای پسر پرندگان است، و از آنجا که پرهای پرندگان پوشش و زینت آنهاست، به این مناسبت در مورد لباس زینتی به کار برده می شود.

۵ آراسته ساختن خویش با پوشاکهای زیبا، مطلوب و محبوب خداوند است.

قد أنزلنا علیکم . .. و ریشا

پوشاک مباح

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۱۴ – ۴

۴– استفاده از مظاهر طبیعت ، برای خوراک ، پوشاک و زیورآلات مباح است .

لتأکلوا منه لحمًا طریًّا و تستخرجوا منه حلیه تلبسونها

پوشاک مرد

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۸۹ – ۳۱

۳۱ بالاپوش و پایین پوش برای مرد و مقدار پوشش لازم (پیراهن ، روسری و پایین پوش) برای

زن ، پوشاکی که در کفاره قسم داده می شود .

فکفّرته . .. او کسوتهم

از امام باقر یا امام صادق علیهما السلام در توضیح آیه فوق روایت شده: . .. و اما کسوتهم ... لکل مسکین ازار و رداء و للمراه ما یواری ما یحرم منها ازار و خمار و درع ... .

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۳۳۷، ح ۱۶۷; تفسیر برهان، ج ۱، ص ۴۹۶، ح ۱۲.

پوشاک مساکین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۸۹ - ۸

۸ شکننده قسم ، مخیّر در برگزیدن هر یک از انواع سه گانه کفاره قسم (تغذیه مساکین ، تهیه پوشاک برای آنان و آزاد کردن برده)

فکفّرته اطعام عشره مسکین . .. او کسوتهم او تحریر رقبه

تفریع جمله <فمن لم یجد> بر جملات پیشین تصریح به این دارد که مکلف در انتخاب هر یک از موارد سه گانه مخیّر است چنانچه فرموده بود <او صیام ثلثه ایام> احتمال لزوم مراعات ترتیب بین آن موارد وجود داشت.

نعمت پوشاک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۶ - ۲

۲ لباسهایی که زشتیهای آدمی را مستور می دارد و لباسهای زینتی، از نعمتهای خداوند است.

قد أنزلنا علیکم لباسا یوری سوءتکم و ریشا

<ریش> به معنای پسر پرندگان است، و از آنجا که پرهای پرندگان پوشش و زینت آنهاست، به این مناسبت در مورد لباس زینتی به کار برده می شود.

نیاز به پوشاک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۱۱۸ – ۲،۳

۲ – آدم

(ع) و حوا در بهشت مسکونی خود نیازمند خوراک و پوشاک بودند .

إنّ لک ألاّتجوع فیها و لاتعری

اختصاص یافتن فعل ها به آدم(ع) شاید به این جهت باشد که اصل سخن خداوند متوجه آدم(ع) بوده است و تنها در مواردی افعال تثنیه آمده که چاره ای جز آن نبوده است. بنابراین، حوا نیز مانند آدم(ع) از نظر غذا و پوشاک تأمین بود.

۳ - غذا و پوشاک از آغاز آفرینش انسان از جمله نیاز های اصلی او بوده است .

إنّ لک ألاّتجوع فیها و لاتعری

پوشش از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

پوشش

ارزش رعایت پوشش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۱۷ - ۶

۶- پرهیز از بدن نمایی و اهتمام به مستور داشتن خویش به هنگام عبادت ، خصلتی ارزنده برای بانوان است .

فاتّخذت من دونهم حجابًا فأرسلنا إلیها روحنا

حضرت مریم(س) به مکانی می رود که از انظار دور باشد و هنگام عبادت با نامحرمان برخوردی نداشته باشد.

پوشش آسمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - تکویر - ۸۱ - ۱۱ - ۲

۲ - آسمان ، همچون سقفی فراگیر و پوسته ای پوشاننده و قابل ازاله است .

و إذا السماء کشطت

پوشش پا در حجاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۱ - ۲۹

۲۹ - بر زنان مؤمن ، پوشاندن پا تا مچ و زینت های آن (مانند خلخال) واجب است .

و لایضربن بأرجلهنّ لیعلم ما یخفین من زینتهنّ

پوشش خوشه های خرما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - رحمن - ۵۵ - ۱۱

۵ – پوشش زیبای خوشه های خرما توسط غلاف ، جلوه ای از رحمت گسترده خداوند

الرحمن . .. فیها فکهه و النخل ذات الأکمام

پوشش در عبادت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۱۷ – ۶

۶- پرهیز از بدن نمایی و اهتمام به مستور داشتن خویش به هنگام عبادت ، خصلتی ارزنده برای بانوان است .

فاتّخذت من دونهم حجابًا فأرسلنا إلیها روحنا

حضرت مریم(س) به مکانی می رود که از انظار دور باشد و هنگام عبادت با نامحرمان برخوردی نداشته باشد.

پوشش روز با شب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر – ۳۹ – ۵ – ۴

۴ – خداوند ، شب را چون پرده ای بر روز و روز را بر شب می نهد .

یکوّر الّیل علی النهار و یکوّر النهار علی الّیل

<تکویر> (مصدر <یکوّر>) در اصل به معنای پیچیدن دائرهوار است (مصباح المنیر); ولی به کارگیری <علی> نشان می دهد که <تکویر> در این آیه، به معنای <وضع الشیء علی الشیء> است.

پوشش زینت زن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۳۱ – ۹،۱۲

۹ – زنان مؤمن ، موظف به پوشاندن زینت های خویش و محل آنها (بدن) از دید نامحرمان اند ; جز آنچه که خود به خود آشکاراست (مثل سرمه ، انگشتر ، حنا و . . .) .

و قل للمؤمنت . .. و لایبدین زینتهنّ إلاّ ما ظهر منها

درباره مقصود از <زینتهنّ> (زینت زنان) دو دیدگاه وجود دارد: ۱- مقصود محل زینت آلات است; زیرا آشکار

کردن خود زینت آلات به تنهایی معنی ندارد. ۲- مراد خود زینت آلات است، در حالی که بر روی بدن قرار دارد. در این صورت به طریق اولی آشکار کردن محل زیورآلات (بدن)، حرام خواهد بود. گفتنی است مقصود از استثنا در <إلاّ ماظهر منها>، زیورآلاتی است که، به طور متعارف آشکارا استفاده می شود; مثل: انگشتر، سرمه، حنا و... .

۱۲ - پوشاندن زینت هایی که به طور متعارف و خودبه خود آشکار است (مانند انگشتر ، سرمه ، حنا و . . .) بر زنان ، واجب نیست .

و لا یبدین زینتهنّ إلاّ ما ظهر منها

پوشش سدره المنتهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - نجم - ۵۳ - ۱۶ - ۱

۱ - < سدره المنتهی > ، در پوششی خاص به هنگام نزول بار دیگر جبرئیل بر پیامبر (ص) در کنار آن

و لقد رءاه نزله أُخری . إذ یغشی السدره مایغشی

پوشش سر در حجاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۱ - ۱۵

۱۵ - زنان مؤمن ، موظف به پوشاندن سر ، گلو ، و سینه خود از نگاه نامحرمان

و لیضربن بخمرهنّ علی جیوبهنّ

<خمار> نام پوششی (روسری) است که زنان به وسیله آن، سر خود را می پوشانند (مفردات راغب) و <جیب> به آن قسمت از پیراهن گفته می شود که گلو و قفسه سینه را بپوشاند (مصباح المنیر).

پوشش سینه در حجاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۱ - ۱۵

۱۵ – زنان مؤمن ، موظف به

پوشاندن سر ، گلو ، و سینه خود از نگاه نامحرمان

و لیضربن بخمرهنّ علی جیوبهنّ

<خمار> نام پوششی (روسری) است که زنان به وسیله آن، سر خود را می پوشانند (مفردات راغب) و <جیب> به آن قسمت از پیراهن گفته می شود که گلو و قفسه سینه را بپوشاند (مصباح المنیر).

پوشش شب با روز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۵ - ۴

۴ - خداوند ، شب را چون پرده ای بر روز و روز را بر شب می نهد .

یکوّر الّیل علی النهار و یکوّر النهار علی الّیل

<تکویر> (مصدر <یکوّر>) در اصل به معنای پیچیدن دائرهوار است (مصباح المنیر)؛ ولی به کارگیری <علی> نشان می دهد که <تکویر> در این آیه، به معنای <وضع الشیء علی الشیء> است.

پوشش گلو در حجاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۱ - ۱۵

۱۵ - زنان مؤمن ، موظف به پوشاندن سر ، گلو ، و سینه خود از نگاه نامحرمان

و لیضربن بخمرهنّ علی جیوبهنّ

<خمار> نام پوششی (روسری) است که زنان به وسیله آن، سر خود را می پوشانند (مفردات راغب) و <جیب> به آن قسمت از پیراهن گفته می شود که گلو و قفسه سینه را بپوشاند (مصباح المنیر).

پوشش محل زینت زن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۳۱ - ۹،۳۹

۹ – زنان مؤمن ، موظف به پوشانـدن زینت های خویش و محل آنها (بـدن) از دیـد نامحرمان اند ; جز آنچه که خود به خود آشکاراست (مثل

سرمه ، انگشتر ، حنا و . . .) .

و قل للمؤمنت . .. و لایبدین زینتهنّ إلاّ ما ظهر منها

درباره مقصود از <زینتهنّ> (زینت زنان) دو دیدگاه وجود دارد: ۱- مقصود محل زینت آلات است; زیرا آشکار کردن خود زینت آلات به تنهایی معنی ندارد. ۲- مراد خود زینت آلات است، در حالی که بر روی بدن قرار دارد. در این صورت به طریق اولی آشکار کردن محل زیورآلات (بدن)، حرام خواهد بود. گفتنی است مقصود از استثنا در <إلاّ ماظهر منها>، زیورآلاتی است که، به طور متعارف آشکارا استفاده می شود; مثل: انگشتر، سرمه، حنا و... .

۳۹ - < عن فضیل بن یسار قال : سألت أبا عبداللّه (ع) عن الذراعین من المرأه أهما من الزنیه التی قال اللّه تبارك و تعالی < و لایبدین زینتهنّ إلاّ لبعولتهنّ > قال : نعم و مادون الخمار من الزینه و ما دون السوارین ;

فضیل بن یسار گوید: از امام صادق(ع) پرسیدم: آیا زراعین زن از (آرنج تا مچ دستهای او) جزء زینتی است که خداوند فرموده است: <و لایبدین زینتهنّ إلاّ لبعولتهنّ>؟ فرمود: آری و نیز آنچه [از سرو گردن]زیر پوشش مقنعه و [از مچ دست]زیر دست بند قرار دارد، از همان زینت است>.

عوامل پوشش گیاهی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - لقمان - ۳۱ - ۱۰ - ۱۳

۱۳ - پوشش گیاهی بر سطح زمین ، مرهون بارش باران است .

و أنزلنا من السماء ماء فأنبتنا فیهامن كلّ زوج كریم

پول از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

پول

پول اصحاب كهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - كهف

– ۱۸ – ۱۹ – ۲۷

۲۷– سکّه هایی که اصحاب کهف برای تهیه غذا در نظر گرفتند ، سکّه های نقره ای که در زمان ورود به غار ، آن را به همراه خود داشتند .

بورقکم هذه

<هـذه> به چیزی اشاره دارد که حاضر و مشخص باشد. گفتنی است که از عادی بودن برخورد اصحاب کهف، می توان فهمید که جنس سکّه ها تغییر محسوسی نیافته بود.

پول رایج دوران اصحاب کهف

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۱۹ – ۲۳

۲۳– رواج سکه و پول نقره ، برای مبادلات اقتصادی ، در جامعه اصحاب کهف

بورقکم هذه

<ورق> به <نقره> و نیز <درهم> (سکه ای که از نقره ساخته شود) گفته می شود (مصباح).

پول رایج دوران یعقوب(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۲۰ – ۸

۸ درهم (سکه نقره ای) پولی رایج در عصر یعقوب (ع)

درهم معدوده

تاریخ پول

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۲۰ – ۸

۸ درهم (سکه نقره ای) پولی رایج در عصر یعقوب (ع)

درهم معدوده

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۹ - ۲۳

۲۳- رواج سکه و پول نقره ، برای مبادلات اقتصادی ، در جامعه اصحاب کهف

بورقکم هذه

<ورق> به <نقره> و نیز <درهم> (سکه ای که از نقره ساخته شود) گفته می شود (مصباح).

پیران از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

پیران

پیران و جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ -

۱۶ - ۸۳

۱۶ معاف بودن برخی از مردم (زنان ، کهنسالان ، معلولان و . . .) از شرکت در جنگ

فاقعدوامع الخلفین

مراد از <خالفین> می تواند کسانی باشند که به صورت مجاز و به دلیل عجز از شرکت در جنگ معاف شده اند.

پیرزن

حجاب پیرزن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۰ - ۱،۲،۴،۸

۱ - حجاب و پوشش برای زنان ساخورده و ناامید از زناشویی و بی میل به امور جنسی واجب نیست .

و القوعد من النساء الّتی لایرجون نکاحًا فلیس علیهنّ جناح أن یضعن ثیابهنّ

<ثوب> (مفرد <ثیاب>) به معنای پیراهن است; ولی مقصود از آن در آیه شریفه به قرینه آیه قبل که درباره درآوردن پیراهن در وقت خواب و استراحت است روپوش و پوشش های مخصوص زنان مسلمان است; نه این که به معنای عریان شدن باشد.

۲ - اجتناب از آرایش و خودآرایی ، شرط جواز حجاب نداشتن زنان سالخورده و نا امید از زناشویی است .

و القوعد من النساء الّتی لایرجون نکاحًا فلیس علیهنّ جناح أن یضعن ثیابهنّ غیر مت

۴ - ناامیدی از زناشویی و بی میلی نسبت به امور جنسی ، نشان سالخوردگی زنان و مجوز فرونهادن حجاب و پوشش برای آنان است .

و القوعد من النساء الّتی لایرجون نکاحًا . .. غیر متبرّجت بزینه

جمله <الّتی لایرجون نکاحاً> صفت و قید توضیحی برای <و القواعد من النساء> و بیان کننده مقصود از آن است.

۸ - حجاب و پوشش برای زنان سالخورده و بی رغبت به زناشویی ، بهتر و سودمندتر از بی حجاب و بی پوشش بودن آنان

است .

و القوعد من النساء . .. ليس عليهنّ جناح أن يضعن ثيابهنّ ... و أن يستعففن خير لهن

برداشت ياد شده، مبتنى بر اين است كه مقصود از <عفت> خويشتن دارى زنان سالخورده از فرو نهادن حجاب و پوشش خود باشد كه در جمله پيش از آن سخن به ميان آمده است.

زينت پيرزن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۰ - ۳

۳ - آرايش و خودآرايى زنان حتى سالخوردگان نا اميد از زناشويى در برابر نامحرمان ممنوع است .

و القوعد من النساء الّتى لايرجون نكاحًا . .. غير متبرّجت بزينه

محدوده حجاب پيرزن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۰ - ۱۳

۱۳ - < عن أبى عبداللّه (ع) انه قرأ < أن يضعن ثيابهنّ > قال الخمار والجلباب . . . ;

امام صادق(ع) در پى تلاوت آيه <أن يضعن ثيابهنّ> فرمود: مراد روسرى و روپوش است. ..>.

پيروان اديان از ديدگاه قرآن در تفسير راهنما

پيروان اديان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۱ - ۵

۵ پيروان اديان الهى ، در معرض خطر غلو و گزافه گويى در دين

ياهل الكتب لاتغلوا فى دينكم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۶۹ - ۷۸

۷ صابئی ها نسبت به دیگر پیروان ادیان الهی دارای زمینه کمتری برای گرایش به ایمان واقعی *

إنّ الذین ءامنوا و الذین هادوا و الصبئون و النصری

مرفوع بودن کلمه <الصبئون>، نشان می دهد که تأکید مستفاد از <انّ> در مورد صابئیها وجود

ندارد.

۸ تنها انتساب به ادیان الهی بدون ایمان واقعی به خدا و قیامت و انجام عمل صالح ، سعادت آفرین نخواهد بود .

إنّ الذین ءامنوا . .. من ءامن باللّه و الیوم الاخر و عمل صلحاً فلاخوف

با توجه به اینکه جمله <من ءامن . ..> خبر برای <الذین ءامنوا> است، تکرار ایمان در این دو فراز و نبود ضمیر در جمله خبری می رساند که سعادت، در گرو ایمان حقیقی به خدا و قیامت و انجام عمل صالح می باشد و در این جهت میان منتسبان به ادیان آسمانی و غیر آنان تفاوتی وجود ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۷ - ۴،۱۲

۴ پیروان ادیان الهی در خطر غلو و انحراف از دین خویش

یاهل الکتب لاتغلوا فی دینکم

۱۲ پیروان ادیان الهی در خطر پیروی از عقاید پوچ و تمایلات هواپرستانه گذشتگان خویش

و لاتتبعوا اهواء قوم قد ضلوا من قبل

اختلاف دینی پیروان ادیان آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۶ - ۶

۶ - پیروان ادیان آسمانی در طول زمان ، گرفتار اختلاف در فهم معارف آن

إنّ هذا القرءان یقصّ علی بنی إسرءیل أکثر الذی هم فیه یختلفون

تعبیر <بنی اسرائیل> هم شامل یهود می شود و هم شامل نصارا. بنابراین <بنی اسرائیل> مرادف است با <اهل کتاب> که دربرگیرنده دو دین یهودیت و مسیحیت است.

امنیت اخروی پیروان ادیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۸ - ۷

۷ سرای آخرت برای پیروان ادیان الهی ، سرایی

به دور از عوامل ترس آور و نگران کننده و ایمن از حادثه های حزن آور و اندوهبار

فلاخوف علیهم و لاهم یحزنون

به دلیل آیه بعد – که جزای اخروی کفرپیشگان را بیان می دارد – می توان گفت: آیه مورد بحث نیز بیانگر پاداش اخروی هدایت یافتگان است. بنابراین <لاخوف ...> مربوط به سرای آخرت خواهد بود.

بی منطقی دشمنی پیروان ادیان آسمانی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۱۵ – ۲۷

۲۷ – خصومت و ستیز پیروان ادیان توحیدی با توجه به وحدت پروردگار و بازگشت عمل هر انسان به خودش ، فاقد منطق و توجیه

اللّه ربّنا و ربّکم لنا أعملنا و لکم أعملکم لا حجّه بیننا و بینکم

بنابراین که مراد از <لاحجّه>، نفی خصومت و نزاع باشد، برداشت بالا به دست می آید.

پیروان ادیان در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۳۸ – ۷

۷ سرای آخرت برای پیروان ادیان الهی ، سرایی به دور از عوامل ترس آور و نگران کننده و ایمن از حادثه های حزن آور و اندوهبار

فلاخوف علیهم و لاهم یحزنون

به دلیل آیه بعد – که جزای اخروی کفرپیشگان را بیان می دارد – می توان گفت: آیه مورد بحث نیز بیانگر پاداش اخروی هدایت یافتگان است. بنابراین <لاخوف ...> مربوط به سرای آخرت خواهد بود.

توصیه به پیروان ادیان آسمانی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۱۳ – ۱۶

۱۶ – عینیت بخشیدن به تعالیم شریعت در جامعه ، توصیه خداوند به تمامی پیروان

ادیان آسمانی

شرع لکم . .. أن أقیموا الدین

<إقامه> (مصدر <أقیموا>) که به معنای به پاداشتن است مطلب بالا را افاده می کند.

دشمنی پیروان ادیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۴ – ۱۱

۱۱ شکستن پیمان الهی و فراموشی تذکار های خداوند ، زمینه کینه و دشمنی میان پیروان ادیان

اخذنا میثقهم فنسوا حظاً مما ذکروا به فاغرینا بینهم العداوه و البغضاء

زمینه اتحاد پیروان ادیان آسمانی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۱۵ – ۳۳

۳۳ – اعتقاد به توحید و معاد ، محور مشترک برای وحدت و همبستگی پیروان ادیان آسمانی

اللّه ربّنا و ربّکم . .. اللّه یجمع بیننا و بینکم

بنابراین که مخاطبان پیامبر(ص) اهل کتاب باشند، برداشت یاد شده به دست می آید.

سرور اخروی پیروان ادیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۳۸ – ۷

۷ سرای آخرت برای پیروان ادیان الهی ، سرایی به دور از عوامل ترس آور و نگران کننده و ایمن از حادثه های حزن آور و اندوهبار

فلاخوف علیهم و لاهم یحزنون

به دلیـل آیه بعـد - که جزای اخروی کفرپیشـگان را بیـان می دارد - می توان گفت: آیه مورد بحث نیز بیـانگر پاداش اخروی هدایت یافتگان است. بنابراین <لاخوف ...> مربوط به سرای آخرت خواهد بود.

عدالت با پیروان ادیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۲ - ۱۷

۱۷ ضرورت اجرای عادلانه قانون درباره پیروان تمامی ادیان

و إن حکمت فاحکم بینهم بالقسط

مسؤولیت پیروان ادیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۷ - ۲

۲ فرمان خداوند به وحدت و یکپارچه شدن پیروان ادیان الهی بر محور قرآن

یا ایها الذین اوتوا الکتب امنوا بما نزّلنا

نقش پیروان ادیان آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۶ - ۱۰

۱۰ - اختلافات به وجود آمده در ادیان الهی ، از ناحیه پیروان آنها بود و نه تعالیم پیامبران

الذی هم فیه یختلفون

ضمیر <هم> به اصطلاح فاعل معنوی و تقدیم آن مفید حصر است. بنابراین نسبت داده شدن اختلاف به خود بنی اسرائیل، بیانگر مطلب فوق است.

هماهنگی پیروان ادیان آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۵ - ۳

۳ - < توحید > محور مشترک مسلمانان با پیروان دیگر ادیان آسمانی است .

و سئل من أرسلنا . .. ءالهه یعبدون

برداشت یاد شده بدین احتمال است که مراد از <و سئل من أرسلنا> پرسش از امت های پیامبران گذشته باشد. در این صورت استفاده می شود که پیروان ادیان آسمانی گذشته، خویشتن را یکتاپرست می دانند و در نتیجه می توان گفت توحید قدر مشترک تمامی ادیان است.

پیروان ادیان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

پیروان ادیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۷۱ – ۵

۵ پیروان ادیان الهی ، در معرض خطر غلو و گزافه گویی در دین

یاهل الکتب لاتغلوا فی دینکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۶۹ – ۷۸

۷ صابئی ها نسبت

به دیگر پیروان ادیان الهی دارای زمینه کمتری برای گرایش به ایمان واقعی *

إنّ الذین ءامنوا و الذین هادوا و الصبئون و النصری

مرفوع بودن کلمه <الصبئون>، نشان می دهد که تأکید مستفاد از <انّ> در مورد صابئیها وجود ندارد.

۸ تنها انتساب به ادیان الهی بدون ایمان واقعی به خدا و قیامت و انجام عمل صالح ، سعادت آفرین نخواهد بود .

إنّ الذین ءامنوا . .. من ءامن باللّه و الیوم الاخر و عمل صلحاً فلاخوف

با توجه به اینکه جمله <من ءامن . ..> خبر برای <الذین ءامنوا> است، تکرار ایمان در این دو فراز و نبود ضمیر در جمله خبری می رساند که سعادت، در گرو ایمان حقیقی به خدا و قیامت و انجام عمل صالح می باشد و در این جهت میان منتسبان به ادیان آسمانی و غیر آنان تفاوتی وجود ندارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۷۷ - ۴،۱۲

۴ پیروان ادیان الهی در خطر غلو و انحراف از دین خویش

یاهل الکتب لاتغلوا فی دینکم

۱۲ پیروان ادیان الهی در خطر پیروی از عقاید پوچ و تمایلات هواپرستانه گذشتگان خویش

و لاتتبعوا اهواء قوم قد ضلوا من قبل

اختلاف دینی پیروان ادیان آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۶ - ۶

۶ - پیروان ادیان آسمانی در طول زمان ، گرفتار اختلاف در فهم معارف آن

إنّ هذا القرءان یقصّ علی بنی إسرءیل أکثر الذی هم فیه یختلفون

تعبیر <بنی اسرائیل> هم شامل یهود می شود و هم شامل نصارا. بنابراین <بنی اسرائیل> مرادف است با <اهل کتاب>

که دربرگیرنده دو دین یهودیت و مسیحیت است.

امنیت اخروی پیروان ادیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۸ - ۷

۷ سرای آخرت برای پیروان ادیان الهی ، سرایی به دور از عوامل ترس آور و نگران کننده و ایمن از حادثه های حزن آور و اندوهبار

فلاخوف علیهم و لاهم یحزنون

به دلیل آیه بعد - که جزای اخروی کفرپیشگان را بیان می دارد - می توان گفت: آیه مورد بحث نیز بیانگر پاداش اخروی هدایت یافتگان است. بنابراین <لاخوف ...> مربوط به سرای آخرت خواهد بود.

بی منطقی دشمنی پیروان ادیان آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۵ - ۲۷

۲۷ - خصومت و ستیز پیروان ادیان توحیدی با توجه به وحدت پروردگار و بازگشت عمل هر انسان به خودش ، فاقد منطق و توجیه

اللّه ربّنا و ربّکم لنا أعملنا و لکم أعملکم لا حجّه بیننا و بینکم

بنابراین که مراد از <لاحجّه>، نفی خصومت و نزاع باشد، برداشت بالا به دست می آید.

پیروان ادیان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۸ - ۷

۷ سرای آخرت برای پیروان ادیان الهی ، سرایی به دور از عوامل ترس آور و نگران کننده و ایمن از حادثه های حزن آور و اندوهبار

فلاخوف علیهم و لاهم یحزنون

به دلیل آیه بعد - که جزای اخروی کفرپیشگان را بیان می دارد - می توان گفت: آیه مورد بحث نیز بیانگر پاداش اخروی هدایت یافتگان است. بنابراین <لاخوف ...> مربوط به سرای آخرت

خواهد بود.

توصیه به پیروان ادیان آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۳ - ۱۶

۱۶ - عینیت بخشیدن به تعالیم شریعت در جامعه ، توصیه خداوند به تمامی پیروان ادیان آسمانی

شرع لکم . .. أن أقیموا الدین

<إقامه> (مصدر <أقیموا>) که به معنای به پاداشتن است مطلب بالا را افاده می کند.

دشمنی پیروان ادیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۴ - ۱۱

۱۱ شکستن پیمان الهی و فراموشی تذکار های خداوند ، زمینه کینه و دشمنی میان پیروان ادیان

اخذنا میثقهم فنسوا حظاً مما ذکروا به فاغرینا بینهم العداوه و البغضاء

زمینه اتحاد پیروان ادیان آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۱۵ - ۳۳

۳۳ - اعتقاد به توحید و معاد ، محور مشترک برای وحدت و همبستگی پیروان ادیان آسمانی

اللّه ربّنا و ربّکم . .. اللّه یجمع بیننا و بینکم

بنابراین که مخاطبان پیامبر(ص) اهل کتاب باشند، برداشت یاد شده به دست می آید.

سرور اخروی پیروان ادیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۸ - ۷

۷ سرای آخرت برای پیروان ادیان الهی ، سرایی به دور از عوامل ترس آور و نگران کننده و ایمن از حادثه های حزن آور و اندوهبار

فلاخوف علیهم و لاهم یحزنون

به دلیل آیه بعد - که جزای اخروی کفرپیشگان را بیان می دارد - می توان گفت: آیه مورد بحث نیز بیانگر پاداش اخروی هدایت یافتگان است. بنابراین <لاخوف ...> مربوط به سرای

آخرت خواهد بود.

عدالت با پیروان ادیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۴۲ - ۱۷

۱۷ ضرورت اجرای عادلانه قانون درباره پیروان تمامی ادیان

و إن حکمت فاحکم بینهم بالقسط

مسؤولیت پیروان ادیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۴۷ - ۲

۲ فرمان خداوند به وحدت و یکپارچه شدن پیروان ادیان الهی بر محور قرآن

یا ایها الذین اوتوا الکتب امنوا بما نزّلنا

نقش پیروان ادیان آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۷۶ - ۱۰

۱۰ - اختلافات به وجود آمده در ادیان الهی ، از ناحیه پیروان آنها بود و نه تعالیم پیامبران

الذی هم فیه یختلفون

ضمیر <هم> به اصطلاح فاعل معنوی و تقدیم آن مفید حصر است. بنابراین نسبت داده شدن اختلاف به خود بنی اسرائیل، بیانگر مطلب فوق است.

هماهنگی پیروان ادیان آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۴۵ - ۳

۳ - < توحید > محور مشترک مسلمانان با پیروان دیگر ادیان آسمانی است .

و سئل من أرسلنا . .. ءالهه یعبدون

برداشت یاد شده بدین احتمال است که مراد از <و سئل من أرسلنا> پرسش از امت های پیامبران گذشته باشد. در این صورت استفاده می شود که پیروان ادیان آسمانی گذشته، خویشتن را یکتاپرست می دانند و در نتیجه می توان گفت توحید قدر مشترک تمامی ادیان است.

پیروان انبیا

{پیروان انبیا}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۴ - ۶

۶

رهبران دین ، حتی پیامبران ، بدون داشتن پیروانی فرمانبر ، قادر به مبارزه با شرک و کفر نخواهند شد .

حسبک اللّه و من اتبعک من المؤمنین

چنانچه <من اتبعک> عطف بر <اللّه> باشد، مراد از کفایت مؤمنان برای پیامبران این نیست که آنان نیز همانند خداوند قادر به حمایت از رسول خدا هستند، بلکه آیه مورد بحث با توجه به اینکه در رابطه با مبارزه علیه مشرکان و کافران ایراد شده، در صدد بیان این است که مبادا کفایت خداوند به این معنا تفسیر شود که در مبارزه با مشرکان نیازی به مؤمنان نیست و خداوند خود ایشان را از صحنه مبارزه بیرون خواهد کرد.

احسان پیروان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۴ - ۹

۹ - پیامبران و پیروانشان ، از محسنان اند .

و الذی جاء بالصدق و صدّق به . .. ذلک جزاء المحسنین

اختلاف پیروان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۷ - ۶

۶ اختلافات دینی پیروان انبیا و مخالفان آنان با داوری خداوند خاتمه خواهد یافت .

حتی یحکم اللّه بیننا

اخلاص پیروان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۴ - ۴

۴ - پیامبران الهی ، همواره در بستر تاریخ ، برخوردار از پیروانی مخلَص و اهل بندگی خدا

و لقد أرسلنا فیهم منذرین . فانظر کیف کان عقبه المنذرین . إلاّ عباد اللّه المخلص

استهزای پیروان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۸ -

۶ سالکان راه خدا و پیروان انبیا ، در معرض تمسخر و استهزای کافران و دشمنان دین

کلما مرّ علیه ملأمن قومه سخروا منه

پاداش پیروان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۸ - ۴

۴ دنیا و آخرت ، عرصه بهره مندی دست پروردگان انبیا از پادش های الهی

و کایّن من نبیّ قاتل معه ربّیّون . .. فاتیهم اللّه ثواب الدّنیا و حسن ثواب الاخر

پیروان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۴ - ۵،۹

۵ مقاومت و صبر پیروان انبیای گذشته در برابر سختی های جنگ و مشکلات

ام حسبتم . .. مسّتهم البأساء و الضراء

درخواست نصرت الهی از جانب پیامبران و مؤمنان پس از آزار جنگ و مصائب و مشکلات، بیانگر مقاومت آنان است.

۹ شدّت مصائب و تداوم مشکلات پیامبران گذشته و امت های آنان ، موجب آن شد که خواهان تعجیل در یاری و امداد الهی شوند .

مستهم البأساء و الضراء و زلزلوا حتی یقول الرسول و الذین امنوا معه متی نصر اللّه

جمله <متی نصر اللّه>، دلالت بر تردید آنان نسبت به یاری خدا ندارد; بلکه شدت مصائب و تداوم آن موجب شد که خواهان تعجیل آن باشند; و یا چنین گمان کنند که یاری خداوند نباید بیش از این به درازا کشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۸ - ۱

۱ سرگذشت حضرت زکریا ، مریم ، یحیی و عیسی (ع) و پیروان آن حضرت ، آیات الهی و پند

های حکیمانه

ذلک نتلوه علیک من الایات و الذّکر الحکیم

<ذلک>، اشاره به سرگذشت کسانی است که در آیات پیشین مطرح شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۸ - ۲،۱۱

۲ پیروی از انبیا ، ملاک پیوند و انتساب به آنان

انّ اولی الناس بابرهیم لَلّذین اتّبعوه

۱۱ نزدیکترین مردم به انبیا ، متعهدترین افراد به محتوای رسالت آنان

انّ اولی الناس بابرهیم لَلّذین اتّبعوه

امیرالمؤمنین (ع): انّ اولی النّاس بالانبیاء اعملهم بما جاؤا به. سپس آن حضرت آیه فوق را تلاوت کرد.

مجمع البیان، ج ۲، ص ۷۷۰، در برخی نسخه ها <اعلمهم> ثبت شده است; نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۵۳، ح ۱۸۳.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۶ - ۱،۲،۱۰،۱۴

۱ پیکار بسیاری از خداپرستان ، در رکاب پیامبران الهی و تسلیم ناپذیری و پایداری آنان

و کایّن من نبیّ قاتل معه ربیّون کثیر فما وهنوا لما اصابهم

<ربیّون> جمع <ربّی> است و به معنی کسی که خود را مختص پروردگار کرده، یعنی جز پرستش خدا به کار دیگری نمی پردازد.

۲ عالمان ، یاوران پیامبران الهی در پیکار با دشمنان دین ، و تسلیم ناپذیر و استوار

و کایّن من نبیّ قاتل معه ربیّون کثیر فما وهنوا لما اصابهم

برخی <ربیّون> را به معنای عالمان تقواپیشه و صابر گرفته اند. (لسان العرب).

۱۰ بسیاری از انبیای الهی و یاوران ایشان ، در سراسر تاریخ ، با مصائب و دشواری های فراوان درگیر بودند .

و کایّن من نبیّ قاتل معه ربیّون کثیر . .. لما اصابهم

۱۴ نقش سازنده یادآوری حماسه شجاعت

و پایداری مجاهدان راه خدا و یاوران پیامبران در پیکار و مبارزه

و کایّن من نبیّ قاتل . .. و اللّه یحبّ الصّابرین

آیه شریفه با یادآوری حماسه <ربیّون>، در صدد سازندگی مسلمانان است تا دیگر بار همانند نبرد احد، سستی و زبونی به خود راه ندهند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۷ - ۱،۲،۳،۴،۸،۹،۱۱،۱۲

۱ پیامبران الهی و دست پروردگان آنان ، دعاکنندگان به درگاه پروردگار یکتا

و ما کان قولهم الّا ان قالوا ربّنا اغفرلنا

در برداشت فوق، ضمیر <قولهم> به پیامبران و یاوران آنان (ربّیون) برگشت داده شده است.

۲ درخواست بخشایش گناهان و زیاده روی ها ، پایداری بر راه پیامبران و چیرگی بر کافران ، تنها سخن دست پروردگان انبیا در هنگامه های پیکار

و ما کان قولهم الّا ان قالوا ربّنا اغفرلنا ذنوبنا و اسرافنا فی امرنا و ثبّت اقدا

در برداشت فوق، ضمیر <قولهم>، تنها به <ربّیون> برگشت داده شده است.

۳ همراه نمودن دعا با مجاهدت و مقاومت در راه خدا ، از ویژگی های پیامبران الهی و پرورش یافتگان آنان

و ما کان قولهم الّا ان قالوا ربّنا اغفرلنا ذنوبنا . .. و انصرنا

۴ پرورش یافتگان مکتب انبیا ، گناه و اسراف (زیاده روی در امور) را نقطه ضعف و مانع پیروزی خود می دانند . *

و ما کان قولهم الّا ان قالوا ربّنا اغفرلنا ذنوبنا و اسرافنا فی امرنا . .. و انصر

از اینکه مردان الهی نصرت و پیروزی بر دشمنان را پس از درخواست آمرزش گناهان طلب می کنند (اغفرلنا . .. و انصرنا)، معلوم می شود که

آنان پیروزی را در گرو پاکی از گناه می دانند.

۸ توجّه به خودسازی (جهاد اکبر) ، به همراه پیکار با دشمن (جهاد اصغر) ، ویژگی پرورش یافتگان مکتب انبیا

و ما کان قولهم الّا ان قالوا ربّنا اغفرلنا ذنوبنا و اسرافنا فی امرنا و ثبّت . ..

۹ هنگامه های دشوار ، عرصه پالایش روحی دست پروردگان الهی

فما وهنوا . .. و ما کان قولهم الّا ان قالوا ربّنا اغفرلنا ذنوبنا

جمله <و ما کان قولهم . .. >، می رساند که مجاهدان راه خدا به هنگام درگیری با دشمن، تنها به یاد خدا هستند و چیز دیگری فکر و قلب آنان را به خود مشغول نمی سازد و این حالت خلوص و روح پالایش یافته آنان، نتیجه گام نهادن در عرصه های دشوار نبرد است.

۱۱ بینش خدامحوری دست پروردگان پیامبران الهی ، در تحلیل حوادث

و کایّن من نبیّ قاتل معه ربّیّون . .. و ثبّت اقدامنا و انصرنا علی القوم الکافرین

چون <ربّیّون>، در عین استقامت و پایداری، پیروزی را از جانب خدا می دانند. (و انصرنا علی القوم الکافرین).

۱۲ خودسازی و پاک شدن از گناهان و پیروزی بر دشمنان دین ، از اهداف انبیا و همگامان با ایشان

ربّنا اغفرلنا ذنوبنا . .. و انصرنا علی القوم الکافرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۸ - ۳

۳ مجاهدت در راه خدا به همراهی پیامبران الهی و دعا به درگاه او ، موجب بهره مندی از پاداش های دنیوی و اخروی

و کایّن من نبیّ . .. فاتیهم اللّه ثواب الدّنیا و

حسن ثواب الاخره

پیروان انبیا در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۴ - ۴

۴ - تمامی خواسته های پیامبران و پیروان آنان در قیامت ، از پیش آماده شده و به آنان داده خواهد شد .

و الذی جاء بالصدق و صدّق به . .. لهم ما یشاءون عند ربّهم

تأمین خواسته های پیروان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۴ - ۴

۴ - تمامی خواسته های پیامبران و پیروان آنان در قیامت ، از پیش آماده شده و به آنان داده خواهد شد .

و الذی جاء بالصدق و صدّق به . .. لهم ما یشاءون عند ربّهم

تقوای پیروان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۳ - ۵

۵ - تنها پیروان انبیای الهی و ادیان توحیدی ، از تقواپیشگان اند .

و الذی جاء بالصدق و صدّق به

ضمیر فصل <هم> مفید قصر و موجب اختصاص صفت تقوا به <الذی جاء. ..> است.

حامی پیروان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۰ - ۱

۱ خداوند ، حامی و پشتیبان موحدان و مؤمنان به رسالت پیامبران است .

من ینصرنی من الله إن طردتهم

حسن فرجام پیروان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۲ - ۱۰،۱۱

۱۰ فرجام نیک از آنِ پیامبران الهی و پیروان ایشان است .

و سیعلم الکُفّر لمن عقبی الدار

۱۱ کفرپیشگان در قیامت و یا پس از مرگشان - درخواهند

یافت که فرجام نیک از آنِ پیامبران و پیروان ایشان است .

و سیعلم الکُفّر لمن عقبی الدار

سلامتی قلب پیروان انبیا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۸۴ – ۷

۷ – برخوردار بودن از قلبی سالم و پاک ، نخستین و مهم ترین صفت از اوصاف شیعه و پیرو راستین خط پیامبران

و إنّ من شیعته لإبرهیم . إذ جاء ربّه بقلب سلیم

برداشت یاد شده با توجّه به این نکته است که خداوند، پس از معرفی ابراهیم(ع) به عنوان شیعه و پیرو نوح پیامبر، او را به داشتن قلب سلیم توصیف فرمود.

صفات پیروان انبیا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۵۲ – ۱۶

۱۶ ایمان به خداوند و تسلیم در برابر او ، ویژگی یاوران انبیا

من انصاری الی اللّه . .. امنا باللّه و اشهد بانّا مسلمون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۸۴ – ۷

۷ – برخوردار بودن از قلبی سالم و پاک ، نخستین و مهم ترین صفت از اوصاف شیعه و پیرو راستین خط پیامبران

و إنّ من شیعته لإبرهیم . إذ جاء ربّه بقلب سلیم

برداشت یاد شده با توجّه به این نکته است که خداوند، پس از معرفی ابراهیم(ع) به عنوان شیعه و پیرو نوح پیامبر، او را به داشتن قلب سلیم توصیف فرمود.

عبودیت پیروان انبیا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۷۴ – ۴

۴ – پیامبران الهی ، همواره در بستر تاریخ ، برخوردار از پیروانی مخلَص

و اهل بندگی خدا

و لقد أرسلنا فیهم منذرین . فانظر کیف کان عقبه المنذرین . إلاّ عباد اللّه المخلص

فضایل پیروان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۳ - ۳

۳ - پیامبران و پیروان آنان ، لشکریان خدا هستند .

لعبادنا المرسلین . .. و إنّ جندنا لهم الغلبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۳ - ۵

۵ - تنها پیروان انبیای الهی و ادیان توحیدی ، از تقواپیشگان اند .

و الذی جاء بالصدق و صدّق به

ضمیر فصل <هم> مفید قصر و موجب اختصاص صفت تقوا به <الذی جاء. ..> است.

مسؤولیت پیروان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۷ - ۳

۳ مؤمنان به رسالت انبیا در معرض مشکل آفرینی کفرپیشگان و موظف به صبر و استقامت

إن کان طائفه منکم ءامنوا بالذی أرسلت به . .. فاصبروا

مصونیت پیروان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۴ - ۱۲

۱۲ - پیروان رسولان الهی ، از عذاب استیصال در امان اند .

و لو أنّا أهلكنهم . .. لقالوا ربّنا لولا أرسلت إلينا رسولاً فنتّبع ءايتك

نجات پیروان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۲ - ۵

۵ به هنگام نزول عذاب الهی ، تنها همگامان پیامبران اهل نجاتند .

فأنجینه و الذین معه برحمه منا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱۰ - ۱۱

۱۱ خداوند ،

پیامبران و پیروان ایشان را از عذاب های استیصال نجات می بخشید .

جاءهم نصرنا فنجی من نشاء

<نجی> ماضـی مجهـول و <من> نـایب فاعـل آن است. مفعول <نشـاء> کلمه ایماننـد <نجـاته> است که از <نجی> استفاده می شود. بنابراین <فنجی من نشاء> ; یعنی، پس نجات داده شد آنکه ما نجات یافتنش را می خواستیم. از مصداقهای مورد نظر برای <من نشاء> پیامبران و پیروان ایشان است.

پیروان رهبری دینی

{پیروان رهبری دینی}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۴ - ۶

پیروان شعیب(ع)

{پیروان شعیب(ع)}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۹ - ۷

۷ شعیب (ع) بازگشت خود و همگامانش را به آیین شرک تنها در صورت تعلق مشیت الهی ، ممکن دانست .

و ما یکون لنا أن نعود فیها إلا أن یشاء اللّه ربنا

انقیاد پیروان شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۹ - ۱۲

۱۲ شعیب (ع) و مؤمنان به رسالتش ، انسانهایی تسلیم در برابر مشیت های خداوند

و ما یکون لنا أن نعود فیها إلا أن یشاء اللّه ربنا

توکل پیروان شعیب(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۸۹ – ۲۰

۲۰ شعیب (ع) و همگامان مؤمنش ، انسانهایی متکی به خدا و بهره مند از روحیه توکل

علی اللّه توکلنا

عقیده پیروان شعیب(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۸۸ – ۱۲،۱۳

۱۲

آیین مردم مدین ، آیینی منفور و کریه در دیدگاه شعیب (ع) و پیروان او

أو لو کنا کرهین

۱۳ شعیب (ع) با اظهار تنفر خود و پیروانش از آیین مردم مدین ، انتظار پذیرش آن آیین را انتظاری شگفت و بی جا دانست .

قال أو لو کنا کرهین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۹ - ۳،۱۱،۱۲

۳ شعیب (ع) و همگامان مؤمنش ، بیزار از گرایش به آیین شرک و افترا بستن بر خدا

قال أو لو کنا کرهین. قد افترینا علی اللّه کذبا إن عدنا فی ملتکم

۱۱ شعیب (ع) اظهار کفر و شرک را امری نامشروع و ناروا برای خویش و همگامانش دانست .

و ما یکون لنا أن نعود فیها إلا أن یشاء اللّه ربنا

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از عدم امکان که از جمله <ما یکون لنا . .. > به دست می آید، عدم امکان تشریعی باشد.

۱۲ شعیب (ع) و مؤمنان به رسالتش ، انسانهایی تسلیم در برابر مشیت های خداوند

و ما یکون لنا أن نعود فیها إلا أن یشاء اللّه ربنا

فضایل پیروان شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۹ - ۲۰

۲۰ شعیب (ع) و همگامان مؤمنش ، انسانهایی متکی به خدا و بهره مند از روحیه توکل

علی اللّه توکلنا

مبارزه با پیروان شعیب(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۹۱ – ۲

۲ کافران قوم شعیب پس

از تمام شدن حجت الهی بر آنان و اصرارشان به کفرورزی و مبارزه با شعیب و مؤمنان به وی ، به هلاکت رسیدند .

قال الملأ . .. فأخذتهم الرجفه

کلمه <فا> در <فأخذتهم> نزول عذاب را بر قضایای بیان شده در آیات قبل مرتبط می سازد و از آن قضایاست، کفرورزی مردم مدین، مبارزه آنان با شعیب و در آخر دعای شعیب که خواهان داوری خداوند شد.

نجات پیروان شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۹ - ۴

۴ خداوند نجاتبخش شعیب (ع) و همگامانش از گرایش به شرک

بعد إذ نجنا اللّه منها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۴ - ۴،۵

۴ خداوند ، شعیب (ع) و پیروانش را از عذاب نازل شده بر مردم مدین رهایی بخشید .

و لما جاء أمرنا نجینا شعیبًا والذین ءامنوا معه

۵ نجات شعیب (ع) و پیروان او از عذاب استیصال ، جلوه ای از رحمت خداوند بر آنان بود .

نجینا شعیبًا والذین ءامنوا معه برحمه منا

هجرت پیروان شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۹۰ - ۶،۷

۶ مؤمنانِ به رسالت شعیب (ع) مصمّم بر آیین توحید و متابعت شعیب (ع) در خروج از شهر مدین

لئن اتبعتم شعیباً

۷ اشراف کفرپیشه مدین با تأکید بر خسارتبار بودن همراهی شعیب (ع) ، در تلاش برای بازداشتن مؤمنان از متابعت او و خارج شدن از شهر مدین

و قال الملأ . .. لئن اتبعتم شعیباً

إنكم إذاً لخسرون

پيروان شيطان

{پيروان شيطان}

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۴ – نساء – ۴ – ۱۱۹ – ۶

۶ گمراه ساختن ، اسير آرزو ها نمودن و تحت فرمان گرفتن ، هدف شيطان از گزينش گروهی از مردم

و قال لاتخذن من عبادك نصيباً مفروضاً. و لاضلنهم و لامنينهم و لامرنهم

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۴ – نساء – ۴ – ۱۲۱ – ۱

۱ دوزخ ، جايگاه و فرجام گمراهان و فريب خوردگان از شيطان

أولئك ماويهم جهنم و لايجدون عنها محيصاً

پيروان شيطان

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱ – بقره – ۲ – ۱۶۹ – ۱۰،۱۲

۱۰ – بدكاران و مرتكبان فحشا و پليدی ها ، پيروان شيطان هستند .

لاتتبوا خطوت الشيطن . .. إنما يأمركم بالسوء و الفحشاء

۱۲ – افترا زنندگان به خدا ، پيروان شيطان و كارگزاران او هستند .

لاتتبعوا خطوت الشيطن . .. إنما يأمركم ... أن تقولوا على اللّه ما لاتعلمون

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۵ – انعام – ۶ – ۱۴۲ – ۹

۹ مشرکان عصر جاهلیت در اسارت گامها و راههای شیطان بودند.

و قالوا هذه أنعم و حرث حجر . .. کلوا مما رزقکم الله و لا تتبعوا خطوت الشیطن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۸ - ۵

۵ بدعتگذاران در دین، عناصری پیرو شیطان و تحت ولایت او هستند.

إنا جعلنا الشیطین أولیاء للذین لا یؤمنون . .. الله أمرنا بها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف -

۶ - ۱۷۵ - ۷

۶ بلعم باعورا پس از دور شدن از معارف الهی به دام شیطان گرفتار و از گمراهان شد .

فأتبعه الشیطن فکان من الغاوین

<غوایه>، مصدر <غاوین> به معنای گمراه شدن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۲۰۲ - ۶

۶ پافشاری مشرکان و بی تقوایان پیرو شیطان به گمراهی خویش

ثم لایقصرون

برداشت فوق بر این اساس است که ضمیر در <لایقصرون> به مشرکان و بی تقوایان برگردانده شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۱۱

۱۱- رهبران مستکبر و پیروانشان از اجابت کنندگان دعوت شیطانند .

فقال الضعفؤا للذین استکبروا إنّا کنّا لکم تبعًا . .. و قال الشیطن لما قضی الأم

برداشت فوق بر این اساس است که مخاطب شیطان، به قرینه ذکر این آیه پس از ذکر ماجرای مستکبران و پیروان آنها در قیامت، مستکبران و پیروانشان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۳ - ۶

۶- امت های پیشین ، فریفته شیطان شده و تسلیم انبیای خود نشدند .

لقد أرسلنا إلی أُمم من قبلک فزیّن لهم الشیطن أعملهم

جمله <زیّن لهم الشیطان أعمالهم> به قرینه وعده عذابی که در همین آیه به آن امتها داده شده، کنایه از عدم تسلیم آنها در برابر انبیاست.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۰ - ۱٫۸

۱- تسلط و استيلاى شيطان ، تنها بر دو گروه فرمانبران از او و مشركان است .

إنما سلطنه على الذين يتولّونه و الذين هم به مشركون

-۸

< أبی بصیر عن أبی عبدالله (ع) قال : قلت له : . . . قوله تعالی : < إنما سلطانه علی الذین یتولّونه و الذین هم به مشرکون > قال : الذین هم بالله مشرکون یسلط علی أبدانهم و علی أدیانهم ;

ابوبصیر گوید: از امام صادق(ع) در باره سخن خدای تعالی . .. <إنما سلطانه علی الذین یتولّونه و الذین هم به مشرکون> سؤال کردم، حضرت فرمود: آنان که به خدا شرک ورزیدند، [شیطان] بر بدن و دینشان مسلط می شود>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴۵ - ۱۱،۱۲

۱۱- بت پرستان ، هم سو با شیطانند و سرنوشت آنان هم سان فرجام او است .

فتکون للشیطن ولیًّا

<ولیّ> از ماده <وَلْی> (نزدیک شدن یا درپی درآمدن) مشتق است و جمله <فتکون . ..> حاکی از آن است که سرنوشت بت پرستان و شیطان، نزدیک به هم و در یک ردیف است.

۱۲- گرفتاران به عذاب الهی ، همراه و قرین شیطان خواهند بود .

یمسّک عذاب من الرحمن فتکون للشیطن ولیًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۵ - ۶

۶ - شاعران منحرف ، هم داستان شیطان و سرایندگان القائات شیطانی

تنزّل علی کلّ أفّاک . .. و الشعراء یتّبعهم... فی کلّ واد یهیمون

آمدن نام شعرای منحرف، در پی آیاتی که بیانگر نزول شیاطین بر قلب دروغ پردازان گنه پیشه است; نوعی ارتباط میان شاعران منحرف و شیاطین را افاده می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۹ - ۱،۵

- منافقان ، تحت اختيار شيطان و مقهور اراده او

استحوذ عليهم الشيطن

<استحواذ> به معناى چيره شدن است. ضمير <عليهم>، در آيه شريفه، مربوط به اهل نفاق است; يعنى، شيطان بر آنان مستولى شده است.

۵ - منافقان ، حزب شيطان و دار و دسته وى

أُولئك حزب الشيطن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۶ - ۱

۱ - منافقان ، ايفاگران نقش شيطان در تزوير و وسوسه گرى

كمثل الشيطن

با توجه به اين كه در آيات پيشين منافقان به عنوان وعده دهندگان به يهود و متخلفان از وعده خويش معرفى شده اند; اين تمثيل متوجه آنان است.

پيروان شيطان در صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳ - ۱۰

۱۰- جبهه ضد توحيدى در صدراسلام ، متشكل از گروهى جاهل ، بى منطق و پيرو بى چون و چراى شيطان بود .

ومن الناس من يجدل فى اللّه بغير علم و يتّبع كلّ شيطن مريد

تبرى از پيروان شيطان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۷ - ۲

۲ - اظهار خداترسى و نيز تبرّى شيطان در قيامت از پيروان خويش ، بى ثمر در نجات او از كيفر اخروى

قال إنّی بریء منک إنّی أخاف اللّه . .. فکان عقبتهما أنّهما فی النار

دعوت از پیروان شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۱ - ۵

۵ - شیطان ، پیروانش را هرگز ر ها نمی کند ; بلکه مدام آنان را به انواع فحشا و منکرات فرا می

خواند .

و من یتّبع خطوت الشیطن فإنّه یأمر بالفحشاء و المنکر

برداشت یاد شده از به کارگیری فعل مضارع <یأمر> استفاده شده است; زیرا فعل مضارع بیانگر استمرار است.

سرزنش پیروان شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۱۲

۱۲- شیطان در قیامت به پیروان خود اعلام می کند که آنان به جای سرزنش او باید خود را به سبب اطاعت بی دلیل از وی سرزنش کنند .

و قال الشیطن . .. فلاتلومونی و لوموا أنفسکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۰ - ۲

۲ - کسانی که به توصیه خداوند مبنی بر اطاعت نکردن از شیطان توجه نکنند ، مورد سرزنش او قرار دارند .

ألم أعهد إلیکم یبنی ءادم أن لاتعبدوا الشیطن

برداشت یاد شده، از لحن سرزنش آمیز آیه شریفه به دست می آید.

سرزنشهای پیروان شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۱۳

۱۳- شیطان در قیامت مورد سرزنش و ملامت پیروان خود قرار خواهد گرفت .

فلاتلومونی و لوموا أنفسکم

شرک پیروان شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۲۰،۱۸،۱۷

۱۷- شیطان در قیامت به پیروان خود اعلام خواهد کرد که وی در دنیا عقیده آنان را در شریک قرار دادن او برای خدا ، قبول نداشته است .

و قال الشیطن . .. إنی کفرت بما أشرکتمون من قبل

برداشت مبتنی بر این احتمال است که <ما> در آیه مصدری باشد و <أشرکتم> را به تأویل مصدر ببرد و مفعول

آن ضـمیر منفصل محذوف باشد. بنابراین معنای عبارت چنین می شود: من شریک قرار داده شدن خودم را برای خدا از جانب شما قبول نداشتم و به آن کافر بودم.

۱۸- شیطان در قیامت اظهار می دارد که وی قبل از شرک پیروانش ، به خداوند کافر شده بود . *

إنی کفرت بما أشرکتمون من قبل

برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است که <ما> در <بما أشـرکتمون> موصول و به معنای <من> باشد و ضـمیر صـله هم محذوف و <من قبل> نیز متعلق به <کفرت> باشد. بنابراین معنای عبارت چنین می شود: من پیش از آنکه شـما مرا شریک خدا قرار دهید (در عهد آدم) به او کافر شدم.

۲۰- پیروان شیطان او را در اطاعت ، شریک خداوند قرار می دهند و از القائات او تبعیت می کنند .

إلاّ أن دعوتکم فاستجبتم لی . .. إنی کفرت بما أشرکتمون من قبل

صفات پیروان شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۸

۸- تابعان شیطان ، بی آنکه دلیل و برهانی از وی مشاهده کنند ، بی درنگ به فراخوانی او پاسخ مثبت می دهند .

و ما کان لی علیکم من سلطن إلاّ أن دعوتکم فاستجبتم لی

<سلطان> به حجت و برهان اطلاق شده است و مراد از آن استفاده از دلیل و برهان به منظور چیره شدن برطرف مقابل است.

ظلم پیروان شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۰ - ۲۹

۲۹- پیروان شیطان و گزینش کنندگان ولایت او ، ظالم اند .

بئس للظلمین بدلاً

عجز پیروان شیطان

سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۲۲ – ۱۵

۱۵– شیطان در قیامت به ناتوانی خویش و پیروانش برای یاری و فریادرسی یکدیگر اعتراف می کند .

و قال الشیطن . .. ما أنا بمصرخکم و ما أنتم بمصرخی

<صرخ> به معنای فریاد و <أصرخ> به معنای پاسخ گویی به آن است. بنابراین مراد از <مصرخ> فریادرس و نجات دهنده است.

عذاب اخروی پیروان شیطان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۲۲ – ۱۶

۱۶– شیطان و پیروانش در آخرت گرفتار عذاب الهی خواهند شد .

ما أنا بمصرخکم و ما أنتم بمصرخی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – زخرف – ۴۳ – ۳۹ – ۷

۷ – شیاطین و پیروان آنها ، شریک یکدیگر در عذاب قیامت

و من یعش عن ذکر الرحمن نقیّض له شیطنًا . .. أنّکم فی العذاب مشترکون

عذاب پیروان شیطان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۲۲ – ۲۲

۲۲– شیطان در قیامت پیروان خود را از عذابی بس دردناک خبر خواهد داد .

ما أنا بمصرخکم . .. إنی کفرت بما أشرکتمون من قبل إن الظلمین لهم عذاب أليم

<إن الظالمين لهم عذاب أليم> به قرينه وحدت سياق می تواند ادامه كلام شيطان باشد.

فرجام پيروان شيطان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۶ - ۱۰

۱۰ - گرفتار شدن به آتش برافروخته و پرالتهاب دوزخ ، سرنوشت و كيفر پيروان حزب شيطان

إنّما يدعوا حزبه ليكونوا من أصحب السعير

<سعير> به معنای آتش افروخته و ملتهب

است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حشر – ۵۹ – ۱۷ – ۱

۱ – شیطان و پیروان کافر او ، دارای فرجامی همگون و هر دو مخلد در آتش

فکان عقبتهما أنّهما فی النار خلدَین فیها

فرجام شوم پیروان شیطان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۲۳ – ۱۲

۱۲– بیان عاقبت نیک مؤمنان دارای عمل صالح و فرجام شوم پیروان شیطان ، روشی است برای ایجاد انگیزش آدمیان به عاقبت اندیشی .

و برزوا لله جمیعًا فقال الضعفؤا للذین استکبروا . .. فهل أنتم مغنون عنّا من عذاب

کیفر پیروان شیطان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۶۳ – ۹

۹– دوزخ ، کیفری کامل و بی کم و کاست برای شیطان و پیروان او

فإن جهنّم جزاؤکم جزاءً موفورًا

<موفور> از ریشه <وفر> به معنای تام و بی نقص است (مفردات راغب).

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۶ – ۱۰

۱۰ – گرفتار شدن به آتش برافروخته و پرالتهاب دوزخ ، سرنوشت و کیفر پیروان حزب شیطان

إنّما يدعوا حزبه ليكونوا من أصحب السعير

<سعير> به معناى آتش افروخته و ملتهب است.

گمراهى پيروان شيطان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - ابراهيم - ۱۴ - ۲۲ - ۷

۷- شيطان در قيامت به پيروان گمراه خويش اعلام خواهد كرد كه وى هيچ سلطه اى بر آنها ندارد و صرفاً آنان به دعوت او پاسخ مثبت داده اند .

و قال الشيطن . .. و ما كان لى عليكم من سلطن

إلاّ أن دعوتكم فاستجبتم لی

ولایت بر پیروان شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۳ - ۸

۸- امتهایی که تحت تأثیر اغوای شیطان ، تسلیم انبیا نشدند ، تحت ولایت شیطانند .

أُمم من قبلک فزیّن لهم الشیطن أعملهم فهو ولیّهم الیوم

هماهنگی پیروان شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۶ - ۷

۷ - طرفداران و پیروان شیطان ، گروهی هم سو و هم نوا

إنّما یدعوا حزبه

از به کار رفتن تعبیر <حزب> درباره طرفدارن و پیروان شیطان، برداشت یاد شده به دست می آید.

پیروان قرآن

آمرزش پیروان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۱ - ۱۲

۱۲ - آمرزش و اجر ارزشمند و پرب ها ، پاداش پیروان قرآن و خداترسان

من اتّبع الذکر و خشی الرحمن بالغیب فبشّره بمغفره و أجر کریم

بشارت به پیروان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۱۱ - ۱۱

۱۱ - پیامبر (ص) مأمور بشارت دادن پیروان قرآن و خداترسان به مغفرت و اجر ارزشمند و پرب های الهی

من اتّبع الذکر و خشی الرحمن بالغیب فبشّره بمغفره و أجر کریم

پاداش پیروان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۵ - ۸

۸ ورود به بهشت و برخورداری از فضل خدا و رسیدن به مقام قرب الهی ، پاداش مؤمنان به خدا و پیروان پیامبر (ص) و قرآن

فاما الذین ءامنوا باللّه و اعتصموا . ..

يهديهم إليه صرطاً مستقيماً

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - يس - ۳۶ - ۱۱ - ۱۲

۱۲ - آمرزش و اجر ارزشمند و پرب ها ، پاداش پيروان قرآن و خداترسان

من اتّبع الذكر و خشى الرحمن بالغيب فبشّره بمغفره و أجر كريم

هدايت پذيرى پيروان قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - يس - ۳۶ - ۱۱ - ۱

۱ - انذار ها و اخطار هاى پيامبر (ص) ، تنها در افرادى كه آماده پذيرش بودند و مى خواستند از پيروان قرآن و اهل خشيت باشند ، مؤثر بود .

إنّما تنذر من اتّبع الذكر و خشى الرحمن

در آيات گذشته، سخن از گروهى بود كه هرگز آمادگى پذيرش ايمان و سخن حق را نداشتند; ولى در اين آيه شريفه از گروه ديگرى ياد مى كند كه در نقطه مقابل گروه اول قرار دارند كه آماده پذيرش كلام حق (قرآن) بوده و از خداى رحمان مى ترسند. گفتنى است مقصود از <ذكر> طبق نظر بيش تر مفسران قرآن است.

پيروان كافران

{پيروان كافران}

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۱ - ۱

۱ منافقان به هنگام پيروزى مسلمانان ، خود را ياور آنان و به گاه غلبه كافران ، خود را طرفدار و عامل پيروزى ايشان جلوه مى دهند .

الذين يتربّصون بكم . .. قالوا ألم نستحوذ عليكم

<الذین یتربّصون>، بدل برای <الذین یتخذون> است و توضیح دهنده ویژگیهای منافقان.

پیروان لوط

{پیروان لوط}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۲

۴ لوط در پاک زیستی و تنزه از اعمال زشت و مبارزه با کردار های ناپسند ، دارای همگامان و یارانی متعدد بود .

و ما کان جواب قومه إلا أن قالوا أخرجوهم من قریتکم إنهم أناس یتطهرون

ضمایر جمع در جمله <اخرجوهم . .. > و نیز آوردن کلمه <اناس>، حکایت از آن دارد که گروهی از مردم به لوط گرویده بودند و چون تصمیم بر اخراج لوط و یارانش در پی اعتراضهایی که در آیه قبل مطرح شد، گرفته شده، معلوم می شود مؤمنان به لوط وی را در مبارزه با فسادها و مفسدان یاری می کردند.

اقلیت پیروان لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۲ - ۵

۵ یاران و همگامان لوط در مقایسه با مخالفان وی بسیار اندک بودند .

قالوا أخرجوهم من قریتکم

تصمیم و پیشنهاد اخراج لوط و یارانش حکایت از آن دارد که یاران وی در مقایسه با مخالفان او بسیار اندک بودند، ورنه چنین پیشنهادی طبیعی به نظر نمی رسید.

پاکی پیروان لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۲ - ۳،۷،۸

۳ پاک زیستی لوط و همراهانش ، موجب رنجش قوم وی و عاملی برای پیشنهاد اخراج ایشان از دیارشان شد .

أخرجوهم من قریتکم إنهم اناس یتطهرون

۷ لوط و همراهانش ، حتی در دیدگاه مخالفان ، انسانهایی پاک و منزه از اعمال ناروا و پلید

إنهم أناس یتطهرون

۸ قوم لوط ناامید از گرایش وی و همگامانش به منجلاب فساد ها و ارتکاب رفتار های پلید و ناروا

إنهم أناس يتطهرون

به کار گیری

فعل مضارع <یتطهرون> بیانگر آن است که قوم لوط بر این باور بودند که پاک زیستی وی و همراهانش امری مستمر و مداوم است.

تبعید پیروان لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۲ - ۳

۳ پاک زیستی لوط و همراهانش ، موجب رنجش قوم وی و عاملی برای پیشنهاد اخراج ایشان از دیارشان شد .

أخرجوهم من قریتکم إنهم اناس یتطهرون

قوم لوط و پیروان لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۲ - ۸

۸ قوم لوط ناامید از گرایش وی و همگامانش به منجلاب فساد ها و ارتکاب رفتار های پلید و ناروا

إنهم أناس یتطهرون

به کارگیری فعل مضارع <یتطهرون> بیانگر آن است که قوم لوط بر این باور بودند که پاک زیستی وی و همراهانش امری مستمر و مداوم است.

پیروان محمّد(ص)

{پیروان محمّد(ص)}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۱۵ - ۸

۸ اهل ایمان ، رهروان راه رسول خدا

و من یشاقق الرسول . .. و یتبع غیر سبیل المؤمنین

پاداش پیروان محمّد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۷۵ - ۸

۸ ورود به بهشت و برخورداری از فضل خدا و رسیدن به مقام قرب الهی ، پاداش مؤمنان به خدا و پیروان پیامبر (ص) و قرآن

فاما الذین ءامنوا باللّه و اعتصموا . .. یهدیهم إلیه صرطاً مستقیماً

پیروان موسی(ع)

{پیروان موسی(ع)}

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ -

۸ - ۱۴۲

۸ هارون ، برادر موسی و از پیروان وی

و قال موسی لأخیه هرون

انذار از غضب پیروان موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۵ - ۵

۵ - هشدار مؤمن آل فرعون به مردم مجادله گر و حق ستیز مصر ، درباره خشم انقلابی و انتقام مؤمنان طرفدار موسی (ع)

الذین یجدلون فی ءایت اللّه . .. کبر مقتًا ... عندالذین ءامنوا

تذکر مؤمن آل فرعون به فرعونیان، مبنی بر این که ستیزه جویی در آیات الهی، موجب بغض و دشمنی مؤمنان می شود; می تواند بیانگر این نکته باشد که عمل آنان، موجب خشم انقلابی و شورش مؤمنان طرفدار موسی(ع) علیه آنان خواهدگردید.

پیروان موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۴ - ۶

۶ - صبر و یقین برخی از پیروان موسی (ع) به آیات الهی ، زمینه ساز گزینش آنان از سوی خدا برای پیشوایی بنی اسراییل بود .

و جعلنا منهم أئمّه . .. لمّا صبروا و کانوا بأیتنا یوقنون

بنابراین احتمال که در <لمّا> معنای جزا باشد; یعنی، آنان به رهبری انتخاب شدند، به پاداش صبری که پیشه کردند و یقینی که به آیات الهی پیدا کردند.

پیروان موسی(ع) در دربار فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۰ - ۶

۶ – موسی (ع) ، برخوردار از هواداران وفادار ، دلسوز و خیرخواه در کاخ فرعون

إنّی لک من النصحین

تعبیر <من الناصحین> نشانگر آن است که هواداران موسی در کاخ فرعون بسیار بودند

و مرد ناشناس تنها یکی از آنان بود.

پیروان موسی(ع) و فساد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۷ - ۶

۶ موسی (ع) و قوم او در پندار اشرافیان و فرعونیان ، مردمی فسادگر بودند .

أتذر موسی و قومه لیفسدوا فی الأرض

پیروان موسی(ع) و موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۹ - ۲

۲ موسی (ع) مورد انتقام قوم خویش به سبب استمرار بیدادگری فرعون پس از بعثت وی

قالوا أوذینا من قبل أن تأتینا و من بعد ما جئتنا

تهمت به پیروان موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۱ - ۱۰

۱۰ اتهام شومی و نامبارکی به موسی (ع) و پیروانش از فرعونیان ، اتهامی ناروا و برخاسته از جهل آنان بود .

یطیروا بموسی و من معه . .. و لکن أکثرهم لایعلمون

تهمت جادو به پیروان موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۲ - ۳

۳ فرعونیان ایمان به رسالت موسی را سحرزدگی می دانستند .

مهما تأتنا به من ءايه لتسحرنا بها فما نحن لك بمؤمنين

خيرخواهی پيروان موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۰ - ۶

۶ - موسی (ع) ، برخوردار از هواداراني وفادار ، دلسوز و خيرخواه در كاخ فرعون

إنّی لك من النصحين

تعبير <من الناصحين> نشانگر آن است كه هواداران موسی در كاخ فرعون بسيار بودند و مرد

ناشناس تنها یکی از آنان بود.

ظلم به پیروان موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۹ - ۱

۱ قوم موسی مورد ستم نظام فرعونی قبل از بعثت وی و پس از آن

قالوا أوذینا من قبل أن تأتینا و من بعد ما جئتنا

مراد از اتیان و مجیء <تأتینا> و <جئتنا> بعثت موسی(ع) به پیامبری است و بیان آن به دو تعبیر می تواند به جهت تفنن در عبارت باشد.

فرعون و پیروان موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۷ - ۱۳

۱۳ فرعون به اشراف دربارش اطمینان داد که نظامش از تسلط کامل بر موسی (ع) و قومش برخوردار است .

إنا فوقهم قهرون

<قاهر> به معنای غالب است و کلمه <فوقهم> متعلق به <قهرون> می باشد. یعنی ما از جهت بالا بر آنها مسلط هستیم. و این کنایه از سلطه کامل است.

فرعونیان و پیروان موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۷ - ۸

۸ آمادگی موسی (ع) و قومش برای شورش علیه نظام فرعونی و به انزوا کشاندن فرعون و خدایان او ، دلیل اشراف دربار برای ضرورت مجازات و سرکوبی آنان

أتذر موسی و قومه لیفسدوا فی الأرض و یذرک و ءالهتک

کثرت پیروان موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - اعلی - ۸۷ - ۱۹ - ۲

۲ - حضرت ابراهیم و موسی (ع) ، پیامبرانی شناخته شده در جزیره العرب و دارای طرفدارانی بسیار

صحف إبرهیم و موسی

از

آن جا که کتاب های پیشینیان محدود به صحیفه های حضرت ابراهیم و موسی(ع) نبود; تصریح به این دو می تواند برخاسته از نفوذ چشمگیر این پیامبران در جزیره العرب عصر پیامبر(ص) باشد.

مبارزه با پیروان موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۷ - ۱۱

۱۱ فرعون با پذیرش پیشنهاد اشرافیان (سرکوبی موسی (ع) و قوم او) بر کشتار وسیع پسران بنی اسرائیل و زنده نگاه داشتن زنانشان مصمم شد .

قال سنقتّل أبناءهم و نستحی نساءهم

تقتیل (مصدر تقتّل) به معنای کشتار وسیع است. <استحیاء> از ماده <حیات> به معنای زنده نگاه داشتن است.

نهضت پیروان موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۷ - ۸

۸ آمادگی موسی (ع) و قومش برای شورش علیه نظام فرعونی و به انزوا کشاندن فرعون و خدایان او ، دلیل اشراف دربار برای ضرورت مجازات و سرکوبی آنان

أتذر موسی و قومه لیفسدوا فی الأرض و یذرک و ءالهتک

پیروان انبیا از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

پیروان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۴ - ۶

۶ رهبران دین ، حتی پیامبران ، بدون داشتن پیروانی فرمانبر ، قادر به مبارزه با شرک و کفر نخواهند شد .

حسبک اللّه و من اتبعک من المؤمنین

چنـانچه <من اتبعـک> عطف بر <اللّه> باشـد، مراد از کفـایت مؤمنان برای پیامبران این نیست که آنان نیز هماننـد خـداوند قادر به حمایت از رسول خدا هستند، بلکه آیه مورد بحث با توجه به اینکه در رابطه با مبارزه علیه مشرکان

و کافران ایراد شـده، در صدد بیان این است که مبادا کفایت خداوند به این معنا تفسـیر شود که در مبارزه با مشـرکان نیازی به مؤمنان نیست و خداوند خود ایشان را از صحنه مبارزه بیرون خواهد کرد.

احسان پیروان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۴ - ۹

۹ - پیامبران و پیروانشان ، از محسنان اند .

و الذی جاء بالصدق و صدّق به . .. ذلک جزاء المحسنین

اختلاف پیروان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۷ - ۶

۶ اختلافات دینی پیروان انبیا و مخالفان آنان با داوری خداوند خاتمه خواهد یافت .

حتی یحکم اللّه بیننا

اخلاص پیروان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۴ - ۴

۴ - پیامبران الهی ، همواره در بستر تاریخ ، برخوردار از پیروانی مخلَص و اهل بندگی خدا

و لقد أرسلنا فیهم منذرین . فانظر کیف کان عقبه المنذرین . إلاّ عباد اللّه المخلص

استهزای پیروان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۸ - ۶

۶ سالکان راه خدا و پیروان انبیا ، در معرض تمسخر و استهزای کافران و دشمنان دین

کلما مرّ علیه ملأمن قومه سخروا منه

پاداش پیروان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۸ - ۴

۴ دنیا و آخرت ، عرصه بهره مندی دست پرورد گان انبیا از پادش های الهی

و کایّن من نبیّ قاتل معه ربّیون . .. فاتیهم

اللّه ثواب الدّنیا و حسن ثواب الاخر

پیروان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۴ - ۵،۹

۵ مقاومت و صبر پیروان انبیای گذشته در برابر سختی های جنگ و مشکلات

ام حسبتم . .. مسّتهم البأساء و الضراء

درخواست نصرت الهی از جانب پیامبران و مؤمنان پس از آزار جنگ و مصائب و مشکلات، بیانگر مقاومت آنان است.

۹ شدّت مصائب و تداوم مشکلات پیامبران گذشته و امت های آنان ، موجب آن شد که خواهان تعجیل در یاری و امداد الهی شوند .

مستهم البأساء و الضراء و زلزلوا حتی یقول الرسول و الذین امنوا معه متی نصر اللّه

جمله <متی نصر اللّه>، دلالت بر تردید آنان نسبت به یاری خدا ندارد; بلکه شدت مصائب و تداوم آن موجب شد که خواهان تعجیل آن باشند; و یا چنین گمان کنند که یاری خداوند نباید بیش از این به درازا کشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۸ - ۱

۱ سرگذشت حضرت زکریا ، مریم ، یحیی و عیسی (ع) و پیروان آن حضرت ، آیات الهی و پند های حکیمانه

ذلک نتلوه علیک من الایات و الذّکر الحکیم

<ذلک>، اشاره به سرگذشت کسانی است که در آیات پیشین مطرح شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۸ - ۲،۱۱

۲ پیروی از انبیا ، ملاک پیوند و انتساب به آنان

انّ اولی الناس بابرهیم لَلّذین اتّبعوه

۱۱ نزدیکترین مردم به انبیا ، متعهدترین افراد به محتوای رسالت آنان

انّ اولی

الناس بابرهیم لَلّذین اتّبعوه

امیرالمؤمنین (ع): انّ اولی النّاس بالانبیاء اعملهم بما جاؤا به. سپس آن حضرت آیه فوق را تلاوت کرد.

مجمع البیان، ج ۲، ص ۷۷۰، در برخی نسخه ها <اعلمهم> ثبت شده است; نورالثقلین، ج ۱، ص ۳۵۳، ح ۱۸۳.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۶ - ۱،۲،۱۰،۱۴

۱ پیکار بسیاری از خداپرستان ، در رکاب پیامبران الهی و تسلیم ناپذیری و پایداری آنان

و کایّن من نبیّ قاتل معه ربّیّون کثیر فما وهنوا لما اصابهم

<ربّیّون> جمع <ربّی> است و به معنی کسی که خود را مختص پروردگار کرده، یعنی جز پرستش خدا به کار دیگری نمی پردازد.

۲ عالمان ، یاوران پیامبران الهی در پیکار با دشمنان دین ، و تسلیم ناپذیر و استوار

و کایّن من نبیّ قاتل معه ربیّون کثیر فما وهنوا لما اصابهم

برخی <ربیّون> را به معنای عالمان تقواپیشه و صابر گرفته اند. (لسان العرب).

۱۰ بسیاری از انبیای الهی و یاوران ایشان ، در سراسر تاریخ ، با مصائب و دشواری های فراوان درگیر بودند .

و کایّن من نبیّ قاتل معه ربیّون کثیر . .. لما اصابهم

۱۴ نقش سازنده یادآوری حماسه شجاعت و پایداری مجاهدان راه خدا و یاوران پیامبران در پیکار و مبارزه

و کایّن من نبیّ قاتل . .. و اللّه یحبّ الصّابرین

آیه شریفه با یادآوری حماسه <ربیّون>، در صدد سازندگی مسلمانان است تا دیگر بار همانند نبرد احد، سستی و زبونی به خود راه ندهند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۷ - ۱،۲،۳،۴،۸،۹،۱۱،۱۲

۱ پیامبران الهی و دست

پروردگان آنان ، دعاکنندگان به درگاه پروردگار یکتا

و ما کان قولهم الّا ان قالوا ربّنا اغفرلنا

در برداشت فوق، ضمیر <قولهم> به پیامبران و یاوران آنان (ربّیون) برگشت داده شده است.

۲ درخواست بخشایش گناهان و زیاده روی ها ، پایداری بر راه پیامبران و چیرگی بر کافران ، تنها سخن دست پروردگان انبیا در هنگامه های پیکار

و ما کان قولهم الّا ان قالوا ربّنا اغفرلنا ذنوبنا و اسرافنا فی امرنا و ثبّت اقدا

در برداشت فوق، ضمیر <قولهم>، تنها به <ربّیون> برگشت داده شده است.

۳ همراه نمودن دعا با مجاهدت و مقاومت در راه خدا ، از ویژگی های پیامبران الهی و پرورش یافتگان آنان

و ما کان قولهم الّا ان قالوا ربّنا اغفرلنا ذنوبنا . .. و انصرنا

۴ پرورش یافتگان مکتب انبیا ، گناه و اسراف (زیاده روی در امور) را نقطه ضعف و مانع پیروزی خود می دانند . *

و ما کان قولهم الّا ان قالوا ربّنا اغفرلنا ذنوبنا و اسرافنا فی امرنا . .. و انصر

از اینکه مردان الهی نصرت و پیروزی بر دشمنان را پس از درخواست آمرزش گناهان طلب می کنند (اغفرلنا . .. و انصرنا)، معلوم می شود که آنان پیروزی را در گرو پاکی از گناه می دانند.

۸ توجّه به خودسازی (جهاد اکبر) ، به همراه پیکار با دشمن (جهاد اصغر) ، ویژگی پرورش یافتگان مکتب انبیا

و ما کان قولهم الّا ان قالوا ربّنا اغفرلنا ذنوبنا و اسرافنا فی امرنا و ثبّت . ..

۹ هنگامه های دشوار ، عرصه پالایش روحی دست پروردگان الهی

فما وهنوا . .. و ما کان

قولهم الّا ان قالوا ربّنا اغفرلنا ذنوبنا

جمله <و ما كـان قولهم . .. >، می رسانـد كه مجاهـدان راه خـدا به هنگام درگیری با دشـمن، تنها به یاد خـدا هسـتند و چیز دیگری فكر و قلب آنـان را به خود مشـغول نمی سـازد و این حـالت خلوص و روح پالایش یـافته آنـان، نتیجه گـام نهادن در عرصه های دشوار نبرد است.

۱۱ بینش خدامحوری دست پروردگان پیامبران الهی ، در تحلیل حوادث

و كایّن من نبیّ قاتل معه ربّیّون . .. و ثبّت اقدامنا و انصرنا علی القوم الكافرین

چون <ربّیّون>، در عین استقامت و پایداری، پیروزی را از جانب خدا می دانند. (و انصرنا علی القوم الكافرین).

۱۲ خودسازی و پاك شدن از گناهان و پیروزی بر دشمنان دین ، از اهداف انبیا و همگامان با ایشان

ربّنا اغفرلنا ذنوبنا . .. و انصرنا علی القوم الكافرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۸ - ۳

۳ مجاهدت در راه خدا به همراهی پیامبران الهی و دعا به درگاه او ، موجب بهره مندی از پاداش های دنیوی و اخروی

و كایّن من نبیّ . .. فاتیهم اللّه ثواب الدّنیا و حسن ثواب الاخره

پیروان انبیا در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۴ - ۴

۴ - تمامی خواسته های پیامبران و پیروان آنان در قیامت ، از پیش آماده شده و به آنان داده خواهد شد .

و الذی جاء بالصدق و صدّق به . .. لهم ما یشاءون عند ربّهم

تأمین خواسته های پیروان انبیا

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۴ - ۴

۴ - تمامی خواسته های پیامبران و پیروان آنان در قیامت ، از پیش آماده شده و به آنان داده خواهد شد .

و الذی جاء بالصدق و صدّق به . .. لهم ما یشاءون عند ربّهم

تقوای پیروان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۳۳ - ۵

۵ - تنها پیروان انبیای الهی و ادیان توحیدی ، از تقواپیشگان اند .

و الذی جاء بالصدق و صدّق به

ضمیر فصل <هم> مفید قصر و موجب اختصاص صفت تقوا به <الذی جاء. ..> است.

حامی پیروان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۰ - ۱

۱ خداوند ، حامی و پشتیبان موحدان و مؤمنان به رسالت پیامبران است .

من ینصرنی من الله إن طردتهم

حسن فرجام پیروان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۲ - ۱۰،۱۱

۱۰ فرجام نیک از آنِ پیامبران الهی و پیروان ایشان است .

و سیعلم الکُفّر لمن عقبی الدار

۱۱ کفرپیشگان در قیامت و یا پس از مرگشان - درخواهند یافت که فرجام نیک از آنِ پیامبران و پیروان ایشان است .

و سیعلم الکُفّر لمن عقبی الدار

سلامتی قلب پیروان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸۴ - ۷

۷ - برخوردار بودن از قلبی سالم و پاک ، نخستین و مهم ترین صفت از اوصاف شیعه و پیرو راستین خط پیامبران

و إنّ من شیعته لإبرهیم . إذ جاء ربّه

بقلب سلیم

برداشت یاد شده با توجّه به این نکته است که خداوند، پس از معرفی ابراهیم(ع) به عنوان شیعه و پیرو نوح پیامبر، او را به داشتن قلب سلیم توصیف فرمود.

صفات پیروان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۲ - ۱۶

۱۶ ایمان به خداوند و تسلیم در برابر او ، ویژگی یاوران انبیا

من انصاری الی اللّه . .. امنا باللّه و اشهد بانّا مسلمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸۴ - ۷

۷ - برخوردار بودن از قلبی سالم و پاک ، نخستین و مهم ترین صفت از اوصاف شیعه و پیرو راستین خط پیامبران

و إنّ من شیعته لإبرهیم . إذ جاء ربّه بقلب سلیم

برداشت یاد شده با توجّه به این نکته است که خداوند، پس از معرفی ابراهیم(ع) به عنوان شیعه و پیرو نوح پیامبر، او را به داشتن قلب سلیم توصیف فرمود.

عبودیت پیروان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۷۴ - ۴

۴ - پیامبران الهی ، همواره در بستر تاریخ ، برخوردار از پیروانی مخلَص و اهل بندگی خدا

و لقد أرسلنا فیهم منذرین . فانظر کیف کان عقبه المنذرین . إلاّ عباد اللّه المخلص

فضایل پیروان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۷۳ – ۳

۳ – پیامبران و پیروان آنان ، لشکریان خدا هستند .

لعبادنا المرسلین . .. و إنّ جندنا لهم الغلبون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – زمر

- ۳۹ - ۳۳ - ۵

۵ - تنها پیروان انبیای الهی و ادیان توحیدی ، از تقواپیشگان اند .

و الذی جاء بالصدق و صدّق به

ضمیر فصل <هم> مفید قصر و موجب اختصاص صفت تقوا به <الذی جاء. ..> است.

مسؤولیت پیروان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۷ - ۳

۳ مؤمنان به رسالت انبیا در معرض مشکل آفرینی کفرپیشگان و موظف به صبر و استقامت

إن کان طائفه منکم ءامنوا بالذی أرسلت به . .. فاصبروا

مصونیت پیروان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۱۳۴ - ۱۲

۱۲ - پیروان رسولان الهی ، از عذاب استیصال در امان اند .

و لو أنّا أهلکنهم . .. لقالوا ربّنا لولا أرسلت إلینا رسولاً فنتّبع ءایتک

نجات پیروان انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۲ - ۵

۵ به هنگام نزول عذاب الهی ، تنها همگامان پیامبران اهل نجاتند .

فأنجینه و الذین معه برحمه منا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱۰ - ۱۱

۱۱ خداوند ، پیامبران و پیروان ایشان را از عذاب های استیصال نجات می بخشید .

جاءهم نصرنا فنجی من نشاء

<نجی> ماضی مجهول و <من> نایب فاعل آن است. مفعول <نشاء> کلمه ای مانند <نجاته> است که از <نجی> استفاده می شود. بنابراین <فنجی من نشاء> ; یعنی، پس نجات داده شد آنکه ما نجات یافتنش را می خواستیم. از مصداقهای مورد نظر برای <من نشاء> پیامبران و پیروان ایشان است.

پیروان شعیب از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

پیروان شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۹ - ۷

۷ شعیب (ع) بازگشت خود و همگامانش را به آیین شرک تنها در صورت تعلق مشیت الهی ، ممکن دانست .

و ما یکون لنا أن نعود فیها إلا أن یشاء اللّه ربنا

انقیاد پیروان شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۹ - ۱۲

۱۲ شعیب (ع) و مؤمنان به رسالتش ، انسانهایی تسلیم در برابر مشیت های خداوند

و ما یکون لنا أن نعود فیها إلا أن یشاء اللّه ربنا

توکل پیروان شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۹ - ۲۰

۲۰ شعیب (ع) و همگامان مؤمنش ، انسانهایی متکی به خدا و بهره مند از روحیه توکل

علی اللّه توکلنا

عقیده پیروان شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۸ - ۱۲،۱۳

۱۲ آیین مردم مدین ، آیینی منفور و کریه در دیدگاه شعیب (ع) و پیروان او

أو لو كنا كرهين

۱۳ شعیب (ع) با اظهار تنفر خود و پیروانش از آیین مردم مدین ، انتظار پذیرش آن آیین را انتظاری شگفت و بی جا دانست .

قال أو لو كنا كرهين

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۹ - ۳،۱۱،۱۲

۳ شعیب (ع) و همگامان مؤمنش ، بیزار از گرایش به آیین شرک و افترا بستن بر خدا

قال أو لو كنا

کرهین. قد افترینا علی اللّه کذبا إن عدنا فی ملتکم

۱۱ شعیب (ع) اظهار کفر و شرک را امری نامشروع و ناروا برای خویش و همگامانش دانست .

و ما یکون لنا أن نعود فیها إلا أن یشاء اللّه ربنا

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از عدم امکان که از جمله <ما یکون لنا . .. > به دست می آید، عدم امکان تشریعی باشد.

۱۲ شعیب (ع) و مؤمنان به رسالتش ، انسانهایی تسلیم در برابر مشیت های خداوند

و ما یکون لنا أن نعود فیها إلا أن یشاء اللّه ربنا

فضایل پیروان شعیب(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۸۹ – ۲۰

۲۰ شعیب (ع) و همگامان مؤمنش ، انسانهایی متکی به خدا و بهره مند از روحیه توکل

علی اللّه توکلنا

مبارزه با پیروان شعیب(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۹۱ – ۲

۲ کافران قوم شعیب پس از تمام شدن حجت الهی بر آنان و اصرارشان به کفرورزی و مبارزه با شعیب و مؤمنان به وی ، به هلاکت رسیدند .

قال الملأ . .. فأخذتهم الرجفه

کلمه <فا> در <فأخذتهم> نزول عذاب را بر قضایای بیان شده در آیات قبل مرتبط می سازد و از آن قضایاست، کفرورزی مردم مدین، مبارزه آنان با شعیب و در آخر دعای شعیب که خواهان داوری خداوند شد.

نجات پیروان شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۹ - ۴

۴ خداوند نجاتبخش شعیب (ع

) و همگامانش از گرایش به شرک

بعد إذ نجنا اللّه منها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۹۴ – ۴،۵

۴ خداوند ، شعیب (ع) و پیروانش را از عذاب نازل شده بر مردم مدین رهایی بخشید .

و لما جاء أمرنا نجینا شعیبًا والذین ءامنوا معه

۵ نجات شعیب (ع) و پیروان او از عذاب استیصال ، جلوه ای از رحمت خداوند بر آنان بود .

نجینا شعیبًا والذین ءامنوا معه برحمه منا

هجرت پیروان شعیب(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۹۰ – ۶،۷

۶ مؤمنانِ به رسالت شعیب (ع) مصمّم بر آیین توحید و متابعت شعیب (ع) در خروج از شهر مدین

لئن اتبعتم شعیباً

۷ اشراف کفرپیشه مدین با تأکید بر خسارتبار بودن همراهی شعیب (ع) ، در تلاش برای بازداشتن مؤمنان از متابعت او و خارج شدن از شهر مدین

و قال الملأ . .. لئن اتبعتم شعیباً إنکم إذاً لخسرون

پیروان شیطان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

پیروان شیطان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۱۹ – ۶

۶ گمراه ساختن ، اسیر آرزو ها نمودن و تحت فرمان گرفتن ، هدف شیطان از گزینش گروهی از مردم

و قال لاتخذن من عبادك نصيباً مفروضاً. و لاضلنهم و لامنينهم و لامرنهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۲۱ – ۱

۱ دوزخ ، جایگاه و فرجام گمراهان و فریب خوردگان از شیطان

أولئك ماويهم جهنم و لايجدون عنها محيصاً

پیروان شیطان

جلد

- نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۶۹ – ۱۰،۱۲

۱۰ – بدکاران و مرتکبان فحشا و پلیدی ها ، پیروان شیطان هستند .

لاتتبوا خطوت الشیطن . .. إنما یأمرکم بالسوء و الفحشاء

۱۲ – افترا زنندگان به خدا ، پیروان شیطان و کارگزاران او هستند .

لاتتبعوا خطوت الشیطن . .. إنما یأمرکم ... أن تقولوا علی اللّه ما لاتعلمون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۴۲ – ۹

۹ مشرکان عصر جاهلیت در اسارت گامها و راههای شیطان بودند.

و قالوا هذه أنعم و حرث حجر . .. کلوا مما رزقکم الله و لا تتبعوا خطوت الشیطن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – اعراف – ۷ – ۲۸ – ۵

۵ بدعتگذاران در دین، عناصری پیرو شیطان و تحت ولایت او هستند.

إنا جعلنا الشیطین أولیاء للذین لا یؤمنون . .. الله أمرنا بها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۷۵ – ۶

۶ بلعم باعورا پس از دور شدن از معارف الهی به دام شیطان گرفتار و از گمراهان شد .

فأتبعه الشیطن فکان من الغاوین

<غوایه>، مصدر <غاوین> به معنای گمراه شدن است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۲۰۲ - ۶

۶ پافشاری مشرکان و بی تقوایان پیرو شیطان به گمراهی خویش

ثم لایقصرون

برداشت فوق بر این اساس است که ضمیر در <لایقصرون> به مشرکان و بی تقوایان برگردانده شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴

- ۲۲ - ۱۱

۱۱- رهبران مستکبر و پیروانشان از اجابت کنندگان دعوت شیطانند .

فقال الضعفؤا للذین استکبروا إنّا کنّا لکم تبعًا . .. و قال الشیطن لما قضی الأم

برداشت فوق بر این اساس است که مخاطب شیطان، به قرینه ذکر این آیه پس از ذکر ماجرای مستکبران و پیروان آنها در قیامت، مستکبران و پیروانشان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۳ - ۶

۶- امت های پیشین ، فریفته شیطان شده و تسلیم انبیای خود نشدند .

لقد أرسلنا إلی أُمم من قبلك فزیّن لهم الشیطن أعملهم

جمله <زیّن لهم الشیطان أعمالهم> به قرینه وعده عذابی که در همین آیه به آن امتها داده شده، کنایه از عدم تسلیم آنها در برابر انبیاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱۰۰ - ۱۸

۱- تسلط و استیلای شیطان ، تنها بر دو گروه فرمانبران از او و مشرکان است .

إنما سلطنه علی الذین یتولّونه و الذین هم به مشرکون

۸- < أبی بصیر عن أبی عبدالله (ع) قال : قلت له : . . . قوله تعالی : < إنما سلطانه علی الذین یتولّونه و الذین هم به مشرکون > قال : الذین هم بالله مشرکون یسلط علی أبدانهم و علی أدیانهم ;

ابوبصیر گوید: از امام صادق(ع) در باره سخن خدای تعالی . .. <إنما سلطانه علی الذین یتولّونه و الذین هم به مشرکون> سؤال کردم، حضرت فرمود: آنان که به خدا شرک ورزیدند، [شیطان] بر بدن و دینشان مسلط می شود>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰

- مریم - ۱۹ - ۴۵ - ۱۱،۱۲

۱۱- بت پرستان ، هم سو با شیطانند و سرنوشت آنان هم سان فرجام او است .

فتکون للشیطن ولیًّا

<ولیّ> از ماده <وَلْی> (نزدیک شدن یا درپی درآمدن) مشتق است و جمله <فتکون . ..> حاکی از آن است که سرنوشت بت پرستان و شیطان، نزدیک به هم و در یک ردیف است.

۱۲- گرفتاران به عذاب الهی ، همراه و قرین شیطان خواهند بود .

یمسّک عذاب من الرحمن فتکون للشیطن ولیًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۲۲۵ - ۶

۶ - شاعران منحرف ، هم داستان شیطان و سرایندگان القائات شیطانی

تنزّل علی کلّ أفّاک . .. و الشعراء یتّبعهم... فی کلّ واد یهیمون

آمدن نام شعرای منحرف، در پی آیاتی که بیانگر نزول شیاطین بر قلب دروغ پردازان گنه پیشه است; نوعی ارتباط میان شاعران منحرف و شیاطین را افاده می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۱۹ - ۱،۵

۱ - منافقان ، تحت اختیار شیطان و مقهور اراده او

استحوذ علیهم الشیطن

<استحواذ> به معنای چیره شدن است. ضمیر <علیهم>، در آیه شریفه، مربوط به اهل نفاق است; یعنی، شیطان بر آنان مستولی شده است.

۵ - منافقان ، حزب شیطان و دار و دسته وی

أُولئک حزب الشیطن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حشر – ۵۹ – ۱۶ – ۱

۱ – منافقان ، ایفاگران نقش شیطان در تزویر و وسوسه گری

کمثل الشیطن

با توجه به این که در آیات پیشین منافقان به عنوان وعده دهندگان به یهود و متخلفان از وعده

خویش معرفی شده اند; این تمثیل متوجه آنان است.

پیروان شیطان در صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳ - ۱۰

۱۰- جبهه ضد توحیدی در صدراسلام ، متشکل از گروهی جاهل ، بی منطق و پیرو بی چون و چرای شیطان بود .

ومن الناس من یجدل فی اللّه بغیر علم و یتّبع کلّ شیطن مرید

تبری از پیروان شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۷ - ۲

۲ - اظهار خداترسی و نیز تبرّی شیطان در قیامت از پیروان خویش ، بی ثمر در نجات او از کیفر اخروی

قال إنّی بریء منک إنّی أخاف اللّه . .. فکان عقبتهما أنّهما فی النار

دعوت از پیروان شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۲۱ - ۵

۵ - شیطان ، پیروانش را هرگز ر ها نمی کند ; بلکه مدام آنان را به انواع فحشا و منکرات فرا می خواند .

و من یتّبع خطوت الشیطن فإنّه یأمر بالفحشاء و المنکر

برداشت یاد شده از به کارگیری فعل مضارع <یأمر> استفاده شده است; زیرا فعل مضارع بیانگر استمرار است.

سرزنش پیروان شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۱۲

۱۲- شیطان در قیامت به پیروان خود اعلام می کند که آنان به جای سرزنش او باید خود را به سبب اطاعت بی دلیل از وی سرزنش کنند .

و قال الشیطن . .. فلاتلومونی و لوموا أنفسکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵

- یس - ۳۶ - ۶۰ - ۲

۲ - کسانی که به توصیه خداوند مبنی بر اطاعت نکردن از شیطان توجه نکنند ، مورد سرزنش او قرار دارند .

ألم أعهد إلیکم یبنی ءادم أن لاتعبدوا الشیطن

برداشت یاد شده، از لحن سرزنش آمیز آیه شریفه به دست می آید.

سرزنشهای پیروان شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۱۳

۱۳- شیطان در قیامت مورد سرزنش و ملامت پیروان خود قرار خواهد گرفت .

فلاتلومونی و لوموا أنفسکم

شرک پیروان شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۱۷،۱۸،۲۰

۱۷- شیطان در قیامت به پیروان خود اعلام خواهد کرد که وی در دنیا عقیده آنان را در شریک قرار دادن او برای خدا ، قبول نداشته است .

و قال الشیطن . .. إنی کفرت بما أشرکتمون من قبل

برداشت مبتنی بر این احتمال است که <ما> در آیه مصدری باشد و <أشرکتم> را به تأویل مصدر ببرد و مفعول آن ضمیر منفصل محذوف باشد. بنابراین معنای عبارت چنین می شود: من شریک قرار داده شدن خودم را برای خدا از جانب شما قبول نداشتم و به آن کافر بودم.

۱۸- شیطان در قیامت اظهار می دارد که وی قبل از شرک پیروانش ، به خداوند کافر شده بود . *

إنی کفرت بما أشرکتمون من قبل

برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است که <ما> در <بما أشرکتمون> موصول و به معنای <من> باشد و ضمیر صله هم

محذوف و <من قبل> نیز متعلق به <کفرت> باشد. بنابراین معنای عبارت چنین می شود: من پیش

از آنکه شما مرا شریک خدا قرار دهید (در عهد آدم) به او کافر شدم.

۲۰- پیروان شیطان او را در اطاعت ، شریک خداوند قرار می دهند و از القائات او تبعیت می کنند .

إلاّ أن دعوتكم فاستجبتم لی . .. إنی كفرت بما أشركتمون من قبل

صفات پیروان شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۸

۸- تابعان شیطان ، بی آنکه دلیل و برهانی از وی مشاهده کنند ، بی درنگ به فراخوانی او پاسخ مثبت می دهند .

و ما كان لی علیكم من سلطن إلاّ أن دعوتكم فاستجبتم لی

<سلطان> به حجت و برهان اطلاق شده است و مراد از آن استفاده از دلیل و برهان به منظور چیره شدن برطرف مقابل است.

ظلم پیروان شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۵۰ - ۲۹

۲۹- پیروان شیطان و گزینش کنندگان ولایت او ، ظالم اند .

بئس للظلمین بدلاً

عجز پیروان شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۱۵

۱۵- شیطان در قیامت به ناتوانی خویش و پیروانش برای یاری و فریادرسی یکدیگر اعتراف می کند .

و قال الشیطن . .. ما أنا بمصرخكم و ما أنتم بمصرخی

<صرخ> به معنای فریاد و <أصرخ> به معنای پاسخ گویی به آن است. بنابراین مراد از <مصرخ> فریادرس و نجات

دهنده است.

عذاب اخروی پیروان شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۱۶

۱۶- شیطان و پیروانش در آخرت گرفتار عذاب الهی

خواهند شد .

ما أنا بمصرخکم و ما أنتم بمصرخی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۳۹ - ۷

۷ - شیاطین و پیروان آنها ، شریک یکدیگر در عذاب قیامت

و من یعش عن ذکر الرحمن نقیّض له شیطًنا . .. أنّکم فی العذاب مشترکون

عذاب پیروان شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۲۲ - ۲۲

۲۲- شیطان در قیامت پیروان خود را از عذابی بس دردناک خبر خواهد داد .

ما أنا بمصرخکم . .. إنی کفرت بما أشرکتمون من قبل إن الظلمین لهم عذاب أليم

<إن الظالمین لهم عذاب أليم> به قرینه وحدت سیاق می تواند ادامه کلام شیطان باشد.

فرجام پیروان شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۶ - ۱۰

۱۰ - گرفتار شدن به آتش برافروخته و پرالتهاب دوزخ ، سرنوشت و کیفر پیروان حزب شیطان

إنّما یدعوا حزبه لیکونوا من أصحب السعیر

<سعیر> به معنای آتش افروخته و ملتهب است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۷ - ۱

۱ – شیطان و پیروان کافر او ، دارای فرجامی همگون و هر دو مخلد در آتش

فکان عقبتهما أنّهما فی النار خلدَین فیها

فرجام شوم پیروان شیطان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۲۳ – ۱۲

۱۲– بیان عاقبت نیک مؤمنان دارای عمل صالح و فرجام شوم پیروان شیطان ، روشی است برای ایجاد انگیزش آدمیان به عاقبت اندیشی .

و برزوا لله جمیعًا فقال الضعفؤا للذین استکبروا . ..

فهل أنتم مغنون عنّا من عذاب

کیفر پیروان شیطان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۶۳ – ۹

۹- دوزخ ، کیفری کامل و بی کم و کاست برای شیطان و پیروان او

فإن جهنّم جزاؤکم جزاءً موفورًا

<موفور> از ریشه <وفر> به معنای تام و بی نقص است (مفردات راغب).

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۶ – ۱۰

۱۰ – گرفتار شدن به آتش برافروخته و پرالتهاب دوزخ ، سرنوشت و کیفر پیروان حزب شیطان

إنّما یدعوا حزبه لیکونوا من أصحب السعیر

<سعیر> به معنای آتش افروخته و ملتهب است.

گمراهی پیروان شیطان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۲۲ – ۷

۷- شیطان در قیامت به پیروان گمراه خویش اعلام خواهد کرد که وی هیچ سلطه ای بر آنها ندارد و صرفاً آنان به دعوت او پاسخ مثبت داده اند .

و قال الشیطن . .. و ما کان لی علیکم من سلطن إلاّ أن دعوتکم فاستجبتم لی

ولایت بر پیروان شیطان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۶۳ - ۸

۸- امتهایی که تحت تأثیر اغوای شیطان ، تسلیم انبیا نشدند ، تحت ولایت شیطانند .

أُمم من قبلك فزيّن لهم الشيطن أعملهم فهو وليّهم اليوم

هماهنگی پیروان شیطان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۶ - ۷

۷ - طرفداران و پیروان شیطان ، گروهی هم سو و هم نوا

إنّما يدعوا حزبه

از به کار رفتن تعبیر <حزب> درباره طرفدارن و پیروان

شیطان، برداشت یاد شده به دست می آید.

پیروزی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

پیروزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۵ - ۱۴

۱۴ پیروزی مسلمانان بر یهود *

و جاعل الذین اتبعوک

احتمالا مراد از پیروان عیسی (ع)، پیروان راستین آن حضرت است که قهراً منطبق بر مسلمانان می شود; چون عیسی (ع)، بنی اسرائیل را موظف به پیروی از پیامبر اسلام (ص) کرده یود. و مراد از <الذین کفروا>، یهود است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۳ - ۴،۶

۴ مجاهدان جنگ بدر با نداشتن ساز و برگ کافی در مقابل دشمنان ، توانستند با ایمان و توکّل به خدا بر آنان پیروز شوند .

و علی اللّه فلیتوکّل المؤمنون. و لقد نصرکم اللّه ببدر و انتم اذلّه

جمله <و لقد نصرکم اللّه ببدر>، می تواند نمونه ای باشد از حقیقت بیان شده در آیه قبل; یعنی عامل نصرت شما در بدر، توکّل شما بر خداوند بود.

۶ ساز و برگ و آمادگی نظامی و نیروی انسانی ، تنها عامل پیروزی در پیکار با دشمنان نیست .

و اذ غدوت . .. و لقد نصرکم اللّه ببدر و انتم اذلّه

چون نه ساز و برگ نظامی احد (تبوّیء المؤمنین مقاعد للقتال)، عامل پیروزی شد و نه کمبود نیرو در بدر (انتم اذلّه)، باعث شکست; بلکه آنچه عامل پیروزی است، توکل بر خدا و یاری اوست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۴ - ۶

۶ نقش تعیین کننده امداد های غیبی برای پیروزی مؤمنان در

پیکار با دشمنان

الن یکفیکم ان یمدّکم ربّکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۵ - ۱

۱ کفایت فرشتگان امدادگر ، برای پیروزی رزمندگان در برابر دشمنان

الن یکفیکم . .. بلی ان تصبروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۶ - ۱،۲،۴،۵،۶

۱ نزول فرشتگان و یاری آنان ، تنها مژده ای است برای مؤمنان پیکارگر و آرامش دهنده دل های آنان ، نه تعیین کننده پیروزیها

و ما جعله اللّه الّا بشری لکم و لتطمئنّ قلوبکم به

ضمیر در <ما جعله اللّه>، به امداد، که از <یمددکم> استفاده می شود، برمی گردد.

۲ نیاز پیکارگران به بشارت و تقویت روحیه و آرامش دل ، برای پیروزی بر دشمنان

و ما جعله اللّه الّا بشری لکم و لتطمئنّ قلوبکم به

۴ فتح و پیروزی بر دشمنان ، تنها از جانب خدای < عزیز و حکیم >

و ما النّصر الّا من عند اللّه العزیز الحکیم

۵ پیروزی جبهه مؤمنان ، پرتویی از عزّت و حکمت خداوند

و ما النّصر الّا من عند اللّه العزیز الحکیم

۶ خداوند ، تعیین کننده اصلی و نهایی پیروزی مؤمنان است ; نه فرشتگان و یا توانایی های شخصی رزمندگان

و ما جعله اللّه الّا بشری لکم . .. و ما النّصر الّا من عند اللّه

بیان انحصار پیروزی آفرینی به خـدا و نقش امداد ملائکه تنها به عنوان بشارت و اطمینان قلب، در حقیقت نفی هر گونه عاملی (توانایی نیروها از نظر عِدّه و عُدِّه، امداد ملائکه و . ..)، غیر از خواست الهی در پیروزیهاست.

جلد -

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۹ - ۱۰

۱۰ مالکیّت و حاکمیّت خداوند بر سرنوشت مؤمنان و کافران (پیروزی یا شکست)

لیقطع طرفاً من الّذین کفروا . .. لیس لک من الامر شیء ... و للّه ما فی السّموات و

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۹ - ۳

۳ شکست در جنگ ، نباید موجب سستی و اندوه اهل ایمان شود .

و لا تهنوا و لا تحزنوا و انتم الاعلون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۰ - ۶،۷،۸،۱۰،۱۲،۱۷،۱۸،۲۴

۶ گردش شکست و پیروزی در جوامع بشری ، از سنّت های همیشگی خداوند

و تلك الایّام نداولها بین النّاس

<تلك>، اشاره به همان جراحتها و شکست و پیروزیهایی است که بر اثر جنگ بدر و یا احد بر مسلمانان و کافران وارد شد.

۷ حاکمیّت اراده الهی بر حرکت تاریخ (شکست ها و پیروزی ها ، تلخی ها و شادی ها)

و تلك الایام نداولها بین النّاس

از اینکه خداوند تمامی شکستها و پیروزیها و تلخیها و شادیها و . .. را به خود نسبت داده است (نداولها)، حاکمیّت اراده الهی بر حرکت تاریخ به دست می آید.

۸ یادآوری پیروزی های گذشته و توجّه به گردش قانونمند تغییرات اجتماعی ، برطرف کننده ضعف و اندوه جامعه ایمانی

و لا تهنوا و لا تحزنوا . .. ان یمسسکم قرح فقد مسّ القوم قرح مثله و تلك الایّام ن

بنابر اینکه <فقد مسّ القوم>، درباره شکست مشرکان در جنگ بدر باشد،

خداونـد برای از بین بردن انـدوه و ضـعف مؤمنان، پیروزی آنان را در جنگ بـدر یادآوری کرده و همه را (چه شـکست و چه پیروزی) برخاسته از مشیّت خویش دانسته است.

۱۰ شکست ها و پیروزی ها (تغییرات اجتماعی) ، دارای گردشی قانونمند و هدفدار

و تلک الایّام نداولها بین النّاس و لیعلم اللّه الّذین امنوا و یتخذ منکم شهداء

جمله <و لیعلم اللّه . .. > و آنچه بر آن عطف شـده، یعنی <یتّخـذ> و <لیمحَص> و <یمحق>، اهـدافی است که خداوند برای <نداولها> (گردش ایام و تغییرات اجتماعی) بیان داشته و فعلِ هدفدار، حکایت از قانونمندی آن دارد.

۱۲ گردش شکست و پیروزی بین جبهه حق و باطل ، عرصه و زمینه مناسبی برای ظهور ایمان مؤمنان

و تلک الایّام نداولها بین النّاس و لیعلم اللّه الّذین امنوا

در برداشت فوق، <و لیعلم> به معنای <لیحقق> (تا به وجود آورد) گرفته شده است، چون علم خداوند به اشیا، همان تحقق اشیاست ; بنابراین علم خداوند به ایمان مؤمنان، تحقق ایمان آنان است. و چون فرض شده است که آنان ایمان دارند (امنوا، با صیغه ماضی)، مراد از تحقق ایمان ظهور آن خواهد بود.

۱۷ برگرفتن ناظران و گواهانی نخبه از میان مردم ، بر شکست ها و پیروزی ها بر اساس مشیّت خداوند است .

و یتّخذ منکم شهداء

۱۸ منزلت والای گواهان بر حوادث تاریخی (شکست ها و پیروزی های مسلمانان) و بیانگران علل آن حوادث

و یتّخذ منکم شهداء

چون در آیه شریفه متعلق شهادت ذکر نشده، می توان به قرینه آیات قبل که علل حوادث تاریخی را تحلیل کرده است چنین

احتمال داد که مراد از شهیدان، گواهان شکستها و پیروزیهای مسلمانان باشند تا گواهی دهند آنجا که از خدا و رسولش پیروی شد و تقوا رعایت گردید، مسلمانان پیروز شدند و آنجا که بر خود اعتماد کردند و از خداوند غافل شدند و بی تقوایی و بی صبری پیشه کردند، شکست خوردند.

۲۴ پیروزی ظالمین در پیکار با مؤمنان ، دلیل محبوبیّت آنها نزد خداوند نیست .

و لاتهنوا . .. و لیعلم اللّه الّذین امنوا ... و اللّه لایحبّ الظّالمین

بنابر اینکه مراد از ظالمان، همان پیروزمندان جنگ احد باشد، خداوند به مؤمنان یادآور می شود که پیروزی مشرکان، حاکی از محبّت الهی به ایشان نخواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۱ - ۶

۶ شکست و پیروزی در جنگ ، وسیله ای برای نابودی تدریجی کافران

نداولها بین النّاس . .. و لیمحّص اللّه الّذین امنوا و یمحق الکافرین

<محق>، به معنی نابودی تدریجی است. (مجمع البیان).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۰ - ۸

۸ توجّه به ولایت الهی و اعتقاد به یاری حتمی خداوند ، از عوامل تقویت روحیه اهل ایمان در هنگامه های دشوار و نبرد با دشمنان

بل اللّه مولیکم و هو خیر النّاصرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۲ - ۱،۳،۹،۱۳،۱۴

۱ وعده الهی به نصرت و یاری پیکارگران مؤمن ، در رویارویی و نبرد با دشمنان دین

و لقد صدقکم اللّه وعده اذ تحسّونهم باذنه

جمله <و لقد صدقكم اللّه وعده>، حاكی از

این است که خداوند از پیش سرکوبی دشمنان و پیروزی مؤمنان را وعده داده بود.

۳ تحقق وعده الهی به نصرت و پیروزی پیکارگران احد ، آنگاه که در آغاز نبرد ، مشرکان را تا آستانه انقراض کشتند .

و لقد صدقکم اللّه وعده اذ تحسّونهم باذنه

<اذ تحسّونهم> متعلق به <و لقد صدقکم اللّه> است ; یعنی بیان زمان تحقق وعده الهی است. و <تحسّونهم> از ماده <حَسّ> به معنای کشتن تا حد انقراض و نابودی است.

۹ تحقق وعده الهی به پیروزی جامعه ایمانی در گرو اتّحاد صفوف ، پایداری و پیروی آنان از رهبری

و لقد صدقکم اللّه وعده . .. حتّی اذا فشلتم و تنازعتم فی الامر و عصیتم

۱۳ استواری در نبرد ، اتّحاد و یکدلی رزمجویان و پیروی از دستورات رهبران الهی ، عامل جلب اذن خداوند برای پیروزی بر دشمن

اذ تحسّونهم باذنه حتّی اذا فشلتم و تنازعتم فی الامر و عصیتم

کلمه <باذنه> بیانگر این است که پیروزیها در گرو اذن خداوند است و از اینکه مسلمانان در مرحله اوّل، یعنی قبل از اختلاف و سستی و سرپیچی، مأذون به پیروزی شدند و آنگاه که سستی کردند و اختلاف ورزیدند و سرپیچی نمودند، اذن به پیروزی برداشته شد، معلوم می شود اذن الهی به پیروزی، دائر مدار عملکرد رزمجویان خواهد بود.

۱۴ پیروزی جامعه ایمانی بر دشمنان خویش ، برخاسته از اراده الهی

من معد ما اریکم ما تحبّون

فاعل در <اری> خداوند است ; و منظور از <ما> در <ما تحبّون>، پیروزی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۳ - ۱۰

۱۰ تلاش

مستمر پیامبر (ص) برای جلوگیری از شکست مسلمانان در کارزار احد

و الرّسول یدعوکم فی اخریکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۴ - ۲۶

۲۶ پیروزی و فتح یا شکست و شهادت مسلمانان ، نشانه حقّانیّت و یا باطل بودن اسلام نیست .

ظنّ الجاهلیّه . .. یقولون لو کان لنا من الامر شیء ما قتلنا ههنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۵ - ۲،۴

۲ ضربه و مصیبت وارده بر کافران در جنگ بدر ، دو برابر مصیبتی که بر پیکارگران مؤمن در جنگ احد وارد شد .

اولمّا اصابتکم مصیبه قد اصبتم مثلیها

بسیاری از مفسران گفته اند که مراد از <اصبتم مثلیها> (دو چندان مصیبتی که دیدید، بر کافران وارد کردید) مصیبتی است که مؤمنان در پیکار بدر بر مشرکان تحمیل کردند. این برداشت را روایت مذکور در فیش شماره ۱۲ تأیید می کند.

۴ یادآوری خاطره پیروزی مسلمانان در پیکار بدر ، التیام بخش رنج و آثار روحی دردناك شکست نبرد احد

اولمّا اصابتکم مصیبه قد اصبتم مثلیها

جمله <قد اصبتم مثلیها>، که اشاره به پیروزی بزرگ مسلمانان در بدر است، بدان جهت ایراد شده که با یاد آن خاطره بزرگ، مسلمانان مصیبت احد را در مقایسه با پیروزی بدر کوچک شمرند و در نتیجه، رنج مصیبت احد را نادیده انگارند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۹ - ۶

۶ سختی ها ، مصیبت ها و جنگ ها (شکست ها و پیروزی ها)

، وسایل آزمایش الهی برای بندگان

حتّی یمیز الخبیث من الطّیّب

به مقتضای ارتباط میان این آیه و آیات پیشین، از وسایل آزمایش الهی، همان نبردها مشکلات آن است ; چنانچه در نبرد احد پیش آمد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۴ - ۱۱

۱۱ نوید الهی به سرافرازی خردمندان مؤمن و پیروزی آنان بر دشمنان دین

ربّنا و اتنا ما وعدتنا علی رسلك و لا تخزنا یوم القیمه

<یوم القیمه>، ظرف برای <لاـ تخزنا> است. بنابراین مراد از <ما وعدتنا>، نویدهای دنیوی خواهد بود که از مصادیق روشن آن به قرینه <لا تخزنا>، خوار نگشتن در دنیاست ; و این نوید برای مؤمنان تنها با پیروزی بر دشمنان دین تحقق می یابد.

آثار اعلام پیروزی حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۱ - ۷

۷- اعلام پیروزی قطعی حق بر باطل ، مایه امید مؤمنان و یأس مشرکان و باطل گرایان

و قل جاء الحقّ و زهق البطل إن البطل کان زهوقًا

اعلام صریح بر شکست قطعی باطل، در پی بیان تلاشهای کافران جهت اخراج پیامبر(ص) از مکه، می تواند برای تقویت بنیه روانی مؤمنان و ایجاد یأس در دل مشرکان باشد.

آثار ایمان به پیروزی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۴ - ۲

۲- ایمان به پیروزی راه ایمان و شکست نهایی کافران ، مقتضی صلابت و جدیت مؤمنان در نبرد با جبهه کفر

الذین کفروا . .. أضلّ أعملهم ... فإذا لقیتم الذین کفروا فضرب الرقاب

فاء در <فإذا لقیتم> مفید ترتب و

نتیجه است; یعنی، اکنون که دانستید تلاش کافران بی ثمر خواهد ماند (أضلّ أعمالهم) و فرجام مؤمنان به صلاح خواهد گرایید (أصلح بالهم) پس دلگرم باشید و با یقین به پیروزی نبرد کنید (فإذا لقیتم. .. فضرب الرقاب).

آثار پیروزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۱ - ۱

۱ شکست و پیروزی مؤمنان در جنگ با کافران ، عاملی برای خالص سازی مؤمنان

و تلک الایّام نداولها . .. و لیمحّص اللّه الّذین امنوا

فعل <یمحّص> از مصدر <تمحیص> به معنای خالص کردن از ناخالصیها و نقصهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۲ - ۱۱

۱۱ جامعه ایمانی در معرض خطر سستی ، تفرقه و سرپیچی از رهبریِ صالح خویش ، پس از نیل به پیروزی

حتّی اذا فشلتم . .. من بعد ما اریکم ما تحبّون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۵ - ۱۲

۱۲ رفع ناراحتی مسلمانان به جهت شهادت هفتاد نفر در جنگ احد ، با تذکّر به این که آنان در جنگ بدر ، هفتاد نفر از دشمنان را کشته و هفتاد نفر را اسیر کردند .

اولمّا اصابتکم مصیبه قد اصبتم مثلیها

امام صادق (ع) درباره آیه فوق فرمود: کان المسلمون قد اصابوا ببدر مائه و اربعین رجلا قتلوا سبعین رجلا و اسروا سبعین فلمّا کان یوم احد اصیب من المسلمین سبعون رجلا قال: فاغتمّوا بذلک فانزل اللّه تبارک و تعالی: <اولمّا اصابتکم . .. مثلیها>.

تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۰۵، ح ۱۵۱ ; نورالثقلین،

ج ۱، ص ۴۰۸، ح ۴۲۶.

آثار پیروزی اصحاب فیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - قریش - ۱۰۶ - ۱ - ۳

۳ - نظام زندگانی قریش و شیوه امرار معاش آنان در صورت پیروزی ابرهه از هم می پاشید .

لإیلف قریش

آثار پیروزی امت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۳۳ - ۸

۸- رهایی از ستم و دستیابی امت ها به پیروزی ، مقدمه آزمون آنان از سوی خداوند

و لقد نجّینا بنی إسرءیل . .. ما فیه بلؤا مبین

از ترتب آزمایش بر آزادی بنی اسرائیل، مطلب بالا استفاده می شود.

آثار پیروزی جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۴ - ۶

۶ - فرعونیان نجات و بقای خود را در گرو غلبه ساحران بر موسی (ع) در صحنه مقابله می دانستند .

و قد أفلح الیوم من استعلی

آثار پیروزی در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۱ - ۶

۶ شکست و پیروزی در جنگ ، وسیله ای برای نابودی تدریجی کافران

نداولها بین النّاس . .. و لیمحّص اللّه الّذین امنوا و یمحق الکافرین

<محق>، به معنی نابودی تدریجی است. (مجمع البیان).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۷ - ۴

۴ - سرزمین ها و اموال و خانه های دشمن ، غنایمی هستند که در صورت پیروزی مسلمانان ، به تصاحب آنان در می آید .

و أورثکم أرضهم و دیرهم و

أمولهم

آثار پیروزی در غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۴ - ۱۴

۱۴ تحکیم بیشتر پایه های حاکمیت دین در جزیره العرب ، در پرتو جهاد و پیروزی مؤمنان در جنگ تبوک

یعتذرون إلیکم إذا رجعتم إلیهم

با توجه به اینکه این آیات در زمینه جنگ تبوک است که به پیروزی مسلمانان انجامید و از اینکه خداوند می فرماید پس از بازگشت از این جنگ پیروز، متخلفان به عذرخواهی روی خواهند آورد می توان گفت که این نبود مگر به خاطر ذلت و ضعفی که در خود احساس می کردند و قدرتی که در مؤمنان می دیدند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۵ - ۲

۲ قرار گرفتن متخلفان از جنگ تبوک (منافقان) در موضع ضعف و ذلت ، پس از بازگشت پیروزمندانه مؤمنان از جهاد

سیحلفون باللّه لکم إذا انقلبتم

آثار پیروزی در غزوه خیبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۰ - ۹

۹ - فتح خیبر ، نقطه عطفی در اقتدار اقتصادی ، سیاسی مسلمانان و بازماندن دشمنان از توطئه علیه ایشان

فعجّل لکم هذه و کفّ أیدی الناس عنکم

<هذه> اشاره به فتح و غنایم خیبر دارد و <کفّ. ..> مترتب بر آن می باشد; به تعبیر دیگر تقدم و تأخر در لفظ، دال بر تقدم و تأخر در معنا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۲۷ – ۱۸

۱۸– فتح خیبر ، پیش درآمدی بر حضور بی دغدغه

مسلمانان در < عمره القضا > *

فجعل من دون ذلک فتحًا قریبًا

برداشت بالا بـدان احتمال است که <فتحاً قریباً> نظر به فتـح خیبر داشـته باشـد; زیرا این فتح، موقعیت مسـلمانان را در منطقه تثبیت کرد و در دل مشـرکان رعب آفریـد; تا پیمان حدیبیه را نشـکنند و محیط مکه را برای مسـلمانان خالی گذارند که اینان بدونه دغدغه، مراسم عمره به جای آورند.

آثار پیروزی رومیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴ - ۶۸

۶ - پیروزی رومیان بر ایرانیان ، عاملِ سرور و شادمانی مؤمنان عصر بعثت شد .

و یومئذ یفرح المؤمنون

۸ - شکست و پیروزی روم ، امری سرنوشت ساز برای مؤمنان و مشرکان عصر بعثت بوده است .

و یومئذ یفرح المؤمنون

بیـان شـکست رومیـان مسیحی در برابر ایرانیـان و نیز پیشـگویی شـکست ایرانیـان از رومیان و سـرور و فرح مؤمنان از پیروزی رومیان، حکایت از این می کند که چنین تحولاتی برای گروه های یاد شده، مهم و سرنوشت ساز بوده است.

آثار پیروزی محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۰ - ۱

۱ پیروزی و موفقیت های پیامبر (ص) و اسلام ، برای متخلفان از جنگ (منافقان) اندوه بار بود .

إن تصبک حسنه تسؤهم

آثار پیروزی مسلمانان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نصر - ۱۱۰ - ۲ - ۴

۴ - پیروزی مسلمانان عصر بعثت بر مکه و فتح آن ، زمینه ساز مسلمان شدن جمعیت های فراوانی از مردم آن زمان

إذا جاء نصر اللّه

و الفتح . و رأيت الناس يدخلون فى دين اللّه أفواجًا

آثار پيروزى مشركان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۷ - توبه - ۹ - ۸ - ۷

۷ شرك پيشگان صدر اسلام در صورت پيروزى بر مسلمانان ، از زير پا گذاشتن حقوق خويشاوندى و شكستن پيمان ، باكى نداشتند .

و إن يظهروا عليكم لايرقبوا فيكم إلّاً و لاذمه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۹۹ - ۴

۴ - < عن أبى جعفر (ع) . . . و قوله < و ما أضلّنا إلاّ المجرمون > يعنى المشركين الذين اقتدوا بهم هؤلاء فاتبعوهم على شركهم و هم قوم محمد (ص) ليس فيهم من اليهود و النصارى أحد . . . و قولهم < و ما أضلّنا إلاّ المجرمون > إذ دعونا إلى سبيلهم . . . ;

از امام باقر(ع) در باره سخن خداوند <و ما أضلّنا إلاّ المجرمون> روايت شده كه فرمود: اين مجرمان همان مشركانى بودند كه گمراهان به آنها اقتدا كردند و در شركشان از آنان پيروى نمودند و آنان گروهى از امّت محمد(ص) بودند و در بين آنان احدى از يهود و نصارا نبود . ..و سخن آنان <و ما أضلّنا إلاّالمجرمون> بدين معنا است كه آن گاه كه آنان ما را به راه خودشان دعوت كردند>.

آثار پيروزى مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۴ - عنكبوت - ۲۹ - ۱۰ - ۹

۹ - عناصر سست ايمانِ عافيت طلب ، با مشاهده پيروزى مؤمنان ، مدعى همراهى ديرينه با مؤمنان اند .

و

لئن جاء نصر من ربّك ليقولنّ إنّا كنّا معكم

آرزوی پیروزی اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۸ - ۸

۸- آرمان غلبه قوانین حق (دین اسلام) بر سایر ادیان و قوانین جهان ، آرمانی بس بزرگ

أرسل . .. لیظهره علی الدین کلّه

از این که خداوند، غلبه اسلام بر سایر ادیان را به عنوان هدف عالی فرستادن رسول بیان داشته است; مطلب بالا استفاده می شود.

ادعای پیروزی عبدالله بن ابی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۸ - ۵

۵ - سردمدار منافقین (عبدالله بن أُبیّ) ، خود را عزیز و پیروزمند و پیامبر (ص) را ذلیل و شکست خورده می پنداشت .

لیخرجنّ الأعزّ منها الأذلّ

اسیرگیری قبل از پیروزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۷ - ۱۴

۱۴ اسیر گرفتن از دشمن قبل از سرکوبی کامل آنان ، زمینه ساز شکست و خلاف حکمت و مصلحت

ما کان لنبی . .. و الله عزیز حکیم

تذکر به عزت و حکمت خداوند پس از نهی وی از اسیر گرفتن قبل از تحکیم موقعیت، اشاره به این حقیقت دارد که تخلف از آن نهی خلاف مصلحت و زمینه ساز شکست می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ – انفال – ۸ – ۶۸ – ۶،۷

۶ تقدیر و قضای الهی بر پیروزی مسلمانان در جنگ بدر ، مانع شکست مسلمانان ، علی رغم تحقق مقتضی آن (گرفتن اسیر پیش از سرکوبی کامل

دشمن)

لو لا كتب . .. عذاب عظيم

۷ روی آوری رزمندگان اسلام به اسیر گرفتن از دشمن پیش از سرکوبی کامل آنان گناهی بزرگ است .

لمسكم فيما أخذتم عذاب عظيم

از اینکه گرفتن اسیر اقتضای عذاب بزرگ دارد، معلوم می شود این گناه، بزرگ است.

اطمینان به پیروزی جادوگران فرعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۳۹ – ۲

۲ – اطمینان فرعون و درباریان او به غلبه ساحران کارآزموده بر موسی (ع)

و قيل للناس هل أنتم مجتمعون

دعوت از مردم، می تواند نشانگر اطمینان فرعونیان به پیروزی ساحران باشد. گفتنی است که تعابیری چون: <لعلّنا> و <إن كانوا> که بیانگر نوعی تردید بوده و در آیه بعدی آمده است شگردی تبلیغی برای تهییج ساحران بود تا آنان توان خویش را در این راه به کار گیرند.

اعلام پیروزی حق

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۸۱ – ۱

۱– فرمان خدا به پیامبر (ص) برای اعلام غلبه حتمی حق و اضمحلال قطعی باطل ، به مشرکان مکه

و قل جاء الحقّ و زهق البطل

امتحان با پیروزی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۷۹ – ۶

۶ سختی ها ، مصیبت ها و جنگ ها (شکست ها و پیروزی ها) ، وسایل آزمایش الهی برای بندگان

حتّی یمیز الخبیث من الطّیّب

به مقتضای ارتباط میان این آیه و آیات پیشین، از وسایل آزمایش الهی، همان نبردها مشکلات آن است ; چنانچه در نبرد احد پیش آمد.

امیدواری

به پیروزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۳ - ۱۱

۱۱ - توجه به عنصر امیدواری به پیروزی و نصرت الهی در تبلیغ ، امری لازم و کارآمد

و أُخری تحبّونها نصر من اللّه و فتح قریب

امیدواری به پیروزی جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۰ - ۱

۱ - امیدواری فرعونیان به غلبه ساحران بر موسی (ع) و پیروی مردم از آنان

لعلّنا نتّبع السحره إن کانوا هم الغلبین

واژه <لعلّ> برای اظهار امید است.

اهمیت پیروزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۲ - ۱۰

۱۰ < عن ابی جعفر (ع) (فی قوله عزوجل) : < هل تربصون بنا إلاـ إحدی الحسنیین > قال : اما موت فی طاعه اللّه و ادراک ظهور امام . . . ;

از امام باقر (ع) روایت شده که درباره سخن خداوند عز و جل: <إحد الحسنیین> فرمود: یا مرگ در راه خدا یا درک ظهور امام . .. >.

اهمیت پیروزی غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۸ - ۲

۲ پیروزی مسلمانان در جنگ بدر زیربنای گسترش توحید و نابودی شرک در سراسر جهان

یرید اللّه أن یحق الحق . .. لیحق الحق و یبطل البطل

برداشت فوق بر این اساس است که <لیحق الحق> متعلق به <یریـد اللّه أن یحق الحق> در آیه قبل باشد. بر این مبنا می توان گفت مراد از <الحق> در آیه قبل خصوص

پیروزی موعود در پیکـار بـدر است، و مقصود از <الحق> در آیه مورد بحث مطلق حق. بنابراین <یریـد اللّه أن یحق الحق ... > چنین معنا می شود: خداوند با تقدیر پیروزی در جنگ بدر خواست حق را همواره به منصه ظهور رساند و در سراسـر جهان استوار سازد.

ایمان با پیروزی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۹ - ۱

۱ - ایمان آوردن کافران ، پس از مشاهده پیروزی مؤمنان و نزول عذاب ، غیرقابل پذیرش است .

قل یوم الفتح لاینفع الذین کفروا إیمنهم

بنـابراین که <یوم الفتـح> نظر به نصـرت دنیوی مؤمنـان داشـته باشـد، آیه، نـاظر به نزول عـذاب استیصال و به پیروزی قطعی رسیدن مؤمنان خواهد بود.

ایمان به پیروزی حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - ق - ۵۰ - ۳۹ - ۲

۲ - توجّه به قاهر بودن خدا ، مقتضی اطمینان به غلبه حق و پایداری در برابر هجوم کافران علیه دین

فاصبر علی ما یقولون

<فاء> در <فاصبر> لزوم صبر را متفرع بر مطالب آیات پیشـین کرده است. در آن آیات، از قدرت الهی بر نابودی کافران و نیز اعاده آنان در قیامت برای حساب رسی، سخن به میان آمده است.

ایمان به پیروزی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۹ - ۸

۸ باور و ایمان به شکست ناپذیری و حکیم بودن خداوند ، زمینه ساز توکل و اتکا بر وی

و من يتوكل على اللّه فإن اللّه عزيز حكيم

آوردن جمله <فان اللّه . .. > به جاى جواب شرط

و یادآوری عزت و حکمت مطلق الهی، اهدافی را تعقیب می کند که از جمله آنها ایجاد روح توکل در مؤمنان به خداوند است. یعنی اگر خداوند را عزیز و حکیم بدانید بر او توکل خواهید کرد.

ایمان به پیروزی متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۹ - ۱۳

۱۳ توجه و باور به پیروزی اهل تقوا ، زمینه ساز پیشه ساختن صبر و مقاومت در برابر مشکلات راه تقوا و ایمان

فاصبر إن العقبه للمتقین

بشارت به پیروزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۷ - ۹

۹ شعیب (ع) ، مؤمنان به رسالت خویش را به داوری خداوند و پیروزی بر کافران نوید داد .

فاصبروا حتی یحکم اللّه بیننا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۰ - ۱،۲

۱ نقش ملائکه در جنگ بدر ، تنها بشارت به پیروزی و اطمینان دادن به مؤمنان بود ، و نه اقدامی عملی در قتل مشرکان .

و ما جعله اللّه إلا بشری و لتطمئن به قلوبکم

ضمیر در <جعله> و <به> به امداد که از <أنی ممدکم> استفاده می شود، برمی گردد و کلمه <بشری> مفعولٌ له برای <جعل> است.

۲ قلب های مجاهدان بدر تا پیش از بشارت پیروزی ، آکنده از اضطراب و پریشانی بود .

لتطمئن به قلوبکم

واژه اطمینان به معنای آرامش خاطر پس از اضطراب و پریشانی خاطر است. (مفردات راغب).

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۶۵ – ۵

۵

پیروزی بیست مؤمن مقاوم بر دویست دشمن و صد مؤمن مقاوم بر هزار دشمن نویدی تضمین شده از جانب خداوند

إن یکن منکم عشرون صبرون یغلبوا مائتین و إن یکن منکم مائه یغلبوا ألفا

بیان دستور به پایداری و پیروزی بر دشمن در قالب جمله خبری می تواند نومیدی به تحقق آن دستور در خارج باشد. بنابراین جمله <یغلبوا>، یعنی باید پیروز شوید که خواهید شد.

بشارت به پیروزی اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۵ - ۱۱

۱۱ نوید خداوند به ظهور و پیشرفت و پیروزی قریب الوقوع اسلام و پیامبر(ص)، علم رغم استهزای کافران صدر اسلام

فسوف تأتیهم أنبؤا ما کانوا به یستهزءون

مراد از <یأتیهم أنباؤا ما کانوا>، می تواند تحقق اموری مانند پیروزی اسلام باشد که کفار آن را به مسخره گرفته و تکذیب می کردند.

بشارت پیروزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۴ - ۷

۷ خداوند مؤمنان صدر اسلام را به پیروزی قطعی بر مشرکان ، در صورت درگیر شدن با آنان ، نوید داد .

قتلوهم یعذبهم اللّه بأیدیکم . .. و ینصرکم علیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۹ - ۱۰

۱۰ غلبه ایمان بر کفر و موفقیت پیامبر (ص) در انجام رسالت ، از نوید ها و بشارت های خداوند به آن حضرت

فاصبر إن العقبه للمتقین

بیان پیروزی اهل ایمان و از میان رفتن کفرپیشگان در شرح داستان نوح(ع) می رساند که مصداق مورد نظر برای <العاقبه>

(فرجام نیک) پیروزی ایمان بر کفر

است و از آن جا که خطاب متوجه پیامبر(ص) است، جمله فوق ناظر به پیروزی اسلام بر کفر و موفقیت پیامبر(ص) در انجام رسالت می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۹ - ۱۱

۱۱ - نوید عزت و پیروزی به اهل ایمان و شکست و خواری کافران و مشرکان صدراسلام

و من الناس من یجدل. .. ثانی عطفه... له فی الدنیا خزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۰ - ۵

۵ - خداوند ، مؤمنان را به فتوحات و غنایمی علاوه بر فتح خیبر و غنایم آن ، نوید داد .

وعدکم اللّه مغانم کثیره تأخذونها فعجّل لکم هذه

در صورتی که <هذه> به فتح خیبر اشاره داشته باشد; واژه <عجّل> می رساند که فتح خیبر، پیش درآمد فتح های دیگر و غنایم فزون تری است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۹ - ۴۱

۴۱- نوید الهی به مؤمنان صدراسلام ، نسبت به پیروزی شگفت آور و روزافزون آنان

کزرع أخرج شطه فازره . .. لیغیظ بهم الکفّار

این آیات، در طلیعه پیروزی های مسلمانان نازل شده و بشارت پیروزی های فزون تر را به مسلمانان داده است.

بشارت پیروزی اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۴۴ - ۱۴

۱۴- نوید خداوند به نابودی جوامع کفرپیشه و شرکورز و پیروزی اسلام و توسعه قلمرو سرزمین های اسلامی

أفلایرون أنّا نأتی الأرض ننقصها من أطرافها

برخی از مفسران برآنند که مقصود از کاستن زمین و اهل آن به قرینه

این که این آیات در باره کافران و منکران قرآن است کاستن از تعداد کافران و افزایش نفرات مسلمانان است. ضمیر غایب در <أفلایرون> و همزه استفهامی انکاری در <أفهم الغالبون> می تواند مؤید همین برداشت باشد.

بشارت پیروزی بر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۳ - ۵

۵ - بشارت و دلداری خداوند به پیامبر (ص) و مؤمنان ، در خصوص پیروزی نهایی آنان بر کافران و مشرکان

و لقد سبقت کلمتنا لعبادنا المرسلین . .. و إنّ جندنا لهم الغلبون

برداشت یاد شده از آن جا است که آیات شریفه که در شرایط دوران مکه نازل شده است در صدد دلداری به پیامبر(ص) و ایمان آورندگان به آن حضرت و نیز بشارت پیروزی به آنان است.

بشارت پیروزی حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۱۷ - ۱۷

۱۷ نوید خداوند به پیروزی حق و استقرار آن در زمین و شکست باطل و رخت بر بستن آن

فأما الزبد فیذهب جفاءً و أما ما ینفع الناس فیمکث فی الأرض

بشارت پیروزی غزوه خیبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۰ - ۱۳

۱۳ - تحقق نوید الهی به فتح خیبر ، معجزه ای هدایتگر برای مؤمنان

فعجّل لکم هذه . .. و لتکون ءایه للمؤمنین

بشارت پیروزی محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۱۸ – ۱۱

۱۱- نوید فتح و پیروزی به پیامبر (ص) و مؤمنان و تهدید مشرکان

، به شکست و نابودی از جانب خداوند

بل نقذف بالحقّ. .. و لکم الویل ممّا تصفون

از لحن و آهنگ آیه شریفه با توجه به این که پیامبر(ص) و اهل حق درگیر با مشرکان حق ستیز بوده اند استفاده می شود که این آیه در صدد دادن بشارت پیروزی، به پیامبر(ص) و مؤمنان است. هم چنین تهدید و اخطار به مشرکان به شکست و نابودی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۳ - ۵

۵ - بشارت و دلداری خداوند به پیامبر (ص) و مؤمنان ، در خصوص پیروزی نهایی آنان بر کافران و مشرکان

و لقد سبقت کلمتنا لعبادنا المرسلین . .. و إنّ جندنا لهم الغلبون

برداشت یاد شده از آن جا است که آیات شریفه که در شرایط دوران مکه نازل شده است در صدد دلداری به پیامبر(ص) و ایمان آورندگان به آن حضرت و نیز بشارت پیروزی به آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۵ - ۱

۱ - بشارت به پیروزی پیامبراسلام (ص) بر کافران

فستبصر

آیه شریفه، بشارت و تهدید است; بشارت پیروزی پیامبراسلام (فستبصر) و تهدید کافران به شکست و نابودی (و یبصرون).

بشارت پیروزی مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۵۷ - ۳

۳ خداوند پیش از وقوع نبرد ، تسلط مسلمانان بر یهودیان را بر پیامبر (ص) بشارت داد .

فإما تثقفنهم فی الحرب

برداشت فوق مبتنی بر مطالبی است که در توضیح برداشت قبل آمده است.

بشارت پیروزی مسلمانان صدراسلام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۱۱ – ۴

۴ – بشارت و نوید خداوند به شکست سران کفر و شرک و پیروزی مسلمانان در دوران بعثت

جند ما هنالك مهزوم من الأحزاب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – مجادله – ۵۸ – ۲۱ – ۴

۴ – خداوند ، مسلمانان صدراسلام را به پیروزی حتمی و شکست جبهه دشمن ، نوید داد .

کتب اللّه لأغلبنّ أنا و رسلی

بشارت پیروزی موحدان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۸۵ – ۵

۵ – نوید خداوند به پیامبر (ص) مبنی بر دگرگون ساختن وضع مکه و غلبه دادن توحید و ایمان بر شرك و کفر (به هنگام بازگرداندن مجدد وی به آن شهر)

لرادّك إلی معاد

<معاد> در آیه، نکره موصوفه است که صفت آن حذف شده و تقدیر آن چنین است: <لرادُّك إلی معاد غیر ما هو الآن; ترا به شهری بازمی گرداند که وضع آن غیر از وضعی باشد که الآن دارد>. بنابراین تعبیر یاد شده به بازگشت فاتحانه پیامبر(ص) به مکه و دگرگون شدن اوضاع آن شهر با ورود آن حضرت اشاره دارد.

بشارت پیروزی مؤمنان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۱۸ – ۱۱

۱۱- نوید فتح و پیروزی به پیامبر (ص) و مؤمنان و تهدید مشرکان ، به شکست و نابودی از جانب خداوند

بل نقذف بالحقّ. .. و لکم الویل ممّا تصفون

از لحن و آهنگ آیه شریفه با توجه

به این که پیامبر(ص) و اهل حق درگیر با مشرکان حق ستیز بوده اند استفاده می شود که این آیه در صدد دادن بشارت پیروزی، به پیامبر(ص) و مؤمنان است. هم چنین تهدید و اخطار به مشرکان به شکست و نابودی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۳ - ۵

۵ - بشارت و دلداری خداوند به پیامبر (ص) و مؤمنان ، در خصوص پیروزی نهایی آنان بر کافران و مشرکان

و لقد سبقت کلمتنا لعبادنا المرسلین . .. و إنّ جندنا لهم الغلبون

برداشت یاد شده از آن جا است که آیات شریفه که در شرایط دوران مکه نازل شده است در صدد دلداری به پیامبر(ص) و ایمان آورندگان به آن حضرت و نیز بشارت پیروزی به آنان است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۷ - ۵

۵ - بشارت خداوند به پیروزی و سعادتمندی مؤمنان و تهدید او نسبت به شکست و بدبختی کافران

إنّ ربّک هو أعلم بمن ضلّ عن سبیله و هو أعلم بالمهتدین

بنابر گفته مفسران، این آیه متضمن وعد و وعید است.

بیماردلان مدینه و وعده پیروزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۲ - ۵

۵ - منافقان و بیماردلان مدینه ، وعده خدا و پیامبر را بر پیروزی ، فریب و خدعه ای بیش نمی دانستند .

و إذ یقول المنفقون و الذین فی قلوبهم مرض ما وعدنا اللّه و رسوله إلاّ غرورًا

پاداش پیروزی در راه خدا

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۲۰ – ۲۴

۲۴ کسب پیروزی در راه خدا ، همانند تحمل مشکلات ، عمل صالح و دارای اجر است .

ذلک بأنهم لا یصیبهم . .. و لا ینالون من عدو نیلا إلا کتب لهم به عمل صلح إن اللّه

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از جمله <لا ینالون من عدو نیلا> می تواند دستیابی به پیروزی بر دشمن باشد.

پیروزی اخروی مؤمنان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – سجده – ۳۲ – ۲۸ – ۶

۶ – قیامت ، روز فتح و پیروزی ایمان بر کفر است .

و یقولون متی هذا الفتح

در صورتی که مراد از <الفتح> روز قیامت باشد، نکته یاد شده، به دست می آید.

پیروزی ادیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۴۶ – ۷

۷– شریعت ها و ادیان توحیدی ، در برابر دین ستیزان ، استوارتر از کوه ، پایدار و جاودانه خواهند ماند .

فیقول الذین ظلموا ربّنا أخّرنا . .. نجب دعوتک و نتّبع الرسل ... و قد مکروا ... و

از اینکه خداوند فرمود: مکر و نقشه های ستمگران در برابر نیروی حق و رسولان الهی، هر چند در قدرت و توانمندی کوه شکن باشد، مؤثر نخواهد بود، به دست می آید که ادیان توحیدی و شرایع رسولان الهی استوارتر از کوه بوده و پایدار و ضربه ناپذیرند.

پیروزی اسلام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۲ - ۶

۶ ناتوانی یهود و نصارا از مغلوب ساختن و نابود کردن

اسلام ، در پرتو تبلیغات بی امان خویش

یریدون أن یطفئوا نور اللّه بأفوههم و یأبی اللّه إلا أن یتم نوره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۳ - ۷۸

۷ تاریخ بشریت ، در آینده ، شاهد شکست تمامی ادیان و پیروزی و حاکمیت دین اسلام خواهد بود .

هو الذی أرسل رسوله . .. لیظهره علی الدین کله

خداونـد در آیه فـوق از پیروزی قطعی اسـلام بر تمـام ادیـان جهـان، خـبر داده و پیشـگویی کرد و چون چنین چیزی در دوران رسالت پیامبر اسلام (ص) اتفاق نیفتاد به دست می آید که این پیروزی مربوط به آینده تاریخ بشریت است.

۸ تعلق اراده الهی در غلبه یافتن دین حق (اسلام) بر دیگر ادیان جهان ، علی رغم کراهت مشرکان

و دین الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۰ - ۱۶

۱۶ پیروزی پیاپی اسلام بر کفر ، نمودی از قدرت الهی بر تحقق اراده خویش و نصرت پیامبر (ص)

و اللّه علی کل شیء قدیر . .. فقد نصره اللّه ... و جعل کلمه الذین کفروا السفلی و

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۱ - ۱،۲

۱- صدور فرمان پیروزی اسلام و توحید و خذلان شرک و مشرکان از جانب خداوند

أتی أمر الله فلاتستعجلوه سبحنه و تعلی عمّا یشرکون

برداشت فوق، بر این اساس است که <أمر> به معنای فرمان باشد; اما اینکه فرمان در باره چه چیزی است، ذیل آیه (سبحانه

و تعالی عما یشرکون) می تواند قرینه باشد بر اینکه آن امر در باره شرک و شکست و خذلان آن و پیروزی توحید است.

۲- مسلمانان صدراسلام ، خواهان تحقق زودرس وعده خدا در مورد غلبه اسلام و توحید بودند .

أتی أمر الله فلاتستعجلوه

در مورد مخاطب <لاتستعجلوه> دو احتمال وجود دارد: اول آنکه تعجیل از جانب مسلمانان صورت می گرفته و دیگر آنکه مشرکان خواهان شتاب در تحقق وعده های الهی (عذاب، یا غلبه توحید، یا قیامت) بودند. برداشت فوق بر مبنای اول است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۴ - ۵

۵- پیشگویی قرآن از پیروزی اسلام و مرگ سران شرک و کفر ، قبل از وفات پیامبر (ص)

أفإیْن متّ فهم الخلدون

همزه در <أفإن> استفهام انکاری و متضمن معنای نفی است. بنابراین پیام اصلی آیه چنین می شود: نه چنین است که او (پیامبر(ص)) <بمیرد و شما زنده باشید و به مدت طولانی بمانید; بلکه حقیقت عکس این است، او می ماند و شما ای سران کفر پیش از او خواهید مرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۹ - ۱۱

۱۱- پیامبر (ص) ، پیروزی اسلام را به مشرکان و کافران حق ناپذیر یادآور شد و شکستشان را به آنان هشدار داد .

و إن أدری أقریب أم بعید ماتوعدون

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که مقصود از <ماتوعدون> پیروزی اسلام و شکست جبهه شرک و کفر باشد. گفتنی است که جمله <أنّ الأرض یرثها عبادی الصالحون> در آیه ۱۰۵ مؤید همین دیدگاه است.

جلد -

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۵۵ – ۱۱

۱۱ – پیشگویی قرآن به شکست جبهه کفر و شرک و پیروزی فراگیر و گسترده جبهه توحید و اسلام در عصر بعثت

وعد اللّه الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت لیستخلفنّهم فی الأرض و لیمکّننّ لهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۲۹ – ۶

۶- محمد (ص) ، دارای رسالت جهانی و پیروز بر همه مکاتب و ادیان

لیظهره علی الدین کلّه . .. محمّد رسول اللّه

از این که خداوند، پس از وعده به غلبه اسلام بر تمامی ادیان نام شخص پیامبر(ص) را مطرح ساخته است; مطلب بالا استفاده می شود.

پیروزی امام علی(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – بلد – ۹۰ – ۶ – ۵

۵ - < عن أبی جعفر (ع) فی قوله < یقول أهلکت مالاً لبداً > قال : هو عمروبن عبدود حین عرض علیه علی بن أبی طالب (ع) الإسلام یوم الخندق و قال : فأین ما أنفقت فیکم مالاً لبداً و کان أنفق مالاً فی الصدّ عن سبیل اللّه فقتله علی (ع) ;

امام باقر(ع) درباره سخن خداوند<یقول أهلکت مالاً لبداً> روایت شده که فرمود: گوینده این سخن عمرو بن عبدود بود، آن زمان که حضرت علی بن ابی طالب(ع) در روز [غزوه]خندق، اسلام را بر او عرضه کرد; وی گفت: کجا رفت آن اموال زیادی که در مورد شما خرج کردم؟ و او اموال [زیادی] را در راه جلوگیری از راه خدا صرف کرده بود

پس حضرت علی(ع) او را کشت>.

پیروزی انبیا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۳۴ – ۱۸

۱۸ آیاتی از قرآن در تشریح و سرگذشت انبیای پیشین و صبر و مقاومت و پیروزی آنها قبل از سوره انعام بر پیامبر خدا نازل شده است.

فصبروا علی ما کذبوا . .. و لقد جاءك من نبإی المرسلین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۱۵ – ۱،۷

۱– دعا و درخواست پیروزی انبیا از خداوند ، به دنبال تهدید شدنشان از سوی اقوام کافر

و قال الذین کفروا لرسلهم لنخرجنّکم . .. و استفتحوا

مرجع ضمیر <استفتحوا> می تواند <رسل> و می تواند <رسل> و <الذین کفروا> باشد. برداشت فوق بنابر احتمال اول است.

۷– درخواست انبیا برای غلبه بر کافران اقوام خویش ، به اجابت رسید و آنان هلاك و نابود شدند .

و استفتحوا و خاب کلّ جبّار عنید

عبارت <و خاب کلّ جبّار عنید> می تواند به منزله بیان اجابت درخواست پیروزی انبیا باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۵۵ – ۷

۷ – خداوند ، کافران حاکم پیش از اسلام را ، شکست داد و پیامبران و مؤمنان نیکوکار را ، پیروز کرده و جایگزین آنان در سطح زمین قرار داد .

وعد اللّه الذین ءامنوا . .. کما استخلف الذین من قبلهم

پیروزی ایرانیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۳ – ۲

۲ – پیشگویی قرآن ، درباره پیروزی قریب الوقوع رومیان شکست خورده بر ایرانیان پیروز

و هم

من بعد غلبهم سيغلبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴ - ۱

۱ - پیشگویی قرآن در مورد پیروزی رومیان بر ایرانیان فاتح ، در خلال زمانی اندک (سه تا ده سال)

فی بضع سنین

کلمه <بضع> بر عددی اطلاق می شود که از سه بالاتر و از ده کمتر باشد (لسان العرب).

پیروزی بر باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۳ - ۱۷

۱۷ پیروزی حق بر باطل ، در گرو کوشش و تلاش صاحبان حق *

فاذا دخلتموه فانکم غلبون

پیروزی بر دشمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۷ - ۱۲

۱۲ خودسازی و پاک شدن از گناهان و پیروزی بر دشمنان دین ، از اهداف انبیا و همگامان با ایشان

ربّنا اغفرلنا ذنوبنا . .. و انصرنا علی القوم الکافرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۲ - ۱۲

۱۲ پیروزی بر دشمنان دین ، خواسته و آرمان جامعه ایمانی

من بعد ما اریکم ما تحبّون

مراد از <ما تحبّون> (آنچه آرزوی شما بود)، پیروزی بر دشمن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۳ - ۲۰

۲۰ توکل بر خداوند ، کارساز در پیروزی مؤمنان بر دشمنان خویش

فانکم غلبون و علی اللّه فتوکلوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۳۰ - ۱۸

۱۸ سیطره و تسلط بر حریفان ، همواره نشانه کامیابی نهایی

نیست .

فقتله فاصبح من الخسرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۹ - ۷

۷ خداوند ، مؤمنان متوکل بر وی را بر دشمنانشان پیروز و کار های آنان را حکیمانه سامان خواهد بخشید .

و من یتوکل علی اللّه فإن اللّه عزیز حکیم

جواب شرط <و من یتوکل علی اللّه> حذف شده و جمله <فان اللّه . .. > جانشین آن شده و دلالت بر آن دارد که تقدیر جمله چنین است: و من یتوکل علی اللّه ینصره و یحکم أمره فان اللّه ... .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۳ - ۵

۵ وحدت و الفت قلبی میان افراد جامعه ، زمینه ساز پیروزی آنان در مبارزه با دشمنان خویش

هو الذی أیدک بنصره و بالمؤمنین. و ألف بین قلوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۵ - ۵

۵ پیروزی بیست مؤمن مقاوم بر دویست دشمن و صد مؤمن مقاوم بر هزار دشمن نویدی تضمین شده از جانب خداوند

إن یکن منکم عشرون صبرون یغلبوا مائتین و إن یکن منکم مائه یغلبوا ألفا

بیان دستور به پایداری و پیروزی بر دشمن در قالب جمله خبری می تواند نومیدی به تحقق آن دستور در خارج باشد. بنابراین جمله <یغلبوا>، یعنی باید پیروز شوید که خواهید شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۶ - ۱۱

۱۱ پیروزی بر دشمنان ، وابسته به اراده و اذن خداوند است .

فإن يكن . .. بإذن اللّه

پیروزی بر

دشمنان دین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۱۰ – ۵

۵ تنها خداوند شایسته آن است که برای درخواست یاری و پیروزی بر دشمنان دین به پیشگاه او روی آورد .

إذ تستغیثون . .. و ما النصر إلا من عند اللّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۴۵ – ۳

۳ پایداری اهل ایمان در صحنه های پیکار همراه با یاد مداوم خدا ، زمینه ساز پیروزی آنان بر دشمنان دین

فاثبتوا و اذکروا اللّه کثیرا لعلکم تفلحون

<لعلکم> علاوه بر اینکه متعلق بر <اذکروا اللّه> است، می تواند متعلق به <فاثبتوا> نیز باشد. در این صورت مراد از <فلاح>، پیروزی در جنگ است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۶۷ – ۱۵

۱۵ پرهیز از گرفتن اسیر در میدان نبرد تا پیش از سرکوبی کامل دشمن ، امری حکیمانه و موجب پیروزی دشمنان دین است .

ما کان لنبی . .. و اللّه عزیز حکیم

توصیف خداوند به عزتمندی و کاردانی پس از تأکید بر حرمت گرفتن اسیر پیش از سرکوبی دشمن، اشاره به این دارد که این حکم، حکمی حکیمانه است و اجرای آن زمینه ساز عزتمندی و پیروزی مسلمانان است.

پیروزی بر دین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – عنکبوت – ۲۹ – ۴ – ۲،۳،۱۱

۲ – پندار بدکاران در سیطره و غلبه بر دین خدا ، پنداری خام و باطل است .

أم حسب الذين يعملون السيّئات أن يسبقونا

بنابراين احتمال كه مراد از <سبقت از خدا>، پشت

سر نهادن دین خدا باشد که کنایه از مغلوب ساختن آن است، نکته بالا قابل استفاده است.

۳ - پندار کافران در غلبه بر دین خدا ، پنداری خام و باطل است .

أم حسب الذین یعملون السیّئات أن یسبقونا

به قرینه آیات قبل که در آنها از مدعیان ایمان و پندارشان سخن گفته شده است، مراد از <یعملون السیّئات> می تواند <کافران> باشد.

۱۱ - قضاوت کافران درباره غلبه شان بر دین خدا ، مبتنی بر وهم و خیال وقضاوت ناشایست بود .

أم حسب الذین یعملون السیّئات أن یسبقونا ساء ما یحکمون

پیروزی بر ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۳ - ۱۶

۱۶ پیروزی حتمی بنی اسرائیل بر جباران ، در صورت یورش بر آنان از دروازه سرزمین مقدس

ادخلوا علیهم الباب فاذا دخلتموه فانکم غلبون

پیروزی بر فاسقان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۵ - ۱۴

۱۴ فراگیری معارف و عمل به احکام الهی ، شرط پیروزی قوم موسی بر فاسقان و آزادسازی سرزمین آنان

فخذها . .. یأخذوا بأحسنها سأوریکم دار الفسقین

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که <ساوریکم> جواب فعل امر <فخذها بقوه و أمر قولك یأخدوا> باشد ; یعنی: <إن تاخذها و یأخذوا سأوریکم دار الفسقین> قابل ذکر است که مجزوم نشدن <اوریکم>، علی رغم اینکه جواب امر قرار گرفته، به سبب وجود <سین> است.

پیروزی بر قدرت برتر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۶۵ – ۳،۴،۵،۶

۳ یک گروه بیست نفری اهل ایمان باید

بر يک گروه دويست نفرى اهل كفر و لشكر صد نفرى مؤمنان بايد بر لشكر هزار نفرى اهل كفر پيروز شود .

إن يكن منكم عشرون صبرون يغلبوا مائتين و إن يكن منكم مائه يغلبوا ألفا

جمله هاى <يغلبوا مائتين> و <يغلبوا ألفا> خبرى هستند. ولى مراد از آن به دليل <الئن خفف اللّه عنكم> در آيه بعد معنايى دستورى است. زيرا تخفيف در محدوده تكاليف و دستورات مطرح است. بنابراين <يغلبوا ... > يعنى بايد مقاومت كنيد و پيروز شويد.

۴ اهل ايمان موظف به پايدارى در برابر لشكريان كفر تا پيروزى بر آنان ; حتى در صورت ده برابر بودن نيروى انسانى كافران

حرض المؤمنين على القتال إن يكن منكم عشرون صبرون يغلبوا مائتين

تغيير نكردن نسبت در دو فراز ياد شده، يعنى بيست در مقابل دويست و صد در مقابل هزار، بيانگر اين است كه ضرورت مقاومت مخصوص بيست و دويست نفر نيست، بلكه تحقق نسبت (يک بر ده) ملاک حكم است.

۵ پيروزى بيست مؤمن مقاوم بر دويست دشمن و صد مؤمن مقاوم بر هزار دشمن نويدى تضمين شده از جانب خداوند

إن يكن منكم عشرون صبرون يغلبوا مائتين و إن يكن منكم مائه يغلبوا ألفا

بيان دستور به پايدارى و پيروزى بر دشمن در قالب جمله خبرى مى تواند نوميدى به تحقق آن دستور در خارج باشد. بنابراين جمله <يغلبوا>، يعنى بايد پيروز شويد كه خواهيد شد.

۶ مؤمنان صدر اسلام در برهه اى از عصر پيامبر (ص) داراى استعداد و توان پيروز شدن بر لشكرى تا ده برابر نفرات ايشان

إن يكن . .. يغلبوا ألفا

چون در آيه بعد تخفيف در حكم جهاد و

مقاومت را به تحقق ضعف تعلیل کرده است، معلوم می شود خداوند با توجه به توان و استعداد اهل ایمان بر آنان واجب کرده بود که در مقابل لشکری تا ده برابر خود مقاومت کنند.

پیروزی بر قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۲۶ - ۶

۶ - کافران مکه ، در تلاش برای غلبه بر قرآن و پیام وحی

و قال الذین کفروا لاتسمعوا . .. لعلّکم تغلبون

پیروزی بر کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۷ - ۹

۹ شعیب (ع) ، مؤمنان به رسالت خویش را به داوری خداوند و پیروزی بر کافران نوید داد .

فاصبروا حتی یحکم اللّه بیننا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۵ - ۳،۴،۸

۳ یک گروه بیست نفری اهل ایمان باید بر یک گروه دویست نفری اهل کفر و لشکر صد نفری مؤمنان باید بر لشکر هزار نفری اهل کفر پیروز شود .

إن یکن منکم عشرون صبرون یغلبوا مائتین و إن یکن منکم مائه یغلبوا ألفا

جمله های <یغلبوا مائتین> و <یغلبوا ألفا> خبری هستند. ولی مراد از آن به دلیل <الئن خفف اللّه عنکم> در آیه بعد معنایی دستوری است. زیرا تخفیف در محدوده تکالیف و دستورات مطرح است. بنابراین <یغلبوا ... > یعنی باید مقاومت کنید و پیروز شوید.

۴ اهل ایمان موظف به پایداری در برابر لشکریان کفر تا پیروزی بر آنان ; حتی در صورت ده برابر بودن نیروی انسانی کافران

حرض المؤمنين على القتال إن يكن منكم

عشرون صبرون یغلبوا مائتین

تغییر نکردن نسبت در دو فراز یاد شده، یعنی بیست در مقابل دویست و صد در مقابل هزار، بیانگر این است که ضرورت مقاومت مخصوص بیست و دویست نفر نیست، بلکه تحقق نسبت (یک بر ده) ملاک حکم است.

۸ صبر و مقاومت در صحنه کارزار از عوامل مهم پیروزی مؤمنان بر کافران

إن یکن منکم عشرون صبرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۶ - ۹

۹ لزوم پایداری صد مؤمن در برابر دویست کافر و هزار مؤمن در برابر دو هزار کافر تا تحقق پیروزی بر آنان

فإن یکن منکم مائه صابره یغلبوا مائتین و إن یکن منکم ألف یغلبوا الفین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۷ - ۲

۲ - وعده خداوند به پیامبر (ص) ، مبنی بر یاری کردن او و پیروز شدن آن حضرت در مبارزه با کافران حق ستیز

فاصبر إنّ وعد اللّه حقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۱ - ۱۰

۱۰ - شکست ناپذیری قرآن ، در برابر معارضه ها و موضع گیری های خصمانه کافران

إنّ الذین یلحدون . .. إنّ الذین کفروا ... و إنّه لکتب عزیز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۳ - ۳

۳ - سنت الهی در پیروز ساختن جبهه ایمان بر سپاه کفر ، دارای نمود های عینی در گذشته تاریخ

سنّه اللّه الّتی قد خلت من قبل

پیروزی بر مجاهدان غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره -

آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۱۷ – ۷

۷ پیروزی مجاهدان در جنگ بدر دارای اهدافی والا و از جمله آزمایش اهل ایمان از سوی خداوند

و لیبلی المؤمنین منه بلاء حسنا

<لیبلی> عطف بر علتی محذوف همانند <لیمحق الکفرین> است و هر دو متعلق به <قتلهم> و <رمی> می باشد یعنی <و لکن اللّه قتلهم . .. لکن اللّه رمی لیمحق الکفرین و لیبلی المؤمنین> گفتنی است که در برداشت فوق <ابلاء> به معنای آزمودن گرفته شده است.

پیروزی بر محمد(ص)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – فصلت – ۴۱ – ۲۶ – ۷

۷ – امیدواری کافران مکه ، به پیروزی خود بر پیامبر (ص) از طریق ایجاد هیاهو و فضای ناآرام

و قال الذین کفروا لاتسمعوا . .. و الغوا فیه لعلّکم تغلبون

پیروزی بر مخالفان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۳۰ – ۱۸

۱۸ سیطره و تسلط بر حریفان ، همواره نشانه کامیابی نهایی نیست .

فقتله فاصبح من الخسرین

پیروزی بر مشرکان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۷ – ۴

۴ پیروزی بر سپاه مشرکان قریش و یا تسلط بر کاروان تجاری آنان ، وعده خداوند به اهل ایمان

و إذ یعدکم اللّه إحدی الطائفتین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹ - ۱۰

۱۰- پیروزی بر مشرکان ، وعده خداوند به پیامبراسلام (ص)

ثمّ صدقنهم الوعد

آیه شریفه در مقام دلداری به پیامبراسلام است و خداوند با بیان جریان عمومی (وعده

پیروزی همه پیامبران)، در واقع به آن حضرت نیز وعده پیروزی می دهد.

پیروزی بر مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۵ - ۲

۲ - ناتوانی جبهه کفر با تجهیز تمامی امکانات ، برای غلبه بر اراده خداوند و جبهه ایمان

سیهزم الجمع و یولّون الدّبر

پیروزی بندگان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۰۶ - ۳

۳- وعده و پیام خداوند به همه بندگان حقیقی خود ، مبنی بر حاکمیت و پیروزی آنان در جاجای کره زمین

أنّ الأرض یرثها عبادی الصلحون . إنّ فی هذا لبلغًا لقوم عبدین

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <هذا> اشاره به مضمون آیه قبل و مقصود از <بلاغ>، ابلاغ پیام و رساندن مقصود باشد (لسان العرب). گفتنی است که لحن و آهنگ دو آیه، حاوی وعده و بشارت الهی است.

پیروزی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۳ - ۱۶

۱۶ پیروزی حتمی بنی اسرائیل بر جباران ، در صورت یورش بر آنان از دروازه سرزمین مقدس

ادخلوا علیهم الباب فاذا دخلتموه فانکم غلبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۲۹ - ۱۲

۱۲ آزمایش بنی اسرائیل ، از اهداف امداد های الهی برای حاکمیت بخشیدن به آنان پس از پیروزی بر دشمنانشان

و یستخلفکم فی الأرض فینظر کیف تعملون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۷ - ۱۲

۱۲ صبر و مقاومت بنی اسرائیل زمان موسی

در برابر ستمگری های فرعون ، موجب تحقق وعده الهی بر پیروزی آنان و نابودی دشمنانشان

و تمت کلمت ربک الحسنی علی بنی إسرءیل بما صبروا

حرف <باء> در <بما صبروا> سببیه است و <ما>، مصدریه. یعنی: <تمت ... بسبب صبرهم>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۶ – ۴

۴- وجود فاصله میان نخستین شکست بنی اسرائیل و پیروزی آنان

ثمّ رددنا لکم الکرّه علیهم

<ثم> دلالت بر تراخی و فاصله زمانی دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۱۶ – ۳

۳ – نصرت خداوند به موسی و هارون (علیهماالسلام) و قوم شان و نیز پیروزی آنان بر فرعونیان در سایه این یاری ، از نعمت های بزرگ الهی بر ایشان بود .

و لقد مننّا علی موسی و هرون . و نجّینهما... و نصرنهم فکانوا هم الغلبین

پیروزی پیروان نوح(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۴۹ – ۱۱

۱۱ پیروزی نوح (ع) و یارانش بر مخالفان ، نشان و دلیلی بر غلبه نهایی تقواپیشگان مقاوم و صبور ، بر کفرپیشگان است .

تلک من أنباء الغیب . .. فاصبر إن العقبه للمتقین

پیروزی جادوگران فرعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۴۱ – ۵

۵ – امتیاز خواهی ساحران از فرعون ، با قرار دادن پیروزی خود در هاله ای از ابهام

أئنّ لنا لأجرًا إن کنّا نحن الغلبین

تردید ساحران در پیروزی خود، فرعون را در وحشت از شکست فرو می برد و اشتیاق به پیروزی

را به هر قیمت در وجود او مشتعل می ساخت. ساحران از این زمینه برای دست یافتن به امتیازات بیشتر سود جستند. گفتنی است که آیه ۴۴ همین سوره که در آن ساحران پس از مطمئن شدن به دریافت مزد از فرعون پیروزی خود را بر موسی(ع) قطعی اعلام کردند (قالوا بعزّه فرعون إنّا نحن الغالبون) مؤید همین برداشت است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۴ - ۳

۳ - غرور و اطمینان سرشار ساحران به غلبه خویش بر موسی (ع)

و قالوا بعزّه فرعون إنّا لنحن الغلبون

پیروزی حامیان دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۹ - ۲

۲ مشرکان قریش پیش از جنگ بدر با نیایش به درگاه خداوند ، خواهان پیروزی حامیان دین حق شدند .

إن تستفتحوا فقد جاءکم الفتح

جمله <إن تستفتحوا> اشاره دارد به دعای مشرکان پیش از جنگ بدر که آنان با پندار حقانیت خویش از خداوند خواستند تا حامیان دین حق را در این نبرد پیروز گرداند.

پیروزی حزب الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۶ - ۴

۴ پیروزی حتمی تنها از آن حزب اللّه (یاران و پیروان خدا) است .

فان حزب اللّه هم الغلبون

ضمیر فصل <هم>، دلالت بر حصر دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ – مجادله – ۵۸ – ۲۲ – ۲۹

۲۹ – حزب خدا (مؤمنان راستین) ، تنها حزب ظفرمند و رستگار

ألا إنّ حزب اللّه هم المفلحون

قرآن قبلاً

درباره حزب شیطان فرمود: <ألا إنّ حزب الشیطان هم الخاسرون> و درباره حزب خدا می فرماید: <ألا إنّ حزب اللّه هم المفلحون> (حزب خدا فرجامی جز پیروزی و رستگاری ندارند).

پیروزی حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۳ - ۱۷

۱۷ پیروزی حق بر باطل ، در گرو کوشش و تلاش صاحبان حق *

فاذا دخلتموه فانکم غلبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷ - ۱۴

۱۴ پیروزی حق و شکست باطل ، هدفی بس والاتراز رسیدن به ثروت دنیا در بینش الهی

تودون أن غیر ذات الشوکه تکون لکم و یرید اللّه . .. و یقطع دابر الکفرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۸ - ۵،۶،۹

۵ منافقان ، تلاش تخریب گرانه خود را تا مرحله غلبه حق و پیروزی قطعی جبهه اسلام ، ادامه می دهند .

لقد ابتغوا الفتنه . .. حتی جاء الحق و ظهر أمر اللّه و هم کرهون

۶ پیروزی اسلام و مسلمانان ، برای حق و جلوه تحقق اراده الهی

حتی جاء الحق و ظهر أمر اللّه

۹ جبهه حق ، علی رغم میل منافقان ، دارای روندی رو به پیروزی و موفقیت

حتی جاء الحق و ظهر أمر اللّه و هم کرهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۶ - ۶

۶- مکر ها و چاره اندیشی های ستمگران ، هر چند گسترده و کوه شکن باشد ، در برابر نیروی حق بی ثمر و ناموفق خواهد بود

.

و قد مكروا مكرهم و عند الله مكرهم و إن كان مكرهم لتزول منه الجبال

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۱۸ - ۱،۲،۳،۱۲

۱- در نزاع ميان جبهه حق و باطل ، پيروزى نهايى از آنِ حق مداران است .

بل نقذف بالحقّ على البطل

۲- پيروزى عقيده و جهان بينى حق بر عقيده و جهان بينى باطل ، سنت الهى است .

و ما خلقنا السماء . .. لعبين ... بل نقذف بالحقّ على البطل فيدمغه

خداوند در آيه قبل، از هدفمند بودن آفرينش جهان و نيز بطلان عقيده به بيهوده بودن خلقت طبيعت سخن به ميان آورده است. اين سخن قرينه بر اين است كه مقصود از حق و باطل در آيه شريفه، عقيده و جهان نگرى حق و باطل است. گفتنى است كه ذيل همين آيه (و لكم الويل ممّا تصفون) كه در باره نسبت ناروا به خداوند و توصيف او به امور نادرست است، مؤيد برداشت ياد شده است.

۳- پيروزى حق بر باطل ، جلوه اى از هدف دارى نظام آفرينش است .

و ما خلقنا السماء. .. بل نقذف بالحقّ على البطل فيدمغه

خداوند در آيه قبل، سخن از آفرينش جهان براساس حق و هدفمند به ميان آورد و دراين آيه، پيروزى حق بر باطل را يادآور شد. ارتباط ميان اين دو گفتار بيانگر برداشت ياد شده است.

۱۲- < عن أبى عبداللّه (ع) : ما من أحد إلاّ و قد برز عليه الحقّ حتى يصدع ، قبله أم تركه و ذلك أنّ اللّه يقول فى كتابه : < بل نقذف بالحقّ على الباطل فيدمغه فإذا هو

زاهق . . . > ;

از امام صادق(ع) روایت شده است : هیچ فردی نسیت، مگر آن که حق تا روشن شدن کامل، بر او ظاهر شده است; این سخن خداوند است که در کتابش می فرماید: <بل نقذف بالحقّ علی الباطل فیدمغه فإذا هو زاهق. ..>».

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۹۸ - ۸

۸ - پیروزی نهایی در عرصه مبارزه حق و باطل ، از آنِ جبهه حق خواهد بود .

إذ قال لأبیه و قومه ماذا تعبدون . .. قالوا ابنوا له بنیًا فألقوه فی الجحیم . ف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۱ - ۲

۲ - جبهه کفر و باطل ، در مصاف با جبهه ایمان و حق ، محکوم به شکست است .

جند ما هنالک مهزوم من الأحزاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۲۱ - ۱

۱ - در جنگ حق و باطل ، غلبه با حق است .

کتب اللّه لأغلبنّ أنا و رسلی

پیروزی خداترسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۲ - ۱

۱ - خداترسان تقوا پیشه و اطاعت کنندگان از خدا و رسول ، حتماً ظفرمند و کامیاب اند .

و من یطع اللّه و رسوله و یخش اللّه و یتّقه فأُولئک هم الفائزون

پیروزی داود(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – بقره – ۲ – ۲۵۱ – ۷،۲۶

۷ هلاکت جالوت ، به دست داود

و قتل داود جالوت

۲۶ کشته شدن

جالوت (سرکرده کفر و طغیان) به دست داود ، از عوامل اعطای مُلک و سلطنت الهی به وی

و قتل داوُد جالوت و اتیه اللّه الملک

پیروزی در جنگ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۴۱ – ۶،۷

۶ پیروزی مؤمنان در جنگ ، موهبت خداوند و از جانب اوست .

فإن کان لکم فتح من اللّه

قید <من اللّه> ظاهراً قید توضیحی است. یعنی هرگاه مسلمانان پیروز شوند، این پیروزی از ناحیه خداوند است.

۷ غلبه مؤمنان در جنگ ، فتح و پیروزی حقیقی است و پیروزی های کافران ، بهره ای محدود و زودگذر است .

فإن کان لکم فتح من اللّه . .. و إن کان للکفرین نصیب

خداوند از غلبه مؤمنان به فتح و پیروزی تعبیر فرموده و برای غلبه کافران از کلمه <نصیب> استفاده کرده تا به این معنا اشاره کند که غلبه کافران، فتح و پیروزی نیست. بلکه بهره ای اندک و زودگذر است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۶۷ – ۱

۱ گرفتن اسیر در میدان نبرد ، پیش از غلبه بر دشمن و سرکوبی کامل او ، امری بس ناروا و حرام است .

ما کان لنبی أن یکون له أسری حتی یثخن فی الأرض

برداشت فوق مبتنی بر این است که مفعول <یثخن> کلمه ای همانند <العدو> باشد که به قرینه مقام حذف شده است و <ال> در <الأرض> نیز جانشین مضاف إلیه باشد، یعنی أرض المعرکه (منطقه جنگ). گفتنی است که اثخان عدو، چنانچه در لسان العرب آمده، به معنای غلبه بر دشمن

با کشتار وسیع آنان است. بنابراین جمله <ما کان ... > بیانگر این معناست که اسیر گرفتن از دشمن پیش از غلبه بر او جایز نیست.

پیروزی در جهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۳ - ۱

۱ غنیمت و پیروزی در جهاد ، فضل الهی است .

خذوا حذرکم فانفروا . .. و لئن اصابکم فضل من اللّه

مصداق مورد نظر از <فضل> در این آیه، غنیمت و پیروزی است.

پیروزی در غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۹ - ۱۳

۱۳ پیروزی مجاهدان بدر علی رغم ناتوانی آنان حادثه ای عبرت آموز و شایسته بیاد داشتن

و إذ یقول المنفقون . .. و من یتوکل علی اللّه فإن اللّه عزیز حکیم

برداشت فوق بر این اساس است که <إذ> مفعول برای <اذکروا> باشد.

پیروزی در غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۹۷ - ۱۴

۱۴ تذکر خداوند به لزوم غافل نشدن مؤمنان از خطر اعراب کفرپیشه همجوار خویش ، پس از پایان یافتن پیروزمندانه جنگ با دشمنان خارجی (رومیان در جنگ تبوک) *

الأعراب أشد کفراً و نفاقاً

با توجه به اینکه آیات قبل در مورد بازگشت پیروزمندانه مؤمنان از جنگ تبوک است، احتمال دارد که این آیه هشداری به

مؤمنان مجاهد باشد که پس از آن پیروزی، احساس امنیت نکنند و توجه کنند که در اطرافشان، بادیه نشینان جاهل و متعصب در کفر نیز، خطری جدی به شمار می روند.

پیروزی دین

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲ - ۱۱

۱۱ سنت الهی حاکم بر جوامع بشری ، در جهت غلبه یافتن دین خدا و عزّت مؤمنان ، و شکست کفر و خواری کفرپیشگان است .

و أن اللّه مخزی الکفرین

پیروزی دین حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۳۳ - ۱۱

۱۱ < عن محمد بن الفضیل عن ابی الحسن الماضی (ع) قال : قلت : < هو الذی أرسل رسوله بالهدی و دین الحق > قال : . . . الولایه هی دین الحق قلت : < لیظهره علی الدین کلّه > قال : یظهره علی جمیع الأدیان عند قیام القائم . . . ;

محمد بن فضیل گوید: از امام کاظم (ع) درباره <هو الذی ارسل رسوله . .. > سؤال کردم، فرمود: ... ولایت، همان دین حق است و درباره <لیظهره علی الدین کله> فرمود: خداوند هنگام قیام قائم (ع) دین حق را بر همه ادیان غلبه می دهد ... >.

پیروزی رومیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۳ - ۲،۳

۲ - پیشگویی قرآن ، درباره پیروزی قریب الوقوع رومیان شکست خورده بر ایرانیان پیروز

و هم من بعد غلبهم سیغلبون

۳ - پیروزی روم بر ایران ، پس از شکست ، امری به دور از انتظار

و هم من بعد غلبهم سیغلبون

آوردن <من بعد غلبهم> با این که در آیه قبل تصریح به شکست رومیان شده است، می تواند ناظر به این نکته باشد که پیروزی آنان پس از شکست، برای مردم مکه،

غیرمنتظره بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴ - ۱،۴،۵

۱ - پیشگویی قرآن در مورد پیروزی رومیان بر ایرانیان فاتح ، در خلال زمانی اندک (سه تا ده سال)

فی بضع سنین

کلمه <بضع> بر عددی اطلاق می شود که از سه بالاتر و از ده کمتر باشد (لسان العرب).

۴ - پیروزی رومیان شکست خورده ، پس از زمانی کوتاه ، جلوه ای از حاکمیّت اراده خداوند بر تمامی رخداد های تاریخ است .

غلبت الروم . .. للّه الأمر

بیان اختصاص همه امور به خداوند، پس از ذکر پیشگویی پیروزی رومیان، نوعی تعلیل برای پیروزی غیر مترقبه آنان است.

۵ - قرآن از برانگیخته شدن احساسات شادمانه مؤمنان صدر اسلام در روز پیروزی رومیان بر ایرانیان ، خبر داده است .

و هم من بعد غلبهم سیغلبون . .. و یومئذ یفرح المؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵ - ۲

۲ - برخورداری رومیان از امداد های الهی در نبردِ پیروزمندِ خویش با ایرانیان ، مایه سرور و شادمانی مؤمنان عصر بعثت شد .

و یومئذ یفرح المؤمنون بنصر اللّه

<بنصر اللّه> می تواند متعلق به <یفرح> در آیه قبل باشد; یعنی، مؤمنان به سبب این که پیروزی رومیان به امدادهای خداوند است، شادمان می شوند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۶ - ۱

۱ - تقویت جبهه رومیان و چیره ساختن آنان بر ایرانیان ، وعده تخلف ناپذیر خداوند به مؤمنان عصر بعثت

سيغلبون . .. وعد الله لايخلف الله وعده

<وعد الله> مفعول

مطلق فعل محذوف است و نویدهای خداوند در آیات قبل را تأکید می کند.

پیروزی سپاه خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۳ - ۱،۲

۱ - پیروزی جبهه حق و لشکریان الهی ، سنت و قضای حتمی و غیر قابل تخلف خداوند

و لقد سبقت کلمتنا لعبادنا المرسلین . .. و إنّ جندنا لهم الغلبون

۲ - پیروزی لشکریان الهی و مجاهدان راه خدا ، در تمامی صحنه های مبارزاتی ، سنت و وعده خداوند است .

و إنّ جندنا لهم الغلبون

پیروزی سپاه طالوت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۱ - ۴،۵،۲۴

۴ هزیمت و شکست سپاهیان جالوت به اذن الهی ، در برابر نیروی اندك طالوتیان

فهزموهم باذن اللّه

۵ اجابت دعا و نیایش طالوتیان ، با هزیمت و شکست سپاه جالوت

قالوا ربّنا . .. و انصرنا علی القوم الکافرین. فهزموهم باذن اللّه

۲۴ چیرگی سپاه طالوت بر جالوتیان ، پرتویی از تفضّلِ جهانشمولِ الهی

فهزموهم باذن اللّه . .. و لکنّ اللّه ذو فضل علی العالمین

پیروزی سلیمان(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - نمل - ۲۷ - ۳۴ - ۶

۶ – نگرانی بلقیس از قدرت و غلبه سلیمان (ع) ، علی رغم اظهار آمادگی فرماندهان وی برای هر نبرد

قالوا نحن أُولوا قوّه . .. قالت إنّ الملوك إذا دخلوا قریه أفسدوها

طرح مسأله تباهی جامعه در صورت بروز جنگ، بیانگر مطلب یاد شده است.

پیروزی شهیدان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۴

۲۸- کشته شدگان راه خدا ، پیروزمندان صحنه آزمون الهی (جهاد)

و لکن لیبلوْ بعضکم ببعض و الذین قتلوا فی سبیل اللّه فلن یضلّ أعملهم

خداونـد، پس از معرّفی جهاد به عنوان آزمون مؤمنان و کافران، تنها به یک گروه نوید داده است و آن کشـته شدگان راه حق و شهیدان اند. از این نوید استفاده می شود که پیروزمندان این آزمون همانان هستند.

پیروزی صادقان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۱۹ – ۱۳

۱۳ رستگاری و پیروزی بزرگ در قیامت ، ویژه راستگویان و راستکرداران

هذا یوم ینفع الصدقین . .. ذلک الفوز العظیم

پیروزی صالحان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۱۰۵ – ۲

۲- پیش گویی پیروزی و حاکمیت انسان های صالح در سطح زمین در کتاب زبور

و لقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که <من بعد الذکر> متعلق به <کائن> باشد در نتیجه شامل پیش گویی در تورات نمی شود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۵۵ – ۷،۲۰

۷ – خداونـد ، کافران حاکم پیش از اسـلام را ، شـکست داد و پیامبران و مؤمنان نیکوکار را ، پیروز کرده و جایگزین آنان در سطح زمین قرار داد .

وعد اللّه الذين ءامنوا . .. كما استخلف الذين من قبلهم

۲۰ – عبادت خـداى واحد و دورى از شـرك ، دليل و سـبب وعده كردن خداوند به مؤمنان صدراسـلام براى اعطاى خلافت ، پيروزى و امنيت به آنان

وعد اللّه الذين ءامنوا . ..

يعبدوننى لايشركون بى شيئًا

برداشت فوق مبتنى بر اين است كه جمله <يعبدوننى. ..> حال براى ضماير غايب گذشته و يا جمله اى استينافيه بيانيه باشد; كه در هر صورت بيانگر علت و دليل اعطاى خلافت پيروزى و امنيت به مؤمنان از سوى خداوند است.

پيروزى ظالمان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۰ - ۲۴

۲۴ پيروزى ظالمين در پيكار با مؤمنان ، دليل محبوبيّت آنها نزد خداوند نيست .

و لاتهنوا . .. و ليعلم اللّه الّذين امنوا ... و اللّه لايحبّ الظّالمين

بنابر اينكه مراد از ظالمان، همان پيروزمندان جنگ احد باشد، خداوند به مؤمنان يادآور مى شود كه پيروزى مشركان، حاكى از محبّت الهى به ايشان نخواهد بود.

پيروزى عاقلان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۹۴ - ۱۱

۱۱ نويد الهى به سرافرازى خردمندان مؤمن و پيروزى آنان بر دشمنان دين

ربّنا و اتنا ما وعدتنا على رسلك و لا تخزنا يوم القيمه

<يوم القيمه>، ظرف براى <لاـ تخزنا> است. بنابراين مراد از <ما وعدتنا>، نويدهاى دنيوى خواهد بود كه از مصاديق روشن آن به قرينه <لا تخزنا>، خوار نگشتن در دنياست ; و اين نويد براى مؤمنان تنها با پيروزى بر دشمنان دين تحقق مى يابد.

پيروزى غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۵ - ۴

۴ یادآوری خاطره پیروزی مسلمانان در پیکار بدر ، التیام بخش رنج و آثار روحی دردناک شکست نبرد احد

اولمّا اصابتکم مصیبه قد اصبتم مثلیها

جمله <قد اصبتم مثلیها>، که اشاره

به پیروزی بزرگ مسلمانان در بدر است، بدان جهت ایراد شده که با یاد آن خاطره بزرگ، مسلمانان مصیبت احد را در مقایسه با پیروزی بدر کوچک شمرند و در نتیجه، رنج مصیبت احد را نادیده انگارند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۱۰ – ۶

۶ پیروزی مسلمانان در جنگ بدر ، گسیل هزاران فرشته برای امداد مجاهدان در آن جنگ ، بشارت دهی و اطمینان بخشی به واسطه آنان ، پرتوی از عزتمندی و کاردانی خداوند

و ما النصر إلا من عند اللّه إن اللّه عزیز حکیم

جمله <إن اللّه عزیز حکیم> تعلیلی است برای تمامی مسائلی که در این آیه و آیه قبل مطرح شده بود. یعنی سرچشمه آنچه بیان شد، عزت و حکمت خداوند است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۱۷ – ۳

۳ خداوند با بیان نقش اصلی خویش در پیروزی جنگ بدر زمینه ساز پرهیز پیکارگران بدر از اعجاب و غرور به خاطر پیروزی در آن نبرد

فلم تقتلوهم . ... و ما رمیت إذ رمیت

از اهداف آیه مورد بحث، که پیروزی مؤمنان را برخاسته از اراده خدا دانسته، این است که پیکارگران بدر پیروزی را نعمتی از جانب خداوند بدانند و از آنِ قدرت خویش نشمارند تا به غرور و اعجاب مبتلا نگردند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۴۱ – ۱۰،۱۳،۱۸

۱۰ پرداخت خمس غنیمت ها و دیگر استفاده های مالی ، نشان ایمان به خدا و ایمان به پیروزی آفرینی خدا در جنگ بدر

است .

فأن للّه خمسه و للرسول . .. إن كنتم ءامنتم باللّه و ما أنزلنا على عبدنا

مراد از <ما أنزلنا . .. > مى توانـد همان امـدادهاى غيبى الهى باشد كه مسـلمانان در پرتو آن به پيروزى در جنگ بدر دسـت يافتند.

۱۳ خداوند به بركت وجود پيامبر (ص) مسلمانان را در جنگ بدر يارى كرد و آنان را به پيروزى رسانيد .

و ما أنزلنا على عبدنا

با توجه به اينكه آيات ۹ تا ۱۲ همين سوره امـدادهاى الهى را شامل همه پيكارگران بدر دانست و اين آيه پيامبر(ص) را محط نزول امدادها شمرد، معلوم مى شود وجود پيامبر(ص) در نزول امدادها دخالت فراوانى داشته است.

۱۸ يارى رسيدن به مسلمانان در جنگ بدر و به پيروزى رساندن آنان نمودى از قدرت مطلقه خداوند

و ما أنزلنا على عبدنا . .. و اللّه على كل شىء قدير

جمله <و اللّه . .. > مى توانـد ناظر به تمام حقايقى باشـد كه در آيه مورد بحث مطرح شـده است كه از جمله آنها امـدادهاى خداوند در جنگ بدر است كه <و ما أنزلنا ... > دلالت بر آن دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۶ - انفال - ۸ - ۴۲ - ۱۳،۱۱،۱۰

۱۰ وقوع جنگ بدر و پيروزى مسلمانان در آن نبرد ، امرى از پيش رقم خورده و تعيين شده

و لكن ليقضى اللّه أمرا كان مفعولا

۱۱ خداوند به منظور تبيين حقانيت توحيد و رسالت پيامبر (ص) ، جنگ بدر را تحقق بخشيد و مسلمانان را به پيروزى رسانيد .

ليقضى اللّه أمرا كان مفعولا ليهلك من هلك عن بينه و

یحیی من حی عن بینه

۱۳ پیروزی مسلمانان در جنگ بدر حجتی روشن علیه شرک و دلیلی واضح بر حقانیت توحید و اسلام

لیقضی اللّه . .. لیهلک من هلک عن بینه و یحیی من حی عن بینه

<لیهلک> متعلق به <یقضی> است. یعنی هدف از تحقق جنگ بدر این بود که ... .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۳ - ۱۵

۱۵ رؤیای پیامبر (ص) در آستانه جنگ بدر و نتایج درخشان آن ، حادثه ای شایسته و بایسته به خاطر سپردن و همواره به یاد داشتن

إذ یریکهم اللّه فی منامک قلیلا و لو أریکهم کثیرا لفشلتم و لتنزعتم

برداشت فوق بر این اساس است که <إذ> مفعول برای فعل مقدر <اذکروا> باشد.

پیروزی غزوه خیبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۰ - ۵

۵ - خداوند ، مؤمنان را به فتوحات و غنایمی علاوه بر فتح خیبر و غنایم آن ، نوید داد .

وعدکم اللّه مغانم کثیره تأخذونها فعجّل لکم هذه

در صورتی که <هذه> به فتح خیبر اشاره داشته باشد; واژه <عجّل> می رساند که فتح خیبر، پیش درآمد فتح های دیگر و غنایم فزون تری است.

پیروزی فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۵۸ - ۶

۶ - فرعون با تظاهر به اطمینان خویش بر پیروزی بر موسی (ع) ، تعیین مکان و زمان رویارویی را به او واگذار کرد .

فاجعل بيننا و بينك موعدًا لانخلفه

در این که <موعداً> مصدر است یا اسم زمان و یا

اسم مکان، نظریاتی چند ابراز شده است. گفتنی است که به قرینه وصف <لانخلفه> و کلمه <مکاناً> و کلمه <یوم الزینه> (در آیه بعد) می توان پی برد که مجموعه هر سه معنا، مورد نظر بوده است; هر چند برای برخی از آن معانی کلام دارای تقدیراتی باشد.

پیروزی قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۴۱ - ۹

۹ - پیروزمندی تفکر قرآنی ، در صحنه رویارویی با اندیشه های بشری

و إنّه لکتب عزیز

پیروزی کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۱ - ۷

۷ غلبه مؤمنان در جنگ ، فتح و پیروزی حقیقی است و پیروزی های کافران ، بهره ای محدود و زودگذر است .

فإن کان لکم فتح من اللّه . .. و إن کان للکفرین نصیب

خداوند از غلبه مؤمنان به فتح و پیروزی تعبیر فرموده و برای غلبه کافران از کلمه <نصیب> استفاده کرده تا به این معنا اشاره کند که غلبه کافران، فتح و پیروزی نیست. بلکه بهره ای اندک و زودگذر است.

پیروزی کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۹ - ۷

۷ - لزوم برگزیدن برترین کتاب آسمانی ، برای پیروی از رهنمود های آن

قل فأتوا بکتب . .. هو أهدی منهما

پیروزی مأجوج

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۹۶ – ۳،۴

۳- تمامی راه های فتوحات به روی یأجوج و مأجوج در آینده باز خواهد شد و آنان از هر قلّه ، ارتفاع و

بلندی های زمین با سرعت خواهند گذشت .

حتّی إذا فتحت یأجوج و مأجوج و هم من کلّ حدب ینسلون

<حدب> به معنای جاهای مرتفع و بلند زمین است و <نسل> (ماده <ینسلون>) در اصل به معنای جدا شدن از شیء است و هرگاه این ماده در باره رونده به کار رود، به معنای حرکت سریع خواهد بود. پس <ینسلون>; یعنی، به سرعت می روند و می تازند.

۴- پیش گویی قرآن به هجوم سریع و فتوحات فراگیر یأجوج و مأجوج در سراسر زمین در آینده

حتّی إذا فتحت یأجوج و مأجوج و هم من کلّ حدب ینسلون

اضافه شدن لفظ عموم <کلّ> بر اسم نکره <حدب> بیانگر این است که ماجرای یأجوج و مأجوج مربوط به سرزمین خاصی نیست; بلکه شامل تمامی سرزمین ها و جهانی خواهد بود.

پیروزی متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۲ - ۱

۱ - خداترسان تقوا پیشه و اطاعت کنندگان از خدا و رسول ، حتماً ظفرمند و کامیاب اند .

و من یطع اللّه و رسوله و یخش اللّه و یتّقه فأُولئک هم الفائزون

پیروزی مجاهدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۸ - ۳

۳ پیروزی مؤمنانِ پیکارگرِ بدر ، تنها به دست خدا بود ، نه پیامبر (ص)

و لقد نصرکم اللّه ببدر . .. لیس لک من الامر شیء

اگر <ال> در <الامر> برای جنس باشد، پیروزی در جنگ بدر مصداقی از آن خواهد بود و اگر عهد ذکری باشد، اشاره به پیروزی در آن جنگ است.

آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۳ - ۲،۵

۲ متخلفان از جهاد ، دارای برخوردی دوگانه در برابر شکست و پیروزی مجاهدان

فان اصابتکم مصیبه قال قد انعم اللّه علیّ . .. و لئن اصابکم فضل من اللّه لیقولنّ

۵ خداوند ، منشأ پیروزی مجاهدان ، و مقام او پیراسته از تحمیل شکست بر ایشان

فان اصابتکم مصیبه . .. و لئن اصابکم فضل من اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۴ - ۱۲

۱۲ مجاهدان راه خدا هرگز مغلوب نیستند ، هر چند کشته شوند . *

فیقتل او یغلب

به کارگیری کلمه <یُقتل> به جای <یُغْلَب> (مغلوب شود) می تواند اشاره به برداشت فوق داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۴ - ۸

۸ مرگ و ذلت مشرکان پیمان شکن صدر اسلام و پیروزی سپاه اسلام ، شفابخش سینه دردمند مؤمنان آسیب دیده از تجاوز

یعذبهم اللّه بأیدیکم و یخزهم و ینصرکم علیهم و یشف صدور قوم مؤمنین

پیروزی مجاهدان غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۷ - ۱،۸

۱ امداد های الهی عامل اصلی و اساسی کشته شدن کافران در جنگ بدر و پیروزی اهل ایمان

فلم تقتلوهم و لکن اللّه قتلهم

جمله <فلم تقتلوهم . .. > متفرع بر آیـاتی است که امـدادهای الهی را در جنـگ بـدر برمی شـمرد ; یعنی تـوجه به قضایـای جنگ بدر و امدادهای الهی بیانگر این است که در حقیقت خداوند مشرکان را کشت و آنان را شکست داد.

۸

پیروزی مجاهدان در جنگ بدر ، نعمتی نیکو از جانب خداوند برای اهل ایمان

لیبلی المؤمنین منه بلاء حسنا

<ابلاء> در برداشت فوق به معنای اعطای نعمت گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۹ - ۳

۳ پیروزی مؤمنان در جنگ بدر حجتی بر حقانیت اهل ایمان و هشدار و عبرتی برای کافران

إن تستفتحوا فقد جاءکم الفتح

مراد از <الفتح> پیروزی اهل ایمان در جنگ بدر است. و جمله <فقد جاءکم الفتح> پاسخ همان تمنای مشرکان است که خواهان پیروزی حامیان دین حق بودند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۹ - ۱۳

۱۳ پیروزی مجاهدان بدر علی رغم ناتوانی آنان حادثه ای عبرت آموز و شایسته بیاد داشتن

و إذ یقول المنفقون . .. و من یتوکل علی اللّه فإن اللّه عزیز حکیم

برداشت فوق بر این اساس است که <إذ> مفعول برای <اذکروا> باشد.

پیروزی محسنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۰۶ - ۶

۶ - محسنان ، پیروزمندان در میدان آزمایش های الهی اند .

إنّا کذلک نجزی المحسنین . إنّ هذا لهو البلؤا المبین

پیروزی محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۷ - ۲

۲ حرکت های پیروزی آفرین پیامبر (ص) در جنگ بدر در حقیقت فعل الهی بود .

فلم تقتلوهم و لکن اللّه قتلهم و ما رمیت

<رمی> به معنای پرتاب کردن است و در اینجا می تواند کنایه از تمامی حرکتهایی باشد که پیامبر(ص) در جنگ بدر انجام

داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۷ - ۱۳

۱۳ وعده پیروزی به پیامبر (ص) در برابر موج توطئه ها و تکذیب های شرکورزان عصر بعثت

أو کذب بأیته إنه لا یفلح المجرمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۹ - ۹

۹ دلجویی خداوند از پیامبر (ص) در برابر مشکلات رسالت و دادن وعده پیروزی به آن حضرت

و اصبر حتی یحکم اللّه و هو خیر الحکمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱ - ۱،۲،۸

۱- امتنان خدا بر پیامبر (ص) ، به خاطر فتحی بزرگ و نمایان

إنّا فتحنا لک فتحًا مبینًا

۲- صلح حدیبیه ، فتحی بزرگ و موهبتی الهی برای پیامبر (ص)

إنّا فتحنا لک فتحًا مبینًا

بنابراین که مراد از <فتحاً> صلح حدیبیه باشد، برداشت بالا به دست می آید.

۸ - < قال الرضا (ع) . . . فلمّا فتح اللّه عزّوجلّ علی نبیّه مکه قال له یا محمّد (ص) < إنّا فتحنا لک فتحًا مبینًا > . . . ;

امام رضا(ع) فرمود: . .. آن هنگام که خداوند مکه را برای پیامبرش فتح نمود، به آن حضرت فرمود: ای محمّد! <إنّا فتحنا لک فتحاً مبیناً>...>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۲۹ – ۶

۶- محمد (ص) ، دارای رسالت جهانی و پیروز بر همه مکاتب و ادیان

لیظهره علی الدین کلّه . .. محمّد رسول اللّه

از این که خداوند،

پس از وعده به غلبه اسلام بر تمامی ادیان نام شخص پیامبر(ص) را مطرح ساخته است; مطلب بالا استفاده می شود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - طور - ۵۲ - ۳۱ - ۳

۳ - اطمینان بخشی خداوند به پیامبر (ص) ، نسبت به رشد دعوت آن حضرت و به خاموشی گراییدن ندای کفر

قل تربّصوا فإنّی معکم من المتربّصین

پیروزی مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۵ - ۱۴

۱۴ پیروزی مسلمانان بر یهود *

و جاعل الذین اتبعوک

احتمالا مراد از پیروان عیسی (ع)، پیروان راستین آن حضرت است که قهراً منطبق بر مسلمانان می شود; چون عیسی (ع)، بنی اسرائیل را موظف به پیروی از پیامبر اسلام (ص) کرده یود. و مراد از <الذین کفروا>، یهود است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۴ - ۲۶

۲۶ پیروزی و فتح یا شکست و شهادت مسلمانان ، نشانه حقّانیّت و یا باطل بودن اسلام نیست .

ظنّ الجاهلیّه . .. یقولون لو کان لنا من الامر شیء ما قتلنا ههنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۲ - ۲۲

۲۲ پیروزی مسلمانان ، مایه پشیمانی بیماردلان سست ایمان عصر بعثت از شک و تردید نسبت به حقانیت اسلام

فعسی اللّه ان یأتی بالفتح او . .. فیصبحوا علی ما اسروا فی انفسهم ندمین

برداشت فوق بر این اساس است که مراد از <ما اسـروا فی انفسـهم>، تردیـد مسـلمانان سـست ایمان نسـبت به حقانیت اسـلام باشد. <فی

قلوبهم مرض>، این احتمال را تأیید می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۷ - ۱۰

۱۰ قضایای جنگ بدر و پیروزی مسلمانان در آن ، نعمتی بزرگ و شایسته و بایسته به یاد داشتن و شامل درسهایی از توحید

إذ یعدکم اللّه إحدی الطائفتین أنها لکم

مقصود از فرمان خداوند به یادآوری قضایای بدر، یادآوری حاکمیت خداوند بر عوامل طبیعی است. زیرا نیروی برتر و غیر قابل مقایسه مشرکان نسبت به مسلمانان اقتضا می کرد که مشرکان پیروز شوند ; ولی تقدیر خداوند بر این بود که پیروزی از آن مسلمانان باشد ; و چنین شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۸ - ۲

۲ پیروزی مسلمانان در جنگ بدر زیربنای گسترش توحید و نابودی شرک در سراسر جهان

یرید اللّه أن یحق الحق . .. لیحق الحق و یبطل البطل

برداشت فوق بر این اساس است که <لیحق الحق> متعلق به <یرید اللّه أن یحق الحق> در آیه قبل باشد. بر این مبنا می توان گفت مراد از <الحق> در آیه قبل خصوص پیروزی موعود در پیکار بدر است، و مقصود از <الحق> در آیه مورد بحث مطلق حق. بنابراین <یرید اللّه أن یحق الحق ... > چنین معنا می شود: خداوند با تقدیر پیروزی در جنگ بدر خواست حق را همواره به منصه ظهور رساند و در سراسر جهان استوار سازد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۱ - ۱۸

۱۸ یاری رسیدن به مسلمانان در جنگ بدر و به

پیروزی رساندن آنان نمودی از قدرت مطلقه خداوند

و ما أنزلنا علی عبدنا . .. و اللّه علی کل شیء قدیر

جمله <و اللّه . .. > می تواند ناظر به تمام حقایقی باشد که در آیه مورد بحث مطرح شده است که از جمله آنها امدادهای خداوند در جنگ بدر است که <و ما أنزلنا ... > دلالت بر آن دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۲ - ۱۰،۱۱،۱۲،۱۳

۱۰ وقوع جنگ بدر و پیروزی مسلمانان در آن نبرد ، امری از پیش رقم خورده و تعیین شده

و لکن لیقضی اللّه أمرا کان مفعولا

۱۱ خداوند به منظور تبیین حقانیت توحید و رسالت پیامبر (ص) ، جنگ بدر را تحقق بخشید و مسلمانان را به پیروزی رسانید .

لیقضی اللّه أمرا کان مفعولا لیهلک من هلک عن بینه و یحیی من حی عن بینه

۱۲ وقوع جنگ بدر و پیروزی مسلمانان در آن ، علی رغم موقعیت ضعیف آنان ، حادثه ای شایسته و بایسته به خاطر سپردن و همواره به یاد داشتن

إذ أنتم بالعدوه الدنیا . .. و لو تواعدتم لاختلفتم فی المیعد

برداشت فوق بر این اساس است که <إذ> مفعول برای فعل مقدر، یعنی <اذکروا> باشد. مفسران برآنند که از اهداف شرح موقعیت جنگ بدر یادآوری ضعف مسلمانان و برتری کافران است که علی رغم آن با پیروزی مسلمانان پایان یافت.

۱۳ پیروزی مسلمانان در جنگ بدر حجتی روشن علیه شرک و دلیلی واضح بر حقانیت توحید و اسلام

لیقضی اللّه . .. لیهلک من هلک عن بینه و یحیی من حی عن بینه

<لیهلک> متعلق

به <یقضی> است. یعنی هدف از تحقق جنگ بدر این بود که ... .

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۴ - ۴

۴ وقوع جنگ بدر با فرجام پیروزی مسلمانان در آن نبرد ، هدف از تصرف خداوند در دید هر یک از دو سپاه و کم نمایاندن هر یک در نظر دیگری

إذ یریکموهم إذالتقیتم فی أعینکم قلیلا . .. لیقضی اللّه أمرا کان مفعولا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۸ - ۶

۶ پیروزی اسلام و مسلمانان ، برای حق و جلوه تحقق اراده الهی

حتی جاء الحق و ظهر أمر اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۷ - ۶

۶- نابودی کافرانِ دین ستیز و پیروزی مسلمانان ، قانونمند و دارای وقتِ مناسب است .

خلق الإنسن من عجل سأُوریکم ءایتی فلاتستعجلون

برداشت یاد شده از ارتباط میان این آیه و آیه قبل استفاده شده است; بدین ترتیب که مؤمنان با مشاهده برخورد گستاخانه مشرکان با پیامبر(ص)، بی صبرانه منتظر تحقق وعده الهی، مبنی بر هلاکت دشمنان و پیروزی مسلمانان بودند. و خداوند آنان را به صبر و شتاب نکردن فراخوانده است. گفتنی است برداشت فوق بر اساس این است که مخاطبان جمله <سأوریکم... فلاتستعجلون> مسلمانان باشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - فصلت - ۴۱ - ۵۳ - ۱

۱ - هشدار خداوند به کفار مکه ، مبنی بر پیروزی نزدیک مسلمانان بر آنان

سنريهم ءايتنا فى الأفاق و فى أنفسهم

برداشت ياد شده مبتنى بر اين نكته

است که مراد از ضمیر <هم> به قرینه آیه قبل (ثمّ کفرتم) کفار مکه بوده و مقصود از <آفاق> نواحی زمین و از <أنفس> مردم سرزمین جزیره العرب باشد. بنابر این جمله <سنریهم آیاتنا فی الآفاق و فی أنفسهم> می تواند اشاره به پیروزی مسلمانان بر کافران داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱ - ۴

۴- تسلیم شدن مشرکان در برابر مسلمانان و پذیرش صلح در حدیبیه ، فتحی بزرگ برای جبهه اسلام *

إنّا فتحنا لک فتحًا مبینًا

اهمیت صلح حدیبیه، از آن رو است که مشرکان تا آن روز، جز به نابودی مسلمانان نمی اندیشیدند; اما باصلح حدیبیه، آنان در حقیقت مجموعه مسلمانان را به عنوان گروهی قدرتمند، رسماً پذیرفتند و این در صحنه سیاسی، فتحی بزرگ برای مسلمانان بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۱ - ۱۸

۱۸ - سفر حدیبیه ، برای مسلمانان همراه با پیروزی و خلاف انتظار اعراب متخلف

سیقول لک المخلّفون . .. فاستغفر لنا

در آیات پیشین، سفر حدیبیه به عنوان سفری پر بار معرفی شده و خداوند پس از تمجید آثار این سفر، عذرخواهی های آینده اعراب متخلف را یادآور شده است. با توجه به این نکته، از مجموع آیات استفاده می شود که اعراب متخلف، انتظار چنین فرجام فرخنده ای را برای این سفر نداشته و با مشاهده نتایج مثبت آن، از تخلف خود اظهار ندامت خواهند کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۸ - ۱۱

۱۱- تحقق وعده خداوند ،

به ورود پیروزمندانه مسلمانان به مکه ، گواه تحقق پذیری وعده او در غلبه اسلام بر تمامی ادیان *

لتدخلنّ المسجد الحرام . .. هو الذی أرسل رسوله ... لیظهره علی الدین کلّه

خداوند در آیه قبل، به مؤمنان وعده داد که با ایمنی وارد مکه خواهند شد و این وعده تحقق یافت. حال در این آیه، نوید داده است که اسلام نه بر مشرکان مکه; بلکه بر تمامی ادیان غلبه خواهد کرد و این وعده، همانند وعده پیشین تحقق پذیر خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - ملک - ۶۷ - ۲۸ - ۴

۴ - زندگی پیروزمندانه مسلمانان ، جلوه رحمت خداوند بر آنان

إن أهلکنی اللّه و من معی أو رحمنا

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که عبارت <أو رحمنا> در برابر <أهلکنی اللّه. ..> (هلاکت و شکست) قرار دارد.

پیروزی مسلمانان در غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۸ - ۶

۶ تقدیر و قضای الهی بر پیروزی مسلمانان در جنگ بدر ، مانع شکست مسلمانان ، علی رغم تحقق مقتضی آن (گرفتن اسیر پیش از سرکوبی کامل دشمن)

لو لا کتب . .. عذاب عظیم

پیروزی مسلمانان در غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۲ - ۹

۹ إخبار خداوند به بازگشت موفقیت آمیز مسلمانان از جنگ تبوک

و سیحلفون باللّه لو استطعنا لخرجنا معکم

برداشت فوق بر این اساس است که آیه شریفه، قبل از رسیدن مسلمانان به سرزمین تبوک نازل شده باشد که در این

صورت، إخبار خداوند به عذرخواهی متخلفان، گویای بازگشت موفقیت آمیز مسلمانان است.

پیروزی مسلمانان مدینه در غزوه احزاب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲۵ - ۹

۹ - غزوه احزاب ، بدون درگیری نظامی عمده ، به سود مسلمانان پایان یافت .

و ردّ اللّه الذین کفروا بغیظهم لم ینالوا خیرًا و کفی اللّه المؤمنین القتال

پیروزی مشرکان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۴۴ - ۲

۲ - احساس اطمینان مشرکان صدراسلام نسبت به پیروزی جمع متحد خویش بر پیامبر (ص) و مؤمنان

أم یقولون نحن جمیع منتصر

پیروزی مکرهای خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - طارق - ۸۶ - ۱۶ - ۲

۲ - کافران ، هر چند شگرد های عمیق و دشواری به کار گیرند ، در برابر مکر های علاج ناپذیر خداوند ، شکست خواهند خورد .

یکیدون کیدًا . و أکید کیدًا

بیان مکر خداوند در برابر کید کافران، در حقیقت بیان ناکامی آنان است.

پیروزی موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۲۳ – ۴

۴ فرعون ، شکست ساحران و پیروزی موسی را صحنه سازی و ایمان آنان را توطئه ای از پیش طراحی شده اعلام کرد .

إن هذا لمکر مکرتموه فی المدینه

کلمه <هذا> اشاره است به ماجرای شکست ساحران و پیروزی موسی و در آخر اظهار ایمان ساحران به ربوبیت خداوند و پیامبری موسی و هارون.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ –

۴ تسلط موسی (ع) بر فرعونیان و مغلوب ساختن آنان ، امری تقدیر شده از ناحیه خداوند

و لقد أرسلنا موسی بأیتنا و سلطن مبین

در برداشت فوق ، <سلطان> به معنای تسلط و غلبه ظاهری گرفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۳ - ۲

۲ - اطمینان موسی به غلبه خویش و پوچی افسون ساحران

قال لهم موسی ألقوا ما أنتم ملقون

شتاب نداشتن موسی(ع) در ارائه معجزه خویش، حاکی از اطمینان او و تعبیر <ألقوا ما أنتم ملقون> نشانگر بی اعتنایی وی به همه دست مایه های ساحران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۵ - ۴

۴ - غلبه سریع و برق آسای موسی (ع) بر ساحران ، در میدان هماوردی و در برابر دید همگان

فألقی موسی عصاه فإذا هی تلقف ما یأفکون

واژه <إذا> معادل ناگهان است; یعنی، انداختن عصا همان و بلعیده شدن طناب ها و چوبدستی های ساحران همان.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۹ - ۵

۵ - پیروزی موسی (ع) بر ساحران ، بی تأثیر در روحیه حق ناپذیر فرعون

قال ءامنتم له قبل أن ءاذن لکم إنّه لکبیرکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۶ - ۳

۳ - نصرت خداوند به موسی و هارون (علیهماالسلام) و قوم شان و نیز پیروزی آنان بر فرعونیان در سایه این یاری ، از نعمت های بزرگ الهی بر ایشان بود .

و

لقد منّنا علی موسی و هرون . و نجّینهما... و نصرنهم فکانوا هم الغلبین

پیروزی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۳ - ۴

۴ مجاهدان جنگ بدر با نداشتن ساز و برگ کافی در مقابل دشمنان ، توانستند با ایمان و توکّل به خدا بر آنان پیروز شوند .

و علی اللّه فلیتوکّل المؤمنون. و لقد نصرکم اللّه ببدر و انتم اذلّه

جمله <و لقد نصرکم اللّه ببدر>، می تواند نمونه ای باشد از حقیقت بیان شده در آیه قبل; یعنی عامل نصرت شما در بدر، توکّل شما بر خداوند بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۶ - ۵،۶

۵ پیروزی جبهه مؤمنان ، پرتویی از عزّت و حکمت خداوند

و ما النّصر الّا من عند اللّه العزیز الحکیم

۶ خداوند ، تعیین کننده اصلی و نهایی پیروزی مؤمنان است ; نه فرشتگان و یا توانایی های شخصی رزمندگان

و ما جعله اللّه الّا بشری لکم . .. و ما النّصر الّا من عند اللّه

بیان انحصار پیروزی آفرینی به خدا و نقش امداد ملائکه تنها به عنوان بشارت و اطمینان قلب، در حقیقت نفی هر گونه عاملی (توانایی نیروها از نظر عِدّه و عُدِّه، امداد ملائکه و . ..)، غیر از خواست الهی در پیروزیهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۴۱ - ۶،۷،۱۵

۶ پیروزی مؤمنان در جنگ ، موهبت خداوند و از جانب اوست .

فإن کان لکم فتح من اللّه

قید <من اللّه> ظاهراً قید توضیحی است. یعنی

هرگاه مسلمانان پیروز شوند، این پیروزی از ناحیه خداوند است.

۷ غلبه مؤمنان در جنگ ، فتح و پیروزی حقیقی است و پیروزی های کافران ، بهره ای محدود و زودگذر است .

فإن کان لکم فتح من اللّه . .. و إن کان للکفرین نصیب

خداوند از غلبه مؤمنان به فتح و پیروزی تعبیر فرموده و برای غلبه کافران از کلمه <نصیب> استفاده کرده تا به این معنا اشاره کند که غلبه کافران، فتح و پیروزی نیست. بلکه بهره ای اندک و زودگذر است.

۱۵ پیروزی نهایی مؤمنان بر کافران

و لن یجعل اللّه للکفرین علی المؤمنین سبیلا

بنابر اینکه جمله <لن یجعل اللّه> اخبار باشد و نه انشاء. و چون این جمله پس از فرض غلبه کافران است (و ان کان للکفرین نصیب)، اشاره به این دارد که پیروزی نهایی و دایمی از آن مسلمانان خواهد بود ; گرچه ممکن است در مقطعی غلبه با کافران باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۵۶ - ۵

۵ پیروزی اهل ایمان در گرو همبستگی آنان بر محور ولایت الهی

فان حزب اللّه هم الغلبون

به اصحاب و یارانی که همفکر شخصی باشند و از وی پیروی کنند، حزب آن شخص می گویند. (لسان العرب.)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۸ - ۲

۲ ضرورت توجه اهل ایمان به فرجام شوم کافران ستیزه گر و نقش اصلی خدا در پیروزی های مؤمنان

ذلکم

حرف <کم> در <ذلکم> خطاب به اهل ایمان است. یعنی ای اهل ایمان سرنوشت مشرکان ستیزه جو همان است که بیان شد.

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۵ - ۳،۵

۳ یـک گروه بیست نفری اهل ایمان بایـد بر یک گروه دویست نفری اهل کفر و لشـکر صـد نفری مؤمنان بایـد بر لشـکر هزار نفری اهل کفر پیروز شود .

إن یکن منکم عشرون صبرون یغلبوا مائتین و إن یکن منکم مائه یغلبوا ألفا

جمله هـای <یغلبـوا مـائتین> و <یغلبوا ألفـا> خـبری هسـتند. ولی مراد از آن به دلیـل <الئن خفف اللّه عنکم> در آیه بعد معنـایی دسـتوری است. زیرا تخفیف در محـدوده تکالیف و دسـتورات مطرح است. بنابراین <یغلبوا ... > یعنی بایـد مقاومت کنید و پیروز شوید.

۵ پیروزی بیست مؤمن مقاوم بر دویست دشمن و صد مؤمن مقاوم بر هزار دشمن نویدی تضمین شده از جانب خداوند

إن یکن منکم عشرون صبرون یغلبوا مائتین و إن یکن منکم مائه یغلبوا ألفا

بیان دسـتور به پایداری و پیروزی بر دشمن در قالب جمله خبری می تواند نومیدی به تحقق آن دستور در خارج باشد. بنابراین جمله <یغلبوا>، یعنی باید پیروز شوید که خواهید شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۴ - ۲،۷

۲ خدا ، خواستار شکست و ذلّت دشمنان دین و پیروزی و عزت مؤمنان است .

قتلوهم یعذبهم اللّه بأیدیکم و یخزهم و ینصرکم علیهم

۷ خداوند مؤمنان صدر اسلام را به پیروزی قطعی بر مشرکان ، در صورت درگیر شدن با آنان ، نوید داد .

قتلوهم یعذبهم اللّه بأیدیکم . .. و ینصرکم علیهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۹ -

۱۰ غلبه ایمان بر کفر و موفقیت پیامبر (ص) در انجام رسالت ، از نوید ها و بشارت های خداوند به آن حضرت

فاصبر إن العقبه للمتقین

بیان پیروزی اهل ایمان و از میان رفتن کفرپیشگان در شرح داستان نوح(ع) می رساند که مصداق مورد نظر برای <العاقبه> (فرجام نیک) پیروزی ایمان بر کفر است و از آن جا که خطاب متوجه پیامبر(ص) است، جمله فوق ناظر به پیروزی اسلام بر کفر و موفقیت پیامبر(ص) در انجام رسالت می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۱ - ۱۸

۱۸ < عن أبی جعفر (ع) فی قوله : < و لایزال الذین کفروا تصیبهم بما صنعوا قارعه > و هی النقمه < أوتحلّ قریباً من دارهم > فتحلّ بقوم غیرهم فیرون ذلک و یسمعون به و الذین حلّت بهم عصاه کفار مثلهم و لایتعظ بعضهم ببعض و لن یزالوا کذلک < حتی یأتی وعد الله > الذی وعد المؤمنین من النصر و یخزی الله الکافرین ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند: <و لایزال . ..> روایت شده است که: آن [قارعه] عقوبت است و [درباره] <أو تحلّ قریباً من دارهم> [یعنی] عقوبت بر قومی دیگر فرود می آید و آنان می بینند و می شنوند و آنهایی که عقوبت بر آنان وارد شده، مانند ایشان گناهکار و کافرند و [لیکن] برخی از برخی دیگر پند نمی گیرند و همواره چنین هستند تا وعده خدا فرا رسد و، حتی یأتی وعد الله، همان وعده ای که به مؤمنان داده است که آنان را پیروز کند و

خداوند کافران را خوار می سازد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۷ - ۷

۷- هلاکت و شکست کافران و دین ستیزان و پیروزی مؤمنان ، از آیات الهی است .

سأُوریکم ءایتی

برداشت یاد شده به خاطر این است که از هلاکت کافران و پیروزی مسلمانان به <آیات> تعبیر شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۹ - ۱۱

۱۱ - نوید عزت و پیروزی به اهل ایمان و شکست و خواری کافران و مشرکان صدراسلام

و من الناس من یجدل. .. ثانی عطفه... له فی الدنیا خزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۳۸ - ۲

۲ - تردیدزدایی خدا از مؤمنان و ایجاد اطمینان در آنان نسبت به پیروزی جبهه ایمان

إنّ اللّه یدفع عن الذین ءامنوا

تأکید جمله <یدافع عن الذین ءامنوا> به وسیله <إنّ> بیانگر مطلب بالا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۱ - ۱۰

۱۰ - تنها مؤمنان راستین و فرمانبر خدا و رسول او ، رستگار و پیروزاند .

إنّما کان قول المؤمنین . .. و أُولئک هم المفلحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۷،۲۰

۷ - خداونـد ، کافران حاکم پیش از اسـلام را ، شـکست داد و پیامبران و مؤمنان نیکوکار را ، پیروز کرده و جایگزین آنان در سطح زمین قرار داد .

وعد اللّه الذین ءامنوا . .. کما استخلف الذین من قبلهم

۲۰ - عبادت خدای واحد و دوری

از شرک ، دلیل و سبب وعده کردن خداوند به مؤمنان صدراسلام برای اعطای خلافت ، پیروزی و امنیت به آنان

وعد اللّه الذین ءامنوا . .. یعبدوننی لایشرکون بی شیئًا

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله <یعبدوننی. ..> حال برای ضمایر غایب گذشته و یا جمله ای استینافیه بیانیه باشد; که در هر صورت بیانگر علت و دلیل اعطای خلافت پیروزی و امنیت به مؤمنان از سوی خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۰ - ۱۱،۱۵

۱۱ - ربوبیت خداوند ، مقتضی اعطای نصر و پیروزی بر مؤمنان است .

و لئن جاء نصر من ربّک

۱۵ - عناصر سست ایمان عافیت طلب ، در پیروزی مؤمنان ، نقشی نداشتند .

و من الناس من یقول ءامنّا باللّه فإذا أوذی فی اللّه جعل فتنه الناس کعذاب اللّه و

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۶ - ۷

۷ - اکثر مردم عصر بعثت ، در پیروزی رومیان حتی در صورت وعده خداوند به یاری آنان ، دچار تردید بودند .

وعد اللّه . .. و لکنّ أکثر الناس لایعلمون

حرف <ال> در <الناس> برای عهد است و به قرینه آیات بعد که ویژگی های اقتصادی قریش را بیان می کند به مکیان عصر بعثت اشاره دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۲۸ - ۱،۲،۴

۱ - مؤمنان ، به آینده پیروزمند خویش ، باور دارند .

و یقولون متی هذا الفتح

تعبیر <متی هذا الفتح> از سوی کافران، نشانه این معنا است که مؤمنان، درباره

فتح و پیروزی خویش، سخنانی اظهار داشته اند. گفتنی است که آیه سی همین سوره، می تواند قرینه باشد بر این که مراد از فتح، پیروزی در همین دنیا است.

۲ - کافران ، اعتقاد مؤمنان به پیروزی نهایی خویش را ، مسخره پنداشتند .

و یقولون متی هذا الفتح إن کنتم صدقین

۴ - مؤمنان ، پیروزی نهایی بر کافران را ، به آنان گفته بودند .

و یقولون متی هذا الفتح إن کنتم صدقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۱ - ۸

۸ - توجّه به علم و قدرت الهی ، زمینه امیدواری مؤمنان به پیروزی راه ایمان

قد أحاط اللّه بها و کان اللّه علی کلّ شیء قدیرًا

از این که خداوند، پس از نوید دادن به قدرت و پیروزی مؤمنان در آینده، علم و قدرت خویش را به ایشان یادآور شده است; مطلب بالا را می توان نتیجه گرفت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۲ - ۱

۱ - اطمینان بخشی خداوند به مؤمنان ، در ناتوانی کافران از غلبه بر ایشان ، پس از فتح خیبر و صلح حدیبیه

و لو قتلکم الذین کفروا لولّوا الأدبر

برداشت بالا بر این اساس است که <لو قاتلکم. ..> نظر به آینده داشته باشد; یعنی، شما در آینده، همواره پیروز خواهید بود و هر که با شما بجنگد، منهزم خواهد شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۴ - ۶

۶ - رخ دادن درگیری هایی منتهی به پیروزی مؤمنان بر مکیان ، قبل از انعقاد صلح حدیبیه

*

من بعد أن أظفركم عليهم

در صورتی که مراد از <بطن مکّه> سرزمین حدیبیه باشد; احتمال می رود که تعبیر <من بعد أن أظفر> بیانگر درگیری های محدودی باشد که قبل از انعقاد صلح حدیبیه، میان کافران و مؤمنان صورت گرفت و به پیروزی مؤمنان منتهی گردید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۵ - ۲۸

۲۸- نبرد پیروزمندانه مؤمنان علیه کفر ، عذاب دردناک الهی برای کافران

و لولا رجال مؤمنون . .. لو تزیّلوا لعذّبنا الذین کفروا منهم

در این آیه <لعذّبنا>، مقابل صلح حدیبیه قرار گرفته است. از تقابل صلح و عذاب، دانسته می شود که مصداق بارز عذاب الهی برای کافران، دردی است که از شمشیر مؤمنان در میدان نبرد خواهند چشید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۷ - ۱۷

۱۷- صلح حدیبیه و تن دادن مشرکان لجوج به پیمان ، فتحی برای مؤمنان

فجعل من دون ذلک فتحًا قریبًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۲۲ - ۲۹

۲۹ - حزب خدا (مؤمنان راستین) ، تنها حزب ظفرمند و رستگار

ألا إنّ حزب اللّه هم المفلحون

قرآن قبلًا درباره حزب شیطان فرمود: <ألا إنّ حزب الشیطان هم الخاسرون> و درباره حزب خدا می فرماید: <ألا إنّ حزب اللّه هم المفلحون> (حزب خدا فرجامی جز پیروزی و رستگاری ندارند).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ – صف – ۶۱ – ۱۴ – ۱۷

۱۷ – در جنگ کفر و ایمان ، کفر همواره بازنده است .

فأيّدنا الذين ءامنوا على عدوّهم فأصبحوا

ظهرین

پیروزی مؤمنان صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۳۱ - ۱۵

۱۵ شکستو نابودی کفرپیشگان و پیروزی اهل ایمان ، از تهدید های خداوند به کافران و از وعده های او به مؤمنان عصر بعثت

حتی یأتی وعد الله

پیروزی مؤمنان متوکل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۹ - ۷

۷ خداوند ، مؤمنان متوکل بر وی را بر دشمنانشان پیروز و کار های آنان را حکیمانه سامان خواهد بخشید .

و من یتوکل علی اللّه فإن اللّه عزیز حکیم

جواب شرط <و من یتوکل علی اللّه> حذف شده و جمله <فان اللّه . .. > جانشین آن شده و دلالت بر آن دارد که تقدیر جمله چنین است: و من یتوکل علی اللّه ینصره و یحکم أمره فان اللّه ... .

پیروزی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۹ - ۱۱

۱۱ پیروزی نوح (ع) و یارانش بر مخالفان ، نشان و دلیلی بر غلبه نهایی تقواپیشگان مقاوم و صبور ، بر کفرپیشگان است .

تلک من أنباء الغیب . .. فاصبر إن العقبه للمتقین

پیروزی نیکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۱۹ – ۱۳

۱۳ رستگاری و پیروزی بزرگ در قیامت ، ویژه راستگویان و راستکرداران

هذا یوم ینفع الصدقین . .. ذلک الفوز العظیم

پیروزی هارون(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۱۶ – ۳

۳ – نصرت خداوند به موسی و هارون

(علیهماالسلام) و قوم شان و نیز پیروزی آنان بر فرعونیان در سایه این یاری ، از نعمت های بزرگ الهی بر ایشان بود .

و لقد مننّا علی موسی و هرون . و نجّینهما... و نصرنهم فکانوا هم الغلبین

پیروزی یأجوج

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۶ - ۳،۴

۳- تمامی راه های فتوحات به روی یأجوج و مأجوج در آینده باز خواهد شد و آنان از هر قلّه ، ارتفاع و بلندی های زمین با سرعت خواهند گذشت .

حتّی إذا فتحت یأجوج و مأجوج و هم من کلّ حدب ینسلون

<حدب> به معنای جاهای مرتفع و بلند زمین است و <نسل> (ماده <ینسلون>) در اصل به معنای جدا شدن از شیء است و هرگاه این ماده در باره رونده به کار رود، به معنای حرکت سریع خواهد بود. پس <ینسلون>; یعنی، به سرعت می روند و می تازند.

۴- پیش گویی قرآن به هجوم سریع و فتوحات فراگیر یأجوج و مأجوج در سراسر زمین در آینده

حتّی إذا فتحت یأجوج و مأجوج و هم من کلّ حدب ینسلون

اضافه شدن لفظ عموم <کلّ> بر اسم نکره <حدب> بیانگر این است که ماجرای یأجوج و مأجوج مربوط به سرزمین خاصی نیست; بلکه شامل تمامی سرزمین ها و جهانی خواهد بود.

پیروزی یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۸۹ - ۷

۷ - پیروزی بر کافران در پرتو قرآن و بعثت پیامبر (ص) ، آرمان یهودیان پیش از بعثت

و کانوا من قبل یستفتحون علی الذین کفروا

از معانی <فتح> نصرت و پیروزی

است. <استفتاح> به معنای طلب پیروزی است. آمدن فعل مضارع (یستفتحون) قرین <کان> و مانند آن دلالت بر استمرار در زمان گذشته دارد. ارتباط جمله <و کانوا ...> با قبل و بعد اقتضا می کند که: این پیروزی طلبی در ارتباط با نزول قرآن و بعثت پیامبر(ص) مطرح باشد. بنابراین <و کانوا ...>; یعنی، یهودیان پیش از بعثت از زمانهایی دور در انتظار نزول قرآن و بعثت پیامبر(ص) بودند تا در سایه آن بر کافران پیروز شوند.

پیشگویی پیروزی اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۹ - ۱۴

۱۴ - تاریخ آینده بشر ، شاهد شکست تمامی ادیان و پیروزی و حاکمیت دین اسلام خواهد بود .

هو الذی أرسل رسوله . .. لیظهره علی الدین کلّه

پیشگویی پیروزی مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۱ - ۱

۱ - پیشگویی خداوند از شکست سران کفر و شرک در برابر سپاه اسلام

جند ما هنالك مهزوم من الأحزاب

بیشتر مفسران بر این عقیده اند که آیه شریفه، در مقام پیشگویی از آینده سران کفر و شرک است، آنانی که در مکه در اکثریت بودند و قدرت را در دست داشتند و در حالی که مسلمانان در اقلیت و ضعف قرار داشتند. ازاین رو خداوند از شکست کافران در جنگ های بدر، احزاب، حنین و یا فتح مکه خبر می دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۱ - ۲

۲ - اخبار خداوند ، از دستیابی مسلمانان به پیروزی های بزرگ و فراتر از توان

به کار گرفته شده از سوی آنان در فتح خیبر

و أخری لم تقدروا علیها

با توجه به این که آیات شریفه، در محدوده صلح حدیبیه و جنگ خیبر نازل شده است; تعبیر <لم تقدروا> می رساند که مؤمنان غنایمی در پیش دارند که اکنون توان دستیابی به آن را ندارند; یعنی، به دست آوردن آن غنایم، نیازمند توانی بیش از این است.

پیشگویی پیروزی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۰ - ۱۶

۱۶ - تحقق پیشگویی اعجازآمیز خداوند ، از پیروزی های آینده مؤمنان ، زمینه ساز هدایت ایشان به صراط مستقیم

وعدکم . .. و لتکون ءایه للمؤمنین و یهدیکم صرطًا مستقیمًا

<آیه> به معنای معجزه است; زیرا در پیشگویی قطعی از آینده، اعجاز نهفته است. مقدمه قرار گرفتن این معجزه برای هدایت مؤمنان را، می توان از تقدم <آیه> بر <یهدیکم> استفاده کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۱ - ۵

۵ - خبر های خداوند از آینده پیروزمند مؤمنان ، متکی به علم گسترده و همه جانبه او

وعدکم اللّه . .. و أخری لم تقدروا علیها قد أحاط اللّه بها

از ارتباط <قد أحاط. ..> با مطالب قبل، برداشت بالا استفاده می شود.

ترس از پیروزی فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۷ - ۶

۶ - < عن أمیرالمؤمن ین (ع) : لم یوجس موسی (ع) خیفه علی نفسه بل أشفق من غلبه الجهّال و دُوَل الضلال ;

از امیرالمؤمن ین(ع): روایت شده است: موسی(ع) بر جان

خویش نترسید، بلکه ترسید که مبادا جاهلان و حکومت های گمراه غلبه یابند>.

تسریع در پیروزی مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۷ - ۸

۸- مؤمنان صدراسلام ، در انتظار غلبه و پیروزی سریع بر کافران بودند .

سأُوریکم ءایتی فلاتستعجلون

برداشت یاد شده براساس این است که مقصود از <آیات> هلاکت و عذاب دنیوی کافران، و مخاطب <سأوریکم. .. فلاتستعجلون> مسلمانان باشند.

تضمین پیروزی غزوه تبوک

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۰ - ۴

۴ تضمین پیروزی پیامبر (ص) (در جنگ تبوک) از سوی خداوند ، علی رغم احتمال کوتاهی دیگران در یاری رساندن به آن حضرت

إلا تنصروه فقد نصره اللّه

تقدیر پیروزی مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۴ - ۳

۳ تحقق جنگ بدر و پیروزی مسلمانان در آن نبرد ، امری از پیش رقم خورده و تقدیر شده

لیقضی اللّه أمرا کان مفعولا

<أمراً> به معنای کار است و مراد از آن تحقق جنگ بدر و پیروزی مسلمانان در آن نبرد می باشد. فعل <کان> دلالت می کند که ثبوت خبر <مفعولا> برای اسمش (تحقق جنگ بدر) از دیرباز تحقق پیدا کرده بود. و تحقق جنگ بدر از دیرباز، به

قرینه <لیقضی>، به معنای تقدیر آن است. بنابراین <لیقضی اللّه ... > یعنی تا انجام پذیرد کاری که از پیش تقدیر شده بود.

تقوا در پیروزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۸ - ۱۱

- ۱۱

رعایت تقوا در حل پیروزی و اقتدار توصیه خداوند به مؤمنان *

یأیّها الذین ءامنوا اتّقوا اللّه و لتنظر . .. و اتّقوا اللّه

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که پس از آیات مربوط به غزوه بنی نضیر و پیروزی مسلمانان بر کافران و منافقان، سخن از بایستگی تقوا به میان آمده است.

حتمیت پیروزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نصر - ۱۱۰ - ۱ - ۲

۲ - با رسیدن نصرت الهی ، پیروزی بر دشمن قطعی است .

إذا جاء نصر اللّه و الفتح

حتمیت پیروزی اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۸ - ۱۱

۱۱- تحقق وعده خداوند ، به ورود پیروزمندانه مسلمانان به مکه ، گواه تحقق پذیری وعده او در غلبه اسلام بر تمامی ادیان *

لتدخلنّ المسجد الحرام . .. هو الذی أرسل رسوله ... لیظهره علی الدین کلّه

خداوند در آیه قبل، به مؤمنان وعده داد که با ایمنی وارد مکه خواهند شد و این وعده تحقق یافت. حال در این آیه، نوید داده است که اسلام نه بر مشرکان مکه; بلکه بر تمامی ادیان غلبه خواهد کرد و این وعده، همانند وعده پیشین تحقق پذیر خواهد بود.

حتمیت پیروزی انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۲ - ۱

۱ - پیروزی پیامبران ، سنت و قضای حتمی و غیر قابل تخلف خداوند

إنّهم لهم المنصورون

آمـدن موضوع نصـرت انبيا با دو حرف تأكيـد <إنّ> و لام در <لهم>، می رسانـد كه اين نصـرت، حتمی و به صورت يك سنت و

قضای تغییر ناپذیر است.

حتمیت پیروزی حزب الله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۲۲ - ۲۸

۲۸ - رستگاری و ظفرمندی ، فرجام قطعی حزب خدا (مؤمنان راستین)

ألا إنّ حزب اللّه هم المفلحون

حتمیت پیروزی حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۲ - ۱

۱ سنت الهی حاکم بر جوامع انسانی ، علی رغم ناخوشایندی تبه کاران و مجرمان ، پایدار کردن و بر کرسی نشاندن حق است .

و یحق اللّه الحق بکلمته و لو کره المجرمون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۱ - ۱

۱- فرمان خدا به پیامبر (ص) برای اعلام غلبه حتمی حق و اضمحلال قطعی باطل ، به مشرکان مکه

و قل جاء الحقّ و زهق البطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۲۱ - ۲

۲ - غلبه حق بر باطل ، قانون مکتوب الهی است .

کتب اللّه لأغلبنّ أنا و رسلی

حتمیت پیروزی حق طلبان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۷۳ – ۱

۱ – پیروزی جبهه حق و لشکریان الهی ، سنت و قضای حتمی و غیر قابل تخلف خداوند

و لقد سبقت کلمتنا لعبادنا المرسلین . .. و إنّ جندنا لهم الغلبون

حتمیت پیروزی مجاهدان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – صف – ۶۱ – ۱۳ – ۴

۴ – امداد های الهی و پیروزی بر دشمن ، وعده قطعی خداوند به

جبهه ایمان و مجاهدان راه او

یغفر لکم . .. و أُخری تحبّونها نصر من اللّه و فتح قریب

حتمیت پیروزی محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - قمر - ۵۴ - ۳ - ۶

۶ - تأکید خداوند ، بر پیروزی پیامبر (ص) و ناکامی کافران تکذیب گر

و کذّبوا . .. و کلّ أمر مستقرّ

بیان کلی خداوند در تحقق و استقرار برنامه های از پیش تعیین شده، در حقیقت نویدی به مؤمنان و تهدیدی به کافران است که رسالت پیامبر(ص) سرانجام تثبیت خواهد شد و تکذیب گران کاری از پیش نخواهند برد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۸ - ۱۰

۱۰ - تضمین عزت و پیروزی پیامبر (ص) و مؤمنان ، از سوی خداوند در قبال توطئه های منافقان

لیخرجنّ الأعزّ . .. و للّه العزّه و لرسوله و للمؤمنین

حتمیت پیروزی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۷ - ۳

۳ - کافران ، از جلوگیری از تحقق وعده الهی مبنی بر حاکمیت فراگیری اهل ایمان و پیروزی و امنیت آنان در هر جای دنیا ، ناتوانند .

وعد اللّه الذین ءامنوا . .. لیستخلفنّهم فی الأرض ... لاتحسبنّ الذین کفروا معجزین

برداشت فوق، از ارتباط میان این آیه و دو آیه قبل، استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - سجده - ۳۲ - ۳۰ - ۳

۳ - فرا رسیدن روز فتح نهایی مؤمنان ، قطعی است .

و انتظر

متعلق <إنتظار> در آیه، بیان نشده است. احتمال دارد که

مراد از انتظار، هلاکت کافران و در نتیجه پیروز شدن مؤمنان باشد که در آیه بیست و هشت بنابر احتمالی از آن سخن گفته شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۵ - ۴

۴- خط ایمان و جبهه مؤمنان ، برخوردار از پیروزی قطعی و نهایی

و أنتم الأعلون

<و أنتم الأعلون> ممکن است در مقام تعلیل باشد; به این که چون شما در نهایت پیروزید و به پیروزی نهایی ایمان بر کفر ایمان دارید، پس نباید در مبارزه با کافران، سستی کرده و با سازش بگرایید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۳ - ۴

۴ - نصرت الهی در حق مؤمنان ، نصرتی حتمی و بدون شکست *

و ینصرك اللّه نصرًا عزیزًا

<نصراً عزیزاً> می تواند قید توضیحی باشد; یعنی، اصولاً نصرت خداوند نصرتی بدون شکست است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - مجادله - ۵۸ - ۲۲ - ۲۸

۲۸ - رستگاری و ظفرمندی ، فرجام قطعی حزب خدا (مؤمنان راستین)

ألا إنّ حزب اللّه هم المفلحون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۳ - ۴

۴ - امداد های الهی و پیروزی بر دشمن ، وعده قطعی خداوند به جبهه ایمان و مجاهدان راه او

یغفر لکم . .. و أُخری تحبّونها نصر من اللّه و فتح قریب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۸ - ۱۰

۱۰ - تضمین عزت و پیروزی پیامبر (ص) و مؤمنان

، از سوی خداوند در قبال توطئه های منافقان

ليخرجنّ الأعزّ . .. و للّه العزّه و لرسوله و للمؤمنين

درخواست پیروزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۰ - ۵

۵ تنها خداوند شایسته آن است که برای درخواست یاری و پیروزی بر دشمنان دین به پیشگاه او روی آورد .

إذ تستغيثون . .. و ما النصر إلا من عند اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۵ - ۱،۳

۱- دعا و درخواست پیروزی انبیا از خداوند ، به دنبال تهدید شدنشان از سوی اقوام کافر

و قال الذين كفروا لرسلهم لنخرجنّكم . .. و استفتحوا

مرجع ضمیر <استفتحوا> می تواند <رسل> و می تواند <الذین کفروا> باشد. برداشت فوق بنابر احتمال اول است.

۳- انبیا و اقوام کافر مخالف آنان ، هر یک خواستار پیروزی بر یکدیگر شدند .

و استفتحوا

بنابر اینکه مرجع ضمیر <استفتحوا> هر دو گروه انبیا و اقوام کافر باشد، قرینه <و خاب کل جبّار عنید> حاکی است که هر کدام از آنان، در پی پیروزی بر دیگری بوده اند; اما اقوام کافر از پیروزی محروم شدند.

دعای پیروزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۷ - ۲

۲ درخواست بخشایش گناهان و زیاده روی ها ، پایداری بر راه پیامبران و چیرگی بر کافران ، تنها سخن دست پروردگان انبیا

در هنگامه های پیکار

و ما کان قولهم الّا ان قالوا ربّنا اغفرلنا ذنوبنا و اسرافنا فی امرنا و ثبّت اقدا

در برداشت فوق، ضمیر <قولهم>، تنها به <ربّیّون>

بر گشت داده شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۱۹ – ۲

۲ مشرکان قریش پیش از جنگ بدر با نیایش به درگاه خداوند ، خواهان پیروزی حامیان دین حق شدند .

إن تستفتحوا فقد جاءکم الفتح

جمله <إن تستفتحوا> اشاره دارد به دعای مشرکان پیش از جنگ بدر که آنان با پندار حقانیت خویش از خداوند خواستند تا حامیان دین حق را در این نبرد پیروز گرداند.

دلایل پیروزی حق

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۸۱ – ۶

۶- ناپایداری و شکست پذیری جریان باطل ، دلیل و نشان پیروزی قطعی جریان حق . به هنگام ظهور و بروزش در صحنه پیکار

جاء الحقّ و زهق البطل إن البطل کان زهوقًا

از اینکه خداوند ناپایداری و شکست پذیری را ذاتی باطل معرفی کرد (إن الباطل کان زهوقاً) استفاده می شود که خود همین ناپایداری، دلیل پیروزی حق است.

ذکر پیروزی متقین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۴۹ – ۱۳

۱۳ توجه و باور به پیروزی اهل تقوا ، زمینه ساز پیشه ساختن صبر و مقاومت در برابر مشکلات راه تقوا و ایمان

فاصبر إن العقبه للمتقین

زمینه پیروزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۰۳ - ۳

۳ یاد خدا ، زمینه ساز پیروزی بر دشمنان

اعد للکفرین عذاباً مهیناً . .. فاذکروا اللّه قیماً و قعوداً و علی جنوبکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۳۴ - ۱۶

پیروزی در سایه صبر و مقاومت، سنت تغییرناپذیر خداوند است.

فصبروا علی ما کذبوا و أذوا حتی أتهم نصرنا و لا مبدل لکلمت اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۸۷ - ۴

۴ صبر در راه ایمان ، مقدمه پیروزی و مایه فرارسیدن فرج از جانب خداوند

فاصبروا حتی یحکم اللّه بیننا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۳ - ۵

۵ وحدت و الفت قلبی میان افراد جامعه ، زمینه ساز پیروزی آنان در مبارزه با دشمنان خویش

هو الذی أیدک بنصره و بالمؤمنین. و ألف بین قلوبهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۴ - ۴

۴ جنگاوران مؤمن ، در عرصه نبرد ، مجاری تحقق اراده خدا (پیروزی قوای اسلام و مرگ و ذلت دشمنان) هستند .

یعذبهم اللّه بأیدیکم و یخزهم و ینصرکم علیهم

خداوند پس از فرمان جنگ با دشمنان، نابودی و شکست آنان و پیروزی مؤمنان را به خود نسبت داد با آنکه همه آنها نتیجه همان جنگ بود از این مطلب استفاده می شود که اراده خدا در مورد انسانها، از راه افعال خود آنان تحقق می پذیرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۴۱ - ۹

۹- هجرت از جوامع ستم پیشه ، از راه های گریز از ستم و زمینه ساز پیروزی

و الذین هاجروا فی الله من بعد ما ظلموا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ -

۸ – ایمان و عمل صالح ، رمز پیروزی فراگیر و عامل جلب امداد های الهی برای بشر در طول تاریخ

وعد اللّه الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت لیستخلفنّهم فی الأرض کما استخلف الذ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۵۵ – ۸

۸ – صبر و شکیبایی در برابر آزار ها و کارشکنی های دشمنان ، زمینه ساز پیروزی و جلب نصرت الهی

فاصبر إنّ وعد اللّه حقّ

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۱۸ – ۱۶

۱۶ – آرامش و اطمینان روحی ملت ها زمینه ساز دستیابی آنان به پیروزی

فأنزل السکینه علیهم و أثبهم فتحًا قریبًا

تقدم <أنزل السکینه> بر <أثابهم. ..> اشاره به تقدم معنوی و ملازمه بین آن دو دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – صف – ۶۱ – ۱۳ – ۲

۲ – فتح سنگر های دشمن و پیروزی برق آسا بر آنان ، نیازمند نصرت و امداد های الهی در نگاه مجاهدان راه خدا

و أُخری تحبّونها نصر من اللّه و فتح قریب

ذکر عبارت <نصر من اللّه> پیش از <فتح قریب>، می تواند برای بیان مطلب بالا باشد.

زمینه پیروزی امت ها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۱۸ – ۱۵

۱۵ – پیمان وفاداری با رهبری الهی ، درپی دارنده آسایش روحی و پیروزی عملی برای امت *

یبایعونک . .. فأنزل السکینه علیهم و أثبهم فتحًا قریبًا

می توان از مورد آیه، الغای خصوصیت کرده و به موارد مشابه سرایت داد.

زمینه پیروزی در جنگ

جلد

- نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۷ - ۱۳،۱۷

۱۳ رهنمود ها و دستورات الهی در زمینه مسائل جنگ ، حکیمانه و به کار گیری آنها زمینه ساز پیروزی است .

ما کان لنبی . .. و اللّه عزیز حکیم

۱۷ سرکوبی دشمنان دین و پرهیز از گرفتن اسیر در میدان نبرد تا پیش از استقرار حکومت حق ، زمینه ساز پیروزی دین و امری حکیمانه است .

و اللّه عزیز حکیم

زمینه پیروزی در غزوه خیبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۹ - ۷

۷ - صلح حدیبیه و فتح خیبر ، در پی وفاداری مؤمنان ، نمودی از عزت و حکمت خداوند

و أثبهم فتحًا قریبًا . و مغانم کثیره ... و کان اللّه عزیزًا حکیمًا

از ارتباط <کان اللّه. ..> با آیه قبل، مطلب بالا استفاده می شود.

زمینه پیروزی دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۷ - ۱۷

۱۷ سرکوبی دشمنان دین و پرهیز از گرفتن اسیر در میدان نبرد تا پیش از استقرار حکومت حق ، زمینه ساز پیروزی دین و امری حکیمانه است .

و اللّه عزیز حکیم

زمینه پیروزی دینداران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۵۵ – ۱۸

۱۸ – ایمان توأم با اعمال صالح ، رمز پیروزی فراگیر دین داران و موجب جلب کمک ها و امداد های الهی

وعد اللّه الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت لیستخلفنّهم فی الأرض و لیمکّننّ لهم

زمینه پیروزی محمد(ص)

جلد – نام سوره – سوره

- آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱ - ۳

۳- نقش مهم صلح حدیبیه ، در پیروزی های شگرف بعدی پیامبر (ص) و مسلمانان *

إنّا فتحنا لک فتحًا مبینًا

با توجه به این که صلح حدیبیه در ظاهر فتح به شمار نمی آمده، ممکن است اطلاق <فتح مبین> بر آن، از آن جهت باشد که این صلح، سرآغاز فتح مکه و یا دیگر پیروزی های مهم پس از آن بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲ - ۹

۹ - صلح با مشرکان ، در شرایط سخت و دشوار مکه ، نعمتی بزرگ و راه گشای حرکت های سرنوشت ساز بعدی پیامبر (ص) *

فتحنا لک فتحًا . .. و یتمّ نعمته علیک و یهدیک صرطًا مستقیمًا

با توجّه به این که صلح حدیبیه، در شرایط دشوار صورت گرفته است; احتمال می رودکه نعمت شمرده شدن آن، از این جهت بوده که فرصتی برای تجدید قوا پدید آورده و راه را به سوی حرکت های مهم بعدی گشوده است (و یهدیک صراطاً مستقیماً).

زمینه پیروزی مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱ - ۳

۳- نقش مهم صلح حدیبیه ، در پیروزی های شگرف بعدی پیامبر (ص) و مسلمانان *

إنّا فتحنا لک فتحًا مبینًا

با توجه به این که صلح حدیبیه در ظاهر فتح به شمار نمی آمده، ممکن است اطلاق <فتح مبین> بر آن، از آن جهت باشد که این صلح، سرآغاز فتح مکه و یا دیگر پیروزی های مهم پس از آن

بوده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۰ - ۱۱

۱۱ - صلح حدیبیه ، پیش درآمد پیروزی ها و غنایمی گسترده برای امت اسلامی

وعدکم اللّه . .. فعجّل لکم هذه

برداشت یاد شده مبتنی بر این است که <هذه> اشاره به صلح حدیبیه داشته باشد; یعنی، خداوند غنایم زیادی را برای مؤمنان در نظر گرفته; اما قبل از آن صلح حدیبیه را پیش درآمد آن غنایم قرار داده است.

زمینه پیروزی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۵ - ۳

۳ پایداری اهل ایمان در صحنه های پیکار همراه با یاد مداوم خدا ، زمینه ساز پیروزی آنان بر دشمنان دین

فاثبتوا و اذکروا اللّه کثیرا لعلکم تفلحون

<لعلکم> علاوه بر اینکه متعلق بر <اذکروا اللّه> است، می تواند متعلق به <فاثبتوا> نیز باشد. در این صورت مراد از <فلاح>، پیروزی در جنگ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۲۱

۲۱ - عبادت خالصانه خدای یکتا ، زمینه ساز حاکمیت ، پیروزی و امنیت مؤمنان

وعد اللّه الذین ءامنوا . .. یعبدوننی لایشرکون بی شیًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۷ - ۶

۶- وعده خداوند به پیروزی و ثبات قدم مؤمنان ، در صورت اقدام به جهاد و حمایت از دین

يأيّها الذين ءامنوا إن تنصروا اللّه . .. و يثبّت أقدامكم

سنت پيروزى مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۳ - ۱،۳

- ۱

پیروزی جبهه مؤمنان راستین و مقاوم و شکست دشمنان آنان ، سنت همیشگی خداوند

سنّه اللّه الّتی قد خلت من قبل

سنّت در این آیه، نظر به آیه قبل دارد که درباره پیروزمندی مؤمنان بر کافران است.

۳ – سنت الهی در پیروز ساختن جبهه ایمان بر سپاه کفر ، دارای نمود های عینی در گذشته تاریخ

سنّه اللّه الّتی قد خلت من قبل

شرایط پیروزی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۲۲ – ۶

۶ انتظار فتح و پیروزی بدون جهاد و مبارزه ، انتظاری نابجا و به دور از خرد

فان یخرجوا منها فانا دخلون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۲۳ – ۱۵،۱۶،۱۷،۱۸،۲۰

۱۵ آگاهی یوشع و کالب از روش برخورد با جباران سرزمین مقدس برای دستیابی به پیروزی

قال رجلان . .. ادخلوا علیهم الباب فاذا دخلتموه فانکم غلبون

۱۶ پیروزی حتمی بنی اسرائیل بر جباران ، در صورت یورش بر آنان از دروازه سرزمین مقدس

ادخلوا علیهم الباب فاذا دخلتموه فانکم غلبون

۱۷ پیروزی حق بر باطل ، در گرو کوشش و تلاش صاحبان حق *

فاذا دخلتموه فانکم غلبون

۱۸ اهل ایمان ، وظیفه دار شناسایی ، طراحی و به کارگیری شیوه های مناسب برای دستیابی به پیروزی بر دشمنان

ادخلوا علیهم الباب فاذا دخلتموه فانکم غلبون

۲۰ توکل بر خداوند ، کارساز در پیروزی مؤمنان بر دشمنان خویش

فانکم غلبون و علی اللّه فتوکلوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۲۴ - ۵،۶

۵ فتح سرزمین مقدس بدون مبارزه ، انتظار نابجای قوم موسی

إنّا لن ندخلها ابداً ما داموا فيها

۶ آرزوی پیروزی بدون کوشش و تلاش ، نابجا و به دور از خرد

إنّا لن ندخلها ابداً ما داموا فيها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۵۶ – ۵

۵ پیروزی اهل ایمان در گرو همبستگی آنان بر محور ولایت الهی

فان حزب اللّه هم الغلبون

به اصحاب و یارانی که همفکر شخصی باشند و از وی پیروی کنند، حزب آن شخص می گویند. (لسان العرب.)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۴ – ۳

۳ نابودی و ذلت دشمنان دین و چشیدن طعم پیروزی ، در گرو نبرد با آنان است .

قتلوهم يعذبهم اللّه بأيديكم و يخزهم و ينصركم عليهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۴۹ – ۱۲

۱۲ صبر و تقوا ، دو شرط اساسی برای پیروزی نهایی بر کافران و نایل شدن به فرجامی نیکوست .

فاصبر إن العقبه للمتقين

شرایط پیروزی بر مستکبران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – یونس – ۱۰ – ۸۹ – ۶

۶ اجابت دعا و خواسته های حق طلبان از سوی خدا و تحقق بخشیدن پیروزی آنان بر مستکبران ، مقتضی استقامت و پایداری آنان در میدان مبارزه است .

قال قد أجیبت دعوتکما فاستقیما

شرایط پیروزی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۴۵ - ۱۴

۱۴ فراگیری معارف و عمل به احکام الهی ، شرط پیروزی قوم موسی بر فاسقان و آزادسازی

سرزمین آنان

فخذها . .. یأخذوا بأحسنها سأوریکم دار الفسقین

برداشت فوق بر اساس این احتمال است که <ساوریکم> جواب فعل امر <فخذها بقوه و أمر قولك یأخدوا> باشد ; یعنی: <إن تاخذها و یأخذوا سأوریکم دار الفسقین> قابل ذکر است که مجزوم نشدن <اوریکم>، علی رغم اینکه جواب امر قرار گرفته، به سبب وجود <سین> است.

شرایط پیروزی مستضعفان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۷ - ۱۳

۱۳ صبر و مقاومت مستضعفان شرط تحقق امداد های الهی برای پیروزی آنان است .

تمت کلمت ربک . .. بما صبروا

شک در پیروزی اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۶ - ۹

۹ - رخداد صلح حدیبیه ، پاسخی قاطع به بدگمانی منافقان و مشرکان درباره موفقیت های اسلام *

إنّا فتحنا لک فتحًا مبینًا . لیغفر لک ... و یعذّب المنفقین و ... الظانّین باللّ

چنانچه <و یعذّب. ..> عطف بر <لیغفر لک...> باشد; آیه شریفه می تواند بیانگراین مطلب باشد که منافقان و مشرکان، به سرنوشت اسلام بدگمان بودند و می پنداشتند که خداوند از مؤمنان حمایت نخواهد کرد; ولی صلح پیروزمند حدیبیه، نادرستی پندار آنان را اثبات کرد.

شک در پیروزی رومیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۷ - ۷

۷ - تردید در پیروزی رومیان پس از شکست آنان ، برخاسته از سطحی نگری و بی توجهی مردمان عصر بعثت به حقایق نهان زندگی دنیا است .

سیغلبون . .. یعلمون ظهرًا من الحیوه الدنیا

نکته یاد شده بر این اساس است که

<ال> در <الناس> عهد باشد و مراد از آن، مردمی باشند که درباره وعده خداوند به پیروزی رومیان شکست خورده تردید داشتند.

صبر در تأخیر پیروزی مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۴۸ - ۲

۲ - پیامبر (ص) ، مأمور صبر و شکیبایی در مدت مهلت یافتن کافران تکذیب گر و به تأخیر افتادن نصرت و پیروزی مسلمانان بر آنان

و أُملی لهم . .. فاصبر لحکم ربّک

به گفته مفسران، آیه شریفه اشاره به مسأله مهلت یافتن مشرکان است که در آیه پیش ذکر شده است.

علاقه به پیروزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۳ - ۱،۵

۱ - مجاهدان راه خدا ، مشتاق امداد های الهی و غلبه سریع بر دشمن

و أُخری تحبّونها نصر من اللّه و فتح قریب

۵ - مسلمانان صدراسلام ، مشتاق امداد های الهی و غلبه سریع بر دشمن

و أُخری تحبّونها نصر من اللّه و فتح قریب

عوامل پیروزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۱ - ۱،۲،۹

۱ صبر ، ثبات قدم و نصرت الهی ، از عوامل پیروزی بر دشمنان

قالوا ربّنا افرغ علینا صبراً . .. فهزموهم باذن اللّه

فاء تفریع در <فهزموهم> بیانگر این است که پیروزی اهل ایمان و هزیمت جالوتیان، نتیجه مطالب گذشته (صبر، ثبات قدم و . ..) بوده است.

۲ نقش دعا در پیروزی رزمندگان جبهه حقّ

قالوا ربّنا . .. فهزموهم باذن اللّه

۹ ضرورت ضربه زدن به قلب لشکر و فرماندهی آن ، جهت دستیابی به پیروزی

بر دشمن

فهزموهم باذن اللّه و قتل داود جالوت

بنابراینکه <واو> در <و قتل . .. > حالیّه باشد و با الغای خصوصیّت از مورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۲ - ۲

۲ پیروزی ایمان بر کفر ، از وعده های الهی

قل للّذین کفروا ستغلبون و تحشرون الی جهنّم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۵۵ - ۱۶

۱۶ پیروی واقعی از انبیا ، عامل پیروزی بر کافران

و جاعل الذین اتبعوك فوق الذین کفروا

از اینکه، اسناد پیروزی به کسانی داده شده که پیرو باشند، معلوم می شود که علت پیروزی، پیروی از پیامبران است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۶ - ۷،۹

۷ انحصار پیروزی آفرینی به خداوند ، برخاسته از عزّت و اقتدار مطلق اوست .

و ما النّصر الّا من عند اللّه العزیز الحکیم

۹ ضرورت اتّکای اهل ایمان ، تنها به خداوند ، برای نیل به پیروزی

فلیتوکل المؤمنون . .. و ما النّصر الّا من عند اللّه العزیز الحکیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۸ - ۳،۴

۳ پیروزی مؤمنانِ پیکارگرِ بدر ، تنها به دست خدا بود ، نه پیامبر (ص)

و لقد نصرکم اللّه ببدر . .. لیس لک من الامر شیء

اگر <ال> در <الامر> برای جنس باشد، پیروزی در جنگ بدر مصداقی از آن خواهد بود و اگر عهد ذکری باشد، اشاره به پیروزی در آن جنگ است.

۴ شکست و

پیروزی به دست خداست ، نه پیامبر (ص)

لیس لک من الامر شیء

اگر <ال> در <الامر>، عهد ذکری باشد، اشاره به پیروزی مسلمانان در جنگ بدر و شکست کافران در آن جنگ است. و جنگ بدر به عنوان مثال خواهد بود، نه اینکه دارای خصوصیّتی باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۳۰ - ۱۶

۱۶ تقوای الهی ، رمز پیروزی بر دشمنان دین است ، نه تقویت بنیه اقتصادی به وسیله ربا *

یا ایّها الّذین امنوا لا تأکلوا الرّبوآ . .. و اتّقوا اللّه لعلّکم تفلحون

برخی از مفسّران به قرینه آیات پیشین که در آن به شکست جنگ احد اشاره شده، بر آن شده اند که مراد از فلاح، پیروزی بر دشمنان است و آیه، رهنمونی است به اینکه مبادا برای تقویت بنیه نظامی، به رباخواری که بی تقوایی است، رو آورید.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۴۸ - ۹،۱۲

۹ پیروزی بر دشمنان دین ، تنها از جانب خداست ; گر چه تمامی عوامل طبیعی آن فراهم باشد .

قال معه ربّیّون کثیر فما وهنوا . .. فاتیهم اللّه ثواب الدّنیا

در آیه شریفه به کلیّه عوامل پیروزی و نیز استقامت و پایمردی نیروها (فما وهنوا . ..) اشاره شده است ; ولی در عین حال خداوند پیروزی مجاهدان را عطایی از جانب خویش می شمارد. (فاتیهم اللّه).

۱۲ معتقدین به خدایی بودن پیروزی ها و جویندگان بخشایش الهی ، از نیکوکاران و محبوبان خدا هستند .

ربّنا اغفر لنا . .. و ثبّت اقدامنا

و انصرنا على القوم الکافرين ... و اللّه يحبّ

کلمه <المحسنين> پس از آيات گذشته بيانگر اين معناست که دارندگان ويژگيهاى شمرده شده، مصداق محسنان هستند و از جمله آن ويژگيها، اعتقاد به ربوبيت خداوند و باور به خدايى بودن پيروزيهاست.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۰ - ۶

۶ پذيرش ولايت خداوند ، موجب بهره مندى از پشتيبانى وى و زمينه ساز پيروزى بر کافران

بل اللّه موليکم و هو خير النّاصرين

تقديم ذکرى ولايت الهى بر يارى او، نشانه تقدّم خارجى آن است; يعنى آنگاه خداوند شما را يارى خواهد کرد که تنها ولايت او را پذيرا باشيد.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۱ - ۳،۹

۳ امداد غيبى خداوند ، در شکست کافران شرک پيشه

و هو خير النّاصرين. سنلقى فى قلوب الّذين کفروا الرّعب بما اشرکوا

۹ تأثير وضعيت روحى و حالات قلبى آدمى ، در سرنوشت او (شکست و پيروزى)

و هو خير النّاصرين. سنلقى فى قلوب الّذين کفروا الرّعب

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۴ - ۱۸

۱۸ تدبير تمامى امور جهان و پيروزى در نبرد ها ، در دست خداوند است .

قل انّ الامر کلّه للّه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۰ - ۱،۴

۱ حتمی بودن پیروزی با نصرت و یاری خداوند

ان ینصرکم اللّه فلا غالب لکم

۴ پیروزی و شکست ، تنها منوط به خواست و قدرت خداوند است

.

ان ينصركم اللّه . .. و ان يخذلكم فمن ذا الّذی ينصركم من بعده

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۶ - ۳

۳ جريان حوادث و امور عالم (شکست ها ، سختی ها و دشواری های مردمان) در حيطه اذن الهی

و ما اصابکم . .. فباذن اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۴ - ۲،۷

۲ شمول نعمت و فضل بزرگ الهی بر مؤمنان شرکت کننده در غزوه حمراءالاسد يا بدر صغرا ، عامل آسيب نديدن آنان

فانقلبوا بنعمه من اللّه و فضل لم يمسسهم سوء

در برداشت فوق <باء> در <بنعمه>، سببيّه و متعلق به <انقلبوا>، گرفته شده است.

۷ پيروزی و شکست به دست خداوند است .

فانقلبوا بنعمه من اللّه و فضل لم يمسسهم سوء

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۳ - نساء - ۴ - ۷۶ - ۱۴

۱۴ نقش عمده و اساسی نقشه ها و شيوه های مبارزه در شکست و پيروزی

انّ کيد الشّيطان کان ضعيفاً

از اينکه خداوند برای تحريک مؤمنان در رويارويی با کافران ضعف و ناتوانی نقشه های آنان را يادآوری می کند، معلوم می شود شيوه های مبارزه و برنامه های جنگی، نقش بسزايی در پيروزيها دارند.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۴ – مائده – ۵ – ۵۲ – ۱۷

۱۷ نوید خداوند به حمایت از مسلمانان در برابر دشمنان دین با فراهم آوردن پیروزی با امداد های غیبی برای آنان

فعسی اللّه ان یأتی بالفتح او امر من عنده

جلد – نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۵۶ – ۷

۷ رهبری و تشکیلات ، دارای نقشی عمده در دستیابی به پیروزی

و من یتول اللّه و رسوله و الذین ءامنوا فان حزب اللّه هم الغلبون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۱۰ – ۳

۳ تقویت روحیه نیرو های رزمنده دارای تأثیری عمیق در کسب پیروزی

بألف من الملئکه . .. و ما جعله اللّه إلا بشری و لتطمئن به قلوبکم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۱۹ – ۱۰

۱۰ کثرت نیرو ها تعیین کننده پیروزی نیست .

و لن تغنی عنکم فئتکم شیئا و لو کثرت و أن اللّه مع المؤمنین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۶۵ – ۸

۸ صبر و مقاومت در صحنه کارزار از عوامل مهم پیروزی مؤمنان بر کافران

إن یکن منکم عشرون صبرون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۴ – ۴

۴ جنگاوران مؤمن ، در عرصه نبرد ، مجاری تحقق اراده خدا (پیروزی قوای اسلام و مرگ و ذلت دشمنان) هستند .

یعذبهم اللّه بأیدیکم و یخزهم و ینصرکم علیهم

خداوند پس از فرمان جنگ با دشـمنان، نابودی و شـکست آنان و پیروزی مؤمنان را به خود نسبت داد با آنکه همه آنها نتیجه همان جنگ بود از این مطلب استفاده می شود که اراده خدا در مورد انسانها، از راه افعال خود آنان تحقق می پذیرد.

جلد - نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۵ - ۱۸

۱ نصرت و امداد های غیبی الهی ، عامل اصلی پیروزی مسلمانان صدر اسلام در بسیاری از عرصه های کارزار

لقد نصرکم اللّه فی مواطن کثیره

۸ کثرت نیرو های رزمی ، بدون امداد های الهی ، تضمین کننده پیروزی نیست .

إذ أعجبتکم کثرتکم فلم تغن عنکم شیئاً

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۶ - ۳

۳ آرامش روحی ، از مهمترین عوامل پیروزی در نبرد است .

ثم أنزل اللّه سکینته علی رسوله و علی المؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۴۰ - ۱۳

۱۳ آرامش روحی در سختی ها ، نعمتی الهی و رمز موفقیت و پیروزی است .

فقد نصره اللّه . .. فأنزل اللّه سکینته علیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۷ - ۱۱

۱۱ بشارت در ایجاد روحیه و امید به پیروزی ، نقشی مؤثر دارد .

و نجنا برحمتک من القوم الکفرین . .. و بشّر المؤمنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱ - ۲۰

۲۰- عزّت ، غلبه و کمال ، پیامد پیمودن راه خدا و پیروی از آموزه های قرآن است .

کتب . .. إلی صرط العزیز الحمید

اضافه شـدن <صـراط> به <العزیز الحمیـد> اشاره به این نکته دارد که سالك این راه، راه عزّت و کمال را می پیماید; زیرا حمد و ستایش در برابر کمال است.

جلد - نام سوره -

سوره – آیه – فیش

۱۲ – مؤمنون – ۲۳ – ۱۱۱ – ۵

۵ – دستیابی به پیروزی واقعی و رستگاری اخروی ، در گرو صبر و تحمل مشکلات در راه دین

إنّی جزیتهم الیوم بما صبروا أنّهم هم الفائزون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۵۱ – ۱۱

۱۱ – اطاعت از خدا و رسول او و پذیرش داوریِ متکی بر احکام الهی ، موجب رستگاری و پیروزی است .

إنّما کان قول المؤمنین إذا دعوا . .. لیحکم بینهم أن یقولوا سمعنا و أطعنا و أُول

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۵۲ – ۲

۲ – فرمان بری از خدا و رسول او و خدا ترسی و تقواپیشگی ، از عوامل ظفرمندی و کامیابی است .

و من یطع اللّه و رسوله و یخش اللّه و یتقه فأُولئک هم الفائزون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – فاطر – ۳۵ – ۱۰ – ۱۷

۱۷ – عزت و پیروزی در عرصه جدال و ستیزش اندیشه ها و عقاید ، از آن اندیشه و عقیده ای است که بر عقل ، فطرت و طبع آدمی استوار باشد .

فللّه العزّه جمیعًا إلیه یصعد الکلم الطیّب . .. و مکر أُولئک هو یبور

برداشت یاد شده، با توجه به این حقیقت است که مکر شکست خورده کافران، در مقابل کلام طیب خداوند و صعود و موفقیت آن قرار گرفته است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – محمد – ۴۷ – ۷ – ۹

۹- روحیه قوی و ثبات قدم ، مؤثرترین

عامل پیروزی در مبارزه علیه دشمن

و یثبت أقدامکم

بیان <یثبت . ..> پس از <ینصرکم> و اختصاص به ذکر یافتن آن، مطلب بالا را می رساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲ - ۱۷

۱۷ - ثبات و تزلزل روانی ، از عوامل مهم پیروزی و شکست در نبرد

فأتیهم اللّه . .. و قذف فی قلوبهم الرعب

عوامل پیروزی اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۸ - ۷

۷- وجود رهبری ، نظام هدایت گری و قوانین بایسته ، راز پیروزی نهایی اسلام بر سایر ادیان

بالهدی و دین الحقّ لیظهره علی الدین کلّه

عوامل پیروزی بر دشمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶ - ۱۰

۱۰- رشد اقتصادی و ازدیاد جمعیت به منظور برتری و فزونی یافتن بر نیروی انسانی و اقتصادی دشمن ، سیاستی است شایسته و بایسته

و أمددنکم بأمول و بنین و جعلنکم أکثر نفیرًا

جمله <و جعلناکم. ..> بمنزله نتیجه برای جمله <و امددناکم ...> است; چرا که <نفیر> در لغت به عده ای از مردان گفته می شود که امکانات لازم برای کوچ کردن و حرکت دسته جمعی را داشته باشند (مفردات راغب)، و مقصود از آن به مناسبت مورد، این است که خداوند با کمک اموال و فرزندان به شما، این توانایی را داد که بر دشمن خود فزونی داشته و

چیره شوید.

عوامل پیروزی حق

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۸ – ۳

۳ تضمین تحقق حق و

محو باطل در پرتو ریشه کن شدن کافران است .

و یقطع دابر الکفرین. لیحق الحق و یبطل البطل

برداشت فوق بر این اساس است که <لیحق الحق> متعلق به <یقطع . .. > در آیه قبل باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۸۲ - ۳

۳ خداوند ، با کلمات خود حق را بر کرسی نشانده و پایدار می کند .

و یحق اللّه الحق بکلمته

عوامل پیروزی در جنگ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۱ - ۴

۴ خداوند با القای وحشت و دلهره در دل های کفرپیشگان تقویت کننده روحیه جامعه ایمانی در رویارویی با آنان

سنلقی فی قلوب الّذین کفروا الرّعب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۷۲ - ۸

۸ سرنوشت ساز بودن آمادگی رزمی و مانور مسلمین بعد از جنگ احد

الّذین استجابوا للّه و الرسول من بعد ما اصابهم القرح

سازماندهی سپاه اسلام پس از مصیبتهای وارد آمده در جنگ احد و دعوت مجدد حتی از مجروحان برای شرکت در جنگ، حکایت از سرنوشت ساز بودن این آمادگی و بسیج نیرو دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۸ - ۹

۹ فرستادن آرامش خاطر به سوی بنی اسرائیل از جانب خداوند ، به منظور استقامت و کاستن دلهره و اضطراب آنان در پیکار با دشمنان

ابعث لنا ملكاً نقاتل . .. ان یاتیکم التّابوت فيه سكينه

مراد از <سکینه> به مناسبت آیات قبل که درباره جهاد و نبرد با

دشـمنان بـود، یـا خصـوص آرامش و رفـع نگرانی و دلهره در رویـارویی بـا متجـاوزان است و یـا مصـداق بـارز و مورد نظر از آرامش.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۹ - ۲۶،۲۷

۲۶ توجّه و باور به امکان پیروزی جمعیّت های کیفی هر چند کم باشند بر نیرو های عظیم کمّی ، تسکین بخش رزمندگان

کم من فئه قلیله غلبت فئه کثیره

معتقـدان به لقاءاللّه (الـذین یظنّون . ..) در مقابل عـدّه دیگر چنین گفتند: <کم من ... > تا آنان را برای مقابله با دشـمن مُهیّا سازند و ترس و دلهره آنان را بزدایند.

۲۷ معتقدان به لقای خداوند ، پیروزی در جنگ را از جانب خداوند می دانند .

قال الذین یظنّون . .. غلبت فئه کثیره باذن اللّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۱ - ۱،۲،۴،۹

۱ صبر ، ثبات قدم و نصرت الهی ، از عوامل پیروزی بر دشمنان

قالوا ربّنا افرغ علینا صبراً . .. فهزموهم باذن اللّه

فاء تفریع در <فهزموهم> بیانگر این است که پیروزی اهل ایمان و هزیمت جالوتیان، نتیجه مطالب گذشـته (صبر، ثبات قدم و . ..) بوده است.

۲ نقش دعا در پیروزی رزمندگان جبهه حقّ

قالوا ربّنا . .. فهزموهم باذن اللّه

۴ هزیمت و شکست سپاهیان جالوت به اذن الهی ، در برابر نیروی اندک طالوتیان

فهزموهم باذن اللّه

۹ ضرورت ضربه زدن به قلب لشکر و فرماندهی آن ، جهت دستیابی به پیروزی بر دشمن

فهزموهم باذن اللّه و قتل داود جالوت

بنابراینکه <واو> در <و قتل . ..

> حالیّه باشد و با الغای خصوصیّت از مورد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۳ - ۸،۹

۸ نقش تعیین کننده برآورد نیرو های دشمن ، در روحیه رزمندگان و سرنوشت جنگ

یرونهم مثلیهم رأیَ العین

۹ بهره گیری از عملیّات فریب نیرویی ، عاملی مؤثر در پیروزی

یرونهم مثلیهم رأیَ العین

برآورد نادرست مشرکان از نیروهای مسلمانان، موجب شکست آنها در جنگ بدر شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۰ - ۸

۸ توجّه به ولایت الهی و اعتقاد به یاری حتمی خداوند ، از عوامل تقویت روحیه اهل ایمان در هنگامه های دشوار و نبرد با دشمنان

بل اللّه مولیکم و هو خیر النّاصرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۳ - ۱۴

۱۴ روحیه رزمندگان دارای تأثیری بسزا در اقدام به جنگ و پیروزی و شکست آنان

إذ یریکهم اللّه . .. إنه علیم بذات الصدور

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۷ - ۱۵

۱۵ پرهیز از گرفتن اسیر در میدان نبرد تا پیش از سرکوبی کامل دشمن ، امری حکیمانه و موجب پیروزی دشمنان دین است .

ما کان لنبی . .. و اللّه عزیز حکیم

توصیف خداوند به عزتمندی و کاردانی پس از تأکید بر حرمت گرفتن اسیر پیش از سرکوبی دشمن، اشاره به این دارد که این حکم، حکمی حکیمانه است و اجرای آن زمینه ساز عزتمندی و پیروزی مسلمانان است.

عوامل پیروزی در جهاد

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۲ - ۱،۳،۹،۱۳،۱۴

۱ وعده الهی به نصرت و یاری پیکارگران مؤمن ، در رویارویی و نبرد با دشمنان دین

و لقد صدقکم اللّه وعده اذ تحسّونهم باذنه

جمله <و لقد صدقکم اللّه وعده>، حاکی از این است که خداوند از پیش سرکوبی دشمنان و پیروزی مؤمنان را وعده داده بود.

۳ تحقق وعده الهی به نصرت و پیروزی پیکارگران احد ، آنگاه که در آغاز نبرد ، مشرکان را تا آستانه انقراض کشتند .

و لقد صدقکم اللّه وعده اذ تحسّونهم باذنه

<اذ تحسّونهم> متعلق به <و لقد صدقکم اللّه> است ; یعنی بیان زمان تحقق وعده الهی است. و <تحسّونهم> از ماده <حَسّ> به معنای کشتن تا حد انقراض و نابودی است.

۹ تحقق وعده الهی به پیروزی جامعه ایمانی در گرو اتّحاد صفوف ، پایداری و پیروی آنان از رهبری

و لقد صدقکم اللّه وعده . .. حتّی اذا فشلتم و تنازعتم فی الامر و عصیتم

۱۳ استواری در نبرد ، اتّحاد و یکدلی رزمجویان و پیروی از دستورات رهبران الهی ، عامل جلب اذن خداوند برای پیروزی بر دشمن

اذ تحسّونهم باذنه حتّی اذا فشلتم و تنازعتم فی الامر و عصیتم

کلمه <باذنه> بیانگر این است که پیروزیها در گرو اذن خداوند است و از اینکه مسلمانان در مرحله اوّل، یعنی قبل از اختلاف و سستی و سرپیچی، مأذون به پیروزی شدند و آنگاه که سستی کردند و اختلاف ورزیدند و سرپیچی نمودند، اذن به پیروزی برداشته شد، معلوم می شود اذن الهی به پیروزی، دائر مدار عملکرد رزمجویان خواهد بود.

۱۴ پیروزی جامعه ایمانی بر دشمنان

خویش ، برخاسته از اراده الهی

من معد ما اریکم ما تحبّون

فاعل در <اری> خداوند است ; و منظور از <ما> در <ما تحبّون>، پیروزی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۶۰ - ۷،۸

۷ توکّل پیکارگران جنگ بدر بر خدا ، موجب یاری خدا و پیروزی آنان در آن نبرد *

ان ینصرکم اللّه فلا غالب لکم . .. و علی اللّه فلیتوکّل المؤمنون

خداوند پس از شروع بیان جنگ احد، اشاره ای نیز به مسائل جنگ بدر داشت (و لقد نصرکم اللّه ببدر، آیه ۱۲۳) بنابراین جمله <ان ینصرکم اللّه> می تواند اشاره به علّت آن پیروزی باشد.

۸ توکّل بر خداوند ، زمینه ساز یاری و نصرت الهی و غلبه بر دشمنان

ان ینصرکم اللّه . .. و علی اللّه فلیتوکّل المؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۴۹ - ۲۵،۳۰

۲۵ چه بسا جمعیّت اندکی که با پایداری ، به اذن الهی بر انبوه جمعیّت ها پیروز شدند .

کم من فئه قلیله غلبت فئه کثیره

۳۰ پیروزی در پیکار ، در گرو استقامت و استواری است ; نه انبوهی لشکر

کم من فئه . .. و اللّه مع الصّابرین

جمله <و اللّه . .. >، به منزله بیان شرط برای غلبه گروه اندک بر گروه انبوه است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۰ - ۳،۴

۳ نیرو های اندک طالوت با امید به نصرت الهی ، به جنگ با جالوتیان رفتند .

و لمّا برزوا الجالوت . .. و انصرنا علی

القوم الکافرین

۴ استواری قدم پیکارگران ، از نتایج شکیبایی آنان در پیکار و زمینه ساز نصرت الهی *

قالوا ربّنا افرغ . .. و انصرنا علی القوم الکافرین

بنابراینکه سه جمله ای که به عنوان دعا ذکر شده است، هر یک مقدّمه انجام پذیری جمله بعدی باشد. یعنی صبر، عامل ثبات قدم و ثبات قدم، عامل نصر و پیروزی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۱۳ - ۱۲،۱۵،۱۷

۱۲ - غلبه مسلمانان در جنگ بدر ، علی رغم توان برتر کافران

قد کان لکم ایه . .. یرونهم مثلیهم

زیرا در صورتی جنگ بدر، آیه و عبرت است که بر حسب شرایط طبیعی، تحصیل پیروزی برای مسلمانان میسور نباشد و کافران، توان برتری داشته باشند.

۱۵ پیروزی جنگجویان راه خدا ، در جنگ بدر بر کافران ، در پرتو مشیّت الهی

قد کان . .. و اللّه یؤیّد بنصره من یشاء

۱۷ تصرّف در عوامل طبیعی ، از وسائط تحقّق امداد الهی

یرونهم مثلیهم رأیَ العین و اللّه یؤیّد بنصره من یشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۳ - ۴،۶

۴ مجاهدان جنگ بدر با نداشتن ساز و برگ کافی در مقابل دشمنان ، توانستند با ایمان و توکّل به خدا بر آنان پیروز شوند .

و علی اللّه فلیتوکّل المؤمنون. و لقد نصرکم اللّه ببدر و انتم اذلّه

جمله <و لقد نصرکم اللّه ببدر>، می تواند نمونه ای باشد از حقیقت بیان شده در آیه قبل; یعنی عامل نصرت شما در بدر، توکّل شما بر خداوند بود.

نظامی و نیروی انسانی ، تنها عامل پیروزی در پیکار با دشمنان نیست .

و اذ غدوت . .. و لقد نصرکم اللّه ببدر و انتم اذلّه

چون نه ساز و برگ نظامی احـد (تبوّیء المؤمنین مقاعـد للقتال)، عامل پیروزی شـد و نه کمبود نیرو در بدر (انتم اذلّه)، باعث شکست; بلکه آنچه عامل پیروزی است، توکل بر خدا و یاری اوست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۴ - ۶

۶ نقش تعیین کننده امداد های غیبی برای پیروزی مؤمنان در پیکار با دشمنان

الن یکفیکم ان یمدّکم ربّکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۵ - ۱

۱ کفایت فرشتگان امدادگر ، برای پیروزی رزمندگان در برابر دشمنان

الن یکفیکم . .. بلی ان تصبروا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۲۶ - ۱،۲،۴،۵،۶

۱ نزول فرشتگان و یـاری آنـان ، تنهـا مژده ای است برای مؤمنـان پیکـارگر و آرامش دهنـده دل هـای آنـان ، نه تعیین کننـده پیروزیها

و ما جعله اللّه الّا بشری لکم و لتطمئنّ قلوبکم به

ضمیر در <ما جعله اللّه>، به امداد، که از <یمددکم> استفاده می شود، برمی گردد.

۲ نیاز پیکارگران به بشارت و تقویت روحیه و آرامش دل ، برای پیروزی بر دشمنان

و ما جعله اللّه الّا بشری لکم و لتطمئنّ قلوبکم به

۴ فتح و پیروزی بر دشمنان ، تنها از جانب خدای < عزیز و حکیم >

و ما النّصر الّا من عند اللّه العزیز الحکیم

۵ پیروزی جبهه مؤمنان ، پرتویی از

عزّت و حکمت خداوند

و ما النّصر الّا من عند اللّه العزیز الحکیم

۶ خداوند ، تعیین کننده اصلی و نهایی پیروزی مؤمنان است ; نه فرشتگان و یا توانایی های شخصی رزمندگان

و ما جعله اللّه الّا بشری لکم . .. و ما النّصر الّا من عند اللّه

بیان انحصار پیروزی آفرینی به خدا و نقش امداد ملائکه تنها به عنوان بشارت و اطمینان قلب، در حقیقت نفی هر گونه عاملی (توانایی نیروها از نظر عِدّه و عُدِّه، امداد ملائکه و . ..)، غیر از خواست الهی در پیروزیهاست.

عوامل پیروزی در غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۲۶ - ۱۰

۱۰ امداد های ویژه الهی ، منشأ پیروزی مسلمانان در جنگ بدر *

و أیدکم بنصره

عوامل پیروزی غزوه بدر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۱ - ۱۴

۱۴ ریزش باران در آستانه جنگ بدر ، از عوامل مؤثر در پیروزی مسلمانان در آن جنگ

و ینزل علیکم . .. و یثبت به الأقدام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۷ - ۲

۲ حرکت های پیروزی آفرین پیامبر (ص) در جنگ بدر در حقیقت فعل الهی بود .

فلم تقتلوهم و لکن اللّه قتلهم و ما رمیت

<رمی> به معنای پرتاب کردن است و در اینجا می توانـد کنایه از تمامی حرکتهایی باشد که پیامبر(ص) در جنگ بدر انجام داد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۴۹ - ۶

۶ توکل

مسلمانان به خداوند در جنگ بدر عامل پیروزی آنان

إذ یقول المنفقون . .. و من یتوکل علی اللّه فإن اللّه عزیز حکیم

عوامل پیروزی غزوه حنین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۲۶ – ۸

۸ امداد های الهی ، عامل اصلی پیروزی مسلمانان در جنگ حنین

ثم ولیتم مدبرین. ثم أنزل اللّه سکینته ... و أنزل جنوداً لم تروها و عذّب الذین کف

عوامل پیروزی مسلمانان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۴۴ – ۵

۵ خداوند تحقق دهنده جنگ بدر و پیروزکننده مسلمانان در آن نبرد

لیقضی اللّه أمرا کان مفعولا

عوامل پیروزی مسلمانان مدینه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۲۷ – ۸

۸ – قدرت مطلق خداوند ، عامل شکست یهود بنی قریظه و پیروزی مسلمانان مدینه بود .

أنزل الذین ظهروهم . .. فریقًا تقتلون ... وکان اللّه علی کلّ شیء قدیرًا

عوامل پیروزی موسی(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۵ – ۶

۶ - آیات الهی (معجزات) توشه راه و حربه پیروزی موسی و هارون (ع)

قال کلاّ فاذهبا بایتنا

عوامل پیروزی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۷ - ۱

۱ امداد های الهی عامل اصلی و اساسی کشته شدن کافران در جنگ بدر و پیروزی اهل ایمان

فلم تقتلوهم و لکن اللّه قتلهم

جمله <فلم تقتلوهم . .. > متفرع بر آیاتی است که امدادهای الهی را در جنگ

بدر برمی شمرد ; یعنی توجه به قضایای جنگ بدر و امدادهای الهی بیانگر این است که در حقیقت خداوند مشرکان را کشت و آنان را شکست داد.

عوامل پیروزی هارون(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۵ - ۶

۶ - آیات الهی (معجزات) توشه راه و حربه پیروزی موسی و هارون (ع)

قال کلّا فاذهبا بایتنا

گواهان پیروزی اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۸ - ۱۲

۱۲- خداوند ، والاترین گواه بر حقانیت رسالت پیامبر (ص) و غلبه اسلام بر سایر ادیان

هو الذی أرسل رسوله . .. لیظهره علی الدین کلّه و کفی باللّه شهیدًا

تعبیر <کفی باللّه شهیداً> محتوای این آیه را تأکید کرده است.

معجزه پیروزی در غزوه خیبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۰ - ۱۳

۱۳ - تحقق نوید الهی به فتح خیبر ، معجزه ای هدایتگر برای مؤمنان

فعجّل لکم هذه . .. و لتکون ءایه للمؤمنین

منافقان مدینه و وعده پیروزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ – احزاب – ۳۳ – ۱۲ – ۵

۵ – منافقان و بیماردلان مدینه ، وعده خدا و پیامبر را بر پیروزی ، فریب و خدعه ای بیش نمی دانستند .

و إذ یقول المنفقون و الذین فی قلوبهم مرض ما وعدنا اللّه و رسوله إلاّ غرورًا

منافقان و پیروزی مسلمانان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۴۸ – ۸

۸ پیروزی و موفقیت

اسلام و مسلمانان ، ناخوشایند و غیر قابل تحمل برای منافقان

حتی جاء الحق و ظهر أمر اللّه و هم کرهون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۰ - ۷

۷ داوری غلط منافقان در مورد شکست و پیروزی مسلمانان

و إن تصبک مصیبه یقولوا قد أخذنا أمرنا من قبل و یتولوا و هم فرحون

منشأ پیروزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۵۱ - ۶

۶ حاکمیّت اذن خداوند بر پیروزی ها و شکستها

فهزموهم باذن اللّه

کلمه <باذن اللّه> متعلق به <هزموهم>، قید هر دو معنایی است که در آن نهفته; یعنی شکست جالوتیان و پیروزی طالوتیان. پس هم شکست و هم پیروزی به اذن خداست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۲۶ - ۲۱

۲۱ اعطای حاکمیّت و پیروزی به انسان ها از جانب خداوند ، از قدرت مطلق او نمی کاهد .

مالک الملک . .. انّک علی کل شیء قدیر

از اینکه قبل از یادآوری عزّتها و قدرتهای خدادادی، مالکیّت خدا ذکر شده; و پس از آن، بر قدرت مطلق خداوند تأکید شده، برداشت فوق استفاده شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۷۳ - ۵

۵ خداوند ، منشأ پیروزی مجاهدان ، و مقام او پیراسته از تحمیل شکست بر ایشان

فان اصابتکم مصیبه . .. و لئن اصابکم فضل من اللّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۴۱ – ۶

۶ پیروزی مؤمنان

در جنگ ، موهبت خداوند و از جانب اوست .

فإن كان لكم فتح من اللّه

قید <من اللّه> ظاهراً قید توضیحی است. یعنی هرگاه مسلمانان پیروز شوند، این پیروزی از ناحیه خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۰ - ۴،۶

۴ خداوند سرچشمه همه پیروزی ها و امداد ها نه فرشتگان و دیگر عوامل و اسباب

و ما جعله اللّه إلا بشری . .. و ما النصر إلا من عند اللّه

۶ پیروزی مسلمانان در جنگ بدر ، گسیل هزاران فرشته برای امداد مجاهدان در آن جنگ ، بشارت دهی و اطمینان بخشی به واسطه آنان ، پرتوی از عزتمندی و کاردانی خداوند

و ما النصر إلا من عند اللّه إن اللّه عزیز حکیم

جمله <إن اللّه عزیز حکیم> تعلیلی است برای تمامی مسائلی که در این آیه و آیه قبل مطرح شده بود. یعنی سرچشمه آنچه بیان شد، عزت و حکمت خداوند است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۱۸ - ۲

۲ ضرورت توجه اهل ایمان به فرجام شوم کافران ستیزه گر و نقش اصلی خدا در پیروزی های مؤمنان

ذلکم

حرف <کم> در <ذلکم> خطاب به اهل ایمان است. یعنی ای اهل ایمان سرنوشت مشرکان ستیزه جو همان است که بیان شد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶۶ - ۱۱

۱۱ پیروزی بر دشمنان ، وابسته به اراده و اذن خداوند است .

فإن يكن . .. بإذن اللّه

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۷ – توبه – ۹

- ۵۱ - ۳،۱۰

۳ پیروزی و یا شکست سپاه اسلام ، منوط به مشیت خدا و تنها بر اساس تقدیر اوست .

قل لن یصیبنا إلا ما کتب اللّه لنا

۱۰ ایمان و اعتقاد به اینکه خوشی ها و ناخوشی ها ، و شکست ها و پیروزی ها بر اساس تقدیر خداست ، مقتضی توکل بر او و روی بر تافتن از دیگران

قل لن یصیبنا إلا ما کتب اللّه لنا . .. و علی اللّه فلیتوکل المؤمنون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - عنکبوت - ۲۹ - ۱۰ - ۱۰

۱۰ - منشأ پیروزی مؤمنان ، خداوند است .

و لئن جاء نصر من ربّک لیقولنّ إنّا کنّا معکم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۳ - ۵

۵ - لزوم توجّه مؤمنان به حاکمیت اراده پیروزمند الهی ، در هر فتح و گشایش

إنّا فتحنا . .. لیغفر لک اللّه ... و ینصرک اللّه

خداوند با نسبت دادن مکرر پیشامدهای مثبت <صلح حدیبیه> و یا <فتح مکه> به خود، در حقیقت به مؤمنان تذکر می دهد که در اوج این پیروزی ها، از نقش اراده الهی غافل نباشند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۳ - ۳

۳ - با رسیدن نصرت الهی و امداد های غیبی ، پیروزی بر دشمن قطعی است .

نصر من اللّه و فتح قریب

منشأ پیروزی اسلام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۲۸ – ۶

۶- تعلّق اراده الهی ، بر غلبه و پیروزی دین اسلام بر

تمامی ادیان

هو الذی أرسل . .. لیظهره علی الدین کلّه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۹ - ۱۰

۱۰ - تعلق اراده الهی بر غلبه دادن دین اسلام بر دیگر ادیان ، به رغم ناخرسندی مشرکان

أرسل رسوله بالهدی و دین الحقّ لیظهره علی الدین کلّه و لو کره المشرکون

ضمیر <یظهره> می تواند به رسول و یا <دین> برگردد. در هر دو صورت، معنا یکی خواهد بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۱ - ۱۶

۱۶ - مجاهدت مستمر مؤمنان با مال و جان خویش ، مجرای تحقق اراده خداوند بر پیروزی جهانی اسلام

و اللّه متمّ نوره . .. و دین الحقّ لیظهره علی الدین کلّه ... و تجهدون فی سبیل ا

برداشت یاد شده، با توجه به این نکته است که خداوند، پس از بیان اراده خویش مبنی بر غلبه اسلام بر سایر ادیان، مؤمنان را به جهاد با مال و جان خویش تشویق فرموده است.

منشأ پیروزی امت ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۶ - ۳

۳- تحولات تاریخ (شکست و پیروزی امت ها) تحت اراده الهی است .

بعثنا علیکم عبادًا . .. ثمّ رددنا لکم الکرّه

منشأ پیروزی انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ – مجادله – ۵۸ – ۲۱ – ۳،۶

۳ – خداوند ، پیامبران خود را با تضمین پیروزی آنان و شکست جبهه دشمن فرستاد .

کتب اللّه لأغلبنّ أنا و رسلی

۶ – نیرومندی و شکست ناپذیری خداوند ، تضمین کننده پیروزی

پیامبران بر دشمنانشان

کتب اللّه لأغلبنّ أنا و رسلی إنّ اللّه قویّ عزیز

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۶ - ۱۰

۱۰ - پیروزی رسولان الهی بر کافران ، به اراده و مشیت خداوند است .

و لکنّ اللّه یسلّط رسله علی من یشاء

منشأ پیروزی باطل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۱۹ - ۵

۵- مالکیت مطلقه الهی بر جهان هستی ، پشتوانه و تضمین کننده تحقق پیروزی حق بر باطل است .

بل نقذف بالحقّ . .. و له من فی السموت والأرض

جمله <و له من فی السماوات. ..> عطف بر جمله <لو أردنا ... بل نقذف بالحقّ...> است و تبیین و تفسیر کننده حق بودن آفرینش جهان و نیز پیروزی حق بر باطل می باشد; زیرا وقتی جهان در ملک خدا بود، پیروزکردن حق بر باطل، امری ممکن و آسان بر او خواهد بود.

منشأ پیروزی بر مکذبان حق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۸۰ - ۱۶

۱۶- دلیل و حجت نیرومند و توان پیروزمند در صحنه رویارویی با منکران حق و حقیقت ، در گرو امداد الهی است .

و اجعل لی من لدنک سلطنًا نصیرًا

منشأ پیروزی بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۶ – ۲

۲– پیروزی بنی اسرائیل بر دشمنان جنگجوی خویش با اراده خداوند پس از نخستین شکست

ثمّ رددنا لکم الکرّه علیهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۱۶ –

۲ – غلبه و پیروزی موسی و هارون (علیهماالسلام) و قوم شان بر فرعونیان ، نتیجه نصرت الهی بود .

و نصرنهم فکانوا هم الغلبین

منشأ پیروزی حق

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۱۹ – ۵

۵– مالکیت مطلقه الهی بر جهان هستی ، پشتوانه و تضمین کننده تحقق پیروزی حق بر باطل است .

بل نقذف بالحقّ . .. و له من فی السموت والأرض

جمله <و له من فی السماوات. ..> عطف بر جمله <لو أردنا ... بل نقذف بالحقّ...> است و تبیین و تفسیر کننده حق بودن آفرینش جهان و نیز پیروزی حق بر باطل می باشد; زیرا وقتی جهان در ملک خدا بود، پیروزکردن حق بر باطل، امری ممکن و آسان بر او خواهد بود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۱۶ – ۴

۴ – در صورت یاری خداوند ، پیروزی سپاه دین و جریان حق بر کفر و باطل ، قطعی است .

و نصرنهم فکانوا هم الغلبین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۲۴ – ۱۷

۱۷ – علم و آگاهی گسترده خداوند ، پشتوانه پیروزی دین حق و شکست جبهه کفر و باطل

و یمح اللّه البطل . .. إنّه علیم بذات الصدور

جمله <إنّه علیم بذات الصدور> می تواند علت برای جمله <و یمح اللّه الباطل> باشد.

منشأ پیروزی دین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – شوری – ۴۲ – ۲۴ – ۱۷

۱۷ – علم و آگاهی گسترده خداوند ، پشتوانه پیروزی دین حق

و شکست جبهه کفر و باطل

و یمح اللّه البطل . .. إنّه علیم بذات الصدور

جمله <إنّه علیم بذات الصدور> می تواند علت برای جمله <و یمح اللّه الباطل> باشد.

منشأ پیروزی رومیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴ - ۲

۲ - شکست و پیروزی روم ، براساس مشیت خداوند بود .

غلبت الروم . .. للّه الأمر من قبل و من بعد

مضافٌ الیه محذوفِ <قبلُ> و <بعدُ>، <شکست و پیروزی رومیان> است. بنابراین، مراد از <للّه الأمر من قبل و...> نکته یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵ - ۱

۱ - پیروزی رومیان بر ایرانیان ، به امداد و نصرت الهی بود .

و هم من بعد غلبهم سیغلبون . .. بنصر اللّه

بنابراین که <بنصر اللّه> متعلق به <سیغلبون> باشد، نکته یاد شده را بیان می کند.

منشأ پیروزی غزوه بنی نضیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۶ - ۱۱،۱۳

۱۱ - تسلط و غلبه پیامبر (ص) بر یهود بنی نضیر ، معلول اراده و عنایت خداوند بود ; نه صرفاً تلاش مسلمانان .

فما أوجفتم علیه . .. و لکنّ اللّه یسلّط رسله علی من یشاء

۱۳ – فتح دژ های مستحکم و استوار یهود بنی نضیر بدون جنگ و درگیری ، نمودی عینی از قدرت نامحدود الهی است .

هو الذی أخرج الذین کفروا . .. و ظنّوا أنّهم مانعتهم حصونهم ... و اللّه علی کلّ ش

منشأ پیروزی غزوه خیبر

جلد – نام سوره – سوره – آیه

- فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۸ - ۱۴

۱۴ - آرامش درونی ، و پیروزی صلح حدیبیه و فتح خیبر ، نتیجه بیعت مهم مؤمنان با پیامبر (ص)

إذ يبايعونك تحت الشجره . .. فأنزل السكينه عليهم و أثبهم فتحًا قريبًا

عبارت <فتحاً قريباً> ممکن است اشاره به <فتحاً مبيناً> (صلح حدیبیه) و یا فتح خیبر داشته باشد; چه این که هر دو فتح با فاصله ای نه چندان دور، صورت گرفته و اطلاق فتح قریب بر هر دو ممکن است.

منشأ پیروزی محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۳ - ۳

۳ - فتح مکه ، پیروزی بزرگ و بدون شکست پیامبر (ص) در پرتو امداد های الهی *

و ينصرك اللّه نصرًا عزيزًا

آرمان فتح مکه و مقهور ساختن مشرکان لجوج آن، از بالاترین آرزوها و اهداف مسلمانان به شمار می رفت. با توجه به این نکته احتمال می رود که نوید الهی به نصرت بدون شکست، نوید به تحقق همین آرمان باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۶ - ۱۱

۱۱ - تسلط و غلبه پیامبر (ص) بر یهود بنی نضیر ، معلول اراده و عنایت خداوند بود ; نه صرفاً تلاش مسلمانان .

فما أوجفتم عليه . .. و لكنّ اللّه يسلّط رسله على من يشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۸ - ۱۱

۱۱ - تعلّق اراده الهی ، بر عزت و پیروزی پیامبر (ص) و مؤمنان

و للّه العزّه و لرسوله و

للمؤمنين

منشأ پیروزی مسلمانان صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۲۵ - ۱

۱ نصرت و امداد های غیبی الهی ، عامل اصلی پیروزی مسلمانان صدر اسلام در بسیاری از عرصه های کارزار

لقد نصركم اللّه فی مواطن كثيره

منشأ پیروزی موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۵ - ۳

۳ - تعلق اراده الهی بر تسلّط بخشیدن به موسی و هارون (ع) ، در عرصه های مبارزه و ناكام گردانیدن فرعون و دارودسته وی

و نجعل لكما سلطنًا فلایصلون إلیكما

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۱۶ - ۲

۲ - غلبه و پیروزی موسی و هارون (علیهماالسلام) و قوم شان بر فرعونیان ، نتیجه نصرت الهی بود .

و نصرنهم فكانوا هم الغلبین

منشأ پیروزی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - محمد - ۴۷ - ۳۵ - ۷

۷- همراهی امداد های الهی با مؤمنان مجاهد ، مایه پیروزی و برتری آنان

و أنتم الأعلون و اللّه معکم

تـذکر به همراهی خداونـد بـا مؤمنـان، در پی تشویق آنـان به ادامه جنـگ و یـادآوری برتری و پیروزی آنان، مطلب بالا را می رساند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۴ - ۱۵

۱۵ - فتح و پیروزی مؤمنان در پرتو امدادِ الهی ، جلوه ای از حاکمیت خدا بر عوامل و امکانات جهان هستی

إنّا فتحنا لک فتحًا . .. و للّه جنود السموت و الأرض

<للّه جنود. ..> ممکن است

در مقام تعلیل برای <إنّا فتحنا لک...> باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۴ - ۵۸

۵ - ورود مسلمانان به سرزمین مکه و آسیب ندیدن از ناحیه دشمن ، ظفری الهی برای ایشان

و هو الذی کفّ . .. من بعد أن أظفركم علیهم

۸ - لزوم توجه مؤمنان به الهی بودن تمامی پیروزی ها و پیشرفت های آنان

و هو الذی کفّ أیدیهم عنکم

خداوند در این آیه و آیات پیشین پیروزی ها و موفقیت های مؤمنان را به خود نسبت داده است. بنابراین مؤمنان باید پیروزی ها را از خدا بدانند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - منافقون - ۶۳ - ۸ - ۱۱

۱۱ - تعلّق اراده الهی ، بر عزت و پیروزی پیامبر (ص) و مؤمنان

و للّه العزّه و لرسوله و للمؤمنین

منشأ پیروزی مؤمنان بنی اسرائیل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۴ - ۱۵

۱۵ - غلبه یافتن پیروان حضرت عیسی (ع) بر کافران بنی اسرائیل ، در نتیجه تأییدات و امداد های الهی

فأیّدنا الذین ءامنوا . .. فأصبحوا ظهرین

منشأ پیروزی هارون(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۳۵ – ۳

۳ – تعلق اراده الهی بر تسلّط بخشیدن به موسی و هارون (ع) ، در عرصه های مبارزه و ناکام گردانیدن فرعون و دارودسته وی

و نجعل لکما سلطنًا فلایصلون إلیکما

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۱۶ – ۲

۲ – غلبه

و پیروزی موسی و هارون (علیهماالسلام) و قوم شان بر فرعونیان ، نتیجه نصرت الهی بود .

و نصرنهم فکانوا هم الغلبین

موارد پیروزی حق

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۱۸ – ۸

۸- هلاکت و نابودی جوامع ستمگر گذشته ، نمونه ای از پیروزی حق بر باطل

و کم قصمنا من قریه کانت ظالمه. .. بل نقذف بالحقّ علی البطل فیدمغه فإذا هو زاهق

موانع پیروزی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۶۴ – ۳۴

۳۴ دشمنی و کینه توزی در جامعه ، مانع پیروزی و موفقیت

القینا بینهم العدوه و البغضاء إلی یوم القیمه کلما اوقدوا ناراً للحرب

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۵۹ – ۵

۵ کافران با پیمان شکنی و خیانت های خود ، قادر به کسب پیروزی پایدار نخواهند بود .

و إما تخافن من قوم خیانه . .. و لایحسبن الذین

موانع پیروزی مؤمنان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – نساء – ۴ – ۱۴۱ – ۱۰

۱۰ منافقان ، مانع پیروزی مؤمنان

قالوا ألم نستحوذ علیکم و نمنعکم من المؤمنین

<نمنعکم من المؤمنین>، یعنی جان و مال شما را از دست مؤمنین حفظ کردیم و نگذاشتیم مؤمنین بر شما پیروز شوند.

موجبات پیروزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۳۷ - ۱۲

۱۲ صبر و مقاومت بنی اسرائیل زمان موسی در برابر ستمگری های فرعون ، موجب تحقق وعده الهی بر پیروزی آنان و نابودی دشمنانشان

و

تمت کلمت ربک الحسنی علی بنی إسرءیل بما صبروا

حرف <باء> در <بما صبروا> سببیه است و <ما>، مصدریه. یعنی: <تمت ... بسبب صبرهم>.

مؤمنان و پیروزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۵۲ - ۱

۱ مؤمنان راستین ، پیروزی با شهادت را که در جنگ نصیبشان شود خیر و نیک می شمارند .

قل هل تربصون بنا إلا إحدی الحسنیین

مؤمنان و پیروزی رومیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۴ - ۶

۶ - پیروزی رومیان بر ایرانیان ، عاملِ سرور و شادمانی مؤمنان عصر بعثت شد .

و یومئذ یفرح المؤمنون

نشانه های پیروزی متقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۴۹ - ۱۱

۱۱ پیروزی نوح (ع) و یارانش بر مخالفان ، نشان و دلیلی بر غلبه نهایی تقواپیشگان مقاوم و صبور ، بر کفرپیشگان است .

تلک من أنباء الغیب . .. فاصبر إن العقبه للمتقین

نگرانی از پیروزی موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳۵ - ۵

۵ - بیم فرعون از ناگزیر شدن قبطیان به ترک سرزمین خویش با پیروزی موسی (ع)

یرید أن یخرجکم من أرضکم بسحره

وعده به پیروزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - آل عمران - ۳ - ۱۵۴ - ۱۵،۲۲

۱۵ تردید برخی از مسلمانان نبرد احد در حقّانیّت اسلام و وعده رسول خدا (ص) به پیروزی مسلمانان بر دشمنانشان

و طائفه . .. یقولون هل

لنا من الامر من شیء

برخی از مسلمانان گمان می کردند چون به اسلام گرویده اند و اسلام دین حق و الهی است، باید همه امور بر طبق خواسته آنان پیش رود; ولی آنگاه که شکست خوردند، به تردید افتادند و گفتند گویا اختیار امور به دست ما نیست و در نتیجه اسلام دین حق نیست و وعده های رسول خدا (ص) بی مورد است.

۲۲ انکار حقانیّت رسول خدا (ص) و نادرست پنداشتن وعده های الهی به پیروزی ، چیزی است که خودگزینان شرکت کننده در نبرد احد از رسول خدا پنهان می داشتند .

و طائفه . .. یخفون فی انفسهم ما لایبدون لك

وعده پیروزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۱۰۹ - ۹

۹ دلجویی خداوند از پیامبر (ص) در برابر مشکلات رسالت و دادن وعده پیروزی به آن حضرت

و اصبر حتی یحکم اللّه و هو خیر الحکمین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۷۷ - ۲

۲ - وعده خداوند به پیامبر (ص) ، مبنی بر یاری کردن او و پیروز شدن آن حضرت در مبارزه با کافران حق ستیز

فاصبر إنّ وعد اللّه حقّ

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۱۳ - ۴،۶

۴ - امداد های الهی و پیروزی بر دشمن ، وعده قطعی خداوند به جبهه ایمان و مجاهدان راه او

یغفر لکم . .. و أُخری تحبّونها نصر من اللّه و فتح قریب

۶ - خداوند ، مجاهدان صدراسلام را به امداد های

غیبی خود و غلبه سریع بر دشمن وعده داده است .

و أُخری تحبّونها نصر من اللّه و فتح قریب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۴۷ - ۲،۳

۲- عذاب و هلاکت ستم پیشگان و پیروزی رسولان ، وعده خداوند به آنان

و أنذر الناس یوم یأتیهم العذاب فیقول الذین ظلموا . .. و قد مکروا مکرهم ... فلاتح

برداشت فوق از ارتباط این آیه با آیات قبل، که درباره عذاب ستمگران بود، استفاده می شود. گفتنی است <فاء> تفریع در <فلاتحسبنّ> مؤید این ارتباط است.

۳- وعده های خداوند به پیامبران مبنی بر پیروز گردانیدن آنان بر دشمنان ، تخلف ناپذیر است .

الذین ظلموا . .. و قد مکروا مکرهم ... فلاتحسبنّ الله مخلف وعده رسله

وعده پیروزی اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - رعد - ۱۳ - ۴۱ - ۲

۲ توجه به گسترش اسلام و توسعه روزافزون آن ، دلیلی فراروی کفرپیشگان بر تحقّق وعده های الهی (نابودی شرک و پیروزی توحید) به پیامبر (ص)

أولم یروا أنَّا نأتی الأرض ننقصها من أطرافها

جمله <أولم یروا . ..> به منزله دلیلی است بر پدیدار شدن و تحقق یافتن تهدیدهای الهی به مشرکان و وعده های الهی به اهل ایمان.

وعده پیروزی انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹ - ۱

۱- نجات پیامبران و مؤمنان از دست دشمنان و پیروزی بر آنان ، وعده خداوند به ایشان است .

و ما أرسلنا قبلک رجالاً. .. ثمّ صدقنهم الوعد فأنجینهم و من نشاء

وعده پیروزی به

محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹ - ۱۰

۱۰- پیروزی بر مشرکان ، وعده خداوند به پیامبراسلام (ص)

ثمّ صدقنهم الوعد

آیه شریفه در مقام دلداری به پیامبراسلام است و خداوند با بیان جریان عمومی (وعده پیروزی همه پیامبران)، در واقع به آن حضرت نیز وعده پیروزی می دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نصر - ۱۱۰ - ۱ - ۱

۱ - خداوند ، پیامبر (ص) را به امداد خویش مطمئن ساخت و به آن حضرت وعده پیروزی بر دشمنان داد .

إذا جاء نصر اللّه و الفتح

<نصر> به معنای پیروز ساختن و <فَتْح> به معنای گشودن است. (برگرفته از <مقاییس اللغه>) حرف <إذا> دلالت بر وقوع حتمی شرط در آینده دارد.

وعده پیروزی به مسلمانان مدینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۱۲ - ۴،۵

۴ - خداوند و پیامبرش ، به مسلمانان وعده داده بودند که در صورت مواجهه آنان با دشمنان شان ، پیروز خواهند شد .

ما وعدنا اللّه و رسوله إلاّغرورًا

۵ - منافقان و بیماردلان مدینه ، وعده خدا و پیامبر را بر پیروزی ، فریب و خدعه ای بیش نمی دانستند .

و إذ یقول المنفقون و الذین فی قلوبهم مرض ما وعدنا اللّه و رسوله إلاّ غرورًا

وعده پیروزی به موسی(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۷۰ – ۱۶

۱۶ – وعده خداوند به موسی (ع) در مورد برتری و غلبه او در میدان مبارزه با ساحران ،

به بهترین شکل تحقق یافت .

إنّک أنت الأعلی . .. فأُلقی السحره سجّدًا قالوا ءامنّا

وعده پیروزی توحید

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰ - ۶۵ - ۲

۲ خداوند ، پیامبر اکرم (ص) را در قبال سخنان ناروای مشرکان دلداری داده و با وعده غلبه قطعی توحید بر شرک ، آن حضرت را از ناکامی و نافرجامی توطئه های آنان ، مطمئن ساخت

و لا یحزنک قولهم إن العزه للّه جمیعاً

وعده پیروزی در غزوه خیبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۵ - ۳

۳ - وعده الهی به مسلمانان ، در دستیابی به فتح خیبر و غنایم آن ، پس از صلح حدیبیه

سیقول المخلّفون إذا انطلقتم إلی مغانم لتأخذوها ذرونا نتّبعکم

آیه شریفه، در زمینه جنگ خیبر است و خداوند از حرکت مسلمانان به این جنگ به عنوان حرکت به سوی غنایم یاد کرده است. از این نکته استفاده می شود که خداوند به طور ضمنی، نوید فتح خیبر و غنایم آن را به جبران مشکلات سفر حدیبیه، به مسلمانان داده است.

وعده پیروزی صالحان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۵۵ - ۴

۴ - شکست کافران و پایان داده شدن به سلطه آنان و پیروزی مؤمنان دارای عمل صالح ، با در دست گرفتن اداره سرنوشت بشر در زمین ، وعده أکید خداوند

وعد اللّه الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت لیستخلفنّهم فی الأرض

وعده پیروزی مجاهدان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷

۲ - ۱۷۳ -

۲ - پیروزی لشکریان الهی و مجاهدان راه خدا ، در تمامی صحنه های مبارزاتی ، سنت و وعده خداوند است .

و إنّ جندنا لهم الغلبون

وعده پیروزی محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۴ - ۲

۲ - پیروزی قریب الوقوع پیامبر (ص) و یاران آن حضرت بر مشرکان ، وعده خداوند به آنان

فتولّ عنهم حتّی حین

توصیه خداوند به اعراض موقت از مشرکان، دلیل پیروزی قریب الوقوع پیامبر(ص) و یاران آن حضرت می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۸ - ۲

۲ - پیروزی قریب الوقوع پیامبراسلام (ص) و یاران آن حضرت بر مشرکان ، وعده خداوند به آنان

و تولّ عنهم حتّی حین

وعده پیروزی مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۴ - ۲

۲ - پیروزی قریب الوقوع پیامبر (ص) و یاران آن حضرت بر مشرکان ، وعده خداوند به آنان

فتولّ عنهم حتّی حین

توصیه خداوند به اعراض موقت از مشرکان، دلیل پیروزی قریب الوقوع پیامبر(ص) و یاران آن حضرت می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۷۸ – ۲

۲ – پیروزی قریب الوقوع پیامبراسلام (ص) و یاران آن حضرت بر مشرکان ، وعده خداوند به آنان

و تولّ عنهم حتّی حین

وعده پیروزی موسی(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۶۶ – ۲

۲ – موسی (ع) ، برخوردار از

اعتمادی قوی به وعده های خداوند در پیروزی بر مخالفان

قال بل ألقوا

در آیـات پیشـین، خداونـد به موسـی(ع) اطمینـان داد که بر رخـدادها، اِشـراف کامـل دارد و جای نگرانی نیست (لاتخافا إنّنی معکمـا أسـمع و أری). واگـذار کردن صـحنه کارزار به دشـمنان و به تماشا نشسـتن موسـی(ع) حاکی از اعتماد کامل او و به آن وعده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۳۵ - ۷

۷ - شکست نهایی فرعون و غلبه موسی ، هارون (ع) و پیروانشان بر وی ، وعده الهی به موسی در وادی طور

أنتما و من اتّبعکما الغلبون

وعده پیروزی مومنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۳۸ - ۱

۱- هلاکت و شکست کافران مکه و پیروزی مؤمنان ، وعده الهی

سأُوریکم ءایتی . .. و یقولون متی هذا الوعد

برداشت یادشده مبتنی براین است که مقصود از <وعد> دراین آیه، غلبه مؤمنان و شکست کافران باشد.

وعده پیروزی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹ - ۱

۱- نجات پیامبران و مؤمنان از دست دشمنان و پیروزی بر آنان ، وعده خداوند به ایشان است .

و ما أرسلنا قبلک رجالاً. .. ثمّ صدقنهم الوعد فأنجینهم و من نشاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۳۸ – ۱

۱– هلاکت و شکست کافران مکه و پیروزی مؤمنان ، وعده الهی

سأُوریکم ءایتی . .. و یقولون متی هذا الوعد

برداشت یادشده مبتنی براین است که مقصود از <وعد> دراین آیه، غلبه مؤمنان و شکست

کافران باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۵۵ – ۴

۴ – شکست کافران و پایان داده شدن به سلطه آنان و پیروزی مؤمنان دارای عمل صالح ، با در دست گرفتن اداره سرنوشت بشر در زمین ، وعده أکید خداوند

وعد اللّه الذین ءامنوا منکم و عملوا الصلحت لیستخلفنّهم فی الأرض

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – قمر – ۵۴ – ۴۵ – ۱

۱ – وعده الهی ، به فروپاشی جماعت مشرکان و ناپایداری آنان در برابر جبهه ایمان

سیهزم الجمع و یولّون الدّبر

وعده پیروزی هارون(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۳۵ – ۷

۷ – شکست نهایی فرعون و غلبه موسی ، هارون (ع) و پیروانشان بر وی ، وعده الهی به موسی در وادی طور

أنتما و من اتّبعکما الغلبون

وقت پیروزی مسلمانان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۱۰۹ – ۱۲،۱۳

۱۲– پیامبر (ص) ، آگاه نبودن خود از زمان دقیق وقوع عذاب الهی بر مشرکان و کافران لجوج و پیروزی قطعی مسلمانان بر آنان را به مردم اعلام کرد .

و إن أدری أقریب أم بعید ماتوعدون

<إن> در <إن أدری> نافیه است.

۱۳- محدودیت علم پیامبر (ص) نسبت به زمان وقوع عذاب بر مشرکان و کافران حق ناپذیر و زمان دقیق پیروزی قطعی مسلمانان بر آنان

إن أدری أقریب أم بعید ماتوعدون

یأس از پیروزی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۶ - ۶

۶

برخی از مؤمنان مأیوس از پیروزی در جنگ بدر و مطمئن به شکستی مرگ آفرین در آن کارزار

یجدلونک . .. کأنما یساقون إلی الموت و هم ینظرون

پیری از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

پیری

آثار پیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۴ - ۵

۵- پیری و سالمندی ، از موانع زاد و ولد در انسانها

علی أن مسّنی الکبر

از اینکه حضرت ابراهیم(ع) در توضیح اظهار شگفتی خود از بشارت فرزنددارشدنش با جمله حالیه <علی أن مسّنی الکبر> پیری را مطرح می کند، می تواند به خاطر نکته فوق باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۵ - ۴

۴- پیری و سالمندی ، از عوامل یأس انسان از فرزنددار شدن

مسّنی الکبر فبم تبشّرون . .. فلاتکن من القنطین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۰ - ۱۵

۱۵- < روی : أن أرذل العمر أن یکون عقله عقل إبن سبع سنین ;

روایت شده است که <أرذل العمر> آن است که [در اثر پیری] عقل انسان مانند عقل بچه هفت ساله باشد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۸ - ۴

۴ - آغاز جوانی ، شروع تکامل و رشد قوای جسمی و عقلی ، و آغاز پیری ، اول سستی و سیر نزولی آن قوا است .

و من نعمّره ننکّسه فی الخلق

برداشت یاد شده از آن جا است که آیه شریفه، دوران پیری را از نظر قوای جسمی و عقلی، مانند دوران طفولیت دانسته است. بنابراین لازمه این سخن، مطلبی است

که در برداشت بالا آمده است.

آثار پیری زکریا(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴ - ۴،۵

۴- استخوان زکریای پیغمبر در اثر پیری ، سست شده بود .

إنّی وهن العظم منّی

۵- موی سر زکریا ، در اثر پیری سپید گشته بود .

واشتعل الرأس شیبًا

آثار پیری والدین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۳ - ۱۰،۱۳

۱۰- کهولت و به سن پیری رسیدن والدین ، عامل سنگین تر شدن وظایف فرزند نسبت به آنها

إما یبلغنّ عندك الکبر أحدهما أو کلاهما فلاتقل لهما أُفّ و لاتنهرهما و قل لهما قو

۱۳- پدران و مادران در سن پیری و سالخوردگی ، در معرض بی احترامی از سوی فرزندان هستند .

إما یبلغنّ عندك الکبر . .. فلاتقل لهما أُفّ و لاتنهرهما و قل لهما قولاً کریمًا

خطاب مطلق احسان به والدین، شامل هر والدینی در هر سن و سالی می شود. ذکر <إمّا یبلغنّ عندك الکبر> ممکن است جهت یادآوری نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۲۴ - ۲

۲- ضعف و سالخوردگی پدر و مادر ، زمینه ابتلای فرزند به غرور و سرکشی است .

إمّا يبلغنّ عندك الكبر . .. و اخفض لهما جناح الذلّ

تـذكر خداونـد براى رعـايت حـال پـدر و مادر در حال پيرى، احتمال دارد به خاطر وجود زمينه لغزش و تكبر فرزنـدان در اين فصل از زندگى پدر و مادر باشد.

اميدوارى به فرزندارى در پيرى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۹ - حجر - ۱۵

۴-ابراهیم (ع) امیدوار به فرزنددار شدن در کهنسالی ، در پرتو لطف و رحمت الهی

فبم تبشّرون . .. فلاتکن من القنطین . قال و من یقنط من رحمه ربّه إلاّ الضالّون

بارداری در پیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۲ - ۲،۳

۲ ساره با توصیف خود و شویش به پیری ، دارا شدن فرزند را امری بس شگفت تلقی کرد .

قالت یویلتی ءألد و أنا عجوز و هذا بعلی شیخًا إن هذا لشیء عجیب

<یاویلتی> (ایوای بر من) عبارتی است که معمولاً به هنگام تعجب ایراد می شود. همزه در <ءألد ...> نیز برای تعجب است و جمله <إن هذا ...> نیز تصریح به شگفتی است. این همه حکایت از تعجب بیش از حد همسر ابراهیم دارد.

۳ توانمند شدن سالخوردگان بر فرزنددار شدن ، بیرون از روند عادی و جای بسی شگفتی است .

إن هذا لشیء عجیب

پیری ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۲ - ۱،۲

۱ ابراهیم (ع) و همسرش ساره ، هنگام بشارت فرشتگان به تولد اسحاق و یعقوب ، پیر و کهنسال بودند .

قالت یویلتی ءألد و أنا عجوز و هذا بعلی شیخًا

۲ ساره با توصیف خود و شویش به پیری ، دارا شدن فرزند را امری بس شگفت تلقی کرد .

قالت یویلتی ءألد و أنا عجوز و هذا بعلی شیخًا إن هذا لشیء عجیب

<یاویلتی> (ایوای بر من) عبارتی است که معمولاً به هنگام تعجب ایراد می شود. همزه در <ءألد ...> نیز برای تعجب است
و

جمله <إن هذا ...> نیز تصریح به شگفتی است. این همه حکایت از تعجب بیش از حد همسر ابراهیم دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۴ - ۶

۶ بشارت یافتن ابراهیم (ع) به فرزنددار شدن در سن کهولت ، او را به پذیرش شفاعتش درباره قوم لوط (برطرف شدن عذاب از آنان) امیدوار ساخت .

فلما . .. جاءته البشری یجدلنا فی قوم لوط

برداشت فوق، مقتضای ترتب <یجادلنا . ..> بر <جاءته البشری> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۵ - ۱

۱- تأکید فرشتگان بر تحقق و عینیت یافتن بشارت پسردار شدن ابراهیم (ع) در دوران پیری

قالوا بشرنک بالحقّ

مقصود از <بالحق> در آیه فوق یا خبر مطابق با واقع است و یا به معنای این است که بشارت ما حقیقت دار است (مجمع البیان). در هر صورت گویای این نکته است که: آنچه بشارت داده شد، تحقق یافتنی است و به وقوع خواهد پیوست.

پیری اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۰ - ۱۸

۱۸- < عن أبی عبداللّه (ع) : . . . ان أصحاب الکهف کانوا شیوخاً فسمّاهم اللّه عزّوجلّ فتیه بإیمانهم ;

از امام صادق(ع) روایت شده که: اصحاب کهف، سالْ مند بودند و خدا، آنان را به خاطر ایمان شان، جوان (جوانمرد) نامید>.

پیری انسان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۰ - ۱۳

۱۳- < عن أبی جعفر (ع

) : إذا بلغ العبد مائه سنه فذلك أرذل العمر ;

از امام باقر(ع) روایت شده است: هر گاه بنده خدا به صد سال می رسد، [عمر او] <أرذل العمر> است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵ - ۲۴

۲۴ - تنها برخی از انسان ها به مرحله پایانی پیری (أرذل العمر) می رسند .

و منکم من یردّ إلی أرذل العمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶ - ۲

۲ آفرینش انسان از خاک ، رشد مرحله به مرحله او در رحم ، صعود تدریجی از طفولیت (مرحله ضعف جسمی و عقلی) به اوج جوانی و نزول تدریجی از اوج بتوانایی (جوانی) به حضیض ناتوانی (کهولت و پیری) ، جلوه های ربوبیت خدا و یگانگی او

فإنّا خلقناکم من تراب . ..لکیلا یعلم من بعد علم شیئًا ... ذلک بأنّ اللّه هو الحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - روم - ۳۰ - ۵۴ - ۲،۴،۷،۱۰

۲ - مراحل مختلف حیات انسان ، از کودکی تا پیری ، به دست خداوند است .

اللّه الذی خلقکم من ضعف ثمّ جعل من بعد ضعف قوّه ثمّ جعل من بعد قوّه ضعفًا و شیبه

۴ - سیر مراحل زندگی آدمی ، از کودکی تا پیری ، تخلف ناپذیر و غیر قابل تغییر است .

خلقکم من ضعف ثمّ جعل من بعد ضعف قوّه ثمّ جعل من بعد قوّه ضعفًا و شیبه

۷ - از ضَعف به کمال جسمانی رسیدنِ انسان ها و سپس فرتوت و

ناتوان شدن آنان ، از آیه های خداوند است .

اللّه الذی خلقکم من ضعف . .. و شیبه

۱۰ - دوران پیری انسان ها ، دوران ناتوانی و ضعفی ادامه دار است .

ثمّ جعل من بعد قوّه ضعفًا و شیبه

<شیبه> به معنای پیری است و آورده شدن آن پس از <ضعفاً> به عنوان عطف بیان، با این که <ضعفاً> مقصود را می رساند، به خاطر یادآوری این نکته است که در این دوران، ضعف، قابل جبران نیست و تا مرگ ادامه دارد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۶۷ - ۸

۸ - پایان اوج مرحله جوانی (بلوغ اشد) نقطه آغاز منحنی نزول و سرانجام مرحله پیری ، نقطه پایان این منحنی در زندگی انسان است .

ثمّ لتبلغوا أشدّکم ثمّ لتکونوا شیوخًا . .. لتبلغوا أجلًا مسمّیً

پیری زکریا(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۴ - ۱

۱- زکریا به هنگام پیری مفرط و سستی استخوان ها و سپیدی مو های سرش از خداوند خواهان فرزند شد .

قال ربّ إنّی وهن العظم منّی واشتعل الرأس شیبًا

<عظم> به معنای استخوان است. <وهن العظم منّی>; یعنی، استخوان هایم سست شد کلمه <شیباً> تمیز و به معنای سفیدی مو است و <اشتعال>، یعنی آتش گرفتن (لسان العرب). بنابراین جمله <اشتعل> از مادّه <شعل> سفیدی دم و پیشانی اسب) مشتق باشد; در این صورت جمله <اشتعل ...>، یعنی <موی سر سپید شد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸ - ۱۸

۱- بشارت فرزند به زکریا

(ع) در روزگار پیری و فرتوتی وی و نازایی همسر ، برای او نویدی شگفت آور بود .

أنّی یکون لی غلم و کانت امرأتی عاقرًا و قد بلغت من الکبر عتیًّا

<أنّی>، یعنی چگونه و از چه راهی؟ (مصباح). <عتیّاً> جمع <عات> از ماده <عتوّ> (از حد گذشتن) است و مفاد جمله <قد بلغت...> این است که من از نظر پیری به افرادی رسیده ام که در کهن سالی از حدّ گذشته اند. برخی اهل لغت <عتیّاً> را مصدر و به معنای خشک و انعطاف ناپذیر شدن مفاصل و استخوان ها دانسته اند (الکشاف). مفاد جمله دراین صورت این است که من از اثر پیری به خشکیده شدن اعضای بدنم رسیده ام.

۸- زکریا (ع) در زمان دریافت بشارت تولد یحیی (ع) ، در نهایت پیری و از کف دادن قوای جنسی و شهوانی قرار داشت .

و قد بلغت من الکبر عتیًّا

پیری ساره

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۲ - ۱،۲

۱ ابراهیم (ع) و همسرش ساره ، هنگام بشارت فرشتگان به تولد اسحاق و یعقوب ، پیر و کهنسال بودند .

قالت یویلتی ءألد و أنا عجوز و هذا بعلی شیخًا

۲ ساره با توصیف خود و شویش به پیری ، دارا شدن فرزند را امری بس شگفت تلقی کرد .

قالت یویلتی ءألد و أنا عجوز و هذا بعلی شیخًا إن هذا لشیء عجیب

<یاویلتی> (ایوای بر من) عبارتی است که معمولاً به هنگام تعجب ایراد می شود. همزه در <ءألد ...> نیز برای تعجب است و جمله <إن هذا ...> نیز

تصریح به شگفتی است. این همه حکایت از تعجب بیش از حد همسر ابراهیم دارد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ذاریات – ۵۱ – ۲۹ – ۴

۴ – همسر ابراهیم ، فردی کهنسال و نازا به هنگام بشارت فرزنددار شدنش

فأقبلت امرأته . .. و قالت عجوز عقیم

پیری شعیب(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۲۳ – ۱۹،۲۰

۱۹ – شعیب (ع) ، پیرمردی سالخورده و ناتوان از رسیدگی به کار دام

قالتا . .. و أبونا شیخ کبیر

۲۰ – تقارن هجرت موسی (ع) به مدین با دوران پیری شعیب (ع)

قالتا . .. و أبونا شیخ کبیر

پیری والدین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۲۳ – ۱۵

۱۵– فرزندان موظفند به خواسته های پدر و مادر کهنسالشان پاسخ مثبت داده و هرگز از تأمین آن خواسته ها دریغ نکنند .

و لاتنهرهما

<نهر> در لغت به معنای منع و زجر است (لسان العرب).

پیری همسر زکریا(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۵ - ۶

۶- همسر زکریا ، علاوه بر عقیم بودن دیرین خود در شرایط پیری و یائسگی بود . *

و کانت امرأتی عاقرًا

فعل <کانت>، ممکن است این معنا را افاده کند که همسر زکریا برای آوردن فرزند دو مشکل داشته است; ۱ سن زیاد; ۲ عقیم بودن دیرین او از جوانی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸ - ۷

۷- زکریا (ع)

، هنگام بشارت تولد یحیی (ع) ، همسری سال خورده داشت که از آغاز زندگی نازا بود .

و کانت امرأتی عاقرًا

فعل <کانت> در آیه، با بیان دیرینه بودن نازایی، اشاره به گذشت زمان بارداری نیز دارد.

پیری همسر لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۷۱ - ۱

۱ - نجات همه خانواده لوط از عذاب الهی ، به جز همسر پیر او

فنجّینه و أهله أجمعین إلّا عجوزًا فی الغبرین

<عجوز> به معنای پیر زن و <عجوزاً> مستثنی از <أهله> است. <غبور> (مصدر <غابرین>) نیز به معنای باقی ماندن است. بنابراین، <غابر> به کسی گفته می شود که همراهانش بروند و او باقی بماند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۳۵ - ۲

۲ - همسر لوط به هنگام نزول عذاب ، در سن پیری و فرسودگی قرار داشت .

إلّا عجوزًا

<عجوز> به کسی گفته می شود که در سن پیری و فرسودگی باشد و نشاط برای کار و تلاش نداشته و از آن عاجز باشد.

پیری یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۸ - ۴

۴ یعقوب (ع) در زمان وزارت یوسف و داستان اتهام سرقت بنیامین ، سالخورده و بسیار کهنسال بود .

إن له أبًا شیخًا کبیرًا

<شیخ> به معنای پیرمرد و <کبیر> به معنای بزرگ است و مراد از آن ظاهراً بزرگی در سن و سال می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۴ - ۶

۶ افول بینایی یعقوب (

ع) ، در زمان کهنسالی او و مصادف با دوران بازداشت بنیامین بوده است .

عسی الله أن یأتینی بهم جمیعًا . .. وابیضت عیناه من الحزن

تعجب از بارداری در پیری

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ذاریات – ۵۱ – ۲۹ – ۳

۳ – هیجان ، تعجب و ناباوری شدید همسر ابراهیم ، از باروری پس از پیری و عمری نازایی

فأقبلت امرأته فی صرّه فصکّت وجهها و قالت عجوز عقیم

تعجب از فرزندداری در پیری

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۵۶ – ۳

۳– شگفتی ابراهیم (ع) از فرزنددار شدن ، به خاطر ناامیدی از رحمت خداوند نبود ; بلکه به سبب بعید دانستن بچه دار شدن در کهنسالی بود .

فبم تبشّرون . .. فلاتکن من القنطین. قال و من یقنط من رحمه ربّه إلاّ الضالّون

ابراهیم(ع) در پاسخ توصیه فرشتگان به او که <از فرزنددار شدن مأیوس نباش> فرمود: تنها گروه گمراهان از رحمت خدا مأیوسند. از این پاسخ به دست می آید که شگفتی ابراهیم(ع) از فرزنددار شدنش، به خاطر یأس از رحمت خدا نبود; بلکه صرفاً آن را یک امر شگفت آور می دانست.

تکاثر در پیری

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حدید – ۵۷ – ۲۰ – ۹

۹ – انسان ، موجودی فزون طلب و حریص بر اموال و فرزندانش در دوران پیری

أنّما الحیوه الدنیا . .. و تکاثر فی الأمول و الأولد

جهل در پیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۰

۷- دوران کهنسالی همراه با نادانی ، از پست ترین مراحل زندگی انسان

و منکم من یردّ إلی أرذل العمر لکی لایعلم بعد علم شیئًا

دوران پیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵ - ۱۸،۲۲

۱۸- پایان اوج مرحله جوانی (بلوغ الأشد) ، نقطه آغازین منحنی نزول است . و سرانجام مرحله پیری (أرذل العمر) ، نقطه پایانی این منحنی در زندگی انسان می باشد .

فإنّا خلقنکم من تراب. .. ثمّ لتبلغوا أشدّکم... لکیلا یعلم من بعد علم شیئًا

۲۲- مرحله پایانی پیری ، مرحله ناپسند دوران زندگی برای انسان است .

إلی أرذل العمر

زایمان در پیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۸ - ۸

۸- زکریا (ع) در زمان دریافت بشارت تولد یحیی (ع) ، در نهایت پیری و از کف دادن قوای جنسی و شهوانی قرار داشت .

و قد بلغت من الکبر عتیًّا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۰ - ۱

۱ اظهار تعجب زکریا از اینکه در سن پیری همسر نازایش برای او پسری آرد .

قال ربّ انّی یکون لی غلام و قد بلغنی الکبر و امراتی عاقر

سستی در پیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۸ - ۳

۳ - انسان ، در جلوگیری از تحلیل و سستی قوای خویش به هنگام پیری ، ناتوان است .

و من نعمّره ننکّسه فی الخلق

ضعف در پیری

جلد - نام سوره - سوره

- آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۷۰ - ۵

۵- ضعف قوای جسمی و فکری انسان در کهنسالی ، نمودار مقهور بودن او در برابر تدبیر الهی است .

و منکم من یردّ إلی أرذل العمر

تـذکر خداوند به ناتوانی انسان پس از دوران توانایی، می تواند اشاره به مقهوریت انسان در برابر تدبیر الهی داشـته باشد; زیرا واژه <یُردّ> که به صورت مجهول آمـده، اختیار را از انسان نفی می کند و تعبیر <الله خلقکم> در صدر آیه می تواند اشاره به این داشته باشد که آن بازگشت در اختیار کسی است که حیات و مرگ به دست اوست.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۵ - ۲۱

۲۱- قوای جسـمی و عقلی در مرحله نهایی پیری ، به درجه ای کاهش می یابـد که انسان از فراگیری محروم می ماند و تمامی دانسته های پیشین خود را از دست می دهد .

منکم من یردّ إلی أرذل العمر لکیلا یعلم من بعد علم شیئًا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - حج - ۲۲ - ۶ - ۲

۲ آفرینش انسان از خاک ، رشد مرحله به مرحله او در رحم ، صـعود تدریجی از طفولیت (مرحله ضـعف جسمی و عقلی) به اوج جـوانی و نزول تـدریجی از اوج بتوانـایی (جـوانی) به حضـیض نـاتوانی (کهـولت و پیری) ، جلوه هـای ربوبیت خـدا و یگانگی او

فإنّا خلقناکم من تراب . ..لکیلا یعلم من بعد علم شیئًا ... ذلک بأنّ اللّه هو الحق

جلد - نام سوره - سوره - آیه

– فیش

۱۴ – روم – ۳۰ – ۵۴ – ۱۰،۱۲

۱۰ – دوران پیری انسان ها ، دوران ناتوانی و ضعفی ادامه دار است .

ثمّ جعل من بعد قوّه ضعفًا و شیبه

<شیبه> به معنای پیری است و آورده شدن آن پس از <ضعفاً> به عنوان عطف بیان، با این که <ضعفاً> مقصود را می رساند، به خاطر یادآوری این نکته است که در این دوران، ضعف، قابل جبران نیست و تا مرگ ادامه دارد.

۱۲ – رساندن انسان ها از دوران ناتوانی جنینی و نوزادی به توان مندی دوران جوانی و سپس فرتوت ساختن آنان ، نشانه توان مندی خداوند بر باز آفرینی انسان ها درقیامت است . *

اللّه الذی خلقکم . .. یخلق ما یشاء

عبارت <یخلق ما یشاء> به قرینه آیه پنجاه که در آن، بر توان منـدی خداونـد بر معاد انسان ها، برهان اقامه شده بود و نیز آیه پنجاه و پنج که درباره برپایی قیامت است می تواند درباره معاد و بازآفرینی انسان ها، در قیامت باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – یس – ۳۶ – ۶۸ – ۱

۱ – بازگشت انسان به حالت طفولیت پس از عمر طولانی و دوران پیری از نظر قوای جسمی و عقلی

و من نعمّره ننکّسه فی الخلق

<تعمیر> (مصدر <نعمّر> و از ماده <عمر>) به معنای طولانی کردن عمر و <تنکیس> (مصدر <ننکّسه>) به معنای واژگون ساختن است. مقصود از جمله <و من نعمّره ننکّسه فی الخلق> واژگون شدن و بازگشت انسان از نظر قوای جسمی و عقلی در دوران پیری، به دوران ضعف و سستی طفولیت خویش است.

جلد –

نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۶۷ – ۸،۹

۸ – پایـان اوج مرحله جوانی (بلوغ اشـد) نقطه آغـاز منحنی نزول و سـرانجام مرحله پیری ، نقطه پایان این منحنی در زنـدگی انسان است .

ثمّ لتبلغوا أشدّكم ثمّ لتكونوا شيوخًا . .. لتبلغوا أجلًا مسمّىً

۹ – منحنی صعود ، قوس رشد و تکامل قوای جسمی و عقلی انسان و منحنی نزول ، قوس ضعف و انحطاط آن قوا است .

ثمّ لتبلغوا أشدّكم ثمّ لتكونوا شيوخًا

عوامل پیری در قیامت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۹ – مزمل – ۷۳ – ۱۷ – ۳

۳ – سختی و اندوه باری روز محشر ، به گونه ای است که اطفال را مو سفید و پیر می سازد .

يومًا يجعل الولدن شيبًا

فراموشی در پیری

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ – ۷۰ – ۸

۸- برخی از انسان ها آن چنان به پیری می رسند که تمامی اندوخته های علمی خود را از دست می دهند .

و منكم من يردّ إلى أرذل العمر لكى لايعلم بعد علم شيئًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۵ – ۲۱

۲۱- قوای جسـمی و عقلی در مرحله نهایی پیری ، به درجه ای کاهش می یابـد که انسان از فراگیری محروم می ماند و تمامی دانسته های پیشین خود را از دست می دهد .

منکم من يردّ إلى أرذل العمر لكيلا يعلم من بعد علم شيئًا

فرزندداری در پیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۳۹ - ۱۳،۱۰،۹،۱

۱- حضرت ابراهیم (ع) به سبب فرزنددار شدنش در سالخوردگی ، خدا را حمد و ستایش کرد .

الحمد لله الذی وهب لی علی الکبر إسمعیل و إسحق

۹- نقش مؤثر دعا در فرزنددار شدن انسان ، حتی در سالخوردگی و هنگام یأس از تأثیر عوامل طبیعی

الحمد لله الذی وهب لی علی الکبر إسمعیل و إسحق إن ربّی لسمیع الدعاء

۱۰- امکان فرزنددار شدن انسان در سالخوردگی و هنگام یأس از تأثیر عوامل طبیعی ، با اراده و مشیت الهی

الحمد لله الذی وهب لی علی الکبر إسمعیل و إسحق إن ربّی لسمیع الدعاء

۱۳- حضرت ابراهیم (ع) تا سالخوردگی فاقد فرزند و از فرزنددار شدنش از راه عوامل طبیعی و عادی مأیوس بود .

الحمد لله الذی وهب لی علی الکبر إسمعیل و إسحق إن ربّی لسمیع الدعاء

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۵۴ - ۳،۲،۱

۱- ابراهیم (ع) از دریافت خبر فرزنددار شدنش در دوران پیری به شدت شگفت زده شد .

قال أبشّرتمونی علی أن مسّنی الکبر فبم تبشّرون

۲- ابراهیم (ع) آن گاه خبر فرزنددار شدنش را از فرشتگان دریافت کرد که کاملاً پیر و از فرزنددار شدن مأیوس بود .

قال أبشّرتمونی علی أن مسّنی الکبر فبم تبشّرون

۳- امکان فرزنددار شدن انسان کهن سال و مأیوس از فرزنددار شدن ، با لطف و قدرت خداوند

إنا نبشّرک بغلم علیم . قال أبشّرتمونی علی أن مسّنی الکبر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۷ - ۱۰

۱۰- تبلور قدرت خداوند

، در اعطای فرزند به پدری فرتوت و مادری عقیم

و کانت امرأتی عاقرًا . .. یزکریا إنّا نبشّرک بغلم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۹ – ۲

۲– پیدایش فرزند از پدری فرتوت و مادری عقیم ، کاری آسان برای پروردگار

قال ربّک هو علیَّ هیّن

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۱۱ – ۱۶

۱۶– خداوند ، پاک و منزه از ناتوانی در برابر اعطای فرزند به پدری کهن سال و مادری عقیم

أن سبّحوا

گرایشها در پیری

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حدید – ۵۷ – ۲۰ – ۴

۴ – انسان ، در هر مرحله ای از مراحل زندگی دنیوی (کودکی ، نوجوانی ، جوانی ، میان سالی و پیری) ، دارای روحیه و گرایشی متفاوت با مرحله قبل و مرحله بعد است .

اعلموا أنّما الحیوه الدنیا لعب . .. و تکاثر فی الأمول و الأولد

برداشت یاد شده در صورتی به دست می آید که هر یک از خصلت های پنجگانه یاد شده در آیه شریفه، به ترتیب بیانگر یکی از مراحل زندگی انسان باشد.

مرگ قبل از پیری

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – حج – ۲۲ – ۵ – ۲۰

۲۰- برخی از انسان ها ، پیش از رسیدن به مرحله پایانی پیری (أرذل العمر) زندگی را به درود گفته و از دنیا می روند .

و منکم من یتوفّی و منکم من یردّ إلی أرذل العمر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

- ۱۶

غافر - ۴۰ - ۶۷ - ۱۰

۱۰ - برخی از انسان ها ، پیش از رسیدن به مرحله پیری ، زندگی را به درود گفته ، از دنیا خواهند رفت .

ثمّ لتکونوا شیوخًا و منکم من یتوفّی من قبل

منشأ فرزندداری در پیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ذاریات - ۵۱ - ۳۰ - ۹

۹ - امکان فرزنددار شدن زن کهنسال و نازا ، در پرتو لطف و عنایت الهی

و بشّروه بغلم علیم . .. قالت عجوز عقیم . قالوا کذلك قال ربّك

نشانه های پیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - نور - ۲۴ - ۶۰ - ۴

۴ - ناامیدی از زناشویی و بی میلی نسبت به امور جنسی ، نشان سالخوردگی زنان و مجوز فرونهادن حجاب و پوشش برای آنان است .

و القوعد من النساء الّتی لایرجون نکاحًا . .. غیر متبرّجت بزینه

جمله <الّتی لایرجون نکاحاً> صفت و قید توضیحی برای <و القواعد من النساء> و بیان کننده مقصود از آن است.

ویژگیهای پیری

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - یس - ۳۶ - ۶۸ - ۱،۳

۱ - بازگشت انسان به حالت طفولیت پس از عمر طولانی و دوران پیری از نظر قوای جسمی و عقلی

و من نعمّره ننکّسه فی الخلق

<تعمیر> (مصدر <نعمّر> و از ماده <عمر>) به معنای طولانی کردن عمر و <تنکیس> (مصدر <ننکّسه>) به معنای واژگون ساختن است. مقصود از جمله <و من نعمّره ننکّسه فی الخلق> واژگون شدن و بازگشت انسان از نظر قوای جسمی و عقلی در دوران پیری، به دوران ضعف و سستی طفولیت

خویش است.

۳ - انسان ، در جلوگیری از تحلیل و سستی قوای خویش به هنگام پیری ، ناتوان است .

و من نعمّره ننکّسه فی الخلق

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حدید - ۵۷ - ۲۰ - ۹

۹ - انسان ، موجودی فزون طلب و حریص بر اموال و فرزندانش در دوران پیری

أنّما الحیوه الدنیا . .. و تکاثر فی الأمول و الأولد

پیسی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

پیسی

شفا پیسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۹ - ۱۳

۱۳ بینایی بخشیدن به کور مادرزاد و شفای پیسی ، معجزه عیسی (ع)

و أبریء الاکمه و الابرص

شفای پیسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۱۰ - ۲۴،۲۷،۳۱

۲۴ حضرت مسیح توانا بر بیناسازی کور های مادرزاد و شفابخشی مبتلایان به پیسی

و تبری الاکمه و الابرص باذنی

۲۷ عیسی (ع) ، ارائه کننده معجزات خویش (حیات بخشی به اجسام بی جان ، درمان کوری و پیسی و زنده کردن مردگان

) ، در بسیاری از مواقع

اذ تخلق . .. و تبری الاکمه و الابرص باذنی و اذ تخرج

برداشت فوق از فعل مضارع <تخلق> و <تبری> و <تخرج> که حاکی از استمرار انجام کار می باشد، استفاده شده است.

۳۱ توانایی عیسی (ع) بر ارائه معجزاتی همانند روح بخشی به مجسمه ها ، درمان کوری و پیسی و احیای مردگان ، از نعمت های ویژه خداوند به آن حضرت

اذکر نعمتی . .. و تبری الاکمه و الابرص باذنی و اذ تخرج الموتی باذنی

مرض پیسی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۴۹ - ۱۵

۱۵ شیوع بیماری کوری مادرزاد و پیسی ، در زمان حضرت عیسی (ع) *

و أبریء الاکمه و الابرص

شفای کوری و پیسی از میان تمام بیماریهایی که در آن زمان قابل علاج نبود، حکایت از شیوع این دو بیماری در آن زمان دارد.

پیشرفت از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

پیشرفت

عوامل پیشرفت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۳۱ - ۶

۶ - تقویت مدیریت های شایسته و جبران نقاط ضعف آنان ، شرطی ضروری برای پیشرفت کار است .

واجعل لی وزیرًا . .. أشدّد به أزری

عوامل پیشرفت اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۲۱ - ۸

۸ سنت الهی در پیشبرد هدف های مکتب حق (اسلام) ، در پرتو ایثار و تلاش خود مؤمنان است .

ذلک بأنهم لایصیبهم ظما . .. و لاینفقون نفقه ... و لایقطعون وادیاً إلا کتب لهم

از تشویق و ترغیب مؤمنان به انفاق و جهاد، چنین استفاده می شود که نتیجه عمل آنها، پیشبرد هدفهای مکتب است و اگر نیازی به تلاش مؤمنان نبود، ترغیب و تشویق آنان به این مهم تا بدین پایه ضرورتی نداشت.

عوامل پیشرفت رسالت محمد(ص)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – نصر – ۱۱۰ – ۳ – ۸

۸ – امداد های الهی در فتح مکه ، جلوه ربوبیت خداوند بر پیامبر (ص) و مایه پیشرفت اهداف رسالت آن حضرت بود .

إذا جاء نصر اللّه و

پیشگامان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

پیشگامان

آسایش اخروی پیشگامان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۸۹ - ۱

۱ - ره یافتگان به مقام قرب الهی در جهان آخرت (پیشتازان) ، در اوج راحتی و آسایش

فأمّا إن کان من المقرّبین . فروح

<روح> در معانی راحت (آسایش) و رحمت به کار می رود (القاموس المحیط). برداشت یاد شده بر پایه معنای اول است. گفتنی است که نکره آمدن <روح>، نشان دهنده کمال آسایش مقربان در سرای آخرت است.

استغفار برای پیشگامان در ایمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۰ - ۳

۳ - مؤمنان ، خواهان غفران الهی برای خویش و نیز برای پیشتازان راه دین

و الذین جاءو من بعدهم یقولون ربّنا اغفر لنا و لإخوننا الذین سبقونا

اقلیت پیشگامان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۱۳ - ۳

۳ - پیشتاز شدن در راه خداوند ، امری سخت و دشوار است و در طول تاریخ تنها دسته ای اندک از عهده آن بر آمده اند .

و السبقون . .. ثلّه من الأوّلین

پیشتازان امت های پیشین، گرچه در مقایسه با پیشتازان بعد دارای تعداد زیادتری هستند; لکن تعداد آنان نسبت به مردم دیگر اندک است و این می رساند که رسیدن به مرتبه پیشتازی، بسی دشوار و سخت می باشد.

اقلیت پیشگامان مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۱۴ - ۲

۲ - کم بودن انسان های پیشتاز راه خدا (سابقون)

، در میان جوامع پس از عصر بعثت

و قلیل من الأخرین

امکانات مادی پیشگامان در ایمان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۰۰ – ۱۴

۱۴ پیشگامان در ایمان و تابعان نیک کردار ، برخوردار از الطاف مادی و معنوی خداوند در آخرت

رضی اللّه عنهم . .. لهم جنت تجری

رضایت الهی، لطفی معنوی و بهشت جاودان، نعمتی مادی است.

امکانات معنوی پیشگامان در ایمان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۰۰ – ۱۴

۱۴ پیشگامان در ایمان و تابعان نیک کردار ، برخوردار از الطاف مادی و معنوی خداوند در آخرت

رضی اللّه عنهم . .. لهم جنت تجری

رضایت الهی، لطفی معنوی و بهشت جاودان، نعمتی مادی است.

پاداش اخروی پیشگامان در ایمان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۰۰ – ۱۴

۱۴ پیشگامان در ایمان و تابعان نیک کردار ، برخوردار از الطاف مادی و معنوی خداوند در آخرت

رضی اللّه عنهم . .. لهم جنت تجری

رضایت الهی، لطفی معنوی و بهشت جاودان، نعمتی مادی است.

پاداش پیشگامان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲۴ - ۲

۲ - برخورداری پیشتازان (سابقون) ، از مقام قرب الهی در جهان آخرت و دستیابی آنان به بهشت سرشار از نعمت ، پاداش الهی به آنان در قبال اعمال صالح شان

و السبقون السبقون . أُولئك المقرّبون . فی جنّت النعیم ... جزاء بما كانوا یعم

پاداش پیشگامان عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه

- فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۳ - ۳

۳ - پیشگامان در انجام کار های خیر و وارثان قرآن کریم ، بهره مند از بهشت پاینده

جنّت عدن یدخلونها

پذیرایی از پیشگامان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۱۷ - ۱

۱ - گردش پروانهوار جوانکان بهشتی پیرامون پیشتازان راه خدا (سابقون) ، جهت خدمت گذاری به آنان در مجالس انس آنها

متّکین علیها متقبلین . یطوف علیهم ولدن مخلّدون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲۰ - ۲

۲ - جوانان خدمت گذار ، آماده پذیرایی از پیشتازان (سابقون) در بهشت با هر نوع میوه ای که آنان انتخاب کنند .

و فکهه ممّا یتخیّرون

واژه <فاکهه> عطف بر <أکواب> (در دو آیه پیش) است; یعنی، <و یطوف علیهم ولدان مخلّدون بفاکهه ممّا یتخیّرون>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲۱ - ۲

۲ - جوانان خدمت گذار ، پذیرایی کننده پیشتازان (سابقون) در بهشت باگوشت انواع پرندگان دلخواه

و لحم طیر ممّا یشتهون

<لحم طیر> عطف بر <أکواب> است; یعنی، <و یطوف علیهم ولدان مخلدون بلحم طیر>.

پیشگامان امت های پیشین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۱۳ - ۱،۴

۱ - وجود انسان های پیشتاز ، در میان امت ها و جوامع پیشین

ثلّه من الأوّلین

۴ - < عن جعفربن محمد (ع) فی قوله عزّوجلّ < ثلّه من الأوّلین > . . . قال : . . .ابن آدم الذی قتله أخوه

، و مؤمن آل فرعون و حبيب النجار . . . ;

از امام صادق(ع) درباره سخن خداوند عزّوجلّ <ثلّه من الأوّلين>. .. روايت شده كه آنان، فرزند مقتول آدم(ع) (هابيل) و مؤمن آل فرعون (حزقيل) و حبيب نجار... هستند>.

پيشگامان بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴ - ۵

۵ - < عن أبى جعفر (ع) فى قوله < فالسابقات سبقاً > يعنى أرواح المؤمنين تسبق أرواحهم إلى الجنّه . . . و أرواح الكافرين إلى النار ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند <فالسابقات سبقاً> روايت شده است، مراد ارواح مؤمنان است كه به سوى بهشت [بر يكديگر]سبقت مى گيرند. .. و [نيز]ارواح كافران كه به سوى آتش [سبقت مى گيرند]>.

پيشگامان توحيد

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۸۳ - ۴

۴ - نوح (ع) ، پيشتاز و مقتداى حركت توحيدى در ميان پيامبران الهى

و إنّ من شيعته لإبرهيم

پيرو بودن ابراهيم(ع) با آن كه خود از انبياى بزرگ بود و نيز وجود پيامبرانى چون هود و صالح(ع) پيش از آن حضرت، مى تواند گوياى مطلب ياد شده باشد. گفتنى است معناى لغوى <شيعه> (گروه پيرو رئيس خود) مؤيد برداشت بالا است.

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - زخرف - ۴۳ - ۲۸ - ۹

۹ - نسل ابراهيم (ع) ، پرچمدار توحيد در طول تاريخ

و جعلها كلمه باقيه فى عقبه

پیشگامان جهنم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – نحل – ۱۶ –

۱۳- مشرکان ، پیشگام در وارد شدن به آتش جهنّم

لاجرم أن لهم النار و أنهم مفرطون

<مفرط> (از مصدر فرط) به معنای مقدم شدن، جلو افتادن، شتاب و سبقت گرفتن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴ - ۵

۵ - < عن أبی جعفر (ع) فی قوله < فالسابقات سبقاً > یعنی أرواح المؤمنین تسبق أرواحهم إلی الجنّه . . . و أرواح الکافرین إلی النار ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند <فالسابقات سبقاً> روایت شده است، مراد ارواح مؤمنان است که به سوی بهشت [بر یکدیگر]سبقت می گیرند. .. و [نیز]ارواح کافران که به سوی آتش [سبقت می گیرند]>.

پیشگامان در آخرت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۸۸ - ۲

۲ - انسان های پیشتاز (سابقون) جزء مقربان درگاه خدا در جهان آخرت

فأمّا إن کان من المقرّبین

<مقربان> همان دسته اند که در آیات آغازین این سوره، از آنان به عنوان <السابقون> یاد شده است.

پیشگامان در اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۲ - ۱

۱ - پیامبر (ص) ، مأمور اعلام مواضع عقیدتی خود و پیش گامی اش در پذیرش اسلام

قل .. و أُمرت لأن أکون أوّل المسلمین

پیشگامان در ایمان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۲۴ – ۳

۳– خداوند ، بی تردید به احوال انسان های پیشرو در میدان ایمان و عمل و مردم ناموفق در آن ،

آگاه است .

و لقد علمنا المستقدمين منكم و لقد علمنا المستئخرين

در اینکه تقدّم و تأخّر در آیه فوق، به چه چیز سنجیده شده؟ میان مفسران چند نظریه وجود دارد: یکی از آنها سبقت و تأخیر در رابطه با ایمان و عمل صالح است; زیرا دنیا میدان مسابقه برای انسانهاست <و لکل وجهه هو مولیها فاستبقوا الخیرات> (سوره بقره آیه ۱۴۸). برداشت فوق مبتنی بر این احتمال است.

پیشگامان در ایمان و خطا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۰ - ۷

۷ - مؤمنان ، حتی پیشتازان ایمان (مهاجران و انصار) ، فاقد مصونیت از خطا و نیازمند غفران الهی

و الذین جاءو من بعدهم یقولون ربّنا اغفر لنا و لإخوننا الذین سبقونا بالإیمن

از تأیید خداوند نسبت به استغفار برای پیشتازان راه ایمان، به جا بودن این دعا و نیاز آنان استفاده می شود.

پیشگامان در بهشت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۱۲ - ۱

۱ - بهشت ، سرای اخروی سابقون (پیشتازان)

و السبقون . .. فی جنّت النعیم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۱۵ - ۱،۲

۱ - محل سکونت پیشتازان راه خدا در بهشت ، آراسته به تخت های جواهرنشان

علی سرر موضونه

یکی از معانی <موضونه>، بافته شده به همراه جواهر است.

۲ – زندگی پیشتازان راه خدا (سابقون) در بهشت ، در اوج شکوه و جلال

علی سرر موضونه

وجود تخت های جواهرنشان در قصرهای پیشتازان، نشان از زندگی بسیار با شکوه آنان در سرای بهشت دارد.

جلد –

نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۱۶ - ۱،۲

۱ - پیشتازان راه خدا (سابقون) ، دارای مجلس انس با یکدیگر در بهشت

علی سرر موضونه . متّکین علیها متقبلین

از قید <متقابلین> (روبه روی هم)، انس و الفت بهشتیان با همدیگر استفاده می شود.

۲ - تکیه زدن پیشتازان راه خدا (سابقون) ، بر تخت های جواهرنشان در مجلس های انس خویش

علی سرر موضونه . متّکین علیها متقبلین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۱۸ - ۱

۱ - باده نوشی پیشتازان راه خدا (سابقون) ، در مجالس انس شان در بهشت

متّکین علیها متقبلین . .. بأکواب و أباریق و کأس من معین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲۰ - ۱،۲

۱ - وجود میوه های متنوع و گوناگون در بهشت پیشتازان (سابقون)

و فکهه ممّا یتخیّرون

۲ - جوانان خدمت گذار ، آماده پذیرایی از پیشتازان (سابقون) در بهشت با هر نوع میوه ای که آنان انتخاب کنند .

و فکهه ممّا یتخیّرون

واژه <فاکهه> عطف بر <أکواب> (در دو آیه پیش) است; یعنی، <و یطوف علیهم ولدان مخلّدون بفاکهه ممّا یتخیّرون>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲۱ - ۱،۲

۱ - وجود گوشت انواع پرندگان در بهشت پیشتازان (سابقون)

و لحم طیر ممّا یشتهون

<طیر> (پرنـده) جنس است و شامل انواع پرنـدگان می شود. <ممّایشـتهون> (آنچه دلشان می خواهـد) تأکید بر هیمن معنا است.

۲ - جوانان خدمت گذار ، پذیرایی

کننده پیشتازان (سابقون) در بهشت با گوشت انواع پرندگان دلخواه

و لحم طیر ممّا یشتهون

<لحم طیر> عطف بر <أکواب> است; یعنی، <و یطوف علیهم ولدان مخلدون بلحم طیر>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲۵ - ۱

۱ - در بهشت پیشتازان (سابقون) ، هرگز کسی از دیگری سخن لغو و بیهوده و یا نسبت ناروا نخواهد شنید .

لایسمعون فیها لغوًا و لاتأثیمًا

<لغو> به سخنی گفته می شود که هیچ فایده ای بر آن مترتب نباشد و <تأثیم> به معنای نسبت دادن گناه به کسی است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲۶ - ۱،۲

۱ - در بهشت پیشتازان (سابقون) ، جز سخنان سالم و پیراسته از لغو و نسبت های ناروا مبادله نمی شود .

لایسمعون فیها لغوًا . .. إلّا قیلًا سلمًا سلمًا

<قیل> معادل <قول> و موصوف <سلاماً> است; یعنی، <لایسمعون فیها إلّا قولاً هو سالم من اللغو و التأثیم>.

۲ - مکالمات در بهشت پیشتازان ، همراه با درود و تحیت پی درپی است ; نه آمیخته با لغو و نسبت های ناروا .

لایسمعون فیها لغوًا . .. إلّا قیلًا سلمًا سلمًا

کلمه <سلاماً> می تواند بدل برای <قلیلاً> باشد. گفتنی است که تکرار <سلاماً>، برای بیان تعاقب و پی درپی بودن است; یعنی، <سلاماًاثر سلام> (درود پی درپی).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۸۹ - ۵

۵ - ره یافتگان به مقام قرب در آخرت (پیشتازان) ، برخوردار از بهشتی سرشار از نعمت

فأمّا إن كان

من المقرّبین . .. و جنّت نعیم

واژه <نعیم>، به معنای نعمت فراوان آمده است (مفردات راغب).

پیشگامان در تقرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۷ - ۶

۶- دعوت کنندگان به تعالیم الهی ، هر کدام برای تقرب بیشتر خود به خداوند ، در مسابقه و تلاش هستند .

أُولئک الذین یدعون یبتغون إلی ربّهم الوسیله أیّهم أقرب

برداشت فوق، بنابراین نکته است که مراد از <أُولئک> دعوت کنندگان به خدا باشند که مشرکان آنان را می پرستیدند تا به خدا تقرب جویند و خداوند به مشرکان می گوید: <چگونه آنان را می پرستید در حالی که آنان، خود برای تقرب به خدا واسطه هایی قرار می دهند تا تقرب بیشتر هر یک معلوم شود. >

پیشگامان در عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۱ - ۴

۴ - موحدانِ بیمناک از پروردگار و روز قیامت ، پیشتاز در انجام کار های نیک

و هم لها سبفون

<لها> متعلق به <سابقون> است که مفعول آن محذوف می باشد. پس تقدیر آن چنین می شود: <و هم سابقون غیرهم لها>. <سبق> به معنای پیشی گرفتن است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۱۰ - ۲

۲ - کسانی که در دنیا در انجام امور خیر از دیگران سبقت می گیرند ، در آخرت نیز پیش از دیگران مشمول رحمت ، پاداش و غفران الهی خواهند بود .

و السبقون السبقون

برخی از مفسران بر آنند که مراد از سبقت در <السابقون> اول، سبقت در انجام امور خیر در

دنیا و مراد از سبقت در <السابقون> دوم، پیشی گرفتن از دیگران در آخرت در دریافت رحمت و پاداش الهی است.

پیشگامان در عمل صالح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۰ - ۲۰

۲۰ عن ابی عبـدالّله (ع) [فی قوله تعالی :] < و السّابقون الأوّلون من المهاجرین و الانصار و الـذین اتّبعوهم باحسان . . . > : فبـدء بالمهاجرین الاوّلین علی درجه سـبقهم ثم ثنّی بالأنصار ثم ثلّث بالتّابعین لهم باحسان فوضع کل قوم علی قـدر درجاتهم و منازلهم عنده . . . . ;

از امـام صـادق (ع) دربـاره سـخن خـدای تعـالی: <پیشـگامان نخستین از مهـاجرین و انصار و کسانی که با نیکوکاری از آنان پیروی کردنـد . .. > روایت شـده که فرمود: پس خـدای عز و جـل مهـاجران نخستین را بر اسـاس سابقه ایمانی آنان، در آغاز ذکر فرمود ; سپس انصار را در رتبه دوم و تابعین به احسان را در رتبه سوم یاد نمود. بدین ترتیب هر گروه را بر مبنای درجه و منزلتی که نزد او داشتند [در کلام خود] جای داد>.

پیشگامان در قیامت

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۷ - ۱

۱ - مردم در آخرت سه دسته اند : اصحاب المیمنه (نیک بختان) اصحاب المشئمه (نگون بختان) و سابقون (پیشتازان)

و کنتم أزوجًا ثلثه

بیـان <أزواجـاً ثلاـثه> محـذوف و تقـدیر آن چنیـن اسـت: <و کنتـم أزواجـاً ثلاـثه: اصـحاب المیمنه و اصـحاب المشـئمه و السابقون>. در آیات بعد به تفصیل وضعیت

این سه دسته تبیین شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۱۰ - ۲

۲ - کسانی که در دنیا در انجام امور خیر از دیگران سبقت می گیرند ، در آخرت نیز پیش از دیگران مشمول رحمت ، پاداش و غفران الهی خواهند بود .

و السبقون السبقون

برخی از مفسران بر آنند که مراد از سبقت در <السابقون> اول، سبقت در انجام امور خیر در دنیا و مراد از سبقت در <السابقون> دوم، پیشی گرفتن از دیگران در آخرت در دریافت رحمت و پاداش الهی است.

پیشگامان عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۲ - ۹

۹ - پیشتازان در انجام خیرات ، مهم ترین صفت مسلمانان پیرو قرآن و انسان های قرآنی

و منهم سابق بالخیرت

برداشت یاد شده به این خاطر است که پیشتازان در تمسک به قرآن و حافظان ارث الهی، در این آیه به عنوان پیشتازان در خیرات معرفی شده اند.

پیشگامان مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۱۴ - ۱

۱ - وجود مردمان پیشتاز در میان امت اسلام

قلیل من الأخرین

تقرب اخروی پیشگامان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۱۱ - ۱

۱ - سابقون (پیشتازان) ، برخوردار از مقام قرب الهی در آخرت

و السبقون السبقون . أُولئک المقرّبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲۴ - ۲

۲ - برخورداری پیشتازان (سابقون) ، از مقام قرب الهی

در جهان آخرت و دستیابی آنان به بهشت سرشار از نعمت ، پاداش الهی به آنان در قبال اعمال صالح شان

و السبقون السبقون . أُولئک المقرّبون . فی جنّت النعیم ... جزاء بما کانوا یعم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۸۸ – ۲،۴

۲ – انسان های پیشتاز (سابقون) جزء مقربان درگاه خدا در جهان آخرت

فأمّا إن کان من المقرّبین

<مقربان> همان دسته اند که در آیات آغازین این سوره، از آنان به عنوان <السابقون> یاد شده است.

۴ – ره یافتگان به مقام قرب الهی (پیشتازان) ، در جهان آخرت برخوردار از شأنی ویژه نزد خداوند

فأمّا إن کان من المقرّبین

تقدیم مقربین بر دیگران، می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

خدمتکاران اخروی پیشگامان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۱۷ – ۳

۳ – خدمت گذاران پیشتازان راه خدا (سابقون) ، در بهشت جوانانی آراسته و گوشواره بر گوش

یطوف علیهم ولدن مخلّدون

برخی احتمال داده اند که <مخلّدون> مشتق از <خُلْد> به معنای گوشواره باشد. بنابراین عبارت <ولدان مخلّدون>; یعنی، جوانانی که بر گوش آنها، گوشواره آویخته شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۱۸ – ۱

۱ – باده نوشی پیشتازان راه خدا (سابقون) ، در مجالس انس شان در بهشت

متّكين عليها متقبلين . .. بأكواب و أباريق و كأس من معين

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۲۰ – ۲

۲ – جوانان خدمت گذار ، آماده

پذیرایی از پیشتازان (سابقون) در بهشت با هر نوع میوه ای که آنان انتخاب کنند .

و فکهه ممّا یتخیّرون

واژه <فاکهه> عطف بر <أکواب> (در دو آیه پیش) است; یعنی، <و یطوف علیهم ولدان مخلّدون بفاکهه ممّا یتخیّرون>.

سوگند به پیشگامان ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴ - ۴

۴ - سوگند خداوند ، به فرشتگان پیشتاز

فالسبقت سبقًا

عطر زندگی اخروی پیشگامان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۸۹ - ۳

۳ - فضای زندگی مقربان (پیشتازان) در آخرت ، معطر به وسیله انواع گیاهان خوشبو

فأمّا إن کان من المقرّبین . .. و ریحان

<ریحان> اسم جنس و دربرگیرنده انواع گیاهان خوشبو و معطر است.

عظمت اخروی پیشگامان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۱۵ - ۲

۲ - زندگی پیشتازان راه خدا (سابقون) در بهشت ، در اوج شکوه و جلال

علی سرر موضونه

وجود تخت های جواهرنشان در قصرهای پیشتازان، نشان از زندگی بسیار با شکوه آنان در سرای بهشت دارد.

عمل صالح پیشگامان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲۴ - ۲

۲ - برخورداری پیشتازان (سابقون) ، از مقام قرب الهی در جهان آخرت و دستیابی آنان به بهشت سرشار از نعمت ، پاداش الهی به آنان در قبال اعمال صالح شان

و السبقون السبقون . أُولئك المقرّبون . فی جنّت النعیم ... جزاء بما کانوا یعم

فضایل اخروی پیشگامان

جلد - نام سوره - سوره - آیه -

فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۸۸ – ۴

۴ – ره یافتگان به مقام قرب الهی (پیشتازان) ، در جهان آخرت برخوردار از شأنی ویژه نزد خداوند

فأمّا إن کان من المقرّبین

تقدیم مقربین بر دیگران، می تواند بیانگر مطلب یاد شده باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۸۹ – ۲

۲ – مقربان (پیشتازان) ، بهره مند از رحمت بی کران و فراگیر الهی در جهان آخرت

فأمّا إن کان من المقرّبین . فروح

برداشت یاد شده، بدان احتمال است که <روح> به معنای رحمت باشد.

فضایل پیشگامان در ایمان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۱۰۰ – ۱۴

۱۴ پیشگامان در ایمان و تابعان نیک کردار ، برخوردار از الطاف مادی و معنوی خداوند در آخرت

رضی اللّه عنهم . .. لهم جنت تجری

رضایت الهی، لطفی معنوی و بهشت جاودان، نعمتی مادی است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – احقاف – ۴۶ – ۳۰ – ۳

۳– جنیان پیشتاز و گرویده به قرآن ، برخوردار از موقعیتی ویژه در میان قوم خود *

قالوا یقومنا إنّا سمعنا

از لحن آیه شریفه و موضع بالای جنیان در خطاب به قوم (یاقومنا)، می توان به دست آورد که آنان علاوه بر داشتن پیامی بزرگ، جایگاهی والا در میان قوم شان داشته اند و چه بسا انتخاب آنان از سوی خداوند (صرفنا)، اشاره به این جهت باشد.

فضایل پیشگامان در عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۲ - ۷

۷ -

پیشتازان در انجام کار های خیر ، از بهترین مردم و والاترین آنان در پیشگاه خداوند

و منهم سابق بالخیرت

از تقسیم بندی سه گانه مردم در تمسّک به قرآن و دین داری (ضعیف، قوی و. ..) و آمدن گروه پیشتاز در انجام خیرات به عنوان آخرین و قوی ترین گروه، برداشت یاد شده به دست می آید.

کثرت پیشگامان امت های پیشین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۱۳ – ۲

۲ – فراوانی پیشتازان (سابقون) ، در امت ها و جوامع پیش از اسلام

ثلّه من الأوّلین

<ثلّه> در اصل به دسته ای از پشم گفته می شود (مفردات راغب) و <ثلّه من الأوّلین> با توجه به آیه بعد (قلیل من الأخرین> به معنای دسته ای بزرگ از پیشینیان است.

لذاید اخروی پیشگامان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۲۵ – ۲

۲ – پیشتازان (سابقون) ، در بهشت ، در کنار لذات جسمی از لذات روحی سرشار نیز برخوردار خواهند بود .

فی جنّت النعیم . .. لایسمعون فیها لغوًا و لاتأثیمًا

شنیدن سخنان لغو و یا نسبت های دروغ و ناروا، باعث آزار روح است. ازاین رو نفی لغو و تأثیم در بهشت پیشتازان پس از بیان نعمت های مربوط به لذات جسمی بیانگر مطلب بالا است.

مراد از پیشگامان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۱۰ – ۳،۴

٣ - < عن أبى جعفر (ع) : . . .و أما ما ذكر من السابقين : فهم أنبياء

مرسلون وغیر مرسلین ;

از امام باقر(ع) روایت شده: . ..اما آنچه [در قرآن] از سابقین یاد شده، آنان پیامبران هستند، چه مرسلین و چه غیرمرسلین>.

۴ - < فی المجمع و قد قیل فی السابقین أنّهم السابقون إلی الصلوات الخمس عن علی (ع) . . . ;

در مجمع البیان آمده است: درباره سابقین گفته شده آنان سبقت گیرندگان برای ادای نمازهای پنجگانه اند و این مطلب از امام علی(ع) روایت شده است>.

مراد از پیشگامان مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۱۴ - ۳

۳ - < عن جعفربن محمد (ع) فی قوله عزّوجلّ < . . .و قلیل من الأخرین > قال : . . . علی بن أبی طالب صلوات اللّه علیه ;

از امام صادق(ع) درباره سخن خداوند عزّوجلّ <. ..و قلیل من الأخرین> روایت شده که مراد امام علی بن ابی طالب صلوات اللّه علیه است>.

مسؤولیت پیشگامان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۴ - احزاب - ۳۳ - ۲ - ۱۱

۱۱ - پیش گامان ، موظف اند که پیش از دیگران ، به رسالت الهی خویش ، پابند بوده و به آن عمل کنند .

و اتّبع ما یوحی إلیک من ربّک إنّ اللّه کان بما تعملون خبیرًا

از آن جا که ذیل آیه، قرینه است براین که همه موظف انـد که از تعالیم وحی تبعیت کننـد، ذکر پیامبر(ص)، به عنوان دریافت کننده وحی، می تواند اشاره به نکته یاد شده داشته باشد.

مقامات اخروی پیشگامان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه

- ۵۶ - ۱۰ - ۱

۱ - مقام و منزلت والای سابقون (پیشتازان) در آخرت ، غیرقابل توصیف است .

و السبقون السبقون

<السابقون> دوم، می تواند تأکید برای <السابقون> اول باشد و نیز می تواند خبر برای آن باشد. برداشت یاد شده بر پایه احتمال دوم است; زیرا با توجه به این که آیه شریفه در مقام شناساندن مقام و جایگاه سابقون است، معرفی آنان با همان عنوان <السابقون> بیانگر این است که مقام و منزلت سابقون، چنان عظیم است که در قالب هیچ لفظی نمی گنجد و تنها چیزی که درباره آنها می توان گفت، این است که بگوییم سابقون همان <سابقون>اند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۱۱ - ۱

۱ - سابقون (پیشتازان) ، برخوردار از مقام قرب الهی در آخرت

و السبقون السبقون . أُولئک المقرّبون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲۴ - ۲

۲ - برخورداری پیشتازان (سابقون) ، از مقام قرب الهی در جهان آخرت و دستیابی آنان به بهشت سرشار از نعمت ، پاداش الهی به آنان در قبال اعمال صالح شان

و السبقون السبقون . أُولئک المقرّبون . فی جنّت النعیم ... جزاء بما کانوا یعم

نعمتهای اخروی پیشگامان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲۴ - ۲

۲ - برخورداری پیشتازان (سابقون) ، از مقام قرب الهی در جهان آخرت و دستیابی آنان به بهشت سرشار از نعمت ، پاداش الهی به آنان در قبال اعمال صالح شان

و السبقون

السبقون . أَولئک المقرّبون . فی جنّت النعیم ... جزاء بما کانوا یعم

نیازهای معنوی پیشگامان در ایمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۰ - ۷

۷ - مؤمنان ، حتی پیشتازان ایمان (مهاجران و انصار) ، فاقد مصونیت از خطا و نیازمند غفران الهی

و الذین جاءو من بعدهم یقولون ربّنا اغفر لنا و لإخوننا الذین سبقونا بالإیمن

از تأیید خداوند نسبت به استغفار برای پیشتازان راه ایمان، به جا بودن این دعا و نیاز آنان استفاده می شود.

ویژگیهای زندگی اخروی پیشگامان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۱۵ - ۲

۲ - زندگی پیشتازان راه خدا (سابقون) در بهشت ، در اوج شکوه و جلال

علی سرر موضونه

وجود تخت های جواهرنشان در قصرهای پیشتازان، نشان از زندگی بسیار با شکوه آنان در سرای بهشت دارد.

همسران بهشتی پیشگامان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۲۲ - ۲

۲ - پیشتازان در بهشت ، دارای همسرانی با چشم های سیاه و زیبا

و حور عین

<حور> جمع <حوراء> است و <حوراء> به چشمی گفته می شود که سیاهی آن بسیار سیاه و سفیدی آن بسیار سفید باشد. <عین> جمع <عیناء> است و <عیناء> در وصف چشم زیبا آورده می شود.

پیشگامی

آثار پیشگامی در عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۰ - ۱۸،۱۹

۱۸- پیشی گرفتن در کار های نیک ، دعای همراه با رغبت و بیم و نیز خشوع پیامبران (ع)

، عامل بهره مندی آنان از موهبت های الهی بود .

و لقد ءاتینا موسی و هرون . .. إنّهم کانوا یسرعون فی الخیرت ... و کانوا لنا خش

برداشت یاد شده با توجه به دو نکته است: ۱ ضمیرهای جمع در جمله <إنّهم کانوا یسارعون. ..> به پیامبران بازگردد، چه این که آیات پیشین در مورد آنان بود. ۲ جمله <إنّهم کانوا یسارعون...> و جملات بعد، در مقام تعلیل باشد.

۱۹- نقش مؤثر پیشی گرفتن در کار های نیک و دعای همراه با رغبت و امید و خشوع به درگاه الهی ، در استجابت دعا

فاستجبنا له . .. إنّهم کانوا یسرعون فی الخیرت ... و کانوا لنا خشعین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۱۱ - ۲

۲ - سبقت و پیشتازی در امور خیر ، مایه تقرب به درگاه خداوند در جهان آخرت

و السبقون السبقون . أُولئک المقرّبون

ارزش پیشگامی در ایمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۱۰ - ۸

۸ - پیشتازی در ایمان ، دارای ارج و منزلت در بینش وحی

یقولون ربّنا اغفر لنا و لإخوننا الذین سبقونا بالإیمن

تمجید خداوند از مؤمنان، به سبب استغفار آنان برای پیشگامان ایمان، ارجمندی پیشتازان اسلام را افاده می کند.

ارزش پیشگامی در تقرب

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - اسراء - ۱۷ - ۵۷ - ۷

۷- تلاش برای راه یابی به بالاترین مرتبه کمال و سبقت بر دیگران در تقرب به خدا ، تلاش و تکاپویی ارجمند و ستودنی

أَولئک الذین یدعون یبتغون إلی ربّهم الوسیله أیّهم أقرب

ارزش

پیشگامی در عمل خیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۹۰ – ۲۰

۲۰- شتاب و پیشگامی در کار های خیر ، دعای همراه با رغبت و امید و خشوع به درگاه الهی ، از ارزش های والا و صفات برجسته مردان الهی

إنّهم کانوا یسرعون فی الخیرت و یدعوننا رغبًا و رهبًا و کانوا لنا خشعین

برداشت یاد شده به خاطر این است که آیه شریفه، در توصیف پیامبران الهی است و از میان ده ها صفات و ویژگی های ایشان، تنها به این سه صفت و ویژگی اشاره شده است.

اهمیت پیشگامی رهبران دینی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۸۸ – ۳

۳ لزوم پیشتازی رهبر جامعه اسلامی در پایبندی به ارزش ها و عمل بر طبق آن

لکن الرسول و الذین ءامنوا معه

پیشگامی ابراهیم(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۹۰ – ۱۴

۱۴- پیامبران الهی ، موسی ، هارون ، ابراهیم ، لوط ، اسحاق ، یعقوب ، نوح ، داوود ، سلیمان ، ایوب ، اسماعیل ، ادریس ، ذاالکفل ، یونس ، زکریا و یحیی (علیهم السلام) ، پیشگامان در کار های خیر

و لقد ءاتینا موسی و هرون . .. یحیی ... إنّهم کانوا یسرعون فی الخیرت

برداشت بالاـ مبتنی بر این است که ضمیرهای جمع در جمله <إنّهم کانوا یسارعون. ..> به پیامبرانی بازگردد که در سلسله آیات پیشین (۴۸ ۹۰) از آنان یاد شده است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸

- ممتحنه - ۶۰ - ۴ - ۹

۹ - ابراهیم (ع) و همگامانش ، پیشتازان برائت از مشرکان و کافران

قد کانت لکم أسوه حسنه فی إبرهیم و الذین معه . .. إذ قالوا

برداشت بالا، با توجه به این نکته است که خداوند، از میان همه پیامبران و امت های پیشین، ابراهیم(ع) و همگامانش را الگوی برائت از مشرکان معرفی کرده است.

پیشگامی ادریس(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۰ - ۱۴

۱۴- پیامبران الهی ، موسی ، هارون ، ابراهیم ، لوط ، اسحاق ، یعقوب ، نوح ، داوود ، سلیمان ، ایوب ، اسماعیل ، ادریس ، ذاالکفل ، یونس ، زکریا و یحیی (علیهم السلام) ، پیشگامان در کار های خیر

و لقد ءاتینا موسی و هرون . .. یحیی ... إنّهم کانوا یسرعون فی الخیرت

برداشت بالاـ مبتنی بر این است که ضمیرهای جمع در جمله <إنّهم کانوا یسارعون. ..> به پیامبرانی بازگردد که در سلسله آیات پیشین (۴۸ ۹۰) از آنان یاد شده است.

پیشگامی اسحاق(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۰ - ۱۴

۱۴- پیامبران الهی ، موسی ، هارون ، ابراهیم ، لوط ، اسحاق ، یعقوب ، نوح ، داوود ، سلیمان ، ایوب ، اسماعیل ، ادریس ، ذاالکفل ، یونس ، زکریا و یحیی (علیهم السلام) ، پیشگامان در کار های خیر

و لقد ءاتینا موسی و هرون . .. یحیی ... إنّهم کانوا یسرعون فی الخیرت

برداشت بالا مبتنی بر این است که ضمیرهای جمع

در جمله <إنّهم کانوا یسارعون. ..> به پیامبرانی بازگردد که در سلسله آیات پیشین (۴۸ ۹۰) از آنان یاد شده است.

پیشگامی اسماعیل(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۰ - ۱۴

۱۴- پیامبران الهی ، موسی ، هارون ، ابراهیم ، لوط ، اسحاق ، یعقوب ، نوح ، داوود ، سلیمان ، ایوب ، اسماعیل ، ادریس ، ذاالکفل ، یونس ، زکریا و یحیی (علیهم السلام) ، پیشگامان در کار های خیر

و لقد ءاتینا موسی و هرون . .. یحیی ... إنّهم کانوا یسرعون فی الخیرت

برداشت بالاـ مبتنی بر این است که ضمیرهای جمع در جمله <إنّهم کانوا یسارعون. ..> به پیامبرانی بازگردد که در سلسله آیات پیشین (۴۸ ۹۰) از آنان یاد شده است.

پیشگامی انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۰۶ - ۳

۳ ضرورت پیشگامی حاملان وحی و رسالت در عمل به محتوای پیام خویش

اتبع ما أوحی الیك

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - واقعه - ۵۶ - ۱۰ - ۳

۳ - < عن أبی جعفر (ع) : . . .و أما ما ذکر من السابقین : فهم أنبیاء مرسلون وغیر مرسلین ;

از امام باقر(ع) روایت شده: . ..اما آنچه [در قرآن] از سابقین یاد شده، آنان پیامبران هستند، چه مرسلین و چه غیرمرسلین>.

پیشگامی ایوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۰ - ۱۴

۱۴- پیامبران الهی ، موسی ، هارون ، ابراهیم ، لوط

، اسحاق ، یعقوب ، نوح ، داوود ، سلیمان ، ایوب ، اسماعیل ، ادریس ، ذاالکفل ، یونس ، زکریا و یحیی (علیهم السلام) ، پیشگامان در کار های خیر

و لقد ءاتینا موسی و هرون . .. یحیی ... إنّهم کانوا یسرعون فی الخیرت

برداشت بالاـ مبتنی بر این است که ضمیرهای جمع در جمله <إنّهم کانوا یسارعون. ..> به پیامبرانی بازگردد که در سلسله آیات پیشین (۴۸ ۹۰) از آنان یاد شده است.

پیشگامی پیروان ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۴ - ۹

۹ - ابراهیم (ع) و همگامانش ، پیشتازان برائت از مشرکان و کافران

قد کانت لکم أسوه حسنه فی إبرهیم و الذین معه . .. إذ قالوا

برداشت بالا، با توجه به این نکته است که خداوند، از میان همه پیامبران و امت های پیشین، ابراهیم(ع) و همگامانش را الگوی برائت از مشرکان معرفی کرده است.

پیشگامی داود(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۰ - ۱۴

۱۴- پیامبران الهی ، موسی ، هارون ، ابراهیم ، لوط ، اسحاق ، یعقوب ، نوح ، داوود ، سلیمان ، ایوب ، اسماعیل ، ادریس ، ذاالکفل ، یونس ، زکریا و یحیی (علیهم السلام) ، پیشگامان در کار های خیر

و لقد ءاتینا موسی و هرون . .. یحیی ... إنّهم کانوا یسرعون فی الخیرت

برداشت بالاـ مبتنی بر این است که ضمیرهای جمع در جمله <إنّهم کانوا یسارعون. ..> به پیامبرانی بازگردد که در سلسله آیات پیشین (۴۸ ۹۰)

از آنان یاد شده است.

پیشگامی در ارزش ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴ - ۳

۳ - پیشگامی در ارزش ها ، خود ارزشی والا است .

فالسبقت سبقًا

پیشگامی در ایمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۲ - ۶

۶ - پیش گامی در ایمان و آرمان های الهی ، از ملاک های ارزشمندی و برتری معنوی

و أُمرت لأن أکون أوّل المسلمین

پیشگامی در عمل به دین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۲ - ۱۲

۱۲ - اذن خداوند ، شرط رسیدن به مقام پیشتازی در دین داری ، زندگی قرآنی و انجام کار های خیر

و منهم سابق بالخیرت بإذن اللّه

پیشگامی در عمل خیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۱ - ۲،۵

۲ - شتاب ورزی در انجام کار های نیک نشانه مؤمنان راستین

أَولئک یسرعون فی الخیرت

۵ - شتاب در انجام کار های نیک و پیشتازی در میدان ارزش ها ، خصلت هایی ارجمند و مورد توصیه و ستایش خداوند

أُولئک یسرعون فی الخیرت و هم لها سبقون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۲ - ۱۴

۱۴ - توفیق پیشتازی در انجام کار های خیر ، فضل بزرگ الهی است .

و منهم مقتصد و منهم سابق بالخیرت بإذن اللّه ذلک هو الفضل الکبیر

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که <ذلک> اشاره به <سبق> در <سابق بالخیرات> باشد.

پیشگامی ذوالکفل(ع)

جلد - نام سوره

- سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۰ - ۱۴

۱۴- پیامبران الهی ، موسی ، هارون ، ابراهیم ، لوط ، اسحاق ، یعقوب ، نوح ، داوود ، سلیمان ، ایوب ، اسماعیل ، ادریس ، ذاالکفل ، یونس ، زکریا و یحیی (علیهم السلام) ، پیشگامان در کار های خیر

و لقد ءاتینا موسی و هرون . .. یحیی ... إنّهم کانوا یسرعون فی الخیرت

برداشت بالاـ مبتنی بر این است که ضمیرهای جمع در جمله <إنّهم کانوا یسارعون. ..> به پیامبرانی بازگردد که در سلسله آیات پیشین (۴۸ ۹۰) از آنان یاد شده است.

پیشگامی رهبران دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۸ - ۳

۳ پیامبر (ص) و رهبر جامعه اسلامی ، باید در موضع گیری علیه جریان های باطل (نفاق) پیشگام باشد .

لا تقم فیه أبداً

مخاطب قرار گرفتن شخص پیامبر(ص) در این آیه ظاهراً به خاطر موقعیتی است که آن حضرت داشتند (موقعیت رهبری).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۲ - ۵

۵ - لزوم پیش گام بودن رهبران جامعه ایمانی در عمل به آرمان ها و اهداف اعلام شده خود به مردم

أُمرت لأن أکون أوّل المسلمین

پیشگامی رهبری دینی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۴ - ۱۷

۱۷ ضرورت پیشگامی رهبران الهی در پایبندی به اصول و مبانی خویش

قل إنی أمرت أن أکون أول من أسلم و لاتکونن من المشرکین

پیشگامی زکریا(ع)

جلد - نام

سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۹۰ – ۱۲،۱۴

۱۲- زکریا (ع) و همسر و فرزند او (یحیی) شتابان به انجام کار های خیر می پرداختند و در آن پیش قدم و پیشگام بودند .

إنّهم کانوا یسرعون فی الخیرت

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که ضمیرهای جمع در جمله <إنّهم کانوا یسارعون. ..> به زکریا(ع) و همسر و فرزند او (یحیی) بازگردد.

۱۴- پیامبران الهی ، موسی ، هارون ، ابراهیم ، لوط ، اسحاق ، یعقوب ، نوح ، داوود ، سلیمان ، ایوب ، اسماعیل ، ادریس ، ذاالکفل ، یونس ، زکریا و یحیی (علیهم السلام) ، پیشگامان در کار های خیر

و لقد ءاتینا موسی و هرون . .. یحیی ... إنّهم کانوا یسرعون فی الخیرت

برداشت بالاـ مبتنی بر این است که ضمیرهای جمع در جمله <إنّهم کانوا یسارعون. ..> به پیامبرانی بازگردد که در سلسله آیات پیشین (۴۸ ۹۰) از آنان یاد شده است.

پیشگامی سلیمان(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۹۰ – ۱۴

۱۴- پیامبران الهی ، موسی ، هارون ، ابراهیم ، لوط ، اسحاق ، یعقوب ، نوح ، داوود ، سلیمان ، ایوب ، اسماعیل ، ادریس ، ذاالکفل ، یونس ، زکریا و یحیی (علیهم السلام) ، پیشگامان در کار های خیر

و لقد ءاتینا موسی و هرون . .. یحیی ... إنّهم کانوا یسرعون فی الخیرت

برداشت بالا مبتنی بر این است که ضمیرهای جمع در جمله <إنّهم کانوا یسارعون. ..> به پیامبرانی بازگردد که

در سلسله آيات پيشين (۴۸ ۹۰) از آنان ياد شده است.

پيشگامی فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - هود - ۱۱ - ۹۸ - ۱،۳

۱ فرعون در روز قيامت ، پيشاپيش پيروانش به سوی دوزخ روانه خواهد شد .

يقدم قومه يوم القيمه فأوردهم النار

قدوم (مصدر يقدم) به معنای سبقت گرفتن و در پيشاپيش حركت كردن است.

۳ حركت فرعونيان به سوی دوزخ به رهبری و پيشاهنگی فرعون ، نمود برنامه های ناصواب او در دنياست .

و ما أمر فرعون برشيد. يقدم قومه يوم القيمه فأوردهم النار

جمله <يقدم قومه . ..> بيانگر فرجام پيروی از فرعون است و به منزله تفسيری برای <و ما أمر فرعون برشيد> می باشد.

پيشگامی كافران

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴ - ۵

۵ - < عن أبی جعفر (ع) فی قوله < فالسابقات سبقاً > يعنی أرواح المؤمنين تسبق أرواحهم إلی الجنّه . . . و أرواح الكافرين إلی النار ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند <فالسابقات سبقاً> روايت شده است، مراد ارواح مؤمنان است كه به سوی بهشت [بر يكديگر]سبقت می گيرند. .. و [نيز]ارواح كافران كه به سوی آتش [سبقت می گيرند]>.

پيشگامی لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۱ - انبياء - ۲۱ - ۹۰ - ۱۴

۱۴- پيامبران الهی ، موسی ، هارون ، ابراهيم ، لوط ، اسحاق ، يعقوب ، نوح ، داوود ، سليمان ، ايوب ، اسماعيل ، ادريس ،

ذاالکفل ، یونس ، زکریا و یحیی (علیهم السلام) ،

پیشگامان در کار های خیر

و لقد ءاتینا موسی و هرون . .. یحیی ... إنّهم کانوا یسرعون فی الخیرت

برداشت بالاـ مبتنی بر این است که ضمیرهای جمع در جمله <إنّهم کانوا یسارعون. ..> به پیامبرانی بازگردد که در سلسله آیات پیشین (۴۸ ۹۰) از آنان یاد شده است.

پیشگامی محمد(ص)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۴ – ۱۵،۱۶

۱۵ پیامبر(ص)، موظف به پیشگامی در تسلیم به درگاه خداوند

قل إنی أمرت أن أکون أول من أسلم

۱۶ پیامبر(ص)، مأمور به اظهار موضع اعتقادی خویش و پیشگامی در اسلام

قل إنی أمرت أن أکون أول من أسلم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۸۶ – ۶

۶ حضور پیامبر (ص) در صحنه های نبرد پیشاپیش مؤمنان و در کنار آنان

جهدوا مع رسوله

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ – توبه – ۹ – ۸۸ – ۲

۲ پیشتازی پیامبر (ص) در جهاد با مال و جان

لکن الرسول . .. جهدوا بأمولهم و أنفسهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۰۸ - ۳

۳ پیامبر (ص) و رهبر جامعه اسلامی ، باید در موضع گیری علیه جریان های باطل (نفاق) پیشگام باشد .

لا تقم فیه أبداً

مخاطب قرار گرفتن شخص پیامبر(ص) در این آیه ظاهراً به خاطر موقعیتی است که آن حضرت داشتند (موقعیت رهبری).

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - ابراهیم - ۱۴ - ۱۹ - ۶

۶- پیامبر

(ص) ، الگو و دارای نقش پیشتاز در درک معارف عالم آفرینش

ألم تر أن الله خلق السموت و الأرض بالحقّ

خطاب <ألم تر> اگرچه خطابی عام برای همه انسانهاست، اما مخاطب قرار دادن پیامبر(ص) می توانـد رهنمودی باشد به این نکته که آن حضرت در درک واقعیات عالم پیشتاز است و دیگران باید آن حضرت را سرمشق خود قرار دهند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – ابراهیم – ۱۴ – ۲۴ – ۲

۲- پیامبر (ص) ، پیشتاز در درک معارف دینی و دارای نقش الگویی در آن

ألم تر کیف ضرب الله مثلاً کلمه طیّبه کشجره طیّبه

استفهام <ألم تر> تقریری است. یعنی تو می بینی ... از اینکه خداونـد، به جـای عموم مردم پیـامبر(ص) را مورد خطـاب قرار داده اسـت می توانـد به این نکته اشـاره داشـته باشـد که وقـتی پیـامبر(ص) در مثالهـای خداونـد دقت می کنـد، مردم بایـد آن حضرت را سرمشق خود قرار دهند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۲۹ – ۸

۸ – پیامبر (ص) ، پیش گام فهمِ معارف عمیق عالَم است .

ألم تر أنّ اللّه یولج الّیل فی النهار

خطاب <ألم تر> اگر چه به پیامبر(ص) است، اما به قرینه <بما تعملون> حکم اختصاص به او نـدارد. مخاطب قرار دادن آن حضرت، می تواند به خاطر نکته یاد شده باشد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۴ – لقمان – ۳۱ – ۳۱ – ۲

۲ – پیامبر (ص) ، پیش گام فهمِ معارف عمیق عالم است .

ألم تر أنّ الفلک تجری

خطاب

<ألم تر> اگرچه به پیامبر(ص) است، اما به قرینه <لیریکم> حکم اختصاص به آن حضرت ندارد. مخاطب قرار دادن او، می تواند به خاطر یادآوری نکته یاد شده باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - زمر - ۳۹ - ۱۲ - ۱،۲

۱ - پیامبر (ص) ، مأمور اعلام مواضع عقیدتی خود و پیش گامی اش در پذیرش اسلام

قل . .. و أُمرت لأن أکون أوّل المسلمین

۲ - پیامبر (ص) ، به پیش گام شدن در پذیرش اسلام ، به عنوان نخستین مسلمان ، مأمور و موظف شد .

و أُمرت لأن أکون أوّل المسلمین

پیشگامی مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - فاطر - ۳۵ - ۳۲ - ۹

۹ - پیشتازان در انجام خیرات ، مهم ترین صفت مسلمانان پیرو قرآن و انسان های قرآنی

و منهم سابق بالخیرت

برداشت یاد شده به این خاطر است که پیشتازان در تمسک به قرآن و حافظان ارث الهی، در این آیه به عنوان پیشتازان در خیرات معرفی شده اند.

پیشگامی موحدان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۱ - ۴

۴ - موحدانِ بیمناک از پروردگار و روز قیامت ، پیشتاز در انجام کار های نیک

و هم لها سبفون

<لها> متعلق به <سابقون> است که مفعول آن محذوف می باشد. پس تقدیر آن چنین می شود: <و هم سابقون غیرهم

لها>. <سبق> به معنای پیشی گرفتن است.

پیشگامی موسی(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۹۰ – ۱۴

۱۴- پیامبران الهی ، موسی ، هارون

، ابراهیم ، لوط ، اسحاق ، یعقوب ، نوح ، داوود ، سلیمان ، ایوب ، اسماعیل ، ادریس ، ذاالکفل ، یونس ، زکریا و یحیی (علیهم السلام) ، پیشگامان در کار های خیر

و لقد ءاتینا موسی و هرون . .. یحیی ... إنّهم کانوا یسرعون فی الخیرت

برداشت بالاـ مبتنی بر این است که ضمیرهای جمع در جمله <إنّهم کانوا یسارعون. ..> به پیامبرانی بازگردد که در سلسله آیات پیشین (۴۸ ۹۰) از آنان یاد شده است.

پیشگامی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نازعات - ۷۹ - ۴ - ۵

۵ - < عن أبی جعفر (ع) فی قوله < فالسابقات سبقاً > یعنی أرواح المؤمنین تسبق أرواحهم إلی الجنّه . . . و أرواح الکافرین إلی النار ;

از امام باقر(ع) درباره سخن خداوند <فالسابقات سبقاً> روایت شده است، مراد ارواح مؤمنان است که به سوی بهشت [بر یکدیگر]سبقت می گیرند. .. و [نیز]ارواح کافران که به سوی آتش [سبقت می گیرند]>.

پیشگامی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۰ - ۱۴

۱۴- پیامبران الهی ، موسی ، هارون ، ابراهیم ، لوط ، اسحاق ، یعقوب ، نوح ، داوود ، سلیمان ، ایوب ، اسماعیل ، ادریس ، ذاالکفل ، یونس ، زکریا و یحیی (علیهم السلام) ، پیشگامان در کار های خیر

و لقد ءاتینا موسی و هرون . .. یحیی ... إنّهم کانوا یسرعون فی الخیرت

برداشت بالا مبتنی بر این است که ضمیرهای جمع در جمله <إنّهم کانوا

یسارعون. ..> به پیامبرانی بازگردد که در سلسله آیات پیشین (۴۸ ۹۰) از آنان یاد شده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۸۳ – ۴

۴ – نوح (ع) ، پیشتاز و مقتدای حرکت توحیدی در میان پیامبران الهی

و إنّ من شیعته لإبرهیم

پیرو بودن ابراهیم(ع) با آن که خود از انبیای بزرگ بود و نیز وجود پیامبرانی چون هود و صالح(ع) پیش از آن حضرت، می تواند گویای مطلب یاد شده باشد. گفتنی است معنای لغوی <شیعه> (گروه پیرو رئیس خود) مؤید برداشت بالا است.

پیشگامی هارون(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۹۰ – ۱۴

۱۴– پیامبران الهی ، موسی ، هارون ، ابراهیم ، لوط ، اسحاق ، یعقوب ، نوح ، داوود ، سلیمان ، ایوب ، اسماعیل ، ادریس ، ذاالکفل ، یونس ، زکریا و یحیی (علیهم السلام) ، پیشگامان در کار های خیر

و لقد ءاتینا موسی و هرون . .. یحیی ... إنّهم کانوا یسرعون فی الخیرت

برداشت بالاـ مبتنی بر این است که ضمیرهای جمع در جمله <إنّهم کانوا یسارعون. ..> به پیامبرانی بازگردد که در سلسله آیات پیشین (۴۸ ۹۰) از آنان یاد شده است.

پیشگامی همسر زکریا(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۹۰ – ۱۲

۱۲– زکریا (ع) و همسر و فرزند او (یحیی) شتابان به انجام کار های خیر می پرداختند و در آن پیش قدم و پیشگام بودند .

إنّهم کانوا

یسرعون فی الخیرت

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که ضمیرهای جمع در جمله <إنّهم کانوا یسارعون. ..> به زکریا(ع) و همسر و فرزند او (یحیی) بازگردد.

پیشگامی یحیی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۰ - ۱۲،۱۴

۱۲- زکریا (ع) و همسر و فرزند او (یحیی) شتابان به انجام کار های خیر می پرداختند و در آن پیش قدم و پیشگام بودند .

إنّهم کانوا یسرعون فی الخیرت

برداشت یاد شده، مبتنی بر این است که ضمیرهای جمع در جمله <إنّهم کانوا یسارعون. ..> به زکریا(ع) و همسر و فرزند او (یحیی) بازگردد.

۱۴- پیامبران الهی ، موسی ، هارون ، ابراهیم ، لوط ، اسحاق ، یعقوب ، نوح ، داوود ، سلیمان ، ایوب ، اسماعیل ، ادریس ، ذاالکفل ، یونس ، زکریا و یحیی (علیهم السلام) ، پیشگامان در کار های خیر

و لقد ءاتینا موسی و هرون . .. یحیی ... إنّهم کانوا یسرعون فی الخیرت

برداشت بالاـ مبتنی بر این است که ضمیرهای جمع در جمله <إنّهم کانوا یسارعون. ..> به پیامبرانی بازگردد که در سلسله آیات پیشین (۴۸ ۹۰) از آنان یاد شده است.

پیشگامی یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۹۰ - ۱۴

۱۴- پیامبران الهی ، موسی ، هارون ، ابراهیم ، لوط ، اسحاق ، یعقوب ، نوح ، داوود ، سلیمان ، ایوب ، اسماعیل ، ادریس ، ذاالکفل ، یونس ، زکریا و یحیی (علیهم السلام) ، پیشگامان در کار های خیر

و لقد

ءاتينا موسى و هرون . .. يحيى ... إنّهم كانوا يسرعون فى الخيرت

برداشت بالاـ مبتنی بر این است که ضمیرهای جمع در جمله <إنّهم كانوا يسارعون. ..> به پیامبرانی بازگردد که در سلسله آیات پیشین (۴۸ ۹۰) از آنان یاد شده است.

پیشگامی یونس(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۹۰ – ۱۴

۱۴– پیامبران الهی ، موسی ، هارون ، ابراهیم ، لوط ، اسحاق ، یعقوب ، نوح ، داوود ، سلیمان ، ایوب ، اسماعیل ، ادریس ، ذاالکفل ، یونس ، زکریا و یحیی (علیهم السلام) ، پیشگامان در کار های خیر

و لقد ءاتينا موسى و هرون . .. يحيى ... إنّهم كانوا يسرعون فى الخيرت

برداشت بالاـ مبتنی بر این است که ضمیرهای جمع در جمله <إنّهم كانوا يسارعون. ..> به پیامبرانی بازگردد که در سلسله آیات پیشین (۴۸ ۹۰) از آنان یاد شده است.

سختی پیشگامی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۱۳ – ۳

۳ – پیشتاز شدن در راه خداوند ، امری سخت و دشوار است و در طول تاریخ تنها دسته ای اندک از عهده آن بر آمده اند .

و السبقون . .. ثلّه من الأوّلين

پیشتازان امت های پیشین، گرچه در مقایسه با پیشتازان بعد دارای تعداد زیادتری هستند; لکن تعداد آنان نسبت به مردم دیگر اندک است و این می رساند که رسیدن به مرتبه پیشتازی، بسی دشوار و سخت می باشد.

فضیلت پیشگامی در سلام

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ذاریات –

۵۱ – ۲۵ – ۲

۲ – ارزش مبادرت به سلام ، هنگام ورود بر دیگران

إذ دخلوا علیه فقالوا سلمًا

مطلب بالا، با توجه به این نکته است که خداونـد، ابتـدا وصف <مکرم> را برای میهمانان ابراهیم(ع) آورده و سپس نخستین عمل آن میهمانان شریف (سلام به هنگام ورود) را یاد کرده است.

نگرانی از پیشگامی فرعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۴۵ – ۳

۳ – موسی و هـارون (ع) از پیشـدستی فرعـون و اقـدام او به کیفر فوری آنـان ، پیش از هرگونه فرصت اظهـار معجزه و بیـان حقیقت ، نگران بودند .

قالا ربّنا إنّنا نخاف أن یفرط علینا

<فَرَطَ>; یعنی، پیشی گرفت بـدون آن که افراط یـا تفریـط کرده باشـد (مفردات راغب). مراد موسی و هـارون(ع)، احتمال دست زدن فرعون به کاری است که فرصت ابلاغ پیام الهی را از آنان بگیرد.

پیشگوئی از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

پیشگویی

پیشگویی ابراهیم(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۸۹ – ۹

۹ – < و قد روی : إنّه عنی بقوله < سقیم > أی سأسقم . . . ;

روایت شده که مراد ابراهیم از سخنش <سقیم> این بود که به زودی مریض می شوم. ..>.

پیشگویی ارتداد مشرکان مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - دخان - ۴۴ - ۱۵ - ۲

۲- اخبار خداوند از رفع محدود عذاب دنیوی مشرکان مکه و بازگشت دوباره آنان به کفر و شرک

إنّا کاشفوا العذاب قلیلاً إنّکم عائدون

برداشت یادشده بر این اساس است که عذابی که در آیات پیشین از آن یاد شده، عذاب

دنیوی باشد. در این صورت معنای آیه چنین می شود: ما عذاب دنیوی را برای زمانی اندک برخواهیم داشت; یعنی، در دنیا که اصولاً مجالی اندک است عذاب را از شما برمی داریم; اما انتقام به قیامت موکول خواهد شد.

پیشگویی پیدایش منافقان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - مدثر - ۷۴ - ۳۱ - ۱۲

۱۲ - هشدار خداوند ، به ظهور جمعیتی منافق در آینده نزدیک ، در میان جامعه اسلامی

و لیقول الذین فی قلوبهم مرض

برداشت یاد شده، مبتنی بر این احتمال است که مقصود از بیماردلان، منافقان اند; چنان که در آیه ۱۰ از سوره <بقره> بدان تصریح شده است. از آن جایی که این سوره مکی است و در مکّه گروه منافقان به وجود نیامده بودند، از این رو آیه شریفه هشدار به پیدایش چنین جمعیتی، در آینده ای نزدیک است.

پیشگویی پیروزی اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - صف - ۶۱ - ۹ - ۱۴

۱۴ - تاریخ آینده بشر ، شاهد شکست تمامی ادیان و پیروزی و حاکمیت دین اسلام خواهد بود .

هو الذی أرسل رسوله . .. لیظهره علی الدین کلّه

پیشگویی پیروزی مسلمانان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - ص - ۳۸ - ۱۱ - ۱

۱ - پیشگویی خداوند از شکست سران کفر و شرک در برابر سپاه اسلام

جند ما هنالك مهزوم من الأحزاب

بیشتر مفسران بر این عقیده اند که آیه شریفه، در مقام پیشگویی از آینده سران کفر و شرک است، آنانی که در مکه در

اکثریت بودند و قدرت را در دست داشتند و

در حالی که مسلمانان در اقلیت و ضعف قرار داشتند. ازاین رو خداوند از شکست کافران در جنگ های بدر، احزاب، حنین و یا فتح مکه خبر می دهد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۱ - ۲

۲ - اخبار خداوند ، از دستیابی مسلمانان به پیروزی های بزرگ و فراتر از توان به کار گرفته شده از سوی آنان در فتح خیبر

و أخری لم تقدروا علیها

با توجه به این که آیات شریفه، در محدوده صلح حدیبیه و جنگ خیبر نازل شده است; تعبیر <لم تقدروا> می رساند که مؤمنان غنایمی در پیش دارند که اکنون توان دستیابی به آن را ندارند; یعنی، به دست آوردن آن غنایم، نیازمند توانی بیش از این است.

پیشگویی پیروزی مؤمنان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۰ - ۱۶

۱۶ - تحقق پیشگویی اعجازآمیز خداوند ، از پیروزی های آینده مؤمنان ، زمینه ساز هدایت ایشان به صراط مستقیم

وعدکم . .. و لتکون ءایه للمؤمنین و یهدیکم صرطًا مستقیمًا

<آیه> به معنای معجزه است; زیرا در پیشگویی قطعی از آینده، اعجاز نهفته است. مقدمه قرار گرفتن این معجزه برای هدایت مؤمنان را، می توان از تقدم <آیه> بر <یهدیکم> استفاده کرد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۱ - ۵

۵ - خبر های خداوند از آینده پیروزمند مؤمنان ، متکی به علم گسترده و همه جانبه او

وعدکم اللّه . .. و أخری لم تقدروا علیها قد أحاط اللّه بها

از ارتباط <قد أحاط. ..> با مطالب قبل،

برداشت بالا استفاده می شود.

پیشگویی تورات

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۴ – ۳،۵

۳- پیشگویی تورات درباره دوبار فساد انگیزی مهم بنی اسرائیل

و قضینا إلی بنی إسرءیل فی الکتب لتفسدنّ فی الأرض مرّتین

۵- پیشگویی تورات درباره سرکشی بزرگ و برتری جویی حتمی بنی اسرائیل در زمین

و قضینا إلی بنی إسرءیل فی الکتب . .. و لتعلنّ علوًّا کبیرًا

پیشگویی جنگ با یهود

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حشر – ۵۹ – ۱۴ – ۴

۴ – خبردادن خداوند از درگیری های آینده کافران (یهود) با مؤمنان ، از درون دژ ها و از پس دیوار های بلند

لایقتلونکم جمیعًا إلاّ فی قرًی محصّنه أو من وراء جدر

با توجه به معنای مضارع (یقاتلون)، مطلب بالا قابل برداشت است.

پیشگویی جنگ سخت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۷ – فتح – ۴۸ – ۱۶ – ۲

۲ – اخبار الهی از نبرد قریب الوقوع مسلمانان با دشمنی نیرومند ، پس از جنگ خیبر

قل للمخلّفین من الأعراب ستدعون إلی قوم أولی بأس شدید

پیشگویی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۵ - ۱۴

۱۴ خداوند به یوسف (ع) خبر داد که ملاقات او با برادرانش ، پس از داستان چاه کنعان ، در آینده ای دور تحقق خواهد یافت .

لتنبئنّهم بأمرهم هذا و هم لایشعرون

جمله حالیه <و هم لایشعرون> متعلق به <لتنبئنّ> است ; یعنی، به آنان خبر می دهی در حالی که متوجه نیستند [و تو را نمی شناسند]. از

اینکه هیچ یک از برادران یوسف به هنگام ملاقات با وی، او را نخواهند شناخت، معلوم می شود ملاقات مذکور با فاصله زمانی بسیار اتفاق خواهد افتاد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۰ - ۴

۴ - اعلام خداوند مبنی بر شکست خوردن مشرکان مخالف قرآن و گرفتار شدن آنان به پی آمد های سوء کفرشان در آینده نزدیک

فکفروا به فسوف یعلمون

پیشگویی خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۲ - ۱

۱- خضر (ع) اعتراض موسی را دلیل صحت پیش بینی خویش از ناشکیبایی موسی (ع) دانست و پیش گویی خود را به وی یادآور شد .

قال ألم أقل إنّک لن تستطیع معی صبرًا

پیشگویی ذوالقرنین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۹۸ - ۸

۸- ذوالقرنین ، از بقا و جاودانگی سدش تا قیامت خبر داد . *

فإذاجاء وعد ربّی جعله دکّاء

اگر مراد از <وعد ربّی> قیامت باشد، در این صورت، از آیه چنین برمی آید که تا قبل از قیامت، این سد برپا است. <دکاء> به معنای <مستوی و مسطح>، صفت برای موصوف محذوف است (جعله أرضاً دکّاء). مفاد آیه، این است که هرگاه قیامت فرا رسد، خداوند آن سد را زمینی مسطح خواهد ساخت.

پیشگویی شکست بنی نضیر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – حشر – ۵۹ – ۱۲ – ۶

۶ – خبردادن خداوند ، از شکست حتمی یهود و برخوردار نشدن آنان از هیچ امداد

ثمّ لاینصرون

پیشگویی شکست رهبران

شرک

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۱۱ – ۱

۱ – پیشگویی خداوند از شکست سران کفر و شرک در برابر سپاه اسلام

جند ما هنالک مهزوم من الأحزاب

بیشتر مفسران بر این عقیده اند که آیه شریفه، در مقام پیشگویی از آینده سران کفر و شرک است، آنانی که در مکه در اکثریت بودند و قدرت را در دست داشتند و در حالی که مسلمانان در اقلیت و ضعف قرار داشتند. ازاین رو خداوند از شکست کافران در جنگ های بدر، احزاب، حنین و یا فتح مکه خبر می دهد.

پیشگویی شکست رهبران کفر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – ص – ۳۸ – ۱۱ – ۱

۱ – پیشگویی خداوند از شکست سران کفر و شرک در برابر سپاه اسلام

جند ما هنالک مهزوم من الأحزاب

بیشتر مفسران بر این عقیده اند که آیه شریفه، در مقام پیشگویی از آینده سران کفر و شرک است، آنانی که در مکه در اکثریت بودند و قدرت را در دست داشتند و در حالی که مسلمانان در اقلیت و ضعف قرار داشتند. ازاین رو خداوند از شکست کافران در جنگ های بدر، احزاب، حنین و یا فتح مکه خبر می دهد.

پیشگویی شکست فرعونیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۶۱ – ۱۰

۱۰ – موسی (ع) با توجه به افترا های فرعونیان بر خداوند ، به آنان هشدار داد و شکست و ناکامی را برای آنان پیش بینی کرد .

ویلکم لاتفتروا علی اللّه . .. و قد خاب من

افتری

پیشگویی شکست کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۵ - ۴

۴ - اخبار خداوند به شکست و عذاب قریب الوقوع کافران و مشرکان معاند و مشاهده شدن آن برای آنان

فتولّ عنهم حتّی حین . و أبصرهم فسوف یبصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۹ - ۴

۴ - اخبار خداوند به شکست و عذاب قریب الوقوع کافران و مشرکان معاند و مشاهده شدن آن برای آنان

و تولّ عنهم حتّی حین . و أبصر فسوف یبصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۱۶ - ۲

۲ - پیشگویی قرآن و بشارت خداوند به شکست خفّت بار کافران تکذیب گر

سنسمه علی الخرطوم

برخی از مفسران، بر این عقیده اند که آیه شریفه درصدد پیشگویی و بشارت به شکست ذلّت بار کافران در جنگ های آتی است.

پیشگویی شکست مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۵ - ۴

۴ - اخبار خداوند به شکست و عذاب قریب الوقوع کافران و مشرکان معاند و مشاهده شدن آن برای آنان

فتولّ عنهم حتّی حین . و أبصرهم فسوف یبصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۹ - ۴

۴ - اخبار خداوند به شکست و عذاب قریب الوقوع کافران و مشرکان معاند و مشاهده شدن آن برای آنان

و تولّ عنهم حتّی حین . و أبصر فسوف یبصرون

پیشگویی شکست مکذبان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم -

۶۸ - ۱۶ - ۲

۲ - پیشگویی قرآن و بشارت خداوند به شکست خفّت بار کافران تکذیب گر

سنسمه علی الخرطوم

برخی از مفسران، بر این عقیده اند که آیه شریفه درصدد پیشگویی و بشارت به شکست ذلّت بار کافران در جنگ های آتی است.

پیشگویی عذاب کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۵ - ۴

۴ - اخبار خداوند به شکست و عذاب قریب الوقوع کافران و مشرکان معاند و مشاهده شدن آن برای آنان

فتولّ عنهم حتّی حین . و أبصرهم فسوف یبصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۹ - ۴

۴ - اخبار خداوند به شکست و عذاب قریب الوقوع کافران و مشرکان معاند و مشاهده شدن آن برای آنان

و تولّ عنهم حتّی حین . و أبصر فسوف یبصرون

پیشگویی عذاب مشرکان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ - صافات - ۳۷ - ۱۷۵ - ۴

۴ - اخبار خداوند به شکست و عذاب قریب الوقوع کافران و مشرکان معاند و مشاهده شدن آن برای آنان

فتولّ عنهم حتّی حین . و أبصرهم فسوف یبصرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۱۷۹ – ۴

۴ – اخبار خداوند به شکست و عذاب قریب الوقوع کافران و مشرکان معاند و مشاهده شدن آن برای آنان

و تولّ عنهم حتّی حین . و أبصر فسوف یبصرون

پیشگویی علمای مسیحیت

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۱۹۷ – ۲

۲ – پیشگویی علمای یهود و نصارا ، در

باره آمدن قرآن و ظهور پیامبر اسلام (ص)

أوَلم یکن لهم ءایه أن یعلمه علمؤا بنی إسرءیل

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که صرف آگاهی و اطلاع علمای بنی اسرائیل تا زمانی که اطلاعات خود را در اختیار دیگران قرار نداده اند، نمی تواند آیه و نشانه باشد.

پیشگویی علمای یهود

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۹۷ - ۲

۲ - پیشگویی علمای یهود و نصارا ، در باره آمدن قرآن و ظهور پیامبر اسلام (ص)

أوَلم یکن لهم ءایه أن یعلمه علمؤا بنی إسرءیل

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که صرف آگاهی و اطلاع علمای بنی اسرائیل تا زمانی که اطلاعات خود را در اختیار دیگران قرار نداده اند، نمی تواند آیه و نشانه باشد.

پیشگویی غزوه بنی نضیر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - حشر - ۵۹ - ۲ - ۴

۴ - خبر دادن خداوند ، از وجود رویارویی مجدّد مسلمانان و یهود (پس از غزوه بنی نضیر)

أخرج الذین کفروا . .. لأوّل الحشر

قید <لأوّل. ..> این پیام را در بر دارد که برای این تجمع و برخورد، موارد دیگری نیز هست.

پیشگویی فتح مکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۷ - ۴

۴ - اخبار ضمنی خداوند ، از فتح مکه به دست مسلمانان *

عسی اللّه . .. مودّه

برداشت یاد شده با توجه به این نکته است که این مودّت، عملاً با فتح مکه تحقق یافت.

پیشگویی قرآن

جلد - نام سوره -

سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۲۴ - ۲

۲ - ناتوانی انسان ها از آوردن همانند برای قرآن ، از پیشگویی های قرآن است .

و لن تفعلوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۱ - ۳

۳ - یهود به قرآن ایمان نمی آورند و اسلام را نخواهند پذیرفت . *

و إذا قیل لهم ءامنوا بما أنزل اللّه قالوا نؤمن بما أنزل علینا

حذف فاعل و آوردن فعل به صورت مجهول (قیل) حاوی این نکته است که: پاسخ منفی یهود به دعوت قرآن، مخصوص یهود عصر بعثت نیست; بلکه آیندگان اینان نیز همین رویه را خواهند داشت.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۹۶ - ۶

۶ - دنیاپرستی یهود از پیشگویی های قرآن

لتجدنهم أحرص الناس علی حیوه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۰۰ - ۱۱

۱۱ - بسیاری از یهودیان به قرآن و پیامبر (ص) ، ایمان نخواهند آورد .

بل اکثرهم لایؤمنون

برداشت فوق مبتنی بر این است که: متعلق <لایؤمنون>، به دلیل آیه قبل، قرآن و پیامبر اسلام باشد. مضارع بودن فعل <لایؤمنون> این احتمال را تأیید می کند.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۱۱۴ - ۱۹

۱۹ - سرکوبی کفرپیشگان مسلط بر مساجد عصر بعثت و گرفتار شدنشان به خواری و ذلت ، از اخبار غیبی قرآن و از نوید های خدا به مسلمانان

لهم فی الدنیا خزی

چنانچه گذشت، آیه شریفه اشاره به قضایای صدر اسلام و بازداری مسلمانان

از ورود به مسجد الحرام و مانند آن دارد . با توجه به این حقیقت، جمله <لهم فی الدنیا خزی> نویدی است به مسلمانان که کفرپیشگان مانع از ورود به مساجد، به خواری و ذلت گرفتار خواهند شد، که به مناسبت مورد، مقصود از خواری و ذلت، کوتاه شدن دست آنان از مساجد اسلامی و سیطره مسلمانان بر آنان است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۴۲ – ۶

۶ – پیشگویی قرآن از موضعگیری مخالفان اسلام درباره تغییر قبله

سیقول السفهاء من الناس ما ولیهم عن قبلتهم التی کانوا علیها

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱ – بقره – ۲ – ۱۴۵ – ۸

۸ – هیچ یک از یهود و نصارا ، قبله یکدیگر را نخواهند پذیرفت .

و ما بعضهم بتابع قبله بعض

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۱۲ – ۷

۷ خبر غیبی قرآن از شکست قریب الوقوع یهود عصر پیامبر (ص)

قل للّذین کفروا ستغلبون

بنابراینکه منظور از <للّذین کفروا>، یهودیان باشند; چنانچه در شأن نزول آمده است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ – آل عمران – ۳ – ۵۵ – ۱۱

۱۱ وعده خداوند به عیسی (ع) در مورد غلبه پیروان راستین آن حضرت بر کافران (یهودیان) تا قیامت

و جاعل الذین اتبعوک فوق الذین کفروا الی یوم القیمه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲ - آل عمران - ۳ - ۶۳ - ۱

۱ پیشگویی خداوند به اینکه نصارای نجران ،

دعوت به مباهله را نمی پذیرند . *

فقل تعالوا ندع . .. فان تولّوا فانّ اللّه علیم بالمفسدین

ظاهراً جمله <فان تولّوا . .. >، اشاره به این است که مسیحیان، دعوت به مباهله را نمی پذیرند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – آل عمران – ۳ – ۱۱۱ – ۵

۵ پیشگویی قرآن در عجز اهل کتاب ، از ضرر رسانیدن به مسلمانان و شکست و فرار آنان در پیکار با مسلمانان

لن یضرّوکم إلّا اذًی و إن یقتلوکم یولّوکم الادبار

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۷ – ۱

۱ در صورت نزول کتابی ملموس از سوی خداوند بر پیامبر(ص)، کفرورزان آن را سحر خواهند دانست.

و لو نزلنا علیک کتبا فی قرطاس فلمسوه بأیدیهم لقال الذین کفروا إن هذا إلا سحر مبی

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۶۶ – ۳

۳ پیشگویی قرآن در مورد عملی شدن وعده های عذاب بر مشرکان مکه و قبیله پیامبر*

و کذّب به قومک و هو الحق

از معانی حق، <ثابت> و <واجب> است و در مورد آیه به دلیل اینکه خبر از وقوع حادثه ای در آینده است، یعنی چیزی که تثبیت شده و واقع خواهد شد. لذا اگر مرجع ضمیر <به>، <عذاب> در آیه قبل باشد، جمله <و هو الحق> تأکید بر وقوع حتمی آن در آینده خواهد بود. همان گونه که تاریخ نیز این نکته را به وضوح تأیید کرد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۱۴۸ – ۴

پیشگویی قرآن از تمسک مشرکان در آینده به جبر برای توجیه عقاید و عملکرد خویش

سیقول الذین أشرکوا لو شاء الله ما أشرکنا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - انفال - ۸ - ۳۳ - ۶،۷

۶ گرایش کافران مکه به قرآن در آینـده دوران بعثت ، دلیل گرفتار نشدن آنان به عذاب استیصال ، نه حقانیت ایشان در انکار قرآن

و ما کان اللّه معذبهم و هم یستغفرون

برداشت فوق مبتنی بر این است که جمله <و هم یستغفرون> حال مقدر باشد. یعنی خداوند اکنون (زمان انکار قرآن) کافران مکه را عذاب نمی کند، در حالی که در آینده توبه خواهند کرد. گفتنی است که استغفار و توبه کافر به ایمان آوردن اوست.

۷ پیشگویی قرآن از گرایش کافران مکه به اسلام و پذیرش توحید

و ما کان اللّه معذبهم و هم یستغفرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۱۱۹ - ۸

۸ پر کردن جهنم از انسان ها و جنیان ، حقیقتی که خداوند از پیش بیان داشته بود .

تمت کلمه ربک لأملأنّ جهنم من الجنه والناس

<تمت>; یعنی، به طور کامـل و بـدون هیـچ نقصـی تحقق یـافت. مفسـران برآننـد که مقصود از <کلمه ربک> که با جمله <لأملأنّ ...> تفسـیر شـده است همان سـخنی است که خداونـد در داسـتان آدم و ابلیس فرمود: <فالحق والحق أقول. لأملأنّ جهنم منک و ممن تبعک منهم أجمعین>; حق این است و من جز حق نمی گویم که جهنم را از تو و از همه کسانی که از تو پیروی می کنند پر خواهم کرد.

سوره ص، آیه ۸۴ و ۸۵>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – رعد – ۱۳ – ۳۱ – ۱۶

۱۶ شکست و نابودی کفرپیشگان مکه و حوالی آن ، از پیشگویی های قرآن

لایزال الذین کفروا تصیبهم بما صنعوا قارعه . .. حتی یأتی وعد الله

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۱۴ – ۱،۲

۱– اگر دری از آسمان به قدرت خداوند گشوده شود که کافران مکه برای دریافت حقایق به آنجا بروند ، ایمان نخواهند آورد .

کذلک نسلکه فی قلوب المجرمین . لایؤمنون به ... و لو فتحنا علیهم بابًا من السّماء

۲– مجرمان هدایت ناپذیر ، در صورت گشوده شدن دری از آسمان و راه یافتن آنان به آنجا جهت مشاهده حقایق ، باز ایمان نخواهند آورد .

کذلک نسلکه فی قلوب المجرمین . لایؤمنون به ... و لو فتحنا علیهم بابًا من السّماء

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۱۵ – ۱

۱– کافران هدایت ناپذیر مکه ، در صورت مشاهده گشایش دری از آسمان برای بالا رفتن خود و درک حقایق ، آن را نوعی چشم بندی و سحر وانمود خواهند کرد .

و لو فتحنا علیهم بابًا من السّماء فظلّوا فیه یعرجون . لقالوا إنما سکّرت أبصرنا

<سکر> در لغت حالتی را گفته اند که عارض بر عقل می شود. بنابراین مراد از ادعای آنان این می شود که: آنان خود را گرفتار نوعی چشم بندی می دانستند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۵۱ – ۵

۵- خداوند ،

پیشاپیش به پیامبر (ص) اعلام کرد که منکران معاد ، پس از دریافت جواب شبهه استبعاد معاد ، از پدیدآورنده آن سؤال خواهند کرد .

فسیقولون من یعیدنا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – اسراء – ۱۷ – ۷۳ – ۱۳

۱۳– هیچ گاه میان کافران و مسلمانان ، با حفظ مواضع اصولی تسالم کامل و دوستی حقیقی برقرار نخواهد شد .

و إن کادوا لیفتنونک عن الذی أوحینا إلیک . .. و إذًا لَاتّخذوک خلیلًا

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – کهف – ۱۸ – ۹۹ – ۳

۳– از پیدایش درگیری های داخل میان یأجوج و مأجوج ، پس از ویرانی سد ذوالقرنین خبر داده است . *

فإذا جاء وعد ربّی جعله دکّاء . .. و ترکنا بعضهم یومئذ یموج فی بعض

بدان احتمال که ضمیر در <بعضهم> به یأجوج و مأجوج بازگردد; یعنی، پس از ویرانی سد، آن ها، به کشمکش ها و تهاجمات گسترده به هم دست خواهند زد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۰ – مریم – ۱۹ – ۸۲ – ۹

۹– قرآن پیشاپیش از سرخوردگی سریع مشرکان و ناکامی آنان در رسیدن به آرزوی عزّت و ثروت ، و ضدیّت آنان با معبود های موهوم خویش ، خبر داده است .

سیکفرون بعبادتهم و یکونون علیهم ضدًّا

قرینه ای وجود ندارد که موجب انصراف آیه به وضعیت قیامت مشرکان باشد; بنابراین بعید نیست مراد آیه، اخبار از آینده نزدیک مشرکان مکه و روگردانی آنان از شرک و بت پرستی باشد. در این برداشت، ضمیر فاعلی <سیکفرون> و <یکونون> به مشرکان بازگشت داده شده

است.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۶ – ۵

۵- پیشگویی قرآن ، مبنی بر ایمان نیاوردن برخی از مشرکان صدراسلام ، حتی پس از نزول معجزات درخواستی آنان

ماءامنت قبلهم . .. أفهم یؤمنون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۳۴ – ۵

۵- پیشگویی قرآن از پیروزی اسلام و مرگ سران شرک و کفر ، قبل از وفات پیامبر (ص)

أفإیْن متّ فهم الخلدون

همزه در <أفإن> استفهام انکاری و متضمن معنای نفی است. بنابراین پیام اصلی آیه چنین می شود: نه چنین است که او (پیامبر(ص)) <بمیرد و شما زنده باشید و به مدت طولانی بمانید; بلکه حقیقت عکس این است، او می ماند و شما ای سران کفر پیش از او خواهید مرد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – انبیاء – ۲۱ – ۹۶ – ۴

۴- پیش گویی قرآن به هجوم سریع و فتوحات فراگیر یأجوج و مأجوج در سراسر زمین در آینده

حتّی إذا فتحت یأجوج و مأجوج و هم من کلّ حدب ینسلون

اضافه شدن لفظ عموم <کلّ> بر اسم نکره <حدب> بیانگر این است که ماجرای یأجوج و مأجوج مربوط به سرزمین خاصی نیست; بلکه شامل تمامی سرزمین ها و جهانی خواهد بود.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۲ – نور – ۲۴ – ۵۵ – ۱۱

۱۱ – پیشگویی قرآن به شکست جبهه کفر و شرک و پیروزی فراگیر و گسترده جبهه توحید و اسلام در عصر بعثت

وعد اللّه الذين ءامنوا منكم و عملوا الصلحت ليستخلفنّهم فى الأرض و

ليمكّننّ لهم

پیشگویی کتب آسمانی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۲۰ - ۲

۲ کتب آسمانی پیشین، بیانگر اوصاف پیامبر اکرم(ص) و پیشگویی رسالت آن حضرت

قل أی شیء أکبر شهده . .. الذین ءاتینهم الکتب یعرفونه کما یعرفون أبناءهم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۹۲ - ۷

۷ نزول قرآن و بعثت پیامبر(ص)، به عنوان خبری غیبی، در کتب آسمانی گذشته مطرح بوده است.

و هذا کتب أنزل نه مبارک مصدق الذی بین یدیه

از معانی محتمل برای <مصدق> تصدیق خبرهای کتب گذشته مبنی بر آمدن پیامبر(ص) و قرآن است، یعنی بدان جهت که این اخبار در آن کتب معهود بوده، نزول قرآن و بعثت پیامبر(ص) صدق آن خبرها را معلوم ساخته است.

پیشگویی کشتی های غول پیکر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - شوری - ۴۲ - ۳۲ - ۸

۸ - پیش بینی قرآن ، از ساخت و حرکت کشتی های کوه پیکر در اقیانوس ها *

و من ءایته الجوار فی البحر کالأعلم

بنابراین که در عصر نزول، کشتی های کوه پیکر هنوز ساخته نشده بود، آیه شریفه می تواند نظر به آینده کشتی سازی بشر داشته باشد.

پیشگویی ملائکه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱ - بقره - ۲ - ۳۰ - ۸

۸ فرشتگان با پیش بینی فسادگری انسان ، او را شایسته خلافت نمی دیدند .

قالوا أتجعل فیها من یفسد فیها و یسفک الدماء

پیشگویی موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - یونس - ۱۰

- ۷۷ - ۶،۷

۶ حضرت موسی (ع) ، از پیش به پیروزی و دستیابی به هدف های خود و شکست فرعون ، آگاهی داشت .

و لا یفلح السحرون

<فلاح> به معنای ظفر و دست یافتن به هدف است (مفردات راغب).

۷ حضرت موسی (ع) ، همراه با نفی ساحریت از خود ، فرعون و اطرافیانش را تهدید به شکست کرد و پیروزی قطعی خود را به آنان اعلام نمود .

و لا یفلح السحرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۱ - ۱۰

۱۰ - موسی (ع) با توجه به افترا های فرعونیان بر خداوند ، به آنان هشدار داد و شکست و ناکامی را برای آنان پیش بینی کرد .

ویلکم لاتفتروا علی اللّه . .. و قد خاب من افتری

پیشگویی نجات محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - ضحی - ۹۳ - ۴ - ۵

۵ - قرآنْ پیشاپیش ، رهایی پیامبر (ص) را از روی گردانی و خشم خداوند تا پایان عمر آن حضرت ، خبر داده است .

و للأخره خیر لک من الأُولی

مراد از <آخرت> و <اُولی> چه دنیا و آخرت باشد و چه آغاز و فرجام زندگانی دنیوی پیامبر(ص) چنانچه برخی از مفسران احتمال داده اند آیه شریفه سلامت کامل پیامبر(ص) را، از هرگونه انحراف که به خشم خداوند بینجامد، پیشگویی کرده است.

پیشگویی نوح(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۸ - ۹

۹ نوح (ع) در پاسخ استهزاگران ، آنان

را از آینده ای درخور استهزا و در پی دارنده تمسخر خبر داد .

إن تسخروا منا فإنا نسخر منكم كما تسخرون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۳۹ - ۱

۱ نوح (ع) ، به کفرپیشگان قومش اعلام کرد که به عذاب دنیوی و اخروی ، گرفتار خواهند شد .

فسوف تعلمون من يأتيه عذاب يخزيه و يحلّ عليه عذاب مقيم

با توجه به تکرار کلمه <عذاب> و توصیف عذاب دوم به همیشگی بودن، می توان گفت: مراد از <عذاب یخزیه>، عذاب دنیوی و مقصود از <عذاب مقیم>، آتش دوزخ است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۵۰ - ۱۵

۱۵ < عن الصادق (ع) : لما حضرت نوحاً (ع) الوفاه دعا الشيعه فقال لهم : إعلموا أنه ستكون من بعدى غيبه تظهر فيه الطواغيت و أن الله عزوجل يفرّج عنكم بالقائم من ولدى اسمه هود . . . ;

از امام صادق(ع) روایت شده: هنگامی که وفات نوح فرارسید، پیروانش را فرا خواند و فرمود: بدانید همانا به زودی بعد از من غیبتی خواهد بود که در آن طاغوتها پدید می آیند و خدای عزوجل بهوسیله فردی قیام کننده از نسل من، که نام او هود است، برای شما گشایش پدید می آورد. ..>.

پیشگویی وسایل حمل و نقل

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - نحل - ۱۶ - ۸ - ۶

۶- پیشگویی قرآن درباره اختراع وسایل پیشرفته و جدید برای حمل و نقل ، مسافرت و سایر وسایل آسایشی و رفاهی انسان

و

الأنعم خلقها لكم فيها دفءٌ و منفع . .. و لكم فيها جمال ... لتركبوها و زينه و

متعلق <یخلق> نـامعلوم و فوایـد آن محـذوف است، ولی بـا توجه به فوایـدی که برای اشـیای خلق شـده ذکر کرده، می توان حدس زد که فواید مخلوقهای جدید نیز در راستای بهرهوری انسان است.

پیشگویی یعقوب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵ - ۶

۶ یعقوب (ع) پیش بینی می کرد که همه فرزنـدانش علیه یوسف (ع) متحـد می شونـد و هیـچ کـدام از او حمایت نخواهند کرد .

فیکیدوا لک کیدًا

ضمیر در <یکیدوا> به <إخوه> باز می گردد و این گویای برداشت فوق است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۴ - ۳

۳ یعقوب (ع) هم زمان با حرکت فرزندانش از مصر ، یافته خویش (شنیدن بوی یوسف) را برای اطرافیانش ابراز کرد .

و لما فصلت العير قال أبوهم إنی لأجد ريح يوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۵ - ۳

۳ یعقوب (ع) در طول فراق یوسف (ع) همواره به زنده بودن او اعتقاد داشت و آن را برای اطرافیانش اظهار می کرد .

قال أبوهم إنی لأجد ريح يوسف . .. قالوا تالله إنک لفی ضللك القديم

پیشگویی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۴۱ - ۹

۹ اطلاع یوسف (ع) از آینده و آگاهی او به غیب

قضی الأمر الذی فیه

تستفتیان

مفاد <قضی الأمر . ..> تأویل و تفسیر رؤیای هم بندان یوسف نیست ; بلکه بیان حقیقتی است که آن حضرت در حاشیه تأویل رؤیا بیان داشت و این نشان دهنده آن است که آن حضرت علاوه بر تعبیر رؤیا ، به اموری از آینده نیز آگاه بود.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۵۸ - ۱

۱ پیشگویی یوسف (ع) بر مبنای رؤیای پادشاه ، به حقیقت پیوست و قحطی و خشکسالی ، مصر و اطراف آن (کنعانو . . .) را فرا گرفت .

و جاء إخوه یوسف فدخلوا علیه

آمدن برادران یوسف از کنعان به مصر برای دریافت آذوقه و نبود آذوقه در غیر آن دیار که <منع منا الکیل> در آیه ۶۳ حاکی از آن است دلالت می کند که قحطی علاوه بر مصر ، اطراف و نواحی آن را نیز فرا گرفته بود.

تحقق پیشگویی خضر(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۷۵ - ۳

۳- پیش بینی خضر (ع) در مورد ناشکیبایی موسی (ع) در برابر کار های او ، مطابق واقع بود .

لقد جئت شیئًا نکرًا . قال ألم أقل لک إنّک لن تستطیع معی صبرًا

تحقق پیشگویی یوسف(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۹۶ - ۵

۵ پیشگویی یوسف (ع) مبنی بر بینا شدن یعقوب (ع) به وسیله پیراهنش ، تحقق یافت .

اذهبوا بقمیصی هذا فألقوه علی وجه أبی یأت بصیرًا . .. ألقیه

علی وجهه فارتد بصیرًا

ضمیر <ه> در <ألقاه> به قمیص باز می گردد و مراد از ضمیر در <وجهه> و <ارتد> یعقوب(ع) است و در مرجع ضمیر فاعلی <ألقی> دو نظر ابراز شده است: برخی گفته اند به <بشیر> باز می گردد و برخی مراد از آن را یعقوب(ع) دانسته اند.

درخواست پیشگویی از محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۹ - ۷

۷- مشرکان ، خوستار اخبار و پیشگویی پیامبر (ص) از آینده و سرنوشت افراد

و ما أدری ما یفعل بی و لا بکم

از پاسخ آیه شریفه، انتظار مذکور دانسته می شود.

شرایط پیشگویی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۲۷ - ۸

۸- لزوم متکی ساختن هر پیشگویی و پیشبینی ، به مشیّت خداوند

لتدخلنّ . .. إن شاء اللّه

از این که حتی خداوند در وعده و پیشگویی خود، امر را معلق بر مشیت خویش ساخته است; مطلب بالا در حق بندگان به طریق اولی استفاده می شود.

منشأ پیشگویی خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۷ - توبه - ۹ - ۱۱۰ - ۶

۶ اخبار خداوند از روحیه هدایت ناپذیر منافقان ، متکی بر علم گسترده اوست .

لا يزال بنينهم الذى بنوا ريبه فى قلوبهم . .. و اللّه عليم حكيم

نهى از پيشگويى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۰ - كهف - ۱۸ - ۲۳ - ۱،۳

۱- خداوند ، پيامبر را از قطعى دانستن انجام كارى در آينده ، برحذر داشت .

و لاتقولنّ لشاْىء إنّى فاعل ذلك غدًا

۳- وعده

و تضمین انجام حتمی کاری در آینده ، به اتکای توان و امکانات خویش ، مورد نهی أکید خداوند است .

و لاتقولنّ لشاْیء إنّی فاعل ذلک غدًا

<إلّا أن یشاء اللّه> در آیه بعد گویای این است که نهی <لاتقولنّ> در مورد اتکای به توان خویش است.

پیشنهاد از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

پیشنهاد

برادران یوسف و پیشنهاد لاوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱ - ۱

۱ پیشنهاد لاوی (نکشتن یوسف (ع) و افکندن او در چاه) از طرف دیگر برادران پذیرفته شد و مورد تأیید قرار گرفت .

لاتقتلوا یوسف و ألقوه فی غیبت الجب . .. قالوا یأبانا ما لک

بیان حضور برادران در نزد یعقوب(ع) به منظور جلب رضایت او برای بردن یوسف(ع) به مراتع ، پس از بیان پیشنهاد لاوی (ألقوه فی غیبت الجب) گویای این نکته است که: آخرین پیشنهاد که همان طرح لاوی بود مورد پذیرش همگان قرار گرفت.

پوچی پیشنهاد کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۵ - ۳

۳ - تصریح به آمادگی نداشتن مشرکان برای پذیرش توحید در هیچ زمان و تأکید بر واهی بودن پیشنهاد سازش از سوی آنان ، وظیفه ای الهی بر عهده پیامبر (ص)

قل . .. و لا أنتم عبدون ما أعبد

آیات آغاز سوره که تسامح طرفین را در زمان آینده منتفی دانست با مفهوم خود، تکلیف زمان حال را نیز روشن کرده است. در این حال، وضعیت زمان حال به صراحت در این آیه، بیان شد تا موضع گیری ها شفاف

باشد.

پیشنهاد ارائه کتاب هدایتگر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۹ - ۹

۹ - پیشنهاد آوردن کتابی هدایتگرتر از قرآن و تورات ، به کافران حق ستیز از سوی پیامبر (ص) و به فرمان خداوند

قل فأتوا بکتب . .. هو أهدی منهما

پیشنهاد ازدواج به موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۷ - ۱،۲

۱ - تصمیم شعیب (ع) به ایجاد پیوند زناشویی میان موسی (ع) و یکی از دو دختر خود

قال إنّی أُرید أن أُنکحک إحدی ابنتیّ هتین

۲ - اقدام شعیب (ع) به در میان گذاشتن تصمیم خود با موسی (ع) در حضور دخترانش و با رضایت آنان

قال إنّی أُرید أن أُنکحک إحدی ابنتیّ هتین

اسم اشاره <هاتین> نشان دهنده آن است که هر دو دختر شعیب، در آن لحظه حضور داشتند. گفتنی است که حضور دختران شعیب حکایت از رضایت آنان نسبت به مسأله ازدواج با موسی(ع) دارد.

پیشنهاد اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳۶ - ۱

۱ - پیشنهاد مشاوران فرعون به خود وانهادن موقتی موسی و هارون (ع) و شتاب نکردن در مجازات آنان (زندانی کردن)

قال لئن اتّخذت إلهًا غیری لأجعلنّک من المسجونین . ..فماذا تأمرون . قالوا أرجه و

<ارجاء> (مصدر <ارج>) به معنای وانهادن و مهلت دادن است. گفتنی است که <ارج> در اصل <ارجی> بوده که لام الفعل آن حذف شده است. ضمیر <ه> ساکن در آخر آن، مفعولی

و راجع به موسی می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳۷ - ۱

۱ - گردآوری تمامی ساحران کارآزموده و ماهر برای مقابله با معجزات موسی ، طرح مشاوران فرعون بود .

و ابعث فی المدائن حشرین . یأتوک بکلّ سحّار علیم

پیشنهاد اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۶ - ۲

۲- رفتن به غار ، پیشنهاد برخی از اصحاب کهف به دیگر افراد گروه بود .

و إذ اعتزلتموهم و ما یعبدون إلاّ اللّه فأوُواْ إلی الکهف

پیشنهاد بت پرستی به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۱ - ۵

۵ - < سأل [الأحول] أباعبداللّه (ع) عن ذلک فقال : کان سبب نزولها و تکرارها أنّ قریشاً قالت لرسول اللّه تَعْبد آلهتنا سنه و نعبد إلهک سنه و تعبد آلهتنا سنه و نعبد إلهک سنه فأجابهم اللّه بمثل ما قالوا ؛

[ابوجعفر احول] از امام صادق(ع) درباره سبب تکرار آیات [در سوره کافرون] پرسید؛ امام فرمود: سبب نزول آن آیه ها و تکرار آن، این بود که قریش به رسول خدا(ص) گفتند: یک سال تو خدایان ما را عبادت کن و یک سال ما خدای تو را عبادت می کنیم. [دوباره]تو یک سال خدایان ما را عبادت کن و ما یک سال خدای تو را عبادت می کنیم. خداوند نیز به آنان مانند سخنشان جواب داد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۳ - ۱،۶

برخی از کـافرانِ عصـر بعثت ، مـدعی آمـادگی برای عبـادت خداونـد ، در صورت اظهـار آمـادگی پیامبر (ص) برای عبادت معبود های آنان

و لا أنتم عبدون ما أعبد

خبر دادن پیـامبر(ص) از سر سختی کـافران پس از نفی کوتـاه آمـدن خـود بیـانگر آن است که کـافران در صـورت سـازش پیامبر(ص) خود را برای عبادت خداوند آماده می خواندند.

۶ - کـافران ، خود را در اقـدام به خـداپرستی در صورت سـازش پیـامبر (ص) با آنان پیش قـدم معرفی کرده و زمان پیوستن پیامبر (ص) به آنان را ، پس از مرحله پیوستن خود به پیامبر (ص) قرار داده بودند .

لا أعبد ما تعبدون . و لا أنتم عبدون ما أعبد

در آیه قبل، پیامبر(ص) عبادت آینده خود از معبودهای مشـرکان را منتفی دانست؛ ولی در این آیه، عبادت کنونی مشـرکان از خداوند را نفی کرد. می توان گفت: اختلاف دو تعبیر که از فعلی بودن آیه قبل و اسمی بودن این آیه استفاده می شود ناظر به ترتیبی است که مشـرکان برای توافق بـا پیـامبر(ص)، پیشـنهاد کرده بودنـد. آنـان گفته بودنـد: یک سال ما بنـده خـدای تو می شویم؛ مشروط به این که سال بعد تو خدایان ما را پذیرا باشی.

پیشنهاد برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۸ - ۶

۶ بازداشت یکی از برادران بنیامین در مقابل آزاد کردن او ، پیشنهاد برادران به یوسف

فخذ أحدنا مکانه

پیشنهاد به کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸

۹ - پیشنهاد آوردن کتابی هدایتگرتر از قرآن و تورات ، به کافران حق ستیز از سوی پیامبر (ص) و به فرمان خداوند

قل فأتوا بکتب . .. هو أهدی منهما

پیشنهاد جادوگران فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۶۵ - ۱

۱ - ساحران فرعون ، در میدان مبارزه و رویارویی با موسی (ع) ، تعیین آغازکننده را به آن حضرت محول کردند .

قالوا یموسی إمّا أن تلقی . .. ألقی

پیشنهاد خواهر موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۱۲ - ۸

۸ - اعلام آمادگی خواهر موسی ، برای راهنمایی کسان فرعون به خانواده ای مناسب جهت سرپرستی وی

قالت هل أدلّکم علی أهل بیت یکفلونه لکم و هم له نصحون

پیشنهاد دختر شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۶ - ۱

۱ - پیشنهاد یکی از دختران شعیب به پدر برای استخدام موسی (ع)

قالت إحدیهما یأبت استئجره

پیشنهاد سوزاندن ابراهیم(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۹۷ – ۱

۱ – توصیه دسته جمعی مشرکان به یکدیگر ، مبنی بر ساختن بنایی برای سوزاندن ابراهیم (ع)

قالوا ابنوا له بنیًا فألقوه فی الجحیم

پیشنهاد شعیب(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۲۷ – ۱،۲

۱ – تصمیم شعیب (ع) به ایجاد پیوند زناشویی میان موسی (ع) و یکی از دو دختر خود

قال

إنّی أَرید أن أَنکحک إحدی ابنتیّ هتین

۲ – اقدام شعیب (ع) به در میان گذاشتن تصمیم خود با موسی (ع) در حضور دخترانش و با رضایت آنان

قال إنّی أُرید أن أُنکحک إحدی ابنتیّ هتین

اسم اشاره <هاتین> نشان دهنده آن است که هر دو دختر شعیب، در آن لحظه حضور داشتند. گفتنی است که حضور دختران شعیب حکایت از رضایت آنان نسبت به مسأله ازدواج با موسی(ع) دارد.

پیشنهاد فرعونیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۳۶ – ۴

۴ – صلاحدید مشاوران فرعون ، مبارزه با موسی به شیوه ای همسان شیوه خود وی بود و نه زندان و قتل .

قالوا أرجه و أخاه و ابعث فی المدائن حشرین

برداشت یاد شده از آن جا است که منطق فرعون <لأجعلنّک من المسجونین> بود; ولی مشاوران وی با دیدن معجزات موسی این راه را نپسندیدند; بلکه در پیش گرفتن راهی منطقی تر و ظاهراً همسان راه موسی را ترجیح دادند.

پیشنهاد قریش

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – کافرون – ۱۰۹ – ۱ – ۵

۵ – < سأل [الأحول] أباعبداللّه (ع) عن ذلک فقال : کان سبب نزولها و تکرارها أنّ قریشاً قالت لرسول اللّه تَعْبد آلهتنا سنه و نعبد إلهک سنه و تعبد آلهتنا سنه و نعبد إلهک سنه فأجابهم اللّه بمثل ما قالوا ;

[ابوجعفر احول] از امام صادق(ع) درباره سبب تکرار آیات [در سوره کافرون] پرسید; امام فرمود: سبب نزول آن آیه ها و تکرار آن، این بود که قریش به رسول خدا(ص) گفتند: یک سال

تو خدایان ما را عبادت کن و یک سال ما خدای تو را عبادت می کنیم. [دوباره]تو یک سال خدایان ما را عبادت کن و ما یک سال خدای تو را عبادت می کنیم. خداوند نیز به آنان مانند سخنشان جواب داد>.

پیشنهاد کاشفان اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۱ - ۲۵،۲۷

۲۵- بازدید کنندگان از اصحاب کهف ، جملگی بر آن شدند که برای اجساد آنان ، حفاظی بنا کنند .

فقالوا ابنوا علیهم . .. لنتّخذنّ علیهم مسجدًا

۲۷- برخی از بازدید کنندگان اصحاب کهف ، دیگران را به اکتفا بر ایجاد یک ساختمان عادی در جایگاه آنان ، ترغیب کردند .

فقالوا ابنوا علیهم بنیًا ربّهم أعلم بهم

جمله <قال الذین غلبوا. ..> در ذیل آیه، قرینه این است که تنها، بخشی از بازدید کنندگان پیشنهاد بنای ساختمان عادی را مطرح کردند. نکره بودن <بنیاناً> بیان کننده بی تفاوتی آنان در برابر نوع و هویت ساختمان است.

پیشنهاد کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۸ - ۹

۹ - رد پیشنهاد کافران (نزول دفعی قرآن) از سوی خداوند ، به خاطر عدم صداقت آنان در خواسته خویش

أوَلم یکفروا بما أُوتی موسی من قبل

مقصود از آیه این است که اقتراح کافران، بهانه ای بیش نیست; زیرا اگر راست می گویند پس چرا به تورات با این که به صورت دفعی نازل شده بود پیش از این کفر ورزیدند.

پیشنهاد کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

٢٠ - كافرون - ١٠٩

۱ - برخی از کافرانِ عصر بعثت ، مـدعی آمادگی برای عبادت خداوند ، در صورت اظهار آمادگی پیامبر (ص) برای عبادت معبود های آنان

و لا أنتم عبدون ما أعبد

خبر دادن پیـامبر(ص) از سر سختی کـافران پس از نفی کوتـاه آمـدن خـود بیـانگر آن است که کـافران در صـورت سـازش پیامبر(ص) خود را برای عبادت خداوند آماده می خواندند.

۶ - کـافران ، خود را در اقـدام به خـداپرستی در صورت سـازش پیـامبر (ص) با آنان پیش قـدم معرفی کرده و زمان پیوسـتن پیامبر (ص) به آنان را ، پس از مرحله پیوستن خود به پیامبر (ص) قرار داده بودند .

لا أعبد ما تعبدون . و لا أنتم عبدون ما أعبد

در آیه قبل، پیامبر(ص) عبادت آینده خود از معبودهای مشـرکان را منتفی دانست؛ ولی در این آیه، عبادت کنونی مشـرکان از خداوند را نفی کرد. می توان گفت: اختلاف دو تعبیر که از فعلی بودن آیه قبل و اسمی بودن این آیه استفاده می شود ناظر به ترتیبی است که مشـرکان برای توافق بـا پیـامبر(ص)، پیشـنهاد کرده بودنـد. آنـان گفته بودنـد: یک سال ما بنـده خـدای تو می شویم؛ مشروط به این که سال بعد تو خدایان ما را پذیرا باشی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۵ - ۱

۱ - برخی از کافران عصر بعثت ، آمادگی خود را برای عبادت خداوند به صورتی مشروط ، به پیامبر (ص) عرضه کردند .

و لا أنتم عبدون ما أعبد

پیشنهاد

لاوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰ - ۱،۳،۵،۸

۱ یکی از برادران یوسف (لاوی) در جلسه توطئه ، سایر برادران را از کشتن او برحذر داشت .

قال قائل منهم لاتقتلوا یوسف

مفرد بودن کلمه <قائل> گویای این است که تنها یکی از برادران یوسف با کشتن وی مخالفت کرد و او بر اساس روایتی که در پایان آیه خواهد آمد، <لاوی> بوده است.

۳ لاوی به برادرانش پیشنهاد کرد اگر مصمم بر دور ساختن یوسف هستند او را در نهانگاه چاهی در مسیر کاروان ها بیفکنند .

قال قائل منهم لاتقتلوا یوسف و ألقوه فی غیبت الجب یلتقطه بعض السیّاره

<جبّ> به معنای چاه است و برخی از اهل لغت برآنند که <جبّ> به چاه عمیق و پر آب گفته می شود. در مجمع البیان آمده است: <غیبت الجب> حفره و یا طاق مانندی است که بالای آب چاه قرار می دهند و <سیاره> به گروهی که مسافرت می کنند (کاروان) اطلاق می شود.

۵ چاه پیشنهاد شده از طرف لاوی جهت افکندن یوسف (ع) ، چاهی مشخص و مورد نظر بوده است .

ألقوه فی غیبت الجب

ظاهر آن است که <ال> در <الجب> عهد ذهنی و اشاره به چاهی معهود می باشد.

۸ < عن أبی جعفر (ع) : . . . فقال لاوی لایجوز قتله و نغیبه عن أبینا ;

از امام باقر(ع) روایت شده است: . .. پس لاوی گفت: کشتنش روا نیست و [لیکن] او را از پدرمان دور می سازیم>.

پیشنهاد لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود

- ۱۱ - ۷۸ - ۲۵

۲۵ < عن أبی عبدالله (ع) فی قول لوط < هؤلاء بناتی هنّ أطهر لکم > قال : عرض علیهم التزویج ;

از امام صادق(ع) درباره سخن لوط که فرموده: <اینها دختران منند برای شما پاکیزه ترند> روایت شده است که فرمود: به آنان پیشنهاد ازدواج داد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۷۱ - ۱،۳،۱۰

۱- حضرت لوط (ع) قوم خود را به زناشویی با دخترانش به جای همجنس بازی و تعرّض به مهمانان ، پیشنهاد کرد .

قال هؤلاء بناتی إن کنتم فعلین

۳- حضرت لوط (ع) قوم خود را به جای همجنس بازی به ازدواج با زنان فرا خواند .

قال هؤلاء بناتی إن کنتم فعلین

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مقصود از <بناتی> زنان قوم باشند; چون پیامبران به منزله پدر برای امت خویشند. بعلاوه بسیار بودن تعداد کسانی که به منزل حضرت لوط(ع) هجوم آورده بودند و محدود بودن دختران آن حضرت، می تواند مؤید این نظریه باشد.

۱۰- < عن أحدهما : . . . ثم عرض علیهم بناته نکاحاً . . . ;

از امام باقر یا امام صادق(ع) روایت شده است: لوط(ع) دختران خود را برای ازدواج به قوم خود پیشنهاد کرد. ..>.

پیشنهاد محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۹ - ۹،۱۰

۹ - پیشنهاد آوردن کتابی هدایتگرتر از قرآن و تورات ، به کافران حق ستیز از سوی پیامبر (ص) و به فرمان خداوند

قل فأتوا بکتب . .. هو أهدی منهما

- تعهد پیامبر (ص) به پیروی از کتابی برتر از قرآن و تورات ، در صورت ارائه آن از سوی کافران

قل فأتوا بکتب . .. أتّبعه

عبارت <أتّبعه> جواب برای شرط محذوف است; یعنی، <إن تأتوا بکتاب أهدی منها أتّبعه; اگر کتابی هدایتگر بیاورید، من از آن پیروی خواهم کرد>.

پیشنهاد مرفهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۸ - ۲۳

۲۳- خداوند پیامبر (ص) را از پذیرش پیشنهاد رفاه مندان در خصوص گسستن از طبقه محروم و عطف توجه به طبقه اشراف ، برحذر داشت .

و لاتطع من أغفلنا قلبه

پیشنهاد موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳۰ - ۳

۳ - اظهار آمادگی موسی ، برای ارائه دلیلی روشن و محسوس (معجزه) برصدق رسالت خویش

قال أوَلوجئتک بشیء مبین

مراد از <بشیء مبین> به قرینه آیات بعد، معجزه عصا و ید بیضا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۳ - ۱

۱ - پیشنهاد موسی (ع) به ساحران ، برای پیشقدم شدن در نمایاندن سحر خویش

قال لهم موسی ألقوا ما أنتم ملقون

پیشنهاد مؤمن آل فرعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۶ – غافر – ۴۰ – ۲۸ – ۱۴

۱۴ – اطمینان دادن مؤمن آل فرعون به فرعونیان ، از آسیب دیدن موسی (ع) در صورت دروغ گو بودن ایشان در ادعا های خود

و إن یک کذبًا فعلیه کذبه

رد پیشنهاد برادران یوسف

جلد – نام سوره – سوره – آیه

- فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۴ - ۱

۱ یعقوب (ع) پیشنهاد فرزندانش را نپذیرفت و با روانه ساختن بنیامین به سفر مصر مخالفت کرد .

قال هل ءامنکم علیه إلاّ کما أمنتکم علی أخیه من قبل

رد پیشنهاد شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۷ - ۱۵

۱۵ - شعیب (ع) ، نگران رد شدن پیشنهاد وی از سوی موسی (ع)

و ما أُرید أن أشقّ علیک

این که حضرت شعیب(ع) بلافاصله اعلام می کند من قصد ندارم بر تو سخت بگیرم، در بردارنده نوعی درخواست از سوی شعیب(ع) است که موسی(ع) پیشنهاد او را رد نکند.

رد پیشنهاد کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۹ - ۳

۳ - فرمان خداوند به پیامبر (ص) ، مبنی بر سازش نکردن با کافران تکذیب گر و نپذیرفتن هرگونه پیشنهاد سازش

فلاتطع المکذّبین . ودّوا لوتدهن فیدهنون

رد پیشنهاد لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۹ - ۱،۳

۱ تبه کاران قوم لوط ، پیشنهاد او (ازدواج با دخترانش و ترک تعرض به مهمانان) را نپذیرفتند .

هؤلاء بناتی هنّ أطهر لکم . .. قالوا لقد علمت ما لنا فی بناتک من حق

۳ گرایش به لواط و همجنس بازی و عـدم اشتیاق به زنان ، دلیل های قوم تبهکار لوط برای نپـذیرفتن پیشـنهاد حضـرت لوط (ازدواج با دختران او و تعرض نکردن به مهمانان)

قالوا لقد علمت ما لنا فی بناتک من حق و إنک

لتعلم ما نريد

رد پيشنهاد متخلفان از مسافرت به حديبيه

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۵ - ۹

۹ - فرمان خدا به پيامبر (ص) ، در رد پيشنهاد غايبان از حديبيه ، براى شركت در جنگ خيبر

ذرونا نتّبعكم . .. قل لن تتّبعونا كذلكم قال اللّه من قبل

<لن تتّبعونا> مى تواند اخبار در مقام انشا باشد.

روش ارائه پيشنهاد

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۸۷ - ۱۲

۱۲ توجيه پيشنهاد ها و توصيه ها با بيان فرجام و نتيجه آنها ، امرى شايسته و نيكوست .

لاتأْيئسوا من روح الله إنه لايأْيئس من روح الله إلاّ القوم الكفرون

جمله <إنه لايـأْيئس . ..> تعليـل براى <لاتأْيئسوا ...> است. يعقوب(ع) توصـيه خويش (مأيوس نشـدن از رحمت الهى) را با بيـان فرجـام آن (سـقوط به ورطه كفر) تعليـل و توجيه كرد و اين درسـى است براى همگان كه توصـيه و يا فرمان خويش را با دليل و بيان فرجام آن قرين سازند.

فلسفه پيشنهاد لاوى

جلد - نام سوره - سوره - آيه - فيش

۸ - يوسف - ۱۲ - ۱۰ - ۴،۶

۴ لاوى با پيشنهاد خود (انداختن يوسف به چاه) درصدد حفظ جان يوسف (ع) و پيشگيرى از كشته شدن او بود .

لاتقتلوا يوسف . .. و ألقوه فى غيبت الجب يلتقطه بعض السيّاره

پيشـنهاد لاـوى مبنى بر اينكه يوسف را در چاهى بر سـر راه كاروانها بيفكنيـد، در مقابل اين نظر كه او را در بيابانى رها سازيد

(أو اطرحوه أرضاً) و نيز، تصريح به اینکه

کاروانی او را بیابد (یلتقطه بعض السیّاره) دلالت می کند که وی درصدد پیشگیری از تلف شدن یوسف(ع) و از میان رفتن او بوده است.

۶ لاوی قرار دادن یوسف (ع) را در چاه ، مقدمه دستیابی کاروان ها به یوسف (ع) و مایه نجات او از مرگ می دید .

یلتقطه بعض السیّاره

التقاط (مصدر یلتقطه) به معنای یافتن و برگرفتن است.

قبول پیشنهاد اشراف فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳۸ - ۱

۱ - پیشنهاد مشاوران مبنی بر فراخوانی ساحران از همه شهر ها ، مورد پذیرش فرعون

قالوا . .. و ابعث فی المدائن ... فجمع السحره

قبول پیشنهاد خواهر موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - طه - ۲۰ - ۴۰ - ۸

۸ - دایه پیشنهادی خواهر موسی ، از سوی درباریان فرعون پذیرفته و از وی استقبال شد .

هل أدلّکم علی من یکفله فرجعنک إلی أُمّک

<فاء> در <فرجعناک> فصیحه است; یعنی، از جملاتی محذوف خبر می دهد که از پذیرش پیشنهاد خواهر موسی حکایت دارد.

قبول پیشنهاد دختر

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۶ - ۱۰

۱۰ - احترام گذاشتن و ترتیب اثر دادن به نظرات و پیشنهاد های دختران ، رفتاری پسندیده برای پدر

قالت إحديهما يأبت استئجره . .. القويّ الأمين

قبول پیشنهاد دختر شعیب(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۲۶ – ۹

۹ – استقبال شعیب (ع) از پیشنهاد دختر خویش برای استخدام موسی (ع)

إنّ

خیر من استئجرت القویّ الأمین

سکوت شعیب(ع) در برابر پیشنهاد دختر خویش، نشانگر پذیرفته شدن آن از سوی وی می باشد. آیه بعد نیز گویای همین مطلب است.

قبول پیشنهاد شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۸ - ۱

۱ - پذیرفته شدن پیشنهاد شعیب (هشت تا ده سال کار در قبال ازدواج) از سوی موسی (ع)

قال إنّی أُرید . .. أیّما الأجلین قضیت فلاعدون علیّ

قبول پیشنهاد لاوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱ - ۱

۱ پیشنهاد لاوی (نکشتن یوسف (ع) و افکندن او در چاه) از طرف دیگر برادران پذیرفته شد و مورد تأیید قرار گرفت .

لاتقتلوا یوسف و ألقوه فی غیبت الجب . .. قالوا یأبانا ما لک

بیان حضور برادران در نزد یعقوب(ع) به منظور جلب رضایت او برای بردن یوسف(ع) به مراتع ، پس از بیان پیشنهاد لاوی (ألقوه فی غیبت الجب) گویای این نکته است که: آخرین پیشنهاد که همان طرح لاوی بود مورد پذیرش همگان قرار گرفت.

قبول پیشنهاد موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳۱ - ۱

۱ - موافقت فرعون با پیشنهاد موسی (ع) مبنی بر ارائه دلیل محسوس و روشن بر صدق رسالت خویش

قال أوَلوجئتک بشیء مبین . قال فأت به

یوسف(ع) و پیشنهاد برادران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۹ - ۱

۱ یوسف (ع) پیشنهاد فرزندان یعقوب (

بازداشت یکی از آنان به جای بنیامین) را نپذیرفت .

فخذ أحدنا مکانه . .. قال معاذ الله أن نأخذ إلاّ من وجدنا

<معاذ> مصدر میمی و مفعول مطلق برای فعل محذوف است (نعوذ بالله معاذاً). عبارت <أن نأخذ> به تقدیر <من> و متعلق به <معاذ الله> می باشد. بنابراین جمله <معاذ الله أن نأخذ ...> ; یعنی، به خدا پناه می بریم پناه آوردنی از اینکه بگیریم (بازداشت کنیم) مگر کسی را که متاع خویش را نزد او یافتیم.

پیشنهاد از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

پیشنهاد

برادران یوسف و پیشنهاد لاوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱ - ۱

۱ پیشنهاد لاوی (نکشتن یوسف (ع) و افکندن او در چاه) از طرف دیگر برادران پذیرفته شد و مورد تأیید قرار گرفت .

لاتقتلوا یوسف و ألقوه فی غیبت الجب . .. قالوا یأبانا ما لک

بیان حضور برادران در نزد یعقوب(ع) به منظور جلب رضایت او برای بردن یوسف(ع) به مراتع ، پس از بیان پیشنهاد لاوی (ألقوه فی غیبت الجب) گویای این نکته است که: آخرین پیشنهاد که همان طرح لاوی بود مورد پذیرش همگان قرار گرفت.

پوچی پیشنهاد کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۵ - ۳

۳ - تصریح به آمادگی نداشتن مشرکان برای پذیرش توحید در هیچ زمان و تأکید بر واهی بودن پیشنهاد سازش از سوی آنان ، وظیفه ای الهی بر عهده پیامبر (ص)

قل . .. و لا أنتم عبدون ما أعبد

آیات آغاز سوره که تسامح طرفین را در زمان آینده منتفی

دانست بـا مفهوم خود، تکلیف زمـان حـال را نیز روشن کرده است. در این حـال، وضـعیت زمان حال به صـراحت در این آیه، بیان شد تا موضع گیری ها شفاف باشد.

پیشنهاد ارائه کتاب هدایتگر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۴۹ – ۹

۹ – پیشنهاد آوردن کتابی هدایتگرتر از قرآن و تورات ، به کافران حق ستیز از سوی پیامبر (ص) و به فرمان خداوند

قل فأتوا بکتب . .. هو أهدی منهما

پیشنهاد ازدواج به موسی(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۲۷ – ۱،۲

۱ – تصمیم شعیب (ع) به ایجاد پیوند زناشویی میان موسی (ع) و یکی از دو دختر خود

قال إنّی أُرید أن أُنکحک إحدی ابنتیّ هتین

۲ – اقدام شعیب (ع) به در میان گذاشتن تصمیم خود با موسی (ع) در حضور دخترانش و با رضایت آنان

قال إنّی أُرید أن أُنکحک إحدی ابنتیّ هتین

اسـم اشـاره <هـاتین> نشـان دهنـده آن است که هر دو دخـتر شـعیب، در آن لحظه حضـور داشـتند. گفتنی است که حضـور دختران شعیب حکایت از رضایت آنان نسبت به مسأله ازدواج با موسی(ع) دارد.

پیشنهاد اشراف فرعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۳۶ – ۱

۱ – پیشنهاد مشاوران فرعون به خود وانهادن موقتی موسی و هارون (ع) و شتاب نکردن در مجازات آنان (زندانی کردن)

قال لئن اتّخذت إلهًا غیری لأجعلنّک من المسجونین . ..فماذا تأمرون . قالوا أرجه و

<ارجاء>

(مصـدر <ارج>) به معنـای وانهـادن و مهلت دادن است. گفتنی است که <ارج> در اصل <ارجی> بوده که لام الفعل آن حذف شده است. ضمیر <ه> ساکن در آخر آن، مفعولی و راجع به موسی می باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳۷ - ۱

۱ - گردآوری تمامی ساحران کارآزموده و ماهر برای مقابله با معجزات موسی ، طرح مشاوران فرعون بود .

و ابعث فی المدائن حشرین . یأتوک بکلّ سحّار علیم

پیشنهاد اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۱۶ - ۲

۲- رفتن به غار ، پیشنهاد برخی از اصحاب کهف به دیگر افراد گروه بود .

و إذ اعتزلتموهم و ما یعبدون إلاّ اللّه فأوُواْ إلی الکهف

پیشنهاد بت پرستی به محمد(ص)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۱ - ۵

۵ - < سأل [الأحول] أباعبداللّه (ع) عن ذلک فقال : کان سـبب نزولها و تکرارها أنّ قریشاً قالت لرسول اللّه تَعْبد آلهتنا سـنه و نعبد إلهک سنه و تعبد آلهتنا سنه و نعبد إلهک سنه فأجابهم اللّه بمثل ما قالوا ;

[ابوجعفر احول] از امـام صـادق(ع) دربـاره سـبب تکرار آیات [در سوره کافرون] پرسـید; امام فرمود: سـبب نزول آن آیه ها و تکرار آن، این بود که قریش به رسول خـدا(ص) گفتنـد: یـک سـال تو خـدایان مـا را عبـادت کن و یک سال ما خـدای تو را عبادت می کنیم. [دوباره]تو یک سال خدایان ما را عبادت کن و ما یک سال خدای

تو را عبادت می کنیم. خداوند نیز به آنان مانند سخنشان جواب داد>.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۳ - ۱،۶

۱ - برخی از کافرانِ عصر بعثت ، مدعی آمادگی برای عبادت خداوند ، در صورت اظهار آمادگی پیامبر (ص) برای عبادت معبود های آنان

و لا أنتم عبدون ما أعبد

خبر دادن پیامبر(ص) از سر سختی کافران پس از نفی کوتاه آمدن خود بیانگر آن است که کافران در صورت سازش پیامبر(ص) خود را برای عبادت خداوند آماده می خواندند.

۶ - کافران ، خود را در اقدام به خداپرستی در صورت سازش پیامبر (ص) با آنان پیش قدم معرفی کرده و زمان پیوستن پیامبر (ص) به آنان را ، پس از مرحله پیوستن خود به پیامبر (ص) قرار داده بودند .

لا أعبد ما تعبدون . و لا أنتم عبدون ما أعبد

در آیه قبل، پیامبر(ص) عبادت آینده خود از معبودهای مشرکان را منتفی دانست؛ ولی در این آیه، عبادت کنونی مشرکان از خداوند را نفی کرد. می توان گفت: اختلاف دو تعبیر که از فعلی بودن آیه قبل و اسمی بودن این آیه استفاده می شود ناظر به ترتیبی است که مشرکان برای توافق با پیامبر(ص)، پیشنهاد کرده بودند. آنان گفته بودند: یک سال ما بنده خدای تو می شویم؛ مشروط به این که سال بعد تو خدایان ما را پذیرا باشی.

پیشنهاد برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۸ - ۶

۶ بازداشت یکی

از برادران بنیامین در مقابل آزاد کردن او ، پیشنهاد برادران به یوسف

فخذ أحدنا مکانه

پیشنهاد به کافران

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۴۹ – ۹

۹ – پیشنهاد آوردن کتابی هدایتگرتر از قرآن و تورات ، به کافران حق ستیز از سوی پیامبر (ص) و به فرمان خداوند

قل فأتوا بکتب . .. هو أهدی منهما

پیشنهاد جادوگران فرعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۶۵ – ۱

۱ – ساحران فرعون ، در میدان مبارزه و رویارویی با موسی (ع) ، تعیین آغازکننده را به آن حضرت محول کردند .

قالوا یموسی إمّا أن تلقی . .. ألقی

پیشنهاد خواهر موسی(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۱۲ – ۸

۸ – اعلام آمادگی خواهر موسی ، برای راهنمایی کسان فرعون به خانواده ای مناسب جهت سرپرستی وی

قالت هل أدلّکم علی أهل بیت یکفلونه لکم و هم له نصحون

پیشنهاد دختر شعیب(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۲۶ – ۱

۱ – پیشنهاد یکی از دختران شعیب به پدر برای استخدام موسی (ع)

قالت إحدیهما یأبت استئجره

پیشنهاد سوزاندن ابراهیم(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۵ – صافات – ۳۷ – ۹۷ – ۱

۱ – توصیه دسته جمعی مشرکان به یکدیگر ، مبنی بر ساختن بنایی برای سوزاندن ابراهیم (ع)

قالوا ابنوا له بنیًا فألقوه فی الجحیم

پیشنهاد شعیب(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه

- فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۷ - ۱،۲

۱ - تصمیم شعیب (ع) به ایجاد پیوند زناشویی میان موسی (ع) و یکی از دو دختر خود

قال إنّی أُرید أن أُنکحک إحدی ابنتیّ هتین

۲ - اقدام شعیب (ع) به در میان گذاشتن تصمیم خود با موسی (ع) در حضور دخترانش و با رضایت آنان

قال إنّی أُرید أن أُنکحک إحدی ابنتیّ هتین

اسم اشاره <هاتین> نشان دهنده آن است که هر دو دختر شعیب، در آن لحظه حضور داشتند. گفتنی است که حضور دختران شعیب حکایت از رضایت آنان نسبت به مسأله ازدواج با موسی(ع) دارد.

پیشنهاد فرعونیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳۶ - ۴

۴ - صلاحدید مشاوران فرعون ، مبارزه با موسی به شیوه ای همسان شیوه خود وی بود و نه زندان و قتل .

قالوا أرجه و أخاه و ابعث فی المدائن حشرین

برداشت یاد شده از آن جا است که منطق فرعون <لأجعلنّک من المسجونین> بود; ولی مشاوران وی با دیدن معجزات موسی این راه را نپسندیدند; بلکه در پیش گرفتن راهی منطقی تر و ظاهراً همسان راه موسی را ترجیح دادند.

پیشنهاد قریش

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۱ - ۵

۵ - < سأل [الأحول] أباعبداللّه (ع) عن ذلک فقال : کان سبب نزولها و تکرارها أنّ قریشاً قالت لرسول اللّه تَعْبد آلهتنا سنه و نعبد إلهک سنه و تعبد آلهتنا سنه و نعبد إلهک سنه فأجابهم اللّه بمثل ما قالوا ;

[ابوجعفر احول]

از امام صادق(ع) درباره سبب تکرار آیات [در سوره کافرون] پرسید; امام فرمود: سبب نزول آن آیه ها و تکرار آن، این بود که قریش به رسول خدا(ص) گفتند: یک سال تو خدایان ما را عبادت کن و یک سال ما خدای تو را عبادت می کنیم. [دوباره]تو یک سال خدایان ما را عبادت کن و ما یک سال خدای تو را عبادت می کنیم. خداوند نیز به آنان مانند سخنشان جواب داد>.

پیشنهاد کاشفان اصحاب کهف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۱ - ۲۵،۲۷

۲۵- بازدید کنندگان از اصحاب کهف ، جملگی بر آن شدند که برای اجساد آنان ، حفاظی بنا کنند .

فقالوا ابنوا علیهم . .. لنتّخذنّ علیهم مسجدًا

۲۷- برخی از بازدید کنندگان اصحاب کهف ، دیگران را به اکتفا بر ایجاد یک ساختمان عادی در جایگاه آنان ، ترغیب کردند .

فقالوا ابنوا علیهم بنیًا ربّهم أعلم بهم

جمله <قال الذین غلبوا. ..> در ذیل آیه، قرینه این است که تنها، بخشی از بازدید کنندگان پیشنهاد بنای ساختمان عادی را مطرح کردند. نکره بودن <بنیاناً> بیان کننده بی تفاوتی آنان در برابر نوع و هویت ساختمان است.

پیشنهاد کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۴۸ - ۹

۹ - رد پیشنهاد کافران (نزول دفعی قرآن) از سوی خداوند ، به خاطر عدم صداقت آنان در خواسته خویش

أوَلم یکفروا بما أُوتی موسی من قبل

مقصود از آیه این است که اقتراح کافران، بهانه ای بیش نیست; زیرا اگر راست می گویند پس چرا به تورات

با این که به صورت دفعی نازل شده بود پیش از این کفر ورزیدند.

پیشنهاد کافران صدراسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۳ - ۱،۶

۱ - برخی از کافرانِ عصر بعثت ، مدعی آمادگی برای عبادت خداوند ، در صورت اظهار آمادگی پیامبر (ص) برای عبادت معبود های آنان

و لا أنتم عبدون ما أعبد

خبر دادن پیامبر(ص) از سر سختی کافران پس از نفی کوتاه آمدن خود بیانگر آن است که کافران در صورت سازش پیامبر(ص) خود را برای عبادت خداوند آماده می خواندند.

۶ - کافران ، خود را در اقدام به خداپرستی در صورت سازش پیامبر (ص) با آنان پیش قدم معرفی کرده و زمان پیوستن پیامبر (ص) به آنان را ، پس از مرحله پیوستن خود به پیامبر (ص) قرار داده بودند .

لا أعبد ما تعبدون . و لا أنتم عبدون ما أعبد

در آیه قبل، پیامبر(ص) عبادت آینده خود از معبودهای مشرکان را منتفی دانست; ولی در این آیه، عبادت کنونی مشرکان از خداوند را نفی کرد. می توان گفت: اختلاف دو تعبیر که از فعلی بودن آیه قبل و اسمی بودن این آیه استفاده می شود ناظر به ترتیبی است که مشرکان برای توافق با پیامبر(ص)، پیشنهاد کرده بودند. آنان گفته بودند: یک سال ما بنده خدای تو می شویم; مشروط به این که سال بعد تو خدایان ما را پذیرا باشی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - کافرون - ۱۰۹ - ۵ - ۱

۱

- برخی از کافران عصر بعثت ، آمادگی خود را برای عبادت خداوند به صورتی مشروط ، به پیامبر (ص) عرضه کردند .

و لا أنتم عبدون ما أعبد

پیشنهاد لاوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰ - ۱،۳،۵،۸

۱ یکی از برادران یوسف (لاوی) در جلسه توطئه ، سایر برادران را از کشتن او برحذر داشت .

قال قائل منهم لاتقتلوا یوسف

مفرد بودن کلمه <قائل> گویای این است که تنها یکی از برادران یوسف با کشتن وی مخالفت کرد و او بر اساس روایتی که در پایان آیه خواهد آمد، <لاوی> بوده است.

۳ لاوی به برادرانش پیشنهاد کرد اگر مصمم بر دور ساختن یوسف هستند او را در نهانگاه چاهی در مسیر کاروان ها بیفکنند .

قال قائل منهم لاتقتلوا یوسف و ألقوه فی غیبت الجب یلتقطه بعض السیّاره

<جبّ> به معنای چاه است و برخی از اهل لغت برآنند که <جبّ> به چاه عمیق و پر آب گفته می شود. در مجمع البیان آمده است: <غیبت الجب> حفره و یا طاق مانندی است که بالای آب چاه قرار می دهند و <سیاره> به گروهی که مسافرت می کنند (کاروان) اطلاق می شود.

۵ چاه پیشنهاد شده از طرف لاوی جهت افکندن یوسف (ع) ، چاهی مشخص و مورد نظر بوده است .

ألقوه فی غیبت الجب

ظاهر آن است که <ال> در <الجب> عهد ذهنی و اشاره به چاهی معهود می باشد.

۸ > عن أبی جعفر (ع) : . . . فقال لاوی لایجوز قتله و نغیبه عن أبینا ;

از امام باقر(ع) روایت شده

است: . .. پس لاوی گفت: کشتنش روا نیست و [لیکن] او را از پدرمان دور می سازیم>.

پیشنهاد لوط(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۷۸ – ۲۵

۲۵ < عن أبی عبدالله (ع) فی قول لوط < هؤلاء بناتی هنّ أطهر لکم > قال : عرض علیهم التزویج ;

از امام صادق(ع) درباره سخن لوط که فرموده: <اینها دختران منند برای شما پاکیزه ترند> روایت شده است که فرمود: به آنان پیشنهاد ازدواج داد>.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۹ – حجر – ۱۵ – ۷۱ – ۱،۳،۱۰

۱– حضرت لوط (ع) قوم خود را به زناشویی با دخترانش به جای همجنس بازی و تعرّض به مهمانان ، پیشنهاد کرد .

قال هؤلاء بناتی إن کنتم فعلین

۳– حضرت لوط (ع) قوم خود را به جای همجنس بازی به ازدواج با زنان فرا خواند .

قال هؤلاء بناتی إن کنتم فعلین

برداشت فوق، مبتنی بر این نکته است که مقصود از <بناتی> زنان قوم باشند; چون پیامبران به منزله پدر برای امت خویشند. بعلاوه بسیار بودن تعداد کسانی که به منزل حضرت لوط(ع) هجوم آورده بودند و محدود بودن دختران آن حضرت، می تواند مؤید این نظریه باشد.

۱۰– < عن أحدهما : . . . ثم عرض علیهم بناته نکاحاً . . . ;

از امام باقر یا امام صادق(ع) روایت شده است: لوط(ع) دختران خود را برای ازدواج به قوم خود پیشنهاد کرد. ..>.

پیشنهاد محمد(ص)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۴۹ – ۹،۱۰

- پیشنهاد آوردن کتابی هدایتگرتر از قرآن و تورات ، به کافران حق ستیز از سوی پیامبر (ص) و به فرمان خداوند

قل فأتوا بکتب . .. هو أهدی منهما

۱۰ - تعهد پیامبر (ص) به پیروی از کتابی برتر از قرآن و تورات ، در صورت ارائه آن از سوی کافران

قل فأتوا بکتب . .. أتّبعه

عبارت <أتّبعه> جواب برای شرط محذوف است; یعنی، <إن تأتوا بکتاب أهدی منها أتّبعه; اگر کتابی هدایتگر بیاورید، من از آن پیروی خواهم کرد>.

پیشنهاد مرفهان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - کهف - ۱۸ - ۲۸ - ۲۳

۲۳- خداوند پیامبر (ص) را از پذیرش پیشنهاد رفاه مندان در خصوص گسستن از طبقه محروم و عطف توجه به طبقه اشراف ، برحذر داشت .

و لاتطع من أغفلنا قلبه

پیشنهاد موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳۰ - ۳

۳ - اظهار آمادگی موسی ، برای ارائه دلیلی روشن و محسوس (معجزه) برصدق رسالت خویش

قال أوَلوجئتک بشیء مبین

مراد از <بشیء مبین> به قرینه آیات بعد، معجزه عصا و ید بیضا است.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۴۳ - ۱

۱ - پیشنهاد موسی (ع) به ساحران ، برای پیشقدم شدن در نمایاندن سحر خویش

قال لهم موسى ألقوا ما أنتم ملقون

پیشنهاد مؤمن آل فرعون

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۲۸ - ۱۴

۱۴ - اطمینان دادن مؤمن آل فرعون به فرعونیان ، از آسیب

دیدن موسی (ع) در صورت دروغ گو بودن ایشان در ادعا های خود

و إن یک کذبًا فعلیه کذبه

رد پیشنهاد برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۴ - ۱

۱ یعقوب (ع) پیشنهاد فرزندانش را نپذیرفت و با روانه ساختن بنیامین به سفر مصر مخالفت کرد .

قال هل ءامنکم علیه إلّا کما أمنتکم علی أخیه من قبل

رد پیشنهاد شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۷ - ۱۵

۱۵ - شعیب (ع) ، نگران رد شدن پیشنهاد وی از سوی موسی (ع)

و ما أُرید أن أشقّ علیک

این که حضرت شعیب(ع) بلافاصله اعلام می کند من قصد ندارم بر تو سخت بگیرم، در بردارنده نوعی درخواست از سوی شعیب(ع) است که موسی(ع) پیشنهاد او را رد نکند.

رد پیشنهاد کافران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۹ - قلم - ۶۸ - ۹ - ۳

۳ - فرمان خداوند به پیامبر (ص) ، مبنی بر سازش نکردن با کافران تکذیب گر و نپذیرفتن هرگونه پیشنهاد سازش

فلاتطع المکذّبین . ودّوا لوتدهن فیدهنون

رد پیشنهاد لوط(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۷۹ - ۱،۳

۱ تبه کاران قوم لوط ، پیشنهاد او (ازدواج با دخترانش و ترک تعرض به مهمانان) را نپذیرفتند .

هؤلاء بناتی هنّ أطهر لکم . .. قالوا لقد علمت ما لنا فی بناتک من حق

۳ گرایش به لواط و همجنس بازی و عدم اشتیاق به زنان ،

دلیل های قوم تبهکار لوط برای نپذیرفتن پیشنهاد حضرت لوط (ازدواج با دختران او و تعرض نکردن به مهمانان)

قالوا لقد علمت ما لنا فی بناتک من حق و إنک لتعلم ما نرید

رد پیشنهاد متخلفان از مسافرت به حدیبیه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - فتح - ۴۸ - ۱۵ - ۹

۹ - فرمان خدا به پیامبر (ص) ، در رد پیشنهاد غایبان از حدیبیه ، برای شرکت در جنگ خیبر

ذرونا نتّبعکم . .. قل لن تتّبعونا کذلکم قال اللّه من قبل

<لن تتّبعونا> می تواند اخبار در مقام انشا باشد.

روش ارائه پیشنهاد

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۸۷ - ۱۲

۱۲ توجیه پیشنهاد ها و توصیه ها با بیان فرجام و نتیجه آنها ، امری شایسته و نیکوست .

لاتأْیئسوا من روح الله إنه لایأْیئس من روح الله إلاّ القوم الکفرون

جمله <إنه لایـأْیئس . ..> تعلیـل برای <لاتأْیئسوا ...> است. یعقوب(ع) توصـیه خویش (مأیوس نشـدن از رحمت الهی) را با بیـان فرجـام آن (سـقوط به ورطه کفر) تعلیـل و توجیه کرد و این درسـی است برای همگان که توصـیه و یا فرمان خویش را با دلیل و بیان فرجام آن قرین سازند.

فلسفه پیشنهاد لاوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۰ - ۴،۶

۴ لاوی با پیشنهاد خود (انداختن یوسف به چاه) درصدد حفظ جان یوسف (ع) و پیشگیری از کشته شدن او بود .

لاتقتلوا یوسف . .. و ألقوه فی غیبت الجب یلتقطه بعض السیّاره

پیشنهاد لاوی

مبنی بر اینکه یوسف را در چاهی بر سر راه کاروانها بیفکنید، در مقابل این نظر که او را در بیابانی رها سازید (أو اطرحوه أرضاً) و نیز، تصریح به اینکه کاروانی او را بیابد (یلتقطه بعض السیّاره) دلالت می کند که وی درصدد پیشگیری از تلف شدن یوسف(ع) و از میان رفتن او بوده است.

۶ لاوی قرار دادن یوسف (ع) را در چاه ، مقدمه دستیابی کاروان ها به یوسف (ع) و مایه نجات او از مرگ می دید .

یلتقطه بعض السیّاره

التقاط (مصدر یلتقطه) به معنای یافتن و برگرفتن است.

قبول پیشنهاد اشراف فرعون

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – شعراء – ۲۶ – ۳۸ – ۱

۱ – پیشنهاد مشاوران مبنی بر فراخوانی ساحران از همه شهر ها ، مورد پذیرش فرعون

قالوا . .. و ابعث فی المدائن ... فجمع السحره

قبول پیشنهاد خواهر موسی(ع)

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۱ – طه – ۲۰ – ۴۰ – ۸

۸ – دایه پیشنهادی خواهر موسی ، از سوی درباریان فرعون پذیرفته و از وی استقبال شد .

هل أدلّکم علی من یکفله فرجعنک إلی أُمّک

<فاء> در <فرجعناك> فصیحه است؛ یعنی، از جملاتی محذوف خبر می دهد که از پذیرش پیشنهاد خواهر موسی حکایت دارد.

قبول پیشنهاد دختر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۳ – قصص – ۲۸ – ۲۶ – ۱۰

۱۰ – احترام گذاشتن و ترتیب اثر دادن به نظرات و پیشنهاد های دختران ، رفتاری پسندیده برای پدر

قالت إحديهما يأبت استئجره . .. القویّ الأمین

قبول پیشنهاد دختر شعیب(ع)

جلد – نام

سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۶ - ۹

۹ - استقبال شعیب (ع) از پیشنهاد دختر خویش برای استخدام موسی (ع)

إنّ خیر من استئجرت القویّ الأمین

سکوت شعیب(ع) در برابر پیشنهاد دختر خویش، نشانگر پذیرفته شدن آن از سوی وی می باشد. آیه بعد نیز گویای همین مطلب است.

قبول پیشنهاد شعیب(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - قصص - ۲۸ - ۲۸ - ۱

۱ - پذیرفته شدن پیشنهاد شعیب (هشت تا ده سال کار در قبال ازدواج) از سوی موسی (ع)

قال إنّی أُرید . .. أیّما الأجلین قضیت فلاعدون علیّ

قبول پیشنهاد لاوی

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۱۱ - ۱

۱ پیشنهاد لاوی (نکشتن یوسف (ع) و افکندن او در چاه) از طرف دیگر برادران پذیرفته شد و مورد تأیید قرار گرفت .

لاتقتلوا یوسف و ألقوه فی غیبت الجب . .. قالوا یأبانا ما لک

بیان حضور برادران در نزد یعقوب(ع) به منظور جلب رضایت او برای بردن یوسف(ع) به مراتع ، پس از بیان پیشنهاد لاوی (ألقوه فی غیبت الجب) گویای این نکته است که: آخرین پیشنهاد که همان طرح لاوی بود مورد پذیرش همگان قرار گرفت.

قبول پیشنهاد موسی(ع)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۳۱ - ۱

۱ – موافقت فرعون با پیشنهاد موسی (ع) مبنی بر ارائه دلیل محسوس و روشن بر صدق رسالت خویش

قال أوَلو جئتک بشیء مبین . قال

فأت به

یوسف(ع) و پیشنهاد برادران

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۹ - ۱

۱ یوسف (ع) پیشنهاد فرزندان یعقوب (بازداشت یکی از آنان به جای بنیامین) را نپذیرفت .

فخذ أحدنا مکانه . .. قال معاذ الله أن نأخذ إلاّ من وجدنا

<معاذ> مصدر میمی و مفعول مطلق برای فعل محذوف است (نعوذ بالله معاذاً). عبارت <أن نأخذ> به تقدیر <من> و متعلق به <معاذ الله> می باشد. بنابراین جمله <معاذ الله أن نأخذ ...> ; یعنی، به خدا پناه می بریم پناه آوردنی از اینکه بگیریم (بازداشت کنیم) مگر کسی را که متاع خویش را نزد او یافتیم.

پیشینه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

پیشینه

آثار جهل به پیشینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۲ - مؤمنون - ۲۳ - ۶۹ - ۵

۵ - مشخص نبودن پیشنیه زندگی شخص ، مانع از پذیرش ادعای او در رابطه با نبوت و وحی

أم لم یعرفوا رسولهم فهم له منکرون

آثار حسن پیشینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۳ - ۷

۷ حسن سابقه افراد از نشانه های بی گناهی آنان است .

لقد علمتم . .. و ما کنا سرقین

آثار سوء پیشینه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۶۴ – ۶

۶ سوء سابقه افراد ، کافی در لزوم احتیاط و باور نکردن به قول و قرار ایشان

هل ءامنكم عليه إلاّ كما أمنتكم على أخيه من قبل

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۷۳ –

۸ سوء پیشینه افراد ، مجوز بازداشت و بازجویی آنان به مجرد سوء ظن به ایشان

تالله لقد علمتم ما جئنا لنفسد فی الأرض و ما کنا سرقین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۲ - ۲

۲ - گذشته نادرست افراد ، مانع از گرایش آنان به صلاح و پذیرش ایمان نیست .

واتبعک الأرذلون . قال و ما علمی بما کانوا یعملون

مراد از <ما کانوا یعملون> به قرینه <الأرذلون> و نیز آیه بعد کردار ناصواب است; نه صرفاً مشاغل پایین اجتماعی; زیرا اگر مراد صرف مشاغل بود، گناهی متوجه آنان نبود که محاسبه آن برعهده خدا باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۷ - ۶

۶- تکذیب آیات الهی ، زشت کاری و سوء پیشینه ، زمینه های نزول عذاب الهی و هلاکت

الذین کذّبوا بایتنا إنّهم کانوا قوم سوء فأغرقنهم أجمعین

ادعای پیشینه برای قرآن

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۷ - احقاف - ۴۶ - ۱۱ - ۱۲

۱۲- کافران ، مدعی دروغ بودن قرآن و پیشینه داشتن آن

فسیقولون هذا إفک قدیم

اهمیت پیشینه مردم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۴ - ۵

۵ ضرورت توجه به پیشینه افراد در اعتماد به آنان و اعطای مسؤولیت به ایشان

هل ءامنكم عليه إلّا كما أمنتكم على أخيه من قبل

پیشینه انبیا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۶۲ - ۴

۴ خداوند ، پیامبران را از میان انسانهایی که خوش نام و

به نیکی معروفند ، انتخاب می کند .

قد کنت فینا مرجوًّا قبل هذا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - هود - ۱۱ - ۸۷ - ۱۶

۱۶ خداوند ، پیامبران را از میان انسانهایی که به نیکی معروفند ، انتخاب می کند .

إنک لأنت الحلیم الرشید

پیشینه جهنم

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - نبأ - ۷۸ - ۲۱ - ۳

۳ - جهنم ، از دیرباز آفریده و مهیّا شده است .

إنّ جهنّم کانت مرصادًا

فعل ماضی <کانت>، ممکن است بر حتمی بودن حوادث آینده دلالت کند. هم چنین می تواند بر زمان گذشته و مهیّا بودن جهنم در آن دلالت داشته باشد. برداشت یاد شده بر مبنای دوم است.

پیشینه حق ناپذیری مصریان باستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۶ - غافر - ۴۰ - ۳۴ - ۱۰

۱۰ - حق ناپذیری و ایمان نیاوردن مردم مصر در عصر موسی (ع) ، دارای پیشینه در تاریخ گذشته آنان و به ارث رسیده از اجدادشان

لقد جاءکم یوسف من قبل . .. فمازلتم فی شکّ ممّا جاءکم به حتّی إذا هلک قلتم لن یبع

پیشینه کفر به رسولان خدا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ – بینه – ۹۸ – ۴ – ۷

۷ – توجّه به سابقه دار بودن امتناعِ کفرپیشگان از پذیرش فرستادگان الهی و کتاب های آسمانی ، تسلّابخش پیامبر (ص)

لم یکن . .. منفکّین ... و ما تفرّق الّذین أُوتوا الکتب إلاّ من بعد ما جاءتهم ال

پیشینه کفر به کتب آسمانی

جلد – نام سوره – سوره –

آیه – فیش

۲۰ – بینه – ۹۸ – ۴ – ۷

۷ – توجّه به سابقه دار بودن امتناعِ کفرپیشگان از پذیرش فرستادگان الهی و کتاب های آسمانی ، تسلّابخش پیامبر (ص)

لم یکن . .. منفکّین ... و ما تفرّق الّذین أُوتوا الکتب إلاّ من بعد ما جاءتهم ال

پیشینه همراهی محتضر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – واقعه – ۵۶ – ۸۴ – ۳

۳ – حضور نزدیکان در کنار شخص به هنگام احتضار وی ، دارای سابقه در تاریخ

إذا بلغت الحلقوم . و أنتم حینئذ تنظرون

حسن پیشینه برادران یوسف

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – یوسف – ۱۲ – ۷۳ – ۳،۶

۳ فرزندان یعقوب نزد کارگزاران یوسف به حسن سابقه و منزه بودن از فساد و سرقت شناخته شده بودند .

تالله لقد علمتم ما جئنا لنفسد فی الأرض و ما کنا سرقین

۶ فرزندان یعقوب با بیان حسن پیشینه خویش و منزه بودنشان از سابقه سرقت ، متهم شدنشان را به سرقت جام شاهی امری نابجا شمردند .

لقد علمتم . .. ما کنا سرقین

حسن پیشینه متقین

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – ذاریات – ۵۱ – ۱۶ – ۴

۴ - پیشینه درخشان تقواپیشگان و پایبندی آنان بر نیکی و احسان ، مایه دستیابی آنان به بهشت و هدایای پروردگار

ءاخذین ما ءاتیهم . .. إنّهم کانوا قبل ذلک محسنین

حسن پیشینه متهمان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۴ - ۶

۶ سابقه نیک متهمان و سوگند آنان بر بی گناهی ، مانع جواز

بازرسی و تحقیق درباره اتهام آنان نمی شود .

قالوا تالله لقد علمتم . .. فما جزؤه إن کنتم کذبین

از آن جا که کارگزاران یوسف به حسن سابقه فرزندان یعقوب اعتنایی نکردند و به سوگند آنان بر بی گناهی خویش وقعی ننهادند ، می توان برداشت فوق را استفاده کرد.

حُسن پیشینه مریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۰ - ۴

۴- مریم (س) ، دارای گذشته ای درخشان و خالی از هرگونه انحراف از مسیر قدس و پاکی بود .

قالت أنّی یکون لی غلم . .. و لم أک بغیًّا

<بغیّ> به زنی گفته می شود که با نامحرمان، تماس نامشروع داشته باشد.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۷ - ۴

۴- مریم (س) ، نزد قوم خود ، دارای پیشینه ای سالم و پاک و عاری از هرگونه بدنامی بود .

قالوا یمریم لقد جئت شیئًا فریًّا

<فریّاً> دال بر آن است که مردم به تصور واهی، مریم(س) را خطاکار دانسته، از این عمل شگفت زده شده و آن را قطع روند گذشته مریم دانستند; بنابراین سابقه او نزد مردم سابقه ای نیکو بوده است.

حُسن پیشینه والدینمریم(س)

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۰ - مریم - ۱۹ - ۲۸ - ۵

۵- پدر و مادر مریم (س) میان مردم زمان خود ، به پاکی و صلاح مشهور بودند .

ما کان أبوک امرأ سوء و ما کانت أُمّک بغیًّا

ذکر پیشینه کفر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۲۰ – بینه

۷ - ۴ - ۹۸ -

۷ - توجّه به سابقه دار بودن امتناعِ کفرپیشگان از پذیرش فرستادگان الهی و کتاب های آسمانی ، تسلّابخش پیامبر (ص)

لم یکن . .. منفکّین ... و ما تفرّق الّذین أُوتوا الکتب إلاّ من بعد ما جاءتهم ال

سوء پیشینه قوم لوط

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۴ - ۱۰

۱۰- پیشینه جامعه لوط در فسق و انحراف ، زمینه ساز روی آوردن آنان به کردار پلید و ناشایست و نپذیرفتن دعوت حضرت لوط (ع)

تعمل الخبئث إنّهم کانوا قوم سوء فسقین

جمله <إنّهم کانوا. ..> به منزله تعلیل برای جمله <تعمل الخبائث> می باشد. بنابراین فسق (عصیان و انحراف از مسیر حق) موجب رویکرد قوم لوط به خبائث و ناپاکی ها گردید. گفتنی است فعل <کانوا> که مفید استقرار وصف است بیانگر تداوم فساد در میان قوم لوط در گذشته است.

سوء پیشینه قوم نوح

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۱ - انبیاء - ۲۱ - ۷۷ - ۴،۵

۴- سابقه زشت کاری قوم نوح ، زمینه ساز تکذیب آیات الهی از سوی آنان بود .

الذین کذّبوا بایتنا إنّهم کانوا قوم سوء

برداشت یاد شده مبتنی براین است که جمله <إنّهم کانوا. ..> در مقام تعلیل برای جمله پیشین باشد. گفتنی است فعل <کانوا> که مفید استقرار وصف است بیانگر دوام وصف سوء در میان قوم نوح است و از آن جایی که فعل ماضی است، از آن به سوء سابقه تعبیر شده است.

۵- خداوند ، تمامی افراد قوم نوح را به خاطر تکذیب

آیات الهی ، زشت کاری و سوء پیشینه غرق کرد .

الذین کذّبوا بایتنا إنّهم کانوا قوم سوء فأغرقنهم أجمعین

برداشت یاد شده مبتنی براین است که جمله <إنّهم کانوا. ..> ضمن این که تعلیل برای جمله پیشین است، مقدمه ای برای جمله <فأغرقناهم...> نیز باشد.

عفو از سوء پیشینه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۸ - ممتحنه - ۶۰ - ۱۲ - ۱۹

۱۹ - پیامبر (ص) ، موظّف به پذیرش بیعت متعهدان به شرایط ایمان ، با وجود پیشینه ناشایست آنان

یأیّها النبیّ إذا جاءک . .. فبایعهنّ و استغفر لهنّ اللّه

از سیاق آیه و شرایط تاریخ نزول آن، استفاده می شود که برخی از زنان بیعت کننده، خطاهایی در گذشته داشته اند که چه بسا پذیرش بیعت آنان دشوار می نموده است; ولی خداوند به پیامبر(ص) فرمان داده تا بیعت ایشان را بپذیرد و برای آنان طلب آمرزش کند.

فراموشی پیشینه برادران یوسف

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۶۹ - ۷

۷ یوسف (ع) از برادرش بنیامین خواست گذشته برادرانش را نادیده انگارد و از رفتار ناروای پیشین آنان اندوهی به خود راه ندهد .

فلاتبتئس بما کانوا یعملون

ممنوعیت تجسس از پیشینه انسان ها

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۱۳ - شعراء - ۲۶ - ۱۱۲ - ۴

۴ – هدایتگران و مبلغان الهی ، نباید در باره زندگی خصوصی گذشته گروندگان به دین تحقیق کنند .

قال و ما علمی بما کانوا یعملون

نقش پیشینه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۱۸ – نجم – ۵۳ –

۳ - ۴

۴ - گذشته زندگی هر فرد ، از ملاک های قابل اتکا در داوری نسبت به آینده وی *

و ما ینطق عن الهوی

برداشت یاد شده بنابراین نکته است که مقدم یاد شدن <ما ضلّ> (با صیغه ماضی) قبل از <و ماینطق> (با ساختار مضارع) که بیانگر استمرار است و نظر به آینده دارد به مطلب بالا اشاره داشته باشد؛ یعنی، کسی که از آغاز تا کنون پاک و شایسته بوده در آینده نیز پاک خواهد زیست.

پیشینیان از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

پیشینیان

آثار گناه پیشینیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۱۶۲ - ۵

۵ عذاب نازل شده بر متمردان بنی اسرائیل ، سزای گناهان پیشین آنان و گناه رعایت نکردن آداب مقرر شده برای ورود به بیت المقدس

فبدل الذین ظلموا منهم . .. فأرسلنا علیهم رجزاً من السماء بما کانوا یظلمون

برداشت فوق مبتنی بر این است که مراد از ظلم و گناه در <بما کانوا یظلمون> غیر از گناهی باشد که جمله <فبدل . .. > بیانگر آن است. بنابراین تفریع <فأرسلنا ... > بر <فبدل ... > می رساند که عذاب به خاطر تبدیل فرمان الهی بوده و <باء> سببیه در <بما کانوا... > می رساند که عذاب به سبب ظلم و گناه سابق بنی اسرائیل بوده است. یعنی گناهِ تبدیل، به ضمیمه گناهان سابق باعث ارسال عذاب بر آنان شد.

ارزش رسوم پیشینیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۲۹ - ۱۰

۱۰ استناد به سنن پیشینیان در تعیین ارزشها، مخالف اخلاص در عبودیت خداوند است.

قالوا وجدنا

علیها ءاباءنا. .. و ادعوه مخلصین له الدین

اطاعت از رسوم پیشینیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۳ – نساء – ۴ – ۲۶ – ۴

۴ لزوم پیروی از سنن و قوانین صحیح پیشینیان

و یهدیکم سنن الّذین من قبلکم

افسانه های پیشینیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۳۱ – ۴

۴ کافران مکه معارف قرآن را نوشتار ها و سخنان بی اساس مردمان نخستین قلمداد می کردند .

إن هذا إلا أسطیر الأولین

<اساطیر> به معنای نوشتارهای بی اساس است و <الأولین> به معنای انسانهای نخستین. گفتنی است که <اساطیر الأولین> می تواند به این معنا باشد که این اسطوره ها در باره انسانهای اولیه است و می تواند به این معنا باشد که اینها اسطوره هایی است ساخته و پرداخته انسانهای نخستین.

بدعت در پیشینیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۰۴ – ۱۳

۱۳ احکام ویژه بحیره ، سائبه ، وصیله و حامی بدعتهایی دیرینه و میراثی به جا مانده از مردمانی نادان و گمراه .

ما جعل اللّه من بحیره . .. قالوا حسبنا ما وجدناعلیه ءاباءنا

تاریخ پیشینیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۶۰ – ۱۴

۱۴ بیان سرنوشت شوم بدکاران و تحلیل تاریخ گذشتگان ، از روش های قرآن برای هدایت بشر و بازداری آنان از رفتار های ناپسند

قل هل انبئکم بشرّ من ذلک مثوبه عند اللّه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۶ –

۱ توبیخ کافران به آیات الهی به جهت تدبر نکردن در تاریخ و درس نگرفتن از سرنوشت هلاکتبار امتهای گذشته

ألم یروا کم أهلکنا من قبلهم من قرن

تبیین رسوم پیشینیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۳ - نساء - ۴ - ۲۶ - ۲،۳،۱۱

۲ اراده خداوند بر تبیین سنت های اقوام گذشته برای مردم

یرید اللّه لیبیّن لکم . .. سنن الّذین من قبلکم

بنابر اینکه <سنن الّذین>، مفعول <لیبیّن> نیز باشد. یعنی هر دو فعل <لیبیّن> و <یهدیکم> از باب تنازع در <سنن> عمل کرده باشند.

۳ بیان احکام از سوی خداوند ، در جهت تبیین سنت های صحیح پیشینیان *

یرید اللّه لیبیّن لکم و یهدیکم سنن الّذین من قبلکم

در برداشت فوق جمله <یهدیکم>، غایت بیان احکام گرفته شده است و با توجه به کلمه <یهدیکم>، مراد از سنّتهای پیشینیان، آداب و احکام صحیح آنان می باشد که خداوند با بیان احکام خویش آنها را به مخاطبان می شناساند.

۱۱ تبیین احکام و ارائه سنن پیشینیان از سوی خداوند ، برخاسته از علم و حکمت او

یرید اللّه . .. و اللّه علیم حکیم

تذکر سرنوشت پیشینیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۶ - اعراف - ۷ - ۷۴ - ۵

۵ توجه دادن مردم به نعمت های الهی و سرنوشت پیشینیان ، از روش های تبلیغی صالح (ع) برای گرایش دادن آنان به پرستش خدای یگانه

و اذكروا إذ جعلكم خلفاء . .. فاذكروا ءالاء اللّه

تقليد از پيشينيان

جلد – نام سوره – سوره – آيه – فيش

۵ – اعراف – ۷ – ۲۸ – ۲

۲

تقلید از سنتهای زشت پیشینیان، امری نکوهیده در بینش الهی

و إذا فعلوا فحشه قالوا وجدنا علیها ءاباءنا

جانشینی از پیشینیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۳۳ - ۹،۱۴

۹ اگر خداوند بخواهد نسلی از آدمیان را قبل از موعد طبیعی خود نابود می سازد و نسلهای دیگری را جایگزین آن می کند.

إن یشأ یذهبکم و یستخلف من بعدکم ما یشاء

چون آمد و شد نسلها امری عادی و طبیعی است، جمله <إن یشأ . ..> باید بیان امری خلاف عادت و سیر طبیعی باشد. از موارد محتمل آن است که نسلی قبل از درنگ عادی خود از صحنه تاریخ حذف و نابود گردد.

۱۴ پدید آوردن نسلها و جوامع موجود به جای اقوام پیشین، نشان قدرت الهی بر نابود ساختن جوامع ستم پیشه

إن یشأ یذهبکم . .. کما أنشأکم من ذریه قوم ءاخرین

رسوم پیشینیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - مائده - ۵ - ۱۰۴ - ۱۰،۱۱

۱۰ احترام و اهمیت دادن به سنت های پیشینیان از عوامل گرایش جوامع به خرافات

ما جعل اللّه من بحیره . .. قالوا حسبنا ما وجدنا علیه ءاباءنا

۱۱ وفاداری جوامع به آراء و اندیشه های باطل پیشینیان ، جلوگیر بروز اندیشه های نو و بر حق در میان آنان

و إذا قیل لهم تعالوا . .. قالوا حسبنا ما وجدنا علیه ءاباءنا

عبرت از پیشینیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۵۳ - ۱۳

۱۳ ضرورت پندآموزی و عبرت گیری ، از سرنوشت گذشتگان

يسئلك أهل الكتب . ..

فأخذتهم الصعقه بظلمهم

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۱۰۲ – ۸

۸ لزوم عبرت گیری از سرگذشت پیشینیان

قد سألها قوم . .. ثم اصبحوا بها کفرین

عبرت از سرنوشت پیشینیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۷۴ – ۶

۶ مطالعه سرنوشت پیشینیان ، تأثیری بسزا در پندگیری انسان دارد .

إذ جعلکم خلفاء من بعد عاد

عذاب پیشینیان کافر

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۰۰ – ۱

۱ برخی از اقوام پیشین بر اثر کفرپیشگی و ارتکاب گناه به عذاب الهی گرفتار شدند و توان درک معارف دینی از آنان سلب شد .

أو لم یهد للذین یرثون . .. أن لو نشاء أصبنهم بذنوبهم و نطبع علی قلوبهم

عقیده پیشینیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۴ – مائده – ۵ – ۷۷ – ۱۲

۱۲ پیروان ادیان الهی در خطر پیروی از عقاید پوچ و تمایلات هواپرستانه گذشتگان خویش

و لاتتبعوا اهواء قوم قد ضلوا من قبل

علم به پیشینیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲۴ - ۱،۲

۱- خداوند ، بی تردید به احوال نسل های پیشین و نسل های آینده ، آگاه است .

و لقد علمنا المستقدمین منکم و لقد علمنا المستئخرین

مقصود از علم خداوند به پیشینیان و آیندگان، می تواند علم به وجود خود آنان باشد و می تواند علم به احوال آنها باشد. برداشت فوق مبتنی بر احتمال دوم است.

۲- به یقین ، خداوند به

نسل های پیشین و به وجود نسل های آینده بشر ، آگاه است .

و لقد علمنا المستقدمین منکم و لقد علمنا المستئخرین

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۹ - حجر - ۱۵ - ۲۵ - ۸

۸- به دست خداوند بودن مرگ و حیات انسان ها ، دلیل علم او بر احوال انسان ها در گذشته و آینده

و إنا لنحن نحی و نمیت . .. و لقد علمنا المستئخرین . و إن ربّک هو یحشرهم

برداشت فوق، بر این احتمال که ذکر <إنا لنحن نحیی و نمیت> قبل از <و لقد علمنا. ..> و ذکر <إن ربک هو یحشرهم> پس از آن، می تواند به منظور اقامه دلیل برای آن باشد. طبق این احتمال، معنای آیه چنین می شود: ما به احوال پیشینیان و آیندگان آگاهی داریم; چرا که خود ما میراننده و زنده کننده همه هستیم.

عوامل ابتلای پیشینیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۴۲ - ۳

۳ گرفتاری امتهای گذشته به سختیها و کاستیها بر اثر مخالفت با انبیای الهی

و لقد أرسلنا إلی أمم من قبلک فأخدنهم بالبأساء و الضراء

با توجه به آیات قبل، که درباره تکذیب آیات الهی و انبیا بود، می توان گفت جمله <فأخذناهم> نتیجه تکذیب آنان است ; یعنی: <فکذبوا فأخذناهم>.

فرجام پیشینیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲ - بقره - ۲ - ۲۱۱ - ۳

۳ لزوم تحقیق در سرگذشت امّت های پیشین و پندآموزی از تاریخ آنان

سَلْ بنی اسرائیل کم اتیناهم . .. فانّ اللّه شدید العقاب

آیه – فیش

۵ – انعام – ۶ – ۶ – ۳

۳ آگاهی کافران عصر پیامبر(ص) از سرنوشت امتهای پیشین

ألم یروا کم أهلکنا من قبلهم من قرن مکنهم فی الأرض

از اینکه می فرماید <ألم یروا>، معلوم می شود تاریخ گذشتگان در دسترس کافران بوده و از آن اطلاع داشته اند.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۰۰ – ۴

۴ پندناپذیری مردم از عاقبت شوم گذشتگان ، امری نابخردانه و شگفت آور

أو لم یهد للذین یرثون . .. أن لو نشاء أصبنهم

همزه استفهام در <او لم یهد> برای تعجب است. یعنی عقل اقتضای پندپذیری دارد و از انسان مدعی عقل شگفت آور است که پند نگیرد.

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – انفال – ۸ – ۳۸ – ۳

۳ گرفتار شدن به سرنوشت شوم پیشینیان ، تهدید الهی نسبت به کافران ستیزه گر علیه اسلام

و إن یعودوا فقد مضت سنت الأولین

جواب شرط <إن یعودوا . .. > حذف شده و جمله <فقد مضت ... > جانشین آن می باشد و تقدیر کلام چنین است: <و إن یعودوا فانتقمنا منهم کما انتقمنا من الأولین ... .>

قصه پیشینیان

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۶ – اعراف – ۷ – ۱۰۱ – ۱

۱ خداوند بیان کننده داستانهایی از سرگذشت اقوام پیشین برای پیامبر (ص)

تلک القری نقص علیک من أنبائها

کتب آسمانی پیشینیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۴ - نساء - ۴ - ۱۳۱ - ۶

۶ اعطای کتاب آسمانی به امت های پیش از

اسلام

و لقد وصینا الذین اوتوا الکتب من قبلکم

لعن بر پیشینیان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - اعراف - ۷ - ۳۸ - ۱۴

۱۴ امتهای مشرک و گمراه به خاطر فراهم سازی زمینه های ضلالت برای نسلهای بعد، در قیامت مورد لعن و نفرین آنان قرار می گیرند.

لعنت أختها . .. قالت أخریهم لأولیهم ربنا هؤلاء أضلونا

چنانچه مخاطب <ادخلوا> به قرینه آیه ۳۵ همه بنی آدم باشد، مراد از <أمم قد خلت . ..> انسانها و جنیان مشرکی خواهد بود که پیش از نسل بنی آدم می زیسته اند. و اگر مخاطب آن انسانهایی باشد که پس از نزول قرآن به وجود آمده و می آیند، مقصود از <أمم> امتهای مشرک و کافری از نسل بنی آدم است که پس از امت مشرک پیشین به صحنه زندگی می آیند. برداشت فوق مبتنی بر احتمال دوم است. گفتنی است که بر این فرض مراد از <امت أولی> نسل قبل و مراد از <امت أخری> نسل بعدی می باشد.

پیمانه از دیدگاه قرآن در تفسیر راهنما

پیمانه

پیمانه در صدر اسلام

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۳ - ۴

۴ - پیمانه و ترازو ، دو ابزار معتبر برای سنجش کالا و مرسوم در عصر بعثت

و إذا کالوهم أو وزنوهم

پیمانه در مصرباستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۲ - ۴

۴ وجود وزن و کیل رسمی و قانونی در مصر زمان یوسف *

قالوا نفقد صواع الملك

اضافه <صواع> به <ملك> (پیمانه پادشاه) می رساند که آن پیمانه را پادشاه تعیین کرده بود ;

چه برای همه اشیایی که با پیمانه کردن داد و ستد می شد و چه برای خصوص پیمانه کردن سهمیه غلات افراد در زمان قحطی.

پیمانه در معامله

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۵ - انعام - ۶ - ۱۵۲ - ۶،۷

۶ پر کردن پیمانه ها و مطابق بودن کالا با وزنه های ترازو، امری واجب در مبادله کالاها

و أوفوا الکیل و المیزان

<کیل> به معنای پیمانه کردن و نیز به چیزی که با آن کیل می کنند (پیمانه) گفته می شود و در اینجا مراد معنای دوم است. ایفاء (مصدر اوفوا) به معنای اکمال و اتمام است. اتمام و اکمال پیمانه به این است که پیمانه مورد استفاده تا حد معمول آن پر شود و ایفاء و اکمال ترازو به این است که کالای توزین شده مطابق با وزنه های ترازو بوده و کمتر از آن نباشد.

۷ در مبادله کالا باید از پیمانه و ترازو و وزنه های صحیح استفاده کرد.

و أوفوا الکیل و المیزان بالقسط

<میزان> به ترازو و نیز وزنه های آن گفته می شود. <بالقسط> هم می تواند برای <أوفوا> باشد، که در این صورت قیدی توضیحی و برای تأکید است، و هم می تواند قید برای کیل و میزان باشد. یعنی پیمانه، ترازو و وزنه ها باید متعادل بوده، پیمانه کوچکتر از حد متعارف نباشد و ترازو خراب نبوده و وزنه ها کاستی نداشته باشد.

پیمانه دوران قحطی مصرباستان

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۲ - ۳

۳ جام شاهی ، وسیله پیمانه کردن غلات برای تعیین سهمیه افراد در

دوران قحطی هفت ساله مصر

جعل السقایه فی رحل أخیه . .. نفقد صواع الملك

تعبیر کردن از جام گمشده به <سقایه> (جام) و <صواع> (پیمانه) گویای این است که پیمانه مورد استفاده برای تعیین سهمیه افراد، همان ظرفی بود که پیش از سپردن آن به یوسف(ع) برای نوشیدن آب و مانند آن مورد استفاده پادشاه قرار می گرفته بود.

تاریخ پیمانه

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۸ - یوسف - ۱۲ - ۷۲ - ۴

۴ وجود وزن و کیل رسمی و قانونی در مصر زمان یوسف *

قالوا نفقد صواع الملك

اضافه <صواع> به <ملك> (پیمانه پادشاه) می رساند که آن پیمانه را پادشاه تعیین کرده بود ; چه برای همه اشیایی که با پیمانه کردن داد و ستد می شد و چه برای خصوص پیمانه کردن سهمیه غلات افراد در زمان قحطی.

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۲ - ۲

۲ - سابقه دیرینه تجارت و سنجش کالا با پیمانه

اکتالوا

جلد - نام سوره - سوره - آیه - فیش

۲۰ - مطففین - ۸۳ - ۳ - ۴

۴ - پیمانه و ترازو ، دو ابزار معتبر برای سنجش کالا و مرسوم در عصر بعثت

و إذا کالوهم أو وزنوهم

شعیب(ع) و پیمانه

جلد – نام سوره – سوره – آیه – فیش

۸ – هود – ۱۱ – ۸۴ – ۲۷

۲۷ < عن علی ابن الحسین (ع) قال : إن أوّل من عمل المکیال والمیزان شعیب النبی (ع) عمله بیده . . . ;

از امام سجاد(ع) روایت شده است که فرمود: اول کسی که ابزار کیل

و وزن ساخت، شعیب پیغمبر بود و با دست خود آن را ساخت>.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹